



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

بیان احکام

با کلام ائمه علیهم السلام



(گزیده کتاب کافی و اصول دیگر)

مؤلف: محمد منتظر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیان احکام با کلام ائمه علیهم السلام : گزیده کتاب کافی و اصول دیگر

نویسنده:

محمد منتظر

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۳۴	بیان احکام با کلام ائمه علیهم السلام : گزیده کتاب کافی و اصول دیگر
۳۴	مشخصات کتاب
۳۴	اشاره
۳۶	کتاب طهارت
۳۶	۱- پاک بودن و پاک کنندگی آب
۳۶	۲- حکم آب دریا
۳۶	۳- استعمال آب مشکوک اشکالی ندارد
۳۷	۴- آبی که چیزی نجسش نمی کند
۳۸	۵- آب قلیل
۳۸	۶- آبی که با دست نجس آلوده شده است
۳۹	۷- آبی که مردار در آن افتاده است
۳۹	۸- چاه و آنچه در آن می افتد
۴۰	۹- چاهی که در کنار چاه فاضلاب قرار دارد
۴۱	۱۰- وضو گرفتن از آب پس خورده چهار پایان، درندگان و پرندگان
۴۲	۱۱- وضو گرفتن از پس خورده یهودی، مسیحی و ناصبی
۴۳	۱۲- مخلوط شدن آب باران با بول
۴۳	۱۳- حکم آنچه از آب غسل جنب در ظرف می ریزد
۴۴	۱۴- حکم انسانی که لباسش در آب استنجا می افتد
۴۴	۱۵- استبراء از ادرار و شستن آن، و حکم کسی که آب نیابد
۴۵	۱۶- مقدار آبی که در وضو و غسل کفایت می کند
۴۷	۱۷- مسواک زدن
۴۷	۱۸- مضمضه و استنشاق
۴۷	۱۹- چگونگی وضو
۴۹	۲۰- اندازه شستن صورت و دو دست و چگونگی شستن آنها
۵۱	۲۱- مسح سر و پاها

- ۲۲- جبیره و شکستگی و زخم های ناشی از جراحی ۵۱
- ۲۳- شک در وضو ۵۲
- ۲۴- مبطلات وضو ۵۳
- ۲۵- مذی و ودی ۵۳
- ۲۶- اقسام غسل ۵۴
- ۲۷- غسلی که از چند غسل کفایت می نماید ۵۶
- ۲۸- غسل روز جمعه ۵۶
- ۲۹- چگونگی غسل ۵۸
- ۳۰- وضوی بعد از غسل ۵۹
- ۳۱- تکان دادن انگشتر، دست بند و انگو به هنگام غسل و وضو ۵۹
- ۳۲- موجبات غسل مرد و زن ۶۰
- ۳۳- محتلم شدن مرد و زن ۶۰
- ۳۴- حکم لباس و بدنی که به ادرار آلوده شود ۶۱
- ۳۵- حکم لباسی که به خون و چرک آلوده شود ۶۲
- ۳۶- چگونگی تیمم ۶۳
- ۳۷- هنگام وجوب تیمم و حکم کسی که پس از تیمم آب می یابد ۶۳
- ۳۸- تیمم با گل ۶۴
- ۳۹- کسی که شکستگی، آبله، و یا جراحی داشته و جنب شده است ۶۵
- احکام بانوان ۶۶
- ۴۰- حیض ۶۶
- ۴۱- کمترین و بیشترین روزهای حیض و کمترین روزهای پاکی ۶۶
- ۴۲- حکم زنی که پیش از ایام حیض، یا پس از پاک شدنش خون می بیند ۶۷
- ۴۳- حکم لکه زردی که زن پیش و پس از حیض می بیند ۶۷
- ۴۴- نخستین باری که زن حائض می شود ۶۷
- ۴۵- زنی که در حال جنابت، خون می بیند ۶۸
- ۴۶- شناسایی خون حیض از خون استحاضه ۶۸
- ۴۷- شناسایی خون حیض از خون بکارت و جراحی ۶۹

- ۴۸- زن برداری که خون می بیند ۷۰
- ۴۹- زن حائض می تواند هر ذکری را بگوید و قرآن بخواند ۷۰
- ۵۰- زنی که بعد از فرا رسیدن وقت نماز و پیش از خواندن آن حائض می گردد یا پیش از دخول وقت پاک می شود و در غسل سهیل انگاری می کند ۷۱
- ۵۱- حکم زنی که در حال نماز احساس می کند که حائض شده است ۷۲
- ۵۲- زن حائض روزه را قضا می کند و نماز را قضا نمی کند ۷۲
- احکام مردگان ۷۳
- ۵۳- علل و اسباب مرگ و این که مؤمن به هر نوعی از مرگ می میرد ۷۳
- ۵۴- تلقین میت ۷۴
- ۵۵- وقتی که مرگ بر میت دشوار، و جان کندن بر او سخت شود ۷۴
- ۵۶- رو به قبله نمودن میت ۷۵
- ۵۷- آنچه مؤمن و کافر به هنگام مرگ می بینند ۷۵
- ۵۸- بیرون آوردن روح مؤمن و کافر ۷۶
- ۵۹- تعجیل در دفن میت ۷۷
- ۶۰- غسل میت ۷۷
- ۶۱- حنوط و کفن میت ۷۹
- ۶۲- چگونگی تکفین زن ۸۰
- ۶۳- مقدار آب و کافور که برای غسل میت لازم است ۸۱
- ۶۴- شاخه □ درخت خرمایی که کنار میت نهاده می شود ۸۲
- ۶۵- کسی که در حال جنابت یا حیض یا نفاس می میرد ۸۴
- ۶۶- کوتاه کردن مو و ناخن میت ۸۴
- ۶۷- حکم چیزی که پس از غسل، از میت بیرون می آید ۸۴
- ۶۸- غسل کسی که میت را غسل می دهد و کسی که بدن میت را تا هنگامی که گرم است، و یا سرد است، مس می کند ۸۵
- ۶۹- اندازه □ حفر قبر و لحد ۸۵
- ۷۰- نماز بر جنازه های مردان، زنان و کودکان ۸۶
- ۷۱- مکانی که امام به هنگام نماز میت می ایستد ۸۷
- ۷۲- کسی که بر جنازه ای بدون وضو نماز می گذارد ۸۷
- ۷۳- نماز زنان بر میت ۸۸

- ۷۴- وقت نماز بر جنازه ها ۸۸
- ۷۵- علت پنج تکبیر گفتن بر جنازه ۸۸
- ۷۶- نماز بر مؤمن و تکبیر و دعا ۸۹
- ۷۷- در نماز میت دعایی معین و سلام نیست ۹۰
- ۷۸- نماز بر مستضعف در عقیده و آن که از نظر مذهب ناشناس است ۹۱
- ۷۹- نماز میت بر دشمن اهل بیت صلوات الله علیهم ۹۲
- ۸۰- نهادن میت در قبر ۹۴
- ۸۱- داخل شدن در قبر و بیرون شدن از آن ۹۴
- ۸۲- نهادن میت در قبر و تلقین او ۹۵
- ۸۳- زنی که می میرد و در رحم او کودک زنده ای باشد ۹۶
- ۸۴- غسل دادن اطفال و کودکان و نماز گزاردن بر آنان ۹۶
- ۸۵- پرسش در قبر، از چه کسی پرسیده می شود و از چه کسی پرسیده نمی شود ۹۷
- کتاب نماز ۱۰۵
- ۸۶- فضیلت نماز ۱۰۵
- ۸۷- کسی که از نماز خود مواظبت کند، و کسی که آن را ضایع و تباه سازد ۱۰۵
- ۸۸- نمازهای واجب و مستحبی در شبانه روز ۱۰۶
- ۸۹- واجبات نماز و اینکه نماز اعاده نمی شود مگر برای پنج چیز ۱۰۸
- ۹۰- اوقات نماز ۱۰۹
- ۹۱- وقت نماز ظهر و عصر ۱۰۹
- ۹۲- وقت نماز مغرب و عشا ۱۱۰
- ۹۳- وقت نماز صبح ۱۱۱
- ۹۴- نماز به غیر قبله ۱۱۲
- ۹۵- نماز متحیر به قبله ۱۱۳
- ۹۶- جمع بین دو نماز ۱۱۳
- ۹۷- نمازهای که می توان در همه اوقات خواند ۱۱۴
- ۹۸- کسی که به خواب رفته و نماز نخوانده، یا این که آن را فراموش نماید ۱۱۴
- ۹۹- تقدم و تأخر مرد و زن در صف نماز ۱۱۵

- ۱۰۰- کیفیت اذان و اقامه ۱۱۶
- ۱۰۱- انجام یک نماز کامل توسط حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه ۱۱۷
- ۱۰۲- تعلیم نماز توسط امام صادق صلوات الله علیه ۱۲۰
- ۱۰۳- آغاز نماز حد تکبیر ۱۲۲
- ۱۰۴- قرائت در نماز ۱۲۳
- ۱۰۵- قرائت و تسبیح در دو رکعت آخر نماز ۱۲۵
- ۱۰۶- جهر و اخفات در نمازها ۱۲۶
- ۱۰۷- قنوت نماز ۱۲۷
- ۱۰۸- ذکر رکوع و سجود ۱۲۸
- ۱۰۹- هرگاه از دو رکعت تمام شده برخاستی ۱۲۹
- ۱۱۰- تشهد نماز ۱۲۹
- ۱۱۱- سلام نماز ۱۳۰
- ۱۱۲- چیزهای که می توان بر آنها سجده کرد و چیزهایی که سجده بر آنها نباید کرد ۱۳۱
- ۱۱۳- تفاوت های مردان و زنان در نماز ۱۳۲
- ۱۱۴- تسبیحات حضرت زهرا صلوات الله علیها ۱۳۴
- ۱۱۵- سجده شکر ۱۳۵
- ۱۱۶- لعن بعد از نماز ۱۳۶
- ۱۱۷- سهو در آغاز نماز ۱۳۶
- ۱۱۸- سهو در قرائت ۱۳۶
- ۱۱۹- سهو در رکوع ۱۳۷
- ۱۲۰- سهو در سجود ۱۳۸
- ۱۲۱- سهو در دو رکعت اول ۱۳۸
- ۱۲۲- سهو در نماز صبح و مغرب ۱۳۸
- ۱۲۳- سهو در رکعت سوم و چهارم ۱۳۹
- ۱۲۴- سهو در رکعت دوم و چهارم ۱۳۹
- ۱۲۵- کسی که در رکعت چهارم و پنجم شک کند ۱۴۰
- ۱۲۶- کسی که در نماز سخن بگوید ۱۴۱

- ۱۲۷- کسی که تشهد و سلام را فراموش می کند ----- ۱۴۱
- ۱۲۸- سهو در سلام نماز ----- ۱۴۲
- ۱۲۹- ذکر سجده سهو ----- ۱۴۳
- ۱۳۰- کسی در همه ی نمازهایش شک می کند و کسی که سهو و فراموشی بر او زیاد می شود ----- ۱۴۴
- ۱۳۱- باطل شدن نماز به وسیله ی خنده ----- ۱۴۵
- ۱۳۲- سلام کردن بر نماز گزار و حکم عطسه در نماز ----- ۱۴۵
- ۱۳۳- فضیلت و برتری نماز جماعت ----- ۱۴۶
- ۱۳۴- نماز پشت سر کسی که به او اقتدا نمی شود ----- ۱۴۶
- ۱۳۵- امام جماعتی که اقتدا به او مکروه است ----- ۱۴۹
- ۱۳۶- نماز در پشت سر کسی که اقتدا می شود، و حکم قرائت در پشت سر او ----- ۱۵۰
- ۱۳۷- شخصی که قسمتی از نماز خود را با امام درک می کند ----- ۱۵۰
- ۱۳۸- نماز در کلیساها و کنیسه ها و خانه های مجوس ----- ۱۵۱
- ۱۳۹- نماز خواندن در یک لباس و تعداد لباس های زنان در نماز ----- ۱۵۱
- ۱۴۰- نماز برهنگان ----- ۱۵۲
- ۱۴۱- حکم کسی که در لباس نجس دانسته یا ندانسته نماز می خواند ----- ۱۵۲
- ۱۴۲- نماز کودکان و آنان چه وقتی باید شروع به نماز خواندن کنند ----- ۱۵۳
- ۱۴۳- چگونگی نماز پیران و بیماران ----- ۱۵۴
- ۱۴۴- وجوب نماز جمعه ----- ۱۵۵
- ۱۴۵- وقت نماز جمعه ----- ۱۵۵
- ۱۴۶- نحوه ی خواندن نماز جمعه ----- ۱۵۶
- ۱۴۷- قنوت در نماز جمعه ----- ۱۵۷
- ۱۴۸- نماز جمعه اقامه نمی شود مگر با حضور امام معصوم و یا کسیکه از طرف امام معصوم منصوب شده باشد. ----- ۱۵۷
- بخش های مربوط به احکام نماز در سفر ----- ۱۶۰
- ۱۴۹- نماز مسافر دو رکعتی است ----- ۱۶۰
- ۱۵۰- مقدار مسافتی که نماز در آن قصر می شود ----- ۱۶۰
- ۱۵۱- کسی که می خواهد سفر کند، یا از سفر باز می گردد چه هنگامی باید نماز را شکسته یا تمام بخواند ----- ۱۶۰
- ۱۵۲- نماز قضا در سفر ----- ۱۶۱

- ۱۵۳- مسافری که به شهری می آید تا چند روز باید نماز را شکسته بخواند ----- ۱۶۱
- ۱۵۴- مسافری که در نماز به شخص غیر مسافر اقتدا می کند ----- ۱۶۲
- ۱۵۵- نماز در کشتی ----- ۱۶۲
- ۱۵۶- نمازهای نافله، و اوقات آن، و ثواب آن ----- ۱۶۳
- ۱۵۷- نماز خوف و ترس ----- ۱۶۴
- ۱۵۸- نحوه ی خواندن نماز عید فطر و عید قربان ----- ۱۶۵
- ۱۵۹- وجوب نماز عید فطر و عید قربان همراه با امام معصوم است ----- ۱۶۶
- ۱۶۰- جایز است نماز عیدین را بدون حضور امام معصوم به صورت منفرد خواند ----- ۱۶۷
- ۱۶۱- نماز آیات و نحوه ی خواندن آن ----- ۱۶۸
- کتاب زکات ----- ۱۷۰
- ۱۶۲- وجوب زکات و حقوق واجب اموال ----- ۱۷۰
- ۱۶۳- عدم پرداخت زکات ----- ۱۷۱
- ۱۶۴- علت وضع زکات بدون کم و زیادی ----- ۱۷۱
- ۱۶۵- آنچه را رسول الله صلی الله علیه و آله به عنوان زکات مقرر فرمودند ----- ۱۷۲
- ۱۶۶- کمترین نصاب زکات محصولات ----- ۱۷۲
- ۱۶۷- زکات طلا و نقره ----- ۱۷۳
- ۱۶۸- زیور آلات و جواهرات زکات ندارند ----- ۱۷۳
- ۱۶۹- زمان پرداخت زکات ----- ۱۷۴
- ۱۷۰- زکات شتر ----- ۱۷۴
- ۱۷۱- زکات گوسفند و گاو ----- ۱۷۵
- ۱۷۲- حکمی شخصی که به گمان خود به تنگدستی زکات می پردازد، آنگاه معلوم می شود که ثروتمند بود ----- ۱۷۶
- ۱۷۳- زکات را فقط به اهل ولایت باید پرداخت کرد ----- ۱۷۶
- ۱۷۴- کسی که از قیمت زکاتش می پردازد ----- ۱۷۷
- ۱۷۵- کسی که اخذ زکات بر او حلال است و کسی که اخذ زکات بر او حلال نیست و کسی مال کمی دارد ----- ۱۷۷
- ۱۷۶- کسی که زکات بر او حلال است، ولی از گرفتن آن خودداری می کند ----- ۱۷۸
- ۱۷۷- صدقه بر بنی هاشم ----- ۱۷۸
- ۱۷۸- خمس در زمان غیبت مباح است ----- ۱۸۰

- ۱۷۹- کیفر کسی که بدون اذن معصوم در خمس دخل و تصرف کرده و آن را به مصرف می رساند ----- ۱۸۲
- کتاب روزه ----- ۱۸۶
- ۱۸۰- فضیلت روزه و روزه دار ----- ۱۸۶
- ۱۸۱- فضیلت ماه رمضان ----- ۱۸۶
- ۱۸۲- پاداش کسی که به روزه داری افطاری دهد ----- ۱۸۷
- ۱۸۳- نهی از گفتن رمضان بدون کلمه ماه ----- ۱۸۷
- ۱۸۴- هلال ماه ها و گواهی دادن بر آن ها ----- ۱۸۸
- ۱۸۵- حکم روزی که مورد شک قرار می گیرد که آن از ماه رمضان است یا از شعبان ----- ۱۸۹
- ۱۸۶- اقسام روزه ----- ۱۸۹
- ۱۸۷- آداب روزه ----- ۱۹۴
- ۱۸۸- اجتناب از چهار چیز ----- ۱۹۴
- ۱۸۹- کذب بر الله و رسول الله و ائمه اطهار صلوات الله علیهم ----- ۱۹۴
- ۱۹۰- استحباب سحری خوردن ----- ۱۹۵
- ۱۹۱- دعای روزه دار به هنگام افطار ----- ۱۹۵
- ۱۹۲- حکم کسی که با شک در طلوع فجر و یا بعد از طلوع آن بخورد و بنوشد ----- ۱۹۵
- ۱۹۳- کی فجر باز می شود؟ و کی خوردن و آشامیدن حرام می گردد ----- ۱۹۶
- ۱۹۴- حکم کسی که پنداشت شب فرا رسیده است پس هنوز شب نشده افطار نمود ----- ۱۹۷
- ۱۹۵- هنگام افطار ----- ۱۹۷
- ۱۹۶- حکم کسی که در ماه رمضان از روی فراموشی غذا بخورد و بیاشامد ----- ۱۹۸
- ۱۹۷- حکم کسی که در ماه رمضان از روی عمد بدون عذر افطار و یا جماع نماید ----- ۱۹۸
- ۱۹۸- حکم کسی که در ماه رمضان جنب شود و غسل نکند تا صبح فرا رسد و کسی که در روز ماه رمضان محتلم گردد ----- ۱۹۹
- ۱۹۹- حکم مضمضه و استنشاق ----- ۱۹۹
- ۲۰۰- حکم روزه داری که از روی عمد یا بدون اختیار استفرغ کند و یا چیزی از معده او بیرون می آید ----- ۲۰۰
- ۲۰۱- حکم روزه داری که بر بینی و گوش او دارو ریخته می شود یا تنقیه می کند ----- ۲۰۰
- ۲۰۲- حکم روزه داری که سرمه می کشد و برای چشمش دارو می ریزد ----- ۲۰۱
- ۲۰۳- حکم روزه داری که دندانش را بکشد ----- ۲۰۲
- ۲۰۴- حکم مسواک زدن برای روزه دار ----- ۲۰۲

- ۲۰۵- حکم عطر زدن و بوئیدن گل ها برای روزه دار ----- ۲۰۲
- ۲۰۶- حکم جویدن هر نوعه جویدنی ----- ۲۰۳
- ۲۰۷- حکم روزه داری که غذای دیگ را می چشد و غذای جوجه را می جود ----- ۲۰۳
- ۲۰۸- حکم روزه داری که خلط را فرو می برد و کسی که مگس وارد گلویش می شود ----- ۲۰۴
- ۲۰۹- پیر مرد و پیر زنی که توان روزه ندارند ----- ۲۰۴
- ۲۱۰- حکم کسی که تشنگی بر او غلبه کند به گونه ای که بر جان خود بترسد ----- ۲۰۵
- ۲۱۱- حکم زن باردار و شیردهی که از روزه گرفتن ناتوان می شوند ----- ۲۰۵
- ۲۱۲- انسان در چه بیماری می تواند روزه خود را بخورد ----- ۲۰۶
- ۲۱۳- حکم کسی که دو ماه رمضان پشت سر هم بر او بگذرد ----- ۲۰۶
- ۲۱۴- قضای ماه رمضان ----- ۲۰۷
- ۲۱۵- حکم کسی که با اراده روزه صبح می کند پس افطار می نماید و حکم کسی که با عدم اراده روزه صبح می کند پس روزه قضای ماه رمضان و غیر آن را می گیرد ----- ۲۰۷
- ۲۱۶- حکم کسی که روزه مستحبی می گیرد با آن که قضای روزه ماه رمضان دارد ----- ۲۰۹
- ۲۱۷- حکم کسی که می میرد و بر ذمه ی او روزه ماه رمضان و غیر آن وجود دارد ----- ۲۰۹
- ۲۱۸- حکم روزه کودکان و کی آنها به سبب روزه مؤاخذه می شوند ----- ۲۰۹
- ۲۱۹- حکم کسی که در ماه رمضان مسلمان شود ----- ۲۱۱
- ۲۲۰- کراهت سفر در ماه رمضان ----- ۲۱۱
- ۲۲۱- افطار در سفر صدقه الهی است ----- ۲۱۲
- ۲۲۲- حکم کسی که ندانسته در سفر روزه بگیرد ----- ۲۱۳
- ۲۲۳- کسی که افطار و تقصیر در سفر بر او واجب نیست و کسی که این حکم بر او واجب است ----- ۲۱۳
- ۲۲۴- روزه مستحبی در سفر ----- ۲۱۴
- ۲۲۵- حکم کسی که در ماه رمضان قصد سفر دارد، یا از سفر بر می گردد ----- ۲۱۴
- ۲۲۶- حکم کسی که وارد شهری شد و تصمیم دارد در آن بماند یا چنین تصمیمی ندارد ----- ۲۱۵
- ۲۲۷- روزه حائض و مستحاضه ----- ۲۱۵
- ۲۲۸- حکم کسی که روزه دو ماه پشت سر هم بر او واجب شود، پس کاری پیشامد کند که از تمام کردن آن باز دارد ----- ۲۱۶
- ۲۲۹- روزه کفار سوگند ----- ۲۱۷
- ۲۳۰- حکم کسی که بر خود روزه معینی را واجب نماید و کسی که نذر کرده به هنگام شکر روزه بگیرد ----- ۲۱۷
- ۲۳۱- کفار روزه واجب و فدیة آن ----- ۲۱۸

- ۲۲۲- روزه عرفه و عاشورا ۲۱۸
- ۲۳۳- روزه عید فطر، قربان و ایام تشریق ۲۱۹
- ۲۳۴- روزه ترغیب (عید غدیر خم، عید ولایت) ۲۲۰
- ۲۳۵- فضیلت افطار نمودن روزه مستحبی در نزد برادر دینی به هنگام درخواست او ۲۲۲
- ۲۳۶- جواز روزه مستحبی فقط به اذن دیگری ۲۲۲
- ۲۳۷- با آنچه افطار نمودن مستحب است ۲۲۳
- ۲۳۸- انجام غسل در ماه رمضان (غسل شب های قدر) ۲۲۳
- ۲۳۹- شب قدر ۲۲۴
- ۲۴۰- نماز تراویح بدعت عمر (نوافل به جماعت خوانده نمی شوند) ۲۲۷
- ۲۴۱- تکبیر شب فطر و روز آن ۲۲۸
- ۲۴۲- روز فطر ۲۲۸
- ۲۴۳- اموری که پس از صحت رؤیت هلال و ثبوت عید فطر برای کسانی که روزه اند واجب می شود ۲۲۹
- ۲۴۴- مخالفین موفق به شناسایی روزه و روز عید نمی شوند ۲۲۹
- ۲۴۵- روز عید روز حزن و اندوه آل محمد صلوات الله علیهم ۲۳۰
- ۲۴۶- زکات فطره و کسانی که واجب است زکات فطره بدهند ۲۳۱
- ۲۴۷- مقدار فطره ۲۳۱
- ۲۴۸- زکات فطره از طرف شخص غائب ۲۳۲
- ۲۴۹- زکات فطره از جمیع عیال ۲۳۲
- ۲۵۰- زکات فطره از خوراکی که بیشتر از آن تغذیه می کند ۲۳۳
- ۲۵۱- زکات فطره به اهل ولایت داده می شود ۲۳۳
- ۲۵۲- فطره نوزادی که در روز عید فطر به دنیا می آید و کافری که تازه مسلمان می شود ۲۳۴
- ۲۵۳- فطره مهمان ۲۳۴
- ۲۵۴- چه کسانی مستحق زکات فطره هستند ۲۳۵
- ۲۵۵- بر مستحق فطره، واجب نیست که فطره دهد ۲۳۵
- کتاب حج ۲۳۶
- ۲۵۶- آغاز پیدایش حجر الاسود و سبب دست ساییدن به آن ۲۳۶
- ۲۵۷- آغاز خانه کعبه و طواف ۲۴۰

- ۲۴۳ - ۲۵۸- چگونگی حج آدم علیه السلام
- ۲۴۶ - ۲۵۹- چگونگی حج پیامبران
- ۲۴۷ - ۲۶۰- حکم آنچه در حرم پیدا می شود
- ۲۴۸ - ۲۶۱- فضیلت نگاه کردن به کعبه
- ۲۴۸ - ۲۶۲- حج رسول الله صلی الله علیه و آله
- ۲۴۸ - ۲۶۳- فضیلت حج و عمره و پاداش آنها
- ۲۴۹ - ۲۶۴- وجوب حج و عمره
- ۲۵۰ - ۲۶۵- انجام حج بر ثروتمندان همه ساله واجب است
- ۲۵۰ - ۲۶۶- استطاعت و توانایی بر انجام حج
- ۲۵۲ - ۲۶۷- حکم کسی که با توانایی انجام حج را به تأخیر می اندازد
- ۲۵۳ - ۲۶۸- حکم کسی که توانایی انجام حج را ندارد و فرد دیگری را با پرداخت هزینه روانه حج کند
- ۲۵۳ - ۲۶۹- حکم زنی که همسرش او را از حجه الاسلام باز دارد
- ۲۵۴ - ۲۷۰- ماه های حج
- ۲۵۴ - ۲۷۱- حج اکبر و حج اصغر
- ۲۵۵ - ۲۷۲- انواع حج
- ۲۵۵ - ۲۷۳- واجبات حج تمتع
- ۲۵۶ - ۲۷۴- حکم کسی که پیش از انجام حج واجب می میرد یا به انجام حج وصیت می کند
- ۲۵۷ - ۲۷۵- حکم نیابت زن از مرد
- ۲۵۸ - ۲۷۶- حکم نیابت از مخالفان مذهب
- ۲۵۸ - ۲۷۷- آداب حج نیابتی و نیت آن
- ۲۵۹ - ۲۷۸- حکم طواف و حج به نیابت از ائمه اطهار صلوات الله علیهم
- ۲۶۰ - ۲۷۹- حکم کسی که خویشان خود را در ثواب حج خود شریک می کند و با آنان صله رحم می نماید
- ۲۶۱ - ۲۸۰- میقات های احرام
- ۲۶۲ - ۲۸۱- حکم کسی که در غیر میقات محرم شود
- ۲۶۲ - ۲۸۲- حکم کسی که از میقات شهر خود بدون احرام عبور کند یا بدون احرام وارد مکه شود
- ۲۶۳ - ۲۸۳- واجبات احرام بستن
- ۲۶۴ - ۲۸۴- غسلی که برای احرام کفایت می کند و غسلی که کفایت نمی کند

- ۲۸۵- نماز احرام، احرام بستن و شرایط آن ۲۶۵
- ۲۸۶- نیت حج ۲۶۶
- ۲۸۷- لبیک گفتن ۲۶۷
- ۲۸۸- خودداری محرم از جدال و موارد مشابه ۲۶۸
- ۲۸۹- حکم سایه برای محرم ۲۷۰
- ۲۹۰- حکم عطر برای محرم ۲۷۱
- ۲۹۱- حکم محرمی که ناخن ها یا موها یا چیزی از آن را کوتاه می کند ۲۷۲
- ۲۹۲- حکم محرمی که جانوران را از خود دور می کند ۲۷۴
- ۲۹۳- چیزهای که کشتن آنها برای محرم جایز است و چیزهایی که کفاره آور است ۲۷۴
- ۲۹۴- حکم محرمی که ذبح می کند و برای چهارپای خود علف می چیند ۲۷۶
- ۲۹۵- حکم محرمی که از دنیا برود ۲۷۷
- ۲۹۶- حکم محرمی که ازدواج می کند، یا عقد ازدواج و طلاق جاری می کند ۲۷۷
- ۲۹۷- جماع در احرام ۲۷۷
- ۲۹۸- حکم محرمی که همسرش را می بوسد و به او با شهوت یا بدون شهوت نگاه می کند یا به زن دیگری نگاه می کند ۲۷۹
- ۲۹۹- حکم کسی که قربانی بر عهده او واجب گردد در کجا قربانی می تواند بکند ۲۸۰
- ۳۰۰- چگونگی ورود به حرم ۲۸۰
- ۳۰۱- قطع تلبیه^۱ محرم در حج تمتع ۲۸۱
- ۳۰۲- چگونگی ورود به مکه ۲۸۱
- ۳۰۳- چگونگی ورود به مسجد الحرام ۲۸۲
- ۳۰۴- دعا به هنگام رو به رو شدن با حجرالاسود و استلام آن ۲۸۳
- ۳۰۵- حکم استلام و مسح ۲۸۴
- ۳۰۶- ازدحام مردم برای حجرالاسود ۲۸۴
- ۳۰۷- طواف، دعا و استلام ارکان ۲۸۵
- ۳۰۸- ملتزم (پشت کعبه نزدیک رکن یمانی) و دعا در کنار آن ۲۸۷
- ۳۰۹- شک در طواف ۲۸۸
- ۳۱۰- حکم طواف بی وضو ۲۸۹
- ۳۱۱- حکم کسی که پیش از طواف سعی بین صفا و مروه نماید یا طواف را انجام دهد و سعی را به تأخیر اندازد ۲۹۰

- ۳۱۲- حکم طواف بیمار و کسی که بدون علت به صورت حمل شده طوافش دهند ----- ۲۹۰
- ۳۱۳- دو رکعت نماز طواف و وقت آنها و قرائت در آنها و دعای آنها ----- ۲۹۲
- ۳۱۴- کسی که فراموش کند دو رکعت نماز طواف را ----- ۲۹۳
- ۳۱۵- استلام حجرالاسود بعد از دو رکعت نماز و آشامیدن آب زمزم پیش از رفتن به صفا و مروه ----- ۲۹۴
- ۳۱۶- ایستادن در بالای صفا و دعا کردن ----- ۲۹۵
- ۳۱۷- سعی بین صفا و مروه و آنچه در آن گفته می شود ----- ۲۹۷
- ۳۱۸- حکم کسی که سعی را پیش از صفا و مروه شروع نماید یا بین صفا و مروه شک نماید ----- ۲۹۹
- ۳۱۹- استراحت در سعی و انجام آن به صورت سواری ----- ۳۰۰
- ۳۲۰- قطع نمودن سعی به جهت نماز یا غیر آن و سعی نمودن بدون وضو ----- ۳۰۱
- ۳۲۱- کوتاه کردن مو برای متمتع و بیرون آمدن او از احرام ----- ۳۰۱
- ۳۲۲- حکم کسی که عمره تمتع انجام می دهد و فراموش می کند که تقصیر نماید تا به حج احرام می بندند یا پیش از تقصیر سرش را می تراشد یا با همسرش نزدیکی می نماید ----- ۳۰۲
- ۳۲۳- احرام زن حائض و مستحاضه ----- ۳۰۳
- ۳۲۴- زن مستحاضه میتواند بیت را طواف نماید ----- ۳۰۵
- ۳۲۵- احرام روز هشتم ذی حجه ----- ۳۰۵
- ۳۲۶- انجام طواف حج تمتع پیش از رفتن به منا ----- ۳۰۶
- ۳۲۷- حرکت به سوی منا ----- ۳۰۶
- ۳۲۸- فرود آمدن به منا و حدود آن ----- ۳۰۷
- ۳۲۹- حرکت به سوی عرفات و حدود آن ----- ۳۰۹
- ۳۳۰- حکم پایان لبیک گفتن حاجی ----- ۳۱۰
- ۳۳۱- وقوف در عرفه و حدود موقف ----- ۳۱۰
- ۳۳۲- کوچ کردن از عرفات ----- ۳۱۱
- ۳۳۳- رفتن به مزدلفه شب هنگام، ایستادن در دامنه ی کوه مشعر و فرود آمدن از آن و حدود آن ----- ۳۱۱
- ۳۳۴- حروله و تند روی در وادی مُحَسَّر ----- ۳۱۲
- ۳۳۵- حکم کسی که از وقوف در مشعر آگاهی نداشت ----- ۳۱۳
- ۳۳۶- سنگریزه از کجا برداشته می شود؟ و تعداد آنها چقدر است؟ ----- ۳۱۴
- ۳۳۷- فضیلت و پاداش رمی جمرات ----- ۳۱۶
- ۳۳۸- حکم کسی که رمی جمرات را فراموش کند، یا از مسئله آگاهی نداشته اند ----- ۳۱۷

- ۳۳۹- روزهای قربانی ----- ۳۱۸
- ۳۴۰- کمترین حد قربانی ----- ۳۱۸
- ۳۴۱- حکم وجوب قربانی و محل ذبح آن ----- ۳۱۹
- ۳۴۲- خوردن از قربانی واجب و صدقه دادن آن و بیرون بردن آن از منا ----- ۳۲۱
- ۳۴۳- تراشیدن سر و کوتاه نمودن مو و ناخن ----- ۳۲۲
- ۳۴۴- مواردی که برای مرد پس از تراشیدن سر پیش از زیارت بیت از لباس و عطر حلال می شود ----- ۳۲۴
- ۳۴۵- حکم کسی که قربانی نیابد ----- ۳۲۴
- ۳۴۶- زیارت بیت و غسل آن ----- ۳۲۵
- ۳۴۷- طواف نساء ----- ۳۲۸
- ۳۴۸- حکم کسی که شب هنگام در منا بیتوته کند ----- ۳۲۹
- ۳۴۹- تکبیر در ایام تشریق ----- ۳۳۰
- ۳۵۰- اتمام نماز در حرم مکه و مدینه ----- ۳۳۱
- ۳۵۱- وداع با کعبه ----- ۳۳۲
- ۳۵۲- انجام عمره مفرده و فرق عمره مفرده با حج تمتع ----- ۳۳۴
- ۳۵۳- حکم قطع لبیک گفتن محرم عمره مفرده و اعمال واجب بر او ----- ۳۳۵
- ۳۵۴- حکم کسی که در حال احرام به عمره مفرده با همسرش نزدیکی می کند و کفاره آن ----- ۳۳۷
- ۳۵۵- کامل شدن حج، با دیدار امام و زیارت رسول الله و ائمه اطهار صلوات الله علیهم است ----- ۳۳۷
- بخش های مربوط به زیارت ها ----- ۳۳۸
- ۳۵۶- زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله ----- ۳۳۸
- ۳۵۷- فضیلت بازگشت به مدینه ----- ۳۳۹
- ۳۵۸- ورود به مدینه، زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله و دعا نزد بارگاه آن حضرت ----- ۳۳۹
- ۳۵۹- زیارت ائمه بقیع صلوات الله علیهم ----- ۳۴۲
- ۳۶۰- زیارت مشاهد و قبور شهداء ----- ۳۴۳
- ۳۶۱- وداع با قبر رسول الله صلی الله علیه و آله ----- ۳۴۴
- ۳۶۲- فضیلت مسجد غدیر خم ----- ۳۴۵
- ۳۶۳- فضیلت زیارت و نماز نزد مقبره حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه ----- ۳۴۶
- ۳۶۴- زیارت و دعا در کنار قبر حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه ----- ۳۴۸

- ۳۶۵- فضیلت زیارت قبر حضرت حسین بن علی صلوات الله علیهما ----- ۳۵۰
- ۳۶۶- نماز در حرم حضرت امام حسین صلوات الله علیه ----- ۳۵۲
- ۳۶۷- زیارت قبر حضرت حسین بن علی صلوات الله علیهما ----- ۳۵۲
- ۳۶۸- زیارت حضرت عباس صلوات الله علیه چنان که از ائمه اطهار صلوات الله علیهم روایت شده است، و وداع با قبر آن بزرگوار ----- ۳۵۶
- ۳۶۹- فضیلت زیارت حضرت امام کاظم و حضرت امام جواد صلوات الله علیهما ----- ۳۵۸
- ۳۷۰- اعمال کنار قبر حضرت امام کاظم و حضرت امام جواد صلوات الله علیهما زیارتی که در بارگاه امامان صلوات الله علیهم کفایت میکند ----- ۳۶۰
- ۳۷۱- فضیلت زیارت ها و ثواب آنها ----- ۳۶۲
- ۳۷۲- فضیلت زیارت حضرت امام رضا صلوات الله علیه ----- ۳۶۲
- ۳۷۳- کیفیت زیارت حضرت امام رضا صلوات الله علیه و وداع با آن بزرگوار ----- ۳۶۴
- ۳۷۴- فضیلت زیارت دو امام همام، امام علی النقی و امام حسن عسکری صلوات الله علیهما، و آداب زیارت و دعا در صحن آن دو حضرت؛ صلوات الله علیهما ----- ۳۶۹
- ۳۷۵- زیارت امام پنهان از دیدگان، حاضر در دل های برگزیدگان، مورد انتظار در شب و روز، حضرت حجت فرزند حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیهما ----- ۳۷۱
- ۳۷۶- نماز در حرم های چهارگانه ----- ۳۷۶
- ۳۷۷- زیارت ائمه اطهار صلوات الله علیهم از راه دور، و ثواب زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها در قم ----- ۳۷۷
- کتاب جهاد ----- ۳۸۱
- ۳۷۸- فضیلت و ارزش جهاد ----- ۳۸۱
- ۳۷۹- جهاد مرد و زن ----- ۳۸۲
- ۳۸۰- انواع جهاد و مبارزه ----- ۳۸۲
- ۳۸۱- جهاد بر چه افرادی واجب و بر چه کسانی واجب نیست ----- ۳۸۳
- ۳۸۲- جهاد به همراه امام معصوم یا به اذن امام معصوم واجب است و جهاد با غیر امام معصوم و بدون اذن امام معصوم حرام است ----- ۳۹۶
- ۳۸۳- حکم کسی که قبل از قیام حضرت قائم صلوات الله علیه قیام کند ----- ۴۰۱
- ۳۸۴- حکم کسی که قبل از ظهور حضرت قائم صلوات الله علیه بیعت بگیرد و بیعت نکند ----- ۴۱۹
- ۳۸۵- رفتن عمر و بن عبید و معتزلیان نزد حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه و گفتگوی آنان در باره جهاد ----- ۴۵۲
- ۳۸۶- مرد می تواند دزد را از خود و خانواده اش دفع کند ----- ۴۶۲
- ۳۸۷- کسی که مظلومانه کشته شود ----- ۴۶۳
- ۳۸۸- فضیلت شهادت ----- ۴۶۴
- ۳۸۹- امر به معروف و نهی از منکر ----- ۴۶۵
- ۳۹۰- انکار کردن کار منکر و زشت با قلب ----- ۴۷۰

- ۳۹۱- امر به معروف و نهی از منکر در باره خانواده ----- ۴۷۲
- ۳۹۲- کسی که به خاطر جلب رضایت مخلوق، خالق را خشمگین کند ----- ۴۷۳
- ۳۹۳- کراهت دست زدن مؤمن به کاری که طاققت آن را ندارد ----- ۴۷۳
- کتاب معیشت و آداب زندگی ----- ۴۷۵
- ۳۹۴- میزان وجوب اقتدا به امامان صلوات الله علیهم در طلب رزق و روزی ----- ۴۷۵
- ۳۹۵- کمترین مقدار کار برای طلب رزق و روزی ----- ۴۷۷
- ۳۹۶- کراهت خوابیدن و بی کاری ----- ۴۷۷
- ۳۹۷- کراهت کسلی و تنبلی ----- ۴۷۹
- ۳۹۸- کراهت اجیر شدن ----- ۴۸۰
- ۳۹۹- قرض و بدهکاری ----- ۴۸۱
- ۴۰۰- پرداخت بدهکاری ----- ۴۸۳
- ۴۰۱- کسی که قرض کند ولی قصد پرداخت بدهی نداشته باشد ----- ۴۸۴
- ۴۰۲- مردی که ساختمان یا کشتی را کرایه می کند ----- ۴۸۵
- ۴۰۳- کسی که بدون بینه (شاهد گرفتن یا نوشتن) مالی را قرض بدهد ----- ۴۸۵
- ۴۰۴- کار برای پادشاه و گرفتن جایزه و پاداش او ----- ۴۸۶
- ۴۰۵- شرط امامان صلوات الله علیهم برای اجازه کار در دستگاه حکومتی ----- ۴۹۳
- ۴۰۶- شغل ها و حرفه ها ----- ۴۹۷
- ۴۰۷- درآمد های حلال و حرام ----- ۴۹۸
- ۴۰۸- اجرت نوحه گری ----- ۵۱۴
- ۴۰۹- اجرت معلم ----- ۵۱۵
- ۴۱۰- فروختن قرآن ها ----- ۵۱۶
- ۴۱۱- قمار و برد و باخت و مسابقه ----- ۵۱۷
- ۴۱۲- سُحت و موارد حرام ----- ۵۱۸
- ۴۱۳- خوردن مال یتیم ----- ۵۱۹
- ۴۱۴- مواردی که از مال یتیم به سرپرست او حلال است ----- ۵۲۰
- ۴۱۵- ادای امانت ----- ۵۲۱
- ۴۱۶- برداشتن زن از مال شوهرش و بالعکس ----- ۵۲۲

- ۴۱۷- اشیاء گم شده ۵۲۲
- ۴۱۸- ربا ۵۲۳
- ۴۱۹- بین مرد و فرزندش، و مملوکش ربا نیست ۵۲۴
- ۴۲۰- فضیلت و برتری تجارت و مراقبت از آن ۵۲۵
- ۴۲۱- آداب تجارت و خرید و فروش ۵۲۶
- ۴۲۲- غش و خیانت در معامله ۵۲۹
- ۴۲۳- قیمت ها ۵۲۹
- ۴۲۴- احتکار ۵۳۱
- ۴۲۵- معامله حیوان، لباس و چیزهای دیگر ۵۳۲
- ۴۲۶- برخی از معاملات جنس به جنس ۵۳۳
- ۴۲۷- خرید و فروش کالا ۵۳۶
- ۴۲۸- خرید و فروش کالاهای دزدی و خیانتی ۵۳۷
- ۴۲۹- خرید و فروش عصاره و شراب ۵۳۸
- ۴۳۰- صرافی ۵۳۹
- ۴۳۱- مصالحه کردن ۵۴۰
- ۴۳۲- مردی زمین یا خانه ای را اجاره می کند و بیش از مقداری که اجاره کرده اجاره می دهد ۵۴۱
- ۴۳۳- مردی انجام کاری را پذیرا می شود، سپس آن را به دیگری واگذار کرده سود می برد ۵۴۲
- ۴۳۴- احیاء زمین موات (بی حاصل) ۵۴۳
- ۴۳۵- دلالی کردن در معامله و مزد دلال و مزد سمسار ۵۴۴
- ۴۳۶- شریک شدن با کافر ذمی ۵۴۴
- کتاب ازدواج و احکام آن ۵۴۶
- ۴۳۷- مهرورزی به زنان ۵۴۶
- ۴۳۸- بهترین زنان ۵۴۶
- ۴۳۹- بدترین زنان ۵۴۷
- ۴۴۰- تشویق به ازدواج کردن ۵۴۸
- ۴۴۱- کراهت ازدواج نکردن ۵۴۸
- ۴۴۲- ازدواج کردن باعث فزونی روزی می شود ۵۴۹

- ۴۴۳- انتخاب زن ۵۴۹
- ۴۴۴- فضیلت ازدواج با زن دین دار و کراهت ازدواج به جهت ثروت ۵۵۰
- ۴۴۵- استحباب شوهر دادن دختران بالغ و ننگه داشتن آنان به وسیله ی ازدواج ۵۵۰
- ۴۴۶- مرد مؤمن کفو و هم شأن زن مؤمن است ۵۵۱
- ۴۴۷- حکم ازدواج با ناصبیان و اهل شک ۵۵۴
- ۴۴۸- به شریاخواار دختر ندهید ۵۵۹
- ۴۴۹- حکم مرد زناکار و زن زناکار ۵۵۹
- ۴۵۰- حکم ازدواج بعد از زنا ۵۶۰
- ۴۵۱- حکم ازدواج با زن ذمی ۵۶۱
- ۴۵۲- ازدواج شغار ۵۶۱
- ۴۵۳- حکم نگاه به قصد ازدواج ۵۶۲
- ۴۵۴- وجوه ازدواج ۵۶۳
- ۴۵۵- چگونگی خطبه و صیغه عقد دائم ۵۶۳
- ۴۵۶- سنت مهریه ۵۷۰
- ۴۵۷- امروزه مهریه با رضایت طرفین است، خواه کمتر، یا بیشتر ۵۷۱
- ۴۵۸- حکم ازدواج با مهریه و شیربها ۵۷۳
- ۴۵۹- اختلاف زن و مرد در مهریه ۵۷۳
- ۴۶۰- حکم ازدواج بدون اذن ولی ۵۷۴
- ۴۶۱- اختلاف پدر بزرگ و پدر در ازدواج دختر ۵۷۵
- ۴۶۲- اختلاف پدر و پسر در گزینش همسر برای فرزند ۵۷۶
- ۴۶۳- حکم دختر دوشیزه ای که نادوشیزه در می آید ۵۷۶
- ۴۶۴- حکم ازدواج با زنی که طلاق غیر شرعی داده شده است ۵۷۷
- ۴۶۵- حکم محلل سه طلاقه ۵۷۷
- ۴۶۶- حکم زنی به مردی حرام ابدی می شود ۵۷۸
- ۴۶۷- حکم نکاح یهود، نصارا، و مشرکانی که مرد و یا زنش مسلمان می شود و یا هر دو مسلمان می شوند ۵۷۹
- ۴۶۸- حکم شیر دادن ۵۸۰
- بخش های مربوط به ازدواج موقت ۵۸۲

- ۴۶۹- ازدواج موقت ----- ۵۸۲
- ۴۷۰- زنان موقت به منزله کنیز هستند و جزو زنان دائم محسوب نمی شوند ----- ۵۸۴
- ۴۷۱- شروط و صیغه عقد در ازدواج موقت ----- ۵۸۵
- ۴۷۲- کمترین حد مهریه در ازدواج موقت ----- ۵۸۷
- ۴۷۳- عده ی بانوان در ازدواج موقت ----- ۵۸۸
- ۴۷۴- طولانی کردن مدت ----- ۵۸۸
- ۴۷۵- تعیین مدت ----- ۵۸۹
- ۴۷۶- در صورت تخلف مهریه پرداخت نمی شود ----- ۵۸۹
- ۴۷۷- زن در امور خودش قابل اعتماد است ----- ۵۹۰
- ۴۷۸- ازدواج موقت با دختران باکره ----- ۵۹۰
- ۴۷۹- حکم فرزند ازدواج موقت ----- ۵۹۱
- ۴۸۰- کراهت همبستری در خانه ای که کودک است ----- ۵۹۱
- ۴۸۱- دعا هنگام آمیزش و آنچه موجب مصونیت از مشارکت شیطان است ----- ۵۹۲
- ۴۸۲- غیرت و حسادت زنان ----- ۵۹۳
- ۴۸۳- حق شوهر بر همسر ----- ۵۹۳
- ۴۸۴- حق زن نسبت به شوهرش ----- ۵۹۵
- ۴۸۵- حد اطاعت زن از شوهر ----- ۵۹۶
- ۴۸۶- ترک فرمان بری از زنان ----- ۵۹۸
- ۴۸۷- حفظ شخصیت و پوشیدگی زنان ----- ۵۹۸
- ۴۸۸- مواردی از اعضای زن که نگاه حلال است ----- ۵۹۹
- ۴۸۹- نگاه زنان ذمی ----- ۶۰۰
- ۴۹۰- حکم نگاه به زنان بادیه نشین و روستائیان ----- ۶۰۰
- ۴۹۱- دست دادن با زنان ----- ۶۰۱
- ۴۹۲- چه زمانی حجاب بر دختران واجب می شود ----- ۶۰۲
- ۴۹۳- مداوای زنان توسط مردان ----- ۶۰۳
- ۴۹۴- حکم آمیزش در حال عادت ماهیانه ----- ۶۰۴
- ۴۹۵- حکم نزدیکی از دبر ----- ۶۰۶

- ۴۹۶- حکم استمناء و نزدیکی با حیوانات ۶۰۶
- ۴۹۷- مرد زناکار ۶۰۶
- ۴۹۸- زن زکار ۶۰۸
- ۴۹۹- حکم لواط ۶۰۹
- ۵۰۰- همجنس بازی زنان ۶۱۰
- ۵۰۱- عفت و پاکدامنی از حریم مردم ۶۱۲
- ۵۰۲- زناى اعضاى بدن ۶۱۳
- کتاب عقیقه فرزندان و امور مربوط به آنان ۶۱۵
- ۵۰۳- ارزش فرزند ۶۱۵
- ۵۰۴- برتری دختران ۶۱۶
- ۵۰۵- نام ها و کنیه ها ۶۱۷
- ۵۰۶- کام گشایی نوزاد، و اذان و اقامه خواندن در گوش هایش ۶۱۹
- ۵۰۷- عقیقه و وجوب آن ۶۲۰
- ۵۰۸- تساوی عقیقه دختر و پسر ۶۲۱
- ۵۰۹- عدم وجوب عقیقه بر خانواده ی ناتوان ۶۲۲
- ۵۱۰- برنامه های هفتمین روز تولد نوزاد ۶۲۲
- ۵۱۱- مادر نوزاد نباید از گوشت عقیقه میل کند ۶۲۳
- ۵۱۲- ختنه ی پسران ۶۲۳
- ۵۱۳- حق سرپرستی کودک با کیست؟ ۶۲۴
- ۵۱۴- دوران ادب آموزی کودک ۶۲۵
- ۵۱۵- حق فرزندان ۶۲۶
- کتاب طلاق و جدایی ۶۲۸
- ۵۱۶- کراهت طلاق دادن همسر سازگار ۶۲۸
- ۵۱۷- طلاق دادن همسر ناسازگار ۶۲۸
- ۵۱۸- طلاقى که به غیر روش کتاب و سنت اجرا شود ۶۲۹
- ۵۱۹- طلاق فقط با تصمیم جدایی محقق می شود ۶۳۰
- ۵۲۰- تفسیر طلاق به روش سنت و عده و آنچه موجب طلاق می شود ۶۳۰

- ۵۲۱- صیغه ای که طلاق دهنده اجرا می کند ۶۳۳
- ۵۲۲- سه طلاق در حکم یک طلاق ۶۳۳
- ۵۲۳- گواه گرفتن برای رجوع کردن ۶۳۴
- ۵۲۴- رجوع فقط عملی است ۶۳۴
- ۵۲۵- زنانی که در هر حالت طلاق داده می شوند ۶۳۴
- ۵۲۶- طلاق غائب ۶۳۵
- ۵۲۷- طلاق زن باردار ۶۳۵
- ۵۲۸- طلاق زنی که شوهرش با او نزدیکی نکرده است ۶۳۶
- ۵۲۹- طلاق زنی که به سن بلوغ نرسیده و زنی که از خون دیدن مأیوس شده است ۶۳۶
- ۵۳۰- حکم ازدواج زن مطلقه ۶۳۷
- ۵۳۱- هزینه ی زن حامله ای که طلاق داده شده است ۶۳۷
- ۵۳۲- حکم مهریه ی زنی که بدون آمیزش طلاق داده شده ۶۳۸
- ۵۳۳- آنچه موجب پرداخت مهریه کامل می شود ۶۳۸
- ۵۳۴- حکم عده زن دور از شوهر ۶۳۸
- ۵۳۵- عده زنی که شوهرش در سفر بیمیرد ۶۳۹
- ۵۳۶- عده زن باردار در سوگ شوهر و هزینه او ۶۳۹
- ۵۳۷- چگونگی عده زن شوهر مرده در سوگ شوهر ۶۴۰
- ۵۳۸- حکم مهریه و عده زنی که قبل از عروسی شوهرش فوت کرده است ۶۴۱
- ۵۳۹- وکالت در طلاق ۶۴۲
- ۵۴۰- ایلاء و سوگند به آمیزش نکردن با همسر ۶۴۲
- ۵۴۱- حکم کسی که به همسرش گوید: بسترت بر من حرام است ۶۴۳
- ۵۴۲- حکم طلاق به این جملات: «همسر من نیستی» «تو شوهر داری» و «پیوند ما گسست» ۶۴۳
- ۵۴۳- حق اختیار در طلاق ۶۴۳
- ۵۴۴- حکم ظهار ۶۴۴
- ۵۴۵- حکم لعان ۶۴۷
- ۵۴۶- حکم ارتداد شوهر ۶۴۹
- ۵۴۷- حکم طلاق اهل ذمه و چگونگی عده آنها ۶۴۹

- ۶۵۲----- کتاب صید
- ۶۵۲----- ۵۴۸- حکم شکار سگ و پلنگ
- ۶۵۲----- ۵۴۹- حکم شکار باز و شاهین و پرندگان شکاری دیگر
- ۶۵۳----- ۵۵۰- گوشت شکار به وسیله سلاح
- ۶۵۳----- ۵۵۱- حکم شکار با سنگ و گلوله گلی
- ۶۵۴----- ۵۵۲- شکار به وسیله تله و دام
- ۶۵۴----- ۵۵۳- صید ماهی
- ۶۵۴----- ۵۵۴- ماهی حلال
- ۶۵۶----- ۵۵۵- حکم شکار پرندگان اهلی
- ۶۵۶----- ۵۵۶- حکم شکار پرستو
- ۶۵۷----- ۵۵۷- حکم شکار هدهد و ورکاک
- ۶۵۷----- ۵۵۸- حکم شکار چکاوک
- ۶۵۸----- کتاب ذبح و تذکيه حيوانات
- ۶۵۸----- ۵۵۹- چگونگی تذکيه حيوان و حلال ساختن ذبح آن
- ۶۵۸----- ۵۶۰- تذکيه و حلال ساختن در حال اضطرار
- ۶۵۹----- ۵۶۱- چگونگی سر بریدن و گلو دریدن دام
- ۶۶۱----- ۵۶۲- حیوانی که غیر از محل ذبحش ذبح می شود
- ۶۶۱----- ۵۶۳- فرصت برای حلال ساختن حیوان
- ۶۶۱----- ۵۶۴- حکم ذبح به غیر قبله یا ترک «بسم الله» و حکم فرد جنب
- ۶۶۳----- ۵۶۵- حکم جنینی که از شکم حیوان ذبح شده بیرون می آید
- ۶۶۳----- ۵۶۶- حکم دیگی که در آن خون ریخته شود
- ۶۶۴----- ۵۶۷- حکم خرید گوشت از بازار قصاب ها
- ۶۶۵----- ۵۶۸- حکم ذبح شده کودک، زن و نابینا
- ۶۶۵----- ۵۶۹- حکم قصابی اهل کتاب(یهودی، مسیحی وغیرهم).
- ۶۶۷----- کتاب احکام خوراکی ها
- ۶۶۷----- ۵۷۰- علت های تحریم
- ۶۶۸----- ۵۷۱- حیوانات حرام گوشت

- ۵۷۲- پرندگان حلال گوشت و حرام گوشت ----- ۶۷۱
- ۵۷۳- شناسایی تخم پرندگان ----- ۶۷۲
- ۵۷۴- حکم بره و بزغاله ای که شیر خوک خورده ----- ۶۷۳
- ۵۷۵- حکم گوشت و تخم حیوانات نجاست خوار و حکم گوسفند شراب خوار ----- ۶۷۴
- ۵۷۶- اعضای از حیوانی که نمی توان خورد ----- ۶۷۵
- ۵۷۷- اعضای مورد استفاده از میته ----- ۶۷۶
- ۵۷۸- حرام بودن گوشت چهارپایی که توسط انسان وطی شده ----- ۶۷۷
- ۵۷۹- مخلوط شدن حیوان مردار با حیوان تذکبه شده ----- ۶۷۸
- ۵۸۰- حکم غذای اهل ذمه خوردنی ها و ظروف آن ها ----- ۶۷۸
- ۵۸۱- حکم خوردن خاک ----- ۶۷۹
- ۵۸۲- سفره ای که در آن شراب است ----- ۶۸۰
- ۵۸۳- پذیرش دعوت مسلمانان ----- ۶۸۱
- ۵۸۴- «بسم الله» و «الحمد لله» گفتن به هنگام صرف غذا ----- ۶۸۱
- کتاب آشامیدنی ها ----- ۶۸۳
- ۵۸۵- فضیلت و ارزش آب ----- ۶۸۳
- ۵۸۶- آب فراوان آشامیدن ----- ۶۸۳
- ۵۸۷- فضیلت آب زمزم ----- ۶۸۳
- ۵۸۸- فضیلت آب فرات ----- ۶۸۴
- ۵۸۹- آب هایی که از شرب آنها نهی شده است ----- ۶۸۴
- ۵۹۰- شراب همیشه حرام بوده است ----- ۶۸۶
- ۵۹۱- حکم شراب خوار و ماده مست کننده ----- ۶۸۷
- ۵۹۲- شراب، اصل هر گناه و بدی است و نماز شراب خوار تا چهل روز قبول نمی شود ----- ۶۹۰
- ۵۹۳- کسیکه همواره شراب می نوشد ----- ۶۹۱
- ۵۹۴- تحریم شراب در قرآن ----- ۶۹۲
- ۵۹۵- رسول الله صلی الله علیه و آله اندک و بسیار مواد مستی آور را تحریم فرمود ----- ۶۹۳
- ۵۹۶- شراب بخاطر نتیجه اش حرام است؛ پس هرچه که نتیجه اش مانند آن باشد حرام است ----- ۶۹۴
- ۵۹۷- حکم کسی که به عنوان دارو از شراب و ماده حرام استفاده کند ----- ۶۹۵

- ۵۹۸- ظروف شراب ۶۹۷
- ۵۹۹- قطره ای از مواد مست کننده در ظرف غذا ۶۹۸
- ۶۰۰- آب جو ۶۹۹
- ۶۰۱- حکم آواز خوانی و غنا و موسیقی ۶۹۹
- ۶۰۲- قمار با نرد و شطرنج ۷۰۳
- کتاب احکام پوشش و خودآرایی و جوانمردی ۷۰۵
- ۶۰۳- خودآرایی و آشکار کردن نعمت ۷۰۵
- ۶۰۴- لباس شهرت ۷۰۶
- ۶۰۵- پوشیدن لباس سیاه ۷۰۶
- ۶۰۶- پوشیدن لباس حریر و دیبا ۷۰۷
- ۶۰۷- حکم پوشیدن انگشتر ۷۰۹
- ۶۰۸- حکم زیور آلات ۷۱۱
- ۶۰۹- حکم فرش ها ۷۱۲
- ۶۱۰- حکم ریش و سبیل ۷۱۴
- ۶۱۱- چیدن ناخن ها ۷۱۵
- ۶۱۲- مسواک زدن ۷۱۶
- ۶۱۳- حمام کردن و دوش گرفتن ۷۱۶
- ۶۱۴- نوره کشیدن و موهای زاید بدن را زدودن ۷۱۷
- ۶۱۵- خانه وسیع و خانه تنگ ۷۱۹
- ۶۱۶- نهی از تزئین خانه با عکس ها و تمثال ها ۷۲۰
- کتاب وصیت ۷۲۲
- ۶۱۷- وصیت حقی است بر عهده ی همه مسلمانان ۷۲۲
- ۶۱۸- گواهی بر وصیت ۷۲۴
- ۶۱۹- وصیت به نفع وارثان ۷۲۵
- ۶۲۰- آنچه انسان میتواند وصیت کند ۷۲۵
- ۶۲۱- حکم کسی که وصیت می کند و در وصیت تجدید نظر می نماید ۷۲۷
- ۶۲۲- اجرای وصیت بر طبق مفاد آن ۷۲۷

- ۶۲۳- وصیت به حج نمودن ۷۲۸
- ۶۲۴- اگر وصی در وصیت ناعدالتی دید می تواند آن را تغییر دهد ۷۲۸
- ۶۲۵- وصی نمی تواند وصیت حق را تغییر دهد ۷۲۹
- ۶۲۶- در اجرای وصیت اول کفن، بعد بدهی و آنگاه وصیت ۷۲۹
- ۶۲۷- حکم وصیت کسی که بالغ نشده است ۷۳۰
- ۶۲۸- بالغی که وصیتش جایز نیست ۷۳۰
- ۶۲۹- چگونگی تقسیم وصیت به نزدیکان ۷۳۱
- ۶۳۰- حکم صدقه ها و خیرهای پس از مرگ ۷۳۱
- ۶۳۱- حکم کسی که بدون وصیت می میرد و وارث صغیر دارد ۷۳۲
- ۶۳۲- حکم سرپرستی ایتم و حدود بلوغ ۷۳۴
- کتاب میراث ۷۳۶
- ۶۳۳- صورت های سهم های ارث واجب ۷۳۶
- ۶۳۴- صاحبان سهام ۷۳۸
- ۶۳۵- در کنار پدر و مادر و فرزند جز زن و شوهر ارث نمی برند ۷۳۹
- ۶۳۶- چرا پسر دو سهم دارد و دختر یک سهم؟ ۷۳۹
- ۶۳۷- حکم ارث اختصاصی فرزند بزرگ ۷۴۰
- ۶۳۸- میراث فرزندان ۷۴۱
- ۶۳۹- میراث نوادگان ۷۴۱
- ۶۴۰- میراث پدر و مادر ۷۴۲
- ۶۴۱- میراث فرزندان در کنار پدر و مادر ۷۴۲
- ۶۴۲- میراث فرزندان در کنار همسر و پدر و مادر ۷۴۳
- ۶۴۳- میراث پدر و مادر با شوهر و زن ۷۴۴
- ۶۴۴- حکم کالاه ۷۴۵
- ۶۴۵- زنی که جز شوهرش بازمانده ندارد ۷۴۵
- ۶۴۶- شوهری که جز زنش بازمانده ندارد ۷۴۶
- ۶۴۷- زنان چیزی از زمین و مزرعه ارث نمی برند ۷۴۶
- ۶۴۸- میراث پیروان ادیان دیگر ۷۴۷

- ۶۴۹- حکم میراث مرتد از اسلام ۷۴۸
- ۶۵۰- حکم میراث خنثی ۷۴۸
- کتاب احکام حدود ۷۵۰
- ۶۵۱- اجرای حد ۷۵۰
- ۶۵۲- اقامه و اجرای حدود از اختیارات خاصه ائمه معصومین صلوات الله علیهم است و کسی که حد الهی بر گردن دارد نمی تواند حدود الهی را اجرا نماید ۷۵۳
- ۶۵۳- سنگ سار و تازیانه و محکومان به آن ۷۶۲
- ۶۵۴- حکم زناي همسر دار و غیر همسر دار ۷۶۴
- ۶۵۵- حکم زناي کودکان با افراد بالغ ۷۶۴
- ۶۵۶- آنچه موجب حد تازیانه می شود ۷۶۵
- ۶۵۷- چگونگی اجرای حد زنا ۷۶۶
- ۶۵۸- آنچه موجب سنگ سار می گردد ۷۶۷
- ۶۵۹- چگونگی اجرای سنگ سار ۷۶۷
- ۶۶۰- حکم تجاوز مرد به زن ۷۷۵
- ۶۶۱- حکم زناي با محارم ۷۷۶
- ۶۶۲- کشتن زناکار و مرتکبان گناهان کبیره در سومین مرتبه ۷۷۷
- ۶۶۳- حکم زناي مرد و زن دیوانه ۷۷۷
- ۶۶۴- حکم حد زن شوهرداری که ازدواج می کند یا در دوران عده ازدواج می کند و حکم مردی که با زن شوهردار ازدواج می کند ۷۷۹
- ۶۶۵- حکم زنی که از روی اجبار و اکراه او را به زنا وادار کنند ۷۸۱
- ۶۶۶- حد لواط و سحاق و همجنس بازی زنان ۷۸۲
- ۶۶۷- حد کسی که با حیوانات نزدیکی می کند ۷۸۳
- ۶۶۸- حد تهمت و بهتان ۷۸۴
- ۶۶۹- حکم مردی که به گروهی تهمت می زند ۷۸۵
- ۶۷۰- حکم مردی که به زن و فرزندش تهمت زنا می زند ۷۸۵
- ۶۷۱- چگونگی اجرای حد تهمت ۷۸۶
- ۶۷۲- حد شرابخوار و هر ماده مست کننده ۷۸۷
- ۶۷۳- زمان اجرای حد ۷۸۸
- ۶۷۴- شرابخوار در سومین بار کشته می شود ۷۸۹

- ۶۷۵- میزان مال مسروقه در اجرای حد سرقت ----- ۷۸۹
- ۶۷۶- چگونگی اجرای حد سرقت ----- ۷۹۰
- ۶۷۷- حکم حد کیسه بر و رباینده ----- ۷۹۳
- ۶۷۸- دزدی کارگر و مهمان ----- ۷۹۴
- ۶۷۹- مواردی که دست دزد قطع نمی شود ----- ۷۹۵
- ۶۸۰- در سال قحطی دست دزد قطع نمی شود ----- ۷۹۵
- ۶۸۱- حد کودکانی که مرتکب سرقت می شوند ----- ۷۹۶
- ۶۸۲- مجازات فتنه انگیزان مسلح ----- ۷۹۶
- ۶۸۳- حکم کسی که از روی ناآگاهی به حرمت، زنا، سرقت و شرابخواری می نماید ----- ۷۹۸
- ۶۸۴- حکم کسی که چند حد بر او واجب شده که یکی از آنها کشته شدن است ----- ۷۹۹
- ۶۸۵- حکم کسی که باید حد بخورد اما پیش از اجرای حد توبه می کند ----- ۷۹۹
- ۶۸۶- گذشت از حدود ----- ۸۰۰
- ۶۸۷- در حد شفاعت کسی پذیرفته نیست ----- ۸۰۰
- ۶۸۸- عدم کفالت در حد ----- ۸۰۱
- ۶۸۹- حد مرتد ----- ۸۰۱
- کتاب دیات و خون بها ----- ۸۰۴
- ۶۹۰- حکم کشتن انسان ----- ۸۰۴
- ۶۹۱- کسی که مؤمنی را به جهت ایمانش بکشد توبه او پذیرفته نیست ----- ۸۰۴
- ۶۹۲- انواع قتل ----- ۸۰۶
- ۶۹۳- خون بهای مقتول در قتل عمد و خطایی ----- ۸۰۹
- ۶۹۴- حکم گروهی که در یک قتل شرکت می کنند ----- ۸۱۰
- ۶۹۵- حکم کسی که به کشتن انسان امر می کند ----- ۸۱۱
- ۶۹۶- حکم کسی که در قتل به قاتل کمک می کند ----- ۸۱۱
- ۶۹۷- مقتولی که دیه ندارد ----- ۸۱۲
- ۶۹۸- حکم قاتلی که می خواهد توبه کند ----- ۸۱۳
- ۶۹۹- کشتن دزد ----- ۸۱۳
- ۷۰۰- حکم دیه و قصاص زن و مرد ----- ۸۱۵

- ۷۰۱- حکم کشتن و مجروح کردن ذمی ۸۱۵
- ۷۰۲- دیه کامل و نصف دیه ۸۱۷
- ۷۰۳- خون بهای جنین رحم ۸۱۸
- کتاب شهادت و گواهی ۸۲۱
- ۷۰۴- دعوت به گواهی و شهادت ۸۲۱
- ۷۰۵- کتمان شهادت و گواهی ۸۲۱
- ۷۰۶- حکم کسی که گواهی را می شنود ولی گواهی نمی دهد ۸۲۲
- ۷۰۷- شهادت و گواهی دروغین ۸۲۳
- ۷۰۸- حکم بازگشت از شهادت و گواهی ۸۲۳
- ۷۰۹- یک گواه عادل و یک سوگند ۸۲۴
- ۷۱۰- حکم شهادت و گواهی زنان ۸۲۸
- ۷۱۱- شهادت زن و شوهر به نفع یکدیگر ۸۲۹
- ۷۱۲- گواهی خویشاوندان ۸۲۹
- ۷۱۳- شهادت و گواهی شریک، اجیر و وصی ۸۳۰
- ۷۱۴- گواهان مردود ۸۳۱
- ۷۱۵- گواهی ملت های دیگر ۸۳۲
- کتاب قضاوت و احکام ۸۳۴
- ۷۱۶- حکومت مخصوص امام معصوم صلوات الله علیه است ۸۳۴
- ۷۱۷- اصناف قضاوت ۸۳۵
- ۷۱۸- قضاوت بر خلاف آنچه خداوند متعال نازل کرده است ۸۳۵
- ۷۱۹- کسی که فتوا می دهد، ضامن آن فتوا خواهد بود ۸۳۶
- ۷۲۰- حقوق قاضی و حکم رشوه گرفتن در قضاوت ۸۳۷
- ۷۲۱- کسی که در حکم ستم کند ۸۳۸
- ۷۲۲- نباید نزد قاضیان ستمگر نشست ۸۴۰
- ۷۲۳- نهی از دادخواهی به قاضیان ستمگر ۸۴۰
- ۷۲۴- آداب قضاوت ۸۴۳
- ۷۲۵- قضاوت با شاهد و سوگند ۸۴۵

- ۷۲۶- دلیل و شاهد بر عهده مدعی و سوگند به عهده منکر است ----- ۸۴۷
- ۷۲۷- باز گرداندن سوگند ----- ۸۴۷
- ۷۲۸- کسی که دلیل و شاهی دارد سوگندی به عهده او نیست ----- ۸۴۸
- ۷۲۹- کسی که به سوگند یاد کردن راضی باشد و برای او سوگند یاد شود دیگر ادعایی ندارد ----- ۸۴۸
- کتاب سوگندها، نذرها و كفاره ها ----- ۸۴۹
- ۷۳۰- كراهت سوگند ----- ۸۴۹
- ۷۳۱- سوگند دروغ ----- ۸۵۰
- ۷۳۲- سوگند فقط به نام خدا ----- ۸۵۰
- ۷۳۳- انواع سوگند ----- ۸۵۱
- ۷۳۴- سوگندها و نذرهای بی اثر ----- ۸۵۲
- ۷۳۵- سوگند بیهوده ----- ۸۵۴
- ۷۳۶- نیت در سوگند ----- ۸۵۵
- ۷۳۷- سوگند فقط بر اساس علم و اطلاع ----- ۸۵۶
- ۷۳۸- سوگندهایی که كفاره در پی دارد ----- ۸۵۶
- ۷۳۹- درخواست سوگند از اهل كتاب ----- ۸۵۷
- ۷۴۰- كفاره سوگند ----- ۸۵۷
- ۷۴۱- نذرها ----- ۸۶۰
- ۷۴۲- چند روایت نکته دار ----- ۸۶۱
- ۷۴۳- تسلیم احادیث و روایات ائمه معصومین صلوات الله علیهم باشیم ----- ۸۶۲
- درباره مركز ----- ۸۶۸

بیان احکام با کلام ائمه علیهم السلام : گزیده کتاب کافی و اصول دیگر

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : بیان احکام با کلام ائمه علیهم السلام : گزیده کتاب کافی و اصول دیگر / محمد منتظر

مشخصات نشر دیجیتالی : موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۴۰۰ ش

مشخصات ظاهری : ص ۹۴۰

یادداشت : کتابنامه

موضوع : (فقه)

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه

ص : ۱

اشاره

۱- پاک بودن و پاک کنندگی آب

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله الماء يطهر ولا يطهر. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: آب پاک می کند و پاک نمی شود.

۲- حکم آب دریا

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سألته عن ماء البحر أطهر هو قال نعم. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد آب دریا پرسیدم که آب پاک کننده است؟ فرمود: آری.

۳- استعمال آب مشکوک اشکالی ندارد

۱- الشيخ الصدوق، قال: وقال الصادق صلوات الله عليه الماء يطهر ولا يطهر

فَمَتَى وَحَدَّتْ مِيَاءٌ وَلَمْ تَعْلَمْ فِيهِ نَجَاسَةً فَتَوَضَّأْ مِنْهُ وَاشْرَبْ وَإِنْ وَحَدَّتْ فِيهِ مِيَاءٌ يَنْجَسُهُ فَلَا تَتَوَضَّأْ مِنْهُ وَلَا تَشْرَبْ إِلَّا فِي حَالَ الْإِضْطِرَارِ فَتَشْرَبْ مِنْهُ وَلَا تَتَوَضَّأْ مِنْهُ وَتَيَمَّمْ إِلَّا أَنْ يَكُونَ الْمَاءُ كُرًّا فَلَا بَأْسَ بِأَنْ تَتَوَضَّأَ مِنْهُ وَتَشْرَبَ وَقَعَ فِيهِ شَيْءٌ أَوْ لَمْ يَقَعْ مَا لَمْ يَتَغَيَّرْ رِيحُ الْمَاءِ فَإِنْ تَغَيَّرَ فَلَا تَشْرَبْهُ وَلَا تَتَوَضَّأَ مِنْهُ. (۳)

مرحوم شیخ صدوق، گوید: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: آب پاک می کند و پاک نمی شود.

ص: ۳

۱- . الكافي ج ۳ ص ۱ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۱ ح ۴.

۳- . من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۶ ح ۲.

پس هرگاه آبی را یافتی و در آن پلیدی و ناپاکی سراغ نداشتی با آن وضو بساز و از آن بیاشام. و برعکس چنانچه در آن چیزی که آن را ناپاک می کند یافتی از آن وضو مساز و میاشام مگر در حال ناچاری که در این حال می توانی فقط از آن بیاشامی، ولی از آن وضو مساز، و در این حال تیمم کن مگر آنکه آب به مقدار کُرّ باشد که در این صورت وضو ساختن با آن و آشامیدن از آن اشکالی ندارد. خواه چیزی (از نجاسات) در آن افتاده باشد یا نه تا جایکه بوی آب دگرگون نشده باشد و اگر تغییر و دگرگونی حاصل کرد نه از آن بیاشام و نه وضو بساز.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحسن بن الحسين اللؤلؤي بإسناده قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه الماء كله طاهر حتى يعلم أنه قدر. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسن بن حسین لؤلؤیی با سند خویش روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: همه ی آب ها پاک است، مگر اینکه علم حاصل شود که نجس است.

۴- آبی که چیزی نجس نمی کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد بن مسلم قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن الماء الذي تبول فيه الدواب و تلغ فيه الكلاب و يغتسل فيه الجنب قال إذا كان الماء قدر كُرّ لم ينجسه شيء. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد آبی چهارپایان در آن ادرار کند، سگ ها از آن آب بخورند و فرد جنب در آن غسل کند، پرسیدم؟

فرمود: هرگاه آب به اندازه کر باشد، چیزی آن را نجس نمی کند.

ص: ۴

۱- . الكافي ج ۳ ص ۱ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۲ ح ۲.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحسن بن صالح الثوري عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إِذَا كَانَ الْمَاءُ فِي الرَّكِي كُرًّا لَمْ يُنَجِّسْهُ شَيْءٌ قُلْتُ وَ كَمْ الْكُرُّ قَالَ ثَلَاثَةٌ أَشْبَارٍ وَ نِصْفُ عُمُقُهَا فِي ثَلَاثَةِ أَشْبَارٍ وَ نِصْفُ عَرْضِهَا. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از صالح ثوری روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه آب چاه ها به اندازه کر باشد، چیزی آن را نجس نمی کند.

گفتم: کر چه مقدار است؟

فرمود: سه وجب و نیم عمق در سه وجب و نیم عرض.

۵- آب قلیل

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الله بن يحيى الكاهلي قال سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ إِذَا أَتَيْتَ مَاءً وَ فِيهِ قَلَّةٌ فَأَنْضِخْ عَنْ يَمِينِكَ وَ عَنْ يَسَارِكَ وَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ تَوَضَّأْ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عبد الله کاهلی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: چون به آب قلیلی رسیدی، مقداری از سمت راست، سمت چپ و پیش رویت را کنار بزن و با آن وضو بگیر.

۶- آبی که با دست نجس آلوده شده است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدُ بْنُ الْمُيَسَّرِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الرَّجُلِ الْجُنُبِ يَنْتَهِي إِلَى الْمَاءِ الْقَلِيلِ فِي الطَّرِيقِ وَ يُرِيدُ أَنْ يَغْتَسِلَ مِنْهُ وَ لَيْسَ مَعَهُ إِنَاءٌ يَعْرِفُ بِهِ وَ يَدَاهُ قَدْرَتَانِ قَالَ يَضَعُ يَدَهُ وَ يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَغْتَسِلُ هَذَا مِمَّا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: { مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ } (۳)

ص: ۵

۱- . الكافي ج ۳ ص ۲ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۳ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۴ ح ۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن میسر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: انسان جنبی که در راه به آب قلیل می رسد، می خواهد از آن غسل کند، ولی دست هایش نجس است و ظرفی نیز همراه ندارد تا از آن بردارد، چه کند؟

فرمود: دست های خود را بشوید، سپس غسل کند. این از همان مواردی است که خداوند متعال فرموده است: {خدا در دین برای شما تنگی قرار نداده است}. (سوره حج آیه ۷۸)

۷- آبی که مردار در آن افتاده است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن حريز عمّن أخبره عن أبي عبد الله صلوات الله عليه أنه قال: كُلَّمَا غَلَبَ الْمَاءُ رِيحَ الْجِيفَةِ فَتَوَضَّأَ مِنَ الْمَاءِ وَاشْرَبَ وَإِذَا تَغَيَّرَ الْمَاءُ وَتَغَيَّرَ الطَّعْمُ فَلَا تَتَوَضَّأُ وَلَا تَشْرَبُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حرز از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر آبی که بر بوی مردار چیره باشد، از آن آب وضو بگیر و بیاشام، و آنگاه که آب دگرگون شد و مزه آن تغییر کرد نبایستی از آن وضو بگیری و بیاشامی.

۸- چاه و آنچه در آن می افتد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيْعٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: مَاءُ الْبُئْرِ وَاسِعٌ لَا يُفْسِدُهُ شَيْءٌ إِلَّا أَنْ يَتَغَيَّرَ بِهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن اسماعیل بن بزیر روایت کرده که گفت: حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمود: آب چاه بسیار است و چیزی آن را فاسد نمی کند، مگر آن که آب به وسیله نجاست، تغییر کند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي أُسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي الْفَأْرَةِ وَالسَّنَّوْرِ وَالذَّجَاجَةِ وَالطَّيْرِ وَالْكَلْبِ قَالَ مَا لَمْ يَتَفَسَّخْ أَوْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُ الْمَاءِ فَيَكْفِيكَ خَمْسُ دَلَاءٍ فَإِنْ تَغَيَّرَ الْمَاءُ فَخُذْ مِنْهُ حَتَّى يَذْهَبَ الرِّيْحُ. (۳)

ص: ۶

۱- . الكافي ج ۳ ص ۴ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۵ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۵ ح ۳.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن اسامه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در باره موش، گربه، مرغ خانگی، پرنده و سگی که در چاه آب می افتند، فرمود: مادامی که جسد آنها متلاشی نشود، یا طعم آب تغییر نکند، کافی است پنج سطل آب بکشی، پس اگر آب تغییر کند، باید آنقدر از آن برداری، تا بوی آن از بین برود.

۹- چاهی که در کنار چاه فاضلاب قرار دارد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ أَبِي بَصِيرٍ قَالُوا قُلْنَا لَهُ بئرٌ يُتَوَضَّأُ مِنْهَا يَجْرِي الْبُؤْلُ قَرِيباً مِنْهَا أَيْنَجِسُهَا قَالَتْ فَقَالَ إِنَّ كَانَتِ الْبئرُ فِي أَعْلَى الْوَادِي وَ الْوَادِي يَجْرِي فِيهِ الْبُؤْلُ مِنْ تَحْتِهَا وَ كَانَ بَيْنَهُمَا قَدْرٌ ثَلَاثَةِ أَذْرُعٍ أَوْ أَرْبَعَةِ أَذْرُعٍ لَمْ يُنَجَسْ ذَلِكَ شَيْءٌ وَ إِنْ كَانَ أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ يُنَجَسُهَا وَ إِنْ كَانَتِ الْبئرُ فِي أَسْفَلِ الْوَادِي وَ يَمُرُّ الْمَاءُ عَلَيْهَا وَ كَانَ بَيْنَ الْبئرِ وَ بَيْنَهُ تَسْبِعَةُ أَذْرُعٍ لَمْ يُنَجَسْهَا وَ مَا كَانَ أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ فَلَا يُتَوَضَّأُ مِنْهُ قَالَ زُرَّارَةُ فَقُلْتُ لَهُ فَإِنْ كَانَ مَجْرَى الْبُؤْلِ يَلِزُهَا وَ كَانَ لَا يَثْبُتُ عَلَى الْأَرْضِ فَقَالَ مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ قَرَارٌ فَلَيْسَ بِهِ بَأْسٌ وَ إِنْ اسْتَقَرَّ مِنْهُ قَلِيلٌ فَإِنَّهُ لَا يَنْتَقِبُ الْأَرْضَ وَ لَا قَعَرَ لَهُ حَتَّى يَبْلُغَ الْبئرَ وَ لَيْسَ عَلَى الْبئرِ مِنْهُ بَأْسٌ فَيَتَوَضَّأُ مِنْهُ إِنَّمَا ذَلِكَ إِذَا اسْتَنْقَعَ كُلَّهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره، و محمد بن مسلم، و ابوبصیر روایت کرده که گفتند: به حضرتش صلوات الله علیه گفتیم: چاهی است که از آن وضو می گیرند و در نزدیکی آن فاضلاب مستراح جاری است، آیا این فاضلاب، آب آن چاه را نجس می کند؟

فرمود: اگر چاه، بالاتر از آن قرار دارد که از آن بول و فاضلاب جاری است، و فاصله بین آن ها سه، یا چهار ذراع است، چاه را نجس نمی کند، و اگر فاصله کمتر از آن است، آب چاه نجس می شود.

و اگر چاه در پایین تر از آن قرار دارد و آب آن جاری است و فاصله میان آن ها نه ذراع است، نجس نمی شود، ولی آنچه فاصله اش کمتر از این باشد، نباید از آن وضو گیرند.

زراره گوید: عرض کردم: اگر محل جریان بول و فاضلاب در کنار و نزدیکی چاه باشد، ولی آب آن راکد نباشد و جاری شود، چه حکمی دارد؟

ص: ۷

فرمود: اگر در آنجا راکد نماند، اشکالی ندارد، گرچه مقدار کمی از بول بماند، چرا که به زمین فرو رود و عمقی نیز ندارد که در نتیجه به چاه نفوذ کند، در این صورت نیز اشکالی ندارد و می توان از آن وضو گرفت. اشمال هنگامی است که همه بول و فاضلاب در آنجا راکد شود و جمع گردد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ قُذَامَةَ بْنِ أَبِي يَزِيدَ الْحَمَّارِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ كَمْ أَذْنَى مِا يَكُونُ بَيْنَ الْبُئْرِ الْمَاءِ وَالْبَالُوعَةِ فَقَالَ إِنْ كَانَ سَهْلًا فَسَبْعَةٌ أَوْ ثَمَانَةٌ وَإِنْ كَانَ جَبَلًا فَخَمْسَةٌ أَوْ سِتٌّ ثُمَّ قَالَ الْمَاءُ يَجْرِي إِلَى الْقِبْلَةِ إِلَى يَمِينٍ وَيَجْرِي عَنْ يَمِينِ الْقِبْلَةِ إِلَى يَسَارِ الْقِبْلَةِ إِلَى يَمِينِ الْقِبْلَةِ وَ لَمَّا يَجْرِي مِنَ الْقِبْلَةِ إِلَى دُبُرِ الْقِبْلَةِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از قدامه از یکی اصحاب روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: کمترین فاصله میان چاه آب و چاه فاضلاب باید چه مقدار باشد؟

فرمود: اگر زمین نرم است، هفت زراع و اگر دامنه کوه (و سفت) است، پنج زراع. سپس فرمود: آب (در زیر زمین) از طرف قبله به سمت راست، و از سوی راست قبله، به سمت چپ قبله، و از سمت چپ قبله، جریان دارد، ولی هیچگاه از سمت قبله به پشت قبله جاری نمی گردد.

۱۰- وضو گرفتن از آب پس خورده چهار پایان، درندگان و پرندگان

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سُئِلَ عَمَّا تَشْرَبُ مِنْهُ الْحَمَامَةُ فَقَالَ كُلُّ مَا أُكِلَ لَحْمُهُ فَتَوْضَأُ مِنْ سُورِهِ وَ اشْرَبَ وَ عَمَّا شَرِبَ مِنْهُ بَازٌ أَوْ صَفْرٌ أَوْ عَقَابٌ فَقَالَ كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الطَّيْرِ تَوْضَأُ مِنْهُ إِذَا أَنْ تَرَى فِي مَنْقَارِهِ دَمًا فَإِنْ رَأَيْتَ فِي مَنْقَارِهِ دَمًا فَلَا تَوْضَأُ مِنْهُ وَ لَا تَشْرَبُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمار بن موسی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در باره آبی که کبوتر از آن خورده، پرسیدند؟

فرمود: از پس خورده همه حیوانات حلال گوشت وضو بگیر و بیاشام.

از حضرتش در مورد آبی که از آن باز، یا قرقی یا عقاب خورده پرسیدند؟

ص: ۸

۱- . الکافی ج ۳ ص ۸ ح ۳.

۲- . الکافی ج ۳ ص ۹ ح ۵.

فرمود: از پس خورده همه گونه های پرندگان می توان وضو گرفت، مگر آنکه بر منقارش خون دیده شود، پس اگر بر روی منقارش خونی دیدی، از آب پس خورده آن وضو مگیر و میاشام.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ سَيِّمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ جَرِّهِ وَوَجَدَ فِيهَا خُنْفَسَاءَ قَدْ مَاتَتْ قَالَ أَلْتَقَهَا وَتَوَضَّأَ مِنْهُ وَإِنْ كَانَ عَقْرَبًا فَأَرِقِ الْمَاءَ وَتَوَضَّأَ مِنْ مَاءٍ غَيْرِهِ وَعَنْ رَجُلٍ مَعَهُ إِنَاءَانِ فِيهِمَا مَاءٌ وَقَعَ فِي أَحَدِهِمَا قَذَرٌ وَلاَ يَدْرِي أَيُّهُمَا هُوَ لَيْسَ يَقْدِرُ عَلَى مَاءٍ غَيْرِهِ قَالَ يُهْرِيْقُهُمَا جَمِيعاً وَيَتَيَمَّمُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد کوزه ای که در آن سوسکی بيميرد، پرسیدم؟

فرمود: سوسک را بیرون بیفکن و از آن وضو بگیر و اگر در آن آب، عقرب بيميرد آب را دور بریز و با آب دیگری وضو بگیر.

و از حضرتش پرسیدم: کسی که دو ظرف دارد، در یکی از آن، نجاستی افتاده و نمی داند کدام یک نجس است و آب دیگری هم ندارد چه وظیفه ای دارد؟

فرمود: هر دو آب را به زمین بریزد و به جای وضو تیمم کند.

۱۱- وضو گرفتن از پس خورده یهودی، مسیحی و ناصبی

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ سُورِ الْيَهُودِيِّ وَالنَّصْرَانِيِّ فَقَالَ لَأ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سعید اعرج روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در باره استفاده از پس خورده یهودی و مسیحی پرسیدم که آیا جایز است؟

فرمود: نه.

ص: ۹

۱- الكافي ج ۳ ص ۹ ح ۶.

۲- الكافي ج ۳ ص ۱۱ ح ۵.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن العشاء عمّن ذكره عن أبي عبد الله صلوات الله عليه أنه كره سُورَ وَلَدِ الزَّيْنَبِ وَ سُورَ الْيَهُودِيِّ وَ النَّصْرَانِيِّ وَ الْمُشْرِكِ وَ كُلِّ مَا خَالَفَ الْإِسْلَامَ وَ كَانَ أَشَدَّ ذَلِكَ عِنْدَهُ سُورُ النَّاصِبِ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از وشاء از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از پس خورده فرد ولد الزنا، یهودی، مسیحی، مشرک و مخالف با اسلام را، مکروه می داشت و پس خورده ناصبی را از همه آنها بدتر می دانست.

توضیح: مراد از کراهت در این روایت حرمت است.

۱۲- مخلوط شدن آب باران با بول

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن هشام بن الحكم عن أبي عبد الله صلوات الله عليه في ميزابين سالا- أحدهما بول و الآخر ماء المطر فاختلطاً فأصاب ثوب رجل لم يضره ذلك. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از هستم بن حکم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در باره دو ناودانی که از یکی از آنها بول و از دیگری آب باران جاری است و این دو با هم مخلوط شده، به لباس فردی می خورد، فرمود: ضرری بر او نمی رساند.

۱۳- حکم آنچه از آب غسل جنب در ظرف می ریزد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن شهاب بن عبد ربه عن أبي عبد الله صلوات الله عليه أنه قال: في الجنب يغتسل فيقطر الماء عن جسده في الإناء و ينتضح الماء من الأرض فيصير في الإناء إنه لا بأس بهذا كله. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از شهاب روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در باره جنبی که غسل می کند و قطراتی از آب از بدنش در ظرف می ریزد و بر زمین می پاشد و مقداری از آن از زمین به داخل ظرف پاشیده می شود، فرمود: هیچ کدام از این ها ایرادی ندارد.

ص: ۱۰

۱- . الكافي ج ۳ ص ۱۱ ح ۶.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۱۳ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۱۳ ح ۶.

۱۴- حکم انسانی که لباس در آب استنجا می افتد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الأَحْوَلِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَخْرَجَ مِنَ الْخَلَاءِ فَأَسْتَنْجِي بِالْمَاءِ فَيَقَعُ ثَوْبِي فِي ذَلِكَ الْمَاءِ الَّذِي اسْتَنْجَيْتُ بِهِ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از احوول روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: با آب، استنجا کرده و از مستراح بیرون آمدم بعد لباسم در آن آبی که استنجا کرده بودم، می افتاد چه حکمی دارد؟
فرمود: اشکالی ندارد.

۱۵- استبراء از ادرار و شستن آن، و حکم کسی که آب نیابد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ بَالَ وَ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ مَاءٌ فَقَالَ يَعْصِرُ أَصْلَ ذَكَرِهِ إِلَى طَرْفِهِ ثَلَاثَ عَصْرَاتٍ وَ يَنْتَرُ طَرْفَهُ فَإِنْ خَرَجَ بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ فَلَيْسَ مِنَ الْبَوْلِ وَ لَكِنَّهُ مِنَ الْحَبَائِلِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه پرسیدم: مردی بول می کند و آبی ندارد که خود را بشوید، حکمش چیست؟

فرمود: باید بیخ آلت خود را تا نوک آن سه بار بفشارد و نوک آن را فشار دهد، پس اگر بعد از آن چیزی بیرون آید، بول نیست، بلکه رطوبتی است که از رگ ها خارج می شود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرَّجُلُ يَعْتَرِيهِ الْبَوْلُ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى حَبْسِهِ قَالَ فَقَالَ لِي إِذَا لَمْ يَقْدِرْ عَلَى حَبْسِهِ فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْعُذْرِ يَجْعَلُ خَرِيطَةً. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از منصور بن حازم روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: مردی بولش می ریزد و نمی تواند آن را کنترل کند، وظیفه او چیست؟

ص: ۱۱

۱- . الكافي ج ۳ ص ۱۳ ح ۵.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۱۹ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۲۰ ح ۵.

فرمود: اگر نمی تواند آن را کنترل کند خداوند متعال بر پذیرش عذر مردم سزاوارتر است، پس بایستی کیسه ای با خود داشته باشد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحسين بن أبي العلاء قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن البول يُصيبُ الجسدَ قال صبَّ عليه الماءَ مرَّتينِ.

- وَرَوَى أَنَّهُ يُجْزَى أَنْ يَغْسَلَ بِمِثْلِهِ مِنَ الْمَاءِ إِذَا كَانَ عَلَى رَأْسِ الْحَشْفَةِ وَغَيْرِهِ.

- وَرَوَى أَنَّهُ مَاءٌ لَيْسَ بِوَسْخٍ فَيَحْتَاجُ أَنْ يُدْلِكَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسین بن ابی علاء روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در باره ادراری که بدن را نجس می کند، پرسیدم چه حکمی دارد؟

فرمود: دو مرتبه بر آن آب بریز.

در روایت دیگری آمده است: این نجاست را می توان با آبی که به مقدار همان نجاست است پاک کرد، هرگاه در سر آلت و جو آن باشد.

و روایت شده است: این نجاست همانند آب است که نجس نیست که به مالیدن نیاز داشته باشد.

۱۶- مقدار آبی که در وضو و غسل کفایت می کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن هارون بن حمزة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: يُجْزِيكَ مِنَ الْغُسْلِ وَالِاسْتِنْجَاءِ مَا مِلْتَّ مِينِكَ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، از هارون بن حمزه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: برای غسل و طهارت، به مقداری که دست راست خود را از آب پر کنی، برای تو کفایت می نماید.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن زرارة عن أبي جعفر صلوات الله عليه في الوضوء قال إذا مسَّ جلدك الماءَ فحسبكَ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه در باره وضو فرمود: هرگاه آب به پوست تو رسید، برای او کافی است.

ص: ۱۲

۱- . الكافي ج ۳ ص ۲۱ ح ۷.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۲۲ ح ۶.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبيد الله بن ميمون القداح عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: ركعتان بالسواك أفضل من سبعين ركعة بغير سواك قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله لو لا أن أشق على أمتي لأمرتهم بالسواك مع كل صلاة. (۱)

مرحوم شيخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن ميمون روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: دو رکعت نماز با مسواک زدن، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون مسواک زدن است.

حضرتش فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: اگر بر اتم سخت نبود، به راستی که مردم را به مسواک زدن برای هر نماز دستور می دادم.

۱۸- مضمضه و استنشاق

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سألتُه عن المضمضه و الاستنشاق قال ليس هُما من الوضوء هُما من الجوف. (۲)

مرحوم شيخ کلینی، با سند خویش از ابوبصير روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه در مورد مضمضه و استنشاق پرسیدم؟

فرمود: این دو عمل جزو وضو نیستند، بلکه مربوط به درون بدن هستند.

۱۹- چگونگی وضو

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرارة قال قال أبو جعفر صلوات الله عليه أ لا أحكى لكم وضوء رسول الله صلى الله عليه وآله فقلنا بلى فدعا بقعب فيه شئ من ماء ثم وضعه بين يديه ثم حسر عن ذراعيه ثم غمس فيه كفه اليمنى ثم قال هكذا إذا كانت الكف طاهرة ثم غرغف فملاها ماء فوضعهما على جبينه ثم قال بسم الله وسدله على أطراف لحيته ثم أمر يده على وجهه و ظاهر جبينه مرة واحدة ثم غمس يده اليسرى فغرغف بها ملأها ثم وضعه على مرفقه اليمنى و أمر كفه على ساعده حتى جرى الماء على أطراف أصابعه ثم غرغف يمينه ملأها فوضعه على مرفقه اليسرى و أمر كفه على ساعده حتى جرى الماء على أطراف

ص: ۱۳

۱- . الكافي ج ۳ ص ۲۲ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۲۴ ح ۲.

أَصَابِعِهِ وَ مَسَّحَ مُقَدَّمَ رَأْسِهِ وَ ظَهَرَ قَدَمَيْهِ بِيَلِّهِ يَسَارِهِ وَ بَقِيَّتِهِ بِلَهِّ يُمْنَاهُ قَالَ وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ وَ تَرْتُّ يُحِبُّ الْوَتْرَ فَقَدْ يُعْزِئُكَ مِنَ الْوُضُوءِ ثَلَاثُ غُرَفَاتٍ وَاحِدَةً لِلْوَجْهِ وَ اثْنَتَانِ لِلذَّرَاعَيْنِ وَ تَمَسَّحُ بِيَلِّهِ يُمْنَاكَ نَاصِيَتَيْكَ وَ مَا بَقِيَ مِنْ بِلِّهِ يَمِينِكَ ظَهَرَ قَدَمِكَ الْيُمْنَى وَ تَمَسَّحُ بِيَلِّهِ يَسَارِكَ ظَهَرَ قَدَمِكَ الْيُسْرَى قَالَ زُرَّارَةُ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ سَأَلَ رَجُلٌ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ وَضُوءِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَحَكَى لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ. (١)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: آیا از وضوی رسول الله صلی الله علیه و آله برای شما سخن نگویم؟

گفتیم: بفرمائید.

حضرت صلوات الله علیه ظرف بزرگی که در آن مقداری آب بود، خواست و آن را پیش روی خود نهاد، سپس آستین دو دست مبارک خود را بالا زد و دست راست خود را در آب فرو برد و فرمود: اینچنین باید کرد، هنگامی که دست پاک باشد.

سپس کف خود را پر از آب کرد و آن دست را بر پیشانی مبارکش نهاد و فرمود: «بسم الله» و آب را بر اطراف محاسن خود جاری کرد، سپس دست خود را یک بار بر صورت و ظاهر پیشانی کشید و پس از آن دست چپ خود را در آب فرو برد و کف خود را پر از آب کرد، سپس آن را بر روی آرنج دست راست نهاد و کف دست خود را بر روی بازو کشید تا اینکه آب بر اطراف سر انگشتان جاری شد، سپس کف دست راست را از آب پر کرد و آن را بر آرنج دست چپش نهاد و کف دست را بر روی بازو کشید تا اینکه آب بر سر انگشتان جاری شد و پس از آن، رطوبت مانده دست راست و دست چپ را بر جلوی سر و روی پاها مسح نمود.

زراره گوید: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: همانا خداوند متعال فرد است و عدد فرد را دوست می دارد.

بنابراین، برای وضو سه مشت آب کافی است. یک مشت برای صورت و دو مشت برای دو بازو، و با رطوبت دست راست، جلوی سر را و با مانده آن، روی پای راست و با رطوبت دست چپ، روی پای چپ را مسح می نمایم.

ص: ۱۴

زراره گوید: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: مردی از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در باره وضوی رسول الله صلی الله علیه و آله پرسید؟

حضرت بر همین شکل وضوی رسول الله صلی الله علیه و آله را بازگو فرمود.

۲۰- اندازه شستن صورت و دو دست و چگونگی شستن آنها

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَخْبِرْنِي عَنْ حَيْدِ الْوَجْهِ الَّذِي يَتَّبَعِي لَهُ أَنْ يُوضَّأَ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ الْوَجْهُ الَّذِي أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِغَسْلِهِ الَّذِي لَمَّا يَتَّبَعِي لِأَحْدِ أَنْ يَزِيدَ عَلَيْهِ وَ لَمَّا يَنْقُصُ مِنْهُ إِنَّ زَادَ عَلَيْهِ لَمْ يُوجِزْ وَإِنْ نَقَصَ مِنْهُ أَثِمَ مَا دَارَتْ عَلَيْهِ السَّبَابَةُ وَالْوُشْطَى وَالْإِثْمَامُ مِنْ قُصَاصِ الرَّأْسِ إِلَى الدَّقْنِ وَ مَا جَرَتْ عَلَيْهِ الْإِضْبَعَانِ مِنَ الْوَجْهِ مُسْتَدِيرًا فَهُوَ مِنَ الْوَجْهِ وَ مَا سِوَى ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ الْوَجْهِ قُلْتُ الصُّدُغُ لَيْسَ مِنَ الْوَجْهِ قَالَ لَأ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: به حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه عرض کردم: مرا از اندازه شستن صورت که سزاوار است شسته شود و همان که خدای تعالی دستور فرموده است، آگاه فرما؟

فرمود: صورتی که خدای تعالی به شستن آن دستور داده و شایسته نیست کسی بر آن بیفزاید و یا از آن کم کند که اگر بر آن افزود، پاداشی نبرده است و اگر از آن کم کند، گناه کرده است، مقداری است که انگشت میانه و شست آن را فرو گیرد؛ از رستگاه موی سر تا چانه؛ و آن دایره ای است که دو انگشت از صورت در بر می گیرند، همین جزو صورت است و جز آن، از صورت شمرده نمی شود.

گفتم: گنجگاه جزو صورت نیست؟

فرمود: نه.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَتَوَضَّأُ أَوْ يَبْسُطُ لِحْيَتَهُ قَالَ لَأ. (۲)

ص: ۱۵

۱- . الكافي ج ۳ ص ۲۸ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۲۸ ح ۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از یکی از دو حضرت امام محمد باقر و یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما پرسیدم: مردی که وضو می گیرد آیا لازم است به داخل ریش خود آب برساند؟ فرمود: نه.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن الهيثم بن عروة التميمي قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن قول الله عز وجل: {فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ} فَقُلْتُ هَكَذَا وَمَسَّحْتُ مِنْ ظَهْرِي كَفَى إِلَي الْمِرْفَقِ فَقَالَ لَيْسَ هَكَذَا تَنْزِيلُهَا إِنَّمَا هِيَ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ مِنَ الْمَرَافِقِ ثُمَّ أَمْرٌ يَدُهُ مِنْ مِرْفَقِهِ إِلَى أَصَابِعِهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از هیشم بن عروه تیمیمی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره گفتار خدای تعالی پرسیدم و گفتم: این گونه است، از روی دست خود تا آرنج را دست کشیدم.

فرمود: آیه بدین صورت نازل نشده؛ بلکه چنین است: {فاغسلوا وجوهكم و ايديكم من المرافق}. (سوره مائده آیه ۶) سپس دست خود را از آرنج تا انگشتانش کشید.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد بن إسماعيل بن بزيع عن أبي الحسن الرضا صلوات الله عليه قال: فرض الله على النساء في الوضوء للصلاة أن يبتدئن بباطن أذرعهن وفي الرجال بظاهر الذراع. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن اسماعیل بن بزیر روایت کرده که گفت: حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمود: خداوند متعال بر زنان واجب فرموده است که در وضوی نماز از پشت بازوی خود شروع نمایند، و مردان از روی بازو.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: سأته عن الأقطع اليد والرجل قال يغسلهما. (۳)

ص: ۱۶

۱- الكافي ج ۳ ص ۲۸ ح ۵.

۲- الكافي ج ۳ ص ۲۸ ح ۶.

۳- الكافي ج ۳ ص ۲۹ ح ۷.

مرحوم شیخ کلینی، از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه در مورد وضوی کسی که دست و پای او بریده شده است پرسیدم.

حضرت فرمود: باقی مانده آنها را بشوید.

۲۱- مسح سر و پاها

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مَعْمَرِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: يُجْزَى مِنَ الْمَسْحِ عَلَى الرَّأْسِ مَوْضِعُ ثَلَاثِ أَصَابِعٍ وَكَذَلِكَ الرَّجُلُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معمر بن عمر روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: مسح سر و همچنین پا، به اندازه سه انگشت کفایت می کند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنَّهُ يَأْتِي عَلَى الرَّجُلِ سِتُّونَ وَ سَبْعُونَ سَنَةً مَا قَبَلَ اللَّهُ مِنْهُ صَلَاةً قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَاكَ قَالَ لِأَنَّهُ يَغْسِلُ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِمَسْحِهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مروان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: چه بسا مردی شصت و هفتاد سال زندگی می کند و خداوند یک نماز را هم از او نمی پذیرد.

گفتم چگونه؟

فرمود: زیرا عضوی را که خداوند به مسح آن امر فرموده است، می شوید.

۲۲- جیره و شکستگی و زخم های ناشی از جراحت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الْكَسِيرِ تَكُونُ عَلَيْهِ الْجَبَائِرُ أَوْ تَكُونُ بِهِ الْجِرَاحُ كَيْفَ يَضْمَعُ بِالْوُضُوءِ وَ عِنْدَ غُسْلِ الْجَنَابَةِ وَ غُسْلِ الْجُمُعَةِ قَالَ يَغْسِلُ مَا وَصَلَ إِلَيْهِ الْغُسْلُ مِمَّا ظَهَرَ مِمَّا لَيْسَ عَلَيْهِ الْجَبَائِرُ وَ يَدْعُ مَا سِوَى ذَلِكَ مِمَّا لَا يَسْتَطِيعُ غَسْلَهُ وَ لَا يَنْزِعُ الْجَبَائِرَ وَ لَا يَغْبُثُ بِجِرَاحَتِهِ. (۳)

ص: ۱۷

۱- . الكافي ج ۳ ص ۲۹ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۳۱ ح ۹.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۳۲ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الرحمان بن حجاج روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله علیه در مورد کسی که استخوانش شکسته و روی آن پارچه و چوپ های شکسته بندی گذاشته اند، و یا جراحی در بدن دارد، سوال نمودم که برای وضو، غسل جنابت و غسل جمعه چه وظیفه ای دارد؟

فرمود: قسمت های را که آشکار است و پارچه و چوپ شکسته بندی بر روی آن نیست، و آب به آن می رسد بشوید و قسمت هایی را که توان شستن آن را ندارد، رها کند و لازم نیست پارچه و چوپ های شکسته بندی را باز نماید و زخم را دست کاری کند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه أنه سئل عن الرجل يكون به القرحه في ذراعيه أو نحو ذلك في موضع الوضوء فيعصبها بالخرفه ويتوضأ ويمسح عليها إذا توضأ فقال إن كان يؤذيه الماء فليمسح على الخرفه وإن كان لا يؤذيه الماء فلينزع الخرفه ثم يغسلها قال وسألته عن الجرح كيف أصنع به في غسله قال اغسل ما حوله. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد کسی که در بازویش و یا یکی از اعضای وضویش زخم چرکینی دارد و آن را با پارچه بسته و به هنگام وضو بر روی آن دست می کشد، پرسیدند؟

فرمود: اگر آب به او ضرر دارد، بایستی بر روی پارچه دست بکشد، و اگر آب به او ضرر ندارد، بایستی پارچه را باز کند، سپس آنجا را بشوید.

راوی گوید: از حضرتش درباره جراحتش پرسیدم که در هنگام شستن آن، چگونه باید عمل نمایم؟

فرمود: باید اطراف آن را بشوی.

ص: ۱۸

۲۳- شک در وضو

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ إِذَا اسْتَيْقَنَتْ أَنَّكَ قَدْ أَحَدْتُمْ فِتْوَاهُ وَإِيَّاكَ أَنْ تُحَدِّثَ وَضُوءاً أَبَداً حَتَّى تَسْتَيْقِنَ أَنَّكَ قَدْ أَحَدْتُمْ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن بکیر از پدرش روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: اگر یقین نمودی که وضوی خود را باطل نموده ای، وضو بگیر، و هرگز تا یقین بر باطل کردن وضوی خویش نکرده ای، وضو مگیر.

۲۴- مبطلات وضو

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ وَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا مَا يَنْقُضُ الْوُضُوءَ فَقَالَا مَا يَخْرُجُ مِنْ طَرْفَيْكَ الْأَسْفَلَيْنِ مِنَ الدُّبْرِ وَ الدَّكْرِ غَائِطٌ أَوْ بَوْلٌ أَوْ مَيِّئٌ أَوْ رِيحٌ وَ النَّوْمُ حَتَّى يُذْهَبَ الْعَقْلُ وَ كُلُّ النَّوْمِ يُكْرَهُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تَسْمَعُ الصَّوْتِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: به حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما گفتم: چه چیزی وضو را باطل می کند؟

فرمودند: آن چیزی که از دو طرف پایین تو - یعنی از دبر و آلت - خارج می گردد، که عبارتند از: مدفوع، ادرار، منی، باد، و همچنین خوابی که عقل را برآید و هر خوابی که وضو گرفتن را الزامی می کند، مگر آن که صدا را در آن حال بشنود.

۲۵- مذی و ودی

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ: إِنْ سَالَ مِنْ ذَكَرِكَ شَيْءٌ مِنْ مَذْيٍ أَوْ وَدْيٍ وَ أَنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَلَا تَغْتَبِلْهُ وَ لَا تَقْطَعْ الصَّلَاةَ وَ لَا تَنْقُضْ لَهُ الْوُضُوءَ وَ إِنْ بَلَغَ عَقِيْبِكَ فَإِنَّمَا ذَلِكَ بِمَنْزِلَةِ النُّخَامَةِ وَ كُلُّ شَيْءٍ يَخْرُجُ مِنْكَ بَعْدَ الْوُضُوءِ فَإِنَّهُ مِنَ الْحَبَائِلِ أَوْ مِنَ الْبَوَاسِيرِ وَ لَيْسَ بِشَيْءٍ فَلَا تَغْسِلُهُ مِنْ ثَوْبِكَ إِلَّا أَنْ تَقْدَرَهُ. (۳)

ص: ۱۹

۱- . الكافي ج ۳ ص ۳۳ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۳۶ ح ۶.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۳۹ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: اگر در حال نماز بودی و چیزی از مذی یا ودی از آلت تو جاری شد، حتی اگر به دو پاشنه پایت رسید، لازم نیست آن را بشویی و نباید نماز را قطع کنی و به خاطر آن وضوی خود را نشکن، زیرا که آن به سان آب بینی و خلط سینه است هر چه پس از وضو از تو خارج می شود، از رگ ها یا بواسیر است و نجس نیست و لباس آلوده به آن را نشوی، مگر اینکه آن را، چرک بشماری.

۲۶- اقسام غسل

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ غُسْلِ الْجُمُعَةِ فَقَالَ وَاجِبٌ فِي السَّفَرِ وَالْحَضَرِ إِلَّا أَنَّهُ رُخِصَ لِلنِّسَاءِ فِي السَّفَرِ لِقَلَّةِ الْمَاءِ وَقَالَ غُسْلُ الْجَنَابَةِ وَاجِبٌ وَغُسْلُ الْحَائِضِ إِذَا طَهَّرَتْ وَاجِبٌ وَغُسْلُ الْمُسْتَحَاضَةِ وَاجِبٌ إِذَا اخْتَشَتْ بِالْكَرْسُفِ فَجَازَ الدَّمُ الْكَرْسُفَ فَعَلَيْهَا الْغُسْلُ لِكُلِّ صِيْلَتَيْنِ وَ لِلْفَجْرِ غُسْلٌ وَإِنْ لَمْ يَجْزِ الدَّمُ الْكَرْسُفَ فَعَلَيْهَا الْغُسْلُ كَمَلَّ يَوْمَ مَرَّةٍ وَ الْوُضُوءُ لِكُلِّ صِيْلَةٍ وَ غُسْلُ النُّفْسَاءِ وَاجِبٌ وَ غُسْلُ الْمَوْلُودِ وَاجِبٌ وَ غُسْلُ الْمَيِّتِ وَاجِبٌ وَ غُسْلُ الزِّيَارَةِ وَاجِبٌ وَ غُسْلُ دُخُولِ الْبَيْتِ وَاجِبٌ وَ غُسْلُ الْإِسْتِسْقَاءِ وَاجِبٌ وَ غُسْلُ أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ يُسْتَحَبُّ وَ غُسْلُ لَيْلَةِ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ وَ غُسْلُ لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ سُنَّةٌ لَا تَتْرُكُهَا فَإِنَّهُ يُرْجَى فِي إِحْدَاهُنَّ لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَ غُسْلُ يَوْمِ الْفِطْرِ وَ غُسْلُ يَوْمِ الْأَضْحَى سُنَّةٌ لَا أُجِبُ تَرْكُهَا وَ غُسْلُ الْإِسْتِسْقَاءِ يُسْتَحَبُّ الْعَمَلُ فِي غُسْلِ الثَّلَاثِ اللَّيَالِي مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ - لَيْلَةُ تِسْعِ عَشْرَةٍ وَ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ وَ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد غسل جمعه پرسیدم؟

فرمود: غسل جمعه هم در حال سفر و در هم در وطن واجب است جز این که در حال سفر به دلیل کمبود آب، به زنان اجازه ترک آن داده شده است.

و فرمود: غسل جنابت واجب است، غسل زن حائض هنگامی که پاک می گردد، واجب است، غسل استحاضه در صورتی که خون از پنبه بیرون بزند، واجب است و بر او لازم است برای هر دو نماز (ظهر و

ص: ۲۰

عصر یا مغرب و عشاء) یک غسل و برای نماز صبح یک غسل به جا آورد، و اگر خون از پنبه نگذرد بر او لازم است هر روز یک غسل به جا آورد و برای هر نماز یک وضو بگیرد، غسل زن زائو واجب است.

غسل دادن نوزاد واجب است، غسل دادن مرده واجب است، غسل زیارت واجب است، غسل داخل شدن به خانه کعبه واجب است، غسل استسقاء (طلب باران) واجب است.

و غسل شب اول ماه رمضان مستحب است، غسل بیست و یکم و غسل شب بیست و سوم سنت است آن را ترک مکن؛ زیرا که امید می رود یکی از آن دو، شب قدر باشد، و غسل روز عید فطر و غسل روز عید قربان سنتی است که تر آن را دوست نمی دارم و غسل استخاره مستحب است، و همچنین غسل نمودن در سه شب ماه رمضان: نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم مستحب است.

۲- قال العلامة المجلسی رضی الله عنه، وَقَالَ الْإِمَامُ الرِّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: اَعْلَمُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ أَنَّ غُسْلَ الْجَنَابَةِ فَرِيضَةٌ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَ أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْغُسْلِ فَرَضٌ غَيْرُهُ وَ بَاقِيَ الْغُسْلِ سُنَّةٌ وَاجِبَةٌ وَ مِنْهَا سُنَّةٌ مَسْنُونَةٌ إِلَّا أَنَّ بَعْضَهَا أَلْزَمٌ مِنْ بَعْضٍ وَ أُوجِبُ مِنْ بَعْضٍ.

وَ قَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: وَ الْغُسْلُ ثَلَاثَةٌ وَ عِشْرُونَ مِنَ الْجَنَابَةِ وَ الْأِحْرَامِ وَ غُسْلُ الْمَيْتِ وَ مَنْ غَسَلَ الْمَيْتَ وَ غُسْلُ الْجُمُعَةِ وَ غُسْلُ دُخُولِ الْمَدِينَةِ وَ غُسْلُ دُخُولِ الْحَرَمِ وَ غُسْلُ دُخُولِ مَكَّةَ وَ غُسْلُ زِيَارَةِ الْبَيْتِ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ حَمْسَ لَيَالٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَوَّلَ لَيْلِهِ مِنْهُ وَ لَيْلَهُ سَبْعَةَ عَشَرَ وَ لَيْلَهُ تِسْعَةَ عَشَرَ وَ لَيْلَهُ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ وَ لَيْلَهُ ثَلَاثِ وَ عِشْرِينَ وَ دُخُولِ الْبَيْتِ وَ الْعِيدَيْنِ وَ لَيْلَهُ النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ وَ غُسْلُ الزِّيَارَاتِ وَ غُسْلُ الْإِسْتِخَارَةِ وَ غُسْلُ طَلَبِ الْحَوَائِجِ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ غُسْلُ يَوْمِ عَدِيرِ حُمِّ الْفُرْضِ مِنْ ذَلِكَ غُسْلُ الْجَنَابَةِ وَ الْوَاجِبُ غُسْلُ الْمَيْتِ وَ غُسْلُ الْأِحْرَامِ وَ الْبَاقِي سُنَّةٌ. (۱)

مرحوم علامه مجلسی رضوان الله عليه گوید: حضرت امام رضا صلوات الله عليه فرموده است: خداوند شما را ببخشد، آگاه باشید که غسل جنابت واجب از واجبات خداوند عز و جل است و غسل واجبی غیر از آن وجود ندارد و غسل های دیگر غسل های سنت واجب هستند و برخی نیز سنت های مستحب هستند، جز اینکه برخی از غسل ها از برخی دیگر واجب تر و لازم تر هستند.

ص: ۲۱

حضرت صلوات الله در ادامه فرموده است: غسل‌ها بیست و سه نوع اند: غسل جنابت، غسل إحرام، غسل میّت، غسل کننده میّت، غسل جمعه، غسل وارد شدن به مدینه، غسل وارد شدن به مسجد الحرام، غسل وارد شدن به مکه، غسل زیارت خانه کعبه، غسل روز عرفه، غسل شب‌های اول، هفدهم، نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم ماه رمضان، غسل وارد شدن به خانه کعبه، غسل روز عید فطر و قربان، غسل شب نیمه شعبان، غسل زیارت‌ها، غسل استخاره، غسل طلب حاجات از درگاه خداوند متعال و غسل روز عید غدیر خم.

توضیح: در روایت قبلی بعضی از اغسال به لفظ وجوب آمده که در حدیث بعدی آنها مستحب خوانده شده اند. لذا ظاهراً منظور از وجوب در روایت قبلی، مستحب موکد خواهد بود.

۲۷- غسلی که از چند غسل کفایت می‌نماید

۱- الشیخ الكلینی، بإسناده عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا أَنَّهُ قَالَ: إِذَا اغْتَسَلَ الْجُنُبُ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ أَجْزَأَ عَنْهُ ذَلِكَ الْغُسْلُ مِنْ كُلِّ غُسْلٍ يَلْزَمُهُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش جمیل بن دراج از یکی از اصحاب روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: در صورتی که جنب پی از طلوع فجر غسل نماید، از هر غسلی که در آن روز بر عهده او بود، کفایت می‌نماید.

۲۸- غسل روز جمعه

۱- الشیخ الكلینی، بإسناده عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْغُسْلِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَقَالَ وَاجِبٌ.

وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى أَنَّهُ رُخِّصَ لِلنِّسَاءِ فِي السَّفَرِ لِقَلَّةِ الْمَاءِ عَلَى كُلِّ ذَكَرٍ وَأُنْثَى عِنْدِ أَوْ حُرٍّ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن مغیره روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله علیه در مورد غسل روز جمعه پرسیدم؟

ص: ۲۲

۱- . الکافی ج ۳ ص ۴۱ ح ۲.

۲- . الکافی ج ۳ ص ۴۱ ح ۱-۳.

فرمود: غسل جمعه بر هر مرد و زن چه بنده باشد و چه آزاد واجب است.

در روایت دیگر آمده است: در سفر به دلیل کمبود آب به زنان اجازه ترک غسل جمعه داده شده است.

۲- الشيخ الصدوق، بإسناده عن زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي حَدِيثِ الْجُمُعَةِ قَالَ وَالْغُسْلُ فِيهَا وَاجِبٌ. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از زراره از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه در حدیث جمعه روایت کرده فرمود: و غسل در آن واجب است.

۳- الشيخ الطوسي، بإسناده عن عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الْغُسْلِ فِي الْجُمُعَةِ وَالْأَضْحَى وَالْفِطْرِ قَالَ سُنَّةٌ وَ لَيْسَ بِفَرِيضَةٍ. (۲)

مرحوم شیخ طوسی، با سند خویش از علی بن یقطین روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه در مورد غسل جمعه و عید قربان و عید فطر سؤال کردم؛ فرمود: سنت است و فریضه نیست.

۴- الشيخ الطوسي، بإسناده عن عَلِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ غُسْلِ الْعِيدَيْنِ أَوْ اجِبٌ هُوَ فَقَالَ هُوَ سُنَّةٌ قُلْتُ فَالْجُمُعَةُ قَالَ هُوَ سُنَّةٌ. (۳)

مرحوم شیخ طوسی، با سند خویش از علی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد غسل عید فطر و قربان سؤال کردم که آیا آن واجب است؟ فرمود: آن سنت است، گفتم: جمعه چطور؟ فرمود: آن سنت است.

۵- قَالَ الشَّيْخُ الْمَفِيدُ، رُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ: غُسْلُ الْجُمُعَةِ وَالْفِطْرِ سُنَّةٌ فِي السَّفَرِ وَالْحَضَرِ. (۴)

مرحوم شیخ مفید، گوید: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت شده که فرمود: غسل روز جمعه و عید فطر در مسافرت و در حال اقامت سنت است.

ص: ۲۳

۱- من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۴۱۱ ح ۱.

۲- تهذيب الاحكام ج ۱ ص ۱۱۲ ح ۲۷.

۳- تهذيب الاحكام ج ۱ ص ۱۱۳ ح ۲۹.

۴- المقنعه ص ۲۶.

۶- الشيخ الصدوق، بإسناده عن الفضل بن شاذان عن الرضا صلوات الله عليه: فِيمَا كَتَبَ لِلْمَأْمُونِ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ قَالَ غُسْلُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ سُنَّةٌ وَغُسْلُ الْعِيدَيْنِ وَغُسْلُ دُخُولِ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ وَغُسْلُ الزِّيَارَةِ وَغُسْلُ الْإِحْرَامِ وَ أَوَّلَ لَيْلِهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ لَيْلِهِ سَبْعَةَ عَشَرَ وَ لَيْلِهِ تِسْعَةَ عَشَرَ وَ لَيْلِهِ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ وَ لَيْلِهِ ثَلَاثٌ وَ عَشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ هَذِهِ الْأَغْسَالُ سُنَّةٌ وَغُسْلُ الْجَنَابَةِ فَرِيضَةٌ وَ غُسْلُ الْحَيْضِ مِثْلُهُ. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از فضل بن شاذان روایت کرده که گفت: در میان نوشته های حضرت امام رضا صلوات الله علیه به مأمون که به تبیین قوانین دین پرداخته اند چنین آمده است: غسل روز جمعه سنّت است، همچنین غسل روز عید فطر و قربان، غسل وارد شدن به مکه و مدینه، غسل زیارت، غسل إحرام، غسل شب اول، هفدهم، نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم ماه رمضان، این غسل ها سنت هستند، و غسل جنابت واجب است و غسل حیض نیز مانند آن است.

توضیح: احادیث در باب غسل روز جمعه هم به لفظ وجوب آمده و هم به لفظ سنت چنانکه از هر کدام نمونه های ذکر گردید. ظاهراً منظور از وجوب همان مستحب موکد بوده باشد ولی حد الامکان غسل روز جمعه نباید ترک شود و اگر در روز جمعه بنا بر دلایلی غسل نتوان کرد، طبق روایاتی که وارد است می توان در روز پنجشنبه و یا روز شنبه قضای آن را انجام داد و از ثواب کثیرش بهره مند شد.

۲۹- چگونه غسل

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ كَيْفَ يَغْتَسِلُ الْجُنُبُ فَقَالَ إِنَّ لَمْ يَكُنْ أَصَابَ كَفَّهُ شَيْءٌ عَمَسَهَا فِي الْمَاءِ ثُمَّ بَدَأَ بِفَرْجِهِ فَأَنْقَاهُ بِثَلَاثِ غُرْفٍ ثُمَّ صَبَّ عَلَى رَأْسِهِ ثَلَاثَ أَكْفٍ ثُمَّ صَبَّ عَلَى مَنْكِبِهِ الْأَيْمَنِ مَرَّتَيْنِ وَ عَلَى مَنْكِبِهِ الْأَيْسَرِ مَرَّتَيْنِ فَمَا جَرَى عَلَيْهِ الْمَاءُ فَقَدْ أَجَزَ أَوْ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: به حضرتش صلوات الله علیه گفتم: جنب چگونه غسل می نماید؟

ص: ۲۴

۱- . عيون الأخبار الرضا (ع) ج ۲ ص ۱۲۳.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۴۳ ح ۳.

فرمود: اگر دستش نحس نباشد، آن را در آب فرو می برد، آنگاه از عورت خویش آغاز نموده، و آن را با سه کف آب تمیز می نماید، سپس سه کف بر روی سر خویش و پس از آن دو بار بر روی شانه راست خود و دو بار بر شانه چپ خود آب می ریزد، پس هر جا که آب بر آن جاری شود، برای او کفایت می نماید.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبی قال سمعتُ أبا عبد الله صلوات الله عليه يقول إذا ارتمس الجنب في الماء ارتمسه واحدهً أجزأه ذلك من غسله. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلّبی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: هرگاه جنب یک بار در آب فرو رود، برای غسل او کافی است.

۳۰- وضوی بعد از غسل

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الله بن سليمان قال سمعتُ أبا عبد الله صلوات الله عليه يقول الوضوء بعد الغسل بدعه. و روى أي وضوء أطهر من الغسل. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله سلیمان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: وضو گرفتن بعد از غسل، بدعت است. و روایت شده است: چه وضوی از غسل، پاک کننده است.

۳۱- تکان دادن انگشتر، دست بند و النگو به هنگام غسل و وضو

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن جعفر عن أخيه موسى بن جعفر صلوات الله عليهما قال: سألتُه عن المرأة عليها السوار و الدملج في بعض ذراعها ل تدرى يجرى الماء تحته أم لا كيف تضيّع إذا توضأت أو اغتسلت قال تحركه حتى يدخل الماء تحته أو تنزعهُ و عن الخاتم الضيّق لا يدرى هل يجرى الماء تحته إذا توضأ أم لا كيف يضيّع قال إن علم أن الماء لا يدخله فليخرجه إذا توضأ. (۳)

ص: ۲۵

۱- . الكافي ج ۳ ص ۴۴ ح ۵.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۴۵ ح ۱۲-۱۳.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۴۳ ح ۶.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن جعفر روایت کرده که گفت: از برادر خویش حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیهما درباره زنی که در دست او انگو و دست بند است و نمی داند که آیا آب در زیر آن نفوذ می کند یا نه پرسیدم که هنگام وضو و یا غسل چگونه باید عمل نماید؟

فرمود: باید آن را به گونه ای تکان دهد که آب به زیر آن نفوذ کند، یا این که آنها را در آورد.

همچنین در مورد انگشتر تنگی که نمی داند آیا هنگام وضو آب زیر آن نفوذ می کند، پرسیدم که چگونه باید عمل نماید؟

فرمود: اگر می داند که آب به زیر آن نفوذ نمی کند، بایستی هنگامی که وضو می گیرد آن را بیرون آورد.

۳۲- موجبات غسل مرد و زن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الرَّجُلِ يُجَامِعُ الْمَرْأَةَ قَرِيبًا مِنَ الْفَرْجِ فَلَا يُنْزِلَانِ مَتَى يَجِبُ الْغُسْلُ فَقَالَ إِذَا التَّقَى الْخِتَانَانَ فَقَدْ وَجَبَ الْغُسْلُ فَقُلْتُ الْتِقَاءُ الْخِتَانَيْنِ هُوَ غَيْبُوهُ الْحَشْفَةَ قَالَ نَعَمْ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن اسماعیل روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله علیه پرسیدم: مردی که با زن در نزدیکی فرج جماع می کند، و هیچ کدام به انزال (منی) نمی رسند، کی غسل بر این دو واجب می گردد؟

فرمود: هنگامی که دو ختنه گاه به یکدیگر برسند، غسل واجب می شود.

گفتم: آیا تماس دو ختنه گاه، همان پنهان شدن سر آلت است؟

فرمود: آری.

۳۳- محتلم شدن مرد و زن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ احْتَلَمَ فَلَمَّا انْتَبَهَ وَجَدَ بَلَلًا فَقَالَ لَيْسَ بِشَيْءٍ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَرِيضًا فَعَلَيْهِ الْغُسْلُ.

ص: ۲۶

وَقَالَ كَانَ عَلَيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ إِنَّمَا الْغُسْلُ مِنَ الْمَاءِ الْأَكْبَرِ فَإِذَا رَأَى فِي مَنَامِهِ وَ لَمْ يَرَ الْمَاءَ الْأَكْبَرَ فَلَيْسَ عَلَيْهِ غُسْلٌ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد مردی که در خواب محتمل می شود و چون بیدار میشود، فقط رطوبتی در خود می یابد، پرسیدم؟

فرمود: چیزی نیست، مگر اینکه او بیمار باشد که در این صورت غسل بر او لازم است.

و حضرت فرمود: علی صلوات الله علیه می فرمود: غسل فقط در آب بزرگتر (منی) است، پس هر گاه کسی خوابی دید، ولی آن آب را ندید، غسل بر عده او نمی باشد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سألتُه عن المَرَأَةِ تَرَى فِي الْمَنَامِ مَا يَرَى الرَّجُلُ قَالَ إِذَا أَنْزَلَتْ فَعَلَيْهَا الْغُسْلُ وَإِنْ لَمْ تُنَزَلْ فَلَيْسَ عَلَيْهَا الْغُسْلُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله دربارہ زنی که در خواب می بیند آنچه را که مرد می بیند، پرسیدم؟

فرمود: در صورتی که انزال کرده باشد، غسل بر او لازم است و در صورتی که انزال نکرده باشد، غسل بر او نمی باشد.

۳۴- حکم لباس و بدنی که به ادرار آلوده شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحسين بن أبي العلاء قال: سألتُ أبا عبد الله صلوات الله عليه عن البولِ يُصِيبُ الْجَسَدَ قَالَ صَبَّ عَلَيْهِ الْمَاءُ مَرَّتَيْنِ فَإِنَّمَا هُوَ مَاءٌ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الثَّوْبِ يُصِيبُهُ الْبَوْلُ قَالَ اغْسِلْهُ مَرَّتَيْنِ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّبِيِّ يُبُولُ عَلَى الثَّوْبِ قَالَ يُصِيبُ عَلَيْهِ الْمَاءَ قَلِيلًا ثُمَّ يَعْصِرُهُ. (۳)

ص: ۲۷

۱- . الكافي ج ۳ ص ۴۸ ح ۲- ۱.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۴۸ ح ۵.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۵۵ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسین بن ابی علاء روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: اگر بدن انسان به ادرار آلوده شود، چه حکمی دارد؟

فرمود: دو مرتبه بر آن آب بریز که آن نیز البته آب است.

از حضرتش درباره لباسی که به ادرار آلوده گردد، پرسیدم؟

فرمود: دو مرتبه آن را بشوی.

از حضرتش در مورد کودکی که بر روی لباس ادرار می کند، پرسیدم؟

فرمود: مقدار کمی آب بر روی آن بریزید، سپس آن را فشار دهید تا آبش خارج گردد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن إبراهيم بن عبد الحميد قال: سألت أبا الحسن صلوات الله عليه عن الثوب يصبه البول فينفذ إلى الجانب الآخر و عن الفرو و ما فيه من الحشو قال اغسل ما أصاب منه و مس الجانب الآخر فإن أصبت مس شيء منه فأغسله و إلا فأنضحه بالماء. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابراهیم بن عبد الحمید روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه درباره لباسی که به ادرار آلوده شده و به طرف دیگر آن نفوذ کرده است، و در مورد پوستین و چیزهایی که درون آنها طوری است که آب به سختی نفوذ می کند، پرسیدم؟

فرمود: آن قسمتی را که به ادرار آلوده شده بشوی و به طرف دیگرش دست بکش، اگر احساس کردی که آلوده شده آن طرف را نیز بشوی، در غیر این صورت، بر روی آن قسمت آب پاش.

۳۵- حکم لباسی که به خون و چرک آلوده شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سماعة قال: سألت عن الرجل به القرخ أو الجرح و لا يستطيع أن يربطه و لا يغسل دمه قال يغسله و لا يغسل ثوبه كل يوم إلا مرة فإنه لا يستطيع أن يغسل ثوبه كل ساعة. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: از امام صلوات الله علیه درباره کسی که زخم چرکین یا جراحت دارد، نمی تواند آن را ببندد و خون آن را بشوید، پرسیدم؟

ص: ۲۸

۱- . الكافي ج ۳ ص ۵۵ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۵۸ ح ۲.

فرمود: نماز خود را به جا می آورد و هر روز فقط یکبار لباس خود را می شوید. چون توانایی آن را ندارد که در هر ساعت (از نماز) آن را بشوید.

۳۶- چگونگی تیمم

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ التَّيْمُمِ فَضَرَبَ بِيَدِهِ الْأَرْضَ ثُمَّ رَفَعَهَا فَنَفَضَهَا ثُمَّ مَسَحَ بِهَا جَبِينَهُ وَ كَفَيْهِ مَرَّةً وَاحِدَةً.

و قَالَ فَاَمْسَحْ عَلَيَّ كَفَّيْكَ مِنْ حَيْثُ مَوْضِعِ الْقَطْعِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه از چگونگی تیمم پرسیدم.

حضرتش دست خود را بر زمین زده، سپس بالا آورد و آن را تکاند و آن را یک بار به پیشانی و دو دست خویش کشید.

و فرمود: بر روی دست خویش از آن جایی که محل بریده شدن است، مسح کن.

۳۷- هنگام وجوب تیمم و حکم کسی که پس از تیمم آب می یابد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِذَا لَمْ تَجِدْ مَاءً وَ أَرَدْتَ التَّيْمُمَ فَأَخِّرِ التَّيْمُمَ إِلَى آخِرِ الْوَقْتِ فَإِنْ فَاتَكَ الْمَاءُ لَمْ تَفْتُكْ الْأَرْضَ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: هرگاه آبی نیافتی و خواستی تیمم کنی، تیمم را تا آخر وقت به تأخیر بینداز؛ زیرا اگر در آن هنگام نتوانستی آب بیابی، زمین که در اختیار توست.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يُصَلِّي الرَّجُلُ بِوُضُوءٍ وَاحِدٍ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ كُلَّهَا قَالَ نَعَمْ مَا لَمْ يُحَدِّثْ قُلْتُ فَيُصَلِّي بِتَيْمُمٍ وَاحِدٍ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ كُلَّهَا قَالَ نَعَمْ مَا لَمْ يُحَدِّثْ أَوْ يُصَبَّ مَاءٌ قُلْتُ فَإِنْ أَصَابَ الْمَاءُ وَ رَجَا أَنْ يَقْدِرَ عَلَى مَاءٍ آخَرَ وَ ظَنَّ أَنَّهُ يَقْدِرُ عَلَيْهِ كُلَّمَا أَرَادَ فَعَسَرَ ذَلِكَ عَلَيْهِ قَالَ يَنْقُضُ ذَلِكَ تَيْمُمَهُ وَ عَلَيْهِ أَنْ

ص: ۲۹

۱- الكافي ج ۳ ص ۶۱ ح ۱-۲.

۲- الكافي ج ۳ ص ۶۳ ح ۱.

يُعِيدَ التَّيْمَمَ قُلْتُ فَإِنْ أَصَابَ الْمَاءَ وَقَدْ دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ قَالَ فَلْيَنْصِرِفْ وَ لِيَتَوَضَّأَ مَا لَمْ يَزَكَّعَ فَإِنْ كَانَ قَدْ رَكَعَ فَلْيَمُضْ فِي صَلَاتِهِ فَإِنَّ التَّيْمَمَ أَحَدُ الطَّهْرَيْنِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: به حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه عرض کردم: آیا مرد می تواند تمامی نمازهای شبانه روز را با یک وضو به جای آورد؟

فرمود: آری، اگر آن را باطل ننماید.

گفتم: آیا با یک تیمم نیز می تواند تمامی نمازهای شبانه روز را به جای آورد؟

فرمود: آری، تا هنگامی که آن را باطل ننموده، و آبی نیافته است.

گفتم: اگر به آب برسد و امید دست رسی به آب دیگری را داشته باشد و چنین گمان کند که هرگاه بخواند می تواند به آن دست رسی یابد، ولی این امر بر او دشوار باشد، تکلیف او چیست؟

فرمود: این امر تیمم او را باطل می کند، و بر عهده اوست که دوباره تیمم نماید.

گفتم: اگر در حال نماز به آب دست یابد چه حکمی دارد؟

فرمود: تا هنگامی که به رکوع نرفته است، باید از نماز دست کشد و وضو بگیرد، ولی اگر به رکوع رفته باید نماز خود را ادامه دهد، زیرا تیمم یکی از دو پاک کننده است.

۳۸- تیمم با گِل

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذَا كُنْتَ فِي حَالٍ لَا تَقْدِرُ إِلَّا عَلَى الطِّينِ فَتَيَمَّمُ بِهِ فَإِنَّ اللَّهَ أَوْلَى بِالْعُدْرِ إِذَا لَمْ يَكُنْ مَعَكَ تَوْبٌ جَافٌ أَوْ لَيْدٌ تَقْدِرُ أَنْ تَنْفُضَهُ وَ تَيَمَّمُ بِهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابوبصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه در حالی بودی که به غیر از گِل به چیزی دیگری برای تیمم دست رسی نداشتی به گِل تیمم کن که خداوند بر پذیرش آن عذر سزاوارتر است.

ص: ۳۰

۱- . الکافی ج ۳ ص ۶۳ ح ۴.

۲- . الکافی ج ۳ ص ۶۷ ح ۱.

۳۹- کسی که شکستگی، آبله، و یا جراحتی داشته و جنب شده است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ بِهِ الْقَرْحُ وَالْجِرَاحُ يُجْنِبُ قَالَ لَا بَأْسَ بِأَنْ لَا يَغْتَسِلَ وَيَتَيَّمَمَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه درباره مردی که زخم چرکین و جراحت داشته و جنب شده است پرسیدم؟

فرمود: اشکال ندارد که غسل نکند و به جای آن تیمم نماید.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: يَتَيَّمَمُ الْمَجْدُورُ وَالْكَاسِرُ بِالتُّرَابِ إِذَا أَصَابَتْهُ الْجَنَابَةُ.

قَالَ وَرَوَى ذَلِكَ فِي الْكَاسِرِ وَالْمَجْطُونِ يَتَيَّمَمُ وَلَا يَغْتَسِلُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن ابی عمیر از یکی از اصحاب روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: شخص آبله دار، و کسی که جراحتی دارد، در صورتی که جنب شود، باید با خاک تیمم کند.

راوی گوید: و این حکم در مورد کسی که شکستگی و شکم درد دارد نیز روایت شده است که باید تیمم کند، نه غسل.

ص: ۳۱

۱- . الكافي ج ۱ ص ۶۸ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۶۸ ح ۲- ۵.

۴۰- حیض

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَدِيمِ بْنِ الْحَرِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَدَّ لِلنِّسَاءِ فِي كُلِّ شَهْرٍ مَرَّةً. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ادیم بن حر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: به راستی که خدای تبارک و تعالی برای زنان در هر ماهی حد و حیضی قرار داده است.

۴۱- کمترین و بیشترین روزهای حیض و کمترین روزهای پاکی

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ أَدْنَى مَا يَكُونُ مِنَ الْحَيْضِ فَقَالَ ثَلَاثَةٌ وَأَكْثَرُهُ عَشْرَةٌ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از احمد بن محمد بن ابی نصر روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله علیه درباره کمترین روزهای حیض پرسیدم؟

فرمود: کمترین روزهای حیض، سه روز، و بیشترین آن ده روز است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَا يَكُونُ الْقُرْءُ فِي أَقَلِّ مِنْ عَشْرَةِ أَيَّامٍ فَمَا زَادَ أَقَلُّ مَا يَكُونُ عَشْرَةٌ مِنْ حِينَ تَطَهَّرُ إِلَى أَنْ تَرَى الدَّمَ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: ایام پاکی کمتر از ده روز نیست، ولی ممکن است بیشتر باشد، یعنی از هنگامی که زن پاک می شود تا روزی که خون می بیند، دست کم، ده روز است.

ص: ۳۲

۱- . الكافي ج ۳ ص ۷۵ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۷۵ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۷۶ ح ۴.

۴۲- حکم زنی که پیش از ایام حیض، یا پس از پاک شدنش خون می بیند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ تَرَى الدَّمَ قَبْلَ وَقْتِ حَيْضِهَا فَقَالَ إِذَا رَأَتْ الدَّمَ قَبْلَ وَقْتِ حَيْضِهَا فَلْتَدْعِ الصَّلَاةَ فَإِنَّهُ رُبَّمَا تَعْجَلُ بِهَا الْوَقْتُ فَإِذَا كَانَ أَكْثَرَ مِنْ أَيَّامِهَا الَّتِي كَانَتْ تَحِيضُ فِيهَا فَلْتَتَرَبَّصْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ بَعْدَ مَا تَمْضِي أَيَّامُهَا فَإِذَا تَرَبَّصْتَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَلَمْ يَنْقَطِعْ عَنْهَا الدَّمُ فَلْتَصْنَعْ كَمَا تَصْنَعُ الْمُسْتَحَاضَةُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: از امام صلوات الله علیه درباره زنی که پیش از وقت حیض، خون می بیند، پرسیدم؟

فرمود: در صورتی که پیش از وقت معمول حیض، خون ببیند، بایستی نماز را رها کند، زیرا چه بسا وقت بر او پیشی می گیرد، و در صورتی که خونریزی از تعداد روزهایی که در آن حیض می گشته، افزون گردد، بایستی پس از اتمام روزهای حیض تا سه روز انتظار بکشد، اگر تا سه روز انتظار کشید و خون قطع نگردد، بایستی مانند مستحاضه عمل نماید.

۴۳- حکم لکه زردی که زن پیش و پس از حیض می بیند

۱- عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حُكَيْمٍ قَالَ قَالَ الْإِمَامُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: الصُّفْرَةُ قَبْلَ الْحَيْضِ بِيَوْمَيْنِ فَهُوَ مِنَ الْحَيْضِ وَ بَعْدَ أَيَّامِ الْحَيْضِ لَيْسَ مِنَ الْحَيْضِ وَ هِيَ فِي أَيَّامِ الْحَيْضِ حَيْضٌ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن حکیم روایت کرده که گفت: امام صلوات الله علیه فرمود: لکه زردی که تا دو روز پیش از حیض باشد، از حیض است، و بعد از ایام حیض، از حیض نیست و همان در ایام حیض، از خون حیض است.

۴۴- نخستین باری که زن حائض می شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: سَأَلْتُهُ (الْإِمَامَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) عَنِ الْجَارِيَةِ الْبِكْرِ أَوَّلَ مَا تَحِيضُ فَتَقْعُدُ فِي الشَّهْرِ فِي يَوْمَيْنِ وَ فِي الشَّهْرِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ يَخْتَلِفُ

ص: ۳۳

۱- . الكافي ج ۳ ص ۷۷ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۷۸ ح ۵.

عَلَيْهَا لَمَا يَكُونُ طَمُنُّهَا فِي الشَّهْرِ عِدَّةَ أَيَّامٍ سِوَاءَ قَالِ فَلَهَا أَنْ تَجْلِسَ وَتَدَعَ الصَّلَاةَ مَا دَامَتْ تَرَى الدَّمَ مَا لَمْ تَجْزِ الْعَشْرَةَ فَإِذَا انْفَقَ الشَّهْرَانِ عِدَّةَ أَيَّامٍ سِوَاءَ قِتْلِكَ أَيَّامُهَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، سماعه بن مهران روایت کرده که گفت: از امام صلوات الله علیه پرسیدم دختر باکره ای است که برای نخستین بار حیض می گردد و در ماه، در روز و در ماه دیگر سه روز خون حیض می بیند و ایام بر او مختلف می شود و تعداد روزهای حیضش در یک ماه یکسان نیست چه وظیفه ای دارد؟

فرمود: برای او جایز است از روزی که خون می بیند، تا ده روز تجاوز ننماید، حیض قرار دهد و نماز را رها نماید، و هرگاه تعداد روزهای او در دو ماه یکسان گردید، همان روزهای ایام حیض اوست.

۴۵- زنی که در حال جنابت، خون می بیند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهِلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ يُجَامِعُهَا زَوْجُهَا فَتَحِيضُ وَ هِيَ فِي الْمَغْتَسِلِ تَغْتَسِلُ أَوْ لَا تَغْتَسِلُ قَالَ قَدْ جَاءَهَا مَا يُفْسِدُ الصَّلَاةَ فَلَا تَغْتَسِلُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالله بن یحیی کاهلی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: زنی که شوهرش با او مجامعت نموده و در محل غسل، حائض می گردد، آیا غسل کند یا نه؟

فرمود: برای او حالتی پیش آمده که نماز را فاسد می کند، بنابراین، غسل نکند.

۴۶- شناسایی خون حیض از خون استحاضه

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ امْرَأَةً فَسَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ يَسْتَمِرُّ بِهَا الدَّمُ فَلَا تَدْرِي حَيْضٌ هُوَ أَوْ غَيْرُهُ قَالَ فَقَالَ لَهَا إِنَّ دَمَ الْحَيْضِ حَارٌّ عَبِيْطٌ أَسْوَدٌ لَهُ دَفْعٌ وَ حَرَارَةٌ وَ دَمَ الْإِسْتِحَاضِ أَصْفَرٌ بَارِدٌ فَإِذَا كَانَ لِلدَّمِ حَرَارَةٌ وَ دَفْعٌ وَ سَوَادٌ فَلْتَدَعَ الصَّلَاةَ قَالَ فَخَرَجَتْ وَ هِيَ تَقُولُ وَ اللَّهُ أَنْ لَوْ كَانَ امْرَأَةٌ مَا زَادَ عَلَيَّ هَذَا. (۳)

ص: ۳۴

۱- . الكافي ج ۳ ص ۷۸ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۸۳ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۹۱ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حفص بختری روایت کرده که گفت: زنی خدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شرف یاب شد و از حضرتش پرسید: خونریزی زنی استمرار پیدا کرده، و نمی داند که آیا خون حیض است، یا غیر آن؟ حضرت فرمود: خون حیض، گرم، تازه و سیاه است و هنگام خروج دارای شدت، سرعت و گرمی است و در این هنگام باید نماز را ترک کند، ولی خون استحاضه، زرد و سرد است.

راوی گوید: زن خارج شد در حالی که می گفت: به خدا سوگند! حتی اگر خودش هم زن می بود، بیش از این نمی گفت.

۴۷- شناسایی خون حیض از خون بکارت و جراحت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زياد بن سوقه قال: سئل أبو جعفر صلوات الله عليه عن رجل اقتضت امرأته أو أمته فرأت دماً كثيراً لا ينقطع عنها يوماً كيف تصنع بالصلاة قال تمسك الكرسف فإن خرجت القطنة مطوقة بالدم فإنه من العذر تغتسل و تمسك معها قطنة و تصلي فإن خرج الكرسف منغمساً بالدم فهو من الطمث تفعد عن الصلاة أيام الحيض. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زیاد بن سوقه روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه درباره مردی که زن، یا کنیز خود را ازاله بکارت کند و او خونریزی زیادی نماید که یک روز هم از او قطع نشود پرسیدند که با نماز چه کند؟

فرمود: پنبه استعمال می کند و چون پنبه را خارج می کند، اگر خون پنبه به صورت حلقه به خون آغشته بود، از خون بکارت است، و باید غسل کند، و پنبه استعمال کند و نماز بخواند، ولی اگر پنبه خارج شد و همه اش آغشته به خون بود، از حیض است و باید در ایام معلوم حیض، نماز را ترک کند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبان قال: قلت لأبي عبد الله صلوات الله عليه فتاة منّا بها قرحة في فرجها و الدم سائل لا تدرى من دم الحيض أو من دم القرحة فقال مذهبنا فلتسأل على ظهرها ثم ترفع رجلها ثم تشدّ تدخل إصبعها الوسطى فإن خرج الدم من الجانب الأيمن فهو من الحيض وإن خرج من الجانب الأيسر فهو من القرحة. (۲)

ص: ۳۵

۱- . الكافي ج ۳ ص ۹۴ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۹۴ ح ۳.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابان روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: زن جوانی از بستگان ما، در فرج خود جراحتی دارد که خون از آن جاری است، نمی داند که آیا این خون، خون حیض است و یا خون جراحت؟

فرمود: به او دستور ده تا بر پشت بخوابد، سپس دو پای خود را بلند کند، بعد از آن انگشت میانه را داخل فرج کند، اگر خون از طرف راست بیرون آید، حیض است و اگر از طرف چپ خارج شود، از جراحت است

۴۸- زن برداری که خون می بیند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ الْجُبَلِيَّةِ قَدِ اسْتَبَانَ حَبْلُهَا تَرَى مَا تَرَى الْحَائِضُ مِنَ الدَّمِ قَالَ تِلْكَ الْهَرَاقَةُ مِنَ الدَّمِ إِنْ كَانَ دَمًا كَثِيرًا أَحْمَرَ فَلَا تُصَلِّ وَ إِنْ كَانَ قَلِيلًا أَصْفَرَ فَلَيْسَ عَلَيْهَا إِلَّا الْوُضُوءُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما پرسیدم: زن برداری است که آثار حمل در او آشکار است و مانند حائض خون می بیند.

فرمود: آن خون، باقی مانده خون است، اگر خون، زیاد و سرخ باشد، نباید نماز بخواند، ولی اگر کم و زرد رنگ باشد، چیزی جز وضو بر او نیست.

۴۹- زن حائض می تواند هر ذکری را بگوید و قرآن بخواند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: تَتَوَضَّأُ الْمَرْأَةُ الْحَائِضُ إِذَا أَرَادَتْ أَنْ تَأْكُلَ وَإِذَا كَانَ وَقْتُ الصَّلَاةِ تَوَضَّأَتْ وَ اسْتَقْبَلَتِ الْقِبْلَةَ وَ هَلَلَتْ وَ كَبَّرَتْ وَ تَلَّتِ الْقُرْآنَ وَ ذَكَرَتْ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: اگر زن حائض خواست چیزی بخورد وضو بگیرد، و هر گاه وقت نماز فرارسید، وضو بگیرد، روی به قبله شود، تهلیل و تکبیر گوید، قرآن بخواند و خدای متعال را یاد نماید.

ص: ۳۶

۱- . الکافی ج ۳ ص ۹۵ ح ۲.

۲- . الکافی ج ۳ ص ۱۰۱ ح ۲.

توضیح: وضو گرفتن در هنگام خوردن از باب استحباب است. و همچنین زن حائض خطوط قرآن را نباید با دستش لمس نماید.

۵۰- زنی که بعد از فرا رسیدن وقت نماز و پیش از خواندن آن حائض می گردد یا پیش از دخول وقت پاک می شود و در غسل سهل انگاری می کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الفضل بن يونس قال: سألت أبا الحسن الأول صلوات الله عليه قلت المرأة ترى الظهر قبل غروب الشمس كيف تصنع بالصلاة قال إذا رأت الظهر بعد ما يمضي من زوال الشمس أربعه أقدام فلا تصلّي إلا العصر لأن وقت الظهر دخل عليها وهي في الدم وخرج عنها الوقت وهي في الدم فلم يجب عليها أن تصلّي الظهر وما طرح الله عنها من الصلاة وهي في الدم أكثر قال وإذا رأت المرأة الدم بعد ما يمضي من زوال الشمس أربعه أقدام فلتمسك عن الصلاة فإذا طهرت من الدم فلتقض صلاه الظهر لأن وقت الظهر دخل عليها وهي طاهر وخرج عنها وقت الظهر وهي طاهر فصيّعت صلاه الظهر فوجب عليها قضاؤها. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از فضل بن یونس روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه پرسیدم: زنی که پیش از غروب آفتاب پاک می شود، باید با نماز چه کند؟

فرمود: اگر پاکی را پس از گذشت چهار گام از سایه آفتاب ببیند، فقط نماز عصر را می خواند، زیرا او در وقت نماز ظهر، در حال حیض بود، و وقت آن خارج شده که هنوز او در حال حیض بوده است. پس بر او واجب نیست که نماز ظهر را بخواند، و نمازهایی را که خداوند در حال حیض از او برداشته، بیش از این هاست.

سپس فرمود: و اگر زن بعد از گذشت چهار گام از سایه خورشید، خون ببیند، نباید نماز بخواند، و وقتی که از خون پاک شد، باید نماز ظهر را قضا نماید؛ زیرا وقت ظهر بر او داخل شده و او پاک بوده و در حالیکه پاک بوده وقت خارج شده است. پس نماز ظهر را ضایع نموده و قضای آن بر او واجب می شود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي عبيدة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إذا رأت المرأة الظهر وقد دخل عليها وقت الصلاة ثم أحرث الغسل حتى تدخل وقت صلاة أخرى كان عليها قضاء تلك الصلاة التي قرطت فيها فإذا طهرت في وقت وجوب الصلاة فأحرث

ص: ۳۷

الصَّلَاةِ حَتَّى يَدْخُلَ وَقْتُ صَلَاةٍ أُخْرَى ثُمَّ رَأَتْ دَمًا كَانَ عَلَيْهَا قَضَاءً تِلْكَ الصَّلَاةِ الَّتِي فَرَطَتْ فِيهَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابی عبیده روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه زنی پاک شود، در حالی که وقت نماز فرارسیده و کوتاهی کند و غسل را به تأخیر اندازد، تا وقت نمازی دیگر فرارسد، قضای نمازی را که در انجام آن کوتاهی کرده بر او واجب می شود. و هرگاه به هنگام وجوب نماز پاک شود، نماز را به تأخیر اندازد تا وقت نماز دیگری فرارسد، سپس خونریزی کند، قضای نمازی که در انجام آن کوتاهی کرده بر او واجب می شود.

۵۱- حکم زنی که در حال نماز احساس می کند که حائض شده است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنِ عَمَارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَرْأَةِ تَكُونُ فِي الصَّلَاةِ فَتُظَنُّ أَنَّهَا قَدْ حَاضَتْ قَالَ تَدْخُلُ يَدَهَا فَتَمَسُّ الْمَوْضِعَ فَإِنْ رَأَتْ شَيْئًا أَنْصَرَفَتْ وَإِنْ لَمْ تَرَ شَيْئًا أَتَمَّتْ صَلَاتَهَا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمار بن موسی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره زنی که در حال نماز احساس می کند که حائض شده است فرمود: باید با دست خود به آن محل دست بکشد، اگر خونی مشاهده شد، نماز را رها کند و اگر چیزی ندید، نمازش را به پایان برساند.

۵۲- زن حائض روزه را قضا می کند و نماز را قضا نمی کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَقْضِي الصَّلَاةَ قَالَ لَا قُلْتُ تَقْضِي الصَّوْمَ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ مِنْ أَيْنَ جَاءَ هَذَا قَالَ إِنَّ أَوَّلَ مَنْ قَاسَ إِبْلِيسُ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسین بن راشد روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: آیا حائض باید نماز را قضا کند؟

فرمود: نه.

ص: ۳۸

۱- . الكافي ج ۳ ص ۱۰۳ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۱۰۴ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۱۰۴ ح ۲.

گفتم: روزه را چگونه؟ آیا باید قضا کند؟

فرمود: آری.

گفتم: این تفاوت میان این دو فریضه، از کجا ناشی شده است؟

فرمود: نخستین کسی که قیاس کرد، ابلیس بود.

احکام مردگان

۵۳- علل و اسباب مرگ و این که مؤمن به هر نوعی از مرگ می میرد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَعِيدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: كَانَ النَّاسُ يَعْتَبُطُونَ اعْتِبَاطًا فَلَمَّا كَانَ زَمَانُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يَا رَبِّ اجْعَلْ لِلْمَوْتِ عَلَةً يُوجَرُ بِهَا الْمَيِّتُ وَيَسْأَلُ بِهَا عَنِ الْمُصَابِ قَالَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْمَوْمَ وَهُوَ الْبِرْسَامُ ثُمَّ أَنْزَلَ بَعْدَهُ الدَّاءَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سعید بن طریف روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: در زمان های پیشین مردم بدون علت می مردند، چون زمان حضرت ابراهیم علیه السلام فرارسید به خداوند متعال عرضه داشت: پروردگارا! رای مرگ علتی قرار ده که به واسطه آن مرده پاداش ببرد و برای مصیبت زده تسلائی خاطر باشد، پس خدای سبحان بیماری سینه، سپس انواع دردها را نازل کرد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن نَاجِيَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يُبْتَلَى بِكُلِّ بَلَاءٍ وَيَمُوتُ بِكُلِّ مَيْتَةٍ إِلَّا أَنَّهُ لَا يَقْتُلُ نَفْسَهُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ناجیه روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: به راستی مؤمن به هر بلایی دچار می شود و به هر نوع مرگی می میرد، جز اینکه خودکشی نمی کند.

ص: ۳۹

۱- الكافي ج ۳ ص ۱۱۱ ح ۱.

۲- الكافي ج ۳ ص ۱۱۲ ح ۸.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: مَا مِنْ أَحَدٍ يَحْضُرُهُ الْمَوْتُ إِلَّا وَكَلَّ بِهِ إِبْلِيسُ مِنْ شَيْطَانِهِ أَنْ يَأْمُرَهُ بِالْكَفْرِ وَيَشْكُكَهُ فِي دِينِهِ حَتَّى تَخْرُجَ نَفْسُهُ فَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ فَإِذَا حَضَرْتُمْ مَوْتَكُمْ فَلَقُّوهُمْ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى يَمُوتَ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى قَالَ: فَلَقُّنُهُ كَلِمَاتِ الْفَرَجِ وَ الشَّهَادَتَيْنِ وَ تُسَمَّى لَهُ الْإِقْرَارَ بِالْأَنْتَمِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّى يَنْقَطِعَ عَنْهُ الْكَلَامُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو خدیجه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هیچ کس نیست که مرگش فرا رسد، مگر اینکه ابلیس یکی از افراد خود را بر او بگمارد تا او را به کفر ورزی امر نماید، و در دینش به شک و تردید وادارد، تا جانش در آید. پس هر کس، مؤمن (شیعه) باشد، نمی تواند بر او نفوذ کند. از این رو هرگاه بر بالین شخصی از اقوام خود که مرگش فرا رسید حاضر باشید به او شهادت «لا اله الا الله و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله» را تلقین کنید، تا هنگامی که از دنیا برود.

و در روایت دیگر فرمود: کلمات فرج و شهادتین و اقرار به یک یک ائمه معصومین صلوات الله علیهم را -یکی بعد از دیگری با ذکر نام- به او تلقین کن تا زمانی که از سخن گفتن باز ماند.

۵۵- وقتی که مرگ بر میت دشوار، و جان کندن بر او سخت شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذَا عَسِرَ عَلَى الْمَيِّتِ مَوْتُهُ وَ نَزَعُهُ قُرْبَ إِلَى مُصَلَّاهُ الَّذِي كَانَ يُصَلِّي فِيهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالله بن سنان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه مردن و جان کندن بر میت دشوار شود، بایستی به جایگاه نمازش برده شود که در آنجا نماز می خوانده است.

ص: ۴۰

۱- . الكافي ج ۳ ص ۱۲۳ ح ۶.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۱۲۵ ح ۲.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِذَا مَاتَ لِأَحَدِكُمْ مَيِّتٌ فَسَبِّحْهُ تَجَاهَ الْقِبْلَةِ وَكَذَلِكَ إِذَا غُسِّلَ يُحْفَرُ لَهُ مَوْضِعُ الْمُغْتَسَلِ تَجَاهَ الْقِبْلَةِ فَيَكُونُ مُسْتَقْبِلًا بِبَاطِنِ قَدَمَيْهِ وَوَجْهِهِ إِلَى الْقِبْلَةِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سلیمان بن خالد روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: هر گاه یکی از شما بيميرد، او را رو به قبله نماييد، جامه ای بر رویش بکشید و به هنگام غسل، جایگاه غسلش رو به قبله باشد، کف پاها و صورتش نیز رو به قبله قرار گیرد.

۵۷- آنچه مؤمن و کافر به هنگام مرگ می بینند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ عَوَاضٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ إِذَا بَلَغَتْ نَفْسٌ أَحَدِكُمْ هَذِهِ قِيلَ لَهُ أَمَّا مَا كُنْتَ تَخْذِرُ مِنْ هَمِّ الدُّنْيَا وَحُزْنِهَا فَقَدْ أَمِنْتَ مِنْهُ وَيُقَالُ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا أَمَامَكَ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالحمید بن عواض روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: چون جان یکی از شما (شیعیان) به این جا (یعنی گلو) برسد، به او می گویند: اما از اندوه و غم دنیا که می ترسیدی، ایمن شدی و به او می گویند: رسول الله صلی الله علیه و آله، علی و فاطمه صلوات الله علیهما و آلهما پیش روی تو هستند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ الرَّحِيمِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ حَيْدَثَنِي صَالِحُ بْنُ مَيْمَنٍ عَنْ عَبَّاسِ بْنِ الْأَسَدِيِّ أَنَّهُ سَمِعَ عَلِيًّا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ وَاللَّهِ لَا يُبْغِضُنِي عَبْدٌ أَبَدًا يَمُوتُ عَلَى بُغْضِي إِلَّا رَأَى عِنْدَ مَوْتِهِ حَيْثُ يَكْرَهُهُ وَلَا يُحِبُّنِي عَبْدٌ أَبَدًا فَيَمُوتُ عَلَى حُبِّي إِلَّا رَأَى عِنْدَ مَوْتِهِ حَيْثُ يُحِبُّ فَفَمَالَ أَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ نَعَمْ وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْيَمِينِ. (۳)

ص: ۴۱

۱- . الكافي ج ۳ ص ۱۲۷ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۱۲۴ ح ۱۰.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۱۳۲ ح ۵.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الرحیم روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: صالح بن میثم از عبایه اسدی نقل می کند که او از علی صلوات الله علیه شنیده که آن حضرت فرمود: به خدا سوگند! هرگز بنده ای مرا دشمن نمی دارد که بر دشمنی من بیمیدد، مگر آن که هنگام مرگش مرا ببیند و بر او ناخوش آید و هرگز بنده ای مرا دوست نمی دارد که بر دوستی من بیمیدد، مگر آن که هنگام مرگش آن گونه مرا ببیند که دوست می دارد.

حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: آری، چنین است و رسول الله صلی الله علیه و آله در جانب راست او حاضر خواهد شد.

توضیح: در روایات زیادی آمده که همه ی ائمه اطهار صلوات الله علیهم بالای سر مؤمن و کافر حاضر می شوند، و مؤمن به رضایت و خشنودی و آنچه آرزویش را دارد، آن بزرگواران را می بیند، و کافر چنان می بیند که سبب اذیت و ناخشنودی اش می گردد.

۵۸- بیرون آوردن روح مؤمن و کافر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن إدريس القمي قال سمعتُ أبا عبد الله صلوات الله عليه يقول إن الله عزَّ وجلَّ يأمرُ ملكَ الموتِ فيُرْدُّ نَفْسَ الْمُؤْمِنِ لِيَهْوَنَ عَلَيْهِ وَيُخْرِجَهَا مِنْ أَحْسَنِ وَجْهِهَا فَيَقُولُ النَّاسُ لَقَدْ شُدِّدَ عَلَى فُلَانٍ الْمَوْتُ وَذَلِكَ تَهْوِينٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ وَقَالَ يُصْرَفُ عَنْهُ إِذَا كَانَ مِنْ مِمَّنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَوْ مِمَّنْ أَبْغَضَ اللَّهُ أَمْرَهُ أَنْ يَجْذِبَ الْجَذْبَةَ الَّتِي بَلَّغْتُمْ بِمِثْلِ السَّفُودِ مِنَ الصُّوفِ الْمَبْلُولِ فَيَقُولُ النَّاسُ لَقَدْ هَوَّنَ اللَّهُ عَلَى فُلَانٍ الْمَوْتَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ادريس قمی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: خدای متعال به ملک الموت امر می کند که جان مؤمن را باز گرداند تا بر او آسان گیرد، و به بهترین وجه بیرون آورد.

پس مردم می گویند: مرگ بر فلانی سخت شد. در حالی که این حالت، همان آسان گرفتن خدای متعال بر اوست.

ص: ۴۲

حضرتش فرمود: اگر آن فرد از کسانی که خداوند بر او غضب نموده، یا خدا او را دشمن می دارد، فرمان می دهد که یک باره جان او را بگیرد، همانند کشیدن سیخ آهنین و داغ از پشم مرطوب. ولی مردم در این حالت می گویند: خداوند مرگ را بر فلانی آسان کرد.

۵۹- تعجیل در دفن میت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا مَعْشَرَ النَّاسِ لَا أَلْفَيْنَ رَجُلًا مَاتَ لَهُ مَيِّتٌ فَانْتَظَرَ بِهِ الصُّبْحَ وَ لَا رَجُلًا مَاتَ لَهُ مَيِّتٌ نَهَارًا فَانْتَظَرَ بِهِ اللَّيْلَ لَا تَنْتَظِرُوا بِمَوْتِكُمْ طُلُوعَ الشَّمْسِ وَ لَا غُرُوبَهَا عَجِّلُوا بِهِمْ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ فَقَالَ النَّاسُ وَ أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَرْحَمُكَ اللَّهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جابر روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: ای گروه مردم! مبادا بینم کسی در شب مرده، و مردم منتظر مانده اند تا صبح شود، یا کسی در روز مرده، و منتظر مانده اند تا شب شود، سپس او را دفن کنند. در دفن مردگان خود منتظر طلوع و غروب خورشید نباشید و در دفن آنها شتاب کنید، خداوند شما را رحمت کند.

مردم گفتند: ای رسول الله! خداوند تو را نیز رحمت فرماید.

۶۰- غسل میت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْكَاهِلِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ غُسْلِ الْمَيِّتِ فَقَالَ اسْتَقْبِلْ بِبَاطِنِ قَدَمَيْهِ الْقَبْلَةَ حَتَّى يَكُونَ وَجْهُهُ مُسْتَقْبِلَ الْقَبْلَةِ ثُمَّ تَلَيْنُ مَفَاصِلَهُ فَإِنْ امْتَنَعَتْ عَلَيْكَ فَدَعَهَا ثُمَّ ابْدَأْ بِفَرْجِهِ بِمَاءِ السُّدْرِ وَ الْخُرْصِ فَاعْسَلْهُ ثَلَاثَ غَسَلَاتٍ وَ أَكْثِرْ مِنَ الْمَاءِ وَ امْسَحْ بَطْنَهُ مَسْحًا رَفِيقًا ثُمَّ تَحَوَّلْ إِلَى رَأْسِهِ وَ ابْدَأْ بِشَقِّهِ الْأَيْمَنِ مِنْ لِحْيَتِهِ وَ رَأْسِهِ ثُمَّ نَنْ بِشَقِّهِ الْأَيْسَرِ مِنْ رَأْسِهِ وَ لِحْيَتِهِ وَ وَجْهِهِ وَ اعْسَلْهُ بِرَفِيقٍ وَ إِيَّاكَ وَ الْعُنْفَ وَ اعْسَلْهُ غَسْلًا نَاعِمًا ثُمَّ أَضْجِعْهُ عَلَى شَقِّهِ الْأَيْسَرِ لِيَبْدُوَ لَكَ الْأَيْمَنُ ثُمَّ اعْسَلْهُ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمَيْهِ وَ امْسَحْ يَدَكَ عَلَى ظَهْرِهِ وَ بَطْنِهِ ثَلَاثَ غَسَلَاتٍ ثُمَّ رُدَّهُ إِلَى جَنْبِهِ الْأَيْمَنِ حَتَّى يَبْدُوَ لَكَ الْأَيْسَرُ فَاعْسَلْهُ مَا بَيْنَ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمَيْهِ وَ امْسَحْ يَدَكَ عَلَى ظَهْرِهِ وَ بَطْنِهِ ثَلَاثَ

ص: ۴۳

۱- الكافي ج ۳ ص ۱۳۸ ح ۱.

غَسَلَتْ ثَلَاثَ رُدَدَةٍ إِلَى قَفَاهُ فَأَيْدِيًا بِفَرْجِهِ بِمَاءِ الْكَافُورِ فَاصْبَغَ كَمَا صَبَغَتْ أَوَّلَ مَرَّةٍ اغْسَلَهُ ثَلَاثَ غَسَلَاتٍ بِمَاءِ الْكَافُورِ وَالْحُرْضِ وَ
 امْسَحْ يَدَكَ عَلَى بَطْنِهِ مَسِيحًا رَفِيقًا ثُمَّ تَحَوَّلْ إِلَى رَأْسِهِ فَاصْبَغْ كَمَا صَبَغْتَ أَوَّلًا بِلِحْيَتِهِ مِنْ جَانِبَيْهِ كِلَيْهِمَا وَرَأْسِهِ وَوَجْهِهِ بِمَاءِ
 الْكَافُورِ ثَلَاثَ غَسَلَاتٍ ثُمَّ رُدَّهُ إِلَى الْجَانِبِ الْأَيْسَرِ حَتَّى يَيْدُوَ لَكَ الْأَيْمَنُ فَاغْسَلَهُ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمَيْهِ ثَلَاثَ غَسَلَاتٍ ثُمَّ رُدَّهُ إِلَى
 الْجَانِبِ الْأَيْمَنِ حَتَّى يَيْدُوَ لَكَ الْأَيْسَرُ فَاغْسَلَهُ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمَيْهِ ثَلَاثَ غَسَلَاتٍ وَأَدْخِلْ يَدَكَ تَحْتَ مَنْكِبَيْهِ وَذِرَاعَيْهِ وَيَكُونُ
 الذَّرَاعُ وَالْكَفُّ مَعَ جَنْبِهِ طَاهِرَةً كُلَّمَا غَسَلْتَ شَيْئًا مِنْهُ أَدْخَلْتَ يَدَكَ تَحْتَ مَنْكِبَيْهِ وَفِي بَاطِنِ ذِرَاعَيْهِ ثُمَّ رُدَّهُ إِلَى ظَهْرِهِ ثُمَّ اغْسَلَهُ
 بِمَاءِ قَرَاحٍ كَمَا صَبَغْتَ أَوَّلًا تَيْدًا بِالْفَرْجِ ثُمَّ تَحَوَّلْ إِلَى الرَّأْسِ وَاللَّحْيَةِ وَالْوَجْهِ حَتَّى تَصْبِغَ كَمَا صَبَغْتَ أَوَّلًا بِمَاءِ قَرَاحٍ ثُمَّ أَرْزُهُ
 بِالْخِرْقَةِ وَيَكُونُ تَحْتَهَا الْقُطْنُ تُدْفِرُهُ بِهِ إِذْفَارًا قُطْنًا كَثِيرًا ثُمَّ تَشُدُّ فِجْدِيَهُ عَلَى الْقُطْنِ بِالْخِرْقَةِ شَدًّا شَدِيدًا حَتَّى لَا تَخَافَ أَنْ يَظْهَرَ
 شَيْءٌ وَإِيَّاكَ أَنْ تُقَعِّدَهُ أَوْ تَغْمِزَ بَطْنَهُ وَإِيَّاكَ أَنْ تَحْشُوَ فِي مَسَامِعِهِ شَيْئًا فَإِنْ خَفْتَ أَنْ يَظْهَرَ مِنَ الْمُنْخَرَيْنِ شَيْءٌ فَلَا عَلَيْكَ أَنْ
 تُصَيِّرَ ثُمَّ قُطْنًا وَإِنْ لَمْ تَخَفْ فَلَا تَجْعَلْ فِيهِ شَيْئًا وَلَا تُخَلِّلْ أَظْفِيرَهُ وَكَذَلِكَ غُسْلُ الْمَرْأَةِ. (١)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالله کاهلی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره غسل میت پرسیدم؟

فرمود: دو کف پای او را به قبله کن تا صورت او به سمت قبله باشد، آنگاه مفصل هایش را (مفصل آرنج و زانو) نرم کن و اگر نشد، آن را واگذار، سپس شستن را، از عورت او شروع کن و آن را با آب سدر و اشنان، سه بار شستشو ده و آب زیاد بریز و به آرامی به شکم او دست بکش.

آنگاه به طرف سرش بازگرد و از طرف راست و از محاسن و سر شروع کن و دوباره از طرف چپش، سر و محاسن و صورتش را به آرامی شستشو ده و از فشار دادن پیرهیز، و با نرمی و آرامی او را غسل ده، پس از آن، او را بر پهلو چپ بخوابان، به طوری که سمت راست او بر تو آشکار شود آنگاه او را از سر تا پا سه بار بشوی و در هر بار بر پشت و شکمش دست بکش.

ص: ۴۴

سپس او را به پهلوی راست برگردان تا جانب چپش بر تو آشکار شود و او را از سر تا پا سه بار بشوی. و در هر شستن به پشت و شکمش دست بکش.

پس از آن، او را به پشت برگردان، و عورت او را با آب و کافور بشوی و همان کن که بار اول انجام دادی، آن را سه بار با آب و کافور و اشنان بشوی، و با نرمی دست بر شکم او بکش.

سپس به جانب سرش بازگرد و آنچه را که پیش تر انجام دادی، انجام ده و محاسن او را از دو طرف و سر و صورتش را با آب و کافور، سه بار بشوی.

آنگاه او را بر جانب چپ برگردان تا جانب راستش بر تو آشکار شود، و از سر تا پا او را سه بار بشوی، سپس او را به جانب راست برگردان تا جانب چپش بر تو آشکار شود و از سر تا پا او را سه بار بشوی، و دست خود را بر زیر شانه و آرنج ها بکش که آرنج، کف و پهلویش پاک شود، و هر بار که بخشی از بدن او را شستی، دست خود را بر زیر شانه و بر زیر آرنج او بکش، پس از آن، او را به پشت برگردان و با آب خالص بشوی، همچنان که اول بار شستی، از عورت شروع کن، سپس به سر و محاسن و صورت بازگرد، و همان طوری که اول بار آن را شستی با آب خالص نیز همان گونه می شویی.

آنگاه عورتش را با پارچه ای، که زیر آن، نسبتاً پنبه زیادی گذاشته ای می پوشانی، و آن پارچه را به رانش می بندی، چنان محکم می بندی که بین آن نرود که چیزی بیرون آید.

مبادا او را بنشانی یا شکمش را فشار دهی، و پرهیز که در گوش های او چیزی فرو کنی، و اگر بیم آن داری که از گوش او چیزی ظاهر شود، مانعی ندارد که در آن تکه پنبه ای قرار دهی و اگر بیم نداری، چیزی در آن قرار مده و از لای ناخن های او چیزی بیرون نیاور، و غسل دادن زن نیز این گونه است.

۶۱- حنوط و کفن میت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ يُونُسَ عَنْهُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ قَالَ: فِي تَخْنِيطِ الْمَيِّتِ وَ تَكْفِينِهِ قَالَ ابْنُ سُلَيْمٍ الْحَبْرَةَ بَسِطًا ثُمَّ ابْسُطْ عَلَيْهَا الْإِزَارَ ثُمَّ ابْسُطِ الْقَمِيصَ عَلَيْهِ وَ تَرُدُّ مُقَدَّمَ الْقَمِيصِ عَلَيْهِ ثُمَّ اعْمِدْ إِلَى كَافُورٍ مَسْحُوقٍ فَضَعْهُ عَلَى جَنْبَيْهِ مَوْضِعِ سُجُودِهِ وَ امْسَحْ بِالْكَافُورِ عَلَى جَمِيعِ مَفَاصِلِهِ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمَيْهِ وَ فِي رَأْسِهِ وَ فِي عُنُقِهِ وَ مَنْكَبَيْهِ وَ مَرَافِقِهِ وَ فِي كُلِّ مَفْصِلٍ مِنْ مَفَاصِلِهِ مِنْ الْيَدَيْنِ وَ الرَّجْلَيْنِ وَ فِي وَسْطِ رَاحَتَيْهِ ثُمَّ يُحْمَلُ فَيُوضَعُ عَلَى قَمِيصِهِ وَ يَرُدُّ مُقَدَّمَ الْقَمِيصِ عَلَيْهِ وَ يَكُونُ الْقَمِيصُ غَيْرَ مَكْفُوفٍ وَ لَا مَرْزُورٍ وَ يَجْعَلُ لَهُ

قَطَعَتَيْنِ مِنْ جَرِيدِ النَّخْلِ رَطْبًا قَدَرَ ذِرَاعٌ يُجْعَلُ لَهُ وَاحِدَةٌ بَيْنَ رُكْبَتَيْهِ نَضِيفٌ مِمَّا يَلِي السَّاقَ وَ نِصْفٌ مِمَّا يَلِي الْفَخْذَ وَ يُجْعَلُ الْأُخْرَى تَحْتَ إِبْطِهِ الْأَيْمَنِ وَ لَا يُجْعَلُ فِي مَنْخَرِيهِ وَ لَا فِي بَصِيرِهِ وَ مَسَامِعِهِ وَ لَا عَلَى وَجْهِهِ قُطْنًا وَ لَا كَافُورًا ثُمَّ يُعَمَّمُ يُؤَخَذُ وَسِيطُ الْعِمَامَةِ فَيُثَبِّتُ عَلَى رَأْسِهِ بِالتَّدْوِيرِ ثُمَّ يُلْقَى فَضْلُ الشَّقِّ الْأَيْمَنِ عَلَى الْأَيْسَرِ وَ الْأَيْسَرِ عَلَى الْأَيْمَنِ ثُمَّ يُمَدُّ عَلَى صَدْرِهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یونس از حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم روایت کرده که حضرتش درباره حنوط و کفن میت فرمودند: برد یمانی را پهن کن، سپس لنگ را روی آن و پیراهن را بر روی لنگ پهن کن، و جلو پیراهن را بر روی آن برگردان، سپس کافور ساییده را بر پیشانی در سجده گاه او بگذار و همه مفصل ها و بندهای او را، از جانب سر تا قدم ها و در سر و گردن، شانه ها و آرنج های او، هم چنین در هر بند از بندهای او از دو دست و دو پا، در میان دو پنجه اش کافور بگذار.

پس از آن باید پست میت را برداشته و بر روی پیراهنی - که بی حاشیه و بی دکمه است - گذاشته شود و جلوی پیراهن روی او برگردانده شود، و دو تکه از شاخه تازه درخت خرما به اندازه یک ذراع، نزد او بگذارند، یکی میان دو زانو که نصف آن در پهلوی ساق و نصف دیگر آن در پهلوی ران و دیگری در زیر بغل دست راست قرار گیرد. و از طرفی میان دو سوراخ بینی، در چشم و گوش ها و بر صورتش، پنبه و کافور قرار ندهند.

سپس بر سرش عمامه ببندند، به این کیفیت که از وسط به دور سر او پیچیده شود و زیادی طرف راس، بر طرف چپ و زیادی طرف چپ بر طرف راست انداخته و بر سینه اش بکشند.

۶۲- چگونه تکفین زن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سهل بن زياد عن بعض أصحابنا رفعه قال: سألته كيف تكفن المرأة فقال كما يكفن الرجل غير أنها تشد على نديها خرقه تضم الثدي إلى الصدر وتشد على ظهرها ويصنع لها القطن أكثر مما يصنع للرجال ويحشى القبل والدبر بالقطن والحنوط ثم تشد عليها الخرقه شداً شديداً. (۲)

ص: ۴۶

۱- الكافي ج ۳ ص ۱۴۳ ح ۱.

۲- الكافي ج ۳ ص ۱۴۷ ح ۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سهل بن زیاد از یکی از راویان روایت کرده که گفت: از امام صلوات الله علیه در مورد چگونگی تکفین زن پرسیدم؟

فرمود: تکفین زن، به سان کفن نمودن مرد است، مگر آنکه با پارچه ای پستان های او را به سینه اش می چسباند و محکم بر پشت او بسته شود، و باید پنبه ای که برای زن به کار می رود بیش از مرد باشد، و پیش و پس او از پنبه و حنوط پر شود، سپس روی آن با پارچه ای محکم بسته شود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَال: يُكْفَنُ الرَّجُلُ فِي ثَلَاثَةِ أَثْوَابٍ وَ الْمَرْأَةُ إِذَا كَانَتْ عَظِيمَةً فِي خَمْسَةِ دِرْعٍ وَ مِنْطِقٍ وَ خِمَارٍ وَ لِفَافَتَيْنِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: مرد سه پارچه کفن می شود و اگر زن تنومند باشد، باید در پنج پارچه: پیراهن، لنگ، چادر، و دو لفافه کفن شود.

۶۳- مقدار آب و کافور که برای غسل میت لازم است

۱- الشيخ الكليني، قال: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى قَال كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي الْمَاءِ الَّذِي يُغَسَّلُ بِهِ الْمَيِّتُ كَمْ حَدُهُ فَوَقَّعَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ حَدُّ غُسْلِ الْمَيِّتِ يُغَسَّلُ حَتَّى يَطْهَرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ قَالَ وَ كَتَبَ إِلَيْهِ هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُغَسَّلَ الْمَيِّتُ وَ مَاؤُهُ الَّذِي يُصَبُّ عَلَيْهِ يَدْخُلُ إِلَى بَثْرِ كَنِيفِ أَوْ الرَّجُلِ يَتَوَضَّأُ وَضُوءَ الصَّلَاةِ أَنْ يُصَبَّ مَاءٌ وَضُوءِهِ فِي كَنِيفِ فَوَقَّعَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَكُونُ ذَلِكَ فِي بَلَالِيحٍ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، گوید: محمد بن یحیی روایت کرده که گفت: محمد بن حسن، به حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه نامه ای نوشت و پرسید: مقدار آبی که باید میت را با آن غسل داد، چقدر است؟

حضرت در پاسخ نوشت: اندازه آب غسل میت، باید همان قدری باشد که برای غسل کافی است تا ان شاء الله پاک شود.

ص: ۴۷

۱- . الكافي ج ۳ ص ۱۴۷ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۱۵۱ ح ۳.

همچنین برای حضرت صلوات الله علیه نوشت: آیا جایز است آب غسله میت یا آب وضوی نماز در چاه فاضلاب ریخته شود؟
حضرت در پاسخ چنین نوشت: باید در چاهی دیگر ریخته شود.

توضیح: اینکه حضرت فرمودند آب غسله میت و وضو در چاهی دیگر ریخته شوند، مشهور بر کراهت است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن أبي نجران عن بعض أصحابه عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: أقل ما يجزئ من الكافور للميت مثقال.

و في روايه الكاهلي و حسين بن المختار عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: القصد من ذلك أربع مثاقيل. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن ابی نجران از یکی از اصحاب روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: کمترین مقدار کافور که برای میت کافی است، یک مثقال است.

و در روایت دیگری کاهلی و حسین بن مختار گویند: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حد متوسط کافور، چهار مثقال است.

۶۴- شاخه درخت خرمایی که کنار میت نهاده می شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن يحيى بن عباد عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: تؤخذ جريدة رطبه قدر ذراع فتوضع و أشار بيده من عند ترقوته إلى يده تلف مع ثيابه. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یحیی بن عباد روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: باید شاخه ای به اندازه یک ذراع، تهیه شود و آن را با دست مبارک اشاره فرمود از ترقوه تا دست میت نهاده و با کفنش پیچیده شود.

ص: ۴۸

۱- الكافي ج ۳ ص ۱۵۱ ح ۵.

۲- الكافي ج ۳ ص ۱۵۲ ح ۳.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن حريز و فضيل و عبد الرحمن بن أبي عبد الله قال: قيل لأبي عبد الله صلوات الله عليه لأي شيء توضع مع الميِّت الجريده قال إنه يتجافى عنه العذاب ما دامت رطبه. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حریز و فضیل و عبدالرحمان بن ابی عبدالله روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدند: برای چه نزد میت شاخه درخت خرما می گذارند؟

فرمود: برای اینکه تا وقتی شاخه درخت خرما تر و تازه باشد، عذاب از او دور خواهد شد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن سهل بن زياد عن غير واحد من أصحابنا قالوا قلنا له جعلنا فداك إن لم نقدر على الجريده فقال عود السدر قيل فإن لم نقدر على السدر فقال عود الخفاف. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سهل بن زیاد از بسیاری از اصحاب ما روایت کرده که به امام صلوات الله علیه گفتند: قربانت گردیم! توانایی بر شاخه درخت خرما نداشته باشیم، چه کنیم؟

فرمود: چوب سدر به جایش بگذارید.

عرض شد: اگر آن هم نداشتیم چه؟

فرمود: چوب بید تهیه کنید.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده و روى علي بن إبراهيم في روايه أخرى قال: يجعل بدلها عود الرمان. (۳)

مرحوم شيخ كليني، گوید: علی بن ابراهیم در روایت دیگری آورده است که حضرت فرمود: به جای شاخه نخل، می توان چوب انار گذاشت.

ص: ۴۹

۱- . الكافي ج ۳ ص ۱۵۳ ح ۷.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۱۵۴ ح ۱۰.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۱۵۴ ح ۱۲.

۶۵- کسی که در حال جنابت یا حیض یا نفاس می میرد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ إِذَا مَاتَتْ فِي نَفْسِهَا كَيْفَ تُغَسَّلُ قَالَ مِثْلَ غُسْلِ الطَّاهِرَةِ وَكَذَلِكَ الْحَائِضُ وَكَذَلِكَ الْجُنُبُ إِنَّمَا يُغَسَّلُ غُسْلًا وَاحِدًا فَقَط. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمار بن موسی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: زنی که در حال نفاس می میرد، چگونه باید او غسل داد؟

فرمود: مانند غسلی که برای طهارت و پاکی او (از جنابت و حیض) انجام می شد، و هم چنین است زنی که در حال حیض و جنابت بمیرد، به آنها نیز فقط یک غسل (میت) داده می شود.

۶۶- کوتاه کردن مو و ناخن میت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ غِيَاثِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: كَرِهَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنْ تُحْلَقَ عَانُهُ الْمَيِّتِ إِذَا غُسِّلَ أَوْ يُقْلَمَ لَهُ ظُفْرٌ أَوْ يُجَزَّ لَهُ شَعْرٌ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از غیاث روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه مکروه می داشت که به هنگام غسل میت، موی زهار او را بتراشند، یا ناخن او را بچینند و یا موی او را بتراشند.

۶۷- حکم چیزی که پس از غسل، از میت بیرون می آید

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهِلِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ: إِذَا غُسِّلَ الْمَيِّتُ ثُمَّ أُحْدِثَ بَعْدَ الْغُسْلِ فَإِنَّهُ يُغَسَّلُ الْحَدِيثُ وَلَا يُعَادُ الْغُسْلُ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد بن یحیی کاهلی از یکی از راویان، روایت کرده که گفت: امام صلوات الله علیه فرمود: هرگاه میت غسل داده شد، بعد از غسل چیزی از او بیرون آمد، باید آن را شست، ولی نباید غسل تکرار شود.

ص: ۵۰

۱- . الکافی ج ۳ ص ۱۵۵ ح ۲.

۲- . الکافی ج ۳ ص ۱۵۵ ح ۲.

۳- . الکافی ج ۳ ص ۱۵۶ ح ۲.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن أبي عمير عن بعض أصحابه عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إِذَا خَرَجَ مِنَ الْمَيْتِ شَيْءٌ بَعْدَ مَا يُكْفَنُ فَأَصَابَ الْكَفَنَ قُرِضَ مِنْهُ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابن ابی عمیر از یکی از اصحاب روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: هر گاه پس از تکفین میت، چیزی از او خارج شد و کفن را آلوده نمود، آن بخش از کفن باید بریده شود.

۶۸- غسل کسی که میت را غسل می دهد و کسی که بدن میت را تا هنگامی که گرم است، و یا سرد است، مس می کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن حريز عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: مَنْ غَسَلَ مَيْتًا فَلْيَغْتَسِلْ قُلْتُ فَإِنْ مَسَّهُ مَا دَامَ حَارًّا قَالَ فَلَا غُسْلَ عَلَيْهِ وَإِذَا بَرَدَ ثُمَّ مَسَّهُ فَلْيَغْتَسِلْ قُلْتُ فَمَنْ أَدْخَلَهُ الْقَبْرَ قَالَ لَا غُسْلَ عَلَيْهِ إِنَّمَا يَمَسُّ الثِّيَابَ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حریر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: کسی که میتی را غسل می دهد، باید خود نیز غسل کند.

گفتم: اگر تا زمانی که بدن او گرم بوده، او را مس کرده باشد چه؟

فرمود: غسل بر او لازم نیست، ولی اگر بدن میت سرد شده و او را مس کرده، باید غسل کند.

گفتم: شخصی که میت را وارد قبر می کند چه؟

فرمود: غسل بر او لازم نیست؛ زیرا او پارچه را مس می نماید.

توضیح: طبق این روایت و روایات زیاد دیگر، این حکم بر همه ی مس کنندگان میت جاریست.

۶۹- اندازه حفر قبر و لحد

۱- الشيخ الكليني، قال: سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ قَالَ رَوَى أَصْحَابُنَا أَنَّ حَيْدَ الْقَبْرِ إِلَى التَّرْقُوهِ وَقَالَ بَعْضُهُمْ إِلَى النَّدْيِ وَقَالَ بَعْضُهُمْ قَامَهُ الرَّجُلِ حَتَّى يُمَدَّ الثُّوبُ عَلَى رَأْسِ مَنْ فِي الْقَبْرِ وَأَمَّا اللَّحْدُ فَبِقَدْرِ مَا يُمَكِّنُ فِيهِ الْجُلُوسُ قَالَ وَلَمَّا حَضَرَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا الْوَفَاةَ أُعْمِيَ عَلَيْهِ فَبَقِيَ سَاعَةٌ ثُمَّ رَفَعَ عَنْهُ الثُّوبَ ثُمَّ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَوْرَثَنَا الْجَنَّةَ نَبَوًّا

ص: ۵۱

۱- . الكافي ج ۳ ص ۱۵۶ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۱۶۰ ح ۱.

مِنْهَا حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ثُمَّ قَالَ اخْفَرُوا لِي وَابْلَغُوا إِلَيَّ الرَّشْحَ قَالَ ثُمَّ مَدَّ التُّوبَ عَلَيْهِ فَمَاتَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، گوید: سهل بن زیاد گفت: اصحاب ما روایت کرده اند که اندازه عمق قبر تا ترقوه (استخوان جلوی شانه) می باشد.

برخی گفته اند: بایستی تا پستان ها باشد.

بعضی دیگر گفته اند: بایستی به قدر قامت یک مرد باشد. به گونه ای که اگر پارچه ای را بر قبر کشند، سر کسی را که در قبر ایستاده است، بپوشاند. ولی لحد باید به اندازه ای باشد که نشستن در آنجا ممکن شود.

راوی گوید: زمانی که وفات حضرت امام سجاد صلوات الله علیه فرارسید، بیهوش شد و ساعتی طول کشید، آنگاه به هوش آمد، سپس پارچه را از روی آن حضرت برداشتند.

حضرتش فرمود: سپاس خداوندی را که به ما بهشت را میراث داد که هر جای آن را خواهیم، در آن جای گیریم، به راستی پاداش عمل کنندگان چه نیک است.

آنگاه فرمود: برای من قبری حفر کنید و آن را تا رطوبت زمین برسانید.

توضیح: این گفتار راویان و امثالش که از پیش گذشت و خواهد آمد، روایت از معصومین صلوات الله علیهم می باشد. چنانکه همین حدیث مسنداً در کتاب تهذیب الاحکام شیخ طوسی رضوان الله علیه از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه نقل گردیده است.

و اینکه در ظاهر روایات اختلاف به نظر می رسد، در حقیقت اختلاف نیست، زیرا مراتب استحباب آن بیان شده است. لذا به هر کدام از آنها عمل شود مجزیست، ان شاء الله.

۷۰- نماز بر جنازه های مردان، زنان و کودکان

۱- الشیخ الکلینی، باسناده عن ابن بُکَیْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي جَنَائِزِ الرِّجَالِ وَ الصَّبِيَّانِ وَ النِّسَاءِ قَالَ يَضَعُ النِّسَاءُ مِمَّا يَلِي الْقَبْلَةَ وَ الصَّبِيَّانَ دُونَهُمْ وَ الرِّجَالَ دُونَ ذَلِكَ وَ يَقُومُ الْإِمَامُ مِمَّا يَلِي الرِّجَالَ. (۲)

ص: ۵۲

۱- . الکافی ج ۳ ص ۱۶۵ ح ۱.

۲- . الکافی ج ۳ ص ۱۷۵ ح ۵.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن بکیر از یکی از اصحاب روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره چگونگی نماز بر جنازه مردان و اطفال و زنان فرمود: باید زنان را نزدیک قبله بگذارند و کودکان را بعد از زنان، و مردان را بعد از کودکان، و امام در جایی که نزدیک به مردان است، بایستد.

۷۱- مکانی که امام به هنگام نماز میت می ایستد

۱- الشیخ الكلینی، بإسناده عن موسى بن بكر عن أبي الحسن صلوات الله عليه قال: إذا صَلَّيْتَ عَلَى الْمَرْأَةِ فَقُمْ عِنْدَ رَأْسِهَا وَإِذَا صَلَّيْتَ عَلَى الرَّجُلِ فَقُمْ عِنْدَ صَدْرِهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از موسی بن بکر روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمود: هرگاه بر جنازه زن نماز می خوانی، نزد سر او بایست و هرگاه بر جنازه مرد نماز می خواندی، نزد سینه اش بایست.

۷۲- کسی که بر جنازه ای بدون وضو نماز می گذارد

۱- الشیخ الكلینی، بإسناده عن يونس بن يعقوب قال: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الْجِنَازَةِ أَيْضًا عَلَى غَيْرِهَا عَلَى غَيْرِ وَضُوءٍ فَقَالَ نَعَمْ إِنَّمَا هُوَ تَكْبِيرٌ وَتَحْمِيدٌ وَتَسْبِيحٌ وَتَهْلِيلٌ كَمَا تُكَبِّرُ وَتُسَبِّحُ فِي بَيْتِكَ عَلَى غَيْرِ وَضُوءٍ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یونس بن یعقوب روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: آیا می توان بدون وضو بر جنازه ای نماز خواند؟

فرمود: آری، نماز میت، فقط تکبیر، تسبیح و تهلیل گفتن است؛ همچنان که در خانه خود بدون وضو می توانی تکبیر و تسبیح بگویی.

ص: ۵۳

۱- . الکافی ج ۳ ص ۱۷۶ ح ۲.

۲- . الکافی ج ۳ ص ۱۸۷ ح ۱.

۷۳- نماز زنان بر میت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن جابر عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: إذا لم يحضر الرجل تقدمت امرأة وسطهن وقام النساء عن يمينها وشمالها وهي وسطهن تكبير حتى تفرغ من الصلاة. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از جابر روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: هر گاه در نماز میت، مردی حاضر نباشد، باید یکی از زنان در وسط صف به امامت بایستد و سایر زنان از راست و چپ او بایستند. او تکبیر بگوید تا نماز را به پایان برساند.

۷۴- وقت نماز بر جنازه ها

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: تُصَلَّى عَلَى الْجَنَازَةِ فِي كُلِّ سَاعَةٍ إِنَّهَا لَيْسَتْ بِصَلَاةِ رُكُوعٍ وَلَا سُجُودٍ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: در هر ساعتی می توانی نماز میت بخوانی؛ زیرا که نماز میت، نمازی است که رکوع و سجود ندارد.

۷۵- علت پنج تکبیر گفتن بر جنازه

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بكر الحضرمي قال قال أبو جعفر صلوات الله عليه يا أبا بكر تدرى كم الصلاة على الميت قلت لا قال خمس تكبيرات فتدرى من أين أخذت الخمس قلت لا قال أخذت الخمس تكبيرات من الخمس صلوات من كل صلاة تكبيرة. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابوبکر حضرمی روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه (به من) فرمود: ای ابابکر! آیا میدانی چقدر نماز بر میت واجب است؟

گفتم: نه.

فرمود: پنج تکبیر. آیا میدانی این پنج تکبیر از کجا گرفته شده است؟

ص: ۵۴

۱- . الكافي ج ۳ ص ۱۷۹ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۱۸۰ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۱۸۲ ح ۵.

گفتم: نه.

فرمود: پنج تکبیر از پنج نماز که از هر نماز یک تکبیر گرفته شده است.

۷۶- نماز بر مؤمن و تکبیر و دعا

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الصَّلَاةِ عَلَى الْمَيِّتِ قَالَ تَكَبَّرْتُ ثُمَّ تَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ)

ثُمَّ تَقُولُ: اللَّهُمَّ عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمَّتِكَ لَا أَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ وَتَقَبَّلْ مِنْهُ وَإِنْ كَانَ مُسِيئًا فَاعْفِرْ لَهُ ذَنْبَهُ وَارْحَمْهُ وَافْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَاجْعَلْهُ مِنْ رُفَقَاءِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

ثُمَّ تَكَبِّرُ الثَّانِيَةَ وَتَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ زَاكِيًا فَزَكِّهِ وَإِنْ كَانَ خَاطِئًا فَاعْفِرْ لَهُ.

ثُمَّ تَكَبِّرُ الثَّلَاثَةَ وَتَقُولُ: اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُ.

ثُمَّ تَكَبِّرُ الرَّابِعَةَ وَتَقُولُ: اللَّهُمَّ اكْتُبْهُ عِنْدَكَ فِي عَلِيِّينَ وَاخْلُفْ عَلَى عَقْبِهِ فِي الْغَابِرِينَ وَاجْعَلْهُ مِنْ رُفَقَاءِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

ثُمَّ تَكَبِّرُ الْخَامِسَةَ وَانصَرِفْ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره چگونگی نماز میت فرمود: تکبیر می گویی، آنگاه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درود می فرستی (أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ) و پس از آن می گویی:

«اللَّهُمَّ عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمَّتِكَ لَا أَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ وَتَقَبَّلْ مِنْهُ وَإِنْ كَانَ مُسِيئًا فَاعْفِرْ لَهُ ذَنْبَهُ وَارْحَمْهُ وَافْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَاجْعَلْهُ مِنْ رُفَقَاءِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

سپس تکبیر دوم را گفته و می خوانی: «اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ زَاكِيًا فَزَكِّهِ وَإِنْ كَانَ خَاطِئًا فَاعْفِرْ لَهُ».

ص: ۵۵

سپس تکبیر سوم را گفته و می خوانی: «اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ وَ لَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُ».

سپس تکبیر چهارم را گفته و می خوانی: «اللَّهُمَّ اكْتُبْهُ عِنْدَكَ فِي عِلِّيِّينَ وَ اخْلُفْ عَلَيَّ عَقِبِهِ فِي الْغَابِرِينَ وَ اجْعَلْهُ مِنْ رُفَقَاءِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ».

سپس تکبیر پنجم را بگو و نماز را تمام کن.

توضیح: ضمائر و افعال ادعیه فوق برای میت مرد می باشد و در صورتی که میت زن باشد اینگونه گفته میشود:

اللَّهُ أَكْبَرُ می گویی و شهادتین را می خوانی و سپس بر رسول الله صلی الله علیه و آله صلوات می فرستی و سپس می گویی:

«اللَّهُمَّ أُمَّتِكَ بِنْتُ عَبْدِكَ بِنْتُ أُمَّتِكَ لَا أَعْلَمُ مِنْهَا إِلَّا خَيْرًا وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنَّا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ مُحْسِنَةً فَرِّدْ فِي حَسَنَاتِهَا [إِحْسَانِهَا] وَ تَقَبَّلْ مِنْهَا وَ إِنْ كَانَتْ مُسِيئَةً فَاعْفِرْ لَهَا ذَنْبُهَا وَ افْسَحْ لَهَا فِي قَبْرِهَا وَ اجْعَلْهَا مِنْ رُفَقَاءِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ».

سپس اللَّهُ أَكْبَرُ دوم را می گویی و بگو:

«اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ زَاكِيَةً فَزَكِّهَا وَ إِنْ كَانَتْ حَاطِئَةً فَاعْفِرْ لَهَا»

سپس اللَّهُ أَكْبَرُ سوم را می گویی و بگو:

«اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهَا وَ لَا تَفْتِنَّا بَعْدَهَا»

سپس اللَّهُ أَكْبَرُ چهارم را می گویی و بگو:

«اللَّهُمَّ اكْتُبْهَا عِنْدَكَ فِي عِلِّيِّينَ وَ اخْلُفْ عَلَيَّ عَقِبِهَا فِي الْغَابِرِينَ وَ اجْعَلْهَا مِنْ رُفَقَاءِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ»

سپس اللَّهُ أَكْبَرُ پنجم را می گویی نماز را تمام می کنی.

۷۷- در نماز میت دعایی معین و سلام نیست

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ زُرَّارَةَ وَ مَعْمَرِ بْنِ يَحْيَى وَ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَيْسَ فِي الصَّلَاةِ عَلَيَّ الْمَيِّتِ قِرَاءَةٌ وَ لَا دُعَاءٌ

مَوْقَتْ تَدْعُو بِمَا بَدَا لَكَ وَ أَحَقُّ الْمَوْتَى أَنْ يُدْعَى لَهُ الْمُؤْمِنُ وَ أَنْ يَبْدَأَ بِالصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم و زراره و معمر بن یحیی و اسماعیل بن جعفری روایت کرده که گفتند: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: در نماز میت، قرائت و دعای معینی نیست و هر دعای خیری که به نظرت رسید، می توانی آن را بخوانی، و میت بیشتر از هر کس شایسته است که مؤمن برایش دعا کند و دعا را با صلوات بر رسول الله صلی الله علیه و آله آغاز کند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلي قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه ليس في الصلاة على الميت تسليم. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: نماز میت سلام ندارد.

۷۸- نماز بر مستضعف در عقیده و آن که از نظر مذهب ناشناس است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سليمان بن خالد عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: (الصلاة على المشضعف و على من لا يعرف - تكبر، ثم تقول:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ.

(ثم تكبر الثانية و تقول)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَ بَيِّضْ وَجْهَهُ وَ أَكْثِرْ تَبِعَهُ.

(ثم تكبر الثالثة و تقول).

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ تُبَّ عَلَيَّ.

(ثم تكبر الرابعة و تقول)

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَ اتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَ قِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ.

(ثم تكبر الخامسة و انصرف)

ص: ۵۷

۱- . الكافي ج ۳ ص ۱۸۵ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۱۸۵ ح ۲.

فَإِنْ كَانَ مُؤْمِنًا دَخَلَ فِيهَا وَإِنْ كَانَ لَيْسَ بِمُؤْمِنٍ خَرَجَ مِنْهَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سلیمان بن خالد روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: (در نماز میت مستضعف و آنکه از نظر عقیده ناشناس است، بعد از تکبیر اول) چنین بگو: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ».

(سپس تکبیر دوم را گفته و چنین می خوانی) «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَبَيِّضْ وَجْهَهُ وَأَكْثِرْ تَبَعَهُ».

(سپس تکبیر سوم را گفته و می خوانی) «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ».

سپس تکبیر چهارم را گفته و می خوانی: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ».

(سپس تکبیر پنجم را بگو و نماز را تمام کن).

پس اگر مؤمن باشد شامل این دعا می شود و اگر مؤمن نباشد شامل او نخواهد شد.

توضیح: آنچه در بین پرانتر قرار گرفته، ترتیبست از این بنده حقیر بخاطر درک و فهم بیشتر خواننده عزیز.

۷۹- نماز میت بر دشمن اهل بیت صلوات الله عليهم

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إِذَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ عَدُوًّا لِلَّهِ: (تکبر، ثم تقول) - «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالْبُعْثَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ».

(ثم تكبر الثانية و تقول) - «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَرَحِمْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

(ثم تكبر الثالثة و تقول) - «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ تَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ وَوَلِيُّ الْحَسَنَاتِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

ص: ۵۸

(ثم تكبير الرابعه و تقول- «اللَّهُمَّ إِنَّ فُلَانًا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا أَنَّهُ عَيْدٌ لَكَ وَ لِرَسُولِكَ اللَّهُمَّ فَاحْشُ قَبْرَهُ نَارًا وَ احْشُ جَوْفَهُ نَارًا وَ عَجِّلْ بِهِ إِلَى النَّارِ فَإِنَّهُ كَانَ يَتَوَلَّى أَعْدَاءَكَ وَ يُعَادِي أَوْلِيَاءَكَ وَ يُبْغِضُ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ ضَيِّقْ عَلَيْهِ قَبْرَهُ».

فَإِذَا رُفِعَ فَقُلِ: «اللَّهُمَّ لَا تَرْفَعُهُ وَ لَا تُزَكِّهِ» (۱).

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر گاه بر دشمن خداوند متعال نماز می گزاری، (بعد از تکبیر اول) بگو: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ الْبُعْثَ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ».

(سپس تکبیر دوم را گفته و چنین می خوانی)

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ رَحِمْتَ وَ تَرَحَّمْتَ وَ سَلَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

(سپس تکبیر سوم را گفته و چنین می خوانی)

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ تَابِعْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ وَ وَلِيُّ الْحَسَنَاتِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

(سپس تکبیر چهارم را گفته و چنین می خوانی)

«اللَّهُمَّ إِنَّ فُلَانًا لَمَّا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا أَنَّهُ عَيْدٌ لَكَ وَ لِرَسُولِكَ اللَّهُمَّ فَاحْشُ قَبْرَهُ نَارًا وَ احْشُ جَوْفَهُ نَارًا وَ عَجِّلْ بِهِ إِلَى النَّارِ فَإِنَّهُ كَانَ يَتَوَلَّى أَعْدَاءَكَ وَ يُعَادِي أَوْلِيَاءَكَ وَ يُبْغِضُ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ ضَيِّقْ عَلَيْهِ قَبْرَهُ».

و چون از زمین برداشتن، بگو: «اللَّهُمَّ لَا تَرْفَعُهُ وَ لَا تُزَكِّهِ».

توضیح: روایت مذکور را بنده حقیر برای سهولت در فهم خواننده عزیز چنین ترتیب داده ام. و آنچه مرتب شده برگرفته از کلام اهل بیت صلوات الله عليهم می باشد.

ص: ۵۹

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ عَجَلَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا تَفْدَحُ مَيِّتَكَ بِالْقَبْرِ وَ لَكِنْ ضَعُهُ أَسْفَلَ مِنْهُ بِذِرَاعَيْنِ أَوْ ثَلَاثَةٍ وَ دَعُهُ يَأْخُذُ أُهْبَتَهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن عجلان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: میت را یکباره در قبر مگذار، اول دو -یا سه- زراع پایین تر بگذار و به او مهلت ده تا آماده شود.

۸۱- داخل شدن در قبر و بیرون شدن از آن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَلِيِّ بْنِ يَقْتِينٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَا تَنْزِلُ فِي الْقَبْرِ وَ عَلَيْكَ الْعِمَامَةُ وَ الْقَلَنْسُوَةُ وَ لَا الْجِذَاءُ وَ لَا الطَّيْلَسَانُ وَ حُلُّ أَرْزَارِكَ وَ بَدْلِكَ سُنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لِيَتَعَوَّذَ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ لِيُقْرَأَ فَاتِحَةُ الْكِتَابِ وَ الْمُعَوَّذَتَيْنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ آيَةُ الْكُرْسِيِّ وَ إِنْ قَدَرَ أَنْ يَحْسِرَ عَنْ حَدِّهِ وَ يُلْصِقَهُ بِالْأَرْضِ فَلْيَفْعَلْ وَ لِيُشْهَدَ وَ لِيَذْكَرَ مَا يَعْلَمُ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى صَاحِبِهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن یقین روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: در حالی که عمامه، کلاه، کفش و عبا بر تن داری، وارد قبر مشو، بلکه بندهای لباس را بگشا؛ زیرا که سنت رسول الله صلی الله علیه و آله بر این است، و کسی که داخل قبر می شود، باید از شیطان رانده شده بر خدا پناه برد و سوره حمد، معوذتین {قل هو الله احد} و آیها لکرسی بخواند، و اگر بتواند، بایستی کفن از رخسار میت کنار کشد و آن را بر زمین بگذارد، و باید شهادتین را بگوید و آنچه را که (از اوصیای رسول الله صلی الله علیه و آله) می داند، به یادش آورد، تا آن که به امام زمانش برسد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن السُّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ دَخَلَ الْقَبْرَ فَلَا يَخْرُجُ إِلَّا مِنْ قِبَلِ الرَّجُلَيْنِ. (۳)

ص: ۶۰

۱- . الكافي ج ۳ ص ۱۹۱ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۱۹۲ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۱۹۳ ح ۴.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: کسی که وارد قبر می شود؛ بایستی از سمت پاهای میت خارج شود.

۸۲- نهادن میت در قبر و تلقین او

۱- الشيخ الصدوق، قال: وَقَدْ رَوَى سَالِمُ بْنُ مُكْرَمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ يُجْعَلُ لَهُ وَسَادَةٌ مِنْ تَرَابٍ وَ يُجْعَلُ خَلْفَ ظَهْرِهِ مِدْرَةٌ لِنَلَا يَسْتَلْقِي وَيُحَلُّ عَقْدٌ كَفَنِهِ كُلِّهَا وَيُكْشَفُ عَنْ وَجْهِهِ ثُمَّ يُدْعَا لَهُ وَيَقَالُ اللَّهُمَّ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمِّتِكَ نَزَلَ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ افْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَ لَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَ الْحِقَّةَ بِنَبِيِّهِ وَ قِهِ شَرَّ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ ثُمَّ تُدْخَلُ يَدُكَ الْيُمْنَى تَحْتَ مَنْكِبِهِ الْأَيْمَنِ وَ تَضَعُ يَدُكَ الْيُسْرَى عَلَى مَنْكِبِهِ الْأَيْسَرِ وَ تُحَرِّكُهُ تَحْرِيكًا شَدِيدًا وَ تَقُولُ يَا فَلَانُ بْنُ فَلَانٍ اللَّهُ رَبُّكَ وَ مُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ وَ الْإِسْلَامُ دِينُكَ وَ عَلِيُّ وَ لِيَّتِكَ وَ إِمَامُكَ وَ تُسَمِّي الْأَنْمَةَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَاحِدًا وَاحِدًا إِلَى آخِرِهِمْ أَتَمَّتْكَ أَيْمَتُهُ هُدًى أَبْرَارٍ ثُمَّ تُعِيدُ عَلَيْهِ التَّلْقِينَ مَرَّةً أُخْرَى وَ إِذَا وَضَعْتَ عَلَيْهِ اللَّبْنَ فَقُلِ اللَّهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَ صِلْ وَحْدَتَهُ وَ آنِسْ وَحْشَتَهُ وَ آمِنْ رَوْعَتَهُ وَ أَسْكِنْ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَ احْشُرْهُ مَعَ مَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، گوید: سالم بن مکرم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: برای میت بالشی از خاک ساخته شود و بر پشت او کلوخی قرار داده شود که بر پشت نیفتد، و تمامی گره ها و بندهای کفنش باز شوند و رویش کنار زده شود و برایش این دعا را بخوانند: «اللَّهُمَّ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمِّتِكَ نَزَلَ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ افْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَ لَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَ الْحِقَّةَ بِنَبِيِّهِ وَ قِهِ شَرَّ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ».

پس دست راست خود را زیر شانه راست او که بر زمین است قرار می‌دهی و دست چپ خود را بر دوش چپ او می‌گذاری و او را به شدت تکان می‌دهی و می‌گویی:

«ای فلان فرزند فلانی (نام میت و پدرش را ذکر میکنی) الله پروردگار تو است و حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیغمبر تو و اسلام دین تو است، و علی صلوات الله علیه ولی و امام تو است، و یک یک اسامی امامان صلوات الله علیهم را تا آخرین شان نام می‌بری، امامان تو پیشوایان راه خیر و هدایت و نیکوکارانند».

ص: ۶۱

سپس یکبار دیگر تلقین را بر او تکرار میکنی و هنگامی که خشت یا آجر بر لحد میچینی بگو: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَ صِلْ وَحِدَتَهُ وَ آتِسْ وَحْشَتَهُ وَ آمِنْ رَوْعَتَهُ وَ أَسِيكِنْ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَ اخْشُرْهُ مَعَ مَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ».

۸۳- زنی که می میرد و در رحم او کودک زنده ای باشد

۱- الشيخ الكليني، باسناده عَنْ وَهْبِ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِذَا مَاتَتِ الْمَرْأَةُ وَ فِي بَطْنِهَا وَلَدٌ يَتَحَرَّكَ فَيَتَخَوَّفُ عَلَيْهِ فَشَقَّ بَطْنَهَا وَ أَخْرَجَ الْوَلَدَ وَ قَالَ فِي الْمَرْأَةِ يَمُوتُ وَلَدُهَا فِي بَطْنِهَا فَيَتَخَوَّفُ عَلَيْهَا قَالَ لَا بَأْسَ أَنْ يُدْخَلَ الرَّجُلُ يَدَهُ فَيَقْطَعَهُ وَ يُخْرِجَهُ إِذَا لَمْ تَرْفُقْ بِهِ النِّسَاءُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از وهب بن وهب روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: هرگاه زنی بمیرد، و در رحم او کودک زنده ای باشد، شکمش را شکافته، کودک را بیرون آورند.

حضرتش درباره زنی که جنین در شکمش مرده، و زندگی او را به خطر انداخته، فرمود: ایرادی ندارد که (با نبود زن ماهر) مرد دست خود را داخل نموده، و جنین را پاره پاره کند، و آن را بیرون آورد.

۸۴- غسل دادن اطفال و کودکان و نماز گزاردن بر آنان

۱- الشيخ الكليني، باسناده عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ السَّقَطِ إِذَا اسْتَوَى خَلْقُهُ يَجِبُ عَلَيْهِ الْغُسْلُ وَاللَّحْدُ وَالْكَفْنُ فَقَالَ كُلُّ ذَلِكَ يَجِبُ عَلَيْهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه درباره طفل سقط شده، که خلقتش کامل شده پرسیدم: آیا غسل، لحد و تکفین برای او واجب است؟ فرمود: همه این ها برای او واجب است.

ص: ۶۲

۱- . الكافي ج ۳ ص ۲۰۶ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۲۰۸ ح ۵.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَسْأَلُهُ عَنِ السَّقَطِ كَيْفَ يُضَيَّعُ بِهِ فَكَتَبَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ إِلَيَّ أَنَّ السَّقَطَ يُدْفَنُ بِدَمِهِ فِي مَوْضِعِهِ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از محمد بن فضیل روایت کرده که گفت: طی نامه ای به حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه نوشتم و از حضرتش درباره کودک سقط شده پرسیدم که وظیفه چیست؟

آن حضرت نوشت: کودک سقط شده با همان خونش دفن می شود.

توضیح: دفن جنین به این صورت، کمتر از چهار ماهش باشد، است.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عَنِ الْحَلْبِيِّ وَ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الصَّلَاةِ عَلَى الصَّبِيِّ مَتَى يُصَلَّى عَلَيْهِ قَالَ إِذَا عَقَلَ الصَّلَاةَ قُلْتُ مَتَى تَجِبُ الصَّلَاةُ عَلَيْهِ فَقَالَ إِذَا كَانَ ابْنُ سِتِّ سِنِينَ وَ الصَّيَامُ إِذَا أَطَاقَهُ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حلبی و زراره روایت کرده که گفتند: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم شد: چه وقت باید بر طفل نماز میت خواند؟

فرمود: هر گاه که نماز را درک کند.

گفتم: چه زمانی نماز بر او واجب می شود؟

فرمود هنگامی که به سن شش سالگی برسد و روزه هنگامی بر او لازم می شود که توان گرفتن آن را داشته باشد.

۸۵- پرسش در قبر، از چه کسی پرسیده می شود و از چه کسی پرسیده نمی شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَصْلَحَكَ اللَّهُ مِنَ الْمَسْئُولُونَ فِي قُبُورِهِمْ قَالَ مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ وَ مَنْ مَحَضَ الْكُفْرَ قَالَ قُلْتُ فَبَقِيَّةُ هَذَا الْخَلْقِ قَالَ يُلْهَى وَ اللَّهُ عَنْهُمْ مَا يُعْبَأُ بِهِمْ قَالَ قُلْتُ وَ عَمَّ يُسْأَلُونَ قَالَ عَنِ الْحُجَّةِ الْقَائِمَةِ بَيْنَ أَظْهَرِكُمْ فَيَقَالُ لِلْمُؤْمِنِ مَا تَقُولُ فِي فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ فَيَقُولُ ذَاكَ إِمَامِي فَيَقَالُ نَمَّ أَنَا اللَّهُ عَيْنَكَ وَ يُفْتَحُ لَهُ بَابٌ مِنَ الْجَنَّةِ فَمَا يَزَالُ يُتَحَفُّهُ مِنْ رَوْحِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

ص: ۶۳

۱- . الكافي ج ۳ ص ۲۰۸ ح ۶.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۲۰۶ ح ۲.

و يُقَالُ لِلْكَافِرِ مَا تَقُولُ فِي فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ قَالَ فَيَقُولُ قَدْ سَمِعْتُ بِهِ وَ مَا أَدْرِي مَا هُوَ فَيَقَالُ لَهُ لَا دَرَيْتَ قَالَ وَ يُفْتَحُ لَهُ بَابٌ مِنَ النَّارِ فَلَا يَزَالُ يُنْحَفُهُ مِنْ حَرِّهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابوبکر حضرمی روایت کرده که گفت: خدمت حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه عرض کردم: خداوند کارهای شما را اصلاح کند! از چه کسانی در قبر سوال می شود؟

فرمود: کسی که ایمان خالص و کسی که کفر خالص داشته باشد.

گفتم: پس باقی این مردم چه؟

فرمود: به خدا سوگند که آنها به حال خود واگذاشته می شوند و نسبت به آنان اعتنایی نمی شود.

گفتم: از چه چیزی پرسیده می شود؟

فرمود: از حجت (یعنی از امام معصوم) که در بین شما پا برجا است. پس به مؤمن گفته می شود: چه می گویی درباره فلانی (علی صلوات الله علیه) پسر فلانی (ابی طالب صلوات الله علیه)؟

می گوید: او امام من است.

به او گفته می شود: بخواب که خداوند چشم تو را بخواباند.

برای او دری از بهشت گشوده می شود که همیشه آرامش و راحتی بهشت را تا روز قیامت به او هدیه می دهد.

و به کافر گفته می شود: چه می گویی درباره فلانی (علی صلوات الله علیه) پسر فلانی (ابی طالب صلوات الله علیه)؟

می گوید: درباره او چیزهایی شنیده ام، اما نمی دانم که او کیست؟

به او گفته می شود: و هرگز نخواهی دانست.

سپس دری از دوزخ برایش گشوده می شود که همواره تا روز قیامت از گرمی آتش به او ارمغان می دهد.

توضیح: طبق این روایت و روایات دیگر، مردم به سه دسته تقسیم می شوند:

۱- مؤمن. ۲- کافر. ۳- مستضعف.

مؤمن کسی است که بعد از اعتقاد و اقرار به توحید و نبوت به امامت دوازده امام معصوم صلوات الله علیهم داشته و از دشمنان آن بزرگواران بی زار باشند.

١- الكافي ج ٣ ص ٢٣٧ ح ٨.

و کافر کسی است که به امامت الهی دوازده امام معصوم صلوات الله عليهم و یا یکی از آن بزرگواران اقرار نکند و از دشمنان آن بزرگواران بی زار نباشد، گرچه اقرار به توحید و نبوت داشته باشد، بازم چنین کسی کافر است.

مستضعف کسی است که در معاملات قدرت تشخیص در سود و زیانش را نداشته باشد.

مانند اطفال و مجانین که در هیچ معامله ای سود و زیان خویش را نمی دانند.

پس سوال در قبر از مؤمن، و کافر می شود. اما ظاهراً از مستضعف سوال نخواهد شد، مگر در روز قیامت.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إن المؤمن إذا أُخرج من بيته شيعته الملائكة إلى قبره يزدهمون عليه حتى إذا انتهى به إلى قبره قالت له الأرض مرحباً بك و أهلاً أما و الله لقد كنت أحب أن يمسي على مثلك لترين ما أضيع بك فتوسع له ممد بصيره و يدخل عليه في قبره ملكا القبر و هما قعيدا القبر منكراً و نكيراً فيلقيان فيه الروح إلى حقويه فيقعدانه و يسألانه فيقولان له من ربك فيقول الله فيقولان ما دينك فيقول الإسلام فيقولان و من نبيك فيقول محمد ص فيقولان و من إمامك فيقول فلان قال فينادى مناد من السماء صدق عبدي افروشوا له في قبره من الجنة و افتحوا له في قبره باباً إلى الجنة و ألبسوه من ثياب الجنة حتى يأتينا و ما عندنا خير له ثم يقال له نم نومه عروس نم نومه لا حلم فيها قال و إن كان كافراً خرجت الملائكة تشيعه إلى قبره تلعنونه حتى إذا انتهى به إلى قبره قالت له الأرض لما مرحباً بك و لا أهلاً أما و الله لقد كنت أبغض أن يمسي على مثلك لا جرم لترين ما أضيع بك اليوم فتضيق عليه حتى تلتقي جوانحه قال ثم يدخل عليه ملكا القبر و هما قعيدا القبر منكراً و نكيراً قال أبو بصير جعلت فداك يدخلان على المؤمن و الكافر في صورته واحده فقال لا قال فيقعدانه و يلقيان فيه الروح إلى حقويه فيقولان له من ربك فيتلجسج و يقول قد سمعت الناس يقولون فيقولان له لا دريت و يقولان له ما دينك فيتلجسج فيقولان له لا دريت و يقولان له من نبيك فيقول قد سمعت الناس يقولون فيقولان له لا دريت و يسأل عن إمام زمانه فقال فينادى مناد من السماء كذب عبدي افروشوا له في قبره من النار و ألبسوه من ثياب النار و افتحوا له باباً إلى النار حتى يأتينا و ما عندنا شر له فيضربانه بمؤزبه ثلاث ضربات ليس منها ضربه إلا يتطائر قبره ناراً لو ضرب

بِتَلْعِكَ الْمُرْزَبَةِ جِبَالُ تَهَامَةَ لَكَانَتْ رَمِيمًا وَقَالَ أَبُو عَازِدٍ اللَّهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ يُسَلِّطُ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي قَبْرِهِ الْحَيَاتِ تَنْهَشُهُ نَهَشًا وَ الشَّيْطَانَ يَغْمُهُ غَمًّا قَالَ وَ يَسْمَعُ عَذَابَهُ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ إِلَّا الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ قَالَ وَ إِنَّهُ لَيْسَ مَعَ خَفَقَ نَعَالِهِمْ وَ نَقَضَ أَيْدِيَهُمْ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: {يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ}. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند از ابوبصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هنگامی که جنازه مؤمن از خانه اش بیرون آورده می شود، فرشتگان بسیاری او را تا قبرش تشییع می کنند، و هنگامی که او را به قبرش می رسانند، زمین به او می گوید: خوش آمدی، آفرین بر تو! به خدا سوگند که من دوست می داشتم کسی همانند تو بر روی من راه برود و خواهی دید که با تو چگونه رفتار خواهم کرد.

پس به اندازه ای که چشم او کار می کند، قبرش فراخ می شود، و دو فرشته که همان دو همنشین قبر، منکر و نکیر هستند بر او وارد و روح او را تا کمرش باز می گردانند و می نشانند و از می پرسند و می گویند: پروردگار تو کیست؟
می گوید: الله.

می گویند: دین تو چیست؟

می گوید: اسلام.

می گویند: پیامبر تو کیست؟

می گوید: حضرت محمد صلی الله علیه و آله.

می گویند: امام تو کیست؟

می گوید: فلانی (حضرت علی بن ابی طالب و یازده فرزند معصومش صلوات الله علیهم).

سپس منادی از آسمان ندا می کند: بنده من راست گفت، قبر او را از فرش های بهشتی بگسترانید و برای او دری به سوی بهشت باز کنید، و از لباس های بهشتی بر او بپوشانید تا نزد ما آید؛ زیرا آنچه که در نزد ماست برای او بهتر است.

ص: ۶۶

سپس به او گفته می شود: بخواب همچون خواب عروس، آن خوابی که نعمت آن پایان یافتنی نیست.

و اگر میت کافر باشد، فرشتگان بیرون می آیند و او را تا قبرش تشییع و لعن می کنند، هنگامی که به قبرش می رسانند زمین به او می گوید: خوش نیامدی که به خدا سوگند! دشمن می داشتم کسی همانند تو بر روی من راه برود و خواهی دید که امروز با تو چگونه رفتار خواهم کرد.

آن چنان قبر را بر او تنگ می کند که استخوان های سینه اش به یکدیگر می رسند. آنگاه دو فرشته که همان دو همنشین قبر، منکر و نکیر هستند بر او وارد می شوند.

ابوبصیر به حضرت عرض کرد: قربانت گردم! آیا آن دو فرشته بر مؤمن و کافر به یک صورت وارد می شوند؟
فرمود: نه.

سپس فرمود: آنگاه میت کافر را می نشانند و روح او را تا کمرش باز می گردانند و می گویند: پروردگار تو کیست؟
به لکنت زبان می افتد و می گوید: از مردم شنیده ام که یک چیزی می گویند.

به او می گویند: و تو هرگز نخواهی دانست.

از او می پرسند: دین تو چیست؟

به لکنت زبان می افتد.

و به او می گویند: هرگز نخواهی دانست.

از او می پرسند: پیامبر تو کیست؟

پاسخ می دهد: از مردم چیزی شنیدم که می گویند.

به او می گویند: تو نخواهی دانست.

و همچنین از امام زمانش از او می پرسند.

(از آنجایی که چنین شخصی اعتقاد و اقرار به امامت ندارد، مسلماً پاسخی ندارد)

سپس حضرت فرمود: منادی از آسمان ندا می کند؛ بنده من دروغ گفت. از آتش بر قبر او بگسترانید و از جامه های آتشین بر او بپوشانید و برای او دری به سوی آتش بگشایید تا اینکه نزد ما آید و آنچه در نزد ماست برای او بدتر است.

پس با گریزی آهنین سه ضربه به او می زنند که در هر ضربه قبر او را آتش فرا می گیرد، که اگر با آن، به کوه های مکه بزنند، آن را تبدیل به تلی از خاک خواهد کرد.

حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در ادامه فرمود: خداوند در قبرش مارها را بر مسلط می کند که او را نیش می زنند و شیطان را بر او مسلط می کند که او را سخت غمگین می سازد.

حضرت فرمود: و صدای شکنجه شدن او را همه آفریدگان خدا جز انسان ها و پریان می شنوند.

سپس حضرت ادامه داد و فرمود: به راستی که مؤمن صدای نعلین تشییع کنندگان و افشاندن خاک های دستشان را می شنود و این همان قول خداوند متعال است که می فرماید: {خداوند آن هایی را که ایمان آورده اند در دنیا و جهان آخرت به آن گفتاری را که ثابت و پا برجاست، ثابت و استوار دارد و خداوند ستمگران را گمراه می کند و آنچه را که می خواهد، انجام می دهد}. (سوره ابراهیم آیه ۲۶)

ص: ۶۸

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن وهب قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن أفضل ما يتقرب به العباد إلى ربهم وأحب ذلك إلى الله عز وجل ما هو فقال ما أعلم شيئاً بعيد المَعْرِفَةِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ أَلَا تَرَى أَنَّ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عَيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: {وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا} (۱).

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن وهب روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد بهترین و محبوبترین کارهایی که انسان با آن به خدا تقرب می جوید، پرسیدم؟

فرمود: من بعد از شناخت و معرفت، چیزی را بهتر از نماز نمی بینم. آیا نمی بینی که بنده صالح خدا، عیسی بن مریم علیه السلام می گوید: {و(پروردگارم) مرا تا زنده ام به نماز و زکات سفارش فرمود}. (سوره مریم آیه ۳۲)

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه صلاة فريضة خير من عشرين حجة و حجة خير من بيت مملوء ذهباً يتصدق منه حتى يقنى. (۲).

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابوبصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: یک نماز فريضة از انجام بیست حج بهتر است، و یک حج بهتر از خانه ای پر از طلا است که انسان آن را صدقه دهد تا چیزی از آن نماند.

۸۷- کسی که از نماز خود مواظبت کند، و کسی که آن را ضایع و تباه سازد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زرارة عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: إذا ما أدى الرجل صلاةً واحدةً تامَّةً قبلت جميع صلواته وإن كنَّ غير تامَّاتٍ وإن أفسدها كلها لم يقبل منه شيءٌ منها ولم يحسب له نافلةً ولما فريضةً وإنما تُقبلُ النافلةُ بعيدَ قبُولِ الفريضةِ وإذا لم يؤدِّ الرجلُ الفريضةَ لم يقبلْ منه النافلةُ وإنما جعلتِ النافلةُ لئتمَّ بها ما أفسدَ من الفريضةِ. (۳).

ص: ۶۹

۱- . الكافي ج ۳ ص ۲۶۴ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۲۶۵ ح ۷.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۲۶۹ ح ۱۴.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جمیل بن دراج از یکی از اصحاب روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: هر مؤمنی که از نمازهای فریضه خود مراقبت کند و آنها را در وقت خود به جای آورد، از غافلان نخواهد بود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ إِذْ دَخَلَ رَجُلٌ فَقَامَ يُصَلِّي فَلَمْ يُتِمَّ رُكُوعَهُ وَ لَا سُجُودَهُ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَقَرَ كَنْقَرِ الْغُرَابِ لِئِنْ مَاتَ هَذَا وَ هَكَذَا صَيَّ لِمَاتِهِ- لَيَمُوتَنَّ عَلَى غَيْرِ دِينِي. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: روزی رسول الله صلی الله علیه و آله در مسجد نشسته بود که مردی وارد شد و مشغول نماز گشت در حالی رکوع و سجود آن را درست به جای نمی آورد.

آن حضرت فرمود: آن مرد همانند کلاغ منقار زد. اگر او بیمیرد و نمازش این گونه باشد، بر غیر دین من مرده است.

۸۸- نمازهای واجب و مستحبی در شبانه روز

۱- الشيخ الصدوق، بإسناده عَنِ الْأَعْمَشِ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: صَيِّمَاهُ الْفَرِيضَةُ الظُّهْرُ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ وَالْعَصِيرُ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ وَالْمَغْرِبُ ثَلَاثُ رَكَعَاتٍ وَالْعِشَاءُ الْآخِرَةُ أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ وَالْفَجْرُ رَكَعَتَانِ فَجُمْلَةُ الصَّلَاةِ الْمَفْرُوضَةِ سَبْعَ عَشْرَةَ رَكَعَةً وَالسُّنَّةُ أَرْبَعٌ وَ ثَلَاثُونَ رَكَعَةً مِنْهَا أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ بَعْدَ الْمَغْرِبِ- لَا تَقْصِرُ فِيهَا فِي سَفَرٍ وَ لَا حَضَرٍ وَ رَكَعَتَانِ مِنْ جُلُوسٍ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ تُعِيدَانِ بَرَكَةَ وَ ثَمَانُ رَكَعَاتٍ فِي السَّحَرِ وَ هِيَ صَيِّمَاهُ اللَّيْلِ وَ الشَّفْعُ رَكَعَتَانِ وَ الْوَتْرُ رَكَعَةٌ وَ رَكَعَتَا الْفَجْرِ بَعْدَ الْوَتْرِ وَ ثَمَانُ رَكَعَاتٍ قَبْلَ الظُّهْرِ وَ ثَمَانُ رَكَعَاتٍ قَبْلَ الْعَصْرِ. (۲)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از اعمش روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: نماز فریضه چهار رکعت ظهر و چهار رکعت عصر و سه رکعت مغرب و چهار رکعت عشا و دو رکعت صبح است و تمام نمازهای واجب هفده رکعت هستند و مستحبی سی و چهار رکعت است که چهار

ص: ۷۰

۱- . الكافي ج ۳ ص ۲۶۸ ح ۶.

۲- . الخصال ج ۲ ص ۱۵۱. بحار الأنوار ج ۷۹ ص ۲۸۲ ح ۲.

رکعت از آن بعد از نماز مغرب است که در سفر و حضر شکسته نمی شود و دو رکعت نماز نشسته بعد از عشا است که یک رکعت محسوب می شود و هشت رکعت در سحر است و آن نماز شب است و شفع دو رکعت است و وتر یک رکعت و دو رکعت فجر بعد از نماز وتر است و هشت رکعت پیش از ظهر و هشت رکعت پیش از عصر.

۲- العلامة المجلسی رضی الله عنه، قال: قَالَ الرضا صلوات الله عليه: اعْلَمْ يَرْحَمُكَ اللَّهُ أَنَّ الْفَرِيضَةَ وَالنَّافِلَةَ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ إِحْدَى وَخَمْسُونَ رُكْعَةً الْفَرِيضَةُ مِنْهَا سَبْعُ عَشْرَةَ رُكْعَةً فَرِيضَةٌ وَأَرْبَعٌ وَثَلَاثُونَ رُكْعَةً سِنَّةَ الظُّهْرِ أَرْبَعُ رُكْعَاتٍ وَالْعَصِيرُ أَرْبَعُ رُكْعَاتٍ وَالْمَغْرِبُ ثَلَاثُ رُكْعَاتٍ وَالْعِشَاءُ الْآخِرَةُ أَرْبَعُ رُكْعَاتٍ وَالْعِدَاةُ رُكْعَتَانِ فَهَذِهِ فَرِيضَةُ الْحَضَرِ، وَصَلَاةُ السَّفَرِ الْفَرِيضَةُ إِحْدَى عَشْرَةَ رُكْعَةً الظُّهْرِ رُكْعَتَانِ وَالْعَصِيرُ رُكْعَتَانِ وَالْمَغْرِبُ ثَلَاثُ رُكْعَاتٍ وَالْعِشَاءُ الْآخِرَةُ رُكْعَتَانِ وَالْعِدَاةُ رُكْعَتَانِ، وَالنَّوَافِلُ فِي الْحَضَرِ مِثْلًا الْفَرِيضَةُ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ فَارْضَ عَلَيَّ رَبِّي سَبْعَ عَشْرَةَ رُكْعَةً فَفَرَضْتُ عَلَى نَفْسِي وَ أَهْلِ بَيْتِي وَ شِيعَتِي بِإِزَاءِ كُلِّ رُكْعَةٍ رُكْعَتَيْنِ لَتَتَمَّ بِذَلِكَ الْفَرَاغُ مَا يَلْحَقُهُ مِنَ التَّقْصِيرِ وَ التَّلَمُّ مِنْهَا ثَمَانُ رُكْعَاتٍ قَبْلَ زَوَالِ الشَّمْسِ، وَ هِيَ صَلَاةُ الْمَأْوِيَّةِ وَ ثَمَانُ بَعْدَ الظُّهْرِ وَ هِيَ صَلَاةُ الْخَاشِعِينَ وَ أَرْبَعُ رُكْعَاتٍ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ وَ هِيَ صَلَاةُ الذَّاكِرِينَ وَ رُكْعَتَانِ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ مِنْ جُلُوسٍ تُحْسَبُ رُكْعَةً مِنْ قِيَامٍ وَ هِيَ صَلَاةُ الشَّاكِرِينَ وَ ثَمَانُ رُكْعَاتٍ صَلَاةُ اللَّيْلِ وَ هِيَ صَلَاةُ الْخَائِفِينَ وَ ثَلَاثُ رُكْعَاتٍ الْوُتْرُ وَ هِيَ صَلَاةُ الرَّاعِبِينَ وَ رُكْعَتَانِ عِنْدَ الْفَجْرِ وَ هِيَ صَلَاةُ الْحَامِدِينَ، وَالنَّوَافِلُ فِي السَّفَرِ أَرْبَعُ رُكْعَاتٍ بَعْدَ الْمَغْرِبِ وَ رُكْعَتَانِ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ مِنْ جُلُوسٍ وَ ثَلَاثُ عَشْرَةَ رُكْعَةً صَلَاةُ اللَّيْلِ مَعَ رُكْعَتِي الْفَجْرِ وَ إِنَّ لَمْ يَقْدِرْ بِاللَّيْلِ قَضَاهَا بِالنَّهَارِ أَوْ مِنْ قَابِلِهِ فِي وَقْتِ صَلَاةِ اللَّيْلِ أَوْ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ. (۱)

مرحوم علامه مجلسی رضوان الله علیه گوید: حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمودند: خدایت رحمت کند، بدان که فریضه و نافله در شبانه روز پنجاه و یک رکعت است، هفده رکعت از آن واجب و سی و چهار رکعت از آن سنت است؛ چهار رکعت ظهر، چهار رکعت عصر، سه رکعت مغرب، چهار رکعت عشا و دو رکعت نماز صبح. این فریضه حضر است.

ص: ۷۱

و نماز واجب سفر، یازده رکعت است؛ ظهر دو رکعت، عصر دو رکعت، مغرب سه رکعت، عشا دو رکعت و صبح دو رکعت.

و نوافل در حضر، دو برابر فریضه است؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پروردگارم هفده رکعت بر من واجب فرمود و من در برابر هر رکعت فریضه، دو رکعت دیگر را بر خود و اهل بیت و شیعیانم واجب نمودم تا بدین وسیله کوتاهی و رخنه ای که در فرائض ایجاد شده، با این نمازها کامل گردد. این نمازها عبارت است از: هشت رکعت قبل از زوال و مایل شدن خورشید که آن نماز تواین است، و هشت رکعت بعد از ظهر و آن نماز خاشعین است، و چهار رکعت بین نماز مغرب و عشا و آن نماز ذاکرین است، و دو رکعت نشسته بعد از عشا که یک رکعت ایستاده به شمار می آید و آن نماز شاکرین است و هشت رکعت نماز شب و آن نماز خائفین است، و سه رکعت وتر و آن نماز مشتاقان است، و دو رکعت به هنگام طلوع فجر و آن نماز حامدین است.

و نوافل در سفر، چهار رکعت بعد از مغرب و دو رکعت نشسته بعد از عشا و سیزده رکعت نماز شب به همراه دو رکعت فجر است و اگر نتوانست شب آن را بخواند، روز قضای آن را بخواند، یا در وقت نماز شب بعدی، یا از اول شب بخواند.

۸۹- واجبات نماز و اینکه نماز اعاده نمی شود مگر برای پنج چیز

۱- الشيخ الكليني، يأسناده عن زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الْفَرَضِ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ الْوَقْتُ وَالطَّهْرُ وَالْقِبْلَةُ وَالتَّوَجُّهُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ وَالِدُّعَاءُ قُلْتُ مَا سِوَى ذَلِكَ قَالَ سُنَّةٌ فِي فَرِيضَةٍ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه در مورد واجبات نماز پرسیدم.

فرمود: وقت، طهارت، قبله، توجه، رکوع، سجود و دعا(قنوت) است.

پرسیدم: اعمال دیگر چه؟

فرمود: آن اعمال، سنت هستند که در ضمن واجب آمده اند.

ص: ۷۲

۲- الشيخ الصدوق، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ لَمَّا تَعَادَ الصَّلَاةُ إِلَّا مِنْ خَمْسَةِ الطُّهُورِ وَالْوَقْتِ وَالْقِبْلَةِ وَالرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ ثُمَّ قَالَ الْقِرَاءَةُ سُنَّةٌ وَالتَّشَهُدُ سُنَّةٌ وَ لَا تَنْقُضُ السُّنَّةَ الْفَرِيضَةَ. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: نماز اعاده نمی شود مگر از پنج چیز: طهارت، وقت، قبله، رکوع و سجود. سپس حضرت فرمود: قرائت سنت است، و تشهد سنت است، و سنت (اگر به سهو ترک شود) فریضه را باطل نمی کند.

۹۰- اوقات نماز

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لِكُلِّ صِيَامَةٍ وَقْتَانِ وَأَوَّلُ الْوَقْتِ أَفْضَلُهُ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَجْعَلَ آخِرَ الْوَقْتَيْنِ وَقْتًا إِلَّا فِي عُذْرٍ مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: برای هر نماز دو وقت است و نخستین وقت آن بهتر است، و کسی نباید که آخر وقت را وقت نماز قرار دهد، مگر آن که عذر موجهی داشته باشد.

۹۱- وقت نماز ظهر و عصر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةَيْنِ إِلَّا أَنْ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عیبید بن زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هنگامی که زوال آفتاب شد، وقت دو نماز (ظهر و عصر) فرا می رسد، جز آن که وقت یکی از آن دو، پیش از وقت دیگری است (یعنی نماز ظهر پیش از نماز عصر است).

ص: ۷۳

۱- . الفقيه ج ۱ ص ۲۲۵ ح ۹۹۲.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۲۷۴ ح ۳.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۲۷۶ ح ۵.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن القاسمِ مثله وفيه دخل وقت الظهر والعصر جميعاً وزاد ثم أنت في وقتٍ منهما جميعاً حتى تغيب الشمس. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از قاسن همانند این روایت را نقل کرده و در آن آمده است که: وقت نماز ظهر و عصر با هم فرا می رسد. و این عبارت را نیز افزوده که: سپس تو در وقت هر دو نماز هستی تا اینکه خورشید پنهان شود.

توضیح: روایت آخر را قاسم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده است.

۹۲- وقت نماز مغرب و عشا

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبيد بن زرارَةَ عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إذا غربت الشمس دخل وقت الصلواتين إلا أن هذه قبل هذه. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عبید بن زرارہ روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: چون آفتاب غروب کند، وقت دو نماز (مغرب و عشا) داخل شده است جز اینکه یکی از آن دو، پیش از دیگری است (یعنی نماز مغرب قبل از نماز عشا است).

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن أبي عمير عن ذكره عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: وقت سقوط القرص ووجوب الإفطار أن تقوم بجداء القبلة وتنفق الحمرة التي ترفع من المشرق فإذا جازت قمة الرأس إلى ناحيته المغرب فقد وجب الإفطار وسقط القرص. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابن ابی عمیر از روایان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: وقت غروب آفتاب و واجب شدن افطار (روزه دار) هنگامی است که چون مقابل قبله بایستی و سرخی را که از مشرق بلند می شود، جوای شوی، سرخی از بالای سر به سوی مغرب رود. در این هنگام افطار واجب شده و آفتاب فرو رفته است.

ص: ۷۴

۱- . الكافي ج ۳ ص ۲۷۶ ح ۵.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۲۸۱ ح ۱۲.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۲۷۹ ح ۴.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن مهزيار قال كتب أبو الحسن بن الحسين إلى أبي جعفر الثاني صلوات الله عليه معي جعلت فداك قد اختلفت موالوك في صلوات الفجر فمنهم من يصلي إذا طلع الفجر الأول المستطيل في السماء ومنهم من يصلي إذا اعترض في أسفل الأفق واسبان ولست أعرف أفضل الوقتين فأصلي فيه فإن رأيت أن تعلمني أفضل الوقتين وتجدده لي وكيف أصنع مع القمر والفجر لا يتبين معه حتى يحمر ويصبح وكيف أصنع مع الغيم وما حد ذلك في السفر والحضر فعلت إن شاء الله فكتب صلوات الله عليه بخطه وقرأته الفجر يرحمك الله هو الخيط الأبيض المعترض ليس هو الأبيض صعداء فلا تصل في سفر ولا حضر حتى يتبينه فإن الله تبارك وتعالى لم يجعل خلقه في شبهة من هذا فقال: {كلوا واشربوا حتى يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر} فالخيط الأبيض هو المعترض الذي يحرم به الأكل والشرب في الصوم وكذلك هو الذي توجب به الصلاة. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از علی بن مهزیار روایت کرده که گفت: ابوالحسن بن حصین نامه ای به حضرت امام محمد تقی جواد صلوات الله علیه نوشت و آن را توسط من ارسال کرد، در آن نامه نوشت: قربانت کردم! دوستان شما در وقت نماز صبح با یکدیگر اختلاف دارند، بعضی از آنان به هنگام طلوع فجر اول که در آسمان مانند عمود باریک و بلند است، نماز می خوانند، و بعضی از آنها وقتی که فجر در پایین افق پهن می شود و نمایان می گردد، نماز می خوانند و من نمی دانم کدام یک از این دو وقت بهتر است تا در آن نماز گزارم، اگر صلاح میدانید لطف بفرمایید و مرا از بهترین این دو وقت آگاه سازید و آن را برای من روشن کنید و بفرمایید هنگامی که که شب مهتابی است، چگونه فجر را تشخیص دهم؟ زیرا با وجود ماه تشخیص فجر برایم امکان ندارد، مگر زمانی که افق سرخ شود و صبح گردد، و به هنگام ابری بودن هوا چه کنم؟ و در سفر و حضر تشخیص وقت فجر اول و دوم چگونه است؟

ان شاء الله راهنمایی خواهید فرمود.

حضرت صلوات الله علیه به خط مبارک خویش که خود خوانده ام نوشت:

ص: ۷۵

خداوند به تو رحمت کند! فجر همان رشته سفید پهن است نه رشته عمود بالا رونده. پس در سفر و حضر نماز مخوان تا زمانی که آن فجر صادق برای تو آشکار شود؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی مخلوق خود را در چنین موضوعی در شک قرار نداده و فرموده است: {بخورید و بیاشامید، تا روشنی سپیده به مانند رشته ای سپید در سراسر افق پدید آید، و از رشته سیاه تاریکی باقیمانده شب جدا گردد} (سوره بقره آیه ۸۵) رشته سفید، آن رشته پهنی است که با پدیدار شدن آن، خوردن و آشامیدن در حال روزه حرام می شود، و نیز با آن، نماز صبح واجب می شود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن يزيد بن خليفة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: وقتُ الفجر حين يندو حتى يضيء.

و فی روایت اخری قال: وَ لَا يَنْبَغِي تَأْخِيرُ ذَلِكَ عَمْدًا لِكِنَّهُ وَقْتُ لِمَنْ شُغِلَ أَوْ نَسِيَ أَوْ نَامَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یزید بن خلیفه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: وقت نماز صبح، وقتی است که فجر ظاهر شود تا هنگامی که خورشید طلوع کند.

در روایت دیگری حضرت فرمود: ولی تأخیر (تا طلوع خورشید) برای کسی است که (به کاری ضروری) مشغول باشد، یا فراموش کند و یا بخواب رفته باشد.

۹۴- نماز به غیر قبله

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سليمان بن خالد قال: قلت لأبي عبد الله صلوات الله عليه الرجل يكون في قفر من الأرض في يوم غيم فيصلّي لغير القبلة ثم يصحى فيعلم أنه صلى لغير القبلة كيف يصنع قال إن كان في وقت فليعد صلاته وإن كان مضي الوقت فحسبته اجتهاده. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سلیمان بن خالد روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: مردی در بیابان بی آب و علف در روزی که هوا ابری است بر غیر قبله نماز می گزارد، سپس ابر بر طرف می شود و می داند که بر غیر قبله نماز گزارده است، وظیفه او چیست؟

ص: ۷۶

۱- . الكافي ج ۳ ص ۲۸۳ ح ۴-۵.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۲۸۵ ح ۹.

فرمود: اگر در وقت نماز است، آن را اعاده می کند، و اگر وقت گذشته است، کوشش او برای وی (در یافتن قبله) کفایت می کند.

توضیح: در باب بعدی روشنی بیشتر در این مورد خواهد آمد ان شاء الله

۹۵- نماز متحیر به قبله

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ قِبَلِهِ الْمُتَحِيرِ فَقَالَ يُصَلِّي حَيْثُ يَشَاءُ. وَرُوِيَ أَيْضًا أَنَّهُ يُصَلِّي إِلَى أَرْبَعِ جَوَانِبَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه درباره کسی که نمی داند قبله کدام سمت است، پرسیدم.

فرمود: به هر طرف که بخواهد می تواند، نماز بخواند.

همچنین روایت شده است: به هر چهار جانب نماز بخواند.

توضیح: آنچه عمل اصحاب حدیث بر آن است و نیز بدون دغدغه اینکه عمل به اجتهاد و ظنون شده باشد، عمل نمودن به حدیثی است که حضرت فرمودند کسی که متحیر به قبله ماند، در آن صورت به چهار جانب نماز گزارد زیرا یکی از طرف ها به یقین قبله خواهد بود و نماز مکلف یقینی و دور از هر نوع اجتهاد و ظنون خواهد بود.

اما اگر وقت نماز تنگ باشد از باب تسلیم می توان به حدیثی که رخصت داده شده که به هر طرفی که بخواهد می تواند بخواند عمل نمود.

۹۶- جمع بین دو نماز

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالنَّاسِ الظُّهْرَ وَالعَصْرَ حِينَ زَالَتِ الشَّمْسُ فِي جَمَاعَةٍ مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ

ص: ۷۷

وَصَلَّى بِهِمُ الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ قَبْلَ سَيْقُوطِ الشَّفَقِ مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ فِي جَمَاعَةٍ وَإِنَّمَا فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِيَتَسَمَعَ الْوَقْتُ عَلَى أُمَّتِهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله نماز ظهر و عصر را هنگام زوال آفتاب، بدون علت با مردم به جماعت خواند و نماز مغرب و عشا را نیز پیش از ناپدید شدن سرخی، بدون علت با ایشان به جماعت به جای آورد، و این کار را رسول الله صلی الله علیه و آله انجام داد تا امت را در وسعت قرار دهد.

۹۷- نمازهای که می توان در همه اوقات خواند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: خمس صلوات تصليهن في كل وقت صلوات الكسوف والصلوات على الميت و الصلاة الإخرام والصلوة التي تفتت و صلاة الطواف من الفجر إلى طلوع الشمس و بعد العصر إلى الليل. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابوبصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: پنج نماز است که در هر ساعتی، یا هر موقع از شب و روز می توانی آنها را بخوانی؛ نماز خورشید گرفتگی، نماز میت، نماز احرام، نمازی که قضا شده است و نماز طواف که نماز طواف را از طلوع فجر تا دمیدن آفتاب و بعد از عصر تا شب می توان خواند.

۹۸- کسی که به خواب رفته و نماز نخوانده، یا این که آن را فراموش نماید

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زرارة عن أبي جعفر صلوات الله عليه أنه سئل عن رجل صلّى بغير طهور أو نسي صلوات لم يصليها أو نام عنها فقال يقضى بها إذا ذكرها في أي ساعة ذكرها من ليل أو نهار فإذا دخل وقت الصلاة ولم يتم ما قد فاتة فليقض ما لم يتخوف أن يذهب وقت هذه الصلاة التي قد حضرت وهذه أحق بوقتها فليصلها فإذا قضاها فليصل ما فاتة مما قد مضى ولا يتطوع بركعه حتى يقضى الفريضة كلها. (۳)

ص: ۷۸

۱- . الكافي ج ۳ ص ۲۸۶ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۲۷۸ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۲۹۲ ح ۳.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه پرسیدند: کسی که بدون طهارت نماز می خواند، یا چند نماز را فراموش می کند و آنها را به جای نمی آورد و یا خوابش می برد و آنها را نمی خواند (چه حکمی دارد؟).

فرمود: هر زمانی که به خاطرش برسد، باید در همان وقت از شب یا روز قضای آن را به جای آورد، اما اگر وقت نماز همان روز فرا رسید و هنوز نماز قضای خود را تمام نکرده، تا زمانی که نمی ترسد وقت این نماز تمام شود، باید نماز قضا را به جای آورد. زیرا این نمازی که اکنون وقت آن فرا رسیده به وقت خود سزاوارتر است که ابتدا آن را به جای آورد، سپس بقیه نمازهای قضای خود را بخواند، و تا زمانی که نماز قضا دارد، نباید حتی یک رکعت نماز نافله بخواند تا تمام نمازهای قضای خود را به جای آورد.

۹۹- تقدم و تأخر مرد و زن در صف نماز

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي فِي زَاوِيَةِ الْحُجْرَةِ وَ امْرَأَتُهُ أَوْ ابْنَتُهُ تُصَلِّي بِجِدَاهُ فِي الزَّاوِيَةِ الْأُخْرَى فَقَالَ لَا يَتَّبِعِي لَهُ ذَلِكَ فَإِنْ كَانَ بَيْنَهُمَا شِبْرٌ أَجْزَأَهُ قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ وَ الْمَرْأَةِ يَتَرَامَلَانِ فِي الْمَحْمَلِ يُصَلِّيَانِ جَمِيعًا فَقَالَ لَا وَ لَكِنْ يُصَلِّي الرَّجُلُ فَإِذَا صَلَّى صَلَّتِ الْمَرْأَةُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر و یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما پرسیدم: مردی که در گوشه اتاق نماز می خواند و همسر یا دختر او نیز در گوشه دیگر اتاق، موازی او نماز می خواند چگونه است؟

فرمود: این کار برای او شایسته نیست. پس اگر میان آنها به اندازه یک وجب فاصله (در تقدم و تأخر) باشد، او را کفایت می کند.

محمد بن مسلم گوید: از حضرتش پرسیدم: مرد و زنی که در یک کجاوه می باشند، آیا می توانند با هم نماز بخوانند؟

فرمود: نه، ولی ابتدا مرد نماز خود را بخواند و چون تمام کرد، آنگاه زن نماز خود را به جای آورد.

ص: ۷۹

چنانکه مرحوم شیخ طبرسی در کتاب احتجاج از قاسم بن معاویه روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: اینان (مخالفین) درباره معراج حدیثی دارند که زمانی که رسول الله صلی الله علیه و آله را شبانه سیر دادند، ابوبکر صدیق بر عرش «لا اله الا الله، محمد رسول الله» را دید.

حضرت فرمود: همه چیز را تغییر داده اند حتی این را؟

گفتم: بلی.

حضرت فرمود: خداوند عزوجل زمانی که عرش را خلق کرد، بر روی آن «لا اله الا الله محمد رسول الله علی امیر المؤمنین» را نگاشت، سپس حضرت صلوات الله علیه کتابت این عبارت بر روی آب، کرسی، لوح، پیشانی اسرافیل، دو بال جبرئیل، و اطراف آسمان ها و زمین ها، و قله کوه ها، خورشید و ماه را ذکر کرد، سپس حضرت صلوات الله علیه فرمود: پس هر گاه یکی از شما «لا اله الا الله محمد رسول الله» گفت، باید علی امیر المؤمنین نیز بگوید.

۱۰۱- انجام یک نماز کامل توسط حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه

۱- الشیخ الصدوق، باسناده عن حماد بن عیسی أنه قال قال لی أبو عبد الله صلوات الله علیه يوماً تحسیناً أن تصلی یا حماد قال قلت یا سیدی أنا أخطئ کتاب حریر فی الصلاه قال فقال صلوات الله علیه لا علیک قم فصل قال فقامت بین یدیه متوجهاً إلى القبلة فاستفتح الصلاه و رکعت و سجدت فقال یا حماد لا تحسیناً أن تصلی ما أفتح بالرجل أن تأتي علیه ستون سنه أو سبعون سنه فما یقیم صیلمه واحده بحدودها تامه قال حماد فأصابنی فی نفسی الذل فقلت جعلت فداک فعلمنی الصلاه فقام أبو عبد الله صلوات الله علیه علیه مسد تقبل القبله منتصباً فأرسل یدیه جميعاً علی فخذیه قد ضم أصابعه و قرب بین قدمیه حتی کان بینهما ثلاث أصابع مفرجات فاستقبل بأصابع رجلیه جميعاً لم یحرّفهما عن القبله بخشوع و استیکانه فقال الله أكبر ثم قرأ الحمد بتزیل و قل هو الله أحد ثم صبر هنیئاً بصدور ما یتنفس و هو قائم ثم قال الله أكبر و هو قائم ثم رکع و ماعاً کفیه من ركبته مفرجات و رد ركبته إلى خلفه حتى استوی ظهره حتى لو صب علیه قطره ماء أو دهن لم تزل لاسیواء ظهره و رد ركبته إلى خلفه و نصب عنقه و غمض عینیه ثم سبج ثلاثاً بتزیل و قال سبحان ربی العظیم و بحمده ثم استوی قائماً فلما استمكن من القيام قال سمع الله لمن حمده ثم کبر و هو قائم

وَرَفَعَ يَدَيْهِ حَيْالَ وَجْهِهِ وَسَجَدَ وَوَضَعَ يَدَيْهِ إِلَى الْأَرْضِ قَبْلَ رُكْبَتَيْهِ فَقَالَ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَلَمْ يَضَعْ شَيْئًا مِنْ يَدَيْهِ عَلَى شَيْءٍ مِنْهُ وَسَجَدَ عَلَى ثَمَانِيَةِ أَعْظُمِ الْجَبْهَةِ وَالْكَفَّيْنِ وَعَيْنِي الرُّكْبَتَيْنِ وَأَنَامِلِ إِبْهَامِي الرَّجْلَيْنِ وَالْأَنْفِ فَهَذِهِ السَّبْعَةُ فَرَضٌ وَوَضَعَ الْأَنْفَ عَلَى الْأَرْضِ سِنَّةً وَهُوَ الْإِرْغَامُ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ فَلَمَّا اسْتَوَى جَالِسًا قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ ثُمَّ قَعَدَ عَلَى جَانِبِهِ الْأَيْسَرِ وَوَضَعَ ظَاهِرَ قَدَمِهِ الْيُمْنَى عَلَى بَاطِنِ قَدَمِهِ الْيُسْرَى وَقَالَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ ثُمَّ كَبَّرَ وَهُوَ جَالِسٌ وَسَجَدَ الثَّانِيَةَ وَقَالَ كَمَا قَالَ فِي الْأُولَى وَلَمْ يَسْتَعِنْ بِشَيْءٍ مِنْ بَدَنِهِ عَلَى شَيْءٍ مِنْهُ فِي رُكُوعٍ وَلَا سُجُودٍ وَكَانَ مُجَنَّبًا وَلَمْ يَضَعْ ذِرَاعَيْهِ عَلَى الْأَرْضِ فَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ عَلَى هَذَا ثُمَّ قَالَ يَا حَمَادُ هَكَذَا صَلِّ وَلَا تَلْتَفِتْ وَلَا تَعْبُثْ بِيَدَيْكَ وَأَصَابِعِكَ وَلَا تَبْرُقْ عَنْ يَمِينِكَ وَلَا يَسَارِكَ وَلَا يَبِينَنَّ يَدَيْكَ. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از حماد بن عیسی روایت کرده که گفت: روزی حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه به من فرمود: ای حماد! آیا نماز کردن میدانی؟

گوید: گفتم: ای سرورم من کتاب حریر را که درباره نماز نوشته است از حفظ دارم، گوید: آن حضرت فرمود: باکی نیست بر خیز و نماز بخوان تا ببینم.

راوی گوید: در برابر آن حضرت برخاستم و در حالیکه رو به قبله داشتم تکبیرها الاحرام گفتم و آغاز نماز کردم و رکوع و سجود به جا آوردم پس از اینکه آن حضرت نمازم را ملاحظه کرد، فرمود: ای حماد! تو نماز خواندن را نمیدانی، چقدر زشت است برای شخص که شصت یا هفتاد سال از سن او بگذرد و در عین حال یک نماز را با رعایت همه آداب و شرائط آن به جا نیاورده یا نتواند به جای آورد.

حماد گوید: از این سخن خواری و شرمساری بسیار به من دست داد، عرض کردم: فدایت کردم حال شما نماز را به من بیاموزید، پس حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه برخاست و رو به قبله ایستاد و قامت خود را راست گرفت و دست های خود را بطور کامل آویخت تا بر ران هایش قرار گرفت و بعد انگشتان دست را به هم چسبانید، و دو پای خود را نزدیک به هم گذاشت، تا به اندازه سه انگشت باز میان دو پا فاصله بود، آنگاه انگستان پاهایش را به تمامی متوجه قبله ساخت- و پاها را از قبله به چپ و راست منحرف نکرد- و این کارها را با حال خضوع و خشوع و تضرع انجام می داد، پس گفت: «الله اکبر» و «حمد» را با ترتیل

ص: ۸۲

خواند) یعنی شمرده و با تأمل در آشکار ساختن معانی کلمات و رعایت و وقوف و یا طبق اخبار دیگر به آواز خوش و صوت حزین) و به همین ترتیب «قل هو الله احد» را خواند، آنگاه در حالی که هنوز ایستاده بود به اندازه یک نفس کشیدن صبر کرد، و بعد گفت: «الله اکبر» و همچنان ایستاده بود، سپس به رکوع رفت و دست‌ها را چنان بر زانو گذاشت که گودی دو کف دست را با برجستگی زانو‌ها پر کرد، و انگشتانش گشوده بود، و زانو‌ها را با فشاری که بر آن وارد می‌ساخت به عقب می‌راند تا پشت آن حضرت صاف و مسطح شد، چندان که اگر قطره‌ای آب یا روغن بر پشت آن حضرت می‌ریختند از جای خود حرکت نمی‌کرد، به خاطر صاف بودن پشت آن حضرت، و مستقیم بودن زانو که به عقب رانده شده بود، و راست بودن گردنش و بسته بودن چشمانش (البته چون آن حضرت در حال رکوع بوده راوی به نظرش رسیده که چشم آن حضرت بسته است، در حالی که ایشان به میان دو پای خود می‌نگریسته) سپس سه بار با ترتیل و شمره تسبیح خداوند متعال فرموده و گفت: «سبحان ربی العظیم و بحمده» و بعد راست ایستاد، و چون کاملاً به حالت راست و صاف قرار گرفت گفت: «سمع الله لمن حمده» آنگاه در حالی که ایستاده بود، دست‌های خود را تا نزدیک صورت خویش بلند فرمود و همزمان با این حرکت گفت: «الله اکبر» و بعد به سجده رفت، و دست‌هایش را در مقابل زانویش بر زمین گذاشت و سه بار گفت: «سبحان ربی الاعلی و بحمده» و سجده را چنان به جا آورد که هیچ عضوی از اعضای خود را بر عضو دیگری تکیه نداده بود و هنگام سجده هشت استخوان را تکیه‌گاه ساخته یا این هشت موضع را بر زمین نهاده بود: پیشانی، دو کف دست، دو کاسه زانو، سرهای دو شست پا، و بینی، هفت موضع اول فرض و واجب است، و بینی بر خاک نهادن سنت است، و به این عمل که بینی را بر خاک بمالند ارغام گویند و مستحب است. سپس آن حضرت سر از سجده برداشت و وقتی راست نشست گفت: «الله اکبر» آنگاه بر جانب چپ خود نشست به این نحو که پشت پای راست خویش را درون پای چپ یا کف پای چپ قرار داد، و در این حال گفت: «استغفر الله ربی و اتوب الیه» و در همان حال که نشسته بود گفت: «الله اکبر» و به سجده دوم رفت، و همان افعال و اقوالی را که در سجده اول معمول داشته بود مجدداً به جای آورد، و در رکوع و سجود از هیچ جزئی یا عضوی از بدنش برای تکیه دادن یا نگهداشتن عضوی دیگر کمک نگرفت بلکه آرنج‌ها و بازو‌ها را از دو طرف شانه گشوده و بالاتر از زمین نگه داشته و بر زمین نگذاشته بود با حالتی همچون دو بال گشوده از هم، به این ترتیب آن حضرت دو رکعت نماز خواند، و بعد فرمود: ای حماد! این چنین نماز کن.

و هنگام نماز به این طرف و آن طرف نگاه نکن و روی نگران و با انگشتان و دست هایت بازی مکن و آنها را بی جهت حرکت مده، و آب دهان به راست و چپ خود و نه برابر خود مینداز.

توضیح: از آنجایی که کتاب حریز، کتابیست معتمد و صحیح، عمل نمودن به آن کتاب بدون شک درست است. اما اینکه جناب حماد بخاطر عملکرد خویش توسط حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه مورد سرزنش قرار گرفته، ظاهراً جناب حماد واجبات نماز را به جا آورده باشد و به سبب ترک مستحبات حضرت او را تادیب فرموده باشند. و می توان گفت که از قرائن و شواهد در گفتار حضرت هویداست که مذمت های حضرت مخاطبش جناب حماد نبوده بلکه کسانی بوده که در آنجا حضور داشته اند، و ممکن است این مذمت مخاطبش مخالفین بوده باشند؛ زیرا آنان اگر هفتاد یا هشتاد سال بلکه تا آخر عمر خویش نمازی را که از غیر اهل بیت صلوات الله علیهم اخذ کرده و می خوانند مورد قبول خداوند متعال نخواهد بود.

۱۰۲- تعلیم نماز توسط امام صادق صلوات الله علیه

۱- الشيخ الصدوق، قال: وَقَالَ الصَّادِقُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أُقَدِّمُ إِلَيْكَ مُحَمَّدًا بَيْنَ يَدَيْ حَاجَتِي وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهِ فَاجْعَلْنِي بِهِ وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ وَ اجْعَلْ صِيْلَمَاتِي بِهِ مَقْبُولَةً وَ ذَنْبِي بِهِ مَغْفُوراً وَ دَعَائِي بِهِ مُسْتَجَاباً إِنَّكَ أَنْتَ الْغُفُورُ الرَّحِيمُ فَإِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَلَمَّا تَأْتِ بِهَا شَبَعاً وَ لَا مُتَكاسِماً وَ لَا مُتَنَاعِساً وَ لَا مُسْتَعْجِلاً وَ لَكِنْ عَلَى سُكُونٍ وَ وَقَارٍ فَإِذَا دَخَلْتَ فِي صِيْلَمَاتِكَ فَعَلَيْكَ بِالتَّخَشُّعِ وَ الْقِبَالِ عَلَى صِيْلَمَاتِكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ الَّذِينَ هُمْ فِي صِيْلَمَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَ يَقُولُ وَ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ وَ اسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ بِوَجْهِكَ وَ لَا تَقْلَبْ وَجْهَكَ عَنِ الْقِبْلَةِ فَتَفْسِدَ صِيْلَمَاتَكَ وَ قُمْ مُنْتَصِباً فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالِ مَنْ لَمْ يَقُمْ صِيْلَمَةً فَلَمَّا صِيْلَمَ لَهُ وَ اخْشَعْ بِبَصِيرِكَ وَ لَمَّا تَرَفَعَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ لِيَكُنْ نَظْرَكَ إِلَى مَوْضِعِ سُجُودِكَ وَ اسْغُلْ قَلْبَكَ بِصِيْلَمَاتِكَ فَإِنَّهُ لَا يَقْبَلُ مِنْ صِيْلَمَاتِكَ إِلَّا مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ مِنْهَا بِقَلْبِكَ حَتَّى أَنَّهُ رَبَّمَا قَبِلَ مِنْ صِيْلَمَةِ الْعَبْدِ رَبُّعَهَا أَوْ ثُلُثَهَا أَوْ نِصْفُهَا وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَتِمُّهَا لِلْمُؤْمِنِينَ بِالنَّوَافِلِ وَ لِيَكُنْ قِيَامُكَ فِي الصَّلَاةِ قِيَامَ الْعَبْدِ الدَّلِيلِ بَيْنَ يَدَيْ الْمَلِكِ الْجَلِيلِ، وَ اعْلَمْ أَنَّكَ بَيْنَ يَدَيْ مَنْ يَرَاكَ وَ لَا تَرَاهُ وَ صَلَّى صِيْلَمَةً مُودِعَ كَأَنَّكَ لَا تُصِيْلَمِي بِعِيدِهَا أَيْدِئاً وَ لَا تَعْبَثُ بِإِصْبَعِكَ وَ لَا بِرَأْسِكَ وَ لَا بِيَدَيْكَ وَ لَا تُفَرِّقْ أَصَابِعَكَ وَ لَا تُصَدِّمُ رِجْلاً عَلَى رِجْلِ وَ زَاوِجَ بَيْنَ قَدَمَيْكَ وَ اجْعَلْ بَيْنَهُمَا قَدْرَ ثَلَاثِ أَصَابِعَ

إِلَى شَيْبٍ وَلَا تَتَمَطَّأَ وَلَا تَتَنَاءَبَ وَلَا تَضْحَكُ فَإِنَّ الْقَهْقَههَ تَقَطُّعُ الصَّلَاةِ وَلَا تَتَوَرَّكَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ عَدَّبَ قَوْمًا عَلَى التَّوَرُّكِ كَمَا أَنْ أَحَدُهُمْ يَضَعُ يَدَيْهِ عَلَى وَرَكَيْهِ مِنْ مَلَاةِ الصَّلَاةِ وَلَا مَا تُكْفَرُ فَإِنَّمَا يَصْنَعُ ذَلِكَ الْمُجُوسُ وَأَرْسَلُ يَدَيْكَ وَضَعُهُمَا عَلَى فَحْدَيْكَ فَيَا لَهْ رُكْبَتَيْكَ فَإِنَّهُ أُخْرَى أَنْ تَهْتَمَّ بِصِلَاتِكَ وَلَا تَشْغَلْ عَنْهَا نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِذَا حَرَّكَتَهَا كَانَ ذَلِكَ يُلْهِيكَ وَلَا تَسْتَبْدُ إِلَى جِدَارٍ إِلَّا أَنْ تَكُونَ مَرِيضًا وَلَا تَلْتَفِتْ عَنْ يَمِينِكَ وَلَا عَنْ يَسَارِكَ فَإِنَّ التَّفَتَّ حَتَّى تَرَى مِنْ خَلْفِكَ فَقَدْ وَجَبَ عَلَيْكَ إِعَادَةُ الصَّلَاةِ. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، گوید: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هنگامی که به نماز برخواستی (ظاهراً پس از اقامه) این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُقَدِّمُ إِلَيْكَ مُحَمَّداً بَيْنَ يَدَيِ حَاجَتِي وَآتُوْجُهُ إِلَيْكَ بِهِ فَاجْعَلْنِي بِهِ وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ وَاجْعَلْ صَلَاتِي بِهِ مَقْبُولَةً وَذَنْبِي بِهِ مَغْفُوراً وَدُعَائِي بِهِ مُسْتَجَاباً إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ».

و چون خواهی نماز کنی با حال سیری شکم به نماز نپرداز، و همچنین از روی کسالت و تنبلی و خواب آلوده یا به حالت چرت زدن نماز مکن، و نیز با شتاب نماز مگذار، بلکه با آرامش و سنگینی و وقار نماز بخوان، و چون داخل در نماز شدی بر توباد که با خشوع باشی، و با حضور قلب به نماز متوجه باشی که خداوند عزوجل می فرماید: {به تحقیق آن مؤمنانی رستگارند که در نماز خویش خاشع و فروتن اند} و باز می فرماید: {همواره با روزه و نماز از خدا یاری طلبید، آنگاه به دنبال آن، آیه ای را که گذشت می فرماید: و این کار بسیار گران و دشوار است مگر بر خدا پرستانی که فروتن و خاشع هستند} و روی خود را به سوی قبله کن، و صورتت را از قبله به جانب دیگر مگردان که با این کار نمازت را باطل سازی، و راست بایست که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که پشت خود را صاف و راست نمی گیرد نمازش صحیح نیست. و چشم خود را به زیر انداز، و چشمت را به جانب آسمان مکن و به طور کلی نگاهت را بالا نگیر، بلکه باید نگاهت به محل سجده ات متوجه باشد.

و دل خود را به نمازت مشغول دار، که از نمازت جز آن مقدار که با حضور قلب بوده و با دل خود بدان پرداخته ای چیز دیگری مقبول نیست، تا جاییکه گاه از نماز بنده ای فقط ربع آن یا ثلث آن و یا نصف آن پذیرفته می شود، لکن خداوند عزوجل با نوافل نماز مؤمنان را بدرجه تمام می رساند، و در حال نماز باید چنان

ص: ۸۵

بایستی که بنده ذلیل و بی قدری در برابر پادشاهی با فر و شکوه می ایستد، و بدان که در حال نماز در برابر کسی ایستاده ای که تو را می بیند ولی تو او را نمی بینی.

و همچون کسی نماز کن که در حال وداع است، گویا این آخرین نماز تو است و پس از آن هرگز امکان خواندن نماز نخواهی یافت، و هنگام نماز با محاسن و سر و دستانت بازی مکن و انگشتانت را مشکن و یک پای خود را جلوتر از پای دیگر مگذار، و فاصله میان دو پا را نزدیک کن و گشوده مگذار بلکه فاصله میان دو پا را به اندازه سه انگشت تا یک وجب از یکدیگر باز بگذار، و خمیازه نکش، و دهان دره مکن و از خندیدن در هنگام نماز خودداری کن که بلند خندیدن یا قهقهه نماز را باطل سازد، و نیز تورک مکن که خداوند عزوجل قومی را بخاطر همین عمل معذب ساخت، و آنان را مرسوم بود که هرگاه کسی از نماز خسته می شد دستان خود را بر بالای ران هایش تکیه میداد، و دست بسته یا دست به سینه (چنانکه معمول جماعت مخالفین است) نماز مکن، که این کار را گبران یا مجوس انجام می دهند، و دست های خود را از شانه بیاویز، و کف دو دست را بر روی ران هایت از جلو و امتداد زانوانت قرار ده که با این کار به نحو شایسته تر میتوانی به نماز اهتمام داشته باشی، و خاطرت از نماز بدان مشغول نشود، که هرگاه دست هایت را حرکت دهی خاطر تو را به خود سرگرم می دارد.

و به دیوار تکیه نکن مگر آنکه بیمار باشی و روی به جانب راست و چپ خود مکن، و اگر در موقع نماز روی خود را از قبله بگردانی تا حدی که نفر پست سر خود را ببینی اعاده آن نماز بر تو واجب است.

۱۰۳- آغاز نماز حد تکبیر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: تَرَفُّعُ يَدَيْكَ فِي افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ قُبَالَةَ وَجْهِكَ وَ لَا تَرْفَعُهُمَا كُلَّ ذَلِكَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر و یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما فرمود: هنگام شروع نماز، دست های خود را تا رو به روی چهره خود بالا ببر و آنها را از برابر رویت بالاتر مبر.

ص: ۸۶

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: التَّكْبِيرُ فِي صَلَاةِ الْفَرُضِ الْخَمْسِ الصَّلَوَاتِ خَمْسٌ وَتِسْعُونَ تَكْبِيرَةً مِنْهَا تَكْبِيرَاتُ الْقُنُوتِ خَمْسَةٌ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: تکبیر در نماز واجب- نماز های یومیه- نود و پنج تکبیر است که پنج تکبیر از آنها تکبیرهای قنوت های پنج گانه است.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةَ وَفَسْرَهُنَّ فِي الظُّهْرِ إِحْدَى وَعِشْرِينَ تَكْبِيرَةً وَفِي الْعَصْرِ إِحْدَى وَعِشْرِينَ تَكْبِيرَةً وَفِي الْمَغْرَبِ سِتَّةَ عَشْرَةَ تَكْبِيرَةً وَفِي الْعِشَاءِ الْأَخْرَى إِحْدَى وَعِشْرِينَ تَكْبِيرَةً وَفِي الْفَجْرِ إِحْدَى عَشْرَةَ تَكْبِيرَةً وَخَمْسَ تَكْبِيرَاتِ الْقُنُوتِ فِي خَمْسِ صَلَوَاتٍ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عبد الله بن مغیره روایت کرده که گفت: حضرتش تکبیرها را چنین تفسیر کرده است: در نماز ظهر بیست و یک تکبیر، در نماز عصر بیست و یک تکبیر، در نماز مغرب شانزده تکبیر، در نماز عشا بیست و یک تکبیر، و در نماز صبح یازده تکبیر، و پنج تکبیر در قنوت نمازهای پنج گانه.

۱۰۴- قرائت در نماز

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا قُمْتُ لِلصَّلَاةِ أَقْرَأُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي فَاتِحَةِ الْقُرْآنِ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ فَإِذَا قَرَأْتُ فَاتِحَةَ الْقُرْآنِ أَقْرَأُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَعَ السُّورَةِ قَالَ نَعَمْ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: هرگاه برای نماز برخواستم، «بسم الله الرحمن الرحيم» را در سوره حمد بخوانم؟

فرمود: آری.

ص: ۸۷

۱- . الكافي ج ۳ ص ۳۱۰ ح ۵.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۳۱۰ ح ۶.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۳۱۳ ح ۱.

عرض کردم: چون حمد را خواندم، آیا با سوره نیز «بسم الله الرحمن الرحيم» را بخوانم؟

فرمود: آری.

۲- الشيخ الصدوق، قال: قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه: فَإِذَا كَبَّرْتَ تَكْبِيرَةَ الْإِفْتِيحِ فَاقْرَأِ الْحَمْدَ لِلَّهِ وَ سُورَةَ مَعَهَا مُوسِعَ عَلَيْكَ أَيَّ السُّورِ قَرَأْتَ فِي فَرَائِضِكَ إِلَّا أَرْبَعَ سُورٍ وَ هِيَ سُورَةُ وَ الضُّحَى وَ أَلَمْ نَشْرَحْ لَأَنَّهْمَا جَمِيعاً سُورَةٌ وَاحِدَةٌ وَ لِإِيلَافٍ وَ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ لَأَنَّهْمَا جَمِيعاً سُورَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِنْ قَرَأْتَهُمَا كَانَ قِرَاءَةُ الضُّحَى وَ أَلَمْ نَشْرَحْ فِي رُكْعَةٍ وَاحِدَةٍ وَ لِإِيلَافٍ وَ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فِي رُكْعَةٍ وَ لَا تَنْفَرِدُ بِوَاحِدَةٍ مِنْ هَذِهِ الْأَرْبَعِ السُّورِ فِي رُكْعَةٍ فَرِيضَةٍ وَ لَا تَقْرَنَنَّ بَيْنَ سُورَتَيْنِ فِي فَرِيضَةٍ. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، گوید: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: و چون تکبیرها الاحرام که تکبیر افتتاح است گفتمی و به نماز آغاز کردی پس سوره حمد را با یک سوره دیگر بخوان، و هر سوره ای را که بخواهی میتوانی بخوانی و در انتخاب دست باز است مگر چهار سوره که عبارت اند از سوره «والضحی» و سوره «الم نشرح» که این دو یک سوره محسوب است، و نیز سوره «لایلاف» و «الم ترکیف» (یعنی سوره فیل) که نیز این دو یک سوره به حساب می آید، و اگر بخواهی که آنها را بخوانی و سوره والضحی و الم نشرح را در یک رکعت می خوانی، و الم ترکیف و لایلاف را نیز در رکعت دیگر، و هیچ گاه یکی از این سوره های چهارگانه را بدون قرینش در یک رکعت از نمازهای واجب خویش بخوان، و هرگز در نمازهای واجب میان دو سوره قران مکن (یعنی دو سوره غیر از آنکه گفته شد با هم در یک نماز بخوان).

توضیح: این حدیث طولانی است، بنده فقط محل مورد نظر را از آن نقل کرده ام.

۳- الشيخ الصدوق، یاسناده عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الصَّائِعِ عَنْ عَمِّهِ قَمَالَ: خَرَجْتُ مَعَ الرِّضَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ إِلَى خُرَّاسَانَ فَمَا زَادَ فِي الْفَرَائِضِ عَلَى الْحَمْدِ وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي الْأُولَى وَ الْحَمْدِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فِي الثَّانِيَةِ. (۲)

ص: ۸۸

۱- الفقيه ج ۱ ص ۲۰۰ ح ۹۲۲.

۲- عیون الأخبار الرضا (ع) ج ۲ ص ۲۰۶. بحار الأنوار ج ۸۲ ص ۳۴ ح ۲۴.

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از ابوالحسن صائغ از عمویش روایت کرده که گفت: با حضرت امام رضا صلوات الله علیه به سمت خراسان حرکت کردم. حضرت در نمازهای واجب در رکعت اول فقط حمد و سوره انا انزلناه و در رکعت دوم فقط حمد و قل هو الله احد را می خواند.

۱۰۵- قرائت و تسبیح در دو رکعت آخر نماز

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمار قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن القراءة خلف الإمام في الركعتين الأخيرتين فقال الإمام يقرأ فاتحة الكتاب و من خلفه يسبح فإذا كنت وحدك فأقرأ فيهما وإن شئت فسبح. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله در مورد قرائت پشت سر امام جماعت در دو رکعت آخر پرسیدم.

فرمود: باید امام جماعت سوره حمد را بخواند و کسی که پشت سر اوست، تسبیح بگوید، اما اگر تنها و فردا نماز بخوانی، در آن دو رکعت حمد را بخوان و اگر خواستی تسبیح (سبحان الله والحمد لله و لا اله الا الله والله اكبر) بگو.

۲- الشيخ الطبرسي في الاحتجاج عن محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري عن صاحب الزمان صلوات الله عليه و عجل الله تعالى فرجه الشريف أنه كتب إليه يسأله عن الركعتين الأخيرتين قد كثرت فيهما الروايات فبعض يرى أن قراءة الحمد وحدها أفضل و بعض يرى أن التسبيح فيهما أفضل فالفضل لأيهما لنستعمله فأجاب صلوات الله عليه قد نسيحت قراءة أم الكتاب - في هاتين الركعتين التسبيح و الذي نسخ التسبيح قول العالم صلوات الله عليه كل صلاه لا قراءة فيها فهي خداج إلا للعليل أو من يكثر عليه السهو فيتخوف بطلان الصلاه عليه. (۲)

مرحوم شیخ طبرسی، در کتاب احتجاج از محمد بن عبد الله حمیری نقل میکنند که گفت: هنگامی که از آقا صاحب الزمان صلوات الله علیه و عجل الله تعالى فرجه الشريف در خصوص دو رکعت آخر نماز سؤال کردم که به تحقیق روایات در باره دو رکعت آخر نماز بسیار زیاد شده، یکی گوید: خواندن تنها سوره حمد افضل

ص: ۸۹

۱- . الكافي ج ۳ ص ۳۱۹ ح ۱.

۲- . الإحتجاج (للطبرسي) ج ۲ ص ۳۱۳ ح ۳۵۷. وسائل الشيعة ج ۶ ص ۱۲۶.

است، و دیگری گوید: گفتن تسبیح افضل است، حال فضیلت از آن کدامیک از آن دو است تا ما همان کنیم؟

حضرت در پاسخ فرمود: قرائت سوره حمد در این دو رکعت خواندن تسبیح را نسخ نموده، و مسأله نسخ تسبیح؛ روایتی است از عالم صلوات الله علیه که فرموده: هر نماز بدون قرائت حمد ناقص است مگر برای فرد علیل، یا کثیر السهو که بیم باطل شدن نماز را دارد.

۱۰۶- جهر و اخفات در نمازها

۱- الشیخ الصدوق، یاسناده عَنْ رَجَاءِ بْنِ أَبِي الصَّحَّاحِ: أَنَّ الرَّضَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي طَرِيقِ خُرَّاسَانَ كَانَ يَجْهَرُ بِالْقِرَاءَةِ فِي الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ وَصَلَاةِ اللَّيْلِ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَيُخْفِي الْقِرَاءَةَ فِي الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ وَكَانَ يَجْهَرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي جَمِيعِ صَلَوَاتِهِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از رجاء ابن ابی ضحاک روایت کرده که گفت: وقتی حضرت امام رضا صلوات الله علیه به خراسان می آمد، قرائت نماز مغرب و عشا و نماز شب و وتر را جهر و قرائت نماز ظهر و عصر را آهسته می خواند ولی «بسم الله الرحمن الرحيم» را در تمامی نمازهای شب و روز بلند می گفت.

توضیح: جهر به صدای بلند می گویند و اخفات به صدای آهسته ای می گویند که شنیدنش برای خود شخص نیز سخت باشد. اما در نماز، جهر خواندن یعنی صدا را متوسط بلند کردن گویند، و به اخفات نیز حدی را گفته که نماز گزار صدای کلماتی که می خواند را بشنود.

۲- الشیخ عبد الله بن جعفر الحمیری، یاسناده عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ تَوُمُّ النِّسَاءِ مَا حَدُّ رَفَعِ صَوْتِهَا بِالْقِرَاءَةِ قَالَ بِقَدْرِ مَا تَسْمَعُ قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ النِّسَاءِ هَلْ عَلَيْنَهُنَّ جَهْرٌ بِالْقِرَاءَةِ قَالَ لَا إِلَّا أَنْ تَكُونَ امْرَأَةً تَوُمُّ النِّسَاءَ فَتَجْهَرُ بِقَدْرِ مَا تَسْمَعُ قِرَاءَتَهَا.

قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ هَلْ يَصِلُحُ لَهُ أَنْ يَجْهَرَ بِالتَّشَهُدِ وَالْقَوْلِ فِي الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ وَ الْقُنُوتِ قَالَ إِنْ شَاءَ جَهَرَ وَ إِنْ شَاءَ لَمْ يَجْهَرَ. (۲)

ص: ۹۰

۱- . عيون الأخبار الرضا (ع) ج ۲ ص ۱۸۲. بحار الأنوار ج ۸۲ ص ۷۵ ح ۱۵.

۲- . قرب الأسناد ص ۱۰۰. بحار الأنوار ج ۸۲ ص ۸۳ ح ۲۶.

مرحوم شیخ عبدالله بن جعفر حمیری، با سند خویش از علی ابن جعفر روایت کرده که گفت: از برادرم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه پرسیدم، وقتی زنی امام جماعت زنان شود چه اندازه می تواند صدایش را بالا ببرد؟ فرمود: به اندازه ای که شنیده شود.

باز پرسیدم: آیا واجب است زنان قرائت را جهری بخوانند؟

فرمود: نه ولی در صورتی که زنان به او اقتدا کرده باشند، صدایش را به اندازه ای بلند کند که شنیده شود.

۱۰۷- قنوت نماز

۱- الشيخ الصدوق، بإسناده عن الفضل بن شاذان فيما كتبت الرضا صلوات الله عليه للمؤمنين من شرائع الدين قال صلوات الله عليه: والقنوت سنة واجبه في الغداة والظهر والعصر والمغرب والعشاء الآخرة. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از فضل بن شاذان روایت کرده که گفت: حضرت امام رضا صلوات الله علیه در نامه ای به مأمون در مورد احکام دین نوشت: قنوت در نماز صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشاء آخری، سنت واجب است.

۲- الشيخ الصدوق، بإسناده عن محمد بن إسماعيل بن بزيع بإسناده يرفع الحديث إلى أبي جعفر صلوات الله عليه فقال: سبعه مواطن ليس فيها دعاء موقت الصلاة على الجنائز والقنوت والمستجار والصفاء والمروة والوقوف بعرفات وركعتا الطواف. (۲)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از محمد بن اسماعیل بن بزیع از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: در هفت مورد، دعای معینی ندارد: نماز میت، قنوت، مستجار، صفا، مروه، وقوف در عرفات، دو رکعت نماز طواف.

توضیح: همانطوری که در روایات آمده که در قنوت دعای خاصی نیست، لذا چنانکه معمول و معروف است دعاها را در قنوت نمازها می توان خواند:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

ص: ۹۱

۱- عيون الأخبار الرضا (ع) ج ۲ ص ۱۲۳. بحار الأنوار ج ۸۲ ص ۱۹۷ ح ۲.

۲- الحضال ج ۲ ص ۱۰. بحار الأنوار ج ۸۲ ص ۱۹۹ ح ۸.

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّهَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا».

«اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم و العن اعدائهم».

۱۰۸- ذکر رکوع و سجود

۱- الشيخ الصدوق، قال: قَالَ الصَّادِقُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: سَبَّحَ فِي رُكُوعِكَ ثَلَاثًا تَقُولُ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ فِي السُّجُودِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمَّا أَنْزَلَ عَلَى نَبِيِّهِ فَسَبَّحَ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اجْعَلُوهَا فِي رُكُوعِكُمْ فَلَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى قَالَ اجْعَلُوهَا فِي سُجُودِكُمْ فَإِنْ قُلْتَ سُبْحَانَ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ أَجْزَأُكَ وَ تَشْيِخُهُ وَاحِدَةٌ تُجْزِي لِلْمُعْتَلِّ وَ الْمَرِيضِ وَ الْمُسْتَعْجِلِ. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، گوید: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: در رکوعت سه مرتبه با این ذکر تسبیح بگو: «سبحان ربی العظیم و بحمده» و در سجده سه مرتبه «سبحان ربی الاعلی و بحمده»، چرا که وقتی آیه «فسبح باسم ربك العظيم» نازل شد، رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: این را در رکوعتان بخوانید و وقتی آیه «سبح اسم ربك الاعلی» نازل شد، حضرت فرمود: این را در سجودتان بخوانید و اگر به جای آن بگویید: «سبحان الله سبحان الله سبحان الله» کافی است و کسی که عللی دارد مثل - فلج - و مریض و کسی که عجله دارد، اگر یک بار بگوید کافی است.

۲- الشيخ الصدوق، بإسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: مَنْ قَالَ فِي رُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ وَ قِيَامِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ - كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ بِمِثْلِ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ وَ الْقِيَامِ. (۲)

ص: ۹۲

۱- الهدایه (للصدوق) ص ۳۲. بحار الأنوار ج ۸۲ ص ۱۱۶ ح ۲۳.

۲- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ص ۳۱.

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از محمد بن ابی حمزه از پدرش روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: هر کس در رکوع و سجود و قیامش این ذکر را بگوید «اللهم صل علی محمد و آل محمد» خداوند این ذکر را مثل رکوع و سجود و قیام حساب می کند.

۱۰۹- هرگاه از دو رکعت تمام شده برخاستی

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بكر الحضرمي قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه إذا قُمت من الركعة فاعتمد على كفيك وقل: «بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ» فَإِنَّ عَلِيًّا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَانَ يَفْعَلُ ذَلِكَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابوبکر حضرمی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه از رکعتی که تمام شده برخاستی به دو کف دست خود تکیه کن و بر خیز و بگو: «بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ» زیرا علی صلوات الله علیه این چنین می کرد.

۱۱۰- تشهد نماز

۱- الشيخ الطوسي، بإسناده عن عبد الملك بن عمرو الأحول عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: التَّشَهُدُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَ ارْزُقْ دَرَجَتَهُ. (۲)

مرحوم شیخ طوسی، با سند خویش از عبدالملک بن عمرو احوال از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: تشهد در دو رکعت اول (این چنین) است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَ ارْزُقْ دَرَجَتَهُ»

توضیح: تشهد در رکعت دوم هر نمازی بعد از سجده دومی در حال نشسته خوانده می شود.

ص: ۹۳

۱- . الكافي ج ۳ ص ۳۳۸ ح ۱۰.

۲- . التهذيب ج ۲ ص ۹۲ ح ۳۴۴.

۱- و رواه الشيخ النعمان بن محمد، بإسناده عن جعفر بن محمد صلوات الله عليه أنه قال: وَمَنْ سَبَّهَا عَنِ التَّسْلِيمِ أَجْزَأُهَا تَسْلِيمُ التَّشْهُدِ إِذَا قَالَ السَّلَامَ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. (۱)

مرحوم شیخ نعمان بن محمد، با سند خویش از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که حضرت فرمودند: و هر کس سلام را سهواً نگفت، همان سلام تشهد کفایت از آن می کند، زیرا گفته است: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. [که در حقیقت، سلام نماز عبارت از: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ] است.

۲- و رواه الشيخ النعمان بن محمد، بإسناده عن جعفر بن محمد صلوات الله عليه قال: فَإِذَا قَضَيْتَ التَّشْهُدَ فَسَلِّمْ عَنْ يَمِينِكَ وَ عَنْ شِمَالِكَ تَقُولُ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. (۲)

مرحوم شیخ نعمان بن محمد، با سند خویش از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که حضرت فرمودند: هر گاه تشهد را خواندی، به سمت راست و چپ سلام بده و بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

توضیح: اصل سلام در نماز، السلام علیکم و رحمة الله و برکاته است که با گفتن آن عملاً نماز ختم می گردد چنانکه در حدیث اول و دوم و احادیث زیادی به این مطلب تصریح شده است. اما بقیه سلام ها را نیز سنت است که گفته شوند.

همچنین باید گفت که سلام نماز بصورت های طولانی نیز نقل شده که بنده موارد مختصر آن را نقل کرده ام.

لازم است بدانیم که در تشهد و سلام نماز، بصورت اجمالی می توان از اهل بیت صلوات الله علیهم ذکر کرد چنانکه مرحوم مجلسی اول از ابو بصیر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه نقل کرده که در تشهد چنین می فرمود:

ص: ۹۴

۱- . دعائم الإسلام ج ۱ ص ۱۸۸. مستدرک الوسائل ج ۵ ص ۲۳ ح ۵۲۷۱.

۲- . دعائم الإسلام ج ۱ ص ۱۶۵.

بِسْمِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ كُلِّهَا لِلَّهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا بَيْنَ يَدَيْ السَّاعَةِ وَأَشْهَدُ أَنَّ رَبِّي نَعَمَ الرَّبُّ وَأَنَّ مُحَمَّدًا نَعَمَ الرَّسُولُ وَأَنَّ عَلِيًّا نَعَمَ الْوَصِيَّ وَنَعَمَ الْإِمَامَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (۱)

و همچنین مرحوم محدث نوری رضوان الله عليه از کتاب فقه الرضا صلوات الله عليه روایت کرده که حضرت امام رضا صلوات الله عليه (در مورد سلام نماز) فرمودند (که بعد از تشهد چنین بخوانید):

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ،
(السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ). (۲)

و همچنین مرحوم شیخ طوسی، و مرحوم شیخ صدوق رضوان الله تعالی علیهما از معصومین صلوات الله علیهم روایت کرده که در سلام نماز چنین می توان خواند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أئِمَّةِ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. (۳)

این چند نمونه از روایاتی بود که در ذکر اهل بیت صلوات الله علیهم به هنگام تشهد و سلام نماز، نقل گردید که البته روایات در این زمینه زیاد است.

۱۱۲- چیزهای که می توان بر آنها سجده کرد و چیزهایی که سجده بر آنها نباید کرد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَا تَسْجُدُ إِلَّا عَلَى الْأَرْضِ
أَوْ مَا أُتْبِتَتِ الْأَرْضُ إِلَّا الْقُطْنَ وَ الْكُتَانَ. (۴)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از فضل بن عبدالم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: فقط بر زمین یا بر چیزی که از زمین رویده است - جز پنبه و کتان - سجده نکن.

ص: ۹۵

۱- . یک دوره فقه کامل ص ۶۳.

۲- . فقه الرضا (ع) ص ۸. مستدرک الوسائل ج ۵ ص ۲۲ ح ۵۲۶۸.

۳- . مصباح المتعجد ص ۵۰. المقنع ص ۲۹. جامع الأحادیث شیعه ج ۵ ص ۳۳۱ ح ۸.

۴- . الکافی ج ۳ ص ۳۳۰ ح ۱.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَسْجُدُ عَلَى الزُّفْتِ يَغْنِي الْقَبِيرَ فَقَالَ لَا وَ لَا عَلَى الثُّوبِ الْكُرْسُفِ وَ لَا عَلَى الصُّوفِ وَ لَا عَلَى شَيْءٍ مِنَ الْحَيَوَانِ وَ لَا عَلَى طَعَامٍ وَ لَا عَلَى شَيْءٍ مِنَ ثِمَارِ الْأَرْضِ وَ لَا عَلَى شَيْءٍ مِنَ الرِّيَاشِ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: به حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه عرض کردم: آیا می توانم به قبر سجده کنم؟

فرمود: نه، و بر لباس پنبه ای و پشمی، بر چیزی از حیوان، بر خوراکی، بر چیزی از میوه های زمین و بر لباس های فاخر و زینتی نمی توان سجده کرد.

۳- الشيخ الطوسي، بإسناده مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: كَانَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ خَرِيطَةٌ دِيْبَاجٍ صَفْرَاءُ فِيهَا تُرْبَةُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَكَانَ إِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ صَبَّهَ عَلَيْهِ عَلَى سَيْجَادَتِهِ وَ سَجَدَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ السُّجُودُ عَلَى تُرْبَةِ الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَخْرِقُ الْحُجْبَ السَّيِّئَ. (۲)

مرحوم شيخ طوسي، با سند خویش از معاویه ابن عمار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه کیسه ای داشت که در آن تربت حضرت امام حسین صلوات الله عليه بود، وقتی می خواست نماز بخواند آن را بر روی سجاده خود قرار می داد و بر آن سجده می کرد و می فرمود: سجده بر تربت حضرت امام حسین صلوات الله عليه، هفت حجاب را از میان بر می دارد و کنار می زند.

۱۱۳- تفاوت های مردان و زنان در نماز

۱- الشيخ الصدوق، بإسناده جَابِرُ بْنُ يَزِيدَ الْجُعْفِيُّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا يَقُولُ لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ أَذَانٌ وَ لَمَّا إِقَامَةٌ وَ لَا جُمُعَةٌ وَ لَا جَمَاعَةٌ- وَ تَبْدَأُ فِي الْوُضُوءِ بِبَاطِنِ الذَّرَاعِ وَ الرَّجْلِ بِظَاهِرِهِ- فَإِذَا قَامَتْ فِي صِيْلَاتِهَا ضَمَّتْ رِجْلَيْهَا وَ وَضَعَتْ يَدَيْهَا عَلَى صَدْرِهَا وَ تَضَعُ يَدَيْهَا فِي رُكُوعِهَا عَلَى فِخْذَيْهَا وَ [تجلس] إِذَا أَرَادَتْ السُّجُودَ سَجَدَتْ لِأُطْنَةِ الْأَرْضِ وَ إِذَا رَفَعَتْ رَأْسَهَا مِنَ السُّجُودِ جَلَسَتْ ثُمَّ نَهَضَتْ إِلَى الْقِيَامِ وَ إِذَا قَعَدَتْ لِلتَّشَهُدِ رَفَعَتْ رِجْلَيْهَا وَ ضَمَّتْ فِخْذَيْهَا- وَ إِذَا سَبَّحَتْ عَقَدَتْ الْأَنَامِلَ لِأَنَّهُنَّ

ص: ۹۶

۱- . الكافي ج ۳ ص ۳۳۰ ح ۲.

۲- . المصباح المتجهد ص ۵۱۱.

مَسْمُؤَلَاتٌ - وَإِذَا أَرَادَتِ الْمَرْأَةُ الْحَاجَةَ وَهِيَ فِي صَلَاتِهَا صَفَقَتْ يَدَيْهَا وَالرَّجُلُ يُومِئُ بِرَأْسِهِ وَهُوَ فِي صَلَاتِهِ وَ يُشِيرُ بِيَدِهِ وَ يُسَبِّحُ
 وَ لَمَّا يَجُوزُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُصَلِّيَ بِغَيْرِ خِمَارٍ إِلَّا أَنْ تَكُونَ أُمَّهَ فَإِنَّهَا تُصَلِّيُ بِغَيْرِ خِمَارٍ مَكْشُوفَةَ الرَّأْسِ - وَإِذَا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ وَخِذَهَا مَعَ
 الرَّجُلِ قَامَتْ خَلْفَهُ وَ لَمْ تَقُمْ بِجَنْبِهِ. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از جابر بن یزید جعفی روایت کرده که گفت: شنیدم حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه می فرمود: اذان و اقامه و جمعه و جماعت بر عهده زنان (واجب) نیست - تا آنجا که فرمود: و در وضو به باطن و درون ساعدش آغاز می کند و مرد به ظاهر و روی ساعدش - و هنگامی که زن به نماز ایستاد، دو پایش را به هم می چسباند و دو دستش را بر روی سینه اش می گذارد و در رکوع دستان خود را بر روی دو رانش قرار می دهد - و وقتی خواست به سجده رود، ابتدا می نشیند و چسبیده به زمین سجده می کند و هنگامی که سرش را از سجده (دوم) برداشت، می نشیند و سپس برای قیام بر می خیزد - و هنگامی که برای تشهد نشست، دو پایش را بلند می کند و دو رانش را به هم می چسباند - و هنگامی که خواست تسبیح بگوید، با انگشتانش آنها را شمارش می کند چرا که انگشتان مورد سؤال واقع می شوند - و هنگامی که زن در حال نماز کاری داشت، دو دستش را به هم می زند ولی مرد اگر در حال نماز کاری داشت با سرش اشاره می کند و با دستش اشاره می کند و سبحان الله می گوید - و برای زن جائز نیست که بدون سرپوش نماز بخواند مگر اینکه کینز باشد که در این صورت، بدون سرپوش، با سر برهنه نماز می خواند - و هنگامی که زن با یک مرد تنها نماز (جماعت) می خواند، پشت سر او می ایستد و کنار او نمی ایستد.

توضیح: روایت مذکور طولانی است، بنده فقط محل مورد نظر را از نقل کرده ام.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ قَالَ: إِذَا قَامَتِ الْمَرْأَةُ فِي الصَّلَاةِ جَمَعَتْ بَيْنَ قَدَمَيْهَا وَ لَمَّا تَفَرَّجَ بَيْنَهُمَا وَ تَضَمَّتْ يَدَيْهَا إِلَى صِدْرِهَا لِمَكَانِ شَدِيدِهَا فَإِذَا رَكَعَتْ وَضَعَتْ يَدَيْهَا فَوْقَ رُكْبَتَيْهَا عَلَى فِجْدَيْهَا لئَلَّا تَطَأَنَّ كَثِيرًا فَتَرْتَفِعَ عَجِزُهَا فَإِذَا جَلَسَتْ فَعَلَى أَلْيَتَيْهَا لَيْسَ كَمَا يَقَعُدُ الرَّجُلُ وَإِذَا سَقَطَتْ لِلسُّجُودِ بَدَأَتْ بِالْقُعُودِ وَ بِالرُّكْبَتَيْنِ قَبْلَ الْيَدَيْنِ ثُمَّ تَسْجُدُ لاطْنَهُ بِالْأَرْضِ فَإِذَا

ص: ۹۷

كَانَتْ فِي جُلُوسِهَا ضَمَّتْ فَخَذَتْهَا وَرَفَعَتْ رُكْبَتَيْهَا مِنَ الْأَرْضِ وَإِذَا نَهَضَتْ انْسَلَّتْ انْسِلَالًا تَرْفَعُ عَجِيزَتَهَا أَوَّلًا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زرارہ روایت کرده کہ گفت: (امام صلوات اللہ علیہ فرمود): هنگامی کہ زن بہ نماز می ایستد، بین دو قدمش جمع می کند و بین آنها فاصلہ نمی دهد و دو دستش را در مکان پستان هایش بہ سینہ می چسباند و هنگامی کہ بہ رکوع رفت، دست هایش را بالای زانو بر روی دو رانش قرار می دهد تا زیاد خمیدہ نشود و باسن او بالا نیاید و هنگامی کہ نشست، بر روی دو باسن خود می نشیند، نہ آنطوری کہ مردان (بر روی ران چپ) می نشینند و هنگامی کہ برای سجده فرود آمد، ابتدا می نشیند و دو زانویش را قبل از دو دستش بر روی زمین قرار می دهد و سپس چسبیدہ بہ زمین سجده می کند و هنگامی کہ (برای تشهد) می نشیند، دو زانویش را از روی زمین بلند می کند و دو رانش را بہ ہمدیگر می چسباند و وقتی خواست بلند شود، بہ تدریج و با تائی بلند می شود و اول باسنش را بلند می کند.

۱۱۴- تسبیحات حضرت زہرا صلوات اللہ علیہا

۱- الشیخ الکلینی، باسنادہ عنْ أَبِي خَالِدِ الْقَمَاطِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلَاةٍ أَلْفِ رَكَعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو خالد قماط روایت کرده کہ گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات اللہ علیہ شنیدم کہ می فرمود: تسبیح حضرت فاطمہ صلوات اللہ علیہا در ہر روز پس از ہر نماز، نزد من بہتر از ہزار رکعت نماز در ہر روز است.

۲- الشیخ الکلینی، باسنادہ عنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُرْدَافِرٍ قَالَ: دَخَلْتُ مَعَ أَبِي عَلِيٍّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَسَأَلَهُ أَبِي عَنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهَا فَقَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ حَتَّى أَحْصَاهَا أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ مَرَّةً ثُمَّ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ حَتَّى بَلَغَ سَبْعًا وَ سِتِّينَ ثُمَّ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ حَتَّى بَلَغَ مِائَةً يُحْصِيهَا بِيَدِهِ جُمْلَةً وَاحِدَةً. (۳)

ص: ۹۸

۱- . الکافی ج ۳ ص ۳۳۵ ح ۲.

۲- . الکافی ج ۳ ص ۳۴۳ ح ۱۵.

۳- . الکافی ج ۳ ص ۳۴۲ ح ۸.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن عذافر روایت کرده که گفت: همراه پدرم خدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شرف یاب شدم. پدرم از آن حضرت را مورد تسیحات حضرت فاطمه صلوات الله علیها پرسید.

فرمود: «الله اکبر» و سی و چهار مرتبه شمرد.

سپس فرمود: «الحمد لله» تا اینکه به شصت و هفت رسید (یعنی سی و سه مرتبه الحمد لله گفت) پس از آن فرمود: «سبحان الله» تا به صد رسید (یعنی آن را نیز سی و سه مرتبه گفت) و همه آنها را به دست خود می شمرد.

۱۱۵- سجده شکر

۱- الشيخ الصدوق، بإسناده عن علي بن الحسن بن علي بن فضال عن أبيه عن أبي الحسن الرضا صلوات الله عليه قال: السجدة بعد الفريضة شكراً لله عز وجل على ما وفق له العبد من أداء فريضه وأدنى ما يجزى فيها من القول أن يقال شكراً لله شكراً لله شكراً لله ثلاث مرات قلت فما معنى قوله شكراً لله قال يقول هذه السجدة مني شكراً لله على ما وفقني له من خدمته وأداء فريضه والشكر موجب للزيادة فإن كان في الصلاة تقصير لم يتم بالنوافل تم بهذه السجدة. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از حسن بن علی بن فضال از پدرش از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: سجده بعد از نماز واجب (یومیه)، شکر به درگاه خداوند است به خاطر توفیقی که به بنده اش برای اداء فریضه داده است، و حداقل ذکر در سجده شکر این است که سه بار بگوید: «شکراً لله»

پرسیدم: منظور از «شکراً لله» چیست؟

فرمود: این سجده من در واقع شکر به درگاه خداوند است به خاطر توفیق خدمت و اداء فریضه که به من عطاء فرموده است. و شکر موجب زیادی است، و اگر در نماز کوتاهی و نقصی باشد که با نوافل جبران نشده باشد با این سجده جبران خواهد شد.

ص: ۹۹

۱- . عیون أخبار الرضا (ع) ج ۱ ص ۲۸۱ ح ۲۷. وسائل الشیعه ج ۷ ص ۶ ح ۸۵۶۲.

۱۱۶- لعن بعد از نماز

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحسين بن ثوير و أبي سلمة السراج قالا سَمِعْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَهُوَ يَلْعَنُ فِي دُبُرِ كُلِّ مَكْتُوبَةٍ أَرْبَعَةً مِنَ الرِّجَالِ وَ أَرْبَعًا مِنَ النِّسَاءِ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ وَ مُعَاوِيَةُ وَ يُسَمِّيهِمْ وَ فُلَانَهُ وَ فُلَانَهُ وَ هِنْدٌ وَ أُمُّ الْحَكَمِ أُخْتُ مُعَاوِيَةَ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حسین بن ثویر و ابوسلمه سراج روایت کرده که گفتند: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدیم که پس از هر نماز واجب، چهار نفر از مردان و چهار نفر از زنان را لعن می فرمود: فلان، فلان، فلان و معاویه و آنها را نام می برد، و فلانه، فلانه، هند و ام حکم خواهر معاویه.

توضیح: منظور از فلان، فلان و فلان از مردان؛ ابوبکر، عمر و عثمان بوده، و از زنان؛ عایشه و حفصه می باشند.

۱۱۷- سهو در آغاز نماز

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الرَّجُلِ يَنْسَى تَكْبِيرَةَ الْإِفْتِتَاحِ قَالَ يُعِيدُ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه در مورد شخصی که تکبیرها را حرام را فراموش کرده پرسیدم.

فرمود: باید نماز را اعاده کند.

۱۱۸- سهو در قرائت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا قَالَ: إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ وَ الْقِرَاءَةَ سُنَّةً فَمَنْ تَرَكَ الْقِرَاءَةَ مُتَعَمِّدًا أَعَادَ الصَّلَاةَ وَ مَنْ نَسِيَ الْقِرَاءَةَ فَقَدْ تَمَّتْ صَلَاتُهُ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر و یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما فرمود: به راستی که خداوند، رکوع و سجود را واجب فرموده،

ص: ۱۰۰

۱- . الكافي ج ۳ ص ۳۴۲ ح ۱۰.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۳۴۷ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۳۴۷ ح ۱.

ولی قرائت سنت است. پس هر کس قرائت را از روی عمد ترک نماید، باید نمازش را اعاده کند و هر که قرائت را فراموش کند، نمازش تمام است و چیزی بر او واجب نیست.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أُمَّ الْقُرْآنِ قَالَ إِنْ كَانَ لَمْ يَرْكَعْ فَلْيَعُدْ أُمَّ الْقُرْآنِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابوبصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد کسی که أم قرآن (سوره حمد) را فراموش می کند، پرسیدم.

فرمود: اگر به رکوع نرفته باید آن را بخواند.

۱۱۹- سهو در رکوع

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الرَّجُلِ يَشُكُّ وَهُوَ قَائِمٌ لَا يَدْرِي رَكَعَ أَمْ لَمْ يَرْكَعْ قَالَ يَرْكَعْ وَيَسْجُدُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابوبصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: کسی که در حال قیام است، شک می کند که آیا رکوع را به جا آورده یا نه؟ (حکمش چیست؟).

فرمود: باید به رکوع برود، سپس سجده کند (و نمازش را ادامه دهد).

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يَرْكَعَ حَتَّى يَسْجُدَ وَيَقُومَ قَالَ يَسْتَقْبِلُ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از رفاعه روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: کسی که رکوع را فراموش می کند و به سجده می رود و بر می خیزد (چه حکمی دارد؟).

فرمود: باید نماز را از سر گیرد.

ص: ۱۰۱

۱- . الكافي ج ۳ ص ۳۴۸ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۳۴۸ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۳۴۸ ح ۲.

۱۲۰- سهو در سجود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي قال: سئل أبو عبد الله صلوات الله عليه عن رجل سها فلم يدرك سجده سجد أم ثنتين قال يسجد آخرى و ليس عليه بعد انقضاء الصلاة سجدة السهو. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره کسی که سجده را فراموش می کند و نمی داند که آیا یک سجده به جا آورده یا دو سجده پرسیدند. فرمود: باید سجده دیگری به جا آورد و پس از تمام شدن نماز، سجده سهو نیز بر او لازم نیست.

۱۲۱- سهو در دو رکعت اول

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عتبسه بن مضيعب قال قال لي أبو عبد الله صلوات الله عليه إذا شككت في الركعتين الأولى فأعد. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عنبسه بن مصعب روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه به من فرمود: هرگاه در دو رکعت اول شک کردی، نماز را اعاده کن.

۱۲۲- سهو در نماز صبح و مغرب

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن حفص بن البخترى وغيره عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إذا شككت في المغرب فأعد و إذا شككت في الفجر فأعد. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حفص بن بهتری و راوی دیگری روایت کرده که گفتند: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه در نماز مغرب شک کردی، آن را اعاده کن، و هرگاه در نماز صبح شک کردی، آن را اعاده کن.

ص: ۱۰۲

۱- . الكافي ج ۳ ص ۳۴۹ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۳۵۰ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۳۵۰ ح ۱.

۱۲۳- سهو در رکعت سوم و چهارم

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير قال: سألتُه عن رجلٍ صَلَّى فَلَمْ يَدْرِ أَمِ فِي الثَّلَاثِ هُوَ أَمْ فِي الرَّابِعِ قَالَ فَمَا ذَهَبَ وَهَمُّهُ إِلَيْهِ إِنْ رَأَى أَنَّهُ فِي الثَّلَاثِ وَفِي قَلْبِهِ مِنَ الرَّابِعِ شَيْءٌ سَلَّمَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ نَفْسِهِ ثُمَّ يُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ يَقْرَأُ فِيهِمَا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابوبصیر روایت کرده که گفت: از (حضرت امام محمد باقر و یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه) در مورد شخصی که نماز می خواند، ولی نمی داند که آیا در رکعت سوم است یا در رکعت چهارم، پرسیدم.

فرمود: بنا بر طرفی که احتمال می دهد بگذارد، اگر احتمال می دهد که در رکعت سوم است و در دلش به چهار رکعت شک دارد، سلام دهد، سپس دو رکعت نماز (نشسته) به جا آورد که در آن دو رکعت (تنها) سوره حمد می خواند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الرحمن بن سيابة و أبي العباس عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إذا لم تدرِ ثلاثاً صلَّيتَ أو أربعاً ووقع رأيك على الثالث فابن على الثالث وإن وقع رأيك على الأربع فسلم و انصبرف وإن اعتدل وهمك فانصبرف و صل رَكَعَتَيْنِ وَأَنْتَ جَالِسٌ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالرحمان بن سیابه و ابوالعباس روایت کرده که گفتند: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه ندانستی که سه رکعت نماز خوانده ای یا چهار رکعت، ولی نظر (یقین آور) به سه رکعت داشتی، بنا را بر سه بگذار، و اگر به چهار رکعت نظر (یقین آور) داشتی، سلام را بگو و از نماز فارغ شو، و اگر نظرت نسبت به هر دو طرف مساوی باشد، از نماز فارغ شو و دو رکعت نماز در حال نشسته بخوان.

۱۲۴- سهو در رکعت دوم و چهارم

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن أبي يعفور قال: سألتُ أبا عبد الله صلوات الله عليه عن الرجل لا يدري رَكَعَتَيْنِ صَلَّى أَمْ أَرْبَعاً قَالَ يَتَشَهُدُ وَيُسَلِّمُ ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ وَأَرْبَعَ

ص: ۱۰۳

۱- الكافي ج ۳ ص ۳۵۱ ح ۱.

۲- الكافي ج ۳ ص ۳۵۳ ح ۷.

سَجِدَاتٍ يَقْرَأُ فِيهِمَا بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ ثُمَّ يَتَشَهَّدُ وَيُسَلِّمُ وَإِنْ كَانَ صِيْلَى أَرْبَعًا كَانَتْ هَاتَانِ نَافِلَةً وَإِنْ كَانَ صِيْلَى رَكْعَتَيْنِ كَانَتْ هَاتَانِ تَمَامَ الْأَرْبَعِ وَإِنْ تَكَلَّمَ فَلْيَسْجُدْ سَجْدَتِي السَّهْوِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن ابی یعفور روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد کسی که نماند آیا دو رکعت به جای آورده یا چهار رکعت، پرسیدم.

فرمود: باید تشهد را بخواند و سلام دهد، سپس بر خیزد و دو رکعت نماز با حمد و چهار سجده به جا آورد و تشهد را بخواند و سلام دهد.

حال اگر در واقع، نماز خود را چهار رکعت خوانده باشد، آن دو رکعت برای او به عنوان نافله منظور می گردد و اگر در واقع، دو رکعت خوانده باشد، با این دو رکعت چهار رکعت می شود، و اگر در نماز سخنی گفته باشد، باید دو سجده سهو به جا آورد.

۱۲۵- کسی که در رکعت چهارم و پنجم شک کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إذا لم تدرِ خمساً صليت أم أربعاً فاسجدْ سجدتي السهو بعد تسليمك و أنت جالسٌ ثم سلم بعدهما. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابوبصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر گاه ندانی که چهار رکعت نماز کرده یا پنج رکعت پس دو سجده سهو بکن بعد از سلام در وقتی که نشسته باشی و بعد از سجدتین سلام بگو.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه من زاد في صلاته فعليه الإعادة. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابوبصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر کس در نماز خود رکعتی را زیاد انجام دهد، اعاده نماز بر او لازم نیست.

ص: ۱۰۴

۱- . الكافي ج ۳ ص ۳۵۳ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۳۵۵ ح ۶.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۳۵۵ ح ۵.

۱۲۶- کسی که در نماز سخن بگوید

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الرحمن بن الحجاج قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن الرجل يتكلم ناسياً في الصلوة يقول أقيموا صفوفكم فقال يتيم صلاته ثم يسجد سجدتين فقلت سجدتا السهو قبل التسليم هما أو بعد قال بعد. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عبدالرحمن بن حجاج روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: کسی که از روی فراموشی در نماز سخن می گوید؛ (مثلاً) می گوید: صف های خود را مرتب کنید (چه حکمی دارد؟).

فرمود: نماز خود را تمام کند، سپس دو سجده سهو به جا آورد.

عرض کردم: آیا دو سجده پیش از سلام است یا پس از آن؟

فرمود: پس از سلام.

۱۲۷- کسی که تشهد و سلام را فراموش می کند

۱- قال الإمام الرضا صلوات الله عليه: إن نسيت التشهد في الركعة الثانية و ذكرت في الثالثة فأرسل نفسك و تشهد ما لم تزكع فإن ذكرت بعد ما ركعت فامض في صلاتك فإذا سلمت سجدت سجدتي السهو فتشهدت فيهما ما قد فاتك، وإن نسيت التشهد و التسليم و ذكرت و قد فارقت الصلاة فاستقبل القبلة قائماً كنت أم قاعداً و تشهد و تسلم. (۲)

حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمود: اگر تشهد در رکعت دوم را فراموش کردی و در رکعت سوم به یاد آوردی، پس برگرد و تشهد بخوان، تا زمانی که رکوع نکرده ای. پس اگر بعد از اینکه رکوع کردی به یاد آوردی، پس به نمازت ادامه بده و زمانی که سلام دادی، دو سجده سهو را به جای آورده و پس از آن، آنچه که از تشهد از دست داده ای را می خوانی.

و اگر تشهد و سلام را فراموش کردی، و بعد از اینکه نماز را ترک کردی به یاد آوردی، پس ایستاده بودی یا نشسته، به قبله روی کن و تشهد بخوان و سلام بده.

ص: ۱۰۵

۱- . الكافي ج ۳ ص ۳۵۶ ح ۴.

۲- . فقه الرضا (ع) ص ۱۰. بحار الانوار ج ۸۵ ص ۱۵۲ ح ۵.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ سَلَّمَ فِي رُكْعَتَيْنِ فَسَأَلَهُ مَنْ خَلْفَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أ حَدَّثَ فِي الصَّلَاةِ شَيْءٌ قَالَ وَمَا ذَلِكَ قَالُوا إِنَّمَا صَلَّيْتَ رُكْعَتَيْنِ فَقَالَ أَ كَذَلِكَ يَا ذَا الْيَدَيْنِ وَ كَمَا يُدْعَى ذَا الشُّمَالَيْنِ فَقَالَ نَعَمْ فَبَنَى عَلَيَّ صِلَاتِهِ فَأَتَمَّ الصَّلَاةَ أَرْبَعًا وَقَالَ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الَّذِي أَنْسَأَهُ رَحْمَةً لِلَّهِمَّ أَلَا تَرَى لَوْ أَنَّ رَجُلًا صَنَعَ هَذَا لَعُيِّرَ وَقِيلَ مَا تُقْبَلُ صِلَاتُكَ فَمَنْ دَخَلَ عَلَيْهِ الْيَوْمَ ذَاكَ قَالَ قَدْ سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ صَارَتْ أُسْوَةً وَ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ لِمَكَانِ الْكَلَامِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سعید اعرج روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله نماز گزارد و در انتهای دو رکعت سلام داد. کسی که پشت سر آن حضرت بود، پرسید ای رسول الله! آیا در نماز حکم تازه ای نازل شده است؟

فرمود: مقصودت چیست؟

عرض کرد: نماز را دو رکعت به جا آوردید!

فرمود: ای ذوالیدین! آیا چنین است؟ و آن شخص که ذوالشمالین خوانده می شد، گفت: آری.

پس رسول الله صلی الله علیه و آله نماز خود را ادامه داد و چهار رکعت را تمام کرد.

حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: خداوند آن حضرت را از روی رحمت برای امت دچار فراموشی ساخت، مگر نمی بینی اگر کسی چنین کاری می کرد سرزنش می شد و به او می گفتند نماز تو قبول نیست. اما اگر امروز کسی دچار فراموشی گردد، گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله این را سنت قرار داد و او الگو و اسوه ماست و آن حضرت به خاطر سخن گفتن، دو سجده سهو به جا آورد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَيِّمَاعَةَ بِنِ مِهْرَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ حِفْظِ سَهْوِهِ فَأَتَمَّهُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ سَجْدَتَا السَّهْوِ. (۲)

ص: ۱۰۶

۱- . الكافي ج ۳ ص ۳۵۷ ح ۶.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۳۵۵ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه بن مهران روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر کس متوجه سهوش شود و آن را تدارک کند، سجده سهو بر او لازم نیست.

توضیح: صدور حدیث اولی در تقیه بوده، زیرا جماعت مخالفین جعل کنندگان چنین نسبت های به پیامبران الهی به خصوص به حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله هستند.

اما عقیده امامیه بر این است که پیامبران الهی و ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین معصوم اند و هیچ خطا و گناهی از آنان صادر نشده است.

ولی حکم حدیث در سهو سلام نماز از برای پیروان اهل بیت صلوات الله علیهم جاریست چنانکه در حدیث دوم به این مطلب تصریح شده است، به این معنی که اگر شخصی بعد از تشهد در رکعت دوم سهواً سلام دهد، پس همان لحظه بخاطرش رسد که سهو کرده، باید نمازش را ادامه دهد و نمازش تمام است و بر او سجده سهو نیست. اگر در این میان سخنی گفته باشد پس بر اوست که دو سجده سهو انجام دهد.

اما استناد حضرت قرآن ناطق صلوات الله علیه به حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله بخاطر تقیه بوده است.

۱۲۹- ذکر سجده سهو

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: تقول في سجدة السهو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ قَالَ الْحَلْبِيُّ وَ سَمِعْتُهُ مَرَّةً أُخْرَى يَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: در دو سجده سهو می گویی: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

حلبی گوید: یک بار دیگر شنیدم که حضرتش می فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

ص: ۱۰۷

۱۳۰- کسی در همه ی نمازهایش شک می کند و کسی که سهو و فراموشی بر او زیاد می شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ وَ أَبِي بَصِيرٍ قَالَا قُلْنَا لَهُ الرَّجُلُ يَشُكُّ كَثِيرًا فِي صَلَاتِهِ حَتَّى لَا يَدْرِي كَمْ صَلَّى وَلَا مَا بَقِيَ عَلَيْهِ قَالَ يُعِيدُ قُلْنَا لَهُ فَإِنَّهُ يَكْثُرُ عَلَيْهِ ذَلِكَ كُلَّمَا عَادَ شَكَّ قَالَ يَمْضِي فِي شَكِّهِ ثُمَّ قَالَ لَا تُعَوِّدُوا الْخَبِيثَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ بِنَقْضِ الصَّلَاةِ فَتَطْمَعُوهُ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ خَبِيثٌ يَعْتَادُ لِمَا عُوِّدَ فَلْيَمْضِ أَحَدُكُمْ فِي الْوَهْمِ وَلَا يُكْثِرَنَّ نَقْضَ الصَّلَاةِ فَإِنَّهُ إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ مَرَّاتٍ لَمْ يَعُدْ إِلَيْهِ الشَّكُّ قَالَ زُرَّارَةُ ثُمَّ قَالَ إِنَّمَا يُرِيدُ الْخَبِيثُ أَنْ يُطَاعَ فَإِذَا عُصِيَ لَمْ يَعُدْ إِلَيْ أَحَدِكُمْ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره و ابوبصیر روایت کرده که گفتند: به حضرت امام محمد باقر و یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما عرض کردیم: شخصی در نماز خود بسیار شک می کند تا جایی که نمی داند چند رکعت نماز خوانده و چند رکعت مانده است.

فرمود: باید نماز خود را اعاده کند.

عرض کردیم: شک او بسیار زیاد است و هرگاه اعاده کند باز هم شک می کند!

فرمود: نباید به شک خود اعتنا کند.

سپس فرمود: نگذارید (شیطان) پلید با شکستن نماز با شما عادت گیرد تا در شما طمع کند، زیرا شیطان، پلید است و به این کار عادت می کند، هر کدام از شما به آن طرفی که ذهنش مایل شد، نماز را ادامه دهد و چون بارها چنین نماید (یعنی به شک اعتنا نکند) شک به او باز نخواهد گشت.

زراره گوید: سپس حضرتش فرمود: شیطان پلید فقط می خواهد که از او اطاعت شود و هرگاه مخالفت شد، دیگر به سوی شما باز نخواهد گشت.

توضیح: به این روایت در اصطلاح حدیث، حدیث مضمّر میگویند.

جناب زراره و ابوبصیر جزو اجلای اصحاب حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما هستند و از آن بزرگواران نقل حدیث می کردند. اگر در این حدیث و امثال این حدیث اسامی حضرات

ص: ۱۰۸

ذکر نشده، بخاطر آن است که دأب اصحاب حدیث این بوده که در اول کتاب اسامی حضرات را ذکر میکردند و بعد از آن اشارات و ضمایر را به آن بزرگواران بر می گرداندند.

۱۳۱- باطل شدن نماز به وسیله ی خنده

۱- الشیخ الكلینی، بإسناده عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الضَّحِكِ هَلْ يَقْطَعُ الصَّلَاةَ قَالَ أَمَّا التَّبَسُّمُ فَلَا يَقْطَعُ الصَّلَاةَ وَ أَمَّا الْقَهْقَهَةُ فَهِيَ تَقْطَعُ الصَّلَاةَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: از حضرت امام صلوات الله علیه پرسیدم: آیا خنده نماز را باطل می کند؟

فرمود: تبسم (لبخند زدن) نماز را باطل نمی کند، ولی قهقهه، آری.

۱۳۲- سلام کردن بر نماز گزار و حکم عطسه در نماز

۱- الشیخ الكلینی، بإسناده عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ وَ هُوَ فِي الصَّلَاةِ قَالَ يَرُدُّ سَلَامًا عَلَيْكُمْ * وَ لَمَّا يَقُولُ وَ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَانَ قَائِمًا يُصَلِّي فَمَرَّ بِهِ عَمَارُ بْنُ يَاسِرٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ عَمَارٌ فَرَدَّ عَلَيْهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ هَكَذَا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد شخصی که در حال نماز است و بر او سلام می کند، سوال کردم.

فرمود: باید در پاسخ آنان بگوید: سلام عليكم، نباید بگوید: و عليكم السلام؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله در حال نماز بود که عمار یاسر از کنار آن حضرت می گذشت و سلام کرد و رسول الله صلی الله علیه و آله این گونه پاسخ داد.

۲- الشیخ الكلینی، بإسناده عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَسْمَعُ الْعَطْسَةَ وَ أَنَا فِي الصَّلَاةِ فَأَحْمَدُ اللَّهَ وَ أَصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ نَعَمْ وَ

ص: ۱۰۹

۱- . الكافي ج ۳ ص ۳۶۴ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۳۶۶ ح ۱.

إِذَا عَطَسَ أَخُوكَ وَ أَنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ صِلْ عَلَى النَّبِيِّ وَ إِنْ كَانَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ صَاحِبِكَ الْيَمُّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابوبصیر روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: گاهی در حال نماز می شنوم که کسی عطسه می کند و من خداوند را حمد و سپاس می گویم و بر نبی اکرم صلی الله علیه و آله صلوات می فرستم.

آن حضرت فرمود: آری، خوب است و هرگاه برادر(دینی) تو عطسه کرد و تو در حال نماز بودی بگو: الحمدلله، و بر نبی صلی الله علیه و آله درود فرست و اگر میان تو و عطسه کننده دریایی فاصله بود، باز هم بر محمد و آل او صلوات الله علیهم درود فرست.

۱۳۳- فضیلت و برتری نماز جماعت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا يَزُورِي النَّاسَ أَنَّ الصَّلَاةَ فِي جَمَاعَةٍ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاةِ الرَّجُلِ وَحِيدَةٍ بِخَمْسٍ وَ عَشْرِينَ صِيْلًا فَقَالَ صِيْدُقُوا فَقُلْتُ الرَّجُلَانِ يَكُونَانِ جَمَاعَةً فَقَالَ نَعَمْ وَ يَقُومُ الرَّجُلُ عَنْ يَمِينِ الْإِمَامِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: آیا آنچه را که مردم روایت می کنند که نماز انسان در حال جماعت، از بیست و پنج نمازی که به تنهایی بخواند، بهتر است، درست است؟

فرمود: راست گفته اند.

عرض کردم: آیا دو مرد که با هم نماز بخوانند، نماز جماعت خواهد بود؟

فرمود: آری، و یکی از آن دو، باید در طرف راست امام بایستد.

۱۳۴- نماز پشت سر کسی که به او اقتدا نمی شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَلْفَ الْمُخَالَفِينَ فَقَالَ مَا هُمْ عِنْدِي إِلَّا بِمَنْزِلَةِ الْجُدْرِ. (۳)

ص: ۱۱۰

۱- . الكافي ج ۳ ص ۳۶۷ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۳۷۱ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه در مورد نماز در پشت مخالفین پرسیدم.

فرمود: آنان در نظر من همانند دیوار هستند (یعنی به نماز و قرائت آنان اعتنا نمی شود).

۲- الشيخ الطوسی، باسناده عن إسماعيل الجعفی قال: قلت لأبي جعفر الإمام الباقر صلوات الله عليه: رجل يحب أمير المؤمنين صلوات الله عليه ولا يتبرأ من عَدُوِّهِ، و يقول: هو أحب إليّ ممن خالفه؛ فقال: هذا مخلطٌ و هو عدوٌّ، فلا تصل خلفه، و لا كرامه، إلا أن تتقيه. (۱)

مرحوم شیخ طوسی، با سند خویش از اسماعیل جعفی روایت کرده که گفت: به حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه عرض کردم: شخصی است حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را دوست می دارد ولی از دشمن او بی زاری و تبری نمی جوید، و حتی می گوید: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه نزد من از مخالفین اش محبوب تر است.

حضرت فرمود: چنین شخصی آشفته حال است و دشمن محسوب می شود، پشت سر او نماز نگذار، (چرا که) او کرامت و ارزشی ندارد، مگر اینکه از او بترسی و مجبور به تقیه باشی.

۳- الشيخ الصدوق، قال: و قال الصادق صلوات الله عليه ثلثاته لما يصلي خلفهم المجهول و العالی و إن كان يقول بقولك و المجاهر بالفسق و إن كان مقتصدًا. (۲)

مرحوم شیخ صدوق، گوید: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: پشت سر سه کس نباید نماز جماعت خواند: کسی که [سلامت عقیده اش برای تو] مجهول است، و کسی که غلو می کند گرچه بر باور تو (در ولایت و برائت) باشد، و کسی که آشکارا گناه می کند گرچه (در عقیده) میانه رو باشد (یعنی سالم العقیده باشد و نه غالی باشد و نه منکر مقامات اهل بیت صلوات الله علیهم).

۴- الشيخ الصدوق، باسناده عن الفضل بن شاذان عن الرضا صلوات الله عليه في كتابه إلى المؤمن قال: لا يقتدى إلا بأهل الولایة. (۳)

ص: ۱۱۱

۱- تهذیب الأحكام ج ۳ ص ۲۸ ح ۹۷.

۲- الفقیه ج ۱ ص ۲۴۸ ح ۱۱۱۰. الخصال ج ۱ ص ۱۵۴ ح ۱۹۳.

۳- وسائل الشیعه ج ۸ ص ۳۱۲ ح ۱۰۷۵۹.

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از فضل بن شاذان روایت کرده که گفت: حضرت امام رضا صلوات الله علیه در نامه ای که به مأمون (درباره شرایع دین) نوشته بود، فرمود: اقتدا مکن، مگر به اهل ولایت (اهل بیت صلوات الله علیهم).

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن العلاء بن سيابة عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: لا يُصَلِّي خَلْفَ مَنْ يَبْتَغِي عَلَى الْأَذَانِ وَالصَّلَاةِ الْأَجْرَ وَ لَا تُقْبَلُ شَهَادَتُهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علاء بن سیابه از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: پشت سر کسی که برای اذان گفتن و اقامه نماز جماعت دستمزد می گیرد نباید نماز خواند و شهادت چنین شخصی نیز پذیرفته نیست.

۶- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي علي بن راشد قال: قلت لأبي جعفر صلوات الله عليه إن مواليك قد اختلفوا فأصلي خلفهم جميعاً فقال لا تصل إلا خلف من تتق بدينه. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابوعلی بن راشد روایت کرده که گفت: به حضرت امام محمد تقی جواد صلوات الله علیه عرض کردم: به راستی که دوستان شما با یکدیگر اختلاف نظر دارند، آیا در پشت سر همه آنها می توانم نماز بخوانم؟ فرمود: نماز مخوان مگر در پشت سر کسی که به دین او اعتماد داشته باشی.

۱۳۵- امام جماعتی که اقتدا به او مکروه است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ لَا يُصَلِّيَنَّ أَحَدُكُمْ خَلْفَ الْمَجْدُومِ وَالْأَبْرَصِ وَالْمَجْتُونِ وَالْمَحْدُودِ وَوَلَدِ الزَّانَا وَالْأَعْرَابِيِّ لَا يَوْمُ الْمُهَاجِرِينَ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: نباید کسی از شما پشت سر بیمار جذام، بیمار پستی،

ص: ۱۱۲

۱- . الكافي ج ۷ ص ۳۹۶ ح ۱۱.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۳۷۴ ح ۵.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۳۷۶ ح ۴.

دیوانه، کسی که حد بر او جاری شده است و آن که از زنا متولد شده، نماز گزارد و همچین کسی که بیابانی و بادیه نشین است نمی تواند بر مهاجران امامت نماید.

۱۳۶- نماز در پشت سر کسی که اقتدا می شود، و حکم قرائت در پشت سر او

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ قُتَيْبَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذَا كُنْتَ خَلْفَ إِمَامٍ تَرْتَضِي بِهِ فِي صِلْمِهِ يُجْهَرُ فِيهَا بِالْقِرَاءَةِ فَلَمْ تَسْمَعْ قِرَاءَتَهُ فَأَقْرَأْ أَنْتَ لِنَفْسِكَ وَإِنْ كُنْتَ تَسْمَعُ الِهِمَمَةَ فَلَا تَقْرَأْ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از قتیبه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه پشت سر امامی بودی که به امامت او راضی هستی و در نمازی است که باید بلند خوانده شود، اگر قرائت او را نمی شنوی، تو برای خودت قرائت کن، اما اگر همهمه [□] امام را می شنوی، قرائت مکن.

۱۳۷- شخصی که قسمتی از نماز خود را با امام درک می کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذَا سَبَقَكَ الْإِمَامُ بِرُكْعَةٍ فَأَذْرَكَتَ الْقِرَاءَةَ الْمَأْخِرَةَ قَرَأْتَ فِي الثَّلَاثَةِ مِنْ صِلْمَاتِهِ وَهِيَ ثِنْتَانِ لَكَ وَإِنْ لَمْ تُدْرِكْ مَعَهُ إِلَّا رُكْعَةً وَاحِدَةً قَرَأْتَ فِيهَا وَفِي الَّتِي تَلِيهَا وَإِنْ سَبَقَكَ بِرُكْعَةٍ جَلَسْتَ فِي الثَّانِيَةِ لَكَ وَالثَّلَاثَةَ لَهُ حَتَّى تَعْتَدِلَ الصُّفُوفُ قِيَامًا قَالَ وَقَالَ إِذَا وَجَدْتَ الْإِمَامَ سَاجِدًا فَانْبَثْ مَكَانَكَ حَتَّى يَرْفَعَ رَأْسَهُ وَإِنْ كَانَ قَاعِدًا قَعَدْتَ وَإِنْ كَانَ قَائِمًا قُمْتَ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالرحمن بن ابی عبدالله روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه امام، یک رکعت از تو جلوتر باشد و قرائت رکعت دوم را در می یابی، در رکعت سوم او- که رکعت دوم توسط- قرائت کن (و حمد و سوره را بخوان) و اگر جماعت را، جز یک رکعت را در نکردی، در آن رکعت و در رکعت بعد از آن، قرائت کن، و اگر امام یک رکعت از تو جلوتر بود، در رکعت دوم خود- که رکعت سوم اوست- بنشین تا صف ها راست شوند. (و تو تشهد بخوان و زود ملحق شو).

ص: ۱۱۳

۱- . الكافي ج ۳ ص ۳۷۷ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۳۸۱ ح ۴.

راوی گوید: همچنین حضرت فرمود: هرگاه نماز امام جماعت را در سجده درک کردی، اندکی در جای خود درنگ کن تا امام سر از سجده بردارد، و اگر نشسته بود، می نشینی و اگر ایستاده بود، می ایستی.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إذا أدركت الإمام قد ركع فكبرت و ركعت قبل أن يرفع رأسه فقد أدركت الركعة فإن رفع الإمام رأسه قبل أن تركع فقد فاتتك الركعة. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلّبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: چون به نماز جماعت برسی و امام در رکوع باشد، اگر پیش از آن که امام سر از رکوع بردارد، تکبیر بگویی و به رکوع بروی، آن رکعت را درک کرده ای، ولی اگر پیش از آن که به رکوع روی و امام سر از رکوع بردارد، آن رکعت از تو فوت شده است.

۱۳۸- نماز در کلیساها و کنیسه ها و خانه های مجوس

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الله بن سنان قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن الصلوة في البيع و الكنائس فقال رُشٌّ و صلٌّ قال و سألته عن مجوس فقال رُشّها و صلٌّ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالله بن سنان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد نماز در کلیساها و کنیسه ها پرسیدم؟

فرمود: آب پاش و نماز بخوان.

راوی گوید: همچنین از آن حضرت درباره نماز در خانه های مجوس (زرتشتیان) پرسیدم؟

فرمود: در آنجا آب پاش و نماز بخوان.

۱۳۹- نماز خواندن در یک لباس و تعداد لباس های زنان در نماز

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد بن مسلم قال: رأيت أبا جعفر صلوات الله عليه صلى في إزارٍ واحدٍ ليس بواسعٍ قد عقده على عنقه فقلت له ما ترى للرجل يصلّي في قميصٍ واحدٍ

ص: ۱۱۴

۱- الكافي ج ۳ ص ۳۸۲ ح ۵.

۲- الكافي ج ۳ ص ۳۸۷ ح ۱.

فَقَالَ إِذَا كَانَ كَثِيفًا فَلَا بَأْسَ بِهِ وَالْمَرْأَةُ تُصَلِّي فِي الدَّرْعِ وَالْمِقْنَعِ إِذَا كَانَ الدَّرْعُ كَثِيفًا يَعْنِي إِذَا كَانَ سَتِيرًا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه را دیدیم که در یک لنگ نماز می گزارد، در حالی که آن لنگ فراخ نبود و آن را به گردن خود گره زده بود، به آن حضرت عرض کردم: نظر شما درباره مردی که در یک پیراهن نماز می خواند، چیست؟

فرمود: اگر ضخیم باشد، اشکالی ندارد، اما زن باید در پیراهن و مقنعه نماز بخواند، در صورتی که پیراهن ضخیم باشد و او را بپوشاند.

توضیح: در روایت دیگری آمده که زنان در سه لباس که عبارتند از: لنگ (تنبان امروزی)، مقنعه و چادر نماز بخوانند.

۱۴۰- نماز برهنگان

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يَكُونُ فِي فَلَاهِ مِنَ الْأَرْضِ لَيْسَ عَلَيْهِ إِلَّا تَوْبٌ وَاحِدٌ وَ أَجْنَبٌ فِيهِ وَ لَيْسَ عِنْدَهُ مَاءٌ كَيْفَ يَصْنَعُ قَالَ يَتَيَّمُ وَ يُصَلِّي عُرْيَانًا قَاعِدًا يَوْمِيَّ إِيمَاءً. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: از امام صلوات الله علیه پرسیدم: شخصی که در صحرای وسیعی است و فقط یک لباس دارد که در آن جنب شده است و آب هم نیست، او باید چه کند؟

فرمود: تیمم کند و برهنه و به صورت نشسته، نماز بخواند و (برای رکوع و سجود) اشاره کند.

۱۴۱- حکم کسی که در لباس نجس دانسته یا ندانسته نماز می خواند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ رَجُلٍ أَصَابَتْهُ جَنَابَةٌ أَوْ دَمٌ قَالَ: إِنْ كَانَ عَلِيمًا أَنَّهُ أَصَابَتْهُ جَنَابَةٌ قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ ثُمَّ

ص: ۱۱۵

۱- . الكافي ج ۳ ص ۳۹۴ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۳۹۶ ح ۱۵.

صَلَّى فِيهِ وَ لَمْ يَغْسِلْهُ فَعَلَيْهِ أَنْ يُعِيدَ مِا صَلَّى وَ إِنْ كَانَ لَمْ يَعْلَمْ بِهِ فَلَيْسَ عَلَيْهِ إِعَادَةٌ وَ إِنْ كَانَ يَرَى أَنَّهُ أَصَابَهُ شَيْءٌ فَنَظَرَ فَلَمْ يَرَ شَيْئاً أَجْرَاهُ أَنْ يَنْضَحَهُ بِالْمَاءِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالله بن سنان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد شخصی که لباسش به منی یا خون آلوده است، پرسیدم.

فرمود: اگر پیش از نماز بداند که لباسش آلوده به منی است و آن را نشوید و در همان لباس نماز بخواند، بر او لازم است که نماز خود را اعاده کند، ولی اگر از آن خبر نداشته، اعاده نماز بر او لازم نیست.

همچنین اگر گمان کند که لباسش به نجاستی آلوده است و چون نگاه کند، چیزی نبیند، همین که مقداری آب بر آن بریزد، او را کفایت می کند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن يونس عن بعض من رواه عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إذا أصاب ثوبك خمراً أو نبيذاً مُشكراً فاعسله إن عرفت موضعه فإن لم تعرف موضعه فاعسله كله و إن صليت فيه فأعد صلاتك. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یونس از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه خمر یا شراب مست کننده به لباس تو برسد، اگر جای آن را میدانی همانجا را بشوی، و در صورتی که جای آن را نمیدانی، تمام آن را بشوی، و اگر در آن نماز خوانده ای، نمازت را اعاده کن.

۱۴۲- نماز کودکان و آنان چه وقتی باید شروع به نماز خواندن کنند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله عن أبيه صلوات الله عليهما قال: إنا نأمر صبياننا بالصلاة إذا كانوا بيني خمس سنين فمروا صبيانكم بالصلاة إذا كانوا بيني سبع سنين و نحن نأمر صبياننا بالصوم إذا كانوا بيني سبع سنين بما أطاقوا من صيام اليوم إن كان إلى نصف النهار أو أكثر من ذلك أو أقل فإذا غلبهم العطش و الغرث أفتروا حتى

ص: ۱۱۶

۱- . الكافي ج ۳ ص ۴۰۶ ح ۹.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۴۰۵ ح ۴.

يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَيُطِيقُوهُ فَمُرُوا صَبِيَّانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَيْنِي تِسْعَ سِنِينَ بِالصَّوْمِ مَا اسْتِطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا.

(۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه روایت کرده که حضرتش فرمود: ما کودکان خود را در سن پنج سالگی به نماز فرا می خوانیم و شما کودکان خود را در هفت سالگی به نماز دستور دهید.

همچنین ما کودکان خود را در هفت سالگی به گرفتن روزه امر می کنیم، همان مقداری که از یک روز می توانند روزه بگیرند، هر چند تا نصف روز یا بیشتر از آن و یا کمتر از آن باشد، و وقتی تشنگی بر آنان غلبه کرد، افطار می کنند، تا به گرفتن روزه عادت کنند و توان گرفتن آن را بیابند. شما نیز فرزندان خود را هنگامی که نه ساله شدند به گرفتن روزه وادارید هر قدر از روزه را که می توانند، روزه بگیرند، و وقتی تشنگی بر آنان غلبه کرد، روزه خود را افطار نمایند.

۱۴۳- چگونگی نماز پیران و بیماران

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي حمزة عن أبي جعفر صلوات الله عليه في قول الله عزَّ و جَلَّ: {الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ} قَالَ الصَّحِيحُ يُصَلِّي قَائِمًا وَ قُعُودًا الْمَرِيضُ يُصَلِّي جَالِسًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمُ الَّذِي يَكُونُ أضعفَ مِنَ الْمَرِيضِ الَّذِي يُصَلِّي جَالِسًا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو حمزه روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه درباره گفتار خدای تعالی که می فرماید: {کسانی که خدا را در حال ایستاده، نشسته و بر پهلوهای شان یاد می کنند} (سوره سجده آیه ۱۵) فرمود: شخص سالم، باید ایستاده و نشسته نماز بخواند، و شخص بیمار، باید نشسته نماز بخواند و کسانی که خداوند درباره آنان فرموده: {و بر پهلوهای شان} کسی است که از بیماری که نشسته نماز می گزارد، ناتوان تر است (و بر پهلو نماز می خواند).

توضیح: آنجا که حضرت فرمودند: «شخص سالم، باید ایستاده و نشسته نماز بخواند» منظور از شخص سالم که نمازش را ایستاده اقامه نماید، کسی است که قدرت بر ایستاده شدن را دارد. اما منظور از شخص

ص: ۱۱۷

۱- . الكافي ج ۳ ص ۴۰۹ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۴۱۱ ح ۱۱.

سالم که نمازش را نشسته بخواند، کسی است که بخاطر پیری و ناتوانی جسمی نمی تواند ایستاده نمازش را بجا آورد لذا باید نشسته بخواند.

۱۴۴- وجوب نماز جمعه

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: فَرَضَ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ خَمْسًا وَ ثَلَاثِينَ صَلَاةً مِنْهَا صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ فِي جَمَاعَةٍ وَ هِيَ الْجُمُعَةُ وَ وَضَعَهَا عَنْ تِسْعَةٍ عَنِ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ وَ الْمَجْنُونِ وَ الْمُسَافِرِ وَ الْعَبْدِ وَ الْمَرْأَةِ وَ الْمَرِيضِ وَ الْأَعْمَى وَ مَنْ كَانَ عَلَى رَأْسِ فَوْسَخَيْنِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: خداوند از هر جمعه تا جمعه دیگر، سی و پنج نماز بر مردم واجب فرموده است و از میان نمازها، تنها یک نماز است که خداوند واجب گردانیده که به جماعت برگزار می شود و آن، نماز جمعه است و آن را از نه گروه ساقط فرموده که عبارتند از: کودک، سالخورده، دیوانه، مسافر، بنده، زن، بیمار، نابینا و کسی که در دو فرسخی محل اقامه آن باشد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: أَدْنَى مَا يُجْزَى فِي الْجُمُعَةِ سَبْعَةٌ أَوْ خَمْسَةٌ أَدْنَاهُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو العباس روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: کمترین تعدادی که در نماز جمعه کفایت می کند، هفت یا پنج نفر است که این کمترین آن است.

۱۴۵- وقت نماز جمعه

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: وَقْتُ الظُّهْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ حِينَ تَزُولُ الشَّمْسُ. (۳)

ص: ۱۱۸

۱- . الكافي ج ۳ ص ۴۱۹ ح ۶.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۴۱۹ ح ۵.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۴۲۰ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: وقت ظهر در روز جمعه، هنگام زوال آفتاب است.

توضیح: وقت زوال آفتاب در روز جمعه، وقت نماز جمعه است.

۱۴۶- نحوه ی خواندن نماز جمعه

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَمَاعَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَّبِعِي لِلْإِمَامِ الَّذِي يَخْطُبُ النَّاسَ - يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَنْ يَلْبَسَ عِمَامَةً فِي الشَّتَاءِ وَالصَّيْفِ وَيَتَرَدَّى بِبُرْدٍ يَمَنِيٍّ أَوْ عَدَنِيٍّ وَيَخْطُبُ وَهُوَ قَائِمٌ يَحْمَدُ اللَّهَ وَيُثْنِي عَلَيْهِ ثُمَّ يُوصِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ يَقْرَأُ سُورَةَ مِنَ الْقُرْآنِ صَغِيرَةً ثُمَّ يَجْلِسُ ثُمَّ يَقُومُ فَيَحْمَدُ اللَّهَ وَيُثْنِي عَلَيْهِ وَيُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ عَلَى أُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَ يَسْتَغْفِرُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فَإِذَا فَرَغَ مِنْ هَذَا أَقَامَ الْمُؤَذِّنُ فَصَلَّى بِالنَّاسِ رَكَعَتَيْنِ يَقْرَأُ فِي الْأُولَى بِسُورَةِ الْجُمُعَةِ وَ فِي الثَّانِيَةِ بِسُورَةِ الْمُنَافِقِينَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: شایسته است که امام به هنگام ایراد خطبه در زمستان و تابستان عمامه بر سر نهد و برد یمنی یا عدنی را ردای خود سازد، و ایستاده خطبه بخواند، خدا را حمد و سپاس گوید و بر او ثنا گوید، سپس مردم را به تقوا و پرهیزگاری سفارش نماید و سوره کوچکی از قرآن کریم بخواند، آنگاه بنشیند، سپس بر خیزد و حمد خدا و ثنای او گوید و بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و بر پیشوایان مسلمانان درود فرستد و بر زن و مرد مؤمن طلب بخشش و آمرزش کند.

وقتی خطبه به پایان رسید، مؤذن اقامه گوید، و امام با مردم دو رکعت نماز به جا می آورد که در رکعت نخست سوره جمعه و در رکعت دوم سوره منافقین را بخواند.

توضیح: همانطوری که در روایت آمده، نماز جمعه دو خطبه دارد که قبل از نماز جمعه ایراد می گردد.

ص: ۱۱۹

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمار قال سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ فِي قُنُوتِ الْجُمُعَةِ إِذَا كَانَ إِمَامًا قَنَتَ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَىٰ وَإِنْ كَانَ يُصَلِّي أَرْبَعًا فَفِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرَّكُوعِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: در قنوت نماز جمعه هرگاه امام باشد قنوت در رکعت اول است، و اگر نماز را چهار رکعتی به جا می آورد، قنوت در رکعت دوم، پیش از رکوع است.

۱۴۸- نماز جمعه اقامه نمی شود مگر با حضور امام معصوم و یا کسیکه از طرف امام معصوم منصوب شده باشد.

۱- سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ قَالَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: الْوَاجِبُ فِي حُكْمِ اللَّهِ وَحُكْمِ الْإِسْلَامِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ بَعْدَ مَا يَمُوتُ إِمَامُهُمْ أَوْ يُقْتَلُ ضَالًّا كَانَ أَوْ مُهْتَدِيًّا أَنْ لَا يَعْمَلُوا عَمَلًا وَلَا يُقَدِّمُوا يَدًا وَلَا رِجْلًا قَبْلَ أَنْ يَخْتَارُوا لِأَنْفُسِهِمْ إِمَامًا عَفِيفًا عَالِمًا وَرِعًا عَارِفًا بِالْقَضَاءِ وَالسُّنَنِ يَجِبِي فَيْتُهُمْ وَيُقِيمُ حَجَّتَهُمْ وَجُمُعَتَهُمْ وَيَجِبِي صَدَقَاتِهِمْ. (۲)

سلیم بن قیس هلالی گوید: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: واجب در حکم خدا و حکم اسلام بر مسلمانان، بعد از اینکه امام شان فوت کرد یا کشته شد، گمراه بوده باشد یا هدایت یافته، این است که هیچ کاری انجام ندهند و دست و پایی جلو نگذارند (اقدامی نکنند)، قبل از اینکه امامی عقیف، عالم و پرهیزکار، عالم به قضاوت و سنت، برای خود اختیار کنید تا مالیات (خراج) را وصول کند و حج و جمعه آنان را برپا دارد و صدقات شان را جمع کند.

۲- السَّيِّدُ عَلِيُّ بْنُ طَاوُسٍ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ عِيْسَى بْنِ دَاوُدَ النَّجَّارِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آيَاتِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي حَدِيثِ الْمِعْرَاجِ قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ هَلْ تَدْرِي مَا الدَّرَجَاتُ قُلْتَ أَنْتَ أَعْلَمُ يَا سَيِّدِي قَالَ إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ فِي الْمَكْرُوهَاتِ وَ

ص: ۱۲۰

۱- . الكافي ج ۳ ص ۴۲۷ ح ۲.

۲- . كتاب سليم بن قيس الهلالي ص ۱۸۲. مستدرک الوسائل ج ۶ ص ۱۴ ح ۶۳۰۹.

الْمَشْيُ عَلَى الْأَقْدَامِ إِلَى الْجُمُعَاتِ مَعَكَ وَ مَعَ الْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِكَ وَ انْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ. (۱)

مرحوم سید بن طاووس، با سند خویش از عیسی بن داود نجار از حضرت موسی بن جعفر از پدرانش صلوات الله علیهم از رسول الله صلی الله علیه و آله در حدیث معراج روایت کرده که فرمود: خداوند متعال به او وحی فرمود: آیا می دانی درجات چیست؟

عرض کردم: تو آگاه تری ای سرورم.

فرمود: شاداب وضو گرفتن در شرایط سخت، و گام برداشتن به سوی جمعه ها به همراه تو و همراه ائمه از فرزندان تو و انتظار نماز بعد از نماز.

۳- علی بن جعفر عن أخيه موسى بن جعفر عن علي بن الحسين عن أبيه أن علياً صلوات الله عليهم قال: لما يصح الحكم ولا الحدود ولا الجمعة إلا بإمام. (۲)

علی بن جعفر از برادرش حضرت موسی جعفر از حضرت علی بن الحسین از پدر بزرگوارش از حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیهم روایت کرده که فرمود: صدور حکم و اجرای حدود و اقامه نماز جمعه، جز به وسیله امام صحیح نیست.

۴- الشيخ جعفر بن أحمد القمي رحمه الله بإسناده عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: تجب الجمعة على سبعة نفر من المؤمنين ولا تجب على أقل منهم الإمام وقاضيه ومدعي حقا ومدعي عليه والشاهدان والذي يضرب الحدود بين يدي الإمام. (۳)

مرحوم شیخ جعفر بن احمد قمی، رحمه الله با سندش از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه روایت کرده که آن حضرت فرمود: جمعه بر هفت تن از مؤمنان واجب است و بر کمتر از آنان واجب نیست: امام، قاضی منصوب امام، مدعی - کسی که مدعی حقی است -، مدعی علیه - کسی که بر او ادعا می شود-، دو شاهد و کسی که در حضور امام حدود را جاری می کند.

توضیح: حدیث مذکور مسنداً در کتاب الفقیه مرحوم شیخ صدوق رضوان الله علیه، و تهذیب الاحکام شیخ طوسی رضوان الله علیه نقل شده است.

ص: ۱۲۱

۱- . کشف الیقین ص ۹۰. مستدرک الوسائل ج ۶ ص ۱۴ ح ۶۳۰۸.

۲- . الجعفریات ص ۴۳. مستدرک الوسائل ج ۶ ص ۱۳ ح ۶۳۰۴.

۳- . بحارالانوار ج ۸۶ ص ۱۷۶ ح ۱۶.

۵- الشيخ جعفر بن أحمد القمي، عن زرارة عن أبي جعفر صلوات الله عليه أنه قال: صِلَاةُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَرِيضَةٌ وَاجْتِمَاعٌ إِلَيْهَا فَرِيضَةٌ مَعَ الْإِمَامِ. (۱)

مرحوم شیخ جعفر بن احمد قمی، از زراره از حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه روایت کرده که آن حضرت فرمود: نماز جمعه فریضه است. و اجتماع برای آن به همراه امام فریضه است.

۶- الشيخ النعمان بن محمد، بإسناده عن جعفر بن محمد صلوات الله عليهما أنه قال: لَا جُمُعَةَ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ عَدْلٍ تَقِيٍّ. (۲)

مرحوم شیخ نعمان بن محمد، با سند خویش از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه روایت کرده که آن حضرت فرمود: نماز جمعه نیست مگر امام عادل و پرهیزگار.

۷- الشيخ النعمان بن محمد، بإسناده عن علي صلوات الله عليه أنه قال: لَا يَصْلُحُ الْحُكْمُ وَ لَا الْحُدُودُ وَ لَا الْجُمُعَةُ إِلَّا بِإِمَامٍ عَدْلٍ. (۳)

مرحوم شیخ نعمان بن محمد، با سند خویش از حضرت امیرالمومنین صلوات الله عليه روایت کرده که آن حضرت فرمود: صدور حکم و اجرای حدود و اقامه نماز جمعه، جز به وسیله امام عادل صحیح نیست.

توضیح: از آنجایی که اقامه نماز جمعه مشروط است به حضور معصوم صلوات الله عليه و یا کسی را که حضرتش صلوات الله عليه مأمور به این کار کرده باشد که در عصر غیبت کبری جای شان عملاً خالیست لذا بنده به این مختصر از آوردن احکام آن بسنده کردم.

ص: ۱۲۲

۱- . العروس ص ۵۶. مستدرک الوسائل ج ۶ ص ۱۴ ح ۶۳۰۷.

۲- . دعائم الإسلام ج ۱ ص ۱۸۲. مستدرک الوسائل ج ۶ ص ۱۴ ح ۶۳۰۶.

۳- . دعائم الإسلام ج ۱ ص ۱۸۲. مستدرک الوسائل ج ۶ ص ۱۴ ح ۶۳۰۶.

۱۴۹- نماز مسافر دو رکعتی است

۱- الشيخ الصدوق، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُمَا قَالَا قَالَ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ الصَّلَوَاتُ كُلُّهَا فِي السَّفَرِ الْفَرِيضَةُ رَكْعَتَانِ كُلُّ صِيْلَةٍ إِلَّا الْمَغْرِبَ فَإِنَّهَا ثَلَاثٌ لَيْسَ فِيهَا تَقْصِيرٌ تَرَكَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ فِي السَّفَرِ وَ الْحَضْرَ ثَلَاثَ رَكْعَاتٍ. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از زراره و محمد بن مسلم روایت کرده که گفتند: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: و هر نماز واجبی در سفر دو رکعت است مگر نماز شام که سه رکعت است و حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله آن را به حال خود گذاشت در سفر و حضر که سه رکعت باشد.

۱۵۰- مقدار مسافتی که نماز در آن قصر می شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: التَّقْصِيرُ فِي بَرِيدٍ وَ الْبَرِيدُ أَرْبَعَةُ فَرَاسِخَ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: نماز در مسافت یک برید قصر است و برید چهار فرسخ است.

۱۵۱- کسی که می خواهد سفر کند، یا از سفر باز می گردد چه هنگامی باید نماز را شکسته یا تمام بخواند

۱- الشيخ الطوسي، بإسناده عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّقْصِيرِ قَالَ إِذَا كُنْتَ فِي الْمَوْضِعِ الَّذِي تَسْمَعُ فِيهِ الْأَذَانَ فَأَتَمَّ وَ إِذَا كُنْتَ فِي الْمَوْضِعِ الَّذِي لَا تَسْمَعُ فِيهِ الْأَذَانَ فَقَصِّرْ وَ إِذَا قَدِمْتَ مِنْ سَفَرِكَ فَمِثْلُ ذَلِكَ. (۳)

مرحوم شیخ طوسی، با سند خویش از عبدالله بن سنان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد تقصیر (نماز) سؤال کردم:

ص: ۱۲۳

۱- . الفقيه ج ۱ ص ۲۷۹ ح ۱۲۶۵.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۴۳۲ ح ۱.

۳- . تهذيب الاحكام ج ۴ ص ۲۳۰ ح ۵۰.

فرمود: هنگامی که در موضعی بودی که اذان را می شنیدی، نماز را کامل بخوان و هنگامی که در مکانی بودی که اذان را در آن نمی شنوی شکسته بخوان و وقتی از سفر باز میگردی هم همین طور است.

۲- الشيخ أحمد بن محمد بن خالد البرقي، بإسناده عن حماد بن عثمان عن رجل عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إِذَا سَمِعَ الْأَذَانَ أَتَمَّ الْمُسَافِرِ. (۱)

مرحوم شیخ احمد بن محمد بن خالد برقی، با سند خویش از حماد بن عثمان از مردی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: وقتی مسافر صدای اذان (شهر) را بشنود نماز را کامل می خواند.

توضیح: دقت شود که این امر برای مسافر است، یعنی کسی که حداقل قصد هشت فرسخ هر چند به صورت چهار فرسخ رفت و چهار فرسخ بازگشت داشته باشد و رفتن به حد ترخص بدون قصد سفر موجب شکسته شدن نماز و افطار روزه نمی شود.

۱۵۲- نماز قضا در سفر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لَهُ رَجُلٌ فَاتَتْهُ صَلَاةٌ مِنْ صَلَاةِ السَّفَرِ فَذَكَرَهَا فِي الْحَضَرِ قَالَ يَقْضِي مَا فَاتَهُ كَمَا فَاتَهُ إِنْ كَانَتْ صَلَاةَ السَّفَرِ أَدَّأَهَا فِي الْحَضَرِ مِثْلَهَا وَإِنْ كَانَتْ صَلَاةَ الْحَضَرِ فَلْيَقْضِ فِي السَّفَرِ صَلَاةَ الْحَضَرِ كَمَا فَاتَتْهُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: به امام صلوات الله علیه عرض کردم: شخصی در سفر، نماز دو رکعتی از او فوت (قضا) می شود و در حضر یادش می آید (وظیفه او چیست).

فرمود: باید آنچه از او فوت (قضا) شده، همان طوری که فوت شده، قضا کند، یعنی در حضر نماز فوت شده در سفر را شکسته ادا کند و در سفر نماز فوت شده در حضر را (اگر ادا کرد) تمام به جا آورد.

۱۵۳- مسافری که به شهری می آید تا چند روز باید نماز را شکسته بخواند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَرَأَيْتَ مَنْ قَدِمَ بِلْمَدَةِ إِلَى مَيْتَى يَتَّبِعِي لَهُ أَنْ يَكُونَ مُقْضَرًّا وَ مَتَى يَتَّبِعِي لَهُ أَنْ يُتِمَّ قَالَ إِذَا دَخَلْتَ أَرْضًا

ص: ۱۲۴

۱- . المحاسن ج ۲ ص ۳۷۱ ح ۱۲۷.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۴۳۵ ح ۷.

فَأَيَقُنْتَ أَنَّ لَكَ بِهَا مَقَامًا عَشْرَةَ أَيَّامٍ فَاتِمَّ الصَّلَاةَ وَإِنْ لَمْ تَدْرِ مَا مَقَامُكَ بِهَا تَقُولُ غَدًا أَخْرُجُ أَوْ بَعْدَ غَدٍ فَقَصِّرْ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ أَنْ يَمْضِيَ شَهْرٌ فَإِذَا تَمَّ لَكَ شَهْرٌ فَاتِمَّ الصَّلَاةَ وَإِنْ أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ سَاعَتِكَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زرارہ روایت کرده کہ گفت: بہ حضرت امام محمد باقر صلوات اللہ علیہ عرض کردم: بفرماید کسی کہ بہ شہری وارد می شود تا چہ زمانی شایستہ است کہ نماز خود را قصر و تا چہ زمانی تمام بخواند؟

فرمود: ہر گاہ وارد سرزمینی شدی و یقین داشتی کہ دہ روز می مانی، نماز خود را تمام بہ جای آور. اما اگر نمی دانی کہ چند روز می مانی و می گویی کہ فردا می روم یا پس فردا، در چنین حالی تا یک ماہ کہ چنین وضعی داری، نماز خود را شکستہ بخوان، و چون یک ماہ سپری شد، اگر چہ یک ساعت دیگر خارج شوی، باید نماز را تمام بخوانی.

۱۵۴- مسافری کہ در نماز بہ شخص غیر مسافر اقتدا می کند

۱- الشیخ الکلینی، بإسنادہ عن الحلی عن أبي عبد الله صلوات الله عليه في المسافر يصلي خلف المقيم قال يصلي ركعتين و يمضي حيث شاء. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده کہ گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات اللہ علیہ درباره مسافری کہ پشت سر شخص مقیم نماز می خواند، فرمود: دو رکعت نماز می خواند، سپس می تواند ہر جا کہ خواست برود.

۱۵۵- نماز در کشتی

۱- الشیخ الکلینی، بإسنادہ عن حماد بن عثمان عن أبي عبد الله صلوات الله عليه أنه سئل عن الصلاة في السفينة فقال يسئ تقبل القبلة فإذا دارت واستطاع أن يتوجه إلى القبلة فليقبل وإلا فليصل حيث توجهت به قال فإن أمكنه القيام فليصل قائماً وإلا فليقعده ثم ليصل. (۳)

ص: ۱۲۵

۱- . الكافي ج ۳ ص ۴۳۵ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۴۳۹ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۴۴۱ ح ۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حماد بن عثمان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از چگونگی نماز در کشتی پرسیدند، فرمود: نماز گزار باید رو به قبله کند و هرگاه کشتی از جهت خود بگردد و روی او از قبله منحرف شود، چنانچه توانست جهت خود را رو به قبله کند، وگرنه به هر سمتی که کشتی می رود او نیز رو کند. و اگر می تواند نماز را ایستاده به جا آورد وگرنه باید بنشیند، سپس نماز بخواند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الرَّجُلِ يَكُونُ فِي السَّفِينَةِ فَلَا يَدْرِي أَيْنَ الْقِبْلَةُ قَالَ يَتَحَرَّى فَإِنْ لَمْ يَدْرِ صَلَّى نَحْوَ رَأْسِهَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالله بن مغیره از یکی از اصحابش روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره کسی که در کشتی است و جهت قبله را نمی داند، فرمود: برای پیدا کردن قبله تلاش می کند و اگر نتوانست به طرف دماغه و سر کشتی نماز بگزارد.

۱۵۶- نمازهای نافله، و اوقات آن، و ثواب آن

۱- الشيخ الصدوق، بإسناده عن الفضل بن شاذان عن الرضا صلوات الله عليه في كتابه إلى المؤمن قال و الصلاة الفريضة الظهر أربع ركعات و العصر أربع ركعات و المغرب ثلاث ركعات و العشاء الآخرة أربع ركعات و الغداة ركعتان هذه سبع عشرة ركعة و السنة أربع و ثلثون ركعة ثمان ركعات قبل فريضة الظهر و ثمان ركعات قبل فريضة العصر و أربع ركعات بعد المغرب و ركعتان من جلوس بعد العتمة ثمان ركعات في السحر و الشفق و الوتر ثلاث ركعات تسليماً بعد الركعتين و ركعتا الفجر. (۲)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از فضل بن شاذان روایت کرده که گفت: حضرت امام رضا صلوات الله علیه در نامه خود به مأمون بعد از ذکر نمازهای فريضة فرمودند: نمازهای سنت (نافله) سی و چهار رکعت است، هشت رکعت قبل از نماز فريضة ظهر، و هشت رکعت قبل از نماز فريضة عصر، و چهار رکعت بعد از نماز مغرب، و دو رکعت نماز نشسته بعد از نماز عشاء که یک رکعت به حساب می آید، و هشت رکعت در

ص: ۱۲۶

۱- . الكافي ج ۳ ص ۴۴۲ ح ۳.

۲- . عيون أخبار الرضا (ع) ج ۲ ص ۱۲۳

سحر، و نیز نماز شفع و وتر (در سحر) که سه رکعت هستند و بعد از دو رکعت (اول آن) سلام داده می شود، و دو رکعت نماز نافله صبح (قبل از نماز صبح خوانده می شود).

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبد الله صلوات الله عليه في حديث قال يا أبا محمد إن العبد يُرفع له ثلث صلواته و نصيحتها و ثلثاته أرباعها و أقل و أكثر على قدر سهوه فيها لکنه يتم له من النوافل قال فقال له أبو بصير ما أرى النوافل يتبعني أن تترك علي حال فقال أبو عبد الله صلوات الله عليه أجل لآ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابوبصیر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در حدیثی روایت کرده که حضرت به ابابصیر فرمود: ای ابا محمد! همانا از نماز بنده یک سوم آن یا نصف آن یا سه چهارم آن یا کمتر و یا بیشتر بالا می رود و قبول می شود، و لکن نماز بنده به وسیله نوافل کامل و تمام می شود.

ابو بصیر گفت (با این وصف) می بینم که سزاوار نیست در هیچ حالی نوافل ترک شود؟

پس حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: بلی، سزاوار نیست (در هیچ حالی نوافل ترک شود).

۱۵۷- نماز خوف و ترس

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير قال سمعتُ أبا عبد الله صلوات الله عليه يقول إن كنت في أرضٍ مخافةٍ فخشيت لُصاً أو سُبُعاً فصل على دأيتك. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابوبصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: اگر در سرزمینی قرار گرفتی که خوفناک بود و از دزد یا درندگان ترس داشتی بر روی چهار پایت نماز بخوان.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن سماعة قال: سألتُه (الإمام) عن الأسيرِ يأسرُهُ المُشركُ كونَ فتخضُرُهُ الصَّلَاةُ فيمنَعُهُ الذي أسره منها قال يومئذٍ إيماءً. (۳)

ص: ۱۲۷

۱- . الكافي ج ۳ ص ۳۶۳ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۴۵۶ ح ۳.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۴۵۷ ح ۴.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: از امام صلوات الله علیه پرسیدم: اسیری است که مشرکان او را به اسارت گرفته اند و وقت نماز فرا می رسد و مشرکان از خواندن نماز جلوگیری می کنند (چه وظیفه ای دارد؟).

فرمود: با اشاره نماز بگزارد.

۱۵۸- نحوه ی خواندن نماز عید فطر و عید قربان

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية قال: سألته (الإمام) عن صلواته العیدین فقال ركعتان ليس قبلهما ولا بعدهما شيء و ليس فيهما أذان ولا إقامة يكبر فيهما اثنتي عشرة تكبيرة يبدأ فكبر و يفتتح الصلاة ثم يقرأ فاتحة الكتاب ثم يقرأ و الشمس و ضحاها ثم يكبر خمس تكبيرات ثم يكبر و يزكع فيكون يزكع بالسابع ثم يسجد سجدتين ثم يقوم فيقرأ فاتحة الكتاب - و هل أتاك حديث الغاشية ثم يكبر أربع تكبيرات و يسجد سجدتين و يتشهد و يسلم قال و كذلك صنع رسول الله صلى الله عليه و آله و الخطبة بعد الصلاة إنما أحدث الخطبة قبل الصلاة عثمان و إذا خطب الإمام فليعد بين الخطبتين قليلاً. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: از امام صلوات الله علیه درباره نماز عید فطر و قربان پرسیدم.

فرمود: دو رکعت است. پیش از آن دو رکعت و بعد از آن دو چیزی (نافله ای) نیست. این دو نماز اذان و اقامه ندارند و نماز گزار، در آن دو رکعت دوازده تکبیر می گوید، با تکبیر نماز را شروع می کند، سپس سوره حمد و پس از آن سوره {و الشمس و ضحاها} را می خواند، سپس پنج تکبیر می گوید. آنگاه تکبیر هفتم را گفته و به رکوع می رود، و پس از آن، دو سجده به جا می آورد. آنگاه بر می خیزد و سوره حمد و {هل أتاك حديث الغاشية} را می خواند، سپس چهار تکبیر می گوید و دو سجده انجام می دهد و تشهد را می گوید و سلام می دهد.

حضرت فرمود: رسول الله صلى الله عليه و آله نیز چنین انجام می داد. (دو) خطبه این نماز بعد از نماز است و خطبه پیش از نماز را عثمان بدعت نهاد. هنگامی که امام خطبه (اول) را خواند، باید میان دو خطبه اندکی بنشیند.

ص: ۱۲۸

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن أبي حمزة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه في صلاة العيد قال يكبر ثم يقرأ ثم يكبر خمسا ويقرأ بين كل تكبيرتين ثم يكبر السابعة ويكع بها ثم يسجد ثم يقوم في الثانية يقرأ ثم يكبر أربعاً فيقرأ بين كل تكبيرتين ثم يكبر ويكع بها. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از علی بن ابی حمزه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه درباره نماز عید فطر و عید قربان، فرمود: نماز گزار، تکبیر میگوید، قرائت می کند، سپس پنج تکبیر می گوید و میان هر دو تکبیر قنوت می خواند و آنگاه تکبیر هفتم را می گوید و به رکوع می رود و پس از آن سجده می کند، سپس برای رکعت دوم بر می خیزد، قرائت می کند و چهار تکبیر می گوید و در میان هر دو تکبیر قنوت می خواند و آنگاه تکبیر گفته و به رکوع می رود (و سپس سجده نموده و تشهد را خوانده و سلام را می دهد).

۱۵۹- وجوب نماز عید فطر و عید قربان همراه با امام معصوم است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معمر بن يحيى عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: لا صلاة يوم الفطر والأضحى إلا مع إمام. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از محمر بن يحيى روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه فرمود: نماز روز عید فطر و عید قربان نیست مگر با امام.

۲- الشيخ الصدوق، بإسناده زرارة بن أعين عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال لا صلاة يوم الفطر والأضحى إلا مع إمام عادل. (۳)

مرحوم شيخ صدوق، با سند خویش از زراره از حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه روایت کرده که فرمود: نماز روز عید فطر و عید قربان نیست مگر با امام عادل.

۳- الشيخ الطوسي، بإسناده عن زرارة عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال من لم يصل مع الإمام في جماعه يوم العيد فلا صلاة له ولا قضاء عليه. (۴)

ص: ۱۲۹

۱- الكافي ج ۳ ص ۴۶۰ ح ۵.

۲- الكافي ج ۳ ص ۲۵۹ ح ۲.

۳- الفقيه ج ۱ ح ۱۴۵۶.

۴- التهذيب الاحكام ج ۳ ص ۱۲۸ ح ۲۷۳.

مرحوم شیخ طوسی، با سند خویش از زراره از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: کسی که در روز عید با امام در جماعت نماز نخواند نمازی ندارد و قضایی هم ندارد.

۱۶۰- جایز است نماز عیدین را بدون حضور امام معصوم به صورت منفرد خواند

۱- الشيخ الصدوق، بإسناده عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: مَرَضَ أَبِي يَوْمَ الْأَضْحَى - فَصَلَّى فِي بَيْتِهِ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ ضَحَّى. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از منصور بن حازم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: پدرم صلوات الله علیه روز عید قربان بیمار شد و نماز عید را دو رکعت در خانه خود به جا آورد و قربانی کرد.

۲- الشيخ الصدوق، بإسناده عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: مَنْ لَمْ يَشْهَدْ جَمَاعَةَ النَّاسِ فِي الْعِيدَيْنِ فَلْيَغْتَسِلْ وَ لِيَتَطَيَّبْ بِمَا وَجَدَ وَ لِيُصَلِّ فِي بَيْتِهِ وَحْدَهُ كَمَا يُصَلِّي فِي جَمَاعَةٍ. (۲)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از عبدالله بن سنان از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: کسی که در عید قربان و عید فطر به نماز جماعت عید حاضر نمی شود یا نمی تواند شرکت کند در این صورت باید غسل کرده و بوی خوش بکار برده با هر خوشبو کننده ای که می یابد و مقدر است، و به تنهایی در خانه خود نماز کند به همان ترتیبی که در جماعت می خواند.

۳- الشيخ النعمان بن محمد، بإسناده عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ لَا يَشْهَدُ الْعِيدَ هَلْ عَلَيْهِ أَنْ يُصَلِّيَ فِي بَيْتِهِ قَالَ نَعَمْ وَ لَا صَلَاةَ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ عَدْلٍ. (۳)

مرحوم شیخ نعمان بن محمد، با سند خویش از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که درباره مردی که در عید شرکت نمی کند سؤال شد که آیا بر اوست که در خانه اش نماز بخواند؟

فرمود: بلی، و هیچ نمازی نیست مگر همراه امام عادل.

ص: ۱۳۰

۱- . الفقيه ۱- ۵۰۷- ۱۴۵۸.

۲- . الفقيه ج ۱ ص ۵۰۷ ح ۱۴۵۹.

۳- . دعائم الإسلام ج ۱ ص ۱۸۶. بحارالانوار ج ۹۰ ص ۳۷۵.

توضیح: «وَلَا صَلَاةَ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ عَدْلٍ». یعنی واجب نیست مگر با امام معصوم. اما از باب استحباب خواندنش جایز است چنانکه در این حدیث و احادیث دیگر رخصت داده شده است.

۴- الشيخ الطوسی، بإسناده عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ لَا صَلَاةَ فِي الْعِيدَيْنِ إِلَّا مَعَ الْإِمَامِ فَإِنْ صَلَّيْتَ وَخَدَّكَ فَلَا بَأْسَ. (۱)

مرحوم شیخ طوسی، با سند خویش از سماعه از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: در عید فطر و عید قربان نمازی نیست مگر با امام و اگر به تنهایی نماز خواندی اشکالی ندارد.

۵- الشيخ علی بن موسی بن طاوس، قَالَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي قُرَّةَ يَأْسِنَادِهِ عَنِ الصَّادِقِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ صَلَاةِ الْأَضْحَى وَالْفِطْرِ قَالَ صَلَّيْتُمَا رَكَعَتَيْنِ فِي جَمَاعَةٍ وَغَيْرِ جَمَاعَةٍ. (۲)

مرحوم علی بن موسی بن طاوس، گوید: محمد بن ابو قره با اسنادش از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که از آن حضرت درباره نماز اضحی و فطر سؤال شد.

فرمود: آن دو را در جماعت و غیر جماعت، دو رکعت بخوان.

۱۶۱- نماز آیات و نحوه ی خواندن آن

۱- الشيخ الطوسی، بإسناده عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِينَةَ عَنْ رَهْطٍ وَهُمْ الْفَضَيْلُ وَ زُرَّارَةُ وَ بُرَيْدٌ وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ كِلَيْهِمَا وَ مِنْهُمْ مَنْ رَوَاهُ عَنْ أَحَدِهِمَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا أَنَّ صَلَاةَ كُسُوفِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَالرَّجْفَةِ وَالزَّلْزَلَةَ عَشْرُ رَكَعَاتٍ وَ أَرْبَعُ سَجَدَاتٍ صَلَّاهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ النَّاسُ خَلْفَهُ فِي كُسُوفِ الشَّمْسِ فَفَرَّغَ حِينَ فَرَغَ وَ قَدْ انْجَلَى كُسُوفُهَا وَ رَوَوْا أَنَّ الصَّلَاةَ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ كُلِّهَا سَوَاءٌ وَ أَشَدُّهَا وَ أَطْوَلُهَا كُسُوفُ الشَّمْسِ تَبْدَأُ فَتَكْتَبُرُ بِإِفْتِيَاكِ الصَّلَاةِ ثُمَّ تَقْرَأُ أُمَّ الْكِتَابِ وَ سُورَةَ ثُمَّ تَرْكَعُ ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ مِنَ الرَّكْعَةِ فَتَقْرَأُ أُمَّ الْكِتَابِ وَ سُورَةَ ثُمَّ تَرْكَعُ الثَّلَاثَةَ ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ مِنَ الرَّكْعَةِ فَتَقْرَأُ أُمَّ الْكِتَابِ وَ سُورَةَ ثُمَّ تَرْكَعُ الرَّابِعَةَ ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ مِنَ الرَّكْعَةِ فَتَقْرَأُ أُمَّ الْكِتَابِ وَ سُورَةَ ثُمَّ تَرْكَعُ الْخَامِسَةَ فَإِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ قُلْتَ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ

ص: ۱۳۱

۱- . التهذيب الاحكام ج ۳ ص ۱۲۸ ح ۲۷۴.

۲- . اقبال الاعمال ص ۲۸۵. بحار الانوار ج ۸۷ ص ۳۷۱ ح ۲۱.

حَمْدَهُ- ثُمَّ تَخَرَّ سَاجِدًا فَتَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ ثُمَّ تَقُومُ فَتَصْنَعُ مِثْلَ مَا صَنَعْتَ فِي الْأُولَى قَالَ قُلْتُ: وَإِنْ هُوَ قَرَأَ سُورَةً وَاحِدَةً فِي الْخَمْسِ رَكَعَاتٍ يُفَرِّقُهَا بَيْنَهُمَا قَالَ أَجْزَأُهُ أُمَّ الْقُرْآنِ فِي أَوَّلِ مَرَّةٍ فَإِنْ قَرَأَ خَمْسَ سُورٍ فَمَعَ كُلَّ سُورَةٍ أُمَّ الْكِتَابِ وَالْقُنُوتُ فِي الرَّكَعَةِ الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرَّكُوعِ إِذَا فَرَعْتَ مِنَ الْقِرَاءَةِ ثُمَّ تَقَنَّتْ فِي الرَّابِعَةِ مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ فِي السَّادِسَةِ ثُمَّ فِي الثَّامِنَةِ ثُمَّ فِي الْعَاشِرَةِ. (۱)

مرحوم شیخ طوسی، با سند خویش از گروهی از بزرگان اصحاب از حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما روایت کرده اند که فرمودند: همانا نماز خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی و لرزش شدید و زلزله، ده رکوع و چهار سجده دارد که رسول الله صلی الله علیه و آله در حالیکه مردم پشت سر او بودند آن را برای خورشید گرفتگی خواندند و وقتی از نماز فارغ شدند که گرفتگی خورشید برطرف شده بود و این گروه اصحاب روایت کرده اند که نماز در مورد همه این آیات برابر است و شدیدترین و طولانی ترین آن، نماز خورشید گرفتگی است که ابتدا برای افتتاح نماز تکبیر می گویی و سپس حمد و یک سوره قرائت میکنی و سپس به رکوع می روی و بعد سر از رکوع بر می داری و حمد و سوره دیگری می خوانی و به رکوع دوم می روی سپس سر از رکوع بر می داری و حمد و سوره می خوانی و به رکوع سوم می روی و بعد سر از رکوع بلند می کنی و دوباره حمد و سوره می خوانی و به رکوع چهارم می روی و بعد از سر برداشتن از رکوع حمد و سوره می خوانی و به رکوع پنجم می روی و سپس سر از رکوع بلند می کنی و می گوئی: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»

و سپس به سجده می روی و دو سجده انجام می دهی و بعد از جا بلند می شوی و هر آنچه در رکعت اول انجام دادی، در رکعت دوم هم انجام می دهی.

راوی گوید: گفتم: اگر یک سوره واحد را بین پنج رکوع تقسیم کند چطور است؟

حضرت فرمود: در این صورت یک سوره حمد در مرتبه اول برای آن کفایت می کند ولی اگر یک سوره کامل بخواند باید همراه هر سوره یک حمد هم خوانده شود. و قنوت آن قبل از رکوع دوم و بعد از قرائت است و همچنین قبل از رکوع چهارم و ششم و هشتم و دهم، قنوت انجام داده می شود.

ص: ۱۳۲

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبيد الله بن سنان قال قال أبو عبد الله صلوات الله على من آتته آية الزكاة: {خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا} وَ أُنزِلَتْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمْ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ عَلَيْكُمْ الصَّلَاةَ فَفَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمْ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ فَرَضَ الصَّدَقَةَ مِنَ الْبَابِلِ وَ الْبَقْرِ وَ الْعَنَمِ وَ مِنَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ فَنَادَى فِيهِمْ بِذَلِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ عَمَّا لَهُمْ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ قَالَ ثُمَّ لَمْ يَفْرَضْ لِشَيْءٍ مِنْ أَمْوَالِهِمْ حَتَّى حَالَ عَلَيْهِمُ الْحَوْلُ مِنْ قَابِلٍ فَصَامُوا وَ أَفْطَرُوا فَأَمَرَ مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي الْمُسْلِمِينَ أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ زَكُوا أَمْوَالَكُمْ تُقْبَلْ صَلَاتُكُمْ قَالَ ثُمَّ وَجَّهَ عُمَّالَ الصَّدَقَةِ وَ عُمَّالَ الطَّسُوقِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالله بن سنان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هنگامی که این آیه: {از اموال مردم زکات فریضه دریافت کن که آنان را پاک و وارسته سازی}. (سوره توبه آیه ۱۰۴) در ماه رمضان نازل شد، رسول الله صلی الله علیه و آله به منادی خود دستور داد که چنین اعلام کند: همانا خدا زکات را واجب کرد، چنان که نماز را بر شما واجب کرد. خدای عز و جل بر ایشان (زکات را) بر طلا و نقره واجب کرد و صدقه را بر شتران و گاو و گوسفندان، و گندم و جو، و خرما و کشمش واجب کرد. رسول الله صلی الله علیه و آله این حکم را در ماه رمضان به سمع مردم رساند و آنان را از دیگر موارد معاف نمود.

سپس گفت: چیزی از اموال شان پرداخت نشد تا این که سال آینده فرا رسید (یک سال گذشت). پس روزه گرفتند و افطار کردند و رسول الله صلی الله علیه و آله به منادی خود دستور داد که چنین اعلام کند: ای مسلمانان! زکات اموال تان را دهید تا نمازتان قبول شود.

حضرتش فرمود: در این هنگام رسول الله صلی الله علیه و آله مأمورین زکات را به مراتع و آبادی ها گسیل فرمود.

ص: ۱۳۳

۱۶۳- عدم پرداخت زکات

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي بصيرٍ عن أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله عليه قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَالٌ لَا يُرَكَّى. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابوبصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: مال و دارایی که زکات آن پرداخت نشود، مورد لعنت است، مورد لعنت است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي بصيرٍ عن أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله عليه قَالَ: مَنْ مَنَعَ قَيْرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْمَتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابوبصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر کس قیراطی از زکات مالش را نپردازد، یهودی یا نصرانی (یعنی بی ایمان) خواهد مرد.

۱۶۴- علت وضع زکات بدون کم و زیادی

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا صلوات الله عليه قَالَ: قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله عليه لَأَيِّ شَيْءٍ جَعَلَ اللَّهُ الزَّكَاةَ خَمْسَةً وَعِشْرِينَ فِي كُلِّ أَلْفٍ وَلَمْ يَجْعَلْهَا ثَلَاثِينَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَهَا خَمْسَةً وَعِشْرِينَ أَخْرَجَ مِنْ أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ بِقَدْرِ مَا يَكْتَفِي بِهِ الْفُقَرَاءُ وَلَوْ أَخْرَجَ النَّاسُ زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا احتَاجَ أَحَدٌ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسن بن علی و شاء روایت کرده که گفت: حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمود: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدند: چرا خداوند زکات را در هر هزار بیست و پنج قرار داد نه در سی؟

فرمود: خداوند متعال بیست و پنج قرار داد و از اموال ثروتمندان به اندازه نیاز فقرا بیرون آورد، اگر مردم زکات دارایی خود را پردازند، حتی یک نیازمند پیدا نمی شود.

ص: ۱۳۴

۱- . الكافي ج ۳ ص ۵۰۴ ح ۸.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۵۰۵ ح ۱۴.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۵۰۷ ح ۱.

۱۶۵- آنچه را رسول الله صلى الله عليه وآله به عنوان زکات مقرر فرمودند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ أَبِي بَصِيرٍ وَ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعَجَلِيِّ وَ فَضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا قَالَا فَرَضَ اللَّهُ الزَّكَاةَ مَعَ الصَّلَاةِ فِي الْأَمْوَالِ وَ سَنَّهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ وَ عَفَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَمَّا سِوَاهُنَّ فِي الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْأَبْلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ وَ عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از گروهی از اصحاب روایت کرده که گفتند: حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما فرمودند: خداوند زکات اموال را در کنار نماز، فرض و واجب کرد و رسول الله صلی الله علیه و آله زکات را در نه ماده سنت نهاد و از سایر مواد صرف نظر کرد. از این رو، زکات فریضه به طلا و نقره، شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش اختصاص یافت و سایر اموال از پرداخت زکات معاف گردید.

۱۶۶- کمترین نصاب زکات محصولات

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَعْدِ بْنِ سَعْدِ الْأَشْعَرِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ أَقَلِّ مَا يَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ مِنَ الْبُرِّ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّيْبِ فَقَالَ خَمْسَةُ أَوْسِيَّاقٍ بَوَسْقِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقُلْتُ كَمْ الْوَسْقُ قَالَ سِتُّونَ صَاعًا قُلْتُ فَهَلْ عَلَى الْعِنَبِ زَكَاةٌ أَوْ إِنَّمَا تَجِبُ عَلَيْهِ إِذَا صَيَّرَهُ زَبِيبًا قَالَ نَعَمْ إِذَا خَرَصَهُ أَخْرَجَ زَكَاةَهُ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سعد بن عبدالله اشعري روایت کرده که گفت: به حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه عرض کردم: کمترین محصول گندم، جو، کشمش و خرما که زکات دارند، چه مقدار است؟

فرمود: کمترین نصاب آن با معیار که رسول الله صلی الله علیه و آله مقرر کرده بود، (از) پنج بار شتر (یک بار آن حق زکات) است.

پرسیدم: با معیار رسول الله صلی الله علیه و آله یک بار شتر، چقدر می شود؟

ص: ۱۳۵

۱- . الكافي ج ۳ ص ۵۰۹ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۵۱۴ ح ۵.

فرمود: شصت صاع.

گفتم: وقتی که محصول انگور به دست آید، باید زکات آن را بدهند؟ یا بعد از آن که به صورت کشمش درآید؟

فرمود: آری، موقعی که تخمین بزنند، می توانند زکات آن را بپردازند.

۱۶۷- زکات طلا و نقره

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: فِي كُلِّ مِائَتِي دِرْهَمٍ خَمْسَهُ دَرَاهِمٍ مِنَ الْفِضَّةِ وَ إِنْ نَقَصَ فَلَيْسَ عَلَيْكَ زَكَاةٌ وَ مِنَ الذَّهَبِ مِنْ كُلِّ عَشْرِينَ دِينَارًا نِصْفُ دِينَارٍ وَ إِنْ نَقَصَ فَلَيْسَ عَلَيْكَ شَيْءٌ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر دویست درهم نقره، پنج درهم آن حق زکات است. کمتر از دویست درهم زکات ندارد. و هر بیست دینار طلا، نیم دینار آن حق زکات است، کمتر از آن زکات ندارد.

۱۶۸- زیور آلات و جواهرات زکات ندارند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْحُلِيِّ فِيهِ زَكَاةٌ قَالَ لَا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد حلبی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: زیور آلات زکات دارند؟

فرمود: نه.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ وَ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَيْسَ فِي الْجَوْهَرِ وَ أَشْبَاهِهِ زَكَاةٌ وَ إِنْ كَثُرَ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره و بکیر روایت کرده که گفتند: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: جواهر قیمتی و سنگ های گران بها زکات ندارند، گرچه مقدار آن بسیار باشد.

ص: ۱۳۶

۱- . الكافي ج ۳ ص ۵۱۵ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۵۱۷ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۵۱۹ ح ۱۰.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن خالد بن الحجاج الكرخي قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن الزكاة فقال أنظر شهراً من السنه فانو أن تؤدى زكاتك فيه فإذا دخل ذلك الشهر فانظر ما نصّ يعنى ما حصل في يدك من مالك فزكه فإذا حال الحول من الشهر الذي زكيت فيه فاستقبل بمثل ما صنعت ليس عليك أكثر منه. (۱)

مرحوم شيخ كلینی، با سند خویش از خالد بن حجاج کرخی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره زکات پرسیدم.

فرمود: یک ماه را در سال در نظر بگیر و نیت کن که زکات را در آن ماه بدهی؛ پس زمانی که آن ماه فرا رسید، بین چه چیزی از اموال را در دست داری و به دست آورده ای، پس زکات آن را پرداز. پس هرگاه که یک سال از ماهی که در آن ماه زکات داده ای گذشت، دوباره همان کار را در سال جدید انجام بده، و بیش از این چیزی بر عهده تو نیست.

۱۷۰- زکات شتر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الرحمن بن الحجاج عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: في خمس قلائص شاه و ليس فيما دون الخمس شيء و في عشر شاتان و في خمس عشرة ثلاث شياه و في عشرين أربع و في خمس و عشرين خمس و في ست و عشرين بنت مخاض إلى خمس و ثلاثين.

و قال عبد الرحمن هذا فرق بيننا و بين الناس فإذا زادت واحدة ففيها بنت لبون إلى خمس و أربعين فإذا زادت واحدة ففيها حقة إلى ستين فإذا زادت واحدة ففيها جذعة إلى خمس و سبعين فإذا زادت واحدة ففيها بنتا لبون إلى تسعين فإذا كثرت الأبل ففي كل خمسين حقة. (۲)

مرحوم شيخ كلینی، با سند خویش از عبدالرحمن بن حجاج روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: زکات پنج شتر، یک گوسفند است. کمتر از پنج شتر، زکات ندارد. ده شتر، دو

ص: ۱۳۷

۱- . الكافي ج ۳ ص ۵۲۲ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۵۳۲ ح ۲.

گوسفند، پانزده شتر، سه گوسفند؛ بیست و پنج شتر، پنج گوسفند. از بیست و شش تا سی و پنج شتر، یک ماده شتر دو ساله، از سی و شش تا چهل و پنج شتر، یک ماده شتر سه ساله، از چهل و شش تا شصت شتر، یک ماده شتر چهار ساله.

عبدالرحمن گوید: این فرقیست میان ما (شیعیان) و مردم (مخالفین)؛ و از شصت و یک تا هفتاد و پنج شتر، یک ماده شتر پنج ساله، و از هفتاد و شش تا نود شتر، دو ماده شتر سه ساله. و موقعی که شمار شتر افزون شود، بابت هر پنجاه شتر یک ماده شتر چهار ساله به عنوان زکات پردازند.

۱۷۱- زکات گوسفند و گاو

۱- قال الإمام الرضا صلوات الله عليه: لَيْسَ عَلَى الْغَنَمِ زَكَاةٌ حَتَّى تَبْلُغَ أَرْبَعِينَ شَاةً فَإِذَا زَادَتْ عَلَى الْأَرْبَعِينَ وَاحِدَةً فَفِيهَا شَاةٌ إِلَى عَشْرِينَ وَ مِائَةٌ فَإِذَا زَادَتْ وَاحِدَةً فَفِيهَا شَاتَانِ إِلَى مِائَتَيْنِ فَإِذَا زَادَتْ وَاحِدَةً فَفِيهَا ثَلَاثَةٌ إِلَى ثَلَاثِمِائَةٍ فَإِذَا كَثُرَ الْغَنَمُ أُسْقِطَ هَذَا كُلُّهُ وَ يُخْرَجُ فِي كُلِّ مِائَةٍ شَاةٌ.

وَ فِي الْبَقَرَةِ إِذَا بَلَغَتْ ثَلَاثِينَ بَقَرَةً فَفِيهَا تَبِيعٌ حَوْلِيٌّ وَ لَيْسَ فِيهَا إِذَا كَانَتْ دُونَ ثَلَاثِينَ شَيْءٌ فَإِذَا بَلَغَتْ أَرْبَعِينَ فَفِيهَا مُسِنَّةٌ إِلَى سِتِّينَ فَإِذَا بَلَغَتْ سِتِّينَ فَفِيهَا تَبِيعَانِ إِلَى سَبْعِينَ فَإِذَا بَلَغَتْ سَبْعِينَ فَفِيهَا تَبِيعَةٌ وَ مُسِنَّةٌ إِلَى ثَمَانِينَ فَإِذَا بَلَغَتْ ثَمَانِينَ فَفِيهَا مُسِنَّتَانِ إِلَى تِسْعِينَ فَإِذَا بَلَغَتْ تِسْعِينَ فَفِيهَا ثَلَاثُ تَبَايِعٍ فَإِذَا كَثُرَتِ الْبَقَرَةُ سَقَطَ هَذَا كُلُّهُ وَ يُخْرَجُ مِنْ كُلِّ ثَلَاثِينَ بَقَرَةً تَبِيعَانِ وَ مِنْ كُلِّ أَرْبَعِينَ مُسِنَّةٌ. (۱)

حضرت امام رضا صلوات الله عليه فرمودند: بر گوسفند زکات نیست تا به چهل گوسفند رسد؛ پس چون به چهل رسد و یک گوسفند زیاد شود، یک گوسفند واجب است تا صد و بیست؛ پس چون یکی زیاد شود دو گوسفند می دهد تا دویست؛ پس اگر یکی زیاد شود سه گوسفند می دهد تا سیصد؛ پس هر گاه گوسفند زیاد شود دیگر این حساب ساقط است و از هر صد تا یکی می دهد.

در گاو زکات واجب نیست تا به سی گاو برسد و چون به سی گاو برسد در آن تبیع حولی (گوساله یک ساله) واجب است، چون به چهل گاو می رسد در آن مسنه (گوساله پا در سه سال) یعنی تا شصت گاو، پس اگر شصت تمام می شود دو تبیعه می دهد تا هفتاد؛ پس چون به هفتاد رسید یک تبیع و یک مسنه می دهد تا

ص: ۱۳۸

هشتاد؛ پس چون به هشتاد می رسد در آن دو مسنه است تا نود؛ و چون به نود می رسد سه تبع می دهد و چون گاو بسیار شد این عدد ساقط است و صاحب گاو از هر سی گاو دو تبع می دهد و از هر چهل گاو یک مسنه می دهد.

۱۷۲- حکمی شخصی که به گمان خود به تنگدستی زکات می پردازد، آنگاه معلوم می شود که ثروتمند بود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحسين بن عثمان عن أبي عبد الله صلوات الله عليه في رجل يعطي زكاه ماله رجلاً و هو يرى أنه معسر فوجدته موسراً قال لا يجزئ عنه. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند از حسین بن عثمان از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره شخصی که زکات مالش را به فردی که به پندارش تنگدست است می دهد، ولی بعداً می فهمد که ثروتمند بوده، فرمود: از زکات کفایت نمی کند (باید زکات آن مال را به مستمند و فقیر مستحق زکات بدهد).

۱۷۳- زکات را فقط به اهل ولایت باید پرداخت کرد

۱- الشيخ عبد الله بن جعفر الحميري، بإسناده عن علي بن أبي حمزة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سألته عن الزكاه هل هي لأهل الولايه قال قد بين ذلك لكم في طائفه من الكتاب. (۲)

مرحوم شیخ عبدالله بن جعفر حمیری، با سند خویش از علی از برادرش حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیهما روایت که گفت: از آن حضرت در مورد اینکه آیا زکات فقط برای اهل ولایت است پرسید.

فرمود: این مطلب در نامه های زیادی برای شما تبیین شد.

۲- الشيخ الصدوق، بإسناده عن الأعمش عن الصادق صلوات الله عليه قال: لا يحل أن تدفع الزكاه إلا إلى أهل الولايه و المعرفه. (۳)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از اعمش از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: پرداخت زکات جز بر اهل ولایت و معرفت حلال نیست.

ص: ۱۳۹

۱- الكافي ج ۳ ص ۵۴۵ ح ۱.

۲- قرب الاسناد ص ۱۳۵. بحار الانوار ج ۹۳ ص ۶۰ ح ۱۸.

۳- الخصال ج ۲ ص ۱۵۲. بحار الانوار ج ۹۳ ص ۶۴ ح ۲۳.

۱۷۴- کسی که از قیمت زکاتش می پردازد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ هَلْ يُجُوزُ أَنْ يُخْرَجَ عَمَّا يَجِبُ فِي الْحَرْثِ مِنَ الْجَنْطِ وَالشَّعِيرِ وَ مَا يَجِبُ عَلَى الذَّهَبِ دَرَاهِمُ بِقِيمِهِ مَا يَسْوَى أَمْ لَا يُجُوزُ إِلَّا أَنْ يُخْرَجَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَا فِيهِ فَأَجَابَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَيُّمَا تَيَسَّرَ يُخْرَجُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از احمد بن محمد بن خالد برقی، روایت کرده که گفت: طی نامه ای به حضرت امام محمد تقی جواد صلوات الله علیه نوشتم: در محصول گندم و جو و یا در نقدینه طلا می توانیم حق زکات را قیمت بگذاریم و در برابر آن درهم پردازیم؟

یا اینکه باید سهم زکات را از خود آن محصول و عین طلا خارج کنیم؟

حضرتش در پاسخ من نوشت: هر نوع که آسان تر باشد، حق زکات را خارج کنید.

۱۷۵- کسی که اخذ زکات بر او حلال است و کسی که اخذ زکات بر او حلال نیست و کسی مال کمی دارد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ يَأْخُذُ الزَّكَاةَ صَاحِبُ السَّبْعِمِائَةِ إِذَا لَمْ يَجِدْ غَيْرَهُ قُلْتُ فَإِنَّ صَاحِبَ السَّبْعِمِائَةِ تَجِبُ عَلَيْهِ الزَّكَاةُ قَالَ زَكَاتُهُ صَدَقَةٌ عَلَى عِيَالِهِ (أى يتوسع بها عليهم فى طعامهم و شرابهم و كسوتهم) وَ لَمَّا يَأْخُذُهَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ إِذَا اعْتَمَدَ عَلَى السَّبْعِمِائَةِ أَنْفَدَهَا فِي أَقْلٍ مِنْ سَيِّئِهِ فَهَذَا يَأْخُذُهَا وَ لَا تَحِلُّ الزَّكَاةُ لِمَنْ كَانَ مُحْتَرِفًا وَ عِنْدَهُ مَا يَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابوبصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: انسان با موجودی هفتصد درهم می تواند زکات بگیرد؛ در صورتی که نتواند مال دیگری بدست آورد.

گفتم: با موجودی هفتصد درهم خودش باید زکات بدهد؟ چگونه می تواند زکات بگیرد؟

ص: ۱۴۰

۱- . الكافي ج ۳ ص ۵۵۹ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۵۶۰ ح ۱.

فرمود: با چنین موجودی ناچیز، اگر قرار باشد که زکات بدهد، باید زکات خود را به اهل و عیال منزل بدهد (یعنی در خورد و خوراک آنان توسعه دهد) با هفتصد درهم، موقعی می تواند زکات بگیرد که اگر از پا بنشیند و موجودی خود را به مصرف برساند، پیش از گذشت یک سال، همه را تمام کند. ولی اگر کار و پیشه دارد که مخارج او را تأمین می کند و به اندازه نصاب زکات، موجودی دارد، نمی تواند زکات بگیرد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ الصَّدَقَةَ لَا تَحِلُّ لِمُحْتَرِفٍ وَلَا لِذِي مِرَّةٍ سِوَى قَوِيٍّ فَتَنَزَّهُوا عَنْهَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: برای پیشه وران و کارگران قوی بنیه، حلال نیست که زکات دریافت کنند پس با داشتن پیشه و کار، از گرفتن زکات خودداری نمایید.

۱۷۶- کسی که زکات بر او حلال است، ولی از گرفتن آن خودداری می کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هَلَالِ بْنِ خَاقَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ تَارِكُ الزَّكَاةِ وَقَدْ وَجَبَتْ لَهُ مِثْلُ مَا نَعَاهَا وَقَدْ وَجِبَتْ عَلَيْهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالله بن هلال بن خاقان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: کسی که دریافت زکات برای او واجب است و نمی گیرد مانند کسی است که پرداخت زکات بر او واجب است و نمی دهد.

۱۷۷- صدقه بر بنی هاشم

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: قُلْتُ لَهُ أ تَحِلُّ الصَّدَقَةُ لِبَنِي هَاشِمٍ فَقَالَ إِنَّهَا تَلْمِكُ الصَّدَقَةَ الْوَاجِبَةَ عَلَى النَّاسِ لِمَا تَحِلُّ لَنَا فَأَمَّا غَيْرُ ذَلِكَ فَلَيْسَ بِهِ بَأْسٌ وَ لَوْ كَانَ كَذَلِكَ مَا اسْتِطَاعُوا أَنْ يَخْرُجُوا إِلَى مَكَّةَ هَذِهِ الْمِيَاهُ عَامَّتْهَا صَدَقَةٌ. (۳)

ص: ۱۴۱

۱- . الكافي ج ۳ ص ۵۶۰ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۳ ص ۵۶۳ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۵۹ ح ۳.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جعفر بن ابراهیم هاشمی روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: آیا صدقه بر بنی هاشم حلال است؟

فرمود: زکات واجب بر مردم بر ما حلال نمی شود. ولی موارد دیگر ایرادی ندارد. و اگر چنین بود آنان نمی توانستند به مکه بروند، زیرا این آب های بین راه صدقه هستند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن إسماعيل بن الفضل الهاشمي قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن الصدقة التي حرمت على بني هاشم ما هي قال هي الزكاة قلت فتجل صدقة بعضهم على بعض قال نعم. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسماعیل بن فضل هاشمی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: کدام صدقه بر بنی هاشم حرام شده است؟

فرمود: زکات.

گفتم: آیا صدقه آنها به همدیگر حلال می شود؟

فرمود: آری.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي خديجه عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: أعطوا الزكاة من أرادها من بني هاشم فإنها تجل لهم وإنما تحرم على النبي صلى الله عليه وآله و الإمام الذي من بعده و الأئمة صلوات الله عليهم أجمعين. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو خدیجه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر کس از بنی هاشم زکات خواست به او بپردازید، زیرا زکات بر آنان حلال است. زکات فقط بر نبی صلی الله علیه و آله و امام بعد از او و بر ائمه صلوات الله عليهم اجمعين حرام است.

۵- الشيخ الصدوق، قال: اعلموا رحمكم الله أنه لا يجوز أن تدفع الزكاة إلا إلى أهل الولايه و لا يعطى من أهل الولايه الأبوان و الولد و لا الزوج و الزوجه و المملوك و كل من يجبر الرجل على نفقته و قد فضل الله بني هاشم بتحريم الزكاة عليهم فأما اليوم فإنها تجل لهم لأنهم قد منعوا الخمس. (۳)

ص: ۱۴۲

۱- . الكافي ج ۴ ص ۵۹ ح ۵.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۵۹ ح ۶. ۴۴.

۳- . الهدايه ص ۵۷۰ باب ۸۲. بحار الانوار ج ۹۳ ص ۶۹ ح ۴۴.

مرحوم شیخ صدوق، گوید: خدا شما را رحمت کند، بدانید که جایز نیست زکات به غیر اهل ولایت داده شود و از میان اهل ولایت نیز به پدر و مادر و زن و شوهر و برده زکات پرداخت نمی شود و هر کس که شخص مجبور است نفقه آن ها را بپردازد، زکات به او تعلق نمی گیرد، و به یقین خداوند با تحریم زکات بر بنی هاشم آن ها را برتری داده است؛ اما امروز زکات برای آنان حلال می شود زیرا از گرفتن خمس منع شده اند.

توضیح: سادات محترم تا می توانند از گرفتن زکات خودداری نمایند، چنانکه در احادیث زیادی منع شده اند. اما اگر در تنگنا قرار گرفتند طبق حدیث چهارم این باب و احادیث دیگر می توانند زکات بگیرند چنانکه از کلام مرحوم شیخ صدوق نیز چنین فهمیده می شود.

ولی کسانی که مادرش سیده است اما پدرش سید نیست، بر چنین اشخاصی زکات در همه حال حلال است.

۱۷۸- خمس در زمان غیبت مباح است

۱- الشيخ الصدوق، یاسناده عن إسحاق بن يعقوب قال سألت محمد بن عثمان العمري رضي الله عنه أن يوصل لي كتابا قد سألت فيه عن مسائل أشكلت على فوردت التوقيع بخط مولانا صاحب الزمان صلوات الله عليه: وَ أَمَّا الْخُمْسُ فَقَدْ أُبِيحَ لِشِيعَتِنَا وَ جُعِلُوا مِنْهُ فِي حِلٍّ إِلَى أَنْ يَظْهَرَ أَمْرُنَا لِتَطْيِبِ وَلَادَتُهُمْ وَ لَا تَخُبْثَ. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از اسحاق بن یعقوب روایت کرده که گفت: از محمد بن عثمان عمری رضی الله عنه درخواست کردم نامه ای را که مشتمل بر مسائل دشوارم بود برساند و توقیعی به خط مولای ما حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه چنین صادر شد:

و امّا خمس برای شیعیان مباح است و برای ایشان تا هنگام ظهور ما حلال گشته است، تا ولادت شان پاک باشد و پلید نشوند.

توضیح: این حدیث شریف طولانی است، بنده فقط محل مورد نظر را از آن نقل کرده ام.

۲- الشيخ الصدوق في «باب الاعتقاد في العلوية» قال: و أمّا الزكاه فإنّها تحل لهم اليوم عوضاً عن الخمس، لأنهم قد منعوا منه. (۲)

ص: ۱۴۳

۱- . إكمال الدين و إتمام النعمة ج ۲ ص ۴۸۵ ح ۴. الإحتجاج (للطبرسي) ص ۴۷۰.

۲- . الاعتقادات (للصدوق) ص ۱۱۱ باب ۴۱.

مرحوم شیخ صدوق (در باب اعتقاد درباره علویان) گوید: و اما زکات امروز حلال است بر ایشان به عوض خمس، چون از آن ممنوع گردیده اند.

توضیح: با صدور این فرمان حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه و عجل الله تعالی فرجه الشریف تکلیف پرداختن یا پرداختن خمس کاملاً روشن گردیده و جای هیچ بحثی را باقی نگذاشته است لذا طبق فرمان حضرت بقیه الله صلوات الله علیه خمس برای شیعیان آل محمد صلوات الله علیهم تا هنگام ظهور حضرتش مباح گردیده است.

اما آنچه علماء در طول سالیان دراز تفاسیر مختلف و قید و بندهای در این توفیق شریف اضافه کرده اند، همه ی آن ها مأخوذ از رأی و گمان آنان بوده و این توفیق شریف همچون تفاسیر و قید و بندهایی را پذیرا نیست. چنانکه مرحوم شیخ صدوق رضوان الله علیه که در عصر غیبت صغری و اوایل غیبت کبری زندگی می کردند از این توفیق شریف اباحه خمس را بدون هیچ قید و بندی فهمیده و در کتاب اعتقادات امامیه خویش ذکر کرده است.

لذا بنده احکامی که مرتبط با خمس داشتند را لازم ندیدم که بیاورم.

اما اینکه جمع کثیری از علماء به نیابت از حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم خمس را از شیعیان حضرات اخذ می کنند مرتکب خطاهای بزرگی شده اند زیرا اولاً به دروغ ادعای نیابت از حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم دارند خصوصاً در باب این مسئله، در حالی که این دروغ محض است و ایشان هیچ دلیلی بر مدعای خویش به خصوص در باب اخذ خمس ندارند بلکه بنده روایات زیادی را در باره مدعیان دروغین نیابت در باب ولایت فقیه و تقلید ذکر کرده ام. ثانیاً ایشان خلاف فرمان حضرت بقیه الله صلوات الله علیه و با تکیه به روایاتی که در عصر ائمه ماقبل صلوات الله علیهم طبق شرایط آن زمان صادر شده که دلیلی برای نافرمانی از فرمان حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه شده نمی توانند، و بدون اذن حضرتش صلوات الله علیه خمس را از شیعیان اخذ کرده و طبق رأی و گمان خویش به مصرف می رسانند.

اما بعضاً شبهه ای را در باب حق سادات از خمس و اینکه بعضی از ایشان نیازمند و محتاج اند مطرح کرده از این راه می خواهند مشروعیت برای اخذ عموم خمس نمایند!

پاسخ این است که اولاً- حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه درباره حق سادات از خمس به ما دستوری نفرموده اند لذا نباید با نظر خویش امری را ایجاد کنیم. ثانیاً کمک به سادات مخصوص خمس نبوده بلکه

می توان از طرق متعددی همانند کمک به برادران مؤمن که واجب است رسیدگی و کمک نمود. ثالثاً آن عده از ساداتی که در تنگنای مالی قرار گیرند جایز است که زکات و صدقه بگیرند چنانکه در باب قبلی بعضی از روایاتش آورده شده است و مرحوم شیخ صدوق رضوان الله علیه نیز همین نظر را دارند.

۱۷۹- کیفر کسی که بدون اذن معصوم در خمس دخل و تصرف کرده و آن را به مصرف می رساند

۱- الشيخ الصدوق، بإسناده عن أبي بصير قال قلت لأبي جعفر صلوات الله عليه أضحكك الله ما أيسر ما يدخل به العبد النار قال من أكل من مال اليتيم درهماً ونحن اليتيم. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از ابوبصیر روایت کرده که گفت: به حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه عرض کردم: خداوند به شما خیر دهد، چه عملی بنده را به راحتی وارد جهنم می کند؟

فرمود: خوردن درهمی از مال یتیم، و ما هستیم آن یتیم.

۲- الشيخ الصدوق، بإسناده عن إسحاق بن يعقوب قال سألت محمد بن عثمان العمري رضي الله عنه أن يوصل لي كتاباً قد سألت فيه عن مسائل أشكلت علي فوردت التوقيع بخط مولانا صاحب الزمان صلوات الله عليه: وَأَمَّا الْمُتَلَبِّسُونَ بِأَمْوَالِنَا فَمَنْ اسْتَحَلَّ مِنْهَا شَيْئًا فَأَكَلَهُ فَإِنَّمَا يَأْكُلُ النَّيْرَانَ. (۲)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از اسحاق بن یعقوب روایت کرده که گفت: از محمد بن عثمان عمري رضي الله عنه درخواست کردم نامه ای را که مشتمل بر مسائل دشوارم بود برساند و توقیعی به خط مولای ما حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه چنین صادر شد: و اما کسانی که اموال ما را با اموال خودشان در می آمیزند، هر کس چیزی از اموال ما را حلال شمارد و آن را بخورد همانا آتش خورده است.

توضیح: این توقیع شریف طولانی است، بنده فقط محل مورد نظر را از آن نقل کرده ام.

۳- الشيخ الصدوق، بإسناده عن أبي الحسين محمد بن جعفر الأسدي قال كان فيما ورد علي [من] الشيخ أبي جعفر محمد بن عثمان العمري قدس الله روحه في جواب مسألي إلى صاحب الدار صلوات الله عليه: أَمَا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرٍ مَنْ يَسْتَحِلُّ مَا فِي يَدِهِ مِنْ

ص: ۱۴۵

۱- . الفقيه ج ۲ ص ۲۲ ح ۱۶۵۵.

۲- . إكمال الدين وإتمام النعمة ج ۲ ص ۴۸۵ ح ۴. الإحتجاج (للطبرسي) ص ۴۷۰.

أَمْوَالِنَا وَ يَتَصَرَّفُ فِيهِ تَصَرُّفَهُ فِي مَالِهِ مِنْ غَيْرِ أَمْرِنَا فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مُلْعُونٌ وَ نَحْنُ خُصَمَاؤُهُ فَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الْمُسْتَحْلُ مِنْ عَثْرَتِي مَا حَرَّمَ اللَّهُ مُلْعُونٌ عَلَى لِسَانِي وَ لِسَانِ كُلِّ نَبِيٍّ مُجَابٍ فَمَنْ ظَلَمْنَا كَانَ مِنْ جُمْلَةِ الظَّالِمِينَ لَنَا وَ كَانَتْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ بِقَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ: {أَلَا- لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ} إِلَى أَنْ قَالَ وَ أَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرِ الضِّيَاعِ الَّتِي لِنَاحِيَّتِنَا هَلْ يَجُوزُ الْقِيَامُ بِعِمَارَتِهَا وَ أَداءُ الْخَرَاكِ مِنْهَا وَ صَرَفُ مَا يَفْضُلُ مِنْ دَخْلِهَا إِلَى النَّاحِيَةِ- اِحْتِسَابًا لِلْأَجْرِ وَ تَقَرُّبًا إِلَيْكُمْ فَلَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَصَرَّفَ فِي مَالٍ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ فَكَيْفَ يَحِلُّ ذَلِكَ فِي مَالِنَا مَنْ فَعَلَ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ لِغَيْرِ أَمْرِنَا فَقَدْ اسْتَحْلَ مِنَّا مَا حَرَّمَ عَلَيْهِ وَ مَنْ أَكَلَ مِنْ مَالِنَا شَيْئًا فَإِنَّمَا يَأْكُلُ فِي بَطْنِهِ نَارًا وَ سَيُضَلِّي سَعِيرًا. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از ابو الحسین محمد بن جعفر اسدی رضی الله عنه روایت کرده که گفت: به توسط شیخ ابو جعفر محمد بن عثمان - قدس الله روحه - از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه سوال هایی کردم و این پاسخ ها صادر شد: و اما آنچه پرسیدی از کسی که اموالی از ما در تصرف دارد و آن را حلال می شمارد و بی اذن ما به مانند مال خود در آن تصرف می کند، پس کسی که چنین کند ملعون است و ما در روز قیامت خصم او هستیم و رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است:

کسانی که از عترتم حلال شمارند آنچه را که خدای تعالی حرام شمرده است به زبان من و هر پیامبری ملعون است، و هر که بر ما ستم کند از جمله ستمکاران است و لعنت خدای تعالی بر او خواهد بود زیرا خدای تعالی فرموده است: {أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ}. (سوره هود آیات ۱۱-۱۸) تا آنجا که حضرت فرمودند: اما پرسش از مزارعی که متعلق به ناحیه ماست که آیا جایز است آنها را عمران کرد و خراج آنها را پرداخت و هر چه از درآمدش بیش باشد برای دریافت ثواب و تقرب به ما به ناحیه فرستاد؟ بدان که تصرف در مال احدی بی اذن او جایز نیست، پس چگونه در مال ما جایز باشد و هر کس بدون اذن ما چنین کند چیزی را حلال شمرده است که بر وی حرام است و هر کس چیزی از اموال ما را بخورد جز این نیست که در شکمش آتش پر کرده باشد و به زودی به آتش افکنده شود.

۴- الشيخ الصدوق، یاسناده عن أبو جعفر محمد بن محمد الخزازي رضي الله عنه عن أبو علي بن أبي الحسين الأسدي عن أبيه قال: ورد علي توقيع من الشيخ أبي جعفر محمد بن

ص: ۱۴۶

عُثْمَانُ بْنُ الْعَمْرِىُّ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ ابْتِدَاءً لَمْ يَتَقَدَّمْهُ سُؤَالَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ عَلَى مَنْ اسْتَحَلَّ مِنْ أَمْوَالِنَا دِرْهَمًا قَالَ أَبُو الْحُسَيْنِ الْأَسَدِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَوَقَعَ فِي نَفْسِي أَنْ ذَلِكَ فِيمَنْ اسْتَحَلَّ مِنْ مَالِ النَّاحِيَةِ دِرْهَمًا دُونَ مَنْ أَكَلَ مِنْهُ غَيْرَ مُسْتَحِلٍّ لَهُ وَقُلْتُ فِي نَفْسِي إِنَّ ذَلِكَ فِي جَمِيعِ مَنْ اسْتَحَلَّ مُحَرَّمًا فَأَيُّ فَضْلٍ فِي ذَلِكَ لِلْحُجَّةِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ غَيْرِهِ قَالَ فَوَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ بَشِيرًا لَقَدْ نَظَرْتُ بَعْدَ ذَلِكَ فِي التَّوْقِيعِ فَوَحَّدْتُهُ قَدْ انْقَلَبَ إِلَى مَا كَانَ فِي نَفْسِي بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ عَلَى مَنْ أَكَلَ مِنْ مَالِنَا دِرْهَمًا حَرَامًا قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْخَزَاعِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ أَخْرَجَ إِلَيْنَا أَبُو عَلِيٍّ بْنُ أَبِي الْحُسَيْنِ الْأَسَدِيُّ هَذَا التَّوْقِيعَ حَتَّى نَنْظُرْنَا فِيهِ وَقَرَأْنَاهُ. (١)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از محمد بن محمد خزاعی از ابو علی بن ابو الحسین اسدی از پدرش روایت کرده که گفت: توقیعی از جانب شیخ ابو جعفر محمد بن عثمان عمری - قدس الله روحه - ابتداء و بدون سؤال چنین صادر گردید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَعْنَةُ خَدَاوَنَدٍ وَ مَلَائِكَةٍ وَ هَمَّةِ مَرْدَمٍ بِرِ كَسِي بَادِ كِه دَرِهْمِي اَز مَالِ مَا رَا بِرِ خُودِ حَلَالِ شِمَارِدِ. اَبُو الْحُسَيْنِ اسَدِيُّ كَوِيْد: دَر دَلَمِ خَطُورِ كَرْدِ كِه اِيْنِ تَوَقِيعِ دَر بَارِهِ كَسِي اسْتِ كِه دَرِهْمِي اَز اَمْوَالِ نَاحِيَةِ رَا بِرِ خُودِ حَلَالِ شِمَارِدِ وَ نِه كَسِي كِه اَز اَمْوَالِ نَاحِيَةِ مِي خُورِدِ وَلِي اَن رَا بِرِ خُودِ حَلَالِ نَمِي شِمَارِدِ وَ بَا خُودِ كَفْتَم: اَن دَر بَارِهِ هَمَّةِ كَسَانِي اسْتِ كِه حَرَامِي رَا حَلَالِ شِمَارِنَدِ وَ بَرْتَرِي اِمَامِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ بِرِ دِيْكَرَانِ دَر اِيْنِ بَابِ چِيْسْت؟ كَوِيْد: قَسْمِ بِهِ خَدَايِي كِه حَضْرَتِ مُحَمَّدِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ رَا بِهِ عُنْوَانِ پِيَامِبِرِ وَ بَشِيْرِ فَرَسْتَادِ دِيْكَرِ بَارِ بِهِ اَن تَوَقِيعِ نَكْرِيْسْتَمِ وَ دِيْدَمِ اَن تَوَقِيعِ بِرِ طَبَقِ اَنچِه دَر دَلَمِ خَطُورِ كَرْدِ تَغْيِيْرِ يَافْتِهِ وَ چِنِيْنِ اسْت: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَعْنَةُ خَدَاوَنَدٍ وَ مَلَائِكَةٍ وَ هَمَّةِ مَرْدَمٍ بِرِ كَسِي بَادِ كِه دَرِهْمِي اَز مَالِ مَا رَا بِهِ حَرَامِ بِخُورِدِ.

ابو جعفر محمد بن محمد خزاعی گوید: ابو علی اسدی این توقیع را برای ما بیرون آورد و ما به آن نگریستیم و آن را خواندیم.

ص: ۱۴۷

توضیح: مذمت های شدید این احادیث شریفه شامل کسانی می شود که به هر عنوانی تصرف در خمس نموده و آن را حیف و میل می نمایند بدون اینکه حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه و عجل الله تعالی فرجه الشریف به آنان اذنی داده باشد. و باید دانست که حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه و عجل الله تعالی فرجه الشریف به هیچ کسی در جمع آوری و مصرف آن اذنی نداده بلکه آن را برای شیعیان خویش تا هنگام ظهور پر سرورش مباح فرموده است.

ص: ۱۴۸

۱۸۰- فضیلت روزه و روزه دار

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: يُبْنَى الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: اسلام بر پنج اساس، پایه گذاری شده است نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.

و رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: روزه سپر از آتش دوزخ است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مَسْعَدَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: نَوْمُ الصَّائِمِ عِبَادَةٌ وَ نَفْسُهُ تَسْبِيحٌ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از مسعده روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: خواب روزه دار عبادت و تنفس او تسبیح است.

۱۸۱- فضیلت ماه رمضان

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ الْمُسَيَّمِيِّ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يُوصِي وَوَلَدَهُ إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ فَأَجْهَدُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنَّ فِيهِ تَقْسِمُ الْأَرْزَاقِ وَ تُكْتَبُ الْأَجَالُ وَ فِيهِ يُكْتَبُ وَفَدُ اللَّهِ الَّذِينَ يَفِدُونَ إِلَيْهِ وَ فِيهِ لَيْلَةُ الْعَمَلِ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْعَمَلِ فِي أَلْفِ شَهْرٍ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: مسمعی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیده که حضرتش در وصیت به فرزندان فرمود: آنگاه که ماه رمضان فرا رسد خود را به کوشش وادارید، زیرا که در آن ماه ارزاق تقسیم می گردد و سررسید اجل ها نوشته می شود. در آن

ص: ۱۴۹

۱- . الكافي ج ۴ ص ۶۲ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۶۵ ح ۱۲.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۶۶ ح ۲.

ماه تمام حج کنندگان که به مهمانی خدا مشرف می شوند نوشته می شود و در آن ماه شبی است که عمل در آن از عمل در هزار ماه بهتر است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن هشام بن الحكم عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: مَنْ لَمْ يُعْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ يُعْفَرْ لَهُ إِلَى قَابِلٍ إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از هشام بن حکم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر که در ماه رمضان آمرزیده نشود تا ماه رمضان آینده آمرزیده نخواهد شد مگر آن که در عرفه حاضر گردد.

۱۸۲- پاداش کسی که به روزه داری افطاری دهد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن موسى بن بكر عن أبي الحسن موسى صلوات الله عليه قال: فطرك أخاك الصائم أفضل من صيامك. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از موسی بن بکر روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمود: افطاری دادن تو به برادر روزه دارت از روزه داشتنت بهتر است.

۱۸۳- نهی از گفتن رمضان بدون کلمه ماه

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سعد بن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: كُنَّا عِنْدَهُ ثَمَانِيَةَ رِجَالٍ فَذَكَرْنَا رَمَضَانَ فَقَالَ لَا تَقُولُوا هَذَا رَمَضَانُ وَلَا ذَهَبَ رَمَضَانُ وَلَا جَاءَ رَمَضَانُ فَإِنَّ رَمَضَانَ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَجِيءُ وَلَا يَذْهَبُ وَإِنَّمَا يَجِيءُ وَيَذْهَبُ الزَّائِلُ وَ لَكِنْ قُولُوا شَهْرُ رَمَضَانَ فَإِنَّ الشَّهْرَ مُضَافٌ إِلَى الْإِسْمِ وَالْإِسْمُ اسْمُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ جَعَلَهُ مَثَلًا وَعِيدًا. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سعد روایت کرده که گفت: با هشت تن خدمت حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه شرف حضور داشتیم، سخن از رمضان بود. حضرتش فرمود: نگوئید: این رمضان است، رمضان رفت و رمضان آمد، زیرا رمضان، نامی از نام های خداوند متعال است، نه می آید و نه می رود، فقط

ص: ۱۵۰

۱- . الكافي ج ۴ ص ۶۶ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۶۸ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۶۹ ح ۲.

آن چه از بین رونده است می آید و می رود، ولی بگویند: ماه رمضان، چرا که ماه بر آن افزوده شده و آن نام، نام خدای عز ذکرة است و آن ماهی است که در آن قرآن فرود آمد که خدا آن را حجت و بشارت قرار داد.

۱۸۴- هلال ماه ها و گواهی دادن بر آن ها

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذَا رَأَيْتُمُ الْهَيْلَالَ فَصُومُوا وَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَأَفْطِرُوا وَ لَيْسَ بِالرَّأْيِ وَ لَا بِالتَّظْنِ وَ لَيْسَ الرُّؤْيَةُ أَنْ يَقُومَ عَشْرَةٌ نَفَرٍ فَيَقُولَ وَاحِدٌ هُوَ ذَا وَ يَنْظُرُ تَسْبِعَهُ فَلَا يَرُونَهُ لَكِنْ إِذَا رَأَاهُ وَاحِدٌ رَأَاهُ أَلْفٌ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه فرمود: هنگامی که هلال (ماه رمضان) را رؤیت کردید روزه بدارید و چون هلال (ماه شوال) را رؤیت نمایید، افطار کنید و ماه به رأی و گمان ثابت نمی شود و رؤیت این نیست که ده نفر به (نظاره) بایستند پس یکی از ایشان می گوید: هلال این است و نه نفر نگاه کنند، ولی آن را نینند، بلکه وقتی یک نفر آن را دید در واقع هزار نفر آن را دیده است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الصَّلْتِ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذَا غَابَ الْهَيْلَالَ قَبْلَ الشَّفَقِ فَهُوَ لِلَّيْلَةِ وَ إِذَا غَابَ بَعْدَ الشَّفَقِ فَهُوَ لِلْيَتِيمِ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از صلت خزاز روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: هرگاه هلال (ماه) پیش از شفق ناپدید شود، ماه یک شبه است و وقتی بعد از شفق ناپدید گردد، ماه دو شبه است.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن حَمَّادِ بْنِ عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَا تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي الْهَيْلَالِ وَ لَا تَجُوزُ إِلَّا شَهَادَةُ رَجُلَيْنِ عَدْلَيْنِ. (۳)

ص: ۱۵۱

۱- الكافي ج ۴ ص ۷۷ ح ۶.

۲- الكافي ج ۴ ص ۷۷ ح ۷.

۳- الكافي ج ۴ ص ۷۷ ح ۴.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حماد بن عثمان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: گواهی زنان در رؤیت هلال جایز نیست و فقط گواهی دو مرد عادل جایز است.

۱۸۵- حکم روزی که مورد شک قرار می گیرد که آن از ماه رمضان است یا از شعبان

۱- الشیخ الكلینی، بإسناده عن بَشِيرِ النَّبَالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ الشَّكِّ فَقَالَ صُمُّهُ فَإِنْ يَكُ مِنْ شَعْبَانَ كَانَ تَطَوُّعًا وَإِنْ يَكُ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَيَوْمٌ وَفُقَّتْ لَهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از بشیر نبال روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله از روزه روز شک پرسیدم؟

فرمود: آن روز را روزه بدار اگر از شعبان باشد روزه مستحبی محسوب می شود و اگر از ماه رمضان باشد پس روزی است که به آن موفق شده ای.

۱۸۶- اقسام روزه

۱- علی بن ابراهیم القمی، بإسناده عن الزُّهْرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا قَالَ: قَالَ لِي يَوْمًا يَا زُهْرِيُّ مِنْ أَيْنَ جِئْتَ قُلْتَ مِنَ الْمَسْجِدِ قَالَ فِيهِمْ كُنْتُمْ قُلْتُمْ تَذَاكَرْنَا أَمْرَ الصَّوْمِ فَأَجْمَعَ رَأْيِي وَرَأَى أَصْحَابِي عَلَيَّ أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الصَّوْمِ شَيْءٌ وَاجِبٌ إِلَّا صَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَقَالَ يَا زُهْرِيُّ لَيْسَ كَمَا قُلْتُمْ الصَّوْمُ عَلَى أَرْبَعِينَ وَجْهًا فَعَشْرَةٌ أَوْجُهُ مِنْهَا وَاجِبَةٌ كَوْجُوبِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَارْبَعَةٌ عَشْرٌ وَجْهًا صَاحِبُهَا فِيهَا بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ صِيَامٌ وَإِنْ شَاءَ أَفْطَرَ وَعَشْرَةٌ أَوْجُهُ مِنْهَا حَرَامٌ وَصَوْمُ الْإِذْنِ عَلَى ثَلَاثَةِ وَجُوهِ وَصَوْمُ التَّأْدِيبِ وَصَوْمُ الْإِبَاحَةِ وَصَوْمُ السَّفَرِ وَالمَرَضِ.

فَقُلْتُ فَسَّرْهُنَّ لِي جَعَلْتُ فِدَاكَ فَقَالَ أَمَّا الْوَاجِبَةُ فَصِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ وَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فَيَمْنُ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَمِّدًا وَاجِبٌ وَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فِي قَتْلِ الْخَطَاءِ لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْعِتْقَ وَاجِبٌ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٌ وَ

ص: ۱۵۲

دِيَهُ مَسَلَّمَهُ إِلَى أَهْلِهِ إِلَى قَوْلِهِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ وَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فِي كَفَّارِهِ الظَّهَارِ لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْعِتْقَ وَاجِبٌ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا وَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي كَفَّارِهِ الْيَمِينِ وَاجِبٌ لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْإِطْعَامَ قَالَ اللَّهُ: فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارُهُ إِذَا حَلَفْتُمْ كُلُّ ذَلِكَ مُتَتَابِعٌ وَ لَيْسَ بِمُتَفَرِّقٍ وَصِيَامُ أَذَى حَلَقِ الرَّأْسِ وَاجِبٌ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذَى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَصَاحِبُهَا فِيهَا بِالْخِيَارِ فَإِنْ صَامَ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَصَوْمُ دَمِ الْمُتَعَةِ وَاجِبٌ لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْهَدْيَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ وَصَوْمُ جَزَاءِ الصَّيْدِ وَاجِبٌ قَالَ اللَّهُ وَ مَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمَّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا أَوْ تَدْرِي كَيْفَ يَكُونُ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا يَا زُهَيْرُ قُلْتُ لَا أَذْرِي قَالَ يُقَوِّمُ الصَّيْدَ قِيَمَةً ثُمَّ تَفَضُّ تِلْكَ الْقِيَمَةَ عَلَى الْبُرِّ ثُمَّ يُكَالُ ذَلِكَ الْبُرُّ أَضْوَاعًا فَيَصُومُ لِكُلِّ نِصْفِ صَاعٍ يَوْمًا وَصَوْمُ النَّذْرِ وَاجِبٌ وَصَوْمُ الْإِعْتِكَافِ وَاجِبٌ.

وَ أَمَّا الصَّوْمُ الْحَرَامُ فَصَوْمُ يَوْمِ الْفِطْرِ وَ يَوْمِ الْأَضْحَى وَ ثَلَاثَةِ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ وَصَوْمُ يَوْمِ الشُّكْرِ أَمْرًا بِهِ وَ نُهَيْنَا عَنْهُ أَمْرًا بِهِ أَنْ نَصُومَهُ مَعَ شَعْبَانَ وَ نُهَيْنَا عَنْهُ أَنْ يُنْفَرَدَ الرَّجُلُ بِصِيَامٍ فِي الْيَوْمِ الَّذِي يَشُكُّ فِيهِ النَّاسُ قُلْتُ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ صَامًا مِنْ شَعْبَانَ شَيْئًا كَيْفَ يَصْنَعُ قَالَ يَنْوِي لَيْلَةَ الشُّكِّ أَنَّهُ صَائِمٌ مِنْ شَعْبَانَ فَإِنْ كَانَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَجْزَأَ عَنْهُ وَ إِنْ كَانَ مِنْ شَعْبَانَ لَمْ يَضُرَّهُ قُلْتُ وَ كَيْفَ يُجْزَى صَوْمُ التَّطَوُّعِ عَنْ فَرِيضَةٍ فَقَالَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ تَطَوُّعًا وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ أَنَّهُ شَهْرُ رَمَضَانَ ثُمَّ عَلِمَ بَعْدَ ذَلِكَ أَجْزَأَ عَنْهُ لِأَنَّ الْفَرِيضَةَ إِذَا وَقَعَتْ عَلَى الشَّهْرِ بَعَيْنِهِ وَصَوْمُ الْوِصَالِ حَرَامٌ وَصَوْمُ الصَّمْتِ حَرَامٌ وَصَوْمُ نَذْرِ الْمَعْصِيَةِ حَرَامٌ وَصَوْمُ الدَّهْرِ حَرَامٌ وَ أَمَّا الصَّوْمُ الَّذِي صَدَّاحِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ فَصَوْمُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَ الْخَمِيسِ وَ الْإِثْنَيْنِ وَصَوْمُ أَيَّامِ الْبَيْضِ وَصَوْمُ سِتِّهِ أَيَّامٍ مِنْ شَوَّالٍ بَعْدَ شَهْرِ رَمَضَانَ وَصَوْمُ يَوْمِ عَرَفَةَ وَصَوْمُ يَوْمِ عِاشُورَاءَ كُلُّ ذَلِكَ صَاحِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ صَامَ وَ إِنْ شَاءَ أَفْطَرَ وَ أَمَّا صَوْمُ الْإِذْنِ فَإِنَّ الْمَرْأَةَ لَا تَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا وَ الْعَبْدُ لَا يَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ سَيِّدِهِ وَ

الضَّيْفَ لَا يَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا يَأْذَنُ صَاحِبِهِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ نَزَلَ عَلَى قَوْمٍ فَلَا يَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا يَأْذَنُهُمْ.

وَ أَمَّا صَوْمُ التَّأْدِيبِ فَالضَّبِّيُّ يُؤْمَرُ إِذَا رَاهَقَ بِالصَّوْمِ تَأْدِيبًا وَ لَيْسَ بِفَرَضٍ وَ كَذَلِكَ مَنْ أَفْطَرَ لِعَلِّهِ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ ثُمَّ عُوْفِيَ بِقِيَّتِهِ يَوْمَهُ أَمْرٌ بِالْمَسَاكِ بِقِيَّتِهِ يَوْمَهُ تَأْدِيبًا وَ لَيْسَ بِفَرَضٍ وَ كَذَلِكَ الْمُسَافِرُ إِذَا أَكَلَ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ ثُمَّ دَخَلَ مِصْرَهُ أَمْرٌ بِالْمَسَاكِ بِقِيَّتِهِ يَوْمَهُ تَأْدِيبًا وَ لَيْسَ بِفَرَضٍ وَ أَمَّا صَوْمُ الْإِبَاحَةِ فَمَنْ أَكَلَ أَوْ شَرِبَ نَاسِيًا أَوْ قَاءَ مِنْ غَيْرِ تَعَمُّدٍ فَقَدْ أَبَاحَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ وَ أَجْزَأُ عَنْهُ صَوْمُهُ.

وَ أَمَّا صَوْمُ السَّفَرِ وَ الْمَرَضِ فَإِنَّ الْعِيَامَةَ اخْتَلَفَتْ فِي ذَلِكَ فَقَالَ قَوْمٌ يَصُومُ وَ قَالَ قَوْمٌ إِنْ شَاءَ صِيَامٌ وَ إِنْ شَاءَ أَفْطَرَ وَ قَالَ قَوْمٌ لَا يَصُومُ وَ أَمَّا نَحْنُ فَنَقُولُ يُفْطَرُ فِي الْحَالَتَيْنِ جَمِيعًا فَإِنْ صَامَ فِي السَّفَرِ أَوْ فِي حَالِ الْمَرَضِ فَهُوَ عَاصٍ وَ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَ ذَلِكَ لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ فَهَذَا تَفْسِيرُ الصِّيَامِ. (۱)

مرحوم علی بن ابراهیم قمی، با سند خویش از زهری روایت کرده که گفت: حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه به من فرمود: ای زهری از کجا آمدی؟ عرض کردم: از مسجد. فرمود: در باره چه گفتگو داشتید؟ عرض کردم: در باره روزه گفتگو کردیم و رأی من و یارانم همگی بر این شد که به جز روزه ماه رمضان روزه واجب نیست. فرمود: ای زهری، چنین نیست که شما گفتید. روزه بر چهل قسم است، ده قسم از آن واجب است همچون وجوب روزه ماه رمضان و چهارده قسم از آن، صاحبش اختیار دارد، اگر خواست روزه می گیرد و اگر خواست افطار می کند و ده قسم از آنها روزه گرفتنش حرام است. روزه اذن بر سه قسم است: روزه تأدیب و روزه اباحه و روزه سفر و بیماری.

عرض کردم: فدایت شوم، اینها را برای من تفسیر کنید. فرمود: اما واجب، روزه ماه رمضان است و روزه دو ماه پی در پی برای کسی که یک روز از ماه رمضان را عمداً افطار کرده باشد و روزه دو ماه پی در پی واجب است، در مورد کسی که از روی خطا قتلی کند و بنده ای را نیابد تا آزاد کند که خدای عز و جل می فرماید: {و هر کس مؤمنی را به اشتباه کشت، باید بنده مؤمنی را آزاد و به خانواده او خون بها پرداخت کند} تا آنجا که می فرماید: {و هر کس [بنده] نیافت، باید دو ماه پیایی - به عنوان توبه ای از جانب خدا - روزه بدارد}.

ص: ۱۵۴

(سوره نساء آیه ۹۲) و دو ماه روزه پی در پی در کفاره ظهار واجب است به کسی که نتواند بنده ای را آزاد کند. خدای تبارک و تعالی می فرماید: «و آن کس که [بر آزاد کردن بنده] دسترسی ندارد، باید پیش از تماس [با زن خود] دو ماه پیایی روزه بدارد». (سوره مجادله آیه ۴) و روزه سه روز در کفاره قسم واجب است برای کسی که نتواند اطعام کند. خدای تبارک و تعالی می فرماید: «و کسی که [هیچ یک از اینها را] نیابد [باید] سه روز روزه بدارد. این است کفاره سوگندهای شما وقتی که سوگند خوردید». (سوره مائده آیه ۸۹) همه این روزه ها پی در پی است نه پراکنده. و روزه سر تراشیدن در حال احرام واجب است که برای رفع آزار تراشیده باشد. خدای تبارک و تعالی می فرماید: «و هر کس از شما بیمار باشد یا در سر ناراحتی ای داشته باشد [و ناچار شود در احرام سر بتراشد] به کفاره [آن، باید] روزه ای بدارد، یا صدقه ای دهد، یا قربانی بکند». (سوره بقره آیه ۹۶) و صاحبش (در برگزیدن یکی از این سه) اختیار دارد و اگر روزه بگیرد، سه روز روزه می گیرد. و روزه به جای قربانی حج تمتع واجب است برای کسی که قربانی نیابد. خدای تبارک و تعالی می فرماید: «پس هر کس از [اعمال] عمره به حج پرداخت، [باید] آنچه از قربانی میسر است [قربانی کند]، و آن کس که [قربانی] نیافت [باید] در هنگام حج، سه روز روزه [بدارد] و چون برگشتید، هفت [روز دیگر روزه بدارید] این ده [روز] تمام است». (سوره بقره آیه ۹۶) و روزه کفاره شکار کردن در حال احرام واجب است. خدای تبارک و تعالی می فرماید: «و هر کس از شما عمداً آن را بکشد، باید نظیر آنچه کشته است از چهارپایان کفاره ای بدهد، که [نظیر بودن] آن را دو تن عادل از میان شما تصدیق کنند، و به صورت قربانی به کعبه برسد. یا به کفاره [آن] مستمندان را خوراک بدهد، یا معادلش روزه بگیرد». (سوره مائده آیه ۹۵) سپس فرمود: می دانی برابر آن روزه داشتن چگونه است؟ عرض کردم: نمی دانم فرمود: شکار را قیمت می کنند. سپس بهای آن را به گندم می دهند، سپس آن گندم را پیمانه می کنند که چند صاع است؛ برای هر نیم صاع یک روز روزه می گیرند، روزه نذر و روزه اعتکاف نیز واجب است.

و اما روزه حرام، روزه روز فطر و روز قربان و سه روز از روزهای تشریق. روزه روزی که مشکوک است: به روزه یوم الشک هم مأموریم و هم از روزه آن نهی شده ایم. مأموریم به این معنی که آن روز را با شعبان روزه بداریم و نهی شده ایم بدین معنی که نباید کسی در روزی که مردم در آن شک دارند، به تنهایی روزه بدارد. عرض کردم: فدایت شوم، اگر از شعبان هیچ روزه نگرفته باشد چه کند؟ فرمود: آن شبی را که مشکوک است نیت روزه شعبان می کند و اگر در واقع از ماه رمضان باشد او را کافی است و اگر از شعبان باشد او را زیانی ندارد.

عرض کردم: روزه مستحبی چگونه از روزه واجب کفایت می کند؟ فرمود: اگر کسی ماه رمضان را روزه بدارد و نداند که ماه رمضان است و پس از روزه معلوم شود که ماه رمضان بوده، کفایت می کند زیرا که روز معینی را که واجب بوده روزه گرفته است.

و روزه وصال حرام است و روزه سکوت حرام است و روزه نذر در معصیت حرام است و روزه عمرانه - صوم الدهر - حرام است.

و اما روزه ای که صاحبش اختیار دارد: روزه روز جمعه و پنج شنبه و دوشنبه است و روزه ایام البیض و روزه شش روز شوال پس از ماه رمضان و روزه روز عرفه و روز عاشورا است که در همه این موارد شخص اختیار دارد، اگر خواست روزه می گیرد و اگر خواست افطار می کند.

و اما روزه اذن، برای زن روزه مستحبی جایز نیست مگر با اجازه شوهرش و برای بنده روزه مستحبی جایز نیست مگر با اجازه آقایش و برای مهمان روزه مستحبی جایز نیست مگر با اجازه میزبانش. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که بر قومی مهمان شد نباید روزه مستحبی بگیرد مگر با اجازه آنان.

و اما روزه تأدیب: بچه که به سن بلوغ نزدیک شد، برای آراسته شدن به آداب دین به روزه گرفتن وادار می شود ولی واجب نیست و همچنین کسی که اول روز به جهت بیماری افطار کند و بعد از افطار نیروی روزه گرفتن داشته باشد، موظف است که از روی آراستگی به آداب دینی، باقی مانده روز را امساک کند ولی واجب نیست و همچنین مسافری که اول روز روزه را خورده باشد سپس به خانواده خود برسد، باقی مانده آن روز را به همین منظور مأمور به امساک است ولی واجب نیست.

و اما روزه اباحه آن است که کسی از روی فراموشی بخورد یا بیاشامد یا بدون عمد قی کند. خداوند این کار را برای او مباح کرده و روزه اش کافی است.

و اما روزه سفر و بیماری، عامه در این باره اختلاف کرده اند. جمعی گفته اند باید روزه بگیرد و جمعی گفته اند نباید روزه بگیرد و جمعی گفته اند اگر خواست روزه می گیرد و اگر خواست افطار می کند. ما می گوئیم در هر دو حال افطار می کند؛ پس اگر در سفر در حال بیماری روزه داشت، قضای آن روزه بر او واجب است زیرا خدای عز و جل می فرماید: ﴿ولی﴾ هر کس از شما بیمار یا در سفر باشد، [به همان شماره] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]}. (سوره بقره آیه ۱۸۴) این تفسیر انواع روزه هاست.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَازِدٍ اللَّهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِذَا صِيَمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَبَصِيرُكَ وَ شَعْرُكَ وَ جِلْدُكَ وَ عَدَدُ أَشْيَاءَ غَيْرِ هَذَا وَ قَالَ لَا يَكُونُ يَوْمٌ صَوْمِكَ كَيَوْمِ فِطْرِكَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: آنگاه که روزه گرفتی بایستی گوش، چشم، مو و پوست نیز روزه بدارد.

حضرتش موارد دیگری را شمرد و فرمود: روز روزه داری تو نباید همانند روز افطار کردن تو باشد.

۱۸۸- اجتناب از چهار چیز

۱- الشيخ الصدوق، بإسناده مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ لَا يَضُرُّ الصَّائِمَ مَا صَنَعَ إِذَا اجْتَنَبَ أَرْبَعَ خِصَالٍ الطَّعَامَ وَ الشَّرَابَ وَ النَّسَاءَ وَ الْإِرْتِمَاسَ فِي الْمَاءِ. (۲)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از محمد بن مسلم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: روزه دار را هر کار بکنند زیانی نمی رساند، هر گاه از چهار چیز اجتناب کند: از خوردنی، و نوشیدنی، و مقاربت زنان، و فرو رفتن در آب.

۱۸۹- کذب بر الله و رسول الله و ائمه اطهار صلوات الله عليهم

۱- الشيخ الصدوق، بإسناده عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَازِدٍ اللَّهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنَّ الْكَذِبَ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْأَئِمَّةِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ يُفْطِرُ الصَّائِمَ. (۳)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از ابوبصیر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: دروغ بستن بر الله و بر رسول الله صلی الله علیه و آله و بر ائمه اطهار صلوات الله عليهم روزه را باطل می کند.

ص: ۱۵۷

۱- . الكافي ج ۴ ص ۸۷ ح ۱.

۲- . الفقيه ج ۲ ص ۶۷ ح ۱۸۵۴.

۳- . الفقيه ج ۲ ص ۶۷ ح ۱۸۵۵.

۱۹۰- استحباب سحری خوردن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي بصيرٍ عن أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله عليه قال: سَأَلْتُهُ عَنِ السَّحُورِ لِمَنْ أَرَادَ الصَّوْمَ أَوْ اجِبٌ هُوَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِأَنْ لَا يَتَسَحَّرَ إِنْ شَاءَ وَ أَمَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ أَنْ يَتَسَحَّرَ نُجْبًا أَنْ لَا يُتْرَكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابوبصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: آیا سحری برای کسی که می خواهد روزه بگیرد واجب است؟

فرمود: اشکالی ندارد که بدون سحری روزه بگیرد، ولی در ماه رمضان بهتر آن است که سحری بخورد. من دوست دارم که سحری خوردن در ماه رمضان ترک نشود.

۱۹۱- دعای روزه دار به هنگام افطار

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَنِ آبَائِهِ صلوات الله عليهم أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله كَانَ إِذَا أَفْطَرَ قَالَ: «اللَّهُمَّ لَكَ صُومُنَا وَ عَلَيَّ رِزْقُكَ أَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا» ذَهَبَ الظَّمُّ وَ ابْتَلَّتِ العُرُوقُ وَ بَقِيَ الأَجْرُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه از پدران بزرگوارش صلوات الله علیهم روایت کرده که فرمود: هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله افطار می نمود می فرمود:

«اللَّهُمَّ لَكَ صُومُنَا وَ عَلَيَّ رِزْقُكَ أَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا»

ترجمه دعا: خدایا! برای تو روزه گرفتم و بر رزق تو افطار نمودیم پس آن را از ما بپذیر. تشنگی رفت و رگ ها خیس شد و پاداش ماند.

۱۹۲- حکم کسی که با شک در طلوع فجر و یا بعد از طلوع آن بخورد و بنوشد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَيِّمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: سَأَلْتُهُ (الإمام) عَنْ رَجُلٍ أَكَلَ وَ شَرِبَ بَعِيدَ مَا طَلَعَ الفُجْرُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَقَالَ إِنْ كَانَ قَامَ فَنَظَرَ فَلَمْ يَرَ الفُجْرَ فَأَكَلَ ثُمَّ عَادَ فَرَأَى

ص: ۱۵۸

۱- . الكافي ج ۴ ص ۹۴ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۹۵ ح ۱.

الْفَجْرِ فَلَيْتَمَّ صَوْمُهُ وَ لَمَّا إِعْيَادَهُ عَلَيْهِ وَ إِنْ كَانَ قَامَ فَأَكَلَ وَ شَرِبَ ثُمَّ نَظَرَ إِلَى الْفَجْرِ فَرَأَى أَنَّهُ قَدْ طَلَعَ الْفَجْرُ فَلَيْتَمَّ صَوْمُهُ وَ يَقْضِي يَوْمًا آخَرَ لِأَنَّهُ بَدَأَ بِالْأَكْلِ قَبْلَ النَّظْرِ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه بن مهران روایت کرده که گفت: از امام صلوات الله علیه پرسیدم: فردی در ماه رمضان پس از طلوع فجر خورد و آشامید؟

فرمود: اگر بر خیزد و نگاه کند و فجر را نبیند و بخورد پس از آن بار دیگر نگاه کند و فجر را ببیند بایستی روزه اش را کامل نماید و اعاده بر او لازم نیست، ولی اگر (از خواب) برخیزد و بخورد و بیاشامد و بعد از آن به فجر بنگرد و ببیند که طلوع کرده است بایستی روزه اش را به پایان برساند و روزی دیگر قضای آن را به جا آورد؛ زیرا او پیش از نگرستن خورده است. پس بر اوست که روزه را اعاده کند.

۱۹۳- کی فجر باز می شود؟ و کی خوردن و آشامیدن حرام می گردد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: الْفَجْرُ هُوَ الَّذِي إِذَا رَأَيْتَهُ مُعْتَرِضًا كَأَنَّهُ بَيَاضٌ سُورِي. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن عطیه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: فجر هنگامی است که فجر صادق را ببینی که پهناور و بسان سفیدی منطقه (نهر) سورا است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقُلْتُ مَتَى يَحْرُمُ الطَّعَامُ وَ الشَّرَابُ عَلَى الصَّائِمِ وَ تَحِلُّ الصَّلَاةُ صِيَامًا إِذَا اغْتَرَضَ الْفَجْرُ وَ كَانَ كَالْقُبْطِيَّةِ الْبَيْضَاءِ فَتَمَّ يَحْرُمُ الطَّعَامُ وَ يَحِلُّ الصِّيَامُ وَ تَحِلُّ الصَّلَاةُ صِيَامًا الْفَجْرُ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابوبصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: کی به روزه دار خوردن و آشامیدن حرام می شود و نماز صبح جایز می گردد؟

ص: ۱۵۹

۱- . الكافي ج ۴ ص ۹۶ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۹۸ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۹۹ ح ۵.

فرمود: آنگاه که سفیدی صبح گسترش یابد و به صورت کتانی سفید درآید که آن موقع غذا بر روزه دار حرام می شود و نماز صبح جایز می گردد.

۱۹۴- حکم کسی که پنداشت شب فرا رسیده است پس هنوز شب نشده افطار نمود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ (الإمام) عَنْ قَوْمٍ صَامُوا شَهْرَ رَمَضَانَ فَعَشِيَهُمْ سَحَابٌ أَسْوَدٌ عِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ فَظَنُّوا أَنَّهُ لَيْلٌ فَأَفْطَرُوا ثُمَّ إِنَّ السَّحَابَ انْجَلَى فَإِذَا الشَّمْسُ فَقَالَ عَلَى الَّذِي أَفْطَرَ صِيَامُ ذَلِكَ الْيَوْمِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: {أَتَمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ} فَمَنْ أَكَلَ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ اللَّيْلُ فَعَلَيْهِ قِضَاؤُهُ لِأَنَّهُ أَكَلَ مُتَعَمِّدًا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: از حضرت صلوات الله علیه پرسیدم: گروهی در ماه رمضان روزه گرفتند و به هنگام غروب خورشید ابر سیاهی آسمان را فراگرفت و آنها گمان نمودند که شب شده و افطار نمودند، سپس آن ابر، کنار رفت و خورشید، ظاهر گشت. روزه آنان چه حکمی دارد؟

حضرت فرمود: کسی که روزه خود را افطار نموده باید قضای آن روز را به جای آورد؛ چرا که خداوند عز و جل می فرماید: {روزه را تا شب به پایان برسانید}. (سوره بقره آیه ۱۸۷) پس هر کسی پیش از فرارسیدن شب، چیزی بخورد، باید قضای آن را به جای آورد چرا که او عمدتاً آن چیز را خورده است.

۱۹۵- هنگام افطار

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: وَقْتُ سِقُوطِ الْقُرْصِ وَوُجُوبِ الْإِفْطَارِ مِنَ الصِّيَامِ أَنْ يَقُومَ بِحِدَاءِ الْقِبْلَةِ وَتَنْقَدَّ الْحُمْرَةُ الَّتِي تَرْتَفِعُ مِنَ الْمَشْرِقِ فَإِذَا جَارَتْ قِمَّةَ الرَّأْسِ إِلَى نَاحِيَةِ الْمَغْرِبِ فَقَدْ وَجِبَ الْإِفْطَارُ وَسَقَطَ الْقُرْصُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن ابی عمیر از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: روزه دار به هنگام سقوط قرص آفتاب و وجوب افطار روزه مقابل قبله

ص: ۱۶۰

۱- . الكافي ج ۴ ص ۱۰۰ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۱۰۰ ح ۱.

می ایستد و در جستجوی سرخی که از طرف مشرق بالا می آید می گردد. پس هرگاه این سرخی از بالای سر به جانب مغرب گذشت پس افطار واجب شده و قرص آفتاب افتاده و غروب کرده است.

۱۹۶- حکم کسی که در ماه رمضان از روی فراموشی غذا بخورد و بیاشامد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه أنه سئل عن رجل نسي فأكل وشرب ثم ذكر قال لا يفطر إنما هو شيء رزقه الله عز وجل فليتم صومه. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدند: فردی که در ماه رمضان از روی فراموشی غذا خورده و آب آشامیده بعد متوجه شده است چه حکمی دارد؟ فرمود: روزه اش را نخورد، آن چیزی بود که خداوند به او روزی نموده است پس روزه اش را به پایان برساند.

۱۹۷- حکم کسی که در ماه رمضان از روی عمد بدون عذر افطار و یا جماع نماید

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله صلوات الله عليه في رجل أفطر من شهر رمضان متعمداً يوماً واحداً من غير عذر قال يعتق نسمة أو يصوم شهرين متتابعين أو يطعم ستين مسكيناً فإن لم يقدر تصدق بما يطيق. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالله بن سنان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره مردی که یک روز از ماه رمضان از روی عمد و بدون عذر روزه اش را افطار نماید، فرمود: بنده ای آزاد کند، یا دو ماه پشت سر هم روزه بدارد، یا شصت مسکین را اطعام نماید و اگر نتوانست آن قدر که می تواند صدقه بدهد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله صلوات الله عليه في رجل وقع على أهله في شهر رمضان فلم يجد ما يتصدق به على ستين مسكيناً قال يتصدق بقدر ما يطيق. (۳)

ص: ۱۶۱

۱- . الكافي ج ۴ ص ۱۰۱ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۱۰۲ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۱۰۳ ح ۳.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالله بن سنان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره مردی که در ماه رمضان با همسر خود نزدیکی کند و چیزی ندارد که بر شصت مسکین صدقه دهد، فرمود: به اندازه توانش صدقه دهد.

۱۹۸- حکم کسی که در ماه رمضان جنب شود و غسل نکند تا صبح فرا رسد و کسی که در روز ماه رمضان محتلم گردد

۱- قال الإمام الرضا صلوات الله عليه: **إِنْ احْتَلَمْتَ نَهَارًا لَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ قَضَاءُ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَإِنْ أَصَابَتْكَ جَنَابَةٌ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فَلَا بَأْسَ بِأَنْ تَنَامَ مُتَعَمِّدًا وَفِي بَيْتِكَ أَنْ تَقُومَ وَتَغْتَسِلَ قَبْلَ الْفَجْرِ فَإِنْ غَلَبَكَ النَّوْمُ حَتَّى تُصْبِحَ فَلَيْسَ عَلَيْكَ شَيْءٌ إِلَّا أَنْ تَكُونَ انْتَبَهْتَ فِي بَعْضِ اللَّيْلِ ثُمَّ نِمْتَ وَتَوَانَيْتَ وَ لَمْ تَغْتَسِلْ وَ كَسِمْتَ فَعَلَيْكَ صَوْمُ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ إِعَادَةُ يَوْمٍ آخَرَ مَكَانَهُ وَ إِنْ تَعَمَّدْتَ النَّوْمَ إِلَى أَنْ تُصْبِحَ فَعَلَيْكَ قَضَاءُ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ الْكُفَّارَةُ وَ هُوَ صَوْمُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ أَوْ عِتْقُ رَقَبَةٍ أَوْ إِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا. (۱)**

حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمودند: اگر در هنگام روز محتلم شدی، قضای آن روز بر تو واجب نیست و اگر در ابتدای شب جنب شدی باکی بر تو نیست در صورتی که عمدتاً بخوابی و قصد داشته باشی قبل از طلوع فجر برخیزی و غسل کنی. پس اگر خواب بر تو غلبه کرد تا اینکه وارد صبح شوی، چیزی بر تو نیست. مگر اینکه نیمه شب بیدار شده باشی سپس خوابیده باشی و سهل انگاری کرده و غسل نکرده و تنبلی کرده باشی، پس در این حالت باید آن روز را روزه بگیری و روز دیگری را نیز به جای آن روزه بگیری، و اگر عمدتاً به خواب روی تا اینکه وارد صبح شوی، باید آن روز را قضا کنی و کفاره بدهی و کفاره آن، روزه دو ماه پیاپی یا آزاد کردن برده و یا غذا دادن به شصت مسکین است.

۱۹۹- حکم مضمضه و استنشاق

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ حَمَادِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الصَّائِمِ يَتَمَضَّمُ وَ يَسْتَنْشِقُ قَالَ نَعَمْ وَ لَكِنْ لَا يُبَالِغُ. (۲)

ص: ۱۶۲

۱- بحار الانوار ج ۹۳ ص ۲۸۷ ح ۶.

۲- الكافي ج ۴ ص ۱۰۷ ح ۳.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حماد از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره روزه داری که مضمضه و استنشاق می کند، فرمود: آری (اشکالی ندارد) ولی زیاده روی نکند.

توضیح: آب در دهان گردانیدن را مضمضه و آب در بینی گردانیدن را استنشاق گویند.

۲۰۰- حکم روزه داری که از روی عمد یا بدون اختیار استفراغ کند و یا چیزی از معده او بیرون می آید

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله صلوات الله عليه قال: إِذَا تَقَيَّأَ الصَّائِمُ فَعَلَيْهِ قَضَاءُ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَإِنْ ذَرَعَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَتَقَيَّأَ فَلَيْتَمَّ صَوْمَهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه روزه دار (از روی عمد) استفراغ کند باید قضای آن روز را بگیرد و اگر بدون استفراغ چیزی از معده او بیرون آید باید روزه اش را به پایان برساند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية عن أبي عبد الله صلوات الله صلوات الله عليه في الذي يذرعه القيء وهو صائم قال يتيتم صومه ولا يفضي. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره کسی که بی اختیار استفراغ کند، فرمود: روزه اش را به پایان می رساند و قضا نمی کند.

۲۰۱- حکم روزه داری که بر بینی و گوش او دارو ریخته می شود یا تنقیه می کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن ليث المرادي قال: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله صلوات الله عليه عَنِ الصَّائِمِ يَحْتَجِمُ وَيَصُبُّ فِي أُذُنِهِ الدُّهْنَ قَالَ لَا بَأْسَ إِلَّا السُّعُوطَ فَإِنَّهُ يُكْرَهُ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از لیث مرادی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: روزه داری که حجامت می کند و در گوش او روغن ریخته می شود (چه حکمی دارد؟).

فرمود: ایرادی ندارد، مگر اینکه به بینی او ریخته شود که این عمل مکروه است.

ص: ۱۶۳

۱- الكافي ج ۴ ص ۱۰۸ ح ۱.

۲- الكافي ج ۴ ص ۱۰۸ ح ۲.

۳- الكافي ج ۴ ص ۱۱۰ ح ۴.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ أَنَّهُ سَأَلَهُ (الإمام) عَنِ الرَّجُلِ يَحْتَقِنُ تَكُونُ بِهِ الْعِلَّةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَقَالَ الصَّائِمُ لَا يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَحْتَقِنَ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از احمد بن محمد روایت کرده که گفت: از امام صلوات الله عليه پرسید: مردی مبتلا به بیماری است و در ماه رمضان تنقیه کند (چه حکمی دارد؟).

فرمود: برای روزه دار تنقیه (مایع) جایز نیست.

توضیح: در روایت دیگری آمده که ریختن داروی در گوش مبطل روزه نیست.

و در روایت دیگری آمده که تنقیه جامد اشکالی ندارد.

تنقیه یا اماله به فروکردن آب یا هر مایع دیگر به داخل روده بزرگ جهت پاک کردن روده از پلیدی و غایط دیرمانده و فسادانگیز گفته می شود.

۲۰۲- حکم روزه داری که سر مه می کشد و برای چشمش دارو می ریزد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدِ بْنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَمَّنْ يُصِيبُهُ الرَّمْدُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ هَلْ يَذُرُّ عَيْنَهُ بِالنَّهَارِ وَهُوَ صَائِمٌ قَالَ يَذُرُّهَا إِذَا أَفْطَرَ وَ لَا يَذُرُّهَا وَهُوَ صَائِمٌ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سعد بن سعد اشعري روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله عليه پرسیدم: کسی که چشم درد دارد آیا در ماه رمضان می تواند در حال روزه به چشم خود دارو بریزد؟

فرمود: آنگاه که افطار کند، دارو استعمال کند و در حال روزه دارو استعمال نکند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: سَأَلْتُهُ (الإمام) عَنِ الْكُحْلِ لِلصَّائِمِ فَقَالَ إِذَا كَانَ كُحْلًا لَيْسَ فِيهِ مِسْكٌ وَ لَيْسَ لَهُ طَعْمٌ فِي الْحَلْقِ فَلَا بَأْسَ بِهِ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سماعه بن مهران روایت کرده که گفت: از امام صلوات الله عليه درباره سر مه برای روزه دار پرسیدم؟

ص: ۱۶۴

۱- . الكافي ج ۴ ص ۱۱۰ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۱۱۱ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۱۱۱ ح ۳.

فرمود: هرگاه سرمه ای باشد که در آن مشک نباشد و مزه ای نداشته باشد که در گلو احساس شود، ایرادی ندارد.

۲۰۳- حکم روزه داری که دندانش را بکشد

۱- الشيخ الصدوق، بإسناده عن عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابِطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي الصَّائِمِ يَنْزِعُ ضِرْسَهُ قَالَ لَا وَلَا يُدْمِي فَمَهُ. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از عمار بن موسی ساباطی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره روزه داری که دندانش را بکشد، فرمود: نه، و خونین نمی کند دهان خود را.

۲۰۴- حکم مسواک زدن برای روزه دار

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ كَرِهَ لِلصَّائِمِ أَنْ يَسْتَاكَ بِسِوَاكِ رَطْبٍ وَ قَالَ لَا يَضُرُّ أَنْ يُبَلَّ سِوَاكُهُ بِالْمَاءِ ثُمَّ يَنْفُضَهُ حَتَّى لَا يَبْقَى فِيهِ شَيْءٌ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالله بن سنان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه مکروه می داشت که روزه دار با مسواک تر مسواک کند و فرمود: ضرر ندارد که مسواک خود را با آب تر نماید، سپس آن را بفشانند تا چیزی در آن نماند.

۲۰۵- حکم عطر زدن و بوئیدن گل ها برای روزه دار

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ الصَّائِمُ يَشُمُّ الرَّيْحَانَ وَ الطِّيبَ قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ.

وَ رُوِيَ أَنَّهُ لَا يَشُمُّ الرَّيْحَانَ لِأَنَّهُ يُكْرَهُ لَهُ أَنْ يَتَلَذَّذَ بِهِ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: روزه دار می تواند گل و عطر ببوید؟

ص: ۱۶۵

۱- الفقیه ج ۲ ص ۷۰ ح ۱۸۷۲.

۲- الکافی ج ۴ ص ۱۱۲ ح ۳.

۳- الکافی ج ۴ ص ۱۱۳ ح ۴.

فرمود: ایرادی ندارد.

و روایت شده است از آن حضرت صلوات الله علیه که فرمود: نباید روزه دار گل ببوید؛ چرا که مکروه است که با آن لذت جوید.

۲۰۶- حکم جویدن هر نوعه جویدنی

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: قلت الصائم يمضغ العلك قال لا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: روزه دار می تواند هر نوع جویدنی بجود؟

فرمود: نه.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد بن مسلم قال قال أبو جعفر صلوات الله عليه يا محمد إياك أن تمضغ علكاً فإنني مضغت اليوم علكاً و أنا صائم فوجدت في نفسي منه شيئاً. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: ای محمد! پرهیز از اینکه سقز بجوی، زیرا که من روزی در حال روزه سقز(نوعی جویدنی است که از درختان بدست می آید) جویدم، و در وجود خود از آن چیزی(تغییر ذائقه و آب دهان و یا قوت در بدن خویش) یافتم.

توضیح: ظاهراً حضرت در حال روزه مستحبی بوده اند.

۲۰۷- حکم روزه داری که غذای دیگ را می چشد و غذای جوجه را می جود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه أنه سئل عن المرأة الصائمة تطبخ القدر فتذوق المرقه تنظر إليه فقال لما يأس قال وسئل عن المرأة يكون لها الصبي وهي صائمة فتمضغ الخبز و تطعمه فقال لا بأس و الطير إن كان لها. (۳)

ص: ۱۶۶

۱- الكافي ج ۴ ص ۱۱۴ ح ۱.

۲- الكافي ج ۴ ص ۱۱۴ ح ۲.

۳- الكافي ج ۴ ص ۱۱۴ ح ۱.

مرحوم شیخ حلبی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سوال شد: زن روزه داری که غذا می پزد و آب گوشت را می چشد (چه حکمی دارد؟).

فرمود: ایرادی ندارد.

و گوید: از حضرتش پرسیده شد: زن روزه داری بچه دارد و نام را می جود و به او می خوراند؟

فرمود: ایرادی ندارد و اگر پرنده ای هم داشته باشد (و غذای آن را بجود) اشکال ندارد.

۲۰۸- حکم روزه داری که خلط را فرو می برد و کسی که مگس وارد گلویش می شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن غياث بن إبراهيم عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: لا بأس بأن يزدر الصائم نخامته. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از غیاث بن ابراهیم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: ایراد ندارد روزه دار خلط خود را فرو ببرد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مسعدة بن صدقة عن أبي عبد الله عن آبائه صلوات الله عليهم أن علياً صلوات الله عليه سئل عن الذباب يدخل حلق الصائم قال ليس عليه قضاء لأنه ليس بطعام. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از مسعده بن صدقه روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از پدران بزرگوارش صلوات الله عليهم روایت کرده که فرمود: ای علی صلوات الله علیه درباره مگسی که وارد گلوی روزه دار می شود پرسیده شد.

فرمود: روزه او قضا ندارد، زیرا آن غذا نیست.

۲۰۹- پیر مرد و پیر زنی که توان روزه ندارند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الملك بن عتبة الهاشمي قال: سألت أبا الحسن صلوات الله عليه عن الشيخ الكبير والعجوز الكبير التي تضعف عن الصوم في شهر رمضان قال تصدق في كل يوم بمُد حنطه. (۳)

ص: ۱۶۷

۱- الكافي ج ۴ ص ۱۱۵ ح ۱.

۲- الكافي ج ۴ ص ۱۱۵ ح ۲.

۳- الكافي ج ۴ ص ۱۱۶ ح ۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالمالک بن عتبه هاشمی روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه پرسیدم: پیرمرد و پیرزنی نمی توانند در ماه رمضان روزه بگیرند چه وظیفه ای دارند؟

فرمود: در ازای هر روز یک مُد گندم صدقه می دهد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَالَّذِي بِهِ الْعَطَشُ لَا حَرَجَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُفْطِرَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَيَتَصَدَّقَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي كُلِّ يَوْمٍ بِمِئَّةٍ مِنْ طَعَامٍ وَلَا قِضَاءَ عَلَيْهِمَا فَإِنْ لَمْ يَقْدِرَا فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِمَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: پیرمرد بزرگ سال و کسی که مبتلا به تشنگی است، اشکالی ندارد که در ماه رمضان روزه خود را بخورد و در ازای هر روز یک مد طعام صدقه بدهند و قضای روزه ای بر عهده آنان نیست و اگر توان پرداختن آن را نداشته باشند، چیزی بر عهده آنان نیست.

۲۱۰- حکم کسی که تشنگی بر او غلبه کند به گونه ای که بر جان خود بترسد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي الرَّجُلِ يُصِيبُهُ الْعَطَشُ حَتَّى يَخَافَ عَلَى نَفْسِهِ قَالَ يَشْرَبُ بِقَدْرِ مَا يُمَسِّكُ بِهِ رَمَقَهُ وَلَا يَشْرَبُ حَتَّى يَزُولَ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره کسی که تشنگی بر او غلبه کند، به گونه ای که بر جان خود بترسد، فرمود: به اندازه ای که رمق خود را حفظ کند، می تواند آب بنوشد، نه به اندازه ای که سیراب شود.

۲۱۱- حکم زن باردار و شیردهی که از روزه گرفتن ناتوان می شوند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ الْحَامِلُ الْمُقْرَبُ وَالْمُرْضِعُ الْقَلِيلَةُ اللَّبَنِ لَا حَرَجَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُفْطِرَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لِأَنَّهُمَا لَا

ص: ۱۶۸

۱- . الكافي ج ۴ ص ۱۱۶ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۱۱۷ ح ۶.

تَطِيقَانِ الصَّوْمَ وَعَلَيْهِمَا أَنْ يَتَصَدَّقَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي كُلِّ يَوْمٍ يُفْطِرُ فِيهِ بِمِدٍّ مِنْ طَعَامٍ وَعَلَيْهِمَا قَضَاءُ كُلِّ يَوْمٍ أَفْطَرْتَا فِيهِ تَقْضِيَانِهِ بَعْدُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: اشکال ندارد که زن باردار در شرف وضع حمل و زن شیردهی که کم شیر است در ماه رمضان روزه خود را بخورند، زیرا که آنها طاق روزه را ندارند و بر ذمه آنها است که برای هر روزی که خورده اند یک مد طعام صدقه بدهند، همچنین بایستی قضای هر روزی را به جا آورند.

۲۱۲- انسان در چه بیماری می تواند روزه خود را بخورد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا حَدَّثَ الْمَرَضِ الَّذِي يُفْطِرُ فِيهِ صَاحِبُهُ وَالْمَرَضِ الَّذِي يَدْعُ صَاحِبُهُ الصَّلَاةَ قَائِمًا قَالَ بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بِصِيرَةٍ وَقَالَ ذَاكَ إِلَيْهِ هُوَ أَعْلَمُ بِنَفْسِهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمر بن اذینه روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه طی نامه ای نوشتم: اندازه بیماری که انسان می تواند روزه خود را افطار نماید و نماز ایستاده را واگذارد چیست؟

فرمود: بلکه انسان بر خود آگاهی دارد.

و فرمود: این امر به خود انسان موکول شده است او از خود آگاه تر است.

۲۱۳- حکم کسی که دو ماه رمضان پشت سر هم بر او بگذرد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا قَالَ: سَأَلْتُهُمَا عَنْ رَجُلٍ مَرَضَ فَلَمْ يَصُمْ حَتَّى أَذْرَكَهُ رَمَضَانُ آخِرُ فَقَالَا إِنْ كَانَ بَرًّا ثُمَّ تَوَانَى قَبْلَ أَنْ يُدْرِكَهُ رَمَضَانُ الْآخِرِ صَامَ الَّذِي أَذْرَكَهُ وَ تَصَدَّقَ عَنْ كُلِّ يَوْمٍ بِمِدٍّ مِنْ طَعَامٍ عَلَى مِسْكِينٍ وَعَلَيْهِ قِضَاؤُهُ وَإِنْ كَانَ لَمْ يَزَلْ مَرِيضًا حَتَّى أَذْرَكَهُ رَمَضَانُ الْآخِرِ صَامَ الَّذِي أَذْرَكَهُ وَ تَصَدَّقَ عَنِ الْأَوَّلِ لِكُلِّ يَوْمٍ مِدًّا عَلَى مِسْكِينٍ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ قِضَاؤُهُ. (۳)

ص: ۱۶۹

۱- . الكافي ج ۴ ص ۱۱۷ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۱۱۸ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۱۱۹ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما پرسیدم: کسی در ماه رمضان بیمار شد و بعد از آن (قضای) روزه را نگرفت تا ماه رمضان دیگر فرا رسید (چه وظیفه ای دارد؟).

فرمودند: اگر بهبود یافت و پیش از فرا رسیدن ماه رمضان از گرفتن قضای آن سستی نمود، بایستی روزه ماه رضانی را که رسیده است بگیرد و در ازای هر روز، یک مد طعام به مسکین بدهد و قضای آن هم بر ذمه او می باشد و اگر بیماری او تا ماه رمضان دیگر ادامه داشت، آن ماه رمضان را روزه بگیرد و در ازای ماه رمضان اول برای هر روز یک مد طعام به مسکین بدهد و قضایی بر عهده او نیست.

۲۱۴- قضای ماه رمضان

۱- الشيخ الكلینی، بإسناده عن سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ عَلَيْهِ أَيَّامٌ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَوْ يَفْضِيهَا مُتَفَرِّقَةً قَالَ لَا بَأْسَ بِتَفْرِيقِ قَضَاءِ شَهْرِ رَمَضَانَ إِنَّمَا الصَّيَامُ الَّذِي لَا يُفَرِّقُ كَفَّارَةَ الظُّهَارِ وَ كَفَّارَةَ الدَّمِ وَ كَفَّارَةَ الْيَمِينِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سلیمان بن جعفر جعفری روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله علیه پرسیدم: کسی که چند روز قضای (روزه) ماه رمضان بر عهده دارد آیا می تواند جدا جدا آنها را قضا کند؟

فرمود: اشکالی ندارد که انسان قضای (روزه) ماه رمضان را به صورت پراکنده انجام دهد، فقط کفار ظهار، کفار خون و کفار سوگند را نمی توان پراکنده انجام داد.

۲۱۵- حکم کسی که با اراده روزه صبح می کند پس افطار می نماید و حکم کسی که با عدم اراده روزه صبح می کند پس روزه قضای ماه رمضان و غیر آن را می گیرد

۱- الشيخ الكلینی، بإسناده عن عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي الرَّجُلِ يَبْدُو لَهُ بَعْدَ مَا يُضِيحُ وَ يَرْتَفِعُ النَّهَارُ فِي صَوْمِ ذَلِكَ الْيَوْمِ لِيَفْضِيَهُ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ لَمْ يَكُنْ نَوَى ذَلِكَ مِنَ اللَّيْلِ قَالَ نَعَمْ لِيُضِيَهُمْ وَ لِيُعْتَدَّ بِهِ إِذَا لَمْ يَكُنْ أَحَدًا شَيْئًا. (۲)

ص: ۱۷۰

۱- . الكافي ج ۴ ص ۱۲۰ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۱۲۲ ح ۴.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الرحمان بن حجاج روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه درباره کسی که بعد از صبح و بالا آمدن خورشید می خواهد روزه قضای ماه رمضان را انجام دهد با آن که از شب تصمیم نگرفته بود. فرمود: آری، آن روز را روزه بدارد و قضای ماه رمضان به شمار آورد، مادامی که از مبطلات روزه را انجام نداده است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن سماعة بن مهران عن أبي عبد الله صلوات الله عليه في قوله الصائم بالخيار إلى زوال الشمس قال ذلك في الفريضة فأما النافلة فله أن يفطر أي ساعه شاء إلى غروب الشمس. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه بن مهران روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره گفتار خود او که «روزه دار تا زوال خورشید (ظهر) اختیار دارد» فرمود: این حکم در روزه واجب است، ولی اگر روزه مستحبی باشد در هر ساعتی که بخواهد تا غروب خورشید می تواند افطار کند.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن سماعة بن مهران عن أبي بصير قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن الصائم المتطوع تعرض له الحاجة قال هو بالخيار ما بينه وبين العَصِيرِ وَإِنْ مَكَثَ حَتَّى الْعَصِيرِ ثُمَّ بَدَا لَهُ أَنْ يَصُومَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ نَوَى ذَلِكَ فَلَهُ أَنْ يَصُومَ ذَلِكَ الْيَوْمَ إِنْ شَاءَ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: کسی که می خواهد روزه مستحبی بگیرد کاری بر او پیش می آید؟

فرمود: تا عصر اختیار دارد و اگر تا عصر نیت نکرد، سپس تصمیم روزه گرفت اگر خواست آن روز را روزه می گیرد.

ص: ۱۷۱

۱- . الكافي ج ۴ ص ۱۲۲ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۱۲۲ ح ۲.

۲۱۶- حکم کسی که روزه مستحبی می گیرد با آن که قضای روزه ماه رمضان دارد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي الصباح الكناني قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن رجلٍ عليه من شهرٍ رمضانَ أياماً أ يتطوعُ فقال لا حتى يقضى ما عليه من شهرٍ رمضانَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو صباح کنانی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: کسی که قضای روزه ماه رمضان به عهده دارد آیا می تواند روزه مستحبی به جا آورد؟ فرمود: نه، تا آن که قضای ماه رمضان به جا آورد.

۲۱۷- حکم کسی که می میرد و بر ذمه ی او روزه ماه رمضان و غیر آن وجود دارد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن حفص بن البختري عن أبي عبد الله صلوات الله عليه في الرجل يموت و عليه صلاة أو صيام قال يقضى عنه أولى الناس بميراثه قلت فإن كان أولى الناس به امرأة فقال لا إلا الرجال. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حفص بن بختری روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره مردی که می میرد و بر ذمه او نماز یا روزه وجود دارد. فرمود: از جانب او نزدیکترین فرد از نظر میراث قضا می کند.

گفتم: اگر نزدیکترین فرد، زن باشد چطور؟

فرمود: نه، فقط مرد.

۲۱۸- حکم روزه کودکان و کی آنها به سبب روزه مؤاخذه می شوند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إنا نأمر صبياننا بالصيام إذا كانوا بنى سبع سنين بما أطاقوا من صيام اليوم فإن كان إلى نصف النهار وأكثر من ذلك أو أقل فإذا غلبهم العطش والغرت أظفروا حتى يتعودوا الصوم و

ص: ۱۷۲

۱- الكافي ج ۴ ص ۱۲۳ ح ۱.

۲- الكافي ج ۴ ص ۱۲۳ ح ۱.

يُطِيقُوهُ فَمُرُوا صِيَامَكُمْ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ تِسْعِ سِنِينَ بِمَا أَطَاقُوا مِنْ صِيَامٍ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: ما در هفت سالگی کودکان مان را به بخشی از روز در حد توانشان - تا نیمی از روز، بیشتر یا کمتر - به روزه وادار می کنیم، پس هر گاه تشنگی و گرسنگی بر آنها چیره شود، افطار می نمایند تا عادت به روزه نمایند و توانایی آن را داشته باشند.

از این رو شما نیز کودکان نه ساله خود را وادار کنید به اندازه طاقتشان روزه بگیرند، پس هر گاه تشنگی بر آنها چیره شد، افطار نمایند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن وهب قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه في كم يؤخذ الصبي بالصيام قال ما بينه وبين خمس عشرة سنة و أربع عشرة سنة فإن هو صام قبل ذلك فدعه و لقد صام إني فلان قبل ذلك فتركته. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن وهب روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: بچه در چند سالگی بایستی به روزه گرفتن گمارده شود؟

فرمود: زمانی که به سن پانزده و چهارده سالگی برسد و اگر پیش از این، روزه گرفت او را به حال خود واگذار. فلان پسر من پیش از این، روزه می گرفت، من او را به حال خود وامی گذاشتم.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إذا أطاق الغلام صيام ثلاثة أيام متتابعه فقد وجب عليه صيام شهر رمضان. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: هنگامی که پسر بچه طاقت روزه گرفتن سه روز پشت سر هم را داشته باشد، روزه ماه رمضان بر او واجب است.

ص: ۱۷۳

۱- . الكافي ج ۴ ص ۱۲۴ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۱۲۵ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۱۲۵ ح ۴.

۲۱۹- حکم کسی که در ماه رمضان مسلمان شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه أنه سئل عن رجل أسلم في النصف من شهر رمضان ما عليه من صيامه قال ليس عليه إلا ما أسلم فيه. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سؤال شد: مردی که در نیمه ماه رمضان مسلمان شود، وظیفه او در مورد روزه چیست؟

فرمود: فقط در روزهایی که مسلمان شده، مکلف به روزه است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عيص بن القاسم قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن قوم أسلموا في شهر رمضان وقد مضى منه أيام هل عليهم أن يصوموا ما مضى منه أو يومهم الذي أسلموا فيه فقال ليس عليهم قضاء ولا يومهم الذي أسلموا فيه إلا أن يكونوا أسلموا قبل طلوع الفجر. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عیص بن قاسم روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: گروهی که در ماه رمضان پس از گذشت چند روز از آن، اسلام آورده اند، آیا بر آنهاست که قضای روزه های گذشته را به جا آورند و یا روزه روزی را که مسلمان شده اند، به جا آورند؟

فرمود: قضایی بر ذمه آنها نیست و نه آن روز ورودشان به اسلام، مگر آن که پیش از طلوع فجر اسلام آورده باشند.

۲۲۰- کراهت سفر در ماه رمضان

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن الخروج إذا دخل شهر رمضان قال لا إلا فيما أُخبرك به خروج إلى مكة أو عزو في سبيل الله أو مال تخاف هلاكه أو أخ تُريد وداعه وإنه ليس أخص من الأب والأُم. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سؤال کردم: آیا با فرا رسیدن ماه رمضان مسافرت جایز است؟

ص: ۱۷۴

۱- . الكافي ج ۴ ص ۱۲۵ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۱۲۵ ح ۳.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۱۲۶ ح ۱.

فرمود: نه، مگر در مواردی که باز می‌گویم: سفر برای مکه، یا برای جنگ در راه خدا، یا برای حفظ مالی که بیم از بین رفتن آن را داشته باشی، یا برای بدرقه برادری که از پدر و مادر نیست (بلکه برادر ایمانی است).

۲۲۱- افطار در سفر صدقه الهی است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن أبي عمير عن بعض أصحابه عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال سمعته يقول قال رسول الله صلى الله عليه وآله إن الله عز وجل تصدق على مرضى أمتي و مسافريها بالتقصير و الإفطار أيسر أحدكم إذا تصدق بصدقه أن تُردَّ عليه. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن ابی عمیر از یکی از راویان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می‌فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند عز و جل افطار در ماه رمضان و تقصیر در نماز را به بیماران و مسافران امت من صدقه کرده است. آیا کسی از شما خوشحال می‌شود آن گاه که صدقه ای را داد آن را به او رد کنند!؟

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عيسى بن القاسم عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إذا خرج الرجل في شهر رمضان مسافراً أفطر و قال إن رسول الله صلى الله عليه وآله خرج من المدينة إلى مكة في شهر رمضان و معه الناس و فيهم المشاة فلما انتهى إلى كراع الغميم دعا بقدح من ماء فيما بين الظهر و العَصِيرِ فشرب و أفطر ثم أفطر الناس معه و ثم أناس على صومهم فسبواهم العَصَاءَ و إنما يؤخذ بآخر أمر رسول الله صلى الله عليه وآله. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، باسناده عیص بن قاسم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه انسان در ماه رمضان به سفر رود، باید افطار کند.

حضرتش فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله در ماه رمضان از مدینه به سوی مکه روان شد و گروهی از مردم با حضرتش همسفر بودند، در میان آنان پیادگانی نیز بودند، هنگامی که حضرتش در بین ظهر و عصر به سرزمین «کراع غمیم» رسید کاسه آبی خواست و آن را نوشید و افطار کرد. مردم نیز با آن حضرت افطار

ص: ۱۷۵

۱- . الكافي ج ۴ ص ۱۲۷ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۱۲۷ ح ۵.

کردند. گروهی از همراهان، روزه خود را به پایان رساندند. از این رو حضرتش آنان را عصیان کاران نامید. آنها بایستی آخرین امر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را (که همان خوردن روزه در سفر است) به کار ببندند.

۲۲۲- حکم کسی که ندانسته در سفر روزه بگیرد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: قلت له رجل صام في السفر فقال إن كان بلغه أن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَى عَنْ ذَلِكَ فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ بَلَّغَهُ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلی روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: کسی که در سفر روزه گرفته است چه حکمی دارد؟

فرمود: اگر به او رسیده که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ از آن نهی فرموده، بایستی قضای آن روز را بگیرد و اگر نمی دانسته چیزی بر او نیست.

۲۲۳- کسی که افطار و تقصیر در سفر بر او واجب نیست و کسی که این حکم بر او واجب است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن هشام بن الحكم عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: المكارى و الجمال الذي يختلِف و ليس له مقام يتم الصلاة و يصوم شهر رمضان. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از هشام بن حکم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: چهارپادار و شتربانی که در حال رفت و آمد هستند، و در یک جا اقامت ندارند، بایستی نماز را تمام خوانده و روزه ماه رمضان را بگیرند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد بن مروان عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال سمعته يقول: من سافر قصر و أفطر إلا أن يكون رجلاً سفره إلى صيد أو في معصية الله أو رسوا لمن يعصى الله أو في طلب شحنا أو سعيه ضرر على قوم مسلمين. (۳)

ص: ۱۷۶

۱- الكافي ج ۴ ص ۱۲۸ ح ۱.

۲- الكافي ج ۴ ص ۱۲۸ ح ۱.

۳- الكافي ج ۴ ص ۱۲۹ ح ۳.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مروان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: کسی که به سفر می رود بایستی افطار کند و نماز را شکسته بخواند مگر کسی که سفرش برای شکار یا در معصیت خدا باشد و یا فرستاده معصیت کاری باشد که معصیت خدا می کند یا در جست و جوی دشمنی یا ضرر رسانیدن بر گروهی از مسلمانان باشد.

۲۲۴- روزه مستحبی در سفر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن إسماعيل بن سهل عن رجل عن أبي عبد الله عليه السلام قال: خرج أبو عبد الله صلوات الله عليه من المدينة في أيام يقين من شعبان فكان يصوم ثم دخل عليه شهر رمضان وهو في السفر فأفطر فقبل له تصوم شعبان و تفتط شهر رمضان فقال نعم شعبان إلی إن شئت صمت وإن شئت لا و شهر رمضان عزم من الله عز وجل علي الإفطار. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسماعیل بن سهل از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه چند روز از ماه شعبان مانده بود که از مدینه حرکت کرد، حضرتش روزه می گرفت. وقتی ماه رمضان فرا رسید آن حضرت در سفر بود روزه اش را افطار نمود.

به آن بزرگوار گفته شد: ماه شعبان را روزه می گیری و ماه رمضان را افطار می کنی؟

فرمود: آری، شعبان در اختیار من است اگر خواستم روزه می گیرم و اگر نخواستم روزه نمی گیرم، ولی افطار کردن در ماه رمضان از جانب خداوند عز و جل بر من حتمی است.

۲۲۵- حکم کسی که در ماه رمضان قصد سفر دارد، یا از سفر بر می گردد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبيد بن زرارَةَ عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إذا خرج الرجل في شهر رمضان بعد الزوال أتمَّ الصيامَ فإذا خرج قبل الزوال أفطر. (۲)

ص: ۱۷۷

۱- الكافي ج ۴ ص ۱۳۰ ح ۱.

۲- الكافي ج ۴ ص ۱۳۱ ح ۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبید بن زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه انسان در ماه رمضان بعد از ظهر از وطنش بیرون رود، بایستی روزه را به پایان برساند، ولی اگر پیش از ظهر از وطنش بیرون رفت، افطار می کند.

۲۲۶- حکم کسی که وارد شهری شد و تصمیم دارد در آن بماند یا چنین تصمیمی ندارد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير قال: إِذَا قَدِمْتَ أَرْضاً وَ أَنْتَ تُرِيدُ أَنْ تُقِيمَ بِهَا عَشْرَةَ أَيَّامٍ فَصُمْ وَ أَتَمَّ وَ إِنْ كُنْتَ تُرِيدُ أَنْ تُقِيمَ أَقَلَّ مِنْ عَشْرَةِ أَيَّامٍ فَأَفْطِرْ مَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ شَهْرٍ فَإِذَا بَلَغَ الشَّهْرَ فَأَتِمَّ الصَّلَاةَ وَ الصِّيَامَ وَ إِنْ قُلْتَ أَرْتَجِلُ غُدْوَةً. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر (که از راویان حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما است) روایت کرده که گفت: هرگاه وارد سرزمینی شدی و خواستی ده روز در آن بمانی، روزه بگیر و نماز را تمام بخوان و اگر خواستی کمتر از ده روز اقامت کنی تا یک ماه افطار کن، وقتی اقامت تو یک ماه شد، نماز و روزه را تمام به جا آور، گرچه بگویی: فردا کوچ می کنم.

۲۲۷- روزه حائض و مستحاضه

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحسن بن راشد قال: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ الْحَائِضُ تَقْضِي الصَّوْمَ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ تَقْضِي الصَّلَاةَ قَالَ لَا قُلْتُ مِنْ أَيْنَ جَاءَ هَذَا قَالَ أَوَّلُ مَنْ قَاسَ إِبْلِيسُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسن بن راشد روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: زن حائض روزه را قضا می کند؟

فرمود: آری.

گفتم: نماز را قضا می کند؟

فرمود: نه.

گفتم: این حکم از کجا آمده؟

ص: ۱۷۸

۱- الكافي ج ۴ ص ۱۳۳ ح ۱.

۲- الكافي ج ۴ ص ۱۳۵ ح ۱.

فرمود: نخستین کسی که قیاس نمود، ابلیس بود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي الصباح الكناني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه في امرأه أصبحت صائمه فلما ارتفع النهار أو كان العشي حياضت أو تظطر قال نعم وإن كان قبل المغرب فلتظطر وعن امرأه ترى الطهر من أول النهار في شهر رمضان لم تغتسل ولم تطعم كيف تصنع بذلك اليوم قال إنما فطرها من الدم. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو صباح کنانی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: زنی روزه گرفته است، وقتی روز بالا آمده یا آخر روز فرا رسیده، حائض شده است، آیا روزه خود را افطار می کند؟

فرمود: آری و اگر پیش از مغرب باشد، باید افطار کند.

و هم چنین پرسیدم: زنی در اول روز در ماه رمضان پاک شد و هنوز غسل نکرده و چیزی نخورده است در آن روز چه وظیفه ای دارد؟

فرمود: روزه را افطار می کند، چرا که روزه اش از خون حیض شکسته شده است.

۲۲۸- حکم کسی که روزه دو ماه پشت سر هم بر او واجب شود، پس کاری پیشامد کند که از تمام کردن آن باز دارد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سماعه بن مهران قال: سألته (الإمام) عن الرجل يكون عليه صوم شهرين متتابعين أيفرق بين الأيام فقال إذا صام أكثر من شهر فوصله ثم عرض له أمر فأفطر فلا بأس فإن كان أقل من شهر أو شهراً فعليه أن يعيد الصيام. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه بن مهران روایت کرده که گفت: از امام صلوات الله علیه پرسیدم: مردی دو ماه پیاپی روزه به عهده دارد، آیا می تواند میان آن روزها فاصله دهد؟

فرمود: هرگاه بیش از یک ماه روزه بگیرد و آن را به ماه دیگر وصل نماید، سپس بر او کاری پیش آید که افطار کند، ایرادی ندارد و اگر کمتر از یک ماه یا فقط یک ماه روزه بگیرد بر اوست که روزه ها را از سر گیرد.

ص: ۱۷۹

۱- الكافي ج ۴ ص ۱۳۶ ح ۷.

۲- الكافي ج ۴ ص ۱۳۸ ح ۳.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: كُلُّ صَوْمٍ يُفْرَقُ إِلَّا ثَلَاثَهُ أَيَّامٍ فِي كَفَّارِهِ الْيَمِينِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: بین هر نوع روزه ای می توان فاصله داد، مگر سه روز در روزه کفارہ سوگند.

۲۳۰- حکم کسی که بر خود روزه معینی را واجب نماید و کسی که نذر کرده به هنگام شکر روزه بگیرد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن كرام قال: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنِّي جَعَلْتُ عَلَى نَفْسِي أَنْ أَصُومَ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ صُمْ وَلَا تَصُمْ فِي السَّفَرِ وَلَا الْعِيدَيْنِ وَلَا أَيَّامَ التَّشْرِيقِ وَلَا الْيَوْمَ الَّذِي يُشَكُّ فِيهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از کرام روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: من بر خود لازم کرده ام تا حضرت قائم صلوات الله علیه قیام کند، روزه بگیرم؟

فرمود: روزه بگیر، ولی در سفر، عیدها، ایام تشریق و یوم الشک از ماه رمضان روزه بگیر.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن أحمد بن أشيم قال: كَتَبَ الْحُسَيْنُ إِلَى الرَّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ جُعِلْتُ فِدَاكَ رَجُلٌ نَذَرَ أَنْ يَصُومَ أَيَّامًا مَعْلُومَةً فَصَامَ بَعْضَهَا ثُمَّ إِعْتَلَّ فَأَفْطَرَ أَوْ يَبْتَدِي فِي صَوْمِهِ أَمْ يَحْتَسِبُ بِمَا مَضَى فَكَتَبَ إِلَيْهِ يَحْتَسِبُ مَا مَضَى. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از احمد بن اشیم روایت کرده که گفت: حسین طی نامه ای به حضرت امام رضا صلوات الله علیه نوشت: فدایت کردم! مردی نذر کرده که روزهای معینی را روزه بگیرد. پس بخشی از آن را روزه گرفت. آن گاه بیمار شد و افطار نمود، آیا روزه اش را از سر گیرد، یا گذشته را به حساب آورد؟

حضرت در پاسخ او نوشت: گذشته را به حساب آورد.

ص: ۱۸۰

۱- . الكافي ج ۴ ص ۱۴۰ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۱۴۱ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۱۴۱ ح ۲.

۲۳۱- کفارہ روزہ واجب و فدیہ آن

۱- الشیخ الكلینی، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ رَجُلٍ نَذَرَ نَذْرًا فِي صِيَامٍ فَعَجَزَ فَقَالَ كَانَ أَبِي صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ عَلَيْهِ مَكَانَ كُلِّ يَوْمٍ مَدًّا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن منصور روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله علیه پرسیدم: مردی نذر کرده که روزه بگیرد ولی از انجام آن ناتوان شد؟

فرمود: پدرم صلوات الله علیه می فرمود: او در ازای هر روز یک مد طعام صدقه بدهد.

توضیح: زمانی که شخص از انجام روزه گرفتن ناتوان شد، آن مقدار صدقه دادن کفایت می کند از روزه اش.

۲۳۲- روزه عرفه و عاشورا

۱- الشیخ الكلینی، بإسناده عن زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا قَالَا: لَا تَصُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَ لَا عَرَفَةَ بِمَكَّةَ وَ لَا فِي الْمَدِينَةِ وَ لَا فِي وَطَنِكَ وَ لَا فِي مِصْرٍ مِنَ الْأَمْصَارِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما و آلهما فرمودند: روز عاشورا و روز عرفه را نه در مکه، نه در مدینه، نه در وطن خود و نه در شهری از شهرها روزه مگیر.

۲- الشیخ الكلینی، بإسناده عن الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ قَالَ حَدَّثَنِي نَجْبَةُ بْنُ الْحَارِثِ الْعَطَّارُ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ مِنْ صَوْمِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ فَقَالَ صَوْمٌ مَثْرُوكٌ يُنْزَلُ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ الْمَثْرُوكُ بِدَعَاةٍ قَالَ نَجْبَةُ فَسَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ مِنْ بَعْدِ أَبِيهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ ذَلِكَ فَأَجَابَنِي بِمِثْلِ جَوَابِ أَبِيهِ ثُمَّ قَالَ أَمَا إِنَّهُ صَوْمٌ يَوْمٍ مَا نَزَلَ بِهِ كِتَابٌ وَ لَا جَرَتْ بِهِ سُنَّةٌ إِلَّا سُنَّتُهُ آلِ زِيَادٍ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا. (۳)

ص: ۱۸۱

۱- . الكافي ج ۴ ص ۱۴۳ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۱۴۶ ح ۳.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۱۴۶ ح ۴.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسن بن علی و شاء روایت کرده که گفت: نجبه بن حارث عطار به من گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه در مورد روزه عاشورا سؤال کردم.

فرمود: با فرود آمدن روزه ماه رمضان، روزه روز عاشورا متروک است و روزه متروک بدعت است.

نجبه گوید: پس از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه از حضرت امام صادق صلوات الله علیه در این مورد پرسیدم. آن حضرت نیز همین پاسخ را داد. آن گاه فرمود: آن روزه ای است که نه در کتاب در مورد آن نازل شده و نه سنت بر آن جاری گشته است، مگر سنت آل زیاد که به کشتن حضرت حسین بن علی صلوات الله علیهما جاری شده است.

۲۳۳- روزه عید فطر، قربان و ایام تشریق

۱- الشيخ الكلینی، یاسناده عن سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ (الإمام) عَنْ صِيَامِ يَوْمِ الْفِطْرِ فَقَالَ لَا يَتَّبِعِي صِيَامَهُ وَلَا صِيَامِ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: از حضرت امام صلوات الله علیه در مورد روزه روز فطر پرسیدم.

فرمود: روزه آن روز و روزه ایام تشریق روا نیست.

توضیح: ایام تشریق روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ماه ذی الحجه است.

۲- الشيخ الكلینی، یاسناده عن زِيَادِ بْنِ أَبِي الْحَلَّالِ قَالَ قَالَ لَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَا صِيَامَ بَعْدَ الْأَضْحَى ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَلَا بَعْدَ الْفِطْرِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِنَّهَا أَيَّامٌ أَكَلٍ وَ شُرْبٍ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زیاد بن ابی الحلال روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه به ما فرمود: سه روز بعد از قربان و سه روز بعد از فطر روزه نیست، زیرا آنها روزهای خوردن و آشامیدن است.

ص: ۱۸۲

۱- الكافي ج ۴ ص ۱۴۸ ح ۱.

۲- الكافي ج ۴ ص ۱۴۸ ح ۲.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحسن بن راشد عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: قلت جعلت فداك للمسلمين عيد غير العيدين قال نعم يا حسن أعظمهما وأشرفهما قلت وأى يوم هو قال هو يوم نصب أمير المؤمنين صلوات الله وسلامه عليه فيه علماً للناس قلت جعلت فداك وما ينبغي لنا أن نضع فيه قال تصومه يا حسن وتكثر الصلاة على محمد وآله وتبرأ إلى الله ممن ظلمهم فإن الأنبياء صلوات الله عليهم كانت تأمر الأوصياء باليوم الذي كان يُقام فيه الوصية أن يتخذ عيداً قال قلت فما لمن صامه قال صيام ستين شهراً ولا تدع صيام يوم سبع وعشرين من رجب فإنه هو اليوم الذي نزلت فيه النبوة على محمد صلى الله عليه وآله وثوابه مثل ستين شهراً لكم. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حسن بن راشد روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: قربانت گردم! برای مسلمانان جز دو عید فطر و قربان، عید دیگری است؟

فرمود: آری، ای حسن! بزرگتر و باشرافتر از آن دو عید.

گفتم: کدام روز است؟

فرمود: روزی است که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در آن برای مردم به عنوان راهنما تعیین گردید.

گفتم: فدایت شوم! در آن روز سزاوار است چه عملی را انجام دهیم؟

فرمود: ای حسن! در آن روز، روزه می گیری و بر حضرت محمد و آل او صلوات الله علیهم، صلوات بسیار می فرستی و از کسانی که در حق ایشان ستم کرده اند به سوی خداوند بیزاری می جویی، زیرا که همه پیامبران صلوات الله علیهم به اوصیای خود دستور دادند که روز نصب وصی را عید بگیرند.

گوید: گفتم: پاداش کسی که آن روز را روزه بگیرد، چیست؟

فرمود: پاداش شصت ماه روزه. روزه روز بیست و هفتم رجب را رها نکن، زیرا که آن روز، همان روزی است که نبوت بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل شد، و پاداش آن برای شما با شصت ماه برابر است.

ص: ۱۸۳

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ هَلْ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدٌ غَيْرَ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَالْأَضْحَى وَالْفِطْرِ قَالَ نَعَمْ أَعْظَمُهَا حُرْمَةً قُلْتُ وَ أَيْ عِيدٍ هُوَ جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ الْيَوْمُ الَّذِي نَصَبَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ قَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ قُلْتُ وَ أَيْ يَوْمٌ هُوَ قَالَ وَ مَا تَصْنَعُ بِالْيَوْمِ إِنْ أَلْسَنَهُ تَدْوِيرٌ وَ لَكِنَّهُ يَوْمٌ ثَمَانِيَةٌ عَشْرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ قُلْتُ وَ مَا يَتَّبِعُنِي لِنَا أَنْ نَفْعَلَ فِي ذَلِكِ الْيَوْمِ قَالَ تَذْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّ ذِكْرَهُ فِيهِ بِالصَّيَامِ وَ الْعِبَادَةِ وَ الذِّكْرِ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَوْصَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنْ يَتَّخِذَ ذَلِكَ الْيَوْمَ عِيدًا وَ كَذَلِكَ كَانَتْ الْأَنْبِيَاءُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ تَفْعَلُ كَانُوا يُوَصُّونَ أَوْصِيَاءَهُمْ بِذَلِكَ فَيَتَّخِذُونَهُ عِيدًا. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عبدالرحمن بن سالم از پدرش روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه سؤال کردم: آیا مسلمانان جز روز جمعه، عید قربان و عید فطر، عید دیگری دارند؟

فرمود: آری، عیدی که حرمت آن از آنها بزرگتر است.

گفتم: فدایت گردم! آن کدام عید است؟!

فرمود: روزی است که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله عليه را (به عنوان جانشین) نصب کرد و فرمود: «هر کس من مولای او هستم پس علی مولای اوست».

گفتم: آن کدام روز است؟

فرمود: با روز آن چه کار داری؟ همانا سال در گردش است، ولی آن روز هیجدهم ذی الحجه است.

گفتم: در آن روز شایسته است چه عملی انجام دهیم؟

فرمود: با روزه و عبادت و یاد حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله و آل محمد صلوات الله عليهم باشید. زیرا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله به حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله عليه وصیت نمود که آن روز را عید بگیرد، هم چنین همه پیامبران عليهم السلام به اوصیای خود سفارش نمودند که آن روز عید قرار دهند.

ص: ۱۸۴

۲۳۵- فضیلت افطار نمودن روزه مستحبی در نزد برادر دینی به هنگام درخواست او

۱- الشیخ الكلینی، بإسنادہ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِفْطَارُكَ لِأَخِيكَ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِكَ تَطَوُّعًا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن عمّار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: افطار کردن تو در نزد برادر مؤمنت بهتر از گرفتن روزه مستحبی است.

۲- الشیخ الكلینی، بإسنادہ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: مَنْ دَخَلَ عَلَى أَخِيهِ وَهُوَ صَائِمٌ فَأَفْطَرَ عِنْدَهُ وَ لَمْ يُعَلِّمْهُ بِصَوْمِهِ فَيَمُنَّ عَلَيْهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ صَوْمَ سَنِهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جمیل بن درّاج روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: روزه داری که نزد برادر دینی خود برود و کنار سفره او روزه اش را افطار کند و او را از روزه خود آگاه نسازد که متنی بر او نهد، خداوند برای او روزه یک سال را می نویسد.

۲۳۶- جواز روزه مستحبی فقط به اذن دیگری

۱- الشیخ الكلینی، بإسنادہ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: مِنْ فَهِّ الضَّيْفِ أَنْ لَا يَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ صَاحِبِهِ وَ مِنْ طَاعَةِ الْمَرْأَةِ لِرَوْحِهَا أَنْ لَا تَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ أَمْرِهِ وَ مِنْ صَلَاحِ الْعَبْدِ وَ طَاعَتِهِ وَ نُصِيحَةِ لِمَوْلَاهُ أَنْ لَا يَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ مَوْلَاهُ وَ أَمْرِهِ وَ مِنْ بَرِّ الْوَالِدِ أَنْ لَا يَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ أَبِيهِ وَ أَمْرِهِمَا وَ إِلَّا كَانَ الضَّيْفُ جَاهِلًا وَ كَانَتِ الْمَرْأَةُ عَاصِيَةً وَ كَانَ الْعَبْدُ فَاسِقًا عَاصِيًا وَ كَانَ الْوَالِدُ عَاقًا. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از هشام بن حکم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: از فهم و دانش میهمان این است که جز با اجازه میزبانش روزه مستحبی نگیرد و از اطاعت زن از همسرش این است که جز با اجازه و دستور او روزه مستحبی

ص: ۱۸۵

۱- . الکافی ج ۴ ص ۱۵۰ ح ۱.

۲- . الکافی ج ۴ ص ۱۵۰ ح ۳.

۳- . الکافی ج ۴ ص ۱۵۱ ح ۲.

نگیرد و از شایستگی بنده و فرمانبرداری او و خیرخواهی او بر مولایش این است که جز با اجازه مولایش روزه مستحبی نگیرد و از نیکی فرزند این است که جز با اجازه پدر و مادر و دستور آنها روزه مستحبی نگیرد، و گرنه میهمان نادان خواهد بود، زن نافرمان به شمار خواهد آمد، بنده فاسق و عاصی و فرزند عاق قلمداد خواهند شد.

۲۳۷- با آنچه افطار نمودن مستحب است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عبد الله بن مسد كان عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا أفطر يداً بحلواءٍ يُفطرُ عليهما فإن لم يجد فسبب كرهه أو تمراتٍ فإذا أعوز ذلك كله فماءٍ فاترٍ وكان يقول ينقي المعدة والكبد ويطيب النكهة والفم ويقوي الأضراس ويقوي الحدة ويجلو الناظر ويعسل الذنوب غسلاً ويسكن العروق الهائجة والمره الغالبة ويقطع البلغم ويقضي الحرارة عن المعدة ويذهب بالصداع. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن مسکان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله همواره به هنگام افطار با حلوا آغاز می نمود و اگر حلوا نمی یافت با شکر یا خرما. پس هرگاه هیچ کدام از آنها را نمی یافت با آب ولرم افطار می نمود و می فرمود: آب ولرم معده و کبد را پاکیزه، بوی دهان را خوشبو، دندانها را محکم، حلقه چشم را نیرومند می نماید به دیده جلوه می بخشد، گناهان را به طور کامل می شوید، به رگ های هیحانی صفرا و یا سودا آرامی بخشد، بلغم را قطع می کند، حرارت معده را فرو می نشاند و سردرد را از بین می برد.

۲۳۸- انجام غسل در ماه رمضان (غسل شب های قدر)

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زرارة وفضيل عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: الغسل في شهر رمضان عند وجوب الشمس قبيله ثم يصلي ثم يفطر. (۲)

ص: ۱۸۶

۱- الكافي ج ۴ ص ۱۵۲ ح ۴.

۲- الكافي ج ۴ ص ۱۵۳ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره و فضیل روایت کرده که گفتند: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: انجام غسل در ماه رمضان اندکی پیش از فرو رفتن آفتاب است، سپس روزه دار نماز خوانده آن گاه افطار می نماید.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا قَالَ: الْغُسْلُ فِي لَيْالٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فِي تِسْعِ عَشْرَةٍ وَ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ وَ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ وَ أَصِيبَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي لَيْلِهِ تِسْعَ عَشْرَةَ وَ قُبُضَ فِي لَيْلِهِ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ وَ الْغُسْلُ فِي أَوَّلِ لَيْلِهِ وَ هُوَ يُجْزَى إِلَى آخِرِهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما فرمود: غسل در شب های ماه رمضان؛ در شب نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم است.

حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در شب نوزدهم ضربت خورد و در شب بیست و یکم به شهادت رسید صلوات خدا بر او باد.

حضرتش فرمود: غسل در آغاز شب است و تا پایان شب نیز همان کفایت می کند.

۲۳۹- شب قدر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ أَبُو بَصِيرٍ جُعِلْتُ فِدَاكَ اللَّيْلَةُ الَّتِي يُرْجَى فِيهَا مَا يُرْجَى فَقَالَ فِي إِحْدَى وَ عَشْرِينَ أَوْ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ قَالَ فَإِنْ لَمْ أَفَوْ عَلَى كِلْتَيْهِمَا فَقَالَ مَا أَيْسَرَ لَيْلَتَيْنِ فِيمَا تَطْلُبُ قُلْتُ فَرُبَّمَا رَأَيْنَا الْهَيْلَالَ عِنْدَنَا وَ جَاءَنَا مَنْ يُخْبِرُنَا بِخِلَافِ ذَلِكَ مِنْ أَرْضٍ أُخْرَى فَقَالَ مَا أَيْسَرَ أَرْبَعِ لَيَالٍ تَطْلُبُهَا فِيهَا قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَيْلَةُ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ لَيْلَةُ الْجَهَنِّيِّ فَقَالَ إِنَّ ذَلِكَ لَيَقَالُ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ سُلَيْمَانَ بْنَ خَالِدٍ رَوَى فِي تِسْعِ عَشْرَةَ يُكْتَبُ وَفِي الْحَاجِّ فَقَالَ لِي يَا أَبَا مُحَمَّدٍ وَفِي الْحَاجِّ يُكْتَبُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ الْمَنَايَا وَ الْبَلَايَا وَ الْأَرْزَاقُ وَ مَا يَكُونُ إِلَى مِثْلِهَا فِي قَابِلٍ فَاطْلُبُهَا فِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ وَ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ وَ صَلِّ فِي كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا مِائَةَ رَكَعَةٍ وَ أَحْيِيهَا إِنْ اسْتِطَعْتَ إِلَى النُّورِ وَ اغْتَسِلْ فِيهِمَا قَالَ قُلْتُ فَإِنْ لَمْ أَقْدِرْ عَلَى ذَلِكَ وَ

ص: ۱۸۷

أَنَا قَائِمٌ قَالَ فَصَلِّ وَ أَنْتَ جَالِسٌ قُلْتُ فَإِنْ لَمْ أَشَيْطَانٌ قَالَ فَعَلَى فِرَاشِكَ لَا عَلَيْكَ أَنْ تَكْتَحِلَ أَوَّلَ اللَّيْلِ بِشَيْءٍ مِنَ النَّوْمِ إِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تُفْتَحُ فِي رَمَضَانَ وَ تُصَيِّدُ الشَّيَاطِينَ وَ تُقْبَلُ أَعْمَالُ الْمُؤْمِنِينَ نِعَمَ الشَّهْرِ رَمَضَانَ كَانَ يُسَمِّي عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الْمَرْزُوقَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن ابو حمزه ثمالی روایت کرده که گفت: خدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بودم که ابو بصیر به حضرتش گفت: فدایت گردم! شب قدری که در آن، امید رحمت الهی می رود، کدام شب است؟

فرمود: شب بیست و یکم یا شب بیست و سوم.

گفت: اگر توان عبادت در آن دو شب را نداشته باشم چه کنم؟

فرمود: چه آسان است دو شب در آن چه تو می طلبی!

گفتم: گاهی هلال ماه در نزد ما ثابت می شود، ولی کسی را می یابیم که برخلاف آن از سرزمین دیگر خبر می دهد.

فرمود: چه آسان است آن چهار شب در آن چه تو می طلبی!

گفتم: قربانت گردم! شب بیست و سوم شب جهنی است؟

فرمود: چنین گفته می شود.

گفتم: سلیمان بن خالد روایت کرده است که در شب نوزدهم نام کسانی که حج خواهند رفت، نوشته می شود.

حضرتش به من فرمود: ای ابا محمّد! در شب قدر نام واردین حج، بلاها، مرگ ها، روزی ها و همه حوادثی که تا شب قدر سال آینده اتفاق می افتد، نوشته می شود. پس آنها را در شب بیست و یکم و بیست و سوم طلب کن و در هریک از آن دو شب، صد رکعت نماز بگزار و اگر بتوانی آن دو شب را تا روشن شدن هوا احیا بدار و در آن دو شب غسل انجام بده.

گوید: گفتم: اگر به حال ایستاده (نماز) نتوانم بخوانم چه؟

فرمود: در حال نشسته به جا آور.

ص: ۱۸۸

گفتم: اگر توان آن را نیز نداشته باشم.

فرمود: در بسترت بخوان، ایرادی ندارد که در آغاز شب اندکی خواب را سرمه چشم خود کنی، زیرا در ماه رمضان درهای آسمان گشوده شود، شیاطین به بند کشیده شده و اعمال مؤمنان پذیرفته می شود. ماه رمضان، چه ماه خوبی است! این ماه در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله مرزوق نامیده می شد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن إسماعيل بن عمار قال: سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَ نَاسٌ يَسْأَلُونَهُ يَقُولُونَ أَلَا زَرَأَقُ تُقَسَّمُ لَيْلَهُ النَّصِيفِ مِنْ شَعْبَانَ قَالَ فَقَالَ لَا وَ اللَّهُ مَا ذَاكَ إِلَّا فِي لَيْلِهِ تِسْعَ عَشْرَةَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ وَ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ فَإِنَّ فِي لَيْلِهِ تِسْعَ عَشْرَةَ يَلْتَقِي الْجَمْعَانِ وَ فِي لَيْلِهِ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ وَ فِي لَيْلِهِ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ يُمَضَى مَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَ هِيَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» قَالَ قُلْتُ مَا مَعْنَى قَوْلِهِ يَلْتَقِي الْجَمْعَانِ قَالَ يَجْمَعُ اللَّهُ فِيهَا مَا أَرَادَ مِنْ تَقْدِيمِهِ وَ تَأْخِيرِهِ وَ إِرَادَتِهِ وَ قَضَائِهِ قَالَ قُلْتُ فَمَا مَعْنَى يُمَضَى فِيهِ فِي ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ قَالَ إِنَّهُ يُفْرَقُ فِي لَيْلِهِ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ وَ يَكُونُ لَهُ فِيهِ الْبَدَأُ فَإِذَا كَانَتْ لَيْلُهُ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ أَمْضَاهُ فَيَكُونُ مِنَ الْمَحْتُمِ الَّذِي لَا يَبْدُو لَهُ فِيهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: از امام صلوات الله علیه شنیدم که به مردم پاسخ می فرمود، آنان از حضرتش سؤال کرده و می گفتند: آیا روزی ها در شب نیمه شعبان تقسیم می شود؟

گوید: حضرتش فرمود: نه، به خدا سوگند! تقسیم روزی ها فقط در شب نوزدهم ماه رمضان، بیست و یکم و بیست و سوم است، زیرا در شب نوزدهم گروه (نویسندگان نامه اعمال) ملاقات می کنند، شب بیست و یکم هر کار محکم مشخص می گردد و در شب بیست و سوم آن چه خداوند عز و جلّ بخواهد، امضا می شود و آن شب قدر است که خداوند عز و جلّ فرمود: «بهتر از هزار ماه است».

راوی گوید: گفتم: معنای گفتار حضرتش که «گروه نویسندگان نامه اعمال ملاقات می کنند» چیست؟

فرمود: خداوند هر چه بخواهد که تقدیم بدارد، تأخیر بیندازد، اراده کند و حکم نماید، در آن شب گرد هم می آورد.

ص: ۱۸۹

راوی گوید: گفتیم: پس معنای امضا در شب بیست و سوم چیست؟

فرمود: در شب بیست و یکم امضای آن را جدا می کند و در آن بدهاء (خواست) حاصل می شود. پس چون شب بیست و سوم شد، آن را امضاء می کند و حکم حتمی می شود که دیگر بدایی در آن برای خدای تبارک و تعالی نمی شود.

۲۴۰- نماز تراویح بدعت عمر (نوافل به جماعت خوانده نمی شوند)

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: قَدْ عَمَلَتِ الْوُلَاءُ قَبْلِي أَعْمَالًا خَالَفُوا فِيهَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُتَعَمِّدِينَ لِخِلَافِهِ وَ لَوْ حَمَلْتُ النَّاسَ عَلَى تَرْكِهَا لَتَفَرَّقُوا عَنِّي وَ سَأَقُ الْخُطْبَةَ الطَّوِيلَةَ إِلَيْهِ أَنْ قَالَ وَ اللَّهُ لَقَدْ أَمَرْتُ النَّاسَ أَنْ لَا يَجْتَمِعُوا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَّا فِي فَرِيضَةٍ وَ أَعْلَمْتُهُمْ أَنَّ اجْتِمَاعَهُمْ فِي النَّوَافِلِ بِدْعَةٌ فَتَنَادَى بَعْضُ أَهْلِ عَشْكَرِي مِمَّنْ يُقَاتِلُ مَعِي يَا أَهْلَ الْإِسْلَامِ عَيِّرْتُمْ سُنَّةَ عَمَرَ يَنْهَانَا عَنِ الصَّلَاةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَطَوُّعًا وَ لَقَدْ خِفْتُ أَنْ يَثُورُوا فِي نَاحِيهِ جَانِبِ عَشْكَرِي مَا لَقِيتُ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنَ الْفُرْقَةِ وَ طَاعَةِ أَيْمَةِ الضَّلَالِ وَ الدُّعَاةِ إِلَى النَّارِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سلیم بن قیس هلالی روایت کرده که گفت: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: والیان پیش از من متصدی کارهایی شدند که از روی عمد با رسول الله صلی الله علیه و آله مخالفت کردند و اگر من مردم را از آن منع و امر به ترک آن نمایم، تمام لشکر من از اطراف من پراکنده می شوند و حدیثی طولانی را بیان کرده تا اینجا که فرمود: به خدا سوگند به مردم دستور دادم که در ماه رمضان جز نماز واجب را به جماعت نخوانند و به آن ها اعلام کردم که نوافل به جماعت خواندن، بدعت است. برخی از همین لشکریانم که اکنون به همراه من جنگ می کنند فریاد زدند: ای مسلمانان! سنت عمر دگرگون شد. علی ما را از نماز نافله در ماه رمضان باز می دارد و ترس آن را دارم که از یک سوی لشکر بر من شورش کنند. من چه کشیدم از دست این امت! از اختلاف شان و از پیروی کردن شان از پیشوایان گمراه و خوانندگان به سوی دوزخ.

ص: ۱۹۰

۲۴۱- تکبیر شب فطر و روز آن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سعيد النقاش قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه لي: أما إن في الفطر تكبيراً ولكنه مستور قال قلت و أين هو قال في ليله الفطر في المغرب والعشاء الآخره وفي صلاه الفجر وفي صلاه العيد ثم يقطع قال قلت كيف أقول قال تقول الله أكبر الله أكبر لا إله إلا الله والله أكبر الله أكبر ولله الحمد الله أكبر على ما هداانا وهو قول الله عز وجل: وَتَكْمِلُوا الْعِدَّةَ يَغْنَى الصَّيَامَ: وَتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سعيد نقاش روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه به من فرمود: آگاه باش! که (عید) فطر تکبیری دارد، ولی آن پنهان است.

گوید: گفتیم: آن در کدام وقت است؟

فرمود: در شب فطر در نماز مغرب و عشاء و در نماز صبح و در نماز عید است و آن گاه قطع می شود.

گفتم: چگونه آن را بگویم؟

فرمود: بگو: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا»

و این قول خداوند عز و جل است که می فرماید: «این روزه ها» یعنی روزه «را تکمیل کنید و خدا را بر این که شما را هدایت نمود بزرگ شمارید و تکبیر گوید».

۲۴۲- روز فطر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن جراح المدائني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: ليطعم يوم الفطر قبل أن يصلّي ولا يطعم يوم أضحى حتى ينصرف الإمام. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از جراح مدائنی روایت کرده که: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: روز فطر پیش از نماز طعام بخور و در روز قربان بعد از آن که امام نماز عید را به پایان رساند، غذا می خوری.

ص: ۱۹۱

۱- الكافي ج ۴ ص ۱۶۶ ح ۱.

۲- الكافي ج ۴ ص ۱۶۸ ح ۲.

۲۴۳- اموری که پس از صحت رؤیت هلال و ثبوت عید فطر برای کسانی که روزه اند واجب می شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذَا شَهِدَ عِنْدَ الْإِمَامِ شَاهِدَانِ أَنْهُمَا رَأَيَا الْهَيْلَالَ مُنْذُ ثَلَاثِينَ يَوْمًا أَمَرَ الْإِمَامُ بِالْإِفْطَارِ وَصَلَّى فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ إِذَا كَانَا شَاهِدًا قَبْلَ زَوَالِ الشَّمْسِ فَإِنْ شَهِدَا بَعْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ أَمَرَ الْإِمَامُ بِالْإِفْطَارِ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَآخَرَ الصَّلَاةِ إِلَى الْغَدِ فَصَلَّى بِهِمْ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن قیس روایت کرده که گفت: امام باقر صلوات الله علیه فرمود: هرگاه دو شاهد نزد امام شهادت دهند که از سی روز پیش هلال ماه را دیده اند، امام به افطار آن روز فرمان می دهد و اگر پیش از ظهر باشد آن روز نماز عید می خوانند و اگر بعد از ظهر باشد، امام به افطار آن روز امر می کند و نماز عید را به فردا موکول می کند و با آنها نماز می خواند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ رَفَعَهُ (الإمام) قَالَ: إِذَا أَضْبَحَ النَّاسُ صِيَامًا وَ لَمْ يَرَوْا الْهَيْلَالَ وَ جَاءَ قَوْمٌ عُذُولٌ يَشْهَدُونَ عَلَى الرُّؤْيَةِ فَلْيُفْطِرُوا وَ لِيُخْرَجُوا مِنَ الْغَدِ أَوَّلَ النَّهَارِ إِلَى عِيدِهِمْ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن احمد بطور مرفوع از امام صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: هرگاه مردم بامدادان را با روزه آغاز می کنند و هلال ماه رؤیت نشود و گروهی عادل فرا رسند و بر رویت هلال ماه شهادت دهند، بایستی مردم افطار کنند و روز بعد در آغاز روز برای نماز عید (به بیرون شهر) خارج شوند.

۲۴۴- مخالفین موفق به شناسایی روزه و روز عید نمی شوند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الرَّازِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا تَقُولُ فِي الصَّوْمِ فَإِنَّهُ قَدْ رُوِيَ أَنَّهُمْ لَا يُؤَفَّقُونَ لِصَوْمٍ فَقَالَ أَمَا إِنَّهُ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَةُ الْمَلِكِ فِيهِمْ قَالَ فَقُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكَ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ إِنَّ النَّاسَ لَمَّا

ص: ۱۹۲

۱- . الكافي ج ۴ ص ۱۶۹ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۱۶۹ ح ۲.

قَتَلُوا الْحُسَيْنَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَلَكًا يُنَادِي أَيْتُهَا الْأُمَّةُ الظَّالِمَةُ الْقَاتِلَةُ عِثْرَةَ نَبِيِّهَا لَا وَفَقَكُمُ اللَّهُ لِيَصُومَ وَلَا لِيَفْطُرَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن اسماعیل رازی روایت کرده که گفت: به حضرت امام محمد تقی جواد صلوات الله علیه گفتم: قربانت گردم! نظر شما در مورد روزه ای که روایت شده است که آنها (اهل عامه) به آن موفق نمی شوند، چیست؟

فرمود: هان که نفرین فرشته درباره آنها قبول شده است.

گوید: گفتم: قربانت گردم! نفرین فرشته چگونه است؟

فرمود: آن گاه که مردم حضرت امام حسین صلوات الله علیه را کشتند، خدای تبارک و تعالی به فرشته ای فرمان داد که ندا دردهد: ای امت ستمکار و کشنده عترت پیامبرشان! خداوند شما را برای روزه و عید فطر موفق ننماید.

۲۴۵- روز عید روز حزن و اندوه آل محمد صلوات الله علیهم

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الله بن دينار عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال قال: يا عبد الله ما من عيد للمسلمين أضحى ولا فطر إلا وهو يُجدد لآل محمد صلوات الله عليهم فيه حُزناً قلتُ و لم ذاك قال لأنهم يرون حَقَّهُمْ في يد غيرهم. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن دينار روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: ای عبد الله! هیچ عیدی از اعیاد مسلمانان چه قربان و چه فطر نیست مگر آن که در آن عید اندوه آل محمد صلوات الله علیهم تجدید می گردد.

گفتم: چرا؟

فرمود: چون آنان حق خودشان را در دست دیگران می بینند.

ص: ۱۹۳

۱- . الكافي ج ۴ ص ۱۶۹ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۱۶۹ ح ۲.

۲۴۶- زکات فطره و کسانی که واجب است زکات فطره بدهند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: كُلُّ مَنْ ضَمَمْتَ إِلَى عِيَالِكَ مِنْ حُرٍّ أَوْ مَمْلُوكٍ فَعَلَيْكَ أَنْ تُؤَدِّيَ الْفِطْرَةَ عَنْهُ قَالَ وَ إِعْطَاءُ الْفِطْرَةِ قَبْلَ الصَّلَاةِ أَفْضَلُ وَ بَعْدَ الصَّلَاةِ صَدَقَةٌ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان گوید: امام صادق صلوات الله علیه فرمود: هر کس به خانواده خود از آزاد و یا بنده ضمیمه کردی بر تو واجب است از جانب او زکات فطره پردازی.

حضرتش فرمود: دادن زکات فطره پیش از نماز عید بهتر است و بعد از نماز، صدقه است.

۲- الشيخ الصدوق، بإسناده عن الأعمش عن الصادق صلوات الله عليه قال: زَكَاهُ الْفِطْرَةِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ رَأْسٍ صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ حُرٍّ أَوْ عَبْدٍ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى أَرْبَعَةَ أَمْدَادٍ مِنَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّبِيبِ وَ هُوَ صَاعٌ تَامٌّ وَ لَا يَجُوزُ دَفْعُ ذَلِكَ إِلَّا إِلَى أَهْلِ الْوَلَايَةِ وَ الْمَعْرِفَةِ. (۲)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از اعمش از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: فرمود: زکات فطره به طور سرانه بر هر صغیر و کبیر، آزاد یا بنده، مرد یا زن چهار مد از گندم و جو و خرما و مویز واجب است، و آن یک صاع کامل است، و جایز نیست که زکات به غیر اهل ولایت و معرفت داده شود.

۲۴۷- مقدار فطره

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سعد بن سعد الأشعري عن أبي الحسن الرضا صلوات الله عليه قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الْفِطْرَةِ كَمْ نَدْفَعُ عَنْ كُلِّ رَأْسٍ مِنَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّبِيبِ قَالَ صَاعٌ بِصَاعِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سعد بن سعد اشعری روایت کرده که گفت: از امام رضا صلوات الله علیه درباره زکات فطره سؤال کردم که چقدر از عوض هر نفر گندم، جو، خرما و کشمش پردازیم؟

فرمود: یک صاع به وزن صاع نبی صلی الله علیه و آله.

ص: ۱۹۴

۱- . الكافي ج ۴ ص ۱۷۰ ح ۱.

۲- . الخصال ج ۲ ص ۱۵۲. بحار الانوار ج ۹۳ ص ۱۰۵ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۱۷۱ ح ۵.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ تَعْجِيلِ الْفِطْرِ يَوْمَ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ قُلْتُ فَمَا تَرَى بِأَنْ نَجْمَعَهَا وَنَجْعَلَ قِيمَتَهَا وَرِقًا وَنُعْطِيَهَا رَجُلًا وَاحِدًا مُسْلِمًا قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه دربارهٔ پرداخت یک روز زودتر زکات فطره سؤال کردم.

فرمود: ایرادی ندارد.

گفتم: نظر شما در مورد این که زکات فطره را جمع کنیم و به ارزش آن اسکناس (پول) تهیه نمایم و به یک مرد مسلمان بپردازیم چیست؟

فرمود: ایرادی ندارد.

۲۴۸- زکات فطره از طرف شخص غائب

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ يُعْطِيَ الرَّجُلُ عَنْ عِيَالِهِ وَهُمْ غُيِّبَ عَنْهُ وَيَأْمُرُهُمْ فَيُعْطُونَ عَنْهُ وَهُوَ غَائِبٌ عَنْهُمْ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از جميل بن دراج روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: ایرادی ندارد که انسان از جانب خانوادهٔ غایب خود که نزد او نیستند زکات فطره بدهد و به آنها بگوید که از جانب او نیز زکات فطره بدهند.

۲۴۹- زکات فطره از جمیع عیال

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَأَيِّ رَجُلٍ لَا يَكُونُ عِنْدَهُ شَيْءٌ مِنَ الْفِطْرِ إِلَّا مَا يُوَدِّي عَنْ نَفْسِهِ وَخِيَدَهَا يُعْطِيهِ غَرِيبًا أَوْ يَأْكُلُ هُوَ وَعِيَالُهُ قَالَ يُعْطَى بَعْضَ عِيَالِهِ ثُمَّ يُعْطَى الْآخَرَ عَنْ نَفْسِهِ يُرَدُّونَهَا فَيَكُونُ عَنْهُمْ جَمِيعًا فِطْرَةً وَاحِدَةً. (۳)

ص: ۱۹۵

۱- . الكافي ج ۴ ص ۱۷۱ ح ۶.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۱۷۱ ح ۷.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۱۷۲ ح ۱۰.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: کسی که دارایی او فقط به اندازه زکات فطره خود اوست. در این صورت آیا باید آن را به حساب زکات فطره به دیگری بپردازد، یا خود و خانواده اش از آن ارتزاق کنند؟

فرمود: آن را به یکی از خانواده خود می دهد و او از جانب خود به دیگری همگی دست گردان می کنند و یک زکات فطره می شود.

۲۵۰- زکات فطره از خوراکی که بیشتر از آن تغذیه می کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن يونس عمّن ذكره عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: قلت له جعلت فداك هيل على أهل البوادي الفطره قال فقال الفطره على كل من اقتات قوتاً فعليه أن يؤدى من ذلك القوت. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یونس از یکی از راویان روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: قربانت کردم! آیا پرداخت زکات بر بیابان نشینان واجب است؟

فرمود: هر کس در تغذیه خود به نوعی از خوراکی عادت کرده باشد، باید از آن زکات فطره بپردازد.

۲۵۱- زکات فطره به اهل ولایت داده می شود

۱- الشيخ الصدوق، بإسناده عن الفضل بن شاذان عن الرضا صلوات الله عليه أنه كتب إلى المأمون و زكاه الفطره فريضة إلى أن قال و لا يجوز دفعها إلا إلى أهل الولايه. (۲)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از فضل بن شاذان از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت کرده که آن حضرت در نامه ای که به مأمون نوشت فرمود: زکات فطره فریضه است تا آنجا که حضرت فرمود: و جایز نیست که زکات فطره به غیر اهل ولایت داده شود.

۲- الشيخ الصدوق، بإسناده عن الماعش عن جعفر بن محمد في حديث قال: و لا يجوز دفع ذلك (زكاه الفطره) إلا إلى أهل الولايه و المعرفه. (۳)

ص: ۱۹۶

۱- الكافي ج ۴ ص ۱۷۳ ح ۱۴.

۲- عيون أخبار الرضا (ع) ج ۲ ص ۱۲۳ ح ۱. وسائل الشيعه ج ۹ ص ۳۵۸ ح ۱۲۲۳۳.

۳- الخصال ج ۲ ص ۱۵۲. بحار الانوار ج ۹۳ ص ۱۰۵ ح ۲.

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از اعمش روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله در حدیثی فرمود: و جایز نیست که زکات به غیر اهل ولایت و معرفت داده شود.

۲۵۲- فطره نوزادی که در روز عید فطر به دنیا می آید و کافری که تازه مسلمان می شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمارة قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن مولودٍ وُلِدَ لَيْلَةَ الْفِطْرِ عَلَيْهِ فِطْرَةٌ قَالَ لَا قَدْ خَرَجَ الشَّهْرُ قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ يَهُودِيٍّ أَسْلَمَ لَيْلَةَ الْفِطْرِ عَلَيْهِ فِطْرَةٌ قَالَ لَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمارة روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره مولودی که شب فطر متولد شود پرسیدم که آیا فطره بر او واجب است؟

فرمود: نه، چون ماه (رمضان) پایان یافته است (و او متولد شده است).

از حضرتش پرسیدم: یهودی که شب فطر مسلمان شود، آیا فطره بر او واجب است؟ فرمود: نه.

۲۵۳- فطره مهمان

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عمر بن يزيد قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن الرجل يكون عنده الضيف من إخوانه فيحضر يوم الفطر يؤدى عنه الفطره قال نعم الفطره واجبه على كل من يعول من ذكر أو أنثى صغير أو كبير حر أو مملوك. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمر بن یزید روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: کسی که یکی از برادران دینی اش نزد او مهمان است، در این میان روز فطر فرا می رسد، آیا باید زکات فطره او را ادا کند؟

فرمود: آری، زکات فطره کسانی که معاش آنها را از مرد یا زن، کوچک یا بزرگ، آزاد یا بنده بر عهده دارد، واجب است.

ص: ۱۹۷

۱- . الكافي ج ۴ ص ۱۷۲ ح ۱۲.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۱۷۳ ح ۱۶.

۲۵۴- چه کسانی مستحق زکات فطره هستند

۱- الشيخ الطوسي، بإسناده عَنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قُلْتُ لَهُ لِمَنْ تَحِلُّ الْفِطْرَةُ قَالَ لِمَنْ لَا يَجِدُ. (۱)

مرحوم شیخ طوسی، با سند خویش از فضیل روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: دادن زکات فطره به چه کسی حلال است؟

فرمود: به کسی که (چیزی) نمی یابد!

۲- الشيخ الطوسي، بإسناده عن يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْفِطْرَةِ مَنْ أَهْلُهَا الَّذِي يَجِبُ لَهُمْ قَالَ مَنْ لَا يَجِدُ شَيْئًا. (۲)

مرحوم شیخ طوسی، با سند خویش از یونس بن یعقوب روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد زکات فطره سؤال کردم که اهل آن که واجب است به آنها پرداخت شود چه کسانی هستند؟

فرمود: کسی که چیزی پیدا نمی کند!

۲۵۵- بر مستحق فطره، واجب نیست که فطره دهد

۱- الشيخ الصدوق، قال: قَالَ الصَّادِقُ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: مَنْ حَلَّتْ لَهُ الْفِطْرَةُ لَمْ تَحِلَّ عَلَيْهِ. (۳)

مرحوم شیخ صدوق، گوید: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: کسی که زکات فطره برایش حلال باشد، فطره بر او واجب نیست.

ص: ۱۹۸

۱- تهذیب الاحکام ج ۴ ص ۷۳ ح ۱۱.

۲- تهذیب الاحکام ج ۴ ص ۸۷ ح ۱.

۳- الهدایه ص ۲۰۶. بحار الانوار ج ۹۳ ص ۱۰۹ ح ۱۴.

٢٥٦- آغاز بیدایش حجر الاسود و سبب دست سایدن به آن

١- الشيخ الكليني، بإسناده عن بكير بن أعين قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه ولأى الله الحجر في الركن الذي هو فيه ولم يوضع في غيره ولأى الله تقبل ولأى الله أخرج من الجنبه ولأى الله وضع ميثاق العباد والعهد فيه ولم يوضع في غيره وكيف السبب في ذلك تخبرني جعلني الله فداك فإن تفكرى فيه لعجب قال فقال سألت وأعضمت في المسألة واستقصيت فافهم الجواب وفرغ قلبك وأضغ سمعك أخبرك إن شاء الله إن الله تبارك وتعالى وضع الحجر الأسود وهي جوهرة أخرجت من الجنبه إلى آدم عليه السلام فوضعت في ذلك الركن لبعده الميثاق وذلك أنه لما أخذ من بني آدم من ظهورهم ذريتهم حين أخذ الله عليهم الميثاق في ذلك المكان وفي ذلك المكان تراءى لهم ومن ذلك المكان يهب الطير على القوائم عليه السلام فأول من يبايعه ذلك الطائر وهو والله جبرئيل عليه السلام وإلى ذلك المقام يسنند القائم ظهره وهو الحجه والدليل على القائم وهو الشاهد لمن وافاه في ذلك المكان والشاهد على من أدى إليه الميثاق والعهد الذي أخذ الله عز وجل على العباد وأما القبله والإستلام فبعده العهد تجديداً لذلك العهد والميثاق وتجديداً للبيعة ليؤدوا إليه العهد الذي أخذ الله عليهم في الميثاق فيأتوه في كل سنة ويؤدوا إليه ذلك العهد والأمانه اللذين أخذوا عليهم ألا ترى أنك تقول أمانتي أديتها وميثاقى تعاهدته لتشهد لى بالموافاه والله ما يؤدى ذلك أحد غير شيعتنا ولا يحفظ ذلك العهد والميثاق أحد غير شيعتنا وإنهم ليأتوه فيعرفهم ويصيدهم ويأتيه غيرهم فينكرهم ويكذبهم وذلك أنه لم يحفظ ذلك غيركم فلهم والله يشهد وعليهم والله يشهد بالخفر والجحود والكفر وهو الحجه الباعه من الله عليهم يوم القيامة يجيء له لسان ناطق وعينان في صورته الأولى يعرفه الخلق ولا ينكره يشهد لمن وافاه وجدد العهد والميثاق عنده بحفظ العهد والميثاق وأداء الأمانه ويشهد على كل من أنكر وجحد ونسى الميثاق بالكفر والإنكار فأما الله ما أخرجه الله من الجنبه فهل تدرى ما كان الحجر قلت لا قال كان ملكاً من عظماء الملائكه عند الله فلما أخذ الله من الملائكه الميثاق كان أول من آمن به وأقر ذلك

الْمَلَكِ فَاتَّخَذَهُ اللَّهُ أَمِينًا عَلَىٰ جَمِيعِ خَلْقِهِ فَالْقَمَةُ الْمِيثَاقَ وَ أَوْدَعَهُ عِنْدَهُ وَ اسْتَتَعَبَ الْخَلْقَ أَنْ يُجِدُّوهُ عِنْدَهُ فِي كُلِّ سِنَةٍ الْإِقْرَارَ بِالْمِيثَاقِ وَ الْعَهْدِ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمْ ثُمَّ جَعَلَهُ اللَّهُ مَعَ آدَمَ فِي الْجَنَّةِ يُذَكِّرُهُ الْمِيثَاقَ وَ يُجَدِّدُ عِنْدَهُ الْإِقْرَارَ فِي كُلِّ سِنَةٍ فَلَمَّا عَصَى آدَمَ وَ أُخْرِجَ مِنَ الْجَنَّةِ أَنْسَاهُ اللَّهُ الْعَهْدَ وَ الْمِيثَاقَ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَىٰ وُلْدِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لَوْصِيَّتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ جَعَلَهُ تَائِهًا حَيْرَانَ فَلَمَّا تَابَ اللَّهُ عَلَىٰ آدَمَ حَوَّلَ ذَلِكَ الْمَلَكُ فِي صُورِهِ دُرَّةً بَيْضَاءَ فَرَمَاهُ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَىٰ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ بِأَرْضِ الْهِنْدِ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ آنَسَ إِلَيْهِ وَ هُوَ لَا يَعْرِفُهُ بِأَكْثَرٍ مِنْ أَنَّهُ جَوْهَرَةٌ وَ أَنْطَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ لَهُ يَا آدَمُ أَ تَعْرِفُنِي قَالَ لَا قَالَ أَجَلِ اسْتِحْوَذَ عَلَيْكَ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاكَ ذَكَرَ رَبُّكَ ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَىٰ صُورَتِهِ الَّتِي كَانَ مَعَ آدَمَ فِي الْجَنَّةِ فَقَالَ لِآدَمَ أَيْنَ الْعَهْدِ وَ الْمِيثَاقُ فَوَثَبَ إِلَيْهِ آدَمُ وَ ذَكَرَ الْمِيثَاقَ وَ بَكَى وَ خَضَعَ لَهُ وَ قَبَلَهُ وَ حَمَدَ الْإِقْرَارَ بِالْعَهْدِ وَ الْمِيثَاقِ ثُمَّ حَوَّلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَىٰ جَوْهَرَةٍ الْحَجَرِ دُرَّةً بَيْضَاءَ صَافِيَةً تَضِيءُ فَحَمَلَهُ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَىٰ عَاتِقِهِ إِجْلَالًا لَهُ وَ تَعْظِيمًا فَكَانَ إِذَا أَعْيَا حَمَلَهُ عَنْهُ جِبْرِيئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَيْثَىٰ وَافَىٰ بِهِ مَكَهَ فَمَا زَالَ يَأْنَسُ بِهِ بِمَكَهَ وَ يُجَدِّدُ الْإِقْرَارَ لَهُ كُلَّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمَّا بَنَى الْكَعْبَةَ وَضَعَ الْحَجَرَ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ لِأَنَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَىٰ حِينَ أَخَذَ الْمِيثَاقَ مِنْ وُلْدِ آدَمَ أَخَذَهُ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ وَ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ أَلْقَمَ الْمَلَكُ الْمِيثَاقَ وَ لِتَذَكُّرِكَ وَضَعَ فِي ذَلِكَ الرُّكْنِ وَ نَحَىٰ آدَمَ مِنْ مَكَانِ الْبَيْتِ إِلَى الصِّفَا وَ حَوَّاءَ إِلَى الْمَرْوَةِ وَ وَضَعَ الْحَجَرَ فِي ذَلِكَ الرُّكْنِ فَلَمَّا نَظَرَ آدَمُ مِنَ الصِّفَا وَ قَدَّ وَضَعَ الْحَجَرَ فِي الرُّكْنِ كَبَّرَ اللَّهُ وَ هَلَّلَهُ وَ مَجَّدَهُ فَلِذَلِكَ جَرَتْ السُّنَّةُ بِالتَّكْبِيرِ وَ اسْتِيقْبَالِ الرُّكْنِ الَّذِي فِيهِ الْحَجَرُ مِنَ الصِّفَا فَإِنَّ اللَّهَ أَوْدَعَهُ الْمِيثَاقَ وَ الْعَهْدَ دُونَ غَيْرِهِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمَّا أَخَذَ الْمِيثَاقَ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْوَصِيَّةِ إِصْطَكَّتْ فَرَائِصُ الْمَلَائِكَةِ فَأَوَّلُ مَنْ أَسْرَعَ إِلَى الْإِقْرَارِ ذَلِكَ الْمَلَكُ لَمْ يَكُنْ فِيهِمْ أَشَدُّ حُبًّا لِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْهُ وَ لِتَذَكُّرِكَ إِخْتَارَهُ اللَّهُ مِنْ بَيْنِهِمْ وَ أَلْقَمَهُ الْمِيثَاقَ وَ هُوَ يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ لِسَانٌ نَاطِقٌ وَ عَيْنٌ نَاطِرَةٌ يَشْهَدُ لِكُلِّ مَنْ وَافَاهُ إِلَى ذَلِكَ الْمَكَانِ وَ حَفِظَ الْمِيثَاقَ. (١)

ص: ٢٠٠

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از بکیر بن اعین روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: برای چه خداوند حجر الاسود را در رکن مخصوص آن قرار داد که اکنون در آنجاست و در رکن دیگری قرار نداد؟ و برای چه آن را بوسند؟ و چرا آن از بهشت بیرون آورده شده است؟ و برای چه پیمان و عهد بندگان در آن - نه در غیر آن - قرار داده شده؟ سبب این کار چیست؟ خداوند مرا فدای شما گرداند! مرا از این امور آگاه سازید؛ چراکه فکرم در این مورد شکست زده شده است.

راوی گوید: آن حضرتش فرمود: سؤال کردی و مسأله مشکلی را مطرح نمودی و خواستار دست یابی به نهایت آن شده ای. اینک پاسخ را بشنو و دل خود را خالی و گوش فراده - ان شاء الله - تو را آگاه خواهم ساخت.

همانا خداوند تبارک و تعالی حجر الاسود را - که گوهری بود - از بهشت برای آدم علیه السلام بیرون آورد و به خاطر پیمان، در آن رکن گذارده شد. به دلیل این که آن گاه که خداوند از فرزندان آدم از نسل های آنان از فرزندانشان در آن مکان پیمان گرفت، در همان جا برای آنان ظاهر شد تا او را دیدند، و از همان مکان است که پرنده ای برای قائم صلوات الله علیه فرود می آید و نخستین کسی که با او بیعت می کند، همان پرنده است که به خدا سوگند! او جبرئیل علیه السلام است.

و حضرت قائم صلوات الله علیه همان مکان تکیه می دهد و همو حجّت و دلیل بر آن حضرت است. او شاهد برای افرادی است که در آن مکان او را دیدار کرده اند، و گواه بر کسی است که پیمان و عهدی را که خداوند عز و جلّ بر بندگان گرفته است، ادا کرده است.

و اما علّت بوسیدن و دست ساییدن به آن، جهت تجدید همان عهد و پیمان و بیعت است، تا آن عهدی که خداوند در میثاق از آنان گرفته است به او ادا کنند. از این رو مردم هر سال نزد آن می آیند و آن عهد و امانتی را که از آنان گرفته شده، ادا می کنند.

مگر تو نمی گویی: «امانت خود را ادا کردم و میثاق و پیمانم را تجدید نمودم تا این که برای من به وفای به پیمان گواهی دهی؟!»، به خدا سوگند! جز شیعیان ما کسی آن را ادا نمی کند و جز آنان، آن عهد و میثاق را حفظ نمی نماید، و به راستی که شیعیان ما نزد آن می آیند، همه آنها را می شناسد و آنان را تصدیق می کند، و دیگران (غیر شیعیان) نزد آن می آیند، آنها را انکار می کند و تکذیب می نماید.

چراکه کسی جز شما شیعیان آن را حفظ نمی کند، به خدا سوگند! او برای شما گواهی می دهد و علیه آنان به پیمان شکنی، انکار و کفر گواهی می دهد. او در روز قیامت حجت بالغه خداوند بر آنان است و در آن روز در حالتی می آید که زبانی گویا و دو چشم بینا در صورت دارد. خلق او را می شناسند و او را انکار نمی کنند، به حفظ عهد و پیمان و ادای امانت شهادت می دهد، و بر هر کسی که او را انکار کرده و عهد و پیمان را فراموش کرده به کفر و انکار گواهی می دهد.

در مورد این که خداوند حجر الاسود را از بهشت خارج ساخت، آیا می دانی حجر الاسود چه بود؟

عرض کردم: نه.

فرمود: فرشته ای از فرشتگان بزرگ در پیشگاه خدا بود. و هنگامی که خداوند از فرشتگان پیمان گرفت، اولین فرشته ای بود که به آن ایمان آورد و به آن اقرار کرد. خداوند او را بر همه آفریدگانش امین قرار داد و عهد و پیمان را بر دهان او نهاد و آن را به عنوان ودیعه نزد او گذارد، و بندگان را به بندگی گرفت که هر سال در نزد او به آن میثاق و عهدی که خداوند عز و جلّ از آنان گرفته، تجدید عهد کنند، و بدان اقرار نمایند، آن گاه خداوند او را در بهشت با آدم قرار داد تا عهد و پیمان را به یاد او آورد و هر ساله در نزد آن تجدید اقرار کند.

هنگامی که آدم مخالفت کرد و از بهشت بیرون شد، خداوند آن عهد و میثاقی را که بر او و بر فرزندانش برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله و وصی آن حضرت علیه السلام گرفته بود، از یادش برد و او را متحیر و سرگردان قرار داد.

هنگامی که خداوند توبه آدم را پذیرفت، آن فرشته را به صورت مرواریدی سفیدرنگ گردانید و از بهشت به سوی آدم - که در سرزمین هند بود - فرود آورد، وقتی که آدم او را دید با او انس گرفت با آن که او را جز گوهری سفید نمی شناخت.

خداوند عزّ و جلّ او را به سخن در آورد و به او گفت: ای آدم! آیا مرا می شناسی؟

گفت: نه.

گفت: آری، شیطان بر تو چیره گشت و یاد خدا را از یاد تو برد.

سپس به همان صورتی که در بهشت با آدم بود برگشت و به او گفت: عهد و میثاق کجاست؟ آدم به طرف او برجست، میثاق را به یاد آورد، گریه نمود، برای او خضوع کرد و او را بوسید و اقرار به عهد و میثاق کرد و آن را تجدید نمود. آن گاه خداوند عزّ و جلّ آن را به گوهر و مرواریدی سفید و صاف و روشنی بخش بر گردانید.

ص: ۲۰۲

و آدم علیه السلام به خاطر بزرگ داشت و شکوه و عظمتش آن را روی دوش خود حمل می کرد و هرگاه خسته می شد جبرئیل آنان برمی داشت تا این که آن را به مکه آورد و پیوسته به آن انس می گرفت و شب و روز اقرار را برای او تازه می کرد.

هنگامی که خداوند عزّ و جلّ کعبه را ساخت حجر را در همان مکان گذارد، زیرا خداوند تبارک و تعالی در همان مکان از فرزندان آدم پیمان گرفته بود و در همان مکان میثاق را بر دهان آن فرشته نهاده بود. به همین جهت در آن رکن گذارده شد. آدم را از مکان کعبه به کوه صفا و حوّا را به کوه مروه فاصله داد و حجر الاسود را در آن رکن گذارد.

هنگامی که آدم از صفا نگاه کرد و حجر را دید که در رکن نهاده شده، الله اکبر و لا اله الا الله گفت و خدا را به بزرگی یاد کرد. به همین سبب سنّت بر این جاری شد که به هنگام آغاز سعی تکبیر بگویند و روی خود را از طرف صفا به رکنی که حجر الاسود در آن نهاده شده متوجه سازند، زیرا خداوند میثاق و عهد را به او سپرد و به دیگر فرشتگان نسپرد. زیرا هنگامی که خداوند عزّ و جلّ برای ربوبیت خود، نبوّت حضرت محمّد صلی الله علیه و آله و وصایت و جانشینی حضرت مولا علی صلوات الله علیه پیمان گرفت، فرشتگان سخت به هراس افتادند و ارکان وجودشان لرزید.

پس نخستین موجودی که در این باره به اقرار بشتافت همان فرشته حجر الاسود بود، و در میان فرشتگان کسی نبود که از او بیشتر محمّد و آل محمّد صلی الله علیه و آله را دوست بدارد و به همین سبب خداوند عزّ و جلّ آن را برگزید و میثاق را بر دهان او نهاد و در روز قیامت در حالتی می آید که زبانی گویا و چشمی بینا دارد، و درباره کسی که در آن مکان با او دیدار کرده و میثاق را محفوظ داشته است شهادت می دهد.

۲۵۷- آغاز خانه کعبه و طواف

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي عبدِ عمرَانَ بْنِ عَطِيَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: بَيْنَا أَبِي صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ أَنَا فِي الطَّوَافِ إِذْ أَقْبَلَ رَجُلٌ شَرَجْبٌ مِنَ الرِّجَالِ فَقُلْتُ وَ مَا الشَّرَجْبُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ قَالَ الطَّوِيلُ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ أَدْخَلَ رَأْسَهُ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَبِي قَالَ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ أَبِي وَ أَنَا فَرَدَدْنَا عَلَيْهِ السَّلَامَ ثُمَّ قَالَ أَسْأَلُكَ رَحِمَكَ اللَّهُ فَقَالَ لَهُ أَبِي نَفَضِي طَوَافَنَا ثُمَّ تَسَأَلْنِي فَلَمَّا قَضَى أَبِي الطَّوَافَ دَخَلْنَا الْحَجَرَ فَصَلَّيْنَا الرَّكْعَتَيْنِ ثُمَّ الْتَفَتَ فَقَالَ أَيْنَ الرَّجُلُ يَا بُنَيَّ فَإِذَا هُوَ وَرَاءَهُ قَدْ صَلَّى فَقَالَ مِمَّنِ الرَّجُلُ قَالَ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَقَالَ وَ مِنْ أَيِّ أَهْلِ

الشَّامَ فَقَالَ مِمَّنْ يَشِيكُنْ بَيْتَ الْمُقَدَّسِ فَقَالَ قَرَأْتَ الْكِتَابَيْنِ قَالَ نَعَمْ قَالَ سَلْ عَمَّا يَدَا لَكَ فَقَالَ أَسْأَلُكَ عَنْ يَدَيْ هَذَا الْبَيْتِ وَعَنْ قَوْلِهِ «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» وَعَنْ قَوْلِهِ: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» فَقَالَ يَا أَخَا أَهْلِ الشَّامِ اسْمِعْ حَيْدِيثَنَا وَلَا تَكْذِبْ عَلَيْنَا فَإِنَّهُ مَنْ كَذَبَ عَلَيْنَا فِي شَيْءٍ فَقَدْ كَذَبَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ فَقَدْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَ مَنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ عَذَبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَمَا بَدَأَ هَذَا الْبَيْتِ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَالَ لِلْمَلَائِكَةِ: «إِنِّي لَجَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» فَزَدَّتِ الْمَلَائِكَةُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَتْ «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ» فَأَعْرَضَ عَنْهَا فَزَأَتْ أَنْ ذَلِكَ مِنْ سَخَطِهِ فَلَاذَتْ بِعَرْشِهِ فَأَمَرَ اللَّهُ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَنْ يَجْعَلَ لَهُ بَيْتًا فِي السَّمَاءِ السَّادِسَةِ يُسَمَّى الْأَصْرَاحَ بِإِزَاءِ عَرْشِهِ فَصَيَّرَهُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ يَطُوفُ بِهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ لَا يَعُودُونَ وَ يَسْتَغْفِرُونَ فَلَمَّا أَنْ هَبَطَ آدَمُ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا أَمَرَهُ بِعَمْرِهِ هَذَا الْبَيْتِ وَهُوَ بِإِزَاءِ ذَلِكَ فَصَيَّرَهُ لِأَدَمَ وَ ذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَيَّرَ ذَلِكَ لِأَهْلِ السَّمَاءِ قَالَ صَدَقْتَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ. (١)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو عبّاد عمران بن عطیه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هنگامی که به همراه پدرم صلوات الله علیه مشغول طواف بودیم، ناگاه مردی شرجب نزدیک آمد.

عرض کردم: خداوند به شما خیر دهد! شرجب چیست؟!

فرمود: مرد بلند قامت. آن مرد رو به ما کرد و گفت: السلام عليكم و با سر خود بین ما فاصله انداخت.

من و پدرم و به او نگاه کردیم و سلام او را پاسخ گفتیم، آن گاه عرض کرد: خداوند شما را رحمت کند! می خواهم از شما سؤالی کنم.

پدرم به او فرمود: طواف خود را به پایان برسانیم، سپس از من سؤال کن.

وقتی پدرم طواف را به پایان رساند وارد حجر اسماعیل شدیم و دو رکعت نماز گزاردیم، نگاه کرد و فرمود: فرزندم! آن مرد کجاست؟

او در پشت سر پدرم نماز گزارده بود.

ص: ۲۰۴

پدرم به او فرمود: اهل کجایی؟

عرض کرد: اهل شام.

فرمود: از کدام منطقه شام؟

عرض کرد: از کسانی که در بیت المقدس ساکنند.

فرمود: آیا آن دو کتاب (تورات و انجیل) را خوانده ای؟

عرض کرد: آری.

فرمود: هرچه به نظرت می رسد بپرس.

عرض کرد: از آغاز پیدایش این خانه از شما می پرسم، و از گفتار خدای تعالی که می فرماید: «ن. سوگند به قلم و آن چه می نویسند»، و از گفتار خداوند که می فرماید: «و آن کسانی که در اموال ایشان حقی معلوم برای سائل و محتاج است».

حضرتش فرمود: ای برادر شامی! حدیث ما را بشنو و بر ما دروغ میند، زیرا کسی که در چیزی بر ما دروغ بزند، بر رسول الله صلی الله علیه و آله دروغ بسته، و کسی که بر رسول الله صلی الله علیه و آله دروغ بزند، در واقع بر خدا دروغ بسته است، و کسی بر خدا دروغ بزند خداوند عزّ و جلّ او را عذاب کند.

در مورد آغاز پیدایش این خانه، همانا خداوند تبارک و تعالی به فرشتگان فرمود: «من در زمین پدید آورنده خلیفه هستم».

فرشتگان در پاسخ خداوند عزّ و جلّ گفتند: «آیا کسی را در زمین می آفرینی که در آن فساد می کند و خونریزی کند؟»

خداوند از فرشتگان روی گردانید و دانستند که این روی گردانی از خشم و غضب اوست.

از این رو آنان به عرش خداوند پناه بردند و خداوند به فرشته ای فرمان داد تا در آسمان ششم برای او خانه ای بسازد و آن خانه «ضراح» (بیت المعمور) نامیده می شود و در برابر عرش خداوند است، و آن خانه را برای آسمانیان قرار داد که هر روز هفتاد هزار فرشته آن را طواف می کنند و بازمی گردند و طلب آمرزش می کنند.

هنگامی که آدم به آسمان دنیا فرود آمد، خداوند به او فرمان داد تا این خانه کعبه را آباد کند، و این خانه در برابر آن خانه است. خداوند کعبه را برای آدم و فرزندان او قرار داد، همان طوری که آن خانه (بیت المعمور) را برای آسمانیان قرار داده است.

۲۵۸- چگونه حج آدم علیه السلام

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي إبراهيم عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إن الله عزَّ وجلَّ لما أصاب آدمَ وروَّجته الحنطة أخرجتهما من الجنة وأهبطهما إلى الأرض فأهبط آدم على الصفا وأهبطت حواء على المروة وإنما سُمي صفاً لأنه شقَّ له من اسم آدم المصطفى وذلك لقول الله عزَّ وجلَّ: «إن الله اصطفى آدم ونوحاً» وسميت المروة مروةً لأنه شقَّ لها من اسم المروة فقال آدم ما فرق بيني وبينها إلا أنها لا تحلُّ لي ولو كانت تحلُّ لي هبطت معي على الصفا ولكنها حرمت علي من أجل ذلك وقرق بيني وبينها فمكث آدم معتزلاً حواء فكان يأتيها نهاراً فيتحدَّث عندها على المروة فإذا كان الليل وخاف أن تغلبه نفسه يرجع إلى الصفا فيبيت عليه ولم يكن لآدم أنس غيرها وإذ لك سمين النساء من أجل أن حواء كانت أنساً لآدم لا يكلمه الله ولا يُرسَل إليه رسولاً. ثم إن الله عزَّ وجلَّ من عليه بالتوبة وتلقاه بكلمات فلما تكلم بها تاب الله عليه وبعث إليه جبرئيل عليه السلام فقال السلام عليك يا آدم التائب من خطيئته الصابر لبيئته إن الله عزَّ وجلَّ أرسلني إليك لأعلمك المناسك التي تطهر بها فأخذ بيده فأنطلق به إلى مكان البيت وأنزل الله عليه غمامة فأظلت مكان البيت وكانت الغمامة بحيال البيت المعمور فقال يا آدم خطأ برجلك حيث أظلت عليك هذه الغمامة فإنه سيخرج لك بيتاً من مهاه يكون قبلكم وقبله عقبك من بعدك ففعل آدم عليه السلام وأخرج الله له تحت الغمامة بيتاً من مهاه وأنزل الله الحجر الأسود وكان أشدَّ بياضاً من اللبن وأضوأ من الشمس وإنما اسودَّ لأن المشركين تمسحوا به فمن نجس المشركين اسودَّ الحجر وأمره جبرئيل عليه السلام أن يستغفر الله من ذنبه عند جميع المشاعر ويخبره أن الله عزَّ وجلَّ قد غفر له وأمره أن يحمل حصيات الجمار من المزدلفة فلما بلغ موضع الجمار تعرَّض له إبليس فقال له يا آدم أين تريد فقال له جبرئيل عليه السلام لا تكلمه وإرمه بسبع حصيات وكبر مع كل حصاة ففعل آدم عليه السلام حتى فرغ من رمي الجمار وأمره أن يقرب القربان وهو الهدى قبل رمي الجمار وأمره أن يخلق رأسه تواضعاً لله عزَّ وجلَّ ففعل آدم ذلك ثم أمره بزيارته البيت وأن يطوف به سبعا ويسعى بين الصفا و

الْمَرْوَةَ أَشْبُوعًا يَبْدَأُ بِالصَّفَا وَ يَخْتِمُ بِالْمَرْوَةِ ثُمَّ يَطُوفُ بَعْدَ ذَلِكَ أَشْبُوعًا بِالْبَيْتِ وَ هُوَ طَوَافُ النِّسَاءِ لَا يَجِلُّ لِلْمُحْرَمِ أَنْ يُبَاضِعَ حَتَّى يَطُوفَ طَوَافَ النِّسَاءِ فَفَعَلَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ جِبْرِئِيلُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ غَفَرَ ذُنُوبَكَ وَ قَبِلَ تَوْبَتَكَ وَ أَحَلَّ لَكَ زَوْجَتَكَ فَانْطَلَقَ آدَمُ وَ غَفَرَ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ قَبِلَتْ مِنْهُ تَوْبَتَهُ وَ حَلَّتْ لَهُ زَوْجَتُهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو ابراهیم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هنگامی که حضرت آدم و همسرش حوا از گندم خوردند، خداوند عز و جل آنها را از بهشت بیرون کرد و به زمین فرستاد، آدم کنار کوه صفا و حوا کنار کوه مروه فرود آمد، و از آن رو که آدم مصطفی و برگزیده بود آن کوه را صفا نامیدند و این، همان معنای گفتار خداوند عز و جل است که می فرماید: «خدا آدم و نوح را برگزید» و از آن رو مروه نامیده شد، زیرا برای آن اسمی از اسم مرأه (زن) انتخاب گشت.

آدم گفت: جدایی میان من و حوا فقط بدین جهت است که او برای من حلال نیست.

اگر برای من حلال بود به همراه من به کوه صفا فرود می آمد و به همین خاطر بر من حرام گشته و بین من و او جدایی افتاده است. دیرزمانی آدم از حوا کناره گرفت و روزها به نزد او می آمد و کنار کوه مروه با او سخن می گفت و چون شب می شد از ترس این که مبادا نفس وی بر او چیره شود، به کوه صفا بازمی گشت و در آنجا می خوابید.

برای آدم مونسی جز حوا نبود و به همین سبب زن ها را نساء نامیده اند، چون که حوا انیسی برای آدم بود، و خداوند با آدم سخن نمی گفت، فرستاده ای را به نزد او نمی فرستاد. هنگامی که خداوند عز و جل به توبه و بازگشت برای او منت نهاد و کلماتی را برای وی فرو فرستاد. وقتی آدم آن کلمات را گفت، خداوند توبه او را پذیرفت و جبرئیل را نزد او فرستاد و به وی گفت: سلام بر تو ای آدم! ای توبه کننده از خطای خود و شکیبیا بر بلای خویش! اینک خداوند عز و جل مرا نزد تو فرستاد تا مناسکی را به تو بیاموزم که خود را با انجام آن پاکیزه کنی.

سپس دست او را گرفت و به مکان خانه کعبه برد. خداوند بر او ابری فرستاد و بر محل کعبه سایه افکند و آن ابر در مقابل بیت المعمور بود.

ص: ۲۰۷

جبرئیل گفت: ای آدم! آن جایی را که ابر بر تو سایه افکنده با پای خود نشانه کن و به زودی برای تو خانه ای از درّ بیرون خواهد آمد که قبله تو و فرزندان پس از تو خواهد بود.

آدم چنین کرد و خداوند از زیر ابر برای او خانه ای از درّ بیرون آورد.

آن گاه خداوند حجر الاسود را فرود آورد و درحالی که از شیر سفیدتر و از خورشید درخشانده تر بود و این که سیاه گشت به جهت آن که مشرکان به آن دست مالیدند و به خاطر پلیدی آنان سیاه شد.

جبرئیل علیه السّلام به آدم فرمان داد تا در تمام مشاعر (عرفات، مزدلفه و موارد دیگر) از گناه خود توبه کند و به او خبر داد که خداوند عزّ و جلّ او را بخشیده است، و به او دستور داد تا سنگریزه های جمره های سه گانه در منا را از مزدلفه بردارد، و چون به محلّ جمره ها رسید، ابلیس با او روبه رو شد و گفت: ای آدم! کجا می روی؟

جبرئیل به آدم گفت: با او سخن مگو و هفت سنگریزه به او بزن و با پرتاب هر سنگریزه تکبیر بگو.

آدم علیه السّلام چنین کرد تا این که از رمی سه جمره فارغ گشت، و به او فرمان داد تا قربانی کند و آن قربانی پیش از رمی سه جمره است، و به او و دستور داد تا سر خود را به جهت تواضع و فروتنی برای خداوند عزّ و جلّ بتراشد.

آدم علیه السّلام این دستور را نیز انجام داد، آن گاه به او فرمان داد تا کعبه را زیارت کند و دور آن هفت بار طواف نماید، و هفت بار میان صفا و مروه که از صفا شروع و به مروه ختم می شود، سعی کند. پس از آن هفت بار خانه کعبه را طواف کند که این طواف، همان طواف نساء است و برای کسی که محرم شده نزدیکی با زن جایز نیست تا این که طواف نساء را انجام دهد.

آدم علیه السّلام این دستور را نیز انجام داد. جبرئیل به او گفت: همانا خداوند عزّ و جلّ گناه تو را بخشید، توبه تو را پذیرفت و همسرت را برای تو حلال کرد.

آدم علیه السّلام روانه شد درحالی که گناهِش بخشوده، توبه اش پذیرفته و همسرش برای او حلال شده بود.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن أبي حمزة قال قال لي أبو الحسن صلوات الله عليه: إن سفينه نوح كانت مأمورة طافت بالبيت حيث غرقت الأرض ثم أتت منى في أيامها ثم رجعت السفينه و كانت مأمورة و طافت بالبيت طواف النساء. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از علی بن ابی حمزه روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه به من فرمود: همانا کشتی نوح مأمور بود، وقتی که زمین را آب فراگرفت، آن کشتی، خانه کعبه را طواف کرد، سپس در ایام منا به منا آمد و آن گاه کشتی بازگشت و در حالی که مأمور بود بر دور خانه کعبه طواف نساء را انجام داد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير قال سمعت أبا جعفر صلوات الله عليه يقول: مر موسى بن عمران في سبعين نبياً على فجاج الروحاء عليهم ألقوا قنوطيه يقول لبيك عبدك ابن عبدك. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: موسی بن عمران علیه السلام در جمع هفتاد پیامبر از بزرگ راه های روحاء (مکانی است میان مکه و مدینه) گذشت. آنان همگی عبايي قطناني (مکانی است در کوفه) بر تن داشتند. حضرت موسی علیه السلام می گفت: لبيك، بنده تو و پسر بنده توام.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن هشام بن الحكم عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: مر موسى النبي عليه السلام بصفاح الروحاء على جمل أحمر خطامه من ليف عليه عباءتان قنوطيتان وهو يقول لبيك يا كريم لبيك قال و مر يونس بن متى بصفاح الروحاء وهو يقول لبيك كشاف الكرب العظيم لبيك قال و مر عيسى ابن مريم بصفاح الروحاء وهو يقول لبيك عبدك ابن أمتك لبيك و مر محمد صلى الله عليه وآله بصفاح الروحاء وهو يقول لبيك ذا المعارج لبيك. (۳)

ص: ۲۰۹

۱- الكافي ج ۴ ص ۲۱۲ ح ۱.

۲- الكافي ج ۴ ص ۲۱۳ ح ۳.

۳- الكافي ج ۴ ص ۲۱۳ ح ۴.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از هشام بن حکم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: موسی علیه السلام بر فراز جهاز شتری سرخ موی - که مهار آن از لیف خرما بود - از سنگستان روحاء گذشت درحالی که دو عبای قطوانی بر تن داشت و می گفت: لَبَّيْكَ اَي كَرِيم! لَبَّيْكَ.

حضرتش فرمود: و یونس بن مَتَّى نیز بر سنگستان روحاء گذشت درحالی که می گفت: لَبَّيْكَ، برطرف کننده اندوه های بزرگ، لَبَّيْكَ.

حضرتش فرمود: هم چنین عیسی بن مریم از سنگستان روحاء گذشت، درحالی که می گفت: لَبَّيْكَ، بنده تو و پسر کنیز توام لَبَّيْكَ.

و حضرت محمد صلی الله علیه و آله در حالی بر سنگستان روحاء گذشت که می گفت: لَبَّيْكَ، صاحب راه ها، لَبَّيْكَ.

۲۶۰- حکم آنچه در حرم پیدا می شود

۱- الشيخ الكليني، باسناده عن إبراهيم بن عمر قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: اللُّقْطَةُ لُقْطَتَانِ لُقْطَةُ الْحَرَمِ تُعْرَفُ سِنَةً فَإِنْ وَجَدَتْ صَاحِبَهَا وَ إِلَّا تَصَدَّقَتْ بِهَا وَ لُقْطَةُ غَيْرِهَا تُعْرَفُ سَنَةً فَإِنْ جَاءَ صَاحِبُهَا وَ إِلَّا فَهِيَ كَسَبِيلِ مَالِكَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابراهیم بن عمر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: پیدا شده در حرم بر دو گونه است:

۱- پیدا شده در حرم که بایستی مدت یک سال آن را اعلام و معرفی کنی، پس اگر صاحب آن را یافتی چه بهتر و گرنه آن را صدقه می دهی.

۲- پیدا شده در غیر حرم که بایستی آن را به مدت یک سال اعلام و معرفی کنی، اگر صاحب آن آمد، چه بهتر، و گرنه آن در حکم مال خود توست.

ص: ۲۱۰

۲۶۱- فضیلت نگاه کردن به کعبه

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن حريز عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: النَّظَرُ إِلَى الْكَعْبَةِ عِبَادَةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ عِبَادَةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى الْأَمَامِ عِبَادَةٌ وَقَالَ مَنْ نَظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ وَمُحِيتَ عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حریز روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: نگاه به کعبه عبادت است، نگاه به پدر و مادر عبادت است و نگاه به امام عبادت است.

هم چنین حضرتش فرمود: کسی که به کعبه نگاه نظر کند برای وی پاداش نوشته شود و ده گناه از او محو گردد.

۲۶۲- حج رسول الله صلی الله علیه و آله

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن غياث بن إبراهيم عن جعفر صلوات الله عليه قال: لَمْ يَحَجَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَ قُدُومِهِ الْمَدِينَةَ إِلَّا وَاحِدَةً وَقَدْ حَجَّ بِمَكَّةَ مَعَ قَوْمِهِ حَجَّاتٍ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از غیاث بن ابراهیم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از هجرت به مدینه فقط یک بار اعمال حج را به جا آورد، ولی پیش از آن با قوم خود چند حج به جا آورده بود.

۲۶۳- فضیلت حج و عمره و پاداش آنها

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن خالد القلابسي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال علي بن الحسين صلوات الله عليهما: حُجُّوا وَاعْتَمِرُوا تَصِحَّ أَبْدَانُكُمْ وَتَسْعَ أَرْزَاقُكُمْ وَتُكْفَوْنَ مَثُونَاتِ عِيَالِكُمْ وَقَالَ الْحَاجُّ مَغْفُورٌ لَهُ وَمَوْجُوبٌ لَهُ الْجَنَّةُ وَ مُسْتَأْنَفٌ لَهُ الْعَمَلُ وَ مَحْفُوظٌ فِي أَهْلِهِ وَ مَالِهِ. (۳)

ص: ۲۱۱

۱- . الكافي ج ۴ ص ۲۴۰ ح ۵.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۲۴۴ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۲۵۲ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از خالد قلانسی روایت کرده که گفت: حضرت امام صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امام سجّاد صلوات الله علیه فرمود: مناسک حجّ و عمره را انجام دهید تا بدن های شما سالم و تندرست بماند، روزی شما فراوان شود و نسبت به هزینه اهل و عیال خود بی نیاز شوید.

هم چنین حضرتش فرمود: شخصی که حاجی می گردد، آمرزیده می شود، بهشت بر او واجب می گردد، عمل او از سر گرفته می شود (یعنی گناهان گذشته او بخشوده شده و باید عمل خود را از سر گیرد) و خانواده و ثروت و مالش محفوظ می گردد.

۲۶۴- وجوب حج و عمره

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عمر بن أُذَيْنَةَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِمَسَائِلَ بَعْضُهَا مَعَ ابْنِ بُكَيْرٍ وَبَعْضُهَا مَعَ أَبِي الْعَبَّاسِ فَجَاءَ الْجَوَابُ بِإِثْمَانِهِ سَأَلْتُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: {وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا} يَعْنِي بِهِ الْحِجَّ وَالْعُمْرَةَ جَمِيعًا لِأَنَّهُمَا مَفْرُوضَانِ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: {وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ} قَالَ يَعْنِي بِتَمَامِهِمَا أَدَاءَهُمَا وَ اتِّقَاءَ مَا يَنْتَقِي الْمُحْرِمُ فِيهِمَا وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: {الْحِجُّ الْأَكْبَرُ} مَا يَعْنِي بِالْحِجِّ الْأَكْبَرِ فَقَالَ الْحِجُّ الْأَكْبَرُ الْوُقُوفُ بِعَرَفَةَ وَ رَمَى الْجِمَارِ وَالْحِجُّ الْأَصْغَرُ الْعُمْرَةُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمر بن اذینه روایت کرده که گفت: نامه ای به خدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه نوشتم و مسایلی را از حضرتش پرسیدم. برخی از آنها را به واسطه ابن بکیر و برخی دیگر را به واسطه ابو العباس خدمت حضرتش فرستادم.

نامه ای که حاوی جواب آنها به املائی خود حضرت بود، به دستم رسید که حضرتش مرقوم فرموده بود: در مورد گفتار خداوند عزوجل پرسیده بودی که می فرماید: {و برای خدا بر مردم است که حج خانه کعبه کنند، کسانی که توانایی رفتن به سوی آن را دارند}. (سوره آل عمران آیه ۹۱)

منظور از آن حجّ، و عمره است؛ زیرا که هر دو واجب شده اند.

هم چنین از آن حضرت در مورد گفتار خداوند عزّ و جلّ پرسیدم که می فرماید: {و حجّ و عمره را برای خداوند تمام کنید}. (سوره بقره آیه ۱۹۶)

ص: ۲۱۲

فرمود: منظور از تمام کردن، به جا آوردن آنها و خودداری از چیزهایی است که محرم در حج و عمره باید خود را از آنها بازدارد.

و نیز از آن حضرت درباره گفتار خدای تعالی پرسیدم که می فرماید: {در روز حج بزرگتر}. (سوره توبه آیه ۳) منظور از آن چیست؟

فرمود: حج بزرگتر، وقوف در عرفه، رمی جمره های سه گانه است و حج اصغر انجام عمره است.

۲۶۵- انجام حج بر ثروتمندان همه ساله واجب است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي جرير القمي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: الحج فرض على أهل الجده في كل عام. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو جریر قمی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: انجام حج همه ساله بر ثروتمندان واجب است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن حذيفة بن منصور عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إن الله عز وجل فرض الحج على أهل الجده في كل عام. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حذیفه بن منصور روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: به راستی خداوند عز و جل انجام حج را همه ساله بر ثروتمندان واجب فرموده است.

۲۶۶- استطاعت و توانایی بر انجام حج

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي الربيع الشامي قال: سئل أبو عبد الله صلوات الله عليه عن قول الله عز وجل: «مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» فَقَالَ مَا يَقُولُ النَّاسُ قَالَ فَقِيلَ لَهُ الزَّادُ وَالرَّاحِلَةُ قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله عليه قَدْ سِئِلَ أَبُو جَعْفَرٍ صلوات الله عليه عَنْ هَذَا فَقَالَ هَلَكَ النَّاسُ إِذَا لَيْنَ كَانَ مَنْ كَانَ لَهُ زَادٌ وَرَاحِلَةٌ قَدَرٌ مَا يَقُوتُ عِيَالَهُ وَ يَسْتَعْنِي بِهِ عَنِ النَّاسِ يَنْطَلِقُ إِلَيْهِ فَيَسْأَلُهُمْ إِيَّاهُ لَقَدْ هَلَكُوا فَقِيلَ لَهُ فَمَا السَّبِيلُ قَالَ فَقَالَ السَّعَةُ فِي الْمَالِ إِذَا

ص: ۲۱۳

۱- . الكافي ج ۴ ص ۲۶۶ ح ۸.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۲۶۶ ح ۹.

كَانَ يَحُجُّ بِنَعْيٍ وَ يُنْقِي بَعْضًا يَقُوتُ بِهِ عِيَالَهُ أَلَيْسَ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ الزَّكَاةَ فَلَمْ يَجْعَلْهَا إِلَّا عَلَى مَنْ يَمْلِكُ مَائَتِي دِرْهَمًا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو ربیع شامی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره معنای گفتار خداوند عزّ و جلّ که می فرماید: «هر که توانایی رفتن به سوی آن را دارد» سؤال کردند.

فرمود: مردم (جماعت عامه) چه می گویند؟

راوی گوید: به آن حضرت گفتند: آنها می گویند: منظور داشتن زاد و توشه سفر و مرکب سواری است.

حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه در این باره پرسیدند. حضرتش فرمود: اگر معنای استطاعت چنین باشد، در این صورت مردم هلاک خواهند شد، زیرا اگر کسی که توانایی تهیه توشه سفر و مرکب را داشته باشد، و این مبلغ را که به اندازه تأمین قوت عیال و بی نیازی از مردم است، در راه تهیه وسایل سفر صرف کند و به سوی حج روانه شود، و آن را از اهل و عیال خود برباید، در این صورت مردم خود را به هلاکت افکنده اند.

گفتند: پس مقصود از سیل چیست؟

فرمود: مقصود فراخی و فراوانی مال است که شخص با صرف کردن بخشی از آن، حج را به جای آورد، و بخشی را برای قوت خانواده خود نگاه دارد، مگر نه این است که خداوند عزّ و جلّ زکات را مقرر فرمود، و با وجود این آن را جز بر کسی که دویت درهم داشته باشد، فرض نکرده است؟

۲- الشیخ الصدوق، باسناده عن الأعمش عن الصادق صلوات الله علیه قال: حجّ البیت واجب لمن استطاع إليه سبباً و هو الزاد و الرّاحله مع صحه البدن و أن یكون للإنسان ما یخلفه علی عیاله و ما یرجع إليه من بعد حجّه. (۲)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از اعمش از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: حج خانه خدا بر کسی که استطاعت و توان داشته باشد واجب است. منظور از استطاعت همان توشه

ص: ۲۱۴

۱- الکافی ج ۴ ص ۲۶۷ ح ۳.

۲- الخصال ج ۲ ص ۳۹۴. بحارالانوار ج ۹۶ ص ۱۰۷ ح ۱.

و مرکب (وسیله سفر) و سلامتی است و این که انسان باید چیزی داشته باشد که پس از حج برای خانواده خویش به جا گزارد و همچنین پس از بازگشت از حج نیز چیزی داشته باشد.

۳- الشیخ الکلبینی، باسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَى الخُثَمِیِّ قَالَ: سَأَلَ حَفْصُ الْکُنَاسِیُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ أَنَا عِنْدَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» مَا يَعْنِي بِذَلِكَ قَالَ مَنْ كَانَ صِيحِيحًا فِي بَدَنِهِ مُخَلِّي سِرْبُهُ لَهُ زَادٌ وَ رَاحِلَةٌ فَهُوَ مِمَّنْ يَسْتِطِيعُ الْحَجَّ أَوْ قَالَ مِمَّنْ كَانَ لَهُ مَالٌ فَقَالَ لَهُ حَفْصُ الْکُنَاسِیِّ فَإِذَا كَانَ صِيحِيحًا فِي بَدَنِهِ مُخَلِّي سِرْبُهُ لَهُ زَادٌ وَ رَاحِلَةٌ فَلَمْ يَحْجَّ فَهُوَ مِمَّنْ يَسْتِطِيعُ الْحَجَّ قَالَ نَعَمْ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن یحیی خثعمی روایت کرده که گفت: من در حضور حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بودم که حفص کناسی از آن حضرت در مورد گفتار خداوند عز و جل پرسید که می فرماید: «و برای خدا بر مردم است که حج خانه کعبه کنند، کسانی که توانایی رفتن به سوی آن را دارند»، منظور خداوند چیست؟

فرمود: هر که سالم و تندرست باشد، راه امن باشد و دارای توشه و مرکب سواری باشد، از کسانی است که توانایی و استطاعت برای حج را دارد.

یا این که فرمود: از کسانی است که دارای مالی می باشند.

حفص کناسی به آن حضرت عرض کرد: اگر سالم و تندرست باشد، راه امن باشد و دارای توشه و مرکب سواری باشد و به حج نرود آیا او از کسانی است که استطاعت و توانایی برای حج را دارد؟
فرمود: آری.

۲۶۷- حکم کسی که با توانایی انجام حج را به تأخیر می اندازد

۱- الشیخ الکلبینی، باسناده عن ذَرِیحِ الْمُحَارِبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَحْجَّ حَجَّهِ الْإِسْلَامِ لَمْ يَمْنَعَهُ مِنْ ذَلِكَ حَاجَةٌ تُجْحِفُ بِهِ أَوْ مَرَضٌ لَا يُطِيقُ فِيهِ الْحَجَّ أَوْ سُلْطَانٌ يَمْنَعُهُ فَلَيْمَتْ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا. (۲)

ص: ۲۱۵

۱- . الکافی ج ۴ ص ۲۶۷ ح ۲.

۲- . الکافی ج ۴ ص ۲۶۸ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ذریح محاربی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: کسی که بمیرد در حالی که و بی آن که مانعی مثل احتیاجی شدید، یا مرضی طاقت فرسا و یا سلطانی بازدارنده از حج از انجام حجّه الاسلام داشته باشد، و آن را انجام نداده باشد. پس باید یهودی یا نصرانی بمیرد.

۲۶۸- حکم کسی که توانایی انجام حج را ندارد و فرد دیگری را با پرداخت هزینه روانه حج کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن أبي حمزة قال: سألتُه (الإمام) عن رجلٍ مُسْلِمٍ حَالٌ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْحَجِّ مَرَضٌ أَوْ أَمْرٌ يَعْذِرُهُ اللَّهُ فِيهِ فَقَالَ عَلَيْهِ أَنْ يُحَجَّ عَنْهُ مِنْ مَالِهِ صَرُورَةً لَا مَالَ لَهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن ابی حمزه روایت کرده که گفت: از امام صلوات الله علیه پرسیدم: شخص مسلمانی که به جهت بیماری یا کاری نتوانسته به سفر حج برود آیا خداوند او را در کار حج معذور می دارد؟ فرمود: بر عهده اوست که فردی را که به حج نرفته به نیابت خویش با هزینه خود به حج بفرستد.

۲۶۹- حکم زنی که همسرش او را از حجّه الاسلام باز دارد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن أبي حمزة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سألتُه عن امرأةٍ لها زوجٌ أبى أن يأذن لها أن تحجَّ و لم تحجَّ حجّه الإسلام فغاب زوجها عنها وقد نهاها أن تحجَّ قال لا طاعة له عليها في حجّه الإسلام فلتحجَّ إن شاءت. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن ابی حمزه روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: همسر زنی اجازه نمی دهد به حج برود با آن که زن حجّه الاسلام را انجام نداده است، وقتی همسر در غیاب خود نیز از حج نهی می کند وظیفه او چیست؟

فرمود: برای انجام حجّه الاسلام اطاعت همسر بر آن زن لازم نیست، و اگر بخواهد می تواند به حج برود.

ص: ۲۱۶

۱- . الكافي ج ۴ ص ۲۷۳ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۲۸۲ ح ۱.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُعَاوِيَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ الْمَرْأَةِ الْحُرَّةِ تَحُجُّ إِلَى مَكَّةَ بِغَيْرِ وَلِيٍّ فَقَالَ لَا بَأْسَ تَخْرُجُ مَعَ قَوْمٍ ثِقَاتٍ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: زنی که بدون ولی به سوی مکه روان می شود چه حکمی دارد؟

فرمود: اشکالی ندارد که با گروهی مورد وثوق و اعتماد به حج برود.

۲۷۰- ماه های حج

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ»، سُؤَالَ وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجَّةِ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَحُجَّ فِيهَا سِوَاهُنَّ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه روایت کرده که پیرامون تفسیر آیه: «مراسم حج در ماههای شناخته شده، انجام می شود» فرمود: شوال، ذی القعدة و ذی الحجه، ماه های حج می باشند و مردم، تنها، باید در این ماه ها به حج بروند.

۲۷۱- حج اکبر و حج اصغر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ يَوْمِ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ فَقَالَ هُوَ يَوْمُ النَّحْرِ وَ الْحَجِّ الْأَصْغَرِ الْعُمْرَةِ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: روز حج اکبر چه روزی است؟

فرمود: حج اکبر روزی است که مراسم قربانی صورت می گیرد. حج اصغر همان عمره است (که روز مشخصی ندارد).

ص: ۲۱۷

۱- . الكافي ج ۴ ص ۲۸۲ ح ۵.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۲۸۹ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۲۹۰ ح ۱.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمّار قال سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: الْحَجُّ ثَلَاثَةٌ أَصْنَافٍ حَجٌّ مُفْرَدٌ وَ قِرَانٌ وَ تَمَتُّعٌ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ وَ بِهَا أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ الْفَضْلُ فِيهَا وَ لَا نَأْمُرُ النَّاسَ إِلَّا بِهَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمّار روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: حج بر سه گونه است: حج مفرد، حج قران و حج تمتع به اضافه عمره که رسول الله صلی الله علیه و آله به آن فرمان داده و همان فضیلت دارد. و ما مردم را امر نمی کنیم مگر به آن (حج تمتع و عمره).

۲۷۳- واجبات حج تمتع

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمّار عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: على التمتع بالعمرة إلى الحج ثلاثة أطواف بالبيت و سعيان بين الصفا و المروة و عليه إذا قدم مكة طواف بالبيت و ركعتان عند مقام إبراهيم عليه السلام و سعي بين الصفا و المروة ثم يقصر و قد أحل هذا للعمرة و عليه للحج طوافان و سعي بين الصفا و المروة و يصلي عند كل طواف بالبيت ركعتين عند مقام إبراهيم عليه السلام. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمّار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: کسی که حج و عمره تمتع به جا می آورد، باید سه نوبت دور خانه کعبه طواف کند و دو نوبت بین صفا و مروه سعی کند، به این صورت که در آغاز ورود به مکه، یک نوبت طواف کند، پس از آن دو رکعت نماز طواف پشت مقام حضرت ابراهیم علیه السلام بخواند. بعد بین صفا و مروه سعی کند، سپس موی یا ناخن خود را بچیند و از احرام خارج شود. این مراسم ویژه عمره است.

برای حج تمتع نیز، باید دو نوبت دور خانه طواف کند و یک نوبت بین صفا و مروه سعی کند. و بعد از هر طواف، دو رکعت نماز طواف در پشت مقام حضرت ابراهیم علیه السلام بخواند.

ص: ۲۱۸

۱- . الکافی ج ۴ ص ۲۹۱ ح ۱.

۲- . الکافی ج ۴ ص ۲۹۵ ح ۱.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: اَلْمُتَمَتِّعُ عَلَيْهِ ثَلَاثَةٌ أَطْوَافٍ بِالنَّبِيِّ وَطَوَافَانِ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ وَقَطْعُ التَّلَامِيهِ مِنْ مُتَعْتِهِ إِذَا نَظَرَ إِلَى بَيْتِ مَكَّةَ وَ يُحْرَمُ بِالْحَجِّ يَوْمَ التَّرْوِيهِ وَيَقْطَعُ التَّلَامِيَةَ يَوْمَ عَرَفَةَ حِينَ تَزُولُ الشَّمْسُ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: کسی که حج و عمره تمتع انجام می دهد بایستی سه نوبت دور خانه خدا طواف کند و دو نوبت بین صفا و مروه سعی کند و چنین فردی هنگامی که خانه های مکه را دید تلبیه را قطع کند و برای حج در روز ترویبه احرام ببندد و در روز عرفه هنگام ظهر تلبیه را قطع نماید.

۲۷۴- حکم کسی که پیش از انجام حج واجب می میرد یا به انجام حج وصیت می کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمارة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه في رجلٍ توفّي وأوصى أن يحج عنه قال إن كان ضروره فمن جميع المال إنّه بمنزله الدين الواجب وإن كان قد حجّ فمن ثلثه ومن مات ولم يحجّ حجّه الأسيّلام ولم يترك إلا قدر نفقه الحمولة وله ورثه فهم أحقّ بما ترك فإن شاءوا أكلوا وإن شاءوا أحجوا عنه. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از معاویه بن عمارة روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه در مورد کسی که پیش از انجام حج واجب از دنیا رفته و وصیت کرده که از جانب او حجی انجام شود (پرسیدم).

فرمود: اگر نخستین حج باشد، باید از همه دارایی او مبلغ حج را بردارند، چرا که این حج به سان بدهی واجب است. و اگر به حج رفته باشد، مبلغ حج را از یک سوم مال برمی دارند. و اگر فردی بمیرد و حجّه الاسلام را انجام ندهد و جز هزینه سفر چیزی نداشته باشد در عین حال ورثه ای داشته باشد که به ما ترک نیازمندتر باشند، در این صورت ورثه می توانند همان مقدار ما ترک را مصرف کنند و اگر خواستند می توانند از جانب او حجی انجام دهند.

ص: ۲۱۹

۱- . الكافي ج ۴ ص ۲۹۵ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۳۰۵ ح ۱.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي رَجُلٍ صَرُورَهُ مَاتَ وَ لَمْ يَحُجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ وَ لَهُ مَالٌ قَالَ يَحُجُّ عَنْهُ صَرُورُهُ لَا مَالَ لَهُ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: مردی توان مالی داشته ولی حجه الاسلام را انجام نداده اینک از دنیا رفته است (تکلیف چیست؟)

فرمود: حج او را فردی که توان مالی ندارد و نخستین بار به حج می رود، انجام می دهد.

۲۷۵- حکم نیابت زن از مرد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُصَادِفٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي الْمَرْأَةِ تَحُجُّ عَنِ الرَّجُلِ الصَّرُورَةَ فَقَالَ إِنْ كَانَتْ قَدْ حَجَّتْ وَ كَانَتْ مُسْلِمَةً فَقَبِيهَةً فَرُبَّ امْرَأَةٍ أَفْقَهُ مِنْ رَجُلٍ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از مصادف روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد زنی که نیابت حج مردی می شود که به حج نرفته بود، فرمود: اگر زن پیشتر حج انجام داده و زن مسلمان و آگاه به مسایل حج باشد، (اشکالی ندارد)؛ چرا که چه بسا زنی که در مسایل شرعی از مرد آگاه تر است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ الرَّجُلُ يَحُجُّ عَنِ الْمَرْأَةِ وَ الْمَرْأَةُ تَحُجُّ عَنِ الرَّجُلِ قَالَ لَا بَأْسَ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: مردها که می توانند به نیابت از زن ها به حج بروند، آیا زن ها نیز می توانند به نیابت از مردها به حج بروند؟

فرمود: مانعی ندارد.

ص: ۲۲۰

۱- . الكافي ج ۴ ص ۳۰۶ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۳۰۶ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۳۰۷ ح ۲.

۲۷۶- حکم نیابت از مخالفان مذهب

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ وَهْبِ بْنِ عَزِيدٍ رَبِّهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَزِيدٍ أَلَلَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَيْحُجُّ الرَّجُلُ عَنِ النَّاصِبِ فَقَالَ لَا فَقُلْتُ فَإِنْ كَانَ أَبِي قَالَ فَإِنْ كَانَ أَبَاكَ فَنَعَمْ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از وهب بن عبد ربّه روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: انسان می تواند از جانب ناصبی نیابت بگیرد و به حج برود؟

فرمود: نه.

گفتم: اگر چنین فردی پدرم باشد، چه صورت دارد؟

فرمود: اگر به نیابت از پدرت باشد، مانعی ندارد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْرِيَارَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَيْهِ الرَّجُلُ يُحُجُّ عَنِ النَّاصِبِ هَلْ عَلَيْهِ إِثْمٌ إِذَا حَجَّ عَنِ النَّاصِبِ وَ هَلْ يَنْفَعُ ذَلِكَ النَّاصِبَ أَمْ لَا فَكَتَبَ لَا يُحُجُّ عَنِ النَّاصِبِ وَلَا يُحُجُّ بِهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن مهزیار روایت کرده که گفت: به امام صلوات الله علیه نوشتم: شخصی به نیابت از یک ناصبی حج انجام می دهد آیا گناهی بر گردن اوست؟ و آیا آن شخص ناصبی با عمل این شخص، نفع و پاداشی می برد؟

حضرتش در جواب نوشت: از جانب ناصبی حج انجام نمی شود و نمی توان ناصبی را برای انجام حج نایب قرار داد.

۲۷۷- آداب حج نیابتی و نیت آن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا يَجِبُ عَلَى الَّذِي يُحُجُّ عَنِ الرَّجُلِ قَالَ يُسَمِّيهِ فِي الْمَوَاطِنِ وَالْمَوَاقِفِ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم گوید: به حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه گفتم: کسی که حج نیابتی به جا می آورد، چه آدابی را باید رعایت کند؟

ص: ۲۲۱

۱- . الكافي ج ۴ ص ۳۰۹ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۳۰۹ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۳۱۰ ح ۲.

فرمود: در همه جا و همه مراسم، نام صاحب حج را ببرد.

۲۷۸- حکم طواف و حج به نیابت از ائمه اطهار صلوات الله عليهم

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن موسى بن القاسم قال: قلت لأبي جعفر الثاني صلوات الله عليه قد أردت أن أطوف عنك و عن أبيك فقيل لي إن الأوصياء لا يطاف عنهم فقال لي بل طف ما أمكنك فإنه جائز ثم قلت له بعد ذلك بثلاث سنين إنني كنت استأذنتك في الطواف عنك و عن أبيك فأذنت لي في ذلك فطفنت عنكما ما شاء الله ثم وقع في قلبي شيء فعملت به قال و ما هو قلت طفت يوماً عن رسول الله صلى الله عليه و آله فقال ثلاث مرات صلى الله على رسول الله ثم اليوم الثاني عن أمير المؤمنين صلوات الله ثم طفت اليوم الثالث عن الحسن صلوات الله عليه و الرابع عن الحسين صلوات الله عليه و الخامس عن علي بن الحسين صلوات الله عليهما و السادس عن أبي جعفر محمد بن علي صلوات الله عليهما و اليوم السابع عن جعفر بن محمد صلوات الله عليهما و اليوم الثامن عن أبيك موسى صلوات الله عليه و اليوم التاسع عن أبيك علي صلوات الله عليه و اليوم العاشر عنك يا سيدي و هؤلاء الذين أدبهم الله بولائيتهم فقال إذن و الله تدين الله بالدين الذي لا يقبل من العباد غيره قلت و ربما طفت عن أمك فاطمة صلوات الله عليها و ربما لم أطف فقال استكبر من هذا فإنه أفضل ما أنت عامله إن شاء الله. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از موسی بن قاسم روایت کرده که گفت: به حضرت امام محمد تقی جواد صلوات الله عليه گفتم: می خواستم به نیابت از شما و از پدر بزرگوارتان حضرت امام رضا صلوات الله عليه طواف انجام دهم. مردم گفتند: اوصیا نیازی به طواف ندارند. (آیا درست است؟)

فرمود: بلکه هر چند که ممکن باشد به نیابت از اوصیا طواف کن که نیابت از اوصیا جایز است.

سه سال بعد به حضرت امام جواد صلوات الله عليه گفتم: من پیشتر از شما اجازه گرفتم که به نیابت از شما و نیابت از پدر بزرگوارتان طواف کنم، شما اجازه دادید و من مدت ها طواف کردم. بعد، فکری در خاطر گذشت که به آن عمل کردم.

حضرت امام جواد صلوات الله عليه فرمود: چه فکری؟

ص: ۲۲۲

عرض کردم: یک روز به نیابت از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طواف کردم.

حضرتش بلافاصله سه مرتبه فرمود: صلوات الله بر رسول الله نثار باد.

عرض کردم: روز دوم به نیابت از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه طواف کردم، روز سوم، به نیابت از حضرت امام حسن مجتبی صلوات الله علیه، روز چهارم به نیابت از حضرت سید الشهداء امام حسین صلوات الله علیه، روز پنجم به نیابت از حضرت امام سجاد صلوات الله علیه، روز ششم به نیابت از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه، روز هفتم به نیابت از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه، روز هشتم به نیابت از جد بزرگوارت حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه، روز نهم به نیابت از پدر بزرگوارت حضرت امام رضا صلوات الله علیه و روز دهم به نیابت از شما ای سرور من! این اوصیا همان رهبرانی هستند که من با ولایت آنان خدا را بندگی می کنم.

حضرت امام جواد صلوات الله علیه فرمود: به خدا سوگند! در این صورت خدا را با دین و آیینی بندگی می کنی که خداوند، غیر آن را از بندگان نمی پذیرد.

گفتم: گاهی به نیابت از مادر بزرگوارت حضرت فاطمه صلوات الله علیها طواف می کنم و گاهی طواف نمی کنم.

فرمود: هرچه بیشتر به نیابت از مادرم حضرت فاطمه صلوات الله علیها طواف کن که بهترین اعمالی است که انجام می دهی، ان شاء الله.

۲۷۹- حکم کسی که خویشان خود را در ثواب حج خود شریک می کند و با آنان صلّه رحم می نماید

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَشْرِكُ أَبَوَيَّ فِي حَجَّتِي قَالَ نَعَمْ قُلْتُ أَشْرِكُ إِخْوَتِي فِي حَجَّتِي قَالَ نَعَمْ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَاعِلٌ لَكَ حَجًّا وَ لَهُمْ حَجًّا وَ لَكَ أَجْرٌ لِصِلَتِكَ إِيَّاهُمْ قُلْتُ فَأَطُوفُ عَنِ الرَّجُلِ وَ الْمَرْأَةِ وَ هُمْ بِالْكَوْفَةِ فَقَالَ نَعَمْ تَقُولُ حِينَ تَفْتَتِحُ الطَّوْفَ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنْ فُلَانٍ الَّذِي تَطُوفُ عَنْهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: می توانم پدر و مادرم را در حج خود شریک سازم؟

ص: ۲۲۳

فرمود: آری.

گفتم: می توانم برادرانم را در حج خود شریک سازم؟

فرمود: آری. خداوند عزّ و جلّ برای خودت پاداش یک حج منظور می کند و برای آنان نیز، پاداش یک حج و پاداش دیگری هم به تو عنایت خواهد کرد که صله رحم کرده ای.

گفتم: آیا می توانم به نیابت از مردان و زنانی که در کوفه هستند طواف کنم؟

فرمود: آری، موقع شروع به طواف، می گویی: خدایا! این طواف را از فلانی بپذیر.

۲۸۰- میقات های احرام

۱- الشیخ الكلینی، بإسناده عن معاوية بن عمّار عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: من تَمَامَ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ أَنْ تُحْرِمَ مِنَ الْمَوَاقِيتِ الَّتِي وَقَّتَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا تُجَاوِزَهَا إِلَّا وَأَنْتَ مُحْرِمٌ فَإِنَّهُ وَقَّتَ لِأَهْلِ الْعِرَاقِ وَ لَمْ يَكُنْ يَوْمَئِذٍ عِرَاقُ بَطْنِ الْعَقِيقِ مِنْ قَبِيلِ أَهْلِ الْعِرَاقِ وَ وَقَّتَ لِأَهْلِ الْيَمَنِ يَلْمَلَمَ وَ وَقَّتَ لِأَهْلِ الطَّائِفِ قَرْنَ الْمَنَازِلِ وَ وَقَّتَ لِأَهْلِ الْمَغْرِبِ الْجُحْفَةَ وَ هِيَ مَهْيَعَةُ وَ وَقَّتَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ ذَا الْحُلَيْفَةِ وَ مَنْ كَانَ مِنْزَلُهُ خَلْفَ هَذِهِ الْمَوَاقِيتِ مِمَّا يَلِي مَكَّةَ فَوَقَّتَهُ مِنْزَلُهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمّار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: از کمال حج و عمره این است که از میقات هایی که رسول الله صلی الله علیه و آله قرار داده، محرم شوی و فاصله از آن جاها نگذری مگر این که محرم باشی، زیرا حضرتش آن میقات «بطن العقیق» را برای اهل عراق قرار داده را که در آن روز عراق نبوده، که از طرف اهل عراق قرار داده است و برای اهل یمن «یللم» را میقات قرار داد. و برای اهل طائف «قرن المنازل» و برای اهل مغرب جحفه که همان مهیعه است و برای اهل مدینه «ذو الحلیفه» و هر کس منزلش بعد از میقات تا مکه باشد، منزلش میقات او است.

۲- الشیخ عبد الله بن جعفر الحمیری، بإسناده عن علي بن أبي حمزة عن جعفر بن محمد عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سَأَلْتُهُ عَنْ إِحْرَامِ أَهْلِ الْكُوفَةِ وَ أَهْلِ خُرَاسَانَ وَ مَنْ يَلِيهِمْ وَ أَهْلِ السُّنْدِ وَ مِصْرَ مِنْ أَيْنَ هُوَ

ص: ۲۲۴

قَالَ إِحْرَامُ أَهْلِ الْعِرَاقِ مَنَ الْعَقِيقِ وَ مَنَ ذِي الْحُلَيْفَةِ وَ أَهْلِي الشَّامِ مَنَ الْجُحْفَةِ وَ أَهْلِي الْيَمَنِ مَنَ قَرْنِ الْمَنَازِلِ وَ أَهْلِي السَّنَدِ مَنَ الْبَصْرَةِ أَوْ مَعَ أَهْلِ الْبَصْرَةِ. (۱)

مرحوم شیخ عبدالله بن جعفر حمیری، با سند خویش از علی بن جعفر روایت کرده که گفت: از برادر خویش حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه درباره احرام اهل کوفه و خراسان و مناطق همجوار آن، اهالی سند و مصر سؤال کردم که از کجاست؟

حضرت فرمود: احرام اهالی عراق از عقیق ذی الحلیفه و اهالی شام از جحفه، اهالی یمن از قرن المنازل، اهالی سند از بصره و یا همراه با مردم بصره می باشد.

۲۸۱- حکم کسی که در غیر میقات محرم شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابنِ أذينة قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: مَنْ أَحْرَمَ بِالْحَجِّ فِي غَيْرِ أَشْهُرِ الْحَجِّ فَلَا حَجَّ لَهُ وَ مَنْ أَحْرَمَ دُونَ الْمِيقَاتِ فَلَا إِحْرَامَ لَهُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن اذینه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر کس در غیر ماه های حج، احرام بندد، حج او ارزشی ندارد و هر کس در غیر میقات محرم شده احرام او ارزش ندارد.

۲۸۲- حکم کسی که از میقات شهر خود بدون احرام عبور کند یا بدون احرام وارد مکه شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبيد الله بن سنان قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن رجل مرَّ على الوقت الذي يُحْرَمُ النَّاسُ مِنْهُ فَهَلَّ أَوْ جَهَلَ حَيْثُ أَتَى مَكَّةَ فَخَافَ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى الْوَقْتِ أَنْ يَفُوتَهُ الْحَجُّ فَقَالَ يُخْرَجُ مِنَ الْحَرَمِ وَ يُحْرَمُ وَ يُجْزئُهُ ذَلِكَ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: کسی که از یکی از میقات هایی که مردم از آن جا محرم می شوند می گذرد و

ص: ۲۲۵

۱- . قرب الإسناد ص ۱۰۴ . بحار الانوار ج ۹۶ ص ۱۲۶ ح ۲ .

۲- . الکافی ج ۴ ص ۳۲۲ ح ۴ .

۳- . الکافی ج ۴ ص ۳۲۴ ح ۶ .

فراموش می کند، یا وظیفه اش را نمی داند و محرم نمی شود تا این که وارد مکه می شود (پس از دانستن مسأله) بیم آن دارد که اگر به میقات برگردد حج از او فوت شود (چه وظیفه ای دارد؟)

فرمود: از حرم خارج شود و احرام ببندد که همان کفایتش می کند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ: عَنْ أَنَسٍ مِنْ أَصْحَابِنَا حُجُّوا بِأَمْرِهِ مَعَهُمْ فَقَدِمُوا إِلَى الْوَقْتِ وَهِيَ لَا تُصَيِّمُنِي فَجَهِلُوا أَنَّ مِثْلَهَا يَتَّبَعِي أَنْ يُحْرِمَ فَمَضَوْا بِهَا كَمَا هِيَ حَتَّى قَدِمُوا مَكَّةَ وَهِيَ طَامِثٌ حَلَالٌ فَسَأَلُوا النَّاسَ فَقَالُوا تَخْرُجُ إِلَى بَعْضِ الْمَوَاقِيتِ فَتُحْرِمُ مِنْهُ وَكَانَتْ إِذَا فَعَلْتَ لَمْ تُدْرِكِ الْحَجَّ فَسَأَلُوا أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ تُحْرِمُ مِنْ مَكَانِهَا قَدْ عَلِمَ اللَّهُ نِيَّتَهَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زرارہ روایت کرده که گفت: گروهی از اصحاب ما به حج مشرف شدند که یک زن نیز به همراه داشتند. وقتی به میقات رسیدند، آن زن دوران عادت ماهانه را می گذراند و نمی دانستند که آیا او می تواند محرم شود؟ وارد مکه شدند و در این مورد از مردم سؤال کردند، آن ها جواب دادند: به یکی از میقات ها برود و از آن جا محرم شود و چنین بود که اگر این کار را می کرد به حج نمی رسید.

از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه در این مورد پرسیدند.

فرمود: از همان مکانش محرم شود که همانا خداوند از نیت او آگاه است.

۲۸۳- واجبات احرام بستن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمار عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الْعَقِيقِ مِنْ قِبَلِ الْعِرَاقِ أَوْ إِلَى الْوَقْتِ مِنْ هَذِهِ الْمَوَاقِيتِ وَ أَنْتَ تُرِيدُ الْأَحْرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَانْتِفِ بِبَطْنِكَ وَ قَلَمٍ أَظْفَارِكَ وَ إِطْلِ عَانَتَكَ وَ خُذْ مِنْ شَارِبِكَ وَ لَا يَضْرُكَ بِأَيِّ ذَلِكَ بَدَأْتَ ثُمَّ اسْتَكَ وَ اغْتَسَلَ وَ الْبَسْ ثَوْبَيْكَ وَ لِيَكُنْ فَرَاغَكَ مِنْ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ فَلَا يَضْرُكَ غَيْرَ أَنِّي أَحَبُّ أَنْ يَكُونَ ذَاكَ مَعَ الْإِخْتِيَارِ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ. (۲)

ص: ۲۲۶

۱- الكافي ج ۴ ص ۳۲۴ ح ۵.

۲- الكافي ج ۴ ص ۳۲۶ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمّار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هنگامی که از طرف عراق به سرزمین عقیق رسیدی، یا به میقاتی از این میقات ها وارد شدی؛ و قصد داری که به خواست خداوند احرام کنی، موی زیر بغل هایت را بزدا، ناخن هایت را بگیر، خود را نظافت کن سیل خود را کوتاه کن، و ایرادی ندارد که با کدامیک اعمال خود را آغاز کنی، سپس مسواک بزنی و غسل کن و لباس های احرامت را به تن کن، و چنان باش که به خواست خدا تا ظهر به این اعمال پایان دهی و اگر هنگام ظهر پایان نرسید ایرادی ندارد مگر این که من دوست دارم پایان اعمال، - همراه با اختیار - هنگام ظهر باشد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن مهزيار قال: كَتَبَ الْحَسَنُ بْنُ سَعِيدٍ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ رَجُلٌ أَحْرَمَ بِغَيْرِ غُسْلِ أَوْ بِغَيْرِ صَلَاةٍ عَالِمٌ أَوْ جَاهِلٌ مَا عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ وَ كَيْفَ يَتَّبِعِي أَنْ يَصْنَعَ فَكَتَبَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يُعِيدُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن مهزیار گوید: حسن بن سعید طی نامه ای خدمت حضرت امام رضا صلوات الله علیه نوشت: کسی که از روی عمد یا ناآگاهی بدون غسل، یا نماز احرام بسته است چه وظیفه ای دارد؟ حضرتش مرقوم فرمود: باید اعاده کند.

۲۸۴- غسلی که برای احرام کفایت می کند و غسلی که کفایت نمی کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عمر بن يزيد عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: غُسِّلُ يَوْمَكَ لِيَوْمِكَ وَ غُسِّلُ لِيَلْتِكَ لِيَلْتِكَ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمر بن یزید روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: غسل روز تو برای احرام روز توست و غسل شبت برای احرام همان شب توست.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن النضر بن سويد عن أبي الحسن صلوات الله عليه قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَغْتَسِلُ لِلْأَحْرَامِ ثُمَّ يَنَامُ قَبْلَ أَنْ يُحْرَمَ قَالَ عَلَيْهِ إِعَادَةُ الْغُسْلِ. (۳)

ص: ۲۲۷

۱- . الكافي ج ۴ ص ۳۲۷ ح ۵.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۳۲۷ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۳۲۸ ح ۳.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از نضر بن سوید روایت کرده که: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه پرسیدم: شخصی برای احرام غسل می کند پس پیش از این که محرم شود می خوابد؟

فرمود: باید دوباره غسل کند.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن أبي حمزة قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن رجل اغتسل للأحرام ثم لبس قميصاً قبل أن يحرم قال قد انتقض غسله. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابی حمزه روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: کسی که برای احرام غسل کرد و پیش از این که محرم شود پیراهن پوشید (چه حکمی دارد؟)

فرمود: به طور قطع غسل او شکسته شد.

۲۸۵- نماز احرام، احرام بستن و شرایط آن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمارة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه أنه قال: لا يكون إحرام إلا في دبر صلاه مكتوبه أحرمت في دبرها بعد التسليم وإن كانت نافله صليت ركعتين وأحرمت في دبرهما فإذا انفتحت من صلاتك فأحمد الله وأثنى عليه وصل على النبي صلى الله عليه وآله وقل اللهم إني أسألك أن تجعلني ممن استجاب لك وآمن بوعيدك وأتبع أمرك فإنني عبيدك وفي قبضتك لا أوفى إلا ما وقيت ولا آخذ إلا ما أعطيت وقد ذكرت الحج فأسألك أن تغرم لي عليه على كتابك وسنة نبيك وتقويني على ما ضعت عنه وتسلم مني مناسكي في يسر منك وعافيه واجعلني من وفدك الذين رضيت وإرضيت وسميت وكتبتم اللهم فتمم لي حجي وعمرتي اللهم إني أريد التمتع «بالعمره إلى الحج» على كتابك وسنة نبيك صلى الله عليه وآله فإن عرض لي شيء يحببني فحلني حيث حبستني لقدرك الذي قدرت علي اللهم إن لم تكن حجه فعمره أحرم لك شعري وبشري ولحمي ودمي وعظامي ومخي وعصبي من النساء والثياب والطيب أبغني بذلك وجهك و

ص: ۲۲۸

الَّذَارَ الْآخِرَةَ قَالَ وَ يُجْزِيكَ أَنْ تَقُولَ هَذَا مَرَّةً وَاحِدَةً حِينَ تُحْرِمُ ثُمَّ قُمْ فَأَمْسِ هُنَيْئَهُ فَإِذَا اسْتَيْتَوْتُ بِكَ الْأَرْضَ مَا شَيْئًا كُنْتُ أَوْ رَاكِبًا فَلَبَّ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هیچ احرامی جز در پی نماز واجب که پس از سلام آن محرم شوی تحقق نمی یابد، پس اگر نماز مستحبی باشد دو رکعت نماز می خوانی در پی آن محرم می شوی. چون نماز را به جا آوردی، پس خدا را ستایش کن و ثنایش بگویی و بر پیامبر صلی الله علیه و اله درود بفرست و بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ لَا أُوْقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ وَ لَا آخُذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَغْرِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ تُقَوِّينِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ عَنْهُ وَ تَسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكَي فِي يُسْرِ مَنِّكَ وَ عِافِيهِ وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَفِدِكَ الَّذِينَ رَضِيَتْ وَ ارْتَضَيْتَ وَ سَمَّيْتَ وَ كَتَبْتَ اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجِّي وَ عَمِّرْتِي اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ» عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَإِنْ عَرَضَ لِي شَيْءٌ يَحْبِسُنِي فَحَلْنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَاجَّهَ فَعُمْرَهُ أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ مَخِي وَ عَصْبِي مِنَ النِّسَاءِ وَ الثِّيَابِ وَ الطَّيْبِ أَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ».

حضرتش افزود: هنگامی که محرم می شوی یک مرتبه این دعا را بگویی، بس است. و آن گاه برخیز چند لحظه گام بردار، چون وارد جاّه مکه شدی - چه پیاده و چه سواره - لبیک را آغاز کن.

۲۸۶- نیت حج

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن حماد بن عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَمَّتَّ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَكَيْفَ أَقُولُ قَالَ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَمَّتَّ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ إِنْ شِئْتَ أَضَمَرْتَ الَّذِي تُرِيدُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حماد بن عثمان روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: من می خواهم حج و عمره انجام دهم پس چگونه نیت کنم و چه بگویم؟

ص: ۲۲۹

۱- . الکافی ج ۴ ص ۳۳۱ ح ۲.

۲- . الکافی ج ۴ ص ۳۳۲ ح ۳.

فرمود: می گویی: «خدا! من به پیروی از کتاب تو و سنت پیامبر تو قصد تمتع به عمره به سوی حج را دارم» و اگر بخواهی خواسته خود را در دل می گذرانی.

۲۸۷- لَبَّيْكَ كَفْتَن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: التَّلْبِيَةُ لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ دَاعِيًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ تَبْدِئُ وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَإِبْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ تَقُولُ ذَلِكَ فِي دُبُرِ كُلِّ صِيْلَةٍ مَكْتُوبَةٍ أَوْ نَافِلَةٍ وَحِينَ يَنْهَضُ بِكَ بَعِيرُكَ وَإِذَا عَلَوْتَ شَرَفًا أَوْ هَبَطْتَ وَادِيًا أَوْ لَقِيتَ رَاكِبًا أَوْ اسْتَيْقَظْتَ مِنْ مَنَامِكَ وَبِالْأَسْحَارِ وَ أَكْثَرُ مَا اسْتَطَعْتَ مِنْهَا وَاجْهَرُ بِهَا وَإِنْ تَرَكْتَ بَعْضَ التَّلْبِيَةِ فَلَا يَضُرُّكَ غَيْرَ أَنْ تَمَامَهَا أَفْضَلُ وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا بُدَّ مِنَ التَّلْبِيَاتِ الْأَرْبَعِ فِي أَوَّلِ الْكَلَامِ وَ هِيَ الْفَرِيضَةُ وَ هِيَ التَّوْحِيدُ وَ بِهَا لَبَّى الْمُرْسَلُونَ وَ أَكْثَرُ مِنْ ذِي الْمَعَارِجِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَانَ يُكْتَبُ مِنْهَا وَ أَوَّلُ مَنْ لَبَّى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَدْعُوكُمْ إِلَى أَنْ تَحُجُّوا بَيْتَهُ فَأَجَابُوهُ بِالتَّلْبِيَةِ فَلَمْ يَبْقَ أَحَدٌ أَخَذَ مِثْلَهُ بِالْمُؤَافَاهِ فِي ظَهْرِ رَجُلٍ وَ لَا بَطْنِ امْرَأَةٍ إِلَّا أَجَابَ بِالتَّلْبِيَةِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: لَبَّيْكَ كَفْتَن چنین است:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ دَاعِيًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ، لَبَّيْكَ تَبْدِئُ وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَإِبْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ».

ص: ۲۳۰

این تلبیه را در پی هر نماز واجب یا نافله می‌گویی و زمانی که شترت تو را از بالای بلندی می‌برد یا از درّه ای پایین آمدی یا با سواره ای ملاقات کردی یا از خواب بیدار شدی و سحرگاهان بخوان، هرچه می‌توانی آن را با آواز بلند بخوان و اگر قسمتی از تلبیه را ترک کردی ضرری ندارد مگر این که گفتن تمامی آن بهتر است.

و بدان که از گفتن لبیک های چهارگانه ای که در اول کلام آمده است و همان واجب است و آن توحید است و پیامبران مرسل بر آن تلبیه گفته اند و فراز «ذی المعارج» را بیشتر بگو، زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله آن را بیشتر می‌گفت و نخستین کسی که لبیک گفت حضرت ابراهیم علیه السلام بود.

حضرتش فرمود: به راستی که خداوند عزّ و جلّ شما را به حج فرا می‌خواند که خانه، او را قصد نمایید پس او را با تلبیه اجابت نمایید، هیچ کسی در وفا به پیمان باقی نمی‌ماند؛ در صلب پدر و شکم مادر مگر این که به لبیک پاسخ می‌دهد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: لا بأس بأن تلبّي و أنت على غير طهر و على كل حال. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: ایرادی ندارد که بدون طهارت و بر هر حال که باشی لبیک بگویی.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: ليس على النساء جهراً بالتلبيه. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: بلند گفتن تلبیه بر زنان جایز نیست.

۲۸۸- خودداری محرم از جدال و موارد مشابه

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمارة قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: إذا أحرمت فَعَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ ذِكْرِ اللَّهِ كَثِيرًا وَ قَلِهِ الْكَلَامَ إِلَّا بِخَيْرٍ فَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ أَنْ يَحْفَظَ الْمَرْءُ لِسَانَهُ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: «فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفْتٌ وَ لَا فُسُوقٌ وَ لَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» وَ الرَّفْتُ الْجَمَاعُ وَ الْفُسُوقُ

ص: ۲۳۱

۱- . الكافي ج ۴ ص ۳۳۶ ح ۶.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۳۳۶ ح ۷.

الْكُذِبُ وَالسُّبَابُ وَالْجِدَالُ قَوْلُ الرَّجُلِ لَا وَاللَّهِ وَبَلَى وَاللَّهِ وَاعْلَمْ أَنَّ الرَّجُلَ إِذَا حَلَفَ بِثَلَاثِ أَيْمَانٍ وَلَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ وَهُوَ مُحْرِمٌ فَقَدْ جَادَلَ فَعَلَيْهِ دَمٌ يَهْرِيْقُهُ وَيَتَّصَدَّقُ بِهِ وَإِذَا حَلَفَ يَمِينًا وَاحِدَةً كَاذِبُهُ فَقَدْ جَادَلَ وَعَلَيْهِ دَمٌ يَهْرِيْقُهُ وَيَتَّصَدَّقُ بِهِ وَقَالَ اتَّقِ الْمُفَاخِرَةَ وَعَلَيْكَ بِوَرَعٍ يَحْجُزُكَ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ «ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ وَلِيُطَوُّوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مِنْ التَّفَثِ أَنْ تَتَكَلَّمَ فِي إِحْرَامِكَ بِكَلَامٍ قَبِيحٍ فَإِذَا دَخَلْتَ مَكَّةَ وَطُفْتَ بِالْبَيْتِ وَتَكَلَّمْتَ بِكَلَامٍ طَبِيبٍ فَكَانَ ذَلِكَ كَفَّارَةً قَالَ وَسَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَقُولُ لَا لِعَمْرِي وَبَلَى لِعَمْرِي قَالَ لَيْسَ هَذَا مِنَ الْجِدَالِ إِنَّمَا الْجِدَالُ لَا وَاللَّهِ وَبَلَى وَاللَّهِ. (١)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمّار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هنگامی که احرام بستی بر تو باد به تقوای خدا و زیاد یاد خدا کردن و کم سخن گفتن مگر به نیکی، زیرا از کامل بودن حج و عمره این است که انسان زبانش را باز دارد مگر از نیکی چنانکه خداوند عزّ و جلّ فرمود، زیرا خداوند عزّ و جلّ می فرماید: «هر که در آن ماهها حج را لازم کرد پس رفت، فسوق و جدال در حج نیست» رفت همان نزدیکی با زنان، فسوق، دروغ و فحش است و جدال گفتار «نه و الله» و «آری و الله» است و بدان که هنگامی که شخص سه بار در حال احرام در یک مکان سوگند یاد کند پس جدال نموده است و بایستی قربانی کند و آن را صدقه دهد و زمانی که یک سوگند دروغ بخورد پس جدال نموده است بر اوست یک قربانی نماید و آن را صدقه دهد.

و فرمود: از فخر فروشی بهراسید، و بر تو باد تقوا و پرهیزکاری که تو را از عصیان به خدا دور نماید، زیرا خداوند متعال می فرماید: «سپس باید آلودگی هایشان را بزدايند و نذرهایشان را به جا آورند و به خانه خدا طواف کنند.»

حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: از آلودگی این است که در حال احرام سخن زشتی بگویی، پس زمانی که وارد مکه شدی و کعبه را طواف نمودی و سخن نیکویی گفتی، پس همین کفار (گناهان) می شود.

راوی گوید: از حضرتش پرسیدم: کسی که می گوید: «نه به جانم آری و «به جانم» چه؟

ص: ۲۳۲

فرمود: این گونه گفتار از جدال نیست، بلکه جدال گفتن «نه به خدا» و «آری به خدا» است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: فِي الْجِدَالِ شَأْنٌ وَفِي السَّبَابِ وَالْفُسُوقِ بَقْرَةٌ وَالرَّفَثِ فَسَادُ الْحَجِّ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سلیمان بن خالد روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: در جدال، یک گوسفند قربانی می شود، در فحش و فسوق یک گاو است و نزدیکی با زنان موجب بطلان حج است.

۲۸۹- حکم سایه برای محرم

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن جَعْفَرِ بْنِ الْمُثَنَّى الْخَطِيبِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ وَبِشْرِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ: قَالَ لِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ أَلَا أَسْرُكَ يَا ابْنَ مُثَنَّى قَالَ قُلْتُ بَلَى وَقَمْتُ إِلَيْهِ قَالَ دَخَلَ هَذَا الْفَاسِقُ آتِنَا فَجَلَسَ قُبَالَهُ أَبِي الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا تَقُولُ فِي الْمُحْرَمِ أَيَسِيْتِظَلُّ عَلَى الْمُحْمِلِ فَقَالَ لَهُ لَا قَالَ فَيَسِيْتِظَلُّ فِي الْخِبَاءِ فَقَالَ لَهُ نَعَمْ فَأَعَادَ عَلَيْهِ الْقَوْلَ شَبَّهَ الْمُسْتَهْزِئِي يَضْحَكُ فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ فَمَا فَرْقُ بَيْنِ هَذَا وَهَذَا فَقَالَ يَا أَبَا يُوسُفَ إِنَّ الدِّينَ لَيْسَ بِقِيَاسِ كَقِيَاسِكُمْ أَنْتُمْ تَلْعَبُونَ بِالدِّينِ إِنَّا صَيِّغْنَا كَمَا صَيَّغَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَقَلْنَا كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَرْكَبُ رَاحِلَتَهُ فَلَا يَسِيْتِظَلُّ عَلَيْهَا وَتُؤْذِيهِ الشَّمْسُ فَيَسْتُرُ جَسَدَهُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَرُبَّمَا سَتَرَ وَجْهَهُ بِيَدِهِ وَإِذَا نَزَلَ اسْتِظَلَّ بِالْخِبَاءِ وَفِي الْبَيْتِ وَفِي الْجِدَارِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جعفر بن مثنی خطیب از محمد بن فضیل و بشر بن اسماعیل روایت کرده که گفت: محمد به من گفت: ای پسر مثنی می خواهی تو را خوشحال بکنم؟

گفتم: آری و برخاستم به جانب او رفتم.

گفت: اندکی پیش این فاسق ابو یوسف قاضی شاگرد ابو حنیفه برابر حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه نشست و به حضرتش گفت: ای ابا الحسن! نظر تو در مورد محرم چیست؟ آیا می تواند در کجاوه در زیر سایه باشد؟

ص: ۲۳۳

۱- . الكافي ج ۴ ص ۳۳۹ ح ۶.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۳۵۰ ح ۱.

فرمود: نه.

گفت: آیا در خیمه می تواند در زیر سایه باشد؟

فرمود: آری.

او سخنش را همانند مسخره گری که می خندید تکرار کرد و گفت: بین این و آن چه فرقی است؟

حضرت فرمود: ای ابا یوسف! به راستی دین همانند قیاس شما به قیاس سنجیده نمی شود، شما با دین بازی می کنید ما عمل می کنیم آن سان که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عمل می نمود و می گوئیم آن سان که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود. رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ همواره سوار بر شتر خود می شد و چیزی بر آن سایه بان نمی کرد و آفتاب او را آزار می داد پس با قسمتی از بدنش قسمت دیگر را می پوشانید و چه بسا با دستش صورتش را می پوشانید و چون پیاده می شد در زیر سایه می رفت و در زیر خیمه و سایه خانه و سایه دیوار قرار می گرفت.

۲- الشيخ الكليني، يأسناده عَنِ الْكَاهِلِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا يَأْسُ بِإِلْقَائِهِ عَلَى النِّسَاءِ وَالصَّبِيَّانِ وَهُمْ مُحْرَمُونَ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از کاهلی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: ایرادی ندارد که سایه بان بر زنان و کودکان محرم زده شود.

۲۹۰- حکم عطر برای محرم

۱- الشيخ الكليني، يأسناده عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا تَمَسَّ شَيْئًا مِنَ الطَّيِّبِ وَلَا مِنَ الدُّهْنِ فِي إِخْرَاهِكَ وَاتَّقِ الطَّيِّبَ فِي طَعَامِكَ وَآمِسْكَ عَلَى أَنْفِكَ مِنَ الرَّائِحَةِ الطَّيِّبَةِ وَلَا تُمْسِكْ عَنْهُ مِنَ الرِّيحِ الْمُتَنَبِّهِةِ فَإِنَّهُ لَا يَتَّبِعِي لِلْمُحْرَمِ أَنْ يَتَلَدَّ بِرِيحِ طَيِّبِهِ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: نباید در حال احرامت بوی خوش به کار ببری و نباید به خودت روغن بمالی و در غذا نیز از

ص: ۲۳۴

۱- الكافي ج ۴ ص ۳۵۱ ح ۱۰.

۲- الكافي ج ۴ ص ۳۵۳ ح ۱.

بوی خوش بپرهیز و بینی خود را از بوی خوش بازدار و جلوی بینیت را از بوی بد بگیر، زیرا برای محرم سزاوار نیست که از بوی خوش لذت ببرد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَا بُأْسَ بِالرَّيْحِ الطَّيِّبِ فِيمَا بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ مِنْ رِيحِ الْعَطَّارِينَ وَلَا يُمَسِّكَ عَلَى أَنْفِهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از هشام بن حکم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: ایرادی ندارد که محرم از بوی خوش مغازه های بین صفا و مروه استشمام کند و نباید بینی خود بگیرد.

۲۹۱- حکم محرمی که ناخن ها یا موها یا چیزی از آن را کوتاه می کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ حَرِيْزِ عَمْرٍو أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي مُحْرَمٍ قَلَّمَ ظُفْرًا قَالَ يَتَّصَدَّقُ بِكَفٍّ مِنْ طَعَامٍ قَالِ ظُفْرَيْنِ قَالِ كَفَيْنِ قُلْتُ ثَلَاثَةً قَالَ ثَلَاثَةٌ أَكْفٌ قُلْتُ أَرْبَعَةً قَالَ أَرْبَعَةٌ أَكْفٌ قُلْتُ خَمْسَةً قَالَ عَلَيْهِ دَمٌ يُهْرِيْقُهُ فَإِنْ قَصَّ عَشْرَةَ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَلَيْسَ عَلَيْهِ إِلَّا دَمٌ يُهْرِيْقُهُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حرز از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه درباره محرمی که ناخن خود را بچیند فرمود: مشتی از طعام صدقه دهد.

راوی عرض کرد: دو ناخن باشد چطور؟

فرمود: دو مشت از طعام.

[راوی گوید:] عرض کردم: سه ناخن چطور؟

فرمود: سه مشت از طعام.

عرض کردم: چهار ناخن چطور؟

فرمود: چهار مشت از طعام.

عرض کردم: پنج ناخن چطور؟

فرمود: بایستی یک قربانی کند. پس اگر ده ناخن یا بیشتر از آن را بچیند، فقط یک قربانی برعهده اوست.

ص: ۲۳۵

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: مَنْ حَلَقَ رَأْسَهُ أَوْ نَتَفَ إِطْطَهُ نَاسِيًا أَوْ سَاهِيًا أَوْ جَاهِلًا فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ مَنْ فَعَلَهُ مُتَعَمِّدًا فَعَلَيْهِ دَمٌ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه فرمود: هر که سر یا موی زیر بغل خود را از روی فراموشی یا سهو یا ناآگاهی بتراشد، چیزی بر عهده او نیست و کسی که از روی عمد انجام دهد بر عهده اوست که یک قربانی نماید.

۲۹۲- حکم محرمی که جانوران را از خود دور می کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَرَأَيْتَ إِنْ وَجَدْتُ عَلَيَّ قُرَادًا أَوْ حَلَمَةً أَطْرَحُهَا قَالَ نَعَمْ وَ صَغَارًا لَهُمَا إِنْهُمَا رَقِيَا فِي غَيْرِ مَرْقَاهُمَا. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه گفتم: اگر در حال احرام در بدن خود کنه ای و یا کرمی بینم می توانم آنها را دور کنم؟ فرمود: آری، برای خوار ساختن آنها؛ چرا که آنها در جایی برآمده اند که جایشان نیست.

۲۹۳- چیزهای که کشتن آنها برای محرم جایز است و چیزهایی که کفارہ آور است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن حَرِيْزِ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: كُلُّ مَا خَافَ الْمُحْرِمُ عَلَى نَفْسِهِ مِنَ السَّبَاعِ وَالْحَيَّاتِ وَ غَيْرِهَا فَلْيَقْتُلْهُ فَإِنْ لَمْ يُرْذَكَ فَلَا تُرْذَةُ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از راوی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: از جاننداری که محرم بر جان خود بترسد می تواند آن را بکشد و اگر جانوری با تو کاری نداشته باشد تو نیز با آن کاری نداشته باش.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مَعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذَا أَحْرَمْتَ فَاتَّقِ قَتْلَ الدَّوَابِّ كُلِّهَا إِلَّا الْأَفْعَى وَالْعُقْرَبَ وَالْفَأْرَةَ فَإِنَّهَا تُوهِي السَّقَاءَ وَ تُحْرِقُ عَلَى

ص: ۲۳۶

۱- . الكافي ج ۴ ص ۳۶۱ ح ۸.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۳۶۲ ح ۴.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۳۶۳ ح ۱.

أَهْلِيلِ الْبَيْتِ وَ أُمَّ الْعَقْرَبِ فَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَيِّدٌ يَدُهُ إِلَى الْحَجَرِ فَلَسَّ مَعْتَهُ عَقْرَبٌ فَقَالَ لَعَنَكَ اللَّهُ لَا بَرًّا تَدْعِينَ وَ لَا فَاجِرًا وَ الْحَيَّةُ إِذَا أَرَادَتْكَ فَاقْتُلْهَا فَإِنَّ لَمْ تُرْذِكْ فَلَا تُرْذِهَا وَ الْكَلْبُ الْعَقُورُ وَ السَّبُعُ إِذَا أَرَادَكَ فَاقْتُلْهُمَا فَإِنَّ لَمْ يُرِيدَاكَ فَلَا تُرْذِهُمَا وَ الْأَسْوَدُ الْغَدِيرُ فَاقْتُلْهُ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ إِزْمِ الْعُرَابِ رَمِيًّا وَ الْحِدَاهُ عَلَى ظَهْرِ بَعِيرِكَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمّار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: آن گاه که محرم شدی از کشتن تمام جنبنده ها پرهیز، مگر مار افعی، عقرب و موش. زیرا موش خیک را پاره کرده و خانه را بر اهلس آتش می زند، در مورد عقرب؛ پس رسول الله صلی الله علیه و آله دستش را بر سنگی دراز کرد. عقربی دستش را نیش زد. حضرتش فرمود: خدا تو را لعنت کند! خوب و بد را رها نمی گذاری.

و هر گاه ماری به طرف تو آمد آن را بکش، اگر با تو کاری نداشت تو به آن کار نداشته باش. اگر سگ ها و درندگان به تو حمله کردند، آنها را از پای در آور و اگر با تو کاری نداشتند با آنها کاری نداشته باش. مار سیاه پلید است، پس در هر جایی آن را بکش و به کلاغ و زغن (که نوعی کلاغ است) سنگ بزن، گرچه بر پشت شترت باشد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مُحْرَمٍ قَتَلَ زُنْبُورًا قَالَ إِنْ كَانَ خَطَأً فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ قُلْتُ لَا بَلْ مُتَعَمِّدًا قَالَ يُطْعَمُ شَيْئًا مِنْ طَعَامٍ قُلْتُ إِنَّهُ أَرَادَنِي قَالَ كُلُّ شَيْءٍ أَرَادَكَ فَاقْتُلْهُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: محرمی که زنبوری را می کشد (چه حکمی دارد؟)

فرمود: اگر از روی اشتباه باشد چیزی بر او نیست.

گفتم: نه، بلکه از روی عمد بوده است؟

فرمود: چیزی از غذا اطعام می کند.

گفتم: زنبور می خواست مرا نیش بزند؟

ص: ۲۳۷

۱- الكافي ج ۴ ص ۳۶۳ ح ۲.

۲- الكافي ج ۴ ص ۳۶۴ ح ۵.

فرمود: هر چه تو را قصد کرد پس آن را بکش (که در این صورت چیزی بر تو نیست).

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَقْتُلُ الْبَقَّةَ وَالْبُرْغُوثَ إِذَا أَرَادَهُ قَالَ نَعَمْ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره گوید: از حضرت امام محمد باقر یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما پرسیدم: آیا محرم می تواند پشه و کک را که آزارش می دهند بکشد؟
فرمود: آری.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْعُزْزَمِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ قَالَ: يَقْتُلُ الْمُحْرِمُ كُلَّ مَا حَشِيَهُ عَلَى نَفْسِهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الرحمن عرزمی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق از پدر بزرگوارش از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیهم روایت کرده که فرمود: محرم هر جاننداری را که بر جان خویش احساس خطر کند، می تواند به قتل برساند.

۲۹۴- حکم محرمی که ذبح می کند و برای چهارپای خود علف می چیند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ الْمُحْرِمُ يَنْحَرُ بَعِيرَهُ أَوْ يَذْبَحُ شَاتَهُ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ لَهُ يَحْتَشُّ لِدَابَّتِهِ وَبَعِيرِهِ قَالَ نَعَمْ وَيَقْطَعُ مَا شَاءَ مِنَ الشَّجَرِ حَتَّى يَدْخُلَ الْحَرَمَ فَإِذَا دَخَلَ الْحَرَمَ فَلَا. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: محرم می تواند شترش را نحر کند و یا گوسفندش را ذبح نماید؟
فرمود: آری.

گفتم: محرم می تواند برای چهارپا و شترش علف بچیند؟

فرمود: آری و آن چه خواست می تواند از درخت ببرد تا وارد حرم شود، چون وارد حرم شد دیگر نمی تواند چنین نماید.

ص: ۲۳۸

۱- . الكافي ج ۴ ص ۳۶۴ ح ۶.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۳۶۴ ح ۱۰.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۳۶۵ ح ۲.

۲۹۵- حکم محرمی که از دنیا برود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ (الإمام) عَنِ الْمُحْرِمِ يَمُوتُ قَالَ يُغَسَّلُ وَ يُكْفَنُ بِالثِّيَابِ كُلِّهَا يُصْنَعُ بِهِ كَمَا يُصْنَعُ بِالْمَحِلِّ غَيْرَ أَنَّهُ لَا يُمَسُّ الطُّيْبَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: از حضرتش صلوات الله علیه درباره محرمی که بمیرد پرسیدم.

فرمود: او غسل داده می شود و همه تنش با پارچه کفن می شود و همه احکامی که برای مرده غیر محرم اجرا می شود برای او نیز اجرا می گردد، مگر این که او معطر نمی گردد.

۲۹۶- حکم محرمی که ازدواج می کند، یا عقد ازدواج و طلاق جاری می کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: الْمُحْرِمُ لَا يَنْكِحُ وَلَا يُنْكَحُ وَلَا يَخْطُبُ وَلَا يَشْهَدُ النِّكَاحَ وَإِنْ نَكَحَ فَنِكَاحُهُ بَاطِلٌ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسن بن علی یکی از اصحاب ما روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: محرم نمی تواند ازدواج کند، برای دیگری عقد جاری سازد و از کسی خواستگاری نماید و نمی تواند شاهد عقد ازدواجی شود و اگر ازدواج کرد، ازدواجش باطل است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: الْمُحْرِمُ يُطَلَّقُ وَلَا يَتَزَوَّجُ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: محرم می تواند طلاق دهد، ولی نمی تواند ازدواج نماید.

۲۹۷- جماع در احرام

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ (الإمام) عَنِ مُحْرِمٍ عَشِيَ امْرَأَتَهُ وَ هِيَ مُحْرِمَةٌ قَالَ جَاهِلِينَ أَوْ عَالَمِينَ قُلْتُ أَجَبِينَ فِي الْوَجْهَيْنِ جَمِيعًا قَالَ إِنْ كَانَا جَاهِلِينَ اسْتَعْفَرَا

ص: ۲۳۹

۱- . الكافي ج ۴ ص ۳۶۷ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۳۷۲ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۳۷۲ ح ۶.

رَبَّهُمَا وَ مَضَىٰ عَلَىٰ حَجَّهِمَا وَ لَيْسَ عَلَيْهِمَا شَيْءٌ وَ إِن كَانَا عَالَمِينَ فُرَّقَ بَيْنَهُمَا مِنَ الْمَكَانِ الَّذِي أَحَدَا فِيهِ وَ عَلَيْهِمَا بَدَنُهُ وَ عَلَيْهِمَا الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ فَإِذَا بَلَغَا الْمَكَانَ الَّذِي أَحَدَا فِيهِ فُرَّقَ بَيْنَهُمَا حَتَّىٰ يَقْضِيَا نُسُكَهُمَا وَ يَرْجِعَا إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي أَصَابَا فِيهِ مَا أَصَابَا قُلْتُ فَأَيُّ الْحَجَّتَيْنِ لَهُمَا قَالَ الْأُولَىٰ الَّتِي أَحَدَا فِيهَا مَا أَحَدَا وَ الْأُخْرَىٰ عَلَيْهِمَا عُقُوبَةٌ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زرارہ روایت کرده کہ گفت: از امام صلوات اللہ علیہ پرسیدم: مردی با زن محرمہ اش ہم بستر شدہ (چہ حکمی دارد؟)

فرمود: آیا ہردو از مسائل آگاہ بودند یا نہ؟

گفتم: ہردو صورت را پاسخ دهید.

فرمود: اگر ناآگاہانہ این کار را انجام دادند از پروردگارشان استغفار کنند و از همان جا حج خود باقی می مانند و چیزی برعہدہ آنها نیست و اگر آگاہانہ انجام دادند از همان جا کہ آن کار را نمودہ اند از ہم جدا شوند و بر ہر کدام آنها یک شتر کفارہ خواهد بود و بایستی حج را در سال آیندہ انجام دهند و ہر گاہ بہ همان مکان کہ آن کار را انجام دادہ اند برسند بین آنها جدایی می افتد تا مناسک شان را بہ پایان برسانند و بہ همان مکانی کہ آن کار را انجام دادہ بودند باز گردند.

گفتم: کدام حج برای آنها حساب می شود؟

فرمود: حج اولی کہ در آن، آن کار را کردہ بودند، و حج دیگری عقوبت بر آنهاست.

۲- الشیخ الکلینی، بإسناده عن أبان بن عثمان رفعه إلى أحمد بن محمد صلوات الله عليهما قال: معنى يفرق بينهما أي لا يخلوان وأن يكون معهما ثالث. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابان بن عثمان در روایت مرفوعہ ای روایت کردہ کہ گفت: حضرت امام محمد باقر و یا حضرت امام جعفر صادق صلوات اللہ علیہما فرمود: منظور از جدایی مابین آنها این است کہ (تنها نباشند) و شخص سومی ہمراہ آنها باشد.

ص: ۲۴۰

۱- . الکافی ج ۴ ص ۳۷۳ ح ۱.

۲- . الکافی ج ۴ ص ۳۷۳ ح ۲.

۲۹۸- حکم محرمی که همسرش را می بوسد و به او با شهوت یا بدون شهوت نگاه می کند یا به زن دیگری نگاه می کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمار عن أبي عبيد الله صلوات الله عليه قال: سألتُه عن مُحْرِمٍ نَظَرَ إِلَى امْرَأَتِهِ فَأَمْنَى أَوْ أَمْدَى وَ هُوَ مُحْرِمٌ قَالَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ لَكِنْ لِيُغْتَسِلَ وَ يَسْتَتَغْفِرُ رَبَّهُ وَ إِنْ حَمَلَهَا مِنْ غَيْرِ شَهْوَةٍ فَأَمْنَى أَوْ أَمْدَى فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ إِنْ حَمَلَهَا أَوْ مَسَّهَا بِشَهْوَةٍ فَأَمْنَى أَوْ أَمْدَى فَعَلَيْهِ دَمٌ وَ قَالَ فِي الْمُحْرِمِ يُنْظَرُ إِلَى امْرَأَتِهِ وَ يُنْزَلُهَا بِشَهْوَةٍ حَتَّى يُنْزَلَ قَالَ عَلَيْهِ بَدَنَةٌ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: محرمی که به همسرش نگاه کرده و از او منی و یا مزی بیرون آمده است چه حکمی دارد؟

فرمود: چیزی برعهده او نیست، ولی باید غسل کند و از پروردگارش طلب مغفرت نماید و اگر او را بدون شهوت در آغوش کشد و از او منی و یا مزی بیرون آید، باز چیزی برعهده او نیست و اگر او را به شهوت به آغوش کشد یا لمس کند و منی و یا مزی از او بیرون آید برعهده او یک قربانی است.

و حضرتش در مورد محرمی که به شهوت به همسرش نگاه کند تا انزال منی نماید فرمود:

بر او است یک شتر قربانی کند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمار: فِي مُحْرِمٍ نَظَرَ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ فَأَنْزَلَ قَالَ عَلَيْهِ دَمٌ لِأَنَّهُ نَظَرَ إِلَى غَيْرِ مَا يَحِلُّ لَهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ أَنْزَلَ فَلَيْتَقِ اللَّهَ وَ لَا يَعُدُّ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: حضرتش درباره محرمی که به غیر همسرش نگاه نمود و انزال کرد فرمود: بر اوست که قربانی کند، زیرا که او به چیزی نگاه کرده که بر او حلال نیست و اگر انزال نکرده باید از خدا بترسد و این کار را تکرار نکند و برعهده او چیزی نیست.

ص: ۲۴۱

۱- . الكافي ج ۴ ص ۳۷۵ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۳۷۷ ح ۸.

۲۹۹- حکم کسی که قربانی بر عهده او واجب گردد در کجا قربانی می تواند بکند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمار قال: يَفْدِي الْمُحْرِمُ فِدَاءَ الصَّيْدِ مِنْ حَيْثُ أَصَابَهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: حضرتش صلوات الله علیه فرمود: محرم در جایی که شکار نموده است کفاره می دهد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أحمد بن محمد عن بعض رجاله عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: مَنْ وَجَبَ عَلَيْهِ هَدْيٌ فِي إِحْرَامِهِ فَلَهُ أَنْ يَنْحَرَهُ حَيْثُ شَاءَ إِلَّا فِدَاءَ الصَّيْدِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: {هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ}. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از احمد بن محمد از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر کس در احرام یک شتر قربانی بر او واجب شود می تواند هر جا که خواست آن را نحر نماید، مگر قربانی شکار را، زیرا خداوند متعال می فرماید: {قربانی که به کعبه رسیده باشد}. (سوره آیه مائده آیه ۹۵)

۳۰۰- چگونه ورود به حرم

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبيان بن تغلب قال: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي مَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى الْحَرَمِ نَزَلَ وَاعْتَسَلَ وَأَخَذَ نَعْلَيْهِ بِيَدَيْهِ ثُمَّ دَخَلَ الْحَرَمَ حَافِيًا فَصَيَّرْتُ مِثْلَ مَا صَيَّرَ فَقَالَ يَا أَبَانُ مَنْ صَيَّرَ مِثْلَ مَا رَأَيْتَنِي صَنَعْتُ تَوَاضَعًا لِلَّهِ مَحَا اللَّهُ عَنْهُ مِائَةٌ أَلْفٍ سَيِّئَةٍ وَكُتِبَ لَهُ مِائَةٌ أَلْفٍ حَسَنَةٍ وَبَنَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ دَرَجَةٍ وَقَضَى لَهُ مِائَةَ أَلْفِ حَاجَةٍ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابان بن تغلب روایت کرده که گفت: در بین مکه و مدینه همراه حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بودم، وقتی به حرم رسید از مرکب پیاده شد، غسل نمود و دو نعلین خود را در دو دست خود گرفت، سپس با پای برهنه وارد حرم شد من هم چنین کردم.

ص: ۲۴۲

۱- . الکافی ج ۴ ص ۳۸۴ ح ۱.

۲- . الکافی ج ۴ ص ۳۸۴ ح ۲.

۳- . الکافی ج ۴ ص ۳۹۸ ح ۱.

آن گاه فرمود: ای ابان! هر که به جهت فروتنی از خدا چنین انجام دهد، خداوند صد هزار گناه او را پاک می کند و صد هزار نیکی برایش می نویسد و صد هزار درجه او را بالا می برد و صد هزار حاجت را برایش برآورده می کند.

۳۰۱- قطع تلبیه^۱ محرم در حج تمتع

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمارة قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: إذا دخلت مكة وأنت متمتع فنظرت إلى بيوت مكة فأقطع التلبية وحديث يوت مكة التي كانت قبل اليوم عقبه المديين وإن الناس قد أخذوا بمكة ما لم يكن فاقطع التلبية وعلينك بالتكبير والتهليل والتحميد والتناء على الله عز وجل بما استطعت. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمارة روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه وارد مکه شدی و به عمره تمتع احرام بستنی و نگاه به خانه های مکه کردی، تلبیه را قطع کن و حدود خانه های مکه در سابق عقبه مردم مدینه بود (آن جا که با رسول الله صلی الله علیه و آله بیعت نمودند) ولی مردم خانه هایی را ساختند که پیشتر در مکه چیزی نبود. پس تلبیه را قطع کن و آن چه توان داری «الله اکبر، لا اله الا الله، الحمد لله» بگو و خداوند عز و جل را ثنا گوی.

۳۰۲- چگونگی ورود به مکه

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن يونس بن يعقوب قال: قلت لأبي عبد الله صلوات الله عليه من أين أدخل مكة وقد جئت من المدينة فقال أدخل من أعلى مكة وإذا خرجت تريد المدينة فأخرج من أسفل مكة. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یونس بن یعقوب گوید: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: وقتی از مدینه می آیم از کجا وارد مکه شوم؟

فرمود: از بالای مکه وارد شو و چون خارج می شوی و می خواهی به مدینه بروی از پایین مکه بیرون رو.

ص: ۲۴۳

۱- . الكافي ج ۴ ص ۳۹۹ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۳۹۹ ح ۱.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمّار عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الْحَرَمِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَاعْتَسِلْ حِينَ تَدْخُلُهُ وَإِنْ تَقَدَّمْتَ فَاعْتَسِلْ مِنْ بَثْرِ مَيْمُونٍ أَوْ مِنْ فَخٍّ أَوْ مِنْ مَنْزِلِكَ بِمَكَّةَ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از معاویه بن عمّار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: هرگاه به حرم رسیدی ان شاء الله هنگام ورود غسل کن و اگر پیش از غسل به آن جا رسیدی پس از چاه میمون یا از فحّ یا از منزلت در مکه غسل کن.

۳۰۳- چگونه ورود به مسجد الحرام

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمّار عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَادْخُلْهُ حَافِيًا عَلَى السَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ وَالْخُشُوعِ وَقَالَ وَمَنْ دَخَلَهُ بِخُشُوعٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ قُلْتُ يَا خُشُوعُ قَالَ السَّكِينَةُ لَا تَدْخُلُهُ بِتَكْبُرٍ فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى بَابِ الْمَسْجِدِ فَقُمْ وَقُلْ: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنْ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَإِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ فَارْفَعْ يَدَيْكَ وَ اسْتَقْبِلِ الْبَيْتَ وَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا فِي أَوَّلِ مَنْاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَ أَنْ تَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَ تَضَعْ عَنِّي وَزْرِي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْنًا مُبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بِلَدِّكَ وَ الْبَيْتُ بِبَيْتِكَ جِئْتُ أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَ أَوْمُ طَاعَتِكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقُدْرَتِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از معاویه بن عمّار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: هرگاه وارد مسجد الحرام شدی، پس پابرهنه با آرامش و وقار و فروتنی وارد شو.

آن حضرت افزود: و هر که به فروتنی وارد آن جا شد، خداوند او را می آمرزد ان شاء الله.

ص: ۲۴۴

۱- . الكافي ج ۴ ص ۴۰۰ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۴۰۱ ح ۱.

گفتم: خشوع چیست؟

فرمود: آرامش است. با تکبر داخل آن جا نشو، چون به درب مسجد رسیدی بایست و بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

و هر گاه داخل مسجد شدی دست هایت را بلند نما و رو به خانه کعبه کرده و بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا فِي أَوَّلِ مَنَاسِكَي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَ أَنْ تَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْنًا مُبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتِكَ وَ أَوْمُ طَاعَتِكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ».

۳۰۴- دعا به هنگام رو به رو شدن با حجرالاسود و استلام آن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن حريز عمن ذكره عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: إذا دخلت المسجد الحرام و حاذيت الحجر الأسود فقل: أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و أشهد أن محمدا عبده و رسوله آمنت بالله و كفرت بالطاغوت و باللات و العزى و بعبادة الشيطان و بعباده كل ندد يدعى من دون الله ثم اذن من الحجر و استلمه بيمينك ثم تقول بسم الله و الله أكبر اللهم أمانتي أديتها و ميثاقي تعاهدته لتشهد عندك لي بالمؤافاه. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حريز از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه فرمود: هر گاه وارد مسجد الحرام شدی و مقابل حجر الاسود قرار گرفتی بگو:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ وَ بِاللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ بَعْبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَ بَعْبَادَةِ كُلِّ نَدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

سپس به حجر الاسود نزدیک شو و با دست راست آن را استلام کرده سپس بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ عِنْدَكَ لِي بِالْمُؤَافَاهِ».

ص: ۲۴۵

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن يعقوب بن شعيب قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن استلام الركن قال استلامه أن تلمص بطنك به والمسح أن تمسحه بيدك. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از یعقوب بن شعیب روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد استلام رکن پرسیدم.

فرمود: استلام این است که شکمت را به آن بچسبانی و مسح این است که به آن دست بمالی.

۳۰۶- ازدحام مردم برای حجرالاسود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سيف التمار قال: قلت لأبي عبد الله صلوات الله عليه أتيت الحجر الأسود فوجدت عليه زحاما فلم ألق إلا رجلا من أصحابنا فسألته فقال لا بد من استلامه فقال إن وجدته خالياً وإلا فسلم من بعيد. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سیف تمار روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: وقتی کنار حجر الاسود رفتم، ازدحام مردم بود و جز یک مرد از اصحابمان نیافتم، از او در مورد استلام پرسیدم، گفت: ناچار باید استلام کرد.

حضرت فرمود: اگر حجر الاسود را خلوت یافتی استلام کن و گرنه از دور به آن سلام کن (یعنی با دست اشاره کن).

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد الحلبي قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن الحجر إذا لم أستطع مسه وكثر الزحام فقال أما الشيخ الكبير والضعيف والمریض فمرخص و ما أحب أن تدع مسه إلا أن لا تجد بدأ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از محمد حلبی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: هرگاه از کثرت جمعیت نتوانستم حجر الاسود را استلام نمایم چه حکمی دارد؟

ص: ۲۴۶

۱- الكافي ج ۴ ص ۴۰۴ ح ۱.

۲- الكافي ج ۲ ص ۴۰۵ ح ۳.

۳- الكافي ج ۴ ص ۴۰۵ ح ۶.

فرمود: پیرمرد، ناتوان و بیمار رخصت دارند و من دوست ندارم که دست مالیدن به آن را ترک نمایی مگر این که چاره ای نداشته باشی.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: ليس على النساء جهراً بالتلبية ولا استلام الحجر ولا دخول البيت ولا سعي بين الصفا والمروة يعنى الهزوله. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: بلند گفتن لبیک، استلام حجر و داخل بیت شدن و هروله در سعی بین صفا و مروه بر زنان نیست.

۳۰۷- طواف، دعا و استلام ارکان

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمارة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: طُفَّ بِالْبَيْتِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ وَ تَقُولُ فِي الطَّوْفِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَمْشَى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ كَمَا يَمْشَى بِهِ عَلَى جَدِّ الْأَرْضِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُّ لَهُ عَرْشُكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ حِائِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبَتْ لَهُ وَ أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَجَبَّهُ مِنْكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ أَنْتَمَّتْ عَلَيْهِ نِعْمَتِكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا مَا أَحْبَبْتَ مِنَ الدُّعَاءِ وَ كُلَّمَا انْتَهَيْتَ إِلَى بَابِ الْكَعْبَةِ فَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ تَقُولُ فِيمَا بَيْنَ الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ وَ الْحَجْرِ الْأَسْوَدِ: «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ» وَ قُلْ فِي الطَّوْفِ اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَاقِيرٌ وَ إِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَ لَا تُبَدِّلْ إِسْمِي. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمارة روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: بیت را هفت شوط طواف کن و در طواف بگو:

ص: ۲۴۷

۱- . الكافي ج ۴ ص ۴۰۵ ح ۸.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۴۰۶ ح ۱.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلْعِ الْمَاءِ كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى حِدِّ الْأَرْضِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُ لَهُ عَرْشُكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةَ مِنْكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ أَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا».

و هرچه دوست داشتی دعا کن و در هر بار که به کنار در کعبه رسیدی بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ درود بفرست و مابین رکن یمانی و حجر الاسود بگو:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ».

و در طواف بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَاقِرٌ وَ إِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَ لَا تُبَدِّلْ إِسْمِي».

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ نَعِيمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَخَلْتُ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ فَلَمْ يُفْتَحْ لِي شَيْءٌ مِنَ الدُّعَاءِ إِلَّا الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَمِعْتُ فَكَانَ كَذَلِكَ فَقَالَ مَا أُعْطِيَ أَحَدٌ مِمَّنْ سَأَلَ أَفْضَلَ مِمَّا أُعْطِيَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالسلام بن عبدالرحمن بن نعیم روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: مشغول طواف واجب بودم که هیچ دعایی برایم مقدور نشد مگر صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم. و هرچه سعی نمودم همان شد.

فرمود: به هیچ درخواست کننده ای بهتر از تو چیزی داده نشده است.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا أَقُولُ إِذَا اسْتَقْبَلْتُ الْحَجَرَ فَقَالَ كَبِّرْ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ قَالَ وَ سَمِعْتُهُ إِذَا أَتَى الْحَجَرَ يَقُولُ اللَّهُ أَكْبَرُ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یعقوب بن شعیب روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: هرگاه با حجر الاسود روبه رو شدم چه بخوانم؟

فرمود: تکبیر گو و صلوات بر محمد و آل او صلوات الله علیهم بفرست.

ص: ۲۴۸

۱- . الکافی ج ۴ ص ۴۰۷ ح ۳.

۲- . الکافی ج ۴ ص ۴۰۷ ح ۴.

راوی گوید: از حضرتش شنیدم چون به حجر الاسود رسید می فرمود: **السَّلَامُ عَلَي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ**.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَا يَسْتَلِمُ إِلَّا الرُّكْنَ الْأَسْوَدَ وَ الْيَمَانِيَّ ثُمَّ يُقَبِّلُهُمَا وَ يَضَعُ خَدَّهُ عَلَيْهِمَا وَ رَأَيْتُ أَبِي يَفْعَلُهُ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از غياث بن ابراهيم روايت کرده كه گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه از پدر بزرگوارش صلوات الله عليه روايت کرده كه فرمود: رسول الله صلى الله عليه و آله همواره فقط ركن حجر الاسود و يمانی را استلام می كرد، سپس آن ها را بوسيده و گونه خود را بر آنها می نهاد و پدرم را نیز دیدم كه چنین می كرد.

۳۰۸- ملتزم (پشت كعبه نزدیک ركن يمانی) و دعا در کنار آن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: إِذَا فَرَّغْتَ مِنْ طَوَافِكَ وَ بَلَغْتَ مُؤَخَّرَ الْكَعْبَةِ وَ هُوَ بِحِذَاءِ الْمَسْتَجَارِ دُونَ الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ بِقَلِيلٍ فَابْسِطْ يَدَيْكَ عَلَى الْبَيْتِ وَ أَلْصِقْ بَطْنِكَ وَ خَدِّكَ بِالْبَيْتِ وَ قُلِ اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْنُكَ وَ الْعَبِيدُ عِبِيدُكَ وَ هَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ ثُمَّ أَقِرْ لِرَبِّكَ بِمَا عَمِلْتَ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يُقَرُّ لِرَبِّهِ بِذُنُوبِهِ فِي هَذَا الْمَكَانِ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَ الْفَرْجُ وَ الْعَافِيَةُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَ إِغْفِرْ لِي مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَ خَفِيَ عَلَي خَلْقِكَ ثُمَّ تَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَ تَخْتِيزُ لِنَفْسِكَ مِنَ الدُّعَاءِ ثُمَّ اسْتَلِمِ الرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ ثُمَّ إِنَّتِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از معاويه بن عمّار روايت کرده كه گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: هرگاه طواف را به پايان رساندی و به پشت كعبه رسیدی و آن روبه روی مستجار به فاصله اندکی از ركن يمانی است پس دست هایت را به كعبه نهاده و آن ها را باز كن و شكّم و گونه ات را به آن چسبانیده و بگو:

ص: ۲۴۹

۱- الكافي ج ۴ ص ۴۰۸ ح ۸.

۲- الكافي ج ۴ ص ۴۱۱ ح ۵.

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ».

سپس برای پروردگارت به آن چه کردی اقرار کن، زیرا هیچ بنده مؤمنی نیست گناه خود را برای پروردگارش در این مکان اقرار نماید مگر خدا او را بیامرزد ان شاء الله و می گویی:

«اللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَصَاعِقُهُ لِي وَإِعْفِزْ لِي مَا إِطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ».

سپس به خدا پناه ببر از آتش و بر خود دعا انتخاب کن، آن گاه رکن یمانی را استلام نموده، سپس به نزد حجر الاسود برو.

۳۰۹- شک در طواف

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي بصيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ رَجُلٍ شَكَّ فِي طَوَافِ الْفَرِيضَةِ قَالَ يُعِيدُ كُلَّمَا شَكَّ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ شَكَّ فِي طَوَافِ نَافِلَةٍ قَالَ يَبْنِي عَلَى الْأَقْلِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: مردی در طواف فریضه شک نمود چه وظیفه ای دارد؟

فرمود: هر چه شک کند اعاده می نماید.

گفتم: قربانت گردم! در طواف نافله شک کرد؟

فرمود: بنا را بر کمتر می گذارد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي بصيرٍ قَالَ: قُلْتُ رَجُلٌ طَافَ بِالْبَيْتِ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ فَلَمْ يَدْرِ سِتَّةَ طَافَ أَمْ سَبْعَةَ أَمْ ثَمَانِيَةَ قَالَ يُعِيدُ طَوَافَهُ حَتَّى يَحْفَظَ قُلْتُ فَإِنَّهُ طَافَ وَهُوَ مُتَطَوِّعٌ ثَمَانِيَةَ مَرَّاتٍ وَهُوَ نَاسٍ قَالِ فَلَيْتَمَهُ طَوَافَيْنِ ثُمَّ يُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ فَمَا مَا الْفَرِيضَةَ فَلْيُعِدْ حَتَّى يُتِمَّ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: به امام صلوات الله علیه گفتم: کسی که طواف واجبی نمود و ندانست که شش یا هفت و یا هشت شوط طواف نموده است؟

ص: ۲۵۰

۱- . الکافی ج ۴ ص ۴۱۷ ح ۴.

۲- . الکافی ج ۴ ص ۴۱۷ ح ۶.

فرمود: طوافش را اعاده می کند تا حفظ نماید.

گفتم: اگر در طواف مستحبی فراموش نمود و هشت شوط طواف نمود؟

فرمود: آن را به پایان برساند (شش شوط دیگر نیز انجام دهد) تا دو طواف باشد آن گاه چهار رکعت نماز طواف می خواند و اما در طواف واجب اعاده می کند تا هفت شوط را کامل نماید.

۳۱۰- حکم طواف بی وضو

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: أَنَّهُ سُئِلَ أَيْتَسُكُّ الْمَنَاسِكَ وَهُوَ عَلَى غَيْرِ وُضوءٍ فَقَالَ نَعَمْ إِلَّا الطَّوْفَ بِالْبَيْتِ فَإِنَّ فِيهِ صَلَاةً. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو حمزه روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه سؤال شد: آیا می توان مناسک را بدون وضو انجام داد؟

فرمود: آری، جز طواف بیت، زیرا آن نماز دارد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَحَدَهُمَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا عَنْ رَجُلٍ طَافَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ وَهُوَ عَلَى غَيْرِ طَهْوَرٍ قَالَ يَتَوَضَّأُ وَيُعِيدُ طَوَافَهُ وَإِنْ كَانَ تَطَوُّعًا تَوَضَّأَ وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما پرسیدم: کسی که بدون وضو طواف فریضه نمود (چه وظیفه ای دارد؟)

فرمود: وضو بگیرد و طواف خود را اعاده کند و اگر طواف نافله بود وضو می گیرد و دو رکعت نماز می خواند.

ص: ۲۵۱

۱- الكافي ج ۴ ص ۴۲۰ ح ۲.

۲- الكافي ج ۴ ص ۴۲۰ ح ۳.

۳۱۱- حکم کسی که پیش از طواف سعی بین صفا و مروه نماید یا طواف را انجام دهد و سعی را به تأخیر اندازد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن منصور بن حازم قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن رجل طاف بين الصفا والمروة قبل أن يطوف بالبيت فقال يطوف بالبيت ثم يعود إلى الصفا والمروة فيطوف بينهما. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از منصور بن حازم روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: مردی پیش از طواف بیت سعی صفا و مروه نمود (چه وظیفه ای دارد؟)

فرمود: بیت را طواف می کند، آن گاه به صفا و مروه برمی گردد و بین آن دو سعی می نماید (به سعی قبلی خویش اعتنا نمی کند).

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الله بن سنان قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن الرجل يقدم حاجاً وقد اشتد عليه الحر فيطوف بالكعبة ويؤخر السعي إلى أن يبرد فقال لا بأس به وربما فعلته. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: مردی برای انجام حج وارد مکه می شود در حالی که گرما بر او سخت شده، پس طواف کعبه نمود و سعی را به تأخیر انداخت تا خنک شود؟

فرمود: ایرادی ندارد، گاهی من نیز چنین می کنم.

۳۱۲- حکم طواف بیمار و کسی که بدون علت به صورت حمل شده طوافش دهند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الرحمن بن الحجاج ومعاوية بن عمارة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: المبطون والمكسبر يطاف عنهما ويؤم عنهما الجمار. (۳)

ص: ۲۵۲

۱- . الكافي ج ۴ ص ۴۲۱ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۴۲۱ ح ۳.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۴۲۲ ح ۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالرحمن بن حجاج و معاویه بن عمار روایت کرده که گفتند: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: کسی را که دل درد و اسهال دارد و کسی را که عضوی از او شکسته طواف می دهند و از جانب او سنگ به جمره ها می زنند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمار عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: الصَّيْبَانُ يُطَافُ بِهِمْ وَيُزَمَى عَنْهُمْ قَالَ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله عليه إِذَا كَانَتِ الْمَرْأَةُ مَرِيضَةً لَا تَعْقِلُ يُطَافُ بِهَا أَوْ يُطَافُ عَنْهَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: کودکان را طواف می دهند و از جانب آن ها سنگ می اندازند.

راوی گوید: هم چنین حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: چون زن بیمار باشد و هذیان گوید می توانند طوافش دهند یا از جانب او طواف کنند.

۳- الشيخ الصدوق، بإسناده مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صلوات الله عليه يَقُولُ حَدَّثَنِي أَبِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله طَافَ عَلَى رَاحِلَتِهِ وَ اسْتَلَمَ الْحَجَرَ بِمِحْجَنِهِ وَ سَعَى عَلَيْهَا بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ.

وَ فِي خَيْرٍ آخَرَ أَنَّهُ كَانَ يُقْبَلُ الْمِحْجَنَ. (۲)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: شنیدم از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه که خبر داد مرا پدرم صلوات الله علیه که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله بر شتر سوار بودند در حال طواف و عصای سر کجی داشتند و آن عصا را به حجر الاسود می رسانیدند از جهت استلام، و بر آن راحله سعی فرمودند میان صفا و مروه.

و در حدیثی دیگر وارد است که آن حضرت صلی الله علیه و آله می بوسیدند عصای خود را (یعنی می بوسیدند حجر را به عصا به آن که چون سواره بودند عصا را به حجر می رسانیدند و عصا را می بوسیدند).

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن إسماعيل بن عبد الخالق قال: كُنْتُ إِلَى جَنْبِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله عليه وَ عِنْدَهُ ابْنُهُ عَبْدُ اللَّهِ وَ ابْنُهُ الَّذِي يَلِيهِ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ أَصْلَحَكَ اللَّهُ يَطُوفُ

ص: ۲۵۳

۱- الكافي ج ۴ ص ۴۲۲ ح ۴.

۲- الفقيه ج ۲ ص ۲۵۱ ح ۲۷۸۵.

الرَّحِيلُ عَنِ الرَّحِيلِ وَ هُوَ مُقِيمٌ بِمَكَّةَ لَيْسَ بِهِ عَلَيْهِ فَصَالٌ لَّا- لَوْ كَانَ ذَلِكَ يَجُوزُ لَأَمَرْتُ ابْنِي فَلَانًا فَطَافَ عَنِّي سَيِّمِي الْأَصِيغَرَ وَ هُمَا يَسْمَعَانِ. (١)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسماعیل بن عبد الخالق روایت کرده که گفت: در کنار حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه حضور داشتم و نزد او فرزندش عبد الله و فرزند او که با او بود حضور داشتند. مردی به حضرتش گفت: خدا کار شما را اصلاح نماید! مردی از جانب مردی که مقیم مکه است و بیمار هم نیست می تواند طواف نماید؟

فرمود: نه، اگر آن جایز بود به فرزندم فلانی می گفتم که از جانب من طواف نماید. که حضرتش فرزند کوچک را نام برد در حالی که هردو می شنیدند.

۳۱۳- دو رکعت نماز طواف و وقت آنها و قرائت در آنها و دعای آنها

١- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمارة قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: إذا فرغت من طوافك فأت مَقَامَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَ اجْعَلْهُ أَمَامًا وَ اقْرَأْ فِي الْأُولَى مِنْهُمَا سُورَةَ التَّوْحِيدِ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَ فِي الثَّانِيَةِ «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» ثُمَّ تَشْهَدُ وَ اِحْمَدِ اللَّهَ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ اسْأَلْهُ أَنْ يَقْبَلَ مِنْكَ وَ هَاتَانِ الرَّكَعَتَانِ هُمَا الْفَرِيضَةُ لَيْسَ يُكْرَهُ لَكَ أَنْ تُصَلِّيَ لِيَهُمَا فِي أَيِّ السَّاعَاتِ شِئْتَ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ عِنْدَ غُرُوبِهَا وَ لَا تُؤَخِّرُهُمَا سَاعَةً تَطُوفُ وَ تَفْرُغُ فَصَلِّهُمَا. (٢)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمارة روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه طواف را به پایان رساندی بیا به مقام حضرت ابراهیم علیه السلام و پشت آن دو رکعت نماز گزار که در رکعت اول «سوره توحید» و در رکعت دوم «سوره کافرون» را بخوان. بعد از آن تشهد را بخوان و خدا را سپاس کن و ثنايش گو و بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درود فرست و از او بخواه که از تو قبول نماید و این دو رکعت واجب است می توانی آن دو رکعت را در هر ساعتی که خواستی به هنگام طلوع خورشید و غروبش بخوانی و کراهتی ندارد، ولی آن ها را به ساعتی که طواف می کنی و آن را به پایان می رسانی به تأخیر نینداز.

ص: ۲۵۴

١- . الكافي ج ٤ ص ٤٢٢ ح ٥.

٢- . الكافي ج ٤ ص ٤٢٣ ح ١.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يُصَلِّي رَكَعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ بِحِيَالِ الْمَقَامِ قَرِيباً مِنْ ظِلَالِ الْمَسْجِدِ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حسین بن عثمان روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه را دیدم که دو رکعت نماز طواف واجب را در برابر مقام حضرت ابراهیم علیه السلام نزدیک سایه مسجد می گزارد.

۳- الشيخ الصدوق، بإسناده عن ابْنِ بَرِيْعٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَمِعْتُهُ مَوَاطِنَ لَيْسَ فِيهَا دُعَاءُ مُوقَّتِ الصَّلَاةِ عَلَى الْجَنَازَةِ وَالْقُنُوتِ وَالْمُسْتَجَارِ وَالصَّفَا وَالْمَرْوَةَ وَالْوُقُوفِ بِعَرَفَاتٍ وَرَكَعَتَا الطَّوَافِ. (۲)

مرحوم شيخ صدوق، با سند خویش از ابن بزیع به صورت مرفوع از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: هفت مورد دعای مخصوصی ندارد: نماز خواندن بر میت، قنوت، مستجار، صفا، مروه، وقوف در عرفات، دو رکعت نماز طواف.

۳۱۴- کسی که فراموش کند دو رکعت نماز طواف را

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمار قال: قلت لأبي عبد الله صلوات الله عليه رجل نسي الرَكَعَتَيْنِ حَلْفَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمْ يَذْكُرْ حَتَّى ارْتَحَلَ مِنْ مَكَّةَ قَالَ فَلْيَصِلْهُمَا حَيْثُ ذَكَرَ وَإِذْ ذَكَرَهُمَا وَهُوَ فِي الْبَلَدِ فَلَا يَبْرُحْ حَتَّى يَفْضِيَهُمَا. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: مردی دو رکعت نماز در پشت مقام ابراهیم علیه السلام را فراموش کرد و به یاد نیاورد تا از آن جا کوچ کرد.

حضرت فرمود: هر جا به یاد آورد آن دو رکعت نماز را به جا آورد و چون آن را در زمانی به یاد آورد که در مکه بود از آن جا نرود تا آن را به جا آورد.

ص: ۲۵۵

۱- الكافي ج ۴ ص ۴۲۳ ح ۲.

۲- الخصال ج ۲ ص ۱۱۳. بحارالانوار ج ۹۶ ص ۲۱۴ ح ۵.

۳- الكافي ج ۴ ص ۴۲۵ ح ۲.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن هشام بن المثنى قال: نسيت ركعتي الطواف خلف مقام إبراهيم عليه السلام حتى انتهيت إلى منى فرجعت إلى مكة فصلّيتهما فذكرنا ذلك لأبي عبد الله صلوات الله عليه فقال ألا صلاهما حيث ذكر. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از هشام بن مثنی روایت کرده که گفت: نماز طواف در پشت مقام حضرت ابراهیم علیه السلام را فراموش کردم تا این که به منا رسیدم سپس به مکه برگشتم و آن دو رکعت را خواندم این موضوع را به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم.

فرمود: چرا دو رکعت را آن جا که به یاد آورد نخواند؟!

۳۱۵- استلام حجر الاسود بعد از دو رکعت نماز و آشامیدن آب زمزم پیش از رفتن به صفا و مروه

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمارة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إذا فرغت من الركعتين فانت الحجر الأسود وقبله واستلمه أو أشتر إليه فإنه لا بد من ذلك وقال إن قدرت أن تشرب من ماء زمزم قبل أن تخرج إلى الصفا فافعل و تقول حين تشرب اللهم اجعله علماً نافعاً و رزقاً واسعاً و شفءاً من كل داء و سقم قال و بلغنا أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال حين نظر إلى زمزم لو لا أني أشق على أمتي لأخذت منه ذنوباً أو ذنوبين. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از معاویه بن عمارة روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه دو رکعت نماز طواف را خواندی کنار حجر الاسود برو و آن را ببوس و آن را استلام کن یا به سوی آن اشاره کن؛ چرا که این عمل لازم است.

و فرمود: اگر توانستی پیش از رفتن به صفا و مروه از آب زمزم بیاشامی، این کار را بکن و در موقع آشامیدن بگو: «اللهم اجعله علماً نافعاً و رزقاً واسعاً و شفءاً من كل داء و سقم».

حضرتش فرمود: از رسول الله صلى الله عليه وآله به ما روایت شده که هرگاه به زمزم نگاه می کرد می فرمود: اگر در امت من سخت نمی شد از آن آب یک یا دو سطل برمی داشتم.

ص: ۲۵۶

۱- . الكافي ج ۴ ص ۴۲۶ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۴۳۰ ح ۱.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمارة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه: أن رسول الله صلى الله عليه وآله حين فرغ من طوافه وركعتيه قال أبدأ بما بدأ الله عز وجل به من إتيان الصفا إن الله عز وجل يقول: «إِنَّ الصَّفاَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَجَائِرِ اللَّهِ» قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله عليه ثُمَّ أُخْرِجَ إِلَى الصَّفاَ مِنَ الْبَابِ الَّذِي خَرَجَ مِنْهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ الْبَابُ الَّذِي يُقَابِلُ الْحَجْرَ الْأَسْوَدَ حَتَّى تَقْطَعَ الْوَادِيَّ وَعَلَيْكَ السَّكِينَةَ وَالْوَقَارَ فَاصْبِرْ عَلَى الصَّفاَ حَتَّى تَنْظُرَ إِلَى الْبَيْتِ وَتَسْتَقْبِلَ الرُّكْنَ الَّذِي فِيهِ الْحَجْرُ الْأَسْوَدُ وَاحْمَدِ اللَّهَ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ ثُمَّ اذْكُرْ مِنْ آيَاتِهِ وَبَلَائِهِ وَحُسْنِ مَا صَنَعَ إِلَيْكَ مَا قَدَرْتَ عَلَى ذِكْرِهِ ثُمَّ كَبِّرِ اللَّهَ سَبْعًا وَاحْمَدُهُ سَبْعًا وَهَلِّهِ سَبْعًا وَقُلْ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقُلْ: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَقُلْ: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا- إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْبِقِيْنَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ «اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ كَبِّرِ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ هَلِّ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ احْمَدِ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ سَبِّحْ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ تَقُولْ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعَدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ غَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَ فِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَخَشَتِهِ اللَّهُمَّ أَظِلْنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ وَ أَكْثِرْ مِنْ أَنْ تَسْتَوْدِعَ رَبِّكَ دِينَكَ وَ نَفْسَكَ وَ أَهْلَكَ» ثُمَّ تَقُولْ: «أَسْئِدْهُ اللَّهُ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا يَضَعُ يَدَهُ وَ دَائِعُهُ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ تَوْفِئِي عَلَى مِلَّتِهِ وَ أَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ» ثُمَّ تَكْبُرُ ثَلَاثًا ثُمَّ تُعِيدُهَا مَرَّتَيْنِ ثُمَّ تَكْبُرُ وَاحِدَةً ثُمَّ تُعِيدُهَا فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ هَذَا فَبَعْضُهُ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صلوات

الله عليه إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقِفُ عَلَى الصَّافَا بِقَدْرِ مَا يُقْرَأُ سُورَةُ الْبَقَرَةِ مُتَرْتَلًا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمّار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هنگامی که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طواف را به پایان رساند و دو رکعت نماز خواند فرمود: از صفا آغاز می کنم که خداوند متعال از آن آغاز نمود که خدای عز و جل می فرماید: {همانا صفا و مروه از شعائر خداوند است}. (سوره بقره آیه

۱۵۸)

حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: سپس برو به صفا از دربی که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ از آن خارج شد و آن دری است که مقابل حجر الاسود است تا وادی را بپیمایی و بر تو باد به آرامش و وقار! سپس بالای صفا برو تا به کعبه بنگری و با رکنی که در آن حجر الاسود است رو به رو شوی و سپاس و ستایش خدا را کن سپس از نعمت های خداوند و بلائی او و نیکی هایی که در حق تو کرده، هرچه که می توانی به یاد آور. سپس هفت مرتبه تکبیر و «الحمد لله» بگو و هفت مرتبه «لا اله الا الله» بگو و سه مرتبه بگو: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخِيَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

سپس بر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صلوات بفرست و سه مرتبه بگو: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ».

و سه مرتبه بگو: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

و سه مرتبه بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ».

و سه مرتبه بگو: «اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ».

آن گاه صد مرتبه بگو: «الله اکبر» و صد مرتبه «لا اله الا الله» و صد مرتبه «الحمد لله» و صد مرتبه «سبحان الله». و می گویی: «إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَهُ أَنْجَزَ وَ عَدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ غَلَبَ الْأَخْرَابَ وَ خَدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ خَدَهُ».

اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَ فِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ.

ص: ۲۵۸

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ.

اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ وَ أَكْثِرْ مِنْ أَنْ تَسْتَوْدِعَ رَبِّكَ دِينَكَ وَ نَفْسَكَ وَ أَهْلَكَ».

سپس می گوئی: «أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا يَضِيعُ وَدَائِعُهُ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي».

اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّةِهِ وَ أَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».

سپس سه مرتبه تکبیر گفته بار دیگر این دعا را دو مرتبه تکرار می کنی، بعد یک مرتبه تکبیر گفته یک بار دیگر تکرار می کنی و اگر همه را نتوانستی قسمتی از آن را بگو.

و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ در صفا و مروه به اندازه خواندن سوره بقره به صورت ترتیل با آرامش و شمرده توقف می نمود.

۳۱۷- سعی بین صفا و مروه و آنچه در آن گفته می شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ (الإمام) عَنِ السَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ قَالَ إِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الدَّارِ الَّتِي عَلَى يَمِينِكَ عِنْدَ أَوَّلِ الْوَادِي فَاسْعَ حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى أَوَّلِ زُقَاقٍ عَنْ يَمِينِكَ بَعْدَ مَا تُجَاوِزُ الْوَادِي إِلَى الْمَرْوَةِ فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَيْهِ فَكُفَّ عَنِ السَّعْيِ وَ امْشِ مَشْيًا وَ إِذَا جِئْتَ مِنْ عِنْدِ الْمَرْوَةِ فَأَبْدَأْ مِنْ عِنْدِ الزُّقَاقِ الَّذِي وَصَفْتُ لَكَ فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الْبَابِ الَّذِي مِنْ قِبَلِ الصَّفَا بَعْدَ مَا تُجَاوِزُ الْوَادِي فَكُفَّ عَنِ السَّعْيِ وَ امْشِ مَشْيًا فَإِنَّمَا السَّعْيُ عَلَى الرِّجَالِ وَ لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ سَعْيٌ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: از امام صلوات الله علیه در مورد سعی بین صفا و مروه پرسیدم؟

فرمود: هنگامی که از سمت راست به خانه ای که اول وادی است رسیدی در سعی شتاب کن (و هروله کن) تا به اول کوچه از سمت راست برسی بعد از آن که از وادی به مروه بگذری. چون به آن جا رسیدی از سعی خودداری کن و معمولی راه برو و چون از مروه آمدی سعی و هروله را از کوچه ای که توصیف کردم شروع نما تا درب قبل از صفا بعد از آن چه از وادی گذشتی از سعی با شتاب خودداری کن و معمولی راه برو. همانا سعی با شتاب (و هروله) بر مردان است و بر زنان نیست.

ص: ۲۵۹

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمارة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إنحدِر من الصفا ماشياً إلى المروة وعليك السكينة و الوقار حتى تأتي المنارة وهي على طرف المسعى فاسع ملاً فزوجك وقل بسم الله و الله أكبر و صلى الله على محمد و على أهل بيته اللهم اغفر و ارحم و تجاوز عما تعلم و أنت الأعز الأكرم حتى تبلغ المنارة الأخرى فإذا تجاوزتها فقل يا ذا المن و الفضل و الكرم و النعماء و الجود اغفر لي ذنوبي إنه لا يغفر الذنوب إلا- أنت ثم امش و عليك السكينة و الوقار حتى تأتي المروة فاصبر عليها حتى يبدو لك البيت و اصنع عليها كما صنعت على الصفا و طف بينهما سبعة أشواط تبدأ بالصفا و تختم بالمروة. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از معاویه بن عمارة روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: با آرامش و وقار به صورت پیاده از صفا به سوی مروه روان شو تا به مناره ای کنار راه محل سعی است برسی. پس با شتاب گام بردار و بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَ اِرْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ وَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ».

تا به مناره بعدی برسی، چون از آن گذشتی پس بگو: «ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنَّعْمَاءِ وَالْجُودِ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

آنگاه با آرامش و وقار گام بردار تا به مروه برسی، پس به بالای آن برو تا کعبه دیده شود و همان اعمال و دعاهایی که در صفا انجام دادی در همان جا انجام بده و هفت شوط بین صفا و مروه حرکت کن که از صفا شروع کرده و به مروه خاتمه دهی.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحسن بن علي الصيرفي عن بعض أصحابنا قال: سئل أبو عبد الله صلوات الله عليه عن السعي بين الصفا و المروة فريضة أم سنة فقال فريضة. (۲)

ص: ۲۶۰

۱- . الكافي ج ۴ ص ۴۳۴ ح ۶.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۴۳۵ ح ۸.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسن بن علی صیرفی از یکی از اصحاب ما روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد سعی بین صفا و مروه سؤال شد که آیا واجب است و یا مستحب؟
فرمود: واجب است.

۳۱۸- حکم کسی که سعی را پیش از صفا و مروه شروع نماید یا بین صفا و مروه شک نماید

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن أبي حمزة قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن رجل بدأ بالمرزوه قبل الصفا قال يُعِيدُ أَلَا تَرَى أَنَّهُ لَوْ بَدَأَ بِشِمَالِهِ قَبْلَ يَمِينِهِ فِي الْوُضُوءِ أَرَادَ أَنْ يُعِيدَ الْوُضُوءَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن ابی حمزه روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: کسی که سعی را پیش از صفا از مروه شروع نمود (چه وظیفه ای دارد؟)

فرمود: بایستی دوباره انجام دهد، مگر نمی بینی اگر او در وضو پیش از دست راست از دست چپ شروع کند باید دوباره وضو بگیرد؟!

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الرحمن بن الحجاج عن أبي إبراهيم صلوات الله عليه: في رجلٍ سبَّحَ بَيْنَ الصَّفا وَالْمَرْوَةِ ثَمَانِيَةَ أَشْوَاطٍ مَا عَلَيْهِ فَقَالَ إِنْ كَانَ خَطَأً اطَّرَحَ وَاحِدًا وَاعْتَدَّ بِسَبْعِهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالرحمن بن حجاج روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه (پرسیدم): کسی که بین صفا و مروه هشت شوط سعی نموده چه چیزی برعهده اوست؟

فرمود: اگر از روی خطا بوده یکی را رها نموده هفت بار را حساب می کند.

ص: ۲۶۱

۱- . الكافي ج ۴ ص ۴۳۶ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۴۳۶ ح ۲.

۳۱۹- استراحت در سعی و انجام آن به صورت سواری

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سألتُه عن السعي بين الصفا والمروة على الدأبه قال نعم وعلى المحمل.

و في روايه أخرى قال صلوات الله عليه: وَ الْمَشْيُ أَفْضَلُ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حلی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: آیا سعی بین صفا و مروه را می توان به صورت سواری انجام داد؟

فرمود: آری، و بر کجاوه هم می توان انجام داد.

و در روایت دیگری حضرت صلوات الله علیه فرمود: پیاده بهتر است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمارة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: ليس على الركب سعي ولكن يسرع شيئاً. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از معاویه بن عمارة روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: انجام سعی با شتاب برای کسی که سوار بر مرکب است، لازم نیست، ولی مقداری تند حرکت کند.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلي قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن الرجل يطوف بين الصفا والمروة أيسرريح قال نعم إن شاء جلس على الصفا والمروة بينهما فيجلس. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حلی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: کسی که بین صفا و مروه سعی می کند آیا می تواند استراحت کند؟

فرمود: آری، اگر خواست در صفا و مروه و مابین آنها می نشیند.

ص: ۲۶۲

۱- . الكافي ج ۴ ص ۴۳۷ ح ۱- ۲.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۴۳۷ ح ۶.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۴۳۷ ح ۴.

۳۲۰- قطع نمودن سعی به جهت نماز یا غیر آن و سعی نمودن بدون وضو

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمارة قال: قلت لأبي عبد الله صلوات الله عليه الرجل يدخل في السعي بين الصفا والمروة فيدخل وقت الصلاة أو يخفف أو يقطع ويصلي ويعود أو يثبت كما هو على حاله حتى يفرغ قال أو ليس عليهما مسجداً لا بل يصلي ثم يعود قلت عليهما قال أو ليس هو ذا يسعى على الدواب. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از معاویه بن عمارة روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: انسان مشغول سعی بین صفا و مروه است و وقت نماز فرا می رسد آیا می تواند سعی را کوتاه یا آن را قطع کند و نماز بخواند و برگردد یا همان گونه که انجام دهد تا به پایان رسد؟

فرمود: مگر در آن جا برای سعی کننده مسجدی نیست؟!، نه؛ بلکه نماز خواند سپس برگردد.

گفتم: می تواند در آن جا بنشیند؟

فرمود: بلی، آیا چنین نیست که او بر سواری سعی می کند؟

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن يحيى الأزرق عن أبي الحسن صلوات الله عليه قال: قلت له الرجل يسعى بين الصفا والمروة ثلاثه أشواط أو أربعة ثم يقول أئيم سعيه بغير وضوء قال لا بأس ولو أتم نسكته بوضوء كان أحب إلي. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از يحيى ازرق روایت کرده که گفت: به حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه گفتم: کسی که بین صفا و مروه سه شوط یا چهار شوط سعی نمود بعد به جهت بول وضویش باطل شد آیا سعی خود را بدون وضو به پایان برساند؟

فرمود: ایرادی ندارد و اگر عبادتش را با وضو تمام کند نزد من محبوبتر است.

۳۲۱- کوتاه کردن مو برای متمتع و بیرون آمدن او از احرام

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمارة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إذا فرغت من سعيك و أنت متمتع فقصر من شعرك من جوانبه ولحيتك وخذ من شاربك و

ص: ۲۶۳

۱- الكافي ج ۴ ص ۴۳۸ ح ۱.

۲- الكافي ج ۴ ص ۴۳۸ ح ۲.

قَلَمَ أَظْفَارَكَ وَ أَبْقِي مِنْهَا لِحْجَكَ وَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ أَخَلَّتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُحِلُّ مِنْهُ الْمَحْرَمُ وَ أَحْرَمَتْ مِنْهُ فُطْفُ بِالْبَيْتِ تَطَوُّعاً مَا شِئْتَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمّار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هنگامی که تو در عمره تمتع سعی را به پایان رساندی از موهای اطراف و ریش و سیبیل خود کوتاه کن و از ناخن های خود بچین و از آنها چیزی برای حج خود باقی بگذار و چون چینی کردی آن چه که بر محرم از آن خارج می شود و بر تو حرام بود، بر تو حلال شد پس آن چه خواستی به صورت مستحب خانه کعبه را طواف کن.

توضیح: در روایت دیگری آمده که هرگاه از بخشی از موها چیده شود کفایت که از احرام خارج شود.

۳۲۲- حکم کسی که عمره تمتع انجام می دهد و فراموش می کند که تقصیر نماید تا به حج احرام می بندند یا پیش از تقصیر سرش را می تراشد یا با همسرش نزدیکی می نماید

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمّار عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سألته عن رجلٍ أهل بالعمرة ونسي أن يُقصر حتى دخل في الحج قال يستغفر الله ولا شيء عليه وتتمت عمرته. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمّار روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: کسی که از احرام عمره تمتع خارج شد و فراموش کرد که تقصیر کند تا وارد عمل حج شد.

فرمود: از خدا طلب آمرزش می خواهد و چیزی برعهده او نیست و عمره او کامل شده است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن رجلٍ طاف بالبيت ثم بالصفاء والمزوة وقد تمتع ثم عجل فقبل امرأته قبل أن يقصر من رأسه فقال عليه دم يهريقه وإن جامع فعليه جزور أو بقرة. (۳)

ص: ۲۶۴

۱- . الكافي ج ۴ ص ۴۳۸ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۴۴۰ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۴۴۰ ح ۴.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: کسی که کعبه را طواف نمود و آن گاه سعی بین صفا و مروه را انجام داد که عمره تمتع را به جا آورده و پیش از تقصیر تعجیل نموده زنش را بوسید (چه حکمی دارد؟)

فرمود: بر او لازم است که قربانی بنماید و اگر با زنش همبستر شده بایستی یک شتر یا گاو قربانی کند.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن جميل بن دراج عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سألتُهُ عن مُتَمَتِّعٍ حَلَقَ رَأْسَهُ بِمَكَّةَ قَالَ إِنْ كَانَ جَاهِلًا فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَإِنْ تَعَمَّدَ ذَلِكَ فِي أَوَّلِ أَشْهُرِ الْحَجِّ بِثَلَاثِينَ يَوْمًا مِنْهَا فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَإِنْ تَعَمَّدَ بَعْدَ الثَّلَاثِينَ الَّتِي يُؤَفَّرُ فِيهَا الشَّعْرُ لِلْحَجِّ فَإِنَّ عَلَيْهِ دَمًا يُهْرِيقُهُ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى فَإِذَا كَانَ يَوْمَ النَّحْرِ أَمَرَ الْمُوسَى عَلَى رَأْسِهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جمیل بن دراج روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: کسی که به عمره تمتع احرام بسته در مکه سر خود را تراشید (چه حکمی دارد؟)

فرمود: اگر از مسأله ناآگاه بود چیزی برعهده او نیست و اگر از روی عمد انجام داده پیش از سی روز از ماه های حج، چیزی بر او نیست و اگر بعد از سی روزی که باید در آن موهایش را بلند کند از روی عمد موهایش را تراشید بر او قربانی لازم است.

در روایت دیگری آمده است: اگر در روز قربانی بود با تیغ سرش را بتراشد.

۳۲۳- احرام زن حائض و مستحاضه

۱- قال الإمام الرضا صلوات الله عليه: إِذَا حَاضَتِ الْمَرْأَةُ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُحْرِمَ فَعَلَيْهَا أَنْ تَحْتَشِي إِذَا بَلَغَتِ الْمِيقَاتِ وَ تَغْتَسِلَ وَ تَلْبَسَ ثِيَابَ إِحْرَامِهَا وَ تَدْخُلَ مَكَّةَ وَ هِيَ مُحْرِمَةٌ وَ لَمَّا تَقَرَّبَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَإِنْ طَهَّرَتْ مَا بَيْنَهَا وَ بَيْنَ يَوْمِ التَّرْوِيهِ قَبْلَ الزَّوَالِ فَقَدْ أَدْرَكَتْ مُتَعَتِّهَا فَعَلَيْهَا أَنْ تَغْتَسِلَ وَ تَطُوفَ بِالْبَيْتِ وَ تَسْعَى بَيْنَ الصَّافَا وَ الْمَرْوَةِ وَ تَقْضِي مَا عَلَيْهَا مِنَ الْمَنَاسِكِ وَ إِنْ طَهَّرَتْ بَعْدَ الزَّوَالِ يَوْمَ التَّرْوِيهِ فَقَدْ بَطَلَتْ مُتَعَتِّهَا فَتَجْعَلُهَا حَجَّةً مُفْرَدَةً وَ إِنْ حَاضَتْ بَعْدَ مَا سَعَتْ بَيْنَ الصَّافَا وَ الْمَرْوَةِ وَ فَرَعَتْ مِنَ الْمَنَاسِكِ كُلِّهَا إِلَّا الطَّوْفَ بِالْبَيْتِ فَإِذَا طَهَّرَتْ قَضَتِ الطَّوْفَ بِالْبَيْتِ وَ هِيَ مُتَمَتِّعَةٌ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ وَ عَلَيْهَا ثَلَاثَةٌ أَطْوَافٍ طَوَافٌ لِلْمُتَعَةِ وَ

ص: ۲۶۵

طَوَافٌ لِلْحَيْجِ وَ طَوَافٌ لِلنِّسَاءِ وَ مَتَى لَمْ يَطُفِ الرَّجُلُ طَوَافَ النِّسَاءِ لَمْ يَحِلَّ لَهُ النِّسَاءُ حَتَّى يَطُوفَ وَ كَذَلِكَ الْمَرْأَةُ لَا يَجُوزُ لَهَا أَنْ تُجَامَعَ حَتَّى تَطُوفَ طَوَافَ النِّسَاءِ وَ مَتَى حَاضَتْ الْمَرْأَةُ فِي الطَّوَافِ خَرَجَتْ مِنَ الْمَسْجِدِ فَإِنْ كَانَتْ طَافَتْ ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ فَعَلَيْهَا أَنْ تُعِيدَ وَ إِنْ كَانَتْ طَافَتْ أَرْبَعَهُ أَقَامَتْ عَلَى مَكَانِهَا فَإِذَا طَهَّرَتْ بَنَتْ وَ قَضَتْ مَا بَقِيَ عَلَيْهَا وَ لَا تَجُوزُ عَلَى الْمَسْجِدِ حَتَّى تَتَيَمَّمَ وَ تَخْرُجَ مِنْهُ وَ كَذَلِكَ الرَّجُلُ إِذَا أَصَابَتْهُ عِلَّةٌ وَ هُوَ فِي الطَّوَافِ لَمْ يَقْدِرْ إِتْمَامَهُ خَرَجَ وَ أَعَادَ بَعْدَ ذَلِكَ طَوَافَهُ مَا لَمْ يَجْزِ نِصْفَهُ فَإِنْ جَازَ نِصْفَهُ فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْنِيَ عَلَى مَا طَافَ. (۱)

حضرت امام رضا صلوات الله عليه فرمودند: اگر زن قبل از این که محرم شود، حائض گردد، بر اوست که زمانی که به میقات رسید، موضع خود را بپوشاند و غسل کند و لباس احرامش را بر تن کند و در حالی که محرم است وارد مکه شود و به مسجد الحرام نزدیک نگردد. اگر تا روز ترویبه قبل از ظهر پاک شود، عمره تمتع خود را درک کرده است و بر اوست که غسل کند و به گرد کعبه طواف کند و میان صفا و مروه سعی کند و عباداتی را که بر عهده اوست انجام دهد. و اگر پس از ظهر روز ترویبه پاک شود، عمره تمتع او باطل است و آن را حج افراد قرار می دهد. و اگر پس از سعی میان صفا و مروه حائض شود و از انجام تمامی عبادات و مناسک جز طواف به گرد کعبه فارغ شده، زمانی که پاک شود، طواف به گرد کعبه را انجام دهد و وی با عمره تمتع حج را انجام دهد و باید سه بار طواف کند: طواف عمره تمتع و طواف حج و طواف نساء. زمانی که مرد طواف نساء را انجام ندهد، زنان بر او حلال نیستند تا زمانی که طواف کنند؛ و همچنین زن تا زمانی که طواف نساء را انجام نداده، همبستر شدن بر او جایز نیست و زمانی که زن در هنگام طواف حائض شود، از مسجد بیرون آید و اگر سه دور طواف کرده بود باید اعاده کند و اگر چهار دور طواف کرده بود، در منزلش بماند تا زمانی که پاک شد، بنا را بر چهار دور می گذارد و هر آنچه که از عبادات بر عهده او باقی مانده را انجام می دهد. و پس از حائض شدن از مسجد عبور نکند بلکه همان جا تیمم کند و از مسجد خارج شود و همچنین اگر مرد در زمان طواف دچار بیماری شود و نتواند طواف را به پایان برساند، خارج شود و پس از آن، طواف خود را اعاده کند، در صورتی که از نصف نگذشته باشد؛ و اگر از نصف گذشته باشد، بر اوست که بنا را بر آنچه که طواف کرده بگذارد.

ص: ۲۶۶

۳۲۴- زن مستحاضه میتواند بیت را طواف نماید

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن يونس بن يعقوب عن عمه عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: الْمُسْتَحَاضَةُ تَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَتُصَلِّي وَ لَا تَدْخُلُ الْكَعْبَةَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یونس بن یعقوب از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: زن مستحاضه می تواند طواف نماید و نماز بخواند، ولی داخل کعبه نمی شود.

۳۲۵- احرام روز هشتم ذی حجه

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمارة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إِذَا كَانَ يَوْمُ التَّزْوِيَةِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَاعْتَسِلْ وَ ابْسُ ثَوْبَيْكَ وَ ادْخُلِ الْمَسْجِدَ حَافِيًا وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ ثُمَّ صَلِّ رَكَعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْ فِي الْحِجْرِ ثُمَّ أَقْعِدْ حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ فَصَلِّ الْمَكْتُوبَةَ ثُمَّ قُلْ فِي دُبُرِ صَلَاتِكَ كَمَا قُلْتَ حِينَ أَحْرَمْتَ مِنَ الشَّجَرَةِ وَ أَحْرَمَ بِالْحِجِّ ثُمَّ امْضِ وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الرَّفْضَاءِ دُونَ الرَّدْمِ فَلَبِّ فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الرَّدْمِ وَ أَشْرَفْتَ عَلَى الْأَبْطَحِ فَارْفَعْ صَوْتَكَ بِالتَّلْبِيَةِ حَتَّى تَأْتِيَ مِنِّي. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمارة روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه روز هشتم ذی حجه فرا رسید ان شاء الله غسل کن و لباست را بیوش و با پای برهنه وارد مسجد شو. بر تو باد آرامش و وقار، سپس دو رکعت نماز نزد مقام حضرت ابراهیم علیه السلام یا در حجر حضرت اسماعیل علیه السلام بگزار، آن گاه بنشین تا ظهر شود و نماز فریضه را بخوان، پس از نماز همانند آن چه را که در موقع احرام در مسجد شجره گفتی بگو و به حج احرام ببندد، سپس با آرامش و وقار به سوی عرفات برو و چون به محل «رفضا» پایین تر از «ردم» رسیدی لبیک بگو و چون نزد آن رسیدی و مشرف بر ابطح شدی پس صدایت را به لبیک بلند کن تا به منا برسی.

ص: ۲۶۷

۱- الكافي ج ۴ ص ۴۴۹ ح ۲.

۲- الكافي ج ۴ ص ۴۵۴ ح ۱.

۳۲۶- انجام طواف حج تمتع پیش از رفتن به منا

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الْمُتَمَتِّعِ إِذَا كَانَ شَيْخًا كَبِيرًا أَوْ امْرَأَةً تَخَافُ الْخَيْضَ تُعَجِّلُ طَوَافَ الْحَجِّ قَبْلَ أَنْ تَأْتِيَ مِنِّي فَقَالَ نَعَمْ مَنْ كَانَ هَكَذَا يُعَجِّلُ قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُحْرِمُ بِالْحَجِّ مِنْ مَكَّةَ ثُمَّ يَرَى الْبَيْتَ خَالِيًا فَيُطَوِّفُ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ عَلَيْهِ شَيْءٌ فَقَالَ لَا- قُلْتُ الْمَفْرَدُ بِالْحَجِّ إِذَا طَافَ بِالْبَيْتِ وَ بِالصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ يُعَجِّلُ طَوَافَ النَّسَاءِ فَقَالَ لَا إِنَّمَا طَوَافُ النَّسَاءِ بَعْدَ مَا يَأْتِي مِنِّي. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه پرسیدم: کسی که حج تمتع می کند، هرگاه پیرمرد باشد و یا زنی که بیم دارد حائض شود می تواند در طواف حج پیش از منا تعجیل کند؟

فرمود: آری، هر که چنین باشد می تواند تعجیل نماید.

گوید: از حضرتش پرسیدم: کسی که از مکه محرم به حج می شود سپس بیت را خلوت می بیند و آن را پیش از بیرون رفتن طواف می کند آیا بر او ایرادی است؟

فرمود: نه.

گفتم: کسی که حج مفرد انجام می دهد چون طواف بیت و سعی صفا و مروه نمود می تواند بر طواف نساء تعجیل کند؟

فرمود: نه، چون طواف نساء بعد از آمدن از منا است.

۳۲۷- حرکت به سوی منا

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ شَيْخًا كَبِيرًا أَوْ مَرِيضًا يَخَافُ ضِعْاطَ النَّاسِ وَ زِحَامَهُمْ يُحْرِمُ بِالْحَجِّ وَ يَخْرُجُ إِلَى مِنِّي قَبْلَ يَوْمِ التَّرْوِيهِ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ يَخْرُجُ الرَّجُلُ الصَّحِيحُ يَلْتَمِسُ مَكَانًا وَ يَتَرَوَّحُ بِذَلِكَ الْمَكَانِ قَالَ لَا قُلْتُ يُعَجِّلُ بِيَوْمٍ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ بِيَوْمَيْنِ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ ثَلَاثَةً قَالَ نَعَمْ قُلْتُ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ قَالَ لَا. (۲)

ص: ۲۶۸

۱- . الكافي ج ۴ ص ۴۵۷ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۴۶۰ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه پرسیدم: کسی که پیر و یا بیمار است و از تنگی و فشار مردم می ترسد می تواند پیش از روز هشتم محرم شود و به سوی منا برود؟

فرمود: آری.

گفتم: فرد سالم نیز برای جایی که در آن راحت باشد می تواند زودتر به منا برود؟

فرمود: نه.

گفتم: کسی که صاحب علت باشد می تواند یک روز تعجیل نماید؟

فرمود: آری.

گفتم: دو روز چه طور؟

فرمود: آری.

گفتم: سه روز چه طور؟

فرمود: آری.

گفتم: بیش از آن؟

فرمود: نه.

۳۲۸- فرود آمدن به منا و حدود آن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمار قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: إذا انتهيت إلى منى فقل اللهم هذه منى و هي مما مننت بها علينا من المناسك فأسألك أن تمن علينا بما مننت به على أنبيائك فإنما أنا عبيدك و في قبضتك ثم تصلي بها الظهر و العصر و المغرب و العشاء الآخرة و الفجر و الإمام يصلي بها الظهر لا يسعه إلا ذلك و موسع عليك أن تصلي بغيرها إن لم تقدر ثم تدرهم بعرفات قال و حد منى من العقبه إلى وادي محسر (۱).

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه به منا رسیدی بگو:

١- . الكافي ج ٤ ص ٤٦١ ح ١.

«اللَّهُمَّ هِدْهُ مِنِّي وَ هِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهَا عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ فَاسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيْنَا بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ أَنْبِيَائِكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ».

سپس در آن جا نماز ظهر، عصر، مغرب و عشاء و فجر را بخوان و امام باید فقط نماز ظهر را در آن جا بخواند و بیش از آن وسعت ندارد و تو در وسعت هستی که اگر نتوانستی در غیر آن جا بخوانی سپس در عرفات به آنها برسی.

فرمود: حدود منا از جمره عقبه تا وادی محشر است.

۳۲۹- حرکت به سوی عرفات و حدود آن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذَا غَدَوْتَ إِلَى عَرَفَةَ فَقُلْ وَ أَنْتَ مُتَوَجِّهٌُ إِلَيْهَا اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَدَدْتُ وَ إِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَ وَجْهَكَ أَرَدْتُ فَاسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَ أَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَ أَنْ تَجْعَلَنِي الْيَوْمَ مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي ثُمَّ تَلَبَّ وَ أَنْتَ غَادٍ إِلَى عَرَفَاتٍ فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى عَرَفَاتٍ فَاضْرِبْ خَبَاءَكَ بِنَمْرَةٍ وَ نَمْرَةٌ هِيَ بَطْنُ عُرْنَةٍ دُونَ الْمَوْقِفِ وَ دُونَ عَرَفَةَ فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ يَوْمَ عَرَفَةَ فَاعْتَسِلْ وَ صَلِّ الظُّهْرَ وَ الْعَصِيرَ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَ إِفَامَتَيْنِ وَ إِنَّمَا تُعَجِّلُ الْعَصْرَ وَ تَجْمَعُ بَيْنَهُمَا لِتَفْرَغَ نَفْسَكَ لِلدُّعَاءِ فَإِنَّهُ يَوْمٌ دُعَاءٍ وَ مَسْأَلَةٍ قَالَ وَ حَدُّ عَرَفَةَ مِنْ بَطْنِ عُرْنَةٍ وَ ثَوِيَّةٍ وَ نَمْرَةٍ إِلَى ذِي الْمَجَازِ وَ خَلْفَ الْجَبَلِ مَوْقِفٌ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمّار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر گاه در آغاز روز نهم از منا به سوی عرفات بروی در حالی که متوجه عرفات هستی بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَدَدْتُ وَ إِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَ وَجْهَكَ أَرَدْتُ فَاسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَ أَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَ أَنْ تَجْعَلَنِي الْيَوْمَ مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي».

آن گاه لبیک می گویی در حالی که به سوی عرفات روانی، پس چون به عرفات رسیدی خیمه خود را در «نهره» بزن که آن وسط عرنه پایین تر موقف و عرفه است. پس چون ظهر شد غسل نما و نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه به جا آور و می توان با شتاب هر دو نماز را خواند و نماز عصر را با شتاب خواند تا برای دعا فراغت یابی، چرا که آن روز، روز دعا و خواستن است.

ص: ۲۷۰

و فرمود: حدود عرفه از وسط عرنه، ثویّه و نمره است تا ذی المجاز و پشت کوه موقف.

۳۳۰- حکم پایان لبیک گفتن حاجی

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمّار عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: قطع رسول الله صلى الله عليه وآله التلبية حين زاعت الشمس يوم عرفه وكان علي بن الحسين صلوات الله عليهما يقطع التلبية إذا زاعت الشمس يوم عرفه قال أبو عبد الله صلوات الله عليه فإذا قطعت التلبية فعليك بالتهليل والتحميد والتمجيد والثناء على الله عز وجل. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمّار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله تلبیه را در روز عرفه موقع ظهر قطع نمود.

و حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما نیز همواره این گونه انجام می داد.

حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: چون تلبیه را قطع نمودی بر تو باد به گفتن «لا اله الا الله» و الحمد لله و تمجید و ثنای خدای عزّ و جلّ.

۳۳۱- وقوف در عرفه و حدود موقف

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مسجع عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: عرفات كلها موقف وأفضل الموقوف سفح الجبل. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از مسمع روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: تمامی عرفه موقف است و بهترین موقف، دامنه کوه است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي الجارود عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: ليس في شيء من الدعاء عشيته عرفه شيء مؤقت. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو الجارود روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: برای غروب عرفه دعای مخصوصی نیست.

ص: ۲۷۱

۱- الكافي ج ۴ ص ۴۶۲ ح ۲.

۲- الكافي ج ۴ ص ۴۶۳ ح ۱.

۳- الكافي ج ۴ ص ۴۶۵ ح ۶.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن يونس بن يعقوب قال: قلت لأبي عبد الله صلوات الله عليه متى الأفاضه من عرفات قال إذا ذهب الحمرة يعني من الجانب الشرقي. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یونس بن یعقوب روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: کی می توان از عرفات کوچ کرد؟ فرمود: هرگاه سرخی از جانب شرقی برود.

۳۳۳- رفتن به مزدلفه شب هنگام، ایستادن در دامنه ی کوه مشعر و فرود آمدن از آن و حدود آن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال: لا تصل المغرب حتى تأتي جمعا فتصلي بها المغرب والعشاء الآخرة بأذان واحد وإقامتين وإنزل ببطن الوادي عن يمين الطريق قريبا من المشعر ويستحب للصروره أن يقف على المشعر الحرام ويأه برجله ولا يجاوز الحياض ليلة المزدلفه ويقول اللهم هذه جمع اللهم إني أسألك أن تجمع لي فيها جوامع الخير اللهم لا تؤسني من الخير الذي سألتك أن تجمعه لي في قلبي وأطلب إليك أن تعرفني ما عرفت أولياءك في منزلي هذا وأن تفييني جوامع الشر وإن استطعت أن تحيي تلك الليلة فافعل فإنه بلغنا أن أبواب السماء لا تغلق تلك الليلة لأصوات المؤمنين لهم دوى كدوى النحل يقول الله جل ثناؤه أنا ربكم وأنتم عبادي أذيتم حتى وحق علي أن أسئلكم فيحط الله تلك الليلة ممن أراد أن يحط عنه ذنوبه ويغفر لمن أراد أن يغفر له. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: نماز مغرب را مگزار تا به گروه پیوندی و نماز مغرب و عشا را به یک اذان و دو اقامه در مزدلفه بخوانی و به هنگام فرود در وسط وادی از دست راست نزدیک م شعر فرود بیا. و مستحب است برای کسی که نخستین بار حج انجام می دهد در مشعر الحرام توقف کند و بر آن پا بگذارد و در شب مزدلفه از حوض ها

ص: ۲۷۲

۱- . الكافي ج ۴ ص ۴۶۶ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۴۶۸ ح ۱.

نگذرد و بگوید: «اللَّهُمَّ هَذِهِ جَمْعُ اللَّهِمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسِنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَ أَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَّفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَ أَنْ تَقِينِي جَوَامِعَ الشَّرِّ».

و اگر توانستی آن شب را احیاء داری، انجام بده، زیرا به ما روایت شده است که درب های آسمان در آن شب بر صوت های مؤمنان بسته نمی شود، آنان صدایی همانند صدای زبور دارند، خداوندی که ثنای او بزرگ است می فرماید: «أَنَا رَبُّكُمْ وَ أَنْتُمْ عِبَادِي أَدَيْتُمْ حَقِّي وَ حَقُّ عَلَيَّ أَنْ أَسْتَجِيبَ لَكُمْ».

خداوند در آن شب گناه آن که را خواهد می ریزد و آن که را بخواد او را می بخشد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَيُّ سَاعَةٍ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَنْ أُفِيضَ مِنْ جَمْعٍ فَقَالَ قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ بِقَلِيلٍ فَهِيَ أَحَبُّ السَّاعَاتِ إِلَيَّ قُلْتُ فَإِنْ مَكَّنَّا حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ قَالَ لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه پرسیدم: کدام ساعت نزد شما بهتر است برای کوچ کردن از جمع؟

فرمود: کمی پیش از طلوع آفتاب. آن بهترین ساعت نزد من است.

گفتم: اگر درنگ نمودیم تا آفتاب طلوع کرد؟

فرمود: ایرادی ندارد.

۳۳۴- حروله و تند روی در وادی محسر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَدِيٍّ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذَا مَرَزْتَ بِوَادِي مُحَسَّرٍ وَ هُوَ وَادٍ عَظِيمٌ بَيْنَ جَمْعٍ وَ مَنَى وَ هُوَ إِلَى مَنَى أَقْرَبُ فَاسْعَ فِيهِ حَتَّى تُجَاوِزَهُ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَزَّكَ نَاقَتُهُ وَ قَالَ اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَ أَقْبَلْ تَوْبَتِي وَ أَجِبْ دَعْوَتِي وَ أَخْلُفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: چون از وادی محسر گذشتی که آن وادی بزرگی است مابین جمع و منا است و آن به منا

ص: ۲۷۳

۱- . الکافی ج ۴ ص ۴۷۰ ح ۵.

۲- . الکافی ج ۴ ص ۴۷۰ ح ۳.

نزدیکتر است پس در آن سعی و هروله کن تا آن جا را بگذری؛ زیرا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شتر خود را به حرکت و تندروری واداشت و فرمود: «اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَاقْبَلْ تَوْبَتِي وَاجِبْ دَعْوَتِي وَأَخْلِفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي».

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: الْحَرَكَهُ فِي وَادِي مُحَسَّرٍ مَائَةٌ خُطْوَةٍ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن اسماعیل روایت کرده که گفت: حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمود: تندروری در وادی محسّر به اندازه صد گام است.

۳۳۵- حکم کسی که از وقوف در مشعر آگاهی نداشت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ الرَّجُلُ الْمَاعِجِمِيُّ وَالْمَرْأَةُ الضَّعِيفَةُ يَكُونَانِ مَعَ الْجَمَالِ الْأَعْرَابِيِّ فَإِذَا أَفَاضَ بِهِمْ مِنْ عَرَفَاتٍ مَرَّ بِهِمْ كَمَا مَرَّ بِهِمْ إِلَى مِنِّي وَ لَمْ يَنْزِلْ بِهِمْ جَمْعًا فَقَالَ أَلَيْسَ قَدْ صَلَّوْا بِهَا فَقَدْ أَجَزَأَهُمْ قُلْتُ وَ إِنْ لَمْ يُصَلُّوا بِهَا قَالَ ذَكَّرُوا اللَّهَ فِيهَا فَإِنْ كَانُوا ذَكَّرُوا اللَّهَ فِيهَا فَقَدْ أَجَزَأَهُمْ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن حکیم روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: مرد ناآگاهی به همراه زن ناتوانی با شتربان صحرانشین همسفرند، هنگامی که آنها را از عرفات کوچ می داد همانند کوچ دادن از منا بود و آنها را در جمع پیاده نکرد (چه وظیفه ای دارند؟)

فرمود: آیا در آن جا نماز نخوانند؟ همان کفایت می کند.

گفتم: اگر آن جا نماز نخوانده باشند چه؟

فرمود: خدا را یاد نمودند، پس اگر در آن جا به یاد خدا بودند آنها را کفایت می کند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّ صَاحِبِي هَدَيْنِ جِهَلًا أَنْ يَقِفَا بِالْمُزْدَلِفَةِ فَقَالَ يَرِجَعَانِ مَكَانَهُمَا فَيَقِفَانِ بِالْمَشْعَرِ سَاعَةً قُلْتُ فَإِنَّهُ لَمْ يُخْبِرْهُمَا أَحَدٌ حَتَّى كَانَ الْيَوْمُ وَقَدْ نَفَرَ النَّاسُ قَالَ فَنَكَسَ رَأْسَهُ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ أَلَيْسَا قَدْ صَلَّيَا الْغَدَاةَ بِالْمُزْدَلِفَةِ قُلْتُ بَلَى فَقَالَ أَلَيْسَا قَدْ فَتَنَّا فِي صَلَاتِهِمَا قُلْتُ بَلَى فَقَالَ

ص: ۲۷۴

۱- الكافي ج ۴ ص ۴۷۱ ح ۴.

۲- الكافي ج ۴ ص ۴۷۲ ح ۱.

تَمَّ حَجُّهُمَا ثُمَّ قَالَ الْمَشْعُرُ مِنَ الْمُرْدَلِفَةِ وَالْمُرْدَلِفَةُ مِنَ الْمَشْعَرِ وَإِنَّمَا يَكْفِيهِمَا الْيَسِيرُ مِنَ الدُّعَاءِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: قربانت گردم! این دو نفر همراهانم متوجه نبودند که باید در مزدلفه وقوف کنند؟

فرمود: به مشعر برگردند و ساعتی در آن جا توقف نمایند.

گفتم: کسی که به آنها تا به امروز خبر نداده بود و مردم هم رفته اند؟

حضرت لحظاتی سرش را پایین انداخت، آن گاه فرمود: آیا نماز صبح را در مزدلفه نخوانده اند؟

گفتم: آری.

فرمود: آیا در نمازشان قنوت نکرده اند؟

گفتم: چرا.

فرمود: حجشان تمام است.

سپس فرمود: مشعر از مزدلفه و مزدلفه از مشعر است، همانا کمترین دعا در آنها کفایت می کند.

۳۳۶- سنگریزه از کجا برداشته می شود؟ و تعداد آنها چقدر است؟

۱- قال الإمام الرضا صلوات الله عليه: خُذْ حَصِيَّاتِ الْجِمَارِ مِنْ حَيْثُ شِئْتَ.

وَقَدْ رَوَى: أَنَّ أَفْضَلَ مَا يُؤْخَذُ الْجِمَارُ مِنَ الْمُرْدَلِفَةِ وَتَكُونُ مُنْقَطَعَةً كُحْلِيَّةً مِثْلَ رَأْسِ الْأَثْمَلِ وَاغْتَسَلَهَا غَسِيلاً نَظِيفاً وَ لَا تُؤْخَذُ مِنَ الَّذِي رُمِيَ مَرَّةً وَ ارْمِ إِلَى جَمْرِهِ الْعَقْبَةَ فِي يَوْمِ النَّحْرِ بِسَبْعِ حَصِيَّاتٍ وَ تَقِفْ فِي وَسْطِ الْوَادِي مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ يَكُونُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الْجَمْرَةِ عَشْرُ خُطُوَاتٍ لِمَا خَمْسَ عَشْرَةَ خُطْوَةً وَ تَقُولُ وَ أَنْتِ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ وَ الْحَصِيَّاتِ فِي كَفِّكَ الْيُسْرَى اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَّاتِي فَأَحْصِهِنَّ لِي عِنْدَكَ وَ ارْفَعْنَهُنَّ فِي عَمَلِي ثُمَّ تَتَبَاوَلْ مِنْهَا وَاحِدَةً وَ تَرْمِي مِنْ قِبَلِ وَجْهَيْهَا وَ لِمَا تَرْمِيهَا مِنْ أَعْلَاهَا وَ تُكَبِّرُ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ وَ تَرْمِي يَوْمَ الثَّانِي وَ الثَّلَاثِ وَ الرَّابِعِ فِي كُلِّ يَوْمٍ بِأَحَدِي وَ عِشْرِينَ حَصَاةً إِلَى الْجَمْرَةِ الْأُولَى بِسَبْعَةٍ وَ تَقِفُ عَلَيْهَا وَ تَدْعُ إِلَى الْجَمْرَةِ الْوُسْطَى بِسَبْعَةٍ وَ تَقِفُ عِنْدَهَا وَ تَدْعُ إِلَى جَمْرِهِ الْعَقْبَةَ بِسَبْعَةٍ وَ لَا تَقِفُ عِنْدَهَا فَإِنْ جَهِلْتَ وَ رَمَيْتَ مَقْلُوبَةً فَأَعِدْ عَلَى الْجَمْرَةِ الْوُسْطَى وَ جَمْرِهِ الْعَقْبَةَ وَ إِنْ سَقَطَتْ مِنْكَ حَصَاةٌ فَخُذْ مِنْ

ص: ۲۷۵

حَيْثُ شِئْتُمْ مِنَ الْحَرَمِ وَلَا تَأْخُذُوا مِنَ الَّذِي قَدْ رُمِيَ وَإِنْ كَانَ مَعَكُمْ مَرِيضٌ لَا يَسِيحُ أَنْ يَرْمِيَ الْجِمَارَ فَاحْمِلْهُ إِلَى الْجَمْرَةِ وَ مَرَّةً أَنْ يَرْمِيَ مِنْ كَفِّهِ إِلَى الْجَمْرَةِ وَإِنْ كَانَ كَسِيحاً أَوْ مَبْطُوناً أَوْ ضَعِيفاً لَا يَغِقُلُ وَلَا يَسِيحُ الْخُرُوجَ وَلَا الْحُمْلَانَ فَارْمِ عَنْهُ فَإِنْ جَهَلْتُمْ وَرَمَيْتُمْ إِلَى الْأَوَّلِ بِسَبْعٍ وَإِلَى الثَّانِيَةِ بِسِتَّةٍ وَإِلَى الثَّلَاثَةِ بِثَلَاثٍ فَارْمِ إِلَى الثَّانِيَةِ بِوَاحِدَةٍ وَأَعِدِ الثَّلَاثَةَ وَ مَتَى لَمْ تُجْزِ النَّصِيفَ فَأَعِدِ الرَّمِيَّ مِنْ أَوَّلِهِ وَ مَتَى مَا جُزَّتِ النَّصِيفَ فَابْنِ عَلَى ذَلِكَ وَإِنْ رَمَيْتُمْ إِلَى الْجَمْرَةِ الْأَوَّلَةِ دُونَ النَّصِيفِ فَعَلَيْكُمْ أَنْ تُعِيدَ الرَّمِيَّ إِلَيْهَا وَإِلَى بَعْدِهَا مِنْ أَوَّلِهِ فَإِذَا رَمَيْتُمْ يَوْمَ الرَّابِعِ فَاخْرُجْ مِنْهَا إِلَى مَكَّةَ وَ مُطَلِّقٌ لَكُمْ رَمِيُّ الْجِمَارِ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ.

وَ قَدْ رُوِيَ مِنْ أَوَّلِ النَّهَارِ إِلَى آخِرِهِ وَ أَفْضَلُ ذَلِكَ مَا قَرَّبَ مِنَ الزَّوَالِ وَ جَائِزٌ لِلْخَائِفِ وَ النِّسَاءِ الرَّمِيَّ بِاللَّيْلِ فَإِنْ رَمَيْتُمْ وَ وَقَعْتُمْ فِي مَحْمِلٍ وَ انْحَدَرْتُمْ مِنْهُ إِلَى الْأَرْضِ أَجْزَأْتُ عَنْكُمْ وَ إِنْ بَقِيَ فِي الْمَحْمِلِ لَمْ تُجْزِ عَنْكُمْ وَ ارْمِ مَكَانَهَا أُخْرَى. (۱)

حضرت امام رضا صلوات الله عليه فرمودند: سنگریزه های جمرات را از هر کجا که خواستی بردار.

و روایت شده است که بهترین جایی که از آن سنگریزه برداشته می شود مزدلفه است و این که سنگریزه ها به اندازه بند انگشت و خال دار باشند. آنها را تمیز بشوی و از آن ها که یک بار پرتاب شده، برداشته نشود. در روز عید قربان در جمره عقبه هفت سنگریزه پرتاب می کنی، در حالی که در میان وادی رو به قبله می ایستی، به گونه ای که میان تو و جمره ده گام باشد، نه پانزده گام. و در حالی که رو به قبله می ایستی و سنگریزه ها در دست چپ توست می گویی: پروردگارا! اینها سنگریزه های من است، آنها را برای من در نزد خود بشمار و همراه عملم به سوی خود بالا بر. سپس یکی از آن ها را برمی گیری و از رو به رو سنگ می زنی و از بالای آن نمی زنی. با هر سنگریزه که پرتاب می کنی تکبیر می گویی. در روز دوم و سوم و چهارم، در هر روز بیست و یک سنگ پرتاب می کنی، به سوی جمره اول هفت سنگ و سپس می ایستی و دعا می خوانی و به جمره دوم نیز هفت سنگ پرتاب می کنی و در کنار آن می ایستی و دعا می خوانی. به سمت جمره عقبه هفت سنگ پرتاب می کنی و در کنار آن نمی ایستی. اگر ندانستی و بالعکس سنگ پرتاب کردی، بار دیگر جمره دوم و جمره عقبه را رمی کن و اگر از دست تو سنگریزه ای رها شد، آن را از هر جای حرم که خواستی بگیر و از

ص: ۲۷۶

سنگ هایی که پرتاب شده نگیر و اگر به همراه تو بیماری است که نمی تواند رمی جمرات کند، او را به جمره بیر و به او فرمان ده که با دست خودش به جمره سنگ بزند و اگر دست او شکسته یا بسته بود یا این که فردی ضعیف و بی عقل بود که نه می توانست خارج شود و نه حمل شود، پس تو به نیابت از وی سنگ پرتاب کن. اگر ندانسته به جمره اول هفت سنگ و به جمره دوم شش سنگ و به جمره سوم سه سنگ زدی، پس به جمره دوم یک سنگ بزن و رمی جمره سوم را تکرار کن. چنانچه از نیمه رمی نگذشته بودی، رمی جمره سوم را از اول تکرار کن و زمانی که از نیمه گذشته بودی، بنا را بر همان بگذار و زمانی که به جمره اول تا قبل از نیمه سنگ زدی بر توست که بار دیگر به سوی آن و مابعد آن از ابتدا پرتاب کنی. و زمانی که در روز چهارم رمی جمرات کردی به مکه برو و رمی جمرات بر تو از اول روز تا زمان ظهر آزاد است.

و روایت شده است که از اول روز تا آخر آن می توان رمی جمرات کرد و بهترین زمان آن نزدیک به ظهر است و برای افرادی که در روز می ترسند و زنان، رمی جمرات در شب جایز است. پس اگر رمی کردی و در محمل افتاد و از آنجا بر زمین افتاد، آن رمی کافی است. اما اگر در محمل ماند، مجزی نیست و باید یک سنگ دیگر پرتاب کنی.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن حنان عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: يَجُوزُ أَخَذُ حَصِيٍّ الْجِمَارِ مِنْ جَمِيعِ الْحَرَمِ إِلَّا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الْخَيْفِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حنان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: جایز است که سنگریزه جمرات را از همه جای حرم برداری مگر از مسجد الحرام و مسجد خیف.

۳۳۷- فضیلت و پاداش رمی جمرات

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ إِذَا رَمَيْتَ الْجِمَارَ كَانَ لَكَ بِكُلِّ حَصَاةٍ عَشْرُ حَسَنَاتٍ تُكْتَبُ لَكَ لِمَا تَسْتَقْبِلُ مِنْ عُمْرِكَ. (۲)

ص: ۲۷۷

۱- . الكافي ج ۴ ص ۴۷۸ ح ۸.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۴۸۰ ح ۶.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن قیس روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله به مرد انصاری فرمود: هرگاه رمی جمره نمایی برای هر سنگ ریزه پاداش ده حسنه در آینده عمرت به تو نوشته شود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن حريز عن أبي عبد الله صلوات الله عليه: في رمي الجمار قال له بكل حصاه يرمى بها تحط عنه كبيرة موبقه. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حریز روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد رمی جمره به من فرمود: در ازای هر سنگ ریزه ای که می اندازی یک گناه کبیره هلاک کننده از تو ریخته می شود.

۳۳۸- حکم کسی که رمی جمرات را فراموش کند، یا از مسئله آگاهی نداشته اند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمارة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: قلت له رجل نسي أن يرمي الجمار حتى أتى مكة قال يرجع فيرميها يفصل بين كل رميتين بساعه قلت فاته ذلك وخرج قال ليس عليه شيء قال قلت فرجل نسي السعي بين الصفا والمروة فقال يعيد السعي قلت فاته ذلك حتى خرج قال يرجع فيعيد السعي إن هذا ليس كرمي الجمار إن الرمي سئنه والسعي بين الصفا والمروة فريضة. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمارة روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: کسی که رمی جمرات را فراموش کند تا به مکه آمد چه وظیفه ای دارد؟

فرمود: به جمرات بر می گردد و رمی می کند و میانه هر دو رمی ساعتی فاصله می دهد.

گفتم: اگر وقت رمی فوت شده و او از آن جا رفته باشد چه؟

فرمود: بر او چیزی نیست.

گوید: گفتم: مردی سعی بین صفا و مروه فراموش کرده (چه وظیفه ای دارد؟)

فرمود: سعی را اعاده می کند.

گفتم: اگر وقت از او فوت شود و رفته باشد؟

ص: ۲۷۸

۱- . الكافي ج ۴ ص ۴۸۰ ح ۷.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۴۸۴ ح ۱.

فرمود: بر می گردد و سعی را اعاده می کند، زیرا این مانند رمی جمره نیست، چون رمی سنت و سعی بین صفا و مروه فریضه است.

۳۳۹- روزهای قربانی

۱- الشيخ الكليني، باسناده عن كليب الأسدي قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن النحر فقال أما بمئتي فتلاثة أيام و أما في البلدان فيوم واحد. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از کلب اسدی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد روزهای قربانی پرسیدم.

فرمود: روزهای قربانی در مناسه روز و در شهرهای دیگر یک روز است.

۳۴۰- کمترین حد قربانی

۱- الشيخ الكليني، باسناده عن أبي عبيدة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه: في قول الله عز وجل: {فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ} قَالَ شَاه. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو عبیده روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره گفتار خداوند متعال که می فرماید: {پس هر که با پایان یافتن عمره حج را آغاز کند، آن چه از قربانی برای او میسر است ذبح کند}. (سوره بقره آیه ۱۹۵) فرمود: منظور یک گوسفند است.

۲- الشيخ الكليني، باسناده عن معاوية بن عمارة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: يُجْزَى فِي الْمُتَعَةِ شَاه. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمارة روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: در عمره تمتع قربانی یک گوسفند کافی است.

ص: ۲۷۹

۱- . الكافي ج ۴ ص ۴۸۶ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۴۸۷ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۴۸۷ ح ۲.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سيِّدِ الْأَعْرَجِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ تَمَتَّعَ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ ثُمَّ أَقَامَ بِمَكَهَ حَتَّى يَحْضُرَ الْحَجَّ مِنْ قَابِلٍ فَعَلَيْهِ شَاءٌ وَ مَنْ تَمَتَّعَ فِي غَيْرِ أَشْهُرِ الْحَجِّ ثُمَّ جَاوَزَ حَتَّى يَحْضُرَ الْحَجَّ فَلَيْسَ عَلَيْهِ دَمٌ إِنَّمَا هِيَ حَجَّةٌ مُفْرَدَةٌ وَ إِنَّمَا الْأَضْحَى عَلَى أَهْلِ الْأَمْصَارِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سعید اعرج روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر کس حج تمتع را در ماههای حج (شوال، ذی القعدة و ذی الحجه) انجام دهد، آن گاه در مکه درنگ کند تا حج سال آینده فرا رسد بر ذمه او یک گوسفند است و هر کس حج تمتع را در غیر ماه های حج انجام دهد بعد بماند تا موقع حج فرا رسد بر او قربانی نیست، زیرا آن حج افراد است. قربانی فقط برای مردم شهرهای دیگر است.

۲- قال الإمام الرضا صلوات الله عليه: وَإِذَا وَجِبَ عَلَيْكَ فِي مُتَعِهِ وَ مَا أَشْبَهَهُ مِمَّا يَجِبُ عَلَيْكَ فِيهِ مِنْ جَزَاءِ الْحَجِّ فَلَا تَنْحِرُهُ إِلَّا بِمَنَى فَإِنْ كَانَ عَلَيْكَ دَمٌ وَاجِبٌ قَلْدَتُهُ أَوْ جَلَلَتُهُ أَوْ أَشْعَرَتُهُ فَلَا تَنْحِرُهُ إِلَّا فِي يَوْمِ النَّحْرِ بِمَنَى وَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تُشْعِرَ بَدَنَتَكَ فَاضْرِبِهَا بِالشَّفْرَةِ عَلَى سَيْئَامِهَا مِنْ جَانِبِ الْأَيْمَنِ فَإِنْ كَانَتِ الْبَيْدُنُ كَثِيرَةً فَادْخُلْ بَيْنَهَا وَ اضْرِبِهَا بِالشَّفْرَةِ يَمِينًا وَ شِمَالًا وَ إِذَا أَرَدْتَ نَحْرَهَا فَانْحِرْهَا وَ هِيَ قَائِمَةٌ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ وَ تُشْعِرُهَا وَ هِيَ بَارِكَةٌ وَ كُلُّ مَنْ أَضْحَيْتَكَ وَ أَطْعِمَ الْقَانِعَ وَ الْمُعْتَرَّ الْقَانِعَ الَّذِي يَقْنَعُ بِمَا تُعْطِيهِ وَ الْمُعْتَرَّ الَّذِي يَعْتَرِيكَ وَ لَا تُعْطِيَ الْجَزَارَ مِنْهَا شَيْئًا وَ لَا تَأْكُلْ مِنْ فِدَاءِ الصَّيْدِ إِنْ اضْطُرَّتَهُ فَإِنَّهُ مِنْ تَمَامِ حَجِّكَ. (۲)

حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمودند: و اگر حج تمتع یا شبیه به آن از کفاره حج بر عهده تو واجب شد، آن را جز در منی ذبح نکن و اگر خونی واجب بر عهده توست، آن را قلاده می بندی یا جُلّ بر آن می اندازی یا اشعار می کنی. پس آن را جز در روز عید قربان در منی ذبح نکن و هر گاه خواستی که شترت را اشعار کنی، با یک تیغ از سمت راست بر کوهان آن می زنی، اگر تعداد شتران زیاد بود، در میان آنها داخل می شوی و از سمت چپ و راست با تیغ بر آنها بزنی و هر گاه خواستی که آن را نحر کنی، پس در حالی نحر

ص: ۲۸۰

۱- الکافی ج ۴ ص ۴۷۸ ح ۱.

۲- فقه الرضا علیه السلام ص ۲۸. بحار الانوار ج ۹۶ ص ۲۸۹ ح ۶۱.

کن که ایستاده روبروی قبله باشد و هر گاه خوابیده باشد، آن را اشعار می کنی؛ و سپس از قربانی خود بخور و به قانع و معتر نیز از گوشت آن بخوران. قانع کسی است که بدان چه که به او می دهی قانع می شود و معتر کسی است که بر تو گذر می کند. چیزی از گوشت قربانی را به قصاب نمی دهی و از کفاره شکار نخور اگر چه ناچار شدی، زیرا که آن تمامیت حج توست.

۳- قال الإمام الرضا صلوات الله عليه: فَإِذَا أَتَيْتَ مِنِّي فَاشْتَرِ هَدْيَكَ وَادْبَحْهُ فَإِذَا أَرَدْتَ ذَبْحَهُ أَوْ نَحْرَهُ فَقُلْ وَجْهْتُ وَجْهِي لِلذِّي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَلكَ وَبِكَ وَإِلَيْكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَ مِنْ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَمُوسَى كَلِيمِكَ وَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ أَمْرَ السَّكِينِ عَلَيْهَا وَلَا تَنْخَعَهَا حَتَّى تَمُوتَ وَلَا يَجُوزُ فِي الْأَضَاحِيِّ مِنَ الْبَيْدَنِ إِلَّا الثَّنِيُّ وَهُوَ الَّذِي تَمَّتْ لَهُ سِنَةٌ وَ دَخَلَ فِي الثَّانِيَةِ وَ مِنَ الضَّانِ الْجَذَعُ لِسِنَةٍ وَ تُجْزَى الْبَقْرَةُ عَنْ خَمْسَةٍ.

وَ رُوي: عَنْ سَبْعَةٍ إِذَا كَانُوا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ وَاحِدٍ.

وَ رُوي: أَنَّهَا لَا تُجْزَى إِلَّا عَنْ وَاحِدٍ فَإِذَا نَحَرْتَ أَضْحِيَّتَكَ أَكَلْتَ مِنْهَا وَ تَصَدَّقْتَ بِالْبَاقِي.

وَ رُوي: أَنَّ شَاةً تُجْزَى عَنْ سَبْعِينَ إِذَا لَمْ يُوجَدْ شَيْءٌ مِنَ الْهَدْيِ. (۱)

حضرت امام رضا صلوات الله عليه فرمودند: زمانی که به منی آمدی، قربانی خود را بخور و آن را ذبح کن. زمانی که خواستی آن را ذبح یا نحر کنی بگو: «وَجْهْتُ وَجْهِي لِلذِّي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَ لَكَ وَ بِكَ وَ إِلَيْكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَ مِنْ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ مُوسَى كَلِيمِكَ وَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ».

سپس چاقو را در گلوی قربانی بکش و تا قربانی نمرده، سر آن را جدا نکن و برای قربانی از شتر مجزی نیست مگر این که ثنی باشد و «ثنی» آن شتری است که یک سال آن تمام شده و وارد دو سالگی شده است باشد. و گوسفند نیز باید یک ساله باشد و گاو، پنج نفر را کفایت می کند.

ص: ۲۸۱

و روایت شده است: اگر از یک خانواده باشند، هفت نفر را کفایت می کند.

روایت شده است: تنها یک نفر را کفایت می کند، پس زمانی که قربانی ات را نحر کردی، از آن می خوری و بقیه را صدقه می دهی.

روایت شده است: اگر قربانی وجود نداشته باشد، یک گوسفند، هفتاد نفر را کفایت می کند.

۳۴۲- خوردن از قربانی واجب و صدقه دادن آن و بیرون بردن آن از منا

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمارة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: أمر رسول الله صلى الله عليه وآله حين نحر أن تؤخذ من كل يده خذوة من لحمها ثم تطرح في بزمه ثم تطبخ و أكل رسول الله صلى الله عليه وآله و آله و علي صلوات الله عليه منها و حسوا من مرقها. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمارة روایت کرده که گفت: امام صادق صلوات الله علیه فرمود: هنگامی که رسول الله صلى الله عليه وآله قربانی خود را نحر نمود امر فرمود که تکه ای از گوشت هر شتر قربانی در ظرف سنگی قرار گرفت آن گاه که پخته شد رسول الله صلى الله عليه وآله و آله و حضرت امیرالمؤمنین علی صلوات الله علیه از آن خوردند و از آب گوشت آشامیدند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي الصباح الكناني قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن لحوم الأضاحي فقال كان علي بن الحسين و أبو جعفر صلوات الله عليهم يتصدقان بثلاث على جيرانهم و ثلاث على السؤال و ثلاث يمسكونه لأهل البيت. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو صباح کنانی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد گوشت قربانی پرسیدم.

فرمود: همواره حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما و حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه یک سوم آن را بر همسایگان خود صدقه می دادند، یک سوم آن را بر سؤال کنندگان و یک سوم آن را بر اهل خانه نگه می داشتند.

ص: ۲۸۲

۱- . الكافي ج ۴ ص ۴۹۹ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۴۹۹ ح ۳.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ إِخْرَاجِ لُحُومِ الْأَضَاحِيِّ مِنْ مَنِي فَقَالَ كُنَّا نَقُولُ لَا يُخْرَجُ مِنْهَا شَيْءٌ لِحَاجَةِ النَّاسِ إِلَيْهِ فَأَمَّا الْيَوْمَ فَقَدَ كَثُرَ النَّاسُ فَلَا بَأْسَ بِإِخْرَاجِهِ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه در مورد بیرون بردن گوشت قربانی از منا پرسیدم.

فرمود: ما پیشتر می گفتیم: چیزی از آن جا بیرون نرود، چرا که مردم به آن احتیاج دارند و اما امروز مردم زیاد شده اند بیرون بردنش ایرادی ندارد.

۳۴۳- تراشیدن سر و کوتاه نمودن مو و ناخن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ أَبِي شَيْبَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا حَلَقَ رَأْسَهُ بِمَنِي ثُمَّ دَفَنَهُ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَكُلُّ شَعْرَةٍ لَهَا لِسَانٌ طَلَّقَ تَلَبِّي بِاسْمِ صَاحِبِهَا. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابی شبل روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: هرگاه مؤمن سرش را در منا تراشد سپس آن را دفن کند روز قیامت در حالی می آید که هر موی او به زبان گویایی به نام او لبیک گوید.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ أَبِيانِ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ لِلرَّجُلِ أَنْ يَغْسِلَ رَأْسَهُ بِالْخَطْمِيِّ قَبْلَ أَنْ يَحْلِقَهُ قَالَ يُقَصِّرُ وَيَغْسِلُهُ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابان روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه گفتم: مرد می تواند پیش از تراشیدن، سر خود را با خطمی بشوید؟

فرمود: تقصیر نموده و بشوید.

ص: ۲۸۳

۱- . الكافي ج ۴ ص ۵۰۰ ح ۷.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۵۰۲ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۵۰۲ ح ۲.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمَ النَّحْرِ يَحْلِقُ رَأْسَهُ وَيُقَلِّمُ أَظْفَارَهُ وَيَأْخُذُ مِنْ شَارِبِهِ وَمِنْ أَطْرَافِ لِحْيَتِهِ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عبدالرحمن بن ابی عبد الله روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله در روز قربان سرش را می تراشید، ناخن می گرفت و از سیبیل ها و اطراف محاسنش را کوتاه می کرد.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذَا اشْتَرَيْتَ أَضْحِيَّتَكَ وَوَزَنْتَ ثَمَنَهَا وَصَارَتْ فِي رَحْلِكَ فَقَدْ بَلَغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَإِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَحْلِقَ فَاحْلِقْ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از علی بن ابی حمزه روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله عليه فرمود: چون قربانی خود را خریدی و مبلغ آن را دادی و در وسایل سفر قرار گرفت پس قربانی به محل خود رسیده است. پس اگر دوست داشتی سر تراشی پس بتراش.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: تُقَصِّرُ الْمَرْأَةُ مِنْ شَعْرِهَا لِعُمَرَتِهَا قَدْرَ أَنْمَلِهِ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابن ابی عمیر از یکی از اصحاب ما روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: زن برای بیرون آمدن از عمره به اندازه بند انگشت از موی خود کوتاه می کند.

۶- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ: أَنَّ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ خُرَّاسَانَ قَدِمَ حَاجًّا وَكَانَ أَقْرَعَ الرَّأْسِ لَا يُحْسِنُ أَنْ يُلَبِّيَ فَاسْتَفْتَى لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَأَمَرَ أَنْ يُلَبِّيَ عَنْهُ وَيَمَرَ الْمُوسَى عَلَى رَأْسِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ يُجْزِي عَنْهُ. (۴)

ص: ۲۸۴

۱- . الكافي ج ۴ ص ۵۰۲ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۵۰۲ ح ۴.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۵۰۳ ح ۱۱.

۴- . الكافي ج ۴ ص ۵۰۴ ح ۱۳.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: مردی از مردم خراسان به حج آمده بود، او کچل بود و خوب نمی توانست لبیک بگوید. در این مورد از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه استفتا (سؤال) نمودند.

پس حضرتش امر فرمود: به جای او لبیک گویند و تیغ را بر سر او بکشند، چرا که همان برای او کفایت می کند.

۳۴۴- مواردی که برای مرد پس از تراشیدن سر پیش از زیارت بیت از لباس و عطر حلال می شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سعيد بن يسار قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن المتمتع إذا حلق رأسه قبل أن يزور البيت يطليه بالحناء قال نعم الحناء والثياب والطيب وكل شيء إلا النساء رددها علي مرتين أو ثلاثه قال وسألت أبا الحسين صلوات الله عليها فقال نعم الحناء والثياب والطيب وكل شيء إلا النساء. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سعید بن یسار روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: کسی که حج تمتع انجام می دهد هرگاه سرش را تراشید پیش از این که بیت را زیارت نماید، می تواند حنا بمالد؟

فرمود: آری می تواند از حنا، لباس و عطر استفاده کند، جز ارتباط با زنان.

حضرتش این سخن را دوبار و یا سه بار برای من تکرار فرمود.

راوی گوید: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه در این مورد پرسیدم، حضرتش همان گونه پاسخ فرمود.

۳۴۵- حکم کسی که قربانی نیابد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زرارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا أَنَّهُ قَالَ: مَنْ لَمْ يَجِدْ هَدِيًّا وَ أَحَبَّ أَنْ يُقَدَّمَ الثَّلَاثَةَ الْأَيَّامِ فِي أَوَّلِ الْعَشْرِ فَلَا بَأْسَ. (۲)

ص: ۲۸۵

۱- . الكافي ج ۴ ص ۵۰۵ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۵۰۷ ح ۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر و یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما فرمود: هر کس قربانی نیافت و خواست سه روز روزه را بیشتر در اول دهه ذی حجه بگیرد ایرادی ندارد.

۲- الشيخ الكلینی، بإسناده عن معاوية بن عمارة عن أبي عبد الله صلوات الله علىه قال: سألته عن تمتع لم يجد هدياً قال يصوم ثلاثة أيام في الحج يوماً قبل التزويج و يوم التزويج و يوم عرفه قال قلت فإن فاتته ذلك قال يتسحر ليله الحصبه و يصوم ذلك اليوم و يومين بعده قلت فإن لم يقم عليه جماله أ يصومها في الطريق قال إن شاء صامها في الطريق و إن شاء إذا رجع إلى أهله. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمارة روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: کسی که برای حج تمتع آمده، اگر قربانی نیابد (چه وظیفه ای دارد؟)

فرمود: سه روز در ایام حج - که روز هفتم، روز هشتم و روز عرفه است - روزه می گیرد.

گوید: گفتم: اگر روزه آن سه روز از او فوت شد؟

فرمود: شب حصبه (کوچ از منا) سحرس خورده آن روز و دو روز بعد از آن را روزه می گیرد.

گفتم: اگر مسؤول کاروان درنگ نکرد آیا در راه روزه بگیرد؟

فرمود: اگر خواست در راه روزه می گیرد و اگر خواست هنگامی که به نزد خانواده اش رسید روزه می گیرد.

۳۴۶- زیارت بیت و غسل آن

۱- الشيخ الكلینی، بإسناده عن الحسين بن أبي العلاء قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله علىه عن الغسل إذا زار البيت من منى فقال أنا اغتسل من منى ثم أזור البيت. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسین بن ابی علا روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد غسل زیارت کعبه پرسیدم که چون از منا روانه زیارت بیت شود انجام دهد؟

فرمود: من در منا غسل می کنم آن گاه بیت را زیارت می کنم.

ص: ۲۸۶

۱- . الكافي ج ۴ ص ۵۰۷ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۵۱۱ ح ۱.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ غُسْلِ الزِّيَارَةِ يَغْتَسِلُ الرَّجُلُ بِاللَّيْلِ وَ يَزُورُ فِي اللَّيْلِ بِغُسْلِ وَاحِدٍ أَوْ يُجْزِئُهُ ذَلِكَ قَالَ يُجْزِئُهُ مَا لَمْ يُحْدِثْ مَا يُوجِبُ وَضُوءاً فَإِنْ أَحْدَثَ فَلْيُعِدْ غُسْلَهُ بِاللَّيْلِ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله عليه در مورد غسل زیارت پرسیدم که انسان شب هنگام یک غسل می کند و هنگام شب زیارت می کند آیا کفایت می کند؟

فرمود: از او کفایت می کند مادامی که کاری از او صادر نشود که موجب وضو شود و اگر کاری حادث شد پس شب هنگام غسلش را اعاده نماید.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: فِي زِيَارَةِ الْبَيْتِ يَوْمَ النَّحْرِ قَالَ زُرُّهُ فَإِنْ شُغِلَتْ فَلَا يَضُرُّكَ أَنْ تَزُورَ الْبَيْتَ مِنَ الْغَدِ وَلَا تُوَخَّرَهُ أَنْ تَزُورَ مِنْ يَوْمِكَ فَإِنَّهُ يُكْرَهُ لِلْمُتَمَتِّعِ أَنْ يُؤَخَّرَهُ وَ مُوسِعٍ لِلْمُفْرِدِ أَنْ يُؤَخَّرَهُ فَإِذَا أَتَيْتَ الْبَيْتَ يَوْمَ النَّحْرِ فَقُمْتَ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ قُلْتَ اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى نُسُكِكَ وَ سَلِّمْ لِي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَ أَنْ تَرْجِعَنِي بِحَاجَتِي إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ الْبَلْدُ بِلَدِّكَ وَ الْبَيْتُ بَيْنُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أَوْمُّ طَاعَتِكَ مُتَّبِعاً لِأَمْرِكَ رَاضِياً بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْمَطِيعِ لِأَمْرِكَ الْمُسْتَفِيقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ ثُمَّ تَأْتِي الْحَجْرَ الْأَسْوَدَ فَتَسْتَلِمُهُ وَ تُقْبَلُهُ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَاسْتَلِمْهُ بِيَدِكَ وَ قَبْلُ يَدِكَ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَاسْتَلِمْهُ وَ كَبِّرْ وَ قُلْ كَمَا قُلْتَ حِينَ طُفْتَ بِالْبَيْتِ يَوْمَ قَدِمْتَ مَكَّةَ ثُمَّ طُفَّ بِالْبَيْتِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ كَمَا وَصَفْتُ لَكَ يَوْمَ قَدِمْتَ مَكَّةَ ثُمَّ صَلِّ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَكَعَتَيْنِ تَقْرَأُ فِيهِمَا بِ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَ «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» ثُمَّ ارْجِعْ إِلَى الْحَجْرِ الْأَسْوَدِ فَقَبْلُهُ إِنْ اسْتَطَعْتَ وَ اسْتَلِمْهُ وَ كَبِّرْ ثُمَّ أَخْرُجْ إِلَى الصَّفَا فَاصْبِرْ عِدَّةً عَلَيْهِ وَ اصْبِرْ كَمَا صَبَرْنَا يَوْمَ دَخَلْتَ مَكَّةَ ثُمَّ إِنَّتِ الْمَرْوَةَ فَاصْبِرْ عِدَّةً عَلَيْهَا وَ طُفَّ بَيْنَهُمَا سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ تَبِيدُ بِالصَّفَا وَ تَخْتِمُ بِالْمَرْوَةِ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ أَحَلَّتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَحْرَمْتَ مِنْهُ إِلَّا النِّسَاءَ ثُمَّ ارْجِعْ إِلَى الْبَيْتِ وَ طُفَّ بِهِ أُسْبُوعاً آخَرَ ثُمَّ صَلِّ رَكَعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ

ص: ۲۸۷

إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ أَحَلَّتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَفَرَعَتْ مِنْ حَجِّكَ كُلَّهُ وَكُلِّ شَيْءٍ أُحْرِمْتَ مِنْهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمّار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد زیارت بیت در روز قربان فرمود: بیت را (در روز قربان) زیارت کن و اگر کار داشتی به تو ضرر نمی رساند که فردا بیت را زیارت کنی و آن را از همان روز به تأخیر مینداز، زیرا برای کسی که حج تمتع انجام می دهد مکروه است که آن را به تأخیر بیندازد و بر حج مفرد گذار اجازه داده شد که آن را به تأخیر بیندازد. پس هرگاه در روز قربان نزد بیت آمدی، درب مسجد می ایستی و می گویی:

«اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى نُسُوكِكَ وَ سَلِّمْنِي لَهُ وَ سَلِّمَهُ لِي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَ أَنْ تَرْجِعَنِي بِحَاجَتِي.

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أُوِّمُّ طَاعَتَكَ مُتَّبِعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمَضْطَّرِّ إِلَيْكَ الْمَطِيعِ لِأَمْرِكَ الْمُسْتَفِيقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوِكَ وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

سپس کنار حجر الاسود می آیی و آن را استلام نموده و می بوسی و اگر نتوانستی با دست استلام کن و آن را ببوس و اگر نتوانستی رو به روی آن بایست و «الله اکبر» بگو و دعایی را که موقع طواف در روزی که به کعبه آمدی بخوان و هفت شوط طواف بیت انجام بده، چنانچه روز آمدن به مکه بر تو توصیف نمودم، سپس دو رکعت نماز در پشت مقام حضرت ابراهیم علیه السلام بگزار که در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره کافرون را می خوانی.

آن گاه به کنار حجر الاسود برگرد، اگر نتوانستی آن را ببوس و رو به روی آن بایست و «الله اکبر» بگو، سپس بالای صفا برو و اعمالی را که روز آمدن به مکه انجام دادی، انجام بده.

سپس به طواف مروه برو و بالای آن صعود کن و هفت بار مابین آنها سعی کن که از صفا شروع نموده و در مروه تمام نمایی. چون این اعمال را انجام دادی همه چیزی که بر تو حرام بود، بر خود حلال نمودی جز زنان.

ص: ۲۸۸

سپس به طرف بیت برو و هفت شوط آن را طواف کن، سپس دو رکعت نزد مقام حضرت ابراهیم علیه السلام نماز گزار. با انجام این اعمال همه چیز - که بر تو حرام بوده - بر تو حلال شده و از کل حج فارغ گشته ای.

۳۴۷- طواف نساء

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أحمد بن محمد قال قال أبو الحسن صلوات الله عليه: في قول الله عز وجل: {وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ} قَالَ طَوَّافُ الْفَرِيضَةِ طَوَّافُ النَّسَاءِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از احمد بن محمد روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه در مورد تفسیر گفتار خداوند عز و جل که می فرماید: {باید بر گرد بیت عتیق طواف کنند}. (سوره حج آیه ۲۹) فرمود: منظور طواف واجب و طواف نساء است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن إسحاق بن عمار عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: لو لا ما من الله عز وجل على الناس من طواف النساء لرجع الرجل إلى أهله وليس يحل له أهله. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: اگر نبود که خداوند عز و جل به مردم (شیعیان) به انجام طواف نساء منت نهاد، مرد در حالی به طرف همسرش برمی گشت که بر او حلال نبود.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحسين بن علي بن يقطين قال: سألت أبا الحسن صلوات الله عليه عن الخضيان والمرأة الكبيرة عليهن طواف النساء قال نعم عليهن الطواف كلهن. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسین بن علی بن یقطين روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله علیه پرسیدم: آیا طواف نساء به فرد اخته شده و پیرزن واجب است؟

فرمود: آری، بر همه آنها طواف نساء است.

ص: ۲۸۹

۱- . الكافي ج ۴ ص ۵۱۲ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۵۱۳ ح ۳.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۵۱۳ ح ۴.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَجُلٌ نَسِيَ طَوَافَ النِّسَاءِ حَتَّى دَخَلَ أَهْلَهُ قَالَ لَا تَحِلُّ لَهُ النِّسَاءُ حَتَّى يَزُورَ الْبَيْتَ وَقَالَ يَا مَعْزُومٌ أَنْ يُقْضَى عَنْهُ إِنْ لَمْ يَحْجَّ فَإِنْ تُوُفِّيَ قَبْلَ أَنْ يُطَافَ عَنْهُ فَلْيَقْضِ عَنْهُ وَوَلِيِّهِ أَوْ غَيْرِهِ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: مردی طواف نساء را فراموش کرد و نزد خانواده خود رفت، (چه حکمی دارد؟)

فرمود: زنان بر او حلال نیستند تا بیت را زیارت کند.

و فرمود: اگر خود به حج نرود دستور می دهد که از جانب او طواف را به جا می آورند و اگر پیش از طواف بمیرد ولی او یا دیگری از جانب او طواف را به جا می آورند.

۳۴۸- حکم کسی که شب هنگام در منا بیتوته کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَا تَبْتَ لَيْلِي التَّشْرِيقِ إِلَّا بِمَنَى فَإِنْ بَتَّ فِي غَيْرِهَا فَعَلَيْكَ دَمٌ وَإِنْ خَرَجْتَ أَوَّلَ اللَّيْلِ فَلَا يَتَنَصَّفُ لَكَ اللَّيْلُ إِلَّا وَأَنْتَ بِمَنَى إِلَّا أَنْ يَكُونَ شُعْلُكَ بِنُسُكِكَ أَوْ قَدْ خَرَجْتَ مِنْ مَكَّةَ وَإِنْ خَرَجْتَ نِصْفَ اللَّيْلِ فَلَا يَضُرُّكَ أَنْ تُصْبِحَ بِغَيْرِهَا قَالُوا وَسَيَأْتِيهِ عَنْ رَجُلٍ زَارَ عِشَاءً فَلَمْ يَزَلْ فِي طَوَافِهِ وَدُعَائِهِ وَفِي السَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ قَالَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ كَانَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: شب های تشریق (یازدهم، دوازدهم و سیزدهم) جز در منا نمان و اگر در غیر آن ماندی بر ذمه تو قربانی است و اگر شب اول بیرون رفتی تا نصف شب نشده برگرد مگر این که کار تو در مورد مناسکت باشد که از مکه بیرون رفته باشی و اگر نصف شب بیرون رفته باشی ایرادی ندارد که در غیر آن جا صبح کنی.

گوید: از حضرتش پرسیدم: مردی شب هنگام وقت خفتن بیت را زیارت نمود و پیوسته در طواف و دعا و سعی بین صفا و مروه بود تا صبح شد.

ص: ۲۹۰

۱- . الكافي ج ۴ ص ۵۱۳ ح ۵.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۵۱۴ ح ۱.

فرمود: بر او ایرادی نیست. او در اطاعت خداوند بود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عيص بن القاسم قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن الزياره من منى قال إن زار بالليل أو عشاء فلا ينفجر الفجر إلا وهو بمنى وإن زار بعد نصف الليل وأسحر فلا بأس أن ينفجر الفجر وهو بمكة. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عیص بن قاسم روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد رفتن برای طواف زیارت از منا پرسیدم.

فرمود: اگر فردی روز و یا موقع خفتن به زیارت برود تا طلوع فجر نشده باید در منا باشد و اگر بعد از نصف شب به زیارت رفت و سحر شد، ایرادی ندارد که در طلوع فجر در مکه باشد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن جميل عن بعض أصحابنا: في رجل زار ألبیت فنام في الطريق قال إن بات بمكة فعليه دم وإن كان قد خرج منها فليس عليه شيء ولو أصبح دون منى.

و في روايه أخرى عن أبي عبد الله صلوات الله عليه: في الرجل يزور فينام دون منى قال إذا جاز عقبه المدينتين فلا بأس أن ينأى. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جمیل از یکی از اصحاب ما روایت کرده که گفت: حضرتش در مورد مردی که در راه (مکه به منا) خوابید فرمود: اگر شب در مکه ماند (شب یازدهم ذی حجه) بر ذمّه او قربانی است و اگر از مکه (به طرف منا) بیرون رفته چیزی بر ذمّه او نیست، گرچه در غیر منا صبح کند.

در روایت دیگری آمده است: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد کسی که خانه کعبه را زیارت می کند و در غیر منا می خوابد فرمود: اگر از عقبه مدنی ها بگذرد ایرادی برای خوابیدنش نیست.

۳۴۹- تکبیر در ایام تشریق

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمارة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: التكبير أيام التشریق من صلاة الظهر يوم النحر إلى صلاة العصر من آخر أيام التشریق إن أنت أقمت بمنى وإن أنت خرجت فليس عليك التكبير والتكبير أن تقول: الله أكبر الله

ص: ۲۹۱

۱- الكافي ج ۴ ص ۵۱۴ ح ۲.

۲- الكافي ج ۴ ص ۵۱۵ ح ۳.

أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمِهِ الْأَنْعَامِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنْبَأْنَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

تکبیر در ایام تشریق (روز یازدهم، دوازدهم و سیزدهم) از نماز ظهر روز قربان تا نماز عصر آخر روز تشریق است اگر در منا باشی و اگر بیرون رفتی بر تو تکبیر نیست و تکبیر این گونه است که بگویی:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمِهِ الْأَنْعَامِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنْبَأْنَا».

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ فَاتَتْهُ رَكْعَةٌ مَعَ الْإِمَامِ مِنَ الصَّلَاةِ أَيَّامَ التَّشْرِيقِ قَالَ يُتِمُّ صَلَاتَهُ ثُمَّ يُكَبِّرُ قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ التَّكْبِيرِ بَعْدَ كُلِّ صَلَاةٍ فَقَالَ كَمْ شِئْتَ إِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ مُوقَّتٌ يَعْنِي فِي الْكَلَامِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم گوید: از حضرت امام محمد باقر و یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما پرسیدم: کسی که در روزهای تشریق یک رکعت از نماز جماعت از او فوت شد (چه وظیفه ای دارد؟)

فرمود: نماز را تمام می کند سپس تکبیر می گوید.

گوید: از امام صلوات الله علیه در مورد عدد تکبیر بعد از هر نماز پرسیدم.

فرمود: هر چقدر خواستی بگو، عدد معینی ندارد.

۳۵۰- اتمام نماز در حرم مکه و مدینه

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن إِبْرَاهِيمَ بْنِ شَيْبَةَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَسْأَلُهُ عَنِ إِتْمَامِ الصَّلَاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ فَكَتَبَ إِلَيَّ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يُحِبُّ إِكْتِنَارَ الصَّلَاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ فَأَكْثَرَ فِيهِمَا وَ أَتَمَّ. (۳)

ص: ۲۹۲

۱- . الكافي ج ۴ ص ۵۱۷ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۵۱۷ ح ۵.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۵۲۴ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابراهیم بن شیبه روایت کرده که گفت: نامه ای خدمت حضرت امام محمد تقی جواد صلوات الله علیه نوشتم و در مورد اتمام نماز در حریم پرسیدم؟

آن حضرت در پاسخ نوشت: رسول الله صلی الله علیه و آله دوست می داشت که در حریم نماز بیشتر خوانده شود. پس در آنها نماز بسیار بگزار و به صورت تمام بخوان.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ إِتْمَامِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ فِي الْحَرَمَيْنِ فَقَالَ أَتَمَّهَا وَ لَوْ صَلَاةً وَاحِدَةً. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عثمان بن عیسی روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه در مورد تمام نماز و گرفتن روز در حریم پرسیدم.

فرمود: نماز را تمام بخوان گرچه یک نماز باشد.

۳۵۱- وداع با کعبه

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مَعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ مَكَّةَ وَ تَأْتِيَ أَهْلَكَ فَوَدِّعِ الْبَيْتَ وَ طُفَّ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعًا وَ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَسْتَلِمَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَ الرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ فِي كُلِّ شَوْطٍ فَافْعَلْ وَ إِلَّا فَافْتَحْ بِهِ وَ اخْتِمْ بِهِ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ ذَلِكَ فَمُوسِعْ عَلَيْكَ ثُمَّ تَأْتِي الْمُسَيِّجَةَ فَتَضَعُ عِنْدَهُ كَمَا صَنَعْتَ يَوْمَ قَدِمْتَ مَكَّةَ وَ تَحَيِّرْ لِنَفْسِكَ مِنَ الدُّعَاءِ ثُمَّ اسْتَلِمِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ ثُمَّ أَلْصِقْ بَطْنَكَ بِالْبَيْتِ تَضَعُ يَدَكَ عَلَى الْحَجْرِ وَ الْأُخْرَى مِمَّا يَلِي الْبَابَ وَ إِحْمَدِ اللَّهَ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ وَ صِلْ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ثُمَّ قُلِ اللَّهُمَّ صِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ وَ حَبِيبِكَ وَ نَجِيكَ وَ خَيْرِ تَكَّ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ وَ جَاهِدْ فِي سَبِيلِكَ وَ صِدِّعْ بِأَمْرِكَ وَ أُوذِي فِي جَنبِكَ وَ عَبْدَكَ حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينُ اللَّهُمَّ اِقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفِدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَ الْبَرَكَهِ وَ الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْعَافِيَةِ اللَّهُمَّ إِنْ أَمَّنِّي فَاغْفِرْ لِي وَ إِنْ أَحْيَيْتَنِي فَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ اللَّهِمْ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ بَيْتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ أُمَّتِكَ حَمَلْتَنِي عَلَى دَوَابِّكَ وَ سَيَّرْتَنِي فِي بِلَادِكَ حَتَّى أَقْدَمْتَنِي حَرَمَكَ وَ أَمْنَكَ وَ قَدْ كَانَ فِي حُسْنِ ظَنِّي بِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي فَإِنْ كُنْتَ قَدْ غَفَرْتَ لِي ذُنُوبِي فَازِدْ عَنِّي رِضًا وَ

ص: ۲۹۳

قَرَّبَنِي إِلَيْكَ زُلْفَىٰ وَلَا تُبَاعِدْنِي وَإِنْ كُنْتَ لَمْ تَغْفِرْ لِي فَمِنَ الْآنَ فَاعْفِرْ لِي قَبْلَ أَنْ تَتَأَيَّ عَنْ بَيْتِكَ دَارِي فَهَذَا أَوْ أَنْ أَنْصِرَ رَافِي إِنْ كُنْتُ أَذْنَتْ لِي غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ وَلَا عَنْ بَيْتِكَ وَلَا مُسْتَبَدِّلٍ بِكَ وَلَا بِهِ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي حَتَّىٰ تُبَلِّغَنِي أَهْلِي فَإِذَا بَلَغْتَنِي أَهْلِي فَكَفِّنِي مَثْوَاهُ عِبَادِكَ وَعِيَالِي فَإِنَّكَ وَلِيُّ ذَلِكُمْ مِنْ خَلْقِكَ وَمَنِّي ثُمَّ إِنَّتِ زَمْرَمَ فَاشْرَبْ مِنْ مَائِهَا ثُمَّ أَخْرُجْ وَقُلْ آيُّونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ إِلَىٰ اللَّهِ رَاغِبُونَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ قَالَ وَإِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَمَّا وَدَّعَهَا وَارَادَ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ خَرَّ سَاجِدًا عِنْدَ بَابِ الْمَسْجِدِ طَوِيلًا ثُمَّ قَامَ فَخَرَجَ. (١)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمّار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر گاه خواستی از مکه به سوی وطن بروی، پس بیت را وداع کرده و هفت شوط به آن طواف کن و اگر توانستی در هر شوط به حجر الاسود و رکن یمانی دست بزنی این کار را انجام بده و گرنه از (حجر الاسود) شروع کن و به آن به پایان برسان و اگر آن را هم نتوانستی ایرادی ندارد.

سپس کنار مستجار بیا و کنار آن همان اعمالی را که در روز ورود به مکه انجام دادی، انجام می دهی و برای خود دعا کن.

سپس حجر الاسود را استلام کن، آن گاه شکمت را به کعبه بچسبان که یک دستت در حجر الاسود و دست دیگری نزدیک در کعبه باشد و حمد و ثنای خدا کن و درود بر پیامبر صلی الله علیه و اله بفرست آن گاه بگو:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَآمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ.

اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأَوْذَىٰ فِي جَنْبِكَ وَعَبَدَكَ حَتَّىٰ آتَاهُ الْيَقِينُ.

اللَّهُمَّ اِقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَهِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ.

اللَّهُمَّ إِنْ أَمَّتَنِي فَاعْفِرْ لِي وَإِنْ أَحْيَيْتَنِي فَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ اللَّهِ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ بَيْتِكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَإِبْنُ عَبْدِكَ وَإِبْنُ أُمَّتِكَ حَمَلْتَنِي عَلَىٰ دَوَابِّكَ وَسَيَّرْتَنِي فِي بِلَادِكَ حَتَّىٰ أَقْدَمْتَنِي حَرَمَكَ وَأَمْنَكَ وَقَدْ كَانَ فِي حُسْنِ ظَنِّي بِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي فَإِنْ كُنْتَ قَدْ غَفَرْتَ لِي ذُنُوبِي فَارْزُدْ عَنِّي رِضًا وَ

ص: ٢٩٤

قَرَّبَنِي إِلَيْكَ زُلْفَى وَلَا تُبَاعِدْنِي وَإِنْ كُنْتَ لَمْ تَغْفِرْ لِي فَمِنَ الْآنَ فَاعْفِرْ لِي قَبْلَ أَنْ تَتَأَيَّ عَنْ بَيْتِكَ دَارِي فَهَذَا أَوْانُ أَنْصِرَ رَافِي إِنْ كُنْتُ أَذْنْتُ لِي غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ وَلَا عَنْ بَيْتِكَ وَلَا مُسْتَبَدِّلٍ بِكَ وَلَا بِهِ.

اللَّهُمَّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي حَتَّى تُبَلِّغَنِي أَهْلِي فَأِذَا بَلَّغْتَنِي أَهْلِي فَاصْفِرْ لِي مَثْوَاهُ عِبَادِكَ وَ عِيَالِي فَإِنَّكَ وَلِيُّ ذَلِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ مَنِّي.

سپس به کنار زمزم بیا و از آب آن بیاشام. آن گاه بیرون رو و بگو: «آهَبُونَ تَاهِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ إِلَهِي رَبَّنَا رَاغِبُونَ إِلَيْهِ اللَّهُ رَاغِبُونَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

راوی گوید: هنگامی که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه خواست بیت را وداع کند و از مسجد الحرام بیرون رود کنار در مسجد به سجده افتاد و سجده طولانی نمود، سپس برخاست و بیرون رفت.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هُوَ ذَا أَخْرُجُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمِنْ أَيْنَ أُودِعَ الْبَيْتَ قَالَ تَأْتِي الْمُسْتَجَارَ بَيْنَ الْحَجْرِ وَالْبَابِ فِتْوَدُّعُهُ مِنْ تَمَّ ثُمَّ تَخْرُجُ فَتَشْرَبُ مِنْ زَمْرَمَ ثُمَّ تَمْضِي فَقُلْتُ أَصْبُ عَلَى رَأْسِي فَقَالَ لَا تَقْرَبِ الصَّبَّ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو اسماعیل روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتیم: سؤال من این است که وقتی از مکه بیرون میروم قربانت کردم! از کجا بیت را وداع کنم؟

فرمود: نزد مستجار که میان حجر الاسود و در کعبه است می آیی و از آن جا بیت را وداع می کنی، سپس کنار چاه زمزم می روی و از آب آن می نوشی بعد می روی.

گفتم: می توانم از آب آن به سرم بریزم؟

فرمود: نریز.

۳۵۲- انجام عمره مفرده و فرق عمره مفرده با حج تمتع

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِنَّ عَلَيَّ صَلَوَاتَ اللَّهِ عَلَيْهِ كَأَن يَقُولُ فِي كُلِّ شَهْرٍ عُمْرَةً. (۲)

ص: ۲۹۵

۱- . الكافي ج ۴ ص ۵۳۲ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۵۳۴ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یونس بن یعقوب روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: علی صلوات الله علیه می فرمود: انجام عمره در هر ماه است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَا بَأْسَ بِالْعُمْرَةِ الْمَفْرَدَةِ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى أَهْلِهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: ایرادی ندارد کسی عمره مفرده را در ماههای حج انجام دهد، آن گاه به سوی خانواده اش برگردد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ مِنْ أَيْنَ افْتَرَقَ الْمُتَمَتِّعُ وَالْمُعْتَمِرُ فَقَالَ إِنَّ الْمُتَمَتِّعَ مُرْتَبِطٌ بِالْحَجِّ وَالْمُعْتَمِرُ إِذَا فَرَغَ مِنْهَا ذَهَبَ حَيْثُ شَاءَ وَقَدْ اعْتَمَرَ الْحَسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فِي ذِي الْحِجَّةِ ثُمَّ رَاحَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ إِلَى الْعِرَاقِ وَالنَّاسُ يَزُوحُونَ إِلَيَّ مِنْي وَلَا بَأْسَ بِالْعُمْرَةِ فِي ذِي الْحِجَّةِ لِمَنْ لَا يُرِيدُ الْحَجَّ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: فرق کسی که حج تمتع انجام می دهد با کسی که عمره انجام می دهد چیست؟

فرمود: کسی که حج تمتع انجام می دهد متصل به حج است و کسی که عمره انجام می دهد چون از آن فارغ شد هر جا خواست می رود و حضرت حسین بن علی صلوات الله علیهما در ذی حجه عمره انجام داد و روز ترویبه به سوی عراق حرکت کرد که مردم به سوی منا می رفتند و ایرادی ندارد کسی که قصد انجام حج ندارد در ذی حجه عمره انجام دهد.

۳۵۳- حکم قطع لبیک گفتن محرم عمره مفرده و اعمال واجب بر او

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: يُقَطَّعُ تَلْبِيَةُ الْمُعْتَمِرِ إِذَا دَخَلَ الْحَرَمَ. (۳)

ص: ۲۹۶

۱- . الكافي ج ۴ ص ۵۳۴ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۵۳۵ ح ۴.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۵۳۷ ح ۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: هنگامی که عمره کننده وارد حرم شد لبیک گفتن قطع می شود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: إِذَا قَدِمَ الْمُعْتَمِرُ مَكَّةَ وَ طَافَ وَ سَعَى فَإِنْ شَاءَ فَلْيَمُضْ عَلَى رَاحِلَتِهِ وَ لِيَلْحَقْ بِأَهْلِهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: هرگاه کسی که عمره مفرده انجام می دهد وارد مکه شد و طواف و سعی نمود، اگر خواست می تواند بر مرکبش سوار شود و به نزد اهله برود.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِتَّانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي الرَّجُلِ يَجِيءُ مُعْتَمِرًا عُمَرَهُ مَبْتُولَةً قَالَ يُجْزِيهِ إِذَا طَافَ بِالْبَيْتِ وَ سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ حَلَقَ أَنْ يَطُوفَ طَوَافًا وَاحِدًا بِالْبَيْتِ وَ مَنْ شَاءَ أَنْ يَقْصِرَ قَصْرًا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن ستان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد مردی که برای انجام عمره مفرده می آید فرمود: هنگامی که طواف بیت و سعی صفا و مروه نمود و سرش را تراشید از او کفایت می کند که یک طواف به بیت کند و اگر خواست می تواند تقصیر کند.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن عُمَرَ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: الْمُعْتَمِرُ يَطُوفُ وَ يَسْعَى وَ يَحْلِقُ قَالَ وَ لَا بُدَّ لَهُ بَعْدَ الْحَلْقِ مِنْ طَوَافٍ آخَرَ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمر، یا راوی دیگری روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: کسی که عمره انجام می دهد می تواند طواف نماید، سعی کند و حلق نماید؟

فرمود: او باید پس از حلق طواف دیگری انجام دهد.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن إِسْمَاعِيلَ بْنِ رِيَّاحٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مُفْرَدِ الْعُمَرَةِ عَلَيْهَا طَوَافُ النِّسَاءِ قَالَ نَعَمْ. (۴)

ص: ۲۹۷

۱- . الكافي ج ۴ ص ۵۳۷ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۵۳۸ ح ۶.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۵۳۸ ح ۷.

۴- . الكافي ج ۴ ص ۵۳۸ ح ۸.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسماعیل بن ریح روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه پرسیدم: کسی که از عمره مفرده انجام می دهد آیا طواف نساء نیز باید انجام دهد؟

فرمود: آری.

۳۵۴- حکم کسی که در حال احرام به عمره مفرده با همسرش نزدیکی می کند و کفاره آن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أحمد بن أبي علي عن أبي جعفر صلوات الله عليه: في رجلٍ اعتمرَ عمره مفرده فوطئ أهله وهو مُحْرِمٌ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ مِنْ طَوَافِهِ وَ سَعْيِهِ قَالَ عَلَيْهِ يَدْنُهُ لِفَسَادِ عُمْرَتِهِ وَ عَلَيْهِ أَنْ يُقِيمَ بِمَكَّةَ حَتَّى يَدْخُلَ شَهْرَ آخِرٍ فَيُخْرِجَ إِلَى بَعْضِ الْمَوَاقِيتِ فَيُحْرِمَ مِنْهُ ثُمَّ يَعْتِمِرَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از احمد بن ابو علی روایت کرده که گفت: حضرت امام باقر صلوات الله علیه در مورد کسی که محرم به احرام عمره مفرد است و در حال احرام پیش از این که طواف و سعی خود به پایان برساند با همسر خود نزدیکی می کند فرمود: قربانی یک شتر بر ذمیّه اوست چرا که عمره او باطل شده است و بر او لازم است که تا ماه دیگر در مکه بماند و به یکی مواقیت برود و از آن جا محرم شود آن گاه عمره را انجام دهد.

۳۵۵- کامل شدن حج، با دیدار امام و زیارت رسول الله و ائمه اطهار صلوات الله عليهم است

۱- الشيخ الصدوق، بإسناده عن إسماعيل بن مهران عن الصادق صلوات الله عليه قال: إذا حج أحدكم فليحتم حجه بزيارتنا لأن ذلك من تمام الحج. (۲)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از اسماعیل بن مهران روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: اگر یکی از شما به حج رود، باید حج خود را با زیارت ما به پایان رساند؛ چرا که دیدار با امام، به خاطر کامل شدن حج است.

ص: ۲۹۸

۱- . الکافی ج ۴ ص ۵۳۸ ح ۱.

۲- . عیون الأخبار ج ۲ ص ۲۶۲. بحار الانوار ج ۹۶ ص ۳۷۴ ح ۱.

۲- الشيخ الصدوق، بإسناده عن جابر عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از جابر روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: کامل شدن حج، دیدار با امام است.

۳- الشيخ الصدوق، بإسناده عن زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِنَّمَا أَمَرَ النَّاسُ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَحْجَارَ فَيَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُخْبِرُونَا بِوَلَايَتِهِمْ وَيَعْرِضُوا عَلَيْنَا نَضْرَهُمْ. (۲)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: مردم مأمور شده اند که نزد سنگ ها بیایند و به گرد آن ها طواف کنند و سپس به نزد ما بیایند و ولایت خود را به ما خبر دهند و یاری خویش را بر ما عرضه کنند.

بخش های مربوط به زیارت ها

۳۵۶- زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابنِ أَبِي نَجْرَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا لِمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُتَعَمِّدًا فَقَالَ لَهُ أَلَجَنَّهُ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن ابی نجران روایت کرده که گفت: به حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه گفتم: قربانت کردم! کسی که از روی آگاهی به زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله مشرف شود چه پاداشی دارد؟ فرمود: بهشت برای اوست.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الْمُعَلَّى أَبِي شَهَابٍ قَالَ: قَالَ الْحُسَيْنُ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا أَبَتَاهُ مَا لِمَنْ زَارَكَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا

ص: ۲۹۹

۱- . عيون الأخبار ج ۲ ص ۲۶۲. بحار الانوار ج ۹۶ ص ۳۷۴ ح ۲.

۲- . عيون الأخبار ج ۲ ص ۲۶۲. بحار الانوار ج ۹۶ ص ۳۷۴ ح ۳.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۵۴۸ ح ۱.

بُنِيَ مَنْ زَارَنِي حَيًّا أَوْ مَيِّتًا أَوْ زَارَ أَبَاكَ أَوْ زَارَ أَخَاكَ أَوْ زَارَكَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَخْلَصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معلی ابی شهاب روایت کرده که گفت: حضرت امام حسین صلوات الله علیه به رسول الله صلی الله علیه و آله عرضه داشت: ای پدر! پاداش کسی که تو را زیارت نماید چیست؟

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: ای پسر! هر کس مرا در دوران زندگیم یا پس از مرگم زیارت کند، یا پدرت یا برادرت یا تو را زیارت نماید برعهده من است که او را در روز قیامت زیارت نموده و از گناهانش خلاص نمایم.

۳۵۷- فضیلت بازگشت به مدینه

۱- الشیخ الكلینی، یاسناده عَنْ سَدِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: اِبْدَءُوا بِمَكَّةَ وَ اِخْتِمُوا بِنَا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سدیر روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: حج را با مکه آغاز کنید و با زیارت ما به پایان برسانید.

۳۵۸- ورود به مدینه، زیارت رسول الله صلی الله علیه و آله و دعا نزد بارگاه آن حضرت

۱- الشیخ الكلینی، یاسناده عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذَا دَخَلْتَ الْمَدِينَةَ فَاعْتَسِلْ قَبْلَ أَنْ تَدْخُلَهَا أَوْ حِينَ تَدْخُلَهَا ثُمَّ تَأْتِي قَبْرَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ثُمَّ تَقُومُ فَتَسْلِمُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ثُمَّ تَقُومُ عِنْدَ الْأُسْطُوَانَةِ الْمُقَدَّمَةِ مِنْ جَانِبِ الْقَبْرِ الْأَيْمَنِ عِنْدَ رَأْسِ الْقَبْرِ عِنْدَ زَاوِيَةِ الْقَبْرِ وَ أَنْتِ مُسْتَقْبِلَةُ الْقِبْلَةِ وَ مَنْكِبُكَ الْأَيْسَرُ إِلَى جَانِبِ الْقَبْرِ وَ مَنْكِبُكَ الْأَيْمَنُ مِمَّا يَلِي الْمُنْتَبَرِ فَإِنَّهُ مَوْضِعُ رَأْسِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ تَقُولُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حِدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رَسُولَاتِ رَبِّكَ وَ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَبْدتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ بِالْحُكْمِهِ وَ

ص: ۳۰۰

۱- . الكافي ج ۴ ص ۵۴۸ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۵۵۰ ح ۱.

الْمَوْعِظَةَ الْحَسَنَةَ وَ أَدَيْتَ الَّذِي عَلَيَّكَ مِنَ الْحَقِّ وَ أَنْتَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ غُلِظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ فَبَلِّغِ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفِ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشُّرُكِ وَ الضَّلَالَةِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ وَ مَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ وَ نَجِيِّكَ وَ حَبِيبِكَ وَ صَفِيِّكَ وَ خَاصَّتِكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ وَ الوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَ الْآخِرُونَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ: وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ لَجَؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً وَ إِنِّي أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي وَ إِنِّي أَتَوَّجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكَ لِيُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَ إِنْ كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ فَاجْعَلْ قَبْرَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ خَلْفَ كَتِفَيْكَ وَ اسْتَقْبِلِ الْقَبْلَةَ وَ ارْزُقْ يَدَيْكَ وَ اسْأَلْ حَاجَتَكَ فَإِنَّكَ أَعْرَى أَنْ تُقْضَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (١)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمّار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هنگامی که وارد مدینه شدی پیش از ورود و یا به هنگام ورود غسل کن آن گاه کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله بیا، سپس بایست و بر رسول الله صلی الله علیه و آله سلام کن، آن گاه نزد ستون اول که در سمت راست بخش بالای سر در گوشه آن رو به قبله که شانۀ چپت به طرف قبر باشد و شانۀ راستش به طرف منبر که موضع سر مبارک رسول الله صلی الله علیه و آله است، می ایستی و می گویی: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَ نَصَيْحَتِ لَأُمَّتِكَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ أَدَيْتَ الَّذِي عَلَيَّكَ مِنَ الْحَقِّ وَ أَنْتَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ غُلِظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ فَبَلِّغِ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفِ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشُّرُكِ وَ الضَّلَالَةِ.

ص: ۳۰۱

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ وَ مَنْ سَخَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوْلِينَ وَ الْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ وَ نَجِيِّكَ وَ حَبِيبِكَ وَ صَفِيِّكَ وَ خَاصَّتِكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ.

اللَّهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ وَ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَعْطُوه بِهِ الْأَوْلُونَ وَ الْآخِرُونَ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ: وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَّهْتَهُمُ اللَّهُ تَوَّاباً رَحِيماً وَ إِنِّي أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي وَ إِنِّي أَتَوَّجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكَ لِيَعْفِرَ لِي ذُنُوبِي».

و اگر حاجتی داری، قبر آن حضرت را پشت شانۀ هایت قرار ده و روبه قبله شو و دست هایت را بلند کن و حاجت خود را بخواه که شایسته است که ان شاء الله حاجت تو بر آورده شود.

۲- الشیخ الکلبینی، باسناده عن أحمد بن محمد بن أبي نصر قال: قلت لأبي الحسن صلوات الله عليه كيف السَّلام على رسول الله صلى الله عليه وآله عند قبره فقال قل: السَّلام على رسول الله السَّلام عليك يا حبيب الله السَّلام عليك يا صفيوه الله السَّلام عليك يا أمين الله أشهد أنك قد نصحت لأمتك وجاهدت في سبيل الله وعبدته حتى أتاك اليقين فجزاك الله أفضل ما جزى نبياً عن أمته اللهم صل على محمد و آل محمد أفضل ما صليت على إبراهيم و آل إبراهيم إنك حميد مجيد. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از احمد بن محمد بن ابی نصر روایت کرده که گفت: به حضرت امام رضا صلوات الله علیه گفتم: چگونه به رسول الله صلى الله علیه و آله کنار قبرش سلام دهیم؟

فرمود: بگو: «السَّلام على رسول الله، السَّلام عليك يا حبيب الله، السَّلام عليك يا صفيوه الله، السَّلام عليك يا أمين الله، أشهد أنك قد نصحت لأمتك وجاهدت في سبيل الله وعبدته حتى أتاك اليقين فجزاك الله أفضل ما جزى نبياً عن أمته».

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ».

ص: ۳۰۲

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَهُمْ: مُرُّوا بِالْمَدِينَةِ فَسَلِّمُوا عَلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ قَرِيبٍ وَإِنْ كَانَتِ الصَّلَاةُ تَبْلُغُهُ مِنْ بَعِيدٍ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: به شهر مدینه سفر نمایید و از نزدیک به رسول الله صلى الله عليه و آله سلام کنید، اگرچه از دور هم به آن حضرت سلام می رسد.

۳۵۹- زیارت ائمه بقیع صلوات الله عليهم

۱- هر گاه به قبرستان بقیع آمدی آن را مقابل خود قرار ده سپس بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمَّةَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ الْحُجَّهَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ الْقَوْمَ فِي الْبَرِيَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى.

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَكُذِّبْتُمْ وَأُسِيءَ إِلَيْكُمْ فَعَفَوْتُمْ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيُّمَّةَ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ وَأَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ وَأَنَّ قَوْلَكُمْ الصَّادِقُ.

وَ أَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجِئُوا وَ أَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا وَ أَنْكُمْ دَعَائِمُ الدِّينِ وَ أَرْكَانُ الْأَرْضِ وَ لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ يَنْسِيْكُمْ فِي أَصْيَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ وَ يَنْقُلُكُمْ فِي أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ تُدْنَسِيْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ وَ لَمْ تَشْرَكَ فِيكُمْ فَتَنُ الْأَهْوَاءِ طِبْتُمْ وَ طَابَ مِنْتُكُمْ مَنْ بَكُمْ عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَدْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ جَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَ كَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا إِذَا اخْتَارَكُمْ لَنَا وَ طَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنَّ بِهِ عَلَيْنَا مِنْ وَلَايَتِكُمْ وَ كُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّينَ بِفَضْلِكُمْ مُعْتَرِفِينَ بِتَضَدِّيقِنَا إِيَّاكُمْ.

وَ هَذَا مَقَامٌ مِنْ أَسْرَفٍ وَ أَخْطَا وَ اسْتَكَانَ وَ أَقْرَبَ بِمَا جَنَى وَ رَجَا بِمَقَامِهِ الْخَلَاصَ وَ أَنْ يَسْتَنْفِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْفِذُ الْهَلَكِي مِنَ الرَّذَى فَكُونُوا لِي شَفَعَاءَ فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذَا رَغَبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَ اتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو وَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو وَ مُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ لَكَ الْمَنْ بِمَا وَفَّقْتَنِي وَ عَرَّفْتَنِي مِمَّا ائْتَمَنْتَنِي عَلَيْهِ إِذْ صَدَّ عَنْهُمْ عِبَادُكَ وَ جَهَلُوا

ص: ۳۰۳

مَعْرِفَتُهُمْ وَاسْتَحْفُوا بِحَقِّهِمْ وَ مَالُوا إِلَى سِوَاهُمْ فَكَانَتْ أَلِمْنَهُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ.

فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكُورًا مَكْتُوبًا وَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ وَلَا تَحْيَبْنِي فِيَمَا دَعَوْتُ. (۱)

و آن چه دوست داری برای خودت دعا بکن.

۳۶۰- زیارت مشاهد و قبور شهداء

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَا تَأْتِي الْمَسَاجِدَ الَّتِي حَوْلَ الْمَدِينَةِ فَبِأَيِّهَا أِبْدَأُ فَقَالَ ابْدَأْ بِقُبَا فَصَلِّ فِيهِ وَ أَكْثِرْ فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَسْجِدٍ صَلَّى فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي هَذِهِ الْعَرَضَةِ ثُمَّ إِنَّتِ مَشْرَبَهُ أُمَّ إِبْرَاهِيمَ فَصَلِّ فِيهَا وَ هِيَ مَسْجِدُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ مُصَلَّاهُ ثُمَّ تَأْتِي مَسْجِدَ الْفَضِيخِ فَتُصَلِّي فِيهِ فَقَدْ صَلَّى فِيهِ نَبِيِّكَ فَإِذَا قَضَيْتَ هَذَا الْجَانِبَ أَتَيْتَ جَانِبَ أُحُدٍ فَيَدَأْتُ بِالْمَسْجِدِ الَّذِي دُونَ الْحَرَّةِ فَصَلِّ فِيهِ ثُمَّ مَرَرْتَ بِقَبْرِ حَمْزَةَ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا فَسَلِّمْ عَلَيْهِ ثُمَّ مَرَرْتَ بِقُبُورِ الشَّهَدَاءِ فَقُمْتَ عِنْدَهُمْ فَقُلْتَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ إِنَّا بِكُمْ لَاحِقُونَ ثُمَّ تَأْتِي الْمَسْجِدَ الَّذِي كَانَ فِي الْمَكَانِ الْوَاسِعِ إِلَى جَنْبِ الْجَبَلِ عَنْ يَمِينِكَ حِينَ تَدْخُلُ أُحُدًا فَتُصَلِّي فِيهِ فَعِنْدَهُ خَرَجَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِلَى أُحُدٍ حِينَ لَقِيَ الْمُشْرِكِينَ فَلَمْ يَبْرَحُوا حَتَّى حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَصَلَّى فِيهِ ثُمَّ مَرَّ أَيْضًا حَتَّى تَزْجَعَ فَتُصَلِّي عِنْدَ قُبُورِ الشَّهَدَاءِ مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكَ ثُمَّ امْضِ عَلَى وَجْهِكَ حَتَّى تَأْتِيَ مَسْجِدَ الْأَخْرَابِ فَتُصَلِّي فِيهِ وَ تَدْعُو اللَّهَ فِيهِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ دَعَا فِيهِ يَوْمَ الْأَخْرَابِ وَ قَالَ يَا صَبْرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ وَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَ يَا مُغِيثَ الْمُهْمُومِينَ اكْشِفْ هَمِّي وَ كَرْبِي وَ غَمِّي فَقَدْ تَرَى حَالِي وَ حَالَ أَصْحَابِي. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عقبه بن خالد روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: ما برای دیدن به مساجد اطراف مدینه می رویم از کدام آنها شروع کنیم؟

ص: ۳۰۴

۱- . الکافی ج ۴ ص ۵۵۹ ح ۱.

۲- . الکافی ج ۴ ص ۵۶۰ ح ۲.

فرمود: از مسجد قبا شروع کن. در آن جا نماز بگزار، زیرا آن نخستین مسجدی است که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ از این همه عرصه در آن نماز خواند.

سپس به غرفه مادر ابراهیم برو در آن نیز نماز بگزار و آن محل سکونت و نماز رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بود.

آن گاه به مسجد فضیح برو و در آن نماز بگزار که پیامبرت در آن نماز گزارد. وقتی این طرف را تمام نمودی به جانب احد می روی و از مسجدی که نزدیک سنگستان است در آن نماز می گذاری، سپس به قبر حمزه فرزند عبدالمطلب علیهما السلام می روی، بر او سلام می نمایی، آن گاه به قبور شهدا می روی و نزد آنها ایستاده می گویی: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَإِنَّا بِكُمْ لَاحِقُونَ».

سپس به مسجدی می آیی که به هنگام ورود تو به احد در سمت راست تو در جای وسیع کنار کوه قرار گرفته است و در آن نماز می خوانی.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به هنگام رودررو با مشرکان از همان جا به سوی احد خارج شد، پس درنگ نکردند تا وقت نماز فرا رسید پس در آن نماز خواند.

آن گاه بگذر تا به نزد قبور شهدا برگردی و نماز فریضه بخوانی. آن گاه به راه خود ادامه ده تا به مسجد احزاب بیایی و در آن نماز می گذاری و خدا را فرا می خوانی زیرا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در جنگ احزاب در آن مسجد دعا کرد و فرمود: «يَا صَيْرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا مُعِيبَ الْمُهْمُومِينَ اكْشِفْ هَمِّي وَكَرِّبِي وَغَمِّي فَقَدْ تَرَى حَالِي وَحَالَ أَصْحَابِي».

۳۶۱- وداع با قبر رسول الله صلی الله علیه و آله

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمارة قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: إذا أردت أن تخرج من المدينة فاعسل ثم أت قبر النبي صلى الله عليه وآله بعيد ما تفرغ من حوائجك واضع مثل ما صنعت عند دخولك وقل اللهم لا تجعله آخر العهد من زيارة قبر نبيك فإن توفيتني قبل ذلك فإني أشهد في مماتي على ما شهدت عليه في حياتي أن لا إله إلا أنت وأن محمداً عبداً ورسولك. (۱)

ص: ۳۰۵

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه خواستی از مدینه خارج شوی، غسل کن و کنار قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برو و اعمالی را که به هنگام ورود انجام دادی، انجام بده و بگو: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ».

۳۶۲- فضیلت مسجد غدیر خم

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنِ حَسَّانِ الْجَمَّالِ قَالَ: حَمَلْتُ أَيْمَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ مِنْ أَلْمَيْدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ فَلَمَّا انْتَهَيْتِنَا إِلَى مَسْجِدِ الْغَدِيرِ نَظَرُ إِلَى مَيْسِرِهِ الْمَسْجِدِ فَقَالَ ذَلِكَ مَوْضِعُ قَدَمِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَيْثُ قَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ ثُمَّ نَظَرَ إِلَى الْجَانِبِ الْأَخْرَفِ فَقَالَ ذَلِكَ مَوْضِعُ فَسْطَاطِ أَبِي فُلَانٍ وَفُلَانٍ وَ سَالِمِ مَوْلَى أَبِي حُذَيْفَةَ وَ أَبِي عُبَيْدَةَ الْجَرَّاحِ فَلَمَّا أَنْ رَأَوْهُ رَافِعًا يَدَيْهِ قَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ أَنْظُرُوا إِلَى عَيْنَيْهِ تَدُورُ كَأَنَّهُمَا عَيْنَا مَجْنُونٍ فَنَزَلَ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهَذِهِ الْآيَةِ: «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (۱).

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسیان جمالی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه را از مدینه به مکه بردم، چون به مسجد غدیر رسیدیم به سمت چپ مسجد نگاه کرد و فرمود: آن جا جای پای رسول الله صلی الله علیه و آله است، موقعی که فرمود: «هر کس را من مولایم پس علی مولای اوست».

سپس به سمت دیگر مسجد نگاه کرد و فرمود: آن جا جای چادر ابا فلان و فلان (ابابکر و عمر)، سالم مولی ابی حذیفه و ابی عبیده جراح است. هنگامی دیدند نبی الله صلی الله علیه و آله دستانش را بلند کرده به یکدیگر گفتند: به چشمانش نگاه کنید! که همانند دیوانگان می چرخد (!!)

در این هنگام جبرئیل علیه السلام با این آیه فرود آمد که: {نزدیک است کافران هنگامی که آیات قرآن را می شنوند با چشم زخم تو را از بین ببرند و می گویند: او دیوانه است. در حالی که این (قرآن) جز مایه بیداری برای جهانیان نیست}. (سوره قمر آیه ۵۰-۵۱)

ص: ۳۰۶

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبان عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: يُسْتَحَبُّ الصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِ الْغَدِيرِ لِأَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَقَامَ فِيهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صلوات الله عليه وَهُوَ مَوْضِعُ أَظْهَرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ الْحَقُّ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: خواندن نماز در مسجد غدیر خم مستحب است، زیرا نبی صلی الله عليه و آله در آن جا حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله عليه را به خلافت نصب فرمود و آن جایی است که خدای عز و جل در آن حق را ظاهر فرمود.

۳۶۳- فضیلت زیارت و نماز نزد مقبره حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله عليه

۱- الشيخ الطوسي، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: مَا خَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا أَكْثَرَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَإِنَّهُ لَيَنْزِلُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ فِي أَتُونِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ فَيَطُوفُونَ بِهِ فَإِذَا هُمْ طَافُوا بِهِ نَزَلُوا فَطَافُوا بِالْكَعْبَةِ فَإِذَا طَافُوا بِهَا أَتَوْا قَبْرَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ ثُمَّ أَتَوْا قَبْرَ الْأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ ثُمَّ أَتَوْا قَبْرَ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ ثُمَّ عَرَجُوا وَنَزَلُ مِثْلَهُمْ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

وَقَالَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: مَنْ زَارَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَارِفًا بِحَقِّهِ غَيْرَ مُتَجَبِّرٍ وَلَا مُتَكَبِّرٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ مِائَةِ أَلْفِ شَهِيدٍ وَغَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ بُعِثَ مِنَ الْأَمِينِ وَ هُوَ عَلَى الْحِسَابِ وَ اسْتَقْبَلَهُ الْمَلَائِكَةُ فَإِذَا انْصَرَفَ شَيَّعَتْهُ إِلَى مَنْزِلِهِ فَإِنْ مَرَضَ عَادُوهُ وَ إِنْ مَاتَ تَبِعُوهُ بِالْأَسْبِغَةِ إِلَى قَبْرِهِ قَالَ وَ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَوَابَ أَلْفِ حَجَّةٍ مَقْبُولَةٍ وَ أَلْفِ عُمْرَةٍ مَقْبُولَةٍ وَ غَفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ. (۲)

مرحوم شيخ طوسي، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: خداوند هیچ مخلوقی را از جهت تعداد بیشتر از فرشتگان نیافریده است، همانا خداوند هر روز هفتاد هزار فرشته را فرو می فرستد که به سوی بیت المعمور می آیند و در اطراف آن به طواف

ص: ۳۰۷

۱- . الكافي ج ۴ ص ۵۶۷ ح ۳.

۲- . امالی (للطوسي) ج ۱ ص ۲۱۸. بحار الانوار ج ۹۷ ص ۲۵۷ ح ۱.

می پردازند، زمانی که بیت المعمور را طواف کردند فرو می آیند و کعبه را طواف می کنند، پس از آن به سوی قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می آیند و بر او سلام می فرستند، سپس نزد قبر حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه می آیند و بر او سلام می فرستند، آن گاه نزد قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه می آیند و بر او سلام می فرستند، در نهایت به سوی آسمان باز می گردند، فرشتگانی همانند آن ها تا روز قیامت این کار را تکرار می کنند.

حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر کسی مقبره حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را زیارت کند در حالی که آگاه به حق او باشد نه از روی اجبار و تکبر، خداوند ثواب صد هزار شهید را برایش ثبت می کند، گناهان گذشته و آینده اش را می بخشد و در زمره افراد دارای امنیت محشور می گردد، حسابرسی به اعمال او آسان خواهد بود و فرشتگان به پیشواز او خواهند آمد، و هنگامی که قصد بازگشت داشته باشد فرشتگان او را تا منزلش همراهی می کنند، اگر مریض شود از او عیادت می کنند و اگر بمیرد برای او طلب بخشش می کنند و او را تا مزارش همراهی می کنند، همچنین فرموده است: کسی که مقبره حضرت امام حسین صلوات الله علیه را زیارت کند در حالی که آگاه به حق او باشد، خداوند ثواب هزار حج و هزار عمره مقبول را برایش ثبت و تمامی گناهان گذشته و آینده اش را می بخشد.

۲- الشيخ أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه، یاسناده عن أبي وهب القصري قال: دخلت المدينة فأتيت أبا عبد الله صلوات الله عليه فقلت جعلت فداك أتيتك و لم أزر قبر أمير المؤمنين صلوات الله عليه قال بس ما صيغت لو لا أنك من شيعتنا ما نظرت إليك أ لا تزور من يزوره الله مع الملائكة و يزوره الأنبياء و يزوره المؤمنون قلت جعلت فداك ما علمت ذلك قال فاعلم أن أمير المؤمنين صلوات الله عليه أفضل عند الله من الأئمة كلهم و له ثواب أعمالهم و على قدر أعمالهم فضلوا. (۱)

مرحوم شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه، با سند خویش از ابو وهب القصری روایت کرده که گفت: وارد مدینه شدم و نزد حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه رفتم و گفتم: فدایت کردم، به سوی تو آمدم در حالی که مقبره حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را زیارت نکردم، فرمود: کار بدی انجام دادی، اگر از شیعیان ما نبودی به تو نگاه نمی کردم، آیا زیارت نمی کنی مقبره کسی را که خداوند همراه با

ص: ۳۰۸

فرشتگان، او را زیارت می کند و پیامبران و مؤمنان آن را زیارت می کنند؟ گفتیم: فدایت گردم این را نمی دانستم، فرمود: پس بدان همانا حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه نزد خداوند برتر از تمامی امامان می باشد، و ثواب کارهای امامان متعلق به اوست و به اندازه اعمالشان دارای برتری هستند.

۳- السيد عبد الکریم بن طاووس، بإسناده عن عثمان بن سعيد عن رجل عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال لي إن إلى جانب كوفان قبراً ما أتاه مكروبٌ قط فصلى عنده ركعتين أو أربع ركعات إلا نفس الله عنه كزبتة وقضى حاجته قلت قبر الحسين بن علي صلوات الله عليهما فقال برأسه لا فقلت فقبر أمير المؤمنين صلوات الله عليه قال برأسه نعم. (۱)

مرحوم سید عبدالکریم بن طاووس، با سند خویش از عثمان بن سعید از مردی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: همانا در اطراف کوفه مقبره ای است که هیچ فرد گرفتاری نزد آن نیامده و دو رکعت یا چهار رکعت نماز گزارده باشد، مگر این که خداوند گرفتاری اش را برطرف نموده و نیازش را برآورده کرده است، گفتیم: مقبره حضرت حسین بن علی صلوات الله علیهما. حضرت با اشاره سر جوابم را داد: خیر، پس گفتیم: مقبره حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه، با اشاره سر فرمود: بله.

۳۶۴- زیارت و دعا در کنار قبر حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد بن أورمه عن عمه حدثه عن الصادق أبي الحسن الثالث صلوات الله عليه قال: يقول عند قبر أمير المؤمنين صلوات الله عليه: السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَنْتَ أَوْلُ مَظْلُومٍ وَأَوْلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ صَبْرَتٌ وَإِحْتِسَابٌ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَاشْهَدُ أَنَّكَ لَقَيْتَ اللَّهَ وَأَنْتَ شَهِيدٌ عَذَبَ اللَّهُ قَاتِلَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ وَجَدَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ جِتَّتَكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ مُسْتَبِصِرًا بِشَأْنِكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ وَمَنْ ظَلَمَكَ أَلْقَى عَلَى ذَلِكَ رَبِّي إِنْ شَاءَ اللَّهُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ لِي ذُنُوبًا كَثِيرَةٌ فَاشْفَعْ لِي إِلَى رَبِّكَ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَحْمُودًا مَعْلُومًا وَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهًا وَشَفَاعَةً وَقَدْ قَالَ تَعَالَى: {وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ إِزْتَضَى}. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن اورمه از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام علی النقی هادی صلوات الله علیه فرمود: آن گاه که کنار قبر حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه قرار

ص: ۳۰۹

۱- فرحه الغری ص ۲۷. بحارالانوار ج ۹۷ ص ۲۵۹ ح ۸.

۲- الکافی ج ۴ ص ۵۶۹ ح ۱.

گرفتگی این گونه می گویی: السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَ أَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ صَبْرًا وَ إِحْتِسَابًا وَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينَ فَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَقِيتَ اللَّهَ وَ أَنْتَ شَهِيدٌ عَزِيبٌ اللَّهُ فَاتْلُكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ وَ جَدِّدْ عَلَيْهِ الْعَذَابَ جِثَّتْكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ مُسْتَبْصِرًا بِشَأْنِكَ مُعَادِيًا لِأَعْيَادِكَ وَ مَنْ ظَلَمَكَ أَلْقَى عَلَى ذَلِكَ رَبِّي إِنْ شَاءَ اللَّهُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ لِي ذُنُوبًا كَثِيرَةٌ فَاشْفَعْ لِي إِلَى رَبِّكَ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَحْمُودًا مَعْلُومًا وَ إِنْ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهًا وَ شَفَاعَةً وَ قَدْ قَالَ تَعَالَى: {لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ إِذْتَضَى}. (سوره انبياء آیه ۲۸)

۲- [در کنار قبر مطهر حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله عليه این گونه زیارت می کنی و] می گویی:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّهَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا قَسِيمَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ صَاحِبَ الْعَصَا وَ الْمِيسَمِ.

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ بَابُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحَبْلُ الْمَتِينُ وَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّهَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ شَاهِدُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ أَمِينُهُ عَلَى عِلْمِهِ وَ خَازِنُ سِرِّهِ وَ مَوْضِعُ حِكْمَتِهِ وَ أَخُو رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ دَعْوَتَكَ حَقٌّ وَ كُفْلٌ دَاعٍ مَنْصُوبٌ دُونَكَ بِاطِلٍ مِدْحُوضٌ أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَ أَوَّلُ مَغْضُوبٍ حَقُّهُ فَصَبْرًا وَ إِحْتِسَابًا لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَ إِعْتَدَى عَلَیْكَ وَ صَدَّ عَنْكَ لَعْنًا كَثِيرًا يَلْعَنُهُمْ بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَ كُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ وَ كُلُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ مُمْتَحِنٍ.

صَلَّى اللَّهُ عَلَیْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَ أَمِينُهُ بَلَّغْتَ نَاصِحًا وَ أَدَيْتَ أَمِينًا وَ قُتِلْتَ صِدِّيقًا وَ مَضَيْتَ عَلَى يَقِينٍ لَمْ تُؤْثِرْ عَمِّي عَلَى هُدَى وَ لَمْ تَمِلْ مِنْ حَقِّ إِلَى بَاطِلٍ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اتَّبَعْتَ الرَّسُولَ وَ نَصَيْتَ لِلَّهِ وَ تَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ وَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحُكْمِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّكَ وَ دَعَوْتَ إِلَيْهِ عَلَى بَصِيرَةٍ وَ بَلَّغْتَ مَا أَمَرْتَ بِهِ وَ قُمْتَ بِحَقِّ اللَّهِ غَيْرَ وَاهِنٍ وَ لَا مُوهِنٍ.

فَصَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَيْكَ صَلَاةً مُتَّبِعَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً يَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضًا لَا انْقِطَاعَ لَهَا وَلَا أَمَدَ وَلَا أَجَلَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَجَزَاكَ اللَّهُ مِنْ صَدِيقٍ خَيْرًا عَنْ رَعِيَّتِهِ.

أَشْهَدُ أَنَّ الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادٌ وَأَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ وَإِلَيْكَ وَأَنْتَ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمِيرَاثُ الشُّبُوهِ عِنْدَكَ.

فَصَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَيْكَ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا وَعَذَّبَ اللَّهُ قَاتِلَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ.

أَتَيْتَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَارِفًا بِحَقِّكَ مُسْتَبْصِرًا بِشَأْنِكَ مُعَادِيًا لِلْأَعْدَائِكَ مُوَالِيًا لِلْأَوْلِيَاءِكَ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي أَتَيْتَكَ عَائِدًا بِكَ مِنْ نَارٍ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي أَتَيْتَكَ زَائِرًا أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ فَكَأَنَّكَ رَقِيتِي مِنَ النَّارِ أَتَيْتَكَ هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي اخْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي أَتَيْتَكَ وَافِدًا لِعَظِيمِ حَالِكَ وَمُنْزِلَتِكَ عِنْدَ رَبِّي.

فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ فَإِنَّ لِي ذُنُوبًا كَثِيرَةً وَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَعْلُومًا وَجَاهًا عَظِيمًا وَشَأْنًا كَبِيرًا وَشَفَاعَةً مَقْبُولَةً وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى».

اللَّهُمَّ رَبَّ الْأَرْيَابِ صَيْرِيخَ الْأَحْيَابِ إِنِّي عُذْتُ بِأَخِي رَسُولِكَ مَعَاذًا فَفُكَّ رَقِيتِي مِنَ النَّارِ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَآتَوَلَّى آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُمْ وَكَفَرْتُ بِالْحَبِيبِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى» (١).

٣٦٥- فضيلة زيارت قبر حضرت حسين بن علي صلوات الله عليهما

١- الشيخ أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ الْبَصِيرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبِي صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ لِرَجُلٍ مِنْ مَوَالِيهِ وَسَأَلَهُ عَنِ الزِّيَارَةِ فَقَالَ لَهُ مَنْ تَزُورُ وَمَنْ تُرِيدُ بِهِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَقَالَ مَنْ صَلَّى خَلْفَهُ صَلَاةً وَاحِدَةً يُرِيدُ بِهَا اللَّهُ لِقَى اللَّهَ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَعَلَيْهِ مِنَ النُّورِ مَا يَعْشَى لَهُ كُلُّ شَيْءٍ يَرَاهُ وَاللَّهُ يُكْرِمُ زُورَاهُ وَيَمْنَعُ النَّارَ أَنْ تَنَالَ مِنْهُمْ شَيْئًا وَإِنَّ الزَّائِرَ لَهُ لَمَا يَتَنَاهَى لَهُ دُونَ الْحَوْضِ وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَائِمًا عَلَى الْحَوْضِ يُصَافِحُهُ وَيَزُويهِ مِنَ الْمَاءِ وَمَا يَسْبِقُهُ أَحَدٌ إِلَى وَرُودِهِ الْحَوْضِ حَتَّى يَزُويَ ثُمَّ يَنْصَرِفُ إِلَى مَنْزِلِهِ مِنَ الْجَنَّةِ مَعَهُ مَلَكٌ مِنْ قِبَلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

ص: ٣١١

صلوات الله عليه يَا مُرَّ الصَّرَاطِ أَنْ يَدِلَّ لَهُ وَيَأْمُرَ النَّارَ أَنْ لَمَّا يُصِيبَهُ مَنْ لَفَحَهَا شَيْءٌ حَتَّى يَجُوزَهَا وَمَعَهُ رَسُولُهُ الَّذِي بَعَثَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ. (۱)

مرحوم شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه، با سند خویش از محمد بصری از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: شنیدم، پدرم صلوات الله علیه به یکی از موالی خود که درباره زیارت پرسیده بود، فرمود: زیارت چه کسی و به چه هدفی؟

گفت: زیارت حضرت امام حسین صلوات الله علیه و به هدف خشنودی خدای تبارک و تعالی.

پس فرمود: هر که پشت (مقبره) او یک نماز جهت خشنودی خدا بخواند، خداوند را در آن روز که با وی دیدار می کند، در حالی دیدار می کند که نوری بر اوست که هر چیز را که می بیند، در برابر آن بی نور است و خداوند زائران وی را بزرگ می دارد و آتش را از آسیب رساندن به ایشان باز می دارد و زائر او را مکانی پایین تر از حوض کوثر نصیب نمی گردد، و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه بر کنار حوض ایستاده و با وی دست می دهد و از آب حوض به او می نوشاند و هیچ کس در وارد شدن او بر حوض، بر او پیشی نمی گیرد تا او سیراب گشته و به سوی منزل گاهش در بهشت باز گردد، در حالی که فرشته ای از طرف حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه با او همراه است و صراط را امر می کند که زیر پای او رام و ذلیل باشد و آتش را امر می کند که ذره ای از زبانه هایش به وی آسیب نرساند تا آنکه از آن بگذرد، در حالی که فرستاده ای که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه با او فرستاده، همراه اوست.

۲- الشيخ أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه، بإسناده عَنْ سَيْفِ التَّمَارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: زَائِرُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مُشَفَّعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِمَا نَهَ رَجُلٌ كُلَّهُمْ قَدْ وَجِبَتْ لَهُمُ النَّارُ مِمَّنْ كَانَ فِي الدُّنْيَا مِنَ الْمُسْرِفِينَ. (۲)

مرحوم شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه، با سند خویش از سیف تمار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: در روز قیامت به زائر حضرت امام حسین صلوات الله علیه برای صد نفر که همگی از گنه پیشگان در دنیا بوده و آتش دوزخ بر ایشان واجب گشته، اجازه شفاعت داده می شود.

ص: ۳۱۲

۱- . کامل الزیارات ص ۱۲۲. بحارالانوار ج ۹۸ ص ۷۸ ح ۳۸.

۲- . کامل الزیارات ص ۱۶۵. بحارالانوار ج ۹۸ ص ۷۷ ح ۳۶.

۳۶۶- نماز در حرم حضرت امام حسین صلوات الله علیه

۱- الشيخ أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه، بإسناده عن جابر الجعفي قال: قال أبو عبد الله صلوات الله عليه للمفضل في حديث طويل في زيارته قبر الحسين صلوات الله عليه ثم تمضت إلى صلاتك ولك بكل ركعة ركعتها عنده كثواب من حج ألف حجه واعتمر ألف عمره وأعتق ألف رقبته وكأنما وقف في سبيل الله ألف مره مع نبي مرسل. (۱)

مرحوم شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه، با سند خویش از جابر جعفی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه ضمن حدیث طولانی راجع به زیارت قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه به مفضل بن عمر فرمود: آنگاه به نماز می پردازد و به هر رکعتی که نزد وی به جای آوری، همچون ثواب کسی که هزار حج و هزار عمره به جای آورده و هزار اسیر آزاد کرده را خواهی برد و گویی که همراه با نبی مرسل، هزار بار در راه خدا قیام کرده باشی.

۲- الشيخ أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولويه، بإسناده عن عبد الحميد عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: تيمم الصلاة في أربعه مواطن في المسجد الحرام ومسجد الرسول ومسجد الكوفة وحرم الحسين صلوات الله عليه. (۲)

مرحوم شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه، با سند خویش از عبدالحمید از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: نماز را در چهار جایگاه کامل می خوانی: در مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد کوفه و حرم حضرت امام حسین صلوات الله علیه.

۳۶۷- زیارت قبر حضرت حسین بن علی صلوات الله علیهما

۱- مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یونس کناسی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه کنار قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه آمدی پس به رود فرات برو و مقابل قبرش غسل کن و با آرامش و وقار رو به حرم حضرت امام حسین صلوات الله علیه کن تا از طرف شرقی وارد حرم شو به هنگام ورود بگو:

ص: ۳۱۳

۱- کامل الزیارات ص ۲۵۱. بحارالانوار ج ۹۸ ص ۸۲ ح ۸.

۲- کامل الزیارات ص ۲۴۹. بحارالانوار ج ۹۸ ص ۸۲ ح ۱۲.

«السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُنزِلِينَ السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُزِدِّينَ السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُسَوِّمِينَ السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ الَّذِينَ هُمْ فِي هَذَا الْحَرَمِ مُقِيمُونَ».

چون مقابل قبر حضرت امام حسین صلوات الله عليه ایستادی بگو:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى أَمِينِ اللَّهِ عَلَى رُسُلِهِ وَ عَزَائِمِ أَمْرِهِ وَ الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ وَ الْمُهَيِّمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

سپس می گویی:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ وَ أَخِي رَسُولِكَ الَّذِي ائْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ الدَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَاتِكَ وَ دَيَانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَ فَضْلَ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ الْمُهَيِّمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَ ابْنِ الَّذِي ائْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ الدَّلِيلَ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَاتِكَ وَ دَيَانَ الدِّينِ بِعَدْلِكَ وَ فَضْلَ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ الْمُهَيِّمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

سپس به حضرت امام حسین صلوات الله عليه و دیگر امامان صلوات الله عليهم درود می فرستی، آن سان که بر حضرت امام حسین صلوات الله عليه درود و سلام فرستادی، آن گاه کنار قبر حضرت امام حسین صلوات الله عليه می آیی و می گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا أُمِرْتَ بِهِ وَ لَمْ تَخْشَ أَحَدًا غَيْرَهُ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ وَ عَبْدتَهُ صَادِقًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ».

أَشْهَدُ أَنَّكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ بَابُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ يَفْقَى وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى».

أَشْهَدُ أَنَّ ذَلِكَ سَابِقٌ فِيمَا مَضَى وَ ذَلِكَ لَكُمْ فَاتِحٌ فِيمَا بَقِيَ أَشْهَدُ أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ طَيِّبَةٌ طَابَتْ وَ طَهَّرَتْ هِيَ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ مِمَّا مِنَ اللَّهِ وَ رَحْمَهُ وَ أَشْهَدُ اللَّهُ وَ أَشْهَدُ كُمْ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ لَكُمْ تَابِعٌ فِي ذَاتِ نَفْسِي وَ شَرَائِعِ دِينِي وَ خَاتِمِهِ عَمَلِي وَ مُنْقَلَبِي وَ مَوَايِ وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الْبَرَّ الرَّحِيمَ أَنْ يُتِمَّ ذَلِكَ لِي أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ عَنِ اللَّهِ مَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ لَنْ تَخْشَوْا أَحَدًا

غَيْرِهِ وَ جَاهِدْتُمْ فِي سَبِيلِهِ وَ عَيَّدْتُمُوهُ حَتَّى أَتَاكُمْ الْيَقِينُ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَم وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ أَمَرَ بِهِ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكُمْ مِنْهُمْ
فَرَضَى بِهِ.

أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ انْتَهَكُوا حُرْمَتَكُمْ وَ سَفَكُوا دَمَكُمْ مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

سپس می گوئی:

«اللَّهُمَّ الْعِنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ وَ خَالَفُوا مِلَّتَكَ وَ رَغَبُوا عَنِ أَمْرِكَ وَ اتَّهَمُوا رَسُولَكَ وَ صَدُّوا عَنِ سَبِيلِكَ.

اللَّهُمَّ أَحْسِ قُبُورَهُمْ نَارًا وَ أَجْوَفَهُمْ نَارًا وَ أَحْشُرُهُمْ وَ أَشْيَاعَهُمْ إِلَى جَهَنَّمَ زُرْقًا.

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ لَعْنًا يَلْعَنُهُمْ بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَ كُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ وَ كُلُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ اِمْتَحَنَتْ قَلْبُهُ لِلْإِيمَانِ.

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ فِي مُسْتَسِرِّ السَّرِّ وَ فِي ظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ.

اللَّهُمَّ الْعِنِ جَوَابِيَّتَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ الْعِنِ طَوَاعِيَّتَهَا وَ الْعِنِ فَرَاعِيَّتَهَا وَ الْعِنِ قَتْلَهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْعِنِ قَتْلَهُ الْحُسَيْنِ وَ عَيَّدْتُمُوهُمُ عِدَابًا لَا
تُعَدُّبُ بِهِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَنْصُرُهُ وَ تَنْتَصِرُ بِهِ وَ تَمُنْ عَلَيْهِ بِنَصْرِكَ لِذِينِكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ».

سپس بالای سر حضرتش بنشین و بگو:

«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ وَ أَمِينُهُ بَلَغْتَ نَاصِحًا وَ أَدَيْتَ أَمِينًا وَ قُتِلْتَ صِدِّيقًا وَ مَضَيْتَ عَلَى يَقِينٍ لَمْ تُؤْثِرْ عَمِّي عَلَى
هُدَى وَ لَمْ تَمَلْ مِنْ حَقِّ إِلَى بَاطِلٍ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اتَّبَعْتَ الرَّسُولَ وَ تَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ
وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا وَ جَزَاكَ اللَّهُ مِنْ صِدِّيقٍ خَيْرًا عَنِ رَعِيَّتِكَ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادٌ وَ أَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ وَ إِلَيْكَ وَ أَنْتَ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مِيرَاثُ التُّبُّوهِ عِنْدَكَ وَ عِنْدَ أَهْلِ بَيْتِكَ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْكَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا.

أَشْهَدُ أَنَّكَ صِدِّيقُ اللَّهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى خَلْقِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّ دَعْوَتَكَ حَقٌّ وَ كُلُّ دَاعٍ مَنْصُوبٍ غَيْرَكَ فَهُوَ بَاطِلٌ مَدْحُوضٌ وَ أَشْهَدُ أَنَّ
اللَّهُ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ».

آن گاه به طرف پایین پای حضرتش می روی و هرچه خواستی برای خود دعا می کنی. سپس به طرف بالای سر حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما می روی و می گویی:

«سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ يَا مَوْلَايَ وَ ابْنَ مَوْلَايَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكَ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ وَ عِترَةِ آبَائِكَ الْأَخْيَارِ الْأَبْرَارِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً».

آن گاه کنار قبور شهدا می آیی و بر آنان سلام می کنی و می گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرَّبَّائِيُونَ أَنْتُمْ لَنَا فَرْطٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبِعٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ خَلْفٌ وَ أَنْصَارٌ أَشْهَدُ أَنْتُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ وَ سَادَةٌ الشُّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فَإِنَّكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: {وَ كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكْبَرُوا} وَ مَا ضَعُفْتُمْ وَ مَا اسْتَكْبَرْتُمْ حَتَّى لَقِيتُمْ اللَّهَ عَلَى سَبِيلِ الْحَقِّ وَ نُصِرَهُ كَلِمَةَ اللَّهِ التَّامَّةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ أَبْدَانِكُمْ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً».

أَبَشِرُوا بِمَوْعِدِ اللَّهِ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ إِنَّهُ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ وَ اللَّهُ مُدْرِكٌ لَكُمْ بئَارِ مَا وَعَدَكُمْ أَنْتُمْ سَادَةٌ الشُّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ أَنْتُمْ السَّابِقُونَ وَ الْمُهَاجِرُونَ وَ الْأَنْصَارُ».

أَشْهَدُ أَنْكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً».

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَكُمْ وَعَدَهُ وَ أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ».

آن گاه کنار قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه برمی گردی و می گویی:

«أَتَيْتَكَ يَا حَبِيبَ رَسُولِ اللَّهِ وَ ابْنَ رَسُولِهِ وَ إِنِّي بِكَ عَارِفٌ وَ بِحَقِّكَ مُقَرَّرٌ بِفَضْلِكَ مُسْتَبِصِّرٌ بِضَلَالِهِ مَنْ خَالَفَكَ عَارِفٌ بِالْهُدَى الَّذِي أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي».

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصَلَّى عَلَيْهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ أَنْتَ وَ رَسُولُكَ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَاةً مُتَابِعَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً تَتَّبِعُ بَعْضُهَا بَعْضاً لَا انْقِطَاعَ لَهَا وَ لَا أَمَدَ وَ لَا أَجَلَ فِي مَحْضَرِنَا هَذَا وَ إِذَا غَبْنَا وَ شَهِدْنَا وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

و هرگاه خواستی آن حضرت را وداع کنی پس بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أُسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتَ بِهِ وَدَلَّتْ عَلَيْهِ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَكُتِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ.»

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا وَمِنْهُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَنْفَعَنَا بِحُبِّهِ.

اللَّهُمَّ ائْتِنَهُ مَقَاماً مَحْمُوداً تَنْصُرُ بِهِ دِينَكَ وَتَقْتُلُ بِهِ عِدْوَكَ وَتُبِيرُ بِهِ مَنْ نَصَبَ حَرْباً لآلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّكَ وَعَدْتِ ذَلِكَ وَأَنْتَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ شُهَدَاءُ نُجَبَاءَ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً. (١)

۳۶۸- زیارت حضرت عباس صلوات الله عليه چنان که از ائمه اطهار صلوات الله عليهم روایت شده است، و وداع با قبر آن بزرگوار

۱- مرحوم شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه، با سند خویش از ابو حمزه ثمالی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: چون خواستی به زیارت عباس بن علی صلوات الله علیهما که بر ساحل فرات و در کنار حرم است بروی، بر کنار در بارگاه بایست و بگو:

«سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ وَجَمِيعِ الشُّهَدَاءِ وَالصَّادِقِينَ، وَالزَّكَايَاتِ الطَّيِّبَاتِ فِي- مَا تَغْتَدِي وَتَرُوحُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ لِمَكَ بِالتَّسْلِيمِ وَالتَّصَدِيقِ وَالْوَفَاءِ وَالنَّصِيحَةِ لِخَلْفِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُرْسَلِ، وَالسَّبْطِ الْمُنتَجَبِ، وَالذَّلِيلِ الْعَالِمِ، وَالْوَصِيِّ الْمُبْلَغِ، وَالْمَظْلُومِ الْمُهْتَضَمِ، فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنْ رَسُولِهِ وَعَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَنْ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ بِمَا صَبَرْتَ وَاخْتَسَيْتَ وَأَعَنْتَ فِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ جَهَلَ حَقَّكَ وَاسْتَحَفَّ بِحُرْمَتِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ حَالَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَاءِ الْفَرَاتِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُوماً، وَأَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ لَكُمْ مَا وَعَدَكُمْ، جِئْتَكُمْ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِفْدَاءً إِلَيْكُمْ، وَقَلْبِي مُسَلِّمٌ لَكُمْ وَتَابِعٌ، وَأَنَا لَكُمْ تَابِعٌ-عُ وَنُضِيرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ»

ص: ۳۱۷

إِنِّي بِكُمْ وَيَايَابِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِمَنْ خَالَفَكُمْ وَقَتَلَكُمْ مِنَ الْكَافِرِينَ، قَتَلَ اللَّهُ أُمَّهَ قَتَلْتَكُمْ بِالْأَيْدِي وَالْأَلْسُنِ».

سپس داخل شو و به روی قبر خم شو و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبِيدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَسَلَامٌ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ وَرِضْوَانُهُ وَعَلَى رُوحِكَ وَيَدِنِكَ، أَشْهَدُ وَأَشْهَدُ اللَّهُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى بِهِ الْبَدْرِيُّونَ وَالْمَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الْمُنَاصِحُونَ لَهُ فِي جِهَادِ أَعْدَائِهِ الْمُبَالِغُونَ فِي نُصْرِهِ أَوْلِيَاءِهِ الدَّابُّونَ عَنْ أَحْبَابِهِ فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَأَكْثَرَ الْجَزَاءِ، وَأَوْفَرَ الْجَزَاءِ، وَأَوْفَى جَزَاءِ أَحَدٍ مِمَّنْ وَفَى بَبَيْعَتِهِ وَأَسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتَهُ وَأَطَاعَ وُلايَهُ، أَمْرِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَالِغْتَ فِي النَّصِيحَةِ، وَأَعْطَيْتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ، فَبَعَثَكَ اللَّهُ فِي الشُّهَدَاءِ، وَجَعَلَ رُوحَكَ مَعَ أَرْوَاحِ الشُّعَدَاءِ، وَأَعْطَاكَ مِنْ جَنَانِهِ أَفْسَحَ جَهَا مَنْزِلًا وَأَفْضَلَهَا عُرْفًا، وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي عِلِّيِّينَ، وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيَاكَ رَفِيقًا، أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تَنْكُلْ، وَأَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ مُقْتَدِيًا بِالصَّالِحِينَ، وَمُتَّبِعًا لِلنَّبِيِّينَ، فَجَمَعَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ وَبَيْنَ رَسُولِهِ وَأَوْلِيَائِهِ فِي مَنَازِلِ الْمُحِبِّينَ، فَإِنَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. (۱)

-۲

مرحوم شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه، با سند خویش از ابی حمزه ثمالی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: و چون خواستی با حضرت عباس صلوات الله علیه وداع نمایی، به نزد آن حضرت برو و بگو:

«أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَ أَسْتَرْعِيكَ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ آمَنًا بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِكِتَابِهِ وَ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ اللَّهُمَّ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي قَبْرِ ابْنِ أَحْيَى رَسُولِكَ وَ ارْزُقْنِي زِيَارَتَهُ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَ احْشُرْنِي مَعَهُ وَ مَعَ آبَائِهِ فِي الْجَنَانِ وَ عَرَّفْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ رَسُولِكَ وَ أَوْلِيَائِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَوَفَّنِي عَلَى الْإِيمَانِ بِكَ وَ

ص: ۳۱۸

۱- . کامل الزیارات ص ۲۵۶. بحار الانوار ج ۹۸ ص ۲۷۷ ح ۱.

التَّصَدِيقِ بِرَسُولِكَ وَالْوَلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَالْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ وَالْبِرَاءَةِ مِنْ عَدُوِّهِمْ فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُ يَا رَبِّي بِذَلِكَ» (۱).

و سپس برای خود و پدر و مادرت و مومنین و مسلمانان دعا می کنی و هر دعایی خواستی برمی گزینی.

۳۶۹- فضیلت زیارت حضرت امام کاظم و حضرت امام جواد صلوات الله علیهما

۱- عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقُمِّيِّ قَالَ قَالَ الرَّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بِنِعْدَادَ كَمَنْ زَارَ قَبْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ قَبْرَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِلَّا أَنْ لِرَسُولِ اللَّهِ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فَضْلُهُمَا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسین بن محمد قمی روایت کرده که گفت: حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمود: هر کس قبر پدر بزرگوارم صلوات الله علیه را در بغداد زیارت کند همانند کسی است که قبر حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و قبر حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را زیارت نموده باشد مگر این که رسول الله و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما فضیلتی نسبت به خود دارند.

۲- الشیخ الكلینی، بإسناده عن الحسن بن عليّ الوشاء عن الرضا صلوات الله عليه قال: سألتُه عن زیارته قبرِ ابي الحسن صلوات الله عليه مثلُ قبرِ الحسين صلوات الله عليه قال نعم. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسن بن علی و شاء روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله علیه پرسیدم: زیارت قبر حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه همانند زیارت قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه است؟

فرمود: آری.

۳- الشیخ الكلینی، بإسناده عن إبراهيم بن عقیبه قال: کتبتُ إلى ابي الحسن الثالث صلوات الله عليه أسأله عن زیارته ابي عبد الله الحسين صلوات الله عليه و عن زیارته ابي الحسن و

ص: ۳۱۹

۱- کامل الزیارات ص ۲۵۸. بحارالانوار ج ۹۸ ص ۲۷۸ ح ۲.

۲- الکافی ج ۴ ص ۵۸۳ ح ۱.

۳- الکافی ج ۴ ص ۵۸۳ ح ۲.

أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا أَجْمَعِينَ فَكَتَبَ إِلَيَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ الْمُقَدَّمُ وَهَذَا أَجْمَعٌ وَاعْظُمُ أَجْرًا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابراهیم پسر عقبه روایت کرده که گفت: به حضرت امام هادی صلوات الله علیه نامه ای نوشتم و در نامه از زیارت حضرت امام حسین صلوات الله علیه و حضرت امام موسی کاظم و حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیهما سؤال نمودم؛ حضرت در جواب نامه به من نوشت: حضرت اباعبدالله الحسین صلوات الله علیه مقدم، و پاداش زیارت این دو امام صلوات الله علیهما بیشتر و بزرگ تر است.

توضیح: مرحوم علامه مجلسی رضوان الله علیه در ذیل روایت شریفه چنین فرموده اند: کلام حضرت امام هادی صلوات الله علیه که فرمود: حضرت اباعبدالله الحسین صلوات الله علیه مقدم است، یعنی حضرت امام حسین صلوات الله علیه جلوتر و برتر است و زیارت او به تنهایی برتر از زیارت هر یک از امامان معصوم صلوات الله علیه است و مجموع زیارت این دو امام، جامع تر و با فضیلت تر است. یا مقصود این است که سزاوار است زیارت حضرت امام حسین صلوات الله علیه مقدم گردد. اگر بعد از زیارت حضرت امام حسین صلوات الله علیه، زیارت این دو امام صلوات الله علیهما نیز به آن افزوده گردد، کامل تر و ثوابش بیشتر است.

یا به این معنی است که زیارت این دو امام، کامل تر از زیارت تنها حضرت امام حسین صلوات الله علیه است؛ زیرا اعتقاد به امامت این دو امام صلوات الله علیهما، مستلزم اعتقاد به امامت حضرت امام حسین صلوات الله علیه است؛ ولی عکس آن چنین نیست. گویا زیارت آن دو امام مشتمل بر زیارت حضرت امام حسین صلوات الله علیه است؛ و نیز به این دلیل که زیارت این دو امام، همان گونه که در زیارت حضرت امام رضا صلوات الله علیه خواهد آمد، اختصاص به شیعیان برگزیده دارد؛ و البته بعید بودن این نظر اخیر، پوشیده نیست. (۲)

ص: ۳۲۰

۱- . الکافی ج ۴ ص ۵۸۳ ح ۳.

۲- . بحارالانوار ج ۹۹ ص ۳.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: تَقُولُ بِبَغْدَادَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّهَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ يَدَا لِلَّهِ فِي شَأْنِهِ أَتَيْتَكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ وَادْعُ اللَّهَ وَسَلْ حَاجَتَكَ قَالَ وَتُسَلِّمُ بِهِذَا عَلَيَّ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن عیسی بن عبید از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام علی النقی هادی صلوات الله علیه فرمود: در بغداد (در بارگاه کاظمین صلوات الله علیهما) می گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّهَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ يَدَا لِلَّهِ فِي شَأْنِهِ أَتَيْتَكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ».

و خدا را بخوان و حاجت خود را بخواه.

حضرتش صلوات الله علیه فرمود: همین گونه به حضرت امام محمد تقی جواد صلوات الله علیه نیز سلام می دهی.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنِ الرَّضَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبِي عَنْ إِثْبَانِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ صَلُّوا فِي الْمَسَاجِدِ حَوْلَهُ وَ يُجْزَى فِي الْمَوَاضِعِ كُلِّهَا أَنْ تَقُولَ: السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ أَصْفِيَاءِ السَّلَامُ عَلَى أُمَّتِ اللَّهِ وَ أَجْبَائِهِ السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَ خُلَفَائِهِ السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُظَاهِرِي أَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقِرِّينَ فِي مَرْضَاهُ اللَّهُ السَّلَامُ عَلَى الْمُمَحْصِنِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى الْأَدْلَاءِ عَلَى اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ وَ مَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ وَ مَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ أُشْهَدُ

ص: ۳۲۱

اللَّهُ أَنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سِوَاكَ وَحَزْبٍ لِمَنْ حَارَبْتُمْ مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ مُفَوَّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ لَعَنَ اللَّهُ عِدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَابْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

هَذَا يُجْزَى فِي الزِّيَارَاتِ كُلِّهَا وَتُكْتَبُ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُسَمَّى وَاحِدًا وَاحِدًا بِأَسْمَائِهِمْ وَتَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَتُخْتَارُ لِنَفْسِكَ مِنَ الدُّعَاءِ مَا أَحْبَبْتَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن حسان روایت کرده که گفت: حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمود: از پدر بزرگوارم صلوات الله علیه در مورد زیارت قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه سؤال شد.

فرمود: در مساجد پیرامون بارگاه حضرتش نماز بخوانید و کافی است که در همه مواضع آن بگویید: «السَّلَامُ عَلَيَّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ أَصِيْفِيَاءِهِ السَّلَامُ عَلَيَّ أُمَّنَاءِ اللَّهِ وَ أَحِبَّائِهِ السَّلَامُ عَلَيَّ أَنْصَارِ اللَّهِ وَ خُلَفَائِهِ السَّلَامُ عَلَيَّ مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ مَسَاكِينِ ذِكْرِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ مَظَاهِرِي أَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ السَّلَامُ عَلَيَّ الدُّعَاءِ إِلَى اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ الْمُسْتَقْرِرِينَ فِي مَرْضَاهِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ الْمُمَحَّصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ الْأَدِلَاءِ عَلَيَّ اللَّهُ.

السَّلَامُ عَلَيَّ الَّذِينَ مِنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهُ وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهُ وَ مَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهُ وَ مَنْ اِعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اِعْتَصَمَ بِاللَّهِ وَ مَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ:

أَشْهَدُ اللَّهُ أَنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سِوَاكَ وَ حَزْبٍ لِمَنْ حَارَبْتُمْ مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ مُفَوَّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ لَعَنَ اللَّهُ عِدُوَّ آلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَ اْبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

این زیارت در همه زیارت گاه ها کافی است. و بر محمد و آل محمد صلوات الله عليهم بیشتر صلوات بفرست و هریک را با نام های مبارک شان نام ببر و از دشمنان شان به خدا بی زاری جوی و هر دعایی که دوست داری برای خود و زنان و مردان مؤمن بخوان.

ص: ۳۲۲

۳۷۱- فضیلت زیارت ها و ثواب آنها

۱- الشیخ الكلینی، یاسنادہ عن زید الشَّحَامِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ مَا لِمَنْ زَارَ أَحَدًا مِنْكُمْ قَالَ كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زید شحّام روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: پاداش کسی که یکی از شما را زیارت کند چیست؟

فرمود: به سان کسی است که رسول الله صلی الله علیه و آله را زیارت نماید.

۲- الشیخ الكلینی، یاسنادہ عن مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا عَلِيُّ مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي أَوْ زَارَكَ فِي حَيَاتِكَ أَوْ بَعْدَ مَوْتِكَ أَوْ زَارَ ابْنَيْكَ فِي حَيَاتِهِمَا أَوْ بَعْدَ مَوْتِهِمَا ضَمِنْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ أُخْلَصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا وَشَدَائِدِهَا حَتَّى أَصِيرَهُ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن علی به صورت مرفوع روایت کرده که گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! هرکس مرا در دوران زنده بودنم و یا بعد از مرگم، یا تو را در دوران زنده بودنم و یا پس از مرگت و یا دو فرزندت را در دوران زنده بودنشان و یا پس از مرگشان زیارت کند بر او ضمانت می کنم که در روز قیامت از موارد هولناک و سختی های آن رهایش نمایم تا او را در درجه و مقام خود قرار دهم.

۳۷۲- فضیلت زیارت حضرت امام رضا صلوات الله علیه

۱- الشیخ الكلینی، یاسنادہ عن عَلِيٍّ بْنِ مَهْرِيَّارَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ جُعِلْتُ فِدَاكَ زِيَارَةُ الرَّضَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَفْضَلُ أَمْ زِيَارَةُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ زِيَارَةُ أَبِي أَفْضَلُ وَذَلِكَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَزُورُهُ كُلُّ النَّاسِ وَأَبِي لَا يَزُورُهُ إِلَّا الْخَوَاصُّ مِنَ الشَّيْعَةِ. (۳)

ص: ۳۲۳

۱- . الكافي ج ۴ ص ۵۷۹ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۵۷۹ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۵۸۴ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن مهزیار روایت کرده که گفت: به حضرت امام محمد تقی جواد صلوات الله علیه گفتم: قربانت گردم! زیارت حضرت امام رضا صلوات الله علیه برتر است یا زیارت حضرت امام حسین صلوات الله علیه؟

فرمود: زیارت پدرم برتر است، زیرا حضرت امام حسین صلوات الله علیه را همه مردم زیارت می کنند، ولی پدرم را زیارت نمی کنند جز خواص شیعه.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن يحيى بن سليمان المازني عن أبي الحسن موسى صلوات الله عليه قال: من زار قبر ولدي علي صلوات الله عليه كان له عند الله كسب بعين حجته منبورة قال قلت سببعين حجته قال نعم و سببعين ألف حجته قال قلت سببعين ألف حجته قال رب حجته لا تقبل من زاره و بات عنده لئله كان كمن زار الله في عرشه قال نعم إذا كان يوم القيامة كان على عرش الرحمن أربعة من الأولين و أربعة من الآخرين فأما الأربعة الذين هم من الأولين فنوح و إبراهيم و موسى و عيسى عليه السلام و أما الأربعة من الآخرين فمحمد و علي و الحسن و الحسين صلوات الله عليهم ثم يمد المضمرة فيقعد معنا من زار قبور الأئمة صلوات الله عليهم إلا أن أغلاهم درجة و أقربهم حنوة زوار قبر ولدي علي صلوات الله عليه. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یحیی بن سلیمان مازنی روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمود: هر کس قبر فرزندان علی صلوات الله علیه را زیارت کند برای او در پیشگاه خدا همانند هفتاد حج نیکو است.

عرض کردم: هفتاد حج؟

فرمود: آری، و هفتاد هزار حج.

عرض کردم: هفتاد هزار حج؟

فرمود: چه بسا که حجی مورد پذیرش قرار نمی گیرد. هر کس او را زیارت کند و شبی را در نزد او بیتوته کند به سان کسی است که خداوند را در عرش زیارت کرده است.

ص: ۳۲۴

فرمود: آری، آن گاه که روز قیامت فرا رسد بر عرش خدای رحمان چهار تن از پیشینیان و چهار تن از پسینیان خواهد بود. چهار تن از پیشینیان عبارتند از: نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السّلام و چهار تن از پسینیان عبارتند از حضرت محمّد، حضرت مولا- علی، حضرت امام حسن و حضرت امام حسین صلوات الله علیهم آنگاه جایگاه آماده می شود و زایران قبور حضرات ائمه اطهار صلوات الله علیهم با ما می نشینند با این تفاوت که بالاترین درجه و نزدیکترین هدیه از آن زایران قبر فرزندان علی صلوات الله علیه است.

۳۷۳- کیفیت زیارت حضرت امام رضا صلوات الله علیه و وداع با آن بزرگوار

۱- مرحوم شیخ صدوق، گوید: شیخ ما، محمد بن حسن بن ولید در کتاب جامع خود بیان کرده و گفته است: اگر خواستی قبر حضرت امام رضا صلوات الله علیه را در طوس زیارت کنی، هنگام بیرون رفتن از منزل غسل کن و هنگامی که غسل می کنی بگو:

«اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي وَ طَهِّرْ لِي قَلْبِي وَ اشْرَحْ لِي صِدْرِي وَ اجْرِ عَلَيَّ لِسَانِي مَدْحَتَكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي طَهُورًا وَ شِفَاءً».

و در وقت بیرون رفتن از منزل می گویی:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ حَسْبِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَ إِلَيْكَ قَصَيْدْتُ وَ مَا عِنْدَكَ أَرَدْتُ».

وقتی بیرون رفتی، بر در خانه خود بایست و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَ عَلَيْكَ خَلَفْتُ أَهْلِي وَ مَالِي وَ مَا خَوَّلْتَنِي وَ بِحُكِّ وَ ثِقْتِ فَلَمَّا تُخَيَّبْنِي يَا مَنْ لَا يُخَيَّبُ مَنْ أَرَادَهُ وَ لَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظَهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ احْفَظْنِي بِحِفْظِكَ فَإِنَّهُ لَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظْتَ».

پس هر گاه به سلامت رسیدی و خواستی به زیارت بروی، غسل کن و هنگام غسل کردن، بگو:

«اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ اشْرَحْ لِي صِدْرِي وَ اجْرِ عَلَيَّ لِسَانِي مَدْحَتَكَ وَ مَحَبَّتَكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ قُوَّةَ دِينِي التَّسْلِيمُ لِأَمْرِكَ وَ الْإِتْبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ الشَّهَادَةُ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شِفَاءً وَ نُورًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و پاکیزه ترین جامه های خود را بیوش و با پای برهنه، با آرامش و وقار و ذکر «الله اکبر» و «لا إله إلا الله» و «سبحان الله» و گرامی داشتن یاد خداوند، برو و گام های خود را کوتاه بردار.

هنگام داخل شدن بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَىٰ مَلِهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَ لِيُّ اللَّهِ».

سپس به طرف سر قبر حضرت برو و روبروی او و رو به قبله بایست و بگو:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ سَيِّدِ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ صَلَاةً لَا يَقْوَىٰ عَلَىٰ إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ».

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِكَ وَ أَخِي رَسُولِكَ الَّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ الدَّلِيلَ عَلَىٰ مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَتِكَ وَ دَيَانَ الدِّينِ بَعْدَكَ وَ فَضَلَ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ الْمُهَيِّمِينَ عَلَىٰ ذَلِكَ كُلِّهِ وَ السَّلَامَ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَ زَوْجِهِ وَ لِيِّكَ وَ أُمِّ السُّبُّطَيْنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الطُّهْرِ الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ التَّقِيَّةِ النَّقِيَّةِ الرَّضِيِّهِ الرَّكِيِّ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ صَلَاةً لَا يَقْوَىٰ عَلَىٰ إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ».

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سِبْطَيْ نَبِيِّكَ وَ سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْقَائِمِينَ فِي خَلْقِكَ وَ الدَّلِيلِينَ عَلَىٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسَالَتِكَ وَ دَيَانِي الدِّينِ بَعْدَكَ وَ فَضْلِي قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ».

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَبْدِكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ وَ الدَّلِيلِ عَلَىٰ مَنْ بَعَثْتَ بِرِسَالَتِكَ وَ دَيَانَ الدِّينِ بَعْدَكَ وَ فَضْلِي قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ».

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَ خَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ بَاقِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ».

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ عَبْدِكَ وَ وَلِيِّ دِينِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَىٰ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ الصَّادِقِ الْبَارِ».

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَبْدِكَ الصَّالِحِ وَ لِسَانِكَ فِي خَلْقِكَ النَّاطِقِ بِعِلْمِكَ وَ الْحُجَّهِ عَلَى بَرِيَّتِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا الْمُرْتَضَى عَبْدِكَ وَ وَلِيِّ دِينِكَ الْقَائِمِ بِعَدْلِكَ وَ الدَّاعِي إِلَى دِينِكَ وَ دِينَ آبَائِهِ الصَّادِقِينَ صَلَاةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ عَبْدِكَ وَ وَلِيِّكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ وَ الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ عَبْدِكَ وَ وَلِيِّ دِينِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْعَامِلِ بِأَمْرِكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ وَ حُجَّتِكَ الْمُوَدِّي عَيْنَ نَبِيِّكَ وَ شَاهِدِكَ عَلَى خَلْقِكَ الْمَخْصُوصِ بِكَرَامَتِكَ الدَّاعِي إِلَى طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَ وَلِيِّكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ صَلَاةً تَامَّةً نَامِيَةً بَاقِيَةً تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ وَ تَنْصِرُهُ بِهَا وَ تَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَ أَوْلَى وَلِيِّهِمْ وَ أُعَادِي عِدْوَهُمْ فَارْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ اصْرِفْ عَنِّي بِهِمْ شَرَّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

سپس نزد سر آن حضرت می نشینی و می گوئی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صِيفِيَّ اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ حَبِيبِ رَبِّ الْعَالَمِينَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بَاقِرِ عِلْمِ الْأَوْلِيَاءِ وَ الْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ الصَّادِقِ الْبَارِّ الْأَمِينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَاطِمِ

الْحَلِيمِ السَّلَامِ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ السَّعِيدُ الْمَظْلُومُ الْمُقْتُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الْوَصِيُّ الْبَارُّ التَّقِيُّ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ فَتَلْتَكُ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ ظَلَمْتِكَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ أَسَسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ وَالْبِدْعَةِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ».

سپس خود را بر قبر می چسبانی و می گویی:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَدَدْتُ مِنْ أَرْضِي وَفَطَعْتُ الْبِلَادَ رَجَاءَ رَحْمَتِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِي وَلَا تَرُدَّنِي بِغَيْرِ قَضَاءِ حَوَائِجِي وَارْحَمْ تَقَلُّبِي عَلَى قَبْرِ ابْنِ أَخِي رَسُولِكَ صِدْقِ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي أَتَيْتُكَ زَائِراً وَافِئِداً عَائِداً مِمَّا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي وَاخْتَطَبْتُ عَلَى ظَهْرِي فَكُنْ لِي شَافِعاً إِلَى اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ حَاجَتِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي فَلَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامٌ مَحْمُودٌ وَأَنْتَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهٌ».

سپس دست راست را بلند می کنی و دست چپ را بر قبر می گستری و می گویی:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ أَنْوَلِي آخِرَهُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَاهُمْ وَأَبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَلِيَجِهِ دُونَهُمْ اللَّهُمَّ الْعِنَ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ وَانْتَهَمُوا نَبِيَّكَ وَجَحَدُوا آيَاتِكَ وَسَخَرُوا بِإِمَامَتِكَ وَحَمَلُوا النَّاسَ عَلَى أَكْتِافِ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِاللَّغْنَةِ عَلَيْهِمْ وَالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا رَحْمَانُ».

سپس نزد پای آن حضرت برمی گردی و می گویی:

«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ صَبَرْتُ عَلَى الْأَذَى وَ أَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدَّقُ قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِي وَاللُّسُنِ».

پس در لعنت کردن بر کُشنده حضرت امیرالمؤمنین و قاتلان حسن و حسین صلوات الله علیهما و قاتلان همه اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله، تضرع و مبالغه کن.

سپس از پشت قبر برو و نزد سر آن حضرت دو رکعت نماز بگزار؛ در رکعت اول سوره یس و در رکعت دوم سوره الرحمن را بخوان، و در دعا و تضرع بکوش و برای خود و پدر و مادرت و همه برادران مؤمن خود بسیار دعا کن و هر قدر می خواهی، نزد سر آن حضرت بمان و نمازهای تو باید نزد قبر باشد.

وداع کردن؛

هرگاه خواستی با حضرت صلوات الله عليه وداع کنی، بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَنْتَ لَنَا جُنَّةٌ مِنَ الْعَذَابِ وَهَذَا أَوْأَنُ انْصِرَافِي عَنْكَ إِنْ كُنْتُ أَذْنَتُ لِي غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ وَ لَا مُسْتَبَدِّلٍ بِكَ وَ لَا مُؤَثِّرٍ عَلَيْكَ وَ لَا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكَ وَ قَدْ جُدْتُ بِنَفْسِي لِلْحَدَثَانِ وَ تَرَكْتُ الْأَهْلَ وَ الْأَوْلَادَ وَ الْأَوْطَانَ فَكُنْ لِي شَافِعاً يَوْمَ حَاجَتِي وَ فَقْرِي وَ فَاقَتِي يَوْمَ لَا يُعْنِي عَنِّي حَمِيمِي وَ لَا قَرِيبِي يَوْمَ لَا يُعْنِي عَنِّي وَالِدِي وَ لَا وَلَدِي أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي قَدَّرَ عَلَيَّ رَحْلَتِي إِلَيْكَ أَنْ يُنْفَسَ بِحُكْمِكَ كُرْبَتِي وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي قَدَّرَ عَلَيَّ فِرَاقَ مَكَانِكَ أَنْ لَا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ رُجُوعِي إِلَيْكَ وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَبْكَى عَلَيْكَ عَيْنِي أَنْ يَجْعَلَهُ لِي سَبَباً وَ ذُخْراً وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَرَانِي مَكَانَكَ وَ هَدَانِي لِلتَّسْلِيمِ عَلَيْكَ وَ زِيَارَتِي إِيَّاكَ أَنْ يُورِدَنِي حَوْضُكُمْ وَ يَرْزُقَنِي مُرَافَقَتَكُمْ فِي الْجَنَانِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ قَائِدِ الْعُرَى الْمُحَجَّلِينَ السَّلَامُ عَلَيَّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ السَّلَامُ عَلَيَّ الْأَيْمَةِ وَ تُسَمِّيهِمْ وَاحِداً وَاحِداً وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيَّ مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْبَاقِينَ السَّلَامُ عَلَيَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقِيمِينَ الْمُسَبِّحِينَ الَّذِينَ بِأَمْرِهِ يَعْملُونَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَيَّ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهُ فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَ مَعَ آبَائِهِ الْمَاضِينَ وَ إِنْ أَبْقَيْتَنِي يَا رَبِّ فَارْزُقْنِي زِيَارَتَهُ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي إِيَّاكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و می گویی:

«أَسْأَلُكَ اللَّهُ وَ أَسْتَرْعِيكَ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِمَا دَعَوْتَ إِلَيْهِ فَكَتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ اللَّهُمَّ فَارْزُقْنِي حُبَّهُمْ وَ مَوَدَّتَهُمْ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي السَّلَامُ مِنِّي أَبَداً مَا بَقِيَتْ وَ دَائِماً إِذَا فَنِيَتْ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَيَّ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» (۱).

و هنگامی که از بارگاه خارج شدی، روی خود را تا از دیدگانت پنهان نشده است، از او بر نگردان؛ إن شاء الله.

ص: ۳۲۹

۲- الشيخ الصدوق، بإسناده عن الصَّقرِ بْنِ دُلْفَ قَالَ سَمِعْتُ سَيِّدِي عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الرَّضَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ يَقُولُ: مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ عِزٌّ وَحَيْلٌ حَاجَهُ فَلْيُزِرْ قَبْرَ حَيْدَى الرَّضَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ بِطُوسٍ وَهُوَ عَلَى غُسلٍ وَ لِيُصَلَّ عِنْدَ رَأْسِهِ رَكَعَتَيْنِ وَ لِيَسْأَلَ اللَّهَ تَعَالَى حَاجَتَهُ فِي قُنُوتِهِ فَإِنَّهُ يَسْتَجِيبُ لَهُ مَا لَمْ يَسْأَلْ فِي مِائَةٍ أَوْ قَطِيعَةٍ رَحِمٍ فَإِنَّ مَوْضِعَ قَبْرِهِ لَبُقْعَةٌ مِنْ بَقَاعِ الْجَنَّةِ لَا يَزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا أَعْتَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ النَّارِ وَ أَدْخَلَهُ دَارَ الْقَرَارِ. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از صقر بن دلف روایت کرده که گفت: از پیشوایم حضرت امام علی النقی صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: هر کس حاجتی نزد خدای عز و جل داشته باشد، قبر جدم حضرت امام رضا صلوات الله علیه را در طوس، در حالی که غسل کرده باشد، زیارت کند؛ و نزد سر حضرت، دو رکعت نماز بخواند و در قنوت، حاجتش را از خداوند متعال بخواهد که اگر خواسته اش گناه یا بریدن ارتباط با خویشاوند نباشد، برآورده می شود؛ زیرا مکان قبر او، بقعه ای از بقعه های بهشت است و هیچ مؤمنی آن را زیارت نمی کند، مگر اینکه خداوند او را از آتش دوزخ رهایی می بخشد و وارد بهشت می نماید.

۳۷۴- فضیلت زیارت دو امام همام، امام علی النقی و امام حسن عسکری صلوات الله علیهما، و آداب زیارت و دعا در صحن آن دو حضرت؛ صلوات الله علیهما

۱- الشيخ الصدوق، بإسناده عن الحسن بن عليّ الوشاء قال سمعت أبا الحسن الرضا صلوات الله عليه يقول إن لكل إمام عهداً في عتق أوليائه و شيعته و إن من تمام الوفاء بالعهد و حسن الأداء زيارة قبورهم فمن زارهم رغبه في زيارتهم و تصديقاً لما رغبوا فيه كان أئمتهم شفعاء لهم يوم القيامة. (۲)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از حسن بن علی و شاء روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله علیه شنیدم می فرمود: همانا برای هر امامی عهدیست بر ذمه دوستان و شیعیانش، و از تمام کردن عهد و اداء کردن آن به تمام، زیارت قبور ایشان است، پس هر کس با عشق و علاقه قبور آنان را زیارت کند و بپذیرد آنچه را که آنان بدان رغبت داشتند و انجام دهد، امامان او شفیعش باشند در روز رستاخیز.

ص: ۳۳۰

۱- . عیون الأخبار ج ۲ ص ۲۶۲. بحار الانوار ج ۹۹ ص ۴۹ ح ۴.

۲- . عیون الأخبار ج ۲ ص ۲۶۱ ح ۲۴.

۲- الشيخ الطوسي، بإسناده عن أبي هاشم الجعفری قال قال لی أبو محمد الحسن بن علی صلوات الله علیهما قبری بسر من رأى أمان لأهل الجائین. (۱)

مرحوم شیخ طوسی، با سند خویش از ابی هاشم جعفری روایت کرده که گفت: حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه به من فرمود: قبر من در سامراء، موجب ایمنی مردمان مغرب و مشرق زمین است.

۳-

مرحوم شیخ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه، گوید: از یکی از امامان صلوات الله علیهم روایت شده است که فرمودند: اگر خواستی قبر حضرت امام علی النقی و حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیهما را زیارت کنی، در صورتی که به قبر آن دو حضرت رسیدی، بعد از غسل، و در غیر این صورت از نزد دری که در سمت راه رو نرده های ضریح قرار دارد، سلام بده و بگو:

«السَّلَامُ عَلَیْکُمَا يَا وَلِيِّيَ اللَّهُ السَّلَامُ عَلَیْکُمَا يَا حُجَّتِي اللَّهُ السَّلَامُ عَلَیْکُمَا يَا نُورِي اللَّهُ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ أَتَيْتُکُمَا زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّکُمَا مُعَادِيًا لِأَعْيَادِکُمَا مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِکُمَا مُؤْمِنًا بِمَا آمَنْتُمَا بِهِ كَافِرًا بِمَا كَفَرْتُمَا بِهِ مُحَقِّقًا لِمَا حَقَّقْتُمَا مُبْطِلًا لِمَا أَبْطَلْتُمَا أَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّکُمَا أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيَارَتِکُمَا الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ يَزُرُقَنِي مُرَافَقَتِکُمَا فِي الْجَنَانِ مَعَ آبَائِکُمَا الصَّالِحِينَ وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ يَزُرُقَنِي شَفَاعَتِکُمَا وَ مُصَاحَبَتِکُمَا وَ يُعَرِّفَ بَيْنِي وَ بَيْنَکُمَا وَ لَا يَسْلُبْنِي حُبَّکُمَا وَ حُبَّ آبَائِکُمَا الصَّالِحِينَ وَ أَنْ لَا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِکُمَا وَ يَحْشُرَنِي مَعَكُمْ فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّهُمَا وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِمَا اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ وَ انْتَقِمْ مِنْهُمْ اللَّهُمَّ الْعَنْ الْمَأُولِينَ مِنْهُمْ وَ الْآخِرِينَ وَ ضَاعِفَ عَلَيْهِمُ الْعِيَابَ وَ أَلْبِغْ بِهِمْ وَ بِأَشْيَاعِهِمْ وَ مُحِبِّيهِمْ وَ مُتَّبِعِيهِمْ أَسْفَلَ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَ لِيكَ وَ ابْنِ وَ لِيكَ وَ اجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ فَرَجِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (۲)

سپس در دعا کردن برای خود و پدر و مادرت بکوش، و هر دعا که می خواهی، برگزین؛ و اگر نزد قبر ایشان رسیدی، دو رکعت نماز نزد قبر به جای آور، و اگر وارد مسجد شدی و نماز خواندی، هر دعایی خواستی بکن

ص: ۳۳۱

۱- . تهذیب الاحکام ج ۶ ص ۹۳. بحارالانوار ج ۹۹ ص ۵۹ ح ۱.

۲- . کامل الزیارات ص ۳۱۳. بحارالانوار ج ۹۹ ص ۶۱ ح ۵.

که مستجاب است، و این مسجد کنار خانه ایشان است که این دو امام صلوات الله علیهما در آن نماز برپا می داشته اند.

توضیح: متن زیارت مطابق روایت کتاب الفقیه مرحوم شیخ صدوق رضوان الله علیه می باشد.

۳۷۵- زیارت امام پنهان از دیدگان، حاضر در دل های برگزیدگان، مورد انتظار در شب و روز، حضرت حجت فرزند حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیهما

۱- الشيخ الطبرسی، قال: خَرَجَ مِنَ النَّاحِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ إِلَى مُحَمَّدِ الْحَمِيرِيِّ بَعِيدِ الْجَوَابِ عَنِ الْمَسَائِلِ الَّتِي سَأَلَهَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَمَّا لَأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ وَ لَا مِنْ أَوْلِيَانِهِ تَقْبَلُونَ حِكْمَهُ بِالْعَهِّ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ السَّلَامَ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ إِلَيْنَا فَتَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى آلِ يَاسِينَ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّانِي آيَاتِهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَ دِيَانَ دِينِهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجَمَانَهُ السَّلَامَ عَلَيْكَ فِي آتَاءِ لَيْلِكَ وَ أَطْرَافِ نَهَارِكَ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا مِثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَ كَدَّهُ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمَّنَهُ السَّلَامَ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمُنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ الْمَصْدُوبُ وَ الْعَوْثُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَ عِيداً غَيْرَ مَكْدُوبِ السَّلَامَ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ السَّلَامَ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ السَّلَامَ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَ تُبَيِّنُ السَّلَامَ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيَ وَ تَقْتُلُ السَّلَامَ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَ تَسْجُدُ السَّلَامَ عَلَيْكَ حِينَ تَهَلَّلُ وَ تُكَبِّرُ السَّلَامَ عَلَيْكَ حِينَ تُحْمَدُ وَ تَسْتَغْفِرُ السَّلَامَ عَلَيْكَ حِينَ تُصَبِّحُ وَ تُمَسِّي السَّلَامَ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى السَّلَامَ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ السَّلَامَ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ السَّلَامَ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَ أَهْلُهُ وَ أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ وَ الْحَسَنَ حُجَّتَهُ وَ الْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ أَنَّ رَجَعْتَكُمْ حَقُّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْساً إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ

أَمَنْتُ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَيْتُ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ وَالْبُعْثَ حَقٌّ وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَالْحَشَرَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ يَا مَوْلَايَ شَقِيحِي مَنْ خَالَفَكَ وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكَ فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ وَأَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيءٌ مِنْ عَيْدُوكَ فَالْحَقُّ مَا رَضِيَ يَتَمُوهُ وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَانْفَسِي مُؤْمِنُهُ بِاللَّهِ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَآخِرِكُمْ وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ آمِينَ آمِينَ.

الدُّعَاءُ عَقِيبَ هَذَا الْقَوْلِ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ نُورِكَ وَأَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَصِدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَفِكْرِي نُورَ النَّيِّبِ وَعَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَدِينِي نُورَ الْبَصِيَّةِ مِنْ عِنْدِكَ وَبَصِيرَتِي نُورَ الضِّيَاءِ وَسَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمَوَالِمِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ حَتَّى الْفَاكِ وَالْقَدِّ وَقَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ فَتَغَشَّيْنِي رَحْمَتَكَ يَا وَلِيَّيَا حَمِيدُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ وَالِدَاعِي إِلَيَّ سَبِيلِكَ وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ وَالثَّائِرِ بِأَمْرِكَ وَوَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ وَمُنِيرِ الْحَقِّ.

وَالنَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ وَكَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ الْمُزْتَقِبِ الْخَائِفِ

وَالْوَلِيِّ النَّاصِحِ سَفِينَةِ النَّجَاهِ وَعَلَمِ الْهُدَى وَنُورِ أَنْبَارِ الْوُورَى وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى وَمُجَلِّي الْعَمَى الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَوَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَاءِكَ الَّذِينَ فَارَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَانصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِبَعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَاحْرُسْهُ وَأَمْنَعَهُ مِنْ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَأَبْذُرْ بِالنُّصْرِ وَانصُرْ نَاصِرِيهِ وَ

اخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَاقْصِمِ قَاصِمِيهِ وَاقْصِمِ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا بَرَّهَا وَ بَحْرَهَا وَ امْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ أَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ مَا يَأْمُلُونَ وَ فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ
إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (۱)

مرحوم شیخ طبرسی، گوید: بعد از دادن جواب مسائلی که در مورد آنها سؤال کرده بود، از ناحیه مقدسه به سوی محمد حمیری بیرون آمد؛

بسم الله الرحمن الرحيم

نه خود در امر او فکر می کنند، و نه از اولیای او می پذیرند، حکمتی رسا است، پس جماعتی را که ایمان نمی آورند، بیم دادن سودی نمی رساند؛ سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا؛ هر گاه خواستید به وسیله ما به سوی خداوند تبارک و تعالی و به سوی ما توجه کنید، پس بگویید چنانچه خداوند متعال فرموده است:

سلام بر آل یاسین، سلام بر تو ای دعوت کننده خلق به سوی خدا و آشکار کننده نشانه های او، سلام بر تو ای درگاه خدا و حافظ دین خدا، سلام بر تو ای خلیفه خدا و یاور حق او، سلام بر تو ای حجت خدا و راهنما به سوی خواست او، سلام بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و مفسر آن، سلام ما بر تو در تمام ساعات شب و روز، سلام بر تو ای باقی گذاشته خداوند در زمین، سلام بر تو ای عهد و پیمان خداوند که آن را از آفریدگان گرفته و استوار گردانیده است، سلام بر تو ای وعده خدا که تحقق آن را ضمانت کرده است، سلام بر تو ای پرچم افراشته، و دانش فراگیر، و پناه و رحمت گسترده، و وعده ای راست است که هرگز دروغین نیست. سلام بر تو آن هنگام که برخیزی، سلام بر تو وقتی که بنشینی، سلام بر تو وقتی که قرائت و تفسیر می کنی، سلام بر تو هنگامی که نماز می خوانی و قنوت می گیری، سلام بر تو هنگامی که رکوع و سجده به جای می آوری، سلام بر تو هنگامی که «لا-إله إلا-الله» و «الله اکبر» می گویی، سلام بر تو هنگامی که به حمد و استغفار به درگاه خداوند می پردازی، سلام بر تو هنگامی که صبح و شب می کنی، سلام بر تو در

ص: ۳۳۴

۱- . الإحتجاج (للطبرسی) ج ۲ ص ۳۱۶-۳۱۸. بحار الانوار ج ۹۹ ص ۸۱-۸۳ ح ۱.

شب، آن هنگام که تاریک گردد، و در روز، آن هنگام که روشن شود؛ سلام بر تو ای امام ایمنی یافته، سلام بر تو ای پیش افتاده از مردمان و مورد آرزو، سلام بر تو، با تمام سلام ها.

ای سرور من، تو را گواه می گیرم که من شهادت می دهم که هیچ خدایی جز الله نیست، یگانه است و هیچ شریکی ندارد، و محمد، بنده و فرستاده او است، و هیچ دوستی جز او و اهل بیت او نیست؛ و تو را گواه می گیرم ای سرور من، که علی امیرالمؤمنین حجت خدا است، و حسن حجت خدا است، و حسین حجت خدا است، و علی فرزند حسین حجت خدا است، و محمد فرزند علی حجت خدا است، و جعفر فرزند محمد حجت خدا است، و موسی فرزند جعفر حجت خدا است، و علی فرزند موسی حجت خدا است، و محمد فرزند علی حجت خدا است، و حسن فرزند محمد حجت خدا است، و علی حجت خدا است، و گواهی می دهم که تو حجت خدا هستی، اول و آخر، شما هستید، و بازگشت شما حق است و هیچ تردیدی در آن نیست، روزی که کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی بخشد؛ گواهی می دهم که مرگ، حق است و دو فرشته نکیر و منکر، حقیقت دارد.

و گواهی می دهم که برانگیختن مردگان حق است، و صراط حق است، و مرصاد حق است، و سنجش اعمال حق است، و گرد آمدن همگان در محشر حق است، و حساب حق است، و بهشت و دوزخ حق است، و وعده و وعید خداوند به آن دو حق است؛ ای سرور من، هر کس با شما مخالفت ورزد، بدبخت است، و هر کس از شما پیروی نماید، سعادت مند است؛ پس بر آن چه تو را به آن گواه گرفتم، گواه باش؛ و من دوست شما هستم، و دشمن دشمنان شما هستم، حق و حقیقت همان است که شما به آن خشنود گشتید، و باطل همان است که شما نسبت به آن خشم گرفتید، و عمل نیکو آن است که به آن امر کردید، و کار زشت آن است که از آن باز داشتید؛ من به خداوند یگانه که هیچ شریکی برایش نیست، و به پیامبر او و به امیرالمؤمنین ایمان دارم؛ و ای سرور من، به اولین و آخرین شما ایمان دارم، نصرت و یاری من بر شما مهیا است، و دوستی من برای شما خالصانه است؛ بپذیر، ای خدا؛ بپذیر.

و بعد از آن، این دعا خوانده می شود:

خدایا، از تو می خواهم که بر محمد، پیامبر رحمت و کلمه نور خود درود فرستی، و قلبم را از نور یقین، و سینه ام را از نور ایمان، و فکرم را از نور تبت ها، و عزم و اراده ام را با نور دانش، و نیرویم را با نور عمل، و زبانم را با نور صدق، و دینم را با نور بصیرت هایی از جانب خود، و چشمم را با نور دیدن، و گوشم را با نور حکمت،

و دوستی ام را با نور دوستی با محمد و خاندان محمد صلی الله علیه و آله پر کنی تا آنگاه که تو را دیدار کنم، در حالی که به عهد و میثاق تو وفا کرده باشم، و تو ای سرپرست ستوده، مرا غرق رحمت خود کرده باشی.

خدایا، بر محمد، حجت خود در زمین، و جانشین تو در سرزمین هایت، و دعوت کننده به راه تو، و قیام کننده به اجرای عدل تو، و بر انگیزاننده به امر تو، دوستدار مؤمنان، و نابود کننده کافران، و روشنی بخش تیرگی، و آشکار کننده حقیقت، درود فرست.

همان سخن گوینده به حکمت و راستی، و کلمه کمال یافته تو در زمین، و خویشتن دار ترسان، و سرپرست خیرخواه، و کشتی نجات، و پرچم هدایت، و روشنی چشمان مردمان، و بهترین کسی که پیراهن و ردا بر تن کرد، بر طرف کننده نابینایی، کسی که زمین را از عدل و داد پر می کند، آن چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد؛ به راستی تو بر همه چیز توانا هستی.

خدایا، بر ولی خود و فرزند اولیاءت، که طاعتشان را لازم گردانیدی، و حق آنها را بر مردم واجب ساختی، و ناپاکی ها را از وجود آنان دور گردانیدی، و آنها را پاک و منزّه ساختی، درود فرست؛ خدایا، او را یاری کن دینت را با او یاری کن، و به واسطه او دوستداران خود و دوستداران و شیعیان و یاران او را یاری رسان، و ما را از آنان قرار ده؛ خدایا، او را از شر هر ستمگر و سرکش، و از شر تمامی آفریدگانت در پناه خود گیر، و او را از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپ نگاه دار، و از او محافظت کن، و مگذار آسیب و بدی به او برسد، و رسول و خاندان رسول خود را در حفظ وجود او محفوظ گردان، و به وسیله او حکم عدل خود را آشکار گردان، و او را مؤید به نصرت خود بدار، و یاران او را یاری کن، و مخالفان او را محروم و خوار گردان، و پشت دشمنانش را بشکن، و پشت جباران و ستمکاران کفر را به وجود او در هم شکن، و کافران و منافقان و تمام افراد بی دین را هر کجا که باشند، در کرانه های شرق و غرب زمین، در خشکی و دریا، به قتل برسان و زمین را به واسطه او از عدل پر کن، و دین پاک پیامبرت صلی الله علیه و آله را به واسطه او آشکار فرما.

مرا نیز ای خدا، از یاران و پیروان و شیعیان او قرار ده، و در خاندان محمد صلوات الله علیهم، آنچه را که امید دارند، و در دشمنان آنان، آنچه را که بر حذر می دارند، به من بنمایان؛ ای خدای حق، بپذیر؛ ای دارنده شکوه و بزرگواری، ای مهربان ترین مهربانان.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن خَلَادِ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَكَّةُ حَرَمُ اللَّهِ وَحَرَمُ رَسُولِهِ وَحَرَمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا الصَّلَاةُ فِيهَا بِمِائَةِ أَلْفٍ صَلَاةٍ وَالدَّرْهَمُ فِيهَا بِمِائَةِ أَلْفٍ دِرْهَمٍ وَالْمَدِينَةُ حَرَمُ اللَّهِ وَحَرَمُ رَسُولِهِ وَحَرَمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا الصَّلَاةُ فِيهَا بِعَشْرَةِ أَلْفٍ صَلَاةٍ وَالدَّرْهَمُ فِيهَا بِعَشْرَةِ أَلْفٍ دِرْهَمٍ وَالْكُوفَةُ حَرَمُ اللَّهِ وَحَرَمُ رَسُولِهِ وَحَرَمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا الصَّلَاةُ فِيهَا بِأَلْفٍ صَلَاةٍ وَالدَّرْهَمُ فِيهَا بِأَلْفٍ دِرْهَمٍ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از خلاد قلانسی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: مکه حرم خدا و رسول او و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما و آلهما است. یک نماز در آن برابر صد هزار نماز است و یک درهم (انفاق) در آن برابر صد هزار درهم است. و مدینه حرم خدا و رسول او و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما و آلهما است. یک نماز در آن برابر ده هزار نماز و یک درهم در آن برابر ده هزار درهم است. و کوفه حرم خدا و رسول او و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما و آلهما است. یک نماز در آن برابر هزار نماز و یک درهم در آن برابر هزار درهم است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: تَتِمُّ الصَّلَاةُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ حَرَمِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: نماز در چهار جا تمام خوانده می شود: در مسجد الحرام، مسجد الرسول صلی الله علیه و آله، مسجد کوفه و حرم حضرت امام حسین صلوات الله علیه.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي شَيْبَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْهِ أَرْبَعُ مَوَاطِنَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ نَعَمْ زُرُّ الطَّيِّبَ وَ أَتَمَّ الصَّلَاةَ فِيهِ قُلْتُ فَإِنَّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا يَرَوْنَ التَّقْصِيرَ قَالَ إِنَّمَا يَفْعَلُ ذَلِكَ الضَّعْفَةُ. (۳)

ص: ۳۳۷

۱- . الكافي ج ۴ ص ۵۸۶ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۴ ص ۵۸۶ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۴ ص ۵۸۷ ح ۶.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو شبل روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه را زیارت بنمایم؟

فرمود: آری، پاکیزه زیارت کن و نماز را در آن جا تمام گزار.

گفتم: بعضی از اصحاب ما نظرشان به قصر است.

فرمود: این حکم را فقط ضعفا و ناتوانان انجام می دهند.

۳۷۷- زیارت ائمه اطهار صلوات الله علیهم از راه دور، و ثواب زیارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها در قم

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن أبي عمير عمّن رَوَاهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: إِذَا بَعُدَتْ بِأَحَدِكُمْ الشُّقَّةُ وَ نَأَتْ بِهِ الدَّارُ فَلْيُعَلِّ أَعْلَى مَنْزِلِهِ وَ لِيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَ لِيُومِ بِالسَّلَامِ إِلَي قُبُورِنَا فَإِنَّ ذَلِكَ يَصِلُ إِلَيْنَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن ابی عمیر از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه مسافت زیارت ما برای یکی از شما دور شد و خانه اش با ما فاصله زیادی داشت پس بر بالاترین جای منزلش برود و دو رکعت نماز گزارد و به سلام به قبور ما اشاره کند، زیرا همان برای ما می رسد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن حنان عن أبيه قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: يا سدير تزور قبر الحسين صلوات الله عليه في كل يوم قلت جعلت فداك لا- قال فما أجفأكم قال فتزورونه في كل جمعه قلت لا- قال فتزورونه في كل شهر قلت لا قال فتزورونه في كل سنة قلت قد يكون ذلك قال يا سدير ما أجفأكم للحسين صلوات الله عليه أ ما علمت أن لله عز وجل ألفي ألف ملك شعث غبر يبتكون و يزورون لا يفترون و ما عليك يا سدير أن تزور قبر الحسين صلوات الله عليه في كل جمعه خمس مرات و في كل يوم مره قلت جعلت فداك إن بيننا و بينه فراسخ كثيرة فقال لي اصبرعد فوق سيطحك ثم تلتفت يمنة و يسيرة ثم ترفع رأسك إلى السماء ثم أنح نحو القبر و تقول: «السلم عليك يا أبا عبد الله السلام»

ص: ۳۳۸

عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» تُكْتَبُ لَكَ زُورَةٌ وَالزُّورَةُ حَجَّةٌ وَعُمْرَةٌ قَالَ سَدِيرٌ فَرَبَّمَا فَعَلْتُ فِي الشَّهْرِ أَكْثَرَ مِنْ عِشْرِينَ مَرَّةً. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حنان از پدرش حنان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: ای سدیر! قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه را در هر روز زیارت می کنی؟

گفتم: قربانت گردم! نه.

فرمود: پس شما چه جفا کارید.

فرمود: در هر هفته زیارت می کنی؟

گفتم: نه.

فرمود: آن حضرت را در هر ماه زیارت می کنی؟

گفتم: نه.

فرمود: در هر سال زیارت می کنی؟

گفتم: گاهی می شود.

فرمود: ای سدیر! شما نسبت به حضرت امام حسین صلوات الله علیه چه جفا کارید؟!

آیا نمی دانی که برای خداوند عزّ و جلّ دو میلیون فرشته است که ژولیده و غبار آلودند و بر آن حضرت گریه می کنند و حضرتش را زیارت می کنند و سستی نمی ورزند. ای سدیر! برای چه در هر هفته پنج بار و در هر روز یک بار را زیارت نمی کنی.

گفتم: قربانت گردم! میان ما و او فرسنگ های بسیاری فاصله است.

حضرتش به من فرمود: بالای سمت بام خانه ات برو، سپس به سمت راست و چپ نگاه کن. آن گاه سرت را به طرف آسمان بلند کن، سپس به سوی قبر رو کن و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

با انجام این عمل برای تو پاداش زیارت حضرت امام حسین صلوات الله علیه نوشته می شود که پاداش زیارت حضرت امام حسین صلوات الله علیه پاداش یک حج و یک عمره است.

سدیر گوید: گاهی من در یک ماه بیش از بیست بار این عمل را انجام می دادم.

١- الكافي ج ٤ ص ٥٨٩ ح ٨.

۳- الشيخ محمد بن جعفر بن قولويه، بإسناده عن سعد بن سعد بن أبي الحسن الرضا صلوات الله عليه قال سألتُهُ عن زيارته فاطمة بنت موسى صلوات الله عليهما قال مَنْ زارها فَلَهُ الْجَنَّةُ. (۱)

مرحوم شيخ محمد بن جعفر بن قولويه، با سند خویش از سعد بن سعد روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله عليه راجع به زیارت حضرت فاطمه دختر حضرت موسی بن جعفر صلوات الله عليهما پرسیدم؟

حضرت فرمود: کسی که او را زیارت کند بهشت برایش خواهد بود.

۴- الشيخ محمد بن جعفر بن قولويه، بإسناده عن العَمْرِكِيِّ بْنِ عَلِيِّ الْبُوفِكِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنِ ابْنِ الرُّضَا صلوات الله عليهما قال مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بِقَمِّ فَلَهُ الْجَنَّةُ. (۲)

مرحوم شيخ محمد بن جعفر بن قولويه، با سند خویش از عمر کی بن علی البوفکی از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد تقی جواد صلوات الله عليه فرمود: کسی که قبر عمّه ام را در قم زیارت کند بهشت برایش می باشد.

ص: ۳۴۰

۱- . کامل الزیارات ص ۵۸۱ ح ۸۲۴.

۲- . کامل الزیارات ص ۵۸۱ ح ۸۲۵.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عمَرَ بْنِ أَبَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي السَّيْفِ وَتَحْتَ ظِلِّ السَّيْفِ وَلَا يُقِيمُ النَّاسُ إِلَّا السَّيْفُ وَالسُّيُوفُ مَقَالِيدُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمر بن ابان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: همه خوبی ها در شمشیر و زیر سایه آن است؛ مردم را چیزی جز شمشیر به راه راست و انمی دارد. و شمشیرها کلیدهای بهشت و دوزخ هستند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن حَيْدَرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: الْجِهَادُ أَفْضَلُ الْأَشْيَاءِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حیدره روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: جهاد و مبارزه پس از فرایض واجبات با فضیلت ترین کارهاست.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ جِبْرِئِيلَ أَخْبَرَنِي بِأَمْرِ قَرَّتْ بِهِ عَيْنِي وَفَرِحَ بِهِ قَلْبِي قَالَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ غَزَا غَزَاهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مِنْ أُمَّتِكَ فَمَا أَصَابَهُ قَطْرَةٌ مِنَ السَّمَاءِ أَوْ صَدَاعٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ شَهَادَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو البختری روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: جبرئیل برای من خبری آورد که چشم من روشن شد و دلم باز شد و شادمان شدم؛ جبرئیل گفت: ای محمد! هر کدام از امت تو در راه خدا به نبردی برود و بجنگد هر قطره آبی که از آسمان بر سرش بریزد، یا اگر سرش درد کند به طور حتم در روز قیامت برایش شهادت به حساب می آید.

ص: ۳۴۱

۱- . الكافي ج ۵ ص ۲ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۳ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۸ ح ۸.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الأصبغ بن نبياته قال قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه: كَتَبَ اللَّهُ الْجِهَادَ عَلَى الرَّجَالِ وَالنِّسَاءِ فَجِهَادُ الرَّجُلِ بَدْلُ مَالِهِ وَنَفْسِهِ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ أَدَى زَوْجِهَا وَغَيْرَتِهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اصبع بن نباته روایت کرده که گفت: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: خداوند، جهاد را بر مردان و زنان واجب فرمود؛ جهاد مرد، بخشش از مال و ثروت و جان اوست تا آن گاه که در راه خدا کشته شود.

و جهاد زن آن است که بر آزار و غیرت شوهرش صبر و شکیبایی ورزد.

در حدیث دیگری آمده است: جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است.

۳۸۰- انواع جهاد و مبارزه

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن فضيل بن عياض قال: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الْجِهَادِ سُنَّةَ أُمِّ فَرِيضَةَ فَقَالَ الْجِهَادُ عَلَى أَرْبَعِهِ أَوْجُهُ فَجِهَادَانِ فَرَضٌ وَجِهَادٌ سُنَّةٌ لَا يُقَامُ إِلَّا مَعَ الْفُرُوضِ فَأَمَّا أَحَدُ الْفُرُوضَيْنِ فَمُجَاهَدَةُ الرَّجُلِ نَفْسَهُ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ مِنْ أَعْظَمِ الْجِهَادِ وَجِهَادُ الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ فَرَضٌ وَأَمَّا الْجِهَادُ الَّذِي هُوَ سُنَّةٌ لَا يُقَامُ إِلَّا مَعَ فَرَضٍ فَإِنَّ مُجَاهَدَةَ الْعَدُوِّ فَرَضٌ عَلَى جَمِيعِ الْأُمَّةِ وَلَوْ تَرَكُوا الْجِهَادَ لَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ وَهَذَا هُوَ مِنْ عَذَابِ الْأُمَّةِ وَهُوَ سُنَّةٌ عَلَى الْإِمَامِ وَخَدَهُ أَنْ يَأْتِيَ الْعَدُوَّ مَعَ الْأُمَّةِ فَيُجَاهِدَهُمْ وَأَمَّا الْجِهَادُ الَّذِي هُوَ سُنَّةٌ فَكُلُّ سُنَّةٍ أَقَامَهَا الرَّجُلُ وَجَاهَدَ فِي إِقَامَتِهَا وَبُلُوغِهَا وَإِحْيَائِهَا فَالْعَمَلُ وَالسَّعْيُ فِيهَا مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ لِأَنَّهَا إِحْيَاءُ سُنَّةٍ وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْءٌ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از فضیل بن عیاض روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: آیا جهاد، سنت است یا فریضه (واجب)؟

ص: ۳۴۲

۱- . الكافي ج ۵ ص ۹ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۹ ح ۱.

فرمود: جهاد، چهار نوع است: دو جهاد، واجب است. و یک جهاد سنت است که جز با فریضه انجام نمی شود. (و یک جهاد نیز فقط است.)

اما یکی از جهادهای واجب، آن است که مرد در مورد معصیت‌ها نسبت به خداوند عزّ و جلّ با خود بجنگد؛ که بهترین جهادهاست. یکی دیگر از جهادهای واجب، جهاد با کافرانی است که در مقابل شما جبهه گرفتند.

جهادی که سنت است و جز با فریضه انجام نمی شود، جهاد با دشمن است که بر تمامی امت اسلامی فرض و واجب است و اگر آن را رها کنند گرفتار عذاب می شوند و این عذاب، در مورد امت اسلامی است نه امام علیه السلام، ولی برای امام صلوات الله علیه سنت است که به همراه امت به جنگ برود و با دشمن مبارزه کند.

اما جهادی که سنت است، هر سنتی را به پا دارد و در راه عمل به آن مبارزه و جهاد کند و برای رسانیدن آن به مردم و زنده کردن سنت بجنگد؛ بدین ترتیب سعی و تلاش و کار برای انجام آن چه گفته شد، از بارزش ترین کارها است؛ چرا که زنده شدن سنت را در پی دارد.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: هر کس کار نیکی را آغاز کند و دیگران بدان عمل کنند، پاداش آن کار و پاداش تمام کسانی که تا روز قیامت آن کار را انجام دهند، بدون این که چیزی از پاداش آنها کاسته شود، برای او نیز خواهد بود.

۳۸۱- جهاد بر چه افرادی واجب و بر چه کسانی واجب نیست

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي عمرو الزبيری عن أبي عبيد الله صلوات الله عليه قال: قلت له أخبرني عن الدعاء إلى الله و الجهاد في سبيله أ هو لقوم لا يحل إلا لهم ولا يقوم به إلا من كان منهم أم هو مباح لكل من وحد الله عزّ و جلّ و آمن برسوله صلى الله عليه و آله و من كان كذا فله أن يدعو إلى الله عزّ و جلّ و إلى طاعته و أن يجاهد في سبيله فقال ذلك لقوم لا يحل إلا لهم ولا يقوم بذلك إلا من كان منهم قلت من أولئك قال من قام بشرائط الله عزّ و جلّ في القتال و الجهاد على المجاهدين فهو المأذون له في الدعاء إلى الله عزّ و جلّ و من لم يكن قائماً بشرائط الله عزّ و جلّ في الجهاد على المجاهدين فليس بمأذون له في الجهاد و لا الدعاء إلى الله حتى يحكم في نفسه ما أخذ الله عليه من شرائط الجهاد

قُلْتُ فَبَيْنَ لِي يَرْحَمِيكَ اللَّهُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَخْبَرَ [نَبِيِّهِ] فِي كِتَابِهِ الدُّعَاءَ إِلَيْهِ وَصَفَ الدُّعَاءَ إِلَيْهِ فَجَعَلَ ذَلِكَ لَهُمْ دَرَجَاتٍ يُعْرَفُ بَعْضُهَا بَعْضًا وَيُسْتَدَلُّ بِبَعْضِهَا عَلَى بَعْضٍ فَأَخْبَرَ أَنَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوَّلُ مَنْ دَعَا إِلَى نَفْسِهِ وَدَعَا إِلَى طَاعَتِهِ وَاتَّبَاعِ أَمْرِهِ فَيَدَّأُ بِنَفْسِهِ فَقَالَ: «وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» ثُمَّ تَنَّى بِرَسُولِهِ فَقَالَ: «أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَاجِدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» يَعْنِي بِالْقُرْآنِ وَلَمْ يَكُنْ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ خَالَفَ أَمْرَ اللَّهِ وَيَدْعُو إِلَيْهِ بِغَيْرِ مَا أَمَرَ [بِهِ] فِي كِتَابِهِ وَالَّذِي أَمَرَ أَنْ لَا يُدْعَى إِلَّا بِهِ وَقَالَ فِي نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» يَقُولُ تَدْعُو ثُمَّ ثَلَّثَ بِالدُّعَاءِ إِلَيْهِ بِكِتَابِهِ أَيْضًا فَقَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» أَيْ يَدْعُو «وَيُشِيرُ الْمُؤْمِنِينَ» ثُمَّ ذَكَرَ مَنْ أَدْنَى لَهُ فِي الدُّعَاءِ إِلَيْهِ بَعْدَهُ وَبَعْدَ رَسُولِهِ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» ثُمَّ أَخْبَرَ عَنْ هَيْدَةِ الْأُمَّةِ وَمَنْ هِيَ وَ أَنَّهَا مِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِسْمَاعِيلَ مِنْ سَيِّدَانِ الْحَرَمِ مِمَّنْ لَمْ يَعْبُدُوا غَيْرَ اللَّهِ قَطُّ الَّذِينَ وَجِبَتْ لَهُمْ الدُّعْوَةُ دَعْوَةُ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ مِنْ أَهْلِ الْمَسْجِدِ الَّذِينَ أَخْبَرَ عَنْهُمْ فِي كِتَابِهِ أَنَّهُ أَذْهَبَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا الَّذِينَ وَصَفْنَاهُمْ قَبْلَ هَذَا فِي صِفَةِ أُمَّةِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِينَ عَنَاهُمْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي قَوْلِهِ: «أُدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» يَعْنِي أَوَّلَ مَنْ اتَّبَعَهُ عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ وَ التَّضْيِيقِ لَهُ بِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْأُمَّةِ الَّتِي بُعِثَ فِيهَا وَ مِنْهَا وَ إِلَيْهَا قَبْلَ الْخَلْقِ مِمَّنْ لَمْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ قَطُّ وَ لَمْ يَلْبَسْ إِيْمَانَهُ بِظُلْمٍ وَ هُوَ الشُّرُكُ ثُمَّ ذَكَرَ أَتْبَاعَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَتْبَاعَ هَيْدَةِ الْأُمَّةِ الَّتِي وَصَفْنَا فِي كِتَابِهِ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ جَعَلَهَا دَاعِيَةً إِلَيْهِ وَ أَدْنَى لَهَا فِي الدُّعَاءِ إِلَيْهِ فَقَالَ: «إِنَّمَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَ مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» ثُمَّ وَصَفَ أَتْبَاعَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفْرَارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سِجْدًا يَنْتَعِنُونَ فُضُلًا مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَ مَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ» وَ قَالَ «يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بَأْيْمَانِهِمْ» يَعْنِي أَوْلِيكَ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَالَ «قَدْ أَفْلَحَ

الْمُؤْمِنُونَ « ثُمَّ حَلَّاهُمْ وَصَّيْفَهُمْ كَيْ لَا يَطْمَعَ فِي اللَّحْيَاقِ بِهِمْ إِلَّا مَنْ كَانَ مِنْهُمْ فَقَالَ فِيمَا حَلَّاهُمْ بِهِ وَصَّيْفَهُمْ: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ» إِلَى قَوْلِهِ: «أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» وَ قَالَ فِي صِفَتِهِمْ وَحَلَّتِهِمْ أَيْضًا: «الَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَمًا يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا» ثُمَّ أَخْبَرَ أَنَّهُ اشْتَرَى مِنْ هَؤُلَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ كَانَ عَلَى مِثْلِ صِفَتِهِمْ: «أَنْفُسِهِمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعِندًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ» ثُمَّ ذَكَرَ وَفَاءَهُمْ لَهُ بِعَهْدِهِ وَ مَبَايَعَتِهِ فَقَالَ «وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبَشِّرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» فَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةٌ: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ» قَامَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَرَأَيْتَكَ الرَّجُلُ يَأْخُذُ سَيْفَهُ فَيُقَاتِلُ حَتَّى يُقْتَلَ إِلَّا أَنَّهُ يَقْتَرِفُ مِنْ هَذِهِ الْمَحَارِمِ أَشْهَدُ هُوَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى رَسُولِهِ: «الَّذِينَ يَبِغُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِجُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» فَفَسَّرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الْمَجَاهِدِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ هَذِهِ صِفَتُهُمْ وَ حَلَّتُهُمْ بِالشَّهَادَةِ وَ الْجَنَّةِ وَ قَالَ «الَّذِينَ مِنَ الذُّنُوبِ» الْعَابِدُونَ «الَّذِينَ لَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا يُشْرِكُونَ بِهِ شَيْئًا» الْعَامِدُونَ «الَّذِينَ يَحْمَدُونَ اللَّهَ عَلَى كُلِّ حَالٍ فِي الشَّدَةِ وَ الرَّخَاءِ» السَّائِحُونَ «وَهُمُ الصَّائِمُونَ» الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ «الَّذِينَ يُواظِبُونَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ وَ الْحَافِظُونَ لَهَا وَ الْمُحَافِظُونَ عَلَيْهَا بِرُكُوعِهَا وَ سُجُودِهَا وَ فِي الْخُشُوعِ فِيهَا وَ فِي أَوْقَاتِهَا» الْآمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ «بَعْدَ ذَلِكَ وَ الْعَامِلُونَ بِهِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ» وَ الْمُتَّهُونَ عَنْهُ قَالَ فَبَشِّرْ مَنْ قُتِلَ وَ هُوَ قَائِمٌ بِهَذِهِ الشُّرُوطِ بِالشَّهَادَةِ وَ الْجَنَّةِ ثُمَّ أَخْبَرَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنَّهُ لَمْ يَأْمُرْ بِالْقِتَالِ إِلَّا أَصْحَابَ هَذِهِ الشُّرُوطِ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَ إِنْ اللَّهُ عَلَى نَصْرِهِمْ لَتَقْدِيرٌ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ» وَ ذَلِكَ أَنَّ جَمِيعَ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِاتِّبَاعِهِمَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِ هَذِهِ الصَّفَةِ فَمَا كَانَ مِنَ الدُّنْيَا فِي أَيْدِي الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ وَ الظَّالِمِ وَ الْفَجَّارِ مِنْ أَهْلِ

الْخِلَافِ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ الْمَوْلَى عَنْ طَاعَتِهِمَا مِمَّا كَانَ فِي أَيْدِيهِمْ ظَلَمُوا فِيهِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِ هَذِهِ الصِّفَاتِ وَ غَلَبُوهُمَ عَلَيْهِ مِمَّا « أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ » فَهُوَ حَقُّهُمُ أَفَاءَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَ رَدَّهُ إِلَيْهِمْ وَ إِنَّمَا مَعْنَى الْفَيْءِ كُلُّ مَا صَارَ إِلَى الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ رَجَعَ مِمَّا كَانَ قَدْ غَلَبَ عَلَيْهِ أَوْ فِيهِ فَمَا رَجَعَ إِلَى مَكَانِهِ مِنْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ فَقَدْ أَفَاءَ مِثْلُ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: « لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَؤُا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ » أَيْ رَجَعُوا ثُمَّ قَالَ « وَ إِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ » وَ قَالَ « وَ إِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتِلُوا فَاصْطَلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحِدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ » أَيْ تَرْجِعَ « فَإِنْ فَاءَتْ » أَيْ رَجَعَتْ « فَاصْطَلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَ أَقْسَطُوا إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ » يَعْنِي بِقَوْلِهِ تَفِيءَ تَرْجِعَ فَذَلِكَ الدَّلِيلُ عَلَى أَنَّ الْفَيْءَ كُلُّ رَاجِعٍ إِلَى مَكَانٍ قَدْ كَانَ عَلَيْهِ أَوْ فِيهِ وَ يُقَالُ لِلشَّمْسِ إِذَا زَالَتْ قَدْ فَاءَتْ الشَّمْسُ حِينَ يَفِيءُ الْفَيْءُ عِنْدَ رُجُوعِ الشَّمْسِ إِلَى زَوَالِهَا وَ كَذَلِكَ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الْكُفَّارِ فَإِنَّمَا هِيَ حُقُوقُ الْمُؤْمِنِينَ رَجَعَتْ إِلَيْهِمْ بَعْدَ ظُلْمِ الْكُفَّارِ إِيَّاهُمْ فَذَلِكَ قَوْلُهُ « أُذُنٌ لِلَّذِينَ يُفَاتِلُونَ بِيَدَيْهِمْ ظُلْمُوا » مِمَّا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ أَحَقَّ بِهِ مِنْهُمْ وَ إِنَّمَا أُذُنٌ لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ قَامُوا بِشَرَائِطِ الْإِيمَانِ الَّتِي وَصَّيْنَاهَا وَ ذَلِكَ أَنَّهُ لَا يَكُونُ مَأْذُونًا لَهُ فِي الْقِتَالِ حَتَّى يَكُونَ مَظْلُومًا وَ لَا يَكُونُ مَظْلُومًا حَتَّى يَكُونَ مُؤْمِنًا وَ لَا يَكُونُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ قَائِمًا بِشَرَائِطِ الْإِيمَانِ الَّتِي اشْتَرَطَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُجَاهِدِينَ فَإِذَا تَكَامَلَتْ فِيهِ شَرَائِطُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كَانَ مُؤْمِنًا وَ إِذَا كَانَ مُؤْمِنًا كَانَ مَظْلُومًا وَ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا كَانَ مَأْذُونًا لَهُ فِي الْجِهَادِ لِقَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ « أُذُنٌ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِيَدَيْهِمْ ظُلْمُوا وَ إِنْ اللَّهُ عَلَى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ » وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ مُسَيِّئًا لِشَرَائِطِ الْإِيمَانِ فَهُوَ ظَالِمٌ مِمَّنْ يَبْغِي وَ يَجِبُ جِهَادُهُ حَتَّى يَتُوبَ وَ لَيْسَ مِثْلُهُ مَأْذُونًا لَهُ فِي الْجِهَادِ وَ الدُّعَاءِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمَظْلُومِينَ الَّذِينَ أُذُنَ لَهُمْ فِي الْقُرْآنِ فِي الْقِتَالِ فَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَاتُهُ « أُذُنٌ لِلَّذِينَ يُفَاتِلُونَ بِيَدَيْهِمْ ظُلْمُوا » فِي الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أَخْرَجَهُمْ أَهْلُ مَكَّةَ مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أَمْوَالِهِمْ أُجِّلَ لَهُمْ جِهَادُهُمْ بِظُلْمِهِمْ إِيَّاهُمْ وَ أُذُنَ لَهُمْ فِي الْقِتَالِ فَقُلْتُ فَهَذِهِ نَزَلَتْ فِي الْمُهَاجِرِينَ بِظُلْمِ مُشْرِكِي أَهْلِ مَكَّةَ لَهُمْ فَمَا بِاللَّهُمْ فِي قِتَالِهِمْ كِسْرَى وَ قَيْصَرَ وَ مَنْ دُونَهُمْ مِنْ مُشْرِكِي قِبَايَلِ الْعَرَبِ فَصَالِ لَوْ كَانَ إِنَّمَا أُذُنَ لَهُمْ فِي قِتَالِ مَنْ ظَلَمَهُمْ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ فَقَطَّ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ إِلَى قِتَالِ جُمُوعِ كِسْرَى وَ قَيْصَرَ

وَعَبْرَ أَهْلِ مَكَّةَ مِنْ قَبَائِلِ الْعَرَبِ سَبِيلَ إِبْنِ الدِّينِ ظَلَمُوهُمْ غَيْرُهُمْ وَإِنَّمَا أُذِنَ لَهُمْ فِي قِتَالِ مَنْ ظَلَمَهُمْ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ لِإِخْرَاجِهِمْ
إِيَّاهُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ وَلَوْ كَانَتْ أَلْيَايَهُ إِنَّمَا عَنَتِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ ظَلَمَهُمْ أَهْلُ مَكَّةَ كَانَتْ أَلْيَايَهُ مُرْتَفِعَةً الْفَرَضِ
عَمَّنْ بَعِيدَهُمْ إِذَا لَمْ يَبْقَ مِنَ الظَّالِمِينَ وَالْمَظْلُومِينَ أَحَدٌ وَكَانَ فُرُضُهَا مَرْفُوعًا عَنِ النَّاسِ بَعِيدَهُمْ إِذَا لَمْ يَبْقَ مِنَ الظَّالِمِينَ وَ
الْمَظْلُومِينَ أَحَدًا] وَ لَيْسَ كَمَا ظَنَنْتَ وَلَا كَمَا ذَكَرْتَ وَلَكِنَّ الْمُهَاجِرِينَ ظَلَمُوا مِنْ جِهَتَيْنِ ظَلَمَهُمْ أَهْلُ مَكَّةَ بِإِخْرَاجِهِمْ مِنْ دِيَارِهِمْ
وَأَمْوَالِهِمْ فَقَاتَلُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ لَهُمْ فِي ذَلِكَ وَ ظَلَمَهُمْ كِسْرَى وَ قَيْصَرٌ وَ مَنْ كَانَ دُونَهُمْ مِنْ قَبَائِلِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ بِمَا كَانَ فِي
أَيْدِيهِمْ مِمَّا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ أَحَقَّ بِهِ مِنْهُمْ فَقَدْ قَاتَلُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُمْ فِي ذَلِكَ وَ بِحُجَّتِهِ هَذِهِ أَلْيَايَهُ يُقَاتِلُ مُؤْمِنًا كُلَّ زَمَانٍ
وَ إِنَّمَا أُذِنَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ قَامُوا بِمَا وَصَّيَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الشَّرَائِطِ الَّتِي شَرَطَهَا اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ فِي الْإِيمَانِ وَ
الْجِهَادِ وَ مَنْ كَانَ قَائِمًا بِتِلْكَ الشَّرَائِطِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ وَ هُوَ مَظْلُومٌ وَ مَاذُونٌ لَهُ فِي الْجِهَادِ بِذَلِكَ الْمَعْنَى وَ مَنْ كَانَ عَلَى خِلَافِ ذَلِكَ
فَهُوَ ظَالِمٌ وَ لَيْسَ مِنَ الْمَظْلُومِينَ وَ لَيْسَ بِمَاذُونٍ لَهُ فِي الْقِتَالِ وَلَا بِالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ لِأَنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِ ذَلِكَ وَ
لَا- مَاذُونٌ لَهُ فِي الدُّعَاءِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَنَّهُ لَيْسَ يُجَاهِدُ مِثْلَهُ وَ أَمْرٌ بِدُعَائِهِ إِلَى اللَّهِ وَ لَا يَكُونُ مُجَاهِدًا مَنْ قَدْ أَمَرَ الْمُؤْمِنُونَ
بِجِهَادِهِ وَ حَظَرَ الْجِهَادَ عَلَيْهِ وَ مَنَعَهُ مِنْهُ وَ لَا يَكُونُ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ أَمَرَ بِدُعَائِهِ مِثْلَهُ إِلَى التَّوْبَةِ وَ الْحَقِّ وَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ
وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لَا يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ مَنْ قَدْ أَمَرَ أَنْ يُؤْمَرَ بِهِ وَ لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مَنْ قَدْ أَمَرَ أَنْ يُنْهَى عَنْهُ فَمَنْ كَانَتْ قَدْ تَمَّتْ
فِيهِ شَرَائِطُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الَّتِي وَصَفَ بِهَا أَهْلُهَا مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ هُوَ مَظْلُومٌ فَهُوَ مَاذُونٌ لَهُ فِي الْجِهَادِ كَمَا
أُذِنَ لَهُمْ فِي الْجِهَادِ لِأَنَّ حُكْمَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ فَرَائِضَهُ عَلَيْهِمْ سَوَاءٌ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ أَوْ حَادِثٍ يَكُونُ وَ الْأَوَّلُونَ وَ
الْآخِرُونَ أَيْضًا فِي مَنَعِ الْحَيَاةِ شُرَكَاءُ وَ الْفَرَائِضُ عَلَيْهِمْ وَاحِدَةٌ يُسْأَلُ الْآخِرُونَ عَنْ أَدَاءِ الْفَرَائِضِ عَمَّا يُسْأَلُ عَنْهُ الْأَوَّلُونَ وَ
يُحَاسِبُونَ عَمَّا بِهِ يُحَاسِبُونَ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى صِفَةِ مَنْ أُذِنَ اللَّهُ لَهُ فِي الْجِهَادِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَلَيْسَ مِنْ أَهْلِ الْجِهَادِ وَ لَيْسَ بِمَاذُونٍ
لَهُ فِيهِ حَيْثُ يَفِيءُ بِمَا شَرَطَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ فَإِذَا تَكَامَلَتْ فِيهِ شَرَائِطُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُجَاهِدِينَ فَهُوَ مِنَ
الْمَأذُونِينَ لَهُمْ فِي الْجِهَادِ فَلْيَتَّقِ

اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَيْدٌ وَلَا يَعْتَرُ بِالْأَمَانِيِّ الَّتِي نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْهَا مِنْ هَذِهِ الْأَحَادِيثِ الْكَاذِبَةِ عَلَى اللَّهِ الَّتِي يُكَذِّبُهَا الْقُرْآنُ وَيَتَّبِعُ مِنْهَا وَمِنْ حَمَلَتِهَا وَرَوَاتِهَا وَلَا يَقْدَمُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِشُبُهَةٍ لَا يُعِيدُ بِهَا فَإِنَّهُ لَيْسَ وَرَاءَ الْمُتَعَرِّضِ لِلْقَتْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَنْزِلَةٌ يُؤْتِي اللَّهُ مِنْ قَبْلِهَا وَهِيَ غَايَةُ الْأَعْمَالِ فِي عِظَمِ قَدْرِهَا فليُحْكَمِ امْرُؤٌ لِنَفْسِهِ وَلِيُرَهَا كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَيَعْرِضَهَا عَلَيْهِ فَإِنَّهُ لَا أَحَدٌ أَعْرَفُ بِالْمَرْءِ مِنْ نَفْسِهِ فَإِنْ وَجَدَهَا قَائِمَةً بِمَا شَرَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الْجِهَادِ فَلْيُقَدِّمْ عَلَى الْجِهَادِ وَإِنْ عَلِمَ تَقْصِيرًا فَلْيُضِعْ بِحُجَّتِهَا وَلْيَقِمْهَا عَلَى مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهَا مِنَ الْجِهَادِ ثُمَّ لْيُقَدِّمْ بِهَا وَهِيَ طَاهِرَةٌ مُطَهَّرَةٌ مِنْ كُلِّ دَنَسٍ يَحُولُ بَيْنَهَا وَبَيْنَ جِهَادِهَا وَلَسْنَا نَقُولُ لِمَنْ أَرَادَ الْجِهَادَ وَهُوَ عَلَى خِلَافٍ مِمَّا وَصَّيْنَا مِنْ شَرَائِطِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُجَاهِدِينَ لَا تَجَاهِدُوا وَلَكِنْ نَقُولُ قَدْ عَلَّمْنَاكُمْ مَا شَرَطَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى أَهْلِ الْجِهَادِ الَّذِينَ بَايَعَهُمْ وَاشْتَرَى مِنْهُمْ «أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ» بِالْجِنَانِ فَلْيُضِعْ لِحِ امْرُؤٍ مَا عَلِمَ مِنْ نَفْسِهِ مِنْ تَقْصِيرٍ عَنْ ذَلِكَ وَليَعْرِضْهَا عَلَى شَرَائِطِ اللَّهِ فَإِنْ رَأَى أَنَّهُ قَدْ وَفَى بِهَا وَتَكَامَلَتْ فِيهِ فَإِنَّهُ مِمَّنْ أَدَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ فِي الْجِهَادِ فَإِنْ أَبِي أَنْ لَا يَكُونَ مُجَاهِدًا عَلَى مَا فِيهِ مِنَ الْبَاطِلِ رَارٍ عَلَى الْمَعَاصِي وَالْمَحَارِمِ وَالْإِقْدَامِ عَلَى الْجِهَادِ بِالتَّخْيِيطِ وَالْعَمَى وَالْقُدُومِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالْجَهْلِ وَالرُّوَايَاتِ الْكَاذِبَةَ فَلَقَدْ لَعَمْرِي جَاءَ الْأَثَرُ فِيمَنْ فَعَلَ هَذَا الْفِعْلَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَنْصُرُ هَذَا الدِّينَ بِأَقْوَامٍ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ امْرُؤٌ وَليُحَدِّثْ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ فَقَدْ بَيَّنَّ لَكُمْ وَلَا عُدْرَ لَكُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ فِي الْجَهْلِ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَحَسْبُنَا اللَّهُ عَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ. (١)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو عمرو زبیری روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صادق صلوات الله علیه عرض کردم: آیا دعوت به اسلام و جهاد در راه خدا تنها اختصاص به یک گروه دارد و جز برای آنان جایز نیست، یا آن که هر کس خدا را به یگانگی بشناسد و به رسول او ایمان آورده باشد می تواند به دین خدا و اطاعت او فراخواند و در راه خدا بجنگد؟

آن حضرت صلوات الله علیه فرمود: این مورد اختصاص به گروهی دارد، و جز برای آنها حلال نیست.

پرسیدم: آن گروه کیانند؟

ص: ۳۴۸

فرمود: هر که به شرایط الهی در مورد کشتار دشمنان و جهاد، که برای مجاهدان قرار داده است، عمل کند، چنین کسی می تواند به سوی خداوند عزّ و جلّ بخواند؛ اما کسی که شرایط الهی مبارزه مجاهدان رعایت نکند، اجازه جنگ ندارد و نیز نمی تواند به سوی خدا فرابخواند تا آن زمان که شرایط مبارزه الهی را بر خود واجب بداند و رعایت کند.

گفتم: این مطلب را برایم بیشتر روشن کن؛ خدا شما را مورد رحمت خویش قرار دهد!

فرمود: به راستی خداوند تبارک و تعالی در کتاب خود (قرآن) به پیامبرش خبر داده است که به سوی او فرابخواند و فراخوانان به سوی خود را توصیف کرده، و این کار را برای فراخوانان، در جاتی به حساب آورده است که برخی، برخی دیگر را تعریف می کنند، و یا بعضی بر بعضی دیگر استدلال می کنند.

خبر داده که به راستی خود او تبارک و تعالی نخستین کسی است که به سوی خویش فرامی خواند و دعوت به اطاعت خود و تبعیت از امر خویش می نماید. هموست که آغاز می کند و می فرماید: «و خداست که به دار السلام (خانه امتیت) فرامی خواند و هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می فرماید».

آن گاه رسولش را در مرتبه دوم یاد کرده، و می فرماید: «به راه پروردگارت با حکمت و موعظه نیکو فرابخوان، و با آن شیوه ای که نیکوتر است با آنها مجادله کن» یعنی با قرآن. و کسی که با دستور خدا مخالفت کند و بخواهد با راهی غیر از آن چه خدا در کتابش فرموده و دستور داده که جز با آن فرخوانده نشود؛ به سوی او دعوت کند؛ چنین کسی فرخواننده به سوی خداوند عزّ و جلّ نیست!! خدا به پیامبرش صلی الله علیه و آله می فرماید: «به راستی که تو به راه راست هدایت می کنی».

سپس در مرتبه سوم، دعوت به سوی خدا به واسطه کتابش است، پس خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «همانا این قرآن به آن چیزی که محکم تر است، هدایت می کند».

آن گاه از کسانی یاد می کند که اجازه دعوت به سوی خدا را پس از خدا و رسول به او داده است، که در قرآن می فرماید: «و باید امت و گروه هایی از شما باشند که به خیر و خوبی فرامی خوانند، به انجام کار شایسته دستور می دهند و از کار زشت و ناپسند باز می دارند؛ و اینان همان رستگارانند».

سپس در مورد این امت و گروه نیز خبر می دهد، و مشخص می کند که آنان از فرزندان ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام هستند که ساکن حرم الهی باشند، و هرگز کسی جز خدا را نپرستیده اند. بر اینان،

واجب است که به سوی خدا فراخوانند. فراخواندن حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام از اهل مسجد کسانی که خداوند در کتابش خبر داده است که:

«رجس و پلیدی را از آنان دور کرده است و به طور کامل و حقیقی آنها را پاک نموده»، و پیش از این نیز در توصیف امت ابراهیم علیه السلام، آنان را وصف کردیم، و مقصود خدا در این آیه نیز آنها هستند که «از روی بصیرت و روشن بینی تنها من و پیروانم به سوی خدا فرامی خوانم».

اولین کسی که با ایمان به او، از وی پیروی کرد و دینی که از جانب خدا آورده بود را تصدیق نمود از امتی که مبعوث شد در میان آنها و از زمره آنها بود و به سوی آنها برانگیخته شد. همان کسی که هرگز برای خدا شریک نیاورد، و ایمان خود را با هیچ ستمی (یعنی شرک) آلوده نساخت.

در مرتبه بعدی نیز پیروان پیامبرش صلی الله علیه و آله، و پیروان این امت را که در قرآن بازگو کرده و فرموده است که امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و این امت را فراخواننده به سوی خود معرفی فرموده است و اجازه فراخواندن به سوی خود را در مورد ایشان صادر فرموده که: «ای پیامبر! خدا برای تو کافی است، و نیز مؤمنانی که از تو پیروی کردند».

آن گاه پیروان مؤمن پیامبرش صلی الله علیه و آله را توصیف کرده می فرماید: «محمد صلی الله علیه و آله رسول و فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، نسبت به کافران سخت گیرند».

در حالی که با یکدیگر مهربانند آنان در حال رکوع و سجده فضل و رضوانی از خدا می خواهند؛ در سیمایشان اثر سجده پیدا است؛ مثل این افراد، در تورات و در انجیل آمده است».

هم چنین فرموده است: «روزی که خداوند، پیامبر و کسانی را که به او ایمان آوردند، خوار نمی کند، در حالی که نورشان در پیش روی و جانب راست آنها است. یعنی تنها این افراد، مؤمن هستند».

و نیز فرمود: «به تحقیق، مؤمنان رستگار شدند».

سپس آنان را ستایش و توصیف کرده، تا هیچ کس جز آن که از آنان باشد، خیال ملحق کردن خود به ایشان را نداشته باشد. در ضمن این توصیف ها آمده است:

«کسانی که با حالت خشوع نماز می خوانند؛ و کسانی که از لغو و بیهوده روی گردانند تنها این گونه افراد، وارثان هستند؛ همان کسانی که فردوس را به ارث می برند، و در آن جا، جاودانه خواهند بود».

در توصیف و ستایش آن افراد نیز چنین فرمود:

«کسانی که با خداوند، خدای دیگری را نمی خوانند و نفسی را که خداوند حرام کرده است جز به حق، نمی کشند، و زنا نمی کنند و هرکس این کار را بکند، در روز قیامت، عذابش چند برابر می شود و با خواری و توهین، در عذاب، جاودانه خواهد بود».

سپس می فرماید: که خداوند از این مؤمنان، و کسانی که همانند آنها چنین صفاتی را دارند، «جان ها و دارایی هایشان را می خرد، تا در مقابل آنها، بهشت برایشان باشد. در راه خدا می کشند و در نتیجه خود نیز کشته می شوند. این عهدی بر خداست که در تورات و انجیل و قرآن بیان شده است».

آن گاه خداوند وفای خود به عهد و پیمانش با این افراد را نیز یادآور می شود و می فرماید: «چه کسی از خداوند متعال در وفای به عهدش بالاتر است؟! پس بشارت بگیرید برای این چیزی که آن را فروختند؛ و آن رستگاری و کامیابی بزرگ است».

پس از نزول این آیه شریفه، مردی برخاست و از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: ای پیامبر خدا! آیا چنین می فرمایی که اگر کسی شمشیر خود را بگیرد و آن قدر مبارزه کند تا خود نیز کشته شود، ولی پیش از آن کار حرام نیز انجام می داده است، آیا چنین شخصی شهید است؟

در آن هنگام خداوند متعال آیه را نازل فرمود: «توبه کنندگان، پرستنده، ستایش گر، روزه دار (یا معتکف)، رکوع کننده، سجده کننده، امر به معروف و نهی از منکر کننده و کسانی که حدود الهی را مراقبت می کنند و مؤمنان را بشارت بده».

پیامبر صلی الله علیه و آله مجاهدان مؤمن را که دارای این صفت ها و آراستگی ها هستند، به شهادت و بهشت بشارت داد: توبه کنندگان از گناهان؛ پرستش کنندگانی که جز خدا را نمی پرستند و هیچ چیز را شریک او نمی دانند؛ ستایش گرانی که خدا را در هر حال، در حال سختی و راحتی، می ستایند؛ سائحان، که همان روزه دارانند؛ رکوع کنندگان سجده کننده، که مواظب نمازهای پنج گانه هستند و آن را حفظ می کنند و با رکوع و سجده نمازها، و خاشع بودن در حال نمازها، و به جا آوردن آنها در وقت های آنها، نمازهای خود را محافظت و نگهداری می کنند، امر به معروف کنندگان پس از آن که خود نیز رفتار پسندیده (معروف) دارند و نهی از منکر کنندگان که خود نیز منکر و کار زشت را انجام نمی دهند.

آن حضرت کسی را که این شرطها را رعایت کرده و کشته شود، بشارت به شهادت و بهشت داد.

آن گاه خداوند تبارک و تعالی نیز بازگو می کند که جز به کسانی که دارای این شرطها باشند، دستور جهاد و کشتن دشمنان را نداده است:

«به کسانی که قتال می کنند، چون مظلوم واقع شده اند، اجازه داده شده و خداوند به طور حتم برای یاری آنان تواناست؛ همانان که از سرزمین خود، به ناحق بیرون رانده شدند فقط بدین جهت که گفتند: پروردگار ما، تنها خداست».

توضیح این که چون تمام چیزهایی که بین زمین و آسمان قرار دارد برای خدا و رسول الله صلی الله علیه و آله و پیروان باایمان خدا و رسول الله صلی الله علیه و آله است؛ مؤمنانی که دارای آن ویژگی ها باشند.

بنابراین آن بخش از دنیا که در اختیار مشرکان، کافران، ستم کاران و فاجران که با رسول الله صلی الله علیه و آله مخالف هستند و از طاعت خدا و رسول سرباز می زنند، به مؤمنان دارای این ویژگی ها ستم کرده اند و چیزهایی را که در اختیار دارند از مؤمنان گرفته اند.

معنای «فیء» نیز همین است و بس؛ چیزهایی که به دست مشرکان رسیده است، آن گاه در اثر نبرد مسلمانان، به آنان بازگشته است. سخن و کارهایی که به جای خود برمی گردد، «فیء» شده است یعنی بازگشت کرده است؛ برای نمونه، خداوند عز و جل می فرماید، «کسانی که زنانشان را ایلاء می کنند تا چهار ماه می توانند توقف کنند و منتظر بمانند؛ پس اگر در این مدت «فیء» کردند پس خداوند بسیار بخشنده مهربان است. «فیء» کردند، یعنی بازگشتند.

سپس می فرماید: «و اگر قصد کردند در آینده او را طلاق بدهند، در حقیقت خداوند بسیار شنوای داناست».

نیز می فرماید: «و اگر دو طایفه از مسلمانان با یکدیگر جنگ و کشتار کردند، پس بین آنان اصلاح کنید؛ اگر یکی از آن دو طایفه بر دیگری ستم روا داشته است، با آن طایفه ای که ستم می کند بجنگید تا به دستور و امر خدا بر گردد؛ پس اگر بازگشت، با عدالت بین آن دو را اصلاح بدهید و عدالت پیشه کنید؛ همانا خداوند عدالت پیشگان را دوست می دارد».

منظور خداوند از این که فرمود: «تفیء» یعنی «برگردد و رجوع کند»؛ و این دلیل است بر آن که «فیء» به معنای هر چیزی است که به مکانی که در آن قرار داشته یا به مکانی که بوده است، برگردد. هم چنین وقتی خورشید زایل می شود (یعنی هنگام ظهر) وقتی سایه برمی گردد می گویند: «خورشید برگشت»؛ چون خورشید دوباره به حالت زوال خود بازگشته است.

به همین شکل، چیزهایی که خداوند به مؤمنان از کفار می دهد و آن «فیء» حق واقعی مؤمنان بوده است و به کفار ربطی نداشته است و پس از ستم کافران به مؤمنان که حق مؤمنان را گرفته بودند، این حقوق به مؤمنان بازگشت داده شده است.

این معنای سخن خداست که می فرماید: «به کسانی که (مؤمنانی) می جنگند، چون مورد ستم واقع شدند اجازه داده شد. آنان ستم کرده اند، چون چیزی را گرفته بودند که مؤمنان از آنان سزاوارتر بودند».

البته تنها به مؤمنانی این اجازه داده شده است که آن شرایط ایمان را - که پیش از این بیان کردیم - رعایت کرده باشند.

توضیح این که مؤمن اجازه جهاد و کشتار ندارد مگر آن زمانی که مظلوم واقع شده باشد و مظلوم به حساب نمی آید مگر آن کسی که ایمان داشته باشد، و مؤمن به حساب نمی آید مگر شرایط ایمان را - که خداوند عزّ و جلّ بر مؤمنان و مجاهدان قرار داده است - به پا دارد و رعایت کند.

بدین سان، اگر شرایط خداوند عزّ و جلّ به طور کامل در آن شخص موجود باشد، مؤمن خواهد بود و هنگامی که مؤمن باشد، مظلوم خواهد بود و هنگامی که مظلوم به حساب آید، اجازه جهاد دارد؛ چرا که خداوند عزّ و جلّ می فرماید:

«به کسانی که می جنگند چون مورد ستم واقع شدند اجازه داده شد و به طور حتم خداوند برای یاری آنان تواناست».

ولی اگر شرایط ایمان به طور کامل در او موجود نباشد، خودش ستمگر و از کسانی است که اهل بغی و ستم است، و جهاد با او واجب است تا آن گاه که توبه کند.

چنین شخصی اجازه جنگیدن و فراخواندن به سوی خداوند عزّ و جلّ را ندارد؛ چون از مؤمنان مظلوم و ستم دیده ای نیست که خداوند به آنان در قرآن اجازه جنگیدن داده است.

هنگامی که این آیه: «به کسانی که می جنگند، - چون مورد ستم واقع شدند - اجازه داده شد در مورد مهاجرانی که مکیان برای این مهاجران حلال شد (چون به مهاجران ستم کرده بودند) و اجازه جنگ و کشتن مکیان به ایشان داده شد».

راوی گوید: من گفتم: این آیه در مورد مهاجران به جهت ستم مشرکان مکه نسبت به ایشان نازل شد؛ پس چرا به جنگ و کشتار کسرای ایران، قیصر روم و نیز دیگر مشرکان قبیله های عربی پرداختند؟

فرمود: اگر تنها اجازه کشتار ستمکاران مکی را داشتند، اجازه نداشتند به کشتار و جنگ کسرا و قیصر و عرب های غیر مکی پردازند؛ چرا که این افراد به آنها ستم روا نداشته بودند بلکه غیر ایشان، (یعنی مکیان) بودند و بنابر فرض، تنها اجازه مبارزه با مکیان ستمکار را داشتند. چون مکیان آنها را به ناحق از سرزمینشان بیرون رانده بودند.

در صورتی که این آیه شریفه تنها مهاجرانی را که اهل مکه به آنها ستم کرده بودند، شامل می شد. دیگر این آیه شامل کسانی که پس از این مهاجران می آمدند، نمی شد (آن زمان که هیچ یک از مهاجران مظلوم و مکیان ظالم باقی نمانده باشد) و هیچ یک از مردم پس از این مهاجران را نیز شامل نمی شد.

ولی آن گونه که تو گمان کردی و گفتی نیست؛ بلکه این مهاجران به دو شکل مورد ستم واقع شدند:

مکیان که به آنان ستم کردند و از سرزمین و اموال شان بیرون شان راندند؛ و در نتیجه مهاجران نیز با آنان جنگیدند و این کار را با اجازه الهی انجام دادند.

کسرا و قیصر و دیگر مشرکان عرب و عجم نیز به آنان ستم کردند؛ چون دنیا را که مؤمنان برای استفاده از آن، سزاوارتر بودند، به دست گرفته بودند؛ و در نتیجه، مؤمنان با اجازه الهی (که در این آیه داده شده است) با آنان نیز نبرد کردند (و حق خود را بازگرداندند).

به دلیل همین آیه، مؤمنان در هر زمانی به جنگ و کشتار (مشرکان) می پردازند. خداوند نیز تنها به مؤمنان اجازه چنین جنگ و کشتاری را داده است که شرایط بازگو شده از جانب خداوند بر مؤمنان، در مورد ایمان و جهاد را رعایت کنند؛ و هر کس آن شرایط را رعایت کند، چنین شخصی مؤمن و مظلوم است. و اجازه جهاد به آن معنا را دارد.

اما هر کس که این ویژگی را نداشته باشد، ظالم است و از مظلومان نیست و اجازه جنگ و کشتار، نهی از منکر و امر به معروف ندارد؛ چرا که خود او اهل این کار نیست (یعنی از مؤمنان به حساب نمی آید) و اجازه فراخوانی دیگران به سوی خداوند را ندارد؛ چرا که نمی تواند با کسی که مانند خود اوست (یعنی ظالم است) بجنگد در حالی که مؤمنان مأمور شده اند تا خود را فراخوانند و کسی که به مؤمنان دستور جهاد با او داده شده است، مجاهد (در راه خدا) به حساب نمی آید و جهاد کردن او (در سپاه اسلام) ممنوع است و از آن جلوگیری شده است و کسی که دستور فراخوانی افراد همانند او به توبه و حق و امر به معروف و نهی از منکر

صادر شده است او نمی تواند به سوی خدا دعوت کند و کسی که دستور داده شده تا خود را امر به معروف و نهی از منکر کند.

بدین سان، هر کس شرایط الهی که خداوند اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را با آنها توصیف فرموده است، به طور کامل رعایت کند، و مظلوم واقع شده باشد؛ چنین شخصی اجازه جهاد دارد، همان گونه که به اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله نیز اجازه جهاد داده شده بود؛ زیرا حکم خدا در مورد مؤمنان صدر اسلام و زمان های پس از آن یکسان است و چیزهایی که خداوند بر هردو واجب کرده است نیز یکسان است، مگر آن که علت یا پیش آمدی باشد که موجب استثنا شود.

مؤمنان صدر اسلام و زمان های بعدی در جلوگیری از حوادث نیز هردو یکسان هستند و فرایض و واجبات نیز یکی است و همان گونه که مسلمانان صدر اسلام در مورد ادای فرایض بازخواست می شوند و محاسبه می گردند.

مسلمانان پس از آنها نیز چنین خواهند بود و هر کس ویژگی های مؤمنانی را که اجازه الهی برای جهاد دارند، نداشته باشد، از اهل جهاد و مبارزه به حساب نمی آید و اجازه چنین کاری را ندارد، تا آن گاه که به شرایط الهی بازگردد و هنگامی که به طور کامل آن شرایط را در خود به وجود آورد، اجازه جهاد خواهد یافت.

بنابراین باید بنده از خدا بترسد و پرهیزگار باشد و به آرزوها مغرور نشود که خدا از آنها نهی فرموده است و در احادیثی که ساختگی است و بر خداوند دروغ بسته اند و قرآن، آنها را دروغ می شمارد و از آن حدیث ها و حاملان و راویان آنها برائت و بیزاری می جوید. زیرا منزلتی پس از منزلت کسی که خود را برای کشته شدن در راه خدا عرضه می کند، وجود ندارد تا از آن راه به سوی خداوند بروند؛ و چنین منزلتی بالا-ترین و نهایی ترین کارها و اعمال است، چرا که ارزش و قدرش بسیار بزرگ و عظیم است. پس باید هر مردی (شخصی) نفس خویش کنترل کند، و کتاب خداوند عزّ و جلّ را به او بنمایاند، و خود را در برابر قرآن عرضه کند؛ چون هیچ کس بهتر از خود انسان خود را نمی شناسد. پس اگر دید شرایطی را که خداوند برای جهاد قرار داده است، داراست، اقدام به جهاد کند.

و اگر متوجه شد که کمبودهایی دارد باید خویشتن را اصلاح کند و وادار به انجام واجبات الهی در مورد جهاد کند، و پس از آن اقدام به جهاد کند در حالی که از هر پلیدی و گناهی که بین نفس او و جهاد حایل شده بود، پاک شده است.

ما به هر کس که قصد جهاد دارد، ولی شرایط را که بیان کردیم در خود نمی بیند، نمی گوییم جهاد کنید، بلکه می گوییم:

شرایط خداوند را بر اهل جهاد و مبارزه که با آنان وارد معامله شده و جان ها و اموالشان را در مقابل پرداخت بهشت خریده است، برای شما بازگو کردیم و دانستید؛ پس هر کس در خویش بنگرد و کمبودها و کوتاهی های خویشتن را اصلاح کند و خود را بر شرایط الهی عرضه کند، و اگر دید که به طور کامل آن شرایط را دارا شده است، (بداند که) از کسانی است که خداوند عزّ و جلّ به آنها اجازه جنگیدن در راه خدا را داده است. پس اگر کسی سرپیچی کرد و گفت باید به جهاد بروم با آن که اصرار بر معصیت ها و کارهای حرام دارد بدون معرفت و چشم بسته به جهاد رفته و با جهل و نادانی و روایات دروغین به سوی خدا رفته است.

چنین شخصی به جان خودم سوگند! در موردش این اثر (حدیث) وارد شده است و کار چنین اشخاصی را بیان فرموده است:

«خداوند، این دین را با گروه هایی یاری می کند، که نصیبی ندارند».

بنابراین، باید هر شخصی تقوای الهی را پیشه کند و از این که جزو چنین گروهی (که نصیبی از جنگشان ندارند) باشد حذر کند و بترسد.

در حقیقت، برای شما بیان شد، و پس از بیان، عذری ندارید که بگویید نمی دانستیم.

هیچ قوّت و نیرویی جز به واسطه خداوند نیست، و او برای ما بس است؛ تنها بر او توکل کردیم، و بازگشت (همه) تنها به سوی اوست.

۳۸۲- جهاد به همراه امام معصوم یا به اذن امام معصوم واجب است و جهاد با غیر امام معصوم و بدون اذن امام معصوم حرام است

۱- الشیخ الكلینی، بإسناده عن بشیر الدّهان عن أبی عبد الله صلوات الله علیه قال: قُلْتُ لَهُ إِنِّي رَأَيْتُ فِي الْمَنَامِ أَنِّي قُلْتُ لَكَ إِنَّ الْقِتَالَ مَعَ غَيْرِ الْإِمَامِ الْمَفْرُوضِ طَاعَتُهُ حَرَامٌ مِثْلَ الْمَيْتَةِ وَالْدَّمِ وَاللَّحْمِ الْخَنْزِيرِ فَقُلْتَ لِي هُوَ كَذَلِكَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هُوَ كَذَلِكَ هُوَ كَذَلِكَ. (۱)

ص: ۳۵۶

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از بشیر دَهان روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم:

من در عالم خواب دیدم که به شما عرض کردم: در واقع جنگیدن به همراه کسی غیر از امام مفروض الطاعه - که خدا اطاعتش را واجب فرموده است - حرام است و حکم آن مانند حکم خوردن گوشت مردار، خون و گوشت خوک است، و شما به من فرمودی: همین طور است.

حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: همین طور است، همین طور است.

۲- الشيخ الصدوق، بإسناده عن الأعمش عن جعفر بن محمد صلوات الله عليهما في حديث شرائع الدين قال: وَ الْجِهَادُ وَاجِبٌ مَعَ إِمَامٍ عَادِلٍ وَ مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از اعمش از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در حدیثی که شرائع دین را شرح فرموده روایت کرده که فرمود: و جهاد همراه با امام عادل واجب است و هر کس در راه دفاع از دارایی خویش کشته شود، شهید است.

۳- الشيخ الصدوق، بإسناده عن الفضل بن شاذان عن الرضا صلوات الله عليه في كتابه إلى المأمون قال: وَ الْجِهَادُ وَاجِبٌ مَعَ إِمَامٍ الْعَدْلِ وَ مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ وَ لَا يَجُوزُ قَتْلُ أَحَدٍ مِنَ الْكُفَّارِ وَالنَّصَابِ فِي دَارِ التَّقِيَّةِ إِلَّا قَاتِلٍ أَوْ سَاعٍ فِي فِسَادٍ وَ ذَلِكَ إِذَا لَمْ تَخَفْ عَلَى نَفْسِكَ وَ عَلَى أَصْحَابِكَ وَ التَّقِيَّةُ فِي دَارِ التَّقِيَّةِ وَاجِبَةٌ وَ لَا حَنْتَ عَلَى مَنْ حَلَفَ تَقِيَّةً يَدْفَعُ بِهَا ظُلْمًا عَنْ نَفْسِهِ. (۲)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از فضل بن شاذان روایت کرده که گفت: حضرت امام رضا صلوات الله علیه در نامه ای که به مأمون نوشت فرمود: و جهاد به دستور امام عادل واجب می‌گردد، و هر کس به جهت حفظ مال خود کشته شود شهید است، و جایز نیست احدی از کافران یا ناصبیان را در زمان تقیه کشت، مگر اینکه قاتل باشد یا ماجراجو و مفسد (یا ستمکار)، و این هم در صورتیست که بر خود و اصحاب و یاران خود از کشته شدن نه هراسی (یعنی اگر بیم آن باشد که طرفداران آن کافر یا ناصبی دست به خونریزی و کشتار

ص: ۳۵۷

۱- الخصال ص ۶۰۷. وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۴۹-۵۰ ح ۹.

۲- عیون الأخبار ج ۲ ص ۱۲۲ ح ۱.

اهل حق میزنند جایز نیست) و تقیه کردن در زمان تقیه و یا محل تقیه واجب است، و کسی که برای دفع ظلم از خود از روی تقیه سوگند به دروغ یاد کند کفاره ندارد و گناه نکرده است.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا عَبْدَ الْمَلِكِ مَا لِي لَا أَرَاكَ تَخْرُجُ إِلَى هَذِهِ الْمَوَاضِعِ الَّتِي يَخْرُجُ إِلَيْهَا أَهْلُ بِلَادِكَ قَالَتْ قُلْتُ وَ أَيْنَ فَقَالَ حِيَدَهُ وَ عَبَادَانَ وَ الْمَصِيصَةَ وَ قَزْوِينَ فَقُلْتُ إِنْ تَطَارًا لِأَمْرِكُمْ وَ الْإِفْتِدَاءِ بِكُمْ فَقَالَ إِي وَ اللَّهُ لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ قَالَ قُلْتُ لَهُ فَإِنَّ الزَّيْدِيَّةَ يَقُولُونَ لَيْسَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ جَعْفَرٍ خِلَافٌ إِلَّا أَنَّهُ لَا يَرَى الْجِهَادَ فَقَالَ أَنَا لَا أَرَاهُ بَلَى وَ اللَّهُ إِنِّي لَأَرَاهُ وَ لَكِنْ أَكْرَهُ أَنْ أَدْعَ عِلْمِي إِلَى جَهْلِهِمْ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الملک بن عمرو روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه به من فرمود: ای عبد الملک! چرا نمی بینم که تو به سوی این مواضعی که اهل سرزمینت می روند، بروی؟
گفتم: کجا؟

فرمود: جدّه، آبادان، مصیصیه (از نواحی شام) و قزوین.

عرض کردم: در انتظار امر شما و اقتدا به شما هستم.

فرمود: آری! به خدا سوگند، اگر این کار خیر بود به هیچ وجه آنها بر ما پیشی نمی گرفتند.

گفتم: طایفه زیدیه می گویند: تنها اختلاف ما با جعفر صلوات الله علیه این است که او نظر به جهاد ندارد.

فرمود: من نظر به جهاد ندارم، چرا، به خدا سوگند! من نظر به جهاد دارم، ولی خوش نمی دارم که علم و دانش خود را به سوی جهل و نادانی آنها بپریم.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ قَالَ: قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ لِلرَّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ أَنَا أَسْمِعُ حَدِيثِي أَبِي عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ عَنْ آبَائِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَنَّهُ قَالَ لِبَعْضِهِمْ إِنَّ فِي بِلَادِنَا مَوْضِعَ رِبَاطٍ يُقَالُ لَهُ قَزْوِينَ وَ عَدَوًّا يُقَالُ لَهُ الدَّيْلَمُ فَهَلْ مِنْ جِهَادٍ أَوْ هَلْ مِنْ رِبَاطٍ فَقَالَ عَلَيْكُمْ بِهَذَا الْبَيْتِ فَحُجُّوهُ فَأَعَادَ عَلَيْهِ الْحَدِيثَ فَقَالَ عَلَيْكُمْ بِهَذَا الْبَيْتِ فَحُجُّوهُ أَمَا يَرْضَى أَحَدُكُمْ أَنْ يَكُونَ فِي بَيْتِهِ يُنْفِقُ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ طَوْلِهِ يَنْتَظِرُ أَمْرًا فَإِنْ أَدْرَكَهُ

ص: ۳۵۸

كَانَ كَمَنْ شَهِدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَدْرًا وَإِنْ مَاتَ مُنْتَظِرًا لِأَمْرِنَا كَانَ كَمَنْ كَانَ مَعَ قَائِمِنَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ هَكَذَا فِي فُسَيْطَاتِهِ وَجَمَعَ بَيْنَ السَّبَابَتَيْنِ وَلَا أَقُولُ هَكَذَا وَجَمَعَ بَيْنَ السَّبَابَةِ وَالْوَسْطَى فَإِنَّ هَذِهِ أَطْوَلُ مِنْ هَذِهِ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ صَدَقَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن مغیره روایت کرده که گفت: من می شنیدم که محمد بن عبد الله به حضرت امام رضا صلوات الله علیه عرضه داشت: پدرم از خاندانش از پدرانش نقل کرد که به یکی از اهل بیت صلوات الله علیهم گفت: در کشور ما مرزی به نام قزوین و دشمنی به نام دیلم وجود دارد می توان با آنان جهاد کرد یا در آنجا مرزبانی نمود؟

فرمود: بر شما باد به زیارت این خانه، پس خانه خدا را حج نمایید.

او سخن خود را تکرار کرد.

فرمود: بر شما باد به زیارت این خانه. پس خانه خدا را حج نمایید! آیا یکی از شما خوشنود نمی شود که در خانه خود بنشیند و در طول زندگی خویش به خانواده اش انفاق کند و منتظر امر (دولت) ما شود. اگر آن را دریافت، به سان کسی خواهد بود که در جنگ بدر در رکاب رسول الله صلی الله علیه و آله بوده و اگر در انتظار دولت ما بمیرد همانند کسی خواهد بود که همانند این در خیمه قائم ما صلوات الله علیه خواهد بود. حضرتش انگشت سبابه (اشاره) دست راست و چپ خود را در کنار هم قرار داد سپس ادامه داد: نمی گویم این گونه: او با این سخن انگشت اشاره دست خود را با انگشت میانی که در کنار آن است، کنار هم قرار داد و فرمود: چون این انگشت (یعنی وسطی) از دیگری (یعنی اشاره) بزرگ تر است.

آن گاه حضرت امام رضا صلوات الله علیه (پس از پایان سخن محمد بن عبد الله) فرمود: راست می گوید.

۶- الشيخ الكلینی، بإسناده عن الحسن بن العباس بن الجریش عن أبي جعفر الثانی صلوات الله علیه فی حدیث طویل قال و لا أعلم فی هذا الزمان جهاداً إلا الحجاج و العُمرة و الجواز. (۲)

ص: ۳۵۹

۱- . الكافی ج ۵ ص ۲۲ ح ۲.

۲- . الكافی ج ۱ ص ۲۵۰ ح ۷.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسن بن عباس بن حریش در حدیث طولانی روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد تقی جواد صلوات الله علیه فرمود: من در این زمان جهادی جز حج و عمره و همسایگی خوب سراغ ندارم.

۷- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَقِيَ عَبْدُ الْبُصَيْرِيِّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فِي طَرِيقِ مَكَّةَ فَقَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ بْنَ الْحُسَيْنِ تَرَكْتَ الْجِهَادَ وَصِيْعُوبَتَهُ وَأَقْبَلْتَ عَلَى الْحَجِّ وَلَيْتَنِي إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعِدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ فَقَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا أَيْتَمَّ الْآيَةَ فَقَالَ التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا إِذَا رَأَيْتُمَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ هَرَبُوا مِنْ هَذِهِ صَفْتُهُمْ فَالْجِهَادُ مَعَهُمْ أَفْضَلُ مِنَ الْحَجِّ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: عباد بصری حضرت امام سجاد صلوات الله علیه را در راه مکه ملاقات کرد و گفت: ای علی بن الحسین! جهاد را رها کرده ای و از سختی آن رسته ای و به حج روی آورده ای که آسان تر است؟! خداوند عز و جل می گوید: {در واقع در راه خدا می جنگند و می کشند و کشته می شود؛ وعده ای حق بر خداست در تورات، انجیل و قرآن؛ و چه کسی از خداوند نسبت به عهد با وفاتر است؟ پس بشارت باد بر شما در مورد معامله ای که انجام داده اید؛ و آن همانا کامیابی عظیم است}. (سوره توبه آیه ۱۲۲)

حضرت امام سجاد صلوات الله علیه فرمود: آیه را ادامه بده و به پایان برسان!

عباد گفت: {توبه کنندگان، عبادت کاران، سپاسگویان، سیاحت کنندگان (روزه داران) رکوع کنندگان، سجده کنندگان، آمران به معروف، نهی کنندگان از منکر و حافظان مرزهای خدا و به (چنین) مؤمنان مژده بده}. (سوره توبه آیه ۱۱۳)

ص: ۳۶۰

حضرت امام سجّاد صلوات الله عليه فرمود: هر گاه چنین مؤمنان را با این ویژگی ها ببینیم، جهاد به همراه آنان برتر از حج است.

۸- الشيخ الصدوق، بإسناده عن أَبِي بصيرٍ عن أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عن آبَائِهِ صلوات الله عليهم قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صلوات الله عليه لَا يَخْرُجُ الْمُسْلِمُ فِي الْجِهَادِ مَعَ مَنْ لَا يُؤْمِنُ عَلَى الْحُكْمِ وَلَا يُنْفِذُ فِي الْفَيْءِ أَمْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنَّهُ إِنْ مَاتَ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ كَانَ مُعِينًا لِعَدُوِّنَا فِي حَبْسِ حَقِّنَا وَالْإِشَاطَةِ بِدِمَائِنَا وَمِيتَتِهِ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از ابوبصیر از حضرت امام جعفر صادق از پدران بزرگوارش صلوات الله عليهم روایت کرده که فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله عليه فرمود: مسلمان وقتی در جهاد همراه و مددکار کسی بود که ایمان به حکم شارع نداشته و امر خداوند عزّ و جل در فیء و غنیمت را نافذ نمی داند حتمی و قطعی است که اگر در همان مکان از دنیا برود وی را یاور و معین دشمن ما در حبس حق و تباہ نمودن خون ما محسوب کرده و مردنش، مردن جاهلیت (که مردن با حال کفر است) تلقی می گردد.

۳۸۳- حکم کسی که قبل از قیام حضرت قائم صلوات الله عليه قیام کند

۱- الشيخ الصدوق، بإسناده عن الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدِ الْكُوفِيِّ عن أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا صلوات الله عليه قَالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ حَدِيثٌ كَانَ يَرْوِيهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بُكَيْرٍ عن عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ فَقَالَ لِي وَمَا هُوَ قَالَ قُلْتُ رَوَى عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ أَنَّهُ لَقِيَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله عليه فِي السَّنَةِ الَّتِي خَرَجَ فِيهَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنْ هَذَا قَدْ أَلْفَ الْكَلَامَ وَ سَارَعَ النَّاسُ إِلَيْهِ فَمَا الَّذِي تَأْمُرُ بِهِ قَالَ فَقَالَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اسْكُنُوا مَا سَكَنَتِ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ.

قال و كان عبد الله بن بكير يقول و الله لئن كان عبيد بن زراره صادقاً فما من خروج و ما من قائم قال فقال لي أبو الحسن صلوات الله عليه الحديث على ما رواه عبيد و ليس على ما

ص: ۳۶۱

۱- . علل الشرائع ج ۲ ص ۴۶۵ ح ۱۳.

تأوله عبد الله بن بكير إنما عنى أبو عبد الله صلوات الله عليه بقوله ما سكنت السماء من النداء باسم صاحبك و ما سكنت الأرض من الخسف بالجيش. (١)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از حسین بن خالد روایت کرده که گفت: به حضرت امام رضا صلوات الله علیه عرض کردم: فدایت شوم، حدیثی است که عبد الله بن بکیر از عبید بن زراره، روایت کرده است.

حضرت فرمود: آن حدیث چیست؟

عرض کردم: عبید بن زراره گفته است: در سالی که ابراهیم بن عبد الله بن حسن قیام کرد، حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه را دیدم و به ایشان عرض کردم: این شخص سخنرانی کرده و مردم به وی رو آورده اند، چه دستوری می فرمایید؟

حضرت فرمود: تقوی داشته باشید و مادامی که آسمان و زمین برقرار است، آرام باشید، و عبد الله بن بکیر می گوید: اگر عبید بن زراره راست گفته باشد نه قیامی در کار است و نه قائمی! راوی گوید: حضرت فرمود: حدیث همان است که عبید روایت کرده ولی معنایش آن نیست که ابن بکیر فهمیده، بلکه مراد حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه این بوده است که مادامی که آسمان از صدا کردن نام صاحب الزمان صلوات الله علیه، و زمین از فرو بردن لشکر [سفیانی] آرام است، آرام باشید.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: كُلُّ رَأْيِهِ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ صلوات الله عليه فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ يُعْبَدُ مَنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (٢)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: هر پرچمی که پیش از قیام حضرت قائم صلوات الله علیه برافراشته شود صاحب آن طاغوتی است که در برابر خدا پرستیده می شود.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن عمر بن حنظله قال سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله عليه يَقُولُ خَمْسُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ الصَّيْحَةُ وَالسُّفْيَانِيُّ وَالْخُسْفُ وَفُتْلُ النَّفْسِ الرَّكِيَّةِ وَالْيَمَانِيُّ فَقُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ إِنْ خَرَجَ أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ قَبْلَ هَذِهِ الْعَلَامَاتِ أَوْ نَخْرُجُ مَعَهُ قَالَ لَا. (٣)

ص: ۳۶۲

۱- . عيون الأخبار ج ۱ ص ۳۹۵ ح ۷۵.

۲- . الكافي ج ۸ ص ۲۹۵ ح ۴۵۲. وسائل الشيعة ج ۱۵ ص ۵۲ ح ۱۹۹۶۹.

۳- . الكافي ج ۸ ص ۳۱۰ ح ۴۸۳. وسائل الشيعة ج ۱۵ ص ۵۲ ح ۱۹۹۷۰.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمر بن حفصه روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: پیش از قیام حضرت قائم صلوات الله علیه، پنج نشانه بیاید: صیحه آسمانی، خروج سفیانی، خورشید گرفتگی، کشته شدن نفس زکیه و خروج یمانی.

من عرض کردم: قربانت گردم، اگر فردی از خاندان شما پیش از دیده شدن این نشانه ها خروج کند ما هم با او همراهی کنیم؟

فرمود: نه.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن سدير قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه يا سدير الزم بيتك وكن حلساً من أخلاسه و اسكن ما سكن الليل والنهار فإذا بلغك أن السفينائي قد خرج فارحل إلينا ولو على رجلك. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سدير روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: ای سدير! ملازم خانه ات باش، و چون گلیم از گلیم های خانه ات (باش) و تا شب و روز آرامش دارند تو نیز آرام و ساکن باش، و چون به تو خبر رسید که سفیانی خروج کرده و لو (با پای) پیاده به سوی ما (بیا و) کوچ کن.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن الفضل الكاتب قال: كنت عند أبي عبد الله صلوات الله عليه فأتاه كتاب أبي مسلم فقال ليس لكتابك جواب اخرج عنا فجعلنا يساراً بعضنا بعضاً فقال أي شيء تسارون يا فضل إن الله عز ذكره لا يعجل لعجله العباد ولا زال له جبل عن موضعه أيسر من زوال ملك لم ينقض أجله ثم قال إن فلان بن فلان حتى بلغ السابع من ولد فلان قلت فما العلامة فيما بيننا وبينك جعلت فداك قال لا تبرح الأرض يا فضل حتى يخرج السفينائي فإذا خرج السفينائي فاجيبوا إلينا يقولها ثلاثاً وهو من المختوم. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از فضل کاتب روایت کرده که گفت: خدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بودم که نامه ای از ابو مسلم خراسانی برای ایشان رسید.

حضرت فرمود: نامه تو جواب ندارد برو.

ص: ۳۶۳

۱- . الكافي ج ۸ ص ۲۶۴ ح ۳۸۳. وسائل الشيعة ج ۱۵ ص ۵۱ ح ۱۹۹۶۶.

۲- . الكافي ج ۸ ص ۲۷۴ ح ۴۱۲. وسائل الشيعة ج ۱۵ ص ۵۲ ح ۱۹۹۶۸.

ما شروع کردیم با هم به نجوا کردن.

فرمود: ای فضل! چه سخنی را با هم نجوا می کنید! همانا خداوند متعال برای شتاب بندگان شتاب نمی کند و از جای برآوردن کوهی آسان تر است از ساقط کردن حکومتی که هنوز عمرش به پایان نرسیده. سپس فرمود: همانا فلان پسر فلان تا به هفتمین فرزند فلان رسید.

من عرض کردم: قربانت گردم پس چه نشانی میان ما و شماست؟

حضرت فرمود: ای فضل! از جای خود حرکت نکن تا سفیانی خروج کند و هنگامی که سفیانی خروج کرد به سوی ما بیاید و ما را اجابت کنید، و این سخن را سه بار باز گفت، و این از نشانه های حتمی [ظهور حضرت قائم صلوات الله علیه] است.

۶- الشيخ النعمانی، بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبد الله صلوات الله عليه أنه قال: قال لي أبي صلوات الله عليه لا بُدَّ لَنَا مِنْ أَدْرَبِيَجَانَ لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ وَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَكُونُوا أَخْلَاسَ بِيُوتِكُمْ وَالْبِدُوا مَا أَلْبَدْنَا فَإِذَا تَحَرَّكَ مُتَحَرِّكُنَا فَاسْعُوا إِلَيْهِ وَ لَوْ حَبْوًا وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ عَلَى كِتَابٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ وَقَالَ وَيْلٌ لَطُغَاهِ الْعَرَبِ مِنْ شَرِّ قَدِ اقْتَرَبَ. (۱)

مرحوم شیخ نعمانی، با سند خویش از ابو بصیر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: پدرم به من فرمود: به ناچار در آذربایجان آتشی روشن شود که هیچ چیز در مقابلش نتواند ایستاد و چون چنین شود خانه نشین باشید و تا ما در خانه نشسته ایم شما نیز بنشینید و چون متحرک ما (حضرت قائم صلوات الله علیه) حرکت کرد به سوی او روانه شوید هر جند با دست و سر زانو باشد، به خدا قسم گوئی می بینمش که در میان رکن و مقام از مردم به کتاب (قرآن) جدیدی بیعت میگیرد و بر عرب سنگین خواهد آمد. سپس حضرت فرمود: وای بر سرکشان عرب از شری که نزدیک است!

۷- الشيخ النعمانی، بإسناده عن أبي المَرْهَفِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: هَلَكَتِ الْمَحَاضِرُ يَرْ قُلْتُ وَ مَا الْمَحَاضِرُ يَرْ قَالَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُتَقَرَّبُونَ وَ ثَبَّتَ الْحِصْنَ عَلَى

ص: ۳۶۴

أَوْتَادِهَا كُونُوا أَخْلَاسَ بُيُوتِكُمْ فَإِنَّ الْفِتْنَةَ عَلَى مَنْ أَثَارَهَا وَإِنَّهُمْ لَا يُرِيدُونَكُمْ بِحَاجِهِ إِلَّا أَتَاهُمُ اللَّهُ بِشَاغِلٍ لِأَمْرِ يُعْرَضُ لَهُمْ. (۱)

مرحوم شیخ نعمانی، با سند خویش از ابی مرفف روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: محاضیر هلاک شدند، گفتم: محاضیر چیست؟ فرمود کسانی که شتابزدگی میکنند و مقربین نجات یافتند و قلعه بر فراز پایه های همچون میخ خود ثابت و پا بر جا است کنج خانه های خود را از دست مدهید که غبار فتنه بر زیان کسی است که فتنه را برانگیزاند.

۸- الشیخ النعمانی، یاسناده عن علی بن اَسْبَاطٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: كُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ وَ الزُّمُوا بُيُوتَكُمْ فَإِنَّهُ لَا يُصِيبُكُمْ أَمْرٌ تَخْضُونَ بِهِ أَبَدًا وَلَا يُصِيبُ الْعَامَّةَ وَلَا تَزَالُ الرَّيْدِيَّةُ وَقَاءً لَكُمْ أَبَدًا. (۲)

مرحوم شیخ نعمانی، با سند خویش از علی بن اسباط از بعضی از اصحابش از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: زبان های خود را نگهدارید و در خانه های خود بنشینید باشد که هرگز کاری دامنگیر خصوص شما نشود بلکه همگانی باشد و همواره زیدیه سپر بالای شما خواهند بود.

۹- الشیخ النعمانی، یاسناده عن أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ أَبَانٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ ذَلِكَ حِينَ ظَهَرَتِ الرَّيَاةُ السُّودُ بِخُرَّاسَانَ فَقُلْنَا مَا تَرَى فَقَالَ اجْلِسُوا فِي بُيُوتِكُمْ فَإِذَا رَأَيْتُمُونَا قَدْ اجْتَمَعْنَا عَلَى رَجُلٍ فَأَنْهَدُوا إِلَيْنَا بِالسَّلَاحِ. (۳)

مرحوم شیخ نعمانی، با سند خویش از ابوبکر خضرمی روایت کرده که گفت: من و ابان به خدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه رسیدیم و این به هنگامی بود که پرچم های سیاه در خراسان ظاهر شده بود عرض کردیم نظر شما چیست؟ فرمود: در خانه خودتان بنشینید هر وقت دیدید که ما به گرد مردی (حضرت قائم صلوات الله علیه) گرد آمدیم آن وقت با اسلحه به یاری ما بشتابید.

۱۰- الشیخ النعمانی، یاسناده عن حَبِيبِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا كُنْتُمْ مَا سَيَكُنْتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ أَيْ لَا تَخْرُجُوا عَلَى أَحَدٍ فَإِنَّ أَمْرَكُمْ لَيْسَ بِهِ خَفَاءٌ

ص: ۳۶۵

۱- غیبت نعمانی باب ۱۱ ح ۵. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۳۸ ح ۴۳.

۲- غیبت نعمانی باب ۱۱ ح ۷. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۳۹ ح ۴۵.

۳- غیبت نعمانی باب ۱۱ ح ۶. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۳۸ ح ۴۴.

أَلَا إِنَّهَا آيَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَيْسَتْ مِنَ النَّاسِ أَلَّا إِنَّهَا أَضْوَاءٌ مِنَ الشَّمْسِ لَا يَخْفَى عَلَى بَرٍّ وَلَا فَاجِرٍ أَتَعْرِفُونَ الصُّبْحَ فَإِنَّهُ كَالصُّبْحِ لَيْسَ بِهِ خَفَاءٌ. (۱)

مرحوم شیخ نعمانی، با سند خویش از جابر بن یزید روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: همان طور که آسمان و زمین آرام است، شما نیز آرام بگیرید. یعنی علیه کسی به نفع ما قیام نکنید. زیرا امر شما (اعتقاد به اینکه دولت حق از آن آل محمد صلی الله علیه و آله است) چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد، ولی بدانید که آن از کارهای خداوند است (و او باید دولت ما را ظاهر گرداند) و به دست مردم نیست (که آنها قیام کنند و آن را برای ما بگیرند). بدانید که حق از آفتاب روشن تر است و بر مؤمن و فاسق پوشیده نیست. صبح را می بینید؟ حق ما هم چون صبح روشن است که بر کسی پوشیده نیست!

۱۱- الشيخ النعمانی، بإسناده عن جابر عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر صلوات الله عليهما قال: مثل خروج القائم منا أهل البيت كخروج رسول الله صلى الله عليه وآله، ومثل من خرج من أهل البيت قبل قيام القائم مثل فرخ طار و وقع في كوه فتلاعبت به الصبيان. (۲)

مرحوم شیخ نعمانی، با سند خویش از جابر بن یزید روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: خروج قائم ما اهل بیت مانند خروج رسول الله صلی الله علیه و آله است و کسیکه از ما اهل بیت پیش از قیام قائم خروج کند مانند جوجه ای است که ببرد و از آشیانه خود بیرون افتد و دست خوش بازیچه کودکان شود.

۱۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبيان قال: أخبرني المأخول أن زيدا بن علي بن الحسين صلوات الله عليهما بعث إليه وهو مسد تخف قال فأتيته فقال لي يا أبا جعفر ما تقول إن طرقت طارقاً منا أخرج معه قال فقلت له إن كان أباك أو أخاك خرجت معه قال فقال لي فأنا أريد أن أخرج أجاهد هؤلاء القوم فخرجت معي قال قلت لا ما أفعل جعلت فداك قال فقال لي أتوعد بنفسك عنى قال قلت له إنما هي نفس واحدة فإن كان لله في الأرض حجة

ص: ۳۶۶

۱- غیبت نعمانی باب ۱۱ ح ۱۷. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۳۹ ح ۴۹.

۲- غیبت نعمانی باب ۱۱ ح ۱۴. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۳۹ ح ۴۸.

فَالْمُتَخَلِّفُ عَنكَ نَاجٍ وَ الْخَارِجُ مَعَكَ هَالِكٌ وَ إِن لَّا تَكُنْ لِلَّهِ حُجَّةً فِي الْأَرْضِ فَالْمُتَخَلِّفُ عَنكَ وَ الْخَارِجُ مَعَكَ سَوَاءٌ قَالَ فَقَالَ لِي يَا أَبَا جَعْفَرٍ كُنْتُ أَجْلِسُ مَعَ أَبِي عَلِيٍّ الْخَوَانَ فَيُلْقِمُنِي الْبُضْعَةَ السَّمِينَةَ وَ يُبْرِدُ لِي اللَّقْمَةَ الْحَارَةَ حَتَّى تَبْرُدَ شَفَقَهُ عَلَيَّ وَ لَمْ يُشْفِقْ عَلَيَّ مِنْ حَرِّ النَّارِ إِذَا أُخْبِرَكَ بِالَّذِينَ وَ لَمْ يُخْبِرْنِي بِهِ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مِنْ شَفَقَتِهِ عَلَيَّ مِنْ حَرِّ النَّارِ لَمْ يُخْبِرَكَ خَافَ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَقْبَلَهُ فَتَدْخُلَ النَّارَ وَ أُخْبِرَنِي أَنَا فَإِنْ قَبِلْتَ نَجَوْتُ وَ إِن لَمْ أَقْبَلْ لَمْ يُبَالِ أَنْ أَدْخُلَ النَّارَ ثُمَّ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَنْتُمْ أَفْضَلُ أَمْ الْأَنْبِيَاءُ قَالَ يَبْلُ الْأَنْبِيَاءُ قُلْتُ يَقُولُ يَعْقُوبُ لِيُوسُفَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصِصْ رُؤْيَاكَ عَلَيَّ إِخْوَتَكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا لِمَ لَمْ يُخْبِرْهُمْ حَتَّى كَانُوا لَا يَكِيدُونَهُ وَ لَكِنْ كَتَمْتَهُمْ ذَلِكَ فَكَذَا أَبُوكَ كَتَمَكَ لِأَنَّهُ خَافَ عَلَيْكَ قَالَ فَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَئِنْ قُلْتُ ذَلِكَ لَقَدْ حَادَثَنِي صَاحِبِيكَ بِالْيَدِينِ أَنِّي أَقْتُلُ وَ أَضِلُّ بِالْكُنَاسَةِ وَ إِنَّ عِنْدَهُ لَصَيِّحِيَّةٌ فِيهَا قَتْلِي وَ صَلَبِي فَحَجَجْتُ فَحَدَّثْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بِمَقَالِهِ زَيْدٍ وَ مَا قُلْتُ لَهُ فَقَالَ لِي أَخَذْتَهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَن يَمِينِهِ وَ عَن شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ وَ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْهِ وَ لَمْ تَتْرُكْ لَهُ مَسْلَكَ يَسْلُكُهُ. (١)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابان روایت کرده که گفت: احول به من خبر داد و گفت: زید بن علی بن حسین صلوات الله علیهما زمانی که متواری و پنهان بود مرا خواست، نزدش رفتم، به من گفت: ای ابا جعفر! اگر از ما خانواده کسی نزد تو آید (و ترا به یاری طلبد) چه جواب می دهی، با او به جبهه جنگ می روی؟

به او گفتم: اگر پدرت یا برادرت مرا بخواهند می روم.

زید گفت: من می خواهم به جنگ این قوم (بنی امیه) بروم با من بیا.

گفتم: نه، قربانت گردم.

به من گفت: جان خودت را بر من ترجیح می دهی؟!؟

گفتم: من یک نفرم (یک جان بیش ندارم) اگر در روی زمینی امامی جز تو باشد، هر کس از تو کناره گیرد نجات یافته و هر کس با تو آید هلاک گشته و اگر برای خدا امامی روی زمین نباشد، کسی که از تو کناره کند با آن که همراهیت کند برابرست.

ص: ۳۶۷

به من گفت: ای اباجعفر! من با پدرم سر یک سفره می نشستم، او پاره گوشت چرب را برایم لقمه می کرد و لقمه داغ را برای دل سوزی به من سرد می کرد، او از گرمی آتش دوزخ به من دل سوزی نکرده است؟ از روش دین داری به تو خبر داده و به من خبر نداده است!!

عرض کردم: قربانت کردم، چون از آتش دوزخ به تو دل سوزی کرده خبرت نداده است، زیرا می ترسید که تو نپذیری و از آن جهت به دوزخ روی ولی به من خبر داده که اگر بپذیرم نجات یابم و اگر نپذیرم از دوزخ رفتن من باکی بر او نباشد (زیرا هر چه باشم فرزند او نیستم پس به من فرموده با بنی امیه نجنگ ولی به تو فرموده) سپس به او گفتم: قربانت کردم، شما بهتر هستید یا پیغمبران؟

فرمود: پیغمبران.

گفتم: یوسف به یعقوب می گوید «داستان خوابت را به برادرانت مگو، مبادا برایت نیرنگی بریزند» او خوابش را نگفت و پنهان داشت که برایش نیرنگی نریزند، همچنین پدر تو مطلب را از تو پنهان کرد زیرا بر تو بیم داشت.

زید فرمود: اکنون که چنین گویی بدانکه مولایت در مدینه به من خبر داد که من کشته می شوم و در کناسه کوفه به دار روم و خبر داد که کتابی نزد اوست که کشتن و به دار رفتن من در آن نوشته است.

احوال گوید: من به حج رفتم و گفتگوی خودم را با زید به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم.

حضرت فرمود: تو که راه پیش و پس و راست و چپ و زیر را بر او بستنی و نگذاشتی به راهی قدم بر دارد (هر چه گفت جوابش را دادی).

۱۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن المَعْلَى بْنِ حُنَيْسٍ قَالَ: ذَهَبْتُ بِكِتَابِ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ نَعِيمٍ وَ سَدِيرٍ وَ كُتُبِ غَيْرِ وَاحِدٍ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حِينَ ظَهَرَ الْمُسَوَّدَةُ قَبْلَ أَنْ يَظْهَرَ وَوُلِدَ الْعَبَّاسُ بِأَنَّ قَدَرْنَا أَنْ يُتَوَلَ هَذَا الْأَمْرُ إِلَيْكَ فَمَا تَرَى قَالَ فَضْرَبَ بِالْكَتُبِ الْأَرْضَ قَالَ أَفُّ أَفُّ مَا أَنَا لَهُؤُلَاءِ بِإِمَامٍ أَمَا يَعْلَمُونَ أَنَّهُ إِنَّمَا يُقْتَلُ السُّفْيَانِيُّ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معلی بن خنیس روایت کرده که گفت: در زمانی که سیاهپوشان [طرفداران ابو مسلم خراسانی] ظهور کردند پیش از ظهور بنی عباس من نامه هایی از عبد السلام بن نعیم

ص: ۳۶۸

و سدیر و جمع دیگری برای حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بردم که در آن نامه ها به آن حضرت نوشته بودند که: ما پیش بینی کرده مقرر می دانیم که امر خلافت به شما خواهد رسید، اینک خودتان چه نظری دارید؟

حضرت صلوات الله علیه نامه ها را به زمین کوفت و فرمود: وای بر شما، وای بر شما. من امام این جماعت نخواهم بود. آیا اینان نمی دانند که برای رسیدن ما به خلافت باید سفیانی کشته شود.

۱۴- السَّيِّدُ الْأَجَلُّ، أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ يَحْيَى الْعَلَوِيُّ الْحَسَنِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَمِيرِ بْنِ مُتَوَكَّلٍ النَّفَّيِّ الْبَلْخِيِّ، عَنْ أَبِيهِ مُتَوَكَّلِ بْنِ هُرُونَ قَالَ: لَقِيتُ يَحْيَى بْنَ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَهُوَ مُتَوَجِّهٌُ إِلَى خُرَاسَانَ بَعْدَ قَتْلِ أَبِيهِ، فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ، فَقَالَ لِي: مَنْ أَيْنَ أَقْبَلْتَ؟ قُلْتُ: مِنَ الْحِجْجِ، فَسَدَّ أَلْيَ عَنِ أَهْلِهِ وَبَنِي عَمِّهِ بِالْمَدِينَةِ، وَاحْفَى السُّؤَالَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فَأَخْبَرْتُهُ بِخَبْرِهِ وَخَبَرَهُمْ وَحُزْنَهُمْ عَلَى أَبِيهِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ لِي: قَدْ كَانَ عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا إِشَارَ عَلَى أَبِي بَنِيكَ الْخُرُوجَ وَعَرَفَهُ أَنْ هُوَ خَرَجَ وَفَارَقَ الْمَدِينَةَ مَا يَكُونُ إِلَيْهِ مَصِيرٌ أَمْرِهِ، فَهَلْ لَقِيتَ ابْنَ عَمِّي جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: فَهَلْ سَمِعْتَهُ يَذْكُرُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: بِمَ ذَكَرْتَنِي؟ خَبَرْتَنِي، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، مَا أَحْبُّ أَنْ أَسْتَقْبِلَكَ بِمَا سَمِعْتَهُ مِنْهُ، فَقَالَ: إِبَالْمَوْتِ تُخَوِّفُنِي؟ هَاتِ مَا سَمِعْتَهُ، فَقُلْتُ: سَمِعْتَهُ يَقُولُ: إِنَّكَ تُقْتَلُ وَتُضَلَبُ كَمَا قُتِلَ أَبُوكَ وَضَلَبَ، فَتَغَيَّرَ وَجْهُهُ وَقَالَ: يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ، يَا مُتَوَكَّلُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ آيَدَ هَذَا الْأَمْرِ بِنَا وَجَعَلَ لَنَا الْعِلْمَ وَالسَّيْفَ فَجَمِعَا لَنَا، وَحُصَّ بَنُو عَمَّنَا بِالْعِلْمِ وَخَدَهُ، فَقُلْتُ:

جُعِلْتُ فِدَاكَ أَنِّي رَأَيْتُ النَّاسَ إِلَى ابْنِ عَمِّكَ جَعْفَرَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ امْتِيلَ مِنْهُمْ إِلَيْكَ وَ إِلَى أَبِيكَ، فَقَالَ: إِنَّ عَمِّي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَابْنَهُ جَعْفَرَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا دَعَا النَّاسَ إِلَى الْحَيَوَةِ وَنَحْنُ دَعَوْنَاهُمْ إِلَى الْمَوْتِ، فَقُلْتُ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَهْمُ أَعْلَمُ أَمْ أَنْتُمْ؟ فَاطْرَقَ إِلَى الْمَارِضِ مَلِيًّا ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَقَالَ: كُلُّنَا لَهُ عِلْمٌ غَيْرَ أَنَّهُمْ يَعْلَمُونَ كُلُّ مَا نَعْلَمُ وَ لَانَعْلَمُ كُلُّ مَا يَعْلَمُونَ. ثُمَّ قَالَ لِي: أَكْتَبْتَ مِنْ ابْنِ عَمِّي شَيْئًا؟ قُلْتُ: نَعَمْ، قَالَ: ارْنِيهِ، فَأَخْرَجْتُ إِلَيْهِ وَجُوهًا مِنَ الْعِلْمِ وَ أَخْرَجْتُ لَهُ دُعَاءَ أَهْلَائِهِ عَلَيَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ حَدَّثَنِي أَنَّ أَبَاهُ

مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا أَثْلَامُهُ عَلَيْهِ وَاخْبَرَهُ أَنَّهُ مِنْ دُعَاءِ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا مِنْ دُعَاءِ الصَّحِيفَةِ الْكَامِلَةِ، فَنَظَرَ فِيهِ يَحْيَى حَتَّى اتَى عَلَى آخِرِهِ، وَقَالَ لِي: اتَّأَذَنْ فِي نَسِيخِهِ؟ فَقُلْتُ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ اتَّسِ تَأَذَنْ فِيمَا هُوَ عَنْكُمْ؟! فَقَالَ: أَمَا لِأَخْرِجَنَّ إِلَيْكَ صَاحِبَهُ مِنَ الدُّعَاءِ الْكَامِلِ مِمَّا حَفِظَهُ أَبِي عَنْ أَبِيهِ وَ أَنَّ أَبِي أَوْصَانِي بِصَوْنِهَا وَ مَنْعَهَا غَيْرِ أَهْلِهَا. قَالَ عَمِيرٌ: قَالَ أَبِي: فَقَمِيتُ إِلَيْهِ فَقَبَّلْتُ رَأْسَهُ، وَقُلْتُ لَهُ: وَاللَّهِ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنِّي لَمَادِينُ اللَّهِ بِحُبِّكُمْ وَ طَاعَتِكُمْ، وَ أَنِّي لَمَارْجُو أَنْ يُسَيِّدَنِي فِي حَيَاتِي وَ مَمَاتِي بَوْلَايَتِكُمْ. فَرَمَى صَاحِبِي الَّتِي دَفَعْتُهَا إِلَيْهِ إِلَى غُلَامٍ كَانَ مَعَهُ وَقَالَ: اكْتُبْ هَذَا الدُّعَاءَ بِخَطِّ بَيْنِ حَسَنِ وَ أَعْرَضَهُ عَلَيَّ لَعَلِّي أَحْفَظُهُ فَإِنِّي كُنْتُ أَطْلُبُهُ مِنْ جَعْفَرٍ - حَفِظَهُ اللَّهُ - فَيَمْنَعُنِيهِ. قَالَ مُتَوَكَّلٌ: فَتَدِمْتُ عَلَى مَا فَعَلْتُ وَ لَمْ أَذْرِ مَا أَصْنَعُ، وَ لَمْ يَكُنْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ تَقَدَّمَ إِلَيَّ إِلَّا أَذْفَعَهُ إِلَى أَحَدٍ، ثُمَّ دَعَا بَعِيثَهُ فَاسْتَخْرَجَ مِنْهَا صَاحِبَهُ مُقْفَلَةً مَخْتَوْمَةً فَنَظَرَ إِلَى الْخَاتَمِ وَ قَبَلَهُ وَ بَكَى، ثُمَّ فَضَّهَ وَ فَتَحَ الْقُفْلَ، ثُمَّ نَشَرَ الصَّحِيفَةَ وَ وَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ وَ أَمَرَهَا عَلَى وَجْهِهِ وَقَالَ: وَاللَّهِ يَا مُتَوَكَّلُ لَوْ لَا مَا ذَكَرْتُ مِنْ قَوْلِ ابْنِ عَمِّي أَنِّي أَقْتَلُ وَ أَصْلَبُ لَمَا دَفَعْتُهَا إِلَيْكَ وَ لَكُنْتُ بِهَا ضَمِينًا وَلَكِنِّي أَعْلَمُ أَنَّ قَوْلَهُ حَقٌّ أَخَذَهُ عَنْ أَبِيهِ وَ أَنَّهُ سَيَصِحُّ فَخِفْتُ أَنْ يَقَعَ مِثْلُ هَذَا الْعِلْمِ إِلَى بَنِي أُمَّيَّةَ فَيَكْتُمُوهُ وَ يَدَّخِرُوهُ فِي خَزَائِنِهِمْ لِأَنْفُسِهِمْ، فَأَقْبَضُهَا وَ أَكْفِنُهَا وَ تَرَبَّصْ بِهَا فَإِذَا قَضَى اللَّهُ مِنْ أَمْرِي وَ أَمْرِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ مَا هُوَ قَاضٍ فَهِيَ أَمَانَةٌ لِي عِنْدَكَ حَتَّى تُوصِلَهَا إِلَى ابْنَتِي عَمِّي: مُحَمَّدٍ وَ إِبْرَاهِيمَ ابْنَيْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فَإِنَّهُمَا الْقَائِمَانِ فِي هَذَا الْأَمْرِ بَعْدِي. قَالَ الْمُتَوَكَّلُ: فَقَبَضْتُ الصَّحِيفَةَ فَلَمَّا قُتِلَ يَحْيَى بْنُ زَيْدٍ صَرْتُ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلَقِيتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَحَدَّثْتُهُ الْحَدِيثَ عَنْ يَحْيَى، فَبَكَى وَ اشْتَدَّ وَجْدُهُ بِهِ، وَقَالَ: رَحِمَ اللَّهُ ابْنَ عَمِّي وَ الْحَقُّهَ بِأَبَائِهِ وَ إِخْوَانِهِ، وَاللَّهِ يَا مُتَوَكَّلُ مَا مَنَعَنِي مِنْ دَفْعِ الدُّعَاءِ إِلَيْهِ إِلَّا الَّذِي خَافَهُ عَلَى صَاحِبِهِ أَبِيهِ، وَ أَيْنَ الصَّحِيفَةُ؟ فَقُلْتُ: هِيَ هَاهُنَا، فَفَتَحَهَا وَقَالَ: هَذَا وَاللَّهِ خَطُّ عَمِّي زَيْدٍ وَ دُعَاءُ حَيْدِي عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا ثُمَّ قَالَ لِإِيْنِهِ: قُمْ يَا إِسْمَاعِيلُ فَاتْنِي بِالدُّعَاءِ الَّذِي أَمَرْتُكَ بِحِفْظِهِ وَ صَوْنِهِ، فَقَامَ إِسْمَاعِيلُ فَأَخْرَجَ صَاحِبَهُ كَأَنَّهَا الصَّحِيفَةُ الَّتِي دَفَعَهَا إِلَيَّ يَحْيَى بْنُ زَيْدٍ، فَقَبَلَهَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَ وَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ وَقَالَ: هَذَا خَطُّ أَبِي وَ أَثْلَامُ جَدِّي صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا بِمَشْهَدٍ

مِنِّي، فَقُلْتُ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ: أَنْ رَأَيْتَ أَنْ أُعْرِضَ بِهَا مَعَ صَاحِبَيْهِ زَيْدٍ وَ يَحْيَى؟ فَأَذِنَ لِي فِي ذَلِكَ وَقَالَ: قَدْ رَأَيْتُكَ لِتَذَلِّكَ أَهْلًا، فَظَهَرْتُ وَ إِذَا هُمَا امْتَرٌ وَاحِدٌ وَ لَمْ أَجِدْ حَرْفًا مِنْهَا يُخَالِفُ مَا فِي الصَّحِيفَةِ الْآخِرَى، ثُمَّ اسْتَأْذَنْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فِي دَفْعِ الصَّحِيفَةِ إِلَى ابْنِي عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ، فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا، نَعَمْ فَادْفَعُهَا إِلَيْهِمَا. فَلَمَّا نَهَضْتُ لِلِقَائِهِمَا قَالَ لِي: مَكَانُكَ، ثُمَّ وَجَّهَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ إِبْرَاهِيمَ فَجَاءَا فَقَالَ: هَذَا مِيرَاثُ ابْنِ عَمِّكَ يَحْيَى مِنْ أَبِيهِ قَدْ خَصَّكُمْ بِهِ دُونَ أَخَوَتَيْهِ، وَ نَحْنُ مُشْتَرِطُونَ عَلَيْكُمْ فِيهِ شَرْطًا، فَقَالَا:

رَحِمَكَ اللَّهُ، قُلْ فَقَوْلُكَ الْمَقْبُولُ، فَقَالَ: لَا تَخْرُجَا بِهِذِهِ الصَّحِيفَةِ مِنَ الْمَدِينَةِ، قَالَا: وَ لِمَ ذَاكَ؟ قَالَ: إِنَّ ابْنَ عَمِّكَ خَافَ عَلَيْهَا امْرَأً أَخَافُهُ أَنَا عَلَيْكُمْ، قَالَا: أَنَا خَافَ عَلَيْهَا حِينَ عَلِمَ أَنَّهُ يُقْتَلُ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَتَمَّا فَلَا تَأْمَنَّا فَوَاللَّهِ لَأَعْلَمَنَّ أَنَّكُمْ سَتَخْرُجَانِ كَمَا خَرَجَ وَ سَيَقْتُلَانِ كَمَا قُتِلَ. فَقَامَا وَ هُمَا يَقُولَانِ: لِأَحْوَالٍ وَ لِأَقْوَامٍ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. فَلَمَّا خَرَجَا قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ يَا مَتَى وَكُلُّ! كَيْفَ قَالَ لَكَ يَحْيَى أَنْ عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ ابْنُهُ جَعْفَرٌ دَعَا النَّاسَ إِلَى الْحَيَوَةِ وَ دَعَوَانَهُمْ إِلَى الْمَوْتِ؟ قُلْتُ: نَعَمْ - اضِلَّحَكَ اللَّهُ - قَدْ قَالَ لِي ابْنُ عَمِّكَ يَحْيَى ذَلِكَ، فَقَالَ: يَرْحَمُ اللَّهُ يَحْيَى، أَنْ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَخَذَتْهُ نَعْسُهُ وَ هُوَ عَلَى مِثْبَرِهِ، فَرَأَى فِي مَنَامِهِ رِجَالًا يَنْزُونَ عَلَى مِثْبَرِهِ نَزْوُ الْقِرَدَةِ يَرُدُّونَ النَّاسَ عَلَى أَعْقَابِهِمْ الْقَهْقَرَى، فَاسْتَوَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ جَالِسًا وَ الْحُزْنَ يُعْرِفُ فِي وَجْهِهِ، فَاتَّأَهُ جَبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهِذِهِ الْآيَةِ: وَ مَا جَعَلْنَا الرُّءْيَا الَّتِي أَرَيْتُكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَ نُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا» يَعْنِي بَنِي أُمَّيَّةَ، قَالَ: يَا جَبْرِيلُ أَعْلَى عَهْدِي يَكُونُونَ وَ فِي زَمَنِي؟ قَالَ: لَا، وَلَكِنْ تَدْوُرُ رَحَى الْإِسْلَامِ مِنْ مُهَاجِرِكَ فَتَلْبُثُ بِذَلِكَ عَشْرًا، ثُمَّ تَدْوُرُ رَحَى الْإِسْلَامِ عَلَى رَأْسِ خَمْسَةٍ وَ ثَلَاثِينَ مِنْ مُهَاجِرِكَ فَتَلْبُثُ بِذَلِكَ خَمْسًا، ثُمَّ لَا بُدَّ مِنْ رَحَى ضَلَالِهِ هِيَ قَاتِمَةٌ عَلَى قُطْبِهَا، ثُمَّ مُلْكُ الْفِرَاعِنَةِ، قَالَ: وَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِي ذَلِكَ: إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَ مَا أَدْرِيكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» تَمْلِكُهَا بَنُو أُمَّيَّةَ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ. قَالَ: فَاطَّلَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنْ بَنَى أُمَّيَّةَ

تَمْلِكُ سُلْطَانَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ مُلْكُهَا طُولَ هَذِهِ الْمَدَّةِ، فَلَوْ طَاوَلَتْهُمْ الْجِبَالُ لَطَالُوا عَلَيْهَا حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ تَعَالَى بِزَوَالِ مُلْكِهِمْ، وَ هُمْ فِي ذَلِكَ يَسْتَشْعِرُونَ عِدَاؤَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ بُغْضَنَا، اخْبَرَ اللَّهُ نَبِيَّهُ بِمَا يَلْقَى أَهْلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلَ مَوَدَّتِهِمْ وَ شِعْتَهُمْ مِنْهُمْ فِي أَيَّامِهِمْ وَ مُلْكِهِمْ، قَالَ: وَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِمْ: أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَدُلُّونَا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَ أَحْلُوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْيَوَارِ * جَهَنَّمَ يَصِلُونَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ» وَ نِعْمَهُ اللَّهُ مُحَمَّدٌ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ، حُبُّهُمْ إِيْمَانٌ يُدْخِلُ الْجَنَّةَ، وَ بُغْضُهُمْ كُفْرٌ وَ نِفَاقٌ يُدْخِلُ النَّارَ، فَاسَّرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ذَلِكُكَ إِلَى عَلِيٍّ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ. قَالَ: ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: مَا خَرَجَ وَ لَا يَخْرُجُ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ إِلَى قِيَامِ قَائِمِنَا أَحَدٌ لِيُدْفَعَ ظُلْمًا أَوْ يُنْعَشَ حَقًّا إِلَّا أَضَى طَلَمْتَهُ الْبَلِيَّةُ وَ كَانَ قِيَامُهُ زِيَادَةً فِي مَكْرُوهِنَا وَ شَيْعَتِنَا. قَالَ الْمُتَوَكَّلُ بْنُ هُرُونَ: ثُمَّ امْلَى عَلَيَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ الْأَذْعِيَّةَ وَ هِيَ خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ بَابًا، سَقَطَ عَنِّي مِنْهَا أَحَدٌ عَشَرَ بَابًا، وَ حَفِظْتُ مِنْهَا ثِيْفًا وَ سِتِينَ بَابًا. (١)

سید اجل، ابوالحسن، محمد بن الحسن فرزند احمد بن علی، فرزند محمد بن عمر بن یحیی العلوی الحسینی - که رحمت خدا بر او باد - با سند خویش از عمیر بن متوکل ثقفی بلخی، از پدرش متوکل بن هارون روایت کرده که گفت: یحیی بن زید بن علی صلوات الله علیه را پس از شهادت پدرش به وقتی که به سوی خراسان می رفت ملاقات کردم و به حضرتش سلام نمودم، به من فرمود: از کجا می آیی؟ عرضه داشتم: از حج، پس مرا از حال اهلش و عموزادگان خویش که در مدینه بودند پرسید و در پرسش از حال جعفر بن محمد صلوات الله علیهما مبالغه نمود، پس از حال آن حضرت و احوال ایشان و اندوه شان بر شهادت پدرش زید بن علی صلوات الله علیه به او خبر دادم، یحیی فرمود: عمویم حضرت باقر صلوات الله علیه پدرم را به ترک خروج و شورش سفارش کرد و به او فهماند که در صورت خروج و جدا شدن از مدینه کارش به کجا خواهد کشید، آیا تو پسر عمویم حضرت جعفر بن محمد صلوات الله علیهما را ملاقات نمودی؟

گفتم: آری.

گفت: آیا درباره من و وضع و کارم شنیدی چیزی بگوید؟

گفتم: آری.

ص: ۳۷۲

گفت: به چه صورت از من یاد فرمود؟ به من بگو.

گفتم: فدایت گردم، علاقه ندارم آنچه را از آن حضرت شنیده ام در برابر تو بیان کنم.

گفت: آیا مرا از مرگ می ترسانی؟ بگو آنچه شنیده ای.

گفتم: از او شنیدم که تو کشته می شوی و بدنت را به دار می آویزند، چنانکه پدرت کشته و به دار آویخته شد، پس چهره اش تغییر کرد و گفت: خدایا هر سرنوشتی را خواهد محو می کند و یا ثبت می نماید و امّ الکتاب نزد اوست. ای متوکل همانا که حضرت حق این دین را به وجود ما تأیید فرموده و دانش و اسلحه را به ما مرحمت کرده و هر دو برای ما فراهم گشته و عموزادگان ما به دانش تنها اختصاص یافته اند.

گفتم: قربانت گردم، من مردم را مشاهده کردم که به پسر عمویت حضرت صادق صلوات الله علیه مایل ترند تا به تو و پدرت.

گفت: همانا عمویم محمد بن علی و پسرش جعفر صلوات الله علیهما، مردم را به زندگی دعوت کرده اند و ما آنان را به مرگ خوانده ایم، گفتم: ای فرزند رسول حق! آیا ایشان داناترند یا شما، پس مدّتی دیده به زمین دوخت سپس سر برداشت و گفت: هر یک از ما از دانش بهره ای داریم جز آنکه ایشان هر چه را ما می دانیم می دانند، ولی ما هر چه ایشان می دانند نمیدانیم، آنگاه به من گفت: آیا از پسر عمویم چیزی نوشته ای؟ گفت: آری، گفت: به من نشان بده، پس چند نوع دانش را که از آن حضرت ضبط کرده بودم به او عرضه داشتم و دعایی را به او نشان دادم که حضرت صادق صلوات الله علیه بر من املا فرموده بود و حدیث کرده بود که پدرش محمد بن علی صلوات الله علیهما بر او املا فرموده بود و خبر داده بود که آن از دعای پدرش علی بن الحسین صلوات الله علیهما از دعای صحیفه کامله است، پس یحیی تا پایان آن را نظر کرد و گفت: آیا اجازه می دهی که نسخه ای از روی آن برداریم؟ گفتم: ای پسر رسول الله! آیا در آنچه که از خود شماست اجازت می خواهی؟ پس گفت: هم اکنون بر تو ارائه خواهم کرد صحیفه ای از دعای کامل را از آنچه پدرم از پدرش حفظ فرموده و مرا به نگاه داشتن و بازداشتن آن از نااهل سفارش فرموده. عمیر گوید: پدرم گفت: پس برخاستم و پیشانی او را بوسیدم و گفتم: به خدا قسم! ای پسر رسول الله که من خدا را با محبت و طاعت شما پرستش می کنم و امیدوارم که مرا در حیات و ممات به دوستی شما سعادت مند کند. پس صحیفه ای را که به او داده بودم به جوانی که با او بود داد و گفتم: این دعا را با خطی روشن و نیکو بنویس و

به نظر من برسان که شاید آن را از حفظ نمایم؛ زیرا که من آن را از پسر عمویم جعفر - که در حفظ خدا باد - می خواستم او آن را به من نمی داد.

متوکل گفت: من از کرده خود نادم شدم و نمی دانستم چه کنم و حضرت صادق صلوات الله علیه قبل از آن به من دستور نداده بود که آن را به کسی ندهم، پس از آن یحیی جامه دانی را طلبید و صحیفه فقل خورده مهر کرده ای را از آن خارج کرد و به مهر آن نظر نمود و بوسید و گریه کرد، سپس مهر را شکست و قفل را باز کرد، آنگاه صحیفه را گشود و بر چشم خود گذاشت و بر روی خود مالید و گفت:

به خدا قسم! ای متوکل اگر نبود مطلبی که در رابطه با کشته شدن و به دار آویختنم از پسر عمویم حدیث کردی، بدون شک این صحیفه را به تو نمی دادم و از تسلیمش خودداری می نمودم ولی برای من روشن است که گفتار حضرت صادق صلوات الله علیه حق است و آن را از پدرانش گرفته و به زودی صحت آن روشن خواهد شد و من ترسیدم که چنین علمی به دست بنی امیه افتد و آن را از دیده ها بپوشانند و در خزانه خویش برای خود ذخیره نمایند، پس آن را بگیر و مرا از پریشانی فکر نسبت به آن آسوده کن و این امانت در نزد تو باشد و تو به انتظار بنشین تا چون خداوند در کار من و این قوم حکم خود را جاری سازد، این صحیفه را به دو پسر عمویم محمد و ابراهیم، فرزندان عبدالله بن حسن بن حسن بن علی صلوات الله علیهما برسان که آن دو نفر پس از من در مسئله قیام بر علیه بنی امیه قائم مقام من هستند. متوکل گفت: من صحیفه را گرفتم و چون یحیی بن زید به شهادت رسید به مدینه رفتم و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه را زیارت کردم و قصه یحیی را برای آن جناب گفتم، آن حضرت گریست و فوق العاده بر یحیی اندوهگین شد و فرمود: خدا عموزاده ام را رحمت کند و به پدرانش ملحق سازد، به خدا قسم! ای متوکل مرا از دادن این دعا به او منع نکرد مگر همان سبب که یحیی بر صحیفه پدرش از آن می ترسید، اکنون آن صحیفه کجاست؟ گفتم: اینک این همان صحیفه است، پس آن را باز کرد و فرمود: به خدا قسم! این خط عمویم زید و دعای جدّم علی بن الحسین صلوات الله علیهما است آنگاه به فرزندش فرمود: ای اسماعیل! برخیز و آن دعا را که به حفظ و نگهداریش تو را امر کردم بیاور، پس اسماعیل برخاست و صحیفه ای را که انگار همان صحیفه ای است که یحیی بن زید به من داده بود بیرون آورد، پس حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه آن را بوسید و بر چشم خود نهاد و فرمود: این خط پدرم و املائی جدم صلوات الله علیهما در حضور من است، عرض کردم: ای پسر رسول الله! اگر اجازه دهی آن را با صحیفه زید و یحیی مقابله نمایم، پس

اجازه داد و فرمود: تو را برای این عمل شایسته دیدم، پس من آن دو را مقابله کردم و دیدم که هر دو یکی است و حتی در یک حرف هم با یکدیگر اختلاف ندارند، سپس از آن حضرت اجازه طلبیدم که صحیفه یحیی را بنا بر وصیتش به عموزادگانش پسران عبدالله بن حسن مسترد دارم، فرمود: «خداوند شما را امر می کند که امانت ها را به صاحبانشان بازگردانید»، آری، آن را به ایشان بده، چون برای زیارت آن دو برخاستم فرمود: بنشین، سپس کسی را به احضار محمد و ابراهیم فرستاد، چون حاضر شدند، فرمود: این میراث پسرعمویان یحیی است از پدرش که شما را به جای برادران خود به آن اختصاص داده و ما را در خصوص آن با شما شرطی است، گفتند: بگوی، خداوند تو را رحمت کند که سخن تو مقبول است، فرمود: این صحیفه را از مدینه خارج نکنید، گفتند: چرا؟ فرمود: پسر عموی شما درباره این صحیفه از برنامه ای ترس داشت که من راجع به شما به همان گونه ترس دارم، گفتند: او زمانی درباره این صحیفه ترسید که دانست کشته می شود، حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: شما نیز از این واقعه ایمن نباشید؛ زیرا به خدا قسم من می دانم که شما به زودی خروج خواهید کرد چنانکه او خروج کرد و به زودی کشته خواهید شد چنانکه او کشته شد. پس از جای برخاستند در حالی که می گفتند: لاحول و لاقوه الا بالله العلی العظیم.

چون از نزد حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بیرون رفتند به من فرمود: ای متوکل! چگونه یحیی به تو گفت که عمویم محمد بن علی و پسرش جعفر صلوات الله علیهم مردم را به زندگی دعوت کردند، و ما ایشان را به مرگ؟!

گفتم: آری - اضلحکک الله - عموزاده ات یحیی چنین سخنی به من گفت.

فرمود: خدا یحیی را رحمت کند، پدرم مرا از پدرش از جدش از علی صلوات الله علیه حدیث کرد که رسول الله صلی الله علیه و آله را در حالی که روی منبر بود، خواب سبکی ربود، پس در عالم خواب دید که مردانی چند همانند بوزینگان بر منبرش می جهند و مردم را به عقب (دوران جاهلیت) برمی گردانند. پس رسول الله صلی الله علیه و آله به حال عادی بازگشت و نشست و اندوه و حزن در چهره اش آشکار بود، پس امین وحی این آیه را برای حضرت آورد: «و ما رؤیایی را که در خواب به تو نمایانندیم و شجره ملعونه در قرآن را قرار نداده ایم مگر برای آزمایش مردم؛ و مردم را بیم می دهیم ولی جز بر سرکشی آنان نمی افزاید» و مراد از شجره ملعونه، بنی امیه هستند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای جبرئیل! آیا ایشان در زمان من خواهند بود؟ گفت: نه، ولی آسیای اسلام از ابتدای هجرتت به گردش می آید و تا ده سال می گردد، سپس بر سر

سال سی و پنجم از هجرتت به گردش می افتد و تا پنج سال به آن صورت می ماند، آنگاه به ناچار آسیای ضلالت بر محور خود قائم خواهد شد و پس از آن پادشاهی فراعنه است.

حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: و خدای بزرگ در این باره وحی نازل کرد که: «به تحقیق ما آن را در شب قدر نازل کردیم و چه می دانی که شب قدر چیست؟ شب قدر بهتر از هزار ماه است» که بنی امیه در آن حکومت کنند و شب قدر در آن نباشد. سپس فرمود: پس خدای عزوجل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را آگاه فرمود که بنی امیه قدرت و حکومت این امت را به دست می گیرند و مدت سلطنت شان برابر همین زمان است، پس اگر کوهها با ایشان به سرکشی برخیزند ایشان بر کوهها بلندی گیرند تا وقتی که خدای بزرگ به نابودی حکومت شان حکم کند و بنی امیه در این مدت عداوت و کینه ما اهل بیت را شعار خود می نمایند، خداوند از آنچه در مدت حکومت بنی امیه بر اهل بیت محمد صلوات الله علیهم و دوستان و شیعیان شان می رسد به رسولش خبر داد، آنگاه حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: و خدا درباره بنی امیه وحی نازل فرمود که: «آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفر بدل کردند و قوم خود را به دار هلاکت افکندند دوزخ که در آن سرنگون شوند و بد قرار گاهی است.»! و نعمت خدا محمد و اهل بیت آن حضرتند که دوستی ایشان ایمانی است که باعث ورود به بهشت است و دشمنی ایشان کفر و نفاق است که به جهنم درمی آورد، پس رسول الله صلی الله علیه و آله این راز را پنهانی با علی و اهل بیتش صلوات الله علیهم در میان گذاشت.

متوکل گفت: پس از آن حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: احدی از ما اهل بیت تا روز قیام قائم ما صلوات الله علیه برای دفع ظلمی یا به پا داشتن حقی خروج نکرده و نخواهد کرد مگر آنکه طوفان بلا او را از ریشه برکند و قیامش موجب افزایش غصه ما و شیعیان ما گردد.

متوکل گفت: آنگاه حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه دعاهاى صحیفه را بر من املا فرمود و آن هفتاد و پنج باب بود که من به حفظ یازده باب آن توفیق نیافتم و شصت و چند باب آن را حفظ نمودم.

۱۵- الشيخ المفید، یاسناده عن جابر الجعفی، قال: قال لی أبو جعفر صلوات الله علیه: یا جابر، الزم الأرض، و لا تحرك یداً و لا رجلاً حتی تری علامات أذکرها لك إن أدرکتها: أولها اختلاف ولد فلان، و ما أراک تدرک ذلک، و لکن حدث به بعدی، و مناد ینادی من السماء، و یجئکم الصوت من ناحیه دمشق بالفتح، و یخسف بقریه من قرى الشام تسمى الجابیة، و

تسقط طائفه من مسجد دمشق الأيمن، و مارقه تمرق من ناحیه الترك، و تعقبها من ناحیه الروم، و يستقبل إخوان الترك حتى ينزلوا الجزيره، و يستقبل مارقه الروم حتى تنزل الرمله، إلى أنه قال: و إياكم و شذاذا من آل محمد، فإن لآل محمد و علی صلوات الله عليهم رایه، و لغيرهم رایات فالزم الأرض، و لا تتبع منهم رجلاً أبدا حتى ترى رجلاً من ولد الحسين، معه عهد نبی الله و رایته و سلاحه، فإن عهد نبی الله صار عند علی بن الحسين، ثم صار عند محمد بن علی، و يفعل الله ما یشاء، فالزم هؤلاء أبدا، و إياک و من ذكرت لک.

فإذا خرج رجل منهم معه ثلاث مائه و بضعه عشر رجلاً، و معه رایه رسول الله صلی الله علیه و آله عامدا إلى المدینه حتى یمر بالبیداء، حتى یقول: هذا مکان القوم الذین خسف بهم، و هی الآیه التي قال الله تعالی: {أَفَأَمِّنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ} (١).

مرحوم شیخ مفید، با سند خویش از جابر جعفی روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه به من فرمود: ای جابر! بر جای خود بنشین و به هواخواهی از هیچ کس قیام نکن تا آن که نشانه هایی را که برایت می گویم مشاهده کنی؛ البته احتمال نمی دهم که تو در آن زمان حضور داشته باشی، ولی آن نشانه ها را برای مردم پس از من، نقل کن. اولین نشانه آن، اختلاف افتادن بین فرزندان فلانی است و منادی در آسمان ندا سر می دهد و صدا از ناحیه دمشق به فتح به سوی شما می آید و روستایی از روستاهای شام، به نام جاییه در زمین فرو می رود و برخی از مساجد ایمن دمشق سقوط می کنند، و خوارجی از ناحیه ترک ها، و خوارجی نیز از ناحیه رومیان، خروج می کنند و برادران ترک، در جزیره اردو می زنند و خوارج روم در رمله مستقر می شوند.

تا آنجا که حضرت فرمودند: و پرهیز از آن پراکنده ها از آل محمد صلی الله علیه و آله به تحقیق که برای آل محمد و علی صلوات الله عليهم یک رایت (بیرق و پرچم) است و برای دیگران رایات (بیرق ها و پرچم ها) است پس شما بر جای خود بنشینید و هرگز هیچ یک از آنها را پیروی نکنید تا این که می بینی مردی از فرزندان حسین صلوات الله علیه در حالی که عهد و پرچم و سلاح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به دست دارد، خروج می کند. عهد و پیمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نزد علی بن حسین صلوات الله

ص: ۳۷۷

عليهما و سپس نزد محمد بن علی صلوات الله علیهما است و خدا هر چه بخواهد، انجام می دهد. همیشه ملازم اینان باش و از آن که پیشتر برایت گفتم، برحذر باش. مردی از اینها، همراه سیصد و ده نفر و آندی ظهور می کند، در حالی که پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله را به دست دارد و به سوی مدینه می رود و چون به بیداء می رسد، می گوید: این مکانی است که قومی در آن به عذاب دچار شدند و به زمین فرو رفتند و این معنای آیه ای است که می فرماید: {آیا کسانی که تدبیرهای بد می اندیشند ایمن شدند از این که خدا آنان را در زمین فرو برد یا از جایی که حدس نمی زنند عذاب برایشان بیاید* یا در حال رفت و آمدشان (گریبان) آنان را بگیرد و کاری از دستشان برنیاید}. (سوره نحل آیه ۴۵-۴۶)

توضیح: این حدیث طولانی است، بنده فقط محل مورد نظر را از آن نقل کرده ام.

۱۶- الشیخ النعمانی، باسناده عن منصور بن حازم عن أبي عبد الله صلوات الله عليه أنه قال: إِذَا رُفِعَتْ رَأْيَةُ الْحَقِّ، لَعْنَتُهَا أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ. قُلْتُ لَهُ مِمَّ ذَلِكَ؟ قَالَ مِمَّا يَلْقَوْنَ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ. (۱)

مرحوم شیخ نعمانی، با سند خویش از منصور بن حازم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: چون پرچم حق برافراشته شود اهل شرق و غرب آن را لعنت کنند. به آن حضرت عرض کردم: از چه رو چنین خواهد شد؟ فرمود: از آنچه از بنی هاشم می بینند.

۱۷- الشیخ الصدوق، باسناده عن جابر عن أبي جعفر صلوات الله عليه أنه قال: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَغِيبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ فَيَا طُوبَى لِلثَّابِتِينَ عَلَى أَمْرِنَا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ إِنَّ أَدْنَى مَا يَكُونُ لَهُمْ مِنَ الثَّوَابِ أَنْ يُنَادِيَهُمُ الْبَارِي عَزَّ وَجَلَّ عِبَادِي آمَنْتُمْ بِسِرِّي وَصَدَقْتُمْ بِغَيْبِي فَأَبْسِرُوا بِحُسْنِ الثَّوَابِ مِنِّي فَأَنْتُمْ عِبَادِي وَإِمَائِي حَقًّا مِنْكُمْ أَتَقَبَّلُ وَعَنْكُمْ أَعْفُو وَ لَكُمْ أَعْفُو وَ بِكُمْ أَسْقِي عِبَادِي الْغَيْثَ وَ أَدْفَعُ عَنْهُمْ الْبَلَاءَ وَ لَوْلَاكُمْ لَأَنْزَلْتُ عَلَيْهِمْ عَذَابِي قَالَ جَابِرٌ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا أَفْضَلُ مَا يَسْتَعْمَلُهُ الْمُؤْمِنُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ قَالَ حَفِظُ اللِّسَانِ وَ لُزُومُ الْبَيْتِ. (۲)

ص: ۳۷۸

۱- غیبت نعمانی باب ۱۷ ح ۵.

۲- إكمال الدين و إتمام النعمة ج ۱ ص ۴۴۶. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۴۵ ح ۶۶.

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از جابر از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: زمانی بر مردم می آید که امام شان غایب می شود. خوشا به کسانی که بر امامت ما در آن زمان ثابت بمانند. کمترین ثواب آنان این است که خداوند - جل جلاله - به آنها می فرماید:

ای بندگان و کنیزانم! به سزم ایمان آوردید و به غییم تصدیق کردید. بشارت باد بر شما ثواب نیکم. به راستی من از شما پذیرا شوم و از شما در گذرم و شما را بیامرزم و به واسطه شماست که بندگانم را از باران سیراب کنم و بلا را از آنها می گردانم. اگر شما نبودید عذابم را بر آنان نازل می کردم.

جابر گوید: عرض کردم: ای فرزند رسول الله! بهترین عملی که مؤمن در آن زمان انجام دهد، چیست؟

فرمود: نگه داشتن زبان و نشستن در خانه.

توضیح: روایات در نهی از قیام با غیر معصوم و اینکه شیعیان مأمورند به خانه نشینی تا ظهور سفیانی و یمانی و خراسانی، زیادند لذا بنده پاره ای از آن روایات در اینجا ذکر کرده و بسنده نمودم.

۳۸۴- حکم کسی که قبل از ظهور حضرت قائم صلوات الله علیه بیعت بگیرد و بیعت نکند

۱- الشيخ سعد بن عبد الله القمی، یاسنده عن المفضل بن عمر، قال: سألت سيدي الصادق صلوات الله عليه هل للمأمول المنتظر المهدي صلوات الله عليه من وقت موقة يعلمه الناس؟

فقال: حاش لله أن يوقت ظهوره بوقت يعلمه شيعةنا.

قلت: يا سيدي ولیم ذاك؟

قال: لأنه هو الساعة التي قال الله تعالى: يسئلونك عن الساعة أيان مرساها قل إنما علمها عند ربي لا يجليها لوقتها إلا هو ثقلت في السماوات والأرض.

إلى - قال المفضل يا سيدي فبغير سنه القائم صلوات الله عليه بايعوا له قبل ظهوره وقبل قيامه؟

فقال صلوات الله عليه يا مفضل كل بيعة قبل ظهور القائم صلوات الله عليه فبيعتة كفر ونفاق وخديعة لعن الله المبایع لها و المبایع له.

بَلْ يَا مُفَضَّلُ يُسَيِّدُ الْقَائِمُ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَرَمِ وَيَمِيدُ يَدَهُ فَتَرَى بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَيَقُولُ هَذِهِ يَدُ اللَّهِ وَعَنِ اللَّهِ وَ بِأَمْرِ اللَّهِ ثُمَّ يَتْلُو هَذِهِ الْآيَةَ: إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ الْآيَةَ، فَيَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يُقْبَلُ يَدَهُ جَبْرئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ يُبَايِعُهُ وَ تُبَايِعُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ نُجَبَاءُ الْجِنِّ ثُمَّ النَّبِيُّ. (۱)

مرحوم شیخ سعد بن عبدالله قمی، با سند خویش از مفضل بن عمر روایت کرده که گفت: از سرور خود حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: آیا حضرت مهدی منتظر صلوات الله علیه و عجل الله تعالی فرجه الشریف، که آرزویم به اوست، [دوران غیبت و زمان ظهورش] زمان موقت [و معینی] دارد که مردم می دانند کی خواهد بود؟

حضرت فرمود: حاشا که خداوند زمان ظهورش را طوری معین کند که شیعیان ما آن را بدانند.

عرض کردم: چرا ای سرور؟

فرمود: زیرا زمان ظهور او همان ساعتی است که خداوند متعال می فرماید: {در باره ساعت [قیامت] از تو می پرسند وقوعش چه زمانی است؟ بگو: علمش فقط نزد پروردگار من است و جز او (کسی) آن را در وقتش آشکار نمی سازد [تحقق و تحمل این حادثه] در آسمان ها و زمین سنگین است}. (سوره اعراف آیه ۱۸۷)

تا آنجا که مفضل گوید: عرض کردم ای مولای من آیا حضرت قائم صلوات الله علیه، بیعت کسانی را که پیش از ظهور او و قبل از قیامت با او بیعت کردند تغییر می دهد؟

حضرت فرمود: ای مفضل! هر بیعتی پیش از ظهور حضرت قائم صلوات الله علیه، بیعت کفر و نفاق و خدعه است که خداوند آن بیعت و بیعت شونده را لعنت کند، بلکه، ای مفضل هنگامی که حضرت قائم صلوات الله علیه پشتش را به بیت الله الحرام تکیه می دهد، دست مبارکش را دراز می کند در حالی که سفید خالص است و می گوید این دست خداوند و از خداوند و به امر خداوند است. سپس این آیه را تلاوت می کند: {در حقیقت کسانی که با تو بیعت می کنند جز این نیست که با خدا بیعت می کنند دست خدا بالای دست های آنان است پس هر که پیمان شکنی کند تنها به زیان خود پیمان می شکند}. (سوره فتح آیه ۱۰) پس اولین کسی که دست او را می بوسد، جبرئیل علیه السلام است. سپس با او بیعت می کند و ملائکه و جتیان شریف و سپس یاران با وفای آن حضرت با او بیعت می کنند.

ص: ۳۸۰

توضیح: این حدیث طولانی است، بنده فقط محل مورد نظر را از آن نقل کرده ام.

۲- الشيخ الطبرسی، بإسنادہ عن علقمہ بن محمد الحضرمی عن أبي جعفر محمد بن علي صلوات الله عليهما أنه قال: حج رسول الله صلى الله عليه وآله من المدينة وقد بلغ جميع الشرائع قومته غير الحج والولاية فاتاه جبرئيل عليه السلام فقال له يا محمد إن الله جل اسمه يقرئك السلام ويقول لك إنني لم أقبض نبياً من أنبيائي ولا رسولاً من رُسلي إلا بعد إكمال ديني وتأكد حجتي وقد بقي عليك من ذلك فريضتان مما يحتاج أن تبلغهما قومك فريضه الحج وفريضه الولاية والخلافه من بعدك فإني لم أحل أرضي من حججه ولن أحليها أبداً فإن الله جل ثناؤه يأمرك أن تبلغ قومك الحج والحج وتصح ويحج معك كل من استطاع إليه سبيلاً من أهل الحضرة والأطراف والأعراب وتعلمهم من حجهم مثل ما علمتهم من صلاتهم وزكاتهم وصيامهم وتوقفهم من ذلك على مثال الذي أوقفتهم عليه من جميع ما بلغتهم من الشرائع فنأدى رسول الله صلى الله عليه وآله في الناس ألا إن رسول الله يريد الحج وأن يعلمكم من ذلك مثل الذي علمكم من شرائع دينكم ويوقفكم من ذلك على مثل الذي أوقفكم عليه من غيره فخرج رسول الله صلى الله عليه وآله وخرج معه الناس وأصغوا إليه لينظروا ما يصنع فيصنعوا مثله فحج بهم وبلغ من حج مع رسول الله صلى الله عليه وآله من أهل المدينة والأطراف والأعراب سبعين ألف إنسان أو يزيدون على نحو عدد أصحاح موسى عليه السلام الذين أخذ عليهم بيعة هارون عليه السلام فنكثوا واتخذوا العجل والسامري وكذلك أخذ رسول الله صلى الله عليه وآله البيعة لعل صلوات الله عليه بالخلافه على نحو عدد أصحاح موسى فنكثوا البيعة واتخذوا العجل والسامري سنيته بسنيته ومثلاً بمثل واتصفت التلبيته ما بين مكة والمدينة فلما وقف رسول الله صلى الله عليه وآله بالموقف أتاه جبرئيل عن الله تعالى فقال يا محمد إن الله عز وجل يقرئك السلام ويقول لك إنه قد دنا أجلك ومدتك وأنا مسيتقدمك على ما لا بيد منه ولا عنه محيص فاعهد عهدك وقدم وصيتك واعمد إلى ما عندك من العلم وميراث علوم الأنبياء من قبلك والسلاح والتأبوت وجميع ما عندك من آيات الأنبياء فسيلمها إلى وصيتك وخليفتك من بعدك حجتي البالغة على خلقي على بن أبي طالب فأقمه للناس علماً

وَحَدِّدْ عَهْدَهُ وَمِثَاقَهُ وَبَيِّعْتَهُ وَذَكَرْتَهُمْ مَا أَخَذْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْعَتِي وَمِثَاقِي الَّذِي وَاثَقْتَهُمْ بِهِ وَعَهْدِي الَّتِي عَاهَدْتِ إِلَيْهِمْ مِنْ
وَلَمَّا يَهُ وَيَلِي وَ مَوْلَاهُمْ وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنِهِ عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ فَإِنِّي لَمْ أَقْبِضْ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا بَعْدَ إِكْمَالِ دِينِي وَ إِتْمَامِ
نِعْمَتِي بِوَلَايَةِ أَوْلِيَائِي وَ مُعَادَاةِ أَعْدَائِي وَ ذَلِكَ كَمَا تَوْحِيدِي وَ دِينِي وَ إِتْمَامِ نِعْمَتِي عَلَى خَلْقِي بِاتِّبَاعِ وَيَلِي وَ طَاعَتِهِ وَ ذَلِكَ أَنِّي
لَمَّا أَتْرَكَ أَرْضِي بِغَيْرِ قِيمٍ لِيَكُونَ حُجَّةً لِي عَلَى خَلْقِي فَالْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ
دِينًا بُولِي وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنِهِ عَلِيٌّ عَبْدِي وَ وَصِيَّ نَبِيِّ وَ الْخَلِيفَةَ مِنْ بَعْدِهِ وَ حُجَّتِي الْبَالِغَةَ عَلَى خَلْقِي مَقْرُونٍ طَاعَتُهُ بِطَاعَةِ
مُحَمَّدٍ نَبِيِّ وَ مَقْرُونٍ طَاعَتُهُ مَعَ طَاعَةِ مُحَمَّدٍ بِطَاعَتِي مِنْ أَطَاعَةِ فَقْدِ أَطَاعَتِي وَ مِنْ عَصَاةِ فَقْدِ عَصَانِي جَعَلْتُهُ عِلْمًا بَيْنِي وَ بَيْنَ خَلْقِي
مَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَ مَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا وَ مَنْ أَشْرَكَ بِيَعْتَهُ كَانَ مُشْرِكًا وَ مَنْ لَقِنِي بِوَلَايَتِهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ وَ مَنْ لَقِنِي بِعِدَاوَتِهِ
دَخَلَ النَّارَ فَاقِمِ يَا مُحَمَّدُ عَلِيًّا عِلْمًا وَ خُذْ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ وَ حَدِّدْ عَهْدِي وَ مِثَاقِي لَهُمْ الَّذِي وَ اثَقْتَهُمْ عَلَيْهِ فَإِنِّي قَابِضُكَ إِلَيَّ وَ
مُسْتَقْدِمُكَ عَلَيَّ فَخَشِيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَوْمَهُ وَ أَهْلَ النَّفَاقِ وَ الشَّقَاقِ أَنْ يَتَفَرَّقُوا وَ يَزْجِعُوا إِلَى جَاهِلِيَّةٍ لَمَّا عَرَفَ
مِنْ عِدَاوَتِهِمْ وَ لَمَّا تَنَطَّوْا عَلَيْهِ أَنْفُسِهِمْ لِعَلِّيَّ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ مِنْ الْعِدَاوَةِ وَ الْبُغْضَاءِ وَ سَأَلَ جَبْرَيْلُ أَنْ يَسْأَلَ رَبَّهُ الْعِصْمَةَ مِنْ
النَّاسِ وَ انْتَهَرَ أَنْ يَأْتِيَهُ جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْعِصْمَةِ مِنَ النَّاسِ مِنَ اللَّهِ حَيْلَ اسْمِهِ فَأَخَّرَ ذَلِكَ إِلَى أَنْ بَلَغَ مَسْجِدَ الْخَيْفِ فَأَتَاهُ
جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ فَأَمَرَهُ أَنْ يَعْهَدَ عَهْدَهُ وَ يُقِيمَ عَلِيًّا عِلْمًا لِلنَّاسِ وَ لَمْ يَأْتِهِ بِالْعِصْمَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِالَّذِي
أَرَادَ حَتَّى بَلَغَ كُرَاعَ الْغَمِيمِ بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ فَأَتَاهُ جَبْرَيْلُ فَأَمَرَهُ بِالَّذِي أَتَاهُ فِيهِ مِنْ قَبْلِ اللَّهِ وَ لَمْ يَأْتِهِ بِالْعِصْمَةِ فَقَالَ يَا جَبْرَيْلُ إِنِّي
أَخْشَى قَوْمِي أَنْ يُكَذِّبُونِي وَ لَمَّا يَقْبَلُوا قَوْلِي فِي عَلِيٍّ فَرَحِلْ فَلَمَّا بَلَغَ عَدِيرَ حُمِّ قَبْلِ الْجُحْفَةِ بِثَلَاثَةِ أَمْيَالٍ أَتَاهُ جَبْرَيْلُ عَلَى خَمْسِ
سَاعَاتٍ مَضَتْ مِنَ النَّهَارِ بِالزَّجْرِ وَ اللَّانْتِهَارِ وَ الْعِصْمَةِ مِنَ النَّاسِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُقْرِنُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ يَا أَيُّهَا
الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فِي عَلِيٍّ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ وَ كَانَ أَوْلَاهُمْ قَرِيبًا مِنْ
الْجُحْفَةِ فَأَمَرَهُ أَنْ يَرُدَّ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْهُمْ وَ يَحْبِسَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهُمْ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ لِيُقِيمَ عَلِيًّا عِلْمًا لِلنَّاسِ وَ يُبَلِّغَهُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِي
عَلِيٍّ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ أَخْبَرَهُ

أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ عَصَمَهُ مِنَ النَّاسِ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِنْدَ مَا جَاءَتْ الْعِصْمَةَ مُنَادِيًا يُنَادِي فِي النَّاسِ بِالصَّلَاةِ
 جَامِعَةً وَيُرَدُّ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْهُمْ وَيَحْسِبُ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهُمْ وَتَنَحَّى عَنِ يَمِينِ الطَّرِيقِ إِلَى جَنْبِ مَسْجِدِ الْعَدِيرِ أَمْرَهُ بِذَلِكَ جَبْرِيْلُ عَنِ
 اللَّهِ عَزَّ اسْمُهُ وَفِي الْمَوْضِعِ سَلَمَاتٌ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُقَمَّ مَا تَحْتَهُنَّ وَيُنْصَبَ لَهُ أَحْجَارٌ كَهَيْئَةِ الْمُنْبَرِ لِيُشْرِفَ
 عَلَى النَّاسِ فَتَرَاجَعَ النَّاسُ وَاحْتَسِبَ أَوْاخِرُهُمْ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ لَا يَزَالُونَ فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَوْقَ تِلْكَ الْأَحْجَارِ
 ثُمَّ حَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ: فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَدَنَا فِي تَفَرُّدِهِ وَجَلَّ فِي سُلْطَانِهِ وَعَظَمَ فِي أَرْكَانِهِ وَأَحَاطَ بِكُلِّ
 شَيْءٍ عِلْمًا وَهُيَوَ فِي مَكَانِهِ وَقَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَبُرْهَانِهِ مَجِيدًا لَمْ يَزَلْ مَحْمُودًا لَمَّا يَزَالُ يَارِي الْمَسِيئَاتِ وَدَاحِي
 الْمَيْدَحَاتِ وَجَبَّارُ السَّمَاوَاتِ قُدُوسٌ سُبُوحٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ مُتَّفَضِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مَنْ بَرَأَهُ مُتَطَوِّلٌ عَلَى مَنْ أَدْنَاهُ يَلْحَظُ كُلَّ
 عَيْنٍ وَالْعُيُونُ لَمَّا تَرَاهُ كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنَاةٍ قَدَّ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ وَمَنْ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ لَمَّا يَعْرِجُ بِانْتِقَامِهِ وَلَمَّا يِيَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا
 اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ قَدْ فَهِمَ السَّرَائِرَ وَعَلِمَ الضَّمَائِرَ وَ لَمْ تَخْفَ عَلَيْهِ الْمَكُونَاتُ وَ لَأِ اسْتَبْهَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ وَ
 الْعَلْبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَ الْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَ الْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ لَأِ مِثْلُهُ شَيْءٌ وَ هُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لَأِ شَيْءٌ دَائِمٌ قَائِمٌ
 بِالْقَسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ لَأِ يَلْحَقُ أَحَدٌ وَضِيفَهُ مِنْ
 مُعَايِنِهِ وَ لَأِ يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرِّ وَ عَلَانِيَةِ إِلَّا بِمَا دَلَّ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ وَ أَشْهَدُ بِأَنَّهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسُهُ وَ الَّذِي يَغْشَى
 الْأَبَدَ نُورُهُ وَ الَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلَا مُشَاوَرَةٍ مُشِيرٍ وَ لَأِ مَعَهُ شَرِيكٌ فِي تَقْدِيرٍ وَ لَأِ تَفَاوُتٌ فِي تَدْبِيرٍ صَوَّرَ مَا أَبْدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ وَ خَلَقَ
 مَا خَلَقَ بِلَا مَعُونَةٍ مِنْ أَحَدٍ وَ لَأِ تَكْلُفٍ وَ لَأِ احْتِيَالٍ أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ وَ بَرَأَهَا فَبَانَتْ فَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمُتَّقِنُ الصَّنْعَةَ الْحَسَنَ الصَّنِيعَةَ
 الْعَدْلُ الَّذِي لَأِ يَجُورُ وَ الْأَكْرَمُ الَّذِي تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ وَ اسْتَسَلَّمَ
 كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ وَ خَشَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ مَالِكُ الْأَمْلاكِ وَ مُفْلِكُ الْأَفْلاكِ وَ مَسْخِرُ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ كُلُّ يَجْرِي لِأَجْلِ مُسَيَّمِي
 يُكْوَرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَ يُكْوَرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ يَطْلُبُهُ حَيْثَا قَاصِمٌ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ مُهْلِكُ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ ضِدٌّ وَ لَأِ
 نَدَّ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ

وَلَمْ يُوَلِّدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا أَحَدٌ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَرَبُّ مَا جِدَّ بِشَاءَ فَيَمْضِي وَيُرِيدُ فَيَقْضِي وَيَعْلَمُ فَيُخَصِّصِي وَيَمِيتُ وَيُحْيِي وَيُفْقِرُ وَيُغْنِي وَيُضْحِكُ وَيُبْكِي وَيُدْنِي وَيُبْعِدُ وَيَمْنَعُ وَيُثْرِي لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ مُجِيبُ الدُّعَاءِ وَ مُجْزِلُ الْعَطَاءِ مُحْصِي الْأَنْفَاسِ وَ رَبُّ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ لَا يُشْكِلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَ لَا يُضْجِرُهُ صُرَاخُ الْمُسْتَضْرِحِينَ وَ لَا يُبْرِئُهُ إِلَّاحُاحُ الْمَلْحِينِ الْعَاصِمِ لِلصَّالِحِينَ وَ الْمُؤَفَّقِ لِلْمُفْلِحِينَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ رَبُّ الْعَالَمِينَ الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَ يَحْمَدَهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ أَوْ مِنْ بِهِ وَ بِمَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ أَسْمِعْ أَمْرَهُ وَ أَطِيعْ وَ أَبَادِرْ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ وَ اسْتَسْلِمْ لِمَا قَضَاهُ رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَ خَوْفًا مِنْ عِقَابِهِ لِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمَنُ مَكْرَهُ وَ لَا يُخَافُ جَوْرَهُ أَقْرَبُ لَهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَ أَشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَ أُوَدِّي مَا أَوْحَى إِلَيَّ حَيْدَرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَحَلَّ بِى مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَ إِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِأَنَّهُ قَدْ عَلَّمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أَبْلُغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ قَدْ ضَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْعِصْمَةَ وَ هُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ فَأَوْحَى إِلَيَّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِيكَ مِنَ النَّاسِ مَعَاشِرَةَ النَّاسِ مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أَنْزَلَهُ إِلَيَّ وَ أَنَا مُبَيِّنٌ لَكُمْ سَبَبَ هَذِهِ الْآيَةِ إِنْ جَبْرَائِيلَ هَبَطَ إِلَيَّ مَرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي وَ هُوَ السَّلَامُ أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأَعْلِمَ كُلَّ أَيْضَ وَ أَسْوَدَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيَّ وَ خَلِيفَتِي وَ الْإِمَامَ مِنْ بَعْدِي الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَ هُوَ وَثِيكُكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَ رَسُولُهُ وَ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيَّ بِمِثْلِ آيَةِ مِنْ كِتَابِهِ إِنَّمَا وَثِيكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ هُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ وَ سَأَلْتُ جَبْرَائِيلَ أَنْ يَسْتَعْفِفِي لِي عَيْنَ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ لِعِلْمِي بِقَلْبِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَ كَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَ أَدْعَالِ الْأَثِمِينَ وَ خُتْلِ الْمُسِيئِينَ بِالْإِسْلَامِ الَّذِينَ وَصَّ فَهَمُّ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِالسَّنْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ يَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ وَ كَثْرَةِ أَذَاهُمْ لِي غَيْرِ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَّوْنِي أَدْنًا وَ زَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكُ لِكَثْرَةِ مَلَاذِمَتِهِ إِبَائِي وَ إِقْبَالِي عَلَيْهِ حَتَّى أَنْزَلَ

اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي ذَلِكِ وَ مِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ أَدْنَىٰ قُلْ أَذُنٌ قُلْتُ أَذُنٌ عَلَىٰ الَّذِينَ يَرْعَمُونَ أَنَّهُ أَذُنٌ خَيْرٌ لَكُمْ أَلَمَّا يَهُ وَ لَوْ
شِئْتُ أَنْ أَسْمِيَ الْقَائِلِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ وَأَنْ أُوْمِي إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لَأُوْمَأْتُ وَأَنْ أَدُلَّ عَلَيْهِمْ لَمَدَلْتُ وَ لَكِنِّي وَ اللَّهُ فِي
أُمُورِهِمْ قَدْ تَكَرَّمْتُ وَ كَمَلْتُ ذَلِكُ لَمَّا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ ثُمَّ تَلَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا
أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فِي عَلِيٍّ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِيكَ مِنَ النَّاسِ فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ
لَكُمْ وَلِيًّا وَ إِمَامًا مُفْتَرَضَةً طَاعَتُهُ عَلَى الْمُتَهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ عَلَى التَّابِعِينَ بِإِحْسَانٍ وَ عَلَى الْبَادِي وَ الْحَاضِرِ وَ عَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَ
الْعَرَبِيِّ وَ الْحُرِّ وَ الْمَمْلُوكِ وَ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ وَ عَلَى الْأَبْيَضِ وَ الْأَسْوَدِ وَ عَلَى كُلِّ مَوْحِدٍ مَاضٍ حُكْمُهُ جَائِزٌ قَوْلُهُ نَافِذٌ أَمْرُهُ مَلْعُونٌ
مَنْ خَالَفَهُ مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَ مَنْ صَدَّقَهُ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ لِمَنْ سَجَّعَ مِنْهُ وَ أَطَاعَ لَهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا
الْمَشْهَدِ فَاسْتَجْمِعُوا وَ أَطِيعُوا وَ انْقَادُوا لِأَمْرِ رَبِّكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ هُوَ وَلِيُّكُمْ وَ إِلَهُكُمْ ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُكُمْ مُحَمَّدٌ وَلِيُّكُمْ وَ الْقَائِمُ
الْمُخَاطَبُ لَكُمْ ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيُّكُمْ وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ عَزَّ اسْمُهُ وَ
رَسُولُهُ لَمَّا حَلَمَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَ لَمَّا حَرَّمَ إِلَّا مَا حَرَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ اسْمُهُ وَ الْحَرَامُ وَ الْحَرَامُ وَ أَنَا أَفْضَيْتُ بِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَ
حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ إِلَيْهِ مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَ قَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ وَ كُلَّ عِلْمٍ عَلَّمْتُهُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا
وَ قَدْ عَلَّمْتُهُ عَلَيًّا وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تَضَلُّوا عَنْهُ وَ لَا تَنْفَرُوا مِنْهُ وَ لَا تَسْتَنْكِفُوا مِنْ وَلَايَتِهِ فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَ
يَعْمَلُ بِهِ وَ يُرْهِقُ الْبَاطِلَ وَ يَنْهَى عَنْهُ وَ لَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمَةٌ ثُمَّ إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ الَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله بِنَفْسِهِ وَ الَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَ لَا أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضَلُّوهُ فَقَدْ فَضَلَّهُ
اللَّهُ وَ أَقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَ لَمَّا يَتَهُ وَ لَنْ يَغْفِرَ لَهُ حَتْمًا عَلَى اللَّهِ أَنْ
يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ وَ أَنْ يَعْبُدَهُ عِزَابًا نَكْرًا أَبَدَ الْأَبَدِ وَ دَهْرَ الدُّهُورِ فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوا فَتَصِلُوا نَارًا وَ قُودَهَا النَّاسُ وَ
الْحِجَارَةُ أَعَدَّتْ لِلْكَافِرِينَ أَيُّهَا النَّاسُ بِي وَ اللَّهُ بَشَرٌ الْأَوَّلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَنَا خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْحُجَّةُ عَلَى

جَمِيعِ

الْمَخْلُوقِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَنْ فَمَنْ شَكَ فِي ذَلِكَ فَهُوَ كَافِرٌ كَفَرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَمَنْ شَكَ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا
 فَقَدْ شَكَ فِي الْكُلِّ مِنْهُ وَالشَّاكُّ فِي ذَلِكَ فَلَهُ النَّارُ مَعَاشِرَ النَّاسِ حَبَانِي اللَّهُ بِهِذِهِ الْفَضِيلَةَ مَنَّا مِنْهُ عَلَيَّ وَإِحْسَانًا مِنْهُ إِلَيَّ وَلَا إِلَهَ
 إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ مِنْى أَبَدِ الْأَيَّدِينَ وَدَهْرَ الدَّاهِرِينَ عَلَى كُلِّ حَالٍ مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضَلُّوا عَلَيًّا فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى
 بِنَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُؤَافِقْهُ إِلَّا أَنْ جَبْرِئِيلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى
 بِعَدْلِكَ وَيَقُولُ مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَغَضَبِي فَ لِنْتَظُرْ نَفْسُ مَا قَدَمْتَ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَزَلَ قَدَمُ بَعْدَ
 ثُبُوتِهَا إِنَّ اللَّهَ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ جَنَّبَ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ فِي كِتَابِهِ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ مَعَاشِرَ النَّاسِ
 تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَفَهَّمُوا آيَاتِهِ وَانظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَلَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَلَا يُوضِّحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا
 الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَمُضِيءٌ عِندَهُ إِلَيَّ وَشَائِلٌ بِعَضِدِهِ وَمُعَلِّمُكُمْ أَنْ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَهُوَ عَلِيٌّ بِنُ أَبِي طَالِبٍ أَحِي وَ
 وَصِيٌّ وَمُؤَلَّاتُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ وَالْقُرْآنُ هُوَ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ
 وَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُنَّ عَنِ صَاحِبِهِ وَمُؤَافِقٌ لَهُ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ إِلَّا إِنَّهُمْ أَمَنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَحُكْمَاؤُهُ فِي أَرْضِهِ إِلَّا وَ
 قَدْ أَدَيْتُ إِلَّا وَقَدْ بَلَّغْتُ إِلَّا وَقَدْ أَسَمَعْتُ إِلَّا وَقَدْ أَوْضَحْتُ إِلَّا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ وَ أَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا إِنَّهُ لَيْسَ
 أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أَحِي هَذَا وَلَا تَحِلُّ إِمْرُهُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى عَضِدِهِ فَرَفَعَهُ وَكَانَ مِنْذُ أَوَّلِ مَا صَبَّحَ
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دَرَجَةً دُونَ مَقَامِهِ فَبَسَطَ يَدَهُ نَحْوَ وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَشَالَ عَلِيًّا حَتَّى صَارَتْ
 رِجْلُهُ مَعَ رُكْبَتَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ قَالَ مَعَاشِرَ النَّاسِ هَذَا عَلِيٌّ أَحِي وَوَصِيٌّ وَوَعِيٌّ عِلْمِي وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي وَ
 عَلَيَّ تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالدَّاعِي إِلَيْهِ وَالْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ وَالْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ وَالْمُؤَالِي عَلَى طَاعَتِهِ وَالنَّاهِي عَنِ مَعْصِيَتِهِ
 خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِمَامُ الْهَادِي وَقَاتِلُ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ أَقُولُ مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلَ لَعْدَى بِأَمْرِ
 رَبِّي أَقُولُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَالْعَنْ مَنْ أَنْكَرَهُ وَاعْضَبْ عَلَيَّ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ أَنَّ الْإِمَامَةَ
 لِعَلِيٍّ وَلِيَّكَ عِنْدَ تَبْيَانِي ذَلِكَ

عَلَيْهِمْ وَ نَصِيْبِي اِِبَاهُ بِمَا اُكْمَلْت لِعِيَادِكْ مِنْ دِيْنِهِمْ وَ اَتَمَمْت عَلَيْهِمْ نِعْمَتِكَ وَ رَضِيْت لَهُمْ الْاِسْلَامَ دِيْنًا فَقُلْت وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْاِسْلَامِ دِيْنًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَشْهَدُكَ اَنِّيْ قَدْ بَلَّغْتُ مَعَاشِرَ النَّاسِ اِنَّمَا اُكْمَلَ اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ دِيْنَكُمْ بِاِيْمَانِيَّتِهِ فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَ بِمَنْ يَقُوْمُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِيْ مِنْ صُلْبِيْهِ اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَ الْعَرْضِ عَلٰى اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَ اَوْلِيْكِكَ حَرِيْطَ اَعْمَالِهِمْ وَ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُوْنَ لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ لَا هُمْ يُنظَرُوْنَ مَعَاشِرَ النَّاسِ هَذَا عَلَيَّ اَنْصُرْكُمْ لِيْ وَ اَحَقُّكُمْ بِيْ وَ اَقْرَبُكُمْ اِلَيَّ وَ اَعَزُّكُمْ عَلَيَّ وَ اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اَنَا عَنْهُ رٰضِيَةٌ بِاِيْنٍ وَ مَا نَزَلَتْ آيَةٌ رَضِيَ اِلَّا فِيْهِ وَ مَا خَاطَبَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِلَّا بِدَا بِيْهِ وَ لَا نَزَلَتْ آيَةٌ مِّدْحٍ فِي الْقُرْآنِ اِلَّا فِيْهِ وَ لَا شَهِدَ اللّٰهُ بِالْجَنَّةِ فِيْ هَلْ اُنِيَ عَلٰى الْاِنْسَانِ اِلَّا لَهُ وَ لَا اَنْزَلَهَا فِيْ سِوَاهُ وَ لَا مِيْدَحٍ بِهَا غَيْرُهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ هُوَ نَاصِرٌ دِيْنِ اللّٰهِ وَ الْمُحْرِمِ اِدُلْ عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ وَ هُوَ التَّقِيُّ النَّقِيُّ وَ الْهٰدِي الْمُهَيْدِي نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَ وَصِيُّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ وَ بُنُوهُ خَيْرُ الْاَوْصِيَاءِ مَعَاشِرَ النَّاسِ ذُرِّيَّتُهُ كُلُّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِيْهِ وَ ذُرِّيَّتِيْ مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ مَعَاشِرَ النَّاسِ اِنَّ اِبْلِيسَ اَخْرَجَ اٰدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ فَلَا تَحْسُدُوْهُ فَتَحْبِطَ اَعْمَالُكُمْ وَ تَزَلَّ اَقْدَامُكُمْ فَاِنَّ اٰدَمَ اُهْبِطَ اِلَى الْاَرْضِ بِخَطِيْئِهِ وَاحِدًا وَ هُوَ صِفُوْهُ اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَيْفَ بِكُمْ وَ اَنْتُمْ اَنْتُمْ وَ مِنْكُمْ اَعْدَاءُ اللّٰهِ اَلَا اِنَّهُ لَا يُبْغِضُ عَلِيًّا اِلَّا شَقِيًّا وَ لَا يَتَوَالِيْ عَلِيًّا اِلَّا تَقِيًّا وَ لَا يُؤْمِنُ بِهِ اِلَّا مُؤْمِنٌ مُّخْلِصٌ فِيْ عَلِيٍّ وَ اللّٰهُ نَزَلَتْ سُوْرَةُ الْعَصْرِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ وَ الْعَصْرِ اِلَى اٰخِرِهَا مَعَاشِرَ النَّاسِ قَدْ اَشْهَدْتُ اللّٰهُ وَ بَلَّغْتُكُمْ رِسَالَتِيْ وَ مَا عَلٰى الرَّسُوْلِ اِلَّا الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ مَعَاشِرَ النَّاسِ اتَّقُوا اللّٰهُ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوْتُنَّ اِلَّا وَ اَنْتُمْ مُّسْلِمُوْنَ: مَعَاشِرَ النَّاسِ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَ رَسُوْلِهِ وَ النُّوْرِ الَّذِيْ اُنزِلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ اَنْ نَطْمِسَ وُجُوْهَاً فَنَرُدَّهَا عَلٰى اٰذْبَارِهَا مَعَاشِرَ النَّاسِ النُّوْرُ مِنَ اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِيَّ مَسْلُوْكٌ ثُمَّ فِيْ عَلِيٍّ ثُمَّ فِيْ النَّسْلِ مِنْهُ اِلَى الْقَائِمِ الْمُهَيْدِي الَّذِيْ يَأْخُذُ بِحَقِّ اللّٰهِ وَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا لِاَنَّ اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلٰى الْمُقْصِرِيْنَ وَ الْمَعٰزِيْدِيْنَ وَ الْمُخٰلِفِيْنَ وَ الْخٰثِنِيْنَ وَ الْاٰثِمِيْنَ وَ الظّٰلِمِيْنَ وَ الْعٰصِيِيْنَ مِنْ جَمِيْعِ الْعٰلَمِيْنَ مَعَاشِرَ النَّاسِ اُنذِرْكُمْ اَنِّيْ رَسُوْلُ اللّٰهِ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِيْ الرُّسُلُ اَفَاَنْ مِتُّ اَوْ قُتِلْتُ اِنْقَلَبْتُمْ عَلٰى اَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلٰى عَقْبِيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللّٰهُ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللّٰهُ الشّٰكِرِيْنَ اَلَا وَ اِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوْفُ بِالصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدِيْ مِنْ صُلْبِيْهِ مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تَمُنُّوْا عَلٰى اللّٰهِ اِسْلَامَكُمْ فَيَسْخَطَ عَلَيْكُمْ فَيُصِيبِكُمْ

بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ إِنَّهُ لَبَالِمِزْصَادِ مَعَاشِرِ النَّاسِ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصِرُونَ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ وَ أَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُم مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُمْ وَ أَنْصَارَهُمْ وَ أَشْيَاعَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَ لَيْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ إِلَّا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ فَلْيُنظُرْ أَحَدُكُمْ فِي صَاحِفَتِهِ قَالَ فَذَهَبَ عَلَى النَّاسِ إِلَّا شَرِذْمَةً مِنْهُمْ أَمْرُ الصَّحِيفَةِ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَ وَرَائَهُ فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ قَدْ بَلَغْتَ مَا أَمَرْتُ بِتَلْيِغِهِ حُجَّةً عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ وَ لِدْ أَوْ لَمْ يُولَدْ فَلْيَبْلِغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سَيَجْعَلُونَهَا مُلْكًا وَ اغْتِصَابًا أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ وَ الْمُعْتَصِبِينَ وَ عِنْدَهَا سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهُ الثَّقَلَانِ فَ يُرْسَلُ عَلَيْكُمْ شَوَاطِءٌ مِنْ نَارٍ وَ نُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَكُنْ يَذُرُّكُمْ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ مَا مِنْ قَوْمٍ إِلَّا وَ اللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكَذِيبِهَا وَ كَذَلِكَ يُهْلِكُ الْقُرَى وَ هِيَ ظَالِمَةٌ كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى وَ هَذَا إِمَامُكُمْ وَ وَلِيِّكُمْ وَ هُوَ مَوَاعِيدُ اللَّهِ وَ اللَّهُ يَضِيقُ وَ عُدَّةَ مَعَاشِرِ النَّاسِ قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ وَ اللَّهُ قَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ وَ هُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَ نَهَانِي وَ قَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَ نَهَيْتُهُ فَعَلِمَ الْأَمْرَ وَ النَّهْيَ مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَاسْتَمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسَلَّمُوا وَ أَطِيعُوا تَهْتَدُوا وَ انْتَهَوْا لِنَهْيِهِ تَرْشُدُوا وَ صَيِّرُوا إِلَى مُرَادِهِ وَ لَا تَتَفَرَّقُ بِكُمْ السُّبُلُ عَنْ سَبِيلِهِ مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرْتُكُمْ بِاتِّبَاعِهِ ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي ثُمَّ وَ لَدِي مِنْ صُلْبِهِ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ ثُمَّ قَرَأَ صَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ إِلَى آخِرِهَا وَ قَالَ فِي نَزَلَتْ وَ فِيهِمْ نَزَلَتْ وَ لَهُمْ عَمَّتْ وَ إِيَّاهُمْ خَصَّتْ أَوْلِيَاءُكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ أَلَا- إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ الْغَالِبُونَ أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَ عَلِيٍّ هُمُ أَهْلُ الشَّقَاقِ الْعَادُونَ وَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ الَّذِينَ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُؤَادُونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِلَى آخِرِ الْمَآئِهِ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ وَصَّاهُمْ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أَوْلِيَاءُكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمُ مُهْتَدُونَ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ آمِنِينَ وَ تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ بِالتَّسْلِيمِ أَنْ طَبَّتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ

الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ... بغيرِ حسابٍ أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ يَصْلَحُونَ سَعِيرًا أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَجَّتِهِمْ
 شَهيقًا وَهِيَ تَفُورُ وَلَهَا زَفِيرٌ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّهُ لَعَنَتْ أُخْتَهَا أَلَمَا إِنَّ أَعْدَاءَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتَهُمْ
 خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ إِلَى قَوْلِهِ فَسَيَحِقُّ لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ
 مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ مَعَاشِرَ النَّاسِ شَتَانٌ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْجَنَّةِ فَعِدُّونَا مَنْ ذَمَّهُ اللَّهُ وَلَعَنَهُ وَوَلَّيْنَا مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ وَأَحَبَّهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ
 أَلَا وَإِنِّي مُنذِرٌ وَعَلَيْ هَادِ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلَيْ وَصِيْبِي أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ أَلَا
 إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَهَادِمُهَا أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشُّرْكِ أَلَا إِنَّهُ المُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ
 عَزَّ وَجَلَّ أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ أَلَا إِنَّهُ العَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ أَلَا إِنَّهُ قَسِيمٌ كُلُّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلُّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ أَلَا إِنَّهُ
 خَيْرُهُ اللَّهُ وَاللَّهُ مُخْتَارُهُ أَلَمَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ بِهِ أَلَمَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمُنْتَبَهُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ
 السَّيِّدُ أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا
 عِنْدَهُ أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ أَلَا وَ إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ مَعَاشِرَ النَّاسِ قَدْ
 بَيَّنْتُ لَكُمْ وَ أَفْهَمْتُكُمْ وَ هَذَا عَلَيُّ يُفْهِمُكُمْ بَعْدِي أَلَمَا وَ إِنَّ عِنْدَ انْقِضَاءِ حُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَ الْإِقْرَارِ بِهِ ثُمَّ
 مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي أَلَا إِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَ عَلَيٌّ قَدْ بَايَعَنِي وَ أَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ
 الْآيَةَ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ الْحَجَّ وَ العُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتِ أَوْ اعْتَمَرَ الْآيَةَ مَعَاشِرَ النَّاسِ حُجُّوا الْبَيْتَ فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتِ إِلَّا
 اسْتَبَغَوْا وَ لَمَّا تَخَلَّفُوا عَنْهُ إِلَّا افْتَقَرُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا وَقَفَ بِالمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَقْتِهِ ذَلِكَ فَإِذَا
 انْقَضَتْ حُجَّتُهُ اسْتَوْنَفَ عَلَيْهِ عَمَلُهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ الْحُجَّاجُ مُعَانُونَ وَ نَفَقَاتُهُمْ مُخْلَفَةٌ وَ اللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ مَعَاشِرَ النَّاسِ حُجُّوا
 الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَنْصِرُوا عَنِ المَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبِهِ وَ إِقْلَاعِ مَعَاشِرَ النَّاسِ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ
 عَزَّ وَجَلَّ لِيُنْ طَالَ عَلَيْكُمْ الْأَمَدُ فَقَصَّوْهُمُ أَوْ نَسِيْتُمْ فَعَلِيٌّ وَ لِيَكُمْ وَ يُبَيِّنُ لَكُمْ الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بَعْدِي وَ مَنْ خَلَقَهُ اللَّهُ

مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُ يُخْبِرُكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ وَ يُبَيِّنُ لَكُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُونَ أَلَمْآ إِنَّ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ أَكْثَرَ مِنْ أَن أَحْصِيَهُمَا وَ أَعْرَفَهُمَا فَأَمَرَ
بِالْحَلَالِ وَ أَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ فَأَمَرْتُ أَن آخِذَ الْبَيْعَةَ عَلَيْكُمْ وَ الصَّفَقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي
عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ أَيْمَةٌ قَائِمُهُمْ فِيهِمْ الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ الَّذِي يَقْضِي بِالْحَقِّ مَعَاشِرَ
النَّاسِ وَ كُلُّ حَلَالٍ دَلَلْتُكُمْ عَلَيْهِ وَ كُلُّ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَ لَمْ أَبَدِّلْ أَلَّا فَادُّرُوا ذَلِكَ وَ أَحْفَظُوهُ وَ تَوَاصَوْا
بِهِ وَ لَمْآ تُبَدِّلُوهُ وَ لَمْآ تُغَيِّرُوهُ أَلَمْآ وَ إِنِّي أُحَدِّدُ الْقَوْلَ أَلَمْآ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ أَلَّا وَ إِن
رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَن تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَ تَبْلُغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْهُ تَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ وَ تَنْهَوُهُ عَنْ مُخَالَفَتِهِ فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ
مِنِّي وَ لَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ مَعَاشِرَ النَّاسِ الْقُرْآنَ يُعَرِّفُكُمْ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدُهُ وَ عَرَفْتُمْ أَنَّهُمْ
مِنِّي وَ مِنْهُ حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ وَ قُلْتُ لَنْ تَضِلُّوا مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا مَعَاشِرَ النَّاسِ التَّقْوَى التَّقْوَى وَ
أَحِذُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِن زَلْزَلَهُ السَّاعَةَ شَيْءٌ عَظِيمٌ اذْكُرُوا الْمَمَاتَ وَ الْحِسَابَ وَ الْمَوَازِينَ وَ الْمَحَاسِبَ بِهِ بَيْنَ يَدَيِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الثَّوَابَ وَ الْعِقَابَ وَ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أَثِيبَ وَ مَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَانِ نَصِيبٌ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّكُمْ أَكْثَرُ
مِنْ أَن تُضَيِّفُونِي بِكَفِّ وَاحِدِهِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ وَ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَن آخِذَ مِنْ أَلْسِنَتِكُمْ الْإِقْرَارَ بِمَا عَقَدْتُمْ لِعَلِيٍّ مِنْ أَمْرِهِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَئِمَّةِ مِنِّي وَ مِنْهُ عَلِيٌّ مَا أَعْلَمْتُمْ أَن ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ
مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنَا وَ رَبِّكَ فِي أَمْرٍ عَلِيٍّ وَ أَمْرٍ وُلْدِهِ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَئِمَّةِ تُبَايِعُكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ
أَيْدِينَا عَلَى ذَلِكَ نَحْيًا وَ نَمُوتُ وَ نُبْعَثُ لَا نَغْيِيرُ وَلَا نُبَدِّلُ وَ لَا نَشْكُ وَ لَا نَزْتَابُ وَ لَا نَرْجِعُ عَنْ عَهْدٍ وَ لَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ وَ نَطِيعُ اللَّهَ
وَ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ وُلْدَهُ الْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ صُلْبِهِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ قَدْ عَرَفْتُمْ مَكَانَهُمَا مِنِّي وَ
مَحَلَّهُمَا عِنْدِي وَ مَنْزِلَتَهُمَا مِنْ رَبِّي فَقَدْ أَدَيْتُ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ فَإِنَّهُمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ إِنَّهُمَا الْإِمَامَانِ بَعِيدَ أَبِيهِمَا عَلِيٍّ وَ أَنَا
أَبُوهُمَا قَبْلَهُ فَقُولُوا أَطَعْنَا اللَّهَ بِذَلِكَ وَ إِيَّاكَ وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُمْ عَهْدًا وَ مِيثَاقًا مَأْخُودًا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
مِنْ قُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ

مُصَافَقَهُ أَيُّدِينَا مَنْ أَدْرَكَهُمَا بِيَدِهِ وَ أَقْرَبَهُمَا بِلِسَانِهِ لَا نَبْتَغِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَ لَا نَرَى مِنْ أَنْفُسِنَا عَنْهُ حَوْلًا أَبَدًا نَحْنُ نُؤَدِّي ذَلِكَ عَنْكَ
الدَّانِي وَ الْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَ أَهَالِينَا أَشْهَدْنَا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَ أَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ وَ كُلُّ مَنْ أَطَاعَ مِمَّنْ ظَهَرَ وَ اسْتَيْتَرَ وَ
مَلَأْنَاكَ اللَّهَ وَ جُنُودَهُ وَ عَبِيدَهُ وَ اللَّهَ أَكْبَرُ مِنْ كُلِّ شَهِيدٍ مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا تَقُولُونَ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَ خَافِيَهُ كُلَّ نَفْسٍ فَمَنْ
اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَ مَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيُّدِيهِمْ مَعَاشِرَ النَّاسِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ بَايِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَيْمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كَلِمَةً طَيِّبَةً بَاقِيَهُ يُهْلِكُكَ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَ يَرْحَمُ مَنْ وَفَى فَمَنْ
نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ الْآيَةَ مَعَاشِرَ النَّاسِ قُولُوا الَّذِي قُلْتُمْ لَكُمْ وَ سَلِّمُوا عَلَيَّ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قُولُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ
إِلَيْكَ الْمَصِيرُ وَ قُولُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيٍّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ
عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أُحْصِيَ بِهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَ عَرَفَهَا فَصَدَّقُوهُ مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ
يُطِيعَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ عَلِيًّا وَ الْمَائِمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا مَعَاشِرَ النَّاسِ السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَ مَوَالِيهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ
بِأَمْرِهِ الْمُؤْمِنِينَ أَوْلِيَّكَ الْفَائِزُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ مَعَاشِرَ النَّاسِ قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي
الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ تَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ أَعْطِبْ عَلَى الْكَافِرِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَنادتُهُ الْقَوْمُ نَعَمْ سَمِعْنَا وَ
أَطَعْنَا أَمْرَ اللَّهِ وَ أَمْرَ رَسُولِهِ بِقُلُوبِنَا وَ أَلْسِنَتِنَا وَ أَيُّدِينَا وَ تَدَاكُؤَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ
صَافَقُوا بِأَيُّدِيهِمْ فَكَانَ أَوَّلُ مَنْ صَافَقَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الْأَوَّلُ وَ الثَّانِي وَ الثَّلَاثُ وَ الرَّابِعُ وَ الْخَامِسُ عَلَيْهِمْ مَا عَلَيْهِمْ وَ
بَاقِي الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ بَاقِي النَّاسِ عَنْ آخِرِهِمْ عَلَى قَدْرِ مَنَازِلِهِمْ إِلَى أَنْ صُمِّلَتِ الظُّهُرُ وَ الْعَصِيرُ فِي وَقْتِ وَاحِدٍ وَ الْمَغْرِبُ وَ
الْعِشَاءُ الْمَآخِرَةُ فِي وَقْتِ وَاحِدٍ وَ أَوْصَلُوا الْبَيْعَةَ وَ الْمُصَافَقَةَ ثَلَاثًا وَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ كُلَّمَا بَايَعَ قَوْمٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى جَمِيعِ الْعَالَمِينَ وَ صَارَتْ الْمُصَافَقَةُ سُنَّةً وَ رَسْمًا يَسْتَعْمَلُهَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَقٌّ فِيهَا.

الشیخ الطبرسی، قال: رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ: لَمَّا فَرَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ هَذِهِ الْخُطْبَةِ رُئِيَ فِي النَّاسِ رَجُلٌ جَمِيلٌ بَهِيئُ طَيْبِ الرِّيحِ فَقَالَ تَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ كَالْيَوْمِ قَطُّ مَا أَشَدَّ مَا يُؤَكِّدُ لِابْنِ عَمِّهِ وَ إِنَّهُ لَعَقَدَ لَهُ عَقْدًا لَا يَحُلُّهُ إِلَّا كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِرَسُولِهِ الْكَرِيمِ وَيُلُّ طَوِيلٌ لِمَنْ حَلَّ عَقْدَهُ قَالَ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِ عُمَرُ حِينَ سَمِعَ كَلَامَهُ فَأَعَجَبْتُهُ هَيْئَتُهُ ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ قَالَ أَمَا سَمِعْتَ مَا قَالَ هَذَا الرَّجُلُ كَذَا وَ كَذَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا عُمَرُ أَ تَدْرِي مَنْ ذَلِكَ الرَّجُلُ قَالَ لَا قَالَ ذَلِكَ الرُّوحُ الْأَمِينُ جِبْرِئِيلُ فَإِيَّاكَ أَنْ تَحُلَّهُ فَإِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ فَاللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ مَلَائِكَتُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ مِنْكَ بُرَاءٌ. (١)

مرحوم شیخ طبرسی، با سند خویش از علقمه بن محمد حضر می از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله از مدینه به حج رفت، زیرا همه احکام غیر از حج و ولایت را به قوم خود تعلیم داده بود، از این رو جبرئیل علیه السلام نزد وی آمده و گفت: یا محمد، خداوند که نامش شکوهمند باد سلامتانی می کند و می گوید: من هیچ نبی یا رسولی از انبیا و رسل خود قبض را روح ننموده ام مگر اینکه دین خود را کامل و حجت خویش را تأکید کرده باشم، و بر تو انجام دو فریضه باقی مانده است که قوم تو نیازمند ابلاغ آن هستند: فریضه حج و فریضه ولایت و خلافت پس از خودت، زیرا من هرگز زمین را از حجت خالی نمی گذارم؛ بنابراین خداوند جلّ ثنائه تو را فرمان می دهد که احکام حج را به قومت ابلاغ کنی و حج بگزاری و هر که از شهرها و اطراف و اعراب که استطاعت آن را دارد، با تو حج بگذارد، حج گزاردن را به ایشان بیاموزی، همان طور که نماز و زکات و روزه شان را به آنان تعلیم دادی و ایشان را بر این احکام واقف و آگاه گردانی، همان طور که آنان را بر احکام فرایض پیشین که به ایشان ابلاغ کرده ای، واقف گردانیدی.

پس منادی رسول الله صلی الله علیه و آله در میان مردم ندا در داد: هان که رسول الله صلی الله علیه و آله قصد حج دارد تا اعمال و مراسم آن را به شما بیاموزد، همان طور که دیگر احکام دین تان را به شما آموخت، و شما را بر این احکام واقف و آگاه گرداند، همان طور که از پیش بر دیگر احکام آگاه گردانیده است. پس رسول الله صلی الله علیه و آله بیرون شده و مردم نیز با وی بیرون آمده و به وی گوش سپردند تا ببینند چه

ص: ۳۹۲

می کند و آن ها نیز همان کنند که او انجام می دهد؛ پس آن حضرت با ایشان حج گزارد و تعداد کسانی که با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مدینه و اطراف آن و اعراب حج گزاردند، نزدیک به هفتاد هزار انسان یا بیشتر بودند، به شمار همراهان موسی علیه السلام که از ایشان برای هارون بیعت گرفت لیکن آن ها پیمان شکنی کرده و پیرو سامری و گوساله پرست شدند؛ رسول الله صلی الله علیه و آله به همان شکل از هفتاد هزار نفر برای خلافت علی صلوات الله علیه بیعت گرفت، اما آنان نیز به پیروی از قوم موسی علیه السلام و سنتی که وضع کردند اقتدا نموده، بیعت شکنی کردند. و تلبیه گفتن و احرام بستن، از مدینه تا مکه پیوسته بود.

و چون رسول الله صلی الله علیه و آله در عرفات وقوف نمود، جبرئیل از جانب خدای متعال نزد وی آمده و گفت: یا محمد، خدای عزوجل تو را سلام می رساند و به تو می گوید که مرگت نزدیک گشته و عمرت در حال به سر آمدن است و من تو را به سوی چیزی که گریزی از آن نیست می برم، اکنون پیمان خویش را ببند و وصیت خود را فراهم کن و آنچه از علوم و میراث علوم انبیای پیشین نزد توست، از سلاح و تابوت و هر چه نزد تو از آیات انبیا هست، به وصی و خلیفه بعد از خودت بسپار که او حجّت بالغه من بر مردم، حضرت علی بن ابی طالب صلوات الله علیه است؛ پس او را به این سمت بر مردم منصوب کن و عهد و پیمان و میثاق و بیعتش را تجدید کن و به آنان یادآوری کن که چه عهد و پیمانی از ایشان گرفته ام که باید ولایت ولی مرا پذیرفته، دوستش بدارند و بدانند که مولای ایشان و مولای هر مرد و زن مؤمنی، حضرت علی بن ابی طالب صلوات الله علیه است؛ زیرا من هیچ یک از پیامبران را قبض روح نکرده ام مگر اینکه دین خود را کامل کرده باشم و نعمت خود را با ولایت اولیای خویش و دشمنی با دشمنانم تمام کرده باشم، و این موضوع بستگی به کمال توحید و دین و اتمام نعمت من بر خلق دارد و باید از ولی من پیروی نموده و اطاعتش نمایند، زیرا من نمی گذارم زمینم بدون قیم بماند تا حجّت من بر خلق من باشد. از این رو امروز دین تان را برای تان کامل کرده و نعمتم را بر شما تمام نمودم و دین اسلام را برای شما برگزیدم، البته با ولایت ولی من و مولای هر مرد و زن مؤمنی، علی، بنده و وصی نبی من و خلیفه من پس از او و حجّت بالغه من بر خلقم. اطاعت از او اطاعت از محمد نبی من است و اطاعت از او و محمد، همانند اطاعت از من است؛ پس هر کس از او اطاعت کند، از من اطاعت کرده است و هر کس از فرمان وی سر بیچد، مرا نافرمانی کرده است. من او را نشانه ای میان خود و خلق خویش قرار داده ام. هر کس او را بشناسد مؤمن و آن که انکارش کند، کافر است.

هر کس به بیعت او شرک ورزد، مشرک است و هر کس با ولایت علی به دیدار من آید، به بهشت وارد می شود و آنکس با دشمنی با علی به دیدار من آید، وارد دوزخ گردد. پس ای محمد، علی را به ولایت منصوب کن و از مردم برای وی بیعت بگیر و عهد و میثاق مرا که از ایشان گرفته ام، به خاطرشان بیاور که من تو را به سوی خویش خواهم آورد.

اما رسول الله صلی الله علیه و آله از قوم خود و اهل نفاق و تفرقه افکنی ترسید که پراکنده گشته و به دوره جاهلیت برگردند، زیرا آن حضرت می دانست که این جماعت تا چه حد با علی صلوات الله علیه دشمنی دارند و کینه وی را به دل گرفته اند. از این رو از جبرئیل علیه السلام خواست از پروردگارش برای وی در قبال مردم امان درخواست نماید و منتظر ماند تا جبرئیل اجابت این خواسته را از جانب پروردگار به وی ابلاغ نماید، لذا ابلاغ ولایت علی صلوات الله علیه به مردم را به تأخیر انداخت تا اینکه به مسجد خیف رسیدند و در آنجا جبرئیل علیه السلام بر وی نازل گشت و از آن حضرت خواست به عهد خود عمل کرده و علی صلوات الله علیه را منصوب نماید، اما در امان بودن از مردم را از جانب خدای عزوجل ابلاغ ننمود تا اینکه به «کراع الغمیم» میان مکه و مدینه رسیدند. در اینجا جبرئیل نزد آن حضرت آمده و از وی خواست فرمان خدا را ابلاغ نماید، ولی فرمان امان از مردم را از جانب خدا با خود نیاورده بود، لذا آن حضرت به جبرئیل علیه السلام فرمود: بیم آن دارم که قوم مرا تکذیب کنند و سخن مرا درباره علی صلوات الله علیه نپذیرند. سپس به راه خود ادامه داد تا این که به غدیر خم که در سه مایلی قبل از جحفه قرار دارد، رسید و در حالی که پنج ساعت از روز گذشته بود، جبرئیل علیه السلام با تهدید و نهب و تضمین امان از مردم، از جانب خدا باز آمده و گفت: ای محمد، خدای عزوجل تو را سلام می رساند و به تو می گوید: *يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ*. (سوره مائده آیه ۶۷) و این در حالی بود که پیش قراولان کاروان به نزدیکی جحفه رسیده بودند. پس، از وی خواست آنان را بازگرداند و صبر کند تا بقیه از پشت سر برسند، سپس علی صلوات الله علیه را به ولایت بر مردم منصوب کند و آنچه را که خداوند درباره علی صلوات الله علیه نازل فرموده به آنان ابلاغ نماید، و به وی خبر داد که خداوند او را از گزند مردم در امان داشته است؛ سپس رسول الله صلی الله علیه و آله با آمدن امان نامه، دستور فرمود منادی در میان مردم ندای «الصلاة جامعة» سر دهد و پیش قراولان را باز گرداند و منتظر باشند تا پشت سری ها هم برسند. سپس به سمت راست راه پیچید تا به کنار مسجد غدیر رسید، جایی که جبرئیل از جانب

خدای عزّ اسمه بدان فرمان داده بود. در آن جا چند درخت بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور داد زیر آن ها را تمیز کنند و سنگ هایی را به شکل منبر روی هم قرار دهند تا بر مردم مشرف شود. سپس پیش قراولان بازگشته و آنانی که پشت سر بودند رسیدند و در همان جا ماندند. آن گاه رسول الله صلی الله علیه و آله از آن سنگ ها بالا رفته و حمد ثنای خدا را به جای آورده و سپس فرمود:

حمد و سپاس خداوندی را سزااست که در یکتایی خود بلند مرتبه و در عین تفرّد، به موجودات نزدیک است، در سلطنتش شکوهمند و در ارکان حکومتش با عظمت است و دانش او به همه چیز احاطه دارد، بی آنکه جابه جا شود، و همه خلق را با قدرت و برهان خود مقهور نموده است. بزرگواریش ثابت و پیوسته ستوده است. خدایی که بلندی ها را برافراشته و پستی ها را هموار نموده و بر آسمان ها مسلط است. منزّه است و از هر عیب و نقصی پاک می باشد، پروردگار فرشتگان و روح القدس است. بر همه مخلوقات خود لطف و کرم نموده و به هر کس که به وی نزدیکی جسته، بخشش فرموده است. هر دیده ای با قدرت او بیناست و چشم ها از دیدن وی عاجزند. پروردگاری است کریم و بردبار که به مخلوقاتش مهلت می دهد، رحمت او همه چیز را در بر گرفته و با فرو فرستادن نعمت بر همه مخلوقاتش ممتّ نهاده است. در انتقام گرفتن شتاب نمی ورزد و در فرستادن عذابی که گناه کاران سزاوار آنند، پیشی نمی گیرد. بر همه اسرار واقف است و آنچه را که در ضمیر دارند می داند و مکنونات درونی بر او پوشیده نیستند و هیچ پوشیده ای بر او مشتبه نمی شود. بر همه چیز احاطه دارد و بر همه چیز غالب است. در همه کار توانا و بر هر کاری نیرومند است. هیچ مانندی ندارد و او به وجود آورنده همه چیز است آن گاه که هیچ چیزی وجود نداشته؛ او همیشگی است و بر پای به دادگری، خدایی جز او نیست و عزیز و حکیم اوست. بزرگ تر از آن است که دیده ها او را دریابند و او دیده ها را در می یابد، و او خدای مهربان و آگاه است. هیچ کس از راه معاینه قادر به وصف او نیست و احدی چگونگی آشکار و نهان بودنش را در نمی یابد مگر به آنچه خود او عزّوجلّ افراد را به شناسایی خویش دلالت فرموده باشد؛ گواهی می دهم به اینکه او خدایی است که خالقی جز او نیست، قداستش سر تا سر عالم را فرا گرفته، او همان خدایی است که نورش ابدیت را در بر گرفته، کسی که فرمایش بی مشورت با مشاوران نافذ است، در تقدیر او را شریکی نیست و در تدبیر وی نسبت به امور عالم هستی تفاوتی موجود نیست، آفریدگان خود را مبدعانه تصویر فرموده و بدون یاری جستن از کسی، مخلوقات را آفریده، بی آنکه متحمّل زحمتی شده باشد یا اینکه به مکر و حيله ای متوسل گردیده باشد. با به وجود آوردنش، موجودات را هستی بخشیده

و با آفرینش، عالم هستی را به مرحله ظهور رسانده است، پس اوست خدایی که جز او خدایی نیست، آنکه صنعتش محکم و مصنوعش نیکوست، دادگری است که ستم نمی کند و کریم ترین موجودی است که تمام امور به سوی او باز می گردد.

و گواهی می دهم که او همان کسی است که همه چیز در برابر عظمتش سر تعظیم فرو آورده و در برابر عزتش همه اشیاء ذلت گزیده اند و همه چیز تسلیم قدرتش گردیده، و همه چیز در برابر هیبتش خاشع گشته است؛ مالک املاک و گرداننده افلاک است و تسخیر کننده خورشید و ماه است که گردش هر کدام از آن ها را زمانی معین است، شب را در روز و روز را در شب فرو می غلتاند و هریک را در پی دیگری روانه می کند. در هم شکننده هر ستمگر کینه توز است و هر شیطان سرکشی را به هلاکت می رساند. نه ضدی دارد و نه همتایی، یکتایی است بی انباز، نه می زاید و نه زاییده شده و نه همسری دارد. خدایی است یکتا و پروردگاری است بزرگ، هرچه خواهد به وجود آورد و آنچه اراده کند، حکم به اجرایش می دهد. می داند و احصا می کند، می میراند و زنده می گرداند، به فقر مبتلا و از ثروت بی نیاز می کند یا از خود دور می سازد. عنایتش را از هر که خواهد باز می دارد و به هر که خواهد فراوان عطا می فرماید، مملکت و پادشاهی مختص اوست و سپاس تنها او را سزد. هر چه خیر است در دست اوست و او بر همه چیز تواناست، شب را در روز و روز را در شب وارد می کند، هان که عزیز بسیار آمرزنده اوست. اجابت کننده دعا، بخشنده عطا، شمارنده نفس ها و پروردگار جن و انس است؛ هیچ چیز بر او مشتبّه نمی شود، فریاد فریاد زنان دلتنگش نمی کند و عجز و لابه مصرّانه حاجت مندان ملولش نمی سازد، نیکان را از گناه حفظ می کند و رستگاران را توفیق می بخشد؛ سرور مؤمنان و پروردگار جهانیان است. کسی که استحقاق آن را دارد که همه مخلوقات در همه اوقات، در خوشی و ناخوشی، در سختی و فراخی سپاسگزار و ستایشگر او باشند، به این خدا و فرشتگانش و کتاب ها و فرستادگانش ایمان دارم، فرمانش را می شنوم و اطاعت می کنم، و هر کاری که او را خشنود سازد انجام می دهم و به هر چه حکم فرماید تسلیم می شوم، به خاطر میل به اطاعت از او و بیم از مجازاتش؛ زیرا او خدایی است که هیچ کس از مکر او ایمن نیست و از ستمش کسی نمی ترسد. به بندگی خود در برابر او اقرار نموده و به پروردگاری او گواهی می دهم. آنچه به من وحی فرموده ابلاغ می کنم تا مبادا اگر به جای نیاورم، چنان عذاب کوبنده ای بر من فرود آید که احدی قادر به برطرف کردن آن نباشد، هر چند چاره اندیشی وی بزرگ باشد؛ خدایی جز او نیست، زیرا مرا آگاه فرمود که اگر آنچه را که بر من نازل گشته ابلاغ نکنم، رسالت

او را ابلاغ نکرده ام، و او تبارک و تعالی تضمین فرموده که مرا از شر دشمنان حفظ فرماید، و او الله است، همان کفایت کننده بزرگوار. پس به من چنین وحی فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ».

ای مردم، در ابلاغ آنچه خداوند بر من نازل فرموده کوتاهی نکرده ام و من علت نزول این آیه را برای شما روشن می کنم؛ جبرئیل سه بار بر من نازل گشته و پس از ابلاغ سلام از جانب پروردگرم - و سلام اوست - به من امر نموده است که در همین مکان، به هر سفید پوست و سیاه پوستی اعلام کنم که علی بن ابی طالب برادر، وصی، جانشین و امام شما بعد از من است. او کسی است که منزلت هارون از موسی را نسبت به من دارد، با این تفاوت که پس از من هیچ پیامبری نخواهد آمد، و پس از خدا و رسول او ولی شماس است، و خدای تبارک و تعالی در این مورد آیه ای از کتاب خود بر من نازل فرمود که: «وَلِيَّ شِمَا، تَنْهَا خِذَا وَبِيَامِرِ اُوسْتِ وَكِسَانِي كِه اِيْمَانِ اُورْدِه اَنْد: هِمَانِ كِسَانِي كِه نِمَازِ بَرِي اَمِي دَارَنْدِ وَ دَرِ حَالِ رِكْوَعِ زَكَاتِ مِي دِهَنْدِ». (سوره مائده آیه ۵۵) و حضرت علی بن ابی طالب صلوات الله عليه نماز را به پا داشته و زکات را در حال رکوع پرداخت نموده و پیوسته خواستار خشودی خدای عزوجل است. از جبرئیل خواستم که مرا از اعلام این امر معاف دارد و علت آن هم آگاهی من از اندک بودن مؤمنان و کثرت منافقان است و نیز دغل بازی گناهکاران جنایت پیشه و خدعه گری به تمسخر گیرندگان اسلام که خداوند در کتاب خود آن ها را توصیف فرموده که آنچه به زبان می آورند، سخن برآمده از دل هایشان نیست و این کار را گناهی ناچیز می پندارند در حالی که نزد خدا بس بزرگ است؛ و نیز آزارهای مکرر آن ها نسبت به من تا جایی که مرا «اُذُن» (زودباور) نامیدند، آن هم به سبب ملازمت علی صلوات الله عليه با من و اقبال من نسبت به او، تا اینکه خدای عزوجل در این مورد چنین نازل فرمود: «وَ اَزِ اِيْشَانِ كِسَانِي هِسْتَنْدِ كِه بِيَامِرِ رَا اَزَارِ مِي دِهَنْدِ وَ مِي گويند: او زودباور است. بگو: گوش خوبی برای شماس است، به خدا ایمان دارد و [سخن] مؤمنان را باور می کند، و برای کسانی از شما که ایمان آورده اند رحمتی است. و کسانی که پیامبر خدا را آزار می رسانند، عذابی پر درد [در پیش] خواهند داشت». (سوره توبه آیه ۶۱) و اگر بخواهم کسانی را که مرا با چنین نامی می خوانند نام ببرم، همه را به اسم یاد می کردم و اگر می خواستم با دست به آن ها اشاره کنم، این کار را می کردم، و اگر می خواستم فرد فرد آنان را نشان دهم، این کار را می کردم، لیکن به خدا سوگند در حق ایشان بزرگواری می کنم، ولی با این همه خداوند از من راضی و خشنود نخواهد شد مگر اینکه آنچه را که بر من نازل فرموده، ابلاغ کنم.

سپس آن حضرت صلی الله علیه و آله آیه: {ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت درباره علی نازل شده، ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده ای. و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می دارد}. (سوره مائده آیه ۶۷) قرائت کرده و فرمود: پس ای مردم! بدانید که خداوند او را برای شما به عنوان ولی و امام مفترض الطاعه منصوب نموده است که اطاعت از وی بر عموم مسلمانان از مهاجرین و انصار و آیندگان، چه بادیه نشین و چه شهری، عجم و عرب، آزاد و بنده، کوچک و بزرگ، سفیدپوست و سیاه پوست و هر موحدی واجب است؛ حکمش جاری، کلامش حاکم و فرمانش نافذ است. ملعون است کسی که با وی مخالفت ورزد و آمرزیده است آنکه از وی پیروی نموده و تصدیقش نماید، زیرا خداوند او و هر کس که سخنش را بشنود و اطاعت کند، آمرزیده است.

ای مردم، این آخرین باری است که در جمع شما و در این مکان سخن می گویم، پس خوب گوش کنید و اطاعت کنید و به فرمان پروردگارتان گردن نهید که خدای عزوجل خود ولی و إله شماست و بعد از او، پیامبر شما محمد ولی شماست، اینکه ایستاده و با شما سخن می گوید، سپس بعد از من، علی ولی و امام شما به امر خدا پروردگارتان است؛ از آن پس امامت در ذریه او از فرزندان اوست تا روزی که به لقای خداوند که نامش ارجمند باد و رسول او، نائل آید. هیچ حلالی جز آنچه خدا حلال کرده باشد نیست و هیچ حرامی جز آنچه خدا حرام کرده باشد نیست، خداوند حلال و حرام را به من شناسانده و من نیز آنچه را که پروردگارم از قرآن و حلال و حرام به من آموخته، به علی صلوات الله علیه منتقل کردم.

ای مردم، هیچ علمی نیست مگر اینکه خداوند آن را به من داده باشد و من هم تمام این علوم را به پیشوای پارسایان حضرت علی بن ابی طالب صلوات الله علیه منتقل نمودم. ای مردم، از علی صلوات الله علیه غافل نشوید و از او دور نگردید و از پذیرش ولایتش سر باز نزنید، زیرا او کسی است که به حق راهنمایی کرده و خود عامل به آن است و باطل را نابود ساخته و از آن نهی می کند و در راه خدا از ملامت هیچ ملامت گری باک ندارد. دیگر اینکه او نخستین مؤمن به خدا و رسول اوست، او همان کسی است که جان خود را فدای رسول الله صلی الله علیه و آله نمود، او تنها کسی است از مردان که با رسول الله صلی الله علیه و آله به عبادت خدا می پرداخت و همه شما بت پرست بودید.

ای مردم، علی صلوات الله علیه را بر دیگران برتری دهید که خدایش برتری داده است، و به وی روی آورید که خدا وی را به ولایت شما منصوب کرده است. خداوند هرگز توبه کسی را که منکر ولایت وی باشد نمی

پذیرد و هرگز او را نمی‌آمزد، و قطعاً خداوند با کسی که فرمان او را درباره علی صلوات الله علیه گردن نهد، چنین خواهد کرد و یقیناً وی را به سختی تا ابد الدهر عذاب خواهد فرمود، پس بترسید از اینکه با او از در مخالفت در آیید، و گرنه به آتشی می‌روید که سوخت و هیمة آن آدمیان و سنگ‌ها هستند و برای کافران مهیا گشته است. ای مردم، به خدا سوگند، همه پیامبران و رسولان گذشته به نبوت من بشارت داده شده‌اند و من خاتم انبیا و مرسلین و حجّت خدا بر همه آفریدگان اهل آسمان و زمین هستم. پس هر کس در آن شک کند کافر است، به مانند کفر دوران جاهلیت، و هر کس در این سخن من شک کند، به همه گفتارم شک کرده است و مستوجب آتش خواهد خواهند بود.

ای مردم، خداوند بر من منت نهاده و در حق من لطف فرموده و این فضیلت را به من ارزانی داشته است، و خدایی جز او نیست، تا ابد الدهر و در همه حال سپاسگزار و ستایشگر او هستم.

ای مردم، علی صلوات الله علیه را برتری دهید که افضل مردم پس از من است، از مرد و زن! به خاطر ماست که خداوند روزی را نازل می‌فرماید و مخلوقات را نگاه داشته است! ملعون ملعون و مغضوب مغضوب است هر کس این سخن مرا رد نموده و با آن موافق نباشد! بدانید که جبرئیل از جانب خدای متعال مرا از این معنا آگاه نموده و می‌گوید: هر کس با علی صلوات الله علیه دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد، لعنت و خشم من بر او باد! پس هر کسی باید نیک بنگرد که برای فردای قیامت چه پیش فرستاده است، و از خدا بترسید از اینکه با وی مخالفت کنید که در این صورت، گام‌هایی که از پیش استوار بوده‌اند، دچار لغزش خواهند شد و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است.

ای مردم، حضرت علی بن ابی طالب صلوات الله علیه جنب الله و مصداق آیه: {دریغا بر آنچه در حضور خدا کوتاهی ورزیدم}. (سوره زمر آیه ۵۶) می‌باشد.

ای مردم، در قرآن تدبّر کرده و آیات آن را بفهمید و پیوسته محکّمات آن را مدنظر قرار دهید و از آیات متشابه پیروی نکنید، زیرا به خدا سوگند، کسی جز علی بن ابی طالب که برادر و وصی من است، نمی‌تواند حقایق و دقائق قرآن را تفسیر و بیان کند، کسی که هم اکنون دست او را گرفته و نزد خدا بالا- می‌آورم و بازوی او را بلند کرده و به شما خواهم گفت که هر کس من مولای اویم، اینک علی مولای اوست، او علی بن ابی طالب، برادر و وصی من است و موالات او از جانب خداوند عزّوجل بر من نازل گشته است.

ای مردم، علی و اولاد مطهرش ثقل اصغرند و ثقل اکبر قرآن است که هر یک از این دو مؤید و موافق دیگری است و هرگز از هم جدا نخواهند شد تا اینکه در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. بدانید و آگاه باشید که آن‌ها اُمّای خدا و حکمای او بر روی زمین اند. بدانید و آگاه باشید که من وظیفه ام را ادا نمودم، ابلاغ کردم، به گوش همه رساندم، مطلب را توضیح داده و روشن کردم. هر چه گفتم سخن خدای عزوجل بود و من از جانب خدای عزوجل بیان کردم، بدانید و آگاه باشید که جز برادرم علی، کسی سزاوار منصب امارت مؤمنان نیست و امارت بر مؤمنان پس از من، جز برای او روا نیست.

سپس با دست خود بر بازوی علی علیه السلام زده، او را بلند کرد - و این در حالی بود که علی از ابتدای بالا رفتن از سنگ ها، یک درجه پایین تر از پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاده بود، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله دست خود را به سوی

ص: ۲۵۹

او دراز کرده - و علی را بالا کشید تا اینکه پای آن حضرت به محاذات زانوی رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار گرفته و آن گاه فرمود: ای مردم، این علی است، برادر، وصی و حافظ علم من و جانشینم بر اُمت من و مفسر کتاب خدای عزوجل و دعوت کننده به آن و عامل به آنچه مورد رضای الهی است. با دشمنان خدا در جنگ است و طرفدار اطاعت از وی، نهی کننده از نافرمانی اوست، او جانشین رسول خدا، امیر مؤمنان، و امامی هدایتگر است. به فرمان خدا با پیمان شکنان، ستمکاران و خارج شدگان از حق می جنگد.

اکنون سخنی بر زبان می آورم که هر سخنی را به امر پروردگار تغییر می دهد. می گویم: خداوندا، دوستدار کسی باش که او را دوست بدارد و دشمن کسی باش که با وی دشمنی کند و لعن فرما هر که انکارش کند و پایمال کننده حقش را مورد خشم و نفرت خود قرار ده! خداوندا، تو خود بر من نازل فرمودی که امامت و پیشوایی مردم پس از من، از آن علی بن ابی طالب ولیّ توست، آن گاه که این امر را برای مردم روشن کرده و علی را به این مقام منصوب نمودم تا دین بندگانت را با این کار برایشان کامل کرده باشی و نعمت شما بر ایشان تمام گردد و اسلام را به عنوان دین برای آنان بپسندی و سپس فرمودی: ﴿و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیانکاران است﴾. (سوره آل عمران آیه ۸۵) خداوندا، من تو را گواه می گیرم که آنچه را که فرموده بودی ابلاغ کردم. ای مردم، یقیناً خداوند عزوجل دین شما را به امامت وی کامل گردانیده، پس هر کس به وی و نیز به خلفای پس از او که فرزندان من از صلب

ص: ۴۰۰

اویند، تا به روز قیامت و عرضه شدن بر خدای عزوجل، اقتدا نکند، آنان خود کسانی هستند که کارها و اعمالشان تباه گشته و در جهنم جاودان هستند، بی آنکه از عذابشان کاسته شود و یا مهلتی داده شوند.

ای مردم، این علی صلوات الله علیه است که در یاری رساندن به من، شایستگی، نزدیکی و خویشاوندی و عزیز و ارجمند بودن نزد من، از همه شما برتر است و خدای عزوجل و من از او راضی و خشنود هستیم. همه آیات مشتمل بر رضای خدا درباره وی نازل شده اند و هرگاه از «یا ایها الذین امنوا» در قرآن سخن رفته، علی صلوات الله علیه پیشاپیش همه مخاطبان این آیه بوده است و هیچ آیه ای که مشتمل بر مدح باشد، جز در حق او نازل نشده است و سوره «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ» که مشتمل بر اعتراف به بهشت از جانب خداست، منحصرأ در حق او نازل شده است و کسی جز او را با این سوره نستوده است.

ای مردم، او یاری رساننده به دین خدا و مدافع رسول خداست، او تقی، نقی، هادی و مهدی است؛ پیامبر شما بهترین پیامبر و وصی شما بهترین وصی است و فرزندان او نیز بهترین اوصیا هستند.

ای مردم، نسل هر پیامبری از صلب اوست و نسل من از صلب علی صلوات الله علیه است.

ای مردم، ابلیس با حسد آدم را از بهشت بیرون راند، پس به علی صلوات الله علیه حسد نورزید که اعمال تان تباه می شود و گام هایتان خواهد لغزید؛ زیرا آدم با یک خطا به زمین فرو فرستاده شد و این در حالی بود که او صفوه الله عزوجل است، چه رسد به شما که گروهی بندگان خدا و گروه دیگر دشمنان خدا هستید؟! جز بدبخت کینه علی صلوات الله علیه را به دل نمی گیرد و جز پارسا ولایت او را نمی پذیرد و جز مؤمن مخلص به او ایمان نمی آورد. به خدا سو گند، سوره «عصر» درباره علی صلوات الله علیه نازل شده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ».

ای مردم، خدا را گواه گرفته و رسالت خود را به شما ابلاغ کردم و {و بر پیامبر خدا جز ابلاغ وظیفه ای نیست}.

ای مردم، {ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا آن گونه که حق پروا کردن از اوست، پروا کنید و زینهار، جز مسلمان نمیرید}.

ای مردم، {به خدا و پیامبر او ایمان بیاورید و به آن نوری که با وی فرستاده شده ایمان بیاورید، پیش از آنکه چهره هایی را محو کنیم و در نتیجه آن ها را به قهقرا باز گردانیم}.

ای مردم، آن نوری که از جانب خدای عزوجل فرو فرستاده شده، در وجود من است و بعد از من در وجود علی صلوات الله علیه و بعد از او در نسل وی خواهد بود تا اینکه حضرت قائم مهدی صلوات الله علیه، حق خدا و هر حقی که از آن ما باشد را خواهد گرفت، زیرا خدای عزوجل ما را حجت خود بر مقصیران، معاندان، مخالفان، خائنان، گناهکاران، ظالمان و غاصبان عالم قرار داده است.

ای مردم، به شما هشدار می دهم که من پیامبر خدایم و پیش از من نیز پیامبرانی بوده اند و از این جهان رخت بر بسته اند، آیا اگر من بمیرم یا کشته شوم، شما به قهقرا باز می گردید؟ و هر کس به کفر پیشین خود باز گردد، زیانی به خدا نرسانده است و خداوند شاکران را پاداش خواهد داد؛ بدانید و آگاه باشید که علی صلوات الله علیه موصوف به شکیبایی و سپاسگزاری است و پس از او، فرزندانم که از صلب او هستند، متصف به این صفت خواهند بود.

ای مردم، به خاطر اسلام آوردن تان بر خدا منت نهید که بر شما خشم خواهد گرفت و به عذابی از جانب خود گرفتار خواهد ساخت که او در کمین شماست.

ای مردم، پس از من رهبرانی ظهور خواهند کرد که مردم را به سوی جهنم فرا خواهند خواند و در روز رستاخیز هیچ یاری نخواهند شد.

ای مردم، یقیناً خدا و من از آنان بیزاریم.

ای مردم، آن ها و انصار و اعوان و پیروان شان در پست ترین جای دوزخ اند و چه بد جایگاهی است جایگاه متکبران! آگاه باشید که آن ها اصحاب صحیفه اند، پس هر یک از شما باید در صحیفه خود بنگرد.

ای مردم، من امامت را تا روز قیامت در ذریه خود به ارث می گذارم، و آنچه را که فرمان یافته بودم، ابلاغ کردم تا حجتی باشد بر حاضران و غایبان و بر هر کس که در این مجلس حضور دارد یا ندارد، در قید حیات بوده یا هنوز زاده نشده باشد؛ پس حاضران غایبان را آگاه سازند و پدر فرزندش را آگاه سازد تا روز قیامت! اما با این احوال، ظالمانه آن را غصب خواهند کرد و به صورت سلطنت درخواهند آورد. هان که لعنت خدا بر آن کسانی باد که آن را غصب کنند و آن گاه است که: {ای جن و انس، زودا که به شما پردازیم} و: {بر سیر شما شراره هایی از [نوع] تفته آهن و مس فرو فرستاده خواهد شد، و [از کسی] یاری نتوانید طلبید}. (سوره الرحمن آیه ۵۵)

ای مردم، خداوند عزوجل شما را بر این حال رها نمی سازد: {تا اینکه پلید را از پاک جدا کند و خدا بر آن نیست که شما را از غیب آگاه گرداند}.

ای مردم، بی تردید خداوند هیچ شهر و روستایی را به هلاکت نرسانده، مگر اینکه پیامبران را تکذیب کرده باشند و نیز آن گونه که خدای متعال ذکر فرموده، شهرهایی را که ظلم و ستم در آن نهادینه شده باشد، خراب و ویران می سازد. و این علی صلوات الله علیه امام و ولی شماس است. او از وعده های الهی است و خداوند به وعده خود عمل می کند.

ای مردم، بیشتر پیشینیان شما گمراه شدند و خداوند پیشینیان را هلاک فرموده و آخرین را نیز هلاک خواهد کرد. ای مردم، خداوند مرا به اموری امر و از اموری نهی فرموده و من نیز علی صلوات الله علیه را امر و نهی نمودم؛ بنابراین، او امر و نهی را از پروردگارش عزوجل دریافت کرده است، پس گوش به فرمان او باشید تا سالم بمانید و از وی اطاعت کنید تا هدایت یابید و نواهی او را به کار بندید تا به راه راست بیفتید و خواسته او را برآورید تا دچار تفرقه و پراکندگی نشوید و از حرکت در مسیر او باز نمانید.

ای مردم، من صراط مستقیم خدایم که شما را فرمان داده از آن پیروی کنید، و پس از من علی صلوات الله علیه صراط مستقیم خداست و بعد از او، فرزندان من از صلب علی صلوات الله علیه صراط مستقیم خدا هستند، آن ها امامانی هستند که مردم را به حق هدایت نموده و خود بدان وسیله دادگری می کنند.

سپس سوره مبارکه حمد «الحمد لله رب العالمین» را تا آخر تلاوت نموده و آن گاه فرمود: این سوره در حق من و درباره ایشان نازل شد، برای آن ها عموماً و برای پدرشان اختصاصاً. آنان {اولیای خدا هستند که هیچ بیمی برایشان نیست و اندوهگین نمی شوند.}، {اینانند حزب خدا، آری، حزب خدا رستگارانند}. و پیروزمندانند. هان که دشمنان علی صلوات الله علیه خود اهل شقاق و نفاق و از حد گذشتگانند و برادران شیاطین که فریبکارانه با یکدیگر سخنان فریبنده رد و بدل می کنند. بدانید و آگاه باشید! دوستان ایشان خود مؤمنانی هستند که خداوند عزوجل در کتاب خود از ایشان یاد کرده و فرموده است: {قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند [و] کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده اند - هر چند پدران شان یا پسران شان یا برادران شان یا عشیره آنان باشند - دوست بدانند. در دل اینهاست که [خدا] ایمان را نوشته و آنها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است، و آنان را به بهشت هایی که از زیر [درختان]

آن جوی هایی روان است در می آورد. همیشه در آنجا ماندگارند. خدا از ایشان خشنود و آنها از او خشنودند. اینانند حزب خدا. آری، حزب خداست که رستگارانند. (سوره مجادله آیه ۲۲).

بدانید و آگاه باشید که دوستان ایشان همان کسانی هستند که خدای عزوجل ایشان را وصف نموده و فرموده است: {کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده اند، آنان راست ایمنی و ایشان راه یافتگانند}. (سوره انعام آیه ۸۲)

آگاه باشید که دوستان ایشان کسانی هستند که در امنیت کامل وارد بهشت می شوند و فرشتگان با سلام به استقبال شان آمده و می گویند: خوش باشید، پس به بهشت در آید و در آن جاودانه بمانید. هان که دوستان ایشان کسانی هستند که خداوند درباره ایشان فرموده: {به بهشت در آیند و در آن بی حساب روزی داده شوند}.

آگاه باشید! دشمنان ایشان کسانی هستند که به زودی در آتشی فروزان در آیند. هان که دشمنان ایشان به دوزخ برده می شوند؛ بدانید، دشمنان آنان در حالی که جهنم می جوشد و بانگی دل خراش به سان آواز خران از آن بشنوند، وارد آن می شوند، و هرگاه اُمتی وارد آن گردد، اُمت همتای خود را لعن فرستد. آگاه باشید که دشمنان ایشان کسانی هستند که خدای عزوجل درباره ایشان فرمود: {هر بار که گروهی در آن افکنده شوند، نگاهبانان آن از ایشان پرسند: «مگر شما را هشداردهنده ای نیامد» گویند: «چرا، هشداردهنده ای به سوی ما آمد و [لی] تکذیب کردیم و گفتیم: خدا چیزی فرو نفرستاده است، شما جز در گمراهی بزرگ نیستید» و گویند: «اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقل کرده بودیم، در [میان] دوزخیان نبودیم» پس به گناه خود اقرار می کنند. و مرگ باد بر اهل جهنم}. (سوره ملک آیه ۸-۱۱) هان که دوستان ایشان کسانی هستند که در نهان از پروردگارشان می ترسند، آن ها آمرزش و پاداش بزرگی دارند.

ای مردم، چه بسیار است فاصله دوزخ و بهشت، پس دشمنان ما مشمول نکوهش و نفرین خدایند و دوستان ما مورد ستایش و موَدّت پروردگار خواهند بود.

ای مردم، بدانید که من بیم دهنده ام و علی صلوات الله علیه هدایت گر است. ای مردم، من پیامبرم و علی صلوات الله علیه وصی، بدانید که خاتم امامان ما حضرت مهدی قائم صلوات الله علیه است. بدانید که در دین مسلط و با قدرت است. بدانید که انتقام گیرنده از ستمگران، اوست. بدانید که او گشاینده دژها و ویران کننده آن هاست. بدانید که او تمام قبایل اهل شرک را به قتل می رساند. بدانید که او انتقام همه اولیای

خدای عزوجل را می گیرد. بدانید که او یاری دهنده دین خداست. بدانید که او هر کس را به فراخور فضل یا جهلش مقام و رتبه می دهد. بدانید که او برگزیده و منتخب خداست. بدانید که او وارث همه علوم است و محیط به آن ها. بدانید که او مخبر پروردگارش عزوجل است و معرّف ایمان به اوست. بدانید که او صاحب عقل سلیم و ثبات در رأی است. بدانید که امور دین به او واگذار می شود. بدانید که پیامبران گذشته به او بشارت داده اند. بدانید که او حجّت باقی خداست که بعد از او حجّتی نیست و هیچ حقی نیست مگر اینکه با او باشد و هیچ نوری نیست مگر اینکه نزد او باشد. بدانید که هیچ کس بر وی غلبه نمی کند و شکست در او راهی ندارد. بدانید که او ولیّ خدا بر روی زمین اوست و حاکم او در میان بندگانش و امین آشکار و نهان خداست.

ای مردم، من گفتنی ها را گفتم و آن ها را به شما فهماندم و این علی صلوات الله علیه است که پس از من به شما می فهماند؛ بدانید که پس از پایان خطبه ام از شما دعوت خواهم کرد به عنوان بیعت با علی صلوات الله علیه و اقرار به امامت او با من دست دهید و سپس با علی صلوات الله علیه دست دهید. بدانید که من با خدا بیعت کردم و علی صلوات الله علیه با من بیعت نمود و من از جانب خدای عزوجل از شما برای علی صلوات الله علیه بیعت می گیرم پس هر که پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان می شکند. (سوره فتح آیه ۱۰) ای مردم، {صفا و مروه از شعائر خداست، پس هر که حج کند یا عمره گزارد، بر او گناهی نیست}. (سوره بقره آیه ۱۵۸)

ای مردم، حج خانه خدا به جای آورید، زیرا هر خانواده ای که حج کنند، بی نیاز و ثروتمند می شوند و هر خاندانی که از حج سرباز زنند، به فقر و نداری گرفتار می شوند.

ای مردم، هیچ مؤمنی در جایگاه عرفات نمی ایستد مگر اینکه خداوند تمام گناهان گذشته او را تا آن لحظه ببامرزد و چون حج او پایان پذیرد، از نو گناهان او ثبت می شوند.

ای مردم، حجّاج از جانب پروردگار یاری داده می شوند و به هر که، هر مقدار در راه حج مصرف کنند، برای ایشان جبران می شود {خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند}.

ای مردم، حج را با دین کامل و تفقه به جای آورید و بدون توبه کردن و دل کندن از ارتکاب معاصی مراجعت نکنید.

ای مردم، نماز را آن گونه به جای آورید و زکات را آنگونه پرداخت کنید که خدای عزوجل به شما امر فرموده است و چنانچه به سبب مرور زمان کوتاهی یا فراموش کردید، علی صلوات الله علیه ولی شماسست و احکام را برای تان بیان می کند. علی صلوات الله علیه همان کسی است که خداوند او را به جانشینی من منصوب فرموده، کسی که خداوند او را از نور من آفریده و من نیز از او هستم، تا پاسخگوی پرسش های شما باشد و آنچه نمی دانید را برایتان بنمایاند. بدانید که حلال و حرام خدا خیلی بیشتر از آن است که من آن ها را در یک مجلس برایتان شمرده و به شما بشناسانم و به حلال آن امر نموده و از حرام آن شما را باز دارم. از این رو دستور یافته ام، از شما برای آنچه را که از جانب خدای عزوجل در ولایت علی امیرالمؤمنین و امامان پس از او که از نسل من و او هستند و جملگی امام اند و قائم ایشان در میان مردم حضرت مهدی صلوات الله علیه است که تا روز قیامت حکومت می کند و به حق قضاوت می نماید، بیعت بگیرم.

ای مردم، هر حلالی را که شما را به آن راهنمایی کرده ام و هر حرامی که شما را از انجام آن نهی کرده ام به قوت خود باقی هستند و من نه نظرم درباره آن ها عوض شده و نه حکمی را جابه جا کرده ام، مراقب باشید و سخنان مرا فرا گیرید و به یکدیگر سفارش کنید. دستورات مرا اجرا کنید، سخنان مرا تغییر ندهید و جابه جا نکنید. هان که گفتارم را دوباره تکرار می کنم: ای مردم، نماز را به پا دارید و زکات پردازید و امر به معروف و نهی از منکر کنید. بدانید که سرآمد امر به معروف آن است که سخن مرا پذیرید و به کسانی که در اینجا نیستند ابلاغ کنید و ایشان را به پذیرش آن امر و از مخالفت با آن نهی کنید، زیرا این کار فرمانی است از جانب خدا و من و هیچ امر به معروف و نهی از منکری پذیرفته نیست مگر با وجود امام معصوم.

ای مردم، قرآن به شما می شناساند که امامان پس از علی صلوات الله علیه، فرزندان او هستند، و من هم آنان را به شما شناساندم که از نسل من و او می باشند و خداوند عزوجل در این خصوص می فرماید: {و او آن را در پی خود سخنی جاودان کرد}. (سوره زخرف آیه ۲۸) و من نیز گفتم: تا زمانی که به آن دو (قرآن و عترت) چنگ زده باشید، هرگز گمراه نخواهید شد.

ای مردم، پارسایی، پارسایی! بترسید از روز رستاخیز، زیرا خدای عزوجل می فرماید: {یقیناً زلزله رستاخیز امری هولناک است}. (سوره حج آیه ۱)

از مرگ یاد کنید و از حساب و میزان و بازخواست در محضر پروردگار جهانیان، و به ثواب و عقاب و اینکه هر کس با کار نیکو آمده باشد، پاداش می یابد و هر که با گناه آمده باشد، بهره ای از بهشت نخواهد داشت.

ای مردم، شما بیشتر از آنید که در یک زمان به نشانه بیعت به من دست دهید و خدای عزوجل به من فرمان داده است که در این مورد از زبان تان اقرار بگیرم، به آنچه من درباره علی و امامان پس از وی در خصوص امیرمؤمنان بودن شان قرار گذاشتم، پس جملگی یک صدا بگوئید: ما شنیدیم، فرمانبرداریم، راضی و خشنودیم، در مورد آنچه از خدا به ما ابلاغ فرمودی، درباره امارت علی صلوات الله علیه و فرزندانش که پیشوایان آینده اند، مطیع و منقاد هستیم و در این مورد با شما از دل و جان و زبان و با دستانمان بیعت می کنیم؛ بر این بیعت زنده خواهیم ماند و خواهیم مرد و برانگیخته خواهیم شد. نه آن را تغییر می دهیم و نه جا به جا می کنیم و نه در مورد آن تردید خواهیم کرد، از پیمانی که بسته ایم باز نخواهیم گشت و عهدشکنی نمی کنیم و از خدا و علی امیرالمؤمنین و فرزندانش، امامانی که گفتی از ذریه شما و صلب علی صلوات الله علیه که پس از حسن و حسین صلوات الله علیهما می آیند، هستند، اطاعت خواهیم کرد؛ آن دو امامی که جایگاه و محلی که نزد من از آن برخوردارند و منزلتی که نزد پروردگار دارند را به شما شناساندم و گفتم که آن دو، دو سرور جوانان اهل بهشت اند و آن دو پس از پدرشان علی صلوات الله علیه امام هستند و من پیش از علی صلوات الله علیه، پدر آن دو هستم. پس اکنون بگوئید: در این مورد خدا و تو را اطاعت نمودیم و نیز بر شما باد به علی و حسن و حسین و امامانی را که یادآور شدی، از نظر عهد و میثاقی که برای علی صلوات الله علیه از دل و جان و زبان و دست های ما گرفته شده - کسی که این دو را با دست درک کرده [در واقعه حضور داشته و بیعت کرده است] و با زبان اقرار کرده است - غیر از این مطلب چیز دیگری را نخواهیم خواست و هرگز در خود نمی بینم که بخواهیم از پیمان خود برگردیم و ما این امر را از جانب شما به فرزندان و خویشاوندان دور و نزدیک خود ابلاغ خواهیم کرد، و تو خدا را بر آنچه می گوئیم گواه بگیر و گواه بودن خدا کافی است و خودتان نیز بر آنچه می گوئیم گواه هستید و نیز هر موجودی که خدا را اطاعت می کند، چه ظاهر باشد و چه پوشیده و نیز فرشتگان خدا و سربازان و بندگان او نیز از جمله گواهان هستند و خدا از هر گواهی بزرگ تر است.

ای مردم، چه می گوئید؟ یقیناً خداوند از هر صدا و هر چه در درون انسان ها بگذرد، آگاه است: {پس هر کس هدایت شود، به سود خود اوست، و هر کس بیراهه رود، تنها به زیان خودش گمراه می شود}. (سوره زمره آیه ۴۱) و هر که بیعت کرده، در حقیقت با خدا بیعت کرده است. {دست خدا بالای دستهای آنان است}. (سوره فتح آیه ۱۰)

ای مردم، از خدا پروا نموده و با علی امیرالمؤمنین صلوات الله علیه بیعت کنید و با حسن و حسین و امامان پس از ایشان صلوات الله علیهم که کلمه طیبه باقیه خداوند است. خداوند هر کس را که خیانت کند به هلاکت می رساند و آنکه به عهد و پیمان خود وفا کند را مشمول رحمت خویش سازد: {پس هر که پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان می شکند}. (سوره فتح آیه ۱۰)

ای مردم، آنچه را گفتم بگویید و بر علی صلوات الله علیه به عنوان «امیرالمؤمنین» سلام دهید و بگویید: [۴] {شنیدیم و گردن نهادیم، پروردگارا، آموزش تو را [خواستاریم] و فرجام به سوی تو است}. (سوره بقره آیه ۲۸۵) و بگویید: {ستایش خدایی را که ما را بدین [راه] هدایت نمود، و اگر خدا ما را رهبری نمی کرد، ما خود هدایت نمی یافتیم}. (سوره اعراف آیه ۴۳) ای مردم، بی شک فضایل حضرت علی بن ابی طالب صلوات الله علیه نزد خدای عزوجل که آن را در قرآن نازل فرموده، بیشتر از آن است که من آن را در یک خطبه به شمار آورم، پس هر کس شما را از فضایل وی آگاه نمود و آن ها را به شما شناساند، باورش کنید!

ای مردم، هر کس از خدا و رسول او و علی و امامانی که یاد کردم اطاعت کند، تحقیقاً به کامیابی بزرگی دست یافته است.

ای مردم، کسانی که در مباحثه و اظهار دوستی و مؤدّت با او و سلام دادن به وی به عنوان «امیرالمؤمنین» بر دیگران پیشی گیرند، اینان خود در باغ های بهشتی کامیاب اند.

ای مردم، آنچه که خدا را از شما خشنود می کند بر زبان جاری کنید، زیرا اگر شما و هر آنکه بر روی زمین است، جملگی کفر بورزید، هیچ زیانی به خدا نمی رسانید؛ خداوند، مؤمنان را بیامرز و خشمش را بر کافران فرو ریز و الحمد لله رب العالمین.

سپس آن قوم یک صدا فریاد بر آوردند: شنیدیم و فرمان خدا و رسول را با دل ها، زبان ها و دست هایمان اطاعت می کنیم و آنگاه جمعیت به طرف رسول الله صلی الله علیه و آله و علی صلوات الله علیه هجوم آورده و با آنان دست داده و بیعت نمودند و اولین کسانی که به رسول الله صلی الله علیه و آله به نشانه بیعت با علی صلوات الله علیه دست دادند، ابوبکر، عمر، عثمان، ابو عبیده جراح و سالم مولای ابو حذیفه لعنت الله علیهم بودند و پس از ایشان مهاجرین و انصار و بقیه مردم تا آخرین نفر به نوبت و به حسب مراتبی که داشتند، بیعت نمودند؛ به گونه ای که نماز ظهر و عصر باهم و مغرب و عشا باهم اقامه شدند و بیعت کردن آن ها سه روز به طول انجامید و هرگاه جمعی بیعت می کردند، رسول الله صلی الله علیه و آله می فرمود:

سپاس خداوندی را سزاست که ما را بر جهانیان برتری داد! و از آن پس دست دادن سنت و مرسوم شد، به گونه ای که وقتی افراد به ناحق از مردم بیعت می گرفتند، مردم را وادار می ساختند به همین کیفیت بیعت کنند.

مرحوم شیخ طبرسی، گوید: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت شده که فرمود: چون رسول الله صلی الله علیه و آله از این خطبه فراغت یافت، در میان مردم مردی زیبا چهره، خوش منظر و خوشبو را دید که می گفت: به خدا سوگند هرگز چنین روزی ندیده بودم. چه پیمان محکمی را برای ولایت پسرعمش مورد تأکید قرار می دهد، و او چنان عهد و بیعت محکمی برای وی بست که کسی جز کافر به خدای بزرگ و رسول کریم او، آن را نمی گشاید؛ ای وای بر آنکه پیمانی را که رسول الله صلی الله علیه و آله بسته، بشکند. گوید: چون عمر لعنت الله علیه سخن وی را شنید، به طرف او برگشت و از دیدن جمال و هیأت وی خوشش آمد، سپس به سمت رسول الله صلی الله علیه و آله برگشته و گفت: آیا نشنیدی که این، چنین و چنان گفت؟ پس رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: ای عمر، آیا می دانی آن مرد کیست؟ عرض کرد: خیر! فرمود: او روح الامین جبرئیل علیه السلام است، پس بر حذر باش از اینکه پیمان شکنی کنی، که اگر چنین کنی، خدا و رسولش و فرشتگان و مؤمنان از تو بیزاری خواهند جست.

۳ الشيخ الكليني، بإسناده عن سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ لَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَنَعَ النَّاسُ مَا صَنَعُوا وَخَاصَمَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَأَبُو عُبَيْدَةَ بْنُ الْجَرَّاحِ الْأَنْصَارِيُّ فَخَصَمُوهُمْ بِحُجَّتِهِ عَلَيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالُوا يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ قُرَيْشٌ أَحَقُّ بِالْأَمْرِ مِنْكُمْ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ قُرَيْشٍ وَ الْمُهَاجِرِينَ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى دَأَّبَهُمْ فِي كِتَابِهِ وَفَضَّلَهُمْ وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمَأْتَمَةُ مِنْ قُرَيْشٍ قَالَ سَلْمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَآتَيْتُ عَلِيًّا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَهُوَ يُعَسِّلُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَخْبَرْتُهُ بِمَا صَنَعَ النَّاسُ وَقُلْتُ إِنَّ أبا بَكْرٍ السَّاعَةَ عَلَى مِثْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا يَرْضَى أَنْ يُبَايَعُوهُ بِيَدٍ وَاحِدَةٍ إِنَّهُمْ لِيُبَايَعُونَهُ بِيَدَيْهِ جَمِيعاً بِيَمِينِهِ وَشِمَالِهِ فَقَالَ لِي يَا سَلْمَانُ هَلْ تَدْرِي مَنْ أَوْلُ مَنْ بَايَعَهُ عَلَى مِثْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قُلْتُ لَا أَدْرِي إِلَّا أَنِّي رَأَيْتُ فِي ظِلِّهِ بَنِي سَاعِدَةَ حِينَ خَصَمَتِ الْأَنْصَارُ وَكَانَ أَوْلَ مَنْ بَايَعَهُ بَشِيرُ بْنُ سَعْدٍ وَأَبُو عُبَيْدَةَ بْنُ الْجَرَّاحِ ثُمَّ عُمَرُ ثُمَّ سَالِمٌ قَالَ لَسْتُ أَشْأَلُكَ

عَنْ هَذَا وَ لَكِنْ تَدْرِي أَوَّلَ مَنْ بَايَعَهُ حِينَ صَعِدَ عَلَى مِثْبَرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قُلْتُ لَا وَ لَكِنِّي رَأَيْتُ شَيْخًا كَبِيرًا مُتَوَكِّنًا عَلَى عَصَاهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ سَجَادَةٌ شَدِيدُ التَّشْمِيرِ صَعِدَ إِلَيْهِ أَوَّلَ مَنْ صَعِدَ وَ هُوَ يَبْكِي وَ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُمِثْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى رَأَيْتَكَ فِي هَذَا الْمَكَانِ ابْسُطْ يَدَكَ فَبَسَطَ يَدَهُ فَبَايَعَهُ ثُمَّ نَزَلَ فَخَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ فَقَالَ عَلِيُّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ هَلْ تَدْرِي مَنْ هُوَ قُلْتُ لَا وَ لَقَدْ سَاءَ ثَنِي مَقَالَتُهُ كَأَنَّهُ شَامِتٌ بِمَوْتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالَ ذَاكَ إِبْلِيسُ لَعَنَهُ اللَّهُ أَخْبَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنَّ إِبْلِيسَ وَ رُؤَسَاءَ أَصْحَابِهِ شَهِدُوا نَصَبَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِلنَّاسِ بِعَدْرِ خُمٍْ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَأَخْبَرَهُمْ أَنِّي أَوْلَى بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ أَمْرُهُمْ أَنْ يُبَلِّغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ فَأَقْبَلَ إِلَى إِبْلِيسَ أَبَالِسِيَّتِهِ وَ مَرَدَّهُ أَصْحَابِهِ فَقَالُوا إِنَّ هَذِهِ أُمَّةٌ مَرْحُومَةٌ وَ مَعْصُومَةٌ وَ مَا لَمْ يَكَمْ وَ لَمَّا لَمْنَا عَلَيْهِمْ سَبِيلٌ قَدْ أُعْلِمُوا إِمَامَهُمْ وَ مَفَزَعَهُمْ بِعَدْرِ نَبِيِّهِمْ فَأَنْطَلَقَ إِبْلِيسُ لَعَنَهُ اللَّهُ كَثِيرًا حَزِينًا وَ أَخْبَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنَّهُ لَوْ قُبِضَ أَنَّ النَّاسَ يَبْأُيَعُونَ أَبَا بَكْرٍ فِي ظِلِّ بَنِي سَاعِدَةَ بِعَدْرِ مَا يَخْتَصِمُونَ ثُمَّ يَأْتُونَ الْمَسْجِدَ فَيَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يُبَايَعُهُ عَلَى مِثْبَرِي إِبْلِيسُ لَعَنَهُ اللَّهُ فِي صُورِهِ رَجُلٍ شَيْخٍ مُشَمَّرٍ يَقُولُ كَذَا وَ كَذَا ثُمَّ يَخْرُجُ فَيَجْمَعُ شَيْطَانِيَّتَهُ وَ أَبَالِسِيَّتَهُ فَيَنْخُرُ وَ يَكْسَعُ وَ يَقُولُ كَلَّا زَعَمْتُمْ أَنْ لَيْسَ لِي عَلَيْهِمْ سَبِيلٌ فَكَيْفَ رَأَيْتُمْ مَا صَنَعْتُ بِهِمْ حَتَّى تَرَكُوا أَمْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ طَاعَتَهُ وَ مَا أَمْرُهُمْ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. (١)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سلیم بن قیس هلالی روایت کرده که گفت: از سلمان فارسی رضوان الله علیه شنیدم که می گفت: هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و آله دیده از جهان فرو بست مردم کردند آنچه کردند و ابو بکر و عمر و ابو عبیده بن جراح با انصار ستیزه کردند و آن ها را به دلیل خویشی خود، که دلیل علی صلوات الله علیه بود محکوم نمودند. گفتند: ای گروه انصار! قریش به امر امامت از شما سزاوارترند؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله از قریش بود و مهاجران نیز از قریش بودند و خدا در قرآن، خود با آن ها آغاز نموده و آن ها را برتری بخشیده است، و رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: امامان از قریش باشند.

ص: ۴۱۰

سلمان گفت: من به نزد حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه که مشغول غسل دادن رسول الله صلی الله علیه و آله بود رفتم و او را از جریان آگاه کردم و گفتم: اینک ابو بکر بر منبر رسول الله صلی الله علیه و آله جای گرفته است و به خدا سوگند، خشنود نیست که مردم با یک دست او، بیعت کنند و مردم با هر دو دست چپ و راست، با او بیعت می کنند. علی صلوات الله علیه فرمود: ای سلمان! هیچ می دانی نخستین کسی که بر منبر رسول الله صلی الله علیه و آله با او بیعت کرد چه کسی بود؟ عرض کردم: نمی دانم، جز اینکه دیدم که در زیر سایه بان بنی ساعده هنگام مجادله انصار، نخستین کسی که با او بیعت کرد بشیر بن سعد و ابو عبیده بن جراح بود و سپس عمر و بعد از او سالم.

حضرت فرمود: من در باره این ها از تو پرسیدم، [پرسیدم که آیا] می دانی نخستین کسی که هنگام نشستن ابوبکر بر منبر رسول الله صلی الله علیه و آله با او بیعت کرد چه کسی بود؟ عرض کردم: نه، ولی پیری کهنسال را دیدم که بر عصای خویش تکیه زده بود و میان دو دیده اش اثر سجده زیادی بود، و او نخستین کسی بود که از پله منبر بالا رفت؛ در حالی که می گریست و می گفت: ستایش خدایی را که مرا از دنیا نبرد تا تو را در این جایگاه بینم، دستت را باز کن. ابوبکر دستش را باز کرد و پیرمرد با او بیعت نمود و سپس از منبر پایین آمد و از مسجد بیرون رفت. حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: دانستی او چه کسی بود؟ گفتم: نه، ولی از کلامش بدم آمد؛ زیرا گویی از مرگ پیامبر خوشحالی می کرد.

حضرت فرمود: او شیطان لعنه الله بود. رسول الله صلی الله علیه و آله به من خبر داد که شیطان و سران اصحابش از این که رسول الله صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم مرا به امر خداوند عز و جل، به امامت و خلافت بر مردم و برای مردم نصب کرد و به آن ها خبر داد که من نسبت به آن ها از خود آن ها سزاوارترم و به آن ها فرمود تا حاضران به غائبان برسانند نگران شدند و همه سران و شیطان های ابلیس گرد او آمدند و گفتند: همانا این امت، مرحومه و معصومه است و نه تو و نه ما را بر آن ها راهی نیست. همانا پیشوا و پناهگاه خود را پس از پیغمبرشان دانستند. در این هنگام بود که شیطان لعنه الله افسرده و غمگین از آن محضر دور شد و رسول الله صلی الله علیه و آله به من خبر داد که هر گاه از این جهان رخت بربندد، مردم پس از محاصمه با یکدیگر در سقیفه بنی ساعده با ابوبکر بیعت کنند، و از آن جا به مسجد روند و نخستین کسی که بالای منبر من با ابوبکر بیعت کند شیطان است که به چهره پیرمردی عبادت کوش بدان جا بیاید و چنین و چنان بگوید، سپس از آن جا بیرون رود و شیاطین و پیروان خود را گرد آورد و باد در بینی کند و به جست و

خیز پردازد و به آن ها گوید: هرگز، شما گمان بردید که مرا بر ایشان راهی نیست، اکنون دیدید من با آن ها چه کردم تا سرانجام دستور و فرمانبری خدای عز و جل و اوامر رسول الله صلی الله علیه و آله را وانهادند.

۴- قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه: فَوَ اللَّهُ مَا كَانَ يُلْقَى فِي رُوعِي وَ لَا يَخْطُرُ بِبَالِي أَنَّ الْعَرَبَ تُزَعِّجُ هَذَا الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ لَا أَنَّهُمْ مُنْحَوَةٌ عَنِّي مِنْ بَعْدِهِ! فَمَا رَاعِنِي إِلَّا اثْتِيَالِ النَّاسِ عَلَيَّ فَلَانٍ يُبَايِعُونَهُ. (۱)

حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمودند: به خدا سوگند هرگز فکر نمی کردم و به خاطرم خطور نمی کرد، که عرب بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امر امامت و رهبری را از اهل بیت او بگردانند (و در جای دیگر قرار دهند و باور نمی کردم) آنها آن را از من دور سازند!

تنها چیزی که مرا ناراحت کرد اجتماع مردم اطراف فلان بود که با او بیعت کنند.

۵- قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي بَعْضِ خُطْبِهِ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالنِّصَبُ يَحُهُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئَتِكُمْ عَلَيَّكُمْ وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْ لَمَا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْ مَا تَعْلَمُوا وَ أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَالْوَفَاءُ بِالْبَيْعَةِ وَ النَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَ الْمَغِيبِ وَ الْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ وَ الطَّاعَةُ حِينَ أَمُرُّكُمْ. (۲)

امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در یکی از خطبه هایش فرمود: مردم! مرا بر شما حقی و شما را بر من نیز حقی است. اما حق شما بر من این است که شما را نصیحت نمایم و درآمد مالی را برای شما افزون نمایم و شما را آموزش دهم که در جهل ننمایند و ادب نمایم تا دانا شوید. اما حق من بر شما این است که به بیعت و پیمان خود وفا کنید، خیرخواه امام خود باشید در حضور و غیبت من، و هنگامی که شما را فراخواندم بپذیرید و هر دستوری که دادم، اطاعت کنید.

۳۸۵- رفتن عمر و بن عبید و معتزلیان نزد حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه و گفتگوی آنان در باره جهاد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الكريم عتبة الهاشمي قال: كُنْتُ قَاعِدًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بِمَكَّةَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ أَنَاسٌ مِنَ الْمُعْتَرِلِ فِيهِمْ عَمْرُو بْنُ عَبِيدٍ وَ وَاصِلُ بْنُ

ص: ۴۱۲

۱- . نهج البلاغه نامه ۶۲.

۲- . نهج البلاغه خطبه ۸۴. بحارالانوار ج ۲۷ ص ۲۵۱ ح ۱۲.

عَطَاءٍ وَ حَفْصُ بْنُ سَيِّدِ الْمَوْلَى ابْنِ هُبَيْرَةَ وَ نَاسٌ مِنْ رُؤَسَاءِهِمْ وَ ذَلِكَ حَدَّثَانِ قَتْلِ الْوَلِيدِ وَ اخْتِلَافِ أَهْلِ الشَّامِ بَيْنَهُمْ فَتَكَلَّمُوا وَ أَكْثَرُوا وَ خَطَبُوا فَأَطَاعُوا فَقَالَ لَهُمْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَكْثَرْتُمْ عَلَيَّ فَأَسِينُوا أَمْرَكُمْ إِلَى رَجُلٍ مِنْكُمْ وَ لَيْتَكَلَّمْتُ بِحُجَجِكُمْ وَ يُوجِزُ فَأَسِينُوا أَمْرَهُمْ إِلَى عَمْرِو بْنِ عَبْدِ اللَّهِ فَتَكَلَّمْتُ فَأَبْلَغُ وَ أَطَالَ فَكَانَ فِيهِمَا قَالَ أَنْ قَالَ قَدْ قَتَلَ أَهْلُ الشَّامِ خَلِيفَتَهُمْ وَ ضَرَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ وَ شَتَّ اللَّهُ أَمْرَهُمْ فَنَظَرْنَا فَوَجَدْنَا رَجُلًا لَهُ دِينٌ وَ عَقْلٌ وَ مُرُوءَةٌ وَ مَوْضِعٌ وَ مَعْدِنٌ لِلْخِلَافَةِ وَ هُوَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ فَأَرَدْنَا أَنْ نَجْتَمِعَ عَلَيْهِ فَبَيَعَهُ ثُمَّ نَظَهَرَ مَعَهُ فَمَنْ كَانَ بَايَعَنَا فَهُوَ مِنَّا وَ كُنَّا مِنْهُ وَ مَنْ اعْتَرَلَنَا كَفَفْنَا عَنْهُ وَ مَنْ نَصَبَ لَنَا جَاهِدْنَا وَ نَصَبْنَا لَهُ عَلَى بَعْضِهِ وَ رَدَّهِ إِلَى الْحَقِّ وَ أَهْلِهِ وَ قَدْ أَحْبَبْنَا أَنْ نَعْرَضَ ذَلِكَ عَلَيْكَ فَتَدْخُلَ مَعَنَا فَإِنَّهُ لَا غِنَى بِنَا عَنْ مِثْلِكَ لِمَوْضِعِكَ وَ كَثْرَةِ شِيعَتِكَ فَلَمَّا فَرَّغَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَكَلُّكُمْ عَلَيَّ مِثْلَ مَا قَالَ عَمْرُو قَالَوا نَعَمْ فَحَمِدَ اللَّهُ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ صَيَّرَ عَلَيَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ آلِهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّمَا نَسَخْتُ إِذَا عُصِيَ اللَّهُ فَأَمَّا إِذَا أُطِيعَ رَضِينَا أَخْبِرْنِي يَا عَمْرُو لَوْ أَنَّ الْأُمَّةَ قَلَّدَتْكَ أَمْرَهَا وَ وَلَّتْكَ بِغَيْرِ قِيَالٍ وَ لَا مَوْنَةٍ وَ قِيلَ لَكَ وَ لَهَا مِنْ شَيْءٍ مَنْ كُنْتَ تَوَلَّيْتَهَا قَالَ كُنْتُ أَجْعَلُهَا سُورَى بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ قَالَ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ كُلَّهُمْ قَالَ نَعَمْ قَالَ بَيْنَ فُقَهَائِهِمْ وَ خِيَارِهِمْ قَالَ نَعَمْ قَالَ قُرَيْشٍ وَ غَيْرِهِمْ قَالَ نَعَمْ قَالَ وَ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ قَالَ نَعَمْ قَالَ أَخْبِرْنِي يَا عَمْرُو أَتَتَوَلَّى أَبَا بَكْرٍ وَ عَمْرُو أَوْ تَتَبَّرُ مِنْهُمَا قَالَ أَتَوَلَّاهُمَا فَقَالَ فَقَدْ خَالَفْتُهُمَا مَا تَقُولُونَ أَنْتُمْ تَتَوَلَّوْنَهُمَا أَوْ تَتَبَّرُونَ مِنْهُمَا قَالَوا تَتَوَلَّاهُمَا قَالَ يَا عَمْرُو إِنْ كُنْتَ رَجُلًا تَتَبَّرُ مِنْهُمَا فَإِنَّهُ يَجُوزُ لَكَ الْخِلَافُ عَلَيْهِمَا وَ إِنْ كُنْتَ تَتَوَلَّاهُمَا فَقَدْ خَالَفْتُهُمَا فَقَدْ عَهَدَ عَمْرُو إِلَى أَبِي بَكْرٍ فَبَايَعَهُ وَ لَمْ يُشَاوِرْ فِيهِ أَحَدًا ثُمَّ رَدَّهَا أَبُو بَكْرٍ عَلَيْهِ وَ لَمْ يُشَاوِرْ فِيهِ أَحَدًا ثُمَّ جَعَلَهَا عَمْرُو سُورَى بَيْنَ سِتِّتِهِ وَ أَخْرَجَ مِنْهَا جَمِيعَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ غَيْرَ أَوْلِيكَ السُّنَّةِ مِنْ قُرَيْشٍ وَ أَوْصِي فِيهِمْ شَيْئًا لَا أَرَاكَ تَرْضَى بِهِ أَنْتَ وَ لَا أَصِيحَابُكَ إِذْ جَعَلْتَهَا سُورَى بَيْنَ جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ قَالَ وَ مَا صَنَعَ قَالَ أَمَرَ صُهَيْبًا أَنْ يُصَيِّرَ لِي بِالنَّاسِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ أَنْ يُشَاوِرَ أَوْلِيكَ السُّنَّةِ لَيْسَ مَعَهُمْ أَحَدٌ إِلَّا ابْنُ عَمْرٍو يُشَاوِرُونَهُ وَ لَيْسَ لَهُ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ وَ أَوْصِي مَنْ بِحَضْرَتِهِ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ إِنْ مَضَتْ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغُوا أَوْ يَبَايَعُوا رَجُلًا أَنْ يَضْرِبُوا أَعْنَاقَ أَوْلِيكَ السُّنَّةِ جَمِيعًا فَإِنْ اجْتَمَعَ أَرْبَعَةٌ قَبْلَ أَنْ تَمُضِيَ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ وَ خَالَفَ اثْنَانِ أَنْ يَضْرِبُوا أَعْنَاقَ الْاِثْنَيْنِ أ

فَتَرَضُونَ بِهِذَا أَنْتُمْ فِيمَا تَجْعَلُونَ مِنَ الشُّورَى فِي جَمَاعِهِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ قَالُوا لَا ثُمَّ قَالَ يَا عَمْرُو دَعْ ذَا أَرَأَيْتَ لَوْ بَايَعْتَ صَاحِبَكَ
الَّذِي تَدْعُونِي إِلَيْهِ بَيْعَتِهِ ثُمَّ اجْتَمَعَتْ لَكُمْ أَلَمَةٌ فَلَمْ يَخْتَلَفْ عَلَيْكُمْ رَجُلَانِ فِيهَا فَأَفْضَتْكُمْ إِلَى الْمَشْرِكِينَ الَّذِينَ لَا يُسْلِمُونَ وَلَا
يُؤَدُّونَ الْجِزْيَةَ أَمْ كَانَ عِنْدَكُمْ وَعِنْدَ صَاحِبِكُمْ مِنَ الْعِلْمِ مَا تَسْتَبِيرُونَ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْمَشْرِكِينَ فِي حُرُوبِهِ
قَالَ نَعَمْ قَالَ فَتَضَيِّعْ مَاذَا قَالَ نَدَعُوهُمْ إِلَى الْأَسْلَامِ فَإِنْ أَبَوْا دَعَوْنَاهُمْ إِلَى الْجِزْيَةِ قَالَ وَإِنْ كَانُوا مَجُوسًا لَيْسُوا بِأَهْلِ الْكِتَابِ قَالَ
سَوَاءٌ قَالُوا وَإِنْ كَانُوا مُشْرِكِي الْعَرَبِ وَعَيْدَهُ الْأَوْثَانِ قَالُوا سَوَاءٌ قَالُوا أَخْبِرْنِي عَنِ الْقُرْآنِ تَقْرُؤُهُ قَالَ نَعَمْ قَالَ أَقْرَأْ «فَاتْلُوا الَّذِينَ لَا
يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا
الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» فَاسْتَبْنَاءَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَاسْتِرَاطَهُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ فَهُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يُؤْتُوا الْكِتَابَ سَوَاءٌ قَالَ
نَعَمْ قَالَ عَمَّنْ أَخَذْتَ ذَا قَالَ سَمِعْتُ النَّاسَ يَقُولُونَ قَالَ فَدَعُ ذَا فَإِنْ هُمْ أَبَوْا الْجِزْيَةَ فَقَاتَلْتَهُمْ فَظَهَرَتْ عَلَيْهِمْ كَيْفَ تَضَيِّعُ بِالْغَنِيمَةِ
قَالَ أَخْرَجَ الْخُمْسَ وَأَقْسَمَ أَرْبَعَهُ أَخْمَاسٍ بَيْنَ مَنْ قَاتَلَ عَلَيْهِ قَالَ أَخْبِرْنِي عَنِ الْخُمْسِ مَنْ تُعْطِيهِ قَالَ حَيْثُمَا سَمِيَ اللَّهُ قَالَ فَقَرَأَ «وَ
اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ لِأَيِّمِي وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ» قَالَ الَّذِي لِلرَّسُولِ مَنْ
تُعْطِيهِ وَ مَنْ ذُو الْقُرْبَىٰ قَالَ قَدْ اِخْتَلَفَ فِيهِ الْفُقَهَاءُ فَقَالَ بَعْضُهُمْ قَرَابَةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ وَ قَالَ بَعْضُهُمْ الْخَلِيفَةُ وَ
قَالَ بَعْضُهُمْ قَرَابَةُ الَّذِينَ قَاتَلُوا عَلَيْهِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ قَالَ فَأَيُّ ذَلِكَ تَقُولُ أَنْتَ قَالَ لَا أَذْرِي قَالَ فَأَرَاكَ لَا تَدْرِي فَدَعُ ذَا ثُمَّ قَالَ أ
رَأَيْتَ الْأَرْبَعَةَ أَخْمَاسَ تَقْسِمُهَا بَيْنَ جَمِيعِ مَنْ قَاتَلَ عَلَيْهَا قَالَ نَعَمْ قَالَ فَقَدْ خَالَفتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي سِيرَتِهِ بَيْنِي وَ
بَيْنَكَ فُقَهَاءُ أَهْلِ الْمَدِينَةِ وَ مَشِيخَتُهُمْ فَاسْأَلُهُمْ فَإِنَّهُمْ لَا يَخْتَلِفُونَ وَ لَا يَتَنَازَعُونَ فِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّمَا صَالِحُ
الْأَعْرَابِ عَلَى أَنْ يَدْعَهُمْ فِي دِيَارِهِمْ وَ لَا يَهَاجِرُوا عَلَى أَنْ دَهَمَهُ مِنْ عِدُوِّهِ دَهْمٌ أَنْ يَسِيحُوا فِيهَا فَيَقَاتِلَ بِهِمْ وَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْغَنِيمَةِ
نَصِيبٌ وَ أَنْتَ تَقُولُ بَيْنَ جَمِيعِهِمْ فَقَدْ خَالَفتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي كُلِّ مَا قُلْتَ فِي سِيرَتِهِ فِي الْمَشْرِكِينَ وَ مَعَ هَذَا مَا
تَقُولُ فِي الصَّدَقَةِ فَقَرَأَ عَلَيْهِ آيَةَ: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا» إِلَى آخِرِ آيَةِ قَالَ نَعَمْ فَكَيْفَ تَقْسِمُهَا

قَالَ أَقْسَمُ بِهَا عَلَى ثَمَانِيهِ أَجْزَاءٍ فَأَعْطَى كُلَّ جُزْءٍ مِّنَ الثَّمَانِيَةِ جُزْءًا قَالَ وَ إِن كَانَ صِنْفٌ مِنْهُمْ عَشْرَةَ آلَافٍ وَ صِنْفٌ مِنْهُمْ رَجُلًا وَاحِدًا أَوْ رَجُلَيْنِ أَوْ ثَلَاثَةً جَعَلْتُ لِهَذَا الْوَاحِدِ مِثْلَ مَا جَعَلْتُ لِلْعَشْرَةِ آلَافٍ قَالَ نَعَمْ قَالَ وَ تَجْمَعُ صِدَقَاتِ أَهْلِ الْحَضَرِ وَ أَهْلِ الْبَوَادِي فَتَجْعَلُهُمْ فِيهَا سَوَاءً قَالَ نَعَمْ قَالَ فَقَدْ خَالَفْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي كُلِّ مَا قُلْتَ فِي سَبِّهِ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقْسِمُ صَدَقَةَ أَهْلِ الْبَوَادِي وَ أَهْلِ الْحَضَرِ فِي أَهْلِ الْحَضَرِ وَ لَا يَقْسِمُهُ بَيْنَهُمْ بِالسَّوِيَّةِ وَ إِنَّمَا يَقْسِمُهُ عَلَى قَدْرِ مَا يَحْضُرُهُ مِنْهُمْ وَ مَا يَرَى وَ لَيْسَ عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ شَيْءٌ مُوقَّتٌ مُوظَّفٌ وَ إِنَّمَا يَضَعُ ذَلِكَ بِمَا يَرَى عَلَى قَدْرِ مَنْ يَحْضُرُهُ مِنْهُمْ فَإِن كَانَ فِي نَفْسِكَ مِمَّا قُلْتَ شَيْءٌ فَالْتَقِ فَقَهَاءَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ فَإِنَّهُمْ لَا يَخْتَلِفُونَ فِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَذَا كَانَ يَضَعُ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى عَمْرٍو بْنِ عُبَيْدٍ فَقَالَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ وَ أَنْتُمْ أَيُّهَا الرَّهْطُ فَاتَّقُوا اللَّهَ فَإِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي وَ كَانَ خَيْرَ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ أَعْلَمَهُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ مَنْ ضَرَبَ النَّاسَ بِسَيْفِهِ وَ دَعَاهُمْ إِلَى نَفْسِهِ وَ فِي الْمُسْلِمِينَ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ فَهُوَ ضَالٌّ مُتَكَلِّفٌ. (١)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الکریم بن عتبہ ہاشمی روایت کردہ کہ گفت: در مکہ نزد حضرت امام جعفر صادق صلوات اللہ علیہ نشستہ بودم کہ ناگاہ گروہی از معتزلیان از جملہ عمرو بن عبید، واصل بن عطاء، حفص بن سالم (غلام ابن ہبیرہ) و گروہی از رؤسای آنان وارد شدند و در آن موقع، تازہ ولید بن عبد الملک اموی کشتہ شدہ بود و شامیان نیز در بین خود اختلاف داشتند.

آن افراد، شروع بہ سخن و سخنرانی کردند و بسیار آن را طول دادند.

حضرت امام جعفر صادق صلوات اللہ علیہ بہ آنان فرمود: شما چند نفری شروع بہ سخن با من کردید بسیار سخن گفتید، سخنان خود را بہ یکی از خودتان بسپارید و او نیز بہ طور کوتاہ دلیل ہا و سخنان شما را برایم بگوید.

آنها نیز عمرو بن عبید را بہ عنوان نمایندہ خود انتخاب کردند.

ص: ۴۱۵

وی شروع به سخن کرد و سخن بسیار گفت و کلامش طولانی شد. از جمله گفت: شامیان، خلیفه خود را کشتند و خداوند نیز بین آنها اختلاف انداخت و برخی را به وسیله برخی دیگر زد و در حکومت آنها تفرقه انداخت و آن را از هم گسیخت.

ما دقت کردیم و مردی را یافتیم که دین، عقل و تدبیر دارد و جایگاه و منبع راستین خلافت است و او محمد بن عبد الله بن حسن است. اراده کرده ایم که گرد او بیاییم و با او بیعت کنیم و به همراهش ظهور کنیم. آن گاه هر کس با ما بیعت کرد از ما باشد و ما از او، و هر کس از ما کناره بگیرد کاری به او نداشته باشیم و هر کس به مخالفت با ما برخیزد به جنگ او برویم و به خاطر این که به ما ستم کرده است با او مخالفت کنیم و او را به سوی حق و حقیقت و اهل آن بازگردانیم.

دوست داشتیم که این مطلب را بر تو نیز عرضه کنیم و تو نیز با ما باشی؛ چرا که ما از کسی مانند تو که دارای موقعیت اجتماعی عالی و پیروان فراوان هستی بی نیاز نیستیم.

پس از آن که سخنان عمرو تمام شد، حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: آیا همه شما در سخنانی که عمرو گفت با او هم عقیده هستید؟

همگی گفتند: آری!

آن گاه حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه حمد و ثنای الهی را به جای آورد و بر رسول الله صلی الله علیه و آله درود فرستاد و فرمود: ما، تنها هنگامی که معصیت خداوند صورت پذیرد خشمگین و غضبناک می شویم، ولی اگر او اطاعت بشود ما راضی هستیم.

ای عمرو! برای من بازگو کن که اگر امت، حکومت خود را به گردن تو بیندازد و بدون جنگ و خونریزی و سختی تو را حاکم خود گرداند و به تو گفته شود هر کس را می خواهی ولیعهد خود قرار بده، چه کسی را به ولایت عهدی خودت می رسانی؟

عمرو گفت: اگر چنین می شد، آن را در یک شورا بین مسلمانان قرار می دادم.

حضرت فرمود: بین تمام مسلمانان؟

عرض کرد: آری.

فرمود: بین فقیهان و برگزیدگان (بهترین افراد) امت؟

گفت: آری.

فرمود: قریش و غیر قریش؟

گفت: آری

فرمود: عرب و عجم؟

گفت: آری.

فرمود: ای عمرو! برای من بازگو کن که آیا ابا بکر و عمر را دوست می داری و آنها را ولی خود می دانی یا آن که از آن دو تن بیزاری می جویی؟

عمرو گفت: آنها را ولی خود می دانم.

حضرت فرمود: در واقع تو با آن دو تن مخالفت کرده ای. شما چه طور؟ آیا آن دو را ولی خود می دانید یا آن که از آنها بیزارید؟

گفتند: آنها را ولی خود می دانیم.

آن حضرت فرمود: ای عمرو! اگر تو مردی بودی که از آن دو بیزاری می جستی برایت جایز بود که برخلاف آنها رفتار کنی و به مخالفت شان برخیزی، و اگر مردی باشی که آنها را ولی خود می دانی به حقیقت، با آن دو نفر مخالفت کرده ای؛ عمر حکومت ابابکر را پذیرفت و با او بیعت کرد و در این زمینه با هیچ کس مشورت نکرد، و ابابکر نیز آن را به عمر سپرد و با کسی مشورت نکرد؛ آن گاه عمر خلافت را در شورا بین شش نفر قرار داد و تمام مهاجران و انصار غیر از آن شش تن که از قریش بودند، همه را بیرون کرد، و آنها نیز به گونه ای وصیت کرد که به نظر من، نه تو و نه اصحابت اگر شورایی بین مسلمانان قرار بدهید، به آن چیزی که عمر وصیت کرد راضی نخواهید شد و آن کار را انجام نخواهید داد.

عمرو گفت: مگر چه کار کرد؟

فرمود: به صهیب بن سنان، دستور داد تا سه روز با مردم نماز جماعت را به پا دارد، و آن شش نفر نیز در این سه روز با یکدیگر مشورت کنند و غیر از فرزند عمر با هیچ کس مشورت نکنند، ولی فرزند عمر نیز حق به حکومت رسیدن را نداشته باشد. به تمام مهاجران و انصاری که در حضور او بودند نیز وصیت کرد که اگر آن شش تن بیش از سه روز به مشورت خود ادامه دادند و در این مدت مشورتشان تمام نشد یا با یک نفر از خودشان بیعت نکردند، گردن تمام آن شش نفر را بزنند. هم چنین اگر چهار نفر از آن شش نفر پیش از تمام

شدن سه روز با یکدیگر هم نظر شدند، تنها گردن دو نفری را که با آن چهار نفر هم نظر نشده اند، بزند. آیا شما راضی به چنین چیزی هستید که در مورد شورایی که در مسلمانان می گذارید رفتار شود؟

همگی گفتند: نه.

آن گاه حضرت فرمود: ای عمرو! این را رها کن. به نظر تو اگر با دوستت - که مرا به بیعتش فرامی خوانی - بیعت کند، سپس امت نیز گرد شما بیایند و حتی دو نفر از امت نیز با شما مخالفت نکنند و پس از آن به سوی مشرکانی که اسلام نمی آورند و جزیه هم نمی پردازند سرازیر شوید (حمله کنید)، آیا شما و دوستان این علم و دانش را دارید که به سیره رسول الله صلی الله علیه و آله که در جنگ هایش با مشرکان داشت، رفتار کنید؟

گفت: آری.

فرمود: چه کار می کنید؟

گفت: آنها را به اسلام فرامی خوانیم و اگر سرپیچی کردند از آنها درخواست پرداخت جزیه می کنیم.

حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: اگر مجوسی (آتش پرست) باشند و اهل کتاب نباشند چه طور؟

گفت: فرقی ندارد.

فرمود: اگر مشرکان عرب و بت پرستان باشند چه طور؟

گفت: فرقی ندارد.

فرمود: برای من بگو بدانم آیا قرآن را قرائت می کنی؟

گفت: آری.

آن حضرت فرمود: بخوان: {کسانی را از اهل کتاب که به خدا و روز آخرت ایمان نیاورده اند و آن چه را خدا و رسولش حرام کرده اند نیز حرام نمی شمارند و به دین حق رفتار نمی کنند بکشید، تا آن گاه که (بپذیرند) جزیه را با دست خود و با خواری و کوچکی پردازند}. (سوره توبه آیه ۲۹)

آیا این که خداوند اهل کتاب را استثنا کرده و جزیه را در مورد آنها شرط نموده است، آیا اهل کتاب با غیر اهل کتاب مساوی هستند؟

گفت: آری.

فرمود: این را از چه کسی آموخته ای؟

گفت: از مردم شنیده ام که چنین می گویند.

حضرت فرمود: این را کنار بگذار (رها کن)؛ پس اگر غیر اهل کتاب نیز از پرداخت جزیه نیز سرپیچی کردند و به جنگ آنها رفتی و برایشان پیروز شدی، با غنیمت ها چه کار می کنی؟

گفت: یک پنجم آن را برمی گیرم و چهار قسمت دیگر را بین کسانی که همراه من جنگیده تقسیم می کنم.

فرمود: برای من بازگو کن بدانم که خمس را به چه کسانی می پردازی؟

گفت: همان گونه که خداوند فرموده است.

آن حضرت این آیه را تلاوت فرمود: ﴿و بدانید آن چه به غنیمت می گیرید، در واقع یک پنجم از آن برای خدا، رسول، ذی القربی (خویشاوندان او)، یتیمان، مسکینان، و در راه ماندگان است﴾. (سوره انفال آیه ۴۱)

آن گاه فرمود: آن که برای رسول است را به چه کسی می دهی و ذی القربی (خویشان رسول الله صلی الله علیه و آله چه کسانی هستند؟

عمرو بن عبید گفت: فقیهان در این مورد اختلاف کرده اند؛ برخی گفته اند که ذی القربی، خویشان و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند؛ و برخی می گویند که منظور، خلیفه است؛ برخی نیز می گویند که خویشان، جنگجویان مسلمانی هستند که به جنگ رفته اند.

حضرت فرمود: خود تو کدام یک را پذیرفته ای؟

گفت: نمی دانم.

فرمود: می بینم که نمی دانی، پس این سخنان را رها کن.

آن گاه فرمود: آیا به نظر تو، باید چهار قسمت باقی مانده غنیمت را بین تمام کسانی که در آن جنگ مبارزه و قتال شرکت کرده اند، تقسیم کنی؟

گفت: آری.

آن حضرت فرمود: تو با رسول الله صلی الله علیه و آله مخالفت کرده ای؛ بین من و تو، فقیهان مدینه و پیروان آن قضاوت کنند؛ از آنان پرس، هیچ یک اختلافی در این ندارند و با یکدیگر دعوی ندارند در این که رسول الله صلی الله علیه و آله با اعراب مصالحه کرد که در شهرهای خودشان بمانند و مجبور به مهاجرت نباشند، به شرط آن که اگر دشمنان فراوانی به آن

حضرت حمله کردند، از افراد آنها (اعراب مذکور) سپاه

ص: ۴۱۹

برگیرد و با کمک آنها به جنگ دشمنان پردازد، ولی سهم و نصیبی از غنیمت جنگی نداشته است؛ این همه در حالی است که تو می گویی بین همگی آنان تقسیم می کنم.

به تحقیق، تو با رسول الله صلی الله علیه و آله مخالفت کرده ای در تمام آن چه در مورد سیره رسول الله صلی الله علیه و آله نسبت به مشرکان گفتی، با آن حضرت مخالفت کرده ای؛ با این وجود (با این همه مخالفت ها) در مورد صدقه چه می گویی؟

عمر بن عبید، این آیه را قرائت کرد: {صدقات، تنها برای فقیران، مسکینان و کارمندان گرفتن صدقات... است}. (سوره توبه آیه ۶۰) تا آخر آیه زکات را تلاوت کرد.

آن حضرت فرمود: آری حالا چگونه آن را تقسیم می کنی؟

گفت: آن را هشت قسمت می کنم و به هریک از آن هشت گروه نیز یک قسمت را می پردازم.

فرمود: و اگر یک صنف از آن هشت صنف، ده هزار نفر باشند و صنف دیگر یک مرد یا دو مرد یا سه مرد، چه می کنی؟

آیا به این یک نفر، به اندازه آن ده هزار نفر می پردازی؟

گفت: آری.

حضرت فرمود: و (آیا) صدقات (زکات های) شهرنشینان و بادیه نشینان را گردآوری می کنی و همه را در آن یکسان می داری؟

گفت: آری.

فرمود: در همه آن چه به سیره رسول الله صلی الله علیه و آله نسبت دادی، با آن حضرت و سیره او مخالفت کردی. همیشه رسول الله صلی الله علیه و آله این گونه رفتار می کرد که صدقه بادیه نشینان را بین بادیه نشینان تقسیم می کرد و صدقه شهرنشینان را بین شهرنشینان تقسیم می فرمود، و همه این اموال را یکسان تقسیم نمی فرمود.

شیوه آن حضرت این بود که به اندازه هر کس نزد او حاضر می شد و صلاح می دانست تقسیم می فرمود و قانون و زمان خاصی در این مورد نگذاشته بود؛ تقسیم زکات، تنها به اندازه صلاح دید حضرت و به قدر کسانی از آنان انجام می شد که نزد آن حضرت حاضر می شدند.

اگر در مورد آن چه گفتم شکی داری، فقیهان اهل مدینه را ملاقات کن؛ آنها هیچ گونه اختلافی در این مورد ندارند که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، چنین رفتاری داشته است.

آن گاه حضرت و به عمرو بن عبید رو کرد و به او فرمود:

تقوای الهی پیشه کن (از خدا ترس) هم چنین شما ای گروه! از خدا بترسید.

به راستی پدرم که بهترین مردم روی زمین بود و از همه نسبت به کتاب خداوند عزّ و جلّ و سنت پیامبرش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ داناتر و عالم تر بود برایم حدیث کرد که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود:

هرکس با شمشیر خود مردم را بزند و آنان را به سوی خویش فراخواند، در حالی که در بین مسلمانان کسی عالم تر از او وجود داشته باشد، پس چنین شخصی گمراه است و خود را به زحمت انداخته است.

۳۸۶- مرد می تواند دزد را از خود و خانواده اش دفع کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ أَنَسِ أَوْ هَيْثِمِ بْنِ الْبَرَاءِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَلَّا يَدْخُلُ فِي بَيْتِي يُرِيدُ نَفْسِي وَ مَالِي قَالَ أَقْتُلْ فَأُشْهِدُ اللَّهَ وَ مَنْ سَمِعَ أَنَّ دَمَهُ فِي عُنُقِي. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از انس، یا هیثم بن براء روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه پرسیدم: اگر دزد به خانه ام بیاید و قصد جان من و ثروتم را داشته باشد، چه کار کنم؟

فرمود: او را بکش؛ خدا و هرکس را که شنید شاهد و گواه می گیرم که خونش به گردن من باشد (یعنی کشتن او جایز است).

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: إِذَا دَخَلَ عَلَيْكَ اللَّصُّ الْمُحَارِبُ فَأَقْتُلْهُ فَمَا أَصَابَكَ فَدَمُهُ فِي عُنُقِي. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: اگر دزد با حال جنگ بر تو وارد شد او را بکش، و اگر گرفتار شدی خونش را من به گردن می گیرم.

ص: ۴۲۱

۱- .الكافي ج ۵ ص ۵۱ ح ۱.

۲- .الكافي ج ۵ ص ۵۱ ح ۴.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي مَرْيَمَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ قُتِلَ دُونَ مَظْلَمَتِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ ثُمَّ قَالَ يَا أَيُّهَا مَرْيَمُ هَلْ تَدْرِي مَا دُونَ مَظْلَمَتِهِ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ الرَّجُلُ يُقْتَلُ دُونَ أَهْلِهِ وَدُونَ مَالِهِ وَأَشْبَاهِ ذَلِكَ فَقَالَ يَا أَبَا مَرْيَمِ إِنَّ مِنَ الْفَقْهِ عِرْفَانَ الْحَقِّ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابی مریم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود:

هر کس مظلومانه کشته شود شهید است. آن گاه حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: ای ابا مریم! آیا می دانی مظلومانه کشته شدن یعنی چه؟

عرض کردم: فدایت شوم! یعنی این که مردی در دفاع از خانواده اش و دارایی اش و نظیر این ها کشته شود.

فرمود: ای ابا مریم! بخشی از فقه، شناخت حقیقت است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الرَّجُلِ يُقَاتِلُ دُونَ مَالِهِ فَقَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الشَّهِيدِ قُلْتُ أَفْضَلُ أَوْ لَمْ يُقَاتِلْ قَالَ أَمَّا أَنَا لَوْ كُنْتُ لَمْ أَقَاتِلْ وَتَرَكْتُهُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسین بن ابی العلاء روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد مردی که به خاطر دفاع از ثروتش می جنگد (و کشتار می کند یا کشته می شود) پرسیدم.

فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: هر کس در دفاع از مالش کشته شود به منزله شهید است.

عرض کردم: آیا اگر بجنگد بهتر است یا اگر (به خاطر مال) نجنگد؟

فرمود: اگر من باشم، (به خاطر مال تنها) نمی جنگم (و دزد را نمی کشم) و او را رها می کنم.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنِ الرَّضَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ فِي السَّفَرِ وَمَعَهُ جَارِيَةٌ لَهُ فَيَجِيءُ قَوْمٌ يُرِيدُونَ أَخَذَ

ص: ۴۲۲

۱- . الكافي ج ۵ ص ۵۲ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۵۲ ح ۳.

حَيَارِيَّتِهِ أَيْمَنُ حَيَارِيَّتِهِ مَنْ أَنْ تُؤْخَذَ وَإِنْ خَافَ عَلَى نَفْسِهِ الْقَتْلَ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَ كَذَلِكَ الْأُمُّ وَالْبِنْتُ وَإِنَّهُ الْعَمُّ وَالْقَرَابَةُ يَمْنَعُهُنَّ وَإِنْ خَافَ عَلَى نَفْسِهِ الْقَتْلَ قَالَ نَعَمْ [قُلْتُ] وَ كَذَلِكَ الْمَالُ يُرِيدُونَ أَخْذَهُ فِي سَفَرٍ فَيَمْنَعُهُ وَإِنْ خَافَ الْقَتْلَ قَالَ نَعَمْ. (١)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از احمد بن محمد بن خالد از پدرش از یکی از روایان روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله علیه در مورد مردی که به سفر رفته است و کنیزی نیز با خود دارد پرسیدم که اگر گروهی بیایند و بخواهند آن کنیز را از او بگیرند، آیا باید از بردن کنیزش جلوگیری کند حتی اگر ترس جاننش را داشته باشد؟

فرمود: آری.

عرض کردم: اگر زن همراهش باشد نیز همین طور است؟

فرمود: آری.

عرض کردم: اگر مادرش، دخترش، دختر عمویش و زنی از بستگان نزدیکش همراهش باشد نیز همین طور است؟

فرمود: آری.

عرض کردم: مال و دارایی که در سفر به همراه دارد و می خواهند از او بستانند (اگر از کشته شدن خود بترسد) نیز همین طور است؟

فرمود: آری.

۳۸۸- فضیلت شهادت

۱- الشیخ الکلینی، بإسناده عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا كَانَ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَطْرَةٍ دَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (٢)

ص: ۴۲۳

۱- . الکافی ج ۵ ص ۵۲ ح ۴.

۲- . الکافی ج ۵ ص ۵۳ ح ۳.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو حمزه روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: به راستی حضرت امام سجاد صلوات الله علیه همیشه می فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید: هیچ قطره ای نزد خدای عز و جل دوست داشتنی تر از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود نیست.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: قيل للنبي صلى الله عليه وآله ما بال الشهيد لا يُفتن في قبره فقال [النبي] صلى الله عليه وآله كفى بالبارقة فوق رأسه فتنة. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: به رسول الله صلی الله علیه و آله عرض شد: چرا شهید در قبرش آزمایش نمی شود؟

فرمود: شمشیرها و برق آن ها بالای سرش (در زمان جنگ) برای آزمایش او کافی است.

۳۸۹- امر به معروف و نهی از منکر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن جابر عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: يكون في آخر الزمان قوم يتبع فيهم قوم مرءون يتفرعون ويتسكون خدائهم سيفهاء لا يوجبون أمراً بمعروف ولا نهياً عن منكر إلا إذا أمنوا الضرر يطلبون لأنفسهم الرخص والعماء الذين يتبعون زلات العلماء وفساد عملهم يقبلون على الصلاة والصيام وما لا يكلمهم في نفس ولا مال ولو أضرت الصلاة بسائر ما يعملون بأموالهم وأبدانهم لرفضوها كما رفضوا أسامي الفرائض وأشرفها إن الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فريضة عظيمة بها تقام الفرائض هنالك يتم غضب الله عز وجل عليهم فيعظم بعقابهم فيهلك الأبرار في دار الفجار والصغار في دار الكبار إن الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر سبيل الأنبياء ومنهاج الصالحاء فريضة عظيمة بها تقام الفرائض وتأمين المذاهب وتحل المكاسب وترد المظالم وتعمر الأرض وتتصف من الأعداء ويستقيم الأمر فأنكروا بقلوبكم والفظوا باللسان حتى صرخوا بها جباههم ولا تخافوا في الله لومة لائم فإن اتعظوا وإلى الحق رجعوا فلا سبيل عليهم: «إنما السبيل على الذين يظلمون الناس ويتبعون في الأرض بغير الحق أولئك لهم عذاب أليم» هنالك

ص: ۴۲۴

بَأْيِدَانِكُمْ وَابْغِضُوهُمْ بِقُلُوبِكُمْ غَيْرَ طَالِبِينَ سُلْطَانًا وَلَا بَاغِينَ مَالًا وَلَا مُرِيدِينَ بَطْلَمَ ظَفَرًا حَتَّى يَفِيئُوا إِلَى أَمْرِ اللَّهِ وَيَمْضُوا عَلَى طَاعَتِهِ قَالَ وَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى شُعَيْبِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنِّي مُعَذِّبٌ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شَرَارِهِمْ وَ سِتِّينَ أَلْفًا مِنْ خِيَارِهِمْ فَقَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَا رَبِّ هَؤُلَاءِ الْأَشْرَارُ فَمَا بَالُ الْأَخْيَارِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ دَاهَنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي وَ لَمْ يَعْصِبُوا لِعُصْبِي. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جابر روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: در آخر الزمان گروهی به وجود می آیند که در بین خود از فرقه ای پیروی می کنند که ریاکار، قاری قرآن، اهل انجام عبادات، دارای حالتی زهدگونه، تازه به دوران رسیده و سفیه و نادان اند. امر به معروف و نهی از منکر را واجب نمی دانند مگر در صورتی که از ضرری در امان باشند، برای خودشان رخصت و بهانه می جویند، و از لغزش های علما و بد عملی آن ها پیروی می کنند. به نماز و روزه و چیزهایی که به جاه و مال شان لطمه ای نزنند روی می آورند، و اگر نماز و دیگر کارهایی را که انجام می دهند نیز به مال و جان شان ضرری برساند، آن را هم همانند فریضه ها و واجبات بزرگ دیگری که ترک کردند، رها می کنند.

در واقع امر به معروف و نهی از منکر فریضه و واجب عظیم و بزرگی است که فرایض و واجبات، تنها با آنها برپا می شود.

این جاست که غضب الهی بر این افراد تمام و کامل می شود و همه را به کیفر خود گرفتار می کند و نیکان را نیز در سرزمین بدکاران، و کوچک ها را در سرزمین بزرگان هلاک و نابود می کند.

امر به معروف و نهی از منکر در حقیقت راه انبیا، روش روشن صالحان، و فریضه ای است بزرگ که فرایض با آن زنده و پابرجا می شود و مسلک های دین با آن ها (از بدعت ها) در امان می ماند، تجارت ها حلال می شود، آن چه به ستم گرفته شده باز می گردد و زمین آباد می شود و از دشمنان انتقام گرفته می شود و امور (دین و دنیا) به راه راست کشیده می شود.

پس، با دل های تان منکر و کار بد را انکار کنید و زشت بدانید، و با زبان های خود این مطلب را بگویید، و به شدت بر روی آن ها بزنید، و در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای مترسید.

پس اگر پند گرفتند و به حقّ بازگشتند دیگر اجازه آزار آنها را ندارید (و راهی نیست) بلکه: {اجازه تنها در مورد کسانی است که به مردم ستم می کنند، و در زمین به ناحق طلب و درخواست می کنند؛ عذابی دردناک برای اینان خواهد بود}.

(سوره شوری آیه ۴۲)

در چنین موردی با بدن های تان به جهاد با آنها پردازید، و با دل هایتان بر آنان خشم بگیرید، بدون این که در پی حکومت یابی باشید، و یا مالی را به ستم بگیرید یا بخواهید با ستمگری (و بدون عدالت) بر آنان پیروز شوید؛ این کار را بکنید تا به دستور الهی بازگردند و مشغول اطاعت و فرمانبرداری از او شوند.

خدای عزّ و جلّ به شعیب پیامبر علیه السّلام وحی کرد: من یکصد هزار نفر از قوم تو را عذاب می کنم، چهل هزار نفر از بدهایشان و شصت هزار نفر از بهترین های شان را.

شعیب علیه السّلام عرض کرد: ای پروردگار من! اینان اشرارند، ولی نیکان به چه سبب؟

خداوند عزّ و جلّ به او وحی فرمود: با معصیت کاران کنار آمدند و به خاطر خشم و غضب من، خشمگین نشدند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَرَفَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيَسْتَعْمَلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارَكُمْ فَيَدْعُو خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن عمر بن عرفه روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: تأکید می کنم که شما باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، و گرنه بدترین های شما بر شما گماشته می شوند و در چنین شرایطی نیکان شما دعا می کنند و مستجاب نمی شود.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي سَعِيدٍ الزُّهْرِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: بِئْسَ الْقَوْمُ قَوْمٌ يَعْيُونَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابی سعید زهری روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: آن قومی که امر به معروف و نهی از منکر را عیب بشمارند، چه بد مردمی هستند!

ص: ۴۲۶

۱- . الكافي ج ۵ ص ۵۶ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۵۷ ح ۵.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه: أمرنا رسول الله صلى الله عليه وآله أن نلقى أهل المعاصي بوجوه مكفهره. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سکونی گوید: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله عليه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله به ما دستور دادند که با معصیت کاران با چهره هایی عبوس (ترش رو) ملاقات کنیم.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن غياث بن إبراهيم قال: كان أبو عبد الله صلوات الله عليه إذا مرَّ بجماعه يختصه مومن لا يجوزهم حتى يقول ثلاثاً اتقوا الله يرفع بها صوته. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از غياث بن ابراهيم روايت کرده که گفت: شیوه حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه آن بود که هرگاه از کنار گروهی می گذشت که با یکدیگر مخاصمه و دعوا داشتند از نزد آنان نمی گذشت مگر آن که سه مرتبه با صدای بلند می فرمود: از خدا بترسید و تقوا پیشه کنید!

۶- الشيخ الكليني، بإسناده عن مسعدة بن صدقة قال سمعت أبا عبد الله صلوات الله عليه يقول: و سئل عن الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر أوجب هو على الأمة جميعاً فقال لا فليل له ولم قال إنما هو على القوي المطاع العالم بالمعروف من المنكر لا على الضعيف الذي لا يهتدي سبيلاً إلى أي من أي يقول من الحق إلى الباطل والدليل على ذلك كتاب الله عز وجل قوله «ولتكن منكم أمة يدعون إلى الخير ويأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر» فهذا خاص غير عام كما قال الله عز وجل: «ومن قوم موسى أمة يهدون بالحق وبه يعدلون» ولم يقل على أمة موسى ولا على كل قومه وهم يومئذ أمة مختلفه وأمة واحدة فصاعداً كما قال الله عز وجل «إن إبراهيم كان أمة قانتاً لله» يقول مطيعاً لله عز وجل وليس على من يعلم ذلك في هذه الهدنه من حرج إذا كان لا قوة له ولا عذر ولا طاعة قال مسعدة و سمعت أبا عبد الله صلوات الله عليه يقول و سئل عن الحديث الذي جاء عن النبي

ص: ۴۲۷

۱- الكافي ج ۵ ص ۵۸ ح ۱۰.

۲- الكافي ج ۵ ص ۵۹ ح ۱۲.

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ كَلِمَةُ عَيْدِلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ مَا مَعْنَاهُ قَالَ هَيْدَا عَلَيَّ أَنْ يَأْمُرَهُ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ وَهُوَ مَعَ ذَلِكَ يُقْبَلُ مِنْهُ وَإِلَّا فَلَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از مسعده بن صدقه روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که از حضرتش پرسیده شد: آیا امر به معروف و نهی از منکر بر همه واجب است؟
فرمود: نه.

عرض شد: چرا؟

فرمود: تنها بر شخص توانا و نیرومندی که از او اطاعت کنند و بپذیرند واجب است که معروف و نیک را بشناسد و از منکر تشخیص بدهد، نه بر ناتوان ضعیفی که را خودش هدایت نشده است و مردم را از حق به باطل می برد.

دلیل براین مطالب نیز در کتاب خداوند عزّ و جلّ آمده است که می فرماید: ﴿و باید از میان شما گروهی باشند که دعوت و فراخوان به کار خیر کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند﴾. (سوره آل عمران آیه ۱۰۴)

پرواضح است که این معنا، خاص است و عام نیست. چنان که خداوند عزّ و جلّ می فرماید: ﴿و از قوم موسی امت (و گروهی) بودند که (مردم را) به حقیقت هدایت و راهنمایی می کردند و بین آنان حق و عدالت را اجرا می کردند﴾. (سوره اعراف آیه ۱۵۸)

و نفرمود: «بر امت موسی»؛ و نفرمود: «بر تمام قوم موسی»، که در آن هنگام امت های گوناگون بودند، در حالی که امت به معنای یک نفر و بیش از آن آمده است، آن جا که خداوند عزّ و جلّ می فرماید: ﴿در واقع ابراهیم یک امت بود و از خداوند اطاعت می کرد﴾. (سوره نحل آیه ۱۱۹)

می فرماید: او نسبت خداوند عزّ و جلّ مطیع بود. البتّه در این زمان که ما با ستم کاران در حال صلح و آتش بس هستیم بر دانایی اگر توان ندارد و بهانه ای ندارد و کسی نیز از او فرمان نمی برد حرجی نیست و لازم نیست.

ص: ۴۲۸

مسعده گوید: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد این حدیث که از رسول الله صلی الله علیه و آله وارد شده است: در واقع، با فضیلت ترین جهاد، سخن عدلی است که نزد پیشوایی جائز و ستمگر گفته شود، پرسیده شد.

شنیدم که آن حضرت فرمود: معنای این سخن چنین است که وقتی فهمید به آن جائز دستور بدهد (و امر به حق کند)، به شرطی که او نیز بپذیرد، و گرنه چنین رفتار نکند.

۷- قال رسول الله صلی الله علیه و آله فی حدیث: لا أمر بمعروف ولا نهی عن منکر إلا مع إمام معصوم. (۱)

رسول الله صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمودند: هیچ امر به معروف و نهی از منکری جز با حضور امام معصوم تحقق نمی یابد.

۳۹۰- انکار کردن کار منکر و زشت با قلب

۱- الشيخ الكلینی، بإسناده عن یحیی الطویل صاحب المنقری عن أبي عبد الله صلوات الله علیه قال: حسب المؤمن عزاً إذا رأى منكراً أن يعلم الله عزّ وجلّ من قلبه إنكاره. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یحیی طویل صاحب منقری روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: برای عزت مؤمن همین بس که وقتی منکری را مشاهده کرد، خداوند عزّ و جلّ انکار قلبی او را بداند.

۲- الشيخ الكلینی، بإسناده عن یحیی الطویل صاحب المنقری قال قال أبو عبد الله صلوات الله علیه: إنما يؤمر بالمعروف و ينهى عن المنکر مؤمنٌ فیتعظ أو جاهلٌ فیتعلم و أما صاحب سوطٍ أو سیفٍ فلا. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یحیی طویل صاحب منقری روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: امر به معروف و نهی از منکر تنها در این مورد می تواند باشد: یا مؤمن را امر

ص: ۴۲۹

۱- الإحتجاج (للطبرسی) ج ۱ ص ۶۵ ح ۳۲.

۲- الکافی ج ۵ ص ۶۰ ح ۱.

۳- الکافی ج ۵ ص ۶۰ ح ۲.

و نهی می کنند و پند می گیرند، یا ناآگاه را امر و نهی می کنند و یاد می گیرند، و در مورد تازیانه به دست یا شمشیر به دست نه (نباید امر و نهی کرد).

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن مفضل بن يزيد عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: قال لي يا مفضل من تعرض لسلطان جائر فأصابته بليته لم يؤجر عليها ولم يرزق الصبر عليها. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از مفضل بن یزید روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه به من فرمود: ای مفضل! هرکس با سلطان ستمگری رویارویی کرد (و متعرضش شد) و گرفتار بلا و مصیبت گشت اجر و ثوابی برای این کار به دست نمی آورد و صبر و شکیبایی بر آن بلا نیز روزی او نمی شود!

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن محفوظ الأسكاف قال: رأيت أبا عبد الله صلوات الله عليه رمى جمره العقبه وانصرف فمشيت بين يديه كالمطرق له فإذا رجل أضيف عمركي قد أدخل عوده في الأرض شبه السابح و ربطه إلى فسطاطه و الناس و قوف لا يقدرون على أن يمروا فقال له أبو عبد الله صلوات الله عليه يا هذا اتق الله فإن هذا الذي تضيئه ليس لك قال فقال له العمركي أما تريد أن تذهب إلى عمرك لا يزال المكلف الذي لا يدرى من هو يجيبني فيقول يا هذا اتق الله قال فرفع أبو عبد الله صلوات الله عليه بخطام بعير له مقطورا فطأ رأسه فمضى وتركه العمركي الأسود. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محفوظ اسکاف روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه را دیدم که به جمره عقبه سنگ زد و رفت و من نیز در برابر آن حضرت می رفتم و راه را باز می کردم؛ ناگاه مردی زردپوست عمرکی را دیدم که چوبی را همانند چوب ماهی گیری در زمین فرو کرده و آن را (با ریسمانی) به خیمه اش بسته است و مردم ایستاده اند و نمی توانند از آنجا بگذرند.

حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه به او فرمود: ای شخص! از خدا بترس! تو حق این کار را نداری.

آن شخص به حضرت گفت: نمی توانی دنبال کار خودت بروی؟ پیوسته کسانی که معلوم نیست کیستند می آیند و به من دستور می دهند و می گویند: ای شخص! از خدا بترس!

ص: ۴۳۰

۱- . الكافي ج ۵ ص ۶۰ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۶۱ ح ۵.

راوی گوید: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه زمام شتر را کشید و سر مبارک خود را تکان داد و رفت (و از پاسخ دادن به آن مرد شقی، خودداری کرد).

۳۹۱- امر به معروف و نهی از منکر در باره خانواده

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ الْمَعْلَى مَوْلَى آلِ سَيِّمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةٌ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» جَلَسَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَبْكِي وَقَالَ أَنَا عَجَزْتُ عَنْ نَفْسِي كَلَّفْتُ أَهْلِي فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَسْبُكَ أَنْ تَأْمُرَهُمْ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسَكَ وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ نَفْسَكَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الاعلی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هنگامی که این آیه نازل شد که می فرماید {ای کسانی که ایمان آوردید! خود و خانواده تان را از آتش حفظ کنید}. (سوره تحریم آیه ۶) مردی از مسلمانان نشست و شروع به گریه کرد و گفت: من در مورد خودم ناتوان بودم (چگونه) خانواده ام را به تکلیف وادارم!؟

رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: همین که آنان را به چیزی دستور دهی که خودت را به آن دستور می دهی کافی است و همین که از چیزهایی که خودت را بازمی داری، آنها را نهی کنی کفایت می کند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي بَصِيرٍ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» قُلْتُ كَيْفَ أَقِيهِمْ قَالَ تَأْمُرُهُمْ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَاَهُمُ اللَّهُ فَإِنْ أَطَاعُوكَ كُنْتَ قَدْ وَقَيْتَهُمْ وَإِنْ عَصَوْكَ كُنْتَ قَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر گوید: از حضرتش در مورد آیه ای که می فرماید: {خود و خانواده تان را از آتش حفظ کنید}. (سوره تحریم آیه ۶) پرسیدم، گفتم: چگونه خانواده ام را حفظ کنم؟

فرمود: هرچه را که خدا دستور داده است به آنها دستور بدهی، و از هر آن چه که خداوند نهی کرده است نیز بازشان بداری. اگر از تو اطاعت کردند، آنها را حفظ کرده ای و اگر اطاعت نکردند نیز وظیفه ات را انجام داده ای.

ص: ۴۳۱

۱- . الكافي ج ۵ ص ۶۲ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۶۲ ح ۲.

۳۹۲- کسی که به خاطر جلب رضایت مخلوق، خالق را خشمگین کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن جابر عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ طَلَبَ مَرْضَاهُ النَّاسَ بِمَا يُسِيخُطُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ كَمَا كَانَ حَامِدُهُ مِنَ النَّاسِ دَائِمًا وَمَنْ آثَرَ طَاعَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِمَا يُغْضِبُ النَّاسَ كَفَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَدَاوَةَ كُلِّ عَدُوٍّ وَحَسَدَ كُلِّ حَاسِدٍ وَبَغَى كُلِّ بَاغٍ وَكَانَ اللَّهُ لَهُ نَاصِرًا وَظَهِيرًا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جابر روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بخواهد خشنودی مردم را با چیزی که موجب خشم و غضب خداوند عز و جل است به دست آورد، آن کسی که (از مردم) باید او را ستایش کند مذمتش می کند.

و هر کس اطاعت خداوند عز و جل را بر چیزی که موجب خشم مردم می شود ترجیح بدهد، خداوند عز و جل او را از دشمنی هردشمن، حسادت هر حسود و ستم هرستمگر در امان می دارد و خداوند یاور و پشتیبان او خواهد بود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَرْضَى سُلْطَانًا بِسَخَطِ اللَّهِ خَرَجَ عَنِ دِينِ الْإِسْلَامِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر کس سلطانی را با خشمگین ساختن خداوند، راضی و خشنود کند از دین اسلام خارج شده است.

۳۹۳- کراهت دست زدن مؤمن به کاری که طاقت آن را ندارد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَمَاعَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يُدِلَّ نَفْسَهُ أَلَمْ تَسْمَعْ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» فَالْمُؤْمِنُ يَتَّبِعِي أَنْ يَكُونَ عَزِيزًا وَلَا يَكُونُ ذَلِيلًا يُعِزُّهُ اللَّهُ بِالْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ. (۳)

ص: ۴۳۲

۱- . الكافي ج ۵ ص ۶۲ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۶۳ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۶۳ ح ۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: خداوند عز و جل تمامی کارهای مؤمن را به خودش سپرده است، ولی این اجازه را به او نداده است که خود را خوار و ذلیل کند؛ مگر نشینده ای که خداوند عز و جل می فرماید: {عزّت، تنها برای خدا و رسولش و مؤمنان است}. (سوره منافقون آیه ۷)

بنابراین، شایسته و صحیح است که مؤمن عزیز باشد و ذلیل نگردد. خداوند، او را با ایمان و اسلام عزیز می گرداند.

۲- الشيخ الكليني، باسناده عن داود الرقي قال سمعت أبا عبد الله صلوات الله عليه يقول: لا ينبغي للمؤمن أن يذل نفسه قيل له وكيف يذل نفسه قال يتعرض لِمَا لَا يُطِيقُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از داوود رقی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: شایسته نیست مؤمن خویشتن را ذلیل و خوار کند.

گفته شد: مگر چگونه خویش را ذلیل و خوار می گرداند؟

فرمود: دست به کاری بزند که توان و طاقت انجامش را ندارد.

ص: ۴۳۳

۱- الكافي ج ۵ ص ۶۳ ح ۴.

۳۹۴- میزان وجوب اقتدا به امامان صلوات الله عليهم در طلب رزق و روزی

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِنَّ مُحَمَّدَ بْنَ الْمُنْكَدِرِ كَانَ يَقُولُ مَا كُنْتُ أَرَى أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا يَدْعُ خَلْفًا أَفْضَلَ مِنْهُ حَتَّى رَأَيْتُ إِثْنَهُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فَأَرَدْتُ أَنْ أَعْطَهُ فَوَعظَنِي فَقَالَ لَهُ أَصِيحَابُهُ بِأَيِّ شَيْءٍ وَعَظَّكَ قَالَ خَرَجْتُ إِلَى بَعْضِ نَوَاحِي الْمَدِينَةِ فِي سَاعَةِ حَارِّهِ فَلَقِينِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَكَانَ رَجُلًا بَادِنًا ثَقِيلًا وَهُوَ مُتَكِيٌّ عَلَى غُلَامَيْنِ أَسْوَدَيْنِ أَوْ مَوْلَيْنِ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي سُبْحَانَ اللَّهِ شَيْخٌ مِنْ أَشْيَاحِ قُرَيْشٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا أَمَا لِمَا عَظَّنَهُ فَمَدَنُوهُ مِنْهُ فَمَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيَّ السَّلَامَ بِنَهْرٍ وَهُوَ يَتَصَابُ عَرَفًا فَقُلْتُ أَصِيحَابُكَ اللَّهُ شَيْخٌ مِنْ أَشْيَاحِ قُرَيْشٍ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا أَرَأَيْتَ لَوْ جَاءَ أَجْلُكَ وَ أَنْتَ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ مَا كُنْتَ تَصْنَعُ فَقَالَ لَوْ جَاءَنِي الْمَوْتُ وَ أَنَا عَلَى هَذِهِ الْحَالِ جَاءَنِي وَ أَنَا فِي [طَاعَةٍ مِنْ] طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَكْفُ بِهَا نَفْسِي وَ عِيَالِي عَنْكَ وَ عَنِ النَّاسِ وَ إِنَّمَا كُنْتُ أَخَافُ أَنْ لَوْ جَاءَنِي الْمَوْتُ وَ أَنَا عَلَى مَعْصِيَةِ اللَّهِ فَقُلْتُ صَدَقْتَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ أَرَدْتُ أَنْ أَعْظَكَ فَوَعظَنِي. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الرحمان بن حججاج روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: محمد بن منکر می گفت: هیچ گاه گمان نمی کردم که حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما فرزندی بهتر از خود داشته باشد و جانشین او باشد، تا آن گاه که پسرش حضرت محمد بن علی صلوات الله علیهما را دیدم و خواستم او را پند دهم، ولی او مرا پند داد.

دوستانش گفتند: چه پندی به تو داد؟

گفت: در ساعتی از روز که بسیار گرم بود به یکی از نواحی مدینه رفتم و حضرت ابو جعفر محمد بن علی صلوات الله علیهما مرا دید. آن حضرت مرد فربه و سنگین بود و بر دو نوجوان سیاه یا دو غلام تکیه کرده بود. با خود گفتم: سبحان الله! چرا یکی از بزرگان قریش در این ساعت گرم از روز با این حالت در پی کسب دنیا می رود؟ باید او را نصیحت کنم.

ص: ۴۳۴

نزدیک او رفتم و بر او سلام کردم و پاسخم را در حالی که نفس نفس می زد (و به سختی) فرمود و عرق از سر و رویش جاری بود. گفتم: خدا خیرت بدهد! (چه طور) یکی از بزرگان قریش در این ساعت گرم و سوزان با این حال به طلب دنیا آمده است؟ اگر در این حالی که داری عمرت به پایان برسد، چه کار می کنی؟

فرمود: اگر در این حالت مرگ به سراغم بیاید، در حالی آمده است که من به اطاعت خداوند مشغول هستم و خودم و خانواده ام را از تو و مردم بی نیاز می گردانم، من تنها از این بیم دارم که وقتی مرگ به سراغم می آید در حال انجام یکی از معصیت های الهی باشم.

گفتم: راست می گویی؛ خدا تو را رحمت کند! من خواستم تو را پند دهم، ولی تو مرا نصیحت کردی.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الفضل بن أبي قرة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: كان أمير المؤمنين صلوات الله عليه يضرب بالمرء ويستخرج الأرضين وكان رسول الله صلى الله عليه وآله يمض النوى بفيه و يغرسه فيطلع من ساعته وإن أمير المؤمنين صلوات الله عليه أعتق ألف مملوك من ماله و كد يده. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از فضل بن ابی قره روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه زمین را بیل می زد، و آن را گود می کرد؛ رسول الله صلی الله علیه و آله نیز هسته ها را با آب در دهان مبارکش خیس می کرد و در زمین می کاشت، و همان ساعت سبز می شد.

حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه هزار برده را از مال خود و با دسترنج خویش آزاد کرد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الأعلى مولى آل سام قال: استقبلت أبا عبد الله صلوات الله عليه في بعض طرق المدينة في يوم صائف شديد الحر فقلت جعلت فداك حالك عند الله عز وجل و قرابتك من رسول الله صلى الله عليه وآله و أنت تُجهد لنفسك في مثل هذا اليوم فقال يا عبد الأعلى خرجت في طلب الرزق لأستغني عن مثلك. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الاعلی غلام آل سام روایت کرده که گفت: در روز گرم و سوزان و در یکی از راه های مدینه به استقبال حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه رفتم و عرض کردم:

ص: ۴۳۵

۱- . الکافی ج ۵ ص ۷۴ ح ۲.

۲- . الکافی ج ۵ ص ۷۴ ح ۳.

جانم فدای شما شود! با وجود (ارزش و مقام و) حالتی که نزد خداوند عزّ و جلّ و خویشاوندی که با رسول الله صلی الله علیه و آله داری، باز هم این گونه خود را در چنین روز گرمی به زحمت و رنج می افکنی؟

فرمود: ای عبد الاعلی! برای کسب رزق و روزی بیرون آمده ام، تا از امثال تو بی نیاز شوم.

۳۹۵- کمترین مقدار کار برای طلب رزق و روزی

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سيدير قال: قلت لأبي عبد الله صلوات الله عليه أي شيء على الرجل في طلب الرزق فقال إذا فتحت بابك و بسطت بساطك فقد قضيت ما عليك. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سدیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: کم ترین کاری که مردم برای کسب روزی لازم است انجام دهند، چیست؟

فرمود: این که در مغازه ات را بگشایی و بساطت را بگستری؛ در این صورت به وظیفه ات عمل کرده ای.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الطيار قال: قال لي أبو جعفر صلوات الله عليه أي شيء تعالج أي شيء تصنع فقلت ما أنا في شيء قال فخذ بيتاً و اكنس فناه و رشه و أبسط فيه بساطاً فإذا فعلت ذلك فقد قضيت ما وجب عليك قال فقدمت ففعلت فرزقت. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از طیار روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه به من فرمود: چه راهی را پیش گرفته ای؟ چکار می کنی؟

گفتم: کاری نمی کنم.

فرمود: مغازه ای تهیّه کن و جلوی آن را تمیز کن و آب بپاش و بساطی در آن جا بگستران. اگر این را انجام دادی، وظیفه ای را که بر تو واجب است انجام داده ای.

راوی گوید: من این کار را انجام دادم و رزق و روزی نصیبم شد.

۳۹۶- کراهت خوابیدن و بی کاری

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن يونس بن يعقوب عمّن ذكره عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: كثرة النوم مذهب للدين و الدنيا. (۳)

ص: ۴۳۶

۱- . الكافي ج ۵ ص ۷۹ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۷۹ ح ۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یونس بن یعقوب از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: خواب بسیار، دین و دنیا را می برد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبْغِضُ كَثْرَةَ النَّوْمِ وَكَثْرَةَ الْفَرَاغِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: به راستی که خداوند عز و جل زیاد خوابیدن و زیاد بی کار بودن را دشمن می دارد.

۳۹۷- کراهت کسلی و تنبلی

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن القداح عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: عَدُوُّ الْعَمَلِ الْكَسَلُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن قداح روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: دشمن کار، تنبلی و کسالت است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن سعيد بن أبي خلف عن أبي الحسن موسى صلوات الله عليه قال قال أبي صلوات الله عليه ليُبْغِضَ وُلْدُهُ: إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِكَ مِنْ حَظِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سعد بن ابی خلف روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمود: پدرم صلوات الله علیه به یکی از فرزندانش فرمود: از کسالت و تنبلی و بی حوصلگی برحذر باش که این دو تو را از بهره وری دنیا و آخرت باز می دارند.

ص: ۴۳۷

۱- . الكافي ج ۵ ص ۸۴ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۸۵ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۸۵ ح ۲.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: مَنْ آجَرَ نَفْسَهُ فَقَدْ حَظَرَ عَلَيَّ نَفْسَهُ الرِّزْقَ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى وَ كَيْفَ لَا يَحْظُرُهُ وَ مَا أَصَابَ فِيهِ فَهُوَ لِرَبِّهِ الَّذِي آجَرَهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از مفضل بن عمر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: هر کس خویش را اجاره بدهد از رزق و روزی خود جلوگیری کرده است.

و در روایت دیگری نیز آمده است:

و چگونه روزی خود را ممنوع نکرده باشد در حالی که هر چه به دست بیاورد برای کسی است که خود را به او اجاره داده است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابنِ سنانٍ عن أبي الحسنِ صلوات الله عليه قال: سألتُهُ عن الأجاره فقال صالح لا بأس به إذا نصح قدرَ طاقته قد آجر موسى عليه السلام نفسه واشترط فقال إن شئتُ ثمانى وإن شئتُ عشرًا فأنزل الله عزَّ وجلَّ فيه «أن تأجرني ثمانى حججٍ فإن أتممتَ عشرًا فمن عندك». (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه در مورد اجیر شدن پرسیدم.

فرمود: خوب است و اشکالی ندارد به شرطی که به قدر طاقت خودش را اجاره بدهد، حضرت موسی علیه السلام نیز خود را اجاره داد، ولی شرط کرد و گفت: اگر می خواهی هشت سال و اگر می خواهی ده سال؛ خداوند عز و جل در این مورد وحی فرستاد: {که هشت سال در اجاره او باش و اگر ده سال را به پایان رساندی از خودت باشد}. (سوره قصص آیه ۲۸)

ص: ۴۳۸

۱- الكافي ج ۵ ص ۹۰ ح ۱.

۲- الكافي ج ۵ ص ۹۰ ح ۲.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: تَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنْ غَلْبَةِ الدَّيْنِ وَ غَلْبَةِ الرَّجَالِ وَ بَوَارِ الأَيِّمِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الرحمن بن حجاج روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: از فراوانی بدهکاری و غلبه مردان و کمی زنان بی شوهر، به خدا پناه ببرید.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنَّهُ ذُكِرَ لَنَا أَنَّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ مَاتَ وَ عَلَيْهِ دِينَارَانِ دَيْنًا فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ قَالَ صَلُّوا عَلَيَّ صَاحِبِكُمْ حَتَّى ضَمِنَهُمَا [عَنْهُ] بَعْضُ قَرَابَتِهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ ذَلِكَ الْحَقُّ ثُمَّ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ لِيَتَّعِظُوا وَ لِيُرَدَّ بَعْضُهُمْ عَلَيَّ بَعْضٌ وَ لِيَنَالُوا بِشَيْءٍ تَخَفُوا بِالدَّيْنِ وَ قَدْ مَاتَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَيْهِ دَيْنٌ وَ مَاتَ الْحَسَنُ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِ دَيْنٌ وَ قُتِلَ الْحُسَيْنُ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِ دَيْنٌ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن وهب روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: برای ما گفته اند که مردی از انصار از دنیا رفت و دو دینار بدهکار بود و رسول الله صلی الله علیه و آله بر او نماز میت نخواند و فرمود: خودتان بر دوستتان نماز بخوانید؛ و سرانجام برخی از خویشان بدهی او را ضامن شدند.

حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: درست است.

آن گاه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله این کار را تنها بدان جهت انجام داد که آنها پند بگیرند و برخی (بدهی) دیگر را برگردانند و بدهی را سبک نشمارند. چرا که رسول الله صلی الله علیه و آله هنگام وفات بدهکاری داشت و حضرت امام حسن صلوات الله علیه و حضرت امام حسین صلوات الله علیه نیز چنین بودند.

ص: ۴۳۹

۱- . الكافي ج ۵ ص ۹۲ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۹۳ ح ۲.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبا محمد قال: سأل الرضا صلوات الله عليه رجلاً و أنا أسِمعُ فقال له جُعِلتُ فداك إن الله عزَّ و جَلَّ يقول: «و إن كان ذو عسيرة فنظره إلى ميسره» أخبرني عن هذه النظر التي ذكرها الله عزَّ و جَلَّ في كتابه لها حدُّ يعرف إذا صار هذا المعسر إليه لا بيدَّ له من أن ينتظر و قد أخذ مال هذا الرجل و أنفقَه على عياله و ليس له غلَّةٌ ينتظر إذراكها و لا دينٌ ينتظر محله و لا مالٌ غائبٌ ينتظر قدومه قال نعم ينتظر بقدر ما ينتهي خبره إلى الإمام فيقضيه عنه ما عليه من سبهم الغارمين إذا كان أنفقَه في طاعة الله عزَّ و جَلَّ فإن كان قد أنفقَه في معصية الله فلا شيء له على الإمام قلت فما لهذا الرجل الذي ائتمنه و هو لا يعلم فيما أنفقَه في طاعة الله أم في معصيته قال يسعى له في ماله فيرُدُّه عليه و هو صاغِرٌ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابا محمد روایت کرده که گفت: در حضور حضرت امام رضا صلوات الله عليه بودم که مردی از حضرتش پرسید و گفت: فدایت شوم! خداوند می فرماید: {و اگر تنگدست بود، به او مهلت بدهید تا زمانی که بتواند}. (سوره بقره آیه ۲۸۱)

درباره این مهلت که خداوند عزَّ و جَلَّ در کتاب خود بیان فرموده است برای من بیان بفرما که آیا حدی نیز دارد که تا وقتی این تنگدست به آن حد رسید ناچار باشد صبر کند و طلب خود را نگیرد با توجه به این که این شخص مال طلبکار را گرفته و خرج خانواده خود کرده و خانه و زمین یا غلامی هم ندارد که استفاده آن را بگیرد و طلبی نیز از کسی ندارد که منتظر دریافت آن باشد و مال و ثروتی نیز در جایی دیگر ندارد که منتظر رسیدن آن باشد؟

فرمود: آری، به قدری که خبر این جریان به گوش امام برسد و بدهکاری او را از سهم زکات بدهکاران (ورشکستگان) بپزدازد. این در صورتی است که آن را در راه اطاعت خدا مصرف کرده باشد؛ ولی اگر در راه معصیت الهی به مصرف رسانده باشد، امام در مورد پرداخت آن وظیفه ای ندارد.

گفتم: حالا این مردی که بر او اعتماد کرده و به او قرض داده است نمی دانست که آیا به مصرف طاعت الهی می رساند یا در معصیت خرج می کند، چکار کند؟ او چه گناهی دارد؟

فرمود: باید اموال او را بفروشد و با خواری از او بگیرد.

ص: ۴۴۰

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن القَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ قَالَ: إِيَّاكُمْ وَ الدَّيْنَ فَإِنَّهُ مَذْلَلَةٌ بِالنَّهَارِ وَ مَهْمَةٌ بِاللَّيْلِ وَ قَضَاءٌ فِي الدُّنْيَا وَ قَضَاءٌ فِي الآخِرَةِ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابن قَدَّاحِ روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از پدران بزرگوارش صلوات الله عليهم نقل می کند که حضرت مولا- علی صلوات الله علیه فرمود: از قرض گرفتن پرهیزید؛ چرا که قرض گرفتن در روز موجب خواری و ذلت است و در شب نیز مشکل و اندوهی است، و هم در دنیا باید بدهکاری پرداخت شود و هم در جهان آخرت.

۴۰۰- پرداخت بدهکاری

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: مَنْ كَانَ عَلَيْهِ دَيْنٌ فَيُنَوِي قَضَاءَهُ كَانَ مَعَهُ مِنَ اللَّهِ عِزٌّ وَ جَلٌّ حَافِظَانِ يُعِينَانِهِ عَلَى الأَدَاءِ عَنْ أَمَانَتِهِ فَإِنْ قَصُرَتْ بَيْتُهُ عَنْ الأَدَاءِ قَصُرَا عَنْهُ مِنَ المَعُونَةِ بِقَدْرِ مَا قَصُرَ مِنْ بَيْتِهِ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حسن بن علی بن رباط روایت کرده که: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: هر کس بدهکار باشد و قصد پرداخت آن را داشته باشد، از جانب خداوند عزّ و جلّ دو محافظ و نگاهبان برای او قرار داده می شود که برای پرداخت بدهی اش کمکش کنند و این کار را به خاطر امانت داری او انجام می دهند.

ولی اگر خیلی به فکر بدهی اش نباشد کم تر کمکش می کنند همان قدر که در تصمیم او نسبت به پرداخت بدهی اش، کاستی وجود دارد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: الدَّيْنُ ثَلَاثَةٌ رَجُلٌ كَانَ لَهُ فَأَنْظَرَ وَ إِذَا كَانَ عَلَيْهِ فَأَعْطَى وَ لَمْ يَمُطْلُ فَذَاكَ

ص: ۴۴۱

۱- . الكافي ج ۵ ص ۹۵ ح ۱۱.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۹۵ ح ۱.

لَهُ وَلَا عَلَيْهِ وَرَجُلٌ إِذَا كَانَ لَهُ اسْتِئْوَفَى وَإِذَا كَانَ عَلَيْهِ فَذَاكَ لَا لَهُ وَلَا عَلَيْهِ وَرَجُلٌ إِذَا كَانَ لَهُ اسْتِئْوَفَى وَإِذَا كَانَ عَلَيْهِ مَطَّلَ فَذَاكَ عَلَيْهِ وَلَا لَهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: قرض سه نوع است:

کسی که اگر طلبکار باشد مهلت بدهد، و اگر بدهکار باشد بپردازد و امروز و فردا نکند؛ چنین شخصی سود می برد.

کسی که اگر طلب کار باشد آن را طلب کند (مهلت ندهد) و هنگامی که بدهکار باشد نیز بپردازد؛ چنین شخصی نیز حق خود را گرفته و به ضررش نیست.

کسی که اگر طلب کار باشد آن را طلب کند (مهلت ندهد)، ولی اگر بدهکار باشد، امروز و فردا کند، چنین شخصی به ضررش تمام می شود و به حق رفتار نکرده است.

۴۰۱- کسی که قرض کند ولی قصد پرداخت بدهی نداشته باشد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الغفار الجازي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سألتُه عن رجل مات وعليه دين قال إن كان أتي على يديه من غير فساد لم يؤاخذه الله [عليه] إذا علم بيته [الأداء] إلا من كان لا يريد أن يؤدى عن أمانته فهو بمنزلة السارق وكذلك الزكاة أيضاً وكذلك من استحل أن يذهب بمهور النساء. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الغفار جازی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: کسی که مرده است و بدهی دارد.

فرمود: اگر آن را در راه باطل مصرف نکرده باشد و خدا بداند که او قصد پرداخت داشته است، او را مجازات نخواهد کرد؛ مگر کسی که قصد پرداخت آن را نداشته است که چنین فردی همانند دزد است.

زکات نیز به همین شکل است. هم چنین کسی که عدم پرداخت مهریه زنان را نیز برای خود حلال می داند به همین صورت است.

ص: ۴۴۲

۱- الكافي ج ۵ ص ۹۷ ح ۹.

۲- الكافي ج ۵ ص ۹۹ ح ۱.

۴۰۲- مردی که ساختمان یا کشتی را کرایه می کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ سَهْلٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الرَّجُلِ يَتَكَرَّرُ مِنَ الرَّجُلِ الْبَيْتَ وَالسَّفِينَةَ سَنَةً أَوْ أَكْثَرَ أَوْ أَقَلَّ قَالَ كِرَاهٌ لِأَنَّهُ لَا يَزِمُ إِلَى الْوَقْتِ الَّذِي تَكَرَّرَهُ إِلَيْهِ وَالْخِيَارُ فِي أَخْذِ الْكِرَاءِ إِلَى رَبِّهَا إِنْ شَاءَ أَخَذَ وَإِنْ شَاءَ تَرَكَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن سهل از پدرش روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه پرسیدم: مردی خانه و کشتی را از مردی برای مدت یک سال یا کمتر یا بیشتر کرایه می کند.

فرمود: کرایه اش تا زمانی که بر سر آن قرارداد کرده اند، لازم الاجراست و اختیار در مورد گرفتن کرایه با صاحب خانه و کشتی است، اگر خواست می گیرد و اگر نخواست نمی گیرد.

۴۰۳- کسی که بدون بینه (شاهد گرفتن یا نوشتن) مالی را قرض بدهد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عِمْرَانَ بْنِ أَبِي عَاصِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: أَرْبَعَةٌ لَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعْوَةٌ أَحَدُهُمْ رَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَدَّاهُ بِغَيْرِ بَيْنَةٍ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَلَمْ آمُرَكَ بِالشَّهَادَةِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمران بن ابی عاصم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: دعای چهار نفر مستجاب نمی شود: یکی از آنها کسی است که مالی داشته است و آن را بدون بینه (شاهد یا نوشتن) به کسی قرض داده باشد (دعای این شخص برای برگشتن مالش مستجاب نمی شود). خدای متعال می فرماید: مگر تو را مأمور نکرده بودیم که شاهد بگیری.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: مَنْ ذَهَبَ حَقُّهُ عَلَى غَيْرِ بَيْنَةٍ لَمْ يُؤْجَرْ. (۳)

ص: ۴۴۳

۱- . الكافي ج ۵ ص ۲۹۲ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۲۹۸ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۲۹۸ ح ۳.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر کس حقش بدون آن که بینه (شاهد و نوشته) از دستش برود، اجر و پاداشی ندارد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ الْجَلَّابِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: إِذَا كَانَ الْجَوْرُ أَغْلَبَ مِنَ الْحَقِّ لَمْ يَجَلِّ لِأَحَدٍ أَنْ يَظُنَّ بِأَحَدٍ خَيْرًا حَتَّى يَعْرِفَ ذَلِكَ مِنْهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از هارون بن جلاب روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: هر زمانی که جور و ستم از حقیقت بیشتر و شایع شده باشد، برای هیچ کس حلال نیست که به کسی گمان نیک ببرد تا آن گاه که از او خیر و نیکی را مشاهده کند.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن زَكَرِيَّا بْنِ إِبرَاهِيمَ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي حَدِيثٍ لَهُ أَنَّهُ قَالَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ مَنْ إِتَمَّنَ غَيْرَ مُؤْتَمَّنٍ فَلَا حُجَّةَ لَهُ عَلَى اللَّهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زکریا بن ابراهیم در حدیث مرفوعه ای روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر کس به فردی که امانت دار نیست اعتماد کند و امانت را بسپارد، حجتی در پیشگاه خدا ندارد.

۴۰۴- کار برای پادشاه و گرفتن جایزه و پاداش او

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ عُدَايِرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَا عُدَايِرُ إِنَّكَ تُعَامِلُ أَبَا أَيُّوبَ وَالرَّبِيعَ فَمَا حَالُكَ إِذَا نُودِيَ بِحُكِّكَ فِي أَعْوَانِ الظَّالِمِ قَالَ فَوَجَمَ أَبِي فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ لَمَّا رَأَى مَا أَصَابَهُ أَيْ عُدَايِرُ إِنَّمَا خَوْفُكَ بِمَا خَوَّفَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ قَالَ مُحَمَّدٌ فَقَدِمَ أَبِي فَلَمْ يَزَلْ مَعْمُومًا مَكْرُوبًا حَتَّى مَاتَ. (۳)

ص: ۴۴۴

۱- . الكافي ج ۵ ص ۲۹۸ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۲۹۸ ح ۳.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۱۰۵ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن عذافر روایت کرده که گفت: پدرم گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه به من فرمود: ای عذافر! تو با ایوب و ربیع کار می کنی؛ چه حالی داری وقتی تو را (در قیامت) جزو یاران ستمگر ندا دهند؟

محمد گوید: پدرم بسیار اندوهگین شد و گلویش را بغض گرفت و از سخن گفتن باز ایستاد.

حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه با مشاهده این حالت او فرمود: ای عذافر! من تنها تو را از چیزی ترساندم که خداوند مرا از آن ترسانیده است.

محمد گوید: پدرم از آن زمان پیوسته غمگین و بدحال بود، تا از دنیا رفت.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن أبي حمزة قال: كان لي صديق من كتاب بني أمية فقال لي إسمتأذن لي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه فاستأذنت له عليه فأذن له فلما أن دخل سلمت و جلست ثم قال جعلت فداك إنني كنت في ديوان هؤلاء القوم فأصابت من دنياهم مالا كثيرا و أغمضت في مطالبه فقال أبو عبد الله صلوات الله عليه لو لا أن بني أمية وجدوا من يكتب لهم و يجبي لهم الفياء و يقابل عنهم و يشهد جماعتهم لما سلبونا حقتنا و لو تركهم الناس و ما في أيديهم ما وجدوا شيئا إلا ما وقع في أيديهم قال فقال الفتى جعلت فداك فهل لي مخرج منه قال إن قلت لك تفعل قال أفعل قال له فأخرج من جميع ما اكتسبت في ديوانهم فمن عرفت منهم رددت عليه ماله و من لم تعرف تصدقت به و أنا أضمن لك على الله عز و جل الجنة قال فأطرق الفتى رأسه طويلا- ثم قال قد فعلت جعلت فداك قال ابن أبي حمزة فرجع الفتى معنا إلى الكوفة فما ترك شيئا على وجه الأرض إلا أخرج منه حتى ثيابه التي كانت على بدنه قال فقسمت له قسمة و اشتريتنا له ثيابا و بعثنا إليه بنفقة قال فما أتى عليه إلا أشهر قلائل حتى مرض فكننا نعوذه قال فدخلت عليه يوما و هو في السوق قال ففتيح عينيه ثم قال لي يا علي و في لي و الله صاحبك قال ثم مات فتولينا أمره فخرجت حتى دخلت على أبي عبد الله صلوات الله عليه فلما نظر إلي قال يا علي و فينا و الله لصاحبك قال فقلت صدقت جعلت فداك هكذا و الله قال لي عند موته. (۱)

ص: ۴۴۵

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن ابی حمزه روایت کرده که گفت: دوستی داشتم که کاتب دربار بنی امیه بود و به من گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه برای من اجازه ملاقات بگیر.

من نیز برایش اجازه گرفتم. هنگامی که آمد، سلام کرد و نشست و گفت: قربانت گردم! من در دیوان (دفترداری) این گروه بوده ام و ثروت فراوانی از آن ها به دست آورده ام و این موضوع برایم مشکل شده است. (نظر شما در این مورد چیست؟)

فرمود: اگر بنی امیه نویسندگانی که برای آن ها بنگارد پیدا نمی کرد و کسانی را در اختیار نداشتند که مالیات برایشان بگیرد و گردآوری کند و برایشان بجنگد و مخالفان را بکشد و در اجتماعات شان شرکت کند (و سپاهی لشکرشان باشد) به هیچ وجه نمی توانستند حق ما را غصب کنند، و اگر مردم آن ها را با مال و ثروت و امکاناتشان رها می کردند، بنی امیه نیز چیزی را - جز آن چه (امکاناتی) در دست داشتند - به خود نمی دیدند.

آن جوان گفت: قربانت گردم! آیا راهی برای جبران این کار دارم؟

فرمود: اگر بگویم بدان عمل خواهی کرد؟

عرض کرد: عمل خواهم کرد.

فرمود: از هرچه در اثر شغلی که داشتی به دست آورده ای بدین صورت خارج شو، هر کدام که صاحبش را می شناسی به او بازگردان و هر کس را نمی شناسی از جانبش صدقه بده، و (اگر این کار را بکنی) من نزد خداوند عزّ و جلّ ضامن تو برای بهشت هستم.

علی بن حمزه گوید: آن جوان مدّت زیادی سرش را پایین انداخت، آن گاه گفت: قربانت گردم! حتماً به دستور شما عمل می کنم.

ابن ابی حمزه می افزاید: آن جوان با ما به کوفه بازگشت و هرچه بر روی زمین داشت حتی پیراهن خود را که به تن داشت به صاحبانش یا به فقرا داد؛ و من نیز از هریک از دوستان مقصداری پول برایش جمع کردم و برایش پیراهن خریدیم و خرجی برایش فرستادیم، سرانجام پس از گذشت چند ماه بیمار شد و ما نیز به عیادت او رفتیم.

روزی نزد او رفتم و دیدم در حال جان کندن است، چشمانش را گشود، سپس به من گفت: ای علی! به خدا سوگند! دوستت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه به وعده اش وفا کرد.

آن گاه از دنیا رفت. ما امور کفن و دفن او را انجام دادیم و من به خدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شرف یاب شدم.

آن حضرت به من فرمود: ای علی! به خدا سوگند! به وعده ای که به دوستت داده بودیم وفا کردیم.

من نیز گفتم: جانم فدای شما باد! به خدا سوگند! همین سخن را هنگام مرگش به من گفتم.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير قال: سألت أبا جعفر صلوات الله عليه عن أعمالهم فقال لي يا أبا محمد لا ولا مده قلم إن أحدهم لا يصيب من دنياهم شيئاً إلا أصابوا من دينه مثله أو قال حتى يصيبوا من دينه مثله. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابوبصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه در مورد کار برای بنی امیه پرسیدم.

فرمود: ای ابا محمد! نه (کار برای آنان درست نیست) نه حتی یک بار قلم را کشیدن (یا در جوهر زدن) درست نیست، هیچ گاه از کارگزاران آنان مقداری از دنیا را از آنان به دست نمی آورد مگر آن که همانند آن از دینش بر می گیرند.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن أبي يعفور قال: كنت عند أبي عبد الله صلوات الله عليه إذ دخل عليه رجل من أصحابنا فقال له أصلحك الله إنه ربما أصاب الرجل منا الضيق أو الشدة فيدعى إلى البناء بينه أو النهر يكرهه أو المسناه يصلحها فما تقول في ذلك فقال أبو عبد الله صلوات الله عليه ما أحب أني عقدت لهم عقده أو وكيت لهم وكاء وإن لي ما بين لابتيها لا ولا مده بقلم إن أعوان الظلمة يوم القيامة في سرادق من نار حتى يحكم الله بين العباد. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن ابی یعفور روایت کرده که گفت: در محضر حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بودم که یکی از دوستان آمد و عرض کرد: خداوند امور شما را اصلاح گرداند! گاهی یکی از دوستان ما دچار تنگدستی یا مشکل شدیدی می شود و او را برای ساختن ساختمان، یا احداث نهر آب، یا تعمیر و اصلاح چیزی دعوت می کنند؛ نظر شما در این کار چیست؟

ص: ۴۴۷

۱- . الكافي ج ۵ ص ۱۰۶ ح ۵.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۱۰۷ ح ۷.

فرمود: من حتی دوست نمی دارم که برای آنان یک گره بزیم، یا یک کوک به پارچه آنها بزیم، و حتی یک کشیدن قلم بر کاغذ (یا زدن قلم در دوات) را قبول ندارم.

در واقع یاران ستمگران در روز قیامت در خیمه ای از آتش خواهند بود تا خداوند بین بندگان حکم کند (آن گاه به حساب اینان رسیدگی کند).

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ دَاوُدَ بْنِ زُرَيْبٍ قَالَ أَخْبَرَنِي مَوْلَى لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا قَالَ: كُنْتُ بِالْكُوفَةِ فَقَدِمَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَجِئْتُ لَهُ فَبَدَأْتُ بِمُحَاوَلَةِ أَنْ أُجِزَ بِأَخِي أَوْ بِبَعْضِ هَوَالِيهِ فَأَذْخَلَ فِي بَعْضِ هَوَالِيهِ مَا كُنْتُ لَأَفْعَلَ قَالَ فَأَنْصَرَفْتُ إِلَى مَنْزِلِي فَتَفَكَّرْتُ فَقُلْتُ مَا أَحْسَبُهُ مَنَعَنِي إِلَّا مَخَافَةَ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أُجُورَ وَاللَّهِ لَا تَبِيْنَهُ وَ لَمَّا عَطِيْنَهُ الطَّلَاقَ وَالْعِتَاقَ وَالْأَيْمَانَ الْمَغْلَظَةَ أَلَّا أَظْلِمَ أَحِيْدًا وَلَا أُجُورَ وَلَا أُعِيْدَنَّ قَالَ فَأَتَيْتُهُ فَقُلْتُ جِئْتُكَ بِمَخَافَةٍ فِي إِبَائِكَ عَلَيَّ فَظَنَنْتُ أَنَّكَ إِنَّمَا مَنَعْتَنِي وَ كَرِهْتَ ذَلِكَ مَخَافَةَ أَنْ أُجُورَ أَوْ أَظْلِمَ وَ إِنِّي كُنتُ لَأَمْرًا لِي طَالِقٌ وَ كُلُّ مَمْلُوكٍ لِي حُرٌّ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ إِنِّي ظَلَمْتُ أَحِيْدًا أَوْ جُزْتُ عَلَيْهِ وَ إِنِّي لَمُ أَعِيْدُ قَالَ كَيْفَ قُلْتَ قَالَ فَأَعِيْدْتُ عَلَيْهِ الْأَيْمَانَ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ تَنَاوَلُ السَّمَاءَ أَيْسَرُ عَلَيْكَ مِنْ ذَلِكَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از داود بن زریبی یکی از غلامان حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما روایت کرده که گفت: من در کوفه بودم و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه به شهر حیره تشریف آورد و من نیز خدمت ایشان رفتم و عرض کردم: جانم فدای شما شود! ای کاش با داود بن علی، یا یکی از این ها گفت و گو می کرد تا در برخی از این کارها وارد می شدم.

فرمود: من چنین نخواهم کرد.

من به خانه برگشتم و با خود گفتم: گمان نمی کنم دلیل این کار حضرت چیزی جز ترس از این که من بر کسی ستم یا جور کنم، باشد، به خدا سوگند! نزد او می روم و پیمان طلاق و آزاد کردن بردگان قرار می دهم و پیمان های بزرگ می بندم که به کسی ظلم و جور روا ندارم، و به عدالت رفتار کنم.

نزد آن حضرت رفتم و گفتم: جانم فدای شما باد! من در مورد این که از آن خواسته من خودداری فرمودید فکر کردم، و به این نتیجه رسیدم که شما تنها بدین سبب مرا باز داشتید و از این کار خوشتان نیامد که ترس

ص: ۴۴۸

آن می رفت که من جور و ستم روا دارم، حالا با شما پیمان می بندم که اگر به کسی جور یا ستمی روا دارم، یا بی عدالتی کنم، همه زنانم طلاق داده، همه بردگانم آزاد باشند.

فرمود: چگونه؟

دوباره پیمان مذکور را بازگو کردم.

آن حضرت سر مبارک خود را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: به دست آوردن آسمان (یا رفتن به آن) برای از این کار آسان تر است.

۶- الشيخ الكليني، بإسناده عن جهم بن حميد قال: قال لي أبو عبد الله صلوات الله عليه أ ما تعشى سلطان هؤلاء قال قلت لا قال ولم قلت فراراً بديني قال فعزمت على ذلك قلت نعم فقال لي الآن سلم لك دينك. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جهم بن حمید روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه به من فرمود: آیا به سلطنت این افراد وارد نمی شوی؟

عرض کردم: نه.

فرمود: چرا؟

عرض کردم: می خواهم دینم را بردارم و فرار کنم.

فرمود: تصمیم جلدی برای این کار داری؟

گفتم: آری.

به من فرمود: اکنون دینت برای سالم می ماند.

۷- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن عتبة عن بعض أصحابنا عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: حق على الله عز وجل أن تصيروا مع من عشتم معه في دنياه. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن عقبه از یکی از اصحاب ما روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حق خداوند عز و جل است که شما به همراه کسانی باشید که در دنیایش (و منافع دنیوی) با او زندگی کرده اید.

١- . الكافي ج ٥ ص ١٠٨ ح ١٠.

٢- . الكافي ج ٥ ص ١٠٩ ح ١٤.

۸- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: كُنْتُ قَاعِدًا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَى بَابِ دَارِهِ بِالْمَدِينَةِ فَظَنَرُ إِلَى النَّاسِ يَمُرُونَ أَفْوَاجًا فَقَالَ لِيُغْضَ مَنْ عِنْدَهُ حَدَّثَ بِالْمَدِينَةِ أَمْرًا فَقَالَ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَوَلِيَّ الْمَدِينَةِ وَالِ فَعَدَا النَّاسُ يُهْتَنُونَ فَقَالَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيُعْذَى عَلَيْهِ بِالْأَمْرِ تَهْنَأُ بِهِ وَإِنَّهُ لَبَابٌ مِنْ أَبْوَابِ النَّارِ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از محمد بن مسلم گوید: در کنار درب خانه حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه در مدینه در کنار آن حضرت نشسته بودم، و آن حضرت مردم را دید که گروه گروه می روند، به همین جهت از یکی از کسانی که در کنارش بود پرسید: آیا در مدینه اتفاق جدیدی افتاده است؟

گفت: جانم به فدای شما! والی جدیدی برای مدینه آمده است و مردم برای تبریک به نزدش می روند.

فرمود: به راستی که این فرد والی که مردم نزد او می روند تا تبریک بگویند به طور حتم یکی از درهای آتش (جهنم) است.

۴۰۵- شرط امامان صلوات الله عليهم برای اجازه کار در دستگاه حکومتی

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زِيَادِ بْنِ أَبِي سَلَمَةَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ لِي يَا زِيَادُ إِنَّكَ لَتَعْمَلُ عَمَلَ السُّلْطَانِ قَالَ قُلْتُ أَجَلُ قَالَ لِي وَ لِمَ قُلْتُ أَنَا رَجُلٌ لِي مَرْوَةٌ وَ عَلَيَّ عِيَالٌ وَ لَيْسَ وَرَاءَ ظَهْرِي شَيْءٌ فَقَالَ لِي يَا زِيَادُ لِمَ أَنْ سَيُقَطُّ مِنْ خِيَالِي فَمَا تَقَطُّعُ قِطْعَةً قِطْعَةً أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَوَلَّى لِأَخِي مِنْهُمْ عَمَلًا أَوْ أَطَأَ بِسَاطِ أَحَدِهِمْ إِلَّا لِمَا ذَا قُلْتُ لَا أَدْرِي جُعِلَتْ فِدَاكَ فَقَالَ إِلَّا لِتَفْرِجَ كُرْبَهُ عَنْ مُؤْمِنٍ أَوْ فَكَّ أَسِيرِهِ أَوْ قَضَاءِ دِينِهِ يَا زِيَادُ إِنَّ أَهْوَنَ مَا يَصْنَعُ اللَّهُ بِمَنْ تَوَلَّى لَهُمْ عَمَلًا أَنْ يُضْرَبَ عَلَيْهِ سِرَادِقٌ مِنْ نَارٍ إِلَى أَنْ يَفْرُغَ اللَّهُ مِنْ حِسَابِ الْخَلَائِقِ يَا زِيَادُ فَإِنْ وُلِّيتَ شَيْئًا مِنْ أَعْمَالِهِمْ فَأَحْسِنْ إِلَى إِخْوَانِكَ فَوَاحِدَةٌ بِوَاحِدَةٍ وَ اللَّهُ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ يَا زِيَادُ أَيُّمَا رَجُلٍ مِنْكُمْ تَوَلَّى لِأَخِي مِنْهُمْ عَمَلًا ثُمَّ سَاوَى بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ فَقُولُوا لَهُ أَنْتَ مُتَّحِلٌ كَذَابٌ يَا زِيَادُ إِذَا ذَكَرْتَ مَقْدُرَتَكَ عَلَى النَّاسِ فَادْكُرْ مَقْدُرَةَ اللَّهِ عَلَيْكَ عَدَاً وَ نَفَاداً مَا أَتَيْتَ إِلَيْهِمْ عَنْهُمْ وَ بَقَاءً مَا أَتَيْتَ إِلَيْهِمْ عَلَيْكَ. (۲)

ص: ۴۵۰

۱- . الكافي ج ۵ ص ۱۰۷ ح ۶.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۱۰۹ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زیاد بن ابی سلمه روایت کرده که گفت: نزد حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه رفتم و آن حضرت فرمود: ای زیاد! آیا واقعیت دارد که تو جزو کارگزاران حکومت هستی!؟

عرض کردم: آری.

فرمود: چرا!؟

عرض کردم: من مردی اهل بخشش و جوان مردی هستم و نان خورهایی هم دارم و سرمایه ای هم ندارم.

فرمود: ای زیاد! اگر از کوه افراشته ای پرت شوم و پاره پاره گردم، برای من دوست داشتنی تر از این است که کار یکی از این ها را انجام دهم، یا بساطی برای یکی از اینان بگستریم (اگر گفتی) مگر برای چه چیز؟

عرض کردم: جانم به فدایت! نمی دانم؟

فرمود: مگر برای رفع گرفتاری مؤمنی، یا آزاد کردن او از بند و یا برآوردن حاجتش.

ای زیاد! راحت ترین مجازاتی که خداوند در مورد کسانی که کارگزار این ها شود اجرا می کند آن است که او را در خیمه ای از آتش قرار می دهد تا از حساب خلائق (در قیامت) فارغ شود.

ای زیاد! اگر کارگزار اینان شدی، کاری را برایشان انجام دادی در مقابل احسان به برادران مؤمنت قرار بده، و خداوند متصدی این (مقابله کارها با احسان) است (و احسان تو را جبران آن کارها قرار دهد).

ای زیاد! هر کدام از شما که کارگزار یکی از این پادشاهان شد و کاری برایشان انجام داد، آن گاه شما و آنان را یکسان دانست، به او بگویید: تو خود را به دین بسته ای و دروغ گو هستی.

ای زیاد! اگر به یادت آمد که زورت به مردم می رسد، به یاد آور که خداوند نیز فردای قیامت زورش به تو می رسد، و به یاد آور که هر چه بر سر آنها بیاوری می گذرد و تمام می شود، ولی گناهِش برای خودت می ماند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن يقطين: قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مَا تَقُولُ فِي أَعْمَالِ هَؤُلَاءِ قَالَ إِنْ كُنْتَ لَا بُدَّ فَاعِلًا فَاتَّقِ أَمْوَالَ الشَّيْعَةِ قَالَ فَأَخْبَرَنِي عَلِيُّ أَنَّهُ كَانَ يَجْبِيهَا مِنَ الشَّيْعَةِ عَلَانِيَةً وَيُرُدُّهَا عَلَيْهِمْ فِي السَّرِّ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن یقطين روایت کرده که گفت: به حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه عرض کردم: در مورد کار برای اینان (حکومت بنی العباس) چه نظری دارید؟

فرمود: اگر ناچار هستی که انجام بدهی، مراقب اموال شیعیان باش.

(راوی گوید): علی بن یقظین به من گفت که اموال شیعیان را به طور آشکار گردآوری می کردم، ولی به طور مخفیانه باز می گرداندم.

۳- الشیخ الكلینی، بإسناده عن الحسن بن الحسين الأتباری عن أبي الحسن الرضا صلوات الله عليه قال: كتبت إليه أربع عشرة سنة أسيتأذنه في عميل السلطان فلما كان في آخر كتاب كتبت إليه أذكر أنني أخاف على خبط عنقي وأن السلطان يقول لي إنك رافضي ولسنا نشك في أنك تركت العميل للسلطان للرفض فكتب إلي أبو الحسن صلوات الله عليه قد فهمت كتابك وما ذكرت من الخوف على نفسك فإن كنت تعلم أنك إذا وليت عملت في عملك بما أمر به رسول الله صلى الله عليه وآله ثم تصير أعوانك وأهل ملتك فإذا صار إليك شيء وأسيت به فقراء المؤمنين حتى تكون واحدا منهم كان ذا بزدا وإلا فلا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسن بن حسین انباری روایت کرده که گفت: در طول چهارده سال به حضرت امام رضا صلوات الله علیه نامه می نوشتم و از آن حضرت اجازه ورود به دستگاه حکومتی را می خواستم. سرانجام در آخرین نامه ای که نوشتم، بیان کردم که از این می ترسم گردنم را بزنند، و شاه به من می گوید که تو رافضی هستی و شکی نداریم که به جهت شیعه بودن از کار در دستگاه حکومتی خودداری می کنی.

حضرت امام رضا صلوات الله علیه برای من نوشت: آن چه در نامه نوشته ای فهمیدم، و متوجه ترس ات بر جانت شدم. اگر می دانی که در صورت پذیرش کارهای حکومتی به دستور رسول الله صلی الله علیه و آله رفتار می کنی، و از سوی دیگر، دست یارانت و نویسندگان نیز از اهل ملت (یعنی شیعیان) خواهند بود، و اگر چیزی به دست رسید بین فقرا مؤمن تقسیم خواهی کرد تا در اثر بخشش هایت خودت نیز مانند دیگر شیعیان (از نظر سطح درآمد و سرمایه) گردی؛ این کار خوب و پسندیده است، و در غیر این صورت نه.

ص: ۴۵۲

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينِ وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الْمُؤْمِنَ الْمُحْتَرِفَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: به راستی خداوند عز و جل صاحب حرفه ای را که امانت دار باشد، دوست می دارد.

در روایت دیگری آمده است:

به راستی خداوند مؤمن صاحب حرفه را دوست می دارد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابْنِ فَضَّالٍ قَالَ: سَمِعْتُ رَجُلًا يَسْأَلُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ إِنِّي أُعَالِجُ الدَّقِيقَ وَ أَيْبِعُهُ وَ النَّاسُ يَقُولُونَ لَا يَتَّبِعِي فَقَالَ لَهُ الرَّضَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ مَا بِأَسْهُ كُلُّ شَيْءٍ مِمَّا يَبَاعُ إِذَا اتَّقَى اللَّهَ فِيهِ الْعَبْدُ فَلَا بِأَس. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن فضال روایت کرده که گفت: از مردی شنیدم که از حضرت امام رضا صلوات الله علیه سؤال می کرد و گفت: من آرد درست می کنم و می فروشم و مردم می گویند: این کار درست نیست.

حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمود: چه اشکالی دارد؟ هرچیز قابل فروشی را اگر بنده در آن تقوای الهی پیشه کند (و به احکام دین عمل کند) اشکالی در آن نیست.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَحَبَّرْتُهُ أَنَّهُ وُلِدَ لِي غُلَامٌ فَقَالَ أَلَا سَمَّيْتَهُ مُحَمَّدًا قَالَ قُلْتُ فَكَيْفَ فَعَلْتُ قَالَ فَلَا تَضْرِبْ مُحَمَّدًا وَ لَا تَسْبِئْهُ جَعَلَهُ اللَّهُ قُرَّةَ عَيْنٍ لَكَ فِي حَيَاتِكَ وَ خَلَفَ صِدْقٍ مِنْ بَعْدِكَ فَقُلْتُ جَعَلْتُ فِيمَا كَفَيْتَنِي فِي أَيْ الْأَعْمَالِ أَضْعَفُهُ قَالَ إِذَا عَدَلْتَهُ عَنْ خَمْسَةِ أَشْيَاءَ فَضَعْفُهُ حَيْثُ شِئْتُمْ لَا تُسَلِّمُهُ صِيْرَفِيًّا فَإِنَّ الصَّيْرَفِيَّ لَا يَسَلِّمُ مِنَ الرَّبَا وَ لَا تُسَلِّمُهُ بِيَّاعِ الْأَكْفَانِ فَإِنَّ صَاحِبَ الْأَكْفَانِ يَسْرُهُ

ص: ۴۵۳

۱- . الكافي ج ۵ ص ۱۱۳ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۱۱۴ ح ۳.

الْوَبَاءُ إِذَا كَانَ وَلَا تُسَلِّمُهُ بَيْعَ الطَّعَامِ فَإِنَّهُ لَا يَسْلَمُ مِنَ الْإِحْتِكَارِ وَلَا تُسَلِّمُهُ جَزَارًا فَإِنَّ الْجَزَارَ تُسَلِّبُ مِنْهُ الرَّحْمَهُ وَلَا تُسَلِّمُهُ نَخَاسًا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ النَّاسَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: به محضر حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه مشرف شدم و به آن حضرت عرض کردم که پسر دار شده ام.

فرمود: آیا نامش را محمد نگذاشته ای؟

عرض کردم: همین کار را کرده ام.

فرمود: پس محمد را مزین و او را دشنام مگوی، امیدوارم خداوند او را برای تو در زندگانی تو نور چشمانت قرار دهد و پس از مرگت نیز جانشین خوبی برایت گرداند.

گفتم: قربانت شوم! او را به چه کاری بگمارم.

فرمود: اگر او را از پنج چیز بازگرداندی، او را به هر کاری می خواهی بگمار، او را به دست صراف مسپار چون صراف از ربا در امان نمی ماند؛ به کفن فروش مسپار، چون کفن فروش از وبا (و بیماری واگیردار) اگر در بین مردم شایع شود خوشش می آید؛ و او را به فروشنده مواد غذایی نیز مسپار، چون چنین شخصی از احتکار در امان نیست و او را به قصاب نیز مسپار؛ زیرا او رحم را از دل او می برد، و او به دست برده فروش نیز مسپار، زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: بدترین مردم کسی است که مردم را بفروشد.

۴۰۷- درآمدهای حلال و حرام

۱- روی الشيخ الحسن بن علی، فی تحف العقول: سَيَأَلُ الصَّادِقَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ سَائِلٌ فَقَالَ كَمْ جِهَاتٍ مَعَايِشِ الْعِبَادِ الَّتِي فِيهَا الْاِكْتِسَابُ أَوْ التَّعَامُلُ بَيْنَهُمْ وَوُجُوهُ النَّفَقَاتِ فَقَالَ جَمِيعُ الْمَعَايِشِ كُلِّهَا مِنْ وُجُوهِ الْمُعَامَلَاتِ فِيمَا بَيْنَهُمْ مِمَّا يَكُونُ لَهُمْ فِيهِ الْمَكَاسِبُ أَرْبَعُ جِهَاتٍ مِنَ الْمُعَامَلَاتِ فَقَالَ لَهُ أ كُلُّ هَؤُلَاءِ الْأَرْبَعَةِ أَجْنَسٌ حَلَالٌ أَوْ كُلُّهَا حَرَامٌ أَوْ بَعْضُهَا حَلَالٌ وَبَعْضُهَا حَرَامٌ فَقَالَ قَدْ يَكُونُ فِي هَؤُلَاءِ الْأَجْنَسِ الْأَرْبَعَةِ حَلَالٌ مِنْ جِهَةٍ حَرَامٌ مِنْ جِهَةٍ وَهَذِهِ الْأَجْنَسُ مَسْمِيَاتٌ مَعْرُوفَاتُ الْجِهَاتِ فَأَوَّلُ هَذِهِ الْجِهَاتِ الْأَرْبَعَةِ الْوَلَايَةُ وَالتَّوَلِيَةُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَأَوَّلُ الْوَلَايَةِ وَوَلَايَةُ الْوَلَاةِ وَوَلَاةُ الْوَلَاةِ إِلَى أَذْنَاهُمْ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ الْوَلَايَةِ عَلَى

ص: ۴۵۴

مَنْ هُوَ وَالِ عَلَيْهِ ثُمَّ التَّجَارَةُ فِي جَمِيعِ النَّبِيعِ وَالشَّرَاءِ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ ثُمَّ الصَّنَاعَاتُ فِي جَمِيعِ صُنُوفِهَا ثُمَّ الْإِحَارَاتُ فِي كُلِّ مَا يُحْتَاجُ إِلَيْهِ مِنَ الْإِحَارَاتِ وَكُلُّ هَذِهِ الصُّنُوفِ تَكُونُ حَلَالًا مِنْ جِهَةٍ وَحَرَامًا مِنْ جِهَةٍ وَالْفَرْصُ مِنَ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ فِي هَذِهِ الْمَعَامَلَاتِ الدُّخُولُ فِي جِهَاتِ الْحَلَالِ مِنْهَا وَالْعَمَلُ بِذَلِكَ الْحَلَالِ وَاجْتِنَابُ جِهَاتِ الْحَرَامِ مِنْهَا تَفْسِيرُ مَعْنَى الْوَلَايَاتِ وَهِيَ جِهَتَانِ فَأَخْرَجَ الْجِهَتَيْنِ مِنَ الْوَلَايَةِ وَلِوَالِيهِ وَوَلَاةِ الْعِدْلِ الَّذِينَ أَمَرَ اللَّهُ بِوَلَايَتِهِمْ وَتَوَلَّيْتَهُمْ عَلَى النَّاسِ وَوَلَايَةُ الْوَلَاةِ وَوَلَاةُ الْوَلَاةِ إِلَى أَدْنَاهُمْ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ الْوَلَايَةِ عَلَى مَنْ هُوَ وَالِ عَلَيْهِ وَالْجِهَةُ الْأُخْرَى مِنَ الْوَلَايَةِ وَوَلَاةِ الْجُورِ وَوَلَاةِ الْوَلَاةِ إِلَى أَدْنَاهُمْ بَابًا مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي هُوَ وَالِ عَلَيْهِ فَوَجَّهَ الْحَلَالَ مِنَ الْوَلَايَةِ وَلِوَالِيهِ الْوَالِي الْعَادِلُ الَّذِي أَمَرَ اللَّهُ بِمَعْرِفَتِهِ وَوَلَايَتِهِ وَالْعَمَلُ لَهُ فِي وَوَلَايَتِهِ وَوَلَايَةِ الْوَلَاةِ بِجِهَةٍ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ الْوَالِي الْعَادِلُ بِلَمَّا زِيَادَةٍ فِيمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَمَّا نَقَصَةٍ إِنْ مِنْهُ وَ لَمَّا تَحْرِيفٍ لِقَوْلِهِ وَ لَمَّا تَعَدُّ لَأَمْرِهِ إِلَى غَيْرِهِ فَإِذَا صَارَ الْوَالِي وَالِي عِدْلِ بِيَدِهِ الْجِهَةُ فَالْوَلَايَةُ لَهُ وَالْعَمَلُ مَعَهُ وَ مَعُونَتُهُ فِي وَوَلَايَتِهِ وَ تَقْوِيَتُهُ حَلَالٌ مُحَلَّلٌ وَ حَلَالٌ الْكَسْبُ مَعَهُمْ وَ ذَلِكَ أَنْ فِي وَوَلَايَةِ وَالِي الْعِدْلِ وَوَلَايَةِ إِخِيَاءِ كُلِّ حَقٍّ وَ كُلِّ عَدْلٍ وَ إِمَاتَةِ كُلِّ ظَلَمٍ وَ جُورٍ وَ فَسَادٍ فَلِذَلِكَ كَانَ السَّاعِي فِي تَقْوِيَةِ سُلْطَانِهِ وَ الْمُعِينُ لَهُ عَلَى وَوَلَايَتِهِ سَاعِيًا فِي طَاعَةِ اللَّهِ مُقَوِّيًا لِدِينِهِ.

وَ أَمَّا وَجْهَ الْحَرَامِ مِنَ الْوَلَايَةِ فَوَلَايَةُ الْوَالِي الْجَائِرِ وَ وَوَلَايَةُ الرَّئِيسِ مِنْهُمْ وَ اتِّبَاعُ الْوَالِي فَمَنْ دُونَهُ مِنْ وَوَلَاةِ الْوَلَاةِ إِلَى أَدْنَاهُمْ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ الْوَلَايَةِ عَلَى مَنْ هُوَ وَالِ عَلَيْهِ وَالْعَمَلُ لَهُمْ وَ الْكَسْبُ مَعَهُمْ بِجِهَةِ الْوَلَايَةِ لَهُمْ حَرَامٌ وَ مُحَرَّمٌ مَعْدَبٌ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ عَلَى قَلِيلٍ مِنْ فِعْلِهِ أَوْ كَثِيرٍ لِأَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ جِهَةِ الْمَعُونَةِ مَعْصِيَتُهُ كَبِيرَةٌ مِنَ الْكِبَائِرِ.

وَ ذَلِكَ أَنَّ فِي وَوَلَايَةِ الْوَالِي الْجَائِرِ دُرُوسَ الْحَقِّ كُلِّهِ وَ إِخِيَاءَ الْبَاطِلِ كُلِّهِ وَ إِظْهَارَ الظُّلْمِ وَ الْجُورِ وَ الْفَسَادِ وَ إِبْطَالَ الْكُتُبِ وَ قَتْلَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ هَيْدَمَ الْمَسَاجِدِ وَ تَبْدِيلَ سُنَنِ اللَّهِ وَ شَرَائِعِهِ فَلِذَلِكَ حَرَّمَ الْعَمَلُ مَعَهُمْ وَ مَعُونَتُهُمْ وَ الْكَسْبُ مَعَهُمْ إِلَّا بِجِهَةِ الضَّرُورَةِ نَظِيرَ الضَّرُورَةِ إِلَى الدَّمِ وَ الْمَيْتَةِ.

وَ أَمَّا تَفْسِيرُ التَّجَارَاتِ فِي جَمِيعِ الْمَبْيُوعِ وَ وَجْهَ الْحَلَالِ مِنْ وَجْهِ التَّجَارَاتِ الَّتِي يَجُوزُ لِلْيَائِعِ أَنْ يَبِيعَ مِمَّا لَمَّا يَجُوزُ لَهُ وَ كَذَلِكَ الْمُشْتَرِي الَّذِي يَجُوزُ لَهُ شِرَاؤُهُ مِمَّا لَا يَجُوزُ لَهُ فَكُلُّ مَأْمُورٍ بِهِ

مِمَّا هُوَ غَدَاءٌ لِلْعِبَادِ وَقَوَامُهُمْ بِهِ فِي أُمُورِهِمْ فِي وُجُوهِ الصَّلَاحِ الَّتِي لَا يُقِيمُهُمْ غَيْرُهُ مِمَّا يَأْكُلُونَ وَ يَشْرَبُونَ وَ يَلْبَسُونَ وَ يَنْكُحُونَ وَ يَمْلِكُونَ وَ يَسْتَعْمَلُونَ مِنْ جِهَةِ مَلِكِهِمْ وَ يَجُوزُ لَهُمُ الِاسْتِعْمَالُ لَهُ مِنْ جَمِيعِ جِهَاتِ الْمَنَافِعِ لَهُمْ الَّتِي لَا يُقِيمُهُمْ غَيْرُهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَكُونُ لَهُمْ فِيهِ الصَّلَاحُ مِنْ جِهَةِ مِنَ الْجِهَاتِ وَ هَذَا كُلُّهُ حَلَالٌ بَيْعُهُ وَ شِرَاؤُهُ وَ إِمْسَاكُهُ وَ اسْتِعْمَالُهُ وَ هِبَتُهُ وَ عَارِيَّتُهُ وَ أَمَّا وَجُوهُ الْحَرَامِ مِنَ الْبَيْعِ وَ الشَّرَاءِ فَكُلُّ أَمْرٍ يَكُونُ فِيهِ الْفَسَادُ مِمَّا هُوَ مِنْهُيٌّ عَنْهُ مِنْ جِهَةِ أَكْلِهِ وَ شُرْبِهِ أَوْ كَسْبِهِ أَوْ نِكَاحِهِ أَوْ مَلِكِهِ أَوْ إِمْسَاكِهِ أَوْ هِبَتِهِ أَوْ عَارِيَّتِهِ أَوْ شَيْءٍ يَكُونُ فِيهِ وَجْهٌ مِنْ وَجُوهِ الْفَسَادِ نَظِيرِ الْبَيْعِ بِالرِّبَا لِمَا فِي ذَلِكَ مِنَ الْفَسَادِ أَوْ الْبَيْعِ لِلْمَيْتَةِ أَوْ الدَّمِ أَوْ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ أَوْ لَحُومِ السِّبَاعِ أَوْ السِّبَاعِ أَوْ الطَّيْرِ أَوْ جُلُودِهَا أَوْ الْخَمْرِ أَوْ شَيْءٍ مِنْ وَجُوهِ النَّجَسِ فَهَذَا كُلُّهُ حَرَامٌ وَ مُحَرَّمٌ لِأَنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنْهُيٌّ عَنِ أَكْلِهِ وَ شُرْبِهِ وَ لُبْسِهِ وَ مَلِكِهِ وَ إِمْسَاكِهِ وَ التَّقَلُّبِ فِيهِ بِوَجْهِ مِنَ الْوُجُوهِ لِمَا فِيهِ مِنَ الْفَسَادِ فَجَمِيعُ تَقْلِيْبِهِ فِي ذَلِكَ حَرَامٌ وَ كَذَلِكَ كُلُّ بَيْعٍ مَلْهُوٌّ بِهِ وَ كُلُّ مَنْهُيٌّ عَنْهُ مِمَّا يُتَقَرَّبُ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ أَوْ يَقْوَى بِهِ الْكُفْرُ وَ الشُّرْكُ مِنْ جَمِيعِ وَجُوهِ الْمَعَاصِي أَوْ يَبِابٍ مِنَ الْبَابَاتِ يَقْوَى بِهِ يَبِابٍ مِنَ أَبْوَابِ الضَّلَالَةِ أَوْ بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْبَاطِلِ أَوْ بَابٍ يُوهِنُ بِهِ الْحَقُّ فَهُوَ حَرَامٌ مُحَرَّمٌ حَرَامٌ بَيْعُهُ وَ شِرَاؤُهُ وَ إِمْسَاكُهُ وَ مَلِكُهُ وَ هِبَتُهُ وَ عَارِيَّتُهُ وَ جَمِيعُ التَّقَلُّبِ فِيهِ إِلَّا فِي حَالٍ تَدْعُو الضَّرُورَةَ فِيهِ إِلَى ذَلِكَ.

وَ أَمَّا تَفْسِيرُ الْإِجَارَاتِ فَاجَارَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسُهُ أَوْ مَا يَمْلِكُ أَوْ يَلِي أَمْرَهُ مِنْ قَرَابَتِهِ أَوْ دَائِيَّتِهِ أَوْ ثَوْبِهِ بِوَجْهِ الْحَلَالِ مِنْ جِهَاتِ الْإِجَارَاتِ أَوْ يُؤَجَّرُ نَفْسُهُ أَوْ دَارُهُ أَوْ أَرْضُهُ أَوْ شَيْئاً يَمْلِكُهُ فِيمَا يُنْتَفَعُ بِهِ مِنْ وَجُوهِ الْمَنَافِعِ أَوْ الْعَمَلِ بِنَفْسِهِ وَ وَلَدِهِ وَ مَمْلُوكِهِ

أَوْ أَجِيرِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونَ وَ كَيْلًا لِلْوَالِي أَوْ وَالِيًا لِلْوَالِي فَلَا بَأْسَ أَنْ يَكُونَ أَجِيرًا يُؤَجَّرُ نَفْسُهُ أَوْ وَلَدَهُ أَوْ قَرَابَتَهُ أَوْ مَلِكُهُ أَوْ وَكَيْلَهُ فِي إِجَارَتِهِ لِأَنَّهُمْ وَ كَلَاءُ الْأَجِيرِ مِنْ عِنْدِهِ لَيْسَ لَهُمْ بَوْلَاءُ الْوَالِي نَظِيرُ الْحَمَالِ الَّذِي يَحْمِلُ شَيْئاً بِشَيْءٍ مَعْلُومٍ إِلَى مَوْضِعٍ مَعْلُومٍ فَيَحْمِلُ ذَلِكَ الشَّيْءَ الَّذِي يَجُوزُ لَهُ حَمْلُهُ بِنَفْسِهِ أَوْ بِمَمْلُوكِهِ أَوْ دَائِيَّتِهِ أَوْ يُؤَجَّرُ نَفْسُهُ فِي عَمَلٍ يَعْمَلُ ذَلِكَ الْعَمَلُ بِنَفْسِهِ أَوْ بِمَمْلُوكِهِ أَوْ قَرَابَتِهِ أَوْ بِأَجِيرٍ مِنْ قَبْلِهِ فَهَذِهِ وَجُوهُ مِنْ وَجُوهِ الْإِجَارَاتِ حَلَالٌ لِمَنْ كَانَ مِنَ النَّاسِ مَلِكًا أَوْ سُوقَةً أَوْ كَافِرًا أَوْ مُؤْمِنًا فَحَلَالٌ إِجَارَتُهُ وَ حَلَالٌ كَسْبُهُ مِنْ هَذِهِ الْوُجُوهِ فَأَمَّا وَجُوهُ الْحَرَامِ مِنْ وَجُوهِ الْإِجَارَةِ نَظِيرِ أَنْ يُؤَجَّرَ نَفْسُهُ عَلَى مَا يَحْرُمُ عَلَيْهِ أَكْلُهُ أَوْ شُرْبُهُ أَوْ لُبْسُهُ أَوْ

يُؤَاجِرُ نَفْسَهُ فِي صِدْقِهِ ذَلِكَ الشَّيْءُ أَوْ حِفْظِهِ أَوْ لُبْسِهِ أَوْ يُؤَاجِرُ نَفْسَهُ فِي هَيْدَمِ الْمَسَاجِدِ ضَرَارًا أَوْ قَتْلِ النَّفْسِ بِغَيْرِ حِلٍّ أَوْ حَمْلِ
التَّصْيَاوِيرِ وَالْأَصْنَامِ وَالْمَزَامِيرِ وَالْبُرَابِطِ وَالْخَمْرِ وَالْخَنَازِيرِ وَالْمَيْتَةِ وَالسَّيِّئِ أَوْ شَيْءٍ مِنْ وَجْهِ الْفَسَادِ الَّذِي كَانَ مُحَرَّمًا عَلَيْهِ مِنْ
غَيْرِ جِهَةِ إِجْرَارِهِ فِيهِ وَكُلُّ أَمْرٍ مِنْهُيٌّ عَنْهُ مِنْ جِهَةٍ مِنَ الْجِهَاتِ مُحَرَّمٌ عَلَى الْإِنْسَانِ إِجْرَارُهُ نَفْسِهِ فِيهِ أَوْ لَهُ أَوْ شَيْءٍ مِنْهُ أَوْ لَهُ إِلَّا
لِمَنْفَعَةٍ مِنْ اسْتَأْجَرَهُ كَالَّذِي يَسْتَأْجِرُ الْأَجِيرَ يَحْمِلُ لَهُ الْمَيْتَةَ يُنَحِّيهَا عَنْ أَذَاهُ أَوْ أَذَى غَيْرِهِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ.

وَالْفَرْقُ بَيْنَ مَعْنَى الْوَلَايَةِ وَالْإِجَارَةِ وَإِنْ كَانَ كِلَاهُمَا يَعْمَلَانِ بِأَجْرٍ أَنَّ مَعْنَى الْوَلَايَةِ أَنْ يَلِيَ الْإِنْسَانُ لِوَالِيهِ أَوْ لِوَالِيهِ الْوَلَاةَ فِيلِيَ
أَمْرَ غَيْرِهِ فِي التَّوَلَّيَةِ عَلَيْهِ وَتَسْلِيطِهِ وَجَوَازِ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ وَقِيَامِهِ مَقَامَ الْوَلِيِّ إِلَى الرَّئِيسِ أَوْ مَقَامَ وَكَلَانِهِ فِي أَمْرِهِ وَتَوْكِيدِهِ فِي مَعُونَتِهِ
وَ تَسْدِيدِ وَوَلَايَتِهِ وَإِنْ كَانَ أَذْنَاهُمْ وَوَلَايَتَهُ فَهُوَ وَالِ عَلَى مَنْ هُوَ وَالِ عَلَيْهِ يَجْرَى مَجْرَى الْوَلَاةِ الْكِبَارِ الَّذِي يَلُونَ وَوَلَايَتَهُ النَّاسِ فِي قَتْلِهِمْ
مَنْ قَتَلُوا وَإِظْهَارِ الْجَوْرِ وَالْفَسَادِ وَ أَمَّا مَعْنَى الْإِجَارَةِ فَعَلَى مَا فَسَّرْنَا مِنْ إِجْرَارِهِ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ أَوْ مَا يَمْلِكُهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُؤَاجِرَ لَشَيْءٍ
مِنْ غَيْرِهِ فَهُوَ يَمْلِكُ يَمِينَهُ لِأَنَّهُ لَمَّا يَلِيَ أَمْرَ نَفْسِهِ وَ أَمْرَ مَا يَمْلِكُ قَبْلَ أَنْ يُؤَاجِرَهُ مِمَّنْ هُوَ آجِرُهُ وَ الْوَالِي لَمْ يَمْلِكْ مِنْ أُمُورِ النَّاسِ
شَيْئًا إِلَّا بَعْدَ مَا يَلِيَ أُمُورَهُمْ وَ يَمْلِكُ تَوَلَّيْتَهُمْ وَ كُلُّ مَنْ آجَرَ نَفْسَهُ أَوْ آجَرَ مَا يَمْلِكُ نَفْسَهُ أَوْ يَلِيَ أَمْرَهُ مِنْ كَافِرٍ أَوْ مُؤْمِنٍ أَوْ مَلِكٍ
أَوْ سُوقَةٍ عَلَى مَا فَسَّرْنَا مِمَّا يَجُوزُ الْإِجْرَارَةَ فِيهِ فَحَلَالٌ مُحَلَّلٌ فَعَلُهُ وَ كَسْبِيهِ وَ أَمَّا تَفْسِيرُ الصَّنَاعَاتِ فَكُلُّ مَا يَتَعَلَّمُ الْعِبَادُ أَوْ يُعَلِّمُونَ
غَيْرَهُمْ مِنْ صُنُوفِ الصَّنَاعَاتِ مِثْلَ الْكِتَابَةِ وَالْحِسَابِ وَ التَّجَارَةِ وَ الصَّبَاغَةِ وَ السَّرَاجَةِ وَ الْبِنَاءِ وَ الْحَيَاكَةِ وَ الْقِصَارَةِ وَ الْخِيَاطَةِ وَ
صَنْعَةِ صُنُوفِ التَّصْيَاوِيرِ مَا لَمْ يَكُنْ مِثْلَ الرُّوحَانِيِّ وَ أَنْوَاعِ صُنُوفِ الْأَلَاتِ الَّتِي يَحْتَاجُ إِلَيْهَا الْعِبَادُ الَّتِي مِنْهَا مَنَافِعُهُمْ وَ بِهَا قِوَامُهُمْ وَ
فِيهَا بُلْغُهُ جَمِيعِ حَوَائِجِهِمْ فَحَلَالٌ فَعَلُهُ وَ تَعْلِيمُهُ وَ الْعَمَلُ بِهِ وَ فِيهِ لِنَفْسِهِ أَوْ لِعَيْرِهِ وَإِنْ كَانَتْ تِلْكَ الصَّنَاعَةُ وَ تِلْكَ الْآلَةُ قَدْ يُسْتَعَانُ
بِهَا عَلَى وَجْهِ الْفَسَادِ وَ وَجْهِ الْمَعَاصِي وَ يَكُونُ مَعُونَةً عَلَى الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ فَلَا بَأْسَ بِصِنَاعَتِهِ وَ تَعْلِيمِهِ نَظِيرَ الْكِتَابَةِ الَّتِي هِيَ عَلَى
وَجْهِ مِنْ وَجْهِ الْفَسَادِ مِنْ تَقْوِيَةِ مَعُونَةِ وَوَلَايَةِ الْوَلَاةِ الْجَوْرِ وَ كَذَلِكَ السُّكِّينِ وَ السَّيْفِ وَ الرُّمْحِ وَ الْقَوْسِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِنْ وَجْهِ الْآلَةِ
الَّتِي قَدْ تُصَرَّفُ إِلَى جِهَاتِ الصَّلَاحِ وَ جِهَاتِ الْفَسَادِ وَ تَكُونُ آلَةً وَ مَعُونَةً عَلَيْهَا فَلَا بَأْسَ بِتَعْلِيمِهِ وَ

تَعَلَّمِهِ وَ أَخَذِ الْأَجْرَ عَلَيْهِ وَ فِيهِ وَ الْعَمَلِ بِهِ وَ فِيهِ لِمَنْ كَانَ لَهُ فِيهِ جِهَاتِ الصَّلَاحِ مِنْ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ وَ مُحَرَّمٌ عَلَيْهِمْ فِيهِ تَضَرُّفُهُ إِلَى جِهَاتِ الْفَسَادِ وَ الْمَضَارِّ فَلَيْسَ عَلَى الْعَالِمِ وَ الْمُتَعَلِّمِ إِثْمٌ وَ لَمَّا وَزُرَ لِمَا فِيهِ مِنَ الرَّجْحَانِ فِي مَنَافِعِ جِهَاتِ صِلَاحِهِمْ وَ قَوَامِهِمْ وَ بَقَائِهِمْ وَ إِنَّمَا الْإِثْمُ وَ الْوِزْرُ عَلَى الْمُتَصَرِّفِ بِهَا فِي وُجُوهِ الْفَسَادِ وَ الْحَرَامِ وَ ذَلِكَ إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الصَّنَاعَةَ الَّتِي حَرَّمَ كُلَّهَا الَّتِي يَجِبُ مِنْهَا الْفَسَادُ مَحْضًا نَظِيرُ الْبَرَاطِطِ وَ الْمَزَامِيرِ وَ الشُّطْرُنِجِ وَ كُلِّ مَلْهُوٍّ بِهِ وَ الصُّلْبَانِ وَ الْأَصْنَامِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنْ صِنَاعَاتِ الْأَشْرِبَةِ الْحَرَامِ وَ مَا يَكُونُ مِنْهُ وَ فِيهِ الْفَسَادُ مَحْضًا وَ لَا يَكُونُ فِيهِ وَ لَا مِنْهُ شَيْءٌ مِنْ وُجُوهِ الصَّلَاحِ فَحَرَّمَ تَعْلِيمُهُ وَ تَعَلُّمُهُ وَ الْعَمَلُ بِهِ وَ أَخَذُ الْأَجْرِ عَلَيْهِ وَ جَمِيعِ التَّقَلُّبِ فِيهِ مِنْ جَمِيعِ وُجُوهِ الْحَرَكَاتِ كُلِّهَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ صِنَاعَةً قَدْ تَضَرَّفُ إِلَى جِهَاتِ الصَّنَائِعِ وَ إِنْ كَانَ قَدْ يُتَصَرَّفُ بِهَا وَ يُتَنَاوَلُ بِهَا وَجْهٌ مِنْ وُجُوهِ الْمَعَاصِي فَلَعَلَّهُ لِمَا فِيهِ مِنَ الصَّلَاحِ حَلَّ تَعَلُّمُهُ وَ تَعْلِيمُهُ وَ الْعَمَلُ بِهِ وَ يَحْرُمُ عَلَى مَنْ صَرَفَهُ إِلَى غَيْرِ وَجْهِ الْحَقِّ وَ الصَّلَاحِ فَهَذَا بَيَانٌ تَفْسِيرٌ وَجْهٍ اكْتِسَابِ مَعَايِشِ الْعِبَادِ وَ تَعْلِيمِهِمْ فِي جَمِيعِ وُجُوهِ اكْتِسَابِهِمْ وَجْهٌ إِخْرَاجِ الْأَمْوَالِ وَ إِنْفَاقِهَا وَ أَمَّا الْوُجُوهُ الَّتِي فِيهَا إِخْرَاجُ الْأَمْوَالِ فِي جَمِيعِ وُجُوهِ الْحَمَالِ الْمُفْتَرَضِ عَلَيْهِمْ وَ وُجُوهُ النَّوَافِلِ كُلِّهَا فَأَرْبَعَةٌ وَ عَشْرُونَ وَجْهًا مِنْ وَ ثَلَاثَةٌ وُجُوهِ مِمَّا يَلْزُمُهُ فِيهَا مِنْ وُجُوهِ الدِّينِ وَ خَمْسَةٌ وُجُوهِ مِمَّا يَلْزُمُهُ فِيهَا مِنْ وُجُوهِ الصَّلَاتِ وَ أَرْبَعَةٌ أَوْجُهُ مِمَّا يَلْزُمُهُ فِيهَا النَّفَقَةُ مِنْ وُجُوهِ اضْطِطَاعِ الْمَعْرُوفِ فَأَمَّا الْوُجُوهُ الَّتِي يَلْزُمُهُ فِيهَا النَّفَقَةُ عَلَى خَاصِّهِ نَفْسِهِ فَهِيَ مَطْعَمُهُ وَ مَشْرَبُهُ وَ مَلْبَسُهُ وَ مَنْكِحُهُ وَ مَخْدَمُهُ وَ عَطَاؤُهُ فِيمَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ مِنَ الْأَجْرِ عَلَى مَرَمِهِ مَتَاعِهِ أَوْ حَمَلِهِ أَوْ حِفْظِهِ وَ مَعْنَى مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ فَيَبْنِي نَحْوَ مَنْزِلِهِ أَوْ آلِهِ مِنَ الْأَلَاتِ يَسْتَعِينُ بِهَا عَلَى حَوَائِجِهِ وَ أَمَّا الْوُجُوهُ الْخَمْسُ الَّتِي يَجِبُ عَلَيْهِ النَّفَقَةُ لِمَنْ يَلْزُمُهُ نَفْسُهُ فَعَلَى وَ لَدَيْهِ وَ وَالِدِيهِ وَ أَمْرَاتِهِ وَ مَمْلُوكِهِ لَازِمٌ لَهُ ذَلِكَ فِي حَالِ الْيُسْرِ وَ الْعُسْرِ وَ أَمَّا الْوُجُوهُ الثَّلَاثَةُ الْمَفْرُوضَةُ مِنْ وُجُوهِ الدِّينِ فَالزَّكَاةُ الْمَفْرُوضَةُ الْوَاجِبَةُ فِي كُلِّ عَامٍ وَ الْحِجُّ الْمَفْرُوضُ وَ الْجِهَادُ فِي إِبَانِهِ وَ زَمَانِهِ وَ أَمَّا الْوُجُوهُ الْخَمْسُ مِنْ وُجُوهِ الصَّلَاتِ النَّوَافِلِ فَصَلَاةُ مَنْ فَوْقَهُ وَ صَلَاةُ الْقَرَابَةِ وَ صَلَاةُ الْمُؤْمِنِينَ وَ التَّنْفُلُ فِي وُجُوهِ الصَّدَقَةِ وَ الْعَبْرِ وَ الْعَتَقِ وَ أَمَّا الْوُجُوهُ الْأَرْبَعُ فَقَضَاءُ الدِّينِ وَ الْعَارِيَّةِ وَ الْقَرْضِ وَ إِقْرَاءُ الضَّيْفِ وَ اجِبَاتُ فِي السُّنَنِ مَا يَحِلُّ وَ يَجُوزُ لِلإِنْسَانِ أَكْلُهُ فَأَمَّا مَا يَحِلُّ لِلإِنْسَانِ أَكْلُهُ مِمَّا أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ فَثَلَاثَةٌ صُنُوفٍ مِنَ الْأَغْذِيَةِ

صَنَّفَ مِنْهَا جَمِيعَ الْحَبِّ كُلِّهِ مِنَ الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالْمَارُزِّ وَالْحَمَّصِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنْ صُنُوفِ الْحَبِّ وَصُنُوفِ السَّمَاوِيَّاتِ وَغَيْرِهَا كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْحَبِّ مَا يَكُونُ فِيهِ غِذَاءُ الْإِنْسَانِ فِي بَدَنِهِ وَقُوَّتُهُ فَحَلَالٌ أَكَلُهُ وَكُلُّ شَيْءٍ تَكُونُ فِيهِ الْمَضَرَّةُ عَلَى الْإِنْسَانِ فِي بَدَنِهِ فَحَرَامٌ أَكَلُهُ إِلَّا فِي حَالِ الضَّرُورَةِ وَالصَّنْفُ الثَّانِي مِمَّا أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ مِنْ جَمِيعِ صُنُوفِ الثَّمَارِ كُلِّهَا مِمَّا يَكُونُ فِيهِ غِذَاءُ الْإِنْسَانِ وَمَنْفَعَةٌ لَهُ وَقُوَّتُهُ بِهِ فَحَلَالٌ أَكَلُهُ وَمَا كَانَ فِيهِ الْمَضَرَّةُ عَلَى الْإِنْسَانِ فِي أَكَلِهِ فَحَرَامٌ أَكَلُهُ وَالصَّنْفُ الثَّلَاثُ جَمِيعُ صُنُوفِ البُقُولِ وَ النَّبَاتِ وَكُلُّ شَيْءٍ تَنْبَتَ الْأَرْضُ مِنَ البُقُولِ كُلِّهَا مِمَّا فِيهِ مَنَافِعُ الْإِنْسَانِ وَغِذَاؤُهُ فَحَلَالٌ أَكَلُهُ وَمَا كَانَ مِنْ صُنُوفِ البُقُولِ مِمَّا فِيهِ الْمَضَرَّةُ عَلَى الْإِنْسَانِ فِي أَكَلِهِ نَظِيرَ بُقُولِ السُّمُومِ وَالْقَاتِلَةِ وَنَظِيرِ الدَّفْلِيِّ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنْ صُنُوفِ السَّمِّ الْقَاتِلِ فَحَرَامٌ أَكَلُهُ وَأَمَّا مَا يَحِلُّ أَكَلُهُ مِنْ لُحُومِ الْحَيَوَانَاتِ فَلُحُومُ البَقَرِ وَالغَنَمِ وَالْإِبِلِ وَمَا يَحِلُّ مِنْ لُحُومِ الْوَحْشِ كُلُّ مَا لَيْسَ فِيهِ نَابٌ وَلَا لَهُ مِخْلَبٌ وَمَا يَحِلُّ مِنْ أَكْلِ لُحُومِ الطَّيْرِ كُلِّهَا مَا كَانَتْ لَهُ قَانِصَةٌ فَحَلَالٌ أَكَلُهُ وَمَا لَمْ يَكُنْ لَهُ قَانِصَةٌ فَحَرَامٌ أَكَلُهُ وَلَا بَأْسَ بِأَكْلِ صُنُوفِ الْجَرَادِ وَأَمَّا مَا يَجُوزُ أَكَلُهُ مِنَ الْبَيْضِ فَكُلَّمَا اخْتَلَفَ طَرَفَاهُ فَحَلَالٌ أَكَلُهُ وَمَا اسْتَوَى طَرَفَاهُ فَحَرَامٌ أَكَلُهُ وَمَا يَجُوزُ أَكَلُهُ مِنْ صَيْدِ الْبَحْرِ مِنْ صُنُوفِ السَّمَكِ مَا كَانَ لَهُ قَشُورٌ فَحَلَالٌ أَكَلُهُ وَمَا لَمْ يَكُنْ لَهُ قَشُورٌ فَحَرَامٌ أَكَلُهُ وَأَمَّا مَا يَجُوزُ مِنَ الْأَشْرَبِ مِنْ جَمِيعِ صُنُوفِهَا فَمَا لَا يُغَيِّرُ الْعَقْلَ كَثِيرُهُ فَلَمَّا بَيَّأَسَ بِشُرْبِهِ وَكُلُّ شَيْءٍ يُغَيِّرُ مِنْهَا الْعَقْلَ كَثِيرُهُ فَالْقَلِيلُ مِنْهُ حَرَامٌ وَمَا يَجُوزُ مِنَ اللَّبَاسِ فَكُلُّ مَا أَتَبَتِ الْأَرْضُ فَلَا بَأْسَ بِلَبْسِهِ وَالصَّلَاةَ فِيهِ وَكُلُّ شَيْءٍ يَحِلُّ لِحُمِّهِ فَلَا بَأْسَ بِلَبْسِ جِلْدِهِ الذَّكِيِّ مِنْهُ وَصُوفِهِ وَشَعْرِهِ وَوَبْرِهِ وَإِنْ كَانَ الصُّوفُ وَالشَّعْرُ وَالرَّيْشُ وَالْوَبْرُ مِنَ الْمَيْتَةِ وَغَيْرِ الْمَيْتَةِ ذَكِيًّا فَلَا بَأْسَ بِلَبْسِ ذَلِكَ وَالصَّلَاةَ فِيهِ.

وَ كُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ غِذَاءَ الْإِنْسَانِ فِي مَطْعَمِهِ أَوْ مَشْرَبِهِ أَوْ مَلْبَسَهُ فَلَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ عَلَيْهِ وَلَا السُّجُودُ إِلَّا مَا كَانَ مِنْ نَبَاتِ الْأَرْضِ مِنْ غَيْرِ ثَمَرٍ قَبِيلٍ أَنْ يَصِيرَ مَغْزُولًا فَإِذَا صَادَ غَزْلًا فَلَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ عَلَيْهِ إِلَّا فِي حَالِ الضَّرُورَةِ وَأَمَّا مَا يَجُوزُ مِنَ الْمَنَاحِحِ فَارْبَعُهُ وَجُوهُ نِكَاحِ بَمِيرَاثٍ وَنِكَاحِ بَغَيْرِ مِيرَاثٍ وَنِكَاحِ الْيَمِينِ وَنِكَاحِ بِنَحْلٍ مِنَ الْمُحَلَّلِ لَهُ مِنْ مَلِكٍ مَنْ يَمْلِكُ وَأَمَّا مَا يَجُوزُ مِنَ الْمَلِكِ وَالْخِدْمَةِ فَسِتَّةُ وَجُوهٍ مَلِكُ الْغَنِيمَةِ وَمَلِكُ الشَّرَاءِ وَمَلِكُ الْمِيرَاثِ وَمَلِكُ

الْهَبَةِ وَ مِلْكِ الْعَارِيَّةِ وَ مِلْكِ الْمَاجِرِ فَهَذِهِ وُجُوهُ مَا يَحِلُّ وَ مَا يَجُوزُ لِلْإِنْسَانِ إِنْفَاقُ مَالِهِ وَ إِخْرَاجُهُ بِجَهَةِ الْحَلَالِ فِي وُجُوهِهِ وَ مَا يَجُوزُ فِيهِ التَّصَرُّفُ وَ التَّقَلُّبُ مِنْ وُجُوهِ الْفَرِيضَةِ وَ النَّافِلَةِ. (۱)

مرحوم شیخ حسن بن علی، در کتاب تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله روایت کرده که: مردی از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسید: راه های امرار معاش بندگان، از جمله کسب و کار و معاملات میان آنان و نیز راه های مصرف اموال چند گونه است؟ فرمود: کلیه اقسام معیشت و انواع معاملات رایج میان مردم که برای آنان درآمدی دارد، چهار گونه است. گفتند: این چهار نوع همه حلال است یا همه حرام، یا مختلف است؟

فرمود: هر کدام نوعی حلال دارد و نوعی حرام و همه آنها نام و خصوصیاتش معلوم و مشهور است.

نوع اول: «ولایت» و حکومت بعضی از مردم بر دیگری است که شامل زمامدار، و حکام زیردست و طبقات پائین تر تا کم رتبه ترین کارمند است که هر یک به نوعی بر زیردستان و مردم تحت نفوذش اند حکومت دارند.

نوع دوم: تجارت و معامله که شامل کلیه خرید و فروش هاست.

نوع سوم: صنعت است با همه اقسامش.

و نوع چهارم: اجارات در کلیه مواردی که در آن نیاز به اجاره است.

و هر یک از این اقسام از جهتی حلال و از جهتی حرام هستند و خداوند در این معاملات بر بندگان واجب کرده است که از راه حلالش وارد شوند، و به حلال روی بیاورند و از حرام اجتناب ورزند.

تفسیر انواع «ولایت»: ولایت دو قسم است.

یکی از اقسام آن ولایت حکام عادل است، کسانی که خداوند بر مردم امر کرده تا ولایت و حکومت شان را گردن نهند، و نیز حکومت های زیردست و زیردست تر تا نازل ترین طبقه آنان که هر یک به نوعی بر زیردستان خود حکومت می کنند؛ و نوع دیگر، ولایت حکام جور و فرماندهان آنها تا پائین ترین فردشان که هر کدام بر مردم زیردست شان حکومت دارند.

وجه حلال آن، ولایت حاکم عادل است که خداوند به شناخت او و پذیرفتن ولایتش دستور داده است. لازم به ذکر است که در حکومت او و حکومت والیانش (منظور فرمانداران نصب شده از طرف او) باید طبق

ص: ۴۶۰

دستوری که خدا به آن حاکم عادل داده رفتار شود، نه چیزی بر آن بیفزایند، نه از آن بکاهند و نیز سخنش را تحریف نکنند و از فرمانش تخلف نمایند، و چنانچه حاکم بدان گونه که گفتم دادگستر بود، حکومت از جانب او، کار کردن برایش و کمک به او و تقویتش، حلال و مشروع خواهد بود، و معامله با چنین دستگاهی جایز است زیرا در زمامداری حاکم عادل و فرمانداران او، هر حقی زنده شود، هر عدالت و امانتی احیا گردد و هر ظلم و بیداد و فساد نابود شود، از این رو هر که در تحکیم قدرت وی بکوشد، و در امر حکومت یاری اش دهد، در طاعت خدا تلاش کرده و دین خدا را تقویت نموده است.

اما وجه حرامش، حکومت زمامداران ستمگر و دست نشانندگان آنهاست. از: طبقه رؤسا و اطرافیان حاکم تا طبقات پائین تر و آخرین رتبه، کار در این حکومت ها و همکاری با آنها در امر حکمرانی، حرام و نامشروع است، و هر کاری چه کوچک و چه بزرگ (برای کمک به این حکومت ها) انجام گیرد، مایه عذاب است؛ زیرا هر نوع همکاری با آنان از گناهان بزرگ است؛ به این خاطر که در حکومت حکمرانان ستمگر، هر چه حق است لگدکوب شود، هر چه باطل است زنده گردد و ظلم و بیداد و فساد رواج یابد، کتب الهی نابود شود و پیامبران و مؤمنان به قتل رسند، مسجدها ویران گردد، سنت ها و مقررات الهی زیر و رو شود؛ از این رو کار کردن با آنها، یاری کردن شان و معامله با ایشان حرام است، مگر زمانی که ضرورتی ایجاب کند، نظیر اضطراری که به خوردن خون یا مردار پیش آید.

تفسیر انواع تجارات در کلیه خرید و فروشها: اقسام معاملاتی که برای فروشنده یا خریدار جایز و یا حرام است، بدین شرح می باشد: همانگونه که همه انسان ها به آن امر شده اند، آنچه خوراک مردم و مایه قوام زندگی باشد، و انواع چیزهایی که در شئون مختلف زندگی برای خوردن، نوشیدن، پوشیدن، ازدواج، مالکیت، استعمال مالکانه بدان نیازمند و از آن ناگزیر می باشند، یا از جهتی به صلاح مردم و از آن ناگزیر می باشند، یا از جهتی به صلاح مردم و مفید به حال آنان باشد که از آن چاره ندارند، در همه اینها، فروش، خرید، نگهداری، استعمال، بخشش، و قرض دادنش حلال است.

اما داد و ستدهای حرام، عبارتند از: خرید و فروش هر چیزی که مایه فساد باشد، و از جهت خوردن، نوشیدن، کاسی، ازدواج، مالک شدن، نگهداشتن، بخشیدن، قرض دادن، ممنوع و مورد نهی خدا باشد، یا از جهتی برای مردم فساد داشته باشد، مانند معاملات ربایی که مفسده آمیز است، یا فروش مردار، خون، گوشت خوک، گوشت درندگان و پرندگان وحشی، پوست درندگان، شراب، و کلیه نجاسات که اینها همه

حرام و نامشروع است. تمامی اینها حرام است و از خوردن، نوشیدن، پوشیدن، نگهداشتن، مالک شدن و تصرف در آنها به خاطر مفاسدی که در بر دارد، نهی شده است. همچنین معامله هر چیزی که مایه سرگرمی {حرام} باشد (چون آلات موسیقی) یا موجب تقرب به غیر خدا یا باعث تقویت کفر و شرک گردد یا نوعی گمراهی و ضلالت را نیرو بخشد، یا باطلی را تقویت کند (چون نشر افکار مسموم و غیره) یا حقی را تضعیف نماید، فروش، خرید، نگهداشتن، مالک شدن، عاریه دادن و کلیه تصرفاتش حرام است جز اینکه ضرورتی پیش آید.

اما تفسیر اجاره ها: اجاره عبارت است از اینکه کسی خودش یا مالش یا چیزی را که اختیارش به دست اوست، چون بستگان یا چهارپا یا لباس، برای استفاده در اختیار دیگری نهد. نوع حلال اجاره این است که انسان خودش، خانه یا زمین یا هر چیز دیگری را که مالک است، برای استفاده از منافع آن در اختیار دیگری گذارد، یا تعهد کند که کاری را به دست خود یا فرزند یا غلامش یا اجیرش انجام دهد، بدون اینکه وکیل یا کارگزاری از جانب حاکم باشد و نیز اشکالی ندارد که کسی خود یا فرزند یا خویشاوند یا ملک یا اجیرش را اجاره دهد، زیرا آنان نیز به جای او و به وکالت او کار می کنند، و کار گزار حاکم هم نیستند؛ مانند حمالی که بار معینی را به اجرت معلومی به جای مشخصی می برد، و چیز حلالی را (نه مثل مشروب و غیره) به دست خود یا به وسیله غلام یا چهارپایش حمل می کند، یا برای کاری اجیر شود که به دست خود یا غلام یا خویشان یا اجیرش انجام دهد، اینها انواع حلال اجاره است که برای هر کس از پادشاه، ملت، کافر و مؤمن، اجاره دادنش حلال است، و عایداتش نیز حلال می باشد.

اما انواع حرام: نظیر اینکه کسی برای حمل و نقل چیزی اجیر شود که خوردن یا نوشیدن، و یا پوشیدنش حرام است (مثل حمل مشروب)، یا برای ساختن چیز حرامی یا نگهداری، یا پوشیدن آن اجیر گردد، یا برای خراب کردن بی دلیل مساجد، یا کشتن بی گناه، یا حمل و نقل مجسمه ها، بتها، ساز، نی، شراب، خوک، مردار، خون یا هر کار فساد انگیزی که صرف نظر از موضوع اجاره، حرام باشد؛ همه این موارد از جهاتی نهی شده است. حرام است که انسان خود و یا چیزی را که متعلق به او است (از قبیل فرزند، غلام، وسیله نقلیه) در این امر اجاره دهد، مگر جایی که عمل به آن سودمند باشد، مانند حمل مردار به جای دوردستی که از تعفنش آسوده شوند و امثال آن.

و فرق بین معنای ولایت (ولایت حکام ستمگر) و اجاره - اگر هر دوی آنها برای دریافت مزدی انجام شود - این است که در ولایت، انسان برای حاکم یا حکام کوچکتر و فرماندهان زیردست خدمت می کند، و در حکومت و تسلط بر زیردستان و امر و نهی، نقش حاکم را ایفا می کند و جانشین همان مقامات است، و در تحکیم قدرت و یاری آنها سعی می کند، و اگر نازلترین فرد و پائین ترین طبقه هم باشد، باز بر همان مردمی که والی حکومت می کند، فرماندهی دارد و در کشتار و گسترش ستم و فساد، جایگزین (و آلت دست) مقامات بالاست.

ولی اجاره به طوری که تفسیر کردیم این است که انسان خود یا مملوکش را که قبلاً اجاره نداده و اختیارش را دارد، اجیر دیگری کند، و البته شخص مادامی که اجیر کسی نشده، مالک و اختیاردار خود و مملوک خویش است و حاکم اختیاردار مردم نیست و تنها وقتی امور مردم را به دست گرفت و به مقام رسید، کارهای آنها را قبضه می کند. و هر کس خود یا مملوکش یا کسی را که اختیارش به دست اوست، به کافر یا مؤمن یا سلطان یا رعیتی، به نحوی که تفسیر کردیم، در کارهای حلال اجاره دهد، کار و درآمدش جایز و مشروع است.

و اما تفسیر صنایع: صنعت عبارت است از هر کاری که مردم فرا می گیرند یا به دیگران می آموزند، از قبیل: نویسندگی، حسابرسی، تجارت، رنگ رزی، زین سازی، بنائی، بافندگی، لباس شویی، خیاطی، صورتگری - البته نه تصویر جانداران - و ساختن ابزارهایی که بندگان خدا برای منافع خود بدان ها محتاج اند، و مایه قوام زندگی و رفع نیازمندی هاست؛ اینها همه حلال است و عملش و تعلیمش، برای خود یا دیگران جایز است، گرچه ممکن است احیاناً از آن کار یا آن ابزار برای فساد یا معصیتی سوء استفاده کنند، و در راه حق و باطل هر دو به کار رود، بنابراین پیشه کردن و یاد دادن آن اشکالی ندارد، مانند: تعلیم نویسندگی ای که باعث فساد یعنی تقویت و یاری کارگزاران حکومت های ستمگر شود.

همچنین کارد، شمشیر، نیزه، کمان و سایر ابزارهای جنگی که در راه صلاح و یا فساد مصرف شود و ابزار و کمک به هر دو قرار گیرد؛ آموختن، یاد دادن و مزد گرفتن برای تعلیم یا ساختن آنها، برای کسانی که آن را در راه صلاح مصرف کنند مشروع است، اما برای کسانی که در راه فساد و به زیان دیگران از آنها استفاده کنند، حرام است و آموزنده و یادگیرنده تقصیر و گناهی ندارند، زیرا ذات عمل سودمند و مصلحت آمیز و مایه قوام و بقای خلق است، آنها که در فساد و حرام آن را به کار می برند، مقصر و گنهکارند.

خداوند تنها مصنوعاتی را حرام کرده که مصرفش منحصراً در فساد محض است، مانند: ساختن ساز، نی، شطرنج، کلیه ابزارهای «لغو» و صلیب، بت، و امثال آنها، نظیر درست کردن نوشابه های حرام و (بطور کلی) هر چه که فساد محض است و هیچ گونه مصلحتی (مصرف سودمندی) ندارد؛ بنابراین یاد دادن، یاد گرفتن، ساختن، مزد گرفتن، و تمام تصرفات در آنها مطلقاً حرام است، مگر اینکه صنعتی باشد که به نفع اقسام صنعت به کار رود، هر چند که در معصیت نیز مورد استفاده قرار گیرد که به منظور آن منفعت حلال، یاد گرفتن، یاد دادن و ساختنش حلال است، و در این صورت، تنها استعمال نابجا و ناروایش ممنوع خواهد بود. این بود راهها و طرق امرار معاش بندگان و حکم تعلیم کسب ها.

انواع بیرون کردن مال و انفاق اموال راه های بیرون کردن مال و وجوه حلالی که اموال به صورت واجب یا مستحب در آنها خرج می شود، کلاً بیست و چهار نوع است: هفت نوع مربوط به مصارف شخصی انسان است، پنج نوع مخصوص افراد واجب النفقه، سه نوع واجبات شرعی که به عنوان دین بر عهده اوست، پنج نوع اهداها و بخشش های لازم و چهار نوع مصارف خیر است.

اما مصارف شخصی: عبارت است از احتیاجات و ضروریات مانند: خوراک، نوشیدنی، پوشاک، هزینه ازدواج، هزینه خدمتکار (در صورت لزوم)، حوائجی از قبیل: مزد تعمیر لوازم (خانه و محل کار)، حمل یا نگهداری اجناس، نیازمندی هایی چون: خانه و اسباب و لوازم زندگی.

اما نفقه های پنجگانه، عبارت است از: هزینه های شخصی، هزینه فرزند، پدر و مادر، زن و مملوک (غلام و حیوان). نفقه این افراد چه در حال تنگ دستی و چه توان مندی، واجب است.

اما سه نوع دین واجب [الهی]، یکی زکات است که واجب سالانه است، دیگر حج واجب و سوم (هزینه) جهاد در وقتش.

اما پنج نوع بخشش مستحب: اهدا به مافوق و بالادست، به خویشان، مؤمنان و صدقه و احسان، و آزاد کردن بردگان.

و انواع چهارگانه مصارف خیر: پرداخت بدهی، وام، قرض دادن، و مهمانی که اینها در سنت واجب است.

«خوراکی های حلال»

خوردنی های حلالی که از زمین می روید سه گونه است:

۱- دانه های نباتی: (به طور کلی) مثل گندم، جو، برنج، نخود، و انواع دیگر حبوبات، و اقسام کنجد و غیره و هر دانه ای که از زمین بروید و برای بدن و تقویت انسان مفید باشد، اینها همه حلال است؛ و آنچه برای بدن مضر باشد حرام است، مگر در حال ضرورت.

۲- همه اقسام میوه ها که از زمین می روید و در تغذیه انسان به کار می رود و برای بدن سودمند و نیروبخش است. و هر کدام زیان داشته باشد حرام است.

۳- انواع سبزی ها و گیاهانی که از زمین بروید و برای بدن مفید باشد و غذای انسان محسوب شود، خوردنش حلال است. اما سبزی های مضر، مانند: گیاهان سمی کشنده مثل خرزهره و غیره، حرام است.

«حیوانات حلال گوشت»

گوشت گاو، گوسفند، شتر، حیوانات وحشی حلال گوشت، و هر حیوانی که دندان نیش و چنگال ندارد، حلال است؛ و همچنین پرندگان حلال گوشت آنهایی هستند که سنگدان دارند، اما آنها که سنگدان ندارند حرام اند، و اقسام ملخ نیز خوردنش جایز است.

«تخم های حلال»

هر تخمی که دو طرفش مساوی نباشد حلال و آنچه دو طرفش مساوی باشد حرام است.

«انواع ماهی های حلال»

ماهی پولک دار حلال است و هر کدام پولک ندارد حرام است.

«انواع نوشیدنی های حلال»

نوشیدنی ها همه حلال اند جز آنها که زیادش عقل را دگرگون و موجب مستی شود؛ و اندکش نیز حرام است.

«پوشاک های حلال»

هر آنچه که از گیاه به دست آید، پوشیدن و نماز گزاردن در آن حلال است، و هر حیوان حلال گوشتی که طبق دستور اسلام سر بریده شود، پوست، پشم، مو، و کرکشان حلال است و حیوانات پاک (حلال گوشت) چه طبق دستور اسلام سر بریده شده باشند یا مرده باشند، پوشیدن پشم، مو، پر، و کرکشان و همچنین نماز خواندن در آنها جایز است و هر چه به مصرف خوردن، یا نوشیدن، یا پوشیدن انسان برسد (خوردنی ها)، نماز و سجده بر آن جایز نیست. به جز میوه ها، سجده بر گیاهان جایز است مگر گیاهان قابل رستن که بعد از رستن، سجده بر آنها جایز نیست، جز در حال ضرورت که بر رسته هم می توان سجده کرد.

چهار نوع زناشوئی حلال است:

۱- ازدواجی که منجر به ارث بردن شود (عقد دائم که زن و شوهر از هم ارث می برند).

۲- ازدواج بدون ارث (عقد موقت).

۳- کنیز گرفتن.

۴- ازدواج با تحلیل (یعنی شخصی کنیز خود را برای مدتی معین برای شخص دیگر حلال نماید).

از شش راه می توان مالک چیزی شد:

۱- غنیمت. ۲- خرید. ۳- ارث. ۴- هبه. ۵- عاریه. ۶- اجاره.

این بود تفصیل چیزهای حلال و آنچه برای انسان جایز است مالش را انفاق کند و در جهت حلال و در وجوه آن هزینه کند و آنچه می تواند در آن تصرف و دگرگونی ایجاد کند، از انواع واجب و مستحب.

۲- قال الإمام الرضا صلوات الله عليه: اعْلَمْ يَرْحِمُكَ اللَّهُ أَنَّ كُلَّ مِأْمُورٍ بِهِ مِمَّا هُوَ عَوْنٌ عَلَى الْعِبَادِ وَقِيَامٌ لَهُمْ فِي أُمُورِهِمْ مِنْ وَجْهِ الصَّلَاحِ الَّذِي لَمَّا يُقِيمُهُمْ غَيْرُهُ مِمَّا يَأْكُلُونَ وَيَشْرَبُونَ وَيَلْبَسُونَ وَيَنْكِحُونَ وَيَمْلِكُونَ وَيَشْتَعْمَلُونَ فَهَذَا كُلُّهُ حَلَالٌ بَيْنَهُ وَ شِرَاؤُهُ وَ هِبَتُهُ وَ عَارِيَّتُهُ وَ كُلُّ أَمْرٍ يَكُونُ فِيهِ الْفَسَادُ مِمَّا قَدْ نَهَى عَنْهُ مِنْ جِهَةِ أَكْلِهِ وَ شُرْبِهِ وَ لُبْسِهِ وَ نِكَاحِهِ وَ إِمْسَاكِهِ لَوْجِهِ الْفَسَادِ مِثْلَ الْمَيْتَةِ وَ الدَّمِ وَ لَحْمِ الْخَنْزِيرِ وَ الرَّبْيَا وَ جَمِيعِ الْفَوَاحِشِ وَ لُحُومِ السَّبَاعِ وَ الْحَمْرِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ فَحَرَامٌ ضَارٌّ لِلْجِسْمِ وَ فَسَادٌ لِلنَّفْسِ. (۱)

حضرت امام رضا صلوات الله عليه فرمود: بدان، خداوند مورد رحمت قرار می دهد، همه کسانی را که امر شده اند، به آنچه که یاری کننده بندگان و مایه قوام زندگی آنان باشد و از جهتی به صلاح مردم و مفید به حال آنان باشد و برای خوردن، نوشیدن، پوشیدن، ازدواج، مالکیت و استعمال مالکانه بدان نیازمند و از آن ناگزیر می باشند. فروش، خرید، نگهداری، استعمال، بخشش، و قرض دادن همه این ها حلال است و هر چیزی که مایه فساد باشد، و از جهت خوردن، نوشیدن، پوشیدن، ازدواج، مالک شدن و نگهداشتن، ممنوع و مورد نهی خدا باشد، یا از جهتی برای مردم فساد داشته باشد، مانند فروش مردار، خون، گوشت خوک، ربا

ص: ۴۶۶

و کلیه فسادها و فروش گوشت درندگان و شراب، و چیزهایی شبیه به آن، همه حرام و نامشروع است و برای جسم مضر بوده و برای روح، فسادآور می باشد.

۳- قال الإمام الرضا صلوات الله عليه: كَسَبُ الْمُعْتَبِيَةِ حَرَامٌ وَ لَا بَأْسَ بِكَسْبِ النَّائِحَةِ إِذَا قَالَتْ صِدْقًا وَ لَا بَأْسَ بِكَسْبِ الْمَأْثُومَةِ إِذَا لَمْ تُشَارِطْ وَ قَبِلَتْ مَا تُعْطَى وَ لَا تَصِلُ شَعْرَ الْمَرْأَةِ بِغَيْرِ شَعْرِهَا وَ أَمَّا شَعْرُ الْمَغْزِ فَلَا بَأْسَ بِأَنْ يُوَصَلَ وَ قَدْ لَعَنَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ سَبْعَةَ الْوَاصِلِ شَعْرَهُ بِغَيْرِ شَعْرِهِ وَ الْمُتَشَدَّبَةَ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ وَ الرِّجَالَ بِالنِّسَاءِ وَ الْمُفْلَجَ بِأَسْنَانِهِ وَ الْمُوشِمَ بِيَدَيْهِ وَ الدَّعِيَ إِلَى غَيْرِ مَوْلَاهُ وَ الْمُتَعَاظِلَ عَلَى زَوْجَتِهِ وَ هُوَ الدِّيُوثُ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَقْتُلُوا الدِّيُوثَ.

وَ اعْلَمَنَّ أَنَّ أَجْرَهُ الزَّانِيَةِ وَ تَمَنَ الْكَلْبِ سُحْتٌ إِلَّا كَلْبَ الصَّيْدِ وَ أَمَّا الرِّشَاءُ فِي الْحُكْمِ فَهِيَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ. (۱)

حضرت امام رضا صلوات الله عليه فرمود: مزد گرفتن زن آوازه خوان حرام است و اجرت گرفتن زن نوحه گر در صورتی که راست بگوید اشکال ندارد؛ و نیز اجرت گرفتن زن آرایشگر، در صورتی که هر چه دادند بپذیرد و شرطی نگذارد، مانعی ندارد، اما نباید موی مصنوعی (از شخص دیگر) به سر زن دیگر بزند، ولی وصل موی حیوان مانند موی بز اشکالی ندارد. رسول الله صلی الله علیه و آله هفت گروه را لعنت کرده است: کسی که موی مصنوعی بر مویش وصل کند، زنان مرد صفت و مردان زن صفت، کسی که دندانش را بساید، کسی که در دستش خالکوبی کند، دعوت کننده به کسی غیر از مولایش، کسی که از زنش غافل باشد، یعنی دیوث (مردی که همسرش با مردان دیگر رابطه نامشروع دارد و او می داند و اهمیت نمی دهد). رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: دیوث را بکشید.

بدان که اجرت زن زناکار و بهای سگ - البته غیر از سگ شکاری - حرام است و رشوه گیری در قضاوت، کفر به خداوند بزرگ است.

۴- قال الإمام الرضا صلوات الله عليه: اعْلَمَنَّ يَرْحِمُكَ اللَّهُ أَنْ كَمَلَّ مَا يَتَعَلَّمُهُ الْعِيَادُ مِنْ أَنْوَاعِ الصَّنَائِعِ مِثْلَ الْكِتَابِ وَ الْحِسَابِ وَ التَّجَارَةِ وَ النُّجُومِ وَ الطَّبِّ وَ سَائِرِ الصَّنَائِعِ كَالْأَنْبِيَةِ وَ الْهَنْدَسَةِ وَ التَّصَاوِيرِ مَا لَيْسَ فِيهِ مِثَالُ الرُّوحَانِيِّينَ وَ أَبْوَابِ صُنُوفِ الْأَلَاتِ الَّتِي يُحْتَاجُ إِلَيْهَا

ص: ۴۶۷

مِمَّا فِيهِ مَنَافِعٌ وَ قَوَائِمٌ مَعَاشٍ وَ طَلَبُ الْكَسْبِ فَحَلَالٌ كُلُّهُ تَعْلِيمُهُ وَ الْعَمَلُ بِهِ وَ أَخْذُ الْمَاجِرَةِ عَلَيْهِ وَ إِنْ قَدْ تَصَيَّرَ فِيهَا فِي وُجُوهِ الْمَعَاصِي أَيْضًا مِثْلَ اسْتِعْمَالِ مَا جُعِلَ لِلْحَلَالِ ثُمَّ تَصَيَّرَهُ إِلَى أَبْوَابِ الْحَرَامِ وَ مِثْلَ مُعَاوَنَةِ الظَّالِمِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِنْ أَسْبَابِ الْمَعَاصِي مِثْلَ الْإِنَاءِ وَ الْأَقْدَاحِ وَ مَا أَشَبَّهُ ذَلِكَ وَ لَعَلَّهُ لِمَا فِيهِ مِنَ الْمَنَافِعِ جَازَ تَعْلِيمُهُ وَ عَمَلُهُ وَ حَرَّمَ عَلَى مَنْ يَصَيِّرُهُ إِلَى غَيْرِ وُجُوهِ الْحَقِّ وَ الصَّلَاحِ الَّذِي أَمَرَ اللَّهُ بِهَا دُونَ غَيْرِهَا.

اللَّهُمَّ إِلَّا أَنْ يَكُونَ صِنَاعَةً مُحَرَّمَةً أَوْ مَنَهِيًّا عَنْهَا مِثْلَ الْغِنَاءِ وَ صِنْعِهِ آتَانِهِ وَ مِثْلَ بِنَاءِ الْبَيْعَةِ وَ الْكُنَائِسِ وَ بَيْتِ النَّارِ وَ تَصَاوِيرِ ذَوِي الْأَرْوَاحِ عَلَى مِثَالِ الْحَيَوَانَ وَ الرُّوحَانِيِّ وَ مِثْلَ صِنْعِهِ الدَّفِّ وَ الْعُودِ وَ أَشْبَاهِهِ وَ عَمَلِ الْخَمْرِ وَ الْمُسِيكِ وَ الْأَلَاتِ الَّتِي لَا تَصِيْلُحُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْمُحَلَّلَاتِ فَحَرَامٌ عَمَلُهُ وَ تَعْلِيمُهُ وَ لَا يَجُوزُ ذَلِكَ وَ بِاللَّهِ التَّوْفِيقُ. (۱)

حضرت امام رضا صلوات الله عليه فرمود: بدان که خداوند کسی را که چیزی از انواع حرفه ها را به بندگان بیاموزد، مورد رحمت قرار می دهد؛ مانند: نویسندگی، حساب، تجارت، نجوم، طب و دیگر حرفه ها مثل ساختمان سازی و هندسه و صورت گری البته نه تصویر جانداران و نیز ساختن ابزارهایی که بندگان خدا برای منافع خود بدان ها محتاجند، و مایه قوام زندگی و رفع نیازمندی هاست؛ تعلیم و پیشه ساختن همه این ها حلال است، گرچه گاهی از آن، در راه های فساد یا معصیت استفاده شود، همان گونه که در راه حق به کار می رود؛ پس حتی اگر آن به کارهای حرام اختصاص داده شود، مثل: یاری به ظالم و دیگر راه های معصیت مثل ساختن ظروف و جام های شراب و کارهایی شبیه به آن، به سبب آن منفعتش، یاد دادن و پیشه کردنش حلال است، اما کسی که آن را در راهی به غیر از راه حق و حلالی که خداوند بر آن امر کرده اختصاص دهد، حرام است.

خداوند صنعت را حلال ساخته، مگر صنعتی که حرام و از آن نهی شده باشد مثل: ابزار غنا و ساختن آلات موسیقی و بنا کردن کلیسا و معابد و آتشکده و صورت گری جاندارانی به شکل حیوان یا انسان یا ساختن دف و عود (آلت موسیقی) و چیزهایی شبیه به آن و درست کردن شراب و مسکر و آلاتی که با ابزار حلال و مشروع ساخته نمی شوند، بنابراین پیشه کردن و یاد گرفتنش حرام است و جایز نیست؛ و توفیق تنها از جانب خداست.

ص: ۴۶۸

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: كَسَبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذَّرِّيَّةِ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عبید بن زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: به دست آوردن سود حرام، در فرزندان اثر خودش را ظاهر می کند.

۶- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: أَتَى رَجُلٌ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ إِنِّي كَسَيْتُ مَالًا أَعْمَضْتُ فِي مَطَالِبِهِ حَلَالًا وَحَرَامًا وَقَدْ أَرَدْتُ التَّوْبَةَ وَ لَا أَدْرِي الْحَلَالَ مِنْهُ وَالْحَرَامَ وَقَدْ اخْتَلَطَ عَلَيَّ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ تَصَدَّقْ بِخُمْسِ مَالِكَ فَإِنَّ اللَّهَ جَلَّ إِسْمُهُ رَضِيَ مِنَ الْأَشْيَاءِ بِالْخُمْسِ وَ سَائِرِ الْأَمْوَالِ لَكَ حَلَالٌ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: مردی نزد حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله عليه آمد و عرض کرد: من مالی را به دست آورده ام که کاری نداشتم از راه حلال باشد یا حرام (مخلوط است) و قصد توبه دارم، و نمی دانم که حلال و حرامش کدام است و حلال و حرامش با هم مخلوط شده اند.

حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله عليه فرمود: یک پنجم از مال خودت را صدقه بده، چون خداوند به یک پنجم از مال رضایت داده است و بقیه اموات برای تو حلال است.

۷- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ دَاوُدَ الصَّرْمِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: يَا دَاوُدُ إِنَّ الْحَرَامَ لَا يَنْمِي وَلَا يَبَارِكُ لَهُ فِيهِ وَ مَا أَنْفَقَهُ لَمْ يُؤْجَرْ عَلَيْهِ وَ مَا خَلَفَهُ كَانَ زَادَهُ إِلَى النَّارِ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از داود صرمی روایت کرده که گفت: حضرت امام علی النقی هادی صلوات الله عليه فرمود: ای داود! به راستی که حرام رشد نمی کند و اگر هم رشد کند خداوند بدان برکت نمی دهد، و هرچیز حرامی را که کسی انفاق کند اجر و پاداشی در برابرش نمی گیرد و هر چه باقی بگذارد نیز توشه او برای رفتن به آتش دوزخ است.

ص: ۴۶۹

۱- . الكافي ج ۵ ص ۱۲۴ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۱۲۵ ح ۵.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۱۲۵ ح ۷.

۸- الشيخ محمد بن أحمد بن إدريس، بإسناده عن أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: يَبِيعُ الشُّطْرُنِجَ حَرَامًا وَ أَكْلُ ثَمَنِهِ سُحْتٌ وَ اتَّخَاذُهَا كُفْرٌ. (۱)

مرحوم شیخ محمد بن احمد بن ادريس، با سند خویش از ابوبصیر از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه روایت کرده که فرمود: فروش شطرنج و خوردن پولی که از فروش آن به دست آید حرام است و استفاده از آن نیز کفر محسوب می شود.

۴۰۸- اجرت نوحه گری

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: قَالَ لِي أَبِي يَا جَعْفَرُ أَوْقِفْ لِي مِنْ مَالِي كَذَا وَ كَذَا لِنَوَادِبِ تَنْدُئِي عَشْرَ سِنِينَ بِمَنْىَ أَيَّامٍ مَنِي. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یونس بن یعقوب روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: پدرم به من فرمود: ای جعفر! از مال من برای مقداری وقف کن (نگه دار) که تا ده سال در روزهای منا (سه روز آخر حج) در سرزمین منا برای من سوگواری (و بیان فضایل و مناقب) کند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن حَنَانِ بْنِ سَيْدِرٍ قَالَ: كَانَتْ امْرَأَةٌ مَعَنَا فِي الْحَيِّ وَ لَهَا جَارِيَةٌ نَائِحَةٌ فَجَاءَتْ إِلَى أَبِي فَقَالَتْ يَا عَمُّ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ مَعِيشَتِي مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ مِنْ هَيْدِهِ الْجَارِيَةِ النَّائِحَةِ وَ قَدْ أَحْبَبْتُ أَنْ تَسْأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ ذَلِكَ فَإِنْ كَانَ حَلَالًا وَ إِلَّا بَعْتُهَا وَ أَكَلْتُ مِنْ ثَمَنِهَا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِالْفَرَجِ فَقَالَ لَهَا أَبِي وَ اللَّهُ إِنِّي لَأَعْظِمُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنْ هَيْدِهِ الْمَسْأَلَةَ قَالَ فَلَمَّا قَدِمْنَا عَلَيْهِ أَحْبَبْتُهُ أَنَا بِذَلِكَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أ تَشَارِطُ قُلْتُ وَ اللَّهُ مَا أَدْرِي تَشَارِطُ أَمْ لَا فَقَالَ قُلْ لَهَا لَا تَشَارِطُ وَ تَقْبَلُ مَا أُعْطِيَتْ. (۳)

ص: ۴۷۰

۱- السرائر ص ۴۸۴. بحارالانوار ج ۱۰۰ ص ۵۳ ح ۱۷.

۲- الكافي ج ۵ ص ۱۱۷ ح ۱.

۳- الكافي ج ۵ ص ۱۱۷ ح ۳.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حنان بن سدید گوید: زنی در محله ما بود و کنیزی داشت که نوحه گر بود و دوست می داشت که در این مورد از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سؤال کند، که اگر حلال است او را ننگه دارد و اگر نه آن کنیز را بفروشد و بهایش را مصرف کند تا خدا برایش گشایش کند.

پدرم به او گفت: به خدا سوگند! من حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه را بزرگ تر از آن می دانم که چنین سؤالی از او بپرسم. وقتی خدمت آن حضرت رفتیم من این مطلب را برای آن حضرت بازگو کردم.

حضرت فرمود: آیا شرط می کند که مزد بگیرد؟

عرض کردم: به خدا سوگند! نمی دانم شرط می کند یا نه.

فرمود: به او بگو شرط نکنند، ولی آن چه را به او می بخشند بگیرد.

۴۰۹- اجرت معلم

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الفضل بن كثير عن حسان المعلم قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن التعليم فقال لا تأخذ على التعليم أجراً قلت الشعر والرساءل وما أشبه ذلك أشارت عليه قال نعم بعيد أن يكون الصبيان عندك سواء في التعليم لا تفضل بعضهم على بعض. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسان معلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد تعلیم (درس دادن) پرسیدم.

فرمود: برای درس دادن، مزد مگیر.

گفتم: برای شعر، نامه و مواردی از این قبیل می توانم شرط مزد گرفتن بکنم؟

فرمود: آری، به شرط آن که تمام بچه ها نزد تو یکسان باشند و برخی را بر دیگری برتری ندهی.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الفضل بن أبي قرة قال: قلت لأبي عبد الله صلوات الله عليه هؤلاء يقولون إن كسب المعلم سحت فقال كذبوا أعداء الله إنما أرادوا أن لا يعلموا القرآن ولو أن المعلم أعطاه رجل دية ولده لكان للمعلم مباحاً. (۲)

ص: ۴۷۱

۱- . الكافي ج ۵ ص ۱۲۱ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۱۲۱ ح ۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از فضل بن ابی قرّه روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: این ها (جماعت عامه) می گویند: مزد گرفتن معلّم سحت است؟!

فرمود: دشمنان خدا، دروغ گفته اند. مقصود اصلی آنها آن است که کسی قرآن را یاد ندهد و اگر مردی دیه فرزندش را به معلّم ببخشد برایش مباح خواهد بود.

توضیح: معلّم برای تعلیم قرآن و احادیث اهل بیت صلوات الله علیهم نباید مزد تعیین کند، اما اگر متعلمین به رضایت خویش هر مبلغی را که به وی بدهند، گرفتنش جایز است.

۴۱۰- فروختن قرآن ها

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ بَيْعِ الْمَصَاحِفِ وَشِرَائِهَا فَقَالَ لَا تَشْتَرِ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَكِنْ اشْتَرِ الْحَدِيدَ وَالْوَرَقَ وَالذَّفَّتِينَ وَ قُلْ اشْتَرِي مِنْكَ هَذَا بِكَذَا وَ كَذَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد فروش و خرید مصحف ها (قرآن ها) پرسیدم.

فرمود: کتاب خداوند را خریداری مکن، ولی (می توانی) آهن (قفل یا جعبه آهنی) ورق، و دو جلد آن را بخری، هنگامی که می خواهی بخری نیز بگو: این ها را به این مقدار از تو می خرم.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبَسَةَ الْوَرَّاقِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقُلْتُ أَنَا رَجُلٌ أُبِيعُ الْمَصَاحِفَ فَإِنْ نَهَيْتَنِي لَمْ أَبْعُهَا فَقَالَ أَلَسْتَ تَشْتَرِي وَرَقًا وَ تَكْتُبُ فِيهِ قُلْتَ بَلَى وَ أَعَالِجُهَا قَالَ لَا بَأْسَ بِهَا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبسه وراق روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: من مردی هستم که قرآن ها را می فروشم و اگر شما مرا نهی بفرمایید، دست از این کار برمی دارم.

فرمود: مگر تو کاغذ نمی خری که در آن بنویسی؟

عرض کردم: چرا، و آن را صحافی نیز می کنم.

ص: ۴۷۲

۱- . الكافي ج ۵ ص ۱۲۱ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۱۲۲ ح ۴.

۴۱۱- قمار و برد و باخت و مسابقه

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن جابر عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ» قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْمَيْسِرُ فَقَالَ كُلُّ مَا تُقَوْمَرُ بِهِ حَتَّى الْكِعَابُ وَالْجَوْزُ قِيلَ فَمَا الْأَنْصَابُ قَالَ مَا ذَبَحُوهُ لِآلِهَتِهِمْ قِيلَ فَمَا الْأَزْلَامُ قَالَ قِدَا حُهُمُ الَّتِي يَسْتَقْسِمُونَ بِهَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جابر روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: هنگامی که خداوند این آیه را بر رسول الله صلی الله علیه و آله نازل فرمود: {همانا شراب و میسر، و انصاب، و ازلام (آلات قمار)، پلیدی و از کارهای شیطان است پس از آن اجتناب کنید}. (سوره مائده آیه ۹۳)

از آن حضرت پرسیده شد: ای رسول الله! میسر چیست؟

فرمود: هر چیزی که با آن قمار شود، حتی استخوان ها و گردو.

پرسیده شد: انصاب چیست؟

فرمود: چیزهایی که در برابر بت های خود می کشند.

گفته شد: ازلام چیست؟

فرمود: تیرهایی که به آن سوگند یاد می کرده اند (یا در قمار به کار می رفته است).

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا قَالَ: لَا تَصْلُحُ الْمُقَامَرَةُ وَلَا النَّهْبَةُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما فرمود: قماربازی و مسابقه درست نیست.

ص: ۴۷۳

۱- . الكافي ج ۵ ص ۱۲۲ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۱۲۳ ح ۵.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ الْأَمْلَاقُ يَكُونُ وَالْعُرْسُ فَيُنْتَرَى عَلَى الْقَوْمِ فَقَالَ حَرَامٌ وَ لَكِنْ مَا أُعْطَوْكَ مِنْهُ فَخُذْهُ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه عرض کردم: مجلس عروسی برپا می شود و به طرف حاضران، چیزهایی (مانند نقل و شیرینی و پول و...) می ریزند.

فرمود: حرام است، ولی چیزهایی را که به خودت می دهند بخور.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ الصَّبِيَّانُ يَلْعَبُونَ بِالْجُوزِ وَالْبَيْضِ وَ يُقَامِرُونَ فَقَالَ لَا تَأْكُلْ مِنْهُ فَإِنَّهُ حَرَامٌ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه عرض کردم: بچه ها با گردو و تخم مرغ بازی می کنند و بر سر این چیزها قمار می کنند.

فرمود: از آن ها مخر، چون حرام است.

۴۱۲- سُحْتٌ وَ مَوَارِدُ حَرَامٌ

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الْغُلُولِ قَالَ كُلُّ شَيْءٍ غُلٌّ مِنَ الْإِمَامِ فَهُوَ سُحْتٌ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ وَ شِدْبُهُ سُدْحَةٌ وَ السُّحْتُ أَنْوَاعٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا أَجُورُ الْفَوَاجِرِ وَ ثَمَنُ الْخَمْرِ وَ النَّبِيدِ الْمُسِيكِرِ وَ الرَّبَا بَعْدَ الْبَيْتِنَةِ فَأَمَّا الرَّشَا فِي الْحُكْمِ فَإِنَّ ذَلِكَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عمار بن مروان روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه در مورد غش و حيله در معامله پرسیدم.

فرمود: هر چیزی را که انسان با حيله (و خیانت) از امام بگیرد سحت است، خوردن مال یتیم و شبیه آن سحت است، و سحت (مال حرام) انواع بسیاری دارد، از جمله: مزدی که فاجران می دهند، بهای شراب،

ص: ۴۷۴

۱- الكافي ج ۵ ص ۱۲۳ ح ۸.

۲- الكافي ج ۵ ص ۱۲۴ ح ۱۰.

۳- الكافي ج ۵ ص ۱۲۶ ح ۱.

نیبذ مست کننده و ربا پس از بینه (یعنی معلوم شدن این که ریاست). اما رشوه (گرفتن و دادن) در حکم و داوری کفر به خدای عظیم و رسول او صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: الشحُّ ثَمَنُ الْمَيْتَةِ وَ ثَمَنُ الْكَلْبِ وَ ثَمَنُ الْخَمْرِ وَ مَهْرُ الْبَغِيِّ وَ الرَّشْوَةُ فِي الْحُكْمِ وَ أَجْرُ الْكَاهِنِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: سحت (مال حرام) بهای مردار، بهای سگ، بهای شراب، و مهریه زناکار، و رشوه (دادن و گرفتن) در حکم (و قضاوت) و مزد کاهن است.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن الشَّعِيرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: مَنْ بَاتَ سَاهِرًا فِي كَسْبٍ وَ لَمْ يُعْطِ الْعَيْنَ حَظَّهَا مِنَ النَّوْمِ فَكَسَبُهُ ذَلِكَ حَرَامٌ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از شعری روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر کس شبی را تا صبح برای کاسبی بیدار باشد و حق و بهره چشم (یعنی خواب) را به آن ندهد، کاسبی (آن شبش) حرام است.

۴۱۳- خوردن مال یتیم

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَمَاعَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: أَوْعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي مَالِ الْيَتِيمِ بِعُقُوبَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا عُقُوبَةُ الْآخِرَةِ النَّارُ وَ أَمَّا عُقُوبَةُ الدُّنْيَا فَقَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ لِيُخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ - الْآيَةَ» يَعْنِي لِيُخْشَ أَنْ أَخْلَفَهُ فِي ذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَنَعَ بِهِؤُلَاءِ الْيَتَامَى. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: خداوند در مورد خوردن مال یتیم، تهدید به دو عقوبت و مجازات کرده است، یک عقوبت آخرتی که آتش دوزخ است، و عقوبت دنیایی که خداوند می فرماید: { کسانی که اگر فرزندان ضعیف و ناتوانی از خود باقی بگذارند (و بمیرند) برای بچه های خود می ترسند از این که - آخر آیه } . (سوره نساء آیه ۱۱)

ص: ۴۷۵

۱- . الكافي ج ۵ ص ۱۲۶ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۱۲۷ ح ۶.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۱۲۸ ح ۱.

یعنی از این بترسند که بچه های خودشان نیز یتیم شوند، کسی با آن ها همین کاری را که او با یتیمان کرده است انجام بدهد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عجلان أبي صالح قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن أكل مال اليتيم فقال هو كما قال الله عز وجل: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصِيلُونَ سَئِيرًا» ثُمَّ قَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ أَسْأَلَهُ مَنْ عَالَ يَتِيمًا حَتَّىٰ يَنْقَطِعَ يُتْمُهُ أَوْ يَسْتَعْنِيَ بِنَفْسِهِ أَوْ جَبَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ الْجَنَّةَ كَمَا أَوْجَبَ النَّارَ لِمَنْ أَكَلَ مَالَ الْيَتِيمِ.

(۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عجلان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد خوردن مال یتیم پرسیدم.

فرمود: این کار همان طوری است که خداوند فرموده است: در واقع کسانی که اموال یتیم را می خورند تنها شکم هایشان را پر از آتش می کنند و به زودی (به عذاب) سعیر می رسند. (سوره نساء آیه ۱۲)

آن گاه بدون این که من از آن حضرت چیزی بپرسم فرمود: هر کس یتیمی را سرپرستی کند تا دوران یتیمی او پایان پذیرد و یا خود او بی نیاز شود، خداوند بهشت را بر این شخص واجب می گرداند؛ آن سان که آتش دوزخ را بر کسی که مال یتیم را بخورد واجب فرموده است.

۴۱۴- مواردی که از مال یتیم به سرپرست او حلال است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سماعه عن أبي عبد الله صلوات الله عليه: في قول الله عز وجل: «وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ» فَقَالَ مَنْ كَانَ يَلِي شَيْئًا لِلْيَتَامَىٰ وَ هُوَ مُحْتَاجٌ لَيْسَ لَهُ مَا يُقِيمُهُ فَهُوَ يَتَقَاضَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَ يَقُومُ فِي ضَيْعَتِهِمْ فَلْيَأْكُلْ بِقَدْرِ وَ لَا يُسْرِفْ وَ إِنْ كَانَ ضَيْعَتُهُمْ لَا تَشْغَلُهُ عَمَّا يُعَالِجُ لِنَفْسِهِ فَلَا يَزُونَ مِنْ أَمْوَالِهِمْ شَيْئًا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد فرمایش خداوند که می فرماید: (و هر کس فقیر است باید به قدر رفع حاجت از آن بخورد). (سوره نساء آیه ۶) فرمود: هر کس کاری (یا مالی) از یتیمان را سرپرستی می کند، ولی خودش خرجی ندارد و

ص: ۴۷۶

۱- . الکافی ج ۵ ص ۱۲۸ ح ۲.

۲- . الکافی ج ۵ ص ۱۲۹ ح ۱.

محتاج است طلب های یتیمان را از مردم می گیرد به باغ های شان رسیدگی می کند، باید به اندازه رفع نیاز از مال شان استفاده کند و زیاده روی نکند، ولی اگر رسیدگی به باغ آن ها او را از کسب و کارش باز نمی دارد، باید چیزی از اموال آن ها کم نکند و بر ندارد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيِّدَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ» قَالَ الْمَعْرُوفُ هُوَ الْقَوْتُ وَ إِنَّمَا عَنَى الْوَصِيَّ أَوْ الْقَيِّمَ فِي أَمْوَالِهِمْ وَ مَا يُضِلُّهُمْ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد گفتار خدا که می فرماید: {پس باید به اندازه معروف بخورد}. (سوره نساء آیه ۶) فرمود: معروف یعنی خوراک ضروری است و این تنها در مورد وصی یا سرپرست یتیمان است که اموال آن ها را نگهداری و به مصالح آنها رسیدگی می کند.

۴۱۵- ادای امانت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مُضَيْبِ بْنِ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: ثَلَاثَةٌ لَا عُذْرَ لِأَحَدٍ فِيهَا أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَبُرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرِينَ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسین بن مصعب همدانی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: سه چیز است که هیچ کس در مورد آن ها معذور نیست (بهانه ای از او پذیرفته نیست): ادای امانت، به شخص نیک یا بدکار، وفای به عهد، با نیک یا بدکار، و نیکی به پدر و مادر، خواه نیکوکار باشند یا بدکار.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: أَدُّوا الْأَمَانَةَ وَ لَوْ إِلَى قَاتِلِ وُلْدِ الْأَنْبِيَاءِ. (۳)

ص: ۴۷۷

۱- . الكافي ج ۵ ص ۱۳۰ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۱۳۲ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۱۳۳ ح ۳.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: امانت را حتی اگر برای قاتل فرزندان پیامبران باشد، برگردانید.

۴۱۶- برداشتن زن از مال شوهرش و بالعکس

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سعيد بن يسار عن أبي عبد الله في حديث قال: يا هذا إن كنت تعلم أنها قد أفضت بذلك إليك فيما بينك وبينها وبين الله عز وجل فحلال طيب ثلاث مرات ثم قال يقول الله جل اسمه في كتابه: «فإن طبن لكم عن شيء منه نفساً فكلوه هنيئاً مريئاً» (۱).

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سعید بن یسار از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در حدیثی روایت کرده که فرمود: ای مرد! اگر می دانی که همسرت کار را بین تو و خودش و خداوند، به تو واگذار کرده است، پس حلال و پاکیزه است.

حضرت این سخن را سه مرتبه تکرار فرمود، آن گاه فرمود: خداوند عز و جل در کتاب خود می فرماید: پس اگر چیزی از آن را به شما بخشیدند آن را بخورید، گوارای تان باد. (سوره نساء آیه ۴)

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن بكير قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عما يحل للمرأة أن تصدق به من بيت زوجها بغير إذنه قال المأدوم. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن بکیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد مقدار مالی که زن می تواند بدون اجازه شوهرش از (اموال) خانه او صدقه بدهد، پرسیدم.

فرمود: در حد نان و خورشت.

۴۱۷- اشیاء گم شده

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن داود بن سرحان عن أبي عبد الله صلوات الله عليه أنه قال: في اللقطة يعرفها سینه ثم هي كسائر ماله. (۳)

ص: ۴۷۸

۱- . الكافي ج ۵ ص ۱۳۶ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۱۳۷ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۱۳۷ ح ۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از داوود بن سرحان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد چیزی که پیدا کنند، فرمود: یک سال باید آن را اعلام کند و پس از یک سال، جزو مال خودش می شود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَفْزَةَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ اللَّقْطَةِ قَالَ تُعْرَفُ سَنَةً قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا قَالَ وَ مَا كَانَ دُونَ الدَّرْهِمِ فَلَا يُعْرَفُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن ابی حمزه از یکی از راویان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد لقطه (مال پیدا شده) پرسیدم.

فرمود: کم باشد یا زیاد، باید تا یک سال اعلام کنی.

آن حضرت فرمود: اگر کمتر از یک درهم باشد، نیازی به اعلام (جارزدن) ندارد.

۴۱۸- ربا

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن هشام بن سالم عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: درهم رباً أشد من سبعين زنيه كلها بذاتٍ محرّم. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از هشام بن سالم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: یک درهم ربا، از هفتاد زنا کردن که همگی با محرم باشند، بدتر است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: آكَلُ الرَّبَا وَ مُؤْكَلُهُ وَ كَاتِبُهُ وَ شَاهِدُهُ فِيهِ سَوَاءٌ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن قیس روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: رباخوار، غذاخوار او، نویسنده او، و شاهدش همگی یکسان هستند.

ص: ۴۷۹

۱- الكافي ج ۵ ص ۱۳۷ ح ۴.

۲- الكافي ج ۵ ص ۱۴۴ ح ۱.

۳- الكافي ج ۵ ص ۱۴۴ ح ۲.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَأْكُلُ الرَّبَا وَهُوَ يَرَى أَنَّهُ لَهُ حَرَامٌ قَالَ لَا يَضُرُّهُ حَتَّى يُصِيبَهُ مُتَعَمِّدًا فَإِذَا أَصَابَهُ مُتَعَمِّدًا فَهُوَ بِالْمَنْزِلَةِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از هشام بن سالم روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه در مورد مردی که ربا می خورد ولی نظرش این است که حلال است، پرسیدم.

فرمود: تا وقتی که از روی عمد ربا نگیرد برایش ضرری ندارد، ولی اگر از روی عمد و با آگاهی ربا بخورد به منزله همان است که خداوند عز و جل فرموده است.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الرَّبَا لِكَيْلَا يَمْتَنِعَ النَّاسُ مِنَ اضْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از هشام بن سالم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: خداوند فقط برای این ربا را حرام فرمود که مردم از قرض الحسنه دادن خودداری نکنند.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: لَا يَكُونُ الرَّبَا إِلَّا فِيمَا يُكَالُ أَوْ يُوزَنُ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عبید بن زراره روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه شنیدم که می فرمود: ربا، جز در چیزی که یا با پیمانانه کردن یا با وزن کردن (فروخته می شود) نمی باشد.

۴۱۹- بین مرد و فرزندش، و مملوکش ربا نیست

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَيْسَ بَيْنَ الرَّجُلِ وَوَلَدِهِ وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ عَبْدِهِ وَلَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَهْلِهِ رَبَاً إِنَّمَا الرَّبَا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَا لَا تَمْلِكُ قُلْتَ فَأَلْمُشْرِكُونَ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ رَبَاً قَالَ نَعَمْ قُلْتَ فَإِنَّهُمْ مَمَالِكُكَ فَقَالَ إِنَّكَ لَسْتَ تَمْلِكُهُمْ إِنَّمَا

ص: ۴۸۰

۱- . الكافي ج ۵ ص ۱۴۴ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۱۴۶ ح ۸.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۱۴۶ ح ۱۰.

تَمْلِكُهُمْ مَعَ غَيْرِكَ أَنْتَ وَغَيْرِكَ فِيهِمْ سِوَاءَ فَالِدِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ لَيْسَ مِنْ ذَلِكَ لِأَنَّ عَبْدَكَ لَيْسَ مِثْلَ عَبْدِكَ وَعَبْدِ غَيْرِكَ.

(۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: بین مرد و فرزندش و بین او و غلامش و بین او و زنش ربا نیست؛ ربا، تنها بین تو و چیزی که مالک آن نیستی مطرح است.

عرض کردم: مشرکان چطور؟ آیا بین من و آنها ربا به حساب می آید؟

فرمود: آری.

عرض کردم: آنها هم مملوک هستند!

فرمود: تو به تنهایی مالک آنها نیستی، بلکه به همراه دیگران (و به طور شریکی) مالک آنها هستی؛ تو و مسلمانان جنگجوی غیر از تو در آنها یکسان هستید، و رابطه ای که بین تو و آنان هست از قبیل رابطه تو با بنده ات نیست؛ چرا که بنده تو، بنده تو و دیگری نیست.

۴۲۰- فضیلت و برتری تجارت و مراقبت از آن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُحَمَّدِ الرَّعْفَرَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: مَنْ طَلَبَ التَّجَارَةَ اسْتَعْنَى عَنِ النَّاسِ قُلْتُ وَ إِنْ كَانَ مُعِيلاً قَالَ وَ إِنْ كَانَ مُعِيلاً إِنْ تَسَعَهُ أَعْشَارِ الرِّزْقِ فِي التَّجَارَةِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد زعفرانی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرکس در پی تجارت باشد از مردم بی نیاز می شود.

عرض کردم: حتی اگر دارای خانواده و نان خور باشد؟

فرمود: حتی اگر دارای خانواده باشد؛ در واقع نه دهم رزق و روزی، در تجارت است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ هِشَامِ بْنِ أَحْمَرَ قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ لِمُصَادِفٍ أُغْدِيَ إِلَيَّ عِزَّكَ يَعْنِي السُّوقَ.

(۳)

ص: ۴۸۱

۱- . الكافي ج ۵ ص ۱۴۷ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۱۴۸ ح ۳.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۱۴۹ ح ۷.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از هشام بن احمر روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه همواره به مصادف می فرمود: هر روز بامدادان در پی عزت و شکوه خود - یعنی بازار - باش!

۴۲۱- آداب تجارت و خرید و فروش

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الأصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ عَلَى الْمُبْتَرِ: يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ الْفِئَةِ تَمَّ الْمُنْجَرُ الْفِئَةَ تَمَّ الْمُنْجَرُ الْفِئَةَ تَمَّ الْمُنْجَرُ وَ اللَّهُ لِلرَّبِّيَا فِي هَيْدِهِ الْأُمَّةِ أَحْفَى مِنْ دَيْبِ النَّيْلِ عَلَى الصَّنَمَا شُوبُوا أَيْمَانَكُمْ بِالصَّدَقِ النَّاجِرِ فَاجِرٌ وَ الْفَاجِرُ فِي النَّارِ إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ وَ أَعْطَى الْحَقَّ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اصبغ بن نباته روایت کرده که گفت: از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه شنیدم که بر فراز منبر می فرمود:

ای تاجران! نخست فقه (آموختن احکام دین و تجارت) سپس تجارت، نخست فقه سپس تجارت، نخست فقه سپس تجارت. به خدا سوگند! یقین داشته باشید که ربا در این امت از راه رفتن مورچه بر روی سنگ صیقلی و براق پنهان تر و نامرئی تر است؛ سوگندهای تان را با راستگویی بیامیزید و قسم دروغ یاد نکنید. تاجر، فاجر است و فاجر در آتش است، مگر آن تاجری که حق را بگیرد و حق را بپردازد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَمْرِو بْنِ عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: مَنْ بَاعَ وَ اشْتَرَى فَلْيَحْفَظْ حَمْسَ خِصَالٍ وَ إِلَّا فَلَا يَشْتَرِيَنَّ وَ لَا يَبِيعَنَّ الرَّبَا وَ الْحَلْفَ وَ كِتْمَانَ الْعَيْبِ وَ الْحَمْدَ إِذَا بَاعَ وَ الذَّمَّ إِذَا اشْتَرَى. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس خرید و فروش می کند باید پنج خصلت و ویژگی را رعایت کند، و گرنه باید دست به خرید و فروش نزند: ربا، سوگند، پنهان کردن عیب، تعریف در هنگام فروش و بدگویی به هنگام خریدن.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ بِالْكَوْفَةِ عِنْدَكُمْ يَغْتَدِي كُلَّ يَوْمٍ بُكْرَةً مِنَ الْقَصْرِ فَيَطُوفُ فِي

ص: ۴۸۲

۱- . الكافي ج ۵ ص ۱۵۰ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۱۵۰ ح ۲.

أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ سُوقاً سُوقاً وَمَعَهُ الدَّرَّةُ عَلَى عِيَانِهِ وَكَانَ لَهَا طَرْفَانِ وَكَانَتْ تُسَمَّى السَّبِيحَةَ فَيَقِفُ عَلَى أَهْلِ كُلِّ سُوقٍ فَيُنَادِي يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ اتَّقُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَإِذَا سَمِعُوا صَوْتَهُ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَلْقُوا مَا بَأَيْدِيهِمْ وَأَرْعَوْا إِلَيْهِ بِقُلُوبِهِمْ وَاسْمِعُوا بِأَذَانِهِمْ فَيَقُولُ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَدَّمُوا الْأَشْيَاءَ تَخَارَةً وَتَبَرَّكُوا بِالسُّهُولَةِ وَاقْتَرِبُوا مِنَ الْمُتَبَاعِينَ وَتَزَيَّنُوا بِالْحِلْمِ وَتَنَاهَوْا عَنِ الْيَمِينِ وَجَاءُوا بِالْكَذِبِ وَتَحَافُوا عَنِ الظُّلْمِ وَأَنْصَتُوا الْمَظْلُومِينَ وَلَا تَقْرَبُوا الرِّبَا وَأَوْفُوا «الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبَخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ»... «وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» فَيَطُوفُ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ أَسْوَاقِ الْكُوفَةِ ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَقْعُدُ لِلنَّاسِ. (١)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جابر روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه همواره در کوفه هرروز صبح از مقر حکومتی نزد شما می آمد و در بازارهای کوفه، یکی یکی گردش می کرد و چوب دستی نیز برشانه نهاده بود که دو لبه داشت و نامش سببیه (یعنی دولبه) بود. آن حضرت می آمد و نزد اهل هریک از بازارها می ایستاد و بانگ می زد:

ای تاجران! از خداوند عزّ و جلّ بترسید و تقوا پیشه کنید!

وقتی صدای حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را می شنیدند، هرچه در دست داشتند می افکندند و می آمدند و دل و جانشان با او بود و گوش به سخنانش می سپردند؛ می فرمود: پیش از کار استخاره و طلب خیر از خدا کنید و با آسان کردن خرید و فروستان برکت بیابید، خودتان را به خریداران نزدیک کنید (و گران مفروشید)، و خود را به حلم و بردباری بیارید، و از سوگند خوردن خودداری کنید، از دروغ گفتن پرهیزید، از ستم کردن بگریزید، با ستمدیدگان مدارا کنید، نزدیک ربا مشوید، پیمانہ و ترازو را کامل و درست بگیرید، اجناس مردم را به ارزانی مخرید و در زمین فساد نکنید.

آن حضرت صلوات الله علیه بدین سان در همه بازارهای کوفه گردش و سرکشی می کرد، آن گاه باز می گشت و برای انجام کارهای مردم جلوس می فرمود.

۴- الشیخ الكلینی، یاسنادہ عن السُّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: السَّمَاخَةُ مِنَ الرِّبَاحِ قَالَ ذَلِكَ لِرَجُلٍ يُوصِيهِ وَمَعَهُ سِلْعَةٌ يَبِيعُهَا. (٢)

ص: ۴۸۳

۱- . الكافي ج ۵ ص ۱۵۱ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۱۵۲ ح ۷.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: راحت گرفتن در خرید و فروش، برکت بیشتری می آورد. این کلام را به کسی فرمود که متاعی برای فروش آورده بود، و آن حضرت به او سفارش می کرد.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: غَبْنُ الْمُشْتَرِي سُحْتٌ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن عمّار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: ضرر زدن (گران فروشی) به کسی که در قیمت بر انسان اعتماد می کند، سحت (حرام) است.

۶- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: أَيُّمَا عَبْدٍ أَقَالَ مُسْلِمًا فِي بَيْعٍ أَقَالَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَثْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو حمزه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر بنده ای که جنس را از مسلمان پس بگیرد، خداوند تعالی در روز قیامت لغزش و گناه او را پس می گیرد.

۷- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ صَالِحٍ وَ أَبِي شَيْبَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: رِبْحُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ رَبًّا إِلَّا أَنْ يَشْتَرِيَ بِأَكْثَرِ مِنْ مِائَةِ دِرْهَمٍ فَارْبِحْ عَلَيْهِ قُوْتٌ يَوْمَكَ أَوْ يَشْتَرِيهِ لِتَجَارِهِ فَارْبِحُوا عَلَيْهِمْ وَ ارْزُقُوا بِهِمْ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سلیمان بن صالح و ابو شبل روایت کرده که گفتند: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: سود گرفتن مؤمن از مؤمن رباست، مگر آن که چیزی را بیش از یکصد درهم خریداری کرده باشد و تنها به اندازه خرجی مورد نیاز همان روزت از او استفاده بگیری؛ یا آن که آن کالا را برای تجارت کردن از تو بخرد که در این صورت (از مومنان) سود بگیری و با آنان مدارا نیز بکنید.

ص: ۴۸۴

۱- . الكافي ج ۵ ص ۱۵۳ ح ۱۴.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۱۵۳ ح ۱۶.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۱۵۴ ح ۲۲.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّنَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از هشام بن سالم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: کسی که با ما غش (ناخالص و مخلوط کردن چیزی بی ارزش با چیز باارزش) کند از ما نیست.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عُيَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ يَبِيعُ الدَّقِيقَ فَقَالَ إِيَّاكَ وَالْغَشَّ فَإِنَّ مَنْ غَشَّ غُشًّا فِي مَالِهِ فَإِنَّ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ غُشَّ فِي أَهْلِهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عیسی بن هشام از مردی از شیعیان روایت کرده که گفت: مردی که آردفروش بود نزد حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه آمد، و حضرت به او فرمود: به تو سفارش می کنم غش نکنی؛ چون هر کس به دیگری چیز ناخالصی را بفروشد، دیگران نیز مال ناخالص و مغشوش به او می فروشند، و اگر ثروتی نداشته باشد در مورد خانواده اش با او غش و خیانت می شود.

۴۲۳- قیمت ها

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: عَلَامَةُ رِضَا اللَّهِ تَعَالَى فِي خَلْقِهِ عَدْلُ سُلْطَانِهِمْ وَ رُخْصَ أَسْعَارِهِمْ وَ عَلَامَةُ غَضَبِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ جَوْرُ سُلْطَانِهِمْ وَ غَلَاءُ أَسْعَارِهِمْ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق روایت کرده که گفت: پدرم گفت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: نشانه خشنودی خداوند در مخلوقاتش، عدالت و دادگری پادشاه شان، و ارزان بودن قیمت های شان است؛ و علامت خشم خدای تبارک و تعالی بر مخلوقاتش، ستم گری پادشاه شان و گرانی قیمت هایشان است.

ص: ۴۸۵

۱- الكافي ج ۵ ص ۱۶۰ ح ۱.

۲- الكافي ج ۵ ص ۱۶۰ ح ۴.

۳- الكافي ج ۵ ص ۱۶۲ ح ۱.

۲- الشيخ الطوسي، بإسناده عن الحسين بن عبد الله بن ضميره عن أبيه عن جده عن علي بن أبي طالب صلوات الله عليهما أنه قال: رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ مَرَّ بِالْمُحْتَكِرِينَ فَأَمَرَ بِحُكْرَتِهِمْ أَنْ تُخْرَجَ إِلَى بُطُونِ الْمَأْسَوِّاقِ وَحَيْثُ تَنْظُرُ الْأَبْصَارُ إِلَيْهَا فَيَقِيلُ لِرَسُولِ اللَّهِ لَوْ قَوْمَتَ عَلَيْهِمْ فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى عُرِفَ الْغَضَبُ فِي وَجْهِهِ فَقَالَ أَنَا أَقْوَمُ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا السُّعْرُ إِلَى اللَّهِ يَزْفَعُهُ إِذَا شَاءَ وَيَخْفِضُهُ إِذَا شَاءَ. (۱)

مرحوم شیخ طوسی، با سند خویش از حسین بن عبدالله بن ضمیره از پدرش از جدش از حضرت علی بن ابی طالب صلوات الله علیهما روایت کرده که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله به احتکار کنندگان عبور کرد و دستور داد که اجناس احتکاری به دل بازارها آورده شود به گونه ای که چشمها به آن نظر کند.

پس به ایشان گفته شد: ای کاش قیمتی برای آنها تعیین می کردید! پس حضرت غضب کردند به گونه ای که در صورت ایشان مشخص گردید و فرمود: آیا من برای آنها قیمت تعیین کنم؟! همانا قیمت به دست الله است، هر موقعی که خواست آن را بالا می برد و هر موقعی که خواست آن را پایین می آورد!

۳- و فی روایه أخرى: قِيلَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَوْ سَعَرْتَ لَنَا سِعْرًا فَإِنَّ الْأَسْعَارَ تَزِيدُ وَتَنْقُصُ فَقَالَ مَا كُنْتُ لِأَلْقَى اللَّهَ بِيَدَعِهِ لَمْ يُحَدِّثْ إِلَيَّ فِيهَا شَيْئًا فَدَعُوا عِبَادَ اللَّهِ يَا كُلُّ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ. (۲)

در روایت دیگری آمده است: به رسول الله صلی الله علیه و آله گفته شد: کاش قیمتی برای ما تعیین می کردید، زیرا همانا قیمت ها زیاد و کم می شود!

حضرت فرمود: من خدا را با بدعتی که چیزی در مورد آن به من گفته نشده است ملاقات نمی کنم! بندگان خدا را رها کنید که برخی از برخی دیگر (روزی) بخورند!

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ أُسَيْمٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَكَلَّ بِالسُّعْرِ مَلَكًا فَلَنْ يَغْلُوَ مِنْ قَلِّهِ وَ لَنْ يَزُحُصَ مِنْ كَثْرِهِ. (۳)

ص: ۴۸۶

۱- . تهذيب الاحكام ج ۷ ص ۱۶۱ ح ۱۸.

۲- . التوحيد (للصدوق) ص ۳۸۸ ح ۳۳.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۱۶۲ ح ۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن اسلم از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: همانا خداوند عزّ و جلّ ملکی را به قیمت مَوَکَل نموده است، پس به خاطر کم بودن جنس، گران نمی شود و به خاطر زیادی ارزان نمی شود.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُيسر قال: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ عَامَّةَ مَنْ يَأْتِينِي إِخْوَانِي فَحَدَّ لِي مِنْ مُعَامَلَتِهِمْ مَا لَا أَجُوزُهُ إِلَّا غَيْرِهِ فَقَالَ إِنَّ وَلَيْتَ أَحَاكَ فَحَسَنٌ وَإِلَّا فَبِعُهُ بَيْنَ الْبَصِيرِ الْمُدَاقِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از میسر روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: عموم کسانی که نزد من می آیند برادران دینی من هستند، پس برای معامله با آنها حدی برای من معین فرما که از آن تجاوز نکنم.

حضرت فرمود: اگر به برادرت واگذار کنی (به قیمت خرید محاسبه کنی) که چه خوب و نیکوست و گرنه می توانی مثل شخص بصیر دقیق در حساب، با او معامله کنی.

۴۲۴-احتکار

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَيْسَ الْحُكْرَةُ إِلَّا فِي الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالتَّمْرِ وَالزَّيْبِ وَالسَّمْنِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از غیاث بن ابراهیم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: احتکار، جز در مورد گندم، جو، خرما، کشمش و روغن نیست.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: الْحُكْرَةُ أَنْ يَشْتَرِيَ طَعَامًا لَيْسَ فِي الْمِضِيرِ غَيْرُهُ فَيَحْتَكِرُهُ فَإِنْ كَانَ فِي الْمِضِيرِ طَعَامٌ أَوْ يَبَاعُ غَيْرُهُ فَلَا- يَأْسَ بِأَنْ يَلْتَمِسَ بِسَلْمَتِهِ الْفَضْلَ قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الزَّيْتِ فَقَالَ إِنْ كَانَ عِنْدَ غَيْرِكَ فَلَا بَأْسَ بِإِمْسَاكِهِ. (۳)

ص: ۴۸۷

۱- . الكافي ج ۵ ص ۱۵۳ ح ۱۹.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۱۶۴ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۱۶۴ ح ۳.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: احتکار؛ یعنی فرد مواد غذایی را که در شهر جز آن غذا وجود ندارد، خریداری کند و آن را احتکار نماید. بنابراین، اگر در شهر غذا باشد، یا مواد غذایی دیگری فروخته شود، اشکالی ندارد که سود بیشتری برای کالای خود بستاند.

راوی گوید: از آن حضرت در مورد روغن زیتون پرسیدم.

فرمود: اگر غیر از تو نیز کسی از آن دارد، انبار کردن آن مانعی ندارد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: الحكره في الخصب أربعون يوماً وفي الشده و البلاء ثلاثة أيام فما زاد على الأربعين يوماً في الخصب فصاحبه ملعون وما زاد على ثلاثة أيام في العسر فصاحبه ملعون. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: احتکار در زمان عادی چهل روز است، و در زمان سختی و بلا گرفتاری سه روز است. بنابراین اگر بیش از چهل روز در زمان راحتی احتکار شود، احتکار کننده ملعون است و اگر بیش از سه روز در زمان سختی و گرفتاری احتکار شود نیز احتکار کننده ملعون است.

۴۲۵- معامله حیوان، لباس و چیزهای دیگر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زرارة عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: البعير بالبيعين والدابة بالدابتين يدا بيد ليس به بأس. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: معامله یک شتر در مقابل دو شتر، و یک اسب در مقابل دو اسب، به طور سر به سر اشکالی ندارد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن بيع الغزل بالثياب الملبسوطه والغزل أكثر وزناً من الثياب قال لا بأس. (۳)

ص: ۴۸۸

۱- . الكافي ج ۵ ص ۱۶۵ ح ۷.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۱۹۰ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۱۹۰ ح ۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الرحمن بن ابی عبد الله روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد فروش پارچه پشمی در مقابل لباس که پارچه پشمی از لباس سنگین تر است پرسیدم.

فرمود: اشکالی ندارد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَا كَانَ مِنْ طَعَامٍ مُخْتَلِفٍ أَوْ مَتَاعٍ أَوْ شَيْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ يَتَفَاضَلُ فَلَا بَأْسَ بَبَيْعِهِ مِثْلَيْنِ بِمِثْلِ يَدًا بِيَدٍ فَأَمَّا نَظْرَةٌ فَلَا تَصْلُحُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: اگر گندم گوناگون، یا کالا یا چیز دیگری که با یکدیگر متفاوت اند به طور مثل به مثل (یکسان) و به صورت نقدی فروخته شود اشکالی ندارد، ولی غیر نقدی، جایز نیست.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن مَنْصُورٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الشَّاهِ بِالشَّائِنِ وَ النَّيِّضِ بِالنَّيِّضِ قَالَ لَا بَأْسَ مَا لَمْ يَكُنْ كَيْلًا أَوْ وَزْنًا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از منصور روایت کرده که گفت: از حضرتش در مورد فروش یک گوسفند در برابر دو گوسفند و فروش یک تخم مرغ در برابر دو تخم مرغ پرسیدم.

فرمود: فروش این گونه چیزی که فروش آن با پیمانانه یا وزن کردن نیست، اشکالی ندارد.

۴۲۶- برخی از معاملات جنس به جنس

۱- الشيخ الكليني، قال: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ رَجَالِهِ ذَكَرَهُ قَالَ: الذَّهَبُ بِالذَّهَبِ وَ الْفِضَّةُ بِالْفِضَّةِ وَ زَنْناً بِوَزْنٍ سَوَاءً لَيْسَ لِبَعْضِهِ فَضْلٌ عَلَى بَعْضٍ وَ تَبَاعُ الْفِضَّةُ بِالذَّهَبِ وَ الذَّهَبُ بِالْفِضَّةِ كَيْفَ شِئْتَ يَدًا بِيَدٍ وَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ وَ لَا تَحِلُّ النَّسِيئَةُ وَ الذَّهَبُ وَ الْفِضَّةُ يُبَاعَانِ بِمَا سِوَاهُمَا مِنْ وَزْنٍ أَوْ كَيْلٍ أَوْ عَدَدٍ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ يَدًا بِيَدٍ وَ نَسِيئَةً جَمِيعاً لَا بَأْسَ بِذَلِكَ وَ مَا كَيْلٌ أَوْ وَزْنٌ مِمَّا أَضَلَّهُ وَاحِدٌ فَلَيْسَ لِبَعْضِهِ فَضْلٌ عَلَى بَعْضٍ كَيْلًا بِكَيْلٍ أَوْ وَزْنًا بِوَزْنٍ فَإِذَا اِخْتَلَفَ أَضَلُّ مَا يُكَالُ فَلَا بَأْسَ بِهِ إِثْنَانِ بِوَاحِدٍ يَدًا بِيَدٍ وَ يُكْرَهُ نَسِيئَةُ [فَإِنْ اِخْتَلَفَ أَضَلُّ مَا يُوزَنُ فَلَيْسَ بِهِ بَأْسٌ إِثْنَانِ]

ص: ۴۸۹

۱- الكافي ج ۵ ص ۱۹۱ ح ۶.

۲- الكافي ج ۵ ص ۱۹۱ ح ۸.

بِوَاحِدٍ يَدًا بِيَدٍ وَيُكْرَهُ نَسِيئَتَهُ [وَمَا كَيْلَ بِمَا وُزِنَ فَلَا بَأْسَ بِهِ يَدًا بِيَدٍ وَنَسِيئَتَهُ جَمِيعًا لَا بَأْسَ بِهِ وَ مَا عَدَّ عَدَدًا وَ لَمْ يُكَلِّ وَ لَمْ يُوزَنْ فَلَا بَأْسَ بِهِ إِثْنَانِ بِوَاحِدٍ يَدًا بِيَدٍ وَ نَسِيئَتَهُ جَمِيعًا لَا بَأْسَ بِهِ وَ مَا عَمِدَ أَوْ لَمْ يُعِدَّ فَلَا بَأْسَ بِهِ بِمَا يُكَالُ أَوْ بِمَا يُوزَنُ يَدًا بِيَدٍ وَ نَسِيئَتَهُ جَمِيعًا لَا بَأْسَ بِهَذَاكَ وَ مَا كَانَ أَضِلُّهُ وَاحِدًا وَ كَانَ يُكَالُ أَوْ يُوزَنُ فَخَرَجَ مِنْهُ شَيْءٌ لَا يُكَالُ وَ لَا يُوزَنُ فَلَا بَأْسَ بِهِ يَدًا بِيَدٍ وَ يُكْرَهُ نَسِيئَتَهُ وَ ذَلِكَ أَنَّ الْقُطْنَ وَ الْكَتَانَ أَضِلُّهُ يُوزَنُ وَ غَزْلُهُ يُوزَنُ وَ ثِيَابُهُ لَا تُوزَنُ فَلَيْسَ لِلْقُطَنِ فَضْلٌ عَلَى الْغَزْلِ وَ أَضِلُّهُ وَاحِدًا فَلَا يَصْلُحُ إِلَّا مِثْلًا بِمِثْلٍ وَ وَزْنًا بِوَزْنٍ فَإِذَا صُيِّغَ مِنْهُ الثِّيَابُ صِلَحَ يَدًا بِيَدٍ وَ الثِّيَابُ لَا بَأْسَ الثُّوبَانِ بِالثُّوبِ وَ إِنْ كَانَ أَضِلُّهُ وَاحِدًا يَدًا بِيَدٍ وَ يُكْرَهُ نَسِيئَتَهُ وَ إِذَا كَانَ قُطْنٌ وَ كَتَانٌ فَلَا بَأْسَ بِهِ إِثْنَانِ بِوَاحِدٍ يَدًا بِيَدٍ وَ نَسِيئَتَهُ كِلَاهُمَا لَا بَأْسَ بِهِ وَ لَا بَأْسَ بِثِيَابِ الْقُطَنِ وَ الْكَتَانِ بِالصُّوفِ يَدًا بِيَدٍ وَ نَسِيئَتَهُ وَ مَا كَانَ مِنْ حَيَوَانٍ فَلَا بَأْسَ بِهِ إِثْنَانِ بِوَاحِدٍ وَ إِنْ كَانَ أَضِلُّهُ وَاحِدًا يَدًا بِيَدٍ وَ يُكْرَهُ نَسِيئَتَهُ وَ إِذَا اخْتَلَفَ أَضِلُّ الْحَيَوَانِ فَلَا بَأْسَ إِثْنَانِ بِوَاحِدٍ يَدًا بِيَدٍ وَ يُكْرَهُ نَسِيئَتَهُ وَ إِذَا كَانَ حَيَوَانٌ بَعْرَضٍ فَتَعَجَّلَتِ الْحَيَوَانُ وَ أَنْسِيَّاتُ الْعَرُوضِ فَلَا بَأْسَ بِهِ وَ إِنْ تَعَجَّلَتِ الْعَرُوضُ وَ أَنْسِيَّاتُ الْحَيَوَانِ فَهِيَ مَكْرُوهَةٌ وَ إِذَا بَعَتِ حَيَوَانًا بِحَيَوَانٍ أَوْ زِيَادَهُ دَرَاهِمٍ أَوْ عَرُوضٍ فَلَا بَأْسَ وَ لَا بَأْسَ أَنْ تَعَجَّلَ الْحَيَوَانُ وَ تُنْسِيَّ الدَّرَاهِمُ وَ الدَّارُ بِالدَّارَيْنِ وَ جَرِيْبُ أَرْضٍ بِجَرِيْبَيْنِ لَا بَأْسَ بِهِ يَدًا بِيَدٍ وَ يُكْرَهُ نَسِيئَتَهُ قَالَ وَ لَا يُنْظَرُ فِيمَا يُكَالُ وَ يُوزَنُ إِلَّا إِلَى الْعَامَّةِ وَ لَا يُؤْخَذُ فِيهِ بِالْخَاصَّةِ فَإِنْ كَانَ قَوْمٌ يَكِيلُونَ اللَّحْمَ وَ يَكِيلُونَ الْجَوْزَ فَلَا يُعْتَبَرُ بِهِمْ لِأَنَّ أَضِلَّ اللَّحْمِ أَنْ يُوزَنَ وَ أَضِلَّ الْجَوْزِ أَنْ يُعَدَّ. (١)

مرحوم شیخ کلینی، گوید: علی بن ابراهیم از راویان خود نقل می کند که حضرتش فرمود: طلا در ازای طلا و نقره در ازای نقره به طوری که هر دو یک وزن باشند و عیار یکی از آنها بهتر از دیگری نباشد و نقره در ازای طلا و طلا در ازای نقره، هر گونه که بخواهی معامله شان اشکالی ندارد به شرطی که نقدی باشد، ولی نسیه جایز نیست.

ص: ۴۹۰

طلا- و نقره را می توان با چیزی جز خودشان، خواه با پیمانانه یا وزن کردن یا شمردن یا موارد دیگر فروخته شود، می توان به طور نقدی یا نسبه عوض کرد و اشکالی ندارد.

چیزی که پیمانانه ای یا وزنی فروخته می شود، و اصل شان نیز یکی است و ارزش آنها نسبت به یکدیگر تفاوتی ندارد به طور وزن یا پیمانانه یکسان، فروخته می شود، ولی اگر اصل چیزهای پیمانانه ای متفاوت باشد، می توان به طور نقدی حتی به طور دو به یک فروخت ولی نسبه اش کراهت دارد.

و اگر چیزهای وزن شدنی، اصل شان متفاوت باشد نیز چنین است.

چیزهای پیمانانه ای را نیز می توان با چیز وزن شدنی عوض کرد چه نقدی یا نسبه ای فروخته شود.

چیزی را که تعدادی - یعنی شمردنی - فروخته می شود و پیمانانه و وزن نمی شود، می توان به طور دو به یک ولی نقدی فروخت و نسبه اش کراهت دارد.

و فرمود: البته اگر اصل این چیز یکی باشد چنین است، اما اگر اصل شان متفاوت باشد نسبه اش نیز اشکالی ندارد.

چیزی که شمردنی است یا شمردنی نیست (یا به هر دو صورت است) را می توان با چیزی که پیمانانه ای یا وزن شدنی است به طور نقدی یا نسبه ای معاوضه کرد.

و اگر اصل دو چیز یکی بود و پیمانانه ای یا وزن شدنی بودند و چیزی از آنها به دست آمد که نه پیمانانه ای است و نه وزن شدنی، این را می توان نقدی معاوضه کرد ولی نسبه اش کراهت دارد.

بدین ترتیب که پنبه و کتان اصل شان وزن می شود و رشته حاصل از آن نیز وزن می شود، ولی لباس حاصل از آن را با وزن کردن نمی فروشند؛ ولی پنبه نسبت به رشته پنبه ای برتری ندارد و اصل شان یکی است، پس نمی توان آن دو را جز از طریق مثل به مثل و هم وزن فروخت اما اگر از اینها لباسی ساخته شد، می توان به طور نقدی فروخت.

اگر یک لباس را در ازای دو لباس معاوضه کنند، گرچه اصل شان یکی است، به طور نقدی جایز است، و نسبه جایز نیست.

و اگر لباس ها پنبه و کتان باشند نیز می توان یکی را در ازای دو لباس پشمی به طور نقدی یا نسبه ای معاوضه کرد.

تمام حیوانات هم جنس را نیز می توان نقدی، به طور دو به یک معاوضه کرد، ولی نسبه اش مکروه است.

و اگر اصل دو حیوان متفاوت باشد می توان به طور نقدی فروخت و نسیه اش درست نیست.

و اگر بخواهد حیوان را با چیزی (جز درهم و دینار) معاوضه کند و حیوان را بگیرد، ولی یادش برود کالا را بپردازد اشکالی ندارد. اما اگر ابتدا کالا را بدهد و گرفتن حیوان فراموش کند، این کراهت دارد.

اگر حیوانی را در برابر حیوانی به تنهایی، یا به ضمیمه پول، یا کالای دیگر فروختی اشکالی ندارد، و نیز اشکالی ندارد که ابتدا حیوان را بدهی و پول ها را فراموش کنی.

فروش یک خانه در برابر دو خانه، و یک قواره زمین در مقابل دو قواره زمین نیز به طور نقدی اشکالی ندارد، ولی نسیه اش جایز نیست.

در مورد این که چیز پیمانه ای یا وزن شدنی است باید به عرف مراجعه کرد، نه به موارد خاص. بنابراین اگر گروهی گوشت را به طور پیمانه ای بفروشند نمی توان به این کار عمل کرد؛ چرا که اصل در مورد گوشت این است که وزن شود و در مورد گردو این است که شمارش گردد.

۴۲۷- خرید و فروش کالا

۱- الشیخ الکلبینی، یاسناده عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ اشْتَرَى ثَوْبًا وَ لَمْ يَشْتَرِطْ عَلَى صَاحِبِهِ شَيْئًا فَكَرِهَهُ ثُمَّ رَدَّهُ عَلَى صَاحِبِهِ فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهُ إِلَّا بَوْضِيْعِهِ قَالَ لَا يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَأْخُذَهُ بِوَضِيْعِهِ فَإِنْ جَهِلَ فَأَخَذَهُ وَ بَاعَهُ بِأَكْثَرِ مِنْ ثَمَنِهِ رَدَّ عَلَى صَاحِبِهِ الْأَوَّلِ مَا زَادَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: مردی لباسی را خریده و با فروشنده چیزی را شرط نکرده است. آن لباس را نپسندیده و می خواهد پس بدهد ولی فروشنده جز کم قیمت نمی پذیرد.

فرمود: فروشنده نمی تواند از قیمتش کسر کند، اگر از روی ناآگاهی بگیرد و به قیمت بیشتری به دیگری بفروشد بایستی مازاد آن را به صاحب اولش بازگرداند.

ص: ۴۹۲

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي رَجُلٍ يَحْمِلُ الْمَتَاعَ لِأَهْلِ السُّوقِ وَقَدْ قَوْمُوهُ عَلَيْهِ قِيمَةً فَيَقُولُونَ بَعْ فَمَا إِزْدَدْتَ فَلَكَ قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ وَ لَكِنْ لَا يَبِيعُهُمْ مُرَابِحَةً. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو صباح کنانی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه پرسیده شد: مردی کالایی را به بازار می برد که آنها به آن قیمت گذاری کرده اند بازاریان می گویند: بفروش هرچه اضافه شد مال خودت باشد.

فرمود: چنین معامله ای اشکال ندارد، ولی به سود به آنان نفروشد.

۴۲۸- خرید و فروش کالاهای دزدی و خیانتی

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي بصير قال: سألت أجدتهما صلوات الله عليهما عن شراء الخيانة والسرقة فقال لا إلا أن يكون قد اختلط معه غيره فأما السرقة بعينها فلا إلا أن تكون من متاع السلطان فلا بأس بذلك. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو بصير روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليهما در مورد خریدن چیزی که دزدیده شده یا خیانتی باشد، پرسیدم.

فرمود: نه، (جایز نیست)، مگر آن که با خودش (یعنی با حلال) مخلوط شده باشد، اما چیز دزدیده شده را به تنهایی نمی توان خرید مگر آن که از کالای پادشاه دزدیده شود که اشکالی ندارد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن أبي نجران عن بعض أصحابه عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: من اشتري سرقه وهو يعلم فقد شرك في عارها وإثمها. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابن ابی نجران از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: هر کس مال دزدیده شده ای را که یقین دارد دزدی است خریداری کند، در گناه آن شریک است.

ص: ۴۹۳

۱- . الكافي ج ۵ ص ۱۹۵ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۲۲۸ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۲۲۹ ح ۶.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أحمد بن محمد بن أبي نصر قال: سألت أبا الحسن صلوات الله عليه عن بيع العَصِيرِ فَيَصِيرُ خَمْرًا قَبْلَ أَنْ يُقْبِضَ الثَّمَنُ قَالَ فَقَالَ لَوْ بَاعَ ثَمَرَتَهُ مِمَّنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ يَجْعَلُهُ حَرَامًا لَمْ يَكُنْ بِذَلِكَ بِأَسْفَأًا إِذَا كَانَ عَصِيرًا فَلَا يُبَاعُ إِلَّا بِالنَّقْدِ.

(۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از احمد بن محمد بن ابی نصر روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله علیه در مورد فروش آب انگوری که فروخته می شود و پیش از آن که مشتری آن را دریافت کند تبدیل به شراب می شود پرسیدم.

فرمود: اگر میوه انگور را به کسی بفروشد که می داند آن را تبدیل به حرام (شراب و مست کننده دیگری) می کند، اشکالی ندارد؛ ولی اگر بخواهد آب انگور را بفروشد، باید نقد بفروشد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد بن مسلم عن أبي عبد الله صلوات الله عليه: في رجل ترك غلاماً له في كرم له يبيعه عبياً أو عصيراً فانطلق الغلام فعصر خمرًا ثم باعه قال لا يصلح ثمنه ثم قال إن رجلاً من ثقيف أهدى إلى رسول الله صلى الله عليه وآله راويتين من خمر فأمر بهما رسول الله صلى الله عليه وآله فاهريقتا وقال إن الذي حرم شربها حرم ثمنها ثم قال أبو عبد الله صلوات الله عليه إن أفضل خصال هذه التي باعها الغلام أن يتصدق بثمنها. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: مردی که غلام خود را در تاکستان خود گذاشته است تا انگور یا آب آن را بفروشد، غلام رفته است و از باغ انگور، شراب درست کرده و فروخته است.

فرمود: بهایی که دریافت شده است، حلال نیست.

سپس فرمود: مردی از ثقیف، برای رسول الله صلى الله عليه وآله دو مشك شراب هدیه آورد، و حضرت دستور داد که آنها دور ریخته شود و فرمود: همان خدایی که نوشیدن شراب را حرام کرده، بهای آن را نیز حرام کرده است.

ص: ۴۹۴

۱- . الكافي ج ۵ ص ۲۳۰ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۲۳۰ ح ۲.

آن گاه حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: بهترین کاری که می توان درباره پولی که غلام گرفته است انجام داد این است که آن پول ها صدقه داده شوند.

۴۳۰- صرافی

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن خالد بن الحجاج قال: سألتُه عن رجلٍ كانتَ لي عليه مائةُ درهمٍ عدداً قضانيها مائةَ درهمٍ وزناً قالَ لا بأسَ ما لم يشترطَ قالَ وقالَ جاءَ الربا من قبلِ الشُّروطِ إنّما تُفسدُهُ الشُّروطُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از خالد بن حجاج روایت کرده که گفت: از امام صلوات الله عليه در مورد مردی پرسیدم که از او یکصد درهم سکه طلب دارم، ولی او با وزن کردن یکصد درهم نقره غیر مسکوک به من بازگرداند.

فرمود: اگر شرط نکرده باشد (که سکه پس بدهد) اشکالی ندارد.

آن حضرت افزود: ربا، به خاطر شرطها آمده؛ فقط شرطها هستند که معامله را حرام می کنند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن إسحاق بن عمار قال: قلتُ لأبي عبد الله صلوات الله عليه يكونُ للرجلِ عندِي الدرَاهِمُ الوَضْحُ فيلقاني فيقولُ لي كيفَ سِعْرُ الوَضْحِ اليَوْمَ فأقولُ لَهُ كَذَا وَكَذَا فيقولُ أليسَ لي عندَكَ كَذَا وَكَذَا أَلْفَ دِرْهَمٍ وَضَحاً فأقولُ بلى فيقولُ لي حوّلها إلي دنانيرَ بهذا السعْرِ وَأنبئها لي عندَكَ فما ترى في هَذَا فقالَ لي إذا كُنْتَ قدِ استقصَيْتَ لَهُ السعْرَ يومئذٍ فلا بأسَ بِذلكَ فقلتُ إنِّي لَمْ أوازنهُ وَ لَمْ أَناقِدهُ إنّما كانَ كلامٌ بيني وَ بينهُ فقالَ أليسَ الدرَاهِمُ من عندَكَ وَ الدنانيرُ من عندَكَ قلتُ بلى قالَ فلا بأسَ بِذلكَ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه عرض کردم: مردی از من چند درهم صحیح طلب دارد و نزد من می آید و می گوید: امروز، بهای درهم صحیح چه قدر است؟

من می گویم: فلان مقدار.

او می گوید: آیا من هزار درهم صحیح از تو طلب ندارم؟ می گویم: چرا.

ص: ۴۹۵

۱- الكافي ج ۵ ص ۲۴۴ ح ۱.

۲- الكافي ج ۵ ص ۲۴۵ ح ۲.

می گوید: پس آنها را به قیمت امروز، برایم تبدیل به دینار کن، و دینارها را نزد خودت نگاهدار؛ شما در مورد این مسأله چه نظری دارید؟

فرمود: اگر قیمت واقعی درهم را در آن روز با او حساب کرده ای اشکالی ندارد.

عرض کردم: من برایش وزن نکردم، و تبدیل به دینار نیز ننموده ام، بلکه تنها صحبتش را کردیم و پذیرفتم.

فرمود: مگر حساب این درهم و دینارها از پول خودت نبوده است؟

عرض کردم: چرا.

فرمود: پس اشکالی ندارد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن يونس قال: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّ لِي عَلَى رَجُلٍ ثَلَاثَةَ آلَافٍ دِرْهَمٍ وَ كَانَتْ تِلْمَكُ الدَّرَاهِمِ تَنْفُقُ بَيْنَ النَّاسِ تِلْكَ الْأَيَّامَ وَ لَيْسَتْ تَنْفُقُ الْيَوْمَ فَلِيَ عَلَيْهِ تِلْكَ الدَّرَاهِمُ بِأَعْيَانِهَا أَوْ مَا يَنْفُقُ الْيَوْمَ بَيْنَ النَّاسِ قَالَ فَكَتَبَ إِلَيَّ لَكَ أَنْ تَأْخُذَ مِنْهُ مَا يَنْفُقُ بَيْنَ النَّاسِ كَمَا أُعْطِيَتْهُ مَا يَنْفُقُ بَيْنَ النَّاسِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یونس روایت کرده که گفت: طی نامه ای به حضرت امام رضا صلوات الله علیه نوشتم: از مردی سه هزار درهم که در آن روز رایج بود ولی حالا رایج نیست، آیا در حال حاضر همان درهم ها را باید از او بگیرم، یا درهم های رایج را؟

آن حضرت در پاسخ مرقوم فرمود: تو حق داری پول رایج را بگیری، همان گونه که به او پول رایج داده ای.

۴۳۱- مصلحه کردن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله الله صلوات الله عليه قال: سِئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ دَيْنٌ إِلَى أَجْلِ مُسَيَّمِي فَيَأْتِيهِ غَرِيمُهُ فَيَقُولُ أَتُقَدِّنِي كَذَا وَ كَذَا وَ أَضْعُ عَنْكَ بَقِيَّتَهُ أَوْ يَقُولُ أَتُقَدِّنِي بَعْضَهُ وَ أَمِيدُ لَكَ فِي الْأَجْلِ فِيمَا بَقِيَ عَلَيْكَ قَالَ لَا أَرَى بِهِ بَأْسًا إِنَّهُ لَمْ يَزِدْ عَلَى رَأْسِ مَالِهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ». (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیده شد: مردی تا سررسید معینی بدهی دارد، ولی پیش از سررسید آن، طلبکار می آید و می گوید:

ص: ۴۹۶

۱- . الکافی ج ۵ ص ۲۵۲ ح ۱.

۲- . الکافی ج ۵ ص ۲۵۹ ح ۴.

این مقدار از طلبم را به من بپرداز، من نیز بقیه اش را از تو نمی گیرم. یا آن که می گوید: مقداری را به من بپرداز تا من نیز بقیه اش را به تو مهلت بیشتری می دهم.

فرمود: در این کار اشکالی نمی بینم؛ چون از اصل مالش افزون نشده است. خداوند عزّ و جلّ می فرماید: {اصل سرمایه تان مال شماست، نه ستم کنید و نه بر شما ستم شود}. (سوره بقره آیه ۲۷۹)

۲- الشیخ الكلینی، یاسنادہ عن حفص بن البختری عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: الصلح جائز بين الناس. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حفص بن بختری روایت کرده که: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: مصالحه بین مردم، جایز است.

۴۳۲- مردی زمین یا خانه ای را اجاره می کند و بیش از مقداری که اجاره کرده اجاره می دهد

۱- الشیخ الكلینی، یاسنادہ عن أبي الربیع الشّامی عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سألته عن الرجل يتقبل الأرض من الدّهاقین فیؤاجرهما بأكثر ممّا يتقبلها و يقوم فيها بحظّ السّلطان قال لا بأس به إنّ الأرض لیست مثل الأجير ولا مثل البیت إنّ فضل الأجير و البیت حرام. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو ربیع شامی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: مردی از کشاورزان، زمینی را کرایه می کند و آن را بیش از مقداری که از آنها کرایه کرده بود، به شخص دیگری اجاره می دهد ولی مالیات حکومتی را نیز خودش می پردازد.

فرمود: اشکالی ندارد، زمین، همانند اجیر نیست و همانند خانه هم نیست. در واقع زیادی گرفتن (از اجاره) شخصی که اجاره شده است و نیز خانه، حرام است.

ص: ۴۹۷

۱- . الكافی ج ۵ ص ۲۵۹ ح ۵.

۲- . الكافی ج ۵ ص ۲۷۱ ح ۱.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي المغراء عن أبي عبد الله صلوات الله عليه: في الرجل يشتجر الأرض ثم يؤجرها بأكثر مما استأجرها فقال لا بأس إن هذا ليس كالحائوت ولا الأجير إن فضل الأجير والحائوت حرام. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو مغرا روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه (پرسیده شد): مردی که زمینی را اجاره کرده سپس بیش از آن که اجاره کرده است، به دیگری اجاره می دهد.

فرمود: اشکالی ندارد. این، همانند دکان نیست، و همانند شخص اجیر شده نیست. در واقع، فزونی اجاره اجیر و دکان حرام است.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: لو أن رجلاً استأجر داراً بعشره دراهم فسكن ثلثيها وأجر ثلثيها بعشره دراهم لم يكن به بأس ولا يؤجرها بأكثر مما استأجرها إلا أن يحدث فيها شيئاً. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: اگر مردی خانه ای را به ده درهم اجاره بگیرد، و در دو سوم از آن خودش ساکن شود، و یک سوم دیگر را به ده درهم اجاره بدهد، اشکالی ندارد؛ ولی نباید بیش از مبلغی که اجاره کرده است، اجاره بدهد مگر آن که در آن تغییری به وجود بیآورد.

۴۳۳- مردی انجام کاری را پذیرا می شود، سپس آن را به دیگری واگذار کرده سود می برد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد بن مسلم عن أحدهما صلوات الله عليهما: أنه سئل عن الرجل يتقبل بالعمل فلا يعمل فيه و يدفعه إلى آخر فيربح فيه قال لا إلا أن يكون قد عمل فيه شيئاً. (۳)

ص: ۴۹۸

۱- الكافي ج ۵ ص ۲۷۲ ح ۳.

۲- الكافي ج ۵ ص ۲۷۲ ح ۴.

۳- الكافي ج ۵ ص ۲۷۳ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما پرسیده شد: مردی انجام کاری را می پذیرد و کاری انجام نمی دهد، و آن را به دیگری می سپارد و از این راه، سودی نصیبش می شود.

فرمود: نه (جایز نیست)، مگر آن که مقداری از آن را انجام بدهد.

۴۳۴- احیاء زمین موات (بی حاصل)

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي خالد الكائلي عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال وجدنا في كتاب علي صلوات الله عليه: إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده والعاقبة للمتقين أنا وأهل بيتي الذين أورثنا الأرض ونحن الممتقون والأرض كلها لنا فمن أحيأ أرضاً من المسلمين فليعمرها وليؤد خراجها إلى الإمام من أهل بيتي وله ما أكل منها فإن تركها أو أخربها فأخذها رجل من المسلمين من بعده فعمرها وأحيأها فهو أحق بها من الذي تركها فليؤد خراجها إلى الإمام من أهل بيتي وله ما أكل حتى يظهر القوائم صلوات الله عليه من أهل بيتي بالسيف فيحويها ويمنعها ويخرجهم منها كما حوآها رسول الله صلى الله عليه وآله ومنعها إلا ما كان في أيدي شيعتنا فإنه يقاطعهم على ما في أيديهم ويترك الأرض في أيديهم. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو خالد کابلی روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه فرمود: در کتاب علی صلوات الله عليه این گونه یافتیم: در واقع زمین برای خداست و آن را به هر یک از بندگان که بخواهد به ارث می دهد و عاقبت برای پرهیزکاران است. من و اهل بیتم همان کسانی هستیم که زمین را به ارث برده ایم و پرهیزکاران ما هستیم. و زمین، همه اش برای ماست، پس هر یک از مسلمانان که زمینی را احیا کرد باید آن را آباد گرداند و زکاتش را به امام صلوات الله عليه از خاندان من بپردازد، و هر مقدار از آن را بخورد مال خود اوست و اگر آن را رها کرد یا خراب (و بی حاصل) نمود و مردی از مسلمانان پس از او آن را گرفت و آباد و احیاء نمود، او از کسی که آن را ترک کرده به آن سزاوارتر است. پس باید این شخص، زکات آن را به امام از اهل بیت من بپردازد، و هر چه بخورد مال خود اوست، تا آن گاه که حضرت قائم صلوات الله عليه از اهل بیت من با شمشیر ظهور فرماید و زمین را به دست بگیرد و دیگران

ص: ۴۹۹

را بازبیدارد و آنان را از آن بیرون کند، همان گونه که رسول الله صلی الله علیه و آله به دست گرفت و بازداشت کرد، مگر آن چه در دست شیعیان ما باشد، که آن چه در دست دارند با آنان معامله می کند و زمین را در دست شان رها می گرداند.

۴۳۵- دلالتی کردن در معامله و مزد دلال و مزد سمسار

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحسین بن بشار عن أبي الحسن صلوات الله عليه: في الرجل يدُلُّ على الدورِ والضَّياعِ و يأخذُ عليه الأجرَ قال هذه أجره لا بأس بها. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسین بن بشار روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه پرسیده شد: مردی خانه و باغ را برای معامله، به خریداران نشان می دهد، و برای این کارش مزد دریافت می کند.

فرمود: این اجرت است، اشکالی ندارد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي ولادٍ عن أبي عبد الله صلوات الله عليه و غيره عن أبي جعفر صلوات الله عليه قالوا: لا بأس بأجر السمسار إنما هو يشتري للناس يوماً بعد يوم بشيء معلوم وإنما هو مثل الأجير. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو ولاد روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه و راویان دیگر گویند: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمودند: مزدی که سمسار می گیرد اشکالی ندارد؛ چون او هرروز با قیمتی مشخص اجناس را برای مردم خریداری می کند، او فقط همانند یک اجیر است.

۴۳۶- شریک شدن با کافر ذمی

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابنِ ربابٍ قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: لا يتبغى للرجل المسلم أن يشارك الذمّي ولا يَبْضَعَهُ بِضَاعَهُ وَ لا يُودِعَهُ وَدِيعَهُ وَ لا يُصَافِيَهُ الْمَوَدَّةَ. (۳)

ص: ۵۰۰

۱- الكافي ج ۵ ص ۲۸۵ ح ۱.

۲- الكافي ج ۵ ص ۲۸۵ ح ۵.

۳- الكافي ج ۵ ص ۲۸۶ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن رئاب روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: برای مسلمانان جایز نیست که با کافر ذمی شریک شود یا مالی را برای تجارت به او بدهد، یا چیزی را نزد او به امانت بگذارد، یا موَدّت و دوستی واقعی با او داشته باشد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَرِهَ مُشَارَكَةَ الْيَهُودِيِّ وَالنَّصْرَانِيِّ وَالْمَجُوسِيِّ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً لَا يَغِيبُ عَنْهَا الْمُسْلِمُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: از شریک شدن با یهودی، نصرانی و مجوسی خوشش نمی آید؛ مگر در صورتی که تجارتي در حضور مسلمانان صورت بگیرد و آن مسلمان در محلّ معامله حاضر باشد.

ص: ۵۰۱

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن إسماعيل بن عمار قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: من أخلاق الأنبياء صلى الله عليهم حُبُّ النساء. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن عمّار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: از خلق و خوی پیامبران صلوات الله عليهم، دوست داشتن و مهرورزی به زنان است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عمر بن يزيد عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: ما أظن رجلاً يزاد في الإيمان خيراً إلا ازداد حُباً للنساء. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمر بن یزید روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: گمان نمی کنم ایمان مردی افزون شود، مگر آن که مهرورزی او به زنان فزونی یابد.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي حمزة قال سمعت جابر بن عبد الله يقول كنا عند النبي صلى الله عليه وآله فقال: إن خير نسائكم الولود الودود العفيفه العزيزة في أهلها الدليله مع بعلها المتبرجه مع زوجها الحصان على غيره التي تسمع قوله و تطيع أمره و إذا خلا بها بدلت له ما يريد منها و لم تبدل كبدل الرجل. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو حمزه روایت کرده که گفت: از جابر بن عبد الله انصاری شنیدم که می گفت: روزی نزد حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که فرمود: به راستی بهترین زنان شما زنی است که بسیار بچه زا، مهربان و دوست داشتنی، پاکدامن باشد، در خاندانش عزیز و محترم، و نسبت به شوهرش فزونی باشد، خود را برای همسرش بیاراید، ولی نسبت به مردان دیگر کناره گیر و

۱- . الكافي ج ۵ ص ۳۲۰ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۳۲۰ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۳۲۴ ح ۱.

پاکدامن باشد؛ گفتار شوهرش را بشنود و از خواسته اش اطاعت کند، و هنگامی که با او تنها می شود هرچه از او می خواهد انجام دهد، ولی همانند مردان آرایش را رها نمی کند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أفضل نساء أمتي أصبهن وجهاً وأقلهن مهراً. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: پرفضیلت ترین زنان امت من زنانی هستند که چهره آنها زیبا و مهریه آنها اندک است.

۴۳۹- بدترین زنان

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن جابر بن عبد الله قال سمعته يقول قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أ لا أخيركم بشار نساءكم الدليله في أهلها العزيزه مع بعلها العقيم الحقود التي لا تورع من قبيح المتبرجه إذا غاب عنها بعلها الحصان معه إذا حضر لا تسمع قوله ولا تطيع أمره وإذا خلا بها بعلها تمنعت منه كما تمنع الصعبه عن ركوبها لا تقبل منه عذراً ولا تغفر له ذنباً. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جابر بن عبد الله روایت کرده که گفت: از امام صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: توجه کنید که شما را نسبت به بدترین زنان تان گزارش می دهم: زنی که در خاندانش خاکسار، و نسبت به شوهرش (پرجرات و) عزت مند باشد، و نازا و کینه توزی که از کار زشت خودداری نمی کند، در غیاب شوهرش خود را آرایش می کند و در معرض دید قرار می دهد و آن گاه که او بیاید در برابر او خود را کنار می کشد و پاکدامن می شود، گفتارش را نمی شنود و خواسته اش را برآورده نمی کند، و آن گاه که شوهرش با او خلوت می کند، همان گونه که مرکب و حشی از سوار شدن کسی بر پشتش خودداری می کند؛ این زن نیز از شوهرش جلوگیری می کند، هیچ عذر و بهانه ای را از شوهرش نمی پذیرد، و هیچ اشتباه و گناهی را از او نمی بخشد.

ص: ۵۰۳

۱- الكافي ج ۵ ص ۳۲۴ ح ۴.

۲- الكافي ج ۵ ص ۳۲۵ ح ۱.

۴۴۰- تشویق به ازدواج کردن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن صفوان بن مهران عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: تزوجوا و زوجوا ألاً- فمن حبط امرئ لم ينصاق فيمه أيمه و ما من شيء أحب إلى الله عز و جل من بيت يُعمر في الأسيالام بالنكاح و ما من شيء أبغض إلى الله عز و جل من بيت يُخرب في الأسيالام بالفرقة يعنى الطلاق ثم قال أبو عبد الله صلوات الله عليه إن الله عز و جل إنما وكّد في الطلاق و كرّر فيه القول من بغضه الفرقة. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از صفوان بن مهران روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: ازدواج کنید و برای فرزندان تان همسر بگیرید همان که از بهره مندی های مرد مسلمان شوهر دادن زنان و دختران بی شوهر است. در پیشگاه الهی چیزی دوست داشتنی تر از خانه ای نیست که براساس آیین اسلام با ازدواج آباد شود و در پیشگاه الهی چیزی مبغوض تر از خانه ای نیست که اهل مسلمان آن با جدایی و طلاق ویران گردد.

آن گاه حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: به راستی خدای عز و جلّ به جهت دشمنی با جدایی در مورد طلاق سخت گیری کرده و دستور تکرار درخواست طلاق را داده است.

۴۴۱- کراهت ازدواج نکردن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن القَدّاح قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: ركعتان يُصَلِّيهِمَا الْمُتَزَّوِّجُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رُكْعَةً يُصَلِّيْهَا أَعْرَبُ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابن قَدّاح روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: دو رکعت نمازی که شخص متأهل به جا می آورد، برتر از هفتاد رکعتی است که فرد بی همسر به جا می آورد.

ص: ۵۰۴

۱- . الكافي ج ۵ ص ۳۲۸ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۳۲۸ ح ۱.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ كَلَيْبِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْأَخْرَ أَوْ الْبَاقِي. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از کلب بن معاویه اسدی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: کسی که ازدواج کند نیمی از دینش را حفظ کرده است.

حضرتش در حدیث دیگر می افزاید: پس در مورد نصف دیگر یا بقیه دینش تقوای الهی پیشه کند.

۴۴۲- ازدواج کردن باعث فزونی روزی می شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ وَليدِ بْنِ صَبِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيحَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ أَسَاءَ بِاللَّهِ الظَّنَّ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از وليد بن صبيح روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: هرکس ازدواج را به جهت ترس از فقر ترک کند، در واقع به خدا بد گمان شده است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَشَكَاَ إِلَيْهِ الْحَاجَةَ فَقَالَ تَزَوَّجْ فَتَزَوَّجَ فَوَسَّعَ عَلَيْهِ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از هشام بن سالم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: روزی مردی نزد پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله آمد و از تنگدستی شکایت کرد.

حضرت فرمود: ازدواج کن؛ او نیز ازدواج کرد و وضع زندگیش خوب شد.

۴۴۳- انتخاب زن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: إِنَّمَا الْمَرْأَةُ قِلَادَةٌ فَأَنْظُرْ إِلَى مَا تَقْلُدُهُ قَالَ وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَيْسَ

ص: ۵۰۵

۱- . الكافي ج ۵ ص ۳۲۸ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۳۳۰ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۳۳۰ ح ۲.

لِلْمَرْأَةِ خَطَرٌ لَّا لِبِئْسِ الْخَطَرِهَا الذَّهَبُ وَالْفِضَّةُ بَلْ هِيَ خَيْرٌ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَ أَمَّا طَالِحَتُهُنَّ فَلَيْسَ التُّرَابُ خَطَرَهَا بَلِ التُّرَابُ خَيْرٌ مِنْهَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن مسکان از یکی از راویان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: همانا زن، گردنبندی است؛ پس به کسی که می خواهی به گریبان خود بیاویزی به خوبی بنگر.

راوی گوید: هم چنین شنیدم که حضرتش می فرمود: زن، قیمت ندارد، نه صالح اش قیمت دارد و نه بدش؛ قیمت زنان صالح، قیمت طلا و نقره نیست، بلکه بهتر از طلا و نقره هستند؛ و درباره زنان بد حتی خاک را نمی توان به عنوان بهای آنها داد، بلکه خاک از زنان بد بهترست.

۴۴۴- فضیلت ازدواج با زن دین دار و کراهت ازدواج به جهت ثروت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن هشام بن الحكم عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِحَمَالِهَا أَوْ مَالِهَا وَكَلَّ إِلَى ذَلِكَ وَ إِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ الْجَمَالَ وَالْمَالَ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از هشام بن حکم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: اگر مردی به جهت زیبایی یا دارایی زنی با او ازدواج کند به همان چیز سپرده می شود؛ و اگر زنی را به جهت دین داری اش بگیرد، خداوند زیبایی و ثروت را نیز نصیبش می کند.

۴۴۵- استحباب شوهر دادن دختران بالغ و نکه داشتن آنان به وسیله ی ازدواج

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن بعض أصحابنا عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَتْرُكْ شَيْئًا مِمَّا يُحْتَاجُ إِلَيْهِ إِلَّا عَلَّمَهُ نَبِيُّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَانَ مِنْ تَعْلِيمِهِ إِبَاءَهُ أَنَّهُ صَعِدَ الْمُنْتَبِرَ ذَاتَ يَوْمٍ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ جَبْرِئِيلَ أَتَانِي مِنَ اللَّطِيفِ الْخَبِيرِ فَقَالَ إِنَّ الْأَبْكَارَ بِمَنْزِلَةِ الثَّمَرِ عَلَى الشَّجَرِ إِذَا أُدْرِكَ ثَمَرُهُ فَلَمْ يُجْتَنَى أَفْسَدَتْهُ الشَّمْسُ وَ نَشَرَتْهُ الرِّيَّاحُ وَ كَذَلِكَ الْأَبْكَارُ إِذَا أُدْرِكْنَ مَا يُدْرِكُ النِّسَاءَ فَلَيْسَ لَهُنَّ دَوَاءٌ إِلَّا الْبُعُولَةُ

ص: ۵۰۶

۱- . الكافي ج ۵ ص ۳۳۲ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۳۳۳ ح ۳.

وَإِلَّا- لَمْ يُؤْمِنَ عَلَيْهِنَّ الْفَسَادُ لِأَنَّهِنَّ بَشَرٌ قَالَ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَنْ نَزَّوَجٌ فَقَالَ الْأَكْفَاءُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مِنْ الْأَكْفَاءِ فَقَالَ الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ أَكْفَاءُ بَعْضِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ أَكْفَاءُ بَعْضٍ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یکی از شیعیان از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: به راستی خدای عز و جل هیچ چیزی را که بدان نیاز باشد رها نکرده و آنها را به پیامبرش صلی الله علیه و آله آموخته است.

از چیزهایی که آن بزرگوار آموخته این است که روزی بر فراز منبر رفت و حمد و ثنای الهی به جای آورد آن گاه فرمود: ای مردم! جبرئیل از جانب پروردگار لطیف و آگاه نزد من آمد و عرض کرد: دوشیزگان همانند میوه بر درخت اند که اگر میوه اش رسید و چیده نشد، خورشید آن را خراب می کند و باد آن را بر زمین می افکند؛ دوشیزگان نیز همین گونه هستند، هنگامی که از مسائل زنان آگاه شدند، درمانی جز شوهر کردن ندارند، و گرنه از تباه و فساد در امان نیستند؛ چرا که اینان بشر هستند.

آن گاه مردی برخاست و عرض کرد: ای رسول خدا! دختران خود را به چه کسی شوهر بدهیم؟

فرمود: به افراد هم شأن و همانند خودتان.

عرض کرد: ای رسول الله! منظور از هم شأن چه کسانی هستند؟

فرمود: مؤمنان، هریک کفو و هم شأن دیگری هستند؛ مؤمنان، هریک کفو و هم شأن دیگری هستند.

توضیح: مرحوم شیخ صدوق در کتاب علل الشرائع در آخرین باب از جلد دوم همین حدیث را با اندکی تفاوت مسنداً از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت کرده است.

۴۴۶- مرد مؤمن کفو و هم شأن زن مؤمن است

۱- الشيخ الصدوق، یاسناده عَنْ يُونُسَ قَالَ حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: الْكُفُوُ أَنْ يَكُونَ عَفِيفًا وَعِنْدَهُ يَسَارٌ. (۲)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از یونس از جماعتی از شیعیان از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: هم شأن یعنی اینکه شخصی عقیف باشد و دستش باز باشد.

ص: ۵۰۷

۱- . الکافی ج ۵ ص ۳۳۷ ح ۲.

۲- . معانی الاخبار ص ۲۳۹. بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۳۷۲ ح ۴.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن هشام بن سالم عن رجل عن أبي عبد الله صلوات الله عليه: أن رسول الله صلى الله عليه وآله زوج المقداد بن أسود ضباعه بنت الزبير بن عبد المطلب ثم قال إنما زوجها المقداد لتضع المناكح ولتأسوا برسول الله صلى الله عليه وآله ولتعلموا أن أكرمكم عند الله أتقاكم وكان الزبير أخا عبد الله وأبي طالب لأبيهما وأمهما. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از هشام بن سالم از شخصی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله، مقداد بن اسود را با ضباعه، دختر زبیر بن عبد المطلب تزویج کرده.

و آن گاه حضرت فرمود: تنها بدین سبب او را به ازدواج مقداد درآورد که ازدواج آسان شود و مسلمانان به رسول الله صلى الله عليه وآله تأسی کنند، و بدانند که گرامی ترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست. زبیر، برادر پدر و مادری عبد الله و ابی طالب صلوات الله علیهما بود.

۳- الشيخ الطوسي، بإسناده المَجَاشِعِيِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنِ آيَاتِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ دِينَهُ وَآمَانَتَهُ يَخُطُبُ إِلَيْكُمْ فَرُوجُهُ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ. (۲)

مرحوم شیخ طوسی، با سند خویش از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر شخصی برای خواستگاری نزد شما آمد که از دین و امانت داری اش رضایت داشتید، دختر به او بدهید، و اگر این کار را نکنید، فتنه ای در زمین و فساد بزرگ خواهد بود.

۴- الشيخ عبد الله بن جعفر الحميري، بإسناده عن علي بن أبي حمزة عن موسى بن جعفر صلوات الله عليهما قال: سألته أن زوج بنتي غلاماً فيه لين وأبوه لا بأس به قال إذا لم تكن فاحشه فزوجه. (۳)

مرحوم شیخ عبدالله بن جعفر حمیری، با سند خویش از علی بن ابی حمزه عن موسی بن جعفر صلوات الله علیهما قال: سألته أن زوج بنتي غلاماً فيه لين وأبوه لا بأس به قال إذا لم تكن فاحشه فزوجه. پرسیدم، آیا دخترم را به ازدواج جوانی در آورم که طبعی آرام دارد و پدرش هم مشکلی ندارد؟

ص: ۵۰۸

۱- . الكافي ج ۵ ص ۳۴۴ ح ۲.

۲- . امالی (للطوسي) ج ۲ ص ۱۳۳. بحارالانوار ج ۱۰۰ ص ۳۷۲ ح ۳.

۳- . قرب الاسناد ص ۱۰۸. بحارالانوار ج ۱۰۰ ص ۳۷۲ ح ۵.

حضرت فرمود: اگر در آن جوان چیز بدی نمی بینی، دخترت را به ازدواجش در آور.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن بلال قال: لقي هشام بن الحكم بعض الخوارج فقال يا هشام ما تقول في العجم يجوز أن يتزوجوا في العرب قال نعم قال فالعرب يتزوجوا من قريش قال نعم قال فقريش يتزوج في بني هاشم قال نعم قال عمّن أخذت هذا قال عن جعفر بن محمد سمعته يقول أتكافأ دماؤكم ولا تتكافأ فروجكم قال فخرج الخارجي حتى أتى أبا عبد الله صلوات الله عليه فقال إني لقيت هشاماً فسألته عن كذا فأخبرني بكذا وكذا وذكر أنه سمعته منك قال نعم قد قلت ذلك فقال الخارجي فها أنا ذا قد جئتك خاطباً فقال له أبو عبد الله صلوات الله عليه إنك لكفو في دمك وحبسك في قومك ولكن الله عز وجل صاننا عن الصدقة وهي أوساخ أيدي الناس فنكره أن نشارك فيما فضلنا الله به من لم يجعل الله له مثل ما جعل الله لنا فقام الخارجي وهو يقول تالله ما رأيت رجلاً مثله قط ردني والله أقبح رد وما خرج من قول صاحبه. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن بلال گوید: روزی یکی از خوارج با هشام بن حکم ملاقات کرد و گفت: هشام! به نظر شما آیا یک فرد عجم می تواند با یک عرب ازدواج کند؟

گفت: آری.

گفت: پس فرد عرب نیز می تواند با یک قریشی ازدواج کند؟

گفت: آری.

گفت: پس فرد قریشی می تواند با یک هاشمی ازدواج کند؟

گفت: آری.

گفت: این حدیث را از چه کسی گرفته ای؟

گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که حضرتش می فرمود: آیا شما در امور قصاص و دیات برابرید، ولی در امور ناموسی برابر نیستید.

ص: ۵۰۹

راوی گوید: مرد خارجی از نزد هشام بیرون رفت، آن گاه خدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شرف یاب شد و عرض کرد: من با هشام ملاقات کردم و از او چنین و چنان پرسیدم و چنین پاسخ داد که از شما شنیده است.

فرمود: آری، من چنین گفته ام.

مرد خارجی جسورانه گفت: پس من همینک دختری را از شما خواستگاری می کنم.

حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: تو در خون، و حسب و شرافت قبیله خود هم شأن هستی، ولی خداوند متعال ما را از گرفتن صدقه - که چرک دستان مردم است - مصون کرده است. از این رو ما کراهت داریم که در مواردی که خداوند ما را برتری داده و برای کسی همچون ما قرار نداده است؛ کسی را شریک کنیم.

مرد خارجی برخاست در حالی که می گفت: به خدا سوگند! تاکنون کسی مرا چنین رد نکرده بود. به خدا سوگند به آن حضرت مرا به زشت ترین صورت رد کرد بی آن که سخن صحابه خود را پس بگیرد.

توضیح: مؤمن هم شأن و کفو مؤمن است. چنانکه در این احادیث و احادیث زیاد دیگری آمده است، حال مؤمن چه از سادات باشد و چه از غیر سادات، چنانکه نمونه ای از آن نقل گردید.

اما در حدیث اخیر که حضرت صلوات الله علیه درخواست مرد خارجی را رد فرمودند به دلیل بی ایمانی و خارج بودن وی از دایره اسلام و ایمان بوده زیرا مؤمن کفوی مؤمن است. و اما این که حضرت به ظاهر در رد به درخواست مرد خارجی مسئله ی حلیت و حرمت صدقه را بیان فرمودند. بخاطر اتقا و یا تقیه بوده چنانکه از این نوع پاسخ ها در فرمایشات حضرات معصومین صلوات الله علیهم زیاد است، و این مطلب بر اهل علم پوشیده نیست.

۴۴۷- حکم ازدواج با ناصبیان و اهل شک

۱- الشیخ الكلینی، بإسناده عن زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَال: تَزَوَّجُوا فِي الشُّكَاكِ وَ لَا تَزَوَّجُوهُمْ فَإِنَّ الْمَرْأَةَ تَأْخُذُ مِنْ أَدَبِ زَوْجِهَا وَ يَفْهَرُهَا عَلَى دِينِهِ. (۱)

ص: ۵۱۰

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره بن اعین روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: با زنان اهل شک ازدواج کنید، ولی به آنان زن مدهید؛ زیرا زن از اخلاق شوهرش پیروی می کند و شوهر او را به دین خود وامی دارد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الفضيل بن يسار قال: قلت لأبي عبد الله صلوات الله عليه إن لامرأتي أختاً عارفةً علي رأينا و ليس علي رأينا بالبصير إلا قليل فأزوجه ممن لا يرى رأيها قال لا ولا نعمة ولا كرامه إن الله عز وجل يقول «فلا تزجوهن إلى الكفار لا هن حل لهن ولا هم يحلون لهن» (۱).

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از فضیل بن یسار روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: زن من خواهری دارد که با ما هم عقیده (و شیعه، است)، ولی در بصره جز تعداد اندکی از شیعیان وجود ندارند؛ آیا او را به کسی شوهر بدهم که با او هم عقیده نیست؟

فرمود: نه، هیچ بهره و ارزشی ندارد؛ خداوند عز و جل می فرماید: {آنها (زنان مؤمن) را به کافران بازنگردانید؛ نه آنها برای کافران حلال اند، و نه کافران برای آنها حلال اند}. (سوره الممتحنه آیه ۱۰)

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الله بن سنان قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن الناصب الذي قد عرف نضيبه و عداوته هل تزوجه المؤمنة و هو قادر على رده و هو لا يعلم برده قال لا يزوج المؤمنة الناصب به و لا يتزوج الناصب المؤمنة و لا يتزوج المستضعف مؤمنه. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: شخصی ناصبی است که دشمنی او معلوم است، آیا می توانیم زن مؤمن (شیعه) را به فرد ناصبی معروف شوهر بدهیم، با آن که می توانیم او را طوری رد کنیم که او نفهمد.

فرمود: نباید مرد مؤمن با زن ناصبی ازدواج کند، و مرد ناصبی نیز نمی تواند با زن مؤمن ازدواج کند، و مردی که استضعاف فکری دارد و نیز نمی تواند با زن مؤمن ازدواج کند.

ص: ۵۱۱

۱- . الكافي ج ۵ ص ۳۴۹ ح ۶.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۳۴۹ ح ۸.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَال: قُلْتُ لَهُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ لَا يَجِلَّ لِي أَنْ أَتَزَوَّجَ يَعْنِي مِمَّنْ لَمْ يَكُنْ عَلَى أَمْرِهِ قَال وَ مَا يَمْنَعُكَ مِنَ الْبُلهِ مِنَ النِّسَاءِ وَقَالَ هُنَّ الْمُسْتَضْعَفَاتُ اللَّاتِي لَا يَنْصِبُ بِنَ وَلَا يَعْرِفُنَ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از زرارہ روایت کرده که گفت: به حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه عرض کردم: خداوند امورتان را اصلاح فرماید! من از این بیم دارم که برای من ازدواج (با زنی که شیعه نیست) حلال نباشد!

حضرت فرمود: چرا با زنان مستضعف (که درک درست ندارند) ازدواج نمی کنی؟

و فرمود: این زنان، زنان مستضعفی هستند که ناصبی نیستند، ولی از عقاید شیعه نیز آگاه نیستند.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ نِكَاحِ النَّاصِبِ فَقَالَ لَا وَاللَّهِ مَا يَجِلُّ قَالَ فَضَيْلٌ ثُمَّ سَأَلْتُهُ مَرَّةً أُخْرَى فَقُلْتُ جَعَلْتَ فِيمَا ذَكَرَ مَا تَقُولُ فِي نِكَاحِهِمْ قَالَ وَالْمَرْأَةُ عَارِفَةٌ قُلْتُ عَارِفَةٌ قَالَ إِنَّ الْعَارِفَةَ لَا تُوضَعُ إِلَّا عِنْدَ عَارِفٍ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از فضيل بن يسار روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه درباره ازدواج با ناصبی پرسیدم. فرمود: نه، به خدا سوگند! حلال نیست.

فضيل گوید: دوباره پرسیدم و به حضرتش عرض کردم: قربانت شوم! در مورد ازدواج آنها با زن مؤمن چه می فرمایید؟

فرمود: آیا آن زن، معرفت دارد (شیعه است)؟

عرض کردم: (آری) معرفت دارد.

فرمود: زن با معرفت (شیعه) فقط می تواند نزد مرد با معرفت (شیعه) برود.

۶- الشيخ الطوسي، بإسناده الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الْمَرْأَةِ الْعَارِفَةِ هَلْ أُزَوِّجُهَا النَّاصِبِ قَالَ لَا لِأَنَّ النَّاصِبَ كَافِرٌ. (۳)

مرحوم شيخ طوسی، با سند خویش از فضيل بن يسار روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه در مورد زن اهل معرفت (شیعه) سوال کردم که آیا او را به ازدواج مرد ناصبی درآورم؟

ص: ۵۱۲

۱- . الكافي ج ۵ ص ۳۴۹ ح ۱۰.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۳۵۰ ح ۱۱.

٣- . تهذيب الاحكام ج ٧ ص ٣٠٣ ح ٢١.

فرمود: خیر! زیرا ناصبی کافر است!

۷- الشيخ الطوسی، بإسناده عَنْ فَضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: ذَكَرَ النَّصَابَ فَقَالَ لَا تُتَاكِحُهُمْ وَلَا تَأْكُلْ ذَبِيحَتَهُمْ وَلَا تَشْكُنْ مَعَهُمْ. (۱)

مرحوم شیخ طوسی، با سند خویش از فضیل بن یسار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه ناصبی ها را یاد کردند و فرمود: با آنها ازدواج نکنید و ذبیحه آنها را نخورید و با آنها همخانه نشوید.

توضیح: از روایات فوق و غیره روشن است که مرد مؤمن یعنی شیعه ای که به ولایت اهل بیت صلوات الله علیهم قائل است نباید با زن ناصبی ازدواج کند و زن مؤمنه یعنی زنی که ولایت اهل بیت صلوات الله علیهم را داشته باشد، نباید با مرد ناصبی ازدواج نماید.

اما در مورد اینکه ناصبی به چه کسی گفته می شود در روایات جهات مختلفی از ناصبی گری تعریف شده است و غیر از نَصَبِ جَنَگِک و نَصَبِ عِدَاوَتِ بَا اَهْلِ بَیْتِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَیْهِمْ، کسانی که ابوبکر و عمر لعنت الله علیهما را بر حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه مقدم می دارند و اعتقاد به امامت و خلافت آن دو داشته باشند ناصبی محسوب می شوند.

و نیز کسی که در زبان ابراز و اعلان عداوت و دشمنی با اهل بیت صلوات الله علیهم نمی کند ولی با کسانی که ولایت و دوستی اهل بیت صلوات الله علیهم را دارند و شیعیان اهل بیت صلوات الله علیهم هستند دشمنی و عداوت می کند، ناصبی محسوب می شود و ازدواج زنان و مردان شیعه با مردان و زنان آنها منهی و غیر حلال می باشد.

در این میان برخی از اشخاص هستند که جزو مستضعفین هستند و به دلیل ضعف عقل و غیره، قدرت تشخیص ندارند و دشمنی و عداوت با اهل بیت صلوات الله علیهم و شیعیان آنها نمی ورزند ولی معرفت و شناخت لازم نسبت به اهل بیت صلوات الله علیهم را ندارند که در روایات فوق مشاهده می شود که اگر برای مرد شیعه و مؤمن، همسر مسلمان موافق و شیعه یافت نشود، اجازه دارد که با مستضعفین از زنان ازدواج نماید ولی زن مستضعف به ازدواج مرد ناصبی درآورده نمی شود.

ص: ۵۱۳

اما در روایت اول مشاهده می شود که یکی از علل عدم جواز ازدواج زن شیعه با مردان اهل شک این است که زن ادب زوج خود را می گیرد و مرد در دین و عقیده بر زن چیره می شود!

برخی از این مطلب این استفاده نابجا را کرده اند که اگر خوف غلبه دینی مرد ناصبی بر زن شیعه نباشد، ازدواج آنها صحیح و جائز است که این یک برداشت غلط است زیرا اولاً اهل شک با ناصبی فرق دارد ثانیاً این همه ی دلیل ممنوع بودن ازدواج با ناصبی نیست و ثالثاً خبر امام قطعی است که زن ادب زوج را می گیرد و مرد در عقیده بر او غالب می شود و از حد خوف گذشته است و خبر امام نشان محقق شدن این مطلب می باشد.

۴۴۸- به شرابخوار دختر ندهید

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن أبي عمير عن بعض أصحابه عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: شارب الخمر لا يزوج إذا خطب. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن ابی عمیر از یکی از یارانش روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلى الله علیه و آله فرمود: هرگاه شرابخواری به خواستگاری آمد، نباید به او زن داده شود.

۴۴۹- حکم مرد زناکار و زن زناکار

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر صلوات الله عليه: في قوله عز وجل: «الزاني لا ينكح إلا زانية أو مشركه» قال هم رجال ونساء كانوا على عهد رسول الله صلى الله عليه وآله مشهورين بالزنا فنهى الله عز وجل عن أولئك الرجال والنساء والناس اليوم على تلك المنزلة من شهر شيئاً من ذلك أو أقیم علیه الحد فلا تزوجه حتى تعرف توبته. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه در مورد گفتار خداوند عز و جل که می فرماید: (مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی

ص: ۵۱۴

۱- . الكافي ج ۵ ص ۳۴۸ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۳۵۵ ح ۳.

کند} (سوره نور آیه ۳) فرمود: آنان مردان و زنان زناکاری بودند که در زمان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به زنا شهرت یافته بودند، خداوند متعال از ازدواج با آن مردان و زنان نهی نمود، و آن حکم امروزه نیز در مورد مردم جاری است، هر که به نوعی در این باره مشهور گردید، یا بر او حدّ زنا اجرا شد با او ازدواج نکنید تا توبه اش معلوم گردد.

۴۵۰- حکم ازدواج بعد از زنا

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَحِلُّ لَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَ امْرَأَةً كَانَ يُفْجِرُ بِهَا فَقَالَ إِنَّ آنَسَ مِنْهَا رُشِدًا فَنَعَمْ وَإِلَّا فَلْيُرَاوِدْنَهَا عَلَى الْحَرَامِ فَإِنْ تَابَعْتَهُ فَهِيَ عَلَيْهِ حَرَامٌ وَإِنْ أَبَتْ فَلْيَتَزَوَّجْهَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمّار بن موسی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سؤال کردم: مردی که با زنی زنا کرده است، آیا جایز است با او ازدواج کند؟

فرمود: اگر بفهمد که زن توبه کرده و به راه راست رفته است پس اشکالی ندارد. و گرنه او را به کار حرام دعوت کند، اگر جواب داد، پس بر مرد حرام است با او ازدواج کند و اگر امتناع نمود، پس با او ازدواج نماید.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَرِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: قُلْتُ لَهُ الرَّجُلُ يُفْجِرُ بِالْمَرْأَةِ ثُمَّ يَبْدُو لَهُ فِي تَزْوِجِهَا هَلْ يَحِلُّ لَهُ ذَلِكَ قَالَ نَعَمْ إِذَا هُوَ اجْتَنَبَهَا حَتَّى تَنْفَضِيَ عِدَّتُهَا بِاسْتِئْذَانِ رَحِمَتِهَا مِنْ مَاءِ الْفُجُورِ فَلَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا وَإِنَّمَا يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا بَعْدَ أَنْ يَقِفَ عَلَى تَوْبَتِهَا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن جریر گوید: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: مردی با زنی مرتکب زنا می شود، سپس اقدام به ازدواج با او می کند آیا چنین ازدواجی بر آن مرد حلال است؟

فرمود: آری، ازدواج با او در صورتی حلال است که آن زن از او دوری کند تا عده اش را به پایان رساند تا رحم آن زن از آب زنا پاک گردد، در این صورت می تواند با او ازدواج کند و در صورتی جایز است با آن ازدواج کند که یقین حاصل کند او توبه کرده است.

ص: ۵۱۵

۱- . الکافی ج ۵ ص ۳۵۵ ح ۱.

۲- . الکافی ج ۵ ص ۳۵۶ ح ۴.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ وَ جَمِيعَ مَنْ لَهُ ذِمَّةٌ إِذَا أَسْلَمَ أَحَدُ الزَّوْجَيْنِ فَهَيَا عَلَى نِكَاحِهِمَا وَ لَيْسَ لَهُ أَنْ يُخْرِجَهَا مِنْ دَارِ الْإِسْلَامِ إِلَى غَيْرِهَا وَ لَا- يَبِيتَ مَعَهَا وَ لَكِنَّهُ يَأْتِيهَا بِالنَّهَارِ فَأَمَّا الْمُشْرِكُونَ مِثْلُ مُشْرِكِي الْعَرَبِ وَ غَيْرِهِمْ فَهُمْ عَلَى نِكَاحِهِمْ إِلَى انْقِضَاءِ الْعِدَّةِ فَإِنْ أَسْلَمَتِ الْمَرْأَةُ ثُمَّ أَسْلَمَ الرَّجُلُ قَبْلَ انْقِضَاءِ عِدَّتِهَا فَهِيَ امْرَأَتُهُ وَ إِنْ لَمْ يُسْلِمِ إِلَّا بَعْدَ انْقِضَاءِ الْعِدَّةِ فَقَدْ بَانَتْ مِنْهُ وَ لَا سَبِيلَ لَهُ عَلَيْهَا وَ كَذَلِكَ جَمِيعُ مَنْ لَا ذِمَّةَ لَهُ وَ لَا يَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَتَزَوَّجَ يَهُودِيَّةً وَ لَا نَصْرَانِيَّةً وَ هُوَ يَجِدُ مُسْلِمَةً حُرَّةً أَوْ أَمَةً. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: اهل کتاب و همه کسانی که زیر سلطه اسلام قرار گرفته اند، هرگاه یکی از همسران مسلمان شد، پس بر عقد نکاح خودشان باقی می ماند و آن همسر حق ندارد همسر خود را از دار اسلام بیرون کند. و حق ندارد با او بخوابد، ولی روزها می تواند به دیدارش برود و با او معاشرت کند.

اما مشرکان؛ مانند مشرکان عرب و دیگران بر همان نکاح عقد خود باقی می مانند. تا عده پایان یابد. در این صورت اگر زن مسلمان شد و مرد نیز پیش از پایان عده مسلمان شد، همسر او خواهد بود و اگر تا پایان عده مرد مسلمان نشد، زن از او جدا شده و مرد راهی برای دست یابی به او ندارد. و حکم همه افرادی که در زیر سلطه اسلام هستند، این گونه است. و برای مرد مسلمان جایز نیست با وجود زن مسلمان آزاد یا کنیز با زن یهودی و مسیحی ازدواج کند.

اشاره: این ازدواج در زمان جاهلی معروف بود که عقد خواهر در برابر عقد دختر یا عقد دختر در برابر عقد دیگری بدون هیچ مهریه ای اجرا می شد.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن إِبْنِ بُكَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَوْ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: نَهَى عَنْ نِكَاحِ الْمَرْأَتَيْنِ لِيَسَ لَوَاحِدَةٍ مِنْهُمَا

صَدَاقٌ إِلَّا بُضِعَ صَاحِبَتِهَا وَقَالَ لَا يَحِلُّ أَنْ يَنْكِحَ وَاحِدَهُ مِنْهُمَا إِلَّا بِصَدَاقٍ وَنِكَاحِ الْمُسْلِمِينَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن بکیر از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه یا حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: حضرتش از عقد (مقابل به مثل) که مهریه یکی از آنها بهره بردن از دیگری است، نهی فرمود.

و فرمود: چنین عقدی جایز نیست، مگر با مهریه و بر اساس سنت مسلمانان.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا جَلْبَ وَلَا جَنْبَ وَلَا شِغَارَ فِي الْإِسْلَامِ وَالشَّغَارُ أَنْ يُزَوَّجَ الرَّجُلُ الرَّجُلَ ابْنَتَهُ أَوْ أُخْتَهُ وَتَزَوَّجَ هُوَ ابْنَتَهُ الْمَتَزَوِّجَ أَوْ أُخْتَهُ وَلَا يَكُونُ بَيْنَهُمَا مَهْرٌ غَيْرُ تَزْوِيجِ هَذَا مِنْ هَذَا وَهَذَا مِنْ هَذَا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از غیاث بن ابراهیم روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

در اسلام نه جلب، و نه جنب و نه شغار وجود دارد که منظور از ازدواج شغار این است که مردی به مرد دیگری می گوید: دختر یا خواهرت را به من بده تا من دختر یا خواهرم را به تو بدهم و در حالی که هیچ مهریه ای در بین آنها نیست جز ازدواج این چینی.

۴۵۳- حکم نگاه به قصد ازدواج

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَحَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ وَحَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ كُلِّهِمْ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ يَنْظُرَ إِلَى وَجْهِهَا وَمَعَاصِمِهَا إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا. (۳)

ص: ۵۱۷

۱- . الكافي ج ۵ ص ۳۶۰ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۳۶۲ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۳۶۵ ح ۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از هشام بن سالم، حماد بن عثمان و حفص بن بختری روایت کرده که گفتند: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: در صورتی که انسان تصمیم به ازدواج دارد می تواند صورت و دست های عروس را ببیند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَيْنُظُرُ الرَّجُلَ إِلَى الْمَرْأَةِ يُرِيدُ تَزْوِيجَهَا فَيَنْظُرُ إِلَى شَعْرِهَا وَمَحَاسِنِهَا قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا لَمْ يَكُنْ مُتَلَذِّذًا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالله بن فضل از پدرش از یکی از راویان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم آیا انسان می تواند پیش از ازدواج به موی سر و زیبایی های زن نگاه کند؟ فرمود: اگر با شهوت و لذت نباشد اشکالی ندارد.

۴۵۴- وجوه ازدواج

۱- عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: يَحِلُّ الْفُرْجُ بِثَلَاثِ نِكَاحٍ بِمِيرَاثٍ وَنِكَاحِ بِلَا مِيرَاثٍ وَنِكَاحِ مَلِكِ الْيَمِينِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: آمیزش به سه چیز حلال می گردد: نکاح به وسیله میراث، نکاح بدون میراث و نکاح به وسیله ملک یمین.

۴۵۵- چگونگی خطبه و صیغه عقد دائم

اشاره: عقد دائم یکی از اقسام سه گانه استحلال فروج است که بعد از معین شدن زوج و زوجه ای که شرایط لازم را داشته باشند و تعیین مقدار مهریه، توسط زوج یا وکیل او مورد درخواست و خواستگاری قرار می گیرد و توسط زوجه یا ولی یا وکیل او تزویج صورت می گیرد و با قبول تزویج از جانب زوج، عقد نکاح برقرار می شود.

ص: ۵۱۸

۱- . الکافی ج ۵ ص ۳۶۵ ح ۵.

۲- . الکافی ج ۵ ص ۳۶۴ ح ۱.

با توجه به روایات، عقد نکاح دائم به همراه آداب مستحب آن مشتمل بر سه قسمت می باشد:

۱- خطبه ای مشتمل بر حمد الهی و صلوات و برخی آیات و کلام های نیکوی دیگر به همراه خطبه یعنی خواستگاری زوج یا وکیل او به همراه تعیین زوجه مورد نظر و مهریه پیشنهادی و درخواست تزویج از طرف مقابل.

۲- جواب از طرف زوجه یا وکیل یا ولی او بعد از حمد و ثنای الهی و تزویج نمودن بر حسب مهریه ذکر شده که به آن ایجاب گفته می شود.

۳- قبول تزویج از طرف زوج یا وکیل او که به آن اصطلاحاً «قبول» گفته می شود.

البته طبق روایتی که در شماره چهارم خواهد آمد، یک وکیل مشترک از جانب مرد و زن نیز می تواند صیغه عقد را به نحوه ی زیر جاری نماید:

«أَشْهَدُ اللَّهَ وَ أَشْهَدُ مَنْ حَضَرَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَنِّي قَدْ زَوَّجْتُ هَذِهِ الْجَارِيَةَ مِنْ هَذَا الْغُلَامِ بِأَرْبَعِمِائَةِ دِرْهَمٍ وَ النَّقْدُ مِنْ مَالِي»

البته به جای «الجاریه» و «الغلام» می توان نام عروس و داماد را جایگزین کرد یا با الفاظ مفهوم، آنها را معین کرد و مقدار مهریه را نیز به مقدار توافق شده سابق اشاره کرد.

عبارت ثابت و مهم آن «قَدْ زَوَّجْتُ» می باشد.

۱- مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد العظیم بن عبدالله روایت کرده که گفت: شنیدم حضرت امام علی النقی صلوات الله علیه این خطبه را (برای تزویج دائم) خواندند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَالِمِ بِمَا هُوَ كَائِنٌ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَدِينَ لَهُ مِنْ خَلْقِهِ دَائِنٌ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مُؤَلِّفِ الْأَسْبَابِ بِمَا جَرَتْ بِهِ الْأَقْلَامُ وَ مَصَّتْ بِهِ الْأَحْتَامُ مِنْ سَابِقِ عِلْمِهِ وَ مُقَدِّرِ حُكْمِهِ أَحْمَدُهُ عَلَى نِعْمِهِ وَ أَعُوذُ بِهِ مِنْ نِقَمِهِ وَ أَسْتَهْدِي اللَّهَ الْهُدَى وَ أَعُوذُ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ الرَّدَى مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَقَدْ اهْتَدَى وَ سَلَكَ الطَّرِيقَةَ الْمُنْتَلَى وَ غَنِمَ الْغَنِيمَةَ الْعُظْمَى وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهَ فَقَدْ حَارَ عَنِ الْهُدَى وَ هَوَى إِلَى الرَّدَى وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ الْمُصْطَفَى وَ وَثِيَّهُ الْمُرْتَضَى وَ بَعِيْتُهُ بِالْهُدَى أَرْسَلَهُ عَلَى حِينِ فَتْرِهِ مِنَ الرُّسُلِ وَ اخْتِلَافِ مِنَ الْمَلَلِ وَ انْقِطَاعِ مِنَ السُّبُلِ وَ دُرُوسِ مِنَ الْحِكْمَةِ وَ طُمُوسِ مِنَ أَعْلَامِ الْهُدَى وَ الْبَيِّنَاتِ فَبَلَغَ رِسَالَةَ رَبِّهِ وَ صَدَعَ بِأَمْرِهِ وَ أَدَى الْحَقَّ الَّذِي عَلَيْهِ وَ تَوَفَّى فَعِيداً مَحْمُوداً ثُمَّ إِنَّ هَذِهِ

الْأُمُورَ كُلَّهَا يَبْدِ اللَّهُ تَجْرِي إِلَى أَسْبَابِهَا وَمَقَادِيرِهَا فَأَمَرَ اللَّهُ يَجْرِي إِلَى قَدَرِهِ وَقَدْرُهُ يَجْرِي إِلَى أَجَلِهِ وَأَجَلُهُ يَجْرِي إِلَى كِتَابِهِ وَ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ حَيٌّ وَ عَزَّ جَعَلَ الصُّهْرَ مَأْلَفَةً لِلْقُلُوبِ وَ نَسَبَهُ الْمَنْسُوبِ أَوْشَجَّ بِهِ الْأَرْحَامَ وَ جَعَلَهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ وَ قَالَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ - وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا وَ قَالَ وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ».

توضیح: تا اینجا خطبه ماقبل خواستگاری تمام می شود و در ادامه، حضرت به بیان درخواست و پیشنهاد تزویج می پردازند:

«وَ إِنْ فُلَانٌ بِنُ فُلَانٍ مِمَّنْ قَدْ عَرَفْتُمْ مَنْصَبَهُ فِي الْحَسَبِ وَ مَذَهَبَهُ فِي الْأَدَبِ وَ قَدْ رَغِبَ فِي مُشَارَكَتِكُمْ وَ أَحَبَّ مُصَاهَرَتَكُمْ وَ أَتَاكُمْ خَاطِبًا فَتَاتَكُمْ فُلَانَةُ بِنْتُ فُلَانٍ وَ قَدْ يَدَّلُ لَهَا مِنَ الصَّدَاقِ كَذَا وَ كَذَا الْعَاجِلُ مِنْهُ كَذَا وَ الْأَجَلُ مِنْهُ كَذَا فَشَفَعُوا شَافِعَنَا وَ أَنْكِحُوا خَاطِبَنَا وَ رُدُّوا رَدًّا جَمِيلًا وَ قُولُوا قَوْلًا حَسَنًا وَ اسْتَغْفِرُ اللَّهُ لِي وَ لَكُمْ وَ لِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ» (۱).

ترجمه قسمت خطبه یا همان درخواست تزویج:

«و همانا فلانی پسر فلانی (یعنی داماد و زوج) از کسانی است که جایگاه او را در حسب و مذهب او را در ادب می شناسید و به تحقیق که او در مشارکت با شما رغبت نموده است و مصاهره و دامادی شما را دوستدار شده است و به خواستگاری دختر شما فلانی دختر فلانی آمده است و فلان مقدار مهریه به او بخشیده است که فلان مقدار آن نقدی و فلان مقدار آن مدت دار می باشد، پس شفاعت شفاعت کننده ما را قبول کنید و خواستگار ما را تزویج نمایید و جواب جمیل و زیبایی بدهید و گفتار نیکویی بگوئید و برای خودم و شما و همه مسلمین از الله طلب مغفرت می کنم».

توضیح: به جای «فلان بن فلان» نام داماد و به جای «فلانه بن فلان» نام زوجه و به جای «کذا و کذا» مقدار مهریه گفته می شود.

ص: ۵۲۰

بعد از خطبه فوق و بیان درخواست و پیشنهاد تزویج که در پایان خطبه ذکر گردیده است، تزویج از جانب زوجه با عبارات وارده در حدیث دوم و سوم که خواهند آمد انجام می شود و با قبول و رضایت نهایی زوج عقد نکاح جاری می شود.

اشاره: نحوه جواب و تزویج از جانب زوجه یا وکیل یا ولی او، به همراه خطبه مشتمل بر حمد و ثناء الهی در روایت زیر آمده است:

-۲-

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عباس بن موسی بغدادی به صورت مرفوع از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که حضرت در جواب خطبه نکاح گفتند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ مُضِيَّ طَفِي الْحَمْدِ وَ مُسْتَخْلَصِهِ لِنَفْسِهِ مَجْدٌ بِهِ ذِكْرُهُ وَ أَسْتَيْ بِهْ أَمْرُهُ نَحْمَدُهُ غَيْرَ شَاكِينَ فِيهِ نَرَى مَا نَعُدُّهُ رَجَاءً نَجَاحِهِ وَ مَفْتِيَاخَ رَبَّاحِهِ وَ تَتَنَاوُلُ بِهِ الْحَاجَاتِ مِنْ عِنْدِهِ وَ نَسْتَهْدِي اللَّهَ بِعِصْمِ الْهُدَى وَ وَثَائِقِ الْعُرَى وَ عَزَائِمِ التَّقْوَى وَ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْعَمَى بَعْدَ الْهُدَى وَ الْعَمَلِ فِي مَضَلَّاتِ الْهَوَى وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ عَبْدٌ لَمْ يَعْبُدْ أَحَدًا غَيْرَهُ اصْطَفَاهُ بِعِلْمِهِ وَ أَمِينًا عَلَيَّ وَ حِيَهُ وَ رَسُولًا إِلَيَّ خَلَقَهُ فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ».

توضیح: خطبه پایان یافت و در ادامه جواب و تزویج از جانب زوجه یا وکیل یا ولی او آغاز می شود:

«أَمَّا بَعْدُ فَقَدْ سَمِعْنَا مَقَالَتَكُمْ وَ أَنْتُمْ الْأَحْيَاءُ الْمَأْقَرُّونَ نَزَعْبُ فِي مُصَاهَرَتِكُمْ وَ نُسَيِّعُكُمْ بِحَاجَتِكُمْ وَ نَضُنُّ بِإِحَائِكُمْ فَقَدْ شَفَعْنَا شَافِعَكُمْ وَ أَنْكَحْنَا خَاطِبَكُمْ عَلَيَّ أَنْ لَهَا مِنَ الصَّدَاقِ مَا ذَكَرْتُمْ نَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَبْرَمَ الْأُمُورَ بِقُدْرَتِهِ أَنْ يَجْعَلَ عَاقِبَةَ مَجْلِسِنَا هَذَا إِلَيَّ مَحَابَّةً إِنَّهُ وَلِيُّ ذَلِكُ وَ الْقَادِرُ عَلَيْهِ» (۱).

ترجمه قسمت جواب و تزویج:

«اما بعد! به تحقیق که گفتار شما را شنیدیم در حالیکه شما قبیله های نزدیک هستید و در زن دادن و نسبت پیدا کردن با شما از طریق تزویج رغبت و میل داریم و حاجت و درخواست شما را روا می کنیم و برادری با شما را نگه می داریم و محققا که شفاعت شافع شما را قبول کردیم و خواستگار شما را به نکاح و زوجیت درآوردیم با این شرط و حساب که آن مهریه ای که ذکر کردید برای او باشد.»

ص: ۵۲۱

از الهی که با قدرتش امور را محکم نموده است درخواست می کنیم که عاقبت این مجلس ما را به سوی آنچه که دوست دارد قرار دهد که همانا او ولیّ آن و قادر بر آن است».

توضیح: خطبه و جواب و تزویج فوق، بعد از اینکه زوج یا وکیل او خطبه و درخواست تزویج خود را که در روایات قبل آمد انجام داد بیان می شود که اصطلاحاً به این جواب و تزویج ایجاب گفته می شود و بعد از قبول و رضایت زوج یا وکیل او عقد نکاح واقع می شود.

اشاره: در قسمت های قبل خطبه و درخواست تزویج یا همان «خطبه» و جواب و تزویج یا همان «ایجاب» مشهور در حدیث دوم، به طور جداگانه ذکر گردید.

در روایت زیر، درخواست تزویج که توسط زوج یا وکیل او بیان می شود و جواب و تزویج یا همان ایجاب مشهور که توسط زوجه یا وکیل یا ولیّ او انجام می شود و قبول نهایی که توسط زوج یا وکیل او اعلام می شود، همه با هم ذکر شده است که می توان با جایگزین نمودن اسامی مورد نظر از آن برای تزویج و عقد دائم استفاده نمود:

۳-

مرحوم شیخ طبرسی، با سند خویش از ریان بن شیب روایت کرده که گفت: وقتی مأمون لعنت الله علیه اراده نمود که دخترش أم فضل را به ازدواج حضرت امام محمد تقی جواد صلوات الله علیه درآورد، این خبر به گوش عباسیان رسید و بر آنها سخت آمد، تا آنجا که گوید: سپس مأمون به حضرت امام محمد تقی جواد صلوات الله علیه رو کرد و گفت: ای اباجعفر، آیا شما خطبه را می خوانید؟

حضرت فرمودند: بله ای امیرالمومنین (که البته امیرالمؤمنین را از روی تقیه فرمودند)

مأمون به حضرت امام محمد تقی جواد صلوات الله علیه گفت: فدایت شوم! برای خودت خطبه بخوان که من تو را برای خودم پسندیدم و دخترم أم فضل را به ازدواج تو در می آورم هر چند بر خلاف خواسته و میل عده ای باشد!

حضرت صلوات الله علیه خطبه را اینگونه خواندند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ إِقْرَاراً بِنِعْمَتِهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِخْلَاصاً لَوْحَدَائِبَتِهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ بَرِيَّتِهِ وَ الْأَصْفِيَاءِ مِنْ عِزَّتِهِ أَمَا بَعْدُ فَقَدْ كَانَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَى الْأَنَامِ أَنْ أَعْنَاهُمْ بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ فَقَالَ سُبْحَانَهُ وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامِي مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»

ص: ۵۲۲

(سپس درخواست و پیشنهاد تزویج را اینگونه بیان فرمودند):

«ثُمَّ إِنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى يَخْطُبُ أُمَّ الْفَضْلِ بِنْتِ عَبْدِ اللَّهِ الْمَأْمُونِ وَقَدْ بَدَلَ لَهَا مِنَ الصَّدَاقِ مَهْرَ جَدَّتِهِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ وَهُوَ خَمْسُمِائَةِ دِرْهَمٍ جَيَادًا فَهَلْ زَوْجَتُهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِهَا عَلَى هَذَا الصَّدَاقِ؟»

ترجمه بخش درخواست تزویج:

«سپس همانا محمد بن علی بن موسی صلوات الله علیهما، ام فضل دختر عبدالله مأمون را خواستگاری می کند و برای مهر، مهریه جده اش فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله را که پنج صد درهم نیکوی نقره می باشد به او بخشیده است، پس ای امیرالمؤمنین (یعنی مأمون)، آیا با این مهریه (دخترت) را به او تزویج می کنی؟»

پس مأمون گفت: (انجام تزویج یا همان ایجاب مشهور توسط ولی دختر):

«نَعَمْ قَدْ زَوَّجْتُكَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ أُمَّ الْفَضْلِ ابْنَتِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَذْكُورِ فَهَلْ قَبِلْتَ النِّكَاحَ»

ترجمه: بله، محققا که دخترت ام فضل را با مهریه مذکور به ازدواج تو ای اباجعفر درآوردم، پس آیا شما نکاح را قبول نمودید؟

(قبول نهایی توسط زوج یا همان قبول مشهور):

پس حضرت امام محمد تقی جواد صلوات الله علیه فرمود:

«قَدْ قَبِلْتُ ذَلِكَ وَ رَضِيْتُ بِهِ» (۱)

یعنی: آن را قبول کردم و به آن راضی شدم.

توضیح: در روایت فوق، خُطبه و خِطْبَه (یعنی درخواست تزویج) توسط خود داماد بیان می شود و جواب و تزویج یا همان ایجاب توسط ولی دختر انجام می پذیرد و بعد از قبول نهایی تزویج از جانب زوج یا همان قبول مشهور، عقد نکاح واقع می شود.

اشاره: به روایت زیر در مورد وقتی که عاقد از جانب زوج و زوجه وکالت داشته باشد و خودش به تنهایی صیغه عقد را جاری کند توجه فرماید:

ص: ۵۲۳

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن عاصم بن ضمره السلولي في حديث عن امير المؤمنين صلوات الله عليه: ثُمَّ قَالَ لِلْمَرْأَةِ يَا هَذِهِ أَلَيْكَ وَلِيٌّ فَقَالَتْ نَعَمْ هُوَ لِمَاءِ إِخْوَتِي فَقَالَ لِإِخْوَتِهَا أَمْرِي فِيكُمْ وَفِي أُخْتِكُمْ جَائِزٌ قَالُوا نَعَمْ قَالَ أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُ مَنْ حَضَرَ مِنْ الْمُسْلِمِينَ أَنِّي قَدْ زَوَّجْتُ هَذِهِ الْجَارِيَةَ مِنْ هَذَا الْغُلَامِ بِأَرْبَعِمِائَةِ دِرْهَمٍ وَ النَّقْدُ مِنْ مَالِي يَا قَتْبُرُ عَلَيَّ بِالذَّرَاهِمِ فَأَتَاهُ قَتْبُرٌ بِهَا فَصَبَّهَا فِي يَدِ الْغُلَامِ فَقَالَ خُذْهَا فَصَبَّهَا فِي حَجْرِ امْرَأَتِكَ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عاصم بن ضمیره سلونی در حدیثی که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه (قصه جاری نمودن صیغه عقد بین دو نفر داشتند)، به زن فرمود: آیا تو ولی داری؟

گفت: بلی، اینها برادران من هستند.

حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه به برادران آن زن گفت: آیا امر من در مورد شما و خواهرتان جائز است؟ (یعنی به من وکالت می دهید؟)

آنها گفتند: بلی.

حضرت فرمود:

«أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُ مَنْ حَضَرَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَنِّي قَدْ زَوَّجْتُ هَذِهِ الْجَارِيَةَ مِنْ هَذَا الْغُلَامِ بِأَرْبَعِمِائَةِ دِرْهَمٍ وَ النَّقْدُ مِنْ مَالِي»

ترجمه: خداوند و مسلمین حاضر را شاهد می گیرم که همانا من این دختر را به این پسر با مهریه چهارصد درهم تزویج کردم و پرداخت مهریه از مال خود من می باشد.

سپس به قنبر فرمود: ای قنبر چهارصد درهم را برایم بیاور، پس قنبر آن را آورد و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه آنها را بر دست آن پسر ریخت و فرمود: آنها را بردار و در دامان همسرت بریز.

توضیح: در روایت فوق به نحوی بسیار ساده، شخصی که هم از جانب مرد و هم از جانب زن وکالت گرفته است با این عبارات صیغه عقد را جاری می کند.

و از مجموع مطالب فوق روشن گردید که هر چند خواندن خطبه قبل از درخواست تزویج و قبل از تزویج واجب نشده است ولی اهل بیت صلوات الله علیهم خطبه های زیبایی برای قبل از درخواست و تزویج می خواندند که سزاوار است هنگام عقد نکاح از آن استفاده کنیم.

ص: ۵۲۴

بعد از خطبه‌ی مشتمل بر حمد و ثناء و صلوات و ذکر برخی از آیات قرآن و سخنان زیبای دیگر، داماد یا وکیل او با معرفی داماد و تعیین دختر مورد نظر و بیان مقدار مهریه توافق شده، خواستگاری و پیشنهاد و قصد خود را برای ازدواج با آن زن بیان می‌کند که به آن اصطلاحاً **خُطْبَه** گفته می‌شود و در روایاتی که آورده شد آنها را مشاهده کردیم.

سپس آن زن مورد نظر یا وکیل یا ولی او، آن درخواست را اجابت نموده و تزویج را انجام می‌دهد که طبق روایت دوم همین باب، خوب است که ابتدا **خُطْبَه** وارده در آن روایت خوانده شود و سپس جملات وارده در آن روایت یا روایت سوم همین باب و امثال آن که مشتمل بر اجابت و تزویج نمودن می‌باشد به قصد انشاء بیان گردد که به این قسمت اصطلاحاً «ایجاب» گفته می‌شود.

سپس این تزویج توسط زوج یا وکیل او مورد قبول و رضایت واقع می‌شود که نحوه آن از جمله در قسمت پایانی حدیث سوم آمده است و اصطلاحاً به آن «قبول» گفته می‌شود.

همچنین روشن است که شخص واحد می‌تواند از جانب زن و مرد وکالت بگیرد و بعد از استفاده از یکی از خطبه‌های وارده در روایات فوق، به نحو وارده در حدیث چهارم همین باب و امثال آن عقد نکاح را جاری گرداند.

همچنین از روایات فوق و غیره روشن است که می‌توان مقدار مهریه را قبل از خطبه توافق نمود و به سمع و آگاهی زوج و زوجه و شهود رسانید و در ایجاب و قبول عقد نکاح فقط به آن اشاره نمود.

البته ذکر عین آن نیز در ایجاب و قبول عقد نکاح یا در ایجاب و اشاره به آن در قبول در روایات آمده است.

۴۵۶- سنت مهریه

۱- الشیخ الکلبینی، بإسنادہ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: سَأَقُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى أَزْوَاجِهِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أُوقِيَةً وَنَشَأَ وَالْأُوقِيَةُ أَرْبَعُونَ دِرْهَمًا وَالنَّشْءُ نِصْفُ الْأُوقِيَةِ عَشْرُونَ دِرْهَمًا فَكَانَ ذَلِكَ خَمْسِمِائَةَ دِرْهَمٍ قُلْتُ بَوْرُنَا قَالَ نَعَمْ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن وهب روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می‌فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله که به هریک از خانم‌های خود، دوازده

ص: ۵۲۵

اوقیه و نیم طلا- به رسم مهریه قرارداد کرد. که یک اوقیه طلا با چهل درهم نقره برابر بود و نصف اوقیه با بیست درهم که در مجموع پانصد درهم می باشد.

گفتم: پانصد درهم نقره به وزن ما؟

فرمود: آری.

۴۵۷- امروزه مهریه با رضایت طرفین است، خواه کمتر، یا بیشتر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: الْمَهْرُ مَا تَرَاضَى عَلَيْهِ النَّاسُ أَوْ اثْنَتَا عَشْرَةَ أُوقِيَةً وَ نَشًّا أَوْ خَمْسُمِائَةَ دِرْهَمٍ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جمیل بن درّاج روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: مهریه به مقداری است که مردم بر آن به توافق می رسند، یا دوازده و نیم اوقیه طلا و یا پانصد درهم نقره.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: الصَّدَاقُ كُلُّ شَيْءٍ تَرَاضَى عَلَيْهِ النَّاسُ قَلًّا أَوْ كَثْرًا فِي مُتَعِهِ أَوْ تَزْوِيجِ غَيْرِ مُتَعِهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره بن اعین روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: مهریه هر چیزی است که مردم بر آن توافق دارند، چه زیاد و چه کم، چه در ازدواج دائم و چه در ازدواج موقت.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً عَلَى حُكْمِهَا قَالَ لَا- يُجَاوِزُ حُكْمَهَا مُهُورَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ إِثْنَتَيْ عَشْرَةَ أُوقِيَةً وَ نَشًّا وَ هُوَ وَزْنُ خَمْسِمِائَةِ دِرْهَمٍ مِنَ الْفِضَّةِ قُلْتُ أَرَأَيْتَ إِنْ تَزَوَّجَهَا عَلَى حُكْمِهِ وَ رَضِيَتْ بِذَلِكَ قَالَ فَقَالَ مَا حَكَمَ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ جَائِزٌ عَلَيْهَا قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا قَالَ فَقُلْتُ لَهُ فَكَيْفَ لَمْ تُجِزْ حُكْمَهَا عَلَيْهِ وَ أَجِزْتَ حُكْمَهُ عَلَيْهَا قَالَ فَقَالَ لِأَنَّهُ حَكَمَهَا فَلَمْ يَكُنْ لَهَا أَنْ تَجُوزَ مَا سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ تَزَوَّجَ عَلَيْهِ نِسَاءَهُ فَرَدَدْتُهَا إِلَى السُّنَّةِ وَ

ص: ۵۲۶

۱- الكافي ج ۵ ص ۳۷۸ ح ۲.

۲- الكافي ج ۵ ص ۳۷۸ ح ۴.

لَأَنَّهَا هِيَ حَكْمَتُهُ وَجَعَلَتِ الْأَمْرَ إِلَيْهِ فِي الْمَهْرِ وَرَضِيَتْ بِحُكْمِهِ فِي ذَلِكَ فَعَلَيْهَا أَنْ تَقْبَلَ حُكْمَهُ قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسن بن زرارہ از پدرش روایت کرده که گفت: به حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه گفتم: مردی با زنی ازدواج می کند و مبلغ مهریه را به عهده آن زن واگذار می کند، چه صورت دارد؟

فرمود: حکم آن زن نباید از مهریه آل محمد صلوات الله علیهم تجاوز کند، که دوازده و نیم اوقیه طلا است که با پانصد درهم نقره برابر می شود.

گفتم: به نظر شما اگر مبلغ مهریه به عهده شوهر واگذار شود، و عروس رضایت بدهد، چه صورت دارد؟

فرمود: هر مهریه ای که شوهر معین کند، قبول آن بر زن لازم است، کم باشد یا زیاد.

گفتم: چگونه حکم زن بر شوهر را قبول ننمودید اما حکم شوهر بر زن را اجازه فرمودید؟!

فرمود: زیرا (در حکمیت زن) مرد زن را حکم قرار داده است. پس زن اجازه ندارد از آن چه که رسول الله صلی الله علیه و آله سنت نهاد و به آن با همسرانش ازدواج نمود، تجاوز نماید. پس من او را به سنت برگشت می دهم. هم چنین (در حکمیت مرد) زن مرد را حکم قرار داده، اختیار مهریه را به او سپرده و به حکم او راضی شده است. پس بر زن لازم است حکم شوهر را قبول کند چه مهریه کم باشد، چه زیاد.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن غِيَاثِ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي الرَّجُلِ يَتَزَوَّجُ بِعَاجِلٍ وَ آجِلٍ قَالَ الْآجِلُ إِلَى مَوْتٍ أَوْ فُرْقَةٍ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از غیاث بن ابراهیم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره مردی که با مهریه نقد و مدت دار ازدواج می کند فرمود: مدت پرداخت مهر تا مرگ یا طلاق است.

الكافي ج ۵ ص ۳۸۱ ح ۱۱.

ص: ۵۲۷

۱-.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۳۷۹ ح ۱.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الله يغفر كل ذنب يوم القيامة إلا مهر امرأة و من اغتصب أجيراً أجره و من باع حراً. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: به راستی که خداوند در روز قیامت هر گناهی را می بخشد مگر مهریه زن؛ نپرداختن مزد کارگر و فروختن انسان مرد آزاده.

۴۵۸- حکم ازدواج با مهریه و شیربها

الشيخ الكليني، بإسناده عن الوشاء عن الرضا صلوات الله عليه قال سَمِعْتُهُ يَقُولُ: لَوْ أَنَّ رَجُلًا تَزَوَّجَ امْرَأَةً وَ جَعَلَ مَهْرَهَا عِشْرِينَ أَلْفًا وَ جَعَلَ لِأَبِيهَا عَشْرَةَ آلَافٍ كَانَ الْمَهْرُ جَائِزًا وَ الَّذِي جَعَلَ لِأَبِيهَا فَاسِدًا. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از وشاء روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: اگر کسی ازدواج کند و برای عروس بیست هزار درهم مهریه و برای پدر عروس ده هزار درهم (شیربها) مقرر کند، مهریه عروس خانم، جایز و آنچه برای پدرش (به عنوان شیربها) مقرر کرده لغو و فاسد خواهد بود.

۴۵۹- اختلاف زن و مرد در مهریه

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي عبيدة عن أبي جعفر صلوات الله عليه: في رجل تزوج امرأة فلم يدخل بها فادعت أن صداقها مائة دينار و ذكر الزوج أن صداقها خمسون ديناراً و ليس بينهما بينة فقال القول قول الزوج مع يمينه. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو عبیده روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه درباره مردی که ازدواج می کند و پیش از عروسی، زن ادعا می کند که مهریه من صد دینار است، و

ص: ۵۲۸

۱- . الكافي ج ۵ ص ۳۸۲ ح ۱۷.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۳۸۴ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۳۸۶ ح ۳.

شوهر می گوید: مهریه زن پنجاه دینار است. و هیچ شاهدی در میان آنها نیست، فرمود: ادعای مقبول، ادعای شوهر است با قید سوگند یاد کردن.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحسن بن زياد عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إذا دخل الرجل بامرأته ثم ادعت المهر و قال قد أعطيتك فعليه البينة و عليه اليمين. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسن بن زیاد روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه مرد با همسرش آمیزش نماید، سپس زن ادعای مهریه کند و مرد بگوید: قبلاً مهریه ات را دادم، در چنین موردی مرد باید شاهد بیاورد و زن باید سوگند یاد کند.

۴۶۰- حکم ازدواج بدون اذن ولی

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي مريم عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: الجارية البكر التي لها أب لا تزوج إلا بإذن أبيها و قال إذا كانت مالكة لأمرها تزوجت متى شاءت. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو مریم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: دختر باکره ای که پدر دارد جز با اجازه پدرش نمی تواند ازدواج کند.

هم چنین فرمود: اگر دختر باکره صاحب اختیار امرش باشد می تواند هر وقت خواست ازدواج کند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن زرارة بن أعين قال سمعت أبا جعفر صلوات الله عليه يقول: لا ينقض النكاح إلا الأب. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره بن اعین روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: جز پدر دختر، کسی نمی تواند ازدواج را باطل کند.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه أنه قال: في المراه التي تنقض إلى نفسها قال هي أمملك بنفسها تولى أمرها من شاءت إذا كان كفواً بعد أن تكون قد نكحت رجلاً قبله. (۴)

ص: ۵۲۹

۱- الكافي ج ۵ ص ۳۸۶ ح ۴.

۲- الكافي ج ۵ ص ۳۹۱ ح ۲.

۳- الكافي ج ۵ ص ۳۹۲ ح ۸.

۴- الكافي ج ۵ ص ۳۹۲ ح ۵.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره زن بیوه ای که به سوی خود می خواند، فرمود: او صاحب اختیار خود می باشد. اختیار خود را به هر کس که می خواهد می سپارد، در صورتی که هم شأنش (هم عقیده اش) باشد. البته در صورتی که پیش از آن با مرد دیگری ازدواج نموده باشد.

۴۶۱- اختلاف پدر بزرگ و پدر در ازدواج دختر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن هشام بن سالم و محمد بن حكيم عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إذا زوج الأب و الجد كان التزويج للأول فإن كان جميعاً في حال واحد فالجد أولى. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از هشام بن سالم و محمد بن حکیم روایت کرده که گفتند: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: اگر پدر، دختر خود را برای کسی عقد کند، و پدر بزرگ همان دختر را برای دیگری عقد کند، آن عقدی رسمیت دارد که زودتر انجام گرفته باشد. و اگر پدر و پدر بزرگ هر دو در یک زمان صیغه عقد را جاری کنند، عقد پدر بزرگ اولویت است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الفضل بن عبد الملك عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إن الجد إذا زوج ابنته وإنه و كان أبوها حياً و كان الجد مرضياً جاز قلنا فإن هوى أبو الجارية هوى و هوى الجد هوى و هما سواء في العدل و الرضا قال أحب إلي أن تزوي بقول الجد. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از فضل بن عبد الملک روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: اگر در حال زنده بودن پدر دختر، پدر بزرگ نوه خود را شوهر بدهد، عقد ازدواج رسمی است با این شرط که پدر بزرگ از نظر اجتماعی، شایسته و صالح باشد.

گفتیم: اگر پدر دختر، جوانی را در نظر بگیرد و پدر بزرگ دختر، جوان دیگری را؛ درحالی که پدر و پدر بزرگ از نظر عدالت و شایستگی یکسان باشند تکلیف دختر چه خواهد بود؟

فرمود: من دوست دارم دختر به پیشنهاد پدر بزرگش رضا بدهد.

ص: ۵۳۰

۱- . الكافي ج ۵ ص ۳۹۵ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۳۹۶ ح ۵.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي العباس عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إِذَا زَوَّجَ الرَّجُلُ فَأَبَى ذَلِكُ وَالِدُهُ فَإِنَّ تَزْوِيجَ الْأَبِ جَائِزٌ وَإِنْ كَرِهَ الْجَدُّ لَيْسَ هَذَا مِثْلَ الَّذِي يَفْعَلُهُ الْجَدُّ ثُمَّ يُرِيدُ الْأَبُ أَنْ يَرُدَّهُ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابی عباس روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: اگر مردی دخترش را عقد کند و پدرش مخالفت نماید در چنین حالتی عقد پدر جایز است، گرچه پدر بزرگ راضی نباشد و این چنین نیست که پدر بزرگ دختر را تزویج کند بعد پدر مخالفت نماید.

۴۶۲- اختلاف پدر و پسر در گزینش همسر برای فرزند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن أبي يعفور عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: قُلْتُ لَهُ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ امْرَأَةً وَإِنَّ أَبَوَيَّ أَرَادَا غَيْرَهَا قَالَ تَزَوَّجِ الَّتِي هَوَيْتَ وَدَعِ الَّتِي يَهْوِي أَبَوَاكَ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابن ابی یعفور روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: من علاقه دارم با زنی ازدواج کنم، و پدر و مادرم خانم دیگری را برایم در نظر گرفته اند، تکلیف من چیست؟ فرمود: با آن زنی که علاقه و تمایل داری ازدواج کن و از آن زنی که پدر و مادرت تمایل دارند، صرف نظر کن.

۴۶۳- حکم دختر دوشیزه ای که نادوشیزه در می آید

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ الْمُعَاوِيَةِ بْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي الرَّجُلِ يَتَزَوَّجُ الْمَرْأَةَ عَلَى أَنَّهَا بَكْرٌ فَيَجِدُهَا تَبِيًّا أَوْ يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَقِيمَ عَلَيْهَا قَالَ فَقَالَ قَدْ تَفْتَقُ الْبَكْرُ مِنَ الْمَرْكَبِ وَ مِنَ النَّزْوَةِ. (۳)

ص: ۵۳۱

۱- الكافي ج ۵ ص ۳۹۶ ح ۶.

۲- الكافي ج ۵ ص ۴۰۱ ح ۱.

۳- الكافي ج ۵ ص ۴۱۳ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن قاسم روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه درباره مردی که با زنی ازدواج می کند به این گمان که دوشیزه است، ولی بعدا درمی یابد که دوشیزه نیست. آیا رواست که از او شکایت کند؟

فرمود: پرده بکارت گاهی در اثر سواری بر مرکب و یا پریدن زایل می شود.

۴۶۴- حکم ازدواج با زنی که طلاق غیر شرعی داده شده است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن إسماعيل بن عمار عن أبي عبيد الله صلوات الله عليه: في رجل طلق امرأته ثلاثاً فأراد رجلاً أن يتزوجها كيف يصنع قال يدعها حتى تحيض وتطهر ثم يأتيه ومعه رجلان شاهدان فيقول أطلقت فلانه فإذا قال نعم تركها ثلاثة أشهر ثم خطبها إلى نفسها. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم مردی زنش را در یک مجلس سه طلاقه نمود و مرد دیگری می خواهد با آن زن ازدواج کند، چه باید بکند؟

فرمود: آن زن را واگذارد تا حائض شود، سپس پاک شود آن گاه در حالی که دو شاهد به همراه دارد نزد شوهر سابق برود و به او بگوید: آیا فلان زن را طلاق دادی؟ هنگامی که بگوید: آری، زن را تا سه ماه رها کند، سپس او را برای خود خواستگاری کند.

۴۶۵- حکم محال سه طلاقه

۱- الشيخ العياشي، بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبيد الله صلوات الله عليه قال: سألته عن الطلاق الذي لا تحل له حتى تنكح زوجاً غيره قال هو الذي يطلق ثم يرجع وهو الجماع ثم يطلق ثم يرجع ثم يطلق الثالثة فلا تحل له حتى تنكح زوجاً غيره وإلا فهي واحدة. (۲)

ص: ۵۳۲

۱- . الكافي ج ۵ ص ۴۲۴ ح ۳.

۲- . تفسير عياشي ج ۱ ص ۱۳۸ ح ۳۷۲. بحار الانوار ج ۱۰۱ ص ۱۵۶ ح ۷۱.

مرحوم شیخ عیاشی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: کدام طلاق است که پس از آن، زن تا با مردی غیر از شوهر (سابق) خود ازدواج (دائم) نکند، بر او حلال نمی شود؟

حضرت فرمود: آن طلاق، همان است که مرد، زن خود را طلاق دهد و سپس به او رجوع کند - رجوع به معنای جماع می باشد - سپس آن زن را طلاق دهد و سپس به او رجوع کند و سپس او را طلاق دهد (که در این صورت) تا آن زن با مردی غیر از آن مرد، ازدواج (دائم) نکند، بر او حلال نمی شود. اما اگر مرد، زن خود را به این شکل طلاق ندهد، یک طلاق محسوب می شود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحسن الصيقل قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن رجل طلق امرأته طلاقاً لا تحلُّ له حتى تنكح زوجاً غيره و تزوجها رجل متعاً أ يحلُّ له أن ينكحها قال لا حتى تدخل في مثل ما خرجت منه. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسن صیقل روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: زنی که مرد، او را طلاق داده و جز با ازدواج (دائم) با مرد دیگری، بر او حلال نمی شود، اگر به صیغه موقت مرد دیگری درآید، آیا بر شوهر سابق، حلال است که با آن زن ازدواج کند؟

حضرت فرمود: خیر، تا زمانی که آن زن به نکاح مردی دیگر، به مانند آن چه قبل از طلاق بر آن بوده (یعنی نکاح دائم) در نیاید، شوهر سابق او نمی تواند با او ازدواج کند.

۴۶۶- حکم زنی به مردی حرام ابدی می شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زرارة بن أعين و داود بن سرحان عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: الملاء عنه إذا لا عنها زوجها لم تحلَّ له أبداً و الذي يتزوج المرأة في عديتها و هو يعلم لا تحلُّ له أبداً و الذي يطلق الطلاق الذي لا تحلُّ له حتى تنكح زوجاً غيره ثلاث مراتٍ و تزوج ثلاث مراتٍ لا تحلُّ له أبداً و المهرم إذا تزوج و هو يعلم أنه حرام عليه لم تحلَّ له أبداً. (۲)

ص: ۵۳۳

۱- . الكافي ج ۵ ص ۴۲۵ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۴۲۶ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره بن اعین و داوود بن سرحان روایت کرده که گفتند: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: زنی که مورد تهمت واقع شود و شوهرش در مراسم «ملاعنه» او را لعنت کند، دیگر برای آن شوهر حلال نخواهد شد. و کسی که آگاهانه با زنی ازدواج کند که در عده طلاق باشد، آن زن برای او حلال نخواهد شد. و کسی که زن خود را سه نوبت طلاق بدهد و آن زن باید شوهر دیگری اختیار کند تا برای شوهر اول حلال شود، و این برنامه سه نوبت تکرار شود (و نه مرتبه او را طلاق بدهد)، دیگر بر او حلال نخواهد شد. و اگر حاجی با آگاهی از حرمت در حال احرام ازدواج کند، آن زن برای همیشه به او حلال نخواهد شد.

۴۶۷- حکم نکاح یهود، نصارا، و مشرکانی که مرد و یا زنی مسلمان می شود و یا هر دو مسلمان می شوند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيِّدَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِذَا أَسْلَمَتِ امْرَأَةٌ وَ زَوْجُهَا عَلَى غَيْرِ الْإِسْلَامِ فُرِّقَ بَيْنَهُمَا قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ هَاجَرَ وَ تَرَكَ امْرَأَتَهُ فِي الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَحِقَتْ بِعَدَدٍ ذَلِكَ بِهِ أَيْمَسُكُهَا بِالنِّكَاحِ الْأَوَّلِ أَوْ تَنْقَطِعَ عِصْمَتُهَا قَالَ بَلْ يُمَسِّكُهَا وَ هِيَ امْرَأَتُهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: اگر زنی اسلام بیاورد و شوهرش نامسلمان باقی بماند، آن زن را از شوهرش جدا می کنند. و از حضرتش پرسیدم: شخصی مسلمان شد و از دیار مشرکان به دیار اسلام مهاجرت نمود و همسرش (که مسلمان نشده بود) را بین مشرکان وا گذاشت. پس از مدتی همسرش (نیز اسلام آورد) و نزد شوهرش آمد؛ آیا شوهر می تواند این زن را با همان ازدواج سابق نگه دارد یا حقوق زن قطع می شود؟

فرمود: زن را نگهدارد و همین زن، همسرش است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبَانَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ رَجُلٍ مَجُوسِيٍّ أَوْ مُشْرِكِيٍّ مِنْ غَيْرِ أَهْلِ الْكِتَابِ كَانَتْ تَحْتَهُ امْرَأَةٌ فَأَسْلَمَ أَوْ

ص: ۵۳۴

أَسْلِمَتْ قَالَ يُنْتَظَرُ بِهَذَاكَ انْقِضَاءَ عِدَّتِهَا وَإِنْ هُوَ أَسْلِمَ أَوْ أَسْلِمَتْ قَبْلَ أَنْ تَنْقُضِيَ عِدَّتَهَا فَهِيَ عَلَى نِكَاحِهَا الْأَوَّلِ وَإِنْ هُوَ لَمْ يُسْلِمَ حَتَّى تَنْقُضِيَ الْعِدَّةَ فَقَدْ بَانَ مِنْهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از منصور بن حازم روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: اگر زن و شوهر مجوسی یا مشرک غیر از اهل کتاب باشند و یکی از آن دو اسلام بیاورد و دیگری اسلام نیاورد (تکلیف آنان چیست؟)

فرمود: باید منتظر بماند تا عده آن زن به پایان برسد. اگر قبل از پایان عده، آن دیگری نیز اسلام بیاورد، هر دو بر ازدواج قبلی خود باقی خواهند بود، و اگر عده آن زن به پایان برسد و آن دیگری اسلام نیاورد، زن از شوهرش جدا خواهد شد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن يونس قال: الذمى تكون له المرأة الذمى فتسلم امرأته قال هي امرأته يكون عندها بالنهار ولا يكون عندها بالليل قال فإن أسلم الرجل ولم تسلم المرأة يكون الرجل عندها بالليل والنهار. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یونس گوید: از حضرتش پرسیدم: فرد ذمی زنش ذمی اش مسلمان می شود.

فرمود: او زن اوست که روز با اوست و شب با او نخواهد بود.

فرمود: هر گاه مرد مسلمان شود و زن اسلام نیاورد مرد شب و روز نزد زن خواهد بود.

۴۶۸- حکم شیر دادن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال سمعته يقول: يحرم من الرضاع ما يحرم من القرابة. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: تمام کسانی که در اثر خویشی و قرابت تحریم شده اند، با شیر خوردن نیز تحریم می شوند.

ص: ۵۳۵

۱- الكافي ج ۵ ص ۴۳۵ ح ۳.

۲- الكافي ج ۵ ص ۴۳۷ ح ۸.

۳- الكافي ج ۵ ص ۴۳۷ ح ۱.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ قَالَ: جَاءَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَيْرٍ اللَّيْثِيُّ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ مَا تَقُولُ فِي مُتَعِهِ النَّسَاءِ فَقَالَ أَحَلَّهَا اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَعَلَى لِسَانِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَهِيَ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَقَالَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مِثْلَكَ يَقُولُ هَذَا وَقَدْ حَرَّمَهَا عُمَرُ وَنَهَى عَنْهَا فَقَالَ وَإِنْ كَانَ فَعَلَّ قَالَ إِنِّي أُعِيدُكَ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ أَنْ تُحِلَّ شَيْئًا حَرَّمَهُ عُمَرُ قَالَ فَقَالَ لَهُ فَأَنْتَ عَلَى قَوْلِ صَاحِبِكَ وَأَنَا عَلَى قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَهَلُمَّ الْأَعْيُنَ أَنْ الْقَوْلَ مَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَّ الْبَاطِلَ مَا قَالَ صَاحِبُكَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: عبد الله بن عمیر لیشی به محضر مبارک حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه آمد و گفت: نظر شما در زمینه ازدواج موقت چیست؟

فرمود: خداوند آن را در قرآن و هم چنین بر زبان پیامبرش صلی الله علیه و آله حلال کرده است. از این رو، ازدواج موقت تا روز رستاخیز حلال است.

عبد الله بن عمیر گفت: ای ابو جعفر! شخصیتی مانند شما چنین می گوید با آن که عمر آن را تحریم کرده و از ارتکاب آن نهی نموده است؟

فرمود: گرچه عمر هم تحریم کرده باشد.

عبد الله بن عمیر گفت: من تو را به خدا پناه می دهم که چیزی را که عمر حرام نموده است، حلال نمایم.

فرمود: تو بر گفته صاحب باش و من بر گفته رسول الله صلی الله علیه و آله بیا تا با تو ملاعنه (و مباحله) کنم که حق، همان گفته رسول الله صلی الله علیه و آله است و گفته صاحب باطل است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَلِيِّ رَفَعَهُ قَالَ: سَأَلَ أَبُو حَنِيفَةَ أَيُّهَا جَعْفَرُ مُحَمَّدُ بْنُ النُّعْمَانِ صَاحِبَ الطَّاقِ فَقَالَ لَهُ يَا أَبَا جَعْفَرٍ مَا تَقُولُ فِي الْمُتَعِ أَ تَزْعُمُ أَنَّهَا حَلَالٌ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَمَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَأْمُرَ نِسَاءَكَ أَنْ يُسْتَمْتَعْنَ وَ يَكْتَسِبْنَ عَلَيْكَ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ لَيْسَ كُلُّ الصَّنَاعِيَاتِ يُرْغَبُ فِيهَا وَإِنْ كَانَتْ حَلَالًا وَ لِلنَّاسِ أَقْدَارٌ وَ مَرَاتِبٌ يَرْفَعُونَ أَقْدَارَهُمْ وَ لَكِنْ مَا تَقُولُ يَا أَبَا حَنِيفَةَ فِي النَّبِيذِ أَ تَزْعُمُ أَنَّهُ حَلَالٌ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ فَمَا يَمْنَعُكَ أَنْ تُقْعِدَ نِسَاءَكَ فِي الْحَوَانِيتِ

ص: ۵۳۷

تَبَادَاتِ فَيَكْتَسِبَنَّ عَلَيْكَ فَقَالَ أَبُو حَنِيفَةَ وَاحِدَهُ بِوَاحِدِهِ وَ سَيَهْمُكَ أَنْفَذُ ثُمَّ قَالَ لَهُ يَا أَبَا جَعْفَرٍ إِنَّ الْآيَةَ الَّتِي فِي سَأَلِ سَائِلٍ تَنْطِقُ بِتَحْرِيمِ الْمُتْعَةِ وَالرَّوَايَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَدْ جَاءَتْ بِنَسْخِهَا فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ يَا أَبَا حَنِيفَةَ إِنَّ سُورَةَ سَأَلِ سَائِلٍ مَكِّيَّةٌ وَ آيَةُ الْمُتْعَةِ مَدْيَنِيَّةٌ وَ رِوَايَتَكَ شَادَّةٌ رَدِيَّةٌ فَقَالَ لَهُ أَبُو حَنِيفَةَ وَ آيَةُ الْمِيرَاثِ أَيْضًا تَنْطِقُ بِنَسْخِ الْمُتْعَةِ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ قَدْ ثَبَتَ النِّكَاحُ بِغَيْرِ مِيرَاثٍ قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ مَنْ أَيْنَ قُلْتَ ذَاكَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ لَوْ أَنَّ رَجُلًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ تَزَوَّجَ امْرَأَةً مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ثُمَّ تُوُفِّيَ عَنْهَا مَا تَقُولُ فِيهَا قَالَ لَا تَرْتُّ مِنْهُ قَالَ فَقَدْ ثَبَتَ النِّكَاحُ بِغَيْرِ مِيرَاثٍ ثُمَّ افْتَرَقَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی به صورت مرفوع روایت کرده که گفت: ابو حنیفه از ابا جعفر مومن طاق پرسید: ای ابا جعفر! درباره ازدواج موقت چه می گویی؟ آیا گمان می کنی حلال است؟

مؤمن طاق گفت: آری.

گفت: پس چه چیزی مانع می شود که به زنان (کنیزان و دختران و...) دستور دهی که ازدواج موقت کنند و برای درآمد کسب کنند؟

مؤمن طاق گفت: هر کاری که مورد رغبت مردم نیست؛ گرچه حلال هم باشد. و مردم شأن و منزلتی دارند که می کوشند آن را بالاتر برند. اما ای ابو حنیفه! درباره شراب چه می گویی؟ آیا گمان می کنی حلال است؟

ابو حنیفه گفت: آری.

مؤمن گفت: پس چه چیزی مانع می شود که زنان را در دکان های شراب فروشی بگماری تا برای درآمدی کسب نمایند؟

گفت: تیری در مقابل تیری، ولی. تیر تو تیزتر بود.

سپس گفت: ای ابا جعفر! آیه ای که در سوره «سَأَلِ سَائِلٌ» نازل شده که تصریح به حرام بودن ازدواج موقت دارد. همین طور روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز آن را نسخ می کند.

مؤمن طاق گفت: ای ابو حنیفه! سوره «سَأَلِ سَائِلٌ» مکی است و آیه ازدواج موقت مدنی است و روایتی که گفتی شاذ است و رد می شود.

ابو حنیفه گفت: آیه ارث نیز تصریح به نسخ ازدواج موقت دارد.

ص: ۵۳۸

مؤمن طاق گفت: ازدواج بدون ارث بردن نیز ثابت شده است.

گفت: این را از کجا می گویی؟

مؤمن گفت: اگر مرد مسلمانی با زنی از اهل کتاب ازدواج کند سپس مرد بمیرد، در این خصوص چه نظری داری؟

ابو حنیفه گفت: زن از او ارث نمی برد.

مؤمن طاق گفت: پس ازدواج بدون ارث بردن ثابت شد.

سپس ابو حنیفه و مؤمن طاق از همدیگر جدا شدند.

۴۷۰- زنان موقت به منزله کنیز هستند و جزو زنان دائم محسوب نمی شوند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: قُلْتُ مَا يَحِلُّ مِنَ الْمُتَعَةِ قَالَ (الصادق صلوات الله عليه) كَمْ شِئْتِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: ازدواج با چند زن موقت جائز است؟

فرمود: هر تعدادی که مایل باشی.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ قَالَ الْقَ عَبْدُ الْمَلِكِ بْنِ جُرَيْجٍ فَسَلَّمَهُ عَنْهَا فَإِنَّ عِنْدَهُ مِنْهَا عِلْمًا فَلَقِيْتُهُ فَأَمَلَى عَلَيَّ مِنْهَا شَيْئًا كَثِيرًا فِي اسْتِحْلَالِهَا فَكَانَ فِيهَا رَوَى لِي ابْنُ جُرَيْجٍ قَالَ لَيْسَ فِيهَا وَقْتُ وَلَا عِدَّةٌ إِنَّمَا هِيَ بِمَنْزِلَةِ الْأَمَاءِ يَتَزَوَّجُ مِنْهُنَّ كَمَا شَاءَ وَصَاحِبُ الْمَرْبَعِ نِسْوَهُ يَتَزَوَّجُ مِنْهُنَّ مَا شَاءَ بَعِيرٍ وَلِيٍّ وَلَا شُهُودٍ فَإِذَا انْقَضَى الْأَجَلُ بَانَ مِنْهُ بَعِيرٍ طَلَاقٍ وَيُعْطِيهَا الشَّيْءَ الْيَسِيرَ وَعِدَّتُهَا حَيْضَتَانِ وَإِنْ كَانَتْ لَا تَحِيضُ فَخَمْسَةٌ وَأَرْبَعُونَ يَوْمًا فَأَتَيْتُ بِالْكِتَابِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ صَدَقَ وَأَقْرَبَ بِهِ قَالَ ابْنُ أُذَيْنَةَ وَكَانَ زُرَّارَةُ بْنُ أَعْيَنَ يَقُولُ هَذَا وَيَخْلِفُ أَنَّهُ الْحَقُّ إِلَّا أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِنْ كَانَتْ تَحِيضُ فَحَيْضُهُ وَإِنْ كَانَتْ لَا تَحِيضُ فَشَهْرٌ وَنِصْفٌ. (۲)

ص: ۵۳۹

۱- الكافي ج ۵ ص ۴۵۱ ح ۳.

۲- الكافي ج ۵ ص ۴۵۱ ح ۶.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسماعیل بن فضل هاشمی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد ازدواج موقت پرسیدم.

فرمود: به ملاقات عبد الملک بن جریج برو و در این خصوص از او بپرس؛ زیرا در این خصوص دانشی نزد اوست.

من نزد عبد الملک رفتم و او چیزهای زیادی در مورد حلال بودن ازدواج موقت بر من املا نمود (و من نوشتم) که در میان احکامی که بر من روایت نمود چنین بود:

در ازدواج موقت، وقت و تعداد (فقط چهار زن) شرط نمی باشد. زنان موقت به منزله کنیزان می باشند، به هر تعدادی که شخص بخواهد می تواند با آنان ازدواج کند.

کسی که چهار زن دائم دارد می تواند به هر تعدادی که بخواهد همسر موقت اختیار کند. ازدواج موقت نیاز به ولی و شاهد ندارد. هرگاه که مدت معین شده به پایان رسید زن موقت بدون طلاق از مرد جدا می شود و مرد پول اندکی به او می پردازد. عده همسر موقت دو حیض است و اگر حائض نشود، چهل و پنج روز می باشد.

اسماعیل بن فضل گوید: پس من این نوشته را نزد حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه آوردم و به ایشان عرضه نمودم.

حضرت فرمود: عبد الملک راست گفته است و حضرتش آن را تقریر فرمود.

۴۷۱- شروط و صیغه عقد در ازدواج موقت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَا تَكُونُ مُتَعَةً إِلَّا بِأَمْرَيْنِ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ أَجْرٍ مُّسَمًّى.

(۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: ازدواج موقت، جز با دو امر مهم صورت نخواهد گرفت: مدت معین و اجرت معین.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِيانِ بْنِ تَغْلِبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ كَيْفَ أَقُولُ لَهَا إِذَا خَلَوْتُ بِهَا قَالَ تَقُولُ أَتَزَوَّجُكَ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَا وَارِثَةَ وَ لَا مَوْزُوئَةَ كَذَا وَ كَذَا يَوْمًا وَ إِنْ شِئْتِ كَذَا وَ كَذَا سَنَةً بِكَذَا وَ كَذَا دِرْهَمًا وَ

ص: ۵۴۰

تَسِيَمِي مِنَ الْمَاجِرِ مَا تَرَضَ يُتِمًّا عَلَيْهِ قَلِيلًا كَانَ أَمْ كَثِيرًا فَإِذَا قَالَتْ نَعَمْ فَقَدْ رَضِيَتْ فِيهِ إِمْرَأَتَكَ وَ أَنْتَ أَوْلَى النَّاسِ بِهَا قُلْتُ فَإِنِّي أَسِيَتُحِبِّي أَنْ أَذْكَرَ شَرْطَ الْمَأْيَامِ قَالَ هُوَ أَضْرُّ عَلَيْكَ قُلْتُ وَ كَيْفَ قَالَ إِنَّكَ إِنْ لَمْ تَشْتَرِطْ كَانَ تَرْوِيحٌ مُقَامٌ وَ لَزِمَتْكَ النَّفَقَةُ فِي الْعِدَّةِ وَ كَانَتْ وَارِثَةً وَ لَمْ تَقْدِرْ عَلَى أَنْ تُطَلِّقَهَا إِلَّا طَلَاقَ الشُّنَّةِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابان بن تغلب روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: موقعی که با یک زن تنها شدم و خواستم به صورت موقت با او ازدواج کنم، چه بگویم؟

فرمود: می گویی: «من به صورت موقت با تو ازدواج می کنم بنابر کتاب خدا و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله نه ارث می بری و نه ارث می گذاری، به مدت چند روز و اگر بخواهی چند سال در برابر چند درهم مهریه، و مبلغ اجرت را، کم باشد یا زیاد باشد، بر همان میزانی که به آن توافق کرده اید بر زبان می آوری.

و چون خانم بگوید: آری رضایت دادم، آن زن همسر تو خواهد بود و تو به آن زن از همگان ترجیح داری.

گفتم: شرم دارم که از چند و چون مدت سخنی بر زبان بیاورم.

فرمود: در آن صورت تو بیشتر ضرر خواهی کرد.

گفتم: چگونه؟

فرمود: اگر مدت را نام نبری و مشخص نکنی ازدواج شما دائمی خواهد شد و باید در تمام مدت مخارج زندگی او را تأمین کنی و در صورت مرگ، حق ارث برقرار خواهد بود و نمی توانی او را طلاق دهی جز با طلاق سنت و شرعی.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن بكير قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: إذا اشتريت على المرأة شروطاً المُنْعَه فَرَضِيَتْ بِهِ وَ أَوْجَبَتْ التَّرْوِيحَ فَارْذُدْ عَلَيْهَا شَرْطَكَ الْأَوَّلَ بَعْدَ النِّكَاحِ فَإِنْ أَجَازَتْهُ فَقَدْ جَازَ وَ إِنْ لَمْ تُجِزْهُ فَلَا يَجُوزُ عَلَيْهَا مَا كَانَ مِنَ الشَّرْطِ قَبْلَ النِّكَاحِ. (۲)

ص: ۵۴۱

۱- . الكافي ج ۵ ص ۴۵۵ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۴۵۶ ح ۳.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن بکیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه شرایط ازدواج موقت را برای زن شرط نمودی و مورد رضایت او قرار گرفت و تو صیغه ازدواج را جاری کردی، بعد از اجرای عقد، آن شرایط را بر او تکرار کن، پس اگر شرایط را پذیرفت، لازم الاجرا خواهد شد و اگر شرایط را نپذیرفت، شرایطی که پیش از ازدواج عنوان شد بر او لازم نمی شود.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي بصير قَالَ: لَا بَيْدَ مِنْ أَنْ تَقُولَ فِي هَذِهِ الشُّرُوطِ أَتَزَوَّجُكَ مُتَّعَهُ كَذَا وَ كَذَا يَوْمًا بِكَذَا وَ كَذَا دَرَهْمًا نِكَاحًا غَيْرَ سِتْمَاحٍ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَى أَنْ لَا تَرِثَنِي وَ لَا أَرِثَكَ وَ عَلَى أَنْ تَعْتَدِيَ خَمْسَةَ وَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَ قَالَ بَعْضُهُمْ حَيْضَةً. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر گوید: بایستی در بیان شرایط ازدواج موقت بگویی: «با تو به صورت موقت ازدواج می کنم به مدت فلان روز و در برابر فلان مقدار درهم؛ ازدواجی غیر از زنا، بنا بر کتاب خدا و سنت پیامبرش صلی الله علیه و آله و بنا بر این که نه تو از من ارث ببری و نه من از تو. و این که چهل و پنج روز عده نگه داری».

۵- الشيخ المفيد، بإسناده عن الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقُطِينٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: أَدْنَى مَا يَجْتَرِي مِنَ الْقَوْلِ أَنْ يَقُولَ أَتَزَوَّجُكَ مُتَّعَهُ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِكَذَا وَ كَذَا إِلَى كَذَا. (۲)

مرحوم شیخ مفید، با سند خویش از حسن بن علی بن یقطین روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمود: کمترین سخنی که کافی است این است که مرد بگوید: تو را به متعه بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبرش صلی الله علیه و آله با این مهر تا این مدت می گیرم.

۴۷۲- کمترین حد مهریه در ازدواج موقت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَمِ الْمَهْرُ يَعْنِي فِي الْمُتَّعَةِ قَالَ مَا تَرَاضَيَا عَلَيْهِ إِلَى مَا شَاءَ مِنَ الْأَجَلِ. (۳)

ص: ۵۴۲

۱- . الكافي ج ۵ ص ۴۵۵ ح ۲.

۲- . مستدرک الوسائل ج ۱۴ ص ۴۶۱ ح ۱۷۲۹۲.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۴۵۷ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: مهریه در ازدواج موقت چه مقدار است؟

فرمود: هر چه که به آن توافق کنند، تا هر مدتی که بخواهند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير قال: سألت أبا جعفر صلوات الله عليه عن مُتَعَةِ النِّسَاءِ قَالَ حَلَالٌ وَإِنَّهُ يُجْزَى فِيهِ أَلَدْرَهُمْ فَمَا قَوْفَهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابوبصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه پرسیدم: ازدواج موقت چگونه است؟

فرمود: حلال است و در مورد مهریه آن، یک درهم و یا بیشتر از آن کفایت می کند.

۴۷۳- عده ی بانوان در ازدواج موقت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ: إِنْ كَانَتْ تَحِيضُ فَحِيضُهُ وَإِنْ كَانَتْ لَا تَحِيضُ فَشَهْرٌ وَنِصْفٌ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: در ازدواج موقت اگر زن عادت ماهیانه دارد عده اش، یک عادت ماهیانه است و اگر عادت ماهیانه ندارد، یک ماه و نیم.

۴۷۴- طولانی کردن مدت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير قال: لَا بَأْسَ بِأَنْ تَزِيدَكَ وَتَزِيدَهَا إِذَا انْقَطَعَ الْأَجْلُ فِيمَا بَيْنَكُمَا تَقُولُ اسْتَحْلَلْتِكَ بِأَجَلٍ آخَرَ بَرَضًا مِنْهَا وَلَا يَحِلُّ ذَلِكَ لِغَيْرِكَ حَتَّى تَنْقُضِيَ عِدَّتَهَا. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: حضرت فرمود: ایرادی ندارد که همسر موقت، مدت را برای تو افزایش دهد و تو هم مهریه اش را بیشتر سازی. (به این صورت که) هنگامی که مدت معین به پایان رسید با رضایت زن می گویی: «تو را به یک مدت دیگر، حلال می کنم».

ص: ۵۴۳

۱- . الكافي ج ۵ ص ۴۵۷ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۴۵۸ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۴۵۸ ح ۱.

و چنین کاری برای دیگران غیر از تو تا هنگامی که عده اش به پایان رسد جایز نیست.

۴۷۵- تعیین مدت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا صلوات الله عليه قال: قُلْتُ لَهُ الرَّجُلُ يَتَزَوَّجُ مُتَعَهُ سَنَةً أَوْ أَقَلَّ أَوْ أَكْثَرَ قَالَ إِذَا كَانَ شَيْئاً مَعْلوماً إِلَى أَجَلٍ مَعْلُومٍ قَالَ قُلْتُ وَ تَبَيَّنُ بِغَيْرِ طَلَاقٍ قَالَ نَعَمْ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن اسماعیل روایت کرده که گفت: به حضرت امام رضا صلوات الله علیه گفتم: انسان می تواند برای مدت یک سال، یا بیشتر و یا کمتر، زن موقت بگیرد؟

فرمود: اگر ازدواج موقت با اجرت معین و سرآمد مشخص باشد، مانعی ندارد.

گفتم: بعد از پایان مدت، بدون طلاق از هم جدا می شوند؟

فرمود: آری.

۴۷۶- در صورت تخلف مهریه پرداخت نمی شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ صلوات الله عليه الرَّجُلُ يَتَزَوَّجُ الْمَرْأَةَ مُتَعَهُ تَشْتَرِطُ لَهُ أَنْ تَأْتِيَهُ كُلَّ يَوْمٍ حَتَّى تُوفِّيَهُ شَرْطَهُ أَوْ تَشْتَرِطَ أَيَّاماً مَعْلُومَةً تَأْتِيهِ فِيهَا فَتَعْدِرُ بِهِ فَلَا تَأْتِيهِ عَلَى مَا شَرَطَهُ عَلَيْهَا فَهَلْ يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يُحَاسِبَهَا عَلَى مَا لَمْ تَأْتِهِ مِنَ الْأَيَّامِ فَيُحْبِسَ عَنْهَا مِنْ مَهْرِهَا بِحِسَابِ ذَلِكَ قَالَ نَعَمْ يَنْظُرُ مَا قَطَعَتْ مِنَ الشَّرْطِ فَيُحْبِسُ عَنْهَا مِنْ مَهْرِهَا بِمُقَدَّارِ مَا لَمْ تَفِ لَهُ مَا خَلَا أَيَّامَ الطَّمْثِ فَإِنَّهَا لَهَا فَلَا يَكُونُ لَهُ إِلَّا مَا أَحَلَّ لَهُ فَزَجَّهَا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: به حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه گفتم: اگر کسی زن موقت بگیرد، و زن برای مرد شرط بگذارد که هر روزه و یا روزهای مشخصی نزد مرد برود تا مدت ازدواج به سر برسد. ولی زن به مرد نیرنگ بزند و مطابق شرط مزبور در زمان مقرّر حاضر نشود، آیا شوهرش می تواند تخلفات او را ثبت کند و بر اساس تخلف از اجرت او کم بگذارد؟

ص: ۵۴۴

۱- . الکافی ج ۵ ص ۴۵۹ ح ۲.

۲- . الکافی ج ۵ ص ۴۶۱ ح ۴.

فرمود: آری. حساب روزهای تخلف را نگه دارد و به همان مقدار، از مبلغ اجرت بکاهد، به جز روزهای قاعدگی؛ چرا که روزهای قاعدگی برای خود زن است و فقط روزهای طهارت و پاکی برای شوهر است.

۴۷۷- زن در امور خودش قابل اعتماد است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن ميسر قال: قلت لأبي عبد الله صلوات الله عليه ألقى المرأة بالفلاة التي ليس فيها أحد فأقول لها هل لك زوج فتقول لا فأترؤجها قال نعم هي المصدقة على نفسها. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از میسر روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: زنی را در بیابانی بی آب و علفی که کسی در آن نیست مشاهده می کنم و می پرسم: شوهر داری؟ او می گوید: شوهر ندارم. آیا می توانم با او ازدواج کنم؟

فرمود: آری. ادعای او در مورد خودش تصدیق می شود.

۴۷۸- ازدواج موقت با دختران باکره

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زياد بن أبي الحلال قال سمعت أبا عبد الله صلوات الله عليه يقول: لا بأس بأن يتمتع بالبكر ما لم يفض إليها مخافه كراهيه العيب على أهلها. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زیاد بن ابی حلال روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: کامیابی موقت، از دختران باکره مانعی ندارد، در صورتی که به بکارت آنها آسیبی نرساند و از بیم کراهت عیب و خرده گرفتن بر خانواده اش.

۲- الشيخ الطوسي، بإسناده عن أبي سعيد القمطي عن روه قال قال قلت لأبي عبد الله صلوات الله عليه حيا رية بكر بين أيوئها تدعوني إلى نفسها سرا من أبوئها فأفعل ذلك قال نعم و اتق موضع الفرج قال قلت فإن رضيت بذلك قال وإن رضيت بذلك فإنه عار على الأبكار. (۳)

ص: ۵۴۵

۱- الكافي ج ۵ ص ۴۶۲ ح ۲.

۲- الكافي ج ۵ ص ۴۶۲ ح ۲.

۳- تهذيب الاحكام ج ۷ ص ۲۵۴ ح ۲۱.

مرحوم شیخ طوسی، با سند خویش از ابی سعید قماط از یکی از راویان روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: دختر باکره ای پیش پدر و مادرش هست او مرا به خویش در نهان بدون اینکه پدر و مادرش بفهمند دعوت می کند. آیا من این کار را بکنم؟

فرمود: آری، ولی از موضع فرج دختر پرهیز کن.

راوی گوید: گفتم: اگر دختر خودش به مباشرت جنسی در فرج نیز رضایت دهد؟

فرمود: (نه، جایز نیست) ولو دختر بدان رضایت دهد چرا که این کار بر باکره ها ننگ است.

۳- الشیخ الطوسی، باسناده عن الحلبي قال سألتُه عن التَّمَنُّعِ مِنَ الْبِكْرِ إِذَا كَانَتْ بَيْنَ أَبَوَيْهَا بِلَا إِذْنِ أَبَوَيْهَا قَالَ لَا بَأْسَ مَا لَمْ يَفْتَضَّ مَا هُنَاكَ لِتَعَفِّ بِذَلِكَ. (۱)

مرحوم شیخ طوسی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: از حضرت درباره متعه کردن دختر باکره ای که پیش پدر و مادرش است بدون اجازه پدر و مادر، پرسیدم.

حضرت فرمود: اگر مباشرت جنسی نکند، اشکالی ندارد تا دختر با این کار عفت خویش را نگهدارد.

۴۷۹- حکم فرزند ازدواج موقت

۱- الشیخ الكلینی، باسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَرَأَيْتَ إِنْ حَبِلَتْ قَالَ هُوَ وَلَدُهُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: اگر زن موقت آبستن شود، به نظر شما چه صورت دارد؟

فرمود: این فرزند، فرزند مرد است.

۴۸۰- کراهت همبستری در خانه ای که کودک است

۱- الشیخ الكلینی، باسناده عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ رَجُلًا

ص: ۵۴۶

۱- الاستبصار ج ۳ ص ۱۴۵ ح ۲.

۲- الكافي ج ۵ ص ۴۶۴ ح ۱.

عَشِيَّتِي امْرَأَتَهُ وَ فِي الْبَيْتِ صَبِيٌّ مُسْتَقِظٌ يَرَاهُمَا وَيَسْمَعُ كَلَامَهُمَا وَ نَفْسَهُمَا مَا أَفْلَحَ أَبَدًا إِذَا كَانَ غُلَامًا كَانَ زَانِيًا أَوْ جَارِيَةً كَانَتْ زَانِيَةً. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالله بن حسین بن زید از پدرش روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: به آن که جانم در دست اوست سوگند! اگر مردی با همسرش آمیزش کند و در آن خانه کودک بیداری باشد که آنان را ببیند و سخن و صدای نفس آنان را بشنود، هیچ گاه این کودک رستگار نخواهد شد؛ اگر پسر باشد یا دختر، زناکار خواهد شد.

۴۸۱- دعا هنگام آمیزش و آنچه موجب مصونیت از مشارکت شیطان است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الْحَلْبِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي الرَّجُلِ إِذَا أَتَى أَهْلَهُ فَخَشِيَ أَنْ يُشَارِكَهُ الشَّيْطَانُ قَالَ يَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ وَ يَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره کسی که با همسرش نزدیکی می کند و از مشارکت شیطان بیم دارد، فرمود:

می گوید: «بسم الله» و از شیطان به خداوند پناه می برد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: إِذَا جَامَعَ أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي الشَّيْطَانَ وَ جَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنِي، قَالَ فَإِنْ قَضَى اللَّهُ بَيْنَهُمَا وَلَدًا لَا يَضُرُّهُ الشَّيْطَانُ بِشَيْءٍ أَبَدًا. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن قداح روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: هر گاه یکی از شما آمیزش می کند بگوید: «بسم الله و بالله اللهم جنبني الشيطان و جنب الشيطان ما رزقتني».

فرمود: پس اگر خداوند بین آن دو فرزندی مقرر سازد، هرگز شیطان نمی تواند هیچ گونه ضرری به او وارد کند.

ص: ۵۴۷

۱- . الكافي ج ۵ ص ۵۰۰ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۵۰۲ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۵۰۳ ح ۳.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ سَعْدِ بْنِ الْجَلَّابِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَجْعَلِ الْغَيْرَةَ لِلنِّسَاءِ وَ إِنَّمَا تَغَارُ الْمُنْكَرَاتُ مِنْهُنَّ فَأَمَّا الْمُؤْمِنَاتُ فَلَا- إِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ الْغَيْرَةَ لِلرِّجَالِ لِأَنَّهُ أَحَلَّ لِلرِّجُلِ أَرْبَعًا وَ مَا مَلَكَتْ يَمِينُهُ وَ لَمْ يَجْعَلْ لِلْمَرْأَةِ إِلَّا زَوْجَهَا فَإِذَا أَرَادَتْ مَعَهُ غَيْرَهُ كَانَتْ عِنْدَ اللَّهِ زَانِيَةً.

و فی روایه آخری قال صلوات الله علیه: فَإِنْ بَعَثَ مَعَهُ غَيْرَهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سعد جلاب روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: خداوند متعال غیرت را برای زنان قرار نداده است. تنها زنان غیر مؤمن غیرت و رشک می ورزند اما زنان مؤمن غیرت مندی نمی کنند. به راستی که خداوند غیرت را برای مردان قرار داده است؛ زیرا برای مردان چهار زن و هر تعداد کنیزی را که بخرند حلال نموده است، اما برای زن فقط شوهرش را قرار داده است. پس اگر زن به اضافه شوهرش، مرد دیگری را بخواهد، نزد خداوند زناکار است.

و در روایت دیگری حضرت صلوات الله علیه فرمودند: هرگاه با وجود شوهرش، مرد دیگری را آرزو کرد در پیشگاه خداوند زناکار است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ جَابِرِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: غَيْرَةُ النِّسَاءِ الْحَسَدُ وَ الْحَسَدُ هُوَ أَضْلُ الْكُفْرِ إِنَّ النِّسَاءَ إِذَا غَوْنَ غَضِبْنَ وَ إِذَا غَضِبْنَ كَفَرْنَ إِلَّا الْمُسْلِمَاتُ مِنْهُنَّ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جابر روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: غیرت زنان همان حسد است و حسد ریشه کفر است. هنگامی که زنان غیرت می ورزند، خشمگین می شوند و آن گاه که خشمگین شدند کفر می ورزند مگر زنان مسلمان (با ایمان).

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ فَقَالَ لَهَا

ص: ۵۴۸

۱- . الكافي ج ۵ ص ۵۰۵ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۵۰۵ ح ۴.

أَنْ تُطِيعَهُ وَلَا تَعْصِيَهُ وَلَا تَصِدَّقَ مِنْ بَيْتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا تَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَلَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا وَإِنْ كَانَتْ عَلَى ظَهْرٍ قَتَبٍ وَلَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَإِنْ خَرَجَتْ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَعَنَتْهَا مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَمَلَائِكَةُ الْأَرْضِ وَمَلَائِكَةُ الْغُضَبِ وَمَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ حَقًّا عَلَى الرَّجُلِ قَالَ وَالْإِمْدَةُ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ حَقًّا عَلَى الْمَرْأَةِ قَالَ زَوْجُهَا قَالَتْ فَمَا لِي عَلَيْهِ مِنَ الْحَقِّ مِثْلُ مَا لَهُ عَلَيَّ قَالَ لَا وَلَا مِنْ كُلِّ مَائَةٍ وَاحِدَةٍ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: زنی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول الله! حق شوهر بر همسرش چیست؟

فرمود: این که اطاعتش کند، از او نافرمانی ننماید، از اموال شوهرش صدقه ندهد مگر با اجازه شوهر، روزه مستحبی نگیرد مگر با اجازه شوهر و شوهرش را از خود منع نکند گرچه بر پشت کوهان شتر باشد و از خانه خارج نشود مگر با اجازه شوهر و اگر بدون اجازه اش از خانه خارج شود، فرشتگان آسمان و زمین و فرشتگان غضب و رحمت او را لعن می کنند تا هنگامی که به منزل باز گردد.

زن عرض کرد: ای رسول الله صلی الله علیه و آله! چه کسی بزرگترین حق را بر مرد دارد؟

فرمود: پدرش.

عرض کرد: ای رسول الله! چه کسی بزرگترین حق را بر گردن زن دارد؟

فرمود: شوهرش.

عرض کرد: پس من چه حقی بر شوهرم مانند حقی که او بر من دارد، دارم؟

فرمود: نه، (حقوق تو مانند حقوق شوهرت نیست) و از هر صد (حقی که او دارد، تو) یکی (از آنان را) هم نداری.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن سعد بن أبي عمرو الجلاب قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: أيما امرأة باتت و زوجها عليها ساخط في حق لم تقبل منها صلاة حتى يرضى عنها و

ص: ۵۴۹

أَيَّمَا امْرَأَةٍ تَطَيَّبَتْ لِغَيْرِ زَوْجِهَا لَمْ تُقْبَلْ مِنْهَا صَلَاةٌ حَتَّى تَغْتَسِلَ مِنْ طَيِّبِهَا كَغُسْلِهَا مِنْ جَنَابَتِهَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سعد بن ابی عمرو جلاب روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر زنی بخوابد و شوهرش در مورد حقی (از حقوق خود) بر او خشمگین باشد، هیچ نمازی از او قبول نمی شود تا این که شوهرش از او راضی گردد.

و هر زنی که برای غیر شوهرش عطر بزند هیچ نمازی از او قبول نخواهد شد تا هنگامی که خود را از این عطر بشوید همان طور که غسل جنابت می کند.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن موسى بن بكر عن أبي إبراهيم صلوات الله عليه قال: جهادُ المرأةِ حُسنُ التَّبَعْلِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از موسی بن بکیر روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمود: جهاد زن، نیکو شوهرداری است.

۴۸۴- حق زن نسبت به شوهرش

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عمرو بن جبير العزرمي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: جاءت امرأة إلى النبي صلى الله عليه وآله فسألته عن حق الزوج على المرأة فحبرها ثم قالت فما حقهما عليه قال يكسوها من العزى ويطعمها من الجوع وإن أذنت غفر لها فقالت فليس لها عليه شيء غير هذا قال لا قالت لا والله لا تزوجت أبداً ثم ولت فقال النبي صلى الله عليه وآله إرجعي فرجعت فقال إن الله عز وجل يقول «وأن يستغفرن خير لهن» (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمرو بن جبیر عزرمی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: زنی خدمت رسول الله صلى الله عليه وآله آمد و در مورد حقوق مرد بر همسر سؤال نمود.

ص: ۵۵۰

۱- . الكافي ج ۵ ص ۵۰۷ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۵۰۷ ح ۴.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۵۱۱ ح ۲.

رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در این خصوص به او آگاهی داد.

زن گفت: پس حق زن بر شوهرش چیست؟

فرمود: او را از عریانی بپوشاند، از گرسنگی سیر نماید و اگر گناهی از همسرش سرزد، از او درگذرد.

زن گفت: زن حقی غیر از این بر شوهر ندارد؟

فرمود: نه.

گفت: به خدا سوگند! هرگز ازدواج نخواهم کرد.

سپس برگشت. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: باز گرد! او باز گشت.

فرمود: خداوند می فرماید: {وَأَكْفَرُ بَوْرَزَنْدٍ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكْفُرَ بِرَأْسِهِ} (سوره نور آیه ۶۰)

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَوْصَانِي جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْمَرْأَةِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ لَا يَتَّبِعُنِي طَلَاقُهَا إِلَّا مِنْ فَاكِحَتِهِ مُبَيَّنَةً. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: جبرئیل امین، همواره مرا به رعایت همسر سفارش می نمود تا آن حد که تصور کردم که هرگز طلاق زن روا نخواهد بود، مگر آن که فحشای آشکار مرتکب شود.

۴۸۵- حد اطاعت زن از شوهر

۱- الشيخ الصدوق، بإسناده عن الحسين بن زيد عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عن أمير المؤمنين صلوات الله عليهم قال نهى رسول الله صلى الله عليه وآله: أَنْ تَخْرُجَ الْمَرْأَةُ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا فَإِنْ خَرَجَتْ لَعْنَتْهَا كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاءِ وَكُلُّ شَيْءٍ تَمُرُّ عَلَيْهِ مِنَ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا وَنَهَى أَنْ تَتَزَيَّنَ الْمَرْأَةُ لِغَيْرِ زَوْجِهَا فَإِنْ فَعَلَتْ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُحْرِقَهَا بِالنَّارِ وَنَهَى أَنْ تَتَكَلَّمَ الْمَرْأَةُ عِنْدَ غَيْرِ زَوْجِهَا وَ

ص: ۵۵۱

غَيْرِ ذِي مَحْرَمٍ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ خَمْسِ كَلِمَاتٍ مِمَّا لَا بُدَّ لَهَا مِنْهُ وَ نَهَى أَنْ تُحَدِّثَ الْمَرْأَةَ بِمَا تَخْلُو بِهِ مَعَ زَوْجِهَا. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از حسین بن زید از حضرت امام جعفر صادق از پدر بزرگوارش از پدران بزرگوارش از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیهم روایت کرده که فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و آله نهی فرمودند که زن بدون اجازه همسر از خانه خارج شود و اگر خارج شد، تمامی فرشتگان آسمان و همه انس و جنی که بر او گذر کنند لعنتش می کنند تا به خانه باز گردد. و نیز فرمودند: زن نباید غیر از همسرش برای دیگری آرایش کند، و اگر چنین کرد، خداوند حق دارد او را به آتش دوزخ بسوزاند. و نیز نهی فرمودند که زن نزد نامحرم بیش از پنج کلمه حرف بزند، آن هم از روی ضرورت. و نیز نهی فرمودند که زن از آنچه در خلوت با شوهرش انجام دهد، صحبت کند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن جابر الجعفي عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: خرج رسول الله صلى الله عليه وآله يوم النحر إلى ظهر اليمدینه على جمیل عاری الجسم فمرَّ بالنساء فوقف عليهن ثم قال يا معاشر النساء تصي دقن و أطين أزواجكن فإن أكثركن في النار فلما سيمعن ذلك بكين ثم قامت إليه امرأة منهن فقالت يا رسول الله صلي الله عليه وآله في النار مع الكفار و الله ما نحن بكفار فنكون من أهل النار فقال لها رسول الله صلى الله عليه وآله إنكن كافات بحق أزواجكن. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جابر جعفی روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله در روز عید قربان سوار بر شتر بی پا شد و به بیرون مدینه تشریف می برد در این اثنا گروهی از زنان را دید. حضرتش توقف کرد سپس فرمود: ای گروه زنان! صدقه دهید و از شوهران تان اطاعت کنید؛ چرا که بیشتر شما در آتش دوزخ هستید.

هنگامی که زنان این گفتار حضرتش شنیدند، گریستند. آن گاه زنی از آنان برخاست و گفت: ای رسول الله! آیا در آتش، همراه کافران؟! به خدا سوگند! ما کافر نیستیم تا در آتش باشیم!

رسول الله صلی الله علیه و آله به او فرمود: به راستی که شما به حقوق شوهران خود کفر می ورزید.

ص: ۵۵۲

۱- . امالی (للصدوق) مجلس ۶۶ ح ۱. بحارالانوار ج ۱۰۰ ص ۲۴۳ ح ۱۳.

۲- . الکافی ج ۵ ص ۵۱۴ ح ۳.

۴۸۶- ترک فرمان بری از زنان

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أطاع امرأته أكتبه الله على وجهه في النار قيلَ وَ مَا تِلْكَ الطَّاعَةُ قَالَ تَطَلُّبُ مِنْهُ الذَّهَابِ إِلَى الْحَمَامَاتِ وَالْعُرْسَاتِ وَالْعِيدَاتِ وَالنَّبِيَّاتِ وَ الثِّيَابِ الرَّقَاقِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس از همسرش اطاعت کند، خداوند او را با صورت در آتش دوزخ می افکند. گفتند: آن اطاعت کدام است؟

فرمود: زن از شوهر بخواهد که به حمام ها، عروسی ها، جشن های عید و مراسم های عزاداری برود و هم چنین لباس های نازک بپلبد (و شوهر اطاعت نماید).

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله طاعه المرأة ندامة. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: اطاعت از همسر باعث پشیمانی است.

۴۸۷- حفظ شخصیت و پوشیدگی زنان

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الوليد بن صبيح عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ليس للنساء من سرات الطريق شيء ولكنّها تمشي في جانب الحائط والطريق. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ولید بن صبیح روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: زنان حق عبور از وسط مسیر را ندارند، بلکه باید در پناه دیوار و حاشیه مسیر حرکت نمایند.

ص: ۵۵۳

۱- . الكافي ج ۵ ص ۵۱۷ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۵۱۷ ح ۴.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۵۱۸ ح ۱.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الوليد بن صبيح عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أئى امرأه تطيبت ثم خرجت من بيتها فهي تلعن حتى ترجع إلى بيتها متى ما رجعت. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ولید بن صبیح روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: هر زنی که خود را معطر و خوشبو سازد، سپس از خانه خارج شود، همواره مورد لعنت خواهد بود تا موقعی که به خانه باز گردد؛ هر گاه که باز گردد (زود باز گردد یا دیر).

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن حفص بن البختري عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: لا يتبغى للمرأة أن تنكشف بين يدي اليهودية والنصرانية فإنهن يصفن ذلك لأزواجهن. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حفص بن بختري روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: برای زن جایز نیست که نزد زن یهودی و نصرانی بدون حجاب باشد، زیرا آنان، زیبای او را برای شوهران خود توصیف می کنند.

۴۸۸- مواردی از اعضای زن که نگاه حلال است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مروك بن عبيد عن بعض أصحابنا عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: قلت له ما يحل للرجل أن يرى من المرأة إذا لم يكن محرماً قال الوجه والكفان والقدمان. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از مروك بن عبيد از یکی از راویان روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: نگاه کردن به کدام اعضای بدن زن، بر مرد نامحرم حلال است؟

فرمود: صورت، کف دو دست و پاها (تا میچ یا همان قوزک).

ص: ۵۵۴

۱- . الكافي ج ۵ ص ۵۱۸ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۵۱۹ ح ۵.

۳- . الكافي ج ۵ ص ۵۲۱ ح ۲.

۲- علی بن ابراهیم القمی، یاسناده عن أبي الجارود عن أبي جعفر صلوات الله عليه: في قوله ولا يُدِين زينتَهنَّ إلَّا ما ظهرَ منها فهَي الثَّيَابُ وَ الكُحْلُ وَ الخَاتَمُ وَ خَضَابُ الكَفِّ وَ السَّوَارِ وَ الزَّيْنَةُ ثَلَاثٌ زَيْنَةُ لِلنَّاسِ وَ زَيْنَةُ لِلْمَحْرَمِ وَ زَيْنَةُ لِلزَّوْجِ فَأَمَّا زَيْنَةُ النَّاسِ فَقَدْ ذَكَرْنَا وَ أَمَّا زَيْنَةُ الْمَحْرَمِ الْقِلَادَةُ فَمَا فَوْقَهَا وَ الدُّمْلُجُ وَ مَا دُونَهُ وَ الْخَلْخَالُ وَ مَا أَسْفَلَ مِنْهُ وَ أَمَّا زَيْنَةُ الزَّوْجِ فَالْجَسَدُ كُلُّهُ. (۱)

مرحوم علی بن ابراهیم قمی، با سند خویش از ابو جارود از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه روایت کرده که آن حضرت در باره آیه: «و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست». (سوره نور آیه ۳۱) فرمود: منظور از زینت های ظاهر، لباس، سورمه، انگشتر، حنای دست و دست بند است. زینت بر سه قسم است: یکی زینتی که برای مردم است، دیگری برای محرم و سومی برای همسر است، اما زینت هایی که برای مردم است را بیان نمودیم و اما زینت برای محرم، جای گردن بند و بالاتر از آن، جای النگو تا پایین تر از آن و جای خلخال تا پایین تر از آن است، و اما زینت زن برای همسر، تمام بدن اوست.

۴۸۹- نگاه زنان ذمی

۱- الشیخ الكلینی، یاسناده عن السَّكُونِيِّ عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله: لَا حُرْمَةَ لِنِسَاءِ أَهْلِ الذِّمَّةِ أَنْ يُنْظَرَ إِلَى شُعُورِهِنَّ وَ أَيْدِيهِنَّ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله فرمود: زنان ذمی حرمتی ندارند که به موها و دستانشان نگاه شود.

۴۹۰- حکم نگاه به زنان بادیه نشین و روستائیان

۱- الشیخ الكلینی، یاسناده عن عباد بن صهيب قال سمعتُ أبا عبد الله صلوات الله عليه يقول: لَا بَأْسَ بِالنَّظَرِ إِلَى رُءُوسِ أَهْلِ اَلتَّهَامَةِ وَ اَلْأَعْرَابِ وَ أَهْلِ اَلسَّوَادِ وَ اَلْعُلُوجِ لِأَنَّهُمْ إِذَا

ص: ۵۵۵

۱- . تفسیر قمی ج ۲ ص ۷۷. بحار الانوار ج ۱۰۱ ص ۳۳ ح ۵.

۲- . الکافی ج ۵ ص ۵۲۴ ح ۱.

نُهِوا لَا يَنْتَهُونَ قَالَ وَ الْمَجْنُونَهُ وَ الْمَغْلُوبَهُ عَلَى عَقْلِهَا وَ لَا بَأْسَ بِالنَّظَرِ إِلَى شَعْرِهَا وَ جَسَدِهَا مَا لَمْ يَتَعَمَّدْ ذَلِكَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عیاد بن صهیب روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: نگاه کردن به موهای زنان «تهامه»، زنان بادیه نشین و زنان بی دینان مانعی ندارد، زیرا آنان در صورتی که نهی شوند، نمی پذیرند.

حضرتش فرمود: زن دیوانه و زن بی عقل و سفیه نیز همین حکم را دارند که نگاه کردن به موها و بدن آنان مانعی ندارد، در صورتی که تماشای عمدی نباشد.

۴۹۱- دست دادن با زنان

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ مُصَافَحَةِ الرَّجُلِ الْمَرْأَةَ قَالَ لَا يَحِلُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يُصَافِحَ الْمَرْأَةَ إِلَّا - امْرَأَةً يَحْرُمُ عَلَيْهِ أَنْ يَتَرَوَّجَهَا أُخْتٌ أَوْ بِنْتُ أَوْ عَمَّةٌ أَوْ خَالَهٌ أَوْ ابْنَةُ أُخْتٍ أَوْ نَحْوَهَا فَأَمَّا الْمَرْأَةُ الَّتِي يَحِلُّ لَهَا أَنْ يَتَرَوَّجَهَا فَلَا يُصَافِحُهَا إِلَّا مِنْ وَرَاءِ الثَّوْبِ وَلَا يَغْمِزُ كَفَّهَا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه بن مهران روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: دست دادن مرد و زن حلال است؟

فرمود: برای هیچ مردی روا نیست که با زنی دست بدهد، مگر آن زن محرمی که ازدواجش با او حرام باشد، (مانند: خواهر، دختر، عمه، خاله، خواهرزاده و امثال آنان. اما آن خانمی که (نامحرم) و ازدواجش با او حلال است، نباید با او دست دهد مگر از روی لباس به شرطی که دستش را نفشارد.

۲- الشيخ الصدوق، بإسناده عن الحسين بن زيد عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه عن أمير المؤمنين صلوات الله عليهم قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ صَافَحَ امْرَأَةً تَحْرُمُ عَلَيْهِ فَقَدْ بَاءَ بِسَيْخِطٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَنْ التَّرَمَ امْرَأَةً حَرَامًا قَرِنَ فِي سَلْسِلَةٍ مِنْ نَارٍ مَعَ الشَّيْطَانِ فَيُقَدَّانِ فِي النَّارِ. (۳)

ص: ۵۵۶

۱- الكافي ج ۵ ص ۵۲۴ ح ۱.

۲- الكافي ج ۵ ص ۵۲۵ ح ۱.

۳- امالی (للصدوق) مجلس ۶۶ ح ۱.

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از حسین بن زید از حضرت امام جعفر صادق از پدر بزرگوارش از پدران بزرگوارش از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیهم روایت کرده که فرمودند: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که با زن نامحرم دست دهد به خشم خدا گرفتار شده، و کسی که به زن نامحرم بچسبد، با شیطان به یک زنجیر بسته شود و هر دو در آتش افکنده شوند.

۴۹۲- چه زمانی حجاب بر دختران واجب می شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَا يَصْلُحُ لِلجَارِيَةِ إِذَا حَاضَتْ إِلَّا أَنْ تَحْتَمِرَ إِلَّا أَنْ لَا تَجِدَهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: برای هیچ دختری که به سن حیض رسیده است، جایز نیست (که در انظار ظاهر شود) مگر این که روسری داشته باشد، جز این که روسری پیدا نکند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا إِبرَاهِيمَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الْجَارِيَةِ الَّتِي لَمْ تُدْرِكْ مَتَى يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُغَطِّيَ رَأْسَهَا مِمَّنْ لَيْسَ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ مُحْرَمٌ وَ مَتَى يَجِبُ عَلَيْهَا أَنْ تُفَنِّعَ رَأْسَهَا لِلصَّلَاةِ قَالَ لَا تُغَطِّيَ رَأْسَهَا حَتَّى تَحْرُمَ عَلَيْهَا الصَّلَاةُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الرحمن بن حججاج روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه پرسیدم: دختری که بالغ نباشد، از چه زمانی باید سر خود را از نامحرم بپوشاند؟ و از چه موقعی باید در هنگام نماز خواندن سر خود را بپوشاند؟

فرمود: لازم نیست که دختر نابالغ سر خود را بپوشاند، تا این که (حیض شود) و نماز خواندن بر او حرام گردد.

ص: ۵۵۷

۱- . الكافي ج ۵ ص ۵۳۲ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۵۳۳ ح ۲.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي حمزة الثمالي عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: سألتُه عن المرأة المسلمة يصبها البلاء في جسدها إما كسِرٍّ أو جراح في مكان لا يصلح النظر إليه و يكون الرجال أرفق بعلاجها من النساء أ يصلح له أن ينظر إليها قال إذا اضطرت إليه فيعالجها إن شاءت. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو حمزه ثمالی روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه پرسیدم: زن مسلمانی دچار بلایی مانند: شکستگی یا زخمی می شود. این شکستگی و زخم در جایی است که نگاه کردن نامحرم به آن جایز نیست و از طرفی مردان نسبت به زنان به مداوای آنان ماهرترند. آیا طبیب مرد می تواند به عضو صدمه دیده این زن بنگرد؟

فرمود: هرگاه اضطرار پیش آید، و آن زن تمایل داشته باشد طبیب مرد می تواند او را معالجه کند.

۲- الشيخ عبد الله بن جعفر الحميري، بإسناده عن علي بن أبي حمزة عن جعفر صلوات الله عليهما قال: سألتُه عن المرأة لها أن يحجمها رجل؟

قال لا.

و سألتُه عن المرأة يكون بها الجرح في فخذها أو عضدها هل يصلح للرجل أن ينظر إليه ويعالجه قال لا.

و سألتُه عن الرجل يكون بأصل فخذيه أو ألبته الجرح هل يصلح للمرأة أن تنظر إليه أو تدويه قال إذا لم يكن عورة فلا بأس. (۲)

مرحوم شیخ عبدالله بن جعفر حمیری، با سند خویش از علی بن جعفر از برادرش حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: از آن حضرت در مورد زن سؤال کردم که آیا می تواند برای حجامت نزد مرد برود؟

فرمود: نه.

ص: ۵۵۸

۱- الكافي ج ۵ ص ۵۳۴ ح ۱.

۲- قرب الاسناد ص ۱۰۱. بحارالانوار ج ۱۰۱ ص ۳۳ ح ۸.

و از آن حضرت در مورد زنی سؤال کردم که روی ران یا بازویش زخم دارد؛ آیا شایسته است مرد به آن نگاه کند و معالجه اش نماید؟

فرمود: نه.

و از آن حضرت در مورد مردی سؤال کردم که بالای ران یا باسنش زخم است؛ آیا شایسته است زنی به آن نگاه و مداوایش کند؟

فرمود: اگر عورت نباشد اشکال ندارد.

توضیح: نگاه کردن و دست زدن مرد نامحرم بر زن نامحرم از برای معالجه در حال اضطرار رخصتی است که در حدیث اولی آمده است، و در غیر از حالت اضطرار معالجه زن نامحرم ولو دچار زخم و امثالهم شده باشد، توسط مرد نامحرم جایز نیست چنانکه در حدیث دومی بیان شده است.

۴۹۴- حکم آمیزش در حال عادت ماهیانه

۱- الشیخ الکلبینی، یاسنادہ عن عبد الملک بن عمرو قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه ما لصاحب المرأة الحائض منها فقال كل شيء ما عدا القبل بعينه. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الملک بن عمرو روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: در عادت ماهیانه، شوهر تا چه حد می تواند از همسر خود کامیاب شود؟

فرمود: همه اندام، جز خود شرمگاه.

۲- الشیخ الکلبینی، یاسنادہ عن عذافر الصیرفی قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: ترى هؤلاء المشوهين خلقهم قال قلت نعم قال هؤلاء الذين آباؤهم يأتون نساءهم في الطمث. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عذافر صیرفی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: آیا این مردمان بدقیافه را می بینی؟

گفتم: آری.

فرمود: اینان کسانی هستند که پدران شان در حال عادت با زنان خود مباشرت کرده اند.

ص: ۵۵۹

۴۹۵- حکم نزدیکی از دبر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ سَمِعْتُ صِفْوَانَ بْنَ يَحْيَى يَقُولُ: قُلْتُ لِلرَّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنَّ رَجُلًا مِنْ مَوَالِيكَ أَمَرَنِي أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ مَسْأَلَةٍ هَابَكَ وَاسْتَحْيَا مِنْكَ أَنْ يَسْأَلَكَ قَالَ وَ مَا هِيَ قُلْتُ الرَّجُلُ يَأْتِي امْرَأَتَهُ فِي دُبْرِهَا قَالَ ذَلِكَ لَهُ قَالَ قُلْتُ لَهُ فَأَنْتَ تَفْعَلُ قَالَ إِنَّا لَا نَفْعَلُ ذَلِكَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن حکم روایت کرده که گفت: شنیدم که صفوان بن یحیی می گفت: به حضرت امام رضا صلوات الله علیه عرض کردم: یکی از دوست داران شما به من سفارش کرده است که سؤال او را خدمت شما مطرح کنم، و خودش از شما شرم دارد که این مسأله را بپرسد.

فرمود: سؤال او چیست؟

گفتم: آیا انسان می تواند از دبر به زن خود نزدیکی کند؟

فرمود: می تواند.

گفتم: شما نیز چنین کاری می کنید؟

فرمود: ما چنین کاری را انجام نمی دهیم.

۴۹۶- حکم استمناء و نزدیکی با حیوانات

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي الرَّجُلِ يَنْكِحُ بِهِمَةً أَوْ يَدُلُّكَ فَقَالَ كُلُّ مَا أَنْزَلَ بِهِ الرَّجُلُ مَاءَهُ فِي هَذَا وَ شَبِيهِ فَهُوَ زَنَى. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمار بن موسی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مورد کسی که با حیوانات نزدیکی می کند و یا مرتکب استمناء می شود، فرمود: در تمام این مواردی که مرد، آب خود را در این مورد و شبیه آن بریزد، پس همان زنا است.

۴۹۷- مرد زناکار

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا قَالَ: لِلزَّانِي سِتُّ خِصَالٍ ثَلَاثٌ فِي الدُّنْيَا وَ ثَلَاثٌ فِي الْآخِرَةِ أَمَّا الَّتِي فِي الدُّنْيَا

ص: ۵۶۰

فَيَذْهَبُ بِنُورِ الْوَجْهِ وَ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ يُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَ أَمَّا الَّتِي فِي الْأَخِرَةِ فَسَخَطُ الرَّبِّ وَ سُوءُ الْحِسَابِ وَ الْخُلُودُ فِي النَّارِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن میمون قدّاح روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: برای مرد زناکار شش ویژگی است، سه ویژگی در دنیا و سه ویژگی در جهان آخرت.

سه ویژگی در دنیا عبارت از این است که زنا نور صورت او را می برد، فقر می آورد و مرگ را تعجیل می کند و اما سه ویژگی در جهان آخرت این که باعث غضب پروردگار، سوء محاسبه و برای همیشه در دوزخ بودن او می شود.

۴۹۸- زن زکار

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن إسحاق بن أبي الهلال عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه: أ لا أخبركم بكبير الزنا قالوا بلى قال هي امرأة توطئ فراش زوجها فتأتي بولدٍ من غيره فتلزمه زوجها فتلك التي لا يكلمها الله ولا ينظر إليها يوم القيامة ولا يزكّيها ولها عذاب أليم. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن ابو هلال روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: آیا شما را از بزرگی عمل زنا آگاه نسازم؟! عرض کردند: آری.

فرمود: آن، زنی است که بستر شوهرش را به دیگران می دهد و از آنان فرزند می آورد. و آن فرزند را به شوهرش ملحق می کند. پس این زن، همانی است که خداوند در روز قیامت نه با او سخن می گوید، نه به او نگاه می کند، نه او را پاکیزه و طاهر می نماید و برای او عذابی دردناک است.

ص: ۵۶۱

۱- . الكافي ج ۵ ص ۵۴۱ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۵۴۳ ح ۳.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن يونس عن بعض أصحابنا عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال سمعته يقول: حُرْمَةُ الدُّبْرِ أَكْبَرُ مِنْ حُرْمَةِ الْفَرْجِ إِنَّ اللَّهَ أَهْلَكَ أُمَّةَ بَحْرَمَةَ الدُّبْرِ وَ لَمْ يَهْلِكْ أَحَدًا بِحُرْمَةِ الْفَرْجِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یونس از یکی از اصحاب ما روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: حرمت دبر مرد بزرگ تر از حرمت فرج زن است. خداوند امتی را به خاطر حرمت دبر هلاک نمود، اما هیچ کس را به سبب فرج هلاک نکرد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بكر الحضرمي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ حَرَّمَ غُلَامًا حَرَّمَ جُنْبًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَنْقِيهِ مَاءُ الدُّنْيَا وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا ثُمَّ قَالَ إِنَّ الدَّكَرَ لَيُؤَكَّبُ الدَّكَرَ فِيهِ تَرْتُّ الْعَرْشِ إِذْ لَكَ وَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيُؤْتَى فِي حَقْبِهِ فَيَحْبِسُهُ اللَّهُ عَلَى جِسْرِ جَهَنَّمَ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ حِسَابِ الْخَلَائِقِ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى جَهَنَّمَ فَيَعَذَّبُ بِطَبَقَاتِهَا طَبَقَةً طَبَقَةً حَتَّى يُرَدَّ إِلَى أَسْفَلِهَا وَ لَا يَخْرُجُ مِنْهَا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بکر حضرمی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس با پسری نزدیکی کند روز قیامت در حال جنابت وارد محشر می شود؛ که آب دنیا او را پاک نخواهد کرد و خداوند بر او غضب می کند و لعن می فرستد و دوزخ را برایش مهیا می سازد و عاقبت بدی را طی خواهد کرد.

سپس فرمود: به راستی آن گاه که مردی بر مرد دیگری سوار می شود، عرش الهی از این عمل به لرزه در می آید و خداوند مردی را در دبرش ادخال می شود بر پل جهنم حبس می کند تا از حساب مخلوقات فارغ شود آن گاه به جهنم دستور می دهد که او را بگیرد و جهنم، همه طبقه هایش او را پایین می برد و عذاب می کند تا داخل پایین ترین طبقه جهنم شود و از آن خارج نخواهد شد.

ص: ۵۶۲

۱- الکافی ج ۵ ص ۵۴۳ ح ۱.

۲- الکافی ج ۵ ص ۵۴۴ ح ۲.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه: اللواط ما دون الدبر والدبر هو الكفر. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: لواط، همان آمیزش بدون ادخال در دبر است. و ادخال در دبر، به منزله کفر است.

۵۰۰- همجنس بازی زنان

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن إسحاق بن جرير قال: سألتني امرأة أن أستأذن لها علي أبي عبد الله صلوات الله عليه فأذن لها فدخلت و معها مولاة لها فقالت يا أبا عبد الله قول الله عز وجل: «زيتونه لا شرقفه ولا غربيه» ما عنى بهذا فقالت أيتها المرأة إن الله لم يضرب الأمثال للشجر إنما ضرب الأمثال ليني آدم سيلي عما تربدين فقالت أخبرني عن اللواتي مع اللواتي ما حدثن في قال حيد الزنا إنه إذا كان يوم القيامة يؤتى بهن قد ألبسن مقطعات من نار و قنعن بمقانع من نار و سيزولن من النار و أدخل في أجوافهن إلى رؤوسهن أعمدته من نار و قذف بهن في النار أيتها المرأة إن أول من عمل هذا العمل قوم لوط فاستغنى الرجال بالرجال فبقى النساء بغير رجال ففعلن كما فعل رجالهن. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از اسحاق بن جریر روایت کرده که گفت: زنی از من درخواست کرد که برایش جهت ورود نزد حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه اجازه بگیرم.

حضرت اجازه داد. آن زن به همراه کنیزش وارد شد و عرض کرد: ای ابا عبد الله! خداوند می فرماید: {زیتونی که نه شرقی است و نه غربی}. (سوره نور آیه ۳۵) منظور از این درخت زیتون چیست؟

فرمود: ای زن! خداوند برای درختان مثل ها را زده است، بلکه برای آدمیان مثل زده است؛ از هرچه می خواهی پرس.

زن عرض کرد: به من بگو حد زنان هم جنس باز چیست؟

ص: ۵۶۳

۱- . الكافي ج ۵ ص ۵۴۴ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۵۵۱ ح ۲.

فرمود: حد زنا؛ به راستی که هنگام روز قیامت آن ها را در حالی می آورند که تکه هایی از آتش پوشیده اند، مقنعه هایی از آتش دارند و شلوارهایی از آتش پوشیده اند و از شکم های شان تا سرهای شان عمودهایی از آتش داخل می شود و (سرانجام) آنان را در آتش می اندازند.

ای زن! به راستی که اولین کسانی که این فعل را انجام داد، قوم حضرت لوط علیه السلام بود. آن گاه که مردان آنها به مردان کفایت نمودند، زنان بدون شوهر ماندند. از این رو مرتکب هم جنس بازی شدند، همان سان که مردان شان مرتکب شدند.

۲- الشیخ الكلینی، بإسناده عن یعقوب بن جعفر قال: سأل رجلُ أبا عبد الله أو أبا إبراهيم صلوات الله عليهما عن المرأة تُساجقُ المرأةَ و كأن مُتَكِنًا فجلَسَ فقال ملعونُهُ الرَّاكِبُهُ وَ الْمَرْكُوبُهُ وَ مَلْعُونُهُ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ أَثْوَابِهَا الرَّاكِبُهُ وَ الْمَرْكُوبُهُ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ الْمَلَائِكَةَ وَ أَوْلِيَاءَهُ يَلْعَنُونَهُمَا وَ أَنَا وَ مَنْ بَقِيَ فِي أَضْيَابِ الرَّجَالِ وَ أَرْحَامِ النِّسَاءِ فَهُوَ وَ اللَّهِ الرَّنَا الْأَكْبَرُ وَ لَا وَ اللَّهِ مَا لَهُنَّ تَوْبَةٌ قَاتَلَ اللَّهُ لَاقِيسَ بِنْتَ إِبْلِيسَ مَا دَا جَاءَتْ بِهِ فَقَالَ الرَّجُلُ هَذَا مَا جَاءَ بِهِ أَهْلُ الْعِرَاقِ فَقَالَ وَ اللَّهِ لَقَدْ كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَبِيلٌ أَنْ يَكُونَ الْعِرَاقُ وَ فِيهِنَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهَاتِ بِالرِّجَالِ مِنَ النِّسَاءِ وَ لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یعقوب بن جعفر روایت کرده که گفت: شخصی از حضرت امام جعفر صادق یا حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیهما درباره هم جنس بازی زنان سؤال کرد. حضرت که در آن هنگام تکیه داده بود، ناگاه نشست و فرمود: زنی که این عمل را انجام دهد و زنی که چنین عملی با او انجام می شود، ملعون هستند.

و ملعونند تا هنگامی که لباس های شان را که در آن موقع به تن داشتند، در آورند. چرا که خداوند متعال، فرشتگان و اولیای الهی آنها را لعن می کنند. هم چنین من و کسانی که در کمر مردان و رحم زنان باقی مانده اند آیندگان نیز آنها را لعن می کنیم.

به خدا سوگند! آن «زنای اکبر» است. به خدا سوگند! توبه ای برای چنین زنان نیست. خداوند «لاقیس» دختر «ابلیس» را بکشد؛ چه گناهی را به انسان ها به ارمغان آورد!

ص: ۵۶۴

در این هنگام آن شخص گفت: این، چیزی است که اهل عراق آن را آورده اند.

فرمود: به خدا سوگند! این عمل در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله پیش از آن که عراقی وجود داشته باشد نیز بود و رسول الله صلی الله علیه و آله درباره این زنان فرمود: خداوند مردانی را که خود را شبیه زنان و زنانی را که خود را شبیه مردان می نمایند لعنت کند.

۵۰۱- عفت و پاکدامنی از حریم مردم

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مفضل الجعفي قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: ما أقبح بالرجل من أن يرى بالمكان المغمور فيدخل ذلك علينا وعلى صالحى أضيحاً بنا يا مفضل أ تدرى لم قيل من يزن يوماً يُزن به قلت لا جعلت فداك قال إنها كانت بعى في بنى إسرائيل وكان في بنى إسرائيل رجلٌ يُكثر الاختلاف إليهما فلما كان في آخر ما أتاها أجرى الله على لسانها أما إنك ستزجج إلى أهلِكَ فتجد معها رجلاً قال فخرج وهو حبيث النفس فدخل منزله غير الحال التي كان يدخل بها قبل ذلك اليوم وكان يدخل بإذن فدخل يومئذٍ بغير إذن فوجد على فراشه رجلاً فارتفعاً إلى موسى عليه السلام فنزل جبرئيل عليه السلام على موسى عليه السلام فقال يا موسى من يزن يوماً يُزن به فنظر إليهما فقال عفوا تعفوا نسأؤكم. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از مفضل جعفی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: چه زشت است برای مرد که در مکان بدنام مشاهده شود؛ زیرا این کار او، بر ما و یاران صالح شایسته ما حمل می شود.

ای مفضل! آیا می دانی چرا گفته شده: هرکس روزی زنا کند، روزی با ناموس او زنا خواهد شد؟

عرض کردم: نه؛ قربانت گردم!

فرمود: در بنی اسرائیل زن بدکاره ای بود که مردی فراوان به نزد این زن می آمد. هنگامی که برای آخرین بار نزد زن بدکاره آمد، خداوند بر زبان این زن چنین جاری نمود: آگاه باش! تو به زودی نزد همسرت بازمی گردی و مردی را کنار او می بینی.

ص: ۵۶۵

آن مرد با حالتی پلیدانه خارج شد. و با رفتار دیگران که پیش از آن نداشت وارد منزلش شد که همواره با اجازه وارد خانه می شد، اما امروز بدون اجازه وارد شد. و مردی را در بستر خود یافت.

آن دو به نزد حضرت موسی علیه السلام شکایت بردند. حضرت جبرئیل علیه السلام بر حضرت موسی علیه السلام نازل شد و عرض کرد: ای موسی! هر کس روزی زنا کند، روزی با همسرش زنا خواهد شد.

پس حضرت موسی علیه السلام به آن دو نگاهی کرد و فرمود: عفت بورزید تا زنان تان عفت بورزند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبيد بن زرارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: بُرُوا آبَاءَكُمْ يَبْرُكُكُمْ أَبْنَاؤُكُمْ وَعَفُوا عَنْ نِسَاءِ النَّاسِ تَعَفَّ نِسَاؤُكُمْ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبید بن زرارہ روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: به پدران تان نیکی کنید که پسران تان به شما نیکی خواهند نمود و از زنان مردم چشم پوشی کنید که از زنان شما چشم پوشی خواهد شد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن ميمون القَدَّاحِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: مَا مِنْ عِبَادَةٍ أَفْضَلَ مِنْ عَفِّهِ بَطْنٍ وَفَرْجٍ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از میمون قداح روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: هیچ عبادتی با فضیلت تر از عفت شکم و شرمگاه نیست.

۵۰۲- زناى اعضاء بدن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا قَالَا: مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَهُوَ يُصِيبُ حَظًّا مِنْ الزَّنى فَرِزْنَى الْعَيْنَيْنِ النَّظْرَ وَ زِنَى الْقَبْلِ وَ زِنَى الْيَدَيْنِ اللَّمْسُ صَدَقَ الْفَرْجُ ذَلِكَ أَمْ كَذَّبَ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو جمیلہ روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما فرمودند: هیچ کسی نیست مگر این که بهره ای از زنا می برد. پس زناى

ص: ۵۶۶

۱- الكافي ج ۵ ص ۵۵۴ ح ۵.

۲- الكافي ج ۵ ص ۵۵۴ ح ۷.

۳- الكافي ج ۵ ص ۵۵۹ ح ۱۱.

چشمان، نگاه، زنای لب، بوسه و زنای دست ها لمس کردن است، چه آلت تناسلی آن را تأیید کند چه نکند (یعنی افزون بر نگاه، بوسه و لمس خواه زنا بکند خواه زنا نکند زنای آن اعضا محقق شده است).

ص: ۵۶۷

۵۰۳- ارزش فرزند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: الولد الصالح ریحانه من الله فسيمها بين عياده وإن ریحانتی من الدنيا الحسنة والحسين صلوات الله عليهما سيميتهما باسم سبطين من بني إسرائيل شبراً وشبيراً. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: فرزند صالح گلی از جانب خداوند است که آن را بین بندگانش تقسیم نموده است و همانا دو گل من از دنیا؛ حسن و حسین صلوات الله عليهما هستند. من آن دو را به نام دو سبط بنی اسرائیل: شبر و شبیر نامگذاری نمودم.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد بن مسلم عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أکثروا الولد أکثروا بکم الأمم غداً. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: فرزندان بسیاری داشته باشید که فردای رستاخیز به فزونی اتمم مباحات می کنم.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن بكر بن صالح قال: كتبت إلى أبي الحسن صلوات الله عليه أنني اجتبت طلب الولد منذ خمس سنين وذلك أن أهلي كرهت ذلك وقالت إنه يشتد علي تزييتهم لقله الشيء فما ترى فكتب صلوات الله عليه إلي أطلب الولد فإن الله عز وجل يرزقهم. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از بكر بن صالح روایت کرده که گفت: در نامه ای به حضرت امام موسی کاظم صلوات الله عليه نوشتم: من از پنج سال پیش از خواستن فرزند خودداری می نمایم؛ چرا که همسر من از

ص: ۵۶۸

۱- . الكافي ج ۶ ص ۲ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۲ ح ۳.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۳ ح ۷.

این کار ناراضی است و می گوید: به خاطر عدم توانایی مالی، تربیت و بزرگ کردن فرزندان برایم دشوار است؛ نظر شما چیست؟

حضرت صلوات الله علیه در پاسخ نوشت: فرزند بخواه که خداوند روزی آنان را می دهد.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبيد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الولد الصالح ریحانه من ریحان الجنة. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: به راستی که فرزند صالح، گلی از گل های بهشتی است.

۵۰۴- برتری دختران

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبيد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: نغم الولد الثبات ملطقات مجهزة مونسات مباركات مقلبات. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: دختران چه فرزندان خوبی هستند! انسان های لطیفی (که آماده انجام امور پدر و مادر خود) بوده و انس گیرنده، بابرکت و نوازش دهنده هستند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن سليمان بن جعفر الجعفي عن أبي الحسن الرضا صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: إن الله تبارك وتعالى على الإناث أرف منه على الذكور وما من رجل يدخل فزحه على امرأه بينه وبينها حومه إلا فزحه الله تعالى يوم القيامة. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سلیمان بن جعفر جعفری روایت کرده که گفت: حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند متعال به دختران مهربان تر است تا پسران. و هر مردی که زن محرمی را خوشحال کند خداوند در روز قیامت آن مرد را خوشحال خواهد نمود.

ص: ۵۶۹

۱- . الكافي ج ۶ ص ۳ ح ۱۰.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۵ ح ۵.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۶ ح ۷.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ عَالَ ثَلَاثَ بَنَاتٍ أَوْ ثَلَاثَ أَخَوَاتٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَابْنَتَيْنِ فَقَالَ وَابْنَتَيْنِ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَوَأَحَدَهُ فَقَالَ وَوَأَحَدَهُ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عمر بن یزید روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله فرمود: رسول الله صلى الله عليه و آله فرمود: هر کس سرپرستی سه دختر، یا سه خواهر خود را داشته باشد بهشت برایش واجب می گردد.

گفته شد: ای رسول الله! دو دختر یا دو خواهر چطور؟

فرمود: و دو دختر یا دو خواهر.

گفته شد: ای رسول الله! یک دختر یا یک خواهر چطور؟

فرمود: و یک دختر یا یک خواهر.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَاثِقِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِنَّ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَ رَبَّهُ أَنْ يَرْزُقَهُ ابْنَةً تَبْكِيهِ وَتَدُوبُهُ بَعْدَ مَوْتِهِ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از محمد واسطي روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: پدرم حضرت ابراهیم عليه السلام از پروردگارش خواست که دختری به او روزی کند تا پس از مرگش برایش گریه و ندبه کند.

۵۰۵- نام ها و کنیه ها

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ رَجُلٍ قَدْ سَمَاهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: أَضِدُّقُ الْأَسْمَاءِ مَا سُمِّيَ بِالْعُبُودِيَّةِ وَ أَفْضَلُهَا الْأَنْبِيَاءِ. (۳)

ص: ۵۷۰

۱- الكافي ج ۶ ص ۶ ح ۱۰.

۲- الكافي ج ۶ ص ۵ ح ۳.

۳- الكافي ج ۶ ص ۱۸ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابی اسحاق ثعلبه بن میمون از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: راست ترین نام ها، نامی است که به بندگی خداوند نامیده شود و برترین نام ها، نام پیامبران الهی است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: سَمُّوا أَوْلَادَكُمْ قَبْلَ أَنْ يُوَلَّدُوا فَإِنْ لَمْ تَدْرُوا أَوْ ذَكَرْتُمْ أُمَّ أُمَّتِي فَسَمُّوهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي تَكُونُ لِلذَّكَرِ وَالْأُنثَى فَإِنَّ أَسْمَاءَكُمْ إِذَا لَقَوْكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَمْ تُسَمُّوهُمْ يَقُولُ السَّقَطُ لِأَبِيهِ أَلَا سَمَّيْتَنِي وَقَدْ سَمَّيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُحَسِّنًا قَبْلَ أَنْ يُوَلَّدَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: پدر بزرگوارم به من فرمود که جدّم حضرت امام سجّاد صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: پیش از آن که فرزندان تان متولد شوند برای شان اسم بگذارید. اگر ندانستید که پسر است یا دختر، برایش اسمی انتخاب کنید که مشترک برای پسران و دختران باشد؛ زیرا فرزندان سقط شده شما در روز قیامت به هنگام دیدار، از شما شکایت می کنند و می گویند: چرا برای ما نام نگذاشتی؟!

همانا رسول الله صلّى الله عليه و آله پیش از آن که حضرت محسن علیه السلام متولد شود برایش نام نهاد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: أَوَّلُ مَا يَبْرُؤُ الرَّجُلُ وَلَدَهُ أَنْ يُسَمِّيَهُ بِاسْمِ حَسَنِ فَلْيُحَسِّنْ أَحَدَكُمْ إِسْمًا وَلَدِهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از موسی بن بکر روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمود: نخستین نیکی انسان به فرزندش نام زیبا و نیکویی است که به او می نهد. برای فرزندان نام نیکو انتخاب کنید.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَاصِمِ الْكُوزِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ وُلِدَ لَهُ أَرْبَعَةُ أَوْلَادٍ لَمْ يُسَمِّ أَحَدَهُمْ بِاسْمِي فَقَدْ جَفَانِي. (۳)

ص: ۵۷۱

۱- . الكافي ج ۶ ص ۱۸ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۱۸ ح ۳.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۱۹ ح ۶.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عاصم کوزی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: هر کس چهار فرزند داشته باشد، ولی هیچ کدام از آنان را به نام من نامگذاری ننماید، به راستی به من جفا کرده است.

۵- الشيخ الكليني، باسناده عن عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَزْرَمِيِّ قَالَ: إِسْمَيْتَ عَمَلٍ مُعَاوِيَةَ مَرْوَانَ بْنَ الْحَكَمِ عَلَى الْمَيْدِيَّةِ وَ أَمْرَهُ أَنْ يَفْرَضَ لِشَبَابِ قُرَيْشٍ فَفَرَضَ لَهُمْ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ فَقَالَ مَا اسْمُكَ فَقُلْتُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ فَقَالَ مَا اسْمُ أَخِيكَ فَقُلْتُ عَلِيُّ قَالَ عَلِيُّ وَ عَلِيُّ مَا يُرِيدُ أَبُوكَ أَنْ يَدَعَ أَحَدًا مِنْ وُلْدِهِ إِلَّا سَمَّاهُ عَلِيًّا ثُمَّ فَرَضَ لِي فَوَجَعْتُ إِلَى أَبِي فَأَخْبَرْتُهُ فَقَالَ وَيْلَى عَلِيَّ ابْنِ الزَّرْفَاءِ دَبَّاعِهِ الْأَدَمِ لَوْ وُلِدَ لِي مِائَةٌ لَأَخْبَيْتُ أَنْ لَا أُسَمِّيَ أَحَدًا مِنْهُمْ إِلَّا عَلِيًّا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الرحمن بن محمد عزرمی روایت کرده که گفت: معاویه، مروان بن حکم را استاندار مدینه کرد و به او فرمان داد که برای جوانان قریش سهمیه ای قرار دهد.

حضرت امام سجّاد صلوات الله علیه فرمود: من نزد مروان رفتم.

مروان گفت: نام تو چیست؟

گفتم: علی بن الحسین صلوات الله علیهما.

گفت: نام برادرت چیست؟

گفتم: علی.

مروان گفت: علی و علی؟! پدرت می خواهد تمام فرزندانش را علی بنامد؟!

آن گاه سهمیه مرا پرداخت. من نزد پدر بزرگوام باز گشتم و ماجرا را برای آن حضرت باز گو کردم.

پدرم فرمود: وای بر فرزند زن چشم آبی دباغ پوست ها! اگر برای من صد فرزند متولد شود، دوست دارم هیچ کدام را جز «علی» نام نگذارم!

۵۰۶- کام گشایی نوزد، و اذان و اقامه خواندن در گوش هایش

۱- الشيخ الكليني، باسناده عن يونسَ عن بعضِ أصحابه عن أبي جعفرٍ صلوات الله عليه قال قال: يُحَنَّكَ الْمَوْلُودُ بِمَاءِ الْفُرَاتِ وَ يُقَامُ فِي أُذُنِهِ.

ص: ۵۷۲

وَ فِي رِوَايَةِ أُخْرَى: حَنَّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِمَاءِ الْفُرَاتِ وَ بَتْرَبِهِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيمَاءِ السَّمَاءِ.

وَ فِي رِوَايَةِ أُخْرَى: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: حَنَّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِالتَّمْرِ. (١)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یونس از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه: نوزاد با آب فرات کام گشایی شده و در گوشش اقامه گفته می شود.

و در روایت دیگری: حضرت صلوات الله علیه فرمود: نوزادان خود را با آب فرات و تربت قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه کام بگشاید. اگر آب فرات نبود، با آب باران.

در روایت دیگری: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: نوزادان خود را با خرما کام گشایی کنید.

٢- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبيد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ وُلِدَ لَهُ مَوْلُودٌ فَلْيُوَدِّدْ فِي أُذُنِهِ الْيَمْنَى بِأَذَانِ الصَّلَاةِ وَ لِيَقُمْ فِي الْيُسْرَى فَإِنَّهَا عِضْمَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (٢)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: هر کس در گوش راست نوزادش اذان و در گوش چپ او اقامه بگوید، او را از شیطان رانده شده دور کرده است.

٥٠٧- عقیقه و وجوب آن

١- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن أبي حمزة عن العبد الصالح صلوات الله عليه قال: الْعَقِيقَةُ وَاجِبَةٌ إِذَا وُلِدَ لِلرَّجُلِ وُلْدٌ فَإِنْ أَحَبَّ أَنْ يُسَمِّيَهُ مِنْ يَوْمِهِ فَعَلْ. (٣)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن ابی حمزه روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمود: آن گاه که برای انسانی فرزندی متولد گردد، عقیقه واجب است، اگر دوست دارد از همان روز تولد برایش نام بگذارد، این کار را انجام دهد.

ص: ٥٧٣

١- الكافي ج ٦ ص ٢٤ ح ٣-٤-٥.

٢- الكافي ج ٦ ص ٢٤ ح ٦.

٣- الكافي ج ٦ ص ٢٤ ح ١.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُعَاذِ الْفَرَّاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: الْغُلَامُ رَهْنٌ بِسَابِعِهِ بِكَبْشٍ يُسَمَّى فِيهِ وَ يُعَقُّ عَنْهُ وَ قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهَا حَلَقَتْ إِبْنَيْهَا وَ تَصَدَّقَتْ بِوِزْنِ شَعْرِهِمَا فَضَّةً. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از معاذ فراء روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: نوزاد پسر در گروهی هفتمین روز تولدش با قربانی کردن یک قوچ است؛ در این روز نام گذاری می شود و برایش عقیقه می کشند. و فرمود: حضرت فاطمه صلوات الله عليها موی سر دو نوزاد پسر خود را تراشید و در ازای وزن موی آنان، نقره صدقه داد.

۵۰۸- تساوی عقیقه دختر و پسر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْعَقِيقَةِ فَقَالَ فِي الذَّكَرِ وَ الْأُنْثَى سَوَاءً. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سماعة روایت کرده که گفت: از حضرت (امام جعفر صادق صلوات الله عليه) پرسیدم: عقیقه دختر و پسر فرق دارد؟ فرمود: عقیقه دختر و پسر یکسان است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْعَقِيقَةِ فَقَالَ عَقِيقَةُ الْغُلَامِ وَ الْجَارِيَةِ كَبْشٌ كَبْشٌ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابن مسكان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه پرسیدم: برای عقیقه چه نوع گوسفندی تهیه کنیم؟ فرمود: برای نوزاد پسر یک قوچ و برای نوزاد دختر نیز یک قوچ.

ص: ۵۷۴

۱- الكافي ج ۶ ص ۲۵ ح ۹.

۲- الكافي ج ۶ ص ۲۶ ح ۱.

۳- الكافي ج ۶ ص ۲۶ ح ۳.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن إسماعيل بن عمار قال: سألت أبا الحسن صلوات الله عليه عن العقيقه على الموسر والمعسر فقال ليس على من لا يجد شيئاً. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه پرسیدم: عقیقه فرزند بر ثروتمند و فقیر لازم است؟
فرمود: بر کسی که دست رسی ندارد، واجب نیست.

۵۱۰- برنامه های هفتمین روز تولد نوزاد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عمار بن موسى عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سألت عن العقيقه عن المولود كيف هي قال إذا أتى للمولود سبعة أيام يسمي بالاسم الذي سماه الله عز وجل به ثم يخلق رأسه ويتصدق بوزن شعره ذهباً أو فضةً ويذبح عنه كبش وإن لم يوجد كبش أجزأه ما يجزئ في الأضحيه وإلا فحمل أعظم ما يكون من حملان السنه ويعطى القابله ربعها وإن لم تكن قابله فلأمة تعطىها من شاءت وتطعم منه عشرة من المسلمين فإن زادوا فهو أفضل وتأكل منه والعقيقه لازمه إن كان غنياً أو فقيراً إذا أيسر وإن لم يعق عنه حتى ضحى عنه فقد أجزأته الأضحيه وقال إن كانت القابله يهوديه لا تأكل من ذبيحه المسلمين أعطيت قيمه ربع الكبش. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عمار بن موسی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: عقیقه نوزاد چگونه است؟

فرمود: هرگاه هفتمین روز تولد نوزاد فرارسید، به همان نامی که خداوند برایش انتخاب نموده است، نام گذاری می شود، سپس موی سرش تراشیده می شود و در معادل وزن آن طلا یا نقره صدقه داده می شود. عقیقه بایستی قوچ باشد و اگر قوچ یافت نشود، هرچه که در قربانی روز عید قربان کفایت می کند، همان کافی است، و گرنه بزرگترین بره آن سال ذبح شود.

ص: ۵۷۵

۱- . الكافي ج ۶ ص ۲۶ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۲۸ ح ۹.

یک چهارم عقیقه به قابله تقدیم شود و اگر نوزاد قابله نداشته باشد، سهمش از آن مادر نوزاد خواهد بود که به هر کس که بخواهد تقدیم می کند و از گوشت عقیقه به ده نفر مسلمان اطعام می شود و اگر بیشتر باشند فضیلت بیشتری دارد و از عقیقه می خورند و عقیقه ثروتمند و فقیر - در صورتی که فقیر بتواند عقیقه بدهد - لازم است. اگر برای نوزاد عقیقه نشود و در روز عید قربان از عوض او قربانی کنند، همان برای نوزاد کافی است.

و فرمود: در صورتی که قابله یهودی باشد، نباید از عقیقه مسلمانان بخورد؛ بلکه یک چهارم قیمت قوچ به او پرداخت می شود.

۵۱۱- مادر نوزاد نباید از گوشت عقیقه میل کند

۱- الشیخ الکلبینی، باسناده عن ابن مسیکان عمّن ذکره عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: لا تأکل المرأة من عقیقه ولدها ولا بأس بأن تُعطیها الجار المحتاج من اللحم.

و فی روایه آخری: قال يأکل من العقیقه کُلِّ أحدٍ إلا الأم. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن مسکان از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: مادر نوزاد نباید از گوشت عقیقه فرزندش میل کند و اگر سهم گوشت خود را به همسایه مستمند بدهد، ایرادی ندارد.

و در روایت دیگری فرمود: جز مادر نوزاد هر کسی می تواند از گوشت عقیقه میل کند.

۵۱۲- ختنه ی پسران

۱- الشیخ الکلبینی، باسناده عن مسعدة بن صدقة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: اخینوا اولادکم لسبعه ایام فإنه أطهر و أسرع لبتاب اللحم و إن الأرض لتکره بول الأغلف. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از مسعده بن صدقه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: فرزندان خود را در هفتمین روز تولدشان ختنه کنید؛ زیرا این برای آنان پاکیزه تر

ص: ۵۷۶

۱- . الکافی ج ۶ ص ۳۲ ح ۱- ۲.

۲- . الکافی ج ۶ ص ۳۸ ح ۱.

است و رویش گوشت را سرعت می بخشد و به راستی که زمین از ادرار شخص غلاف دار (ختنه نشده) ناخرسند است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن يقطين قال: سألت أبا الحسن صلوات الله عليه عن ختان الصبي لسبعه أيام من السنه هو أو يؤخر و أيهما أفضل قال لسبعه أيام من السنه وإن أخر فلا بأس. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن یقظین روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه پرسیدم: ختنه کودکان در روز هفتم ولادت، سنت واجب است یا می تواند به تأخیر بیفتد؟ و کدام یک فضیلت بیشتری دارد؟ فرمود: ختنه در روز هفتم ولادت سنت شده است، و اگر تأخیر بیفتد مانعی ندارد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبيد الله صلوات الله عليه قال قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه: إذا أسلم الرجل إختن و لو بلغ ثمانين. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: آن گاه که فردی مسلمان شد بایستی ختنه گردد؛ گرچه هشتاد ساله باشد.

۵۱۳- حق سرپرستی کودک با کیست؟

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي الصباح الكناني عن أبي عبيد الله صلوات الله عليه قال: إذا طلق الرجل امرأته و هي حُبلى أنفق عليها حتى تضع حملها و إذا وضعت أعطاهما أجرهما و لا يضارهما إلا أن يجد من هو أرخص أجرًا منها فإن هي رضية بذلك الأجر فهي أحق بانيها حتى تطفئ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو صباح کنانی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هنگامی که مرد زن باردار خود را طلاق دهد، باید نفقه اش را پردازد تا این که زن

ص: ۵۷۷

۱- . الكافي ج ۶ ص ۳۶ ح ۷.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۳۷ ح ۱۰.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۴۵ ح ۲.

زایمان کند و آن گاه که زن زایمان نمود، شوهرش باید اجرت شیر دادن زن را به او بپردازد و حق ندارد با جدا کردن زن از فرزندش به او ضرر برساند، مگر دایه ای را بیابد که کمتر از همسرش اجرت می گیرد. در این صورت اگر زن به همان قیمت کمتر راضی شود، او به شیر دادن فرزندش تا هنگام از شیر گرفتن سزاوارتر است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن داود بن الحُصَيْنِ عن أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ» قَالَ مَا دَامَ الْوَالِدُ فِي الرِّضَاعِ فَهُوَ بَيْنَ الْأَبْوَيْنِ بِالسَّوِيَّةِ فَإِذَا فُطِمَ فَأَلَّابُ أَحَقُّ بِهِ مِنَ الْأُمِّ فَإِذَا مَاتَ الْأَبُ فَأَلَّامٌ أَحَقُّ بِهِ مِنَ الْعَمِّ بِهِ فَإِنْ وَجِدَ الْأَبُ مَنْ يُرْضِعُهُ بِأَرْبَعَةِ دَرَاهِمٍ وَقَالَتِ الْأُمُّ لَا أَرْضِعُهُ إِلَّا بِخَمْسَةِ دَرَاهِمٍ فَإِنَّ لَهُ أَنْ يَنْزِعَهُ مِنْهَا إِلَّا أَنْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَهُ وَارْفُقْ بِهِ أَنْ يُتْرَكَ مَعَ أُمِّهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از داوود بن حصین روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره این آیه که: خداوند متعال می فرماید: {و مادران باید فرزندان خود را شیر بدهند} (سوره بقره آیه ۲۳۳) فرمود: مادام که کودک دوره شیرخوارگی را می گذرانند، نسبت کودک به پدر و مادر یکسان است. بعد از آن که کودک را از شیر بگیرند، پدر نسبت به کودک از مادر شایسته تر است و اگر پدر کودک بمیرد مادر کودک بر خوبشان پدری کودک، حق تقدم دارد.

اگر پدر کودک دایه ای بیابد که چهار درهم اجرت بگیرد و مادر بگوید: من با کمتر از پنج درهم شیر نمی دهم، پدر می تواند فرزند خود را از مادرش جدا کند و به دایه بسپارد، ولی صلاح کودک آن است که در دامن مادر بماند و از شیر مادر بزرگ شود.

۵۱۴- دوران ادب آموزی کودک

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن يونس بن يعقوب عن أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: أَمَهْلُ صَبِيَّكَ حَتَّى يَأْتِيَ لَكَ سِتُّ سِنِينَ ثُمَّ ضُمَّهُ إِلَيْكَ سَبْعَ سِنِينَ فَأَدَّبْهُ بِأَدَبِكَ فَإِنْ قَبِلَ وَصَلَحَ وَإِلَّا فَحَلِّ عَنْهُ. (۲)

ص: ۵۷۸

۱- الكافي ج ۶ ص ۴۵ ح ۴.

۲- الكافي ج ۶ ص ۴۶ ح ۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یونس بن یعقوب روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: کودک خود را تا شش سال رها کن، سپس هفت سال او را همراه خود کن و با ادب خود به او ادب بیاموز، اگر پذیرفت و صالح شد (که بهتر) وگرنه رهاش کن.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن يعقوب بن سالم عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: الغلام يلعب سبع سنين ويتعلم الكتاب سبع سنين ويتعلم الحلال والحرام سبع سنين. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یعقوب بن سالم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: پسر باید هفت سال بازی کند، هفت سال خواندن و نوشتن بیاموزد و هفت سال به آموزش حلال و حرام پردازد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن جميل بن دراج وغيره عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: بادروا أولادكم بالحديث قبل أن يسبقكم إليهم المرجئه. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جمیل بن دراج و دیگران روایت کرده که گفتند: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: فرزندانان را در آغاز نوجوانی با حدیث (اهل بیت صلوات الله علیهم) تربیت کنید؛ پیش از آن که «مرجئه» در افکار فرزندان تان از شما پیشی گیرند.

توضیح: مرجئه یکی از جریان های عقیدتی جماعت عامه بوده و از جمله ی مخالفان اهل بیت طاهرين صلوات الله عليهم هستند.

۵۱۵- حق فرزندان

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني قال: دخلت على أبي عبد الله صلوات الله عليه وأنا مغموم مكروب فقال لي يا سكوني مما غمك قلت ولدت لي ابنة فقال يا سكوني على الأرض ثقلها وعلى الله رزقها تعيش في غير أجلك وتأكل من غير رزقك فسرى والله عني فقال لي ما سميتها قلت فاطمة قال آه آه ثم وضع يده على جبهته فقال قال رسول الله صلى الله عليه وآله حق الولد على والده إذا كان ذكراً أن يستفره أمه ويستحسن اسمه ويعلمه

ص: ۵۷۹

۱- الكافي ج ۶ ص ۴۷ ح ۳.

۲- الكافي ج ۶ ص ۴۷ ح ۵.

كِتَابِ اللَّهِ وَ يُطَهِّرُهُ وَ يُعَلِّمُهُ السِّيَاحَةَ وَ إِذَا كَانَتْ أَنْثَى أَنْ يَسْتَفْرِهَ أُمَّهَا وَ يَسْتَحْسِنَ اسْمَهَا وَ يُعَلِّمَهَا سُورَةَ النُّورِ وَ لَا يُعَلِّمَهَا سُورَةَ يُوسُفَ وَ لَا يُنْزِلُهَا الْغُرْفَ وَ يُعَجِّلُ سَرَاحَهَا إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا أَمَّا إِذَا سَمَّيْتُهَا فَاطِمَةَ فَلَا تَسْبِّهَا وَ لَا تَلْعَنُهَا وَ لَا تَضْرِبُهَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: روزی با اندوه خدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شرف یاب شدم، فرمود: ای سکونی! چرا اندوهگین هستی؟

عرض کردم: دختری برایم متولد شده است.

فرمود: ای سکونی! سنگینی دخترت بر زمین و روزی او به عهده خداوند است؛ او در غیر زندگی تو زندگی می کند و جز روزی تو بهره می برد.

سکونی گوید: به خدا سوگند! سخن حضرتش غم را از من زدود.

آن گاه فرمود: نام او را چه گذاشته ای؟

عرض کردم: فاطمه.

آن حضرت (به یاد مظلومیت حضرت زهرا صلوات الله علیها افتاد و) فرمود: آه! آه.

سپس دست مبارک را بر پیشانی گذاشت و فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: حق فرزند پسر بر پدرش این گونه است که برای او، مادر زیرک و با شرافتی انتخاب کند، برایش نام زیبایی بگذارد، به او قرآن بیاموزد، او را ختنه کند و بر او شنا آموزش دهد.

و برای فرزند دختر، مادر زیرک برگزیند، برایش نام زیبایی انتخاب کند، به او سوره نور بیاموزد، سوره یوسف را نیاموزد و او را در طبقه فوقانی خانه جای نهد و در فرستادن او به خانه شوهرش شتاب کند.

آن گاه که نام دخترت را فاطمه نهادی؛ به او دشنام نده، او را لعنت نکن و او را کتک نزن.

ص: ۵۸۰

۵۱۶- کراهت طلاق دادن همسر سازگار

۱- الشیخ الكلینی، بإسناده عن أبي خديجه عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إن الله عز وجل يحب ألتی فیہ العرس و یبغض ألتی فیہ الطلاق و ما من شیء أبغض إلی الله عز وجل من الطلاق. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو خدیجه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: خداوند عز و جل خانه ای را که در آن عروسی است دوست می دارد و خانه ای را که در آن طلاق است دشمن می دارد و هیچ چیز نزد خداوند مبعوض تر از طلاق نیست.

۵۱۷- طلاق دادن همسر ناسازگار

۱- الشیخ الكلینی، بإسناده عن خطاب بن سلمه قال: دخلت علیه یعنی أبا الحسن موسی صلوات الله علیه و أنا أرید أن أشکو إلیه ما ألقى من امرأتی من سوء خلقها فابتدأنی فقال إن أبی كان زوجنی مره امرأه سیه الخلق فشكوت ذلك إلیه فقال لی ما یمنعک من فراقها قد جعل الله ذلك إلیک فقلت فیما بینی و بین نفسی قد فوجت عنی. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از خطاب بن سلمه روایت کرده که گفت: روزی خدمت حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه شرف یاب شدم می خواستم از بداخلاقی همسرم به آن حضرت شکایت کنم.

آن حضرت صلوات الله علیه پیش از این که پرسش کنم فرمود: روزی پدرم زن بداخلاقی را به عقد من درآورد من از بداخلاقی او به پدرم شکایت نمودم.

فرمود: چه چیزی تو را از طلاق دادن همسرت باز می داشت؟ به راستی که خداوند اختیار او را به دست تو سپرده است.

خطاب گوید: پیش خودم گفتم: به راستی که مشکل مرا حل فرمودی.

ص: ۵۸۱

۱- الکافی ج ۶ ص ۵۴ ح ۳.

۲- الکافی ج ۶ ص ۵۵ ح ۳.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الله بن سليمان الصيرفي عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: كُلُّ شَيْءٍ خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ رُدَّ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ السُّنَّةِ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عبدالله بن سليمان صيرفي روايت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه فرمود: هر حکمی که مخالف کتاب خدای عزوجل باشد به کتاب خدای عزوجل و سنت (رسول الله صلى الله عليه و آله) برگشت داده می شود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: مَنْ طَلَّقَ لِغَيْرِ السُّنَّةِ رُدَّ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنْ رَغِمَ أَنْفُهُ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو بصير روايت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه فرمود: هر که زن خود را بر خلاف مقررات سنت طلاق دهد طلاق او به سنت باز گردانده می شود، گرچه بينی او به خاک مالیده شود.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن بُكَيْرٍ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: كُلُّ طَلَاقٍ لِغَيْرِ الْعِدَّةِ فَلَيْسَ بِطَلَاقٍ أَنْ يُطَلِّقَهَا وَ هِيَ حَائِضٌ أَوْ فِي دَمِ نَفَاسِهَا أَوْ بَعْدَ مَا يَغْشَاهَا قَبْلَ أَنْ تَحِيضَ فَلَيْسَ طَلَاقًا بِطَلَاقٍ فَإِنْ طَلَّقَهَا لِلْعِدَّةِ أَكْثَرَ مِنْ وَاحِدَةٍ فَلَيْسَ الْفُضْلُ عَلَى الْوَاحِدَةِ بِطَلَاقٍ وَ إِنْ طَلَّقَهَا لِلْعِدَّةِ بِغَيْرِ شَاهِدَيْنِ عَدْلٍ فَلَيْسَ طَلَاقًا بِطَلَاقٍ وَ لَا تَجُوزُ فِيهِ شَهَادَةُ النِّسَاءِ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از بكير و راوی دیگری روايت کرده که گفتند: حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه فرمود: هر طلاقى که از مقررات عده خارج باشد، طلاق رسمی نیست. پس اگر کسی زن خود را در روزهای عادت و یا خونریزی نفاس و زایمان طلاق بدهد، و یا در روزهای پاکی با او مباشرت کند و بعد او را طلاق بدهد، طلاق او لغو و بی اثر خواهد بود. هر طلاقى که در وقت مقرر صورت بگیرد، طلاق دهد، تنها یک طلاق گرفته، و شرعى است و اگر کسی زن خود را در وقت مقرر طلاق بدهد، اما دو مرد عادل را گواه نگیرد، طلاق او شرعى نیست. در مراسم طلاق، گواهی بانوان پذیرفته نخواهد بود.

ص: ۵۸۲

۱- . الكافي ج ۶ ص ۵۸ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۵۸ ح ۴.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۶۱ ح ۱۷.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أليسع قال سمعت أبا جعفر صلوات الله عليه يقول: لا طلاق إلا على السنه ولا طلاق على السنه إلا على طهر من غير جماع ولا طلاق على سنه وعلى طهر من غير جماع إلا بينه ولو أن رجلاً طلق على سنه وعلى طهر من غير جماع ولم يشهد لم يكن طلاقاً ولا طلاقاً ولو أن رجلاً طلق على سنه وعلى طهر من غير جماع وأشهد ولم ينو الطلاق لم يكن طلاقاً طلاقاً. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از یسع روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: هیچ طلاق رسمی ندارد، مگر موقعی که در هنگام مقرر آن صورت بگیرد. هیچ طلاق - گرچه در هنگام مقرر صورت گرفته شده باشد - رسمیت ندارد، مگر موقعی که قبل از مراسم طلاق، جماع و مباشرت صورت نگرفته باشد - رسمیت ندارد، مگر موقعی که دو شاهد عادل گواه آن باشند. یعنی اگر کسی خانم خود را در وقت مقرر و در حال طهارت و بی مباشرت طلاق دهد، ولی دو نفر شاهد عادل را گواه نگیرد، طلاق او بی اثر است و اگر کسی همه شرایط را رعایت کند، اما تصمیم جدایی و طلاق نداشته باشد، طلاق او لغو و بی اثر است.

۵۲۰- تفسیر طلاق به روش سنت و عده و آنچه موجب طلاق می شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: طلاق السنه يطلقها تطليقه يعنى على طهر من غير جماع بشهادة شاهدين ثم يدعها حتى تمضي أقرأؤها فإذا مضت أقرأؤها فقد بانت منه وهو خاطب من الخطاب إن شاءت نكحته وإن شاءت فلا وإن أراد أن يراجعها أشهد على رجعتها قبل أن تمضي أقرأؤها فتكون عنده على التطليقه الماضيه قال وقال أبو بصير عن أبي عبد الله عليه السلام هو قول الله عز وجل «الطلاق مرتان فإمساك بمعروف أو تسريح بإحسان» التطليقه الثانيه التّسريح بإحسان. (۲)

ص: ۵۸۳

۱- . الكافي ج ۶ ص ۶۲ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۶۴ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: سنت طلاق آن است که انسان زن خود را یک نوبت طلاق بگوید، آن هم در موقعی که پاک باشد، با این شرط که در آن دوره پاکي مباشرت نکرده باشد، و با این قید که صیغه طلاق در برابر دو شاهد عادل جاری شود.

آن گاه مهلت دهد تا زن سه نوبت از عادت ماهیانه پاک شود و چون این مهلت بگذرد، طلاق رسمیت یافته و زن جدا شده است.

اگر شوهر بخواهد با او زندگی کند، مانند سایر خواستگاران باید به خواستگاری او برود؛ اگر خانم رضایت بدهد با او ازدواج می کند و اگر نخواهد جواب رد می دهد.

اگر شوهر در روزهای عده تصمیم بگیرد که از طلاق خود رجوع کند، قبل از گذشتن عده، باید گواه بگیرد و رجوع کند. در این صورت زن او یک طلاقه به شمار می آید.

راوی گوید: ابو بصیر گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: این همان گفتار خداوند متعال است که می فرماید: {طلاق دو مرتبه است؛ که بایستی به طور شایسته از همسر خود نگه داری کند و یا با نیکی او را رها کند}. (سوره بقره آیه ۲۲۹) طلاق مرتبه دوم همان رها کردن او با نیکی است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ: كُلُّ طَلَاقٍ لَا يَكُونُ عَلَى السُّنَّةِ أَوْ طَلَاقٍ عَلَى الْعِدَّةِ فَلَيْسَ بِشَيْءٍ قَالَ زُرَّارَةُ فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَسَّرَ لِي طَلَاقَ السُّنَّةِ وَ طَلَاقَ الْعِدَّةِ فَقَالَ أَمَّا طَلَاقُ السُّنَّةِ فَإِذَا أَرَادَ الرَّجُلُ أَنْ يُطَلِّقَ امْرَأَتَهُ فَلْيَنْتَظِرْ بِهَا حَتَّى تَطْمَئِنَّ وَ تَطْهَّرَ فَإِذَا خَرَجْتَ مِنْ طَمَئِنِّهَا طَلَّقَهَا تَطْلِيقَهُ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ وَ يُشْهَدُ شَاهِدَيْنِ عَلَى ذَلِكَ ثُمَّ يَدْعُهَا حَتَّى تَطْمَئِنَّ فَتَنْقِضَ عِدَّتَهَا بِثَلَاثِ حَيْضٍ وَ قَدْ بَانَ مِنْهُ وَ يَكُونُ خَاطِبًا مِنَ الْخُطَّابِ إِنْ شَاءَتْ تَزَوَّجَتْهُ وَ إِنْ شَاءَتْ لَمْ تَزَوَّجْهُ وَ عَلَيْهِ نَفَقَتُهَا وَ السُّكْنَى مَا دَامَتْ فِي عِدَّتِهَا وَ هُمَا يَتَوَارَثَانِ حَتَّى تَنْقِضَ عِدَّتَهُ قَالَ وَ أَمَّا طَلَاقُ الْعِدَّةِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَ أَحْضُوا الْعِدَّةَ» فَإِذَا أَرَادَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَنْ يُطَلِّقَ امْرَأَتَهُ طَلَاقَ الْعِدَّةِ فَلْيَنْتَظِرْ بِهَا حَتَّى تَحِيضَ وَ تَخْرُجَ مِنْ حَيْضِهَا ثُمَّ يُطَلِّقُهَا تَطْلِيقَهُ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ وَ يُشْهَدُ شَاهِدَيْنِ عَدْلَيْنِ وَ يُرَاجِعُهَا مِنْ يَوْمِهِ ذَلِكَ إِنْ أَحَبَّ أَوْ بَعْدَ ذَلِكَ بِأَيَّامٍ أَوْ قَبْلَ أَنْ تَحِيضَ وَ يُشْهَدُ عَلَى رَجْعَتِهَا وَ يُوَاقِعُهَا وَ يَكُونُ مَعَهَا حَتَّى تَحِيضَ فَإِذَا حَاضَتْ وَ خَرَجَتْ مِنْ حَيْضِهَا

طَلَّقَهَا تَطْلِيقَهُ أُخْرَى مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ وَ يُشْهَدُ عَلَى ذَلِكَ ثُمَّ يُرَاجِعُهَا أَيْضاً مَتَى شَاءَ قَبْلَ أَنْ تَحِيضَ وَ يُشْهَدُ عَلَى رَجْعَتِهَا وَ يُوَاقِعُهَا وَ تَكُونُ مَعَهُ إِلَى أَنْ تَحِيضَ الْحَيْضَةَ الثَّلَاثَةَ فَإِذَا خَرَجَتْ مِنْ حَيْضَتِهَا الثَّلَاثَةَ طَلَّقَهَا التَّطْلِيقَةَ الثَّلَاثَةَ بِغَيْرِ جَمَاعٍ وَ يُشْهَدُ عَلَى ذَلِكَ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَقَدْ بَانَ مِنْهُ وَ لَا تَحِلُّ لَهُ حَتَّى تَنْكَحَ زَوْجاً غَيْرَهُ قِيلَ لَهُ فَإِنْ كَانَتْ مِمَّنْ لَا تَحِيضُ فَقَالَ مِثْلُ هَذِهِ تُطَلِّقُ طَلَّاقَ الْكُفَّةِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: هر طلاقى که طبق سنت نباشد یا بر اساس عده نباشد، رسمیت ندارد.

گفتم طلاق سنت و طلاق بر اساس عده را برای من تفسیر فرمایید!

فرمود: طلاق سنت این گونه است که هرگاه مردی تصمیم گرفت زنش را طلاق دهد بایستی منتظر بماند تا زنش حائض شود آن گاه پاک گردد، وقتی از حیض پاک شد بدون آن که با او نزدیکی کند طلاق می دهد و بر این امر دو شاهد می گیرد، آن گاه او را رها می کند تا دوباره حائض شود که با سومین حیض عده او پایان می یابد و از او جدا می گردد و او همانند یکی از خواستگاران می شود؛ که اگر خواست با او ازدواج می کند و مادامی که در عده است هزینه و مسکن او بر عهده مرد است و تا پایان عده از هم دیگر ارث می برند.

فرمود: و درباره طلاق عده ای که خداوند می فرماید: {پس آنان را در وقت عده طلاق دهید و زمان آن بشمارید}. (سوره طلاق آیه ۲) هرگاه مردی از شما بخواهد همسر خود را طلاق عده بدهد بایستی منتظر بماند تا حائض شود و دوران حیض تمام شود آن گاه بی آن که با او نزدیکی کند او را طلاق دهد و دو شاهد عادل برای او گواه بگیرد و اگر دوست داشت همین روز یا چند روز دیگر یا پیش از حائض شدنش به او رجوع کند و بر این رجوع شاهد بگیرد و با او نزدیکی کند و در کنار او باشد تا حائض گردد. وقتی حائض شد و از حیض پاک شد او را بی آن که با او نزدیکی کند دوباره طلاق دهد و بر این امر شاهد بگیرد، سپس هرگاه می خواست پیش از حائض شدن به او رجوع کند و بر این رجوع شاهد بگیرد و با او نزدیکی کند و تا حیض سوم با او باشد، وقتی از حیض سوم پاک شد برای بار سوم او را طلاق دهد بی آن که با او نزدیکی کند و باز شاهد بگیرد، وقتی چنین کرد در واقع از او جدا شده و دیگر نمی تواند با این زن ازدواج کند مگر این که همسر دیگری با او ازدواج کند.

ص: ۵۸۵

گفته شد: اگر زن از افرادی باشد که حائض نمی شوند (چه حکمی دارد؟)

فرمود: همچو زنی به طلاق سنت داده می شود.

۵۲۱- صیغه ای که طلاق دهنده اجرا می کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ: أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ رَجُلٍ قَالَ لِامْرَأَتِهِ أَنْتِ عَلَيَّ حَرَامٌ أَوْ بَائِنَةٌ أَوْ بَتَّةٌ أَوْ بَرِيئَةٌ أَوْ خَلِيَّةٌ قَالَ هَذَا كُلُّهُ لَيْسَ بِشَيْءٍ إِلَّا نَمَا الطَّلَاقُ أَنْ يَقُولَ لَهَا فِي قُبُلِ الْعِدَّةِ بَعْدَ مَا تَطَهَّرُ مِنْ مَحِيضَتِهَا قَبْلَ أَنْ يُجَامِعَهَا أَنْتِ طَالِقٌ أَوْ اِعْتَدِي يُرِيدُ بِذَلِكَ الطَّلَاقَ وَ يُشْهَدُ عَلَيَّ ذَلِكَ رَجُلَيْنِ عَدْلَيْنِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه پرسید: اگر کسی به همسر خود بگوید «بستر تو بر من حرام»، «تو از من جدائی»، «پیوند ما برید»، «تو آزادی» و «تو شوهر نداری»، آیا با این گونه تعبیرات، طلاق شرعی جاری می شود؟

فرمود: این تعبیرات بی اثر است. طلاق شرعی فقط با این عبارت جاری می شود که هنگام شروع عده بعد از پاک شدن و پیش از مباشرت بگوید: «أنت طالق»، یعنی تو از قید ازدواج رها باش. یا بگوید: «اعتدی»، یعنی عده طلاق نگه دار، و منظورش طلاق شرعی باشد که لازمه آن نگهداشتن عده طلاق است، تنها صیغه طلاق کفایت نمی کند، بلکه باید دو مرد عادل را نیز بر گفته خود گواه بگیرد.

۵۲۲- سه طلاق در حکم یک طلاق

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ ثَلَاثًا فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَوْ أَكْثَرَ وَ هِيَ طَاهِرَةٌ قَالَ هِيَ وَاحِدَةٌ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر و یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما پرسیدم: اگر کسی همسر خود را در یک جلسه، یا دو جلسه سه نوبت طلاق بگوید، ولی هر سه طلاق در یک دوره طهارت واقع شود، چه صورت دارد؟

فرمود: سه طلاق، به یک طلاق برمی گردد.

ص: ۵۸۶

۱- . الکافی ج ۶ ص ۶۹ ح ۱.

۲- . الکافی ج ۶ ص ۷۰ ح ۱.

۵۲۳- گواه گرفتن برای رجوع کردن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِنَّ الطَّلَاقَ لَا يَكُونُ بِغَيْرِ شُهُودٍ وَ إِنَّ الرِّجْعَةَ بِغَيْرِ شُهُودٍ رَجْعَةٌ وَ لَكِنْ لِيُشْهَدُ بَعْدَ فَهْوَ أَفْضَلُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره و محمد بن مسلم روایت کرده که گفتند: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: طلاق بی شاهد، طلاق شرعی نیست، اما رجوع بی شاهد رجوع شرعی است، اگر رجوع کند و شاهد نگیرد، در روزهای بعد شاهد بگیرد، گرچه مباشرت کرده، شاهد گرفتن بهتر است.

۵۲۴- رجوع فقط عملی است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي رَجُلٍ يُطَلِّقُ امْرَأَتَهُ: لَهُ أَنْ يُرَاجَعَ وَ قَالَ لَا يُطَلِّقُ التَّطْلِيقَةَ الْأُخْرَى حَتَّى يَمَسَّهَا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الرحمن بن حجّاج روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر کسی همسر خود را طلاق دهد، حق رجوع دارد.

و فرمود: کسی که رجوع کند، حق ندارد همسر خود را مجدداً طلاق بدهد مگر موقعی که با او مباشرت کرده باشد.

۵۲۵- زنانی که در هر حالت طلاق داده می شوند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنِ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: خَمْسٌ يُطَلَّقُهُنَّ الرَّجُلُ عَلَى كُلِّ حِيَالٍ الْحَامِلُ وَ الَّتِي لَمْ يَدْخُلْ بِهَا زَوْجُهَا وَ الْغَائِبُ عَنْهَا زَوْجُهَا وَ الَّتِي لَمْ تَحِضْ وَ الَّتِي قَدْ يَبَسَتْ مِنَ الْحَيْضِ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جعفری روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: پنج دسته از زنان هستند که مرد آن ها در هر حالی می تواند طلاق بدهد:

ص: ۵۸۷

۱- . الكافي ج ۶ ص ۷۳ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۷۳ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۷۹ ح ۱.

زن حامله، زنی که شوهرش با او نزدیکی نکرده، زنی که شوهرش غایب است، زنی که حیض نمی بیند، زنی که از حیض یائسه شده است.

۵۲۶- طلاق غائب

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: الْغَائِبُ إِذَا أَرَادَ أَنْ يُطَلِّقَهَا تَرَكَهَا شَهْرًا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: مردی که در سفر است، وقتی که خواست زنش را طلاق بدهد باید به مدت یک ماه صبر کند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابْنِ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ أَبِي حَمَزَةَ مَتَى يُطَلِّقُ الْغَائِبُ قَالَ حَدَّثَنِي إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ أَوْ رَوَى إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَوْ أَبِي الْحَسَنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ إِذَا مَضَى لَهُ شَهْرٌ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن سماعه روایت کرده که گفت: از محمد بن ابی حمزه پرسیدم که شخص غایب کی می تواند طلاق بدهد؟

محمد بن ابی حمزه گوید: اسحاق بن عمار برای ما نقل کرد یا اسحاق بن عمار روایت کرده از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه یا حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه که فرمود: وقتی که یک ماه بر او بگذرد.

۵۲۷- طلاق زن باردار

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: طَلَاقُ الْحَامِلِ وَاحِدَةٌ وَاحِدَةٌ أَقْرَبُ الْأَجَلَيْنِ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو الصباح کنانی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: طلاق زن حامله یک بار است (یعنی تا وقتی که حامله است فقط می شود او را یک

ص: ۵۸۸

۱- . الکافی ج ۶ ص ۸۰ ح ۲.

۲- . الکافی ج ۶ ص ۸۱ ح ۸.

۳- . الکافی ج ۶ ص ۸۱ ح ۲.

بار طلاق داد) و عدّه او نزدیک ترین دو زمان است (زمان وضع حمل و یا این که سه ماه بگذرد هر کدام که زودتر اتفاق افتاد).

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذَا طَلَّقَتِ الْمَرْأَةُ وَهِيَ حَامِلٌ فَأَجَلُهَا أَنْ تَضَعَ حَمْلَهَا وَ إِنْ وَضَعَتْ مِنْ سَاعَتِهَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: اگر کسی زن باردار را طلاق بدهد، با زایمان عدّه او به سر خواهد رسید، گرچه بعد از یک ساعت دیگر زایمان و یا سقط صورت بگیرد.

۵۲۸- طلاق زنی که شوهرش با او نزدیکی نکرده است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذَا طَلَّقَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ بِهَا فَلَيْسَ عَلَيْهَا عِدَّةٌ تَزْوُجُ مِنْ سَاعَتِهَا إِنْ شَاءَتْ وَ تَبَيَّنَ تَطْلِيقُهُ وَاحِدَةً وَ إِنْ كَانَ فَرَضَ لَهَا مَهْرًا فَلَهَا نِصْفُ مَا فَرَضَ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه مردی، زنش را طلاق بدهد قبل از این که به او دخول کند، آن زن عدّه ندارد و اگر خواست می تواند در همان ساعت (بعد از طلاق) ازدواج کند و یک بار طلاق او را از شوهرش جدا می کند. و اگر مهریه ای برای آن زن معلوم شده باشد، نصف آن مقدار برای اوست.

۵۲۹- طلاق زنی که به سن بلوغ نرسیده و زنی که از خون دیدن مأیوس شده است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا: فِي الرَّجُلِ يُطَلِّقُ الصَّبِيَّةَ الَّتِي لَمْ تَبْلُغْ وَ لَا تَحْمِلُ مِثْلَهَا وَ قَدْ كَانَ دَخَلَ بِهَا وَ الْمَرْأَةُ الَّتِي قَدْ يَبْسُتُ مِنَ الْمَحِيضِ وَ ارْتَفَعَ حَيْضُهَا فَلَا تَلِدُ مِثْلَهَا قَالَ لَيْسَ عَلَيْهِمَا عِدَّةٌ وَ إِنْ دَخَلَ بِهِمَا. (۳)

ص: ۵۸۹

۱- . الكافي ج ۶ ص ۸۲ ح ۱۱.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۸۳ ح ۳.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۸۴ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جمیل بن دراج از یکی از اصحاب ما روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر و یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما درباره مردی که دختری را که به سن بلوغ نرسیده و مثل چنین دختری هم حامله نمی شود طلاق می دهد درحالی که به او دخول (نزدیکی) هم کرده و هم چنین زنی را که از حیض دیدن مأیوس شد و مثل چنین زنی بچه هم نمی زاید و حیضش هم مرتفع شده (در این موارد چه می فرمایید)؟

فرمود: آن دو زن عدّه ندارند (یعنی لازم نیست بعد از طلاق، عدّه نگه دارند) اگرچه با آن ها نزدیکی هم شده باشد.

۵۳۰- حکم ازدواج زن مطلقه

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: الْمَطْلُوقَةُ إِذَا رَأَتْ الدَّمَ مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ فَقَدْ بَانَتْ مِنْهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: زنی که طلاق داده شده همین که خون حیض بار سوم را دید از شوهر خود جدا می شود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن إِسْمَاعِيلَ الْجَعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: قُلْتُ لَهُ رَجُلٌ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ قَالَ هُوَ أَحَقُّ بِرَجْعَتِهَا مَا لَمْ تَقَعْ فِي الدَّمِ مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسماعیل جعفری روایت کرده که گفت: به حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه عرض کردم: مردی زنش را طلاق داده است.

فرمود: آن مرد به رجوع به آن زن سزاوارتر است؛ مادامی که زن در خون حیض بار سوم واقع نشده است.

۵۳۱- هزینه ی زن حامله ای که طلاق داده شده است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: الْحَامِلُ أَجْلُهَا أَنْ تَضَعَ حَمْلَهَا وَ عَلَيْهِ نَفَقَتُهَا بِالْمَعْرُوفِ حَتَّى تَضَعَ حَمْلَهَا. (۳)

ص: ۵۹۰

۱- . الكافي ج ۶ ص ۸۷ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۸۷ ح ۴.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۱۰۳ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن قیس روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: زمان به سر آمدن عده زن حامله به این است که زایمان کند و بر مرد واجب است که هزینه او را به نیکی و در حد متعارف بپردازد تا وقت زایمان بپردازد.

۵۳۲- حکم مهریه ی زنی که بدون آمیزش طلاق داده شده

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إذا طلق الرجل امرأته قبل أن يدخل بها فقد بانث منه و تزوج إن شاءت من ساعيتها و إن كان فرض لها مهرًا فلها نصف المهر و إن لم يكن فرض لها مهرًا فليمنعها. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابوبصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: اگر کسی زن خود را قبل از آمیزش طلاق بدهد، بدون عده از هم جدا می شوند و زن می تواند در همان لحظه ازدواج کند. اگر شوهر، هنگام ازدواج، مهریه زن را مشخص کرده باشد باید نیم آن را به زن بدهد و اگر چیزی مشخص نکرده باشد باید با تقدیم جهاز و متاع او را بدرقه نماید.

۵۳۳- آنچه موجب پرداخت مهریه کامل می شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن حفص بن البختري عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إذا التقى الختانان وجب المهر و العده و الغسل. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حفص بن بختری روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه که ختنه گاه مرد با ختنه گاه زن تماس یابد، مهریه زن، عده طلاق و غسل جنابت واجب می شود.

۵۳۴- حکم عده زن دور از شوهر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سألت عن الرجل يطلق امرأته و هو غائب عنها من أي يوم تغتد فقال إن أقامت لها بينة عدل أنها طلقت

ص: ۵۹۱

۱- الكافي ج ۶ ص ۱۰۶ ح ۱.

۲- الكافي ج ۶ ص ۱۰۹ ح ۲.

فِي يَوْمٍ مَّعْلُومٍ وَ تَبَيَّنَتْ فَلْتَعْتَدُ مِنْ يَوْمٍ طَلَّقَتْ وَ إِنْ لَمْ تَحْفَظْ فِي أَيِّ يَوْمٍ وَ فِي أَيِّ شَهْرٍ فَلْتَعْتَدْ مِنْ يَوْمٍ يَبْلُغُهَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: مردی که در سفر است همسرش را طلاق می دهد؛ زن از چه روزی عده نگه دارد؟

فرمود: اگر شاهد عادل برای زن شهادت دهد که او در روز مشخصی طلاق داده شده و زن یقین کند؛ باید از روزی که طلاق داده شده عده نگه دارد. و اگر نداند که در چه روز و چه ماهی طلاق داده شد، باید از همان روزی که خبر طلاق به او رسیده، عده نگه دارد.

۵۳۵- عده زنی که شوهرش در سفر بیمیرد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ: فِي الْغَائِبِ عَنْهَا زَوْجِهَا إِذَا تُوُفِّيَ قَالَ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا تَعْتَدُ مِنْ يَوْمٍ يَأْتِيهَا الْخَبَرُ لَأَنَّهَا تُحَدُّ عَلَيْهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره و محمد بن مسلم و برید بن معاویه روایت کرده که گفتند: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه درباره کسی که در حال سفر بیمیرد، فرمود: همسر او باید از همان روزی که از مرگ شوهر باخبر می شود، عده نگه دارد؛ زیرا باید در سوگ شوهر، از زر و زیور پرهیز کند.

۵۳۶- عده زن باردار در سوگ شوهر و هزینة او

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَمَاعَةَ قَالَ (الإمام الصادق صلوات الله عليه) قَالَ: الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا الْحَامِلُ أَجَلُهَا آخِرُ الْأَجَلَيْنِ إِذَا كَانَتْ حُبْلَى فَتَمَّتْ لَهَا أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ وَ عَشْرٌ وَ لَمْ تَضَعْ فَإِنَّ عِدَّتَهَا إِلَى أَنْ تَضَعَ وَ إِنْ كَانَتْ تَضَعُ حَمْلَهَا قَبْلَ أَنْ يَتِمَّ لَهَا أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ وَ عَشْرٌ تَعْتَدُ بَعْدَ مَا تَضَعُ تَمَامَ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ وَ عَشْرٍ وَ ذَلِكَ أَبْعَدُ الْأَجَلَيْنِ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: اگر زنی باردار باشد و شوهر او از دنیا برود، باید دورترین موعد را رعایت کند، اگر چهار ماه و ده

ص: ۵۹۲

۱- . الكافي ج ۶ ص ۱۱۰ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۱۱۲ ح ۳.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۱۱۳ ح ۱.

روز بگذرد و زایمان نکرده باشد، عدّه او تا روز زایمان ادامه دارد، و اگر زایمان کند و هنوز چهار ماه و ده روز نگذشته باشد، بقیه چهار ماه و ده روز را باید با حال عزا عدّه نگه دارد که معنای دورترین موعده همین است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي الصّباح الكِنَانِي عن أبي عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله عليه قال: الْمَرْأَةُ الْحُبْلَى الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا يُنْفَقُ عَلَيْهَا مِنْ مَالٍ وَلَدَهَا الَّذِي فِي بَطْنِهَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو صباح کنانی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: به زن بارداری که شوهرش می میرد، از اموال فرزندی که در شکمش دارد نفقه داده می شود.

۵۳۷- چگونه عده زن شوهر مرده در سوگ شوهر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلِيمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله عليه عن الْمَتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا أَوْ تَخْرُجُ إِلَى بَيْتِ أَبِيهَا وَ أُمِّهَا مِنْ بَيْتِهَا إِنْ شَاءَتْ فَتَعْتِدُ فَقَالَ إِنْ شَاءَتْ أَنْ تَعْتِدَ فِي بَيْتِ زَوْجِهَا إِعْتِدَتْ وَإِنْ شَاءَتْ إِعْتِدَتْ فِي أَهْلِهَا وَلَا تَكْتَحِلُ وَلَا تَلْبَسُ حُلِيًّا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سلیمان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سؤال کردم: آیا زنی که شوهرش وفات نموده می تواند از خانه خود خارج شده و به خانه پدر و مادرش برود و در آن جا عدّه نگه دارد؟

فرمود: اگر بخواهد در خانه شوهرش عدّه نگه دارد، می تواند چنین کند. و اگر بخواهد می تواند نزد خانواده خود عدّه نگه دارد؛ چنین زنی نباید سرمه بکشد و نیز نباید از زیور آلات استفاده کند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابنِ أَبِي يَعْفُورٍ عن أبي عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله عليه قال: سَأَلْتُ عَنِ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا فَقَالَ لَا تَكْتَحِلُ لِلزَّيْنَةِ وَلَا تَطَيَّبُ وَلَا تَلْبَسُ ثَوْبًا مَضِيْبُوعًا وَلَا تَبِيْتُ عَنْ بَيْتِهَا وَ تَقْضِي الْحُقُوقَ وَ تَمْتَشِطُ بِغَسِيلِهِ وَ تَخْرُجُ وَإِنْ كَانَتْ فِي عَدَّتِهَا. (۳)

ص: ۵۹۳

۱- . الكافي ج ۶ ص ۱۱۵ ح ۱۰.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۱۱۶ ح ۳.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۱۱۶ ح ۴.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن ابی یعفور روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: زنی که شوهرش مرده، چه تکلیفی دارد؟

فرمود: برای آرایش، به چشم خود سورمه نکشد، بوی خوش به کار نبرد، لباس های رنگارنگ نپوشد و شب ها در خارج منزل به سر نبرد. اما می تواند به دید و بازدیدهای حقوقی پردازد و سر خود را با یک آب شانه کند و یا به قصد حج راهی خانه خدا گردد.

۵۳۸- حکم مهریه و عده زنی که قبل از عروسی شوهرش فوت کرده است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبيد بن زرارَةَ وَ فَضْلِ أَبِي الْعَبَّاسِ قَالَا: قُلْنَا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً ثُمَّ مَاتَ عَنْهَا وَقَدْ فَرَضَ لَهَا الصَّدَاقَ فَقَالَ لَهَا نِصْفُ الصَّدَاقِ وَ تَرْتُهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَإِنْ مَاتَتْ فَهِيَ كَذَلِكَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبید بن زراره و فضل ابو عباس روایت کرده که گفتند: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردیم: نظر شما در مورد مردی که با زنی ازدواج نموده و مهریه ای برای همسرش قرار داده و از دنیا رفته است، چیست؟

فرمود: نصف مهریه از آن زن است و او از همه اموال شوهرش ارث می برد. و اگر زن بمیرد نیز همین حکم را دارد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبيد بن زرارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ امْرَأَةٍ هَلَكَ زَوْجُهَا وَ لَمْ يَدْخُلْ بِهَا قَالَ لَهَا الْمِيرَاثُ وَ عَلَيْهَا الْعِدَّةُ كَامِلَةٌ وَ إِنْ سَمِيَ لَهَا مَهْرًا فَلَهَا نِصْفُهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ سَمِيَ لَهَا مَهْرًا فَلَا شَيْءَ لَهَا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبید بن زراره روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: شوهر زنی بدون آن که با او نزدیکی کند از دنیا رفته است (چه باید کرد؟)

فرمود: زن حق ارث دارد و باید عده کامل نگه دارد و اگر شوهر برای او مهریه ای معین نموده بود زن استحقاق نصف آن را دارد و اگر مهریه ای معین نکرده بود، زن استحقاق چیزی را ندارد.

ص: ۵۹۴

۱- . الكافي ج ۶ ص ۱۱۹ ح ۷.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۱۲۰ ح ۱۱.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَعِيدِ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ جَعَلَ أَمْرَ امْرَأَتِهِ إِلَى رَجُلٍ فَقَالَ إِشْهَدُوا أَنِّي جَعَلْتُ أَمْرَ فُلَانَةٍ إِلَى فُلَانٍ أَوْ يَجُوزُ ذَلِكَ لِلرَّجُلِ قَالَ نَعَمْ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سعید اعرج روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: شخصی اختیار طلاق همسرش را به شخص دیگری سپرده و گفته است: شاهد باشید که من اختیار طلاق فلان همسر را به فلان شخص سپردم؛ آیا مرد چنین اختیاری دارد؟
فرمود: آری.

۵۴۰- ایلاء و سوگند به آمیزش نکردن با همسر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن بُكَيْرِ بْنِ أَعْيَنَ وَ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا أَنَّهُمَا قَالَا: إِذَا آلَى الرَّجُلُ أَنْ لَا يَقْرَبَ امْرَأَتَهُ فَلَيْسَ لَهَا قَوْلٌ وَلَا حَقٌّ فِي الْأَرْبَعَةِ الْأَشْهُرِ وَلَا إِثْمٌ عَلَيْهِ فِي كَفِّهِ عَنْهَا فِي الْأَرْبَعَةِ الْأَشْهُرِ فَإِنْ مَضَتْ الْأَرْبَعَةُ الْأَشْهُرُ قَبْلَ أَنْ يَمَسَّهَا فَسَيَكْتَبُ وَ رَضِيََتْ فَهُوَ فِي حِلٍّ وَ سَعَهُ فَإِنْ رَفَعَتْ أَمْرَهَا قِيلَ لَهُ إِمَّا أَنْ تَفِيءَ فَتَمَسَّهَا وَ إِمَّا أَنْ تُطَلَّقَ وَ عَزْمُ الطَّلَاقِ أَنْ يُخْلَى عَنْهَا فَإِذَا حَاضَتْ وَ طَهَّرَتْ طَلَّقَهَا وَ هُوَ أَحَقُّ بِرَجْعَتِهَا مَا لَمْ تَمُضِ ثَلَاثَةٌ قُرُوءٍ فَهَذَا الْإِيْلَاءُ الَّذِي أَنْزَلَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ وَ سُنَّه رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از بکیر بن اعین و برید بن معاویه روایت کرده که گفتند: حضرت امام محمد باقر و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما فرمودند: اگر کسی سوگند یاد کند که با همسر خود به بستر نرود، زن او، ظرف چهار ماه، حق اعتراض ندارد، و شوهر، ظرف این چهار ماه متارکه، گناهی مرتکب نشده است. اگر چهار ماه بگذرد و شوهر با زن خود آشتی نکند و همبستر نشود، و زن او ساکت بماند و تحمل کند باز هم شوهر او در آزادی و گشایش خواهد بود، و اگر زن به شکایت برود، شوهر مکلف می شود که یا به زندگی عادی باز گردد و یا آن زن را طلاق بدهد. تصمیم بر طلاق چنین است که زن را

ص: ۵۹۵

۱- . الکافی ج ۶ ص ۱۲۹ ح ۱.

۲- . الکافی ج ۶ ص ۱۳۱ ح ۴.

واگذارد تا عادت بشود و مجدداً پاک شود، سپس طلاق بگوید، و با وجود این که طلاق با نظارت قاضی صورت گرفته، مادام که عده طلاق به سر نیامده باشد، شوهر او حق رجوع دارد. این همان ایلائی است که خداوند متعال در کتاب خود و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله بیان فرموده است.

۵۴۱- حکم کسی که به همسرش گوید: بسترت بر من حرام است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِامْرَأَتِهِ أَنْتِ عَلَيَّ حَرَامٌ قَالَ لَيْسَ عَلَيْهِ كَفَّارَةٌ وَلَا طَلَاقٌ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: اگر کسی به همسر خود بگوید: «بسترت بر من حرام باد» (چه حکمی دارد؟) فرمود: این سخن، نه کفاره دارد و نه صیغه طلاق است.

۵۴۲- حکم طلاق به این جملات: «همسر من نیستی» «تو شوهر داری» و «پیوند ما گسست»

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الرَّجُلِ يَقُولُ لِامْرَأَتِهِ أَنْتِ مِنِّي حَلِيَّةٌ أَوْ بَرِيئَةٌ أَوْ بَنَّةٌ أَوْ حَرَامٌ قَالَ لَيْسَ بِشَيْءٍ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه پرسیدم: اگر کسی به همسر خود بگوید: «تو همسر من نیستی»، «تو شوهر نداری»، «پیوند ما گسست» و «تو بر من حرامی» (چه حکمی دارد؟) فرمود: اثری ندارد.

۵۴۳- حق اختیار در طلاق

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الْخِيَارِ فَقَالَ وَ مَا هُوَ وَ مَا ذَاكَ إِنَّمَا ذَاكَ شَيْءٌ كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. (۳)

ص: ۵۹۶

۱- . الكافي ج ۶ ص ۱۳۵ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۱۳۵ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۱۳۶ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه درباره حق اختیار پرسیدم.

فرمود: حق اختیار چیست؟! و کدام است؟ این امر فقط از آن رسول الله صلی الله علیه و آله بود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن هارون بن مسلم عن بعض أصحابنا عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: قلت له ما تقول في رجل جعل أمر امرأته بيدها قال فقال ولي الأمر من ليس أهله و خالف السنه و لم يجز النكاح. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از هارون بن مسلم از یکی از اصحاب ما روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: درباره کسی که اختیار همسرش را به دست او می سپارد، چه می فرمایید؟

فرمود: اختیار را به کسی سپرده است که شایستگی آن را ندارد و با سنت مخالفت کرده و به حکم ازدواج عمل نکرده است.

۵۴۴- حکم ظهار

اشاره: ظهار یعنی مردی به زنش بگوید: تو بسان مادر من هستی.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن حمران عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال إن أمير المؤمنين صلوات الله عليه قال: إن امرأة من المسلمين أتت رسول الله صلى الله عليه وآله فقالت يا رسول الله إن فلاناً زوجي قد نثرته له بطني و أعتته على دثيائه و آخرته فلم ير مني مكروهاً و أنا أشكوه إلى الله عز و جل و إليك قال مما تشتكينه قالت له إنه قال لي اليوم أنت علي حرام كظهر أمي و قد أخرجني من منزلي فانظر في أمري فقال رسول الله صلى الله عليه وآله ما أنزل الله علي كتاباً أقضي به بينك و بين زوجك و أنا أكره أن أكون من المتكلمين فجعلت تبكي و تشتكيني ما بها إلى الله و إلى رسوله و انصرف فسمع الله عز و جل محاورتها لرسوله صلى الله عليه وآله في زوجها و ما شككت إليه فأنزل الله عز و جل بذلك قرآناً «بسم الله الرحمن الرحيم قد سمع الله قول التي تجادلحك في زوجها و تشتكيني إلى الله و الله يسمع تحاوركما» يعني محاورتها لرسول الله صلى الله عليه وآله في زوجها:

ص: ۵۹۷

«إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَ زُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ» فَبَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى الْمَرْأَةِ فَاتَتْهُ فَقَالَ لَهَا جِئِيْنِي بِرُؤُوسِكِ فَاتَتْهُ فَقَالَ لَهُ أ قُلْتِ لِامْرَأَتِكَ هَيْدِهِ أَنْتِ عَلَيَّ حَرَامٌ كَظَهَرَ أُمِّي قَالَ قَدْ قُلْتِ لَهَا ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيكَ وَفِي امْرَأَتِكَ قُرْآنًا فَقَرَأَ عَلَيْهِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ قَوْلِهِ: «قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا» إِلَى قَوْلِهِ «إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ» فَضَمَّ امْرَأَتَكَ إِلَيْكَ فَإِنَّكَ قَدْ قُلْتِ «مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَ زُورًا» قَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْكَ وَغَفَرَ لَكَ فَلَا تَعُدْ فَإِنَّ صِرْفَ الرَّجُلِ وَهُوَ نَادِمٌ عَلَى مَا قَالَ لِامْرَأَتِهِ وَكَرِهَ اللَّهُ ذَلِكَ لِلْمُؤْمِنِينَ بَعِيدٌ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا» يَعْنِي لِمَا قَالَ الرَّجُلُ الْأَوَّلُ لِامْرَأَتِهِ أَنْتِ عَلَيَّ حَرَامٌ كَظَهَرَ أُمِّي قَالَ فَمَنْ قَالَهَا بَعِيدًا مَا عَفَا اللَّهُ وَغَفَرَ لِلرَّجُلِ الْأَوَّلِ فَإِنَّ عَلَيْهِ «فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا» يَعْنِي مُجَامَعَتَهَا: «ذَلِكَ تَوْعُظُونَ بِهِ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ. فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصَةَ بِإِمِّ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا» فَجَعَلَ اللَّهُ عُقُوبَةَ مَنْ ظَاهَرَ بَعِيدَ النَّهْيِ هَيْدًا وَ قَالَ «ذَلِكَ لِيُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ» فَجَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَذَا حَدَّ الظَّهَارِ قَالَ حُمْرَانُ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ لَا يَكُونُ ظَهَارٌ فِي يَمِينٍ وَ لَا فِي إِضْرَارٍ وَ لَا فِي غَضَبٍ وَ لَا يَكُونُ ظَهَارٌ إِلَّا عَلَى طَهْرٍ بَغَيْرِ جَمَاعٍ بِشَهَادَةِ شَاهِدَيْنِ مُسْلِمَيْنِ. (١)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حمران روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: زن مسلمانی نزد رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ آمده و عرض کرد: ای رسول الله! فلانی شوهر من است. من برای او فرزندان زیادی آوردم و او را بر دنیا و آخرتش یاری نمودم. پس هیچ چیز ناپسندی از من ندیده است و اکنون من از او به خداوند و شما شکایت می کنم.

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: از چه چیزی شکایت داری؟

ص: ۵۹۸

عرض کرد: شوهرم امروز به من گفته است: «تو برای من به سان کمر مادرم هستی» و مرا از خانه ام بیرون نموده است. پس بر مسأله من نظارت نما.

فرمود: خداوند برای من کتابی (حکمی) نفرستاده که با آن بین تو و شوهرت داوری کنم و من کراهت دارم که از کسانی باشم که خود را به زحمت افکنند.

زن می گریست و از آن چه که بر سرش آمده بود به خدا و پیامبرش شکایت می نمود و رفت.

خداوند سخن آن زن با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود را درباره شوهرش و شکایت او را شنید و در این مورد آیه نازل نمود که: «به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوند سخن زنی را که درباره شوهرش به تو مراجعه کرده و به خدا شکایت می کرد؛ شنید و خداوند شنوا و بیناست. کسانی از شما به زنان خود ظهار می کنند (و به سان مادر می انگارند) آنان مادرانشان نیستند؛ مادرانشان فقط کسانی هستند که آنها را به دنیا آورده اند، آنان سخن زشت و باطل می گویند و خداوند بخشنده و آمرزنده است». (سوره مجادله آیه ۱-۳)

رسول الله صلی الله علیه و آله در پی زن فرستاد و زن آمد. رسول الله صلی الله علیه و آله به او فرمود: شوهرت را نزد من بیاور.

زن شوهرش را آورد. رسول الله صلی الله علیه و آله به مرد فرمود: آیا تو این سخن را به همسرت گفتی که «تو برای من به سان مادرم هستی»؟

مرد عرض کرد: آری چنین سخنی به او گفته ام.

فرمود: به راستی که خداوند درباره تو و همسرت آیه ای نازل نمود. آن گاه آیاتی را که خداوند بر ایشان نازل نموده از آیه: {قَدْ سَمِعَ} تا {إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ}. (سوره مجادله آیه ۱-۳) برای مرد خواند و فرمود: همسرت را نزد خود نگه دار. زیرا تو سخن ناپسند و زورگویانه ای گفته ای. خداوند از تو درگذشت و تو را بخشید؛ پس دیگر چنین نکن.

مرد در حالی که از آن چه که به همسرش گفته بود، پشیمان شده بود، رفت. پس از آن زمان خداوند «ظهار» را برای مسلمانان مکروه و ناپسند داشت و آیه نازل نمود که و کسانی که با زنان شان ظهار می کنند سپس آن چه را که گفتند تکرار می کنند؛ یعنی آن چه را که نفر اول شخص مذکور در داستان) به همسرش گفت: «تو برای من به سان مادرم هستی».

پس هرکس این را بگوید - پس از آن که خداوند نفر اول را بخشید و آمرزید - بر اوست که پیش از این که با او همبستر شود برده ای را آزاد کند، «این دستوری است که به آن پند داده می شوید و خدا به آن چه انجام می دهید آگاه است. پس هر که توان آزادی برده ندارد دو ماه پیاپی پیش از آمیزش روزه بگیرد و کسی که این را هم نتواند شصت بی نوا را اطعام کند».

پس خداوند پس از آن که نهی نمود، برای کسی کهظهار کند عقوبتی قرار داد و فرمود: «تا به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید». و این حدود خداوند است. پس خدا این حکم را حدّظهار قرار داد.

حمران گوید: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: وظهاری در سوگند نیست و در مورد ضرر وارد کردن و در هنگام عصبانیت نیز جایز نیست. وظهار فقط در دوران پاکیزگی زن که آمیزش صورت نگرفته باشد (و همراه) با شهادت دو شاهد مسلمان باشد امکان پذیر خواهد بود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبيد بن زرارَةَ عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: لا طلاق إلا ما أريد به الطلاق ولاظهار إلا ما أريد به الظهار. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبید بن زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هیچ طلاقى اثر ندارد مگر آن که با نیت طلاق و جدایی همراه باشد. هیچظهاری اثر ندارد مگر آن گاه که با نیتظهار همراه باشد.

۵۴۵- حکم لعان

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عن أَبِي جَعْفَرٍ صلوات الله عليه قال: لا تكون الملاءمة ولا الأيلاء إلا بعد الدخول. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: لعان و ایلاء فقط بعد از آمیزش صورت می گیرد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن زرارَةَ قال: سئل أبو عبد الله صلوات الله عليه عن قول الله عزَّ وجلَّ: «وَالَّذِينَ يَزْمُونَ أَرْوَاجَهُمْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ» قال هو القاذِفُ الَّذِي

ص: ۶۰۰

۱- الكافي ج ۶ ص ۱۵۳ ح ۲.

۲- الكافي ج ۶ ص ۱۶۲ ح ۲.

يَقْدِفُ امْرَأَتَهُ فَإِذَا قَدَفَهَا ثُمَّ أَقْرَأَ أَنَّهُ كَذَبَ عَلَيْهَا جُلْدَ الْحَدِّ وَرُدَّتْ إِلَيْهِ امْرَأَتُهُ وَإِنْ أَبِي إِلَّا أَنْ يَمْضِيَ فَيَشْهَدُ عَلَيْهَا «أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ» وَالْخَامِسَهُ يَلْعَنُ فِيهَا نَفْسَهُ «إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ» فَإِنْ أَرَادَتْ أَنْ تَدْفَعَ عَنْ نَفْسِهَا الْعَذَابَ وَالْعِيَابَ هُوَ الرَّجْمُ شَهِدَتْ «أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ» وَالْخَامِسَةَ أَنْ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ» فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ رُجِمَتْ وَإِنْ فَعَلَتْ دَرَأَتْ عَنْ نَفْسِهَا الْحَيْدَ ثُمَّ لَا تَحِلُّ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قُلْتُ أَرَأَيْتَ إِنْ فُرِّقَ بَيْنَهُمَا وَلَهَا وَلَمَّا قَالَتْ تَرْتُهُ أُمُّهُ وَإِنْ مَرَاتَتْ أُمُّهُ وَرْتُهُ أَخْوَالُهُ وَمَنْ قَالَ إِنَّهُ وَلَمَّا زَنَى جَلِدَ الْحَيْدَ قُلْتُ يُرَدُّ إِلَيْهِ الْوَلَدُ إِذَا أَقْرَأَ بِهِ قَالَ لَا وَلَا كَرَامَةَ وَلَا يَرِثُ الْإِبْنَ وَيَرِثُهُ الْإِبْنُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره گفتار خدا که می فرماید: {و کسانی که همسران پاکدامن خود را متهم می نمایند و گواهیانی جز خود ندارند}. (سوره نور آیه ۴) پرسیدند.

فرمود: منظور کسی است که به همسرش تهمت زنا می زند. پس هرگاه به همسرش تهمت زنا بزند سپس اقرار کند که دروغ گفته است، باید به او حد زده شود و همسرش به او بازگردانده شود و اگر از اقرار کردن به دروغ گفتن خودداری کند تا این که بگذرد، پس این مرد علیه زن چهار با شهادت به خداوند می دهد که خودش راست گوشت و در شهادت پنجم خود را لعن می کند، در صورتی که دروغ گو باشد.

پس اگر زن بخواهد عذاب که همان سنگسار است از خود دور کند، چهار بار به خداوند شهادت می دهد که شوهرش دروغ گوشت و در مرتبه پنجم شهادت می دهد که خشم خداوند بر خودش باشد، در صورتی که شوهرش راست گو باشد.

اگر زن چنین نکند، سنگسار می شود و اگر این کار را انجام دهد و حد سنگسار را از خود برمی دارد و تا روز قیامت دیگر برای شوهرش حلال نخواهد بود.

عرض کردم: به نظر شما اگر بین زن و شوهر جدایی بیفتد و آنان فرزندی داشته باشند و او بمیرد (چه حکمی دارد؟)

ص: ۶۰۱

فرمود: مادرش از او ارث می برد و اگر مادرش مرده باشد، دایی هایش از او ارث می برند و هرکس بگوید که این فرزند، زنازاده است به او حد زده می شود.

عرض کردم: اگر مرد اقرار کند که این فرزند از آن خودش است فرزند به او داده خواهد شد؟

فرمود: نه، و اعتنایی نمی شود و او از فرزند ارث نخواهد برد، اما فرزند از او ارث می برد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ أَبَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَا يَكُونُ اللَّعَانُ حَتَّى يَزْعُمَ أَنَّهُ قَدْ عَايَنَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابان از یکی از روایان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: لعان صورت نمی گیرد تا این که مرد ادعا کند که (خیانت همسرش) را با چشم خود دیده است.

۵۴۶- حکم ارتداد شوهر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الْمُرْتَدِّ فَقَالَ مَنْ رَغِبَ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ كَفَرَ بِمَا أُنزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَعِيدَ إِسْلَامِهِ فَلَا تَوْبَةَ لَهُ وَ قَدْ وَجِبَ قَتْلُهُ وَ بَانَ مِنْهُ امْرَأَتُهُ وَ يُقْسَمُ مَا تَرَكَ عَلَى وُلْدِهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه درباره مرتد پرسیدم.

فرمود: هرکس از دین اسلام روی گرداند و به احکام حضرت محمد صلی الله علیه و آله کافر شود، با آن که در دین اسلام پرورش یافته باشد، دیگر توبه او پذیرفته نمی شود، باید او را بکشند. همسرش از او جدا می شود، و میراث او را بر فرزندانش تقسیم می کنند.

۵۴۷- حکم طلاق اهل ذمه و چگونگی عده آنها

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ نَضِيرَانِيهِ كَانَتْ تَحْتَ نَضِيرَانِيٍّ فَطَلَّقَهَا هَلْ عَلَيْهَا عِدَّةٌ مِثْلُ عِدَّةِ الْمُسْلِمَةِ فَقَالَ لَا لِأَنَّ أَهْلَ

ص: ۶۰۲

۱- الكافي ج ۶ ص ۱۶۷ ح ۲۱.

۲- الكافي ج ۶ ص ۱۷۴ ح ۲.

الْكِتَابِ مَمَالِيكَ لِلْإِمَامِ أَلَا تَرَى أَنَّهُمْ يُؤَدُّونَهُمُ الْجِزْيَةَ كَمَا يُؤَدِّي الْعَبْدُ الضَّرْبِيَّةَ إِلَى مَوْلَاهُ قَالَ وَ مَنْ أَسْلَمَ مِنْهُمْ فَهُوَ حُرٌّ تُطْرَحُ عَنْهُ الْجِزْيَةُ قُلْتُ فَمَا عِدَّتُهَا إِنْ أَرَادَ الْمُسْلِمُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا قَالَ عِدَّتُهَا عِدَّةُ الْأَمَةِ حَيْضَتَانِ أَوْ خَمْسَةٌ وَ أَرْبَعُونَ يَوْمًا قَبْلَ أَنْ تُسَلِّمَ قَالَ قُلْتُ لَهُ فَإِنْ أَسْلَمَتْ بَعْدَ مَا طَلَّقَهَا فَقَالَ إِذَا أَسْلَمَتْ بَعْدَ مَا طَلَّقَهَا فَإِنَّ عِدَّتَهَا عِدَّةُ الْمُسْلِمِ قُلْتُ فَإِنْ مَاتَ عَنْهَا وَ هِيَ نَضِيرَانِيَّةٌ وَ هُوَ نَضِيرَانِيٌّ فَأَرَادَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا قَالَ لَا يَتَزَوَّجَهَا الْمُسْلِمُ حَتَّى تَعْتَدَ مِنَ النَّضِيرَانِيِّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ عَشْرًا عِدَّةَ الْمُسْلِمِ وَ الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجَهَا قُلْتُ لَهُ كَيْفَ جُعِلَتْ عِدَّتُهَا إِذَا طَلَّقَتْ عِدَّةَ الْأَمَةِ وَ جُعِلَتْ عِدَّتُهَا إِذَا مَاتَ عَنْهَا زَوْجَهَا عِدَّةَ الْحُرِّهِ الْمُسْلِمِ وَ أَنْتَ تَذَكُرُ أَنَّهم مَمَالِيكَ الْإِمَامِ فَقَالَ لَيْسَ عِدَّتُهَا فِي الطَّلَاقِ مِثْلَ عِدَّتِهَا إِذَا تُوَفَّى عَنْهَا زَوْجَهَا ثُمَّ قَالَ إِنْ الْأَمَةُ وَ الْحُرُّهِ كِلَيْهِمَا إِذَا مَاتَ عَنْهُمَا زَوْجُهُمَا سَوَاءٌ فِي الْعِدَّةِ إِلَّا أَنْ الْحُرُّهِ تُحَدُّ وَ الْأَمَةُ لَا تُحَدُّ. (١)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه پرسیدم: زنی مسیحی که شوهر مسیحی اش او را طلاق می دهد، آیا بایستی مانند زنان مسلمان عده نگه دارد؟

فرمود: نه. زیرا اهل کتاب بردگان امام هستند. آیا نمی بینی که آنان به سان برده ای که به مولای خود جزیه می پردازد، به مسلمانان جزیه می پردازند؟

فرمود: هر کدام از آنان مسلمان شود، جزیه از او ساقط می گردد.

گفتم: اگر مرد مسلمانی بخواهد با آن زن ازدواج کند، عده اش چگونه است؟

فرمود: عده اش مانند عده کنیز است؛ دو بار حیض شدن و یا چهل و پنج روز است؛ پیش از آن که مسلمان شود.

گفتم: اگر پس از طلاق اسلام بیاورد چه حکمی دارد؟

فرمود: هر گاه پس از طلاق مسلمان شود، عده اش عده زن مسلمان است.

گفتم: اگر زن و شوهر مسیحی باشند و شوهر بمیرد. پس مرد مسلمانی بخواهد با آن زن ازدواج کند (چه حکمی دارد؟)

ص: ۶۰۳

فرمود: مرد مسلمان نمی تواند با او ازدواج کند تا این که زن برای شوهر مسیحی خود چهار ماه و ده روز - عده زن مسلمانی که شوهرش می میرد - عده نگه دارد.

گفتم: چگونه در صورتی که طلاق داده شود عده اش کنیز و در صورتی که شوهرش بمیرد عده اش زن آزاد مسلمان قرار داده شده است در حالی که شما بیان نمودید که آنان بردگان امام هستند؟

فرمود: عده طلاق او مانند عده وفاتش نیست.

سپس فرمود: هرگاه شوهر کنیز و زن آزاد بمیرد، در عده با هم یکسان اند جز این که زن آزاد «حداد» دارد و کنیز «حداد» ندارد.

توضیح: این حکم بر کافران اهل کتاب جاری است.

ص: ۶۰۴

۵۴۸- حکم شکار سگ و پلنگ

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي عبيدة الحذاء قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن الرجل يشرح كلبه المعلم ويسمي إذا سيرحه فقال يأكل مما أمسك عليه فإذا أدركه قبل قتله ذكاه وإن وحيد معه كلباً غير معلم فلا يأكل منه فقلت فالفهد قال إذا أدركت ذكاته فكل وإلا فلا قلت أليس الفهد بمنزله الكلب فقال لي ليس شيء مكلب إلا الكلب. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو عبیده حداء روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: اگر شکارچی سگ تعلیم دیده را به سوی شکار روان سازد و نام خدا را ببرد، کفایت می کند؟

فرمود: اگر شکار خود را سالم نگه داشته باشد، شکارچی می تواند از شکار آن تناول کند و اگر پیش از جان دادن شکار برسد، باید شکار را ذبح کند، و اگر شکارچی ببیند که یک سگ تعلیم ندیده در شکار حیوان با سگ او شریک شده است، نباید از شکار آن دو سگ تناول کند.

عرض کردم: صیدی که با پلنگ تربیت شده شکار شود، چه صورت دارد؟

فرمود: اگر به موقع رسیدی، صید پلنگ را ذبح کن و تناول کن و گرنه از آن تناول مکن.

عرض کردم: مگر پلنگ شکاری مانند سگ شکاری نیست؟

فرمود: جز سگ شکاری، هیچ حیوانی «گیرنده» نیست.

۵۴۹- حکم شکار باز و شاهین و پرندگان شکاری دیگر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي قال قال أبو عبد الله عليه السلام: كان أبي صلوات الله عليه يفتني وكان يتقي ونحن نخاف في صيد البزاة والصقور وأما الآن فإننا لا نخاف ولا نحل صيدها إلا أن تدرك ذكاته فإنه في كتاب علي عليه السلام أن الله عز وجل يقول: «وما علمتم من الجوارح مكلبين» في الكلاب. (۲)

ص: ۶۰۵

۱- الكافي ج ۶ ص ۲۰۳ ح ۴.

۲- الكافي ج ۶ ص ۲۰۷ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: پدرم حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه در زمان خود صاحب فتوا بود، در آن موقع نسبت به شکار باز و شاهین تقیه می کردیم؛ ولی اینک بیمی در میان نیست و تقیه نخواهیم کرد، از این رو حیوانی که توسط باز و شاهین شکار می شود حلال نمی دانیم، مگر موقعی که نیمه جان بر سر شکار برسی و او را ذبح کنی. در کتاب حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه آمده است که خداوند متعال درباره سگ های شکاری می فرماید: ﴿وَصَيْدَ حَيَوَانَاتِ شَكَارٍ وَ سِغِّ هَايَ اَمْوَخْتَهٗ﴾. (سوره مائده آیه ۴) منظور سگ ها هستند.

۵۵۰- گوشت شکار به وسیله سلاح

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبی قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن الصيْدِ يَضْرِبُهُ الرَّجُلُ بِالسَّيْفِ أَوْ يَطْعُنُهُ بِالرُّمْحِ أَوْ يَزِمِيهِ بِسَهْمٍ فَقَتَلَهُ وَقَدْ سَمِيَ حِينَ فَعَلَ ذَلِكَ فَقَالَ كُلُّ لَا بَأْسَ بِهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: اگر انسان نام خدا را ببرد و با شمشیر و کارد بر تن شکار فرود آورد و یا نیزه خود را بر تن او فروبرد و یا تیر پیکان دار به سوی او پرتاب کند و شکار او کشته شود (کفایت می کند؟)

فرمود: در هر صورت گوشت شکار حلال است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ رَجُلٍ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله عليه: لَا يَزِمِي الصَّيْدُ بِشَيْءٍ هُوَ أَكْبَرُ مِنْهُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن یحیی از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: شکار نباید با وسیله ای بزرگ تر از خودش مورد هدف قرار گیرد.

۵۵۱- حکم شکار با سنگ و گلوله گلی

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبی عن أبي عبد الله صلوات الله عليه: أَنَّهُ سِئِلَ عَمَّا قَتَلَ الْحَجْرَ وَ الْبُنْدُقُ أَوْ كُلُّ مِنْهُ قَالَ لَا. (۳)

ص: ۶۰۶

۱- . الكافي ج ۶ ص ۲۱۰ ح ۶.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۲۱۱ ح ۱۲.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۲۱۳ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدند: صیدی را که به وسیله سنگ و گلوله گلی کشته می شود می توان خورد؟
فرمود: نه.

۵۵۲- شکار به وسیله تله و دام

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: ما أخذت الحباله فقطعت منه شيئاً فهو ميتٌ وما أدركت من سائر جسده حياً فذكه ثم كل منه. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الرحمن بن ابو عبد الله روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: اگر شکاری در تله بیفتد، هر عضوی از اعضای او که قطع شود، مردار است و سایر اعضای شکار که زنده دریابی در صورت ذبح و تذکيه می توانی آن را بخوری.

۵۵۳- صید ماهی

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن صيد المجوسى للسمك حين يضربون بالسبك ولا يسئون وكذلك اليهودى فقال لا بأس إنما صيد الحيتان أخذها. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: آیا صید مجوسیان و یهودیان حلال است که با تور دستی ماهی صید می کنند و نام خدا را نمی برند؟
فرمود: مانعی ندارد. صید ماهی فقط از آب گرفتن است.

۵۵۴- ماهی حلال

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد بن مسلم قال: أقراني أبو جعفر صلوات الله عليه شيئاً من كتاب علي صلوات الله عليه فإذا فيه أنها كم عن الجرّي والزمير والمازماهی و

ص: ۶۰۷

۱- . الكافي ج ۶ ص ۲۱۴ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۲۱۷ ح ۵.

الطَّافِي وَالطَّحِيَالِ قَالَ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ يَرْحَمُكَ اللَّهُ إِنَّا نُؤْتِي بِالسَّمَكِ لَيْسَ لَهُ قِشْرٌ فَقَالَ كُلُّ مَا لَهُ قِشْرٌ مِنَ السَّمَكِ وَمَا لَيْسَ لَهُ قِشْرٌ فَلَا تَأْكُلُهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه بخشی از کتاب علی صلوات الله علیه را در اختیار من نهاد. در آن نامه خواندم: من شما را از خوردن ماهی جزئی، ماهی خاردار، مارماهی، ماهی روآبی (مرده) طحال دام ها بازمی دارم.

به حضرتش گفتم: ای پسر رسول الله! خداوند شما را در رحمت خود جای دهد! صیادان ماهیانی می آورند که فلس و پولک ندارد. (آیا حلال اند؟)

فرمود: هر ماهی که فلس و پولک دارد، حلال است، تناول کن و هر ماهی که فلس ندارد تناول مکن.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن حماد بن عثمان قال: قلت لأبي عبد الله صلوات الله عليه جعلت فداك أحييتان ما يؤكل منها فقال ما كان له قشور قلت جعلت فداك ما تقول في الكنعيت فقال لا بأس بأكله قال قلت له فإنه ليس له قشور فقال لي بلى ولكنها سمكة سيئه الخلق تحتك بكل شيء وإذا نظرت في أصل أذنها وجدت لها قشراً. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حماد بن عثمان روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: قربان تان کردم! خوردن چه نوع از ماهی ها حلال است.

فرمود: آن که فلس و پولک دارد.

گفتم: قربانت کردم! درباره ماهی «کنعت» چه می فرمایید؟

فرمود: خوردنش ایرادی ندارد.

گفتم: ماهی کنعت پولک ندارد.

فرمود: آری؛ اما کنعت، ماهی تندخویی است که خود را با هر چیزی می تراشد و هرگاه به بیخ گوش آن بنگری، پولک آن را می یابی.

ص: ۶۰۸

۱- . الكافي ج ۶ ص ۲۱۹ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۲۱۹ ح ۲.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه: إن الطير إذا ملك جناحيه فهو صيد وهو حلال لمن أخذه. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: هر گاه پرنده توانایی پرواز را داشته باشد؛ صید محسوب می شود و برای کسی که آن را بگیرد حلال است.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن داود الرقي أو غيره قال: بينا نحن فعود عند أبي عبد الله صلوات الله عليه إذ مر رجل بيده خطاف مذبوح فوثب إليه أبو عبد الله صلوات الله عليه حتى أخذه من يده ثم دحا به الأرض فقال صلوات الله عليه أعالكم أمركم بهذا أم فقيهكم أخبرني أبي عن جدي أن رسول الله صلى الله عليه وآله نهى عن قتل السنه منها الخطاف وقال إن دورانه في السماء أسفا لما فعل بأهل بيت محمد صلى الله عليه وآله وتسيحه قراءه «الحمد لله رب العالمين» ألا ترونه يقول «ولا الضالين». (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از داوود رقی یا شخص دیگری گوید: خدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه نشسته بودیم که ناگاه مردی عبور نمود که در دستش پرستوی ذبح شده ای بود. حضرت صلوات الله علیه به طرفش پرید و پرستو را از دستش گرفت و آن را به زمین افکند و فرمود: آیا عالم شما، شما را به چنین عملی دستور داده است؛ یا فقیه تان؟! پدرم از جدّم به من خبر داد که رسول الله صلی الله علیه و آله از کشتن شش حیوان نهی نمود که یکی از آنان پرستو بود.

و فرمود: همانا پرواز پرستو در آسمان، تأسف برای مصایب اهل بیت محمد صلوات الله علیهم است و تسیح آن، قرائت سوره حمد است. مگر نمی بینید که می گوید: «ولا الضالین»!؟

۱- . الكافي ج ۶ ص ۲۲۳ ح ۵.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۲۲۳ ح ۱.

۵۵۷- حکم شکار هدهد و ورکاک

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: فِي كُلِّ جَنَاحٍ هِدْهُدٍ مَكْتُوبٌ بِالسُّرْيَانِيَّةِ آلِ مُحَمَّدٍ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سلیمان بن جعفر جعفری روایت کرده که گفت: حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمود: در هر کدام از بال های هدهد به زبان سریانی نوشته شده است: آل محمد صلوات الله عليهم بهترین مردم هستند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ قَتْلِ الْهُدُودِ وَالصُّرَدِ وَالصُّوَامِ وَالنَّخْلَةِ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سلیمان جعفری روایت کرده که گفت: امام رضا صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله از کشتن هدهد، ورکاک، پرندۀ صوام و زنبور عسل نهی نمود.

توضیح: ورکاک پرندۀ ای است که گنجشک را شکار می کند.

۵۵۸- حکم شکار چکاوک

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَا تَأْكُلُوا الْقُثْبِرَةَ وَلَا تَسْبُوهَا وَلَا تَعْطُوهَا الصَّبِيَانَ يَلْعَبُونَ بِهَا فَإِنَّهَا كَثِيرَةٌ التَّسْبِيحِ لِلَّهِ تَعَالَى وَتَسْبِيحُهَا لَعَنَ اللَّهُ مُبْغِضِي آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سلیمان جعفری از حضرت امام رضا صلوات الله علیه از پدر بزرگوارش از پدران بزرگوارش صلوات الله عليهم روایت کرده که فرمودند: گوشت چکاوک را نخورید و به آن ناسزا نگویند و آن را به کودکان ندهید تا با آن بازی کنند، زیرا که آن فراوان تسبیح خداوند تعالی گوید و تسبیحش چنین است: لعنت خداوند بر دشمنان آل محمد صلوات الله عليهم.

ص: ۶۱۰

۱- . الكافي ج ۶ ص ۲۲۴ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۲۲۴ ح ۳.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۲۲۵ ح ۱.

۵۵۹- چگونه تذکيه حیوان و حلال ساختن ذبح آن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الذَّيْحِ بِاللَّيْطِ وَبِالْمَرْوَةِ فَقَالَ لَا ذَكَاةَ إِلَّا بِحَدِيدِهِ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه پرسیدم: در صورتی که گلوی دام را با تراشه نی و سنگ ببرند، چه صورت دارد؟

فرمود: حلال ساختن دام، جز با کارد تیز صورت نخواهد گرفت.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَيْدٍ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الذَّيْحِ بِالْعُودِ وَالْحَجَرِ وَالْقَصِيَةِ بِهِ قَالَ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ لَا يَصْلُحُ الذَّيْحُ إِلَّا بِالْحَدِيدِ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه درباره ذبح با چوب و سنگ و نی پرسیدم.

فرمود: حضرت علی بن ابی طالب صلوات الله علیهما فرمود: ذبح جز با آهن جایز نیست.

۵۶۰- تذکيه و حلال ساختن در حال اضطرار

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَيْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا إِسْرَاهِيمَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الْمَرْوَةِ وَالْقَصِيَةِ بِهِ وَالْعُودِ أَيْ ذَبْحِ بَيْنَ إِذَا لَمْ يَجِدُوا سَكِينًا قَالَ إِذَا فَرِيَ الْأُودَاجَ فَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عبد الرحمن بن حجّاج روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله عليه پرسیدم: در صورتی که انسان کارد آهنی نیابد، می تواند با سنگ تیز و تراشه نی و کارد چوبی سر دام را ببرد؟

فرمود: اگر با این وسایل رگ های گردن را بشکافد، مانعی ندارد.

ص: ۶۱۱

۱- . الكافي ج ۶ ص ۲۲۷ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۲۲۷ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۲۲۸ ح ۲.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَنْ رَجُلٍ لَمْ يَكُنْ بِحَضْرَتِهِ سَكِينٌ أَيْذُبِحُ بِقَصْبِهِ فَقَالَ إِذْبِحْ بِالْقَصْبِ وَبِالْحَجْرِ وَبِالْعَظْمِ وَبِالْعُودِ إِذَا لَمْ تُصِبِ الْحَدِيدَةَ إِذَا قَطَعَ الْحُلُقُومَ وَخَرَجَ الدَّمُ فَلَا بَأْسَ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از زید شحام روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: اگر به همراه کسی کارد آهنی نباشد، می تواند با تراشه نی، گلوی دام را ببرد؟

فرمود: در صورتی که کارد آهنی نیابی، می توانی با تراشه نی، با سنگ تیز، با کارد استخوانی و کارد چوبی گلوی دام را بشکافی، با این شرط که حلقوم را ببرد و خون دام بیرون بریزد، مانعی ندارد.

۵۶- چگونه سر بریدن و گلو دریدن دام

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ: النَّحْرُ فِي اللَّبَّةِ وَالذَّبْحُ فِي الْحَلْقِ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: نحر شتر، با فروبردن کارد در زیر حلقوم صورت می گیرد و ذبح سایر دام ها با بریدن حلقوم.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن حُمَرَانَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الذَّبْحِ فَقَالَ إِذَا ذَبَحْتَ فَأَرْسِلْ وَ لَا تَكْتِفِ وَ لَا تَقْلِبِ السَّكِينِ لِتُدْخِلَهَا مِنْ تَحْتِ الْحُلُقُومِ وَ تَقْطَعَهُ إِلَى فَوْقِ وَ الْأَرْسَالُ لِلطَّيْرِ خَاصَّةً فَإِنْ تَرَدَّى فِي جُبِّ أَوْ وَهْدَةٍ مِنَ الْأَرْضِ فَلَا تَأْكُلْهُ وَ لَا تُطْعِمُهُ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي التَّرْدَى قَتَلَهُ أَوْ الذَّبْحُ وَ إِنْ كَانَ شَيْءٌ مِنَ الْغَنَمِ فَأَمْسِكْ صُوفَهُ أَوْ شَعْرَهُ وَ لَا تُمَسِّكَنَّ يَدًا وَ لَا رِجْلًا وَ أَمَّا الْبَقْرُ فَاعْقِلْهَا وَ أَطْلِقِ الذَّنْبَ وَ أَمَّا الْبَعِيرُ فَشَدِّ أَخْفَافَهُ إِلَى آبَاطِهِ وَ أَطْلِقِ رِجْلَيْهِ وَ إِنْ أَفْلَتَكَ شَيْءٌ مِنَ الطَّيْرِ وَ أَنْتَ تُرِيدُ ذَبْحَهُ أَوْ نَدَّ عَلَيْكَ فَارْمِهِ بِسَهْمِكَ فَإِذَا هُوَ سَقَطَ فَذَكِّهِ بِمَنْزِلَةِ الصَّيْدِ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حمران بن اعین روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره ذبح کردن پرسیدم.

ص: ۶۱۲

۱- . الكافي ج ۶ ص ۲۲۸ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۲۲۸ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۲۲۹ ح ۴.

فرمود: هنگامی که ذبح کردی، حیوان را رها کن و (دست های) آن را (در پشت شانه ها) ببند. و چاقو را برنگردان تا آن را از زیر حلقوم داخل کنی و به سوی بالای گردن ببری.

و رها کردن حیوان، فقط مخصوص پرندگان است. پس اگر حیوان در چاه یا گودالی افتاد گوشت آن را نخور و به دیگران نیز اطعام نکن؛ زیرا تو نمی دانی که افتادن باعث قتلش شده یا ذبح. و اگر مذبوح، گوسفندی باشد، پس پشم یا مویش را بگیر؛ ولی دست و پایش را نگیر.

اما گاو را ببند و دمش را رها کن.

اما شتر؛ پس کف پاهایش را در زیر بغل هایش ببند و پاهایش را رها کن.

و اگر پرنده ای از تو پنهان شد درحالی که قصد داری آن را ذبح کنی و یا سرکشی نمود، آن را با تیر خود بزن، پس هرگاه سقوط نمود، آن را مانند صید تذکیه کن.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الذَّبِيحِ فَقَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ اسْتَقْبِلْ بِدَيْحَتِكَ الْقِبْلَةَ وَلَا تَنْخَعَهَا حَتَّى تَمُوتَ وَلَا تَأْكُلْ مِنْ ذَبِيحِهِ مَا لَمْ تُذَبِّحْ مِنْ مَذْبِحِهَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه درباره شرایط سر بریدن دام پرسیدم؟

فرمود: روی دام را به سوی قبله کن و بعد از بریدن حلقوم، نخاع داخل گردن را قطع مکن تا موقعی که حیوان از حرکت بازماند و مادام که از جایگاه ویژه گلوی دام را نبرند، از گوشت آن نخور.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَا تَذَبِّحِ الشَّاهَ عِنْدَ الشَّاهِ وَلَا الْجَزُورَ عِنْدَ الْجَزُورِ وَهُوَ يُنْظَرُ إِلَيْهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از غیاث بن ابراهیم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: نباید گوسفند را در برابر گوسفند دیگر ذبح کرد و نباید شتر را در مقابل شتری دیگر که ناظر است کشت.

ص: ۶۱۳

۱- . الكافي ج ۶ ص ۲۲۹ ح ۵.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۲۲۹ ح ۷.

۵۶۲- حیوانی که غیر از محل ذبحش ذبح می شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه: في رجل ضرب بسيفه جزوراً أو شاه في غير مذبحها و قد سمي حين ضرب فقال لا يصلح أكل ذبيحه لا تذبح من مذبحها يعني إذا تعدد لذلك و لم تكن حاله حال اضطرار فأما إذا اضطر إليها و استصعبت عليه ما يريد أن يذبح فلا بأس بذلك. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره مردی که با شمشیرش به غیر محل ذبح شتر یا گوسفند ضربه می زند با این که هنگام ضربه زدن «بسم الله» گفته بود، فرمود: خوردن حیوان ذبح شده ای که از محل ذبح شدنش ذبح نشده است جایز نیست.

مرحوم کلینی و یا یکی از روایان حدیث گوید: یعنی هرگاه این کار را از روی عمد انجام دهد و در حال اضطرار نباشد؛ اما اگر ناچار باشد و ذبح کردن برایش دشوار شده باشد ایرادی ندارد.

۵۶۳- فرصت برای حلال ساختن حیوان

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الله بن سليمان عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال في كتاب علي صلوات الله عليه: إذا طرفت العين أو ركضت الرجل أو تحرك الذنب و أدركته فذكه. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عبد الله بن سليمان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: در کتاب علی صلوات الله علیه آمده است: هرگاه چشم دام می چرخد، پای خود را به زمین می کوبد و دم می جنباند فرصت باقی است که دام را تذکيه و حلال سازی.

۵۶۴- حکم ذبح به غیر قبله یا ترک «بسم الله» و حکم فرد جنب

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد بن مسلم قال: سألت أبا جعفر صلوات الله عليه عن رجل ذبح ذبيحه فجعل أن يوجهها إلى القبلة قال كل منها فقلت له فإنه لم يوجهها قال فلا

ص: ۶۱۴

۱- . الكافي ج ۶ ص ۲۳۱ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۲۳۲ ح ۱.

تَأْكُلُ مِنْهَا وَلَا تَأْكُلُ مِنْ ذَبِيحِهِ مَا لَمْ يُذَكَّرِ اسْمُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهَا وَقَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَذْبَحَ فَاسْتَقْبِلْ بِذَبِيحَتِكَ الْقِبْلَةَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه پرسیدم: اگر کسی فراموش کند و بدن دام را به سوی قبله نکشاند (چه صورت دارد؟)

فرمود: می توانی از گوشت آن تناول کنی.

گفتم: اگر یادش باشد و با وجود آن بدن دام را به سوی قبله نکند (چه صورت دارد؟)

فرمود: از گوشت آن دام نخور. و نیز در صورتی که نام خدا را نبرند و دام را تذکیه نمایند، از گوشت آن دام نخور.

حضرتش صلوات الله علیه فرمود: اگر خواستی دام را ذبح کنی، روی دام را به سمت قبله کن.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ ذَبِيحِهِ ذَبِحَتْ لِغَيْرِ الْقِبْلَةِ فَقَالَ كُلُّ وَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ مَا لَمْ يَتَعَمَّدْهُ قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ ذَبَحَ وَ لَمْ يُسَمِّ فَقَالَ إِنْ كَانَ نَاسِيًا فَلْيُسَمِّ حِينَ يَذْكُرُ وَ يَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَوَّلِهِ وَ عَلَى آخِرِهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: اگر دام را سر ببرند و روی او را به سوی قبله نکرده باشند (چه صورت دارد؟)

فرمود: از گوشت آن بخور مادامی که عمدی نباشد، مانعی ندارد.

پرسیدم: اگر قصابی نام خدا را نبرده و دامی را ذبح کرده چه صورت دارد؟

فرمود: در صورتی که فراموش کرده باشد، هر لحظه ای که خاطرش بیاید، باید نام خدا را ببرد و بگوید: «بسم الله على اوله و آخره».

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن أبي عمير عن بعض أصحابه عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: لا بأس أن يذبح الرجل و هو جنب. (۳)

ص: ۶۱۵

۱- . الكافي ج ۶ ص ۲۳۳ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۲۳۳ ح ۴.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۲۳۴ ح ۶.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن ابی عمیر از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: ایرادی ندارد که انسان در حال جنابت حیوانی را ذبح کند.

۵۶۵- حکم جنینی که از شکم حیوان ذبح شده بیرون می آید

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَحَدَهُمَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ» فَقَالَ الْجَنِينُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ إِذَا أَشْعَرَ وَ أَوْبَرَ فَذَكَأْتُهُ ذَكَأَهُ أُمُّهُ فَذَلِكَ الَّذِي عَنَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه و یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره گفتار خداوند که می فرماید: {چهارپایان برای شما حلال شده است} (سوره مائده آیه ۲) پرسیدم.

فرمود: جنینی که در شکم مادرش است هر گاه موی و پشم داشته باشد؛ تذکیه اش همان تذکیه مادرش خواهد بود. پس این، همان معنایی است که خداوند متعال منظور کرده است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذَا ذَبَحْتَ الذَّبِيحَةَ فَوَجَدْتَ فِي بَطْنِهَا وَلَدًا تَامًا فَكُلْ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ تَامًا فَلَا تَأْكُلْ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر گاه حیوانی را ذبح نمودی و در شکمش فرزند کاملی یافتی؛ آن را بخور و اگر کامل نباشد، آن را نخور.

۵۶۶- حکم دیگی که در آن خون ریخته شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَعِيدِ الْأَعْرَجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ قَدْرِ فِيهَا جُزُورٌ وَقَعَ فِيهَا مِقْدَارُ أُوقِيَةٍ مِنْ دَمٍ أَيْوَكَلُ فَقَالَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ نَعَمْ لِأَنَّ النَّارَ تَأْكُلُ الدَّمَ. (۳)

ص: ۶۱۶

۱- . الكافي ج ۶ ص ۲۳۲ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۲۳۴ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۲۳۵ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سعید اعرج روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: در یک دیگ، گوسفندی قرار دارد، به اندازه یک اوقیه در آن خون ریخته می شود؛ آیا می توان گوسفند را خورد؟ حضرت صلوات الله علیه فرمود: آری، زیرا آتش خون را می خورد.

۵۶۷- حکم خرید گوشت از بازار قصاب ها

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سألتُه عن ذبيحة المُرْجِيّ وَ الْحُرُورِيّ فَقَالَ كُلُّ وَ قَرِّ وَ إِشْتَقَرَّ حَتَّى يَكُونَ مَا يَكُونُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره حیوانی که توسط شخص «مرجی» و «حروری» ذبح شود پرسیدم.

فرمود: بخور و آن را تقریر کن و بر آن ثابت باش، تا این که باشد آن چه که خواهد بود.

توضیح: مرجه گروهی از جماعت عمریه هستند و حروریه همان خوارج اند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الفضيل وَ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ: أَنَّهُمْ سَأَلُوا أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ شِرَاءِ اللَّحْمِ مِنَ الْأَسْوَاقِ وَ لَا يُدْرَى مَا يَصْنَعُ الْقَصَابُونَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كُلُّ إِذَا كَانَ ذَلِكَ فِي أَسْوَاقِ الْمُسْلِمِينَ وَ لَا تَسْأَلُ عَنْهُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از فضیل، زراره و محمد بن مسلم روایت کرده که گفتند: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه پرسیدیم: ما گوشت را از بازار قصاب ها می خریم و نمی دانیم که آنان تا چه حد شرایط تذکیه را رعایت می کنند.

فرمود: اگر بازار مسلمانان باشد، بخورید و پرسش و تحقیق نکنید.

ص: ۶۱۷

۱- الكافي ج ۶ ص ۲۳۶ ح ۱.

۲- الكافي ج ۶ ص ۲۳۷ ح ۲.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ ذَبْحِهِ الصَّبِيِّ فَقَالَ إِذَا تَحَرَّكَ وَكَانَ لَهُ خَمْسَةُ أَشْبَارٍ وَأَطَاقَ الشَّفْرَةَ وَعَنْ ذَبْحِهِ الْمَرْأَةِ فَقَالَ إِنَّ كُنَّ نِسَاءً لَيْسَ مَعَهُنَّ رَجُلٌ فَلْتَذْبِحْ أَعْقُلَهُنَّ وَتَذْكُرِ اسْمَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: اگر کودکی دام را ذبح کند چه صورت دارد؟

فرمود: در صورتی که به حد جست و خیز رسیده باشد و قامت او به پنج و جب برسد و بتواند کارد را به کار اندازد، مانعی ندارد.

پرسیدم: اگر زن دام را سر ببرد، (چه صورت دارد؟)

فرمود: اگر چند تن خانم با هم باشند و مردی نباشد که برای آنان قصابی کند، عاقل تر از همه آن ها که آشنا به شرایط ذبح باشد نام خداوند متعال را ببرد و سر دام را ببرد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ رَوَوْهُ عَنْهُمَا جَمِيعًا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا: أَنَّ ذَبِيحَةَ الْمَرْأَةِ إِذَا أَجَادَتْ الذَّبْحَ وَ سَمَّتْ فَلَا بَأْسَ بِأَكْلِهِ وَ كَذَلِكَ الْأَعْمَى إِذَا سُدَّدَ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمر بن اذینه از راویان متعدد روایت کرده که گفتند: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمودند: خوردن حیوان ذبح شده توسط زن هرگاه که زن به خوبی ذبح کند و «بسم الله» بگوید؛ ایرادی ندارد. و همین طور است شخص نابینا؛ هرگاه که به درستی ذبح کند.

۵۶۹- حکم قصابی اهل کتاب (یهودی، مسیحی و غیرهم).

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ ذَبِيحَةِ الذَّمِّيِّ فَقَالَ لَا تَأْكُلُهُ إِنْ سَمِيَ وَإِنْ لَمْ يُسَمَّ. (۳)

ص: ۶۱۸

۱- . الكافي ج ۶ ص ۲۳۷ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۲۳۸ ح ۵.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۲۳۸ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زید شحام روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره قصابی کافر ذمی پرسیدند.

فرمود: از دام ذبح شده توسط کافر ذمی چه «بسم الله» گفته باشد چه نگفته باشد نخور.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن إسماعيل بن جابر قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: لا تأكل من ذبائح اليهود والنصارى ولا تأكل في آنتهم. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسماعیل بن جابر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: از ذبیحه یهودیان و مسیحیان نخور. از ظرف آنان نیز نخور.

ص: ۶۱۹

۱- . الكافي ج ۶ ص ۲۴۰ ح ۱۱.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَعْجَبَنِي جُعِلْتُ فِدَاكَ لِمَ حَرَّمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْخَمْرَ وَالْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَاللَّحْمَ الْخِنْزِيرِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لَمْ يُحَرِّمْ ذَلِكَ عَلَى عِبَادِهِ وَ أَحَلَّ لَهُمْ سِوَاهُ رَغْبَةً مِنْهُ فِيمَا حَرَّمَ عَلَيْهِمْ وَلَا زُهْرِيًّا فِيمَا أَحَلَّ لَهُمْ وَلَكِنَّهُ خَلَقَ الْخَلْقَ وَعَلَّمَ عَزَّ وَجَلَّ مَا تَقُومُ بِهِ أَبْدَانُهُمْ وَمَا يُضِلُّ لَهُمْ فَأَحَلَّهُ لَهُمْ وَأَبَا حَهُ تَفْضُلًا مِنْهُ عَلَيْهِمْ بِه تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِمَضِيحَتِهِمْ وَعَلَّمَ مَا يَضُرُّهُمْ فَهَبَاهُمْ عَنْهُ وَحَرَّمَ عَلَيْهِمْ ثُمَّ أَبَا حَهُ لِلْمُضْطَرِّ وَأَحَلَّهُ لَهُ فِي الْوَقْتِ الَّذِي لَا يَقُومُ يَدُّهُ إِلَّا بِهِ فَأَمَرَهُ أَنْ يَنَالَ مِنْهُ بِقَدْرِ الْبُلْغَةِ لَا غَيْرَ ذَلِكَ ثُمَّ قَالَ أَمَّا الْمَيْتَةُ فَإِنَّهُ لَا يُدْمِنُهَا أَحَدٌ إِلَّا ضَعُفَ بَدَنُهُ وَ نَحَلَ جِسْمُهُ وَ ذَهَبَتْ قُوَّتُهُ وَ انْقَطَعَ نَسِيلُهُ وَ لَا يَمُوتُ أَكْلُ الْمَيْتَةِ إِلَّا فَجَاءَهُ وَ أَمَّا الدَّمُ فَإِنَّهُ يُورِثُ أَكْلَهُ الْمَاءَ الْأَضْيَمَ وَ يُجْحِزُ الْفَمَ وَ يُنْتِنُ الرِّيحَ وَ يَسِيءُ الْخُلُقَ وَ يُورِثُ الْكَلْبَ وَ الْقَسْوَةَ فِي الْقَلْبِ وَ قَلَهُ الرَّأْفَةَ وَ الرَّحْمَةَ حَتَّى لَا يُؤْمَنُ أَنْ يَقْتُلَ وَلَدَهُ وَ وَالِدِيَهُ وَ لَا يُؤْمَنُ عَلَى حَمِيمِهِ وَ لَا يُؤْمَنُ عَلَى مَنْ يَضِيحِبُهُ وَ أَمَّا لَحْمُ الْخِنْزِيرِ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَسَحَ قَوْمًا فِي صُورِ شَتَّى شَيْءٍ مِنَ الْخِنْزِيرِ وَ الْفَرْدِ وَ الدُّبِّ وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُسُوخِ ثُمَّ نَهَى عَنْ أَكْلِهِ لِلْمَثَلِ لِكَيْلَا يَنْتَفِعَ النَّاسُ بِهَا وَ لَا يَشْتَحَفَ بِعُقُوبَتِهَا وَ أَمَّا الْخَمْرُ فَإِنَّهُ حَرَّمَهَا لِغَلِيظِهَا وَ لِفَسَادِهَا وَ قَالَ مُدْمِنُ الْخَمْرِ كَعَابِدٍ وَ تَنُّ تَوْرَتَهُ الْإِرْتِعَاشَ وَ تَذَهَبُ بِوَرِهِ وَ تَهْدِمُ مَرْوَتَهُ وَ تَحْمِلُهُ عَلَى أَنْ يَجْسِرَ عَلَى الْمَحَارِمِ مِنْ سِيفِكَ الدِّمَاءِ وَ رُكُوبِ الزَّنَا فَلَا يُؤْمَنُ إِذَا سَبَّكَ أَنْ يَنْبَ عَلَى حَرَمِهِ وَ هُوَ لَا يَعْقِلُ ذَلِكَ وَ الْخَمْرُ لَا يَزْدَادُ شَارِبُهَا إِلَّا كَلَّ سُوءًا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از مفضل بن عمر روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: قربانت شوم! بفرمایید چرا خداوند متعال، شراب، مردار، خون و گوشت خوک را حرام نمود؟

فرمود: خداوند سبحان بدین جهت آن موارد را بر بندگان حرام و غیر آن موارد را حلال نمود که بندگان به موارد حرام، بی رغبت و به موارد حلال رغبت داشته باشند؛ ولی او آفریدگان را آفرید و به نیازمندی های

ص: ۶۲۰

بدن آن‌ها و پایداری و صلاح آنان آگاهی داشت. از این رو خداوند از روی لطف و بخشش برای مصلحت آنان مواردی را برای آنان حلال و مباح کرد.

از طرفی از چیزهایی که به آنان ضرر می‌رساند نیز آگاهی داشت، از این رو آنان را از آن موارد نهی نمود و بر آنان حرام نمود. سپس آن موارد را برای کسی که ناچار و مضطر است حلال نمود و آن را در زمانی برای شخص مضطر حلال نمود که بدن شخص جز به وسیله آن پایداری نیابد. پس به او فرمان داد که به اندازه رفع گرسنگی - نه بیشتر - تناول کند.

سپس فرمود: در مورد مردار این که هرکسی به خوردن آن مداومت کند بدنش ناتوان و لاغر می‌گردد، توانایی خود را از دست می‌دهد، و نسلش قطع می‌شود و با مرگ ناگهانی می‌میرد.

و کسی که خون می‌خورد گرفتار بیماری آب زرد می‌شود. خون، دهان و بدن را بدبو می‌سازد، موجب بداخلاقی می‌شود، باعث تشنگی می‌شود، موجب سنگدلی و کمی عاطفه و مهربانی می‌شود؛ به گونه‌ای که اطمینانی نیست که چنین فردی فرزند، پدر و مادرش را به قتل برساند و بر جان خویشان و هم‌نشینانش احساس خطر می‌شود.

درباره گوشت خوک این که خداوند گروهی را به شکل‌های گوناگون مسخ نمود؛ به شکل خوک، میمون و خرس و مسخ شده‌هایی که بودند. سپس از خوردن آن به جهت هم‌شکل بودن نهی نمود تا مردم به وسیله آن بهره‌نبرند و عقوبت و کیفر آن را سبک‌شمارند.

و درباره شراب خداوند آن را برای انجام دادن و فسادش حرام نمود و فرمود: «کسی که دائم الخمر است به سان بت پرست است». شراب خواری موجب لرزش اندام می‌شود، نور دیده را می‌برد، جوانمردی را از بین می‌برد و او را وامی‌دارد که به محارم خود در خون‌ریزی، زنا، جسارت کند؛ او فردی است که اطمینانی نیست که ندانسته با محارم خود مرتکب زنا نشود و شراب خوار هر بدی را انجام می‌دهد.

۵۷۱- حیوانات حرام گوشت

۱- الشیخ الکلبینی، یاسناده عن داؤد بن فرقد عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: كُلُّ ذِي نَابٍ مِنَ السَّبَاعِ وَ مِخْلَبٍ مِنَ الطَّيْرِ حَرَامٌ. (۱)

ص: ۶۲۱

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از داوود بن فرقد روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر درنده ای که نیش دارد و هر مرغی که چنگال دارد، حرام است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال إن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: كل ذي نابٍ من السباع ومخلبٍ من الطير حرامٌ وقال صلوات الله عليه لا تأكل من السباع شيئاً. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: هر درنده ای که نیش دارد و هر پرنده ای که چنگال دارد، حرام است.

و فرمود: گوشت هیچ کدام از درندگان را نخور!

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن جعفر عن أخيه أبي الحسن صلوات الله عليه قال: سألته عن الغراب الأبقع والأسود أ يحل أكلهما فقال لا يحل أكل شيءٍ من الغرابان زاعٍ ولا غيره. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن جعفر صلوات الله علیه روایت کرده که گفت: از برادرم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه پرسیدم: خوردن گوشت کلاغ سیاه و سفید و کلاغ سیاه، حلال است؟

فرمود: خوردن هیچ نوع از کلاغ ها حلال نیست؛ نه زاع، نه نوع دیگر.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن سليمان الجعفری عن أبي الحسن الرضا صلوات الله عليه قال: الطائوس لا يحل أكله ولا بيضه. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سلیمان جعفری روایت کرده که گفت: حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمود: خوردن گوشت طاووس و هم چنین تخم آن حلال نیست.

ص: ۶۲۲

۱- الكافي ج ۶ ص ۲۴۵ ح ۳.

۲- الكافي ج ۶ ص ۲۴۵ ح ۸.

۳- الكافي ج ۶ ص ۲۴۵ ح ۹.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبان بن تغلب عن أخبره عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سألتُه عن لحوم الخيل فقال لا تأكل إلا أن تصيبك ضرورة ولحوم الحمر الأهلبي فقال في كتاب علي صلوات الله عليه أنه منع أكلها. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابان بن تغلب از یکی از راویان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره گوشت اسب پرسیدم.

فرمود: آن را نخور، مگر آن که ناگزیر باشی.

راوی گوید: از حضرتش درباره گوشت الاغ اهلی پرسیدم.

فرمود: در کتاب علی صلوات الله علیه آمده است که آن حضرت خوردن گوشت آن را منع نمود.

۶- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: الْفِيلُ مَسْخٌ كَانَ مَلِكًا زَنَاءً وَالدُّبُّ مَسْخٌ كَانَ أَعْرَابِيًّا دَيْوْتًا وَالْأَزْنَبُ مَسْخٌ كَانَتْ امْرَأَةً تَحُونُ زَوْجَهَا وَلَا تَغْتَسِلُ مِنْ حَيْضَتِهَا وَالْوَطَاطُ مَسْخٌ كَانَ يَسْرِقُ تُمُورَ النَّاسِ وَالْقَرْدَةُ وَالْخَنَازِيرُ قَوْمٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْتَدَوْا فِي السَّبْتِ وَالْجَرِيثُ وَالضَّبُّ فِرْقَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَمْ يُؤْمِنُوا حَيْثُ نَزَلَتْ الْمَائِدَةُ عَلَى عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَتَاهُوا فَوَقَعَتْ فِرْقَةٌ فِي الْبَحْرِ وَفِرْقَةٌ فِي الْبَرِّ وَالْفَارَةُ فَهِيَ الْفَوَيْسِقَةُ وَالْعَقْرَبُ كَانَ نَمَامًا وَالدُّبُّ وَالزُّبُورُ كَانَتْ لَحَامًا يَسْرِقُ فِي الْمِيزَانِ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از محمد بن حسن اشعری روایت کرده که گفت: حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمود: فیل مسخ شده است. او پادشاهی بود که بسیار زنا می کرد.

گرگ نیز مسخ شده است. او عرب بادیه نشینی دیوت بود.

خرگوش نیز مسخ شده است. او زنی بود که به شوهرش خیانت می ورزید و غسل حیض انجام نمی داد.

خفاش نیز مسخ شده است. او کسی بود که خرماهای مردم را می دزدید.

میمون و خوک گروهی از بنی اسرائیل بودند که در روز شنبه سرکشی و عداوت نمودند.

ص: ۶۲۳

۱- . الكافي ج ۶ ص ۲۴۶ ح ۱۲.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۲۴۶ ح ۱۴.

مار جزیت و سوسمار، فرقه ای از بنی اسرائیل بودند که هنگامی که آن سفره آسمانی بر حضرت عیسی علیه السلام نازل شد، ایمان نیاوردند. از این رو هلاک شدند. گروهی در دریا و گروهی دیگر در خشکی افتادند.

و موش همان موش است.

و عقرب شخصی سخن چین بود.

و خرس و زنبور، قصابی بود که در سنجش گوشت دزدی می کرد.

توضیح: آن عده از مسخ شدگان که اسم برده شدند در زمان قبل از اسلام بوده و چیزهای که مسخ شده بودند بعد از گذشت سه روز نابود می شدند. اما حرمت خوردن گوشت حیوانات امروزی که از آنان اسم برده شده به دلیل شباهت شان با مسخ شدگان است.

۵۷۲- پرندگان حلال گوشت و حرام گوشت

۱- الشيخ الكليني، ياسناده عن سماعه بن مهران قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن المأكول من الطير والوحش فقال حرم رسول الله صلى الله عليه وآله كل ذي مخلب من الطير وكل ذي ناب من الوحش فقلت إن الناس يقولون من السبع فقال لي يا سماعه السبع كله حرام وإن كان سباعاً لا ناب له وإنما قال رسول الله صلى الله عليه وآله هذا تفصيلاً وحرم الله عز وجل وحمل رسول الله صلى الله عليه وآله المسوخ جميعها فكل الآن من طير البر ما كانت له حوصلة ومن طير الماء ما كان له قانصة كقانصة الحمام لا معدة كعدته الإنسان وكل ما صف وهو ذو مخلب فهو حرام والصيف كما يطير البازي والصقر والجداه وما أشبه ذلك وكل ما دف فهو حلال والحوصلة والقانصة يمتحن بها من الطير ما لا يعرف طيرانه وكل طير مجهول. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سماعه بن مهران روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه پرسیدم: آیا خوردن گوشت پرندگان و حیوانات وحشی جایز است؟

فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله هر پرنده چنگال دار و هر حیوان وحشی نیش دار را حرام نمود.

عرض کردم: این مردم (جماعت عامه) می گویند: رسول الله صلى الله عليه وآله درندگان نیش دار را حرام نمود.

ص: ۶۲۴

حضرت فرمود: ای سماعه! همه درندگان حرام اند؛ گرچه درنده ای نیش نداشته باشد و همانا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ همه محرمات را به طور مفصل بیان نمود و خدا و پیامبرش همه مسخ شدگان را حرام نمودند.

بنابراین اکنون، از گوشت پرندگان خشکی چینه دان دار تناول کن. و پرندگان آبی که همانند کبوتر سنگدان دارند، نه معده ای به سان معده انسان و هر پرنده ای که با بال های گشوده پرواز کند و دارای چنگال باشد حرام گوشت است.

با بال های گشوده همانند پرواز باز شاهین و زغن و مانند این ها حرام است.

و هر پرنده ای که بال هایش را باز می کند و می بندد حلال گوشت است. چینه دان و سنگدان و هر پرنده ای که پروازش مشخص نیست و هر پرنده ای که ناشناخته و مجهول است به وسیله آن ها آزمایش و حلال یا حرام بودنش مشخص می شود.

۲- الشیخ الکلبینی، بإسناده عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: كُلُّ مِنَ الطَّيْرِ مَا كَانَتْ لَهُ قَانِصَةٌ أَوْ صِيصِيَّةٌ أَوْ حَوْصَلَةٌ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن بکیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: از گوشت پرندگان که سنگدان یا خار پشت پا و یا چینه دان دارند بخور.

۵۷۳- شناسایی تخم پرندگان

۱- الشیخ الکلبینی، بإسناده عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: كُلُّ مِنَ الْبَيْضِ مَا لَمْ يَسْتَوِ رَأْسَاهُ وَ قَالَ مَا كَانَ مِنْ بَيْضِ طَيْرِ الْمَاءِ مِثْلَ بَيْضِ الدَّجَاجِ وَ عَلَى خِلْقَتِهِ أَحَدُ رَأْسَيْهِ مُفْرَطِحٌ وَ إِلَّا فَلَا تَأْكُلُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از مسعده بن صدقه روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: از تخم پرندگان، تخمی را بخور که دو سرش یکسان نباشد.

و فرمود: تخم پرنده آبی که می توان آن را خورد مانند تخم مرغ و طبق خلقتش، یک سر آن پهن و عریض است و گرنه نباید بخوری.

ص: ۶۲۵

۱- الکافی ج ۶ ص ۲۴۸ ح ۵.

۲- الکافی ج ۶ ص ۲۴۹ ح ۴.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن حنان بن سيدير قال: سئل أبو عبد الله صلوات الله عليه وأنا حاضراً عنده عن جدِّي يرضع من خنزيره حتى كبر وشب واشتدَّ عظمه ثم إن رجلاً استفحله في غنمه فأخرج له نسل فقال أما ما عرفت من نسله بعينه فلا تقرَّبته و أما ما لم تعرفه فكله فهو بمنزله الجبن ولا تسأل عنه. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حنان بن سدیدر روایت کرده که گفت: من در حضور حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بودم که از حضرتش پرسیدند: بزغاله ای از پستان خوک شیر خورده و بزرگ شده و استخوانش محکم گشته و آن گاه که آماده تلقیح شده، در یک رمه گوسفند وارد شده و نسلی از آن به وجود آمده است. بره های این بزغاله چه حکمی دارند؟

فرمود: اگر بره های آن بزغاله مشخص و معلوم باشند، به آن ها نزدیک مشو (مخور)، و اگر نامشخص باشد، از گوشت بره های آن رمه تناول کن. موارد مشکوک مانند پنیر است (که گاهی با مایه نجس به عمل می آید). پرسش و تحقیق لازم نیست.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه: أن أمير المؤمنين صلوات الله عليه سئل عن حمل غدي بلبن خنزيره فقال قيده و اعلفوه الكسب و النوى و الشعير و الخبز إن كان استغنى عن اللبن فإن لم يكن استغنى عن اللبن فيلقى على ضرع شاه سبعة أيام ثم يؤكل لحمه. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه درباره بره ای که با شیر خوک تغذیه کرده پرسیده شد.

فرمود: در صورتی که بره از شیر بازگرفته شده آن را در جایی نگه دارید و عصاره روغن، هسته خرما، جو و نان بخورانید؛ و اگر از شیر باز نگرفته شده هفت روز از پستان گوسفندی تغذیه کند، سپس می توان گوشت آن را خورد.

ص: ۶۲۶

۱- . الكافي ج ۶ ص ۲۴۹ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۲۵۰ ح ۵.

۵۷۵- حکم گوشت و تخم حیوانات نجاست خوار و حکم گوسفند شراب خوار

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي حمزة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: لا تأكلوا لحوم الجلالات وهى التى تأكل العذرة وإن أصابك من عرقها فأغسله. (۱)

مرحوم شيخ كلینی، با سند خویش از ابو حمزه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: گوشت حیوانات نجاست خوار را نخورید و اگر عرق آن حیوان به بدن تو سرایت کرد، آن را بشوی.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه: الدجاجه الجلاله لا يؤكل لحمها حتى تُقَيَّدَ ثلاثه أيامٍ و البطه الجلاله خمسہ أيامٍ و الشاه الجلاله عشره أيامٍ و البقره الجلاله عشرين يوماً و الناقه أربعين يوماً. (۲)

مرحوم شيخ كلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله عليه فرمود: گوشت مرغ نجاست خوار را نمی توان خورد تا این که به مدت سه روز عادتش شکسته شود. مدت زمان شکستن عادت مرغابی نجاست خوار، پنج روز و گوسفند نجاست خوار، ده روز، گاو نجاست خوار بیست روز و شتر نجاست خوار چهل روز است.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن موسى بن أكيل عن بعض أصحابنا عن أبي جعفر صلوات الله عليه: فى شاه شربت بولاً ثم ذبحت قال فقال يغسل ما فى جوفها ثم لا بأس به و كذلك إذا اعتلفت العذرة و ما لم تكن جلاله و الجلاله التى يكون ذلك غذاها. (۳)

مرحوم شيخ كلینی، با سند خویش از موسی بن اکیل از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه درباره گوسفندی که بول نوشید، سپس او را ذبح نمودند فرمود: درون شکمش شسته می شود سپس خوردن آن ایرادی ندارد. و همین طور است حکم گوسفندی که مدفوع بخورد به گونه ای که نجاست خوار محسوب نشود. و حیوان نجاست خوار، حیوانی است که از مدفوع تغذیه کند.

ص: ۶۲۷

۱- . الكافي ج ۶ ص ۲۵۰ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۲۵۱ ح ۳.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۲۵۱ ح ۵.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن سعد بن سعد الأشعري عن أبي الحسن الرضا صلوات الله عليه قال: سألتُهُ عن أكل لحوم الدجاج في الدساكر و هم لا يمنعونها من شيء تمز على العذره مخلى عنها و عن أكل بيضهن فقال لا بأس به. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سعد بن سعد اشعری روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله علیه پرسیدم: مرغان خانگی که در دهات رها و آزاد می چرخند و اگر مدفوع نجس بیابند، از آن تغذیه می کنند و صاحبان مرغ ها به فکر ممانعت و مراقبت نیستند، خوردن گوشت و تخم آن ها چه صورت دارد؟

فرمود: مانعی ندارد.

توضیح: آن عده از حیواناتی که خوردن مدفوع و نجاست باعث تغذیه آنان بشود، طبق حدیث دوم عمل شده و بعد از آن گوشت آنان قابل استفاده می گردد. اما اگر حیوانی نجاست را هر از گاهی بخورد، به حدیث سوم و چهارم عمل می شود. و هر گاه کسی بخواهد بدون در نظر داشت ترکیه حیوان نجاست خوار، آن را ذبح کرده و مایل به میل کردن آن باشد پس چنین کارش جایز نبوده و مؤمنین طبق حدیث اول نباید از گوشت آن حیوان استفاده کنند.

۵۷۶- اعضای از حیوانی که نمی توان خورد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن أبي عمير عن بعض أصحابنا عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: لا تؤكل من الشاه عشره أشياء الفوت و الدم و الطحال و النخاع و العلباء و العدد و الفصيب و الأنتيان و الحياء و المرارة. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابن ابی عمیر از یکی از اصحاب ما روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: ده عضو گوسفند را نباید خورد: سرگین داخل شکبه، خون، طحال، رگ نخاع، رگ گردن، غده ها، آلت نره، بیضه ها، آلت مادگی و کیسه صفرا.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن إسماعيل بن مزار عنهم صلوات الله عليهم قال: لا يؤكل مما يكون في الأبل و البقر و الغنم و غير ذلك مما لحمه حلال الفرج بما فيه ظاهره و باطنه و

ص: ۶۲۸

۱- الكافي ج ۶ ص ۲۵۲ ح ۸.

۲- الكافي ج ۶ ص ۲۵۴ ح ۳.

الْقَضِيْبُ وَ الْبَيْضَتَانِ وَ الْمَشِيْمَةُ وَ هِيَ مَوْضِعُ الْوَلَدِ وَ الطَّحِيَالِ لِأَنَّهُ دَمٌ وَ الْعَدَدُ مَعَ الْعُرُوقِ وَ الْمِيْحُ وَ الَّذِي يَكُونُ فِي الصُّلْبِ وَ الْمَرَارَةُ وَ الْحَدَقُ وَ الْخَرْزَةُ الَّتِي تَكُونُ فِي الدِّمَاغِ وَ الدَّمِ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از اسماعيل بن مزار روايت کرده که گفت: معصومين صلوات الله عليهم فرمودند: از شتر، گاو، گوسفند و حيوانات حلال گوشت ديگر اين اعضا را نمي توان خورد:

آلت مادگی - بيرون و داخل آن - آلت نری و بيضه ها و پوستی که محل زندگی جنين است، طحال؛ زیرا که خون است، رگ ها و مغز استخوان و رگی در استخوان کمر است و كيسه صفرا و سياهی چشم، «خرزه» که در ميان مغز سر قرار دارد و خون.

۵۷۷- اعضای مورد استفاده از ميته

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحسين بن زرارة قال: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ أَبِي يَسْأَلُهُ عَنِ اللَّبَنِ مِنَ الْمَيْتَةِ وَ الْبَيْضَةِ مِنَ الْمَيْتَةِ وَ إِنْفَحِهِ الْمَيْتَةَ فَقَالَ كُلُّ هَذَا ذِكِّي قَالَ فَقُلْتُ لَهُ فَشَعْرُ الْخَنْزِيرِ يُعْمَلُ حَبْلًا وَ يُسَيِّتَقَى بِهِ مِنَ الْبُئْرِ الَّتِي يُشْرَبُ مِنْهَا أَوْ يُتَوَضَّأُ مِنْهَا قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ. وَ زَادَ فِيهِ عَلِيُّ بْنُ عُقْبَةَ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ رَبَاطٍ قَالَ: وَ الشَّعْرُ وَ الصُّوفُ كُلُّهُ ذِكِّي.

وَ فِي رِوَايَةٍ صِفْوَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: الشَّعْرُ وَ الصُّوفُ وَ الْوَبْرُ وَ الرَّيشُ وَ كُلُّ نَابِتٍ لَا يَكُونُ مَيْتَةً قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْبَيْضَةِ تُخْرَجُ مِنْ بَطْنِ الدَّجَاغَةِ الْمَيْتَةِ قَالَ تَأْكُلُهَا. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حسين بن زراره روايت کرده که گفت: من در حضور حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه بودم. پدرم پرسيد: شيري که از پستان گاو مرده خارج شود، تخمي که از شکم مرغان مرده بيرون آيد و پنيير مايه اي که از شکم بزغاله مرده خارج سازند (چه حکمی دارند؟)

فرمود: همه اينها پاک هستند.

گفتم: اگر از موی خوک ريسمان بيافند و با آن ريسمان آب بکشند و بنوشند و وضو بگيرند، چه صورت دارد؟

ص: ۶۲۹

۱- . الكافي ج ۶ ص ۲۵۴ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۲۵۸ ح ۳.

فرمود: مانعی ندارد.

و در روایت صفوان از حسین بن زراره آمده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: مو، پشم، کرک، پر و هر عضو دیگری که از بدن حیوان بروید، مردار نیست.

پرسیدم: تخمی که از شکم مرغ مرده خارج شود، چه حکمی دارد؟

فرمود: حلال است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن حريز قال: قال أبو عبد الله صلوات الله عليه لزرارة و محمد بن مسلم اللبنة و اللبنة و البيضه و الشعرة و الصوف و القرن و الثاب و الحافر و كل شيء يفصل من الشاه و الدابة فهو ذكي و إن أخذته منها بعد أن تموت فاعسله و صل فيه. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حریر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه به زراره و محمد بن مسلم فرمود: شیر، فله، تخم مرغ، مو، پشم، شاخ، دندان نیش، سم، و هر چیزی مانند اینها که از بدن حیوانات حلال گوشت بریزد، پاک است، و اگر بعد از مرگ حیوان جدا شود، آن را بشوی و با آن نماز بخوان که پاک و حلال است.

۵۷۸- حرام بودن گوشت چهارپایی که توسط انسان وطی شده

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مسمع عن أبي عبد الله صلوات الله عليه: أن أمير المؤمنين صلوات الله عليه سئل عن البهيمه التي تنكح فقال حرام لحمها و كذلك لبنتها. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از مسمع روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در مورد چهارپایی که توسط انسان وطی شده، سؤال کردند.

فرمود: گوشتش و هم چنین شیر آن ها حرام است.

ص: ۶۳۰

۱- الكافي ج ۶ ص ۲۵۸ ح ۴.

۲- الكافي ج ۶ ص ۲۵۹ ح ۱.

۵۷۹- مخلوط شدن حیوان مردار با حیوان تذکیه شده

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه: أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ كَانَتْ لَهُ غَنَمٌ وَبَقَرٌ وَكَانَ يُدْرِكُ الذَّكِيَّ مِنْهَا فَيَعْرِضُهَا وَيَعْزِلُ الْمَيْتَةَ ثُمَّ إِنَّ الْمَيْتَةَ وَالذَّكِيَّ اخْتَلَطَا فَكَيْفَ يَصْنَعُ بِهِ فَقَالَ يَبِيعُهُ مِمَّنْ يَسْتَحِلُّ الْمَيْتَةَ وَيَأْكُلُ ثَمَنَهُ فَإِنَّهُ لَا بَأْسَ بِهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: مردی گوسفند و گاوی داشت، او می دانست که کدام شان تذکیه شده است؛ پس تذکیه شده را کناری گذاشت و مردار را نیز به کناری نهاد، سپس مردار و تذکیه شده مخلوط شدند. (چه وظیفه ای دارد؟)

فرمود: آن را به کسی که مردار را حلال می داند بفروشد و از پول آن استفاده کند؛ زیرا ایرادی ندارد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي قال سمعتُ أبا عبد الله صلوات الله عليه يقول: إِذَا اخْتَلَطَ الذَّكِيُّ وَالْمَيْتَةُ بَاعَهُ مِمَّنْ يَسْتَحِلُّ الْمَيْتَةَ وَيَأْكُلُ ثَمَنَهُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: هرگاه حیوان تذکیه شده و مردار مخلوط شدند، آن را به کسی که مردار را حلال می داند بفروشد و از پول آن استفاده کند.

۵۸۰- حکم غذای اهل ذمه خوردنی ها و ظروف آن ها

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ آيَةِ أَهْلِ الذِّمَّةِ وَالْمَجُوسِ فَقَالَ لَا تَأْكُلُوا فِي آيَتِهِمْ وَلَا مِنْ طَعَامِهِمْ الَّذِي يَطْبُخُونَ وَلَا فِي آيَتِهِمْ الَّتِي يَشْرَبُونَ فِيهَا الْخَمْرَ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه پرسیدم: ظرفی که یهودی، یا نصرانی و مجوسی در آن غذا بخورد پاک است؟

فرمود: در ظرف آنان غذا نخورید، از پختنی آنان نخورید و از ظرفی که مشروب می خورند آب ننوشید.

ص: ۶۳۱

۱- . الكافي ج ۶ ص ۲۶۰ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۲۶۰ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۲۶۴ ح ۵.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي الْجَارُودِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَطَعَامُ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ» فَقَالَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ الْحُبُّوبُ وَالتَّبَقُولُ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو جارود روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه درباره گفتار خداوند که می فرماید: {غذای اهل کتاب و نیز غذای شما برای آنان حلال است}. (سوره مائده آیه ۵) فرمود: منظور حبوبات و سبزیجات است.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن زَكَرِيَّا بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ: كُنْتُ نَصْرَانِيًّا فَأَسْلَمْتُ فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي عَلَى دِينِ النَّصْرَانِيَّةِ فَأَكُونُ مَعَهُمْ فِي بَيْتٍ وَاحِدٍ وَ أَكُلُ مِنْ آتِيَتِهِمْ فَقَالَ لِي صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَيْ أَكُلُونَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ قُلْتُ لَا قَالَ لَا بَأْسَ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از زكريا بن ابراهيم گوید: من نصرانی بودم و بعد اسلام آوردم. به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه گفتم: خاندان من نصرانی هستند، آیا من می توانم با آنان در یک خانه زندگی کنم و از ظرف آنان غذا بخورم؟

آن حضرت به من فرمود: آیا خاندانت گوشت خوک می خورند؟

گفتم: نه.

فرمود: مانعی ندارد.

۵۸۱- حکم خوردن خاک

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ عَنْ رَجُلٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: الطِّينُ حَرَامٌ كُلُّهُ كَلَحْمِ الْخِنْزِيرِ وَ مَنْ أَكَلَهُ ثُمَّ مَاتَ فِيهِ لَمْ أَصَلْ عَلَيْهِ إِلَّا طِينَ الْقَبْرِ (الإمام الحسين صلوات الله عليه) فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ مَنْ أَكَلَهُ لِشَهْوَةٍ لَمْ يَكُنْ لَهُ فِيهِ شِفَاءٌ. (۳)

ص: ۶۳۲

۱- . الكافي ج ۶ ص ۲۶۴ ح ۶.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۲۶۴ ح ۱۰.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۲۶۵ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابی یحیی واسطی از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: همه انواع خاک همانند گوشت خوک حرام است و هرکسی خاک بخورد و بمیرد، من بر او نماز نخواهم خواند. جز خاک قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه زیرا در آن شفاء است و هرکس آن را از روی هوس بخورد، شفایی در آن نخواهد دید.

۵۸۲- سفره ای که در آن شراب است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن هارون بن الجهم قال: كُنَّا مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْحِيرَةِ حِينَ قَدِمَ عَلَيَّ أَبِي جَعْفَرِ الْمَنْصُورِ فَخَتَّنَ بَعْضُ الْقَوَادِ ابْنًا لَهُ وَ صَيَّعَ طَعَامًا وَ دَعَا النَّاسَ وَ كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيهِمْ دُعَى فَبَيْنَا هُوَ عَلَى الْمَائِدَةِ يَأْكُلُ وَ مَعَهُ عِدَّةٌ عَلَى الْمَائِدَةِ فَاسْتَشَيْتَنِي رَجُلٌ مِنْهُمْ مَاءً فَأَتَيْتَنِي بِتَدْحٍ فِيهِ شَرَابٌ لَهُمْ فَلَمَّا أَنْ صَارَ التَّدْحُ فِي يَدِ الرَّجُلِ قَامَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ الْمَائِدَةِ فَمَسَّ يَدَهُ فَقَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ جَلَسَ عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ جَلَسَ طَائِعًا عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از هارون بن جهم روایت کرده که گفت: ما همراه حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در «حیره» بودیم، هنگامی که آن حضرت را نزد منصور دوانیقی احضار نمودند. مراسم ختنه سورانی پسر یکی از سرلشکرها بود که مردم را برای صرف غذا دعوت کرده بود. حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه نیز جزو مدعوین بود. حضرت بر سفره غذا تناول می نمود و مدعوین نیز بر سر سفره بودند، یکی از آنان آب خواست. کاسه ای برایش آوردند که در آن شراب بود. هنگامی که کاسه در دست آن شخص قرار گرفت، حضرت صلوات الله علیه از سر سفره برخاست.

به حضرتش عرض کردند: چرا برخاستی؟

فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که بر سفره ای بنشیند که بر آن شراب نوشیده می شود، ملعون است.

در روایت دیگری چنین آمده است: ملعون است، ملعون است کسی که با میل خود بر سفره ای بنشیند که بر آن شراب نوشیده می شود.

ص: ۶۳۳

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن المَعْلَى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِنَّ مِنَ الْحُقُوقِ الْوَاجِبَاتِ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ تُجَابَ دَعْوَتُهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معالی بن خنیس روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: از حقوق واجبات مؤمن این است که دعوتش پذیرفته شود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن جابرٍ عن أبي جعفرٍ صلوات الله عليه قال قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أوصي الشاهد من أمتي و الغائب أن يجيب دعوة المسلم ولو على خمسه أميال فإن ذلك من الدين. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جابر روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: به حاضر و غایب اتم سفارش می کنم که دعوت مسلمان را قبول کند؛ گرچه دعوت به فاصله پنج میل باشد؛ زیرا این از آیین است.

۵۸۴- «بسم الله» و «الحمد لله» گفتن به هنگام صرف غذا

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا وُضِعَتِ الْمَائِدَةُ حَفَّتْهَا أَرْبَعَةُ آلَافِ مَلَكَ فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ بِسْمِ اللَّهِ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ بَارَكَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فِي طَعَامِكُمْ ثُمَّ يَقُولُونَ لِلشَّيْطَانِ أَخْرِجْ يَا فَاسِقُ لَا سُلْطَانَ لَكَ عَلَيْهِمْ فَإِذَا فَرَعُوا فَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ قَوْمٌ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَأَدَّوْا شُكْرَ رَبِّهِمْ وَإِذَا لَمْ يُسْمُوا قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ لِلشَّيْطَانِ أَدْنُ يَا فَاسِقُ فَكُلْ مَعَهُمْ فَإِذَا رُفِعَتِ الْمَائِدَةُ وَ لَمْ يَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ قَوْمٌ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَانْسُوا رَبَّهُمْ جَلَّ وَ عَزَّ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: هنگامی که سفره برای صرف غذا گسترده می شود، چهار هزار فرشته آن را در برمی گیرند و هنگامی که بنده می گوید: «بسم الله الرحمن الرحيم» فرشتگان

ص: ۶۳۴

۱- . الكافي ج ۶ ص ۲۷۴ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۲۷۴ ح ۴.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۲۹۲ ح ۱.

می گویند: «خداوند در غذایتان به شما برکت دهد». آن گاه به شیطان می گویند: «ای فاسق! بیرون شو تو بر آنان سلطه و تأثیر نداری».

هنگامی که آنان از غذا خوردن فارغ شوند و بگویند: «الحمد لله» فرشتگان می گویند: «اینان قومی هستند که خداوند به آنان نعمت داد و شکر پروردگارشان را به جای آوردند».

و هرگاه در ابتدای غذا «بسم الله» نگویند، فرشتگان به شیطان می گویند: «ای فاسق! نزدیک شو و با آنان غذا بخور» و زمانی که سفره برداشته شود و نام خدا را بر آن نبرده باشند، فرشتگان می گویند: «اینان قومی هستند که خداوند به آنها نعمت داد؛ ولی اینها پروردگار متعال خود را فراموش کردند».

ص: ۶۳۵

۵۸۵- فضیلت و ارزش آب

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عيسى بن عبد الله عن أبيه عن جدّه قال قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه: الماء سيّد الشراب في الدنيا والآخرة. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عیسی بن عبدالله از پدرش از جدش روایت کرده که گفت: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: آب، آقای نوشیدنی ها در دنیا و آخرت است.

۵۸۶- آب فراوان آشامیدن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أحمد بن عمر الحلبي قال: قال أبو عبد الله صلوات الله عليه وهو يوصي رجلاً فقال له أقلل من شرب الماء فإنه يمدد كل داء واجتنب الدواء ما احتمل بدنك الداء. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از احمد بن عمر حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در حالی که به شخصی توصیه می نمود، فرمود: کمتر آب بیاشام؛ زیرا آشامیدن فراوان آب مدّت بیماری را طولانی می کند و تا جایی که بدنت تحمل بیماری را دارد از مصرف دارو خودداری کن.

۵۸۷- فضیلت آب زمزم

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن القداح عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه: ماء زمزم خير ماء على وجه الأرض وشر ماء على وجه الأرض ماء برهوت الذي بحضرموت تردّه هام الكفار بالليل. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن قدّاح روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: بهترین آب روی زمین، آب زمزم است و بدترین آب روی زمین، آب برهوت است که در «حضرموت» قرار دارد و شب هنگام سرهای کافران وارد آن می شوند تا از آن بنوشید.

ص: ۶۳۶

۱- . الكافي ج ۶ ص ۳۸۰ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۳۸۲ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۳۸۶ ح ۳.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن القَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَاءٌ زَمْزَمَ دَوَاءٌ مِمَّا شُرِبَ لَهُ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابن قَدَّاحِ روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمود: رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: آب زمزم، دوی هر بیماری است که به خاطر شفای آن، آب زمزم را بیاشامند.

۵۸۸- فضیلت آب فرات

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: مَا إِخَالَ أَحَدًا يُحَنِّكَ بِمَاءِ الْفُرَاتِ إِلَّا أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَقَالَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ مَا سِيقَى أَهْلُ الْكُوفَةِ مَاءَ الْفُرَاتِ إِلَّا لِأَمْرِ مَا وَقَالَ يُصَبُّ فِيهِ مِيزَابَانِ مِنَ الْجَنَّةِ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از محمد بن ابی حمزه از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمود: گمان نمی کنم هر کسی از آب فرات برداشته شود جز آن که ما اهل بیت صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِم را دوست خواهد داشت.

هم چنین فرمود: اهل کوفه از آب فرات نمی نوشند؛ مگر به خاطر نفوذ ولایت ما در قلب های آنان.

و فرمود: آب دو ناودان بهشتی در آب فرات ریخته می شود.

۵۸۹- آب هایی که از شرب آنها نهی شده است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْإِسْتِشْفَاءِ بِالْحَمِيَّاتِ وَهِيَ الْعَيْونُ الْحَارَّةُ الَّتِي تَكُونُ فِي الْجِبَالِ الَّتِي تُوْجَدُ فِيهَا رَائِحَةُ الْكِبْرِيْتِ وَقِيلَ إِنَّهَا مِنْ فَنِيحِ جَهَنَّمَ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از مسعده بن صدقه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فرمود: رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ از استشفای با «حمیات» که همان چشمه های آب

ص: ۶۳۷

۱- . الكافي ج ۶ ص ۳۸۷ ح ۵.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۳۸۸ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۳۸۹ ح ۱.

گرم کوه ها هستند و در آن بوی گوگرد استشمام می شود. نهی نمود. هم چنین گفته می شود: آن، از جوشش دوزخ است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي سعيد عقيصا التيمي قال: مررت بالحسن والحسين صلوات الله عليهما وهما في الفرات مسدتين في إزارين فقلت لهما يا ابني رسول الله صلى الله عليكمم أفسدتما إزارين فقالا لي يا أبا سعيد فسادنا للإزارين أحب إلينا من فساد الدين إن للماء أهلا وسكنا كسكان الأرض ثم قالوا إلى أين تريد فقلت إلى هذا الماء فقالا وما هذا الماء فقلت أريد دواءه أشرب من هذا المر لعله بي أرجو أن يخفف له الجسد ويسهل البطن فقالا ما نحسب أن الله جل وعز جعل في شيء قد لعنه شفاء قلت ولِمَ ذاك فقالا- لأن الله تبارك وتعالى لما آسفهم قوم نوح عليه السلام فتيح السماء بماء منهمر وأوحى إلى الأرض فاسد تعصت عليه عيون منها فلعنها وجعلها ملحا أجابا وفي رواية حميد بن سليمان أنها صلوات الله عليهما قالوا يا أبا سعيد تأتي ماء ينكر ولا يتنا في كل يوم ثلاث مرات إن الله عز وجل عرض ولايتنا على المياه فما قبل ولايتنا عذب وطاب وما جحد ولايتنا جعله الله عز وجل مراً أو ملحا أجابا. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو سعید عقیصا تیمی روایت کرده که گفت: حضرت امام حسن مجتبی صلوات الله علیه و حضرت سیدالشهداء امام حسین صلوات الله علیه را دیدم که ازار پوشیده بودند و در فرات مشغول آب تنی بودند.

به آنان عرض کردم: ای پسران رسول الله! خداوند بر شما درود فرستد! ازارها را تباہ کردید!

به من فرمودند: ای ابو سعید! تباہ کردن ازارها نزد ما محبوب تر است از تباہ نمودن دین. به راستی که آب، اهالی و ساکنانی دارد مانند ساکنان زمین.

سپس فرمودند: به کجا می خواهی بروی؟

عرض کردم: به سوی این آب.

فرمودند: این آب چیست؟

ص: ۶۳۸

عرض کردم: من فایده دارویی این آب را می‌خواهم. به خاطر بیماری که دارم از این آب تلخ می‌نوشم. امیدوارم که به وسیله آن، بدنم سبک و شکمم روان شود.

فرمودند: گمان نمی‌کنیم خداوند در چیزی که آن را لعنت نموده است، شفا قرار داده باشد.

عرض کردم: چرا چنین است؟

فرمودند: زیرا هنگامی که قوم نوح، خداوند را به غضب آوردند، خداوند آسمان را به آبی ریزان گشود و به زمین وحی نمود، بعضی از چشمه‌های زمین خداوند را نافرمانی نمودند، آن‌گاه خداوند آنان را لعن نمود و آنها را شور گرداند.

در روایت حمدان بن سلیمان چنین است: آن دو حضرت صلوات الله علیهما فرمودند: ای ابو سعید! به سوی آبی می‌روی که ولایت ما را در هر روز، سه بار انکار می‌کند؟! خداوند متعال ولایت ما را بر آب‌ها عرضه نمود؛ پس هر آبی که ولایت ما را پذیرفت شیرین، گوارا و پاکیزه شد و هر آبی که ولایت ما را انکار کرد، خداوند آن را تلخ و شور گردانید.

۵۹۰- شراب همیشه حرام بوده است

۱- الشیخ الکلبینی، یاسناده عن إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا وَفِي عِلْمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّهُ إِذَا أَكْمَلَ لَهُ دِينَهُ كَانَ فِيهِ تَحْرِيمُ الْخَمْرِ وَلَمْ تَزَلِ الْخَمْرُ حَرَامًا إِنَّ الدِّينَ أُنْمَا يُحَوَّلُ مِنْ خَصَلِهِ إِلَى أُخْرَى فَلَوْ كَانَ ذَلِكَ جُمْلَةً قُطِعَ بِهِمْ دُونَ الدِّينِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابراهیم بن عمر یمانی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: خداوند هیچ‌گاه پیامبری را مبعوث ننمود، مگر آن که در علم خداوندی چنین بود که هنگامی دین را برای او کامل نمود، حرام بودن شراب در آن هنگام باشد و همیشه شراب حرام بوده است. به راستی که دین از یک حکم به حکم دیگر منتقل می‌شود و اگر (احکام) دین یکباره بیان می‌شد، مردم در مقابل دین درمانده می‌شدند.

ص: ۶۳۹

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي الربيع الشامي قال: سئل أبو عبد الله صلوات الله عليه عن الخمر فقال قال رسول الله صلى الله عليه وآله إن الله عز وجل بعثني رحمة للعالمين ولأتمحق المعازف والمزامير وأمور الجاهلية والأوثان وقال أقسم ربِّي أن لا يشرب عبداً لي في الدنيا خمرًا إلا سقيته مثل ما شرب منها من الحميم يوم القيامة مُعَذَّباً أو مَغْفُوراً له ولا يسقيها عبداً لي صبيّاً صغيراً أو مملوكاً إلا سقيته مثل ما سقاه من الحميم يوم القيامة مُعَذَّباً بعد أو مَغْفُوراً له. (۱)

مرحوم شيخ کلینی، با سند خویش از ابو ربیع شامی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره شراب پرسیدند. حضرتش فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: به راستی که خداوند مرا رحمت برای جهانیان برانگیخت و به یقین آلات موسیقی، نی ها، امور دوران جاهلی و بت ها را نابود خواهم نمود.

هم چنین فرمود: پروردگارم سوگند یاد کرده است که هر مقداری که بنده من در دنیا شراب بنوشد، همان مقدار در روز قیامت او را از آب گرم و چرکین دوزخ می نوشانم، آن گاه به آتش دوزخ عذاب شود و یا مورد مغفرت قرار گیرد و هر مقدار از شراب را به کودک و یا برده ای بنوشاند در روز قیامت به همان مقدار از آب گرم و چرکین دوزخ به او می نوشانم، آن گاه عذاب شود، و یا آمرزیده شود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن أبي عمير عن بعض أصحابه عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: شارب الخمر لا يعاد إذا مرض ولا يشهد له جنازة ولا تزكوه إذا شهد ولا تزوجه إذا خطب ولا تأتمنوه على أمانه. (۲)

مرحوم شيخ کلینی، با سند خویش از ابن ابی عمیر از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: هر گاه شراب خوار بیمار شود نباید به عیادتش رفت و بر جنازه اش حاضر شد و هر گاه شهادت داد او را پاکیزه ندانید و هر گاه خواستگاری نمود به او همسر ندهید و او را بر امانت امین قرار ندهید.

ص: ۶۴۰

۱- . الکافی ج ۶ ص ۳۹۶ ح ۱.

۲- . الکافی ج ۶ ص ۳۹۶ ح ۴.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن عجلان أبي صالح قال سمعت أبا عبد الله صلوات الله عليه يقول: قال الله عز وجل من شرب مسكراً أو سقاه صبيلاً لا يعقل سقته من ماء الحميم معذباً أو مغفوراً له ومن ترك المسكر ابتغاء مرضاتي أدخلته الجنة وسقته من الرحيق المختوم وفعلت به من الكرامه ما أفعل بأوليائي. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عجلان ابو صالح روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه شنیدم که می فرمود: خداوند متعال فرمود: هرکس ماده مستی آوری بیاشامد و یا آن را به کودکی که نمی فهمد بنوشاند، او را از آب گرم و چرکین دوزخ خواهم نوشاند؛ او را عذاب کنم یا ببخشایم و هرکس ماده مست کننده را به خاطر خشنودی من ترک کند، او را به بهشت وارد می نمایم و از «رحیق مختوم» سیراب می کنم و آن کرامتی که برای اولیای خود روا می دارم، با او انجام می دهم.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن زيد بن علي عن آيائه صلوات الله عليهم قال: لعن رسول الله صلى الله عليه وآله الخمر وعاصرها ومغتصرها وبائعها ومشتريها وساقيتها وآكل ثمنها وشاربها وحاملها والمحمولة إليه. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از زيد پسر حضرت امام سجّاد صلوات الله عليه از پدران بزرگوارش صلوات الله عليهم روایت کرده که فرمودند: رسول الله صلى الله عليه وآله شراب، شراب ساز، سفارش دهنده، فروشنده و خریدار شراب مصرف کننده پول آن، شراب خوار، حمل کننده آن و کسی که شراب را برایش می آورند؛ همه را لعنت نمود.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن خضر الصيرفي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: من شرب النبيذ على أنه حلال خلد في النار ومن شربه على أنه حرام عذب في النار. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از خضر صيرفي روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: هرکس نبيذ بنوشد با این اعتقاد که حلال است، همواره در آتش دوزخ خواهد ماند و هرکس نبيذ بنوشد با این عقیده بنوشد که حرام است، در آتش، عذاب خواهد شد.

ص: ۶۴۱

۱- . الكافي ج ۶ ص ۳۹۷ ح ۷.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۳۹۸ ح ۱۰.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۳۹۸ ح ۱۱.

۶- الشيخ الكليني، بإسناده عن يونس بن زبَّان قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: يا يونس بن زبَّان أبلغ عطية عنى أنه من شرب جرعه من خمر لعنه الله عز وجل وملائكته ورسله والمؤمنون فإن شربها حتى يسكر منها نزع روح الإيمان من جسده وركبت فيه روح سيخفه حيثه ملعونه فيترك الصلاة فإذا ترك الصلاة عيرته الملائكة وقال الله عز وجل له عدي كفرت وعيرتك الملائكة سواه لك عدي ثم قال أبو عبد الله صلوات الله عليه سواه كما تكون السواه والله لتوبيخ الجليل جل اسمه ساعة واحدة أشد من عذاب ألف عام قال ثم قال أبو عبد الله صلوات الله عليه ملعونين أينما ثقفوا أخذوا وقتلوا تقتيلاً ثم قال يا يونس ملعون ملعون من ترك أمر الله عز وجل إن أخذ براً دمرته وإن أخذ بحراً غرقته يغضب لغضب الجليل عز اسمه. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یونس بن زبَّان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: ای یونس بن زبَّان! به عطیه از جانب من خبر ده که هر کس یک جرعه شراب بنوشد خداوند متعال، فرشتگان، پیامبران خدا و مؤمنان بر او لعن می فرستند. پس اگر به اندازه ای بنوشد که مست شود، روح ایمان از بدنش جدا می شود و روحی سخیف، و خبیث و ملعون در آن سوار می گردد. در این صورت نماز را ترک می کند که در این هنگام فرشتگان او را سرزنش می نمایند.

خداوند به او می فرماید: ای بنده من! کافر شدی و فرشتگان سرزنش نمودند؛ رسوایی بر تو باد ای بنده من!

سپس حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسوایی! رسوایی! همان طور که رسوایی است؟ به خدا سوگند! سرزنش یک ساعت خداوند از هزار سال عذاب سخت تر است.

سپس حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: آنان هر جا باشند، گرفته شوند و کشته شوند ملعون هستند.

سپس فرمود: ای یونس! ملعون است؛ ملعون است کسی که امر خداوند را ترک کند؛ اگر راه خشکی را در پیش گیرد خشکی او را هلاک می کند و اگر راه دریا را پیش گیرد، دریا غرقش می کند. به خاطر خشم خداوند، مورد غضب قرار می گیرد.

ص: ۶۴۲

۵۹۲- شراب، اصل هر گناه و بدی است و نماز شراب خوار تا چهل روز قبول نمی شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي أسامة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: الشُّرْبُ مُفْتَاخُ كُلِّ شَرٍّ وَ مُدْمِنُ الْخَمْرِ كَعَابِدٍ وَ ثِنٍ وَ إِنْ الْخَمْرَ رَأْسُ كُلِّ إِثْمٍ وَ شَارِبُهَا مُكَذِّبٌ بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى لَوْ صَدَّقَ كِتَابَ اللَّهِ حَرَّمَ حَرَامَهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو اسامه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: شراب کلید هر بدی است. کسی که همواره شراب می خورد مانند بت پرست است و به راستی که شراب اصل هر گناهی است، شراب خوار تکذیب گر کتاب الله تعالی است؛ اگر کتاب الله را تصدیق می نمود؛ حرام آن را حرام می دانست.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن داود بن أبي الحصين عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: مَنْ شَرِبَ مُسِيئاً لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْماً فَإِنْ مَاتَ فِي الْأَرْبَعِينَ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً وَ إِنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از داوود بن حصین روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر کس ماده مست کننده ای بنوشد تا چهل روز نمازش پذیرفته نمی شود و اگر در این چهل روز بمیرد به مرگ دوران جاهلیت مرده است و اگر توبه کند خداوند توبه او را می پذیرد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحسين بن خالد قال: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنَّا رَوَيْنَا عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنَّهُ قَالَ مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ لَمْ تُحْتَسَبْ لَهُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْماً قَالَ فَقَالَ صَدَقُوا قُلْتُ وَ كَيْفَ لَا تُحْتَسَبُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً لَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَ لَا أَكْثَرَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدَرَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ فَصَيَّرَهُ نُطْفَةً أَرْبَعِينَ يَوْماً ثُمَّ نَقَلَهَا فَصَيَّرَهَا عَلَقَةً أَرْبَعِينَ يَوْماً ثُمَّ نَقَلَهَا فَصَيَّرَهَا مُضْغَةً أَرْبَعِينَ يَوْماً فَهُوَ إِذَا شَرِبَ الْخَمْرَ بَقِيََتْ فِي مُشَاشِهِ أَرْبَعِينَ يَوْماً عَلَى قَدَرِ انْتِقَالِ خَلْقَتِهِ قَالَ ثُمَّ قَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ كَذَلِكَ جَمِيعُ غَدَائِهِ أَكَلِهِ وَ شُرْبِهِ يَبْقَى فِي مُشَاشِهِ أَرْبَعِينَ يَوْماً. (۳)

ص: ۶۴۳

۱- الكافي ج ۶ ص ۴۰۳ ح ۴.

۲- الكافي ج ۶ ص ۴۰۰ ح ۲.

۳- الكافي ج ۶ ص ۴۰۲ ح ۱۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسین بن خالد روایت کرده که گفت: به حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه عرض کردم: به ما از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: هر کس شراب بنوشد تا چهل روز نمازش محاسبه نخواهد شد.

فرمود: راست گفته اند.

عرض کردم: چگونه تا چهل بامداد نمازش محاسبه نخواهد شد؛ نه کمتر و نه بیشتر؟!

فرمود: به راستی که خداوند متعال برای آفرینش انسان زمانی مقرر فرمود؛ چهل روز آن را نطفه قرار داد، سپس آن را منتقل نموده و چهل روز علقه قرار داد، سپس آن را منتقل نمود و چهل روز مضغه قرار داد. بنابراین هنگامی که انسان شراب می نوشد تا چهل روز - به اندازه جابه جایی خلقتش - در سرشت و طبیعتش باقی می ماند.

سپس فرمود: و هم چنین است تمام غذای انسان؛ خوردن و آشامیدن او تا چهل روز در سرشتش باقی می ماند.

۵۹۳- کسیکه همواره شراب می نوشد

۱- الشيخ الكليني، يأسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ دَاوُودَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَسْأَلُهُ عَنْ شَارِبِ الْمُسْكِرِ قَالَ فَكَتَبَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ شَارِبُ الْخَمْرِ كَافِرٌ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن داوود روایت کرده که گفت: به حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه نامه نوشتم تا درباره کسی که ماده مستی آور می نوشد بپرسم.

حضرت صلوات الله علیه در پاسخ من نوشت: شراب خوار کافر است.

۲- الشيخ الكليني، يأسناده عن نُعَيْمِ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: مُدْمِنُ الْمُسْكِرِ الَّذِي إِذَا وَجَدَهُ شَرِبَهُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از نعیم بصری روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: دائم الخمر کسی است که هرگاه شراب بیابد، بنوشد.

ص: ۶۴۴

۱- . الكافي ج ۶ ص ۴۰۵ ح ۹.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۴۰۵ ح ۳.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن يقطين قال: سأل المهدي أبا الحسن صلوات الله عليه عن الخمر هل هي محرمة في كتاب الله عز وجل فإن الناس إنما يعرفون النهي عنها ولا يعرفون التحريم لها فقال له أبو الحسن صلوات الله عليه بل هي محرمة في كتاب الله عز وجل يا أمير المؤمنين فقال له في أي موضع هي محرمة في كتاب الله جل اسمه يا أبا الحسن فقال قول الله عز وجل: ﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مِمَّا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْأِثْمَ وَالْبَغْيَ بغيرِ الْحَقِّ﴾ فَأَمَّا قَوْلُهُ «مَا ظَهَرَ مِنْهَا» يَعْنِي الزَّانَا الْمُعْلَنَ وَنَصَبَ الرَّايَاتِ الَّتِي كَانَتْ تَرْفَعُهَا الْفَوَاحِشُ لِلْفَوَاحِشِ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَأَمَّا قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ «وَمَا بَطَّنَ» يَعْنِي مَا نَكَحَ مِنَ الْأَبَاءِ لِأَنَّ النَّاسَ كَانُوا قَبْلَ أَنْ يُبْعَثَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا كَانَ لِلرَّجُلِ زَوْجَةٌ وَمَاتَ عَنْهَا تَرَوَّجَهَا إِنَّهُ مِنْ بَعْدِهِ إِذَا لَمْ تَكُنْ أُمَّهُ فَحَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ وَأَمَّا الْأِثْمُ فَإِنَّهَا الْخَمْرُ بَعَيْنِهَا وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَوْضِعٍ آخَرَ: «يَسْتَأْذِنُكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ» فَأَمَّا الْأِثْمُ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَهِيَ الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ «وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ» كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى قَالَ فَقَالَ الْمَهْدِيُّ يَا عَلِيُّ بْنُ يَقِطِينَ هَذِهِ وَاللَّهِ فَتَوَى هَاشِمِيَّةً قَالَ قُلْتُ لَهُ صَدَقْتَ وَاللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْ هَذَا الْعِلْمَ مِنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ قَالَ فَوَاللَّهِ مَا صَبَرَ الْمَهْدِيُّ أَنْ قَالَ لِي صَدَقْتَ يَا رَافِضِيٌّ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن یقین روایت کرده که گفت: مهدی عباسی از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه پرسید: آیا شراب در قرآن تحریم شده است؟ زیرا مردم از نهی از شراب آگاهی دارند، اما تحریم آن را نمی دانند.

حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمود: بلکه در قرآن تحریم شده ای امیر مؤمنان!

گفت: در کجای قرآن تحریم شده است؟ ای ابا الحسن!

فرمود: آن جا که خداوند می فرماید: {بگو: پروردگار من فقط اعمال زشت ظاهری و پنهانی گناه و ستم به ناحق را حرام کرده است}. (سوره اعراف آیه ۳۱)

ص: ۶۴۵

منظور از «گناه آشکار» زنا و برافراشتن پرچم‌هایی که زنان بدکاره برای انجام زنا در دوران جاهلی می‌افراشتند.

منظور خداوند «از گناه باطنی» یعنی ازدواج با همسر پدران است؛ زیرا مردم پیش از بعثت رسول الله صلی الله علیه و آله چنین بودند: هنگامی که مردی زنی داشت و می‌مرد، پس از او پسرش با آن زن ازدواج می‌کرد؛ هرگاه که آن زن، مادرش نبود. پس خداوند این ازدواج را تحریم نمود.

و منظور از «گناه» شراب است و به راستی که خداوند در جای دیگری می‌فرماید: {از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند بگو در آنها گناه بزرگی است و منافعی برای مردم دارند}. (سوره بقره آیه ۲۱۶) منظور از «گناه» در قرآن همان شراب و قمار است و گناه آن بزرگ تر از منافع آن است؛ همان طور که خداوند فرموده است.

مهدی عباسی گفت: ای علی بن یقظین! به خدا سوگند این فتوای هاشمی است!

گفتم: به خدا سوگند راست گفتی ای امیر مؤمنان! سپاس خدایی را که این علم و دانش را از شما اهل بیت خارج ننمود.

علی بن یقظین گوید: به خدا سوگند! مهدی عباس بدون درنگ به من گفت: راست گفتی ای رافضی!

توضیح: اینکه حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه و علی بن یقظین به مهدی عباسی لعنت الله علیه امیرالمؤمنین می‌فرمودند بخاطر تقیه بوده و گرنه این لقب شریفه مخصوص شاهنشاه شاهان، اسد الله غالب، حیدر کرار، ضرغام دین، ید الله، سیف الله، غالب کل غالب حضرت علی بن ابی طالب صلوات الله علیهما است.

۵۹۵- رسول الله صلی الله علیه و آله اندک و بسیار مواد مستی آور را تحریم فرمود

۱- الشیخ الكلینی، یاسنادہ عن اَبی الرِّبِیعِ الشَّامِیِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حَرَّمَ الْخَمْرَ بِعَيْنِهَا فَقَلِيلُهَا وَ كَثِيرُهَا حَرَامٌ كَمَا حَرَّمَ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الشَّرَابَ مِنْ كُلِّ مُسْكِرٍ وَ مَا حَرَّمَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَدْ حَرَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو ربیع شامی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: به راستی که خداوند شراب را به طور کلی حرام نمود، کم و زیاد آن حرام است، همان طور

ص: ۶۴۶

که مردار، خون و گوشت خوک را حرام نمود. و رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله آشامیدنی از هر نوع مست کننده ای را حرام نمود و آن چه که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله حرام کند، به راستی که خداوند آن را حرام نموده است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ وَ كُلُّ مُسْكِرٍ خَمْرٌ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عطاء بن یسار روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله فرمود: هر شراب مست کننده ای حرام است و هر ماده مست کننده ای شراب است.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ كَلِيبِ الْأَسَدِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ النَّبِيِّ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله خَطَبَ النَّاسَ فَقَالَ فِي خُطْبَتِهِ أَيُّهَا النَّاسُ أَلَا إِنَّ كُلَّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ أَلَا وَ مَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از کلب اسدی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: شراب خرما و کشمش چه حکمی دارد؟

فرمود: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله در خطبه خود فرمود: ای مردم! آگاه باشید هر نوع شرابی حرام است و شرابی که یک جام آن مستی آورد، یک قطره آن نیز حرام است.

۵۹۶- شراب بخاطر نتیجه اش حرام است؛ پس هر چه که نتیجه اش مانند آن باشد حرام است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يُحَرِّمِ الْخَمْرَ لِاسْمِهَا وَ لَكِنْ حَرَّمَهَا لِعَاقِبَتِهَا فَمَا فَعَلَ فَعَلَ فِعْلَ الْخَمْرِ فَهُوَ خَمْرٌ. (۳)

ص: ۶۴۷

۱- . الكافي ج ۶ ص ۴۰۸ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۴۰۸ ح ۶.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۴۱۲ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن یقطین روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمود: به راستی که خداوند تبارک و تعالی شراب را به جهت نام آن حرام نکرده؛ بلکه به جهت عاقبت آن حرام نموده است. پس هرچه کار شراب کند، شراب است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن يقطين عن أبي الحسن الماضي صلوات الله عليه قال: إن الله عز وجل لم يحرم الخمر لإسمها ولكنه حرمها لعاقبتها فما كان عاقبته عاقبه الخمر فهو حمر. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن یقطین روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمود: خداوند شراب را به جهت نامش حرام ننمود؛ بلکه به جهت عاقبتش آن را حرام کرد. پس هرچه که عاقبتش، عاقبت شراب باشد، شراب است.

۵۹۷- حکم کسی که به عنوان دارو از شراب و ماده حرام استفاده کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير قال: دخلت أم خالد العبدية على أبي عبد الله صلوات الله عليه وأنا عنده فقالت جعلت فداك إنه يعتريني قراقير في بطني [فسألته عن أعالل النساء وقالت] وقد وصف لي أطباء العراق النبيذ بالسويق وقد وقفت وعرفت كراهيتك له فأحبيت أن أسألك عن ذلك فقال لها وما يمنعك عن شربه قالت قد قلدتك ديني فألقى الله عز وجل حين ألقاه فأخبره أن جعفر بن محمد صلوات الله عليهما أمرني ونهاني فقال يا أبا محمد ألا تسد معي إلى هذيه المرأه وهذيه المسائل لا- والله لا- آذن لك في قطره منه ولا تدوق منه قطره فإنما تندمين إذا بلغت نفسك هاهنا وأوماً بيده إلى حنجرتيه يقولها ثلاثاً أ فهمت قالت نعم ثم قال أبو عبد الله صلوات الله عليه ما يبئ الميمل ينجس حُباً من ماء يقولها ثلاثاً. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: روزی ام خالد عبديه خدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شرف یاب شد، من نیز در حضور آن حضرت صلوات الله علیه بودم. ام

ص: ۶۴۸

۱- . الكافي ج ۶ ص ۴۱۲ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۴۱۳ ح ۱.

خالد گفت: فدایت کردم! شکم پیچه مرا دربر می گیرد. و پزشکان عراق نبیذ را با قاووت برایم توصیه کرده اند. من می دانم و آگاهم که شما از آن کراهت دارید. پس دوست داشتم که درباره آن از شما بپرسم.

حضرت فرمود: چه چیزی تو را از آشامیدن آن بازداشته است؟

گفت: من قلابه دین خود را از شما به گردنم آویختم. می خواهم خداوند را در روز ملاقات، ملاقات کنم و به او خبر دهم که حضرت جعفر بن محمد صلوات الله علیهما به من امر و نهی نمود.

حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه به من فرمود: ای ابا محمد! آیا به سخن این زن گوش می کنی؟! نه، به خدا سوگند! در یک قطره از آن هم به تو اجازه نمی دهم و حتی یک قطره آن را نجس؛ زیرا هنگامی که جانان به این جا - و با دست مبارکش به حنجره خود اشاره نمود - رسید، پشیمان خواهی شد.

حضرت صلوات الله علیه این سخن را سه بار تکرار نمود و فرمود: آیا فهمیدی؟

ام خالد گفت: آری.

سپس حضرت صلوات الله علیه سه مرتبه فرمود: نجاستی که میل سرمه را تر کند، یک کوزه آب را نجس می کند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَسْأَلُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُبْعَثُ لَهُ الدَّوَاءُ مِنْ رِيحِ الْبُؤَاسِ فَيَشْرِبُهُ بِقَدْرِ أُشْكُرْجِهٍ مِنْ نَبِيدِ صُلْبٍ لَيْسَ يُرِيدُ بِهِ اللَّذَّةَ وَ إِنَّمَا يُرِيدُ بِهِ الدَّوَاءَ فَقَالَ لَا وَ لَا جُرْعَةً ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَجْعَلْ فِي شَيْءٍ مِمَّا حَرَّمَ شِفَاءً وَ لَا دَوَاءً. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمر بن اذینه روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه نوشتم: برای بیماری، دارو فرستاده اند تا باد بواسیر او را علاج کنند. در این دارو به مقدار یک پیاله شراب کشمش وجود دارد. بیمار به فکر لذت نیست، فقط می خواهد درد خود را علاج کند. آیا استفاده از این شراب به عنوان دارو حلال است؟

فرمود: نه، و نه یک جرعه آن.

حضرتش فرمود: آن چه را خداوند متعال حرام کرده، نمی تواند داروی شفا بخش باشد.

ص: ۶۴۹

۱- . الکافی ج ۶ ص ۴۱۳ ح ۲.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن مالكٍ المسمعي عن قاتد بن طلحة: أنه سأل أبا عبد الله صلوات الله عليه عن النبيذ يجعل في الدواء فقال لا ليس يتبعي لأحد أن يششفي بالحرام. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از مالک مسمعی روایت کرده که گفت: قاتد بن طلحه از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره نبیذی که در دارو قرار گرفته است پرسید.

حضرت فرمود: برای هیچ کس شایسته و روا نیست که با حرام خود را درمان کند.

۵۹۸- ظروف شراب

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي الربيع الشامي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: نهى رسول الله صلى الله عليه وآله عن كل مسكر فكل مسكر حرام فقلت له فالظروف التي يصنع فيها منه فقال نهى رسول الله صلى الله عليه وآله عن الدباء والمزفت والحنتم والنقير قلت وما ذاك قال الدباء القرع والمزفت الدنان والحنتم جزاز خضر والنقير خشب كانت الجاهلية ينقرونها حتى يصير لها أجواف ينبدون فيها. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو ربیع شامی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله از نوشیدن هر ماده مست کننده ای نهی می کرد. بنابراین هر ماده مستی آوری حرام است.

عرض کردم: ظروفی که در آن ماده مست کنند تهیه می شود چه حکمی دارد؟

فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله استفاده از دبه کدو حلوایی، مزفت، حنتم و نقیر را نهی نمود.

عرض کردم: این ها چه هستند؟

فرمود: دباء کدوی حلوایی است، مزفت خم بزرگ است، حنتم سبوی سبز است و نقیر چوبی بود که در زمان جاهلیت آن را سوراخ می کردند و توی آن را خالی می کردند که در آن نبیذ تهیه کنند.

ص: ۶۵۰

۱- الكافي ج ۶ ص ۴۱۴ ح ۸.

۲- الكافي ج ۶ ص ۴۱۸ ح ۳.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ آدَمَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ قَطْرَةِ خَمْرٍ أَوْ نَبِيذٍ مُسَكَّرٍ قَطَرَتْ فِي قَدْرِ فِيهَا لَحْمٌ كَثِيرٌ وَ مَرَقٌ كَثِيرٌ فَقَالَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يُهْرَاقُ الْمَرَقُ أَوْ يُطْعَمُهُ لِأَهْلِ الدِّمَّةِ أَوْ الْكِلَابِ وَاللَّحْمَ فَاغْسِلْهُ وَ كُلَّهُ قُلْتُ فَإِنْ قَطَرَ فِيهَا الدَّمُ فَقَالَ الدَّمُ تَأْكُلُهُ النَّارُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ قُلْتُ فَخَمْرٌ أَوْ نَبِيذٌ قَطَرَ فِي عَجِينٍ أَوْ دَمٌ قَالَ فَقَالَ فَسَيَدُ قُلْتُ أَيْبَعُهُ مِنَ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَ أُبَيِّنُ لَهُمْ فَإِنَّهُمْ يَسْتَحِلُّونَ شُرْبَهُ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَ الْفُقَاعُ هُوَ بَيْتُكَ الْمَنْزِلَةُ إِذَا قَطَرَ فِي شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ قَالَ أَكْرَهُ أَنْ أَكُلَهُ إِذَا قَطَرَ فِي شَيْءٍ مِنْ طَعَامِي. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زکریا بن آدم روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه درباره چکیدن قطره ای از شراب یا نبیذ مست کننده در دیگی که در آن گوشت و خورش فراوان است، سؤال کردم.

فرمود: خورش را باید یا دور بریزی و یا به اهل ذمه و یا سگان خوراند؛ ولی گوشت را بشور و بخور.

عرض کردم: اگر در آن دیگ خون بچکد؟

فرمود: ان شاء الله آتش خون را از بین می برد.

عرض کردم: اگر شراب نبیذ یا خون در غذای مخلوطی بچکد؟ چه حکمی دارد؟

فرمود: فاسد می شود.

عرض کردم: می توانم آن را به یهودیان و مسیحیان بفروشم و بر ایشان توضیح دهم؟ زیرا آنان نوشیدن آن را حلال می دانند.

فرمود: آری.

عرض کردم: هنگامی که آب جو در یکی از این موارد بچکد، همین حکم را دارد؟

فرمود: هنگامی که در چیزی از غذاهای من آب جو بچکد، کراهت دارم آن غذا را میل کنم.

ص: ۶۵۱

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنِ الْوَشَاءِ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَيْهِ يَغْنَى الرُّضَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَسْأَلُهُ عَنِ الْفُقَّاعِ قَالَ فَكَتَبَ حَرَامٌ وَهُوَ خَمْرٌ وَ مَنْ شَرِبَهُ كَانَ بِمَنْزِلِهِ شَارِبِ الْخَمْرِ قَالَ وَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الْأَخِيرُ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ لَوْ أَنَّ الدَّارَ دَارِي لَقَتَلْتُ بِأَيْعَهُ وَ لَجَلَدْتُ شَارِبَهُ وَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الْأَخِيرُ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ حَدُّ شَارِبِ الْخَمْرِ وَ قَالَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ هِيَ خُمَيْرَةٌ اسْتَصْغَرَهَا النَّاسُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از وشاء روایت کرده که گفت: به حضرت امام رضا صلوات الله علیه نامه نوشتم تا در خصوص آب جو از ایشان سؤال کنم.

حضرت صلوات الله علیه در جواب نوشت: حرام است و آن همان شراب است و هر کس آن را بنوشد به منزله شراب خوار است.

حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمود: اگر حکومت در اختیار من بود، فروشنده آن را می کشتم و بر کسی که آن را می نوشد حد جاری می نمودم.

هم چنین فرمود: حد آن، حد شراب خوار است.

و فرمود: آن، شراب کوچکی است که مردم آن را کوچک شمرده اند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَشَاءِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ وَ كُلُّ مُخَمَّرٍ حَرَامٌ وَ الْفُقَّاعُ حَرَامٌ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسن بن علی وشاء روایت کرده که گفت: حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمود: هر ماده مستی آوری حرام است، هر شراب حرام است و آب جو حرام است.

۶۰۱- حکم آواز خوانی و غنا و موسیقی

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ أَبِي أُسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: الْغِنَاءُ عَشُّ النَّفَاقِ. (۳)

ص: ۶۵۲

۱- . الكافي ج ۶ ص ۴۲۳ ح ۹.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۴۲۴ ح ۱۴.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۴۳۱ ح ۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو اسامه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: غنا لانه نفاق است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: الْعَنَاءُ مِمَّا وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ النَّارَ وَ تَلَا هَذِهِ آيَةَ: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ». (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: غنا و آوازه خوانی از گناهان کبیره است که خداوند متعال خواننده و شنونده آن را وعده دوزخ داده است. و حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه این آیه را تلاوت کرد: {برخی از مردم، خریدار سخن بیهوده اند تا دیگران را سرگرم کنند و ندانسته از راه خدا سرگشته سازند، و سخن خدا را به بازی بگیرد. برای آنان عذاب خوارکننده مهیا است}. (سوره لقمان آیه ۶)

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنْهَاكُمْ عَنِ الزَّفَنِ وَ الْمَرْمَارِ وَ عَنِ الْكُوبَاتِ وَ الْكِبْرَاتِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلى الله عليه و آله فرمود: من شما را از رقص، نی زدن، دایره زدن و طبل زدن نهی می کنم.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي إِنِّي أَدْخُلُ كَيْفَمَا لِي وَ لِي جِيرَانٌ عِنْدَهُمْ جَوَارٍ يَتَعَنَّنِينَ وَ يَضْرِبُونَ بِالْعُودِ فَرُبَّمَا أَطَلْتُ الْجُلُوسَ إِسْتِمَاعًا مِنِّي لَهُنَّ فَقَالَ لَا تَفْعَلْ فَقَالَ الرَّجُلُ وَ اللَّهُ مَا آتِيَهُنَّ إِنَّمَا هُوَ سَمَاعٌ أَسْمَعُهُ بِأُذُنِي فَقَالَ لِلَّهِ أَنْتَ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» فَقَالَ بَلَى وَ اللَّهُ لَكَأَنِّي لَمْ أَسْمَعْ بِهَذِهِ الْآيَةِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ مِنْ أَعْجَمِيٍّ وَ لَا عَرَبِيٍّ لَا جَرَمَ أَنِّي لَا أَعُودُ إِِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ أَنِّي أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فَقَالَ لَهُ قُمْ فَاعْتَسِلْ وَ سَلِّ مَا يَدَا لَكَ فَإِنَّكَ كُنْتَ مُقِيمًا عَلَى أَمْرٍ عَظِيمٍ مَا كَانَ أَسْوَأَ حَالِكَ لَوْ مِتَّ عَلَى

ص: ۶۵۳

۱- . الكافي ج ۶ ص ۴۳۱ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۴۳۲ ح ۷.

ذَلِكَ إِحْمَدُ اللَّهِ وَ سَلَّهُ التَّوْبَةَ مِنْ كُلِّ مَا يَكْرَهُ فَإِنَّهُ لَا يَكْرَهُ إِلَّا كُلَّ قَبِيحٍ وَ الْقَبِيحِ دَعَا لِأَهْلِهِ فَإِنَّ لِكُلِّ أَهْلًا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از مسعده بن زیاد روایت کرده که گفت: خدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بودم که مردی گفت: پدر و مادرم به فدای شما! وقتی وارد مستراح خانه ام می شوم گاهی بیشتر در آن جا توقف می کنم تا صدای کنیزان آوازه خوان همسایه را که تار می زنند بشنوم.

فرمود: چنین نکن!

آن مرد گفت: به خدا سوگند! من نزد آنها نمی روم، فقط صدای شان را با گوشم می شنوم.

فرمود: تو را به خدا! مگر سخن خداوند متعال را نشنیده ای که می فرماید: {همانا گوش، چشم و دل همه مسئول هستند}.
(سوره اسراء آیه ۳۸)

گفت: آری به خدا سوگند! گویی این آیه از قرآن را از هیچ عجم و عربی نشنیده بودم؛ ان شاء الله دیگر چنین نخواهم کرد و من از خدا آمرزش می خواهم.

حضرت به او فرمود: برخیز غسل کن و هرچه می خواهی از خدا بخواه، چرا که توبه به کار بزرگی مرتکب می شدی. چقدر حالت بد می شد اگر با این حال می مردی خدا را سپاس گوی و از هر کار ناپسندی توبه کن؛ چرا که او از هر کار زشت ناخرسند است و کار زشت را به اهلش واگذار، چرا که برای هر کاری اهلی است.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: بَيْتُ الْغِنَاءِ لَا تُؤْمَنُ فِيهِ الْفَجِيعَةُ وَ لَا تُجَابُ فِيهِ الدَّعْوَةُ وَ لَا يَدْخُلُهُ الْمَلَكُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زید شحام روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: خانه آواز و غنا، از فاجعه خوارکننده در امان نیست. دعا در آن مستجاب نمی شود و فرشته به آن وارد نمی گردد.

۶- الشيخ الكليني، بإسناده عن إبراهيم بن محمد المديني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سئل عن الغناء و أنا حاضر فقال لا تدخلوا بيوتاً لله معرضاً عن أهلها. (۳)

ص: ۶۵۴

۱- . الكافي ج ۶ ص ۴۳۲ ح ۱۰.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۴۳۳ ح ۱۵.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۴۳۴ ح ۱۸.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابراهیم بن محمد مدینی از یکی از راویان روایت کرده که گفت: در خدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بودم که در خصوص غنا سؤال شد.

فرمود: داخل خانه هایی که خداوند از آن روی گردان است نشوید.

۷- الشيخ الكليني، بإسناده عن عتبسه عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: استيماع الغناء و اللهو يُنبئ النفاق في القلب كما يُنبئ الماء الزرع. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عتبسه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: گوش دادن به غنا و آوازه خوانی و موسیقی در قلب نفاق را می رویند آن سان که آب زراعت را می رویند.

۸- الشيخ الكليني، بإسناده عن ياسر الخادم عن أبي الحسن صلوات الله عليه قال: من نزه نفسه عن الغناء فإن في الجنبه شجرة يأمر الله عز وجل الرياح أن تحركها فيسمع لها صوتاً لم يسمع بمثله و من لم يتنزه عنه لم يسمعه. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یاسر خادم روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمود: هر کس خود را از غنا دور نگه دارد، به راستی که در بهشت درختی است که خداوند به باها فرمان می دهد که آن را تکان دهند پس صدایی به گوش می رسد که مانند آن شنیده نشده است. و هر کس از غنا دوری نکند آن را نمی شنود.

۹- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحسن بن علي بن يقطين عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: من أضحى إلى ناطق فقد عبده فإن كان الناطق يؤدى عن الله عز وجل فقد عبده الله وإن كان الناطق يؤدى عن الشيطان فقد عبده الشيطان. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسن بن علی بن یقظین روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد تقی جواد صلوات الله علیه فرمود: هر کس به سخن گوینده ای گوش فرا دهد، او را عبادت کرده است. پس اگر گوینده از جانب خداوند سخن می گوید، به راستی که خداوند را عبادت کرده است و اگر از جانب شیطان سخن می گوید، به راستی که شیطان را عبادت نموده است.

ص: ۶۵۵

۱- . الكافي ج ۶ ص ۴۳۴ ح ۲۳.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۴۳۴ ح ۱۹.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۴۳۴ ح ۲۴.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: النَّزْدُ وَالشُّطْرُنْجُ وَالْأَزْبَعَةُ عَشْرَ بِمَنْزِلِهِ وَاحِدِهِ وَكُلُّ مَا قَوْمَرِ عَلَيْهِ فَهُوَ مَيْسِرٌ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معمر بن خلاد روایت کرده که گفت: حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمود: بازی با تخته نرد، شطرنج و سه پرک در یک حکم است، هر وسیله ای که با آن قمار شود، حرام است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» فَقَالَ الرَّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشُّطْرُنْجُ وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زید شحام روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره فرموده خداوند: {پس از بت های پلید و از سخنان باطل دوری کنید} (سوره حج آیه ۳۲) سؤال کردم.

فرمود: منظور از «بت های پلید» همان شطرنج است و منظور از «سخنان باطل» همان غنا است.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: الشُّطْرُنْجُ وَالنَّزْدُ هُمَا الْمَيْسِرُ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: شطرنج و نرد همان قمار هستند.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى قَالَ: دَخَلَ رَجُلٌ مِنَ الْبَصِيرِيِّينَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ جَعَلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَفْعُدُ مَعَ قَوْمٍ يَلْعَبُونَ بِالشُّطْرُنْجِ وَ لَسْتُ أَلْعَبُ بِهَا وَ لَكِنْ أَنْظُرُ فَقَالَ مَا لَكَ وَ لِمَجْلِسٍ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْ أَهْلِهِ. (۴)

ص: ۶۵۶

۱- . الكافي ج ۶ ص ۴۳۵ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۴۳۵ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۴۳۵ ح ۳.

۴- . الكافي ج ۶ ص ۴۳۷ ح ۱۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حماد بن عیسی روایت کرده که گفت: به حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه عرض کردم: فدایت شوم! با قماربازان می نشینم و به بازی شطرنج تماشا می کنم، ولی خودم بازی نمی کنم. آیا گناهی دارد؟

حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمود: تو را با مجلسی که خدا به آن نظر نمی افکند، چه کار است؟

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: الْمُطَّلِعُ فِي الشَّطْرَنْجِ كَالْمُطَّلِعِ فِي النَّارِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سلیمان جعفری روایت کرده که گفت: حضرت امام رضا صلوات الله علیه فرمود: نگاه کننده به شطرنج مانند نگاه کننده به آتش جهنم است.

ص: ۶۵۷

۶۰۳- خودآرایی و آشکار کردن نعمت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي هاشم عن بعض أصحابنا عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجَمُّلَ وَيُبْغِضُ الْبُؤْسَ وَالتَّبَاؤُسَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابی هاشم از یکی از اصحاب ما روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: به راستی که خداوند زیبایی و خودآرایی را دوست دارد و تیره بختی و تظاهر به آن را دشمن می دارد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن محمد رفعه عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدِهِ بِنِعْمَةٍ فَظَهَرَتْ عَلَيْهِ سُمِّيَ حَيْبَ اللَّهِ مُحَدَّثًا بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَإِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بِنِعْمَةٍ فَلَمْ تَظْهَرْ عَلَيْهِ سُمِّيَ بَغِيضَ اللَّهِ مُكَذِّبًا بِنِعْمَةِ اللَّهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن محمد به صورت مرفوع روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله فرمود: هرگاه خداوند بر بنده اش نعمتی دهد و آن نعمت در او ظاهر شود، نامیده می شود: «دوست خدا، گوینده نعمت خداوند» و هرگاه خداوند بر بنده ای نعمتی دهد و آن نعمت در او ظاهر نشود، نامیده می شود: «دشمن خدا، تکذیب کننده نعمت خداوند».

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن بُرَيْدِ بْنِ مَعَاوِيَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِعُبَيْدِ بْنِ زِيَادٍ إِظْهَارُ النَّعْمَةِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ صِيَانَتِهَا فَإِيَّاكَ أَنْ تَتَرَيَّنَ إِلَّا فِي أَحْسَنِ زِيٍّ قَوْمِكَ قَالَ فَمَا رَأَيْتُ عُبَيْدًا إِلَّا فِي أَحْسَنِ زِيٍّ قَوْمِهِ حَتَّى مَاتَ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از برید بن معاویه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه به عبید بن زیاد فرمود: آشکار کردن نعمت نزد خداوند از نگهداری آن محبوب تر است. فقط با بهترین پوشش قوم خویش خود را بیار.

برید گوید: پس از آن عبید جز در بهترین پوشش قوم خود دیده نشد تا این که وفات نمود.

ص: ۶۵۸

۱- . الكافي ج ۶ ص ۴۴۰ ح ۱۴.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۴۳۸ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۴۴۰ ح ۱۵.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي أيوب الخزاز عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُبْغِضُ شَهْرَةَ اللَّبَاسِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو ایوب خزاز روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: به راستی که خداوند تبارک و تعالی لباس شهرت را دشمن می دارد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي سعيد عن الحسن بن صلوات الله عليه قال: مَنْ لَبَسَ ثَوْبًا يَشْهَرُهُ كَسَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَوْبًا مِنَ النَّارِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو سعید روایت کرده که گفت: حضرت امام حسین صلوات الله علیه فرمود: هر کس لباسی بپوشد که او را انگشت نما کند، خداوند در روز قیامت لباسی از آتش بر او می پوشاند.

توضیح: لباس شهرت آن لباسی است که در نزد عقلاهی اهل آن زمانه جایگاهی نداشته و مورد پسند آنان واقع نمی شود.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أحمد بن محمد رفعه عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: يُكْرَهُ السَّوَادُ إِلَّا فِي ثَلَاثَةِ الْخُفِّ وَالْعِمَامَةِ وَالْكِسَاءِ.

وَرُويَ لَا تُصَلُّ فِي ثَوْبٍ أَسْوَدَ فَأَمَّا الْخُفُّ أَوِ الْكِسَاءُ أَوِ الْعِمَامَةُ فَلَا بَأْسَ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از احمد بن محمد بن محمد به صورت مرفوع روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: لباس سیاه مکروه است، مگر در سه چیز: کفش، عمامه و عبا.

و روایت شده است: در لباس سیاه نماز مگزار، اما خواندن نماز با کفش (مخصوص عربی که انگشتان پا بیرون است) یا کساء یا عمامه سیاه، اشکالی ندارد.

۲- الشيخ الصدوق، قال: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِيمَا عَلَّمَ أَصْحَابَهُ لَا تَلْبَسُوا السَّوَادَ فَإِنَّهُ لِبَاسٌ فِرْعَوْنِ. (۴)

ص: ۶۵۹

۱- . الكافي ج ۶ ص ۴۴۴ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۴۴۵ ح ۴.

۳- . الكافي ج ۳ ص ۴۰۳ ح ۲۹-۲۴. الكافي ج ۶ ص ۴۴۹ ح ۱.

۴- . الفقيه ج ۱ ص ۲۵۱ ح ۷۶۷.

مرحوم شیخ صدوق، گوید: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در مجلسی که اصحاب خود را تعلیم می فرمودند، فرمودند: لباس سیاه پوشید که آن لباس فرعون است.

۶۰۶- پوشیدن لباس حریر و دیبا

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن بكير عن بعض أصحابنا عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: لا يلبس الرجل الحرير و الديباج إلا في الحرب. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن بکیر از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: مرد فقط در جنگ می تواند لباس حریر و دیبا بپوشد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: لا يصلح (الرجل) لبس الحرير و الديباج فأما يتعها فلا بأس. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: پوشیدن لباس حریر و دیبا (برای مرد) روا نیست، اما خرید و فروش آن مانعی ندارد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن بكير عن بعض أصحابنا عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: النساء يلبسن الحرير و الديباج إلا في الأحرام. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن بکیر از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: زنان می توانند لباس حریر و دیبا بپوشند مگر در مورد احرام.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن سماعه عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: لا يتبغى للمراه أن تلبس الحرير المخص و هي محرمة و أما في الحر و البرد فلا بأس. (۴)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: شایسته نیست که زنان در حال احرام لباس ابریشم خالص بپوشند؛ اما اگر در شدت گرما حریر نازک و یا در شدت سرما دیبای مخمل بپوشند، مانعی ندارد.

ص: ۶۶۰

۱- الكافي ج ۶ ص ۴۵۳ ح ۱.

۲- الكافي ج ۶ ص ۴۵۴ ح ۷.

۳- الكافي ج ۶ ص ۴۵۴ ح ۸.

۴- الكافي ج ۶ ص ۴۵۵ ح ۱۲.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن إسماعيل بن الفضل عن أبي عبد الله صلوات الله عليه: في الثوب يكون فيه الحرير فقال إن كان فيه خلط فلا بأس. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از اسماعیل بن فضل روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: پوشیدن لباس ابریشم چه صورت دارد؟

فرمود: در صورتی که مخلوط باشد مانعی ندارد.

۶- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي داود يوسف بن إبراهيم قال: دخلت على أبي عبد الله صلوات الله عليه وعلتي قباء خز و بطائنه خز و طيلسان خز مرتفع فقلت إن علي ثوبا أكره لبسه فقال و ما هو قلت طيلساني هذا قال و ما بال الطيلسان قلت هو خز قال و ما بال الخز قلت سداه إبريسم قال و ما بال الإبريسم قال لا يكره أن يكون سدى الثوب إبريسما و لا زرؤه و لا علمه إنما يكره المصمت من الإبريسم للرجال و لا يكره للنساء. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو داوود يوسف بن ابراهیم روایت کرده که گفت: خدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شرف یاب شدم در حالی که قبایی از خز که آستر آن نیز از خز بود و طیلسان بلندی از همان جنس بر تنم بود.

عرض کردم: بر تن من لباسی است که از پوشیدن آن کراهت دارم.

فرمود: آن لباس چیست؟

عرض کردم: همین طیلسان.

فرمود: طیلسان چه اشکالی دارد؟

عرض کردم: جنس آن از خز است.

فرمود: اشکال خز چیست؟

عرض کردم: حاشیه آن از ابریشم است.

فرمود: ابریشم چه ایرادی دارد؟

ص: ۶۶۱

۱- . الكافي ج ۶ ص ۴۵۵ ح ۱۴.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۴۵۱ ح ۵.

سپس فرمود: مکروه نیست که حاشیه لباس و همین طور دکمه لباس و نقش آن از ابریشم باشد. فقط ابریشم خالص برای مردان مکروه است، اما برای زنان مکروه نیست.

۶۰۷- حکم پوشیدن انگشتر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن يونس بن زبيان عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: من ألبس الخاتم. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یونس بن زبیران روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: انگشتر پوشیدن از سنت است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن هشام بن سالم عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: كان خاتم رسول الله صلى الله عليه وآله من ورق. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از هشام بن سالم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: انگشتر رسول الله صلی الله علیه و آله از نقره بود.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن جراح المدائني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: لا تجعل في يدك خاتماً من ذهب. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جراح مدائنی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: انگشتر طلا در انگشت مکن.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن جعفر قال: سألت أخي موسى صلوات الله عليه عن الخاتم يلبس في اليمين فقال إن شئت في اليمين وإن شئت في اليسار. (۴)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن جعفر صلوات الله علیه روایت کرده که گفت: از برادرم حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه درباره انگشتری که در دست راست گذاشته می شود، پرسیدم.

فرمود: اگر خواستی به دست راست بپوش و اگر خواستی به دست چپ.

ص: ۶۶۲

۱- . الكافي ج ۶ ص ۴۶۸ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۴۶۸ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۴۶۹ ح ۷.

۴- . الكافي ج ۶ ص ۴۶۹ ح ۹.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ التَّنُوكِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَخَتَّمُوا بِالْعَقِيقِ فَإِنَّهُ مُبَارَكٌ وَ مَنْ تَخَتَّمَ بِالْعَقِيقِ يُوشِكُ أَنْ يُقْضَى لَهُ بِالْحُسْنَى. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عبدالرحمن بن زید بن اسلم تنوکی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: رسول الله صلى الله عليه و آله فرمود: انگشتر عقیق بپوشید؛ زیرا مبارک است. هر کس انگشتر عقیق به دست کند نزدیک است که حاجت هایش به بهترین وجه برآورده گردد.

۶- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الرَّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: تَخَتَّمُوا بِالْيَاقُوتِ فَإِنَّهَا تَنْفِي الْفَقْرَ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حسين بن خالد روایت کرده که گفت: حضرت امام رضا صلوات الله عليه فرمود: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه همواره می فرمود: انگشتر یاقوت به دست کنید؛ زیرا فقر و ناداری را می راند.

۷- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصِيرٍ صَاحِبِ الْأَنْزَالِ وَ كَانَ يَقُومُ بِبَعْضِ أُمُورِ الْمَاضِي صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ لِي يَوْمًا وَ أَمَلِي عَلَيَّ مِنْ كِتَابِ التَّخْتُمِ بِالزُّمُرِّدِ يُسْرُ لَا عَشْرَ فِيهِ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از احمد بن محمد بن ابی نصر که در بعضی از کارهای حضرت امام علی النقی هادی صلوات الله عليه وکیل بودند روایت کرده که گفت:

روزی حضرت امام هادی صلوات الله عليه از کتابی به من این گونه املا نمود و فرمود: انگشتر زمرد به دست کردن آسانی و گشایشی است که در آن سختی و گرفتاری نیست.

۸- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: مَنْ تَخَتَّمَ بِالْفَيْزُورِجِ لَمْ يَفْتَقِرْ كَفَّهُ. (۴)

ص: ۶۶۳

۱- . الكافي ج ۶ ص ۴۷۰ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۴۷۱ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۴۷۱ ح ۳.

۴- . الكافي ج ۶ ص ۴۷۲ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سهل بن زیاد به صورت مرفوع از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: هر کس انگشتر فیروزه به دست کند، دستش فقیر و خالی نمی ماند.

۹- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: تَحْتَمُوا بِالْجَزَعِ الْيَمَانِيِّ فَإِنَّهُ يَرُدُّ كَيْدَ مَرَدَةِ الشَّيَاطِينِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن حسین بن علی بن حسین از پدرش از جدش روایت کرده که گفت: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: انگشتر جزع یمانی به دست کنید؛ زیرا نیرنگ شیطان های سرکش را باز می گرداند.

۱۰- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: نِعَمَ الْفِضِّ الْبَلُورُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن محمد در حدیث مرفوع روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: بلور، نگین خوبی است.

۶۰۸- حکم زیور آلات

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي الصَّبَّاحِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الذَّهَبِ يُحَلَّى بِهِ الصَّبِيَّانُ فَقَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا يُحَلِّي وُلْدَهُ وَنِسَاءَهُ بِالذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو صباح روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: زینت طلا برای کودکان نابالغ رواست؟

فرمود: حضرت امام سجاد صلوات الله علیه فرزندان و بانوان خود را با زیور طلا و نقره می آراست.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن دَاوُدَ بْنِ سَرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَيْسَ بِتَحْلِيَةِ الْمَصَاحِفِ وَالسُّيُوفِ بِالذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ بَأْسٌ. (۴)

ص: ۶۶۴

۱- الكافي ج ۶ ص ۴۷۲ ح ۱.

۲- الكافي ج ۶ ص ۴۷۲ ح ۲.

۳- الكافي ج ۶ ص ۴۷۵ ح ۱.

۴- الكافي ج ۶ ص ۴۷۵ ح ۷.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از داود بن سرحان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: زینت کردن قرآن‌ها و شمشیرها با طلا و نقره، ایرادی ندارد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن الفضيل بن يسار قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن سريره فيه الذهب أ يصلح إمساكه في البيت فقال إن كان ذهباً فلا وإن كان ماء الذهب فلا بأس. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از فضیل بن یسار روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: آیا تختی را که در آن طلا به کار رفته می توان در خانه نگهداری کرد؟

فرمود: اگر طلا باشد، نه و اگر آب طلا باشد، ایرادی ندارد.

۶۰۹- حکم فرش‌ها

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الله بن المغيرة قال سئمت الرضا عليه السلام يقول: قال قائل لأبي جعفر صلوات الله عليه يجلس الرجل على بساط فيه تماثيل فقال لأعاجم تعظمه وأنا لنمتهنه. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن مغیره روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: فردی از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه پرسید: آیا انسان می تواند بر روی فرشی بنشیند که عکس تماثیل (عکس آدمی و حیوانات جاندار) بر آن نقش بسته باشد؟

حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: عجم‌ها به این گونه نقش‌ها عظمت می نهند (و آن را مانند پرده می آویزند و یا بر دیوار می کوبند)، ما آن را خوار می کنیم (و زیر پا می اندازیم).

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن جعفر قال: سألت أبا الحسن صلوات الله عليه عن الفرائش الحرير ومثله من الديباج والمصلى الحرير ومثله من الديباج هل يصلح للرجل النوم عليه والتكاه والصلاة فقال يفرشه ويقوم عليه ولا يسجد عليه. (۳)

ص: ۶۶۵

۱- الكافي ج ۶ ص ۴۷۶ ح ۱۰.

۲- الكافي ج ۶ ص ۴۷۷ ح ۷.

۳- الكافي ج ۶ ص ۴۷۷ ح ۸.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن جعفر صلوات الله علیه روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه درباره زیرانداز و جانماز حریر و دیبا پرسیدم که آیا انسان می تواند روی آن بخوابد، تکیه دهد و نماز بخواند؟

فرمود: می تواند آن را پهن کند و بر روی آن بایستد، اما نباید روی آن سجده کند.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن أبي عمير عن بعض أصحابه عن أبي عبد الله صلوات الله عليه: في التمثيل في البساط لها عَيْنَانِ وَأَنْتَ تُصَلِّي فَقَالَ إِنْ كَانَ لَهَا عَيْنٌ وَاحِدَةٌ فَلَا بَأْسَ وَإِنْ كَانَ لَهَا عَيْنَانِ فَلَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن ابی عمیر از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره تصویری که روی فرش است و دو چشم دارد و تو هم روی آن نماز می خوانی، فرمود: اگر تصویر یک چشم داشت اشکال ندارد اما اگر دو چشم داشت، نه! (یعنی روی آن نماز نخوان)

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّ جَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَانِي فَقَالَ إِنَّا مَعْشَرُ الْمَلَائِكَةِ لَا نَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَ لَا تِمْتَالُ جَسَدٍ وَ لَا إِنَاءٌ يُبَالُ فِيهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمرو بن خالد روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و گفت: ما ملائکه به خانه ای که در آن سگ، تصویر پیکر (انسان و حیوانات جاندار) و ظرفی باشد که در آن ادرار می کنند، وارد نمی شویم.

توضیح: از این روایات و روایات دیگری معلوم می شود که نماز در فرش های که دارای نقش و نگار حیوانات جاندار است، جایز نیست مگر اینکه در زیر پا بوده و در محل سجده نباشند.

اما اگر از فرش های که دارای نقش و نگار حیوانات جاندار هستند اجتناب شود بهتر است چنانکه در روایت چهارم و بقیه روایات آمده که ملائکه از آمدن در خانه های که دارای تصاویر و تمایل حیوانات جاندار هستند اجتناب می کنند.

ص: ۶۶۶

۱- . الکافی ج ۳ ص ۳۹۲ ح ۲۲.

۲- . الکافی ج ۳ ص ۳۹۳ ح ۲۷.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي قَدْرِ اللَّحْيَةِ قَالَ تَقْبِضُ بِيَدِكَ عَلَى اللَّحْيَةِ وَ تَجْزُ مَا فَضَلَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یونس از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره اندازه محاسن فرمود: با دست خود محاسن را بگیر و فزونی آن را بچین و کوتاه کن.

۲- الشيخ الصدوق، قال: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ إِنَّ الْمَجُوسَ جَزُّوا لِحَاهُمُ وَ وَفَرُوا شَوَارِبَهُمْ وَ إِنَّا نَجْزُ الشَّوَارِبَ وَ نُغْفِي اللَّحْيَ وَ هِيَ الْفِطْرَةُ. (۲)

مرحوم شیخ صدوق، گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: به تحقیق که گبران ریش را می چیدند و سبیل ها را بزرگ می کردند و ما مسلمانان شارب ها را می چینیم و ریش را دراز می گذاریم و این فطرت (اسلام یا از سنت های حضرت ابراهیم صلوات الله علیه) است.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: إِنَّ مِنْ أَلْسِنَةٍ أَنْ تَأْخُذَ مِنَ الشَّارِبِ حَتَّى يَبْلُغَ الْأَطَارَ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: از سنت است که سبیل تا سرخی لب و محل رویش پایین سبیل کوتاه شود.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: لَا يُطَوَّلَنَّ أَحَدُكُمْ شَارِبَهُ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَتَّخِذُهُ مَحَبًّا يَسْتَتِرُ بِهِ. (۴)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ کدام از شما سبیل خود را بلند نکند؛ زیرا شیطان آن را نهان گاه خود می سازد که با آن استتار می کند.

ص: ۶۶۷

۱- الکافی ج ۶ ص ۴۸۷ ح ۳.

۲- الفقیه ج ۱ ص ۷۶ ح ۳۳۴.

۳- الکافی ج ۶ ص ۴۸۷ ح ۶.

۴- الکافی ج ۶ ص ۴۸۷ ح ۱۱.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ دُرُسْتٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: مَرَّ بِالنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلٌ طَوِيلٌ أَلْحِيَهُ فَقَالَ مَا كَانَ عَلَيَّ هَذَا لَوْ هَيَّأَ مِنْ لِحْيَتِهِ فَبَلَغَ ذَلِكَ الرَّجُلَ فَهَيَّأَ لِحْيَتَهُ بَيْنَ اللَّحْيَتَيْنِ ثُمَّ دَخَلَ عَلَيَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَلَمَّا رَأَاهُ قَالَ هَكَذَا فَافْعَلُوا. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از درست روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله از کنار شخصی گذشت که محاسنش دراز و بلند بود، فرمود: چه می شد که اگر بر این مرد محاسن خود را نیکو و اصلاح می نمود؟

این خبر به آن شخص رسید. او محاسن خود را به اندازه متوسط اصلاح نمود، سپس خدمت رسول الله صلى الله عليه وآله شرف یاب شد، هنگامی که آن حضرت او را دید، فرمود: پس شما نیز چنین کنید.

۶۱۱- چیدن ناخن ها

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ أَحْسَنِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ يَمْنَعُ الدَّاءَ الْأَعْظَمَ وَ يُدْرُ الرِّزْقَ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حسن بن راشد روایت کرده که گفت: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: چیدن ناخن ها، از ابتلا به بیماری بزرگ مانع می شود و رزق و روزی را جاری می کند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ ابْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: مِنَ السُّنَنِ تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابن عقبه از پدرش روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: چیدن ناخن ها از سنت است.

ص: ۶۶۸

۱- . الكافي ج ۶ ص ۴۸۸ ح ۱۲.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۴۹۰ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۴۹۰ ح ۵.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن إسماعيل بن عمار قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: من أخلاق الأنبياء صلوات الله عليهم السواك. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: مسواک زدن از شیوه پیامبران صلوات الله عليهم است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مهزم الأسدي قال سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله عليه يَقُولُ: فِي السُّوَاكِ عَشْرَةٌ خِصَالٍ مَطْهَرَةٌ لِلْفَمِ وَ مَرَضَاءٌ لِلرَّبِّ وَ مَفْرَحَةٌ لِلْمَلَائِكَةِ وَ هُوَ مِنَ السُّنَنِ وَ يَشُدُّ اللُّثَّةَ وَ يَجْلُو البَصَرَ وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ يَذْهَبُ بِالْحَفْرِ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از مهزم اسدی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه شنیدم که می فرمود: مسواک زدن ده ویژگی دارد: تمیزکننده دهان است، باعث خشنودی پروردگار است، شادی بخش فرشتگان است، از سنت است، لثه را محکم می کند، چشم را جلا می دهد، بلغم را از بین می برد و خرابی دندان (یا زرد شدن آن) را از بین می برد.

۶۱۳- حمام کردن و دوش گرفتن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمِ الْجَبَلِيِّ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله عليه قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: نِعْمَ الْبَيْتُ الْحَمَامُ يُذَكِّرُ النَّارَ وَ يَذْهَبُ بِالدَّرَنِ وَ قَالَ عُمَرُ بْنُ نُجَيْمٍ الْبَيْتُ الْحَمَامُ يُبْدِي الْعُورَةَ وَ يَهْتِكُ السَّتْرَ قَالَ وَ نَسَبَ النَّاسُ قَوْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِلَى عُمَرَ وَ قَوْلَ عُمَرَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از محمد بن اسلم جبلی بصورت مرفوع روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله عليه فرمود: حمام چه خانه خوبی است! آتش دوزخ را یادآور می شود و چرک را از بین می برد.

عمر لعنت الله عليه گفت: حمام چه خانه زشتی است! عورت را آشکار می کند و پوشش را می درد.

۱- . الكافي ج ۶ ص ۴۹۵ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۴۹۵ ح ۵.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۴۹۶ ح ۱.

آن گاه حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: اما مردم کلام حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را به عمر لعنت الله علیه نسبت دادند و سخن عمر لعنت الله علیه را به حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: مَرَضْتُ حَتَّى ذَهَبَ لَحْمِي فَدَخَلْتُ عَلَى الرَّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ أَيْسُرُكَ أَنْ يَعودَ إِلَيْكَ لَحْمُكَ قُلْتُ بَلَى قَالَ الزَّمِ الْحَمَامَ غَبًا فَإِنَّهُ يَعودُ إِلَيْكَ لَحْمُكَ وَ إِيَّاكَ أَنْ تُدْمِنَهُ فَإِنَّ إِدْمَانَهُ يُورِثُ السَّلَّ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سلیمان جعفری روایت کرده که گفت: من بر اثر بیماری بسیار لاغر شدم، روزی خدمت حضرت امام رضا صلوات الله علیه رسیدم، به من فرمود: دوست داری که مانند سابق فربه شوی؟
گفتم: آری.

فرمود: یک روز در میان حمام کن تا گوشت بدنت را باز گردد؛ مبادا هر روزه حمام کنی که مایه لاغری است.

۶۱۴- نوره کشیدن و موهای زاید بدن را زدودن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي بصيرٍ عن أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله علیه قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صلوات الله علیه: النَّورَةُ نُشْرَةٌ وَ طَهُورٌ لِلْجَسَدِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: نوره، موجب زدودن غم و اندوه و طهارت و پاکیزگی بدن است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ قَالَ سَمِعْتُ أَيْبَا الْحَسَنِ صلوات الله علیه يَقُولُ: أَلْقُوا عَنْكُمْ الشَّعْرَ فَإِنَّهُ يُحَسِّنُ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابراهیم بن عبد الحمید روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: موهای زاید (بدن) را بزدايید؛ چرا که باعث زیبایی می شود.

ص: ۶۷۰

۱- الكافي ج ۶ ص ۴۹۷ ح ۴.

۲- الكافي ج ۶ ص ۵۰۶ ح ۷.

۳- الكافي ج ۶ ص ۵۰۵ ح ۵.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: أَحَبُّ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَطَّلِيَ فِي كُلِّ خَمْسَةِ عَشَرَ يَوْمًا. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه عليه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله عليه فرمود: دوست دارم مؤمن در هر پانزده روز یک بار نوره بکشد.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَتْرُكُ عِيَانَتَهُ فَوْقَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَلَا يَحِلُّ لِأَمْرَأَةٍ تُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تَدَعَ ذَلِكَ مِنْهَا فَوْقَ عَشْرِينَ يَوْمًا. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، نباید زدودن موی عانه اش (موی شرمگاهش) را بیشتر از چهل روز ترک کند و برای زنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد حلال نیست که این کار را بیشتر از بیست روز ترک کند.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يُطَوَّلَنَّ أَحَدُكُمْ شَعْرَ إِبْطِهِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَتَّخِذُهُ مَحَبًّا لِيَشْتَبِرَ بِهِ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: هیچ کدام از شما موی زیر بغل خود را بلند نکند؛ زیرا شیطان آن را نهران گاه خود برمی گزیند تا خود را با آن پنهان کند.

۶- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: كُنَّا بِالْمَدِينَةِ فَلَاحَانِي زُرَّارَةَ فِي تَنَفِّهِ الْإِبْطِ وَحَلَقِهِ فَقُلْتُ حَلَقَهُ أَفْضَلُ وَقَالَ زُرَّارَةُ تَنَفُّهُ أَفْضَلُ فَاسْتَأْذَنَّا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَذِنَ لَنَا وَهُوَ فِي الْحَمَّامِ يَطَّلِي قَدْ أَطْلَى إِبْطِيهِ فَقُلْتُ لِرُزَّارَةَ يَكْفِيكَ قَالَ لَا لَعَلَّهُ فَعَلَ هَذَا لِمَا لَا يَجُوزُ لِي أَنْ أَفْعَلَهُ فَقَالَ فِيمَ أَنْتُمْ فَقُلْتُ لِأَحَانِي زُرَّارَةَ فِي تَنَفِّهِ الْإِبْطِ وَ

ص: ۶۷۱

۱- الكافي ج ۶ ص ۵۰۶ ح ۸.

۲- الكافي ج ۶ ص ۵۰۶ ح ۱۱.

۳- الكافي ج ۶ ص ۵۰۷ ح ۱.

حَلَقِهِ فَقُلْتُ حَلَقَهُ أَفْضَلُ وَقَالَ نَتَفَّهُ أَفْضَلُ فَقَالَ أَصَيْبَتِ السُّنَّةَ وَأَخْطَأَهَا زُرَّارَةُ حَلَقَهُ أَفْضَلُ مِنْ نَتَفِهِ وَطَلِيهِ أَفْضَلُ مِنْ حَلَقِهِ ثُمَّ قَالَ لَنَا إِطْلِيَا فَقُلْنَا فَعَلْنَا ذَلِكَ مُنْذُ ثَلَاثٍ فَقَالَ أَعِيدَا فَإِنَّ الْإِطْلَاءَ طَهُورٌ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن ابی یغفور روایت کرده که گفت: ما در مدینه بودیم. زراره درباره کردن موی زیر بغل و تراشیدن آن با من منازعه نمود. من گفتم: تراشیدن آن افضل است و زراره گفت: کردن آن افضل است. پس از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه اجازه ورود خواستیم. حضرت صلوات الله علیه به ما اجازه داد در حالی که در حمام نوره می کشید و زیر بغل خود را نوره کشیده بود.

به زراره گفتم: همین تو را کافی است؟

گفت: نه؛ شاید حضرت این کار را به علتی انجام داده است که برای من جایز نباشد انجامش دهم.

حضرت فرمود: شما درباره چه چیزی بحث می کنید؟

عرض کردم: زراره با من درباره کردن موی زیر بغل و تراشیدن آن با من منازعه نمود. من گفتم: تراشیدن آن افضل است و زراره گوید: کردن آن افضل است.

فرمود: تو سنت را دریافتی و زراره در مورد آن اشتباه نمود. تراشیدن آن از کردن آن افضل است و نوره کشیدن آن از تراشیدن آن افضل است.

سپس به ما فرمود: نوره بکشید.

عرض کردیم: ما سه روز پیش این کار را انجام دادیم.

فرمود: دوباره انجام دهید؛ زیرا نوره کشیدن، طهارت و پاکیزگی است.

۶۱۵- خانه وسیع و خانه تنگ

۱- الشیخ الكلینی، بإسناده عن سَعِيدٍ عن غَيْرِ وَاحِدٍ: أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ سُئِلَ عَنْ فَضْلِ عَيْشِ الدُّنْيَا قَالَ سَعَهُ الْمَنْزِلِ وَكَثْرَةُ الْمُحِبِّينَ. (۲)

ص: ۶۷۲

۱- . الكافي ج ۶ ص ۵۰۸ ح ۵.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۵۲۶ ح ۵.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سعید از راویان متعددی روایت کرده که گفتند: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه درباره خوبی زندگی دنیایی سؤال شد.

فرمود: وسیع بودن منزل و زیاد بودن دوستداران است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن أبي المغيرة عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: من شقاء العيش ضيق المنزل. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن ابی مغیره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: خانه تنگ و محقر زندگی را سخت و دشوار می سازد.

۶۱۶- نهی از تزئین خانه با عکس ها و تمثال ها

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أتاني جبرئيل وقال يا محمد إن ربك يقرئك السلام وينهى عن تزويق البيوت قال أبو بصير فقلت ما تزويق البيوت فقال تصاوير التماثيل. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: جبرئیل علیه السلام نزد آمد و گفت: ای محمد! به راستی که پروردگارت به تو سلام می رساند و از تزئین خانه ها نهی می کند.

ابو بصیر گوید: عرض کردم: تزئین خانه ها چیست؟

فرمود: تزئین با عکس ها و تمثال هاست.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سألتُه عن الوساده و البساط يكون فيه التماثيل فقال لا بأس به يكون في البيت قلت التماثيل فقال كل شيء يوطأ فلا بأس به. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: اگر بر روی فرش و پتو تمثال های (آدمی و حیوانات جاندار) منقش باشد، چه حکمی دارد؟

ص: ۶۷۳

۱- . الكافي ج ۶ ص ۵۲۶ ح ۶.

۲- . الكافي ج ۶ ص ۵۲۶ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۶ ص ۵۲۷ ح ۶.

فرمود: مانعی ندارد که در خانه مورد استفاده قرار بگیرد.

من گفتم: نقش صورت آن اشکالی ندارد؟

فرمود: هر نقشی که در زیر پا قرار بگیرد اشکالی ندارد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَمَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الدَّارِ وَالْحُجْرَةِ فِيهَا التَّمَاثِيلُ أَيْصَلِّي فِيهَا فَقَالَ لَا تُصَلِّ فِيهَا وَفِيهَا شَيْءٌ يَسْتَقْبِلُكَ إِلَّا أَنْ لَا تَجِدَ بُدًّا فَتَقْطَعَ رُءُوسَهَا وَإِلَّا فَلَا تُصَلِّ فِيهَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن جعفر صلوات الله علیه روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه پرسیدم: آیا در خانه و اتاقی که عکس صورت در آن است، می شود نماز خواند؟

فرمود: نماز نخوان در حالی که در آن اتاق و خانه عکس صورتی رو به رویت باشد مگر آن که چاره ای نیابی؛ پس سر آن عکس را قطع و خراب کن و صورت آن را به هم بزن. وگرنه در آن نماز نخوان.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُنْذِرِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: ثَلَاثَةٌ مُعَذَّبُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ كَذَبَ فِي رُؤْيَاهُ يُكَلِّفُ أَنْ يَعْقِدَ بَيْنَ شَعِيرَتَيْنِ وَ لَيْسَ بِعَاقِدٍ بَيْنَهُمَا وَ رَجُلٌ صَوَّرَ تَمَاثِيلَ يُكَلِّفُ أَنْ يَنْفُخَ فِيهَا وَ لَيْسَ بِنَافِخٍ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسین بن منذر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: سه نفر در روز قیامت معذب اند: شخصی که خواب دروغین تعریف می کند تکلیف می شود که دو تار موی را به هم گره بزند، اما او نمی تواند آنها را گره بزند. شخصی که عکس هایی را تصویر کرده است تکلیف می شود که در آن عکس ها روح بدمد و او نمی تواند روح بدمد.

ص: ۶۷۴

۱- . الکافی ج ۶ ص ۵۲۷ ح ۹.

۲- . الکافی ج ۶ ص ۵۲۸ ح ۱۰.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سليمان بن جعفر عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من لم يحسن وصيته عند الموت كان نقصاً في موعته وعقله قيل يا رسول الله وكيف يوصى الميت قال إذا حضرته وفاته واجتمع الناس إليه قال: اللهم فاطر السموات والأرض عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم اللهم إنني أعهد إليك في دار الدنيا أنني أشهد أن لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك وأن محمداً عبداً لك ورسولك وأن الجنة حق وأن النار حق وأن البعث حق وأن الحساب حق والقدر والميزان حق وأن الدين كما وصفت وأن الإسلام كما شرعت وأن القول كما حدثت وأن القرآن كما أنزلت وأنت الله الحق المبين جزى الله محمداً صلى الله عليه وآله خير الجزاء وحياً لله محمداً وآل محمداً بالسلام اللهم يا عبدني عند كرتي ويا صاحبي عند شدتي ويا ولي نعمتي إلهي وإله آبائي لا تكلمني إلى نفسي طرفة عين أبداً فإنك إن تكلمني إلى نفسي طرفة عين أقرب من الشر وأبعد من الخير فأنس في القبر وحشتي واجعل لي عهداً يوم ألقاك منشوراً ثم يوصى بحاجته وتصدق هذه الوصية في القرآن في السورة التي يذكر فيها مريم في قوله عز وجل «لا يملكون الشفاعة إلا من اتخذ عند الرحمن عهداً» فهذا العهد الميت والوصية حق على كل مسلم أن يحفظ هذه الوصية ويعلمها وقال أمير المؤمنين صلوات الله عليه علمنيها رسول الله صلى الله عليه وآله وقال رسول الله صلى الله عليه وآله علمنيها جبرئيل عليه السلام. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سليمان بن جعفر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: کسی که به هنگام مرگ وصیت خوب و کاملی نکند، در جوانمردی و عقلش نقص و کاستی است.

عرض کردند: ای رسول الله! انسان محتضر چگونه وصیت کند؟

ص: ۶۷۵

فرمود: هنگامی که زمان مرگش فرا رسید و مردم کنارش جمع شدند بگوید: «اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَمِدُ إِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ الْبُعْثَ حَقٌّ وَأَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ وَالْقَدَرَ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَأَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَفْتَ وَأَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ وَأَنَّ الْقَوْلَ كَمَا حَدَّثْتَ وَأَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلْتَ وَأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ جَزَى اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَيْرَ الْجَزَاءِ وَحَيَّا اللَّهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ بِالسَّلَامِ اللَّهُمَّ يَا عِدَّتِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَيَا صَاحِبِي عِنْدَ شِدَّتِي وَيَا وَلِيَّ نِعْمَتِي إِلَهِي وَإِلَهَ آبَائِي لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فَإِنَّكَ إِنْ تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَقْرُبُ مِنَ الشَّرِّ وَأَبْعُدُ مِنَ الْخَيْرِ فَأَنْسِ فِي الْقَبْرِ وَحَشْتِي وَاجْعَلْ لِي عَهْدًا يَوْمَ الْقَائِكَ مَنْشُورًا».

سپس به نیازهای خود وصیت کند.

این وصیت در قرآن کریم در سوره مریم تصدیق شده است، آن جا که خداوند عزّ و جل می فرماید: «و شفاعت نمی یابند مگر کسانی که نزد خداوند رحمان عهد و پیمانی بسته اند».

پس این عهد و پیمان میّت است و بر عهده هر مسلمانی است که این وصیت را به خاطر بسپارد و به دیگران نیز بیاموزد.

و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ این وصیت را به من تعلیم و آموزش داد، و رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: جبرئیل علیه السلام این وصیت را به من تعلیم و آموزش داد.

۲- الشيخ الكليني، يأسناده عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْوَصِيَّةِ فَقَالَ هِيَ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو صباح کنانی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره وصیت پرسیدم.

فرمود: وصیت حقی بر عهده همه مسلمانان است.

ص: ۶۷۶

۱- . الکافی ج ۷ ص ۳ ح ۴.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن يحيى بن محمد قال: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «بِأَيِّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمْ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخِرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ» قَالَ اللَّذَانِ مِنْكُمْ مُسْلِمَانِ وَاللَّذَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ فَمِنَ الْمُجُوسِ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَنَّ فِي الْمُجُوسِ سُنَّةَ أَهْلِ الْكِتَابِ فِي الْجَزِيَةِ وَذَلِكَ إِذَا مَاتَ الرَّجُلُ فِي أَرْضِ عَزْبِهِ فَلَمْ يَجِدْ مُسْلِمِينَ أَشْهَدَ رَجُلَيْنِ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ يُحِبَّسَانِ بَعْدَ الصَّلَاةِ فَيُقْسَمَانِ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذَا لَمِنَ الْأَثِمِينَ» قَالَ وَ ذَلِكَ إِذَا ارْتَابَ وَلِيُّ الْمَيِّتِ فِي شَهَادَتَيْهِمَا فَإِنْ عَثَرَ عَلَى أَنَّهُمَا شَهِدَا بِالْبَاطِلِ فَلَيْسَ لَهُ أَنْ يَنْقُضَ شَهَادَتَيْهِمَا حَتَّى يَجِيءَ بِشَاهِدَيْنِ يَقُومَانِ مَقَامَ الشَّاهِدَيْنِ الْأَوَّلَيْنِ «فَيُقْسَمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتِنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتَيْهِمَا وَ مَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ» فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ نَقَضَ شَهَادَةَ الْأَوَّلَيْنِ وَ حَازَتْ شَهَادَةُ الْآخَرَيْنِ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «ذَلِكَ أَذْنَبِي أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَيَّ وَجْهَهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَانٌ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ» (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یحیی بن محمد روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره این آیه پرسیدم که می فرماید: {ای کسانی که ایمان آورده اید! در حال احتضار، برای وصیت گواهی دو عادل از خودتان بطلبید، و یا گواهی دو تن از غیر خودتان} (سوره مائده آیه ۱۰۶)

فرمود: دو عادل از خودتان یعنی دو تن مسلمان عادل؛ و «دو تن از غیر خودتان» یعنی دو تن از اهل کتاب؛ و در صورتی که از اهل کتاب کسی را نیابند، دو تن از مجوسیان که ادعای کتاب دارند، زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله درباره مجوسیان سنت اهل کتاب را اجرا کرد و از آنان جزیه گرفت.

این هم در موقعی است که انسان در بلاد غربت به حال احتضار بیفتد و دو تن مسلمان عادل نیابد، باید دو تن از اهل کتاب به گواهی حاضر شوند به این صورت که بعد از نماز عصر به مسجد احضار شوند و به خداوند عز و جل سوگند بخورند که «ما با گواهی خود دنیای کم ارزش را نمی خریم، گرچه به سود خویشاوند خود گواهی داده ایم؛ ما گواهی خدا را کتمان نمی کنیم، و گرنه از گنهکاران خواهیم بود».

ص: ۶۷۷

فرمود: و اگر روشن شود که آن دو به ناحق گواهی داده اند و به ناحق سوگند خورده اند، کسی حق ندارد گواهی آن دو تن را نقض کند، مگر موقعی که دو تن شاهد از میان وارثان برخیزند و در جای آن دو تن نامسلمان قرار گیرند و به حق گواهی دهند، و قسم یاد کنند که «گواهی ما از گواهی آنان به حقیقت نزدیک تر است، و ما به حق کسی تجاوز نکرده ایم، و گرنه از ستم کارانیم».

اگر بتوانند این گواهی را بگذرانند، گواهی آن دو تن نامسلمان نقض می شود و گواهی وارثان لازم الاجرا خواهد بود.

خداوند عزّ و جل می فرماید: {با این مقررات از سوگند دروغ پرهیزند و گواهی خود را به صدق و حقیقت ادا کنند؛ و لا اقل بترسند که بعد از سوگندشان، سوگند دیگری به منکران شان تکلیف شود}. (سوره مائده آیه ۱۰۸)

۶۱۹- وصیت به نفع وارثان

۱- الشیخ الکلبینی، یاسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الرَّجُلِ يُفَضِّلُ بَعْضَ وُلْدِهِ عَلَى بَعْضٍ قَالَ نَعَمْ وَ نِسَاءَهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن قیس روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه پرسیدم: انسان می تواند به هنگام وصیت کردن بعضی از فرزندان را بر فرزندان دیگرش برتری دهد؟

فرمود: آری؛ همسرانش را نیز می تواند بر یکدیگر برتری دهد.

۶۲۰- آنچه انسان میتواند وصیت کند

۱- الشیخ الکلبینی، یاسناده عَنْ شُعَيْبِ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الرَّجُلِ يَمُوتُ مَا لَهُ مِنْ مَالِهِ فَقَالَ لَهُ ثَلَاثُ مَالِهِ وَ لِلْمَرْأَةِ أَيْضًا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از شعیب بن یعقوب روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: اگر کسی وصیت کند و بمیرد، اموال او تا چه حد به مصرف وصیت می رسد؟

ص: ۶۷۸

۱- . الکافی ج ۷ ص ۱۰ ح ۶.

۲- . الکافی ج ۷ ص ۱۱ ح ۳.

فرمود: یک سوم اموال او به خودش تعلق دارد. بانوان نیز همین حق را دارند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: لَأَنْ أُوصِيَ بِخُمْسٍ مَالِي أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُوصِيَ بِالرُّبْعِ وَ لَأَنْ أُوصِيَ بِالرُّبْعِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُوصِيَ بِالثُّلْثِ وَ مَنْ أُوصِيَ بِالثُّلْثِ فَلَمْ يَتْرِكْ فَقَدْ بَالَعَ قَالَ وَ قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي رَجُلٍ تُوفِّيَ وَ أُوصِيَ بِمَالِهِ كُلِّهِ أَوْ أَكْثَرَهُ فَقَالَ إِنَّ الْوَصِيَّةَ تُرَدُّ إِلَى الْمَعْرُوفِ غَيْرِ الْمُنْكَرِ فَمَنْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَ أَتَى فِي وَصِيَّتِهِ الْمُنْكَرَ وَ الْحَيْفَ فَإِنَّهَا تُرَدُّ إِلَى الْمَعْرُوفِ وَ يُتْرَكُ لِأَهْلِ الْمِيرَاثِ مِيرَاثُهُمْ وَ قَالَ مَنْ أُوصِيَ بِثُلْثِ مَالِهِ فَلَمْ يَتْرِكْ وَ قَدْ بَلَغَ الْمَدَى ثُمَّ قَالَ لَأَنْ أُوصِيَ بِخُمْسٍ مَالِي أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُوصِيَ بِالرُّبْعِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن قیس روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه همواره می فرمود: اگر به یک پنجم اموال خود وصیت کنم، برای من محبوب تر از این است که به یک چهارم آن وصیت کنم، و اگر به یک چهارم وصیت کنم، برای من محبوب تر از این است که به یک سوم وصیت کنم. و کسی که به یک سوم وصیت کند، هیچ مقدار از آن اندازه ای را که اجازه دارد وصیت کند فرو گذار نکرده است و به راستی که به نهایت آن رسیده است.

حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: هم چنین حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در مورد کسی که از دنیا رفت و به همه اموالش یا بخش اعظم آن وصیت نمود، قضاوت نمود و فرمود: به راستی که وصیت به کارهای نیک و معروف باز می گردد؛ نه منکرات. پس هرکس که به خودش ستم کند و در وصیتش منکر و ناعدالتی بیاورد، پس وصیت به معروف (یک سوم) باز می گردد و میراث ورثه برای آنان به جای گذاشته می شود.

و فرمود: هرکس به یک سوم اموالش وصیت کند، چیزی به جای نگذاشته است و به غایت آن رسیده است.

آن گاه فرمود: اگر به یک پنجم اموال خود وصیت کنم، نزد من محبوب تر از آن است که به یک چهارم وصیت کنم.

ص: ۶۷۹

۶۲۱- حکم کسی که وصیت می کند و در وصیت تجدید نظر می نماید

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبيد بن زرارَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: لِلْمُوصِي أَنْ يَرْجِعَ فِي وَصِيَّتِهِ إِنْ كَانَ فِي صِحِّهِ أَوْ مَرَضٍ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبید بن زرارہ روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: وصیت کننده می تواند وصیت خود را لغو کند و یا در آن تجدید نظر کند، خواه در حال صحت وصیت کند یا در حال بیماری.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لِصَاحِبِ الْوَصِيَّةِ أَنْ يَرْجِعَ فِيهَا وَ يُحْدِثَ فِي وَصِيَّتِهِ مَا دَامَ حَيًّا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از برید عجلی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: وصیت کننده تا زمانی که زنده است می تواند از وصیت خود برگردد یا وصیت خود را تغییر دهد.

۶۲۲- اجرای وصیت بر طبق مفاد آن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ رَجُلٍ أَوْصَى بِمَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَقَالَ أَعْطَاهُ لِمَنْ أَوْصَى بِهِ لَهُ وَإِنْ كَانَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ: «فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ». (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: مردی وصیت کرده که اموال او را در راه خدا به مصرف برسانند، تکلیف چیست؟

فرمود: برای هر کسی که وصیت کرده، باید اموال او را به همان شخص تسلیم کنی، هر چند یهودی و یا نصرانی باشد؛ چرا که خداوند عزّ و جل می گوید: {هر کس وصیت را بشنود و قبول کند، سپس آن را تغییر دهد، گناه و مسئولیت آن بر عهده همان کسانی است که وصیت را تغییر داده اند}. (سوره بقره آیه ۱۸۱)

ص: ۶۸۰

۱- . الكافي ج ۷ ص ۱۲ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۱۲ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۱۴ ح ۱.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمارة في رجل مات وأوصى أن يحج عنه فقال إن كان ضروره يحج عنه من وسط المال وإن كان غير ضروره فمن الثلث. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: (حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه) درباره مردی که وصیت کند که از جانب او نایبی برای حج اعزام کنند، فرمود: اگر به حج نرفته باشد، هزینه حج از همه میراث او تأمین می شود و اگر حج واجب را ادا کرده باشد، هزینه این حج نیابتی از یک سوم میراث او تأمین خواهد شد.

توضیح: این حدیث و امثالش که اسامی نورانی معصومین صلوات الله علیهم در آنان ذکر نشده، در اصطلاح حدیث به آنان احادیث مضموم می گویند. و معاویه بن عمار صحابه و راوی حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه است.

۶۲۴- اگر وصی در وصیت ناعدالتی دید می تواند آن را تغییر دهد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد بن سوجه قال: سألت أبا جعفر صلوات الله عليه عن قول الله تبارك وتعالى: «فمن بدله بعد ما سمعه فإنما إثمه على الذين يبدلونه» قال نسيختها الآية التي بعدها قوله عز وجل «فمن خاف من موص جنفاً أو إثماً فأصلح بينهم فلا إثم عليه» قال يعنى الموصى إليه إن خاف جنفاً من الموصى فيما أوصى به إليه مما لا يرضى الله به من خلاف الحق فلا إثم عليه أى على الموصى إليه أن يبدله إلى الحق وإلى ما يرضى الله به من سبيل الخير. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن سوجه روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه پرسیدم: خداوند عز و جل می فرماید: هر کس وصیت را استماع کند سپس آن را تغییر دهد، مسئولیت آن بر عهده همان کسانی است که وصیت را تغییر داده اند. (سوره بقره آیه ۱۸۱)

ص: ۶۸۱

۱- . الكافي ج ۷ ص ۱۸ ح ۷.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۲۱ ح ۲.

حضرت فرمود: آیه ای که پس از این آیه آمده آن را منسوخ کرده است که می فرماید: هر کس بیم داشته باشد که وصیت گزار به ناحق وصیت کرده و یا حقی را ناحق کرده است و با تشخیص خود میان صاحبان حق صلح و آشتی برقرار کند، مسئولیتی بر عهده او نیست. (سوره بقره آیه ۱۸۲)

یعنی وصی اگر بیم آن داشته باشد که وصیت کننده در آن چه که از تمام ثلث به او وصیت نموده، از حق منحرف شده و آن چه که به او وصیت کرده بر خلاف حق و مورد رضایت الهی نباشد، پس گناهی بر او یعنی بر وصی نیست که آن را به حق و به آن چه که مورد رضایت الهی است تغییر داده و در راه خیر، قرار دهد.

۶۲۵- وصی نمی تواند وصیت حق را تغییر دهد

۱- الشیخ الكلینی، بإسناده عن أبي سعيد عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سئل عن رجل أوصى بحججه فجعلها وصيته في نسيمه فقال يغرّمها وصيته و يجعلها في حججه كما أوصى به فإن الله تبارك و تعالى يقول: «فمن بدله بعد ما سمعه فإنما إثمه على الذين يبدلونه» (۱).

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو سعید روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدند: مردی وصیت نمود که برای او حج انجام دهند. اما وصی آن را در راه آزاد کردن برده قرار داد.

فرمود: وصی، ضامن است و باید آن مبلغ را در راه انجام حج قرار دهد؛ زیرا خداوند می فرماید: پس هر که پس از شنیدن وصیت آن را دگرگون سازد گنااهش بر کسانی است که آن را تغییر می دهند. (سوره بقره آیه ۱۸۱)

۶۲۶- در اجرای وصیت اول کفن، بعد بدهی و آنگاه وصیت

۱- الشیخ الكلینی، بإسناده عن السكوني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: أول شيء يُبدأ به من المال الكفن ثم الدين ثم الوصية ثم الميراث. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: نخستین مورد و صرف اموال میت، کفن، سپس بدهی، سپس وصیت و آن گاه میراث است.

ص: ۶۸۲

۱- . الكافي ج ۷ ص ۲۲ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۲۳ ح ۳.

۶۲۷- حکم وصیت کسی که بالغ نشده است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذْ أَتَى الْغُلَامَ عَشْرَ سِنِينَ فَإِنَّهُ يَجُوزُ لَهُ فِي مَالِهِ مَا أَعْتَقَ وَ تَصَدَّقَ وَ أَوْصَى عَلَى حَدِّ مَعْرُوفٍ وَ حَقِّ فَهُوَ جَائِزٌ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: هر گاه پسر نابالغ ده ساله شود، حق دارد که برده خود را آزاد کند و یا در راه خدا صدقه دهد و یا در راه خیر و در حد حقوق شرعی وصیت کند در این سه مورد تصرفات او لازم الاجراست.

۶۲۸- بالغی که وصیتش جایز نیست

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي وَوَلَادٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ مُتَعَمِّدًا فَهُوَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا قِيلَ لَهُ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ أَوْصَى بِوَصِيَّتِهِ ثُمَّ قَتَلَ نَفْسَهُ مِنْ سَاعَتِهِ تَنَفُّدًا وَصِيَّتُهُ قَالَ فَقَالَ إِنْ كَانَ أَوْصَى قَبْلَ أَنْ يُخْدِثَ خِيَدًا فِي نَفْسِهِ مِنْ جِرَاحِهِ أَوْ فِعْلٍ لَعَلَّهُ يَمُوتُ أُجِيزَتْ وَصِيَّتُهُ فِي الثُّلُثِ وَإِنْ كَانَ أَوْصَى بِوَصِيَّتِهِ بَعِيدًا مِمَّا أَخْدِثَ فِي نَفْسِهِ مِنْ جِرَاحِهِ أَوْ فِعْلٍ لَعَلَّهُ يَمُوتُ لَمْ تُجْزَ وَصِيَّتُهُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو ولاد روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: هر کس از روی عمد خودکشی نماید برای همیشه در آتش دوزخ خواهد بود.

کسی از حاضران پرسید: به نظر شما اگر کسی وصیت نامه خود را تنظیم کند و در همان ساعت خودکشی کند، آیا وصیت او باید اجرا شود؟

فرمود: اگر کسی نخست وصیت کند سپس دست به خودکشی زند؛ جراحی بر تن خود برساند و یا سمی تناول کند، وصیت او در حد ثلث اجرا خواهد شد؛ ولی اگر نخست دست به خودکشی زده باشد؛ یعنی جراحی بر تن خود وارد کند و یا سمی تناول کند، و بعد وصیت کند، وصیت او اجرا نخواهد شد.

ص: ۶۸۳

۱- . الكافي ج ۷ ص ۲۸ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۴۵ ح ۱.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سهل بن زياد قال: كتبت إلى أبي محمد صلوات الله عليه رجل كان له إثنان فمات أحدهما وله ولد ذكور وإناث فأوصى لهم جدتهم بسهم أبيهم فهذا السهم الذكور والأُنثى فيه سواء أم للذكر مثل حظ الأنثيين فوقع صلوات الله عليه يُنفذون وصية جدهم كما أمر إن شاء الله قال وكتبت إليه رجل له ولد ذكور وإناث فأقر لهم بصية أبيها ولولده ولم يذكر أنها بينهم على سهام الله عز وجل وفرايض الذكور والأُنثى فيه سواء فوقع صلوات الله عليه يُنفذون فيها وصية أبيهم على ما سمي فإن لم يكن سمي شيئاً ردوها إلى كتاب الله عز وجل وسنه نبيه صلى الله عليه وآله إن شاء الله. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سهل بن زیاد روایت کرده که گفت: به حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه نوشتم: مردی دو پسر دارد و یکی از آنان که پسران و دخترانی دارد وفات می کند. پدر بزرگ، سهم پدر این بچه ها را برای آنان وصیت می کند؛ آیا پسر و دختر در این سهم یکسان اند؟ یا پسر دو برابر سهم دختر دارد؟

حضرت صلوات الله علیه تویق فرمود: وصیت پدر بزرگشان را همان طور که دستور داده بود به جای آورند؛ ان شاء الله!

هم چنین برای آن حضرت نوشتم: مردی فرزندان پسر و دختری دارد و اعتراف کرده است که زمینی کشاورزی از آن فرزندان باشد. اما بیان نکرده است که آن زمین بین فرزندان طبق سهام و فرائض خداوند تقسیم شود؛ آیا پسر و دختر سهم یکسانی از آن زمین دارند؟

حضرت صلوات الله علیه تویق فرمود: وصیت پدرشان را طبق همان وصیتی که نمود به جای آورند. پس اگر مواردی را به روشنی بیان نکرد، وصیت را به قرآن و سنت نبوی صلی الله علیه و آله برگردانید؛ ان شاء الله!

۶۳۰- حکم صدقه ها و خیرهای پس از مرگ

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن عمارة قال: قلت لأبي عبد الله صلوات الله عليه ما يلحق الرجل بعد موته فقال سنه سنهها يُعمل بها بعد موته فيكون له مثل أجر من عمل بها من

ص: ۶۸۴

غَيْرِ أَنْ يَنْتَقِصَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْءٌ وَالصَّدَقَةُ الْجَارِيَةُ تَجْرِي مِنْ بَعْدِهِ وَالْوَلَدُ الصَّالِحُ يَدْعُو لِوَالِدَيْهِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا وَيُحُجُّ وَيَتَصَدَّقُ عَنْهُمَا وَيُعْتِقُ وَيُصُومُ وَيُصَلِّي عَنْهُمَا فَقُلْتُ أَشْرِكُهُمَا فِي حَجِّي قَالَ نَعَمْ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن عمار روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: کدام اجر و پاداشی است که بعد از مرگ هم به انسان واصل می شود؟

فرمود: روش نیکی را پایه گذاری کند که در میان مردم متداول شود و چون مردم به آن روش کار کنند، اجر و پاداش آن به بنیان گذار آن روش می رسد، بی آن که اجر و پاداش دیگران کاهش یابد؛ و خیرات بادوامی که بعد از مرگ انسان مورد استفاده و بهره یابی مردم واقع شود؛ و فرزند صالح و شایسته ای که بعد از مرگ والدین بر آنان دعا کند و به نیابت آنان حج بگزارد، صدقه دهد، بنده آزاد کند، روزه بگیرد و نماز بخواند.

عرض کردم: می توانم پدر و مادرم را در ثواب حج خود شرکت بدهم؟

فرمود: آری.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي كهمس عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سئته تلحق المؤمن بعد وفاته ولد يستغفر له و مصحف يخلفه و غرس يغرسه و قلب يخفره و صدقة يجريها و سنة يؤخذ بها من بعده. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابی کهمس روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: شش چیز پس از مرگ انسان به او می رسد: فرزندی که برایش آموزش بخواند، مصحفی (قرآن و کتب حدیثی) که از خود به جای می گذارد، نهالی که آن را می کارد، چاهی که آن را حفر می کند، عمل خیری که آن را جاری می سازد و سنتی که پس از مرگش به آن عمل می شود.

۶۳۱- حکم کسی که بدون وصیت می میرد و وارث صغیر دارد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن رباب قال: سألت أبا الحسن صلوات الله عليه عن رجل بيني وبينه قرابة مات و ترك أولاداً صغاراً و ترك مماليك له غلماناً و جوارى و لم يوص فما ترى فيمن يشتري منهم الجارية يتخذها أم و ولد و ما ترى في بيعهم قال فقال إن كان لهم

ص: ۶۸۵

۱- . الكافي ج ۷ ص ۵۷ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۵۷ ح ۵.

وَلِيُّ يَوْمٍ بِأَمْرِهِمْ يَبِيعَ عَلَيْهِمْ وَنَظَرَ لَهُمْ كَمَا نَ مَا جُورًا فِيهِمْ قُلْتُ فَمَا تَرَى فِيمَنْ يَشْتَرِي مِنْهُمْ الْجَارِيَةَ فَيَتَّخِذُهَا أُمَّ وَلَمَدٍ قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا أَنْفَذَ ذَلِكَ الْقَيْمُ لَهُمُ النَّاطِرُ فِيمَا يُصْلِحُهُمْ وَ لَيْسَ لَهُمْ أَنْ يَرْجِعُوا فِيمَا صَنَعَ الْقَيْمُ لَهُمُ النَّاطِرُ فِيمَا يُصْلِحُهُمْ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن رئاب روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه سؤال کردم: یکی از خویشان من از دنیا رفت و فرزندان کوچکی به جای گذاشت. او غلامان و کنیزانی نیز به جای نهاد اما وصیت نکرد. بنابراین نظر شما درباره کسی که کنیزی از آنان می خرد و او را جهت فرزنددار شدن قرار می دهد چیست؟ هم چنین نظر شما درباره فروشی که آن کودک را انجام می دهند چیست؟

فرمود: اگر آنان سرپرستی دارند که امور آن ها را انجام می دهد، برای آنان بفروشد و حق آنان را در نظر بگیرد، پاداش خواهد برد.

گفتم: نظر شما درباره کسی که از آن فرزندان کنیز می خرد و از او فرزنددار می شود چیست؟

فرمود: این معامله ایرادی ندارد به شرط آن که سرپرست آنان که مصالح آنها را در نظر گرفته این معامله را امضا کند و در این صورت حق رجوع از معامله نیز ندارد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن سماعة قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن رجل مات وله بنون وبنات صغار و كبار من غير وصية وله خدم و مماليك و عقد كيف يصنع الورثة بقسمه ذلك الميراث قال إن قام رجل ثقته قاسمهم ذلك كله فلا بأس. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: مردی بدون وصیت از دنیا رفت. او پسران و دختران کوچک و بزرگی و خدمت کاران و بردگانی دارد. ورثه چگونه میراث را تقسیم کنند؟

فرمود: اگر شخص مورد اعتمادی به پاخواست و همه میراث را بین ورثه تقسیم نمود، مانعی ندارد.

ص: ۶۸۶

۱- . الكافي ج ۷ ص ۶۷ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۶۷ ح ۳.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سعد بن إسماعيل عن أبيه قال: سَأَلْتُ الرَّضَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ وَصِيِّ أَيْتَامٍ تُدْرِكُ أَيْتَامَهُ فَيَعْرِضُ عَلَيْهِمْ أَنْ يَأْخُذُوا الَّذِي لَهُمْ فَيَأْبُونَ عَلَيْهِ كَيْفَ يَصْنَعُ قَالَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَرُدُّهُ عَلَيْهِمْ وَيُكْرِهُهُمْ عَلَى ذَلِكَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سعد بن اسماعیل از پدرش روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله علیه پرسیدم: اگر ایتام به حد بلوغ و رشد برسند و وصی و سرپرست به آنان تکلیف کند که بیاید و اموال خود را تحویل بگیرید، ولی آنان خودداری کنند، تکلیف وصی چه خواهد بود؟

فرمود: باید با جبر و اکراه اموال شان را به آنان رد کند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن هشام عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: انْقَطَاعُ يَتِيمٍ بِالْإِحْتِلَامِ وَهُوَ أَشَدُّ وَ إِنْ اِحْتَلَمَ وَ لَمْ يُؤْنَسْ مِنْهُ رُشْدٌ وَ كَانَ سَفِيهَاً أَوْ ضَعِيفاً فَلْيُمْسِكْ عَنْهُ وَ لِيَهُ مَالَهُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از هشام روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: پایان یافتن یتیمی یتیم، احتلام اوست که همان رشد اوست و اگر محتلم شود، اما رشدی از او مشاهده نشد بلکه سفیه و ناتوان بود، پس سرپرستش باید اموال او را برایش نگهدارد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً كُتِبَتْ لَهُ الْحَسَنَةُ وَ كُتِبَتْ عَلَيْهِ السَّيِّئَةُ وَ عُوقِبَ وَ إِذَا بَلَغَتِ الْجَارِيَةُ تِسْعَ سِنِينَ فَكَذَلِكَ وَ ذَلِكَ أَنَّهَا تَحِيضُ لِتِسْعَ سِنِينَ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه پسر به سن سیزده سالگی برسد، کارهای نیک و بد او ثبت می شود و مسئولیت دارد و هرگاه دختر به سن نه سالگی برسد، به همین صورت کارهای نیک و بد او ثبت می شود و مسئولیت دارد. مسئولیت به خاطر این است که دختر در سن نه سالگی حائض می شود.

ص: ۶۸۷

۱- . الكافي ج ۷ ص ۶۸ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۶۸ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۶۸ ح ۶.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِذَا بَلَغَ أَشَدَّهُ ثَلَاثَ عَشْرَةَ سَنَةً وَدَخَلَ فِي الْأَرْبَعِ عَشْرَةَ وَجَبَ عَلَيْهِ مَا وَجَبَ عَلَى الْمُحْتَلِمِينَ إِحْتَلَمَ أَوْ لَمْ يَحْتَلِمِ كُتِبَتْ عَلَيْهِ السَّيِّئَاتُ وَكُتِبَتْ لَهُ الْحَسَنَاتُ وَجَازَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ إِلَّا أَنْ يَكُونَ ضَعِيفًا أَوْ سَفِيهًا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هنگامی که رشد پسر بچه به سیزده سالگی رسید و داخل چهارده سالگی شد، تکالیفی که بر محتلم شدگان واجب است بر او نیز واجب می گردد؛ چه محتلم بشود چه نشود.

گناهان، و حسنات و نیکی ها برایش نگاشته می شود و هر چیزی برای او جایز می گردد جز این که ناتوان و یا سفیه باشد.

ص: ۶۸۸

۱- . الکافی ج ۷ ص ۶۹ ح ۷.

١- الشيخ الكليني، قال: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ الْفَرَائِضَ عَلَى أَرْبَعَةِ أَضْيَانٍ وَ جَعَلَ مَخَارِجَهَا مِنْ سِتَّةِ أَشْهُمٍ فَبَدَأَ بِالْوَلَدِ وَ الْوَالِدَيْنِ الَّذِينَ هُمْ الْأَقْرَبُونَ وَ بَأَنْفُسِهِمْ يَتَقَرَّبُونَ لَا بغيرِهِمْ وَ لَا يَسْقُطُونَ مِنَ الْمِيرَاثِ أَبَدًا وَ لَا يَرِثُ مَعَهُمْ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ إِلَّا الزَّوْجُ وَ الزَّوْجَةُ فَإِنْ حَضَرَ كُلُّهُمْ قُسِمَ الْمَالُ بَيْنَهُمْ عَلَى مَا سَمِيَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنْ حَضَرَ بَعْضُهُمْ فَكَذَلِكَ وَ إِنْ لَمْ يَحْضُرْ مِنْهُمْ إِلَّا وَاحِدٌ فَالْمَالُ كُلُّهُ لَهُ وَ لَا يَرِثُ مَعَهُ أَحَدٌ غَيْرُهُ إِذَا كَانَ غَيْرُهُ لَا يَتَقَرَّبُ بِنَفْسِهِ وَ إِنَّمَا يَتَقَرَّبُ بِغَيْرِهِ إِلَّا مَا حَصَّ اللَّهُ بِهِ مِنْ طَرِيقِ الْإِجْمَاعِ أَنَّ وَلَدَ الْوَلَدِ يَقُومُونَ مَقَامَ الْوَلَدِ وَ كَذَلِكَ وَلَدُ الْإِخْوَةِ إِذَا لَمْ يَكُنْ وَلَدُ الصُّلْبِ وَ لَا إِخْوَةٌ وَ هَذَا مِنْ أَمْرِ الْوَلَدِ مُجْمَعٍ عَلَيْهِ وَ لَا أَعْلَمُ بَيْنَ الْأُمَّةِ فِي ذَلِكَ اخْتِلَافًا فَهَؤُلَاءِ أَحَدُ الْأَضْيَانِ الْأَرْبَعَةِ وَ أَمَّا الصَّنْفُ الثَّانِي فَهُوَ الزَّوْجُ وَ الزَّوْجَةُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ثَنَّى بِذِكْرِهِمَا بَعْدَ ذِكْرِ الْوَلَدِ وَ الْوَالِدَيْنِ فَلَهُمُ السَّهْمُ الْمُسَمَّى لَهُمْ وَ يَرِثُونَ مَعَ كُلِّ أَحَدٍ وَ لَا يَسْقُطُونَ مِنَ الْمِيرَاثِ أَبَدًا وَ أَمَّا الصَّنْفُ الثَّلَاثُ فَهُمُ الْكَلَالَةُ وَ هُمُ الْإِخْوَةُ وَ الْأَخَوَاتُ إِذَا لَمْ يَكُنْ وَلَدٌ وَ لَا الْوَالِدَانِ لِأَنَّهُمْ لَا يَتَقَرَّبُونَ بَأَنْفُسِهِمْ وَ إِنَّمَا يَتَقَرَّبُونَ بِالْوَالِدَيْنِ فَمَنْ تَقَرَّبَ بِنَفْسِهِ كَانَ أَوْلَى بِالْمِيرَاثِ مِمَّنْ تَقَرَّبَ بِغَيْرِهِ وَ إِنْ كَانَ لِلْمَيِّتِ وَلَدٌ وَ وَالِدَانِ أَوْ وَاحِدٌ مِنْهُمْ لَمْ تَكُنِ الْإِخْوَةُ وَ الْأَخَوَاتُ كَلَالَةً لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَ لَهُ أُخْتُ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَ هُوَ يَرِثُهَا يَعْنِي الْأَخَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ» وَ إِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ لَهُمُ الْمِيرَاثَ بِشَرْطٍ وَ قَدْ يَسْقُطُونَ فِي مَوَاضِعَ وَ لَا يَرِثُونَ شَيْئًا وَ لَيْسُوا بِمَنْزِلَةِ الْوَلَدِ وَ الْوَالِدَيْنِ الَّذِينَ لَا يَسْقُطُونَ عَنِ الْمِيرَاثِ أَبَدًا فَإِذَا لَمْ يَحْضُرْ وَلَدٌ وَ لَا وَالِدَانِ فَلِلْكَالَةِ سَهَامُهُمُ الْمُسَمَّاهُ لَهُمْ لَا يَرِثُ مَعَهُمْ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ إِذَا لَمْ يَكُنْ وَلَدٌ إِلَّا مَنْ كَانَ فِي مِثْلِ مَعْنَاهُمْ وَ أَمَّا الصَّنْفُ الرَّابِعُ فَهُمُ أَوْلُو الْأَرْحَامِ الَّذِينَ هُمْ أَبْعَدُ مِنَ الْكَلَالَةِ فَإِذَا لَمْ يَحْضُرْ وَلَدٌ وَ لَا وَالِدَانِ وَ لَمَّا كَلَالَهُ فَالْمِيرَاثُ لِأَوْلَى الْأَرْحَامِ مِنْهُمْ الْأَقْرَبِ مِنْهُمْ فَالْأَقْرَبُ يَأْخُذُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ نَصِيبٌ مَنْ يَتَقَرَّبُ بِقَرَابَتِهِ وَ لَا يَرِثُ أَوْلُو الْأَرْحَامِ مَعَ الْوَلَدِ وَ لَا مَعَ الْوَالِدَيْنِ وَ لَا مَعَ الْكَلَالَةِ شَيْئًا وَ إِنَّمَا يَرِثُ أَوْلُو الْأَرْحَامِ بِالرَّحِمِ فَأَقْرَبُهُمْ إِلَى الْمَيِّتِ أَحَقُّهُمْ

بِالْمِيرَاثِ وَإِذَا اسْتَوَوْا فِي الْبُطُونِ فَلِقَرَابَةِ الْأُمِّ الثَّلَاثُ وَ لِقَرَابَةِ الْأَبِّ الثَّلَاثَانِ وَإِذَا كَانَ أَحَدُ الْفَرِيقَيْنِ أَبْعَدَ فَالْمِيرَاثُ لِلْأَقْرَبِ عَلَى مَا نَحْنُ ذَاكِرُوهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، گوید: به راستی که خداوند متعال سهم های ارث را بر چهار گروه قرار داد و خروجی های آن ها را بر شش سهم.

پس نخست از فرزند و والدین آغاز نمود که آنان، نزدیک ترین شخص به مین هستند و به واسطه خودشان با میت، خویش دارند، نه به واسطه کسی دیگر و هیچگاه از ارث ساقط نمی شوند. همچنین جز زن و شوهر فرد دیگری همراه آنان حق ارث ندارد. پس اگر همه آنان حاضر باشند، میراث طبق سهمیه بندی خداوند متعال بین آنان تقسیم می گردد و اگر فقط برخی از آنان باشند نیز طبق سهمیه بندی خداوند متعال تقسیم می شود و اگر فقط یکی از آنان باشد، همه ارث از آن او خواهد بود.

و همراه او کسانی که با واسطه با میت خویشاوندی دارند، ارث نمی برند؛ جز تخصیصی که خداوند متعال از طریق اجماع زده است که فرزندان به جای پدرشان قرار می گیرند و همین طور فرزندان برادر در صورتی که میت فرزند صلبی و همچنین برادری نداشته باشد.

و این مسأله فرزند اجماعی است و در بین مسلمانان اختلافی در این خصوص در نیافته ام.

پس این یکی از گروه های چهارگانه است.

و اما گروه دوم که زن و شوهر است. پس به راستی که خداوند متعال نام آنها را در مرتبه دوم و بعد از نام فرزند و والدین آورده است. پس آنها سهم تعیین شده خود را دارند و همراه همه ورثه ارث می برند و هیچگاه از ارث ساقط نمی گردند.

و اما گروه سوم که کلاله هستند؛ کلاله، برادران و خواهرانی که فرزند و والدین نباشد، آنان ورثه محسوب می شوند؛ زیرا آنان به واسطه خودشان با میت خویشاوندی ندارند، بلکه به واسطه والدین خویشی دارند. بنابراین هر کس به واسطه خودش با میت خویشاوندی داشته باشد، از کسی که به واسطه دیگری خویشی داشته باشد نسبت به ارث سزاوارتر می باشد.

و چنانچه میت فرزند و پدر و مادر و یا یکی از آنان را دارا باشد، برادران و خواهران کلاله محسوب نمی شوند؛ زیرا خداوند متعال فرموده است؛ {بگو خداوند حکم کلاله را برای شما بیان می کند: اگر مردی بیمیرد و

ص: ۶۹۰

فرزندى نداشته باشد و يك خواهر داشته باشد، خواهرش نصف ترکه را به ارث مى برد. (سوره نساء آيه ۱۷۶) همچنين در صورتى که خواهر بدون فرزند باشد و بيميرد برادرش نيز چنين ارثى نمى برد و همانا خداوند حق ارث را با يك شرط به آنان داده است.

و گاهى کلاله در برخى مواضع از ارث ساقط مى شوند و هيچ ارثى نمى برند، آنان به منزله فرزند و والدين نيستند که هيچ وقت از ارث ساقط نمى گردند.

پس هرگاه فرزند و پدر و مادري نباشد، کلاله سهم هاى تعيين شده خود را مى گيرند. هرگاه ميت فرزندى نداشته باشد، همراه کلاله فرد ديگرى ارث نخواهد برد؛ جز کسانى که به منزله کلاله هستند (اجداد پدرى و مادري).

اما گروه چهارم که بستگان هستند و از کلاله به ميت دورترند. پس هرگاه فرزند، پدر و مادر، و کلاله اى نبود، ميراث از آن بستگان است که به ترتيب درجه خویشاوندى که با ميت دارند ارث مى برند. هر کدام از آنان سهم واسطه اى را که توسط او با ميت خویشاوند است مى گيرد. و بستگان همراه فرزند و والدين و کلاله ارثى نمى برند. و همانا که بستگان به ترتيب درجه خویشاوندى با ميت ارث مى برند. بنا بر اين کسى که به ميت نزديک تر است، به ارث نيز سزاوار است و هنگامى که همه درجه خویشاوندى يکسانى با ميت داشته باشند، يك سوم ترکه از آن بستگان مادري خواهد بود و دو سوم از آن بستگان پدرى و هنگامى که يکى از دو گروه بستگان مادري و بستگان پدرى دورتر باشند، ميراث از آن بستگانى است که نزديک ترند؛ بنا بر روشى که ان شاء الله ذکر خواهيم کرد.

۶۳۴- صاحبان سهام

۱- الشيخ الكليني، باسناده عن يزيد الكناسي عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: إِنْكَ أَوْلَى بِكَ مِنْ ابْنِ ابْنِكَ وَ ابْنِ ابْنِكَ أَوْلَى بِكَ مِنْ أَخِيكَ قَالَ وَ أَخُوكَ لِأَبِيكَ وَ أَوْلَى بِكَ مِنْ أَخِيكَ لِأُمِّكَ قَالَ وَ ابْنِ ابْنِكَ لِأَبِيكَ قَالَ وَ ابْنِ ابْنِكَ مِنْ أَبِيكَ أَوْلَى بِكَ مِنْ عَمِّكَ قَالَ وَ عَمُّكَ أَخُو أَبِيكَ مِنْ أَبِيهِ قَالَ وَ عَمُّكَ أَخُو أَبِيكَ لِأَبِيهِ أَوْلَى بِكَ مِنْ عَمِّكَ أَخِي أَبِيكَ لِأُمِّهِ قَالَ وَ ابْنِ عَمِّكَ أَخِي أَبِيكَ مِنْ أَبِيهِ وَ أُمِّهِ أَوْلَى بِكَ

مِنْ إِبْنِ عَمِّكَ أَخِي أَبِيكَ لِأَبِيهِ قَالَ وَ إِبْنُ عَمِّكَ أَخِي أَبِيكَ مِنْ أَبِيهِ أَوْلَى بِكَ مِنْ إِبْنِ عَمِّكَ أَخِي أَبِيكَ لِأُمِّهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یزید کناسی روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: پسر از پسر پسر به تو سزاوارتر است. و پسر پسر از برادرت به تو سزاوارتر است. و برادر پدر و مادری از برادر پدری ات به تو سزاوارتر است. و برادر پدری ات از برادر مادری ات به تو سزاوارتر است. و عموی تو که برادر پدر و مادری پدرت از عموی تو که برادر پدری پدرت به تو سزاوارتر است. و پسر عموی تو که برادر پدر و مادری پدرت، از پسر عموی تو که برادر مادری پدرت به تو سزاوارتر است.

۶۳۵- در کنار پدر و مادر و فرزند جز زن و شوهر ارث نمی برند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَا يَرِثُ مَعَ الْأُمِّ وَلَا مَعَ الْأَبِ وَلَا مَعَ الْإِبْنِ وَلَا مَعَ الْأَبْنَةِ إِلَّا الزَّوْجُ وَالزَّوْجَةُ وَإِنَّ الزَّوْجَ لَا يُنْقِصُ مِنَ النِّصْفِ شَيْئاً إِذَا لَمْ يَكُنْ وَلِماًدً وَلَا تُنْقِصُ الزَّوْجَةُ مِنَ الزَّوْجِ شَيْئاً إِذَا لَمْ يَكُنْ وَلِماًدً إِذَا كَانَ مَعَهُمَا وَلَدٌ فَلِلزَّوْجِ الرَّبْعُ وَاللِّمْرَأَةِ الثُّمْنُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: در کنار مادر، پدر، فرزندان، چه دختر و چه پسر، هیچ وارث دیگری جز زن و شوهر سهم ندارد. در صورتی که فرزندی نباشد، سهم شوهر از نصف تنزل نمی کند و سهم زن نیز از یک چهارم پایین تر نمی آید و در صورتی که فرزندان در کنار آنان قرار بگیرند، شوهر یک چهارم ارث می برد و زن یک هشتم.

۶۳۶- چرا پسر دو سهم دارد و دختر یک سهم؟

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن إِسْحَاقَ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّخَعِيِّ قَالَ سَأَلَ الْفَهْمَكِيُّ أَبَا مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: مَا بَالُ الْمَرْأَةِ الْمَسْكِينَةِ الضَّعِيفَةِ تَأْخُذُ سَهْمًا وَاحِدًا وَيَأْخُذُ الرَّجُلُ سَهْمَيْنِ فَقَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنَّ الْمَرْأَةَ لَيْسَ عَلَيْهَا جِهَادٌ وَلَا نَفَقَةٌ وَلَا عَلَيْهَا مَعْقَلَةٌ إِنَّمَا ذَلِكَ عَلَى الرِّجَالِ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي قَدْ كَانَ قِيلَ لِي إِنَّ إِبْنَ أَبِي الْعُجَاجِ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

ص: ۶۹۲

۱- . الكافي ج ۷ ص ۷۶ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۸۲ ح ۱.

صلوات الله عليه عَنْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ فَأَجَابَهُ بِهَذَا الْجَوَابِ فَأَقْبَلَ أَبُو مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَيَّ فَقَالَ نَعَمْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةُ مِنْ ابْنِ أَبِي الْعُجَّاءِ وَالْجَوَابُ مِنَّا وَاحِدٌ إِذَا كَانَ مَعْنَى الْمَسْأَلَةِ وَاحِدًا جَرَى لِآخِرِنَا مَا جَرَى لِأَوْلَانَا وَأَوْلَانَا وَآخِرِنَا فِي الْعِلْمِ سَوَاءٌ وَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَضْلُهُمَا. (١)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن محمد نخعی روایت کرده که گفت: فهفکی از حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه پرسید: چرا زن بی نوای ناتوان یک سهم می گیرد و مرد دو سهم؟!

فرمود: زیرا جهاد و نفقه ای بر عهده زن نیست و هم چنین دیه قتل خطایی (که از مردان خویشاوند قاتل می گیرند) بر عهده اش نیست.

اسحاق گوید: من با خودم گفتم: به من گفته شده بود که ابن ابی العوجا این مسأله را از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیده بود و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه همین جواب را به او داده بود.

پس حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه به من رو نمود و فرمود: آری، این مسأله، مسأله ابن ابی العوجا است و هرگاه مسأله یکسان باشد جواب ما نیز یکسان است. همان حکمی در خصوص آخرین ما جاری می شود که در خصوص نخستین ما جاری گشته است و نخستین و آخرین ما در علم و دانش یکسان اند، اما حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه افضل ماست.

۶۳۷- حکم ارث اختصاصی فرزند بزرگ

۱- الشیخ الكلینی، یاسناده عَنْ رَبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذَا مَاتَ الرَّجُلُ فَسَيِّفُهُ وَ خَاتَمَهُ وَ مُصْحَفُهُ وَ كُتُبُهُ وَ رَحْلُهُ وَ رَاحِلَتُهُ وَ كِسْوَتُهُ لِأَكْبَرِ وُلْدِهِ فَإِنْ كَانَ الْأَكْبَرُ ابْنَهُ فَلِلْأَكْبَرِ مِنَ الذُّكُورِ. (٢)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ربیع بن عبد الله روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه مردی بمیرد، شمشیر، انگشتر، قرآن، کتاب ها، اساس زندگی، مرکب سواری

ص: ۶۹۳

۱- . الکافی ج ۷ ص ۸۵ ح ۲.

۲- . الکافی ج ۷ ص ۸۶ ح ۴.

و لباس های او به بزرگ ترین فرزند او خواهد رسید، و اگر بزرگ ترین فرزند او دختر باشد به بزرگ ترین پسر او تعلق خواهد گرفت.

۶۳۸- میراث فرزندان

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ حَمْرَةَ بْنِ حُمْرَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ وَرِثَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ فَاطِمَةُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا وَوَرِثَتْهُ مَتَاعَ الْبَيْتِ وَالْخُرَيْثِيَّ وَكُلَّ مَا كَانَ لَهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حمزه بن حرمان روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: چه کسانی از رسول الله صلی الله علیه و آله ارث بردند؟

فرمود: حضرت فاطمه صلوات الله علیها، ایشان اثاث خانه رسول الله صلی الله علیه و آله و همه دارایی آن حضرت را به ارث برد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خِدَاشٍ الْمَنْقَرِيِّ: أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ رَجُلٍ مَاتَ وَتَرَكَ ابْنَتَهُ وَأَخَاهُ قَالَ الْمَالَ لِلْإِبْنَةِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن خدش منقری روایت کرده که از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه درباره مردی که از دنیا رفته بود و دختر و برادری از خود به جای گذاشته بود پرسید.

فرمود: ترکه از آن دختر است.

۶۳۹- میراث نوادگان

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: بَنَاتُ الْإِبْنَةِ يَقُومَنَّ مَقَامَ الْبِنْتِ إِذَا لَمْ يَكُنْ لِلْمَيِّتِ بَنَاتٌ وَلَا وَاثٌ غَيْرُهُنَّ وَبَنَاتُ الْإِبْنِ يَقُومَنَّ مَقَامَ الْإِبْنِ إِذَا لَمْ يَكُنْ لِلْمَيِّتِ بَنَاتٌ أَوْلَادٌ وَلَا وَاثٌ غَيْرُهُنَّ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سعد بن ابی خلف روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمود: دختران دختر به جای دختر می نشینند و میراث مادر خود را می برند، در صورتی که

ص: ۶۹۴

۱- . الكافي ج ۷ ص ۸۶ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۸۷ ح ۴.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۸۸ ح ۱.

برای میت دختر دیگری نباشد و نه وارث دیگری از پسران؛ دختران پسر به جای پسر می نشینند و میراث پدر را می برند، در صورتی که برای میت دختر دیگری نباشد و نه وارث دیگری از پسران.

۶۴۰- میراث پدر و مادر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي رَجُلٍ مَاتَ وَ تَرَكَ أَبُوَيْهِ قَالَ لِلأَبِ سَهْمَانِ وَ لِلأُمِّ سَهْمٌ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه درباره کسی که از دنیا رفته و تنها پدر و مادرش را به جا گذاشته، فرمود: برای پدر دو سهم و برای مادر یک سهم منظور می شود.

۶۴۱- میراث فرزندان در کنار پدر و مادر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: أَقْرَأَنِي أَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ صَاحِبَهُ كِتَابَ الْفَرَائِضِ الَّتِي هِيَ إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ خَطُّ عَلِيٍّ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ بِيَدِهِ فَوَجَدْتُ فِيهَا رَجُلٌ تَرَكَ ابْنَتَهُ وَ أُمَّهُ لِلابْنَةِ النُّصْفُ ثَلَاثَةُ أَشْهُمٍ وَ لِلأُمِّ السُّدُسُ سَهْمٌ يُقَسَّمُ المَالُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْهُمٍ فَمَا أَصَابَ ثَلَاثَةَ أَشْهُمٍ فَلِلابْنَةِ وَ مَا أَصَابَ سَهْمًا فَهُوَ لِلأُمِّ قَالَ وَ قَرَأْتُ فِيهَا رَجُلٌ تَرَكَ ابْنَتَهُ وَ أَبَاهُ فَلِلابْنَةِ النُّصْفُ ثَلَاثَةُ أَشْهُمٍ وَ لِلأَبِ السُّدُسُ سَهْمٌ يُقَسَّمُ المَالُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْهُمٍ فَمَا أَصَابَ ثَلَاثَةَ أَشْهُمٍ فَلِلابْنَةِ وَ مَا أَصَابَ سَهْمًا فَلِلأُمِّ قَالَ مُحَمَّدٌ وَ وَجَدْتُ فِيهَا رَجُلٌ تَرَكَ أَبُوَيْهِ وَ ابْنَتَهُ فَلِلابْنَةِ النُّصْفُ ثَلَاثَةُ أَشْهُمٍ وَ لِلأَبَوَيْنِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ [لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا سَهْمٌ] يُقَسَّمُ المَالُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْهُمٍ فَمَا أَصَابَ ثَلَاثَةَ فَلِلابْنَةِ وَ مَا أَصَابَ سَهْمَيْنِ فَلِلأَبَوَيْنِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه کتابی میراثی در اختیارم نهاد که علی صلوات الله علیه به خط خود و به املاي رسول الله صلى الله عليه و آله نوشته بود. در آن کتاب خواندم:

ص: ۶۹۵

۱- . الكافي ج ۷ ص ۹۱ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۹۳ ح ۱.

کسی که بمیرد و بازماندگان او یک دختر و یک مادر باشند، نیم میراث از آن دختر است که سه سهم خواهد بود و یک ششم میراث از آن مادر است که یک سهم خواهد بود؛ از این رو تمام میراث را به چهار قسمت می کنند و قرعه می کشند: سه قسمت را به دختر می دهند و یک قسمت را به مادر.

محمد بن مسلم گوید: در آن کتاب خواندم: کسی که بمیرد و بازماندگان او یک دختر در کنار پدرش باشد، نیم میراث از آن دخترش خواهد بود که سه سهم خواهد بود و یک ششم از آن پدرش که یک سهم خواهد بود؛ از این رو تمام اموال را به چهار قسمت می کنند و قرعه می کشند: سه قسمت را به دختر می دهند و یک قسمت را به پدر.

محمد گوید: در آن نوشته خواندم: کسی که بمیرد و وارثان او را پدر، مادر و تنها دخترش تشکیل بدهند، نیم میراث از آن دختر است که سه سهم خواهد بود، و برای هر یک از پدر و مادرش یک ششم منظور می کنند و یک سهم خواهد بود؛ از این رو تمام میراث را به پنج قسمت تقسیم می کنند و قرعه می کشند: سه قسمت را به دختر می دهند و یک قسمت را به پدر و یک قسمت را به مادر.

۶۴۲- میراث فرزندان در کنار همسر و پدر و مادر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي امْرَأَةٍ مَاتَتْ وَ تَرَكَتْ زَوْجَهَا وَ أَبْوَيْهَا وَ ابْنَتَهَا قَالَ لِلزَّوْجِ الرَّبْعُ ثَلَاثَةُ أَشْهُمٍ مِنْ اثْنِي عَشَرَ سَهْمًا وَ لِلأَبْوَيْنِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ سَهْمَانِ مِنْ اثْنِي عَشَرَ سَهْمًا وَ بَقِي خَمْسَةُ أَشْهُمٍ فَهِيَ لِلابْنَةِ لِأَنَّهُ لَوْ كَانَ ذَكَرًا لَمْ يَكُنْ لَهُ أَكْثَرُ مِنْ خَمْسَةِ أَشْهُمٍ مِنْ اثْنِي عَشَرَ سَهْمًا لِأَنَّ الأَبْوَيْنِ لَا يُنْقَصَانِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِنَ السُّدُسِ شَيْئًا وَ أَنَّ الزَّوْجَ لَا يُنْقَصُ مِنَ الرَّبْعِ شَيْئًا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه درباره زنی که بمیرد و وارثان او به شوهر، پدر، مادر و تنها دخترش منحصر باشند، فرمود: برای شوهر او یک چهارم، معادل سه سهم از دوازده سهم، برای هر یک از پدر و مادرش یک ششم، که معادل دو سهم از دوازده سهم است خواهد بود؛ و باقی مانده، معادل پنج سهم از دوازده سهم ویژه تنها دختر اوست، چرا که اگر به جای این دختر یک پسر بود، باز هم بیش از پنج سهم از دوازده سهم حقی نداشت؛ زیرا پدر و

ص: ۶۹۶

مادر از ضریب دوم خود (یک ششم) پایین تر نمی آیند، و شوهر از ضریب خود (یک چهارم) تنزل نخواهد کرد.

۶۴۳- میراث پدر و مادر با شوهر و زن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن إسماعيل الجعفي عن أبي جعفر صلوات الله عليه: في زوج و أبوين قال للزوج النصف وللأم الثلث وللأب ما بقي وقال في امرأه مع أبوين قال للمرأة الربع وللأم الثلث و ما بقي للأب. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسماعیل جعفی روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه درباره زنی که بمیرد و شوهر و پدر و مادرش وارثان او باشند فرمود: برای شوهر نصف میراث و برای مادر یک سوم میراث منظور می شود و آن چه باقی بماند به پدر اختصاص دارد.

و درباره کسی که بمیرد و زن و پدر و مادرش وارثان او باشند فرمود: برای زن یک چهارم و برای مادر یک سوم منظور می شود و آن چه باقی بماند ویژه پدر خواهد بود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد بن مسلم: أن أبا جعفر صلوات الله عليه أقرأه صحيفه الفرائض التي أملاها رسول الله صلى الله عليه وآله و آله و حط على عليه السلام بيده فقرأت فيها امرأه تركت زوجها و أبويها فللزوج النصف لثلاثة أشيهم و للأم سیهمان الثلث تاماً و للأب السدس سهم. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه کتاب ارثی را که به خط علی صلوات الله علیه و املائی رسول الله صلی الله علیه و آله بود در اختیار من نهاد. در آن کتاب چنین خواندم:

اگر زنی بمیرد و شوهر و پدر و مادر او زنده باشند، برای شوهرش یک [□]نیمه میراث، معادل سه سهم از شش سهم، برای مادرش یک سوم میراث، معادل دو سهم از شش سهم، منظور می شود و بقیه میراث، که یک سهم از شش سهم است، نصیب پدر خواهد بود.

ص: ۶۹۷

۱- . الكافي ج ۷ ص ۹۸ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۹۸ ح ۳.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذَا تَرَكَ الرَّجُلُ أَبَاهُ أَوْ أُمَّهُ أَوْ ابْنَهُ أَوْ ابْنَتَهُ إِذَا تَرَكَ وَاحِدًا مِنْ هَؤُلَاءِ الْأَرْبَعَةِ فَلَيْسَ هُمْ الَّذِينَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ» (۱).

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: اگر کسی بمیرد و پدر یا مادر یا پسر و یا دختر خود را برجای بگذارد، ارث آنان با این نیست که خداوند می فرماید: {بگو: خداوند حکم کلاله را بیان می کند}. (سوره نساء آیه ۱۷۶)

۶۴۵- زنی که جز شوهرش بازمانده ندارد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَدَعَا بِالْجَامِعَةِ فَنَظَرْنَا فِيهَا فَإِذَا فِيهَا امْرَأَةٌ هَلَكَتْ وَتَرَكَتْ زَوْجَهَا لَا وَاْرَثَ لَهَا غَيْرُهُ لَهُ الْمَالُ كُلُّهُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: ما خدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه بودیم. حضرت دستور فرمود که کتاب جامعه را بیاورند. ما به آن نگاه کردیم. در آن کتاب چنین آمده بود:

اگر زنی بمیرد و بازمانده او شوهرش باشد و وارث دیگری نداشته باشد، همه اموال از آن شوهر خواهد بود.

توضیح: کتاب الجامعه یکی از کتبی است که به املائی حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و با دست مبارک حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه نوشته شده است. و در آن کتاب شریف تمام احکام حلال و حرام تا به روز قیامت نوشته شده است. و اکنون آن کتاب و کتب دیگر حضرات معصومین صلوات الله علیهم در نزد حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه موجودند.

ص: ۶۹۸

۱- . الکافی ج ۷ ص ۹۹ ح ۱.

۲- . الکافی ج ۷ ص ۱۲۵ ح ۲.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير عن أبي جعفر صلوات الله عليه: في رجلٍ توفّي و ترك امرأته فقال للمرأة الربع و ما بقى فللإمام. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه درباره مردی که مرده و تنها وارث او همسرش باشد، فرمود: یک چهارم میراث از آن همسرش خواهد بود و بقیه برای امام معصوم صلوات الله علیه است.

۶۴۷- زنان چیزی از زمین و مزرعه ارث نمی برند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زرارة عن أبي جعفر صلوات الله عليه: أن المرأة لا ترث مما ترك زوجها من القرى والدور والسلاح والدواب شيئاً و ترث من المال والفرض والثياب و متاع البيت مما ترك و يقوم النقص و الأبواب و الجذوع و الفصيب فتعطي حَقَّها منه. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: زنان از میراث شوهران شان به باغ و آبادی و خانه و اسلحه شخصی و مرکب سواری او ارث نمی برند، فقط از نقدینه، فرش، لباس و اثاث خانه ارث می برند. از باغ و آبادی و خانه فقط از اعیانی آن از قبیل درها، تیرها و سایبان ها ارث می برند، که باید به قیمت برسانند و حق همسران را ادا نمایند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن زرارة [أ] و محمد بن مسلم عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: لا ترث النساء من عقار الدور شيئاً و لكن يقيمون البناء و الطوب و تعطي ثمنها أو ربعها قال و إنما ذاك لئلا يتزوجن النساء فيفسدن على أهل الموارث مواريتهم. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره یا محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: زن از خانه ها هیچ ارثی نمی برد، اما ساختمان و آجرها را قیمت گذاری می کنند و یک هشتم یا یک چهارم را به او می دهند.

و فرمود: این حکم بدین جهت است که زنان ازدواج نکنند و با این کار؛ حق میراث ورثه را ضایع کنند.

ص: ۶۹۹

۱- . الكافي ج ۷ ص ۱۲۶ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۱۲۷ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۱۲۹ ح ۶.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن يزيد الصائغ قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن النساء هل يرثن الأرض فقال لا ولكن يرثن قيمه البناء قال قلت فإن الناس لا يرضون بدا فقال إذا وُلينا فلم يرضوا ضربناهم بالسوط فإن لم يسدّ تقيموا ضربناهم بالسيف. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از يزيد صائغ روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه پرسیدم: آیا زنان زمین را ارث می برند؟

فرمود: نه؛ اما قیمت ساختمان را ارث می برند.

گفتم: مردم (جماعت مخالفین) به این حکم راضی نمی شوند.

فرمود: هنگامی که ما بر مردم حکومت کنیم و مردم به این حکم راضی نباشند، آن ها را با تازیانه می زنیم. پس اگر نپذیرفتند آن ها را با شمشیر می زنیم.

۶۴۸- میراث پیروان ادیان دیگر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الله بن أعين قال: قلت لأبي جعفر صلوات الله عليه جعلت فداك النصارى يموتون وله ابن مسلم أيرثه قال فقال نعم إن الله عز وجل لم يزدنا بالإسلام إلا عزاً فنحن نرثهم ولا يرثونا. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عبد الله بن اعين روایت کرده که گفت: به حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه عرض کردم: قربانت گردم! مردی مسیحی از دنیا می رود و پسری مسلمان دارد. آیا پسرش از او ارث می برد؟

فرمود: آری، به راستی که خداوند عز و جل به وسیله اسلام فقط بر عزت او افزوده است. بنا براین ما از آنان ارث می بریم، اما آنان از ما ارث نمی برند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي ولاد قال سمعت أبا عبد الله صلوات الله عليه يقول: المسلم يرث امرأته الذمّية ولا ترثه. (۳)

ص: ۷۰۰

۱- الكافي ج ۷ ص ۱۲۹ ح ۸.

۲- الكافي ج ۷ ص ۱۴۳ ح ۴.

۳- الكافي ج ۷ ص ۱۴۳ ح ۶.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو ولاد روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که فرمود: مرد مسلمان از همسر ذمی خود ارث می برد، اما همسرش از او ارث نمی برد.

۶۴۹- حکم میراث مرتد از اسلام

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبان بن عثمان عمن ذكره عن أبي عبد الله صلوات الله عليه: في رجل يموت مُرتداً عن الإسلام و له أولاد فقال ماله لولده المسلمین. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابان بن عثمان از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره مردی که به حال ارتداد از اسلام از دنیا می رود و فرزندان دارد، فرمود: اموالش برای فرزندان مسلمان اوست.

۶۵۰- حکم میراث خنثی

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن هشام بن سالم عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: قلت له المولود يولد له ما للرجال وله ما للنساء قال يورث من حيث سبق بولاه فإن خرج منهما سواء فمن حيث يتبع فإن كانا سواء ورث ميراث الرجال والنساء. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از هشام بن سالم روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: اگر کودکی متولد شود که هم آلت مردی دارد و هم آلت زنانه، (چگونه میراث می برد؟)

فرمود: میراث خنثی براساس مجرای ادرار او مشخص می شود؛ اگر گاهی از هر دو آلت ادرار کند، آن مجرای سند واقع می شود که جریان ادرار از آن سبقت بگیرد و اگر جریان ادرار از هر دو آلت با هم شروع شود، ارث مردان و زنان را می گیرد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن بكير عن بعض أصحابنا عن أحدهما صلوات الله عليهما: في مولود له ما للذكور و ما للإناثي قال يورث من الموضع الذي يبول إن يال من الذكر ورث ميراث الذكر وإن يال من موضع الأنثي ورث ميراث الأنثي و عن مولود ليس له

ص: ۷۰۱

۱- . الكافي ج ۷ ص ۱۵۲ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۱۵۷ ح ۳.

مِيرَا لِلرِّجَالِ وَلَا لَهُ مَا لِلنِّسَاءِ إِلَّا ثَقْبُ يَخْرُجُ مِنْهُ الْبُؤْلُ عَلَى أَيِّ مِيرَاثٍ يُورَثُ قَالَ إِنْ كَانَ إِذَا بَالَ نَحَى بِبُؤْلِهِ وَرَثَ مِيرَاثَ الذَّكَرِ وَ
إِنْ كَانَ لَا يُنَحَى بِبُؤْلِهِ وَرَثَ مِيرَاثَ الْأُنْثَى. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن بکیر از یکی از اصحاب ما روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات
الله علیه یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدند: نوزادی هم آلت مردی دارد و هم آلت زنانه!

فرمود: ارث او بنا بر موضعی است که ادرار می کند: اگر از آلت مردی ادرار می کند، ارث مردان را می برد و اگر از آلت
زنانه ادرار می کند، ارث زنان را می گیرد.

هم چنین از نوزادی که نه آلت مردانه دارد و نه آلت زنانه و تنها یک سوراخ دارد که ادرار از آن بیرون می آید پرسیدند: چه
میراثی دارد؟

فرمود: اگر در زمان ادرار نمودن فواره می زند، میراث مردان را دارد و اگر فواره نمی زند، میراث زنان را دارد.

ص: ۷۰۲

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي إِبرَاهِيمَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» قَالَ لَيْسَ يُحْيِيهَا بِالْقَطْرِ وَ لَكِنْ يَبْعَثُ اللَّهُ رِجَالًا فَيُحْيُونَ الْأَرْضَ لِأَحْيَاءِ الْعِدْلِ وَ لِأَقَامَةِ الْحَدِّ لِلَّهِ أَنْفَعُ فِي الْأَرْضِ مِنَ الْقَطْرِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الرحمن بن حجاج روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه درباره گفتار خدا که می فرماید: {زمین را پس از مرگش زنده می کند}. (سوره الروم آیه ۱۹) فرمود: زمین را با باران زنده نمی کند، بلکه مردانی را بر می انگیزاند که عدل را احیا می کنند. پس به خاطر احیای عدل، زمین احیا می شود و به یقین اقامه حد الهی در زمین از باران چهل صبحگاه مفیدتر است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَلِيُّ بْنِ [الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ] رِبَاطٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِسَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حِدًّا وَ جَعَلَ عَلَى كُلِّ مَنْ تَعَدَّى حِدًّا مِنْ حُدُودِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حِدًّا وَ جَعَلَ مَا دُونَ الْأَرْبَعَةِ الشُّهُدَاءِ مَسْتُورًا عَلَى الْمُسْلِمِينَ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حسن بن علی بن رباط روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله به سعد بن عبادة فرمود: به راستی که خداوند برای هر چیزی، حدی قرار داد. و برای هر که از یکی از حدود الهی تجاوز کند حدی قرار داد و برای مسلمانان حدی را که به کمتر از چهار شاهد نیاز دارد پوشیده و مستور قرار داد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَمْرٍو بْنِ قَيْسٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: يَا عَمْرٍو بْنَ قَيْسٍ أَشَعَرْتَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَرْسَلَ رَسُولًا- وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ كِتَابًا وَ أَنْزَلَ فِي الْكِتَابِ كُلِّ مَا يُحْتَاجُ إِلَيْهِ وَ جَعَلَ لَهُ دَلِيلًا يَدُلُّ عَلَيْهِ وَ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حِدًّا وَ لِمَنْ جَاوَزَ الْحَدَّ قَالَ قُلْتُ أَرْسَلَ رَسُولًا وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ كِتَابًا وَ أَنْزَلَ فِي الْكِتَابِ كُلِّ مَا يُحْتَاجُ إِلَيْهِ وَ جَعَلَ عَلَيْهِ دَلِيلًا وَ

ص: ۷۰۳

۱- . الكافي ج ۷ ص ۱۷۴ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۱۷۴ ح ۴.

جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حَيْدًا قَالَ نَعَمْ قُلْتُ وَ كَيْفَ جَعَلَ لِمَنْ جَاوَزَ الْحَيْدَ حَيْدًا قَالَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَدَّ فِي الْأَمْوَالِ أَنْ لَا تُؤْخَذَ إِلَّا مِنْ حِلِّهَا فَمَنْ أَخَذَهَا مِنْ غَيْرِ حِلِّهَا قُطِعَتْ يَدُهُ حَيْدًا لِمُجَاوَزِهِ الْحَيْدِ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَدَّ أَنْ لَا يُنْكَحَ النِّكَاحُ إِلَّا مِنْ حِلِّهِ وَ مَنْ فَعَلَ غَيْرَ ذَلِكَ إِنْ كَانَ عَزْبًا حَيْدًا وَإِنْ كَانَ مُحْصَنًا رُجِمَ لِمُجَاوَزَتِهِ الْحَيْدَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمرو بن قیس روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: ای عمرو بن قیس! آیا می دانی که خداوند عز و جل پیامبری فرستاد و کتابی بر او نازل نمود و در آن کتاب، هرچه را که مورد نیاز است نازل کرد و دلیلی که بر آن دلالت کند، برای آن قرار داد و برای هر چیزی، حد و مرزی قرار داد و برای هر کس که از آن مرز تجاوز کند، حدی قرار داد؟

عرض کردم: خداوند پیامبری فرستاد، کتابی بر او نازل نمود و موارد نیاز را در آن کتاب نازل نمود و برای آن دلیلی قرار داد و برای هر چیزی حد و مرزی قرار داد؟
فرمود: آری.

عرض کردم: چگونه برای کسی که از آن حد و مرز تجاوز کند، حدی قرار داد؟

فرمود: به راستی که خداوند درباره اموال این مرز را قرار داد که فقط از راه حلال به دست آید. پس هر کس آن را از راه غیر حلال به دست آورد، دستش قطع می شود؛ که حدی است به جهت تجاوز از آن مرز. و به راستی که خداوند این مرز را قرار داد که فقط از راه حلال نکاح صورت می گیرد و هر کس از غیر راه حلال نکاح کند، اگر همسر نداشته باشد، حد می خورد و اگر همسر داشته باشد، سنگسار می شود، به جهت تجاوز از آن مرز.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن داؤد بن فرقد قال سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: إِنَّ أَصْحَابَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالُوا لِسَعْدِ بْنِ عُبَادَةَ أَرَأَيْتَ لَوْ وَجَدْتَ عَلَى بَطْنِ امْرَأَتِكَ رَجُلًا مَا كُنْتَ صَانِعًا بِهِ قَالَ كُنْتُ أَضْرِبُهُ بِالسَّيْفِ قَالَ فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ مَاذَا يَا سَعْدُ قَالَ سَعِدْتُ قَالُوا لَوْ وَجَدْتَ عَلَى بَطْنِ امْرَأَتِكَ رَجُلًا مَا كُنْتَ تَصْنَعُ بِهِ فَقُلْتُ أَضْرِبُهُ بِالسَّيْفِ فَقَالَ يَا سَعْدُ وَكَيْفَ بِالْأَرْبَعَةِ الشُّهُودِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ بَعْدَ رَأْيِ عَيْنِي

ص: ۷۰۴

وَ عِلْمِ اللَّهِ أَنَّهُ قَدْ فَعَلَ قَالَ إِي وَ اللَّهِ بَعْدَ رَأْيِ عَيْنِكَ وَ عِلْمِ اللَّهِ أَنَّهُ قَدْ فَعَلَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حُدًّا وَ جَعَلَ لِمَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ الْحَدَّ حُدًّا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از داوود بن فرقد روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله به سعد بن عباده گفتند: اگر ببینی که مردی با همسرت زنا می کند چه خواهی کرد؟

سعد گفت: او را با شمشیر به دو نیم می کنم.

در این اثنا رسول الله صلی الله علیه و آله از خانه بیرون آمد و به سعد فرمود: ای سعد! این چه سخنی است؟

سعد گفت که این ها گفتند: اگر ببینی که مردی با همسرت زنا می کند چه خواهی کرد، و من گفتم: او را با شمشیر خود دوپاره خواهم کرد.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: پس تکلیف چهار شاهد چه می شود؟

سعد عرض کرد: ای رسول الله! بعد از آن که با چشم خود ببینم و خداوند، شاهد کردار او باشد (به چهار شاهد نیاز است!)

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: آری به خدا، با آن که با چشم خود ببینی و خداوند، گواه کردار او باشد، باید چهار شاهد پیدا کنی؛ چرا که خداوند عز و جل برای هر چیزی حدی قرار داده و برای هر متجاوز از آن حد، کیفری معین نموده است.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبی عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إن في كتاب علي صلوات الله عليه أنه كان يضرب بالسوط و ينصف السوط و يبغضه في الحدود و كان إذا أتى بـغلام و جاریه لم يدركا لا يبطل حدًا من حدود الله عز و جل قيل له و كيف كان يضرب قال كان يأخذ السوط بيده من وسطه أو من ثلثه ثم يضرب به على صدر أسنانهم و لا يبطل حدًا من حدود الله عز و جل. (۲)

ص: ۷۰۵

۱- . الكافي ج ۷ ص ۱۷۶ ح ۱۲.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۱۷۶ ح ۱۳.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: در کتاب علی صلوات الله علیه چنین آمده است: آن حضرت در اجرای حدود، با یک تازیانه و نصف آن و قسمتی از آن ضربه می زد و هرگاه پسر یا دختری را نزد ایشان می آوردند که بالغ نشده بودند، هیچ حدی از حدود الهی را باطل نمی کرد.

عرض شد: چگونه به آن ها تازیانه می زد؟

فرمود: با دست خود، تازیانه را از وسط یا دو سوم آن می گرفت، سپس با آن به اندازه سنّ و سال شان به آن ها ضربه می زد و هیچ حدی از حدود الهی را باطل نمی کرد.

۶۵۲- اقامه و اجرای حدود از اختیارات خاصه ائمه معصومین صلوات الله علیهم است و کسی که حد الهی بر گردن دارد نمی تواند حدود الهی را اجرا نماید

۱- الشيخ الصدوق، بإسناده عن حفص بن غياث قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه من يقيم الحدود السلطان أو القاضي فقال إقامه الحدود إلى من إليه الحكم. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از حفص بن غیاث روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه سؤال کردم چه کسی حدود را اجرا می کند، سلطان یا قاضی؟

حضرت صلوات الله علیه فرمود: اقامه حدود در دست کسی است که حکومت برای او است.

توضیح: اصل حکومت از الله تبارک و تعالی است و حضرات معصومین صلوات الله علیهم خلیفه الله و حجت الله هستند و غیر از آن بزرگواران هیچ کسی حق حکومت را ندارند. لذا اینجا حضرت صلوات الله علیه به همین موضوع اشاره فرمودند که اقامه و اجرای حدود فقط از اختیارات معصومین صلوات الله علیهم است چنانکه در احادیث بعدی تصریح بیشتری خواهد شد ان شاء الله.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد العزيز بن مسلم عن الرضا صلوات الله عليه قال: إن الإمامة هي منزلة الأنبياء وإرث الأوصياء إن الإمامة خلفاء الله وخلفاء الرسول صلى الله عليه وآله ومقام أمير المؤمنين صلوات الله عليه وميراث الحسن والحسين صلوات الله عليهما إن الإمامة زمام الدين ونظام المسلمين وصيلاخ الدنيا وعز المؤمنين إن الإمامة أس الإسلام التامی وفوعه السامی بالإمام تمام الصلاه والزكاه والصيام والحج والجهاد

ص: ۷۰۶

وَتَوْفِيرِ الْفَنَىٰ وَ الصَّدَقَاتِ وَ إِمضَاءِ الْحُدُودِ وَ الْأَحْكَامِ وَ مَنَعَ الثُّغُورِ وَ الْمَاطِرَاتِ الْإِمَامُ يُحِلُّ حَلَالَ اللَّهِ وَ يُحَرِّمُ حَرَامَ اللَّهِ وَ يُقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يَذُبُّ عَنِ دِينِ اللَّهِ وَ يَدْعُو إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ الْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالعزیز بن مسلم از حضرت امام رضا صلوات الله علیه روایت کرده که حضرت فرمودند: به راستی امامت مقام پیغمبران و میراث اوصیاء است، به راستی امامت خلافت الله و خلافت رسول الله صلی الله علیه و آله و مقام حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و میراث حضرت امام حسن و حضرت امام حسین صلوات الله علیهما است.

به راستی امامت زمام دین، نظام مسلمین، صلاح دنیا و عزت مؤمنین است. امامت ریشه پاک اسلام و شاخه با برکت آن است. کامل شدن نماز و زکات و روزه و حج و جهاد و جمع آوری غنائم و صدقات و اجرای حدود و احکام و نگهداری مرزها و اطراف کشور، به وسیله امام انجام می شود. امام است که حلال خدا را حلال و حرام او را حرام می کند و حدود الهی را برپا داشته و از دین خدا دفاع می کند و با بیان حکمت آمیز و اندرزهای نیکو و دلیل های رسا، [مردم را] به سوی پروردگار خویش دعوت می کند.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن أحمد بن محمد بن خالد رَفَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: أَتَاهُ رَجُلٌ بِالْكُوفَةِ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي زَنَيْتُ فَطَهَّرْنِي قَالَ مِمَّنْ أَنْتَ قَالَ مِنْ مُرَيْتِهِ قَالَ أَ تَقْرَأُ مِنَ الْقُرْآنِ شَيْئًا قَالَ بَلَى قَالَ فَاقْرَأْ فَقَرَأَ فَأَجَادَ فَقَالَ أ بِكَ جَنَّةٌ قَالَ لَا- قَالَ فَادْهَبْ حَتَّى نَسْأَلَ عَنْكَ فَذَهَبَ الرَّجُلُ ثُمَّ رَجَعَ إِلَيْهِ بَعِيدٌ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي زَنَيْتُ فَطَهَّرْنِي فَقَالَ أ لَكَ زَوْجَةٌ قَالَ بَلَى قَالَ فَمُقِيمَةٌ مَعَكَ فِي الْبَلَدِ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَأَمَرَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَذَهَبَ وَ قَالَ حَتَّى نَسْأَلَ عَنْكَ فَبَعَثَ إِلَى قَوْمِهِ فَسَأَلَ عَنْ خَبْرِهِ فَقَالُوا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَحِيحُ الْعَقْلِ فَرَجَعَ إِلَيْهِ الْثَالِثَةَ فَقَالَ لَهُ مِثْلَ مَقَالَتِهِ فَقَالَ لَهُ اذْهَبْ حَتَّى نَسْأَلَ عَنْكَ فَرَجَعَ إِلَيْهِ الرَّابِعَةَ فَلَمَّا أَقْرَأَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ لِقَتْبِرٍ اِحْتَفِظْ بِهِ ثُمَّ غَضِبَ ثُمَّ قَالَ مَا أَفْتِيحُ بِالرَّجُلِ مِنْكُمْ أَنْ يَأْتِيَ بَعْضَ هَذِهِ الْفَوَاحِشِ فَيَفْضَحَ نَفْسَهُ عَلَى رُءُوسِ الْمَلَمِ أَمْ لَا- تَابَ فِي بَيْتِهِ فَوَ اللَّهُ لَتَوْبَتُهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ أَفْضَلُ مِنْ إِقَامَتِي عَلَيْهِ أَلْحَدُ ثُمَّ أَخْرَجَهُ وَ نَادَى فِي النَّاسِ يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ أَخْرَجُوا لِيُقَامَ عَلَيَّ هَذَا الرَّجُلِ أَلْحَدُ وَ لَا

ص: ۷۰۷

يَعْرِفَنَّ أَحَدُكُمْ صِدَاحَهُ فَأَخْرَجَهُ إِلَى الْجَبَانِ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْظِرْنِي أَصِلَّ إِلَى رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ وَضَعَهُ فِي حُفْرَتِهِ وَإِسْرًا تَقْبَلُ النَّاسَ بِوَجْهِهِ فَقَالَ يَا مَعَاشَرَ الْمُسْلِمِينَ إِنَّ هَذَا حَقٌّ مِنْ حُقُوقِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمَنْ كَانَ لِلَّهِ فِي عُنُقِهِ حَقٌّ فَلْيُنْصِرْ رِفًّا وَلَا يُقِيمِ حُدُودَ اللَّهِ مَنْ فِي عُنُقِهِ لِلَّهِ حَقٌّ فَانْصِرْ رِفًّا النَّاسُ وَبَقِيَ هُوَ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَأَخَذَ حَجْرًا فَكَبَّرَ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ ثُمَّ رَمَاهُ بِثَلَاثَةِ أَحْجَارٍ فِي كُلِّ حَجْرٍ ثَلَاثَ تَكْبِيرَاتٍ ثُمَّ رَمَاهُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فَفِي ذَلِكَ الرَّجُلِ فَأَخْرَجَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فَحَفَرَ لَهُ وَصَلَّى عَلَيْهِ وَدَفَنَهُ فَقِيلَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَلَا تَعَسَلُهُ فَقَالَ قَدْ اغْتَسَلَ بِمَا هُوَ طَاهِرٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَقَدْ صَبَرَ عَلَى أَمْرٍ عَظِيمٍ. (١)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از احمد بن محمد بن خالد بن محمد بن مرفوع روایت کرده که گفت: در کوفه مردی به خدمت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه آمد و گفت: ای امیرالمؤمنین! من زنا کرده ام مرا تطهیر نما.

فرمود: از چه قبیله ای هستی؟

گفت: از قبیله مزینه.

فرمود: آیا می توانی مقداری از قرآن بخوانی؟

گفت: آری.

فرمود: پس بخوان.

پس آن شخص قرآن خواند و خوب قرائت می کرد.

پس حضرت فرمود: آیا دیوانه ای؟

گفت: نه.

فرمود: برو تا در مورد تو پرس و جو کنیم.

آن مرد رفت، آن گاه بعد از مدتی بازگشت و گفت: ای امیرالمؤمنین! من مرتکب زنا شده ام تطهیرم نما.

فرمود: آیا همسر داری؟

ص: ۷۰۸

گفت: آری.

فرمود: با تو در همین شهر ساکن است.

گفت: آری.

پس حضرت به او امر نمود که برود و فرمود تا درباره تو تحقیق کنیم.

آن گاه حضرت شخصی را به سوی قبیله آن مرد روان نمود و درباره آن مرد تحقیق کرد. اهل قبیله اش گفتند: ای امیرالمؤمنین! او عقلش سالم است.

آن مرد برای سومین مرتبه بازگشت و سخن خود را تکرار کرد.

حضرت به او فرمود: برو تا درباره تو تحقیق کنیم.

آن مرد برای چهارمین مرتبه بازگشت. هنگامی که اعتراف نمود، حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه به قنبر فرمود: او را نگه دار.

آن گاه خشمگین شد و فرمود: چه قدر برای یکی از شما زشت و قبیح است که مرتکب برخی از گناهان گردد و خود را در پیشگاه مردم رسوا سازد! چرا در خانه اش توبه نمی کند؟! به خدا سوگند! توبه کردن او در بین خود و خدای خود، از اجرای حد توسط من بر او برتر است.

سپس او را به بیرون شهر برد و بین مردم اعلام کرد: ای مسلمانان! بیرون آید تا بر این شخص حد اجرا گردد. و (طوری خود را بپوشانید که) هیچ کدام تان رفیق خود را نشناسد.

پس آن مرد را به صحرا برد. آن مرد گفت: ای امیرالمؤمنین! به من مهلت ده دو رکعت نماز بخوانم.

سپس حضرت او را در گودال قرار داد و مردم در مقابل صورت آن مرد ایستادند.

پس حضرت فرمود: ای مسلمانان! این حقی از حقوق خداوند متعال است. بنابراین هر کس حق الهی برگرداند، باز گردد و کسی که حدی الهی برگرداند نمی تواند حدود الهی را به پا دارد.

پس همه مردم بازگشتند، ایشان با حضرت امام حسن و حضرت امام حسین صلوات الله علیهم ماندند. آن گاه حضرت سنگی برداشت و سه بار تکبیر گفت، سپس سه سنگ به سوی او انداخت و برای هر سنگی سه بار تکبیر گفت. سپس حضرت امام حسن مجتبی صلوات الله علیه همان طور که حضرت به سوی او سنگ انداخت به سویش سنگ انداخت. سپس حضرت امام حسین صلوات الله علیه او را با سنگ زد. در این

هنگام آن مرد از دنیا رفت. پس حضرت او را از گودال بیرون آورد و دستور داد برای او قبری کنند و بر او نماز خواند و دفنش نمود.

به حضرت عرض کردند: ای امیرالمؤمنین! چرا غسلش ندادید؟

فرمود: به راستی که با آبی پاکیزه تا روز قیامت غسل داده شد؛ زیرا امر بزرگی (سنگسار) را تحمل نمود.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن عمران بن ميثم أو صالح بن ميثم عن أبيه عن أمير المؤمنين صلوات الله عليه في حديث قال: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَهَدَ إِلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَهْدًا عَهْدَهُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَيَّ بِأَنَّهُ لَا يُقِيمُ الْحَدَّ مَنْ لَلَّهِ عَلَيْهِ حَدٌّ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمران بن میثم یا صالح بن میثم از پدرش از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در حدیثی روایت کرده که حضرت فرمودند:

ای مردم! به راستی که خداوند تبارک و تعالی با پیامبر خود عهدی بست. حضرت محمد صلی الله علیه و آله آن پیمان را با من قرار داد که کسی که حد الهی برگردن دارد، به اقامه حد نپردازد.

توضیح: این حدیث طولانی است، بنده فقط محل مورد نظر را از آن نقل کرده ام.

ان شاء الله متن کامل این حدیث شریف در باب «چگونگی اجرای سنگ سار» خواهد آمد.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن حفص بن غياث عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سَأَلَ رَجُلٌ أَبِي صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ حُرُوبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَكَانَ السَّائِلُ مِنْ مُحِبِّينَا فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِخَمْسَةِ أَسْيَافٍ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا شَاهِرَةٌ - إِلَى أَنْ - قَالَ: وَ سَيْفٌ مِنْهَا مَكْفُوفٌ وَ سَيْفٌ مِنْهَا مَعْمُودٌ سَلُّهُ إِلَيَّ غَيْرِنَا وَ حُكْمُهُ إِلَيْنَا - إِلَى أَنْ - قَالَ: وَأَمَّا السَّيْفُ الْمَعْمُودُ فَالسَّيْفُ الَّذِي يَقُومُ بِهِ الْقِصَاصُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «النَّفْسُ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنُ بِالْعَيْنِ» فَسَلِّهُ إِلَيَّ أَوْلِيَاءِ الْمَقْتُولِ وَ حُكْمُهُ إِلَيْنَا فَهَذِهِ السُّيُوفُ الَّتِي بَعَثَ اللَّهُ بِهَا مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَمَنْ جَحَدَهَا أَوْ جَحَدَ وَاحِدًا مِنْهَا أَوْ شَيْئًا مِنْ سَيْرِهَا وَ أَحْكَامِهَا فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. (۲)

ص: ۷۱۰

۱- . الكافي ج ۷ ص ۱۸۵ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۵ ص ۱۰-۱۲ ح ۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حفص بن غیاث روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: مردی از پدر بزرگوارم صلوات الله علیه در مورد جنگ های حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه پرسید.

حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه به او فرمود: خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله را با پنج شمشیر فرستاد که سه شمشیر، شاهره یعنی عریان و بیرون از غلاف هستند - تا آن که - فرمودند: یک شمشیر مکفوف است و شمشیر دیگر در غلاف اوست و فردی دیگر آن را می کشد، ولی باید به دستور ما زده شود - تا آن که - فرمودند: و اما آن شمشیری که در غلاف است (شمشیر پنجم)، همان شمشیری است که قصاص با آن جاری می شود. خداوند می فرماید: {در ازای جان، جان گرفته می شود و در ازای چشم، چشم را قصاص می کنند}. (سوره مائده آیه ۴۵) بیرون کشیدن این شمشیر یا در غلاف کردن آن حق اولیای شخصی است که کشته شده و حکم آن در دست ما است (با حکم ما قصاص انجام می شود).

این شمشیر هایی است خداوند، حضرت محمد صلی الله علیه و آله را با آنها برانگیخت؛ پس هر کس اینها را انکار کند، یا یکی از آنها، یا بخشی از مأموریت یا احکام آنها را انکار نماید، نسبت به آنچه خداوند بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرستاده کافر شده است.

۶- قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه في حديث: فَكُلُّ عَمَلٍ مِنْ أَعْمَالِ الْخَيْرِ يَجْرِي عَلَى غَيْرِ أَيْدِي الْأَوْصِيَاءِ وَ عُهُودِهِمْ وَ حُدُودِهِمْ وَ شَرَائِعِهِمْ وَ سُنَنِهِمْ وَ مَعَالِمِ دِينِهِمْ مَرْدُودٌ غَيْرُ مَقْبُولٍ وَ أَهْلُهُ بِمَحَلِّ كُفْرٍ وَ إِنْ شَمَلَهُمْ صِفَةُ الْإِيمَانِ. (۱)

حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در حدیثی فرمودند: و هر عمل خیری مانند عهد و حدود و شرایع و سنن و معالم دین از دستی غیر از دست اوصیاء انجام شود، همه و همه مردود و غیرمقبول است و اهل آن کافرنند، هرچند مشمول صفت ایمان باشند.

۷- الشيخ إبي حنيفة النعمان بن محمد التميمي، بإسناده عن علي صلوات الله عليه أنه قال: لَا يَضِلُّ الْحُكْمَ وَ لَا الْخِيَارَ وَ لَا الْجُمُعَةَ إِلَّا بِإِمَامٍ عَدْلٍ. (۲)

ص: ۷۱۱

۱- . الإحتجاج (للطبرسي) ج ۱ ص ۲۴۸ ح ۱۳۷. وسائل الشيعة ج ۲۷ ص ۱۹۴ ح ۳۳۵۷۵.

۲- . دعائم الإسلام ج ۱ ص ۱۸۲. مستدرک الوسائل ج ۶ ص ۱۳ ح ۶۳۰۶.

مرحوم ابوحنیفه شیخ محمد بن نعمان تمیمی، با سند خویش از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه روایت کرده که فرمودند: صدور حکم و اجرای حدود و اقامه نماز جمعه، جز به وسیله امام عادل صحیح نیست.

نکته: از آنجاییکه با احادیث ائمه معصومین صلوات الله علیهم ثابت کردیم که اقامه و اجرای حدود الهی از اختیارات خاصه حضرات معصومین صلوات الله علیهم است.

اما اگر کسانی این شبهه را مطرح کرده و بگویند وقتی امام غایب است تکلیف حدود الهی چه می شود؟ اگر حدود الهی که شارع مقدس بر جانی و قاتل واجب کرده با غیبت امام ساقط شوند که مسلماً نسخ شریعت است و باطل و چنانچه حد همچنان واجب باشد، در این صورت با توجه به غیبت امام چه کسی باید آن را اقامه و اجرا کند؟

می گوئیم: در زمان غیبت امام، حدود بر عهده مستحقان آن مثل جانی، شارب خمر و امثالهم باقی است و چنانچه حضرت بقیه الله صلوات الله علیه و عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کرد و مستحقین حدود زنده بودند که امام صلوات الله علیه با بینه و اقرار مستحق، حد و حدود الهی را جاری می فرماید، و اما اگر شخص مثلاً جانی مرده باشد، گناه عدم اجرای حدود الهی بر عهده کسانی است که موجب خوف امام شده و ایشان را مجبور به غیبت کرده اند و این نسخ اقامه حدود نیست. چرا که اقامه حدود زمانی واجب است که امام صلوات الله علیه بتواند آن را اجرا کرده، مانعی هم وجود نداشته باشد.

به این حدیث شریف نیز توجه نمایید:

الشیخ الكلینی، یاسناده عن أبي عبيدة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سألتُهُ عنِ امرأَةٍ تزوّجتُ رجلاً و لها زوجٌ قال فقال إن كان زوجها الأولُ مقيماً معها في المضِرِّ الذي هي فيه تصلُّ إليه و يصلُّ إليها فإنَّ عليَّ ما على الزَّاني المَحْصَنِ الرَّجْمَ قال و إن كان زوجها الأولُ غائباً عنها أو كان مقيماً معها في المضِرِّ لا يصلُّ إليها و لا تصلُّ إليه فإنَّ عليَّ ما على الزَّانيِّ غيرِ المَحْصَنِ و لا لعانَ بينهما و لا تفريقَ قلتُ من يزوجُهما أو يضربُهما الحدَّ و زوجها لا يقدِّمُها إلى الإمام و لا يُريدُ ذلكَ منها فقال إنَّ الحدَّ لا يزالُ لله في بدنها حتى يقومَ به من قام أو تلقى الله و هو عليها غضبانٌ قلتُ فإنَّ كانتَ جاهلةً بما صنعتَ قال فقال أليس هي في دارِ الهجره قلتُ بلى قال فما منِ امرأَةٍ اليومَ من نساءِ المسلمينِ إلا و هي تعلمُ أنَّ المرأه

لَا يَحِلُّ لَهَا أَنْ تَتَزَوَّجَ زَوْجَيْنِ قَالَ وَ لَوْ أَنَّ الْمَرْأَةَ إِذَا فَجَرَتْ قَالَتْ لَمْ أَدْرِ أَوْ جَهِلْتُ أَنَّ الَّذِي فَعَلْتُ حَرَامٌ وَ لَمْ يُقَمَّ عَلَيْهَا الْحَيْدُ إِذَا لَتَعَطَّلَ الْحُدُودُ. (۱)

مرحوم

شیخ کلینی، با سند خویش از ابو عبیده روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره زن شوهرداری که با مرد دیگر ازدواج نمود پرسیدم.

فرمود:

چنان چه شوهر اولش با او در همان شهری که زن اقامت داشت، ساکن بود و هر دو به هم دسترسی داشتند، حد زناکار محصن بر عهده زن می آید که سنگسار است.

فرمود:

و اگر شوهر اولش غایب بود یا در همان شهر محل اقامت زن ساکن بود، اما به هم دسترسی نداشتند، حد زناکار غیر محصنه بر او لازم می شود و نه لازم است با هم لعان کنند و نه از یکدیگر جدا می شوند.

گفتم:

چه کسی زن و شوهر دوم را سنگسار کند یا حد بزند در حالی که شوهر اول زن را نزد امام معصوم صلوات الله علیه نمی برد و از زن مطالبه ای ندارد؟!

فرمود:

به راستی همواره حد الهی بر عهده زن خواهد بود تا زمانی که قیام کننده ای (امام معصوم) آن را اقامه کند یا این که خداوند را در حالی که بر او غضبناک است ملاقات نماید.

گفتم:

اگر از کاری که کرده است ناآگاه بود چه؟

فرمود:

مگر او در کشور اسلامی زندگی نمی کند؟

گفتم:

آری.

فرمود:

بنابراین امروزه هر زن مسلمانی می داند که برایش جایز نیست که با دو شوهر ازدواج کند.

فرمود:

و اگر هنگامی که زن مرتکب زنا شد بگوید: نمی دانستم یا جاهل بودم که کاری که انجام دادم حرام است و بر او حد جاری نگردد، بنابراین حدود الهی تعطیل خواهد شد.

۶۵۳- سنگ سار و تازیانه و محکومان به آن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: الرَّجْمُ حَدُّ اللَّهِ الْأَكْبَرُ وَالْجَلْدُ حَدُّ اللَّهِ الْأَصْغَرُ فَإِذَا زَنَى الرَّجُلُ الْمُحْصَنُ يُرْجَمُ وَلَمْ يُجْلَد. (۲)

ص: ۷۱۳

۱- .الكافي ج ۷ ص ۱۹۲ ح ۱.

۲- .الكافي ج ۷ ص ۱۷۶ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: سنگسار، حد بزرگ الهی است و تازیانه زدن حد کوچک الهی. پس هرگاه مرد همسر دار زنا کند، سنگسار می شود و تازیانه نمی خورد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: الْحُرُّ وَالْحُرَّةُ إِذَا زَنِيَا جُلِدَا كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ فَأَمَّا الْمُحْصَنُ وَالْمُحْصَنَةُ فَعَلَيْهِمَا الرَّجْمُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه مرد و زن آزاد مرتکب زنا شوند، هر کدام صد ضربه تازیانه می خورند. اما مرد همسر دار و زن شوهر دار، باید سنگسار گردند.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَال: قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي الشَّيْخِ وَالشَّيْخَةِ أَنْ يُجْلَدَا مِائَةً وَ قَضَى لِلْمُحْصَنِ الرَّجْمَ وَ قَضَى فِي الْبِكْرِ وَالْبِكْرَةِ إِذَا زَنِيَا جُلِدَا مِائَةً وَ نَفَى سَنَهُ فِي غَيْرِ مَضْرِهِمَا وَ هُمَا اللَّذَانِ قَدْ أُمْلِكَا وَ لَمْ يَدْخُلَا بِهَا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن قیس روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه درباره پیرمرد و پیرزنی که زنا کرده بودند چنین داوری فرمود که هر کدام را صد ضربه بزنند و در مورد مرد همسر دار حکم به سنگسار کردنش داد و در مورد مرد مجرد و زن باکره ای که هرگاه مرتکب زنا شده اند قضاوت فرمود که صد ضربه می خورند و یک سال در شهری دیگر تبعید می شوند. البته منظور از این دو مرد و زنی هستند که همسر و شوهر دارند، اما نزدیکی نکرده اند.

ص: ۷۱۴

۱- . الكافي ج ۷ ص ۱۷۷ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۱۷۷ ح ۷.

۶۵۴- حکم زناى همسر دار و غير همسر دار

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن هشام و حفص بن البختري عمّن ذكره عن أبي عبد الله صلوات الله عليه: في الرجل يتزوج الممتعة أ تُحصنه قال لا إنما ذاك على الشيء الدائم عنده. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از هشام و حفص بن بختري از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره مردی که ازدواج موقت می کند؛ آیا با وجود همسر موقت او مرد همسر داری است؟ فرمود: نه؛ احصان و همسر دار بودن تنها با همسر دائم حاصل می گردد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عمر بن يزيد قال: قلت لأبي عبد الله صلوات الله عليه أخبرني عن الغائب عن أهله يزني هل يزجم إذا كانت له زوجته وهو غائب عنها قال لا يزجم الغائب عن أهله ولا المملوك الذي لم يبين بأهله ولا صاحب الممتعة قلت ففي أي حد سفره لا يكون مُحصناً قال إذا قصر و أفطر فليس بمُحصن. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عمرو بن يزيد روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: بفرمایید مرد غایب دارای همسر که زنا کند آیا سنگسار می گردد؟

فرمود: مردی که از خانواده اش غایب است، مردی که همسر دارد اما با او زفاف نکرده و مردی که همسر موقت دارد، سنگسار نمی شوند.

عرض کردم: پس در کدام از حد و مرز سفرش همسر دار محسوب نمی شود؟

فرمود: هرگاه که نمازش را شکسته بخواند و روزه اش را بخورد.

۶۵۵- حکم زناى کودکان با افراد بالغ

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن ابن بكير قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه في آخر ما لقيته عن غلام لم يبلغ الحلم وقع على امرأه أو فجّر بامرأه أي شيء يصنع بهما قال يضرب

ص: ۷۱۵

۱- . الكافي ج ۷ ص ۱۸۷ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۱۷۹ ح ۱۳.

الْغُلَامُ دُونَ الْحَيْدِ وَ يُقَامُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْحَيْدُ قُلْتُ جَارِيَهُ لَمْ تَبْلُغْ وَجِدْتِ مَعَ رَجُلٍ يَفْجُرُ بِهَا قَالَ تُضْرَبُ الْجَارِيَةُ دُونَ الْحَيْدِ وَ يُقَامُ عَلَى الرَّجُلِ الْحَدُّ الْكَامِلُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن بکیر روایت کرده که گفت: در آخرین مرتبه ای که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه را دیدم از آن حضرت پرسیدم: پسری که به سن بلوغ نرسیده است با زنی زنا می کند با آن دو چه باید کرد؟ فرمود: پسر را کمتر از حد تازیانه می زنند، اما بر زن حد کامل اجرا می شود.

عرض کردم: دختر بچه ای را با مردی می یابند که با او زنا می کند.

فرمود: دختر بچه را کمتر از حد کامل تازیانه می زنند و بر مرد حد کامل جاری می گردد.

۶۵۶- آنچه موجب حد تازیانه می شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبيد الله بن سنان عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال سَمِعْتُهُ يَقُولُ: حَيْدُ الْجَلْدِ فِي الزَّوْنِيِّ أَنْ يُوجَدَا فِي لِحَافٍ وَاحِدٍ وَ الرَّجُلَانِ يُوجَدَانِ فِي لِحَافٍ وَاحِدٍ وَ الْمَرْأَتَانِ تُوجَدَانِ فِي لِحَافٍ وَاحِدٍ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: حد تازیانه زدن در مسأله زنا این است که مرد و زن را در زیر یک لِحاف بیابند. هم چنین است دو مردی که در زیر یک لِحاف پیدا می کنند و دو زنی که در زیر یک لِحاف می یابند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبيد الرحمن بن أبي عبد الله قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: إِذَا وَجِدَ الرَّجُلُ وَ الْمَرْأَةُ فِي لِحَافٍ وَاحِدٍ وَ قَامَتَا عَلَيْهِمَا بِذَلِكَ بَيْنَهُمَا وَ لَمْ يُطَّلَعْ مِنْهُمَا عَلَى مَا سِوَى ذَلِكَ جُلِدَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ. (۳)

ص: ۷۱۶

۱- . الكافي ج ۷ ص ۱۸۰ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۱۸۱ ح ۳.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۱۸۱ ح ۴.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الرحمن بن ابی عبد الله روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه می فرمود: هرگاه مرد و زنی را در زیر یک لحاف ببیند و شاهدهی بر این کار اقامه شود و جز از این از آن چیزی دیده نشود، هر کدام صد ضربه تازیانه می خورند.

۶۵۷- چگونه اجرای حد زنا

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: يُضْرَبُ الرَّجُلُ الْحَدَّ قَائِمًا وَ الْمَرْأَةُ قَاعِدَةً وَ يُضْرَبُ كُلُّ عَضْوٍ وَ يُتْرَكُ الرَّأْسُ وَ الْمَدَاكِيرُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: در اجرای حدود، مردها را برپا کنند و زنان را بنشانند و تازیانه بزنند؛ تازیانه را باید بر همه تن جز قسمت سر و عورت بزنند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا إِبرَاهِيمَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الرَّانِي كَيْفَ يُجْلَدُ قَالَ أَشَدَّ الْجَلْدِ قُلْتُ فَمِنْ فَوْقِ ثِيَابِهِ قَالَ بَلْ يُخْلَعُ ثِيَابُهُ قُلْتُ فَالْمُفْتَرِي قَالَ يُضْرَبُ بَيْنَ الضَّرْبَيْنِ يُضْرَبُ جَسَدُهُ كُلُّهُ فَوْقَ ثِيَابِهِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه پرسیدم: چگونه بر زناکار تازیانه می زنند؟

فرمود: شدیدترین ضربه ها.

گفتم: از روی لباس هایش؟

فرمود: نه، بلکه لباس هایش را بیرون می آورند.

گفتم: کسی که تهمت زنا می زند چه طور؟

فرمود: ضربه ای بین ضربه نرم و شدید می زنند. از روی لباس هایش بر تمام بدنش می زنند.

ص: ۷۱۷

۱- . الكافي ج ۷ ص ۱۸۳ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۱۸۳ ح ۲.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: لا يُرجم الرجل والمرأة حتى يشهد عليهما أربعه شهداء على الجماع والإيلاج والإذخال كالميل في المكحلة. (۱)

مرحوم شيخ كلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: مرد و زن سنگسار نمی شوند تا این که چهار شاهد بر آنان گواهی دهند که عمل زنا و دخول و خروج مانند میل در سرمه دان بوده است.

۶۵۹- چگونگی اجرای سنگ سار

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: تُدفن المرأة إلى وسطها إذا أرادوا أن يجمعوها ويؤمى الإمام ثم الناس بعد بأخجار صغار. (۲)

مرحوم شيخ كلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هنگامی که می خواهند زنی را سنگسار کنند، او را تا کمر در گودالی دفن می کنند و امام به سوی او سنگ می اندازد. سپس مردم بعد از امام با سنگ های کوچک سنگ می اندازند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن صفوان عن أبي بصير قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه قال: إذا أقر الزاني المحصن كان أول من يرميه الإمام ثم الناس فإذا قامت عليه البيّنة كان أول من يرميه البيّنة ثم الإمام ثم الناس. (۳)

مرحوم شيخ كلینی، با سند خویش از صفوان از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه مرد همسر دار زناکار، به ارتکاب زنا اقرار کند، اولین کسی که به او سنگ می زند، امام سپس مردم اند. پس هرگاه شهود علیه مرد زناکار گواهی دهند، اولین کسی که به او سنگ می زند، شهود هستند؛ سپس امام و پس از آن، مردم.

ص: ۷۱۸

۱- . الكافي ج ۷ ص ۱۸۴ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۱۸۴ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۱۸۴ ح ۳.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: تُدْفَنُ الْمَرْأَةُ إِلَى وَسِطِهَا ثُمَّ يَرْمَى الْإِمَامُ وَيَرْمَى النَّاسُ بِأَحْجَارٍ صِغَارٍ وَلَا يُدْفَنُ الرَّجُلُ إِذَا رُجِمَ إِلَّا إِلَى حَقْوِيهِ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: زن را تا کمر در گودالی دفن می کنند، سپس امام به سوی او سنگ می اندازد و (پس از آن) مردم؛ با سنگ های کوچک و هنگامی که مردی سنگسار می گردد، فقط تا پهلوهایش در گودالی دفن می شود.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن الْحَسَنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَخْبِرْنِي عَنِ الْمُخَصَّنِ إِذَا هُوَ هَرَبَ مِنَ الْحَفِيرَةِ هَيْلٌ يُرَدُّ حَتَّى يُقَامَ عَلَيْهِ الْحِجْدُ فَقَالَ يُرَدُّ وَلَا يُرَدُّ فَقُلْتُ وَكَيْفَ ذَلِكَ فَقَالَ إِذَا كَانَ هُوَ الْمُقَرَّرَ عَلَى نَفْسِهِ ثُمَّ هَرَبَ مِنَ الْحَفِيرَةِ بَعِيدًا مَا يُصَيِّبُهُ شَيْءٌ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمْ يُرَدَّ وَإِنْ كَانَ إِثْمًا قَامَتْ عَلَيْهِ النَّيْنَةُ وَهُوَ يَجْحِدُ ثُمَّ هَرَبَ رُدًّا وَهُوَ صَاعِرٌ حَتَّى يُقَامَ عَلَيْهِ الْحِجْدُ وَذَلِكَ أَنَّ مِاعِزَ بْنَ مَالِكٍ أَقْرَأَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالزَّنَى فَأَمَرَ بِهِ أَنْ يُرْجَمَ فَهَرَبَ مِنَ الْحَفِيرَةِ فَرَمَاهُ الزُّبَيْرُ بْنُ الْعِيَّوَامِ بِسِاقٍ بَعِيرٍ فَعَقَلَهُ فَسَقَطَ فَلَحِقَهُ النَّاسُ فَفَتَنُوهُ ثُمَّ أَخْبَرُوا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ فَقَالَ لَهُمْ فَهَلَّا تَرَكْتُمُوهُ إِذَا هَرَبَ يَذْهَبُ فَإِنَّمَا هُوَ الَّذِي أَقْرَأَ عَلَى نَفْسِهِ وَقَالَ لَهُمْ أَمَا لَوْ كَانَ عَلَيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ حَاضِرًا مَعَكُمْ لَمَا صَلَّيْتُمْ قَالَ وَوَدَّاهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حسين بن خالد روایت کرده که گفت: به حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه عرض کردم: به من خبر دهید هنگامی که مرد همسردار از گودال فرار نمود، آیا او را برمی گردانند تا بر او حد جاری گردد؟ فرمود: گاهی بر گردانده می شود و گاهی بر گردانده نمی شود.

عرض کردم: و آن چگونه است؟

ص: ۷۱۹

۱- . الكافي ج ۷ ص ۱۸۴ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۱۸۵ ح ۵.

فرمود: هنگامی که مرد خودش بر ارتکاب گناه اعتراف کرده باشد، آن گاه بعد از این که تعدادی سنگ به او اصابت کرد از گودال فرار کند، برگردانده نخواهد شد. و چنان چه شهود علیه او گواهی داده باشند، در حالی که او انکار می کرد، سپس از گودال فرار نمود، به حالتی تحقیرآمیز برگردانده می شود تا حد بر او جاری گردد.

این حکم به این علت است که ماعز بن مالک نزد رسول الله صلی الله علیه و آله به انجام زنا اقرار نمود. رسول الله صلی الله علیه و آله دستور داد که سنگسارش کنند. پس ماعز از گودال فرار کرد. در این هنگام زبیر بن عوام ساق شتری به سوی او پرتاب نمود و او را بر زمین افکند. پس مردم رسیدند و او را کشتند. سپس رسول الله صلی الله علیه و آله را از ماجرا مطلع کردند.

فرمود: پس چرا هنگامی که فرار کرد او را وانگذاشتید که برود؟! زیرا او خودش علیه خودش اقرار کرده بود.

هم چنین به آنان فرمود: آگاه باشید! اگر علی صلوات الله علیه با شما حاضر بود، گمراه نمی شدید.

حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله دیه ماعز بن مالک را از بیت المال مسلمانان پرداخت نمود.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن عمران بن ميثم أو صالح بن ميثم عن أبيه قال: أتت امرأة مبيح أمير المؤمنين صلوات الله عليه فقالت يا أمير المؤمنين إني زنيته فطهرني طهرك الله فإن عذاب الدنيا أيسر من عذاب الآخرة الذي لا ينقطع فقال لها مما أظهرك فقالت إني زنيته فقال لها أ و ذات بعل أنت أم غير ذلك فقالت بل ذات بعل فقال لها أ فحاضراً كان بعلك إذ فعلت ما فعلت أم غائباً كان عنك فقالت بل حاضراً فقال لها إنطلقى فضعى ما فى بطنك ثم إئتني أظهرك فلما ولت عنه المرأة فصارت حيث لا تسامع كلامه قال اللهم إنها شهاده فلم يلبث أن أتته فقالت قد وضعت فطهرني قال فتجاهل عليها فقال أظهرك يا أمه الله مما ذا فقالت إني زنيته فطهرني فقال و ذات بعل إذ فعلت ما فعلت قالت نعم قال و كان زوجك حاضراً أم غائباً قالت بل حاضراً قال فأنطلقى و أرضه عيه حولين كأملين كما أمرك الله قال فأنصرفت المرأة فلما صارت من حيث لا تسامع كلامه قال اللهم إنهما شهدتان قال فلما مضى حولان أتت المرأة فقالت قد أرضعته حولين فطهرني يا أمير المؤمنين فتجاهل عليها و قال أظهرك مما ذا فقالت إني زنيته فطهرني قال و ذات بعل أنت إذ فعلت ما فعلت فقالت نعم قال و بعلك غائب إذ فعلت ما فعلت أو حاضراً قالت بل حاضراً قال فأنطلقى

فَاكْفَلِيهِ حَتَّى يَعْغَلَ أَنْ يَأْكُلَ وَ يَشْرَبَ وَ لَا يَتَرَدَّى مِنْ سَطْحٍ وَ لَا يَتَهَوَّرَ فِي بَيْتٍ قَالَ فَاَنْصَرَفَتْ وَ هِيَ تَبْكِي فَلَمَّا وَلَّتْ فَصَارَتْ حَيْثُ لَا تَسْمَعُ كَلَامَهُ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّهَا ثَلَاثُ شَهَادَاتٍ قَالَتْ فَاسْتَقْبَلَهَا عَمْرُو بْنُ حُرَيْثٍ الْمَخْزُومِيُّ فَقَالَ لَهَا مَا يُبْكِيكِ يَا أُمَّهُ اللَّهُ وَ قَدْ رَأَيْتُكِ تَخْتَلِفِينَ إِلَيَّ عَلَى تَسْلِيْنِهِ أَنْ يُطَهَّرَكَ فَقَالَتْ إِنِّي أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَسَأَلْتُهُ أَنْ يُطَهِّرَنِي فَقَالَ أَكْفَلِي وَ لَدَيْكَ حَتَّى يَعْغَلَ أَنْ يَأْكُلَ وَ يَشْرَبَ وَ لَا يَتَرَدَّى مِنْ سَطْحٍ وَ لَا يَتَهَوَّرَ فِي بَيْتٍ وَ قَدْ خِفْتُ أَنْ يَأْتِيَ عَلَيَّ الْمَوْتُ وَ لَمْ يُطَهِّرَنِي فَقَالَ لَهَا عَمْرُو بْنُ حُرَيْثٍ إِرْجِعِي إِلَيْهِ فَأَنَا أَكْفَلُهُ فَرَجَعَتْ فَأَخْبَرَتْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ بِقَوْلِ عَمْرُو فَقَالَ لَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ هُوَ مُتَجَاهِلٌ عَلَيْهَا وَ لَمْ يَكْفُلْ عَمْرُو وَ لَدَيْكَ فَقَالَتْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي زَنِيتُ فَطَهِّرْنِي فَقَالَ وَ ذَاتُ بَعْغٍ أَنْتِ إِذْ فَعَلْتِ مَا فَعَلْتِ قَالَتْ نَعَمْ قَالَ أَفَغَائِبًا كَانَ بَعْغُكَ إِذْ فَعَلْتِ مَا فَعَلْتِ أَمْ حَاضِرًا فَقَالَتْ بَلْ حَاضِرًا قَالَ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّهُ هَدَى ثَبْتَ لِمَكَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ وَ إِنَّكَ هَدَى قَلْتَ لِنَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِيْمَا أَخْبَرْتَهُ بِهِ مِنْ دِينِكَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ عَطَلَ حِدًّا مِنْ حُدُودِي فَقَدْ عَانَدَنِي وَ طَلَبَ بِعَدْلِكَ مُضَادَّتِي اللَّهُمَّ فَإِنِّي غَيْرُ مُعْطَلٍ حُدُودِكَ وَ لَا طَالِبٍ مُضَادَّتِكَ وَ لَا مُضَعِّجٍ لِأَحْكَامِكَ بَلْ مُطِيعٌ لَكَ وَ مُتَّبِعٌ سُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ فَنَظَرَ إِلَيْهِ عَمْرُو بْنُ حُرَيْثٍ وَ كَانَمَا الرُّمَانُ يُفْقَأُ فِي وَجْهِهِ فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ عَمْرُو قَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي أَرَدْتُ أَكْفَلُهُ إِذْ ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُحِبُّ ذَلِكَ فَأَمَّا إِذَا كَرِهْتَهُ فَإِنِّي لَسْتُ أَفْعَلُ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَعْبَدُ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ لَتَكْفُلَنَّهُ وَ أَنْتِ صَاغِرَةٌ فَصَعِدَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ الْمُنْبَرِ فَقَالَ يَا قَتْبُ نَادِ فِي النَّاسِ الصَّلَاةَ حَيْمَعَهُ فَنَادَى قَتْبٌ فِي النَّاسِ فَاجْتَمَعُوا حَتَّى غَصَّ الْمَسِيحُ بِأَهْلِهِ وَ قَامَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَحَمِدَ اللَّهُ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ إِمَامَكُمْ خَارِجٌ بِهِدِيهِ الْمَرْأَةُ إِلَى هَذَا الظَّهْرِ لِيُتَقِيمَ عَلَيْهَا الْحَدَّ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَعَزَمَ عَلَيْكُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لَمَّا خَرَجْتُمْ وَ أَنْتُمْ مُتَنَكِّرُونَ وَ مَعَكُمْ أَحْجَارُكُمْ لَا يَتَعَرَّفُ أَحَدٌ مِنْكُمْ إِلَى أَحَدٍ حَتَّى تَنْصَرِفُوا إِلَى مَنَازِلِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ قَالَ ثُمَّ نَزَلَ فَلَمَّا أَضْبَحَ النَّاسُ بُكَرَهُ خَرَجَ بِالْمَرْأَةِ وَ خَرَجَ النَّاسُ مُتَنَكِّرِينَ مُتَلَثِّمِينَ بَعْمَائِهِمْ وَ بِأَرْدِيَّتِهِمْ وَ الْحِجَارَةَ فِي أَرْدِيَّتِهِمْ وَ فِي أَكْمَامِهِمْ حَتَّى انْتَهَى بِهَا وَ النَّاسُ مَعَهُ إِلَى الظَّهْرِ بِالْكَوْفَةِ فَأَمَرَ أَنْ يُحْفَرَ لَهَا حَفِيرَةٌ ثُمَّ دَفَنَهَا فِيهَا ثُمَّ رَكِبَ بَعْلَتَهُ وَ أَثْبَتَ رِجْلَيْهِ فِي عَزْرِ الرِّكَابِ ثُمَّ وَضَعَ إِصْبَعِيهِ

السَّبَائِتِينَ فِي أذُنَيْهِ ثُمَّ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَهَدَ إِلَيَّ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَهْدًا عَهْدَهُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَيَّ بِأَنَّهُ لَا يُقِيمُ الْحَدَّ مَنْ لَلَّهِ عَلَيْهِ حَدٌّ فَمَنْ كَانَ عَلَيْهِ حَدٌّ مِثْلُ مَا عَلَيْهَا فَلَا يُقِيمُ عَلَيْهَا الْحَدَّ قَالَ فَأَنْصِرَفَ النَّاسُ يَوْمَئِذٍ كُلُّهُمْ مِثْلَ مَا خَلَا- أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فَأَقَامَ هَؤُلَاءِ الثَّلَاثَةَ عَلَيْهَا الْحَدَّ يَوْمَئِذٍ وَمَا مَعَهُمْ غَيْرُهُمْ قَالَ وَانْصِرَفَ فِيمَنْ انْصِرَفَ يَوْمَئِذٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ. (١)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمران بن میثم یا صالح بن میثم از پدرش (میثم) روایت کرده که گفت: زنی آبستن خدمت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه آمد و گفت: ای امیرالمؤمنین! من زنا داده ام مرا تطهیر کن؛ خداوند تطهیرت نماید! زیرا عذاب دنیا از عذاب آخرت که هیچ گاه تمام نمی شود آسان تر است.

حضرت به او فرمود: از چه چیزی تو را تطهیر کنم؟

گفت: من زنا داده ام.

فرمود: آیا شوهر داری یا بدون شوهری؟

گفت: بلکه شوهر دارم.

فرمود: هنگامی که آن عمل را مرتکب شدی، شوهرت حاضر بود یا (در مسافرت) غایب؟

گفت: بلکه حاضر بود.

فرمود: برو و فرزندان را زایمان کن سپس بیا تا تطهیرت کنم.

پس هنگامی که زن از نزد حضرت رفت و به جایی رسید که صدای حضرت را نمی شنید حضرت فرمود: خداوندا! این یک شهادت.

پس زمانی نگذشت که زن آمد و گفت: من وضع حمل کرده ام مرا تطهیر نما.

اما حضرت انگار که او را نمی شناسد فرمود: ای کنیز خدا! از چه چیزی تو را تطهیر کنم؟

گفت: من زنا داده ام؛ پس تطهیرم نما.

فرمود: آیا در هنگامی که مرتکب آن عمل شدی شوهر داشتی؟

ص: ۷۲۲

گفت: آری.

فرمود: شوهرت حاضر بود یا غایب؟

گفت: بلکه حاضر بود.

فرمود: برو و همان طور که خداوند به تو دستور داده است فرزندت را دو سال کامل شیر بده.

زن رفت. هنگامی که زن به جایی رسید که صدای حضرت را نمی شنید، حضرت فرمود: خدایا! این دو شهادت.

آن گاه که دو سال گذشت، زن آمد و گفت: من دو سال فرزندم را شیر دادم؛ پس مرا تطهیر کن، ای امیرالمؤمنین!

اما حضرت به حالتی که انگار او را نمی شناسد فرمود: از چه چیزی تو را تطهیر کنم؟

گفت: من زنا داده ام؛ پس تطهیرم نما.

فرمود: هنگام انجام آن عمل شوهر داشتی؟

گفت: آری.

فرمود: شوهرت در هنگام ارتکاب آن عمل غایب بود یا حاضر؟

گفت: بلکه حاضر بود.

فرمود: برو و فرزندت را سرپرستی کن تا خوردن و آشامیدن را یاد بگیرد و از بام نیفتد و در چاه سقوط نکند.

پس زن با گریه رفت. هنگامی که او رفت و به جایی رسید که صدای حضرت را نمی شنید، حضرت فرمود: خداوندا! این سه شهادت.

در این هنگام عمرو بن حریث به زن برخورد نمود و به او گفت: ای کنیز خدا! چرا گریه می کنی؟ و من تو را دیده ام که خدمت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه می آیی و می روی و از ایشان می خواهی که تطهیرت کند.

زن گفت: من نزد حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه رفتم و از ایشان خواستم مرا تطهیر نماید. اما ایشان فرمود: سرپرستی فرزندت را به عهده گیر تا خوردن و آشامیدن را یاد بگیرد و از بامی سقوط نکند و در چاهی نیفتد. من می ترسم که مرگ به سراغم بیاید در حالی که حضرت مرا تطهیر نکرده باشد.

عمرو بن حریث به زن گفت: نزد آن حضرت باز گرد؛ من سرپرستی کودک را به عهده می گیرم.

زن بازگشت و سخن عمرو را برای حضرت باز گفت.

حضرت با حالتی که انگار زن را نمی شناسد به او فرمود: چرا عمرو سرپرستی کودک را به عهده گرفت؟

گفت: ای امیرالمؤمنین! من زنا داده ام؛ پس مرا تطهیر نما.

فرمود: هنگامی که مرتکب آن عمل شدی شوهر داشتی؟

گفت: آری.

فرمود: هنگامی که آن عمل را انجام دادی، شوهرت غایب بود یا حاضر؟

گفت: بلکه حاضر بود.

در این هنگام حضرت سر مبارک را به آسمان نمود و فرمود: خدایا! به راستی که برای تو چهار شهادت علیه این زن ثابت شد. به راستی که در آن مسائل از دین خود که به پیامبر خود خبر دادی، به ایشان فرمودی: «ای محمّد! هر کس یکی از حدود مرا تأخیر بیندازد، به راستی که با من دشمنی نموده و با این کار، در پی مخالفت با من بوده است». خدایا! پس من حدود تو را به تأخیر نمی اندازم. و در پی مخالفت با تو نیستم و احکام تو را ضایع نخواهم کرد؛ بلکه مطیع تو و تابع سنت پیامبرت هستم.

عمرو بن حریث به حضرت نگاهی کرد و (از ناراحتی چهره مبارکش سرخ شده بود) مانند این که اناری در صورت مبارکش ترکیده است. هنگامی که عمرو این صحنه را دید عرض کرد: ای امیر مؤمنان! من فقط می خواستم سرپرستی کودک را به عهده گیرم. زیرا گمان کردم شما از این کار خشنود می شوید. اما هنگامی که شما از آن ناراحتید، من چنین کاری نخواهم کرد.

حضرت فرمود: آیا پس از این چهار شهادت الهی؟! باید سرپرستی کودک را بپذیری در حالی که تحقیر خواهی شد.

آن گاه حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه بر فراز منبر رفت و فرمود: ای قنبر! در بین مردم ندا کن تا جمع شوند.

قنبر بین مردم ندا داد و مردم گرد آمدند به حدی که مسجد از جمعیت پر شد. حضرت برخاست و حمد و ثنای الهی به جای آورد. سپس فرمود:

مردم! به راستی که امام شما این زن را به پشت کوفه می آورد تا ان شاء الله بر او حد جاری نمایید. هنگامی که بیرون آید امیرالمؤمنین به سوی شما خواهد آمد و شما به صورت ناشناخته بیرون آید و همراه تان سنگ هایی باشد و هیچ کدام دیگری را نشناسد تا زمانی که به خانه های تان باز گردید؛ ان شاء الله.

سپس از منبر فرود آمد. هنگامی که مردم صبح گاهان برخاستند، حضرت آن زن را بیرون آورد و مردم در حالی که یک دیگر را نمی شناختند و با عمامه و عبا خود را پوشانده بودند و سنگ هایی در عبا و آستین خود داشتند، بیرون آمدند تا این که به آن زن رسیدند. مردم همراه آن حضرت در پشت کوفه بودند. حضرت دستور داد که گودالی برای زن حفر کنند. سپس زن را در آن قرار داد و (تا کمر او را) دفن کرد. سپس بر اسب خود سوار شد و پای مبارک را در رکاب محکم کرد. آن گاه انگشت های سبابه خود را در گوش اسب خود قرار داد، سپس با بلندترین صدای خود فریاد زد:

ای مردم! به راستی که خداوند تبارک و تعالی با پیامبر خود عهدی بست. حضرت محمد صلی الله علیه و آله آن پیمان را با من قرار داد که کسی که حد الهی برگردن دارد، به اقامه حد نپردازد. از این رو هر کس حدی مانند حد این زن برگردن دارد، به اقامه حد این زن نپردازد.

میشم گوید: در آن روز همه مردم برگشتند جز حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه، حضرت امام حسن صلوات الله علیه و حضرت امام حسین صلوات الله علیه. پس همین سه نفر در آن روز حد آن زن را اجرا کردند و شخص دیگری با آنان نبود.

میشم گوید: از کسانی که در آن روز برگشتند، محمد بن امیر المؤمنین صلوات الله علیه بود.

۶۶۰- حکم تجاوز مرد به زن

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ: سَأَلَ أَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ رَجُلٍ اغْتَصَبَ امْرَأَةً فَزَجَّهَا قَالَ يُقْتَلُ مُحْصَنًا كَانَ أَوْ غَيْرَ مُحْصَنٍ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از برید عجلی روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه پرسیدند: مردی به زنی تجاوز می کند. (چه حکمی دارد؟)

فرمود: چه همسر دار باشد و چه مجرد کشته می شود.

ص: ۷۲۵

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي بصيرٍ عن أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله عليه قال: إِذَا كَابَرَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ عَلَى نَفْسِهَا ضَرَبَ ضَرْبَهُ بِالسَّيْفِ مَا تَمُنَّهَا أَوْ عَاشَ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: هرگاه مردی به زنی تجاوز نماید، یک ضربه شمشیر به او می زنند، چه بمیرد و چه زنده بماند.

۶۶۱- حکم زنا با معارم

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي أَيُّوبَ قَالَ سَمِعْتُ بُكَيْرَ بْنَ أَعْيَنَ يَزُورِي عَنْ أَحَدِهِمَا صلوات الله عليهما قال: مَنْ زَنَى بِذَاتِ مَحْرَمٍ حَتَّى يُوَاقِعَهَا ضَرَبَ ضَرْبَهُ بِالسَّيْفِ أَخَذَتْ مِنْهُ مَا أَخَذَتْ وَإِنْ كَانَتْ تَابَعَتْهُ ضَرَبَتْ ضَرْبَهُ بِالسَّيْفِ أَخَذَتْ مِنْهَا مَا أَخَذَتْ قِيلَ لَهُ فَمَنْ يَضْرِبُهُمَا وَ لَيْسَ لَهُمَا خَصْمٌ قَالَ ذَاكَ عَلَى الْإِمَامِ إِذَا رُفِعَا إِلَيْهِ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو ایوب روایت کرده که گفت: از بکیر بن اعین شنیدم که از حضرت امام محمد باقر یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما روایت می کرد که آن حضرت فرمود: هرکس با محرم خویش زنا کند به گونه ای که با او آمیزش نماید، یک ضربه شمشیر به او می زنند؛ هر زخمی که به او برساند و اگر زن با او همکاری کرده باشد، یک ضربه شمشیر نیز به زن می زنند؛ هر زخمی که به او برساند.

عرض کردند: چه کسی به آن ها ضربه وارد کند در حالی که آن ها طرف دعوی ندارند؟!

فرمود: اجرای این حکم با امام (معصوم صلوات الله علیه) است؛ هرگاه آن ها را نزد او برده باشند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله عليه أَيَّنَ يُضْرَبُ الَّذِي يَأْتِي ذَاتَ مَحْرَمٍ بِالسَّيْفِ أَيَّنَ هَذِهِ الضَّرْبَةُ قَالَ يُضْرَبُ عُنُقُهُ أَوْ قَالَ تُضْرَبُ رَقَبَتُهُ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از جمیل بن دراج روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه عرض کردم: به کجای بدن کسی که با محرم خویش زنا می کند ضربه وارد می شود؟

فرمود: گردنش را می زنند.

ص: ۷۲۶

۱- الكافي ج ۷ ص ۱۸۹ ح ۴.

۲- الكافي ج ۷ ص ۱۹۰ ح ۱.

۳- الكافي ج ۷ ص ۱۹۰ ح ۲.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مِهْرَانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ وَقَعَ عَلَى أُخْتِهِ قَالَ يُضْرَبُ ضَرْبَهُ بِالسَّيْفِ قُلْتُ فَإِنَّهُ يُخَلَّصُ قَالَ يُحْبَسُ أَبَدًا حَتَّى يَمُوتَ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از محمد بن عبدالله بن مهران از یکی از روایان روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: مردی با خواهر خود زنا می کند.

فرمود: یک ضربه شمشیر به او می زنند.

عرض کردم: اگر پس از این ضربه زنده بماند چه حکمی دارد؟

فرمود: برای همیشه زندانی می شود تا بمیرد.

۶۶۲- کشتن زناکار و مرتکبان گناهان کبیره در سومین مرتبه

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: الْزَّانِي إِذَا زَنَى جُلِدَ ثَلَاثًا وَ يُقْتَلُ فِي الرَّابِعَةِ يَعْنِي إِذَا جُلِدَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو بصير روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه زناکار زنا نمود تا سه بار حد می خورد و در مرتبه چهارم کشته می شود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: أَصْحَابُ الْكِبَائِرِ كُلِّهَا إِذَا أُقِيمَ عَلَيْهِمُ الْحَدُّ مَرَّتَيْنِ قُتِلُوا فِي الثَّلَاثَةِ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از يونس روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمود: هرگاه برای مرتکبان گناهان کبیره دو مرتبه حد اجرا شد، در مرتبه سوم کشته می شوند.

۶۶۳- حکم زناي مرد و زن ديوانه

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي امْرَأَةٍ مَجْنُونَةٍ زَنَتْ فَحَبِلَتْ قَالَ هِيَ مِثْلُ السَّائِبَةِ لَا تَمْلِكُ أَمْرَهَا وَ لَيْسَ عَلَيْهَا رَجْمٌ وَ لَا جَلْدٌ وَ لَا نَفْيٌ وَ قَالَ فِي امْرَأَةٍ أَقْرَبَتْ عَلَى نَفْسِهَا أَنَّهُ اسْتَكْرَهَهَا

ص: ۷۲۷

۱- . الكافي ج ۷ ص ۱۹۰ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۱۹۱ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۱۹۱ ح ۲.

رَجُلٌ عَلَى نَفْسِهَا قَالَ هِيَ مِثْلُ السَّائِبَةِ لَا تَمْلِكُ نَفْسَهَا فَلَوْ شَاءَ قَتَلَهَا فَلَيْسَ عَلَيْهَا جُلْدٌ وَلَا نَفْيٌ وَلَا رَجْمٌ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن قیس روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه درباره زن دیوانه ای که زنا نمود و آبستن شد فرمود: این زن مانند زن بی سرپرست است، او اختیار خود را ندارد. نه سنگسار می شود، نه تازیانه می خورد و نه تبعید می گردد.

آن حضرت درباره زنی که اعتراف نمود مردی او را مجبور به انجام زنا کرد فرمود: این زن مانند زن بی سرپرست است. او اختیار خود را ندارد؛ زیرا اگر آن مرد می خواست، او را می کشت. بنابراین نه بر او تازیانه می زنند نه تبعید می گردد و نه سنگسار می شود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبان بن تغلب قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: إذا زنى المَجْنُونُ أو المَعْتُوهُ جُلِدَ الحَدَّ و إن كَانَ مُحْصِيًا رَجِمَ قُلْتُ وَ مَا الفَرْقُ بَيْنَ المَجْنُونِ وَ المَعْتُوهِ وَ المَعْتُوهِ قَالَ المَرْأَةُ إِنَّمَا تُؤْتَى وَ الرَّجُلُ يَأْتِي وَ إِنَّمَا يَزْنِي إِذَا عَقَلَ كَيْفَ يَأْتِي اللِّدَّةَ وَ إِنَّ المَرْأَةَ إِنَّمَا تُسْتَكْرَهُ وَ يُفَعَّلُ بِهَا وَ هِيَ لَا تَعْقِلُ مَا يُفَعَّلُ بِهَا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابان بن تغلب روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه مرد دیوانه یا کم عقل مرتکب زنا گردد، حد تازیانه می خورد. و اگر همسردار باشد، سنگسار می شود.

عرض کردم: فرق بین مرد و زن دیوانه و کم عقل چیست؟

فرمود: همانا با زن زنا صورت می گیرد، اما مرد مرتکب زنا می گردد و مرد هنگامی که بداند چگونه به لذت شهوت رانی پردازد، مرتکب زنا می شود؛ ولی زن مجبور می شود و مورد بهره برداری قرار می گیرد و او خودش نمی داند چه کاری با او صورت می گیرد.

ص: ۷۲۸

۱- . الکافی ج ۷ ص ۱۹۱ ح ۱.

۲- . الکافی ج ۷ ص ۱۹۲ ح ۳.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي عبيدة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سألتُه عن امرأة تزوجت رجلاً و لها زوج قال فقال إن كان زوجها الأول مقيماً معها في المضير الذي هي فيه تصل إليه و يصل إليها فإن علياً الزاني المخصن الرجم قال و إن كان زوجها الأول غائباً عنها أو كان مقيماً معها في المضير لا يصل إليها و لا تصل إليه فإن علياً الزاني غير المخصن و لا لعان بينهما و لا تفريق قلت من يزوجهما أو يضربهما الحد و زوجها لا يقدمها إلى الإمام و لا يريد ذلك منها فقال إن الحد لا يزال لله في يديها حتى يقوم به من قام أو تلقى الله و هو عليها غضبان قلت فإن كانت جاهلة بما صنع قال فقال أ ليس هي في دار الهجره قلت بلى قال فما من امرأة اليوم من نساء المشركين إلا و هي تعلم أن المرأة المسلمة لا يحل لها أن تزوج زوجين قال و لو أن المرأة إذا فجرت قالت لعم أدري أو جهلت أن الذي فعلت حرام و لم يتم عليها الحد إذا لتعطلت الحدود. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو عبیده روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه درباره زن شوهرداری که با مرد دیگر ازدواج نمود پرسیدم.

فرمود: چنان چه شوهر اولش با او در همان شهری که زن اقامت داشت، ساکن بود و هر دو به هم دسترسی داشتند، حد زناکار محصن بر عهده زن می آید که سنگسار است.

فرمود: و اگر شوهر اولش غایب بود یا در همان شهر محل اقامت زن ساکن بود، اما به هم دسترسی نداشتند، حد زناکار غیر محصنه بر او لازم می شود و نه لازم است با هم لعان کنند و نه از یک دیگر جدا می شوند.

گفتم: چه کسی زن و شوهر دوم را سنگسار کند یا حد بزند در حالی که شوهر اول زن را نزد امام معصوم صلوات الله عليه نمی برد و از زن مطالبه ای ندارد؟!

فرمود: به راستی همواره حد الهی بر عهده زن خواهد بود تا زمانی که قیام کننده ای (امام معصوم) آن را اقامه کند یا این که خداوند را در حالی که بر او غضبناک است ملاقات نماید.

گفتم: اگر از کاری که کرده است ناآگاه بود چه؟

فرمود: مگر او در کشور اسلامی زندگی نمی کند؟

گفتم: آری.

فرمود: بنابراین امروزه هر زن مسلمانی می داند که برایش جایز نیست که با دو شوهر ازدواج کند.

فرمود: و اگر هنگامی که زن مرتکب زنا شد بگوید: نمی دانستم یا جاهل بودم که کاری که انجام دادم حرام است و بر او حد جاری نگردد، بنابراین حدود الهی تعطیل خواهد شد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن يزيد الكناسي قال: سألت أبا جعفر صلوات الله عليه عن امرأه تزوجت في عدها قال إن كانت تزوجت في عده طلاق لزوجها عليها الرجعة فإن عليها الرجم وإن كانت تزوجت في عده ليس لزوجها عليها الرجعة فإن عليها حد الزاني غير المخصن وإن كانت تزوجت في عده من بعد موت زوجها من قبل انقضاء الأربعة أشهر والعشرون أيام فلا رجم عليها وعليها ضرب مائة جلده قلت أ رأيت إن كان ذلك منها بجهالة قال فقال ما من امرأه اليوم من نساء المسلمين إلا وهي تعلم أن عليها عده في طلاق أو موت ولقد كن نساء الجاهلية يعرفن ذلك قلت فإن كانت تعلم أن عليها عده ولا تدري كم هي قال فقال إذا علمت أن عليها العدة لزمتهما الحجة فتسأل حتى تعلم. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یزید کناسی روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه درباره زنی که در دوران عده اش ازدواج کرده بود پرسیدم.

فرمود: اگر در عده طلاق رجعی ازدواج کرده است، باید سنگسار گردد و اگر در عده طلاق بائن ازدواج کرده است، حد زناکار بدون همسر بر او جاری می شود و اگر در عده وفات و پیش از پایان چهار ماه و ده روز، ازدواج کرده باشد، سنگسار نمی شود و صد ضربه تازیانه به او می زنند.

عرض کردم: اگر از روی ناآگاهی دست به چنین کاری زده باشد، چه حکمی دارد؟

فرمود: امروزه هر زن مسلمان می داند که در طلاق و وفات باید عده نگه دارد و زنان دوران جاهلی نیز از این حکم آگاه بودند.

عرض کردم: اگر زن بداند که باید عده نگه دارد، اما نمی داند که عده اش چند روز است، چه؟

ص: ۷۳۰

فرمود: هرگاه بداند که باید عده نگه دارد، حجت بر او تمام است. بنابراین باید از دیگران بپرسد تا بداند.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: سأته عن امرأه تزوجها رجل فوجد لها زوجاً قال عليه الجلد وعلينا الرجم لأنه قد تقدم بغير علم و تقدمت هي بعلم و كفارتها إن لم يتقدم إلى الإمام أن يتصدق بخمسه أضع دقيق. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: مردی با زنی ازدواج کرد و بعد متوجه شد که زن شوهر داشته است.

فرمود: مرد تازیانه می خورد و زن سنگسار می گردد، زیرا مرد با عدم آگاهی و زن با آگاهی اقدام به ازدواج کرده است و اگر مرد را (برای اجرای حکم) نزد امام معصوم صلوات الله علیه نبردند، کفاره اش این است که پنج صاع آرد صدقه دهد.

۶۶۵- حکم زنی که از روی اجبار و اکراه او را به زنا وادار کنند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي عبيدة عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: أتيت علي صلوات الله عليه بامرأه مع رجل قد فجر بها فقالت استكرهني و الله يا أمير المؤمنين فدرأ عنها الحد و لو سئل هؤلاء عن ذلك لقالوا لا تصدق و قد فعله أمير المؤمنين صلوات الله عليه. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو عبیده روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: مرد و زن زناکاری را به خدمت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه آوردند زن گفت: ای امیرالمؤمنین! به خدا سوگند که من با جبر و اکراه به این کار تن دادم.

حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه حد را از آن زن برداشت.

اگر همین مسئله را از فقهای جماعت مخالفین پرسند، خواهند گفت که ادعای زن قابل تصدیق نیست و باید حد الهی را بر او جاری کنند، با آن که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه حد الهی را از او ساقط کرد.

ص: ۷۳۱

۱- . الکافی ج ۷ ص ۱۹۳ ح ۳.

۲- . الکافی ج ۷ ص ۱۹۶ ح ۱.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن حماد بن عثمان قال: قلت لأبي عبد الله صلوات الله عليه رجل أتى رجلاً قال إن كان مُحصناً فعليه القتل وإن لم يكن مُحصناً فعليه الجلد قال فقلت فما على الموطأ قال عليه القتل على كل حال مُحصناً كان أو غير مُحصن. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از حماد بن عثمان روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه گفتم: مردی با مردی نزدیکی نمود. (چه حکمی دارد؟)

فرمود: اگر همسر دار است باید کشته شود و اگر همسر دار نباشد باید تازیانه بخورد.

گفتم: لواط دهنده چه حکمی دارد؟

فرمود: در هر حال چه همسر دار باشد و چه غیر همسر دار باید کشته بشود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بكر الحضرمي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: أتى أمير المؤمنين صلوات الله عليه برجل وامرأه قد لاط زوجها بائناً من غيره وثقبه وشهد عليه بذلك الشهود فأمر به أمير المؤمنين صلوات الله عليه فضرب بالسيف حتى قتل وضرب الغلام دون الحد وقال أما لو كنت مدركاً لقتلتك لإمكانك إيائه من نفسك بثقبك. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو بکر حضرمی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: مرد و زنی را خدمت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله عليه آوردند که شوهر زن با پسر زن که از شوهر دیگری بود لواط نموده بود و شهود به آن گواهی داده بودند. پس حضرت دستور فرمود که او را با شمشیر بزنند تا بمیرد. اما پسر را مقداری کمتر از حد تازیانه زد و فرمود: اگر بالغ بودی تو را به جهت این که اجازه داده بودی که این مرد با تو لواط کند می کشتم.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال سمعته يقول: إن في كتاب علي صلوات الله عليه إذا أخذ الرجل مع غلام في لحاف مجردين ضرب الرجل وأدب الغلام وإن كان ثقب و كان مُحصناً رجم. (۳)

ص: ۷۳۲

۱- الكافي ج ۷ ص ۱۹۸ ح ۲.

۲- الكافي ج ۷ ص ۱۹۹ ح ۴.

۳- الكافي ج ۷ ص ۲۰۰ ح ۱۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: در کتاب علی صلوات الله علیه چنین آمده است: هر گاه مردی را با پسری در زیر لحافی دستگیر کنند و هر دو عریان باشند، مرد را تازیانه می زند و پسر را تأدیب می کنند و اگر مرد همسردار دخول کرده باشد سنگسار می گردد.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: السَّخَّاقَةُ تُجَلَّدُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: زن سحقی کننده، تازیانه می خورد.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَيْسَ لِامْرَأَتَيْنِ أَنْ تَبَيَّنَا فِي لِحَافٍ وَاحِدٍ إِلَّا أَنْ يَكُونَ بَيْنَهُمَا حَاجِزٌ فَإِنْ فَعَلْنَا نَهَيْتَا عَنْ ذَلِكَ فَإِنْ وَجِدْنَا مَعَ النَّهْيِ جُلْدًا فَإِنْ وَجِدْنَا مِنْهُمَا حَدًّا فَإِنْ وَجِدْنَا أَيْضًا فِي لِحَافٍ جُلْدًا فَإِنْ وَجِدْنَا الثَّلَاثَةَ قَتَلْنَا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو خدیجه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: دو زن حق ندارند در زیر یک لحاف شب را به سر ببرند، مگر این که مانعی بین آن ها باشد. پس اگر چنین کنند، باید آن ها را از این کار باز دارند. پس اگر با وجود نهی، در زیر یک لحاف دیده شدند هر کدام به مقدار حد، تازیانه می خورند. پس اگر باز هم در زیر یک لحاف دیده شدند، تازیانه می خورند. پس اگر برای سومین مرتبه دیده شدند، کشته می شوند.

۶۶۷- حد کسی که با حیوانات نزدیکی می کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَيدِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي الرَّجُلِ يَأْتِي الْبَهِيمَةَ قَالَ يَحِدُّ دُونَ الْحِدِّ وَيُعْرَمُ قِيمَةَ الْبَهِيمَةِ لِصَاحِبِهَا لِأَنَّهُ أَفْسَدَهَا عَلَيْهِ وَتُدْبِحُ وَتُحْرَقُ وَتُدْفَنُ إِنْ كَانَتْ مِمَّا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ وَإِنْ كَانَتْ مِمَّا يُرْكَبُ ظَهْرُهُ أُعْرِمَ قِيمَتَهَا وَجُلْدُ دُونَ الْحِدِّ وَ

ص: ۷۳۳

۱- . الكافي ج ۷ ص ۲۰۲ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۲۰۲ ح ۴.

أَخْرَجَهَا مِنَ الْمَدِينَةِ الَّتِي فَعَلَ بِهَا فِيهَا إِلَى بِلَادٍ أُخْرَى حَيْثُ لَا تُعْرَفُ فَبَيْعُهَا فِيهَا كَيْلًا يُعَيَّرُ بِهَا.

و فی روایه آخری قَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: وَ ضَرَبَ هُوَ خَمْسَةً وَ عَشْرِينَ سَوْطًا رُبْعَ حَدِّ الزَّانِي. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سدیر روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه درباره مردی که با حیوانی نزدیکی می کند فرمود: حدی کمتر از حد کامل بر او جاری می شود و اگر حیوان حلال گوشت باشد قیمت آن را به صاحبش بدهکار می شود؛ زیرا حیوانش را تباه کرده است و حیوان را ذبح می کنند و می سوزانند و دفنش می نمایند و اگر حیوان سواری باشد قیمت آن را بدهکار می شود و حدی کمتر از حد کامل می خورد و صاحب حیوان آن را از شهری که مورد تجاوز قرار گرفته است به شهرهای دیگر می برد، به گونه ای که حیوان شناسایی نشود و آن حیوان را در آن شهر را می فروشد تا بر صاحب حیوان به خاطر حیوان عیب و عار نگیرند.

و در روایت دیگری حضرت صلوات الله علیه فرمود: و گناه کار بیست و پنج ضربه تازیانه می خورد که یک چهارم حد زناکار است.

۶۶۸- حد تهمت و بهتان

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّ الْفَرْيَةَ ثَلَاثَةٌ يَغْنَى ثَلَاثَ وَجُوهِ إِذْ رَمَى الرَّجُلُ الرَّجُلَ بِالزَّانِي وَ إِذَا قَالَ إِنَّ أُمَّهُ زَانِيَةٌ وَ إِذَا دُعِيَ لِغَيْرِ أَبِيهِ فَذَلِكَ فِيهِ حَدٌّ ثَمَانُونَ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: در قضاوت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه سه نوع تهمت حد الهی را ایجاب می کند: (اول) در صورتی که رویاروی کسی را به زنا متهم کنند، (دوم) مادر کسی را در غیاب متهم به زنا کند و به فرزندش بگویند: مادرش زناکار است، (سوم) فرزند کسی را به دیگران نسبت بدهند که در این صورت حد جاری می شود هشتاد ضربه تازیانه.

ص: ۷۳۴

۱- . الكافي ج ۷ ص ۲۰۴ ح ۱-۳.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۲۰۵ ح ۱.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ افْتَرَى عَلَى قَوْمٍ جَمَاعَةً قَالَ: إِنْ أَتَوْا بِهِ مُجْتَمِعِينَ ضَرْبَ حَدٍّ وَاحِدًا وَإِنْ أَتَوْا بِهِ مُتَفَرِّقِينَ ضُرِبَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ حَدًّا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جمیل بن دراج روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: اگر انسان جماعتی را دسته جمعی متهم کند (چه حکمی دارد؟)

فرمود: اگر دسته جمعی به شکایت بیایند، فقط یک حد در حضور آنان بر او جاری می شود و اگر تک تک به شکایت بیایند، با شکایت هر نفر یک حد تازیانه خواهد خورد.

۶۷۰- حکم مردی که به زن و فرزندش نهمت زنا می زند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذَا قَدَفَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ ثُمَّ أَكْذَبَ نَفْسَهُ جُلْدَ الْحَدِّ وَكَانَتْ امْرَأَتُهُ وَإِنْ لَمْ يُكْذِبْ عَلَى نَفْسِهِ تَلَاعَنًا وَ يُفَرِّقُ بَيْنَهُمَا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه مردی به همسرش نهمت زنا بزند، سپس خود را تکذیب کند، حد تازیانه ای می خورد و زن، همسرش خواهد بود و اگر خود را تکذیب نکند، با یکدیگر ملاعنه می کنند و بین آن ها جدایی می اندازند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ رَجُلٍ قَدَفَ ابْنَهُ بِالزَّانِي قَالَ لَوْ قَتَلَهُ مَا قُتِلَ بِهِ وَإِنْ قَدَفَهُ لَمْ يُجْلَدْ لَهُ قُلْتُ فَإِنْ قَدَفَ أَبُوهُ أُمَّهُ فَقَالَ إِنْ قَدَفَهَا وَانْتَفَى مِنْ وَلَدِهَا تَلَاعَنًا وَ لَمْ يُلْزَمْ ذَلِكَ الْوَلَدَ الَّذِي انْتَفَى مِنْهُ وَ فُرِّقَ بَيْنَهُمَا وَ لَمْ تَحِلَّ لَهُ أَيْدَاءُ قَالَ وَ إِنْ كَانَ قَالَ لِابْنِهِ وَ أُمُّهُ حَيْهَ يَا ابْنَ الزَّانِيهِ وَ لَمْ يَنْتَفِ مِنْ وَلَدِهَا جُلْدَ الْحَدِّ لَهَا وَ لَمْ يُفَرِّقْ بَيْنَهُمَا قَالَ وَ إِنْ كَانَ قَالَ لِابْنِهِ يَا ابْنَ الزَّانِيهِ وَ أُمُّهُ مَيْتَةٌ وَ لَمْ يَكُنْ لَهَا مَنْ يَأْخُذُ بِحَقِّهَا مِنْهُ إِلَّا وَلَدُهَا مِنْهُ فَإِنَّهُ لَا يُقَامُ عَلَيْهِ الْحَدُّ لِأَنَّ حَقَّ الْحَدِّ قَدْ صَارَ لَوْلَدِهِ مِنْهَا وَإِنْ كَانَ

ص: ۷۳۵

۱- . الكافي ج ۷ ص ۲۰۹ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۲۱۱ ح ۴.

لَهَا وَلَدٌ مِنْ غَيْرِهِ فَهُوَ وَلِيُّهَا يُجَلَدُ لَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ مِنْ غَيْرِهِ وَكَانَ لَهَا قَرَابَةٌ يَقُومُونَ بِأَخْذِ الْحَدِّ جَلَدَ لَهُمْ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه پرسیدم: مردی به فرزند خود تهمت می زند (چه حکمی دارد؟)

فرمود: اگر پدر فرزند خود را بکشد، قصاص نخواهد شد و اگر تهمت بزندان تازیانه نخواهد خورد.

عرض کردم: اگر پدر فرزند خود را زنازاده بخواند چه صورت دارد؟

فرمود: اگر کسی همسر خود را زناکار بخواند و فرزند او را فرزند خود نداند، باید با همسر خود مراسم لعنت را اجرا کند؛ با اجرای این مراسم لعنت ثابت نمی شود که فرزند او زنازاده باشد، اما میان پدر و مادر او متارکه و جدایی برقرار می شود و دیگر برای هم حلال نخواهند بود.

فرمود: و اگر پدر به فرزندش بگوید: «فرزند زن بدکاره!» و مادر آن پسر زنده باشد و مراسم لعنت انجام نگرفته باشد، پدر باید به جهت تهمت به مادر آن پسر هشتاد تازیانه بخورد و با این تهمت و اجرای حد، شوهر و همسر نسبت به هم حلال خواهند بود.

و اگر پدر به فرزندش بگوید: «ای پسر زن بدکاره» و مادرش مرده باشد و جز همین فرزند وارث دیگری نباشد که حق آن زن را مطالبه کند، پدر تازیانه نخواهد خورد؛ چرا که حق مطالبه به فرزند می رسد و فرزند نمی تواند علیه پدر شکایت کند. اما اگر آن زن فرزند دیگری داشته باشد که از نسل این پدر نباشد، آن پسر می تواند شکایت کند و حق مادرش را مطالبه نماید و هشتاد تازیانه بر ناپدریش بنوازد؛ و یا اگر آن زن خویشان دیگری داشته باشد که حق ارث و شکایت داشته باشند، می توانند حق آن زن را مطالبه کنند و بر شوهرش اجرای حد نمایند.

۶۷۱- چگونه اجرای حد تهمت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن إسحاق بن عمار عن أبي الحسن صلوات الله عليه قال: الْمُفْتَرِي يُضْرَبُ بَيْنَ الضَّرْبَيْنِ يُضْرَبُ جَسَدُهُ كُلُّهُ فَوْقَ ثِيَابِهِ. (۲)

ص: ۷۳۶

۱- . الكافي ج ۷ ص ۲۱۲ ح ۱۳.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۲۱۳ ح ۴.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمود: مرد تهمت زننده را ضربه ای بین ضربه سخت و نرم می زنند و همه ضربه ها از روی لباس هایش بر تمام بدنش زده می شود.

۶۷۲- حد شرابخوار و هر ماده مست کننده

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن إسحاق بن عمار قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن رجل شرب حُسوة خمر قال يُجلدُ ثمانين جلدَةً قَلِيلَهَا وَ كَثِيرُهَا حَرَامٌ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره مردی که جرعه ای شراب نوشیده است پرسیدم.

فرمود: هشتاد ضربه می خورد؛ اندک و فراوان شراب حرام است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: كَانَ عَلَيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَجْلِدُ الْخُرَّ وَالْعَبْدَ وَالْيَهُودِيَّ وَالنَّضْرَانِيَّ فِي الْخَمْرِ ثَمَانِينَ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: علی صلوات الله علیه آزاد، برده، یهودی و مسیحی را در خصوص آشامیدن شراب هشتاد ضربه می زد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: كُلُّ مُسْكِرٍ مِنَ الْأَشْرِبَةِ يَجِبُ فِيهِ كَمَا يَجِبُ فِي الْخَمْرِ مِنَ الْحَدِّ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو صباح کنانی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: برای هر آشامیدنی مست کننده ای همان حدی واجب می شود که در خصوص شراب واجب می گردد.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير قال قال (المعصوم صلوات الله عليه): حَدُّ الْيَهُودِيِّ وَالنَّضْرَانِيِّ وَالْمَمْلُوكِ فِي الْخَمْرِ وَالْفِرْزِيِّ سَوَاءٌ وَإِنَّمَا صُولِحَ أَهْلُ الدَّمِّ أَنْ

ص: ۷۳۷

۱- الكافي ج ۷ ص ۲۱۴ ح ۱.

۲- الكافي ج ۷ ص ۲۱۶ ح ۱۲.

۳- الكافي ج ۷ ص ۲۱۶ ح ۱۳.

يَشْرَبُوهَا فِي بُيُوتِهِمْ قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ السَّكَرَانِ وَالزَّانِي قَالَ يُجْلَدَانِ بِالسِّيَاطِ مُجَرَّدَيْنِ بَيْنَ الْكَتِفَيْنِ فَأَمَّا الْحَدُّ فِي الْقَذْفِ فَيُجْلَدُ عَلَى ثِيَابِهِ ضَرْبًا بَيْنَ الضَّرْبَيْنِ. (١)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام معصوم صلوات الله علیه فرمود: حد یهودی، مسیحی و برده در خصوص شراب و تهمت زدن یکسان است و همانا با اهل ذمه مصالحه شده است که شراب را در خانه هایشان بنوشند.

ابو بصیر گوید: هم چنین از آن حضرت درباره حد مرد مست و زناکار پرسیدم.

فرمود: در حالی که عریان هستند با تازیانه به بین کتف های شان می نوازند، اما حد تهمت زننده را از روی لباس های شخصی او می زنند؛ ضربه ای بین ضربه شدید و ضربه آرام.

۶۷۳- زمان اجرای حد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي داود المُسْتَرِقِّ قَالَ حَدَّثَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ: مَرَزْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي يَوْمٍ بَارِدٍ وَإِذَا رَجُلٌ يُضْرَبُ بِالسُّوطِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي مِثْلِ هَذَا الْوَقْتِ يُضْرَبُ قُلْتُ لَهُ وَاللَّضْرِبِ حَدٌّ قَالَ نَعَمْ إِذَا كَانَ فِي الْبَرْدِ ضَرْبٌ فِي حَرِّ النَّهَارِ وَإِذَا كَانَ فِي الْحَرِّ ضَرْبٌ فِي بَرْدِ النَّهَارِ. (٢)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو داوود مسترق روایت کرده که گفت: یکی از یاران ما برای من گفت: در روزی سرد همراه حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مدینه عبور می کردیم. ناگاه مردی را تازیانه می زدند. حضرت فرمود: سبحان الله! در چنین وقتی او را تازیانه می زنند؟

عرض کردم: آیا تازیانه زدن وقت معینی دارد؟

فرمود: آری؛ هنگامی که فصل سرما باشد، در گرمای روز تازیانه می زنند و هنگامی که فصل گرما باشد، در خنکی روز تازیانه می زنند.

ص: ۷۳۸

۱- . الکافی ج ۷ ص ۲۱۶ ح ۱۴.

۲- . الکافی ج ۷ ص ۲۱۷ ح ۱.

۶۷۴- شرابخوار در سومین بار کشته می شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن جميل بن دراج عن أبي عبد الله صلوات الله عليه أنه قال: في شارب الخمر إذا شرب ضرب فإن عاد ضرب فإن عاد قتل في الثالث قال جميل وروى بعض أصحابنا أنه يقتل في الرابع قال ابن أبي عمير كان المعنى أن يقتل في الثالث و من كان إنما يؤتى به يقتل في الرابع. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جمیل بن دراج روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره شراب خوار فرمود: هرگاه شراب بنوشد تازیانه بخورد. اگر تکرار کرد، تازیانه می خورد. پس اگر باز هم تکرار کرد، در سومین مرتبه کشته می شود.

جمیل گوید: و بعضی از اصحاب ما روایت نموده اند که در چهارمین مرتبه کشته می شود.

ابن ابی عمیر گوید: معنای آن چنین است که در سومین مرتبه کشته می شود و هرکس که در چهارمین مرتبه او را بیاورند، کشته می شود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن يونس عن أبي الحسن الماضي صلوات الله عليه قال: أصحاب الكبائر كلها إذا أقيم عليهم الحدود مرتين قتلوا في الثالث. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یونس روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمود: مرتکبان تمامی انواع گناه کبیره، هرگاه دوبار بر آن ها حد جاری شد، در سومین مرتبه کشته می شوند.

۶۷۵- میزان مال مسروقه در اجرای حد سرق

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد بن مسلم قال: قلت لأبي عبد الله صلوات الله عليه في كم يقطع السارق فقال في ربع دينار قال قلت له في درهمين فقال في ربع دينار بلغ الدينار ما بلغ قال فقلت له أ رأيت من سرق أقل من ربع دينار هل يقع عليه حين سرق اسم السارق و هل هو عند الله سارق في تلك الحال فقال كل من سرق من مسلم شيئاً قد حواه و

ص: ۷۳۹

۱- . الكافي ج ۷ ص ۲۱۸ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۲۱۹ ح ۶.

أَحْرَزَهُ فَهُوَ يَقَعُ عَلَيْهِ إِسْمُ السَّارِقِ وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ سَارِقٌ وَ لَكِنْ لَا يُقَطَّعُ إِلَّا فِي رُبْعِ دِينَارٍ أَوْ أَكْثَرَ وَ لَوْ قُطِعَتْ أَيْدِي السَّارِقِ فِيمَا هُوَ أَقْلُ مِنْ رُبْعِ دِينَارٍ لَأَلْفَيْتَ عَامَّةَ النَّاسِ مُقَطَّعِينَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: در چه میزان مال مسروقه دست سارق بریده خواهد شد؟

فرمود: با یک چهارم دینار طلا.

عرض کردم: یعنی با دو درهم نقره؟

فرمود: قیمت دینار به هر مبلغی برسد، اندازه حد همان یک چهارم دینار است.

عرض کردم: اگر کسی کم تر از یک چهارم دینار دزدیده باشد، از نظر خداوند عنوان دزد بر او صدق می کند یا نه؟

فرمود: هر کس مال مسلمانی را بدزدد که صاحبش آن مال را در اختیار داشته و نمانده باشد، به نام دزد خوانده می شود و از نظر خداوند نیز سارق شناخته می شود؛ ولی بریدن دست دزد بستگی دارد به این که مال مسروقه یک چهارم دینار و یا بیشتر قیمت داشته باشد؛ اگر قرار می شد که دست هر دزدی بریده شود، بیشتر مردم بی دست و پا بودند.

۶۷۶- چگونه اجرای حد سرق

۱- الشیخ الكلینی، بإسناده عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ قَالَ (المعصوم صلوات الله عليه): إِذَا أُخِذَ السَّارِقُ قُطِعَتْ يَدُهُ مِنْ وَسِيطِ الْكَفِّ فَإِنْ عَادَ قُطِعَتْ رِجْلُهُ مِنْ وَسِيطِ الْقَدَمِ فَإِنْ عَادَ أُسْتُودِعَ السَّجْنَ فَإِنْ سَرَقَ فِي السَّجَنِ قُتِلَ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه بن مهران روایت کرده که گفت: حضرت امام صلوات الله علیه فرمود: اگر دزد را دستگیر کنند، کف دست (چهار انگشت دست راست) او را قطع می کنند؛ و اگر مجدداً به جرم سرقت دستگیر شود، پای چپ او از وسط قدم قطع می شود. اگر باز هم دستگیر شود، برای همیشه به زندان می افتد و اگر در زندان نیز دزدی کند، کشته می شود.

ص: ۷۴۰

۱- الكافي ج ۷ ص ۲۲۱ ح ۶.

۲- الكافي ج ۷ ص ۲۲۳ ح ۸.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آلِهِ وَسَلَّمَ عَنْ رَجُلٍ سَرَقَ سَرِقَةً فَكَابَرَ عَنْهَا فَضُرِبَ فَجَاءَ بِهَا بِعَيْنِهَا هَلْ يَجِبُ عَلَيْهِ الْقَطْعُ قَالَ نَعَمْ وَ لَكِنْ لَوْ اعْتَرَفَ وَ لَمْ يَجِئْ بِالسَّرِقَةِ لَمْ تُقَطَّعْ يَدُهُ لِأَنَّهُ اعْتَرَفَ عَلَى الْعَذَابِ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سلیمان بن خالد روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: اگر کسی سرقت کند، ولی منکر شود، هنگامی که او را مضروب سازند مال دزدی را آشکار کند و تحویل بدهد، آیا باید دست او را ببرند؟

فرمود: آری. اما اگر اعتراف کند و مال دزدی را آشکار نکند، نباید دست او را ببرند؛ چرا که اعتراف دزد بر اثر شکنجه صورت گرفته است.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن السُّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي السَّارِقِ إِذَا أَخَذَ وَقَدْ أَخَذَ الْمَتَاعَ وَ هُوَ فِي الْبَيْتِ لَمْ يَخْرُجْ بَعْدُ فَقَالَ لَيْسَ عَلَيْهِ الْقَطْعُ حَتَّى يَخْرُجَ بِهِ مِنَ الدَّارِ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه درباره دزدی که با وسایل و اثاث دزدیده شده در خانه دستگیر شود که پس از برداشتن اثاث، بیرون نرفته است، فرمود: واجب نیست دست او قطع شود تا این که همراه اثاث از خانه خارج گردد.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن بُكَيْرِ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي رَجُلٍ سَرَقَ فَلَمْ يُقَدَّرْ عَلَيْهِ ثُمَّ سَرَقَ مَرَّةً أُخْرَى فَلَمْ يُقَدَّرْ عَلَيْهِ وَ سَرَقَ مَرَّةً أُخْرَى فَأَخَذَ فَجَاءَتْ الْبَيِّنَةُ فَشَهِدُوا عَلَيْهِ بِالسَّرِقَةِ الْأُولَى وَ السَّرِقَةِ الْأَخِيرَةِ فَقَالَ تُقَطَّعُ يَدُهُ بِالسَّرِقَةِ الْأُولَى وَ لَا تُقَطَّعُ رِجْلُهُ بِالسَّرِقَةِ الْأَخِيرَةِ فَقِيلَ كَيْفَ ذَاكَ فَقَالَ لِأَنَّ الشُّهُودَ شَهِدُوا جَمِيعاً فِي مَقَامِ وَاحِدٍ بِالسَّرِقَةِ الْأُولَى وَ الْأَخِيرَةِ قَبْلَ أَنْ يُقَطَّعَ بِالسَّرِقَةِ الْأُولَى وَ لَوْ أَنَّ الشُّهُودَ شَهِدُوا عَلَيْهِ بِالسَّرِقَةِ الْأُولَى ثُمَّ أَمْسَكُوا حَتَّى يُقَطَّعَ ثُمَّ شَهِدُوا عَلَيْهِ بِالسَّرِقَةِ الْأَخِيرَةِ قُطِعَتْ رِجْلُهُ الْيُسْرَى. (۳)

ص: ۷۴۱

۱- . الكافي ج ۷ ص ۲۲۳ ح ۹.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۲۲۴ ح ۱۱.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۲۲۴ ح ۱۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از بکیر بن اعین روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه درباره مردی که سرقت کند، ولی او را به چنگ نیاورند، نوبت دوم سرقت کند و بازهم از چنگ مردم بگریزد و نوبت سوم که سرقت کند او را به چنگ آورند و دو گواه عادل گواهی بدهند که در نوبت اول و نوبت آخر دیده اند که این مرد سرقت کرده است، فرمود: فقط دست راست او را باید ببرند، نمی توانند پای چپ او را به جرم سرقت دوم ببرند.

پرسیدند: چرا نمی توانند پای او را ببرند؟

فرمود: زیرا گواهان، پیش از بریدن دست سارق، در یک جلسه و یک جایگاه به هر دو سرقت گواهی داده اند؛ اگر این دو شاهد تنها به سرقت اول گواهی بدهند و از سرقت بعدی دم فرو بندند تا دست سارق را ببرند، سپس در جایگاه شهادت قرار بگیرند و از نو گواهی بدهند که یک نوبت دیگر او را در حین ارتکاب سرقت دیده اند، باید پای چپ او را نیز ببرند.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَخْبِرْنِي عَنِ السَّارِقِ لِمَ تُقَطَّعُ يَدُهُ الْيُمْنَى وَرِجْلُهُ الْيُسْرَى وَلَا تُقَطَّعُ يَدُهُ الْيُمْنَى وَرِجْلُهُ الْيُمْنَى فَقَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مَا أَحْسَنَ مَا سَأَلْتَ إِذَا قُطِعَتْ يَدُهُ الْيُمْنَى وَرِجْلُهُ الْيُمْنَى سَقَطَ عَلَى جَانِبِهِ الْأَيْسَرِ وَلَمْ يَقْمِدْ عَلَى الْقِيَامِ فَإِذَا قُطِعَتْ يَدُهُ الْيُمْنَى وَرِجْلُهُ الْيُسْرَى اعْتَدَلَ وَاسْتَوَى فَإِنَّمَا قُلْتُ لَهُ جَعَلْتُ فِدَاكَ وَكَيْفَ يَقُومُ وَقَدْ قُطِعَتْ رِجْلُهُ قَالَ إِنَّ الْقَطْعَ لَيْسَ مِنْ حَيْثُ رَأَيْتَ يُقَطَّعُ إِنَّمَا يُقَطَّعُ الرَّجُلُ مِنَ الْكَعْبِ وَتُتْرَكُ مِنْ قَدَمِهِ مَا يَقُومُ عَلَيْهِ يَصِيْلِي وَيَعْبُدُ اللَّهُ قُلْتُ لَهُ مِنْ أَيْنَ تُقَطَّعُ الْيَدُ قَالَ تُقَطَّعُ الْأَرْبَعُ أَصَابِعَ وَتُتْرَكُ الْأَبْهَامُ يَعْتَمِدُ عَلَيْهَا فِي الصَّلَاةِ وَيَغْسِلُ بِهَا وَجْهَهُ لِلصَّلَاةِ قُلْتُ فَهَذَا الْقَطْعُ مِنْ أَوَّلِ مَنْ قَطَعَ قَالَ قَدْ كَانَ عُمَانُ بْنُ عَفَّانَ حَسَنَ ذَلِكَ لِمَعَاوِيَةَ.

(۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن عبد الله بن هلال روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: به من بفرمایید چرا دست راست و پای چپ دزد قطع می شود؛ اما دست راست و پای راستش قطع نمی شود؟

ص: ۷۴۲

فرمود: چه پرسش خوبی پرسیدی! هرگاه دست راست و پای راست دزد قطع شود، بر سمت چپ بدن خود سقوط می کند و توانایی ایستادن را ندارد. پس هنگامی که دست راست و پای چپش قطع شود بدنش اعتدال خواهد داشت و می تواند صاف بایستد.

گفتم: قربانت گردم! چگونه می تواند بایستد در حالی که پایش قطع شده است!؟

فرمود: به راستی که قطع کردن واقعی از آن جایی که تو دیدی قطع می شود؛ قطع نمی گردد. همانا پا از کعب پا (قوزک) یا استخوان برآمده جلوی پا) قطع می شود و مقداری از پایش را به اندازه ای که روی آن بایستد و نماز بخواند و عبادت الهی را به جای آورد و می گذارند.

گفتم: دست از چه جایی قطع می شود؟

فرمود: چهار انگشت را قطع می کنند و انگشت ابهام را و می گذارند تا در نماز به آن تکیه کند و برای نماز با آن صورت خود را بشوید.

گفتم: پس چه کسی اولین بار این گونه کرد؟

فرمود: عثمان بن عفان این گونه قطع کردن را برای معاویه نیکو دانسته بود.

۶۷۷- حکم حد کیسه بر و رباینده

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير عن أحدِهِمَا صلوات الله عليهما قال سمعته يقول قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه: لا أقطع في الدغاره المغلنه وهى الخلسه و لكن أعزرة. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیهما شنیدم که می فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: اگر کسی به آشکار چنگ بزند و چیزی برآید، من دست او را نمی برم، بلکه او را تأدیب و تعزیر می کنم.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مسیح عن أبي سيار عن أبي عبد الله صلوات الله عليه: أن أمير المؤمنين صلوات الله عليه أتى بطرارٍ قد طر من رجلٍ من رذنه دراهم قال إن كان طر من قميصه الأعلى لم نقطعهُ وإن كان طر من قميصه الأسفل قطعناه. (۲)

ص: ۷۴۳

۱- . الكافي ج ۷ ص ۲۲۵ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۲۲۶ ح ۸.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از مسمع ابو سیار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: جیب بری را نزد حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه آوردند که از درز آستین مردی تعدادی درهم ربوده بود.

حضرت فرمود: اگر از پیراهن بالایی ربوده باشد، دستش را قطع نمی کنیم و اگر از پیراهن زیرین ربوده باشد، دستش را قطع می کنیم.

۶۷۸- دزدی کارگر و مهمان

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سليمان بن خالد قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن الرجل يشتاجر أجيراً فيسرق من بيته هل تُقطع يده قال هذا مؤتمن ليس بسارق هذا خائن. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سلیمان بن خالد روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: اگر انسان کسی را استخدام کند تا در خانه او خدمتی انجام دهد و مستخدم از وسائل خانه چیزی به سرقت ببرد، آیا دست او را قطع می کنند؟

فرمود: اجیر و مستخدمی که وارد منزل می شود به عنوان امین وارد می شود و اگر چیزی بردارد و نهان کند دزد نخواهد بود، بلکه خیانت کار به شمار می آید.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد بن قيس عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: الضيف إذا سرق لم يقطع وإن أضاف الضيف ضيفاً فسرق قطع ضيف الضيف. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن قیس روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: هرگاه مهمان دزدی کند دستش قطع نمی شود و اگر مهمان، مهمانی دیگر را دعوت کند و مهمان مهمان دزدی کند دست مهمان مهمان قطع می گردد.

ص: ۷۴۴

۱- . الكافي ج ۷ ص ۲۲۷ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۲۲۸ ح ۴.

۶۷۹- مواردی که دست دزد قطع نمی شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: قَضَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيمَنْ سَرَقَ الثَّمَارَ فِي كُفْمِهِ فَمَا أَكَلَ مِنْهُ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ مَا حَمَلَ فَيُعَزَّرُ وَ يُعَزَّمُ قِيمَتَهُ مَرَّتَيْنِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله در دو مورد درباره کسی که میوه ها را در آستینش پنهان نموده و دزدیده بود داوری فرمود که آن مقدار میوه ای که خورده است حکمی ندارد؛ اما به خاطر آن مقدار میوه که با خود برده است تعزیر می گردد و قیمت آن را باید پردازد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه: كُلُّ مَدْخَلٍ يُدْخَلُ فِيهِ بِغَيْرِ إِذْنٍ صَاحِبِهِ فَسَرَقَ مِنْهُ السَّارِقُ فَلَا قَطْعَ عَلَيْهِ يَغْنَى الْحَمَامَاتِ وَالْحَانَاتِ وَالْأَرْحِيَةِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: هر مکانی که مردم بدون اجازه گرفتن از صاحبش وارد آن گردند؛ یعنی گرمابه ها، کاروان سراها و آسیاب ها (اگر) سارق به آن مکان دست برد بزنند، دستش قطع نمی شود.

۶۸۰- در سال قحطی دست دزد قطع نمی شود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن زياد القندي عن مَنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَا يُقَطَّعُ السَّارِقُ فِي سَنَةِ الْمَحَلِّ فِي كُلِّ شَيْءٍ يُؤْكَلُ مِثْلَ الْحَبِّزِ وَاللَّحْمِ وَ أَشْبَاهِ ذَلِكَ. (۳)

ص: ۷۴۵

۱- . الكافي ج ۷ ص ۲۳۰ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۲۳۱ ح ۵.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۲۳۱ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زیاد قندی از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: در سال قحطی و گرسنگی، دست سارق درباره سرقت انواع مواد غذایی مانند نان و گوشت و امثال آن، قطع نمی گردد.

۶۸۱- حد کودکانی که مرتکب سرقت می شوند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الصَّبِيِّ يَسْرِقُ قَالَ يُعْفَى عَنْهُ مَرَّةً وَ مَرَّتَيْنِ وَ يُعَزَّرُ فِي الثَّلَاثَةِ فَإِنْ عَادَ قُطِعَتْ أَطْرَافُ أَصَابِعِهِ فَإِنْ عَادَ قُطِعَ أَسْفَلُ مِنْ ذَلِكَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره کودکی که مرتکب دزدی می شود پرسیدم.

فرمود: دفعه اول و دوم از او چشم پوشی می شود و در سومین بار، تعزیرش می کنند. پس اگر دوباره دست به سرقت زد، سر انگشت های او را می برند. اگر بازهم دزدی نمود، پایین تر از سر انگشت هایش را قطع می کنند.

۶۸۲- مجازات فتنه انگیزان مسلح

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ سَوْرَةَ بْنِ كَلَيْبٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ رَجُلٌ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ يُرِيدُ الْمَسْجِدَ أَوْ يُرِيدُ الْحَاجَةَ فَيَلْقَاهُ رَجُلٌ أَوْ يَسْتَتَفِيهِ فَيَضْرِبُهُ وَيَأْخُذُ ثَوْبَهُ قَالَ أَى شَيْءٍ يَقُولُ فِيهِ مِنْ قِبَلِكُمْ قُلْتُ يَقُولُونَ هَذِهِ دَعَارَةٌ مُعَلَّنَةٌ وَإِنَّمَا الْمَخَارِبُ فِي قُرَى مُشْرِكِيهِ فَقَالَ أَيُّهُمَا أَعْظَمُ حُرْمَةً دَارُ الْإِسْلَامِ أَوْ دَارُ الشُّرُكِ قَالَ فَقُلْتُ دَارُ الْإِسْلَامِ فَقَالَ هَؤُلَاءِ مِنْ أَهْلِ هَيْدِهِ الْآيَةِ «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» إِلَى آخِرِ الْآيَةِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سوره بن کلیب روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: انسان با نیت رفتن به مسجد یا کار دیگری از خانه خود خارج می شود، ناگاه یکی از

ص: ۷۴۶

۱- الكافي ج ۷ ص ۲۳۲ ح ۱.

۲- الكافي ج ۷ ص ۲۴۵ ح ۲.

روبه رو یا پشت سر حمله می کند و با زور و کتک، لباس او را می رباید و می رود. (به این گونه افراد چه حکمی وجود دارد؟)

فرمود: افرادی که نزد شما هستند در این باره چه می گویند؟

گفتم: آنان می گویند: این دست برد، در حکم اختلاس آشکار است؛ و همانا محارب، کسی است که در آبادی های مشرک نشین به آشوب و فتنه انگیزی می پردازد.

فرمود: سرزمین مشرک نشین حرمت بیشتری دارد یا سرزمین اسلام؟

گفتم: سرزمین اسلام.

فرمود: این افراد، از مصادیق این آیه اند: {آنان که با خدا و رسولش به جنگ و ستیز برخیزند و در زمین، فتنه برمی انگیزانند - تا آخر آیه}. (سوره مائده آیه ۳۳)

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبيد الله بن إسحاق المدائني عن أبي الحسن الرضا صلوات الله عليه قال: سئل عن قول الله عزَّ وَّ حِلَّ: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا» الْآيَةَ فَمَا الَّذِي إِذَا فَعَلَهُ اسْتَوْجِبَ وَاحِدَةً مِنْ هَذِهِ الْأَرْبَعِ فَقَالَ إِذَا حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَسَعَى فِي الْأَرْضِ فَسَادًا فَقُتِلَ بِهِ وَإِنْ قُتِلَ وَأَخَذَ الْمَالَ قُتِلَ وَصِيدَبَ وَإِنْ أَخَذَ الْمَالَ وَلَمْ يَقْتُلْ قُطِعَتْ يَدُهُ وَرِجْلُهُ مِنْ خِلَافٍ وَإِنْ شَهَرَ السَّيْفَ فَحَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَسَعَى فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَلَمْ يَقْتُلْ وَلَمْ يَأْخُذِ الْمَالَ يُنْفَى مِنَ الْأَرْضِ قُلْتُ كَيْفَ يُنْفَى وَ مَا حَدُّ نَفْيِهِ قَالَ يُنْفَى مِنَ الْمِصْرِ الَّذِي فَعَلَ فِيهِ مَا فَعَلَ إِلَى مِصْرٍ غَيْرِهِ وَيُكْتَبُ إِلَى أَهْلِ ذَلِكَ الْمِصْرِ أَنَّهُ مَنْفِيٌّ فَلَا تُجَالِسُوهُ وَلَا تُبَايَعُوهُ وَلَا تُنَاكِحُوهُ وَلَا تُؤَاكِلُوهُ وَلَا تُشَارِبُوهُ فَيَفْعَلُ ذَلِكَ بِهِ سِنَةٌ فَإِنْ خَرَجَ مِنْ ذَلِكَ الْمِصْرِ إِلَى غَيْرِهِ كُتِبَ إِلَيْهِمْ بِمِثْلِ ذَلِكَ حَتَّى تَنِمَّ السَّنَةُ قُلْتُ فَإِنْ تَوَجَّهَ إِلَى أَرْضِ الشُّرُكِ لِيَدْخُلَهَا قَالَ إِنْ تَوَجَّهَ إِلَى أَرْضِ الشُّرُكِ لِيَدْخُلَهَا قُوتِلَ أَهْلُهَا. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عبید الله بن اسحاق مدائنی روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله علیه درباره آیه محاربه پرسیدند که کدام عمل است که هرگاه انسان آن را انجام دهد، یکی از این احکام چهارگانه بر او لازم می گردد؟

ص: ۷۴۷

فرمود: هرگاه با خدا و رسولش به جنگ برخیزد و در زمین، فتنه و فساد برپا کند. و اگر مرتکب قتل شود، در ازای آن کشته خواهد شد و اگر کسی را به قتل برساند و مال نیز سرقت کند، کشته شده و به دار آویخته می گردد و اگر مال را بدزدد ولی دست به آدمکشی نزند، دست و پایش در جهت مخالف یک دیگر قطع می شود و اگر شمشیر بکشد و با خدا و پیامبرش به نبرد پردازد و برای ایجاد فتنه و فساد در زمین تلاش کند، اما کسی را نکشد و مالی را به سرقت نبرد، از سرزمین خود تبعید می شود.

پرسیدم: چگونه تبعید می شود و حد و مرز تبعید تا چه اندازه است؟

فرمود: از شهری که مرتکب آن عمل شده، به شهر دیگری تبعید می شود و به اهالی آن شهر می نویسند: «او تبعیدی است؛ با او معاشرت نکنید، خرید و فروش ننمایید، ازدواج نکنید و با او غذا نخورید و نوشیدنی نیشامید».

پس تا یک سال به همین روش با او رفتار می کنند. اگر از آن شهر به شهر دیگری رفت، برای اهالی آن شهر نیز همانند نامه قبلی را می نگارند؛ تا زمانی که یک سال به پایان برسد.

پرسیدم: اگر بخواهد به سرزمین شرک برود چه حکمی دارد؟

فرمود: اگر بخواهد به سرزمین شرک برود، مسلمانان باید با مردم آن به نبرد پردازند.

۶۸۳- حکم کسی که از روی ناآگاهی به حرمت، زنا، سرقت و شرابخواری می نماید

۱- الشیخ الکلبینی، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ رَجُلٌ دَعَوَانَهُ إِلَى جُمْلِهِ مَا نَحْنُ عَلَيْهِ مِنْ جُمْلِهِ إِلَّا سِلَامٌ فَأَقْرَبَ بِهِ ثُمَّ شَرِبَ الْخَمْرَ وَزَنَى وَ أَكَلَ الرِّبَا وَ لَمْ يَتَبَيَّنْ لَهُ شَيْءٌ مِنَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ أُقِيمَ عَلَيْهِ الْحَدُّ إِذَا جَهَلَهُ قَالَ لَا إِلَّا أَنْ تَقُومَ عَلَيْهِ بَيِّنَةٌ أَنَّهُ قَدْ كَانَ أَقْرَبَ بَتَحْرِيمِهَا. (۱)

مرحوم شیخ کلبینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: به حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه عرض کردم: مردی را به اسلام دعوت نمودیم او نیز مسلمان شد. پس از آن شراب نوشید و مرتکب زنا شد و به رباخواری پرداخت؛ در حالی که کسی حلال و حرام را برای او مشخص نکرده است. آیا هنگامی که از حرام بودن آن آگاهی نداشته، باید حد بخورد؟

فرمود: نه، مگر مدرکی علیه او باشد که به حرام بودنش اعتراف کرده بود.

ص: ۷۴۸

۶۸۴- حکم کسی که چند حد بر او واجب شده که یکی از آنها کشته شدن است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَدِيٍّ أَنَّ اللَّهَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي الرَّجُلِ يُؤْخَذُ وَ عَلَيْهِ حُدُودٌ أَحَدُهَا الْقَتْلُ فَقَالَ كَانَ عَلَيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يُقِيمُ عَلَيْهِ الْحُدُودَ ثُمَّ يَقْتُلُهُ وَلَا يُخَالِفُ عَلَيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره کسی که دستگیر شود، در حالی که چند حد بر گردنش بوده و یکی از آن ها، حد آدمکشی است فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه همواره بر چنین افرادی همه حدود الهی را جاری می نمود، سپس او را می کشت و هیچ کس با داوری علی صلوات الله علیه مخالفت نمی کرد.

۶۸۵- حکم کسی که باید حد بخورد اما پیش از اجرای حد توبه می کند

الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ جَمِيعًا عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَحَدِهِمَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا: فِي رَجُلٍ سَرَقَ أَوْ شَرِبَ الْخَمْرَ أَوْ زَنَى فَلَمْ يُعْلَمْ بِذَلِكَ مِنْهُ وَ لَمْ يُؤْخَذْ حَتَّى تَابَ وَ صَلَّحَ فَقَالَ إِذَا صَلَّحَ وَ عُرِفَ مِنْهُ أَمْرٌ جَمِيلٌ لَمْ يُقَمَّ عَلَيْهِ الْحَدُّ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ قُلْتُ فَإِنْ كَانَ أَمْرًا قَرِيبًا لَمْ يُقَمَّ قَالَ لَوْ كَانَ خَمْسَةَ أَشْهُرٍ أَوْ أَقَلَّ مِنْهُ وَ قَدْ ظَهَرَ أَمْرٌ جَمِيلٌ لَمْ يُقَمَّ عَلَيْهِ الْحُدُودُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن حدید و ابن ابی عمیر از جمیل بن دراج از یکی از روایان روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره کسی که مرتکب دزدی، شرابخواری و زنا شده، اما کسی متوجه آن نشده و دستگیر هم نشده است تا این که توبه نمود و اصلاح شد، فرمود: اگر اصلاح گشته و نیکی و خوبی از او مشاهده شد، حد نخواهد خورد.

محمد بن ابی عمیر گوید: به جمیل گفتم: اگر بین انجام گناه و توبه کردنش فاصله اندکی باشد، حد اجرا نخواهد شد؟

جمیل گفت: اگر پنج ماه یا کمتر از آن بوده و عمل نیکویی از او مشاهده شده باشد، آن حدها بر او جاری نمی شود.

ص: ۷۴۹

۱- . الکافی ج ۷ ص ۲۵۰ ح ۱.

۲- . الکافی ج ۷ ص ۲۵۰ ح ۱.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: مَنْ أَخَذَ سَارِقًا فَعَفَا عَنْهُ فَذَاكَ لَهُ فَإِنْ رُفِعَ إِلَى الْإِمَامِ قَطَعَهُ فَإِنْ قَالَ الَّذِي سُرِقَ مِنْهُ أَنَا أَهْبُ لَهُ لَمْ يَدَعُهُ الْإِمَامُ حَتَّى يَقْطَعَهُ إِذَا رُفِعَ إِلَيْهِ وَ إِنَّمَا الْهَبُّ قَبْلَ أَنْ يُرْفَعَ إِلَى الْإِمَامِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ» فَإِذَا انْتَهَى الْحَدُّ إِلَى الْإِمَامِ فَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَثْرَكَهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه بن مهران روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر کس دزدی را دستگیر کند، اما از حق خود چشم پوشی نموده و او را عفو کند، حق چنین کاری را دارد. اما اگر او را نزد امام ببرد، او دست دزد را قطع می کند. پس اگر هنگامی که دزد را نزد امام برده است صاحب مال بگوید: «من مال خود را به او بخشیدم»، امام دزد را آزاد نمی کند؛ مگر بعد از آن که دست او را بریده باشد. همانا بخشش و عفو در صورتی اثر دارد که دزد را نزد امام نبرده باشد و این، فرموده خداوند است: ﴿وَأَن تَأْتُوا بِنُفْسٍ غَافِقَةٍ فَمَا يُوَفِّقُهَا اللَّهُ لِيَكُونَ لِأَنَّهَا تَأْتِي بِغَنَمٍ كَثِيرَةٍ أَوْ مَالٍ كَثِيرٍ وَلَا تَتَّبِعُوا هَذِهِ سُبُلَ اللَّهِ أَلَمْ تُذَكِّرُوا بِنُفْسِهِ﴾ (سوره توبه آیه ۱۱۲) بنابراین بعد از آن که حد الهی را به امام عرضه کنند، هیچ کس حق ندارد از آن چشم پوشی نماید.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن ضُرَيْبِ بْنِ الْكُنَاسِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَا يُعْفَى عَنِ الْحُدُودِ الَّتِي لِلَّهِ دُونَ الْإِمَامِ فَأَمَّا مَا كَانَ مِنْ حَقِّ النَّاسِ فِي حَدِّ فَلَا بُأْسَ أَنْ يُعْفَى عَنْهُ دُونَ الْإِمَامِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ضریس کناسی روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: نباید پیش از رسیدن نزد امام، از حدود الهی (حق الله) صرف نظر کرد؛ اما حدی که از حقوق مردم است، ایرادی ندارد که پیش از رسیدن به حضور امام از آن صرف نظر کرد.

۶۸۷- در حد شفاعت کسی پذیرفته نیست

الشيخ الكليني، بإسناده عن السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: لَا يَشْفَعَنَّ أَحَدٌ فِي حَدِّ إِذَا بَلَغَ الْإِمَامَ فَإِنَّهُ يَمْلِكُهُ وَ إِشْفَعُ فِيمَا لَمْ

ص: ۷۵۰

۱- . الكافي ج ۷ ص ۲۵۱ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۲۵۲ ح ۴.

يَبْلُغُ الْإِمَامَ إِذَا رَأَيْتَ النَّدَمَ وَاشْفَعَ عِنْدَ الْإِمَامِ فِي غَيْرِ الْحَدِّ مَعَ الرَّجُوعِ مِنَ الْمَشْفُوعِ لَهُ وَلَا تَشْفَعُ فِي حَقِّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ وَلَا غَيْرِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: درباره حد مجرمی که نزد امام برده شده، هیچ کس نباید شفاعت کند؛ زیرا حکم آن در اختیار امام است و در مورد کسی که هنوز او را نزد امام نبرده اند، اگر دیدی که پشیمان شده است نزد امام شفاعت کن، در صورتی که مجرم توبه کرده، در موارد غیر از اجرای حد، شفاعت کن و درباره هیچ مرد مسلمان و دیگری شفاعت نکن جز با اجازه خودش.

۶۸۸- عدم کفالت در حد

الشیخ الكلینی، بإسناده عن السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا كَفَالَةَ فِي حَدِّ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صَلَّى الله علیه و آله فرمود: در حد کفالت نیست.

۶۸۹- حد مرتد

۱- الشیخ الكلینی، بإسناده عن ابنِ مَحْبُوبٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا: فِي الْمُرْتَدِّ يُسَيِّتَابُ فَإِنْ تَابَ وَ إِلَّا قُتِلَ وَ الْمَرْأَةُ إِذَا ارْتَدَّتْ عَنِ الْإِسْلَامِ أُسَيِّبَتْ فَإِنْ تَابَتْ وَ رَجَعَتْ وَ إِلَّا خُلِدَتْ فِي السَّجْنِ وَ ضُمِّقَ عَلَيْهَا فِي حَبْسِهَا. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن محبوب چند تن از اصحاب ما روایت کرده که گفتند: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره مرتد فرمودند: از او می خواهند که توبه کند؛ پس اگر توبه نمود، رهایش می کنند. در غیر این صورت، او را می کشند. و اگر زنی مرتد شود، او را به توبه وادار می کنند؛ اگر توبه نمود و به اسلام بازگشت، رهایش می کنند، وگرنه او را برای همیشه زندانی می نمایند و در زندان، او را در تنگنا و سختی قرار می دهند.

ص: ۷۵۱

۱- . الكافي ج ۷ ص ۲۵۴ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۲۵۵ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۲۵۶ ح ۳.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي عَبِيدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ امْرَأَةٍ تَزَوَّجَتْ رَجُلًا وَ لَهَا زَوْجٌ قَالَ فَقَالَ إِنْ كَانَ زَوْجُهَا الْأَوَّلُ مُقِيمًا مَعَهَا فِي الْمَضِيرِ الَّذِي هِيَ فِيهِ تَصِلُ إِلَيْهِ وَ يَصِلُ إِلَيْهَا فَإِنَّ عَلَيْهَا مَا عَلَى الزَّانِي الْمُحْصَنِ الرَّجْمَ قَالَ وَ إِنْ كَانَ زَوْجُهَا الْأَوَّلُ غَائِبًا عَنْهَا أَوْ كَانَ مُقِيمًا مَعَهَا فِي الْمَضِيرِ لَا يَصِلُ إِلَيْهَا وَ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ فَإِنَّ عَلَيْهَا مَا عَلَى الزَّانِيهِ غَيْرِ الْمُحْصَنِ وَ لَا لِعَانَ بَيْنَهُمَا وَ لَا تَفْرِيقَ قُلْتُ مَنْ يَرْجُمُهُمَا أَوْ يَضْرِبُهُمَا الْحَدَّ وَ زَوْجُهَا لَا يُقَدِّمُهَا إِلَى الْإِمَامِ وَ لَا يُرِيدُ ذَلِكَ مِنْهَا فَقَالَ إِنْ الْحَيْدُ لَا يَزَالُ لِلَّهِ فِي يَدَيْهَا حَتَّى يَقُومَ بِهِ مَنْ قَامَ أَوْ تَلْقَى اللَّهَ وَ هُوَ عَلَيْهَا غَضَبًا قُلْتُ فَإِنْ كَانَتْ جَاهِلَةً بِمَا صَدَقَتْ قَالَ فَقَالَ أَلَيْسَ هِيَ فِي دَارِ الْهَجْرَةِ قُلْتُ بَلَى قَالَ فَمَا مِنْ امْرَأَةٍ الْيَوْمَ مِنْ نِسَاءِ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا- وَ هِيَ تَعْلَمُ أَنَّ الْمَرْأَةَ الْمُسْلِمَةَ لَا- يَحِلُّ لَهَا أَنْ تَتَزَوَّجَ زَوْجَيْنِ قَالَ وَ لَوْ أَنَّ الْمَرْأَةَ إِذَا فَجَرَتْ قَالَتْ لَعَمَّ أُذْرٍ أَوْ جَهَلْتُ أَنَّ الَّذِي فَعَلْتُ حَرَامٌ وَ لَعَمَّ يُقَمُّ عَلَيْهَا الْحَيْدُ إِذَا لَتَعَطَّلَتِ الْحُدُودُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو عبیده روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره زن شوهرداری که با مرد دیگر ازدواج نمود پرسیدم.

فرمود: چنان چه شوهر اولش با او در همان شهری که زن اقامت داشت، ساکن بود و هر دو به هم دسترسی داشتند، حد زناکار محصن بر عهده زن می آید که سنگسار است.

فرمود: و اگر شوهر اولش غایب بود یا در همان شهر محل اقامت زن ساکن بود، اما به هم دسترسی نداشتند، حد زناکار غیر محصنه بر او لازم می شود و نه لازم است با هم لعان کنند و نه از یک دیگر جدا می شوند.

گفتم: چه کسی زن و شوهر دوم را سنگسار کند یا حد بزند در حالی که شوهر اول زن را نزد امام معصوم صلوات الله علیه نمی برد و از زن مطالبه ای ندارد؟!

فرمود: به راستی همواره حد الهی بر عهده زن خواهد بود تا زمانی که قیام کننده ای (امام معصوم) آن را اقامه کند یا این که خداوند را در حالی که بر او غضبناک است ملاقات نماید.

گفتم: اگر از کاری که کرده است نا آگاه بود چه؟

فرمود: مگر او در کشور اسلامی زندگی نمی کند؟

ص: ۷۵۲

گفتم: آری.

فرمود: بنابراین امروزه هر زن مسلمانی می داند که برایش جایز نیست که با دو شوهر ازدواج کند.

فرمود: و اگر هنگامی که زن مرتکب زنا شد بگوید: نمی دانستم یا جاهل بودم که کاری که انجام دادم حرام است و بر او حد جاری نگردد، بنابراین حدود الهی تعطیل خواهد شد.

ص: ۷۵۳

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن حُمرانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ مَا مَعْنَى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «مَنْ أَجْلٍ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَلَاحِدٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّهَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا فَإِنَّمَا قَتَلَ وَاحِدًا فَقَالَ يُوضَعُ فِي مَوْضِعٍ مِنْ جَهَنَّمَ إِلَيْهِ يَنْتَهِي شِدَّةُ عَذَابِ أَهْلِهَا لَوْ قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا إِنَّمَا كَانَ يَدْخُلُ ذَلِكَ الْمَكَانَ قُلْتُ فَإِنَّهُ قَتَلَ آخَرَ قَالَ يُضَاعَفُ عَلَيْهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حمران روایت کرده که گفت: به حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه عرض کردم: معنای فرمایش خداوند متعال که می فرماید: {به همین جهت بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که اگر کسی، انسانی را بدون کشتن کسی یا فتنه و فساد در روی زمین بکشد، گویی همه انسان ها را کشته است}. (سوره مائده آیه ۳۲) چیست؟ چگونه به منزله کشتن همه مردم است؟ زیرا که او تنها یک نفر را کشته است.

فرمود: او در جایی از دوزخ قرار می گیرد که آخرین درجه عذاب دوزخیان به آن جا منتهی می شود؛ اگر همه مردم را بکشد، فقط به این مکان وارد می شود.

عرض کردم: او شخص دیگری را نیز می کشد؛ (در این صورت چه حکمی دارد؟)

فرمود: عذابش افزوده می شود.

۶۹۱- کسی که مؤمنی را به جهت ایمانش بکشد توبه او پذیرفته نیست

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ وَابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْمُؤْمِنِ يَقْتُلُ الْمُؤْمِنَ مُتَعَمِّدًا أَلَهُ تَوْبَةٌ فَقَالَ إِنْ كَانَ قَتَلَهُ لِإِيْمَانِهِ فَلَا تَوْبَةَ لَهُ وَإِنْ كَانَ قَتَلَهُ لِغَضَبٍ أَوْ لِسَبِّ شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا فَإِنَّ تَوْبَتَهُ أَنْ يُقَادَ مِنْهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عِلْمٌ بِهِ انْطَلَقَ إِلَى أَوْلِيَاءِ الْمَقْتُولِ فَأَقَرَّ عَنْهُمْ بِقَتْلِ صَاحِبِهِمْ فَإِنْ عَفَوْا عَنْهُ فَلَمْ يَقْتُلُوهُ

ص: ۷۵۴

أَعْطَاهُمْ الدِّيَةَ وَ أَعْتَقَ نَسَمَهُ وَ صَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ وَ أَطْعَمَ سِتِّينَ مِسْكِينًا تَوْبَةً إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالله بن سنان و ابن بکیر روایت کرده که گفتند: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدند: مرد باایمانی، مؤمنی را از روی عمد می کشد؛ آیا توبه اش پذیرفته است؟

فرمود: اگر مقام ایمانی مقتول باعث شده باشد که او را به قتل برساند، توبه ای نخواهد داشت؛ ولی اگر بر اثر خشم، یا به جهت برخی از امور دنیوی او را بکشد، توبه قاتل، آن است که تن به قصاص بدهد و اگر خانواده مقتول، از قاتل بی اطلاع باشند، خود نزد اولیای مقتول برود و اقرار کند که من خویشاوند شما را کشته ام. پس اگر آنان عفو کنند و از قصاص جانس درگذرند، خون بهای مقتول را بپردازد و به منظور توبه به درگاه خدای عز و جل، یک برده مؤمن را در راه خدا آزاد کند، دو ماه پیاپی روزه بگیرد و شصت مسکین را غذا بدهد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عيسى الضريير قال: قلت لأبي عبد الله صلوات الله عليه رجل قتل رجلاً متعمداً ما توبته قال يمكّن من نفسه قلت يخاف أن يقتلوه قال فليعطهم الدية قلت يخاف أن يعلموا بذلك قال فليُنظر إلى الدية فليجعلها صيراً ثم ليُنظر موافقت الصلوات فليلقها في دارهم. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عیسی ضریر روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: مردی، انسانی را از روی عمد کشته است؛ توبه اش چگونه است؟

فرمود: باید خودش را تحویل دهد.

عرض کردم: بیم دارد که او را بکشند.

فرمود: بنابراین باید دیه را به آن ها بپردازد.

عرض کردم: می ترسد که با این کار، آن ها متوجه شوند.

ص: ۷۵۵

۱- . الكافي ج ۷ ص ۲۷۶ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۲۷۶ ح ۴.

فرمود: پس باید ديه را محاسبه کرده، آن گاه آن ها را در كيسه هايی قرار دهد و منتظر اوقات نماز باشد، سپس آن ها را در خانه آنان بپندازد.

۶۹۲- انواع قتل

۱- الشيخ الكليني، قال: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ قَالَ وَجُوهُ الْقَتْلِ الْعَمْدِ عَلَى ثَلَاثَةِ ضُرُوبٍ فَمِنْهُ مَا يَجِبُ فِيهِ الْقَوْدُ أَوِ الدِّيَةُ وَ مِنْهُ مَا يَجِبُ فِيهِ الدِّيَةُ وَ لَمَّا يَجِبُ فِيهِ الْقَوْدُ وَ الْكَفَّارَةُ وَ مِنْهُ مَا يَجِبُ فِيهِ النَّارُ فَأَمَّا مَا يَجِبُ فِيهِ النَّارُ فَرَجُلٌ يَقْصِدُ لِرَجُلٍ مُؤْمِنٍ مِنْ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ فَيَقْتُلُهُ عَلَى دِينِهِ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ وَجِبَتْ فِيهِ النَّارُ حَتْمًا وَ لَيْسَ لَهُ إِلَى التَّوْبَةِ سَبِيلٌ وَ مَثَلُ ذَلِكَ مَثَلُ مَنْ قَتَلَ نَبِيًّا مِنْ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْ حُجَّةً مِنْ حُجَجِ اللَّهِ عَلَى دِينِهِ أَوْ مَا يَقْرُبُ مِنْ هَذِهِ الْمَنَازِلِ فَلَيْسَ لَهُ تَوْبَةٌ لِأَنَّهُ لَمَّا يَكُونُ ذَلِكَ الْقَاتِلُ مِثْلَ الْمَقْتُولِ فَيَقَادَ بِهِ فَيَكُونُ ذَلِكَ عِدْلَهُ لِأَنَّهُ لَمَّا يَقْتُلُ نَبِيًّا أَوْ إِمَامًا أَوْ لَمَّا يَجِبُ فِيهِ الدِّيَةُ أَوْ لَمَّا يَجِبُ فِيهِ الْقَوْدُ أَوْ لَمَّا يَجِبُ فِيهِ النَّارُ فَمِنْ هُنَا لَيْسَ لَهُ إِلَى التَّوْبَةِ سَبِيلٌ فَأَمَّا مَا يَجِبُ فِيهِ الْقَوْدُ أَوِ الدِّيَةُ فَرَجُلٌ يَقْصِدُ رَجُلًا عَلَى غَيْرِ دِينٍ وَ لَكِنَّهُ لَسَبَبٍ مِنْ أَسْبَابِ الدُّنْيَا لِغَضَبٍ أَوْ حَسَدٍ فَيَقْتُلُهُ فَتَوْبَتُهُ أَنْ يُمَكِّنَ مِنْ نَفْسِهِ فَيَقَادَ بِهِ أَوْ يَقْتُلَ الْأَوْلِيَاءَ الدِّيَةَ وَ يُتَوَّبُ بَعْدَ ذَلِكَ وَ يَنْدَمَ وَ أَمَّا مَا يَجِبُ فِيهِ الدِّيَةُ وَ لَمَّا يَجِبُ فِيهِ الْقَوْدُ فَرَجُلٌ مَارَحَ رَجُلًا فَوَكَرَهُ أَوْ رَمَاهُ بِشَيْءٍ لَّا عَلَى جَهَةِ الْغَضَبِ فَاتَى عَلَى نَفْسِهِ فَيَجِبُ فِيهِ الدِّيَةُ إِذَا عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ مِنْهُ عَلَى تَعَمُّدٍ قَبْلَتْ مِنْهُ الدِّيَةُ ثُمَّ عَلَيْهِ الْكَفَّارَةُ بَعْدَ ذَلِكَ صَوْمُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ أَوْ عَتَقَ رَقَبَهُ أَوْ إِطْعَمَ سِتِّينَ مِسْكِينًا وَ التَّوْبَةُ بِاللَّذَامَةِ وَ الِاسْتِغْفَارُ مَا دَامَ حَيًّا وَ الْغَرِيمَةُ عَلَى أَنْ لَّا يَعُودَ وَ أَمَّا قَتْلُ الْخَطَا فَعَلَى ثَلَاثَةِ ضُرُوبٍ مِنْهُ مَا تَجِبُ فِيهِ الْكَفَّارَةُ وَ الدِّيَةُ وَ مِنْهُ مَا تَجِبُ فِيهِ الدِّيَةُ قَبْلَ وَ الْكَفَّارَةُ بَعْدَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مَسْلُومَةٍ إِلَى أَهْلِهَا إِنْ أَنْ يَصَّدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ لَيْسَ فِيهِ دِيَةٌ وَ إِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مَسْلُومَةٍ إِلَى أَهْلِهَا وَ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصَدِيَّةٌ يَوْمَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ» وَ تَنْفَسِيرُ ذَلِكَ إِذَا كَانَ رَجُلٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ نَازِلًا

بَيْنَ قَوْمٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَوَقَعَتْ بَيْنَهُمْ حَرْبٌ فُقِتِلَ ذَلِكَ الْمُؤْمِنُ فَلَا دِيَةَ لَهُ لِقَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَيُّمَا مُؤْمِنٍ نَزَلَ فِي دَارِ الْحَرْبِ فَقَدْ بَرِئَتْ مِنْهُ الدَّمَةُ.

فَإِنْ كَانَ الْمُؤْمِنُ نَازِلًا بَيْنَ قَوْمٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ أَهْلِ الْحَرْبِ وَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الرَّسُولِ أَوْ الْإِمَامِ مِيثَاقٌ أَوْ عَهْدٌ إِلَى مُدَّةٍ فَقَتَلَ ذَلِكَ الْمُؤْمِنَ رَجُلٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ فَقَتَلَ وَ جَبَتْ عَلَيْهِ الدِّيَةُ وَ الْكُفَّارَةُ وَ أَمَّا قَتْلُ الْخَطَا الَّذِي تَجِبُ فِيهِ الْكُفَّارَةُ وَ الدِّيَةُ فَرَجُلٌ أَرَادَ سَبْعًا أَوْ غَيْرَهُ فَأَخْطَأَ فَأَصَابَ رَجُلًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَقَتَلَ وَ جَبَتْ عَلَيْهِ الْكُفَّارَةُ وَ الدِّيَةُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن ابراهیم روایت کرده که گفت: قتل عمد سه نوع است:

قتلی که موجب دیه یا قصاص گردد، قتلی که تنها موجب دیه شود؛ نه قصاص و کفاره و قتلی که موجب آتش دوزخ می شود.

اما قتلی که موجب آتش دوزخ می شود: مردی است، مؤمنی از اولیای خدا را هدف می گیرد و از روی عمد او را به خاطر دینش می کشد؛ پس آتش دوزخ برای او لازم می گردد و خداوند توبه اش را به هیچ وجه نمی پذیرد. این، مانند داستان کسی است که یکی از پیامبران یا یکی از حجت های خداوند و یا فردی دارای درجاتی، نزدیک به چنین درجاتی را به خاطر دینش کشته است که توبه اش قبول نمی شود؛ زیرا این قاتل، هم شأن مقتول نیست که او را قصاص کنند تا برابری حاصل شود؛ زیرا هیچ پیامبری، پیامبری را، هیچ امامی، امامی را و هیچ مؤمن عالمی، مؤمن عالمی را به خاطر دینش نمی کشد؛ تا پیامبر، در ازای پیامبر و امام، در ازای امام و عالم، در ازای عالم قصاص شود. به همین علت، هرگاه این نوع قتل از روی عمد باشد، خداوند توبه قاتل را نمی پذیرد.

اما قتلی که موجب قصاص یا دیه می شود: مردی است که دیگری را نه به خاطر دین، بلکه به جهت امور دنیوی مانند خشم یا حسودی هدف می گیرد و می کشد. در چنین موردی، دیه اش این است که خود را معرفی کند. پس او را یا قصاص می کنند؛ یا اینکه اولیای دم، به گرفتن دیه رضایت دهند. پس از آن می تواند توبه کند.

اما قتلی که موجب دیه می شود و قصاص ندارد: مردی است که به شوخی، نه از روی خشم، به دیگری مشتی می زند یا چیزی به طرفش می اندازد و یا با پا، به اسم او می زند و او از اسب می افتد، پس قاتل، خود را

ص: ۷۵۷

معرفی می کند. در این صورت اگر علم حاصل شود که از روی عمد مرتکب قتل نشده است، باید دیه پردازد و آن را از او می پذیرند. پس از آن کفاره می پردازد که آن، روزه گرفتن دو ماه پیایی، یا آزاد کردن برده، و یا اطعام شصت فقیر است. و توبه اش، پشیمان شدن و آموزش طلبیدن، تا زمان زنده بودن و اراده مرتکب نشدن دوباره آن است.

و اما قتل خطایی نیز سه نوع است:

قتلی که موجب کفاره و دیه می شود.

قتلی که فقط موجب کفاره می شود و دیه در آن واجب نیست.

و قتلی که موجب دیه و پس از آن کفاره می شود. و آن، فرموده خداوند متعال است که می فرماید: ﴿و هیچ مؤمنی حق ندارد مؤمنی را بکشد، مگر این که از روی خطا و اشتباه از او سرزند و کسی که مؤمنی را از روی خطا بکشد باید یک برده مؤمن را آزاد کند و خون بهایی به کسان او پردازد، مگر این که آنها خون بها را ببخشند و اگر کشته شده از گروهی دشمنان شما باشد و قاتل مؤمن باشد، پس باید یک برده مؤمن آزاد کند و پرداخت دیه لازم نیست و اگر کشته شده از گروهی هم پیمان شما باشد باید دیه او را به کسان او پردازد و یک برده مؤمن را آزاد کند و کسی که دسترسی به برده ندارد دو ماه پی در پی روزه بگیرد که این توبه ای برای خداوند است﴾. (سوره نساء آیه ۹۲)

تفسیر این آیه، چنین است: اگر مؤمنی در میان مشرکان اقامت کند و بین مشرکان و مسلمانان نبردی درگیرد و آن مؤمن به قتل رسد، دیه ای ندارد؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: هر مؤمنی که بین مشرکان اقامت نماید، ذمه از او برداشته می شود.

و اگر مؤمنی میان مشرکان و ستیزه جویان اقامت کند و بین آنان و پیامبر یا امام تا زمانی مشخص، عهد و پیمانی باشد و یکی از مؤمنان او را بکشد، در حالی که مسلمانان می دانسته اند مقتول، مؤمن بوده است، دیه و کفاره به عهده قاتل می آید.

اما قتل خطایی که موجب کفاره و دیه می شود: شخصی می خواست حیوانی درنده یا چیزی دیگری را هدف قرار دهد، اما اشتباه می کند و به مسلمانی اصابت می کند. در این صورت فقط کفاره و دیه واجب است که بدهد.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن العلاء بن الفضيل عن أبي عبد الله صلوات الله عليه أنه قال: في قتل الخطي مائة من الإبل أو ألف من الغنم أو عشرة آلاف درهم أو ألف دينار فإن كان الإبل فخمس وعشرون إنته مخاض وخمس وعشرون إنته لبون وخمس وعشرون حقه وخمس وعشرون جذعه والدية المغلظة في الخط الذي يشبه العمدة الذي يضرب بالحجر أو بالعصا الضربة والضربتين لا يريد قتله فهي اثلاث ثلاث وثلاثون حقه وثلاث وثلاثون جذعه وأربع وثلاثون ثبته كلها خلفه طروفه الفحل وإن كان من الغنم فألف كبش والعمد هو القود أو رضا ولي المقتول. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علاء بن فضیل روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: در قتل خطایی، دیه، صد شتر یا هزار گوسفند یا ده هزار درهم و یا هزار دینار است. پس اگر شتر باشد، بیست و پنج ماده شتر یک ساله، بیست و پنج ماده شتر دوساله، بیست و پنج شتر چهارساله و بیست و پنج شتر پنج ساله است.

و دیه سنگین در خطای شبهه عمد که با سنگ یا عصا، یک یا دو ضربه می زند در حالی که قصد کشتن ندارد، بر سه گروه سنی است: سی و سه شتر چهارساله، سی و سه شتر پنج ساله و سی و چهار شتر شش ساله؛ که همگی آنان آبستن بوده و توانایی نزدیکی با شتر نر را داشته باشند و اگر از گوسفند باشد، هزار گوسفند نر خواهد بود. و حکم قتل عمد، قصاص یا رضایت اولیای دم است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن جميل بن دراج: في الدية قال ألف دينار أو عشرة آلاف درهم ويؤخذ من أصحاب الحلال الحلال ويؤخذ من أصحاب الإبل أو من أصحاب الغنم ومن أصحاب البقر البقر. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جمیل بن دراج روایت کرده که گفت: امام صلوات الله علیه در مورد دیه فرمود: دیه، هزار دینار یا ده هزار درهم است. از صاحبان حله، حله می گیرند؛ از شترداران، شتر؛ از گوسفندداران، گوسفند و از گاوداران، گاو برمی دارند.

ص: ۷۵۹

۱- . الكافي ج ۷ ص ۲۸۲ ح ۷.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۲۸۱ ح ۴.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ أَبِي وَوَلَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ كَانَ عَلِيٌّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: تُسْتَأْذَى دِيَهُ الْخَطَا فِي ثَلَاثِ سِنِينَ وَتُسْتَأْذَى دِيَهُ الْعَمْدِ فِي سَنَةٍ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو ولاد روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله عليه می فرمود: در قتل خطایی، دیه را ظرف سه سال باید ادا کنند و در قتل عمدی، ظرف یک سال.

۶۹۴- حکم گروهی که در یک قتل شرکت می کنند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ ابْنِ مُسَيْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِذَا قَتَلَ الرَّجُلَانِ وَالثَلَاثَةَ رَجُلًا فَإِنْ أَرَادَ أَوْلِيَاؤُهُ قَتْلَهُمْ تَرَادَوْا فَضْلَ الدِّيَاتِ وَإِلَّا أَخَذُوا دِيَةَ صَاحِبِهِمْ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابن مسکان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: هنگامی که دو یا سه نفر شخصی را بکشند؛ اگر اولیای دم بخواهند همه قاتلان را قصاص کنند، اضافه دیه آنان را باید بپردازند. وگرنه، دیه مقتول را دریافت می کنند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَتَلُوا رَجُلًا فَقَالَ إِنْ شَاءَ أَوْلِيَاؤُهُ قَتَلُوهُمْ جَمِيعًا وَغَرَمُوا تِسْعَ دِيَاتٍ وَإِنْ شَاءُوا تَحَيَّرُوا رَجُلًا فَقَتَلُوهُ وَأَدَى التَّشْيِعَهُ الْبَاقُونَ إِلَى أَهْلِ الْمَقْتُولِ الْأَخِيرِ عَشْرَ الدِّيَةِ كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ قَالَ ثُمَّ إِنَّ الْوَالِيَّ بَعْدُ يَلِي أَدْبَهُمْ وَحَبْسَهُمْ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از فضیل بن یسار روایت کرده که گفت: به حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه گفتم: اگر ده نفر با یاری همدیگر مردی را به قتل برسانند، (تکلیف چه خواهد بود؟)

ص: ۷۶۰

۱- . الكافي ج ۷ ص ۲۸۳ ح ۱۰.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۲۸۳ ح ۳.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۲۳۸ ح ۴.

فرمود: اگر صاحبان خون بخواهند، می توانند هرده نفر را بکشند و معادل خون بهای نه نفر را به وارثان آن ده نفر بپردازند تا میان خود تقسیم کنند. و اگر بخواهند، حق دارند که یک نفر را انتخاب کرده، بکشند و آن نه نفر دیگر، هر کدام، یک دهم خون بها را به خانواده فرد قصاص شده بپردازند.

فرمود: سپس حاکم آنان را تأدیب نموده و به زندان می افکند.

۶۹۵- حکم کسی که به کشتن انسان امر می کند

۱- الشیخ الكلینی، یاسنادہ عن زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي رَجُلٍ أَمَرَ رَجُلًا بِقَتْلِ رَجُلٍ فَقَتَلَهُ فَقَالَ يُقْتَلُ بِهِ الَّذِي قَتَلَهُ وَ يُحْبَسُ الْأَمْرُ بِقَتْلِهِ فِي السَّجْنِ حَتَّى يَمُوتَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه درباره مردی که به دیگری دستور داده بود شخصی را بکشد و او نیز آن شخص را کشته بود فرمود: قاتل قصاص می شود و آن کسی که فرمان قتل را صادر کرده، باید در زندان بماند تا زمانی که بمیرد.

۶۹۶- حکم کسی که در قتل به قاتل کمک می کند

۱- الشیخ الكلینی، یاسنادہ عن السُّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: أَنَّ ثَلَاثَةَ نَفَرٍ رَفَعُوا إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاحِدٌ مِنْهُمْ أَمْسَكَ رَجُلًا وَ أَقْبَلَ آخَرَ فَقَتَلَهُ وَ الْآخَرَ يَرَاهُمْ فَقَضَى فِي الرَّؤْيِيَةِ أَنْ تُشْمَلَ عَيْنَاهُ وَ فِي الَّذِي أَمْسَكَ أَنْ يُشَدَّ حَتَّى يَمُوتَ كَمَا أَمْسَكَهُ وَ قَضَى فِي الَّذِي قَتَلَ أَنْ يُقْتَلَ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: سه نفر را نزد حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه بردند که یکی از آنان، شخصی را گرفته و دیگری او را کشته بود و سومی، آنان را نگاه می کرد.

حضرت درباره شخصی که منظره قتل را می نگریست، حکم نمود که چشمش را کور کنند و درباره شخصی که مقتول را نگاه داشته بود، حکم فرمود که زندانی شود تا بمیرد؛ همان طور که مقتول را نگاه داشته بود (تا بمیرد) و درباره قاتل حکم فرمود که کشته شود.

ص: ۷۶۱

۱- . الکافی ج ۷ ص ۲۸۵ ح ۱.

۲- . الکافی ج ۷ ص ۲۸۸ ح ۴.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: أَيُّمَا رَجُلٍ قَتَلَهُ الْقِصَاصُ فَلَا دِيَةَ لَهُ وَقَالَ أَيُّمَا رَجُلٍ عَمِدًا عَلَى رَجُلٍ لِيُضْرِبَهُ فَدَفَعَهُ عَنْ نَفْسِهِ فَجَرَحَهُ أَوْ قَتَلَهُ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَقَالَ أَيُّمَا رَجُلٍ إِطَّلَعَ عَلَى قَوْمٍ فِي دَارِهِمْ لِيُنْظَرَ إِلَى عَوْرَاتِهِمْ فَرَمَوْهُ فَفَقُّنُوا عَيْنَيْهِ أَوْ جَرَحُوهُ فَلَا دِيَةَ لَهُ وَقَالَ مَنْ بَدَأَ فَأَعْتَدِي فَأَعْتَدِي عَلَيْهِ فَلَا قَوْلَ لَهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر کسی که به هنگام اجرای حد بمیرد دیه ای ندارد.

و فرمود: هر مردی که با مرد دیگری ستیزه کند تا او را بزند و طرف مقابل او را از خود دور کند و با این کار باعث زخمی شدن یا مرگ او شود چیزی بر عهده اش نیست.

و فرمود: هر مردی که به خانه گروهی سرک بکشد تا به ناموس آنان نگاه کند، و آنان چیزی به طرف او پرتاب کنند و چشمانش را کور کنند، یا او را زخمی کنند، دیه ای ندارد.

و فرمود: هر کس آغازگر ستیزه ای باشد و به دیگران تجاوز نماید آن گاه به خودش تجاوز شود حق قصاص ندارد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: فِي رَجُلٍ أَرَادَ امْرَأَةً عَلَى نَفْسِهَا حَرَامًا فَرَمْتُهُ بِحَجَرٍ فَأَصَابَ مِنْهُ مَقْتَلًا قَالَ لَيْسَ عَلَيْهَا شَيْءٌ فِيمَا بَيْنَهَا وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنْ قُدمْتُ إِلَى إِمَامٍ عَادِلٍ أَهْدَرَ دَمَهُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که درباره مردی که به قصد تجاوز به خانمی حمله کند و آن خانم سنگی به سوی آن مرد پرتاب کند و سنگ به گونه ای به او بخورد که او را بکشد فرمود: از نظر حکم خدا بر این خانم ایرادی نیست و اگر شکایت را به نزد امام عادل ببرند خون مقتول را هدر خواهد ساخت.

ص: ۷۶۲

۱- . الکافی ج ۷ ص ۲۹۰ ح ۱.

۲- . الکافی ج ۷ ص ۲۹۱ ح ۲.

۶۹۸- حکم قاتلی که می خواهد توبه کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عيسى الضعيف قال: قلت لأبي عبد الله صلوات الله عليه رجل قتل رجلاً متعمداً ما توبته قال يُمكنُ من نفسه قلت يخاف أن يقتلوه قال فليعطهم الدية قلت يخاف أن يعلموا بذلك قال فلينظر إلى الدية فليجعلها صبراً ثم لينظر مواقيت الصلاة فليلقها في دارهم. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عیسی ضعیف روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: مردی، دیگری را از روی عمد می کشد، توبه اش چگونه است؟

فرمود: خود را تحویل دهد.

گفتم: می ترسد که او را بکشند.

فرمود: به اولیای دم دیه پردازد.

گفتم: بیم دارد که او را بشناسند.

فرمود: دیه را محاسبه کند و آن را در چند کیسه قرار دهد و منتظر اوقات نماز بماند و آن وقت آن ها را در خانه اولیای دم بیندازد.

۶۹۹- کشتن دزد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير قال: سألت أبا جعفر صلوات الله عليه عن الرجل يُقاتل عن ماله فقال إن رسول الله صلى الله عليه وآله قال من قاتل دون ماله فهو بمنزلة شهيد فقلنا له أفيقاتل أفضل فقال إن لم تُقاتل فلا بأس أما أنا فلو كنت لتركته ولم أُقاتل. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه در مورد کسی که برای حفاظت از اموالش به مبارزه با سارق می پردازد پرسیدم.

فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس به خاطر اموالش کشته شود، همانند شهید خواهد بود.

ص: ۷۶۳

۱- . الكافي ج ۷ ص ۲۹۵ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۲۹۶ ح ۲.

پرسیدیم: اگر مبارزه کند بهتر است؟

فرمود: اگر مبارزه نکنی، ایرادی ندارد، اما اگر من باشم دزد را رها می‌کنم و با او نمی‌جنگم.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أحمد بن أبي عبد الله وغيره: أنه كتب إليه يشأله عن الأكراد فكتب إليه لا تبهؤهم إلا بحد السيف. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از احمد بن ابی عبد الله و دیگران روایت کرده که گفتند: به حضرت امام (حسن عسکری صلوات الله علیه) نامه ای نوشته و درباره کردها (دزدها) از ایشان پرسیدند.

حضرت صلوات الله علیه در جواب نوشتند: آنان را تنها با نوک شمشیر تنبیه (زخمی) کنید.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن أنس أو هيثم بن العبراء عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: قلت له اللص يدخل علي في بيتي يريد نفسي و مالي فقال فاقته فأشهد الله و من سيع أن دمه في عنقي قال قلت أصليحك الله فأين علامه هذا الأمر فقال أ ترى بالصبح من خفاء قال قلت لا قال فإن أمرنا إذا كان أبين من فلق الصبح قال ثم قال مرأوله جبل بظفر أهون من مرأوله ملك لم ينقض أكله فاتقوا الله تبارك و تعالی و لا تقتلوا أنفسكم للظلمه. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از انس و یا هیشم بن براء روایت کرده که گفت: به حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه گفتم: دزدی داخل خانه ام می‌شود و قصد جان و مال مرا دارد (چه کنم؟)

فرمود: او را بکش و خداوند و هرکس که می‌شنود شاهد می‌گیرم که خون او به گردن من است.

پرسیدم: خداوند امور شما را اصلاح کند! نشانه این فرمایش شما چیست؟

فرمود: آیا صبح را تاریک می‌بینی؟

گفتم: نه.

فرمود: امر ما هر گاه که باشد، از سپیده دم صبح روشن تر است.

سپس فرمود: کندن کوه با ناخن از برانداختن حکومتی که هنوز دوران آن به پایان نرسیده آسان تر است. پس تقوای خداوند تبارک و تعالی پیشه کنید و خود را به خاطر ستمکاران به کشتن ندهید.

ص: ۷۶۴

۱- . الكافي ج ۷ ص ۲۹۷ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۲۹۷ ح ۵.

توضیح: مکلف مخیر است به هر کدام از این احادیث عمل نماید. مگر اینکه دزد قصد جان و ناموسش را داشته باشد که در آن صورت امانش ندهد.

۷۰۰- حکم دیه و قصاص زن و مرد

۱- الشیخ الكلینی، بإسنادہ عن الحلبی عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: في رجل يقتل المرأة متعمداً فأراد أهل المرأة أن يقتلوه قال ذلك لهم إذا أدوا إلى أهل نصف الدية وإن قبلوا الدية فلهم نصف دية الرجل وإن قتلت المرأة الرجل قتلت به وليس لهم إلا نفسها وقال جراحات الرجال والنساء سواء سن المرأة بسن الرجل وموضحة المرأة بموضحة الرجل وإصبع المرأة بإصبع الرجل حتى تبلغ الجراحة ثلث الدية فإذا بلغت ثلث الدية أضعفت دية الرجل على دية المرأة. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره مردی که زنی را از روی عمد کشته است و اولیای زن می خواهند او را قصاص کنند فرمود: هنگامی که نصف دیه مرد را به او پردازند، اجازه این کار را دارند و اگر بخواهند دیه بگیرند نصف دیه مرد را می گیرند و اگر زنی مردی را بکشد قصاص می شود و اولیای مرد به جز گرفتن جان زن، صاحب چیز دیگری نیستند.

و فرمود: دیه جراحت مردان و زنان یکسان است؛ دندان زن در مقابل دندان مرد، شکستگی سر زن در مقابل شکستگی سر مرد، انگشت زن در مقابل انگشت مرد؛ تا جایی که دیه جراحت به اندازه یک سوم دیه کامل برسد، بنابراین هنگامی که به یک سوم دیه برسد، دیه مرد دو برابر دیه زن می شود.

۷۰۱- حکم کشتن و مجروح کردن ذمی

۱- الشیخ الكلینی، بإسنادہ عن سیماعه عن أبي عبد الله عليه السلام: في رجل مسلم قتل رجلاً من أهل الذمة فقال هذا حديث شديد لا يختمله الناس ولكن يعطى الذمى دية المسلم ثم يقتل به المسلم. (۲)

ص: ۷۶۵

۱- . الكافي ج ۷ ص ۲۹۸ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۳۰۹ ح ۳.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره مرد مسلمانی که مردی ذمی را کشته بود فرمود: این ماجرای ناگوار است که مردم طاقت آن را ندارند. اما اولیای دم دیه مسلمان را می پردازند سپس او را قصاص می کنند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن إسماعيل بن الفضل قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن دماء المجرم واليهود والنصارى هل عليهم وعلى من قتلهم شيء إذا غشوا المسلمين وأظهروا العداوة لهم قال لا- إلا أن يكون متعمداً لقتلهم قال وسألت عن المسلم هل يقتل بأهل الذمة وأهل الكتاب إذا قتلهم قال لا إلا أن يكون متعمداً لذلك لا يدع قتلهم فيقتل وهو صاغراً. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسماعیل بن فضل روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره خون مجوسیان، یهودیان و مسیحیان پرسیدم و گفتم: هرگاه بر مسلمانان خیانت نموده و آشکارا با آنان دشمنی کنند آیا بر آنان و کسی که آن ها را کشته حکمی وجود دارد؟

فرمود: نه، مگر این که به کشتن آنان عادت نماید.

و پرسیدم: آیا مسلمان با کشتن اهل ذمه و اهل کتاب قصاص می شود؟

فرمود: نه، مگر این که به این کار عادت کند به حدی که از کشتن آنان دست برندارد؛ در این صورت به حالت تحقیر آمیزی کشته می شود.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد بن قيس عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: لا يقاد مسلم بذمته في القتل ولا في الجراحات ولكن يؤخذ من المسلم جنايته للذمي على قدر دية الذمي ثمانمائة درهم. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن قیس روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: مسلمان به خاطر کشتن ذمی قصاص نمی شود و مجروح کردن نیز همین حکم را دارد، اما از مسلمان دیه جنایتش را به نسبت دیه ذمی که هشتصد درهم است می گیرند و به ذمی می دهند.

ص: ۷۶۶

۱- . الكافي ج ۷ ص ۳۰۹ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۳۱۰ ح ۹.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن يونس: أَنَّهُ عَرَضَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ كِتَابَ الدِّيَّاتِ وَكَانَ فِيهِ فِي ذَهَابِ السَّمْعِ كُلِّهِ أَلْفُ دِينَارٍ وَالصَّوْتِ كُلِّهِ مِنَ الْغَنَنِ وَالْبَحْرِحِ أَلْفُ دِينَارٍ وَشَلَلِ الْيَدَيْنِ كِلْتَيْهِمَا [وَ] الشَّلَلِ كُلِّهِ أَلْفُ دِينَارٍ وَشَلَلِ الرَّجُلَيْنِ أَلْفُ دِينَارٍ وَالشَّفَتَيْنِ إِذَا أُسْتُوَصَ لَنَا أَلْفُ دِينَارٍ وَالظَّهْرَ إِذَا حَدَبَ أَلْفُ دِينَارٍ وَالدَّكْرَ إِذَا أُسْتُوَصَلَ أَلْفُ دِينَارٍ وَالْبَيْضَتَيْنِ أَلْفُ دِينَارٍ وَفِي صُدْغِ الرَّجُلِ إِذَا أُصِيبَ فَلَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَلْتَفِتَ إِلَّا مَا انْحَرَفَ الرَّجُلُ نِصْفُ الدِّيَّةِ خَمْسَةَ مِائَةِ دِينَارٍ فَمَا كَانَ دُونَ ذَلِكَ فَحِسَابِهِ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از یونس روایت کرده که گفت: کتابی که درباره خون بها بود به محضر حضرت امام رضا صلوات الله عليه بردم و به ایشان نشان دادم. در آن کتاب چنین نوشته بود:

از بین رفتن تمام شنوایی هزار دینار ديه دارد، از بین رفتن تمام قدرت تکلم - چه تکلم از بینی و چه خشونت صدا یعنی عدم قدرت به این دو نوع تکلم - هزار دینار دارد. شلی هر دو دست تمام انواع آن هزار دینار دارد. شلی هر دو پا هزار دینار دارد.

لب ها در صورتی که به پوست آویزان شوند هزار دینار دارند. کمر در صورتی که قوز شود هزار دینار دارد. آلت مردانگی در صورتی که به پوست آویزان شود هزار دینار دارد. بیضه ها هزار دینار دارند.

گیج گاه در صورتی که آسیب ببیند و به طور کامل حواسش از بین برود، هزار دینار دارد، مگر این که مقداری از حواسش از دست داده باشد که در این صورت نصف ديه پانصد دینار دارد.

و آن چه که کمتر از عضو کامل باشد به نسبت ديه همان عضو محاسبه می شود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: فِي الرَّجُلِ يُكْسِرُ ظَهْرَهُ قَالَ فِيهِ الدِّيَّةُ كَامِلَةٌ وَفِي الْعَيْنَيْنِ الدِّيَّةُ وَفِي إِحْدَاهُمَا نِصْفُ الدِّيَّةِ وَفِي الْأُذُنَيْنِ الدِّيَّةُ وَفِي إِحْدَاهُمَا نِصْفُ الدِّيَّةِ وَفِي الدَّكْرِ إِذَا قُطِعَتِ الْحَشْفَةُ وَ مَا فَوْقَ الدِّيَّةِ وَفِي الْأَنْفِ إِذَا قُطِعَ الْمَارِنُ الدِّيَّةُ وَفِي الشَّفَتَيْنِ الدِّيَّةُ. (۲)

ص: ۷۶۷

۱- . الكافي ج ۷ ص ۳۱۱ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۳۱۱ ح ۳.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره مردی که کمرش شکسته شده بود فرمود: کمر دیه کامل دارد، چشم ها دیه کامل دارند و یک چشم نصف دیه دارد، گوش ها دیه کامل دارند و یک گوش نصف دیه دارد، آلت مردانگی در صورتی که حشفه و بیشتر از آن بریده شود دیه کامل دارد، بینی در صورتی که سر آن یا نرمه آن بریده شود دیه کامل دارد و لب ها دیه کامل دارند.

۷۰۳- خون بهای جنین رحم

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبو عمرو المَتَّطِبُّبِ عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه: جَعَلَ دِيَةَ الْجَنِينِ مِائَةَ دِينَارٍ وَ جَعَلَ مَنَى الرَّجُلِ إِلَى أَنْ يَكُونَ جَنِينًا خَمْسَةَ أَجْزَاءٍ فَإِذَا كَانَ جَنِينًا قَبْلَ أَنْ تَلْجُهُ الرُّوحُ مِائَةَ دِينَارٍ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ سِدَالِهِ وَ هِيَ التُّنْفُفَةُ فَهَذَا جُزْءٌ ثُمَّ عَلَقَهُ فَهُوَ جُزْءَانِ ثُمَّ مَضَعَهُ فَهُوَ ثَلَاثَةٌ أَجْزَاءٍ ثُمَّ عَظْمًا فَهُوَ أَرْبَعَةٌ أَجْزَاءٍ ثُمَّ يُكْسِي لَحْمًا فَحِينَئِذٍ تَمَّ جَنِينًا فَكَمَلَتْ لَهُ خَمْسَةُ أَجْزَاءٍ مِائَةُ دِينَارٍ وَ الْمِائَةُ دِينَارٍ خَمْسَةُ أَجْزَاءٍ فَجَعَلَ لِلتُّنْفُفَةِ خُمُسَ الْمِائَةِ عَشْرِينَ دِينَارًا وَ لِلْعَلَقَةِ خُمُسِي الْمِائَةِ أَرْبَعِينَ دِينَارًا وَ لِلْمَضْغَةِ ثَلَاثَةَ أَخْمَاسِ الْمِائَةِ سِتِينَ دِينَارًا وَ لِلعَظْمِ أَرْبَعَةَ أَخْمَاسِ الْمِائَةِ ثَمَانِينَ دِينَارًا فَإِذَا كَسَى اللَّحْمَ كَانَتْ لَهُ مِائَةُ دِينَارٍ كَامِلَةً فَإِذَا نَشَأَ فِيهِ خَلْقٌ آخَرَ وَ هُوَ الرُّوحُ فَهُوَ حِينَئِذٍ نَفْسٌ فِيهِ أَلْفٌ دِينَارٍ دِيَةٌ كَامِلَةٌ إِنْ كَانَ ذَكَرًا وَ إِنْ كَانَ أُنْثَى فَخُمُسُ مِائَةِ دِينَارٍ وَ إِنْ قَتِلَتْ امْرَأَةٌ وَ هِيَ حُبْلَى فَتَمَّ فَلَمْ يَسْقُطْ وَلَدُهَا وَ لَمْ يُعْلَمْ أَنَّ ذَكَرًا هُوَ أَمْ أُنْثَى وَ لَمْ يُعْلَمْ أَوْ بَعْدَهَا مَيَاتٌ أَوْ قَبْلَهَا فَدِيَتُهُ نِصْفُ مِائَةِ دِينَارٍ وَ نِصْفُ دِيَةِ الذَّكَرِ وَ نِصْفُ دِيَةِ الْأُنْثَى وَ دِيَةُ الْمَرْأَةِ كَامِلَةٌ بَعْدَ ذَلِكَ وَ ذَلِكَ سِتَّةُ أَجْزَاءٍ مِنَ الْجَنِينِ وَ أَفْتَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي مَنَى الرَّجُلِ يُفْرَغُ مِنْ عَرْسِهِ فَيَعْزَلُ عَنْهَا الْمَاءُ وَ لَمْ يَرُدْ ذَلِكَ نِصْفَ خُمُسِ الْمِائَةِ عَشْرَةَ دَنَانِيرَ وَ إِذَا أَفْرَغَ فِيهَا عَشْرِينَ دِينَارًا وَ قَضَى فِي دِيَةِ جِرَاحِ الْجَنِينِ مِنْ حِسَابِ الْمِائَةِ عَلَى مَا يَكُونُ مِنْ جِرَاحِ الذَّكَرِ وَ الْأُنْثَى الرَّجُلِ وَ الْمَرْأَةِ كَامِلَةً وَ جَعَلَ لَهُ فِي قِصَاصِ جِرَاحِهِ وَ مَعْقَلَتِهِ عَلَى قَدْرِ دِيَتِهِ وَ هِيَ مِائَةُ دِينَارٍ (۱).

ص: ۷۶۸

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو عمرو مطب روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: دیه جنین صد دینار است و منی مرد، تا زمانی که تبدیل به جنین شود، پنج جزء است: هنگامی که جنینی باشد پیش از دخول روح، دیه آن صد دینار است. علتش این است که خداوند متعال انسان را از سلاله آفرید که همان نطفه است. از این رو، این یک جزء است. سپس علقه است. پس این، دو جزء است. سپس مضغه است. پس این، سه جزء است. سپس استخوان است. پس این، چهار جزء است. سپس به آن، گوشت می پوشانند. پس در این هنگام جنینی کامل شده که پنج جزء دارد با صد دینار و صد دینار پنج جزء است.

پس برای نطفه یک پنجم صد را قرار داد که بیست دینار است و برای علقه دو پنجم صد که چهل دینار است، برای مضغه سه پنجم صد که شصت دینار است و برای استخوان، چهار پنجم صد که هشتاد دینار است، قرار داد.

پس اگر گوشت، بر آن استخوان پوشیده شده باشد، صد دینار کامل دارد. پس اگر خلقتی دیگر در آن ایجاد شده باشد که همان روح است، در این هنگام یک «جان» محسوب می شود که اگر پسر باشد، هزار دینار کامل دیه دارد و اگر دختر باشد پانصد دینار دارد.

و اگر زنی باردار که جنینش کامل است کشته شود، اما جنین را سقط نکند و معلوم نشود که جنین، پسر است یا دختر؛ هم چنین معلوم نشود که پیش از مادرش مرده یا بعد از او، دیه اش دو نصف است: نصف دیه پسر و نصف دیه دختر. و بعد از آن، دیه زن، کامل محاسبه می شود و این، شش جزء از جنین است.

هم چنین حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در خصوص منی مردی که در شب عروسی از همسرش بازمی دارد و منی را از زن دور می ریزد، اما خودش چنین نمی خواسته، این گونه حکم نمود که دیه آن نصف یک پنجم صد یعنی ده دینار است. و هرگاه در رحم جای گیرد، بیست دینار دیه دارد.

هم چنین آن حضرت درباره جراحت های جنینی با محاسبه صد داوری نمود که دیه جراحت مرد و زن باشد؛ در صورتی که جنین کامل باشد و برای قصاص جراحت جنین و دیه آن را بر مقدار دیه او که صد دینار است، قرار داد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي بصيرٍ عن أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله عليه قال: إِنْ ضَرَبَ رَجُلٌ بَطْنَ امْرَأَةٍ حُبْلَى فَأَلْقَتْ مَا فِي بَطْنِهَا مَيْتًا فَإِنَّ عَلَيْهِ غُرَّةَ عَجِدٍ أَوْ أُمَّهُ يَدْفَعُهَا إِلَيْهَا. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: اگر مردی به شکم زنی باردار ضربه ای بزند و زن، جنین خود را مرده سقط کند، قیمت یک برده یا کنیز بر عهده مرد است که به زن بپردازد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي عُبَيْدَةَ عن أَبِي جَعْفَرٍ صلوات الله عليه: فِي امْرَأَةٍ شَرِبَتْ دَوَاءً وَهِيَ حَامِلٌ لَتَطْرَحَ وَلَدَهَا فَأَلْقَتْ وَلَدَهَا فَقَالَ إِنْ كَانَ عَظْمًا قَدْ نَبَتَ عَلَيْهِ اللَّحْمُ وَشَقَّ لَهُ السَّمْعُ وَالْبَصِيرُ فَإِنَّ عَلَيْهَا دَيْتَهُ تُسَلَّمُهَا إِلَى أَبِيهِ قَالَ وَإِنْ كَانَ جَنِينًا عَلَقَهُ أَوْ مُضْغَةً فَإِنَّ عَلَيْهَا أَرْبَعِينَ دِينَارًا أَوْ غُرَّةَ تُسَلَّمُهَا إِلَى أَبِيهِ قُلْتُ فَهِيَ لَا تَرِثُ مِنْ وَلَدِهَا مِنْ دَيْتِهِ قَالَ لَا لِأَنَّهَا قَتَلَتْهُ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو عبیده روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه درباره زنی که بدون آگاهی شوهرش دارویی نوشیده و جنین خود را سقط نموده، فرمود: اگر استخوان جنین محکم شده و بر استخوانش گوشت روییده و چشم و گوش او مشخص شده، زن باید یک ديه کامل به شوهرش بپردازد و اگر جنین به صورت خون بسته و یا گوشت جویده سقط شده باشد، زن باید یک برده یا یک کنیز به شوهرش تسلیم کند و یا چهل دینار به عنوان قیمت برده و کنیز به پدرش بپردازد.

گفتم: مگر خود زن سهمی ندارد؟

فرمود: نه؛ زیرا او کودک را کشته است.

ص: ۷۷۰

۱- . الكافي ج ۷ ص ۳۴۴ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۳۴۴ ح ۶.

۷۰۴- دعوت به گواهی و شهادت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَلَا يَأْتِ الشُّهَادَةَ إِذَا مَا دُعُوا» فَقَالَ إِذَا دَعَاكَ الرَّجُلُ لِتَشْهَدَ لَهُ عَلَى دِينٍ أَوْ حَقٍّ لَمْ يَتَّبِعْ لَكَ أَنْ تَقَاعَسَ عَنْهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن فضیل روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه درباره فرموده خداوند: {و هنگامی که شهود فراخوانده شوند، نباید خودداری کنند}. (سوره بقره آیه ۲۸۲) فرمود: آن گاه که شخصی تو را فراخواند که برای بدهی او یا حقی شهادت دهی، روا نیست که آن را به تأخیر بیندازی.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن جَرَّاحِ الْمَدَائِنِيِّ قَالَ: قَالَ (الإمام الصادق صلوات الله عليه) إِذَا دُعِيَ إِلَى الشَّهَادَةِ فَأَجِبْ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جرّاح مدائنی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه تو را برای گواهی دادن دعوت نمایند، اجابت کن.

۷۰۵- کتمان شهادت و گواهی

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن جَابِرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ كَتَمَ شَهَادَةً أَوْ شَهِدَ بِهَا لِيُهَيِّدَ لَهَا بِهَا دَمَ امْرِيٍّ مُسْلِمٍ أَوْ لِيُزَوِيَ مَالَ امْرِيٍّ مُسْلِمٍ أَتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْجُهُ ظُلْمَةٌ مِثْلُ الْبَصِيرِ وَ فِي وَجْهِهِ كُدُوحٌ تَعْرِفُهُ الْخَلَائِقُ بِاسْمِهِ وَ نَسَبِهِ وَ مَنْ شَهِدَ شَهَادَةً حَقًّا لِيُحْيِيَ بِهَا حَقَّ امْرِيٍّ مُسْلِمٍ أَتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْجُهُ نُورٌ مِثْلُ الْبَصِيرِ تَعْرِفُهُ الْخَلَائِقُ بِاسْمِهِ وَ نَسَبِهِ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَلَا تَرَى أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ «وَ أَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ». (۳)

ص: ۷۷۱

۱- الكافي ج ۷ ص ۳۸۰ ح ۳.

۲- الكافي ج ۷ ص ۳۸۰ ح ۵.

۳- الكافي ج ۷ ص ۳۸۰ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جابر روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس شهادتی را کتمان کند یا شهادتی دهد تا خون مرد مسلمانی را هدر سازد و یا اموال مرد مسلمانی را به چنگ آورد، روز قیامت در حالی او را می آورند که صورتش را تا فاصله دید چشم تاریکی فراگرفته است و زخمی در چهره اوست که مردم او را به اسم و نسب اش می شناسند.

و هر کس به حقی شهادت دهد تا حق مرد مسلمانی را احیا کند، او را در روز قیامت در حالی می آورند که صورتش را تا فاصله دید چشم نوری فراگرفته است و مردم او را به اسم و نسب اش می شناسند.

سپس حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: مگر ندیده ای که خداوند متعال می فرماید: {و شهادت را برای خداوند برپا دارید}. (سوره طلاق آیه ۲)

۷۰۶- حکم کسی که گواهی را می شنود ولی گواهی نمی دهد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن هشام بن سالم عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إذا سمع الرجل الشَّهَادَةَ وَ لَمْ يُشْهَدْ عَلَيْهَا فَهُوَ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ شَهِدَ وَ إِنْ شَاءَ سَكَتَ وَ قَالَ إِذَا أُشْهِدَ لَمْ يَكُنْ لَهُ إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از هشام بن سالم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: اگر کسی گواهی را شنید، ولی به عنوان گواه نبود، اختیار دارد که گواهی دهد یا سکوت کند.

و فرمود: اگر به عنوان گواه بوده باشد، حق ندارد کتمان کند و یا سکوت نماید؛ بلکه باید گواهی دهد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذَا سَمِعَ الرَّجُلُ الشَّهَادَةَ وَ لَمْ يُشْهَدْ عَلَيْهَا فَهُوَ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ شَهِدَ وَ إِنْ شَاءَ سَكَتَ إِلَّا إِذَا عَلِمَ مِنَ الظَّالِمِ فَلْيَشْهَدْ وَ لَا يَحِلُّ لَهُ إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ. (۲)

ص: ۷۷۲

۱- . الكافي ج ۷ ص ۳۸۱ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۳۸۱ ح ۳.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: اگر کسی گواهی را شنید، ولی به عنوان گواه نبود، اختیار دارد که گواهی دهد یا سکوت کند؛ مگر آن که ظالم را بشناسد. پس باید گواهی دهد و برایش روا نخواهد بود که سکوت اختیار نماید.

۷۰۷- شهادت و گواهی دروغین

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الله بن سنان عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لا ينقض كلام شاهد الزور من بين يدي الحاكم حتى يتبوا مقعده من النار وكذلك من كتم الشهادة. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: سخن شاهد دروغگو در مقابل حاکم به پایان نمی رسد، تا این که جایگاهش از آتش آماده می گردد. و کسی که شهادت را کتمان می کند همین حکم را دارد.

۷۰۸- حکم بازگشت از شهادت و گواهی

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن جميل بن دراج عن عمه أخبره عن أحدهما صلوات الله عليهما: في الشهود إذا شهدوا على رجل ثم رجعوا عن شهادتهم وقد قضى على الرجل ضمنا ما شهدوا به و غرموا و إن لم يكن قضى طرحت شهادتهم و لم يعزم الشهود شيئا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از جمیل بن دراج از یکی از او بیان روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره شهادتی که به ضرر مردی شهادت دهند سپس از شهادت خود برگردند، در حالی که حکم بر آن مرد صادر شده است فرمود: ضامن شهادت خود هستند و باید تاوان دهند و اگر حکم صادر نشده باشد، شهادت آنان ابطال می شود و چیزی مدیون نمی گردند.

ص: ۷۷۳

۱- . الكافي ج ۷ ص ۳۸۳ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۳۸۳ ح ۱.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن إبراهيم بن نعيم الأزدي قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن أربع شهداء على رجل بالزنى فلما قتل رجح أحدهم عن شهادته قال فقال يُقتل الرابع ويُؤدى الثلاثة إلى أهله ثلاثة أرباع الدية. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابراهیم بن نعیم ازدی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: چهار نفر علیه مردی شهادت به زنا دادند. هنگامی که متهم کشته شد، یکی از شاهدان از شهادتش بازگشت.

فرمود: شاهد چهارم کشته می شود و سه شاهد دیگر، سه چهارم دیه را به خانواده او می پردازند.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن محمد بن قيس عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: قضى أمير المؤمنين صلوات الله عليه في رجل شهد عليه رجلان بأنه سرق فقطع يده حتى إذا كان بعيد ذلك جاء الشاهدان برجل آخر فقالا هذا السارق وليس الذي قطعت يده إنما شبهنا ذلك بهذا فقضى عليهما أن غرمهما نصف الدية ولم يجز شهادتهما على الآخر. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از محمد بن قیس روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه درباره مردی که دو نفر علیه او شهادت دادند که دزد است. این گونه داوری فرمود که دست او را قطع کرد. سپس آن دو شاهد مرد دیگری را آورده و گفتند: دزد، این مرد است و آن مردی که دستش را قطع نمودی، دزد نیست. همانا ما اشتباه کردیم.

حضرت صلوات الله علیه بر آن دو چنین حکم نمود که آن ها نصف دیه را پردازند و شهادت شان درباره ماجراهای دیگر پذیرفته نشود.

۷۰۹- یک گواه عادل و یک سوگند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن حماد بن عثمان قال سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: كَانَ عَلِيٌّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يُجِزُّ فِي الدِّينِ شَهَادَةَ رَجُلٍ وَ يَمِينَ الْمُدَّعَى. (۳)

ص: ۷۷۴

۱- . الكافي ج ۷ ص ۳۸۴ ح ۵.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۳۸۴ ح ۸.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۳۸۵ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حماد بن عثمان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: همواره علی صلوات الله علیه درباره بدهی، شهادت یک مرد را به همراه سوگند مدعی می پذیرفت.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن حماد بن عيسى قال سمعت أبا عبد الله صلوات الله عليه يقول حدثني أبي صلوات الله عليه أن رسول الله صلى الله عليه وآله قضى بشاهدٍ ويمينٍ (۱).

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حماد بن عیسی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: پدرم صلوات الله علیه به من خبر داد که رسول الله صلی الله علیه و آله با یک شاهد و سوگند قضاوت می فرمودند.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الرحمن بن الحجاج قال: دخل الحکم بن عتيبة و سلمه بن كهيل على أبي جعفر عليه السلام فسألاه عن شاهدٍ و يمينٍ فقال قضى به رسول الله صلى الله عليه وآله و قضى به علي عليه السلام عندكم بالكوفة فقال هَذَا خِلافُ الْقُرْآنِ فَقَالَ وَ أَيْنَ وَجِدْتُمُوهُ خِلافَ الْقُرْآنِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَقُولُ: «وَ أَشْهَدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ» فَقَالَ لَهُمَا أَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَوْلُهُ «وَ أَشْهَدُوا ذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ» هُوَ أَنْ لَا تَقْبَلُوا شَهَادَةَ وَاحِدٍ وَ يَمِينًا ثُمَّ قَالَ إِنَّ عَلِيًّا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَانَ قَاعِدًا فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ فَمَرَّ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ قُفْلٍ التَّمِيمِيُّ وَ مَعَهُ دِرْعٌ طَلَحَهُ فَقَالَ عَلِيُّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ هَذِهِ دِرْعٌ طَلَحَهُ أُخِذَتْ غُلُولًا يَوْمَ الْبُضَيْرَةِ فَقَالَ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ قُفْلٍ فَاجْعَلْ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ قَاضِيكَ الَّذِي رَضِيْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ فَجَعَلَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُ شُرَيْحًا فَقَالَ عَلِيُّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ هَذِهِ دِرْعٌ طَلَحَهُ أُخِذَتْ غُلُولًا يَوْمَ الْبُضَيْرَةِ فَقَالَ لَهُ شُرَيْحٌ هَاتِ عَلِي مَا تَقُولُ بَيْنَهُ فَآتَاهُ بِالْحَسَنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَشَهِدَ أَنَّهَا دِرْعٌ طَلَحَهُ أُخِذَتْ غُلُولًا يَوْمَ الْبُضَيْرَةِ فَقَالَ شُرَيْحٌ هَذَا شَاهِدٌ وَاحِدٌ فَلَا أَقْضِي بِشَهَادَةِ شَاهِدٍ حَتَّى يَكُونَ مَعَهُ آخَرٌ فَدَعَا قَتَبْرًا فَشَهِدَ أَنَّهَا دِرْعٌ طَلَحَهُ أُخِذَتْ غُلُولًا يَوْمَ الْبُضَيْرَةِ فَقَالَ شُرَيْحٌ هَذَا مَمْلُوكٌ وَ لَا أَقْضِي بِشَهَادَةِ مَمْلُوكٍ قَالَ فَغَضِبَ عَلِيُّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ خُذُوهَا فَإِنَّ هَذَا قَضَى بِجَوْرِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قَالَ فَتَحَوَّلَ شُرَيْحٌ ثُمَّ قَالَ لَا أَقْضِي بَيْنَ

ص: ۷۷۵

إِثْنَيْنِ حَتَّى تُخْبِرَنِي مِنْ أَيْنَ قَضَيْتَ بِجَوْرِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَقَالَ لَهُ وَيْلَكَ أَوْ وَيْحَكَ إِنِّي لَمَّا أَخْبَرْتُكَ أَنَّهَا دَرْعٌ طَلَحَهُ أَخَذَتْ غُلُولًا يَوْمَ الْبَصِيرَةِ فَقُلْتُ هَاتِ عَلَيَّ مَا تَقُولُ بَيْنَهُ وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَيْثُمَا وَجَدَ غُلُولٌ أَخَذَ بِغَيْرِ بَيْنِهِ فَقُلْتُ رَجُلٌ لَمْ يَسْمَعْ الْحَدِيثَ فَهَذِهِ وَاحِدَةٌ ثُمَّ أَتَيْتُكَ بِالْحَسَنِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ فَشَهِدْتُ فَقُلْتُ هَذَا وَاحِدٌ وَلَا أَقْضِي بِشَهَادَةٍ وَاحِدٍ حَتَّى يَكُونَ مَعَهُ آخَرٌ وَقَدْ قَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِشَهَادَةِ وَاحِدٍ وَ يَمِينٍ فَهَذِهِ ثِنْتَانِ ثُمَّ أَتَيْتُكَ بِقَبْرٍ فَشَهِدْتُ أَنَّهَا دَرْعٌ طَلَحَهُ أَخَذَتْ غُلُولًا. يَوْمَ الْبَصِيرَةِ فَقُلْتُ هَذَا مَمْلُوكٌ وَلَا أَقْضِي بِشَهَادَةِ مَمْلُوكٍ وَ مَا بَأْسُ بِشَهَادَةِ الْمَمْلُوكِ إِذَا كَانَ عِدْلًا ثُمَّ قَالَ وَيْلَكَ أَوْ وَيْحَكَ إِمَامَ الْمُسْلِمِينَ يُؤْمَنُ مِنْ أُمُورِهِمْ عَلَيَّ مَا هُوَ أَعْظَمُ مِنْ هَذَا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الرحمان بن حجاج روایت کرده که گفت: حکم بن عتیبه و سلمه بن کهیل به خدمت حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه شرف یاب شدند و درباره یک شاهد با سوگند صاحب حق از آن حضرت پرسیدند.

فرمود: رسول الله صَلَّى الله علیه و آله به آن مورد حکم نمود. هم چنین علی صلوات الله علیه نزد شما، در کوفه، طبق آن حکم فرمود.

گفتند: این، خلاف قرآن است.

فرمود: و چگونه آن را خلاف قرآن یافتید؟

گفتند: خداوند می فرماید: {و دو نفر عادل از خودتان گواه بگیرید}. (سوره طلاق آیه ۲)

حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه به آن ها فرمود: فرمایش خداوند: «و دو نفر عادل از خودتان گواه بگیرید» معنایش این است که شهادت یک نفر را با سوگند نپذیرید!؟

سپس فرمود: علی صلوات الله علیه در مسجد کوفه نشسته بود. عبد الله بن قفل تمیمی از کنار آن حضرت عبور کرد، در حالی که زره طلحه همراهش بود.

علی صلوات الله علیه فرمود: این، زره طلحه است که در روز بصره، به صورت پنهانی دزدیده شده است.

عبد الله گفت: بنابراین قاضی خود را که برای قضاوت بین مسلمانان پذیرفته ای، بین خود و من قاضی قرار ده.

ص: ۷۷۶

علی صلوات الله علیه شریح را قاضی خود و عبد الله قرار داد، آن گاه فرمود: این زره طلحه است که در روز بصره، به صورت پنهانی دزدیده شده است.

شریح گفت: برای ادعای خود دلیل و شاهی بیاور.

علی صلوات الله علیه حضرت امام حسن صلوات الله علیه را نزد شریح آورد و حضرت امام حسن صلوات الله علیه شهادت داد که آن زره، زره طلحه است که در روز بصره، مخفیانه دزدیده شده است.

شریح گفت: این، یک شاهد است. بنابراین من به شهادت یک شاهد حکم نمی کنم، تا این که شاهی دیگر نیز همراه او باشد.

علی صلوات الله علیه قنبر را فراخواند. قنبر شهادت داد که آن، زره طلحه بوده، در روز بصره پنهانی دزدیده شده است.

شریح گفت: این، برده است و من با شهادت برده حکم نمی کنم.

در این هنگام علی صلوات الله علیه خشمگین شد و فرمود: او را بگیرید! زیرا او سه مرتبه ظالمانه داوری کرده است.

شریح دگرگون شد سپس گفت: من بین هیچ دو نفری قضاوت نخواهم کرد، تا این که به من خبر دهی که چگونه سه مرتبه ستمگرانه داوری کرده ام.

علی صلوات الله علیه به او فرمود: وای بر تو! هنگامی که من به تو خبر دادم که آن، زره طلحه بوده و در جنگ بصره، به صورت پنهانی دزدیده شده است، تو گفتی: «برای ادعای خود دلیل و شاهی بیاور»؛ در حالی که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: «هرجا غنیمی که مخفیانه دزدیده شده است پیدا شد، بدون دلیل و شاهد برداشته می شود».

من گفتم: «او (شریح) مردی است که حدیث را نشنیده است». پس این، یک مرتبه.

سپس حسن صلوات الله علیه را نزد تو آوردم و شهادت داد. اما تو گفتی: «این، یک نفر است و من با شهادت یک نفر حکم نمی کنم، تا این که شاهد دیگری نیز همراهش باشد»؛ در حالی که رسول الله صلی الله علیه و آله با شهادت یک شاهد و یک سوگند حکم نمود. پس این، دو مرتبه.

سپس قنبر را پیش تو آوردم و او شهادت داد که آن، زره طلحه بوده، در روز بصره به صورت پنهانی دزدیده شده است. اما تو گفتی: «این، برده است و من با شهادت برده حکم نمی کنم»؛ در حالی که هرگاه برده، عادل باشد، شهادتش ایرادی ندارد.

سپس فرمود: وای بر تو! امام مسلمانان، درباره امور آنان، بر مسائل بزرگ تر از این مسأله مورد اعتماد و اطمینان است.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَجَازَ شَهَادَةَ النِّسَاءِ مَعَ يَمِينِ الطَّالِبِ فِي الدِّينِ يَخْلِفُ بِاللَّهِ إِنَّ حَقَّهُ لِحَقُّ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله در خصوص مسأله بدهی، شهادت زنان را با سوگند طلبکار جایز می دانست. طلبکار باید به خدا سوگند یاد کند که حق او، حق است.

۷۱۰- حکم شهادت و گواهی زنان

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قُلْتُ لَهُ تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي نِكَاحٍ أَوْ طَلَاقٍ أَوْ فِي رَجْمٍ قَالَ تَجُوزُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِيمَا لَا يَشْتَطِيعُ الرِّجَالُ أَنْ يَنْظُرُوا إِلَيْهِ وَ لَيْسَ مَعَهُنَّ رَجُلٌ وَ تَجُوزُ شَهَادَتُهُنَّ فِي النِّكَاحِ إِذَا كَانَ مَعَهُنَّ رَجُلٌ وَ تَجُوزُ شَهَادَتُهُنَّ فِي حَيْدِ الزَّوْنِيِّ إِذَا كَانَ ثَلَاثَةَ رِجَالٍ وَ امْرَأَتَانِ وَ لَا تَجُوزُ شَهَادَةُ رَجُلَيْنِ وَ أَرْبَعِ نِسْوَةٍ فِي الزَّوْنِيِّ وَ الرَّجْمِ وَ لَا تَجُوزُ شَهَادَتُهُنَّ فِي الطَّلَاقِ وَ لَا فِي الدَّمِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن فضیل روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله علیه پرسیدم و به ایشان عرض کردم: شهادت زنان درباره ازدواج یا طلاق و یا سنگسار کردن جایز است؟

فرمود: شهادت زنان درباره اموری که مردان اجازه مشاهده آن را ندارند جایز است. و هیچ مردی نیز همراه آنان نخواهد بود. و شهادت زنان در مورد ازدواج، هنگامی که یک مرد همراه شان باشد، جایز است. و

ص: ۷۷۸

۱- . الکافی ج ۷ ص ۳۸۶ ح ۷.

۲- . الکافی ج ۷ ص ۳۹۱ ح ۵.

شهادت آنان در مورد حد زناکاری، هرگاه که سه مرد و دو زن باشند، جایز است. اما شهادت دو مرد و چهار زن در خصوص زنا و سنگسار کردن، جایز نیست. و شهادت زنان درباره طلاق و قتل جایز نیست.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الله بن سنان قال سمعت أبا عبد الله صلوات الله عليه يقول: لا تجوز شهادة النساء في رؤيته الأهلال ولا تجوز في الرجم شهادة رجلين و أربع نسوة و تجوز في ذمك ثلاثة رجال و امرأتان و قال تجوز شهادة النساء و خدهن بلا رجال في كل ما لا يجوز للرجال النظر إليه و تجوز شهادة القابله و خدها في المنفوس. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: شهادت زنان درباره رؤیت هلال جایز نیست و در خصوص سنگسار کردن، شهادت دو مرد و چهار زن جایز نیست. اما درباره این مسأله، شهادت سه مرد و دو زن جایز است.

و فرمود: شهادت زنان که فقط آنان باشند، در همه اموری که برای مردان نگاه به آن جایز نیست، جایز است. و شهادت زن قابله، به تنهایی، در خصوص زنی که در حال نفاس است، جایز است.

۷۱۱- شهادت زن و شوهر به نفع یکدیگر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: تجوز شهادة الرجل لامرأته و المرأة لزوجها إذا كان معها غيرها. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: شهادت مرد به نفع همسرش و شهادت زن به نفع شوهرش، هنگامی که همراه زن، زنی دیگر نیز باشد، جایز است.

۷۱۲- گواهی خویشاوندان

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عمارة بن مهران قال سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه أو قال سأله بعض أصحابنا: عن الرجل يشهد لأبيه أو الأب يشهد لابنه أو الأخ لأخيه قال لا بأس بذلك إذا كان خيراً جازت شهادته لأبيه و الأب لابنه و الأخ لأخيه. (۳)

ص: ۷۷۹

۱- . الكافي ج ۷ ص ۳۹۱ ح ۸.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۳۹۲ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۳۹۳ ح ۴.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمار بن مروان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم - یا گوید: یکی از یاران پرسید: آیا فرزند می تواند برای پدر، پدر می تواند برای فرزند و برادر می تواند به نفع برادر شهادت دهد؟

فرمود: مانعی ندارد، اگر فرزند نیکوکار و مطمئن باشد، گواهی او به نفع پدر گواهی پدر به نفع فرزند و گواهی برادر به نفع برادر پذیرفته است.

۷۱۳- شهادت و گواهی شریک، اجبر و وصی

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن ثلاثة شركاء شهد إثنان على واحد قال لا يجوز شهادتهما. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الرحمن بن ابو عبد لله روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: اگر دو تن از شرکا علیه شریک سوم خود گواهی دهند (چه صورت دارد؟) فرمود: گواهی آنان جایز نیست.

۲- الشيخ الكليني، قال: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى قَالَ كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: هَلْ تُقْبَلُ شَهَادَةُ الْوَصِيِّ لِلْمَيِّتِ بَدِينٍ لَهُ عَلَى رَجُلٍ مَعَ شَاهِدٍ آخَرَ عَدْلٍ فَوْقَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ إِذَا شَهِدَ مَعَهُ آخَرُ عَدْلٍ فَعَلَى الْمُدْعَى يَمِينٌ وَ كَتَبَ أَيْضًا لِلْوَصِيِّ أَنْ يَشْهَدَ لِوَارِثِ الْمَيِّتِ صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ بِحَقِّ لَهُ عَلَى الْمَيِّتِ أَوْ عَلَى غَيْرِهِ وَ هُوَ الْقَابِضُ لِلْوَارِثِ الصَّغِيرِ وَ لَيْسَ لِلْكَبِيرِ بِقَابِضٍ فَوْقَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ نَعَمْ يَتَّبِعِي لِلْوَصِيِّ أَنْ يَشْهَدَ بِالْحَقِّ وَ لَا يَكْتُمُ الشَّهَادَةَ وَ كَتَبَ أَيْضًا تُقْبَلُ شَهَادَةُ الْوَصِيِّ عَلَى الْمَيِّتِ مَعَ شَاهِدٍ آخَرَ عَدْلٍ فَوْقَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ نَعَمْ مِنْ بَعْدِ يَمِينٍ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، گوید: محمد بن یحیی گوید: محمد بن حسن به حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیه نوشت: آیا وصی می تواند با یک شاهد دیگر گواهی دهد که این میت از فلانی طلب کار است؟

حضرت صلوات الله علیه در پاسخ نوشت: هرگاه گواه دیگری نیز گواهی کرده باشد، صاحب حق باید سوگند یاد کند.

ص: ۷۸۰

۱- . الکافی ج ۷ ص ۳۹۴ ح ۱.

۲- . الکافی ج ۷ ص ۳۹۴ ح ۳.

وی نوشت: آیا وصی می تواند به نفع وارثان بزرگسال و خردسال آن میت گواهی دهد که از آن میت یا دیگران طلبکارند؛ در حالی که اگر طلب را وصول کند، فقط سهم نابالغان در تصرف او قرار خواهد گرفت؟

حضرت صلوات الله علیه نوشت: آری، وصی باید گواهی به حق دهد و گواهی خود را کتمان نکند؛ گرچه پذیرفته نشود.

او نوشت: اگر وصی با یک عادل دیگر علیه آن میت گواهی دهد، پذیرفته خواهد شد؟

حضرت صلوات الله علیه نوشت: آری، بعد از سوگند صاحب حق.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن العلاء بن سيبان عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَا يُجِيزُ شَهَادَةَ الْأَجِيرِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علاء بن سیبانه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: همواره حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه گواهی اجیر را (در باره اربابش) جایز نمی دانست.

۷۱۴- گواهان مردود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير قال: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَمَّا يُرَدُّ مِنَ الشُّهُودِ فَقَالَ الظَّنِينُ وَ الْمُتَمَّهِمُ وَ الْخَصْمُ قَالَ قُلْتُ الْفَاسِقُ وَ الْخَائِنُ قَالَ كُلُّ هَذَا يَدْخُلُ فِي الظَّنِينِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: گواهی چه افرادی پذیرفته نمی شود؟

فرمود: گواهی افراد مظنون و مشکوک، بدنام و گواهی دشمنان، قابل قبول نخواهد بود.

گفتم: گواهی فاسق و خائن چطور؟

فرمود: گواهی فاسقان و خائنان در حکم گواهی مظنون و مشکوک است.

ص: ۷۸۱

۱- . الكافي ج ۷ ص ۳۹۴ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۳۹۵ ح ۳.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن جراح المدائني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه أنه قال: لا أقبل شهادة الفاسق إلا على نفسه.

(۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از جراح مدائنی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: من گواهی فاسق را قابل قبول نمی دانم، مگر این که علیه خودش اعتراف کند.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن زرارة بن زرارَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: لَوْ أَنَّ أَرْبَعَةَ شَهِدُوا عِنْدِي عَلَى رَجُلٍ بِالزَّوْنَى وَفِيهِمْ وَلَدُ الزَّوْنَى لَحَدَدْتُهُمْ جَمِيعًا لِأَنَّهُ لَا تَجُوزُ شَهَادَتُهُ وَلَا يَوْمُ النَّاسِ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عبيد الله بن زراره از پدرش روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: اگر چهار نفر نزد من گواهی دهند که مردی زنا کرده است و یکی از آنان زنازاده باشد، بر همه آنان حد تهمت جاری می کنم و هر کدام را حد جاری می کنم؛ چرا که شهادت زنازاده پذیرفته نیست و او نمی تواند امام جماعت بشود.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن الأعمش بن سيبان عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: لا يصلي خلف من يتبعني على الأذان و الصلاة الأجر ولا تقبل شهادته. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از علاء بن سيابه روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: کسی که برای اذان گفتن و اقامه نماز جماعت اجرت می طلبد نباید به امامت او نماز خوانده شود و گواهی او پذیرفته نیست.

۷۱۵- گواهی ملت های دیگر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي عبيدة عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: تجوز شهادة المسلمين على جميع أهل الملل ولا تجوز شهادة أهل الذممة على المسلمين. (۴)

ص: ۷۸۲

۱- . الكافي ج ۷ ص ۳۹۵ ح ۵.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۳۹۶ ح ۸.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۳۹۶ ح ۱۱.

۴- . الكافي ج ۷ ص ۳۹۸ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو عبیده روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: گواهی مسلمانان علیه همه ملت ها پذیرفته است، اما گواهی اهل ذمه علیه مسلمانان پذیرفته نیست.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ شَهَادَةِ أَهْلِ أَلْمَلَّةِ قَالَ فَقَالَ لَا تَجُوزُ إِلَّا عَلَى أَهْلِ مِلَّتِهِمْ فَإِنْ لَمْ تَجِدْ غَيْرَهُمْ جَازَتْ شَهَادَتُهُمْ عَلَى الْوَصِيَّةِ لِأَنَّهُ لَا يَصْلُحُ ذَهَابُ حَقِّ أَحَدٍ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره گواهی اهل ادیان دیگر پرسیدم.

فرمود: گواهی آنان فقط بر اهل دین خودشان جایز است. پس اگر شاهدهی غیر از آنان نباشد، گواهی آن ها بر وصیت جایز است؛ زیرا از دست رفتن حق کسی روا نیست.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى إِذَا شَهِدُوا ثُمَّ أَسْلَمُوا جَازَتْ شَهَادَتُهُمْ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: هرگاه یهودیان و مسیحیان در موردی گواهی بدهند، سپس مسلمان گردند، شهادت شان جایز است.

ص: ۷۸۳

۱- . الكافي ج ۷ ص ۳۹۸ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۳۹۸ ح ۳.

۷۱۶- حکومت مخصوص امام معصوم صلوات الله علیه است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَيْدِ لَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: اتَّقُوا الْحُكُومَةَ فَإِنَّ الْحُكُومَةَ إِنَّمَا هِيَ لِلْإِمَامِ الْعَالِمِ بِالْقَضَاءِ الْعَادِلِ فِي الْمُسْلِمِينَ لِنَبِيِّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيِّ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سلیمان بن خالد روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: از حکومت بپرهیزید! زیرا حکومت تنها برای امام آگاه از قضاوت و عادل بین مسلمانان است؛ حکومت برای پیامبر یا وصی او است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ لِشَرِيحٍ: يَا شَرِيحُ قَدْ جَلَسْتَ مَجْلِسًا لَا يَجْلِسُهُ إِلَّا نَبِيٌّ أَوْ وَصِيُّ نَبِيٍّ أَوْ شَقِيٌّ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه به شریح فرمود: ای شریح! تو در جایگاهی نشسته ای که در آن، فقط پیامبر یا وصی او و یا شخص بدبخت و شقی می نشیند.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن هِشَامِ بْنِ سَيِّدِ الْمَعِينِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: لَمَّا وَكَلَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ شُرَيْحًا الْقَضَاءِ اشْتَرَطَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يُنْفَذَ الْقَضَاءُ حَتَّى يَعْرضَهُ عَلَيْهِ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از هشام بن سالم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هنگامی که حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه قضاوت را به شریح سپرد، با او شرط نمود که در صورتی حکم را تنفیذ کند که به آن حضرت عرضه کرده باشد.

ص: ۷۸۴

۱- . الکافی ج ۷ ص ۴۰۶ ح ۱.

۲- . الکافی ج ۷ ص ۴۰۶ ح ۲.

۳- . الکافی ج ۷ ص ۴۰۶ ح ۳.

۴- الشيخ إبي حنيفه النعمان بن محمد التميمي، بإسناده عن علي صلوات الله عليه أنه قال: لا يصليح الحُكْمُ ولا الجُدودُ ولا الجُمُعَةُ إلا بإمامٍ عدلٍ. (۱)

مرحوم ابوحنيفه شيخ محمد بن نعمان تميمي، با سند خویش از حضرت اميرالمؤمنين صلوات الله عليه روايت کرده که فرمودند: صدور حکم و اجرای حدود و اقامه نماز جمعه، جز به وسيله امام عادل صحيح نيست.

۷۱۷- اصناف قضاوت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أحمد بن محمد بن خالد عن أبيه رفعه عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: القضاة أربعة ثلاثة في النارٍ و واحد في الجنة رجل قضا بجورٍ و هو يعلم فهو في النار و رجل قضا بالحق و هو لا يعلم فهو في الجنة و قال صلوات الله عليه الحُكْمُ حُكْمَانِ حُكْمُ اللَّهِ وَ حُكْمُ الْجَاهِلِيَّةِ فَمَنْ أَخْطَأَ حُكْمَ اللَّهِ حَكَمَ بِحُكْمِ الْجَاهِلِيَّةِ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از احمد محمد بن خالد از پدرش روايت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: قضاوت، چهار دسته اند؛ سه دسته در آتش و يك دسته در بهشت: کسی که قضاوت ستمگرانه می کند، در حالی که آگاهی دارد. او در آتش دوزخ است. کسی که قضاوت ستمگرانه می کند، در حالی که آگاهی ندارد. او نیز در آتش است. کسی که قضاوت حق می کند، در حالی که آگاهی ندارد. او نیز در آتش است و کسی که قضاوت حق می کند، در حالی که آگاهی دارد. او در بهشت است.

هم چنین آن حضرت فرمود: حکم، دو نوع است: حکم خدا و حکم جاهليت. پس هر کس در مورد حکم خدا راه خطا رود به حکم جاهليت حکم کرده است.

۷۱۸- قضاوت بر خلاف آنچه خداوند متعال نازل کرده است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير قال سمعت أبا عبد الله صلوات الله عليه يقول: من حَكَمَ فِي دَرْهَمَيْنِ بغيرِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَهُوَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ. (۳)

ص: ۷۸۵

۱- . دعائم الإسلام ج ۱ ص ۱۸۲. مستدرک الوسائل ج ۶ ص ۱۳ ح ۶۳۰۶.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۴۰۷ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۴۰۸ ح ۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: هر کس درباره دو درهم برخلاف آن چه خدا نازل کرده قضاوت کند، به خداوند بزرگ کافر شده است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الله بن مسيكان رفعه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من حكم في درهمين بحكم جورٍ ثم جبر عليه كان من أهل هديه الآيه: «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» فَقُلْتُ وَكَيْفَ يَجْبُرُ عَلَيْهِ فَقَالَ يَكُونُ لَهُ سَوْطٌ وَسِجْنٌ فَيَحْكُمُ عَلَيْهِ فَإِذَا رَضِيَ بِحُكْمِهِ وَإِلَّا ضَرَبَهُ بِسَوْطِهِ وَحَبَسَهُ فِي سِجْنِهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبدالله بن مسکان به صورت مرفوع روایت کرده که گفت: معصوم صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس در خصوص دو درهم حکم ستمگرانه نماید، سپس بر محکوم زور بگوید جزو افراد این آیه است: {و هر کس به آن چه که خداوند نازل کرده حکم نکند، پس آنان، همان کافراند}. (سوره مائده آیه ۴۴)

(راوی گوید): عرض کردم: چگونه به محکوم زور می گوید؟

فرمود: قاضی، تازیانه و زندانی داشته باشد و بر محکوم حکم کند. پس هر گاه محکوم، به حکم او راضی شد، (چه بهتر) و گرنه او را با تازیانه اش بزند و در زندان خود، زندانی کند.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن معاوية بن وهب قال سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: أَيُّ قَاضٍ قَضَى بَيْنَ اثْنَيْنِ فَأَخْطَأَ سَقَطَ أَبْعَدَ مِنَ السَّمَاءِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از معاویه بن وهب روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: هر قاضی که بین دو نفر قضاوت نماید و در حکم اشتباه کند، (گویی) از فراتر از آسمان سقوط کرده است.

۷۱۹- کسی که فتوا می دهد، ضامن آن فتوا خواهد بود

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عبد الرحمن بن الحجاج قال: كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَاعِدًا فِي حَلْفِهِ رَيْبِعَهُ الرَّأْيِ فَجَاءَ أَعْرَابِيٌّ فَسَأَلَ رَيْبِعَهُ الرَّأْيِ عَنْ مَسْأَلَةٍ فَأَجَابَهُ فَلَمَّا

ص: ۷۸۶

۱- . الكافي ج ۷ ص ۴۰۸ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۴۰۸ ح ۴.

سَكَتَ قَالَ لَهُ الْأَعْرَابِيُّ أَ هُوَ فِي عُنُقِكَ فَسَكَتَ عَنْهُ رَبِيعَهُ وَ لَمْ يَرُدَّ عَلَيْهِ شَيْئًا فَأَعَادَ عَلَيْهِ الْمَسْأَلَةَ فَأَجَابَهُ بِمِثْلِ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ الْأَعْرَابِيُّ أَ هُوَ فِي عُنُقِكَ فَسَكَتَ رَبِيعَهُ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي عُنُقِهِ قَالَ أَوْ لَمْ يَقُلْ وَ كُلُّ مُفْتٍ ضَامِنٌ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الرحمن بن حجاج روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در مجلس ربیعہ الرأی، قاضی مدینه حاضر بود. عربی بادیه نشین آمد و پرسشی مطرح کرد. ربیعہ به او پاسخ داد.

آن مرد عرب گفت: آیا مسئولیت این فتوا را بر عهده خواهی گرفت؟

ربیعہ پاسخی نداد. مرد عرب مجددا پرسش خود را تکرار کرد. ربیعہ نیز همان فتوای قبلی را تکرار نمود.

مرد عرب پرسید: مسئولیت این فتوا بر گردن توست؟

ربیعہ باز هم ساکت ماند.

حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه به آن مرد فرمود: مسئولیت این فتوا بر گردن اوست؛ خواه اعتراف کند یا اعتراف نکند و کسی که فتوا می دهد، ضامن آن فتوا خواهد بود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَنْ أفتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى مِنَ اللَّهِ لَعْنَتُهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَمَلَائِكَةُ الْعَذَابِ وَ لِحِقِّهِ وَزُرٌّ مِنْ عَمَلِ بَقِيَّةِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو عبیده روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: هر کس بدون علم و دانش و هدایتی از جانب خدا فتوا بدهد، فرشتگان رحمت و فرشتگان عذاب بر او نفرین می کنند و هر خطایی که با فتوای او صورت بگیرد، وزر و وبال آن دامن او را خواهد گرفت.

۷۲۰- حقوق قاضی و حکم رشوه گرفتن در قضاوت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَمَانَ قَالَ: سئل أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَنْ قَاضٍ بَيْنَ قَرَيْتَيْنِ يَأْخُذُ مِنَ السُّلْطَانِ عَلَى الْقَضَاءِ الرِّزْقَ فَقَالَ ذَلِكَ الشُّعْثُ. (۳)

ص: ۷۸۷

۱- . الكافي ج ۷ ص ۴۰۹ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۴۰۹ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۴۰۹ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدند: یکی قاضی که برای دو آبادی منصوب است برای قضاوت، حقی از حاکم دریافت کند (چه صورت دارد؟) فرمود: این سحت است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: الرَّشَا فِي الْحُكْمِ هُوَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سماعه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رشوه گرفتن برای صدور حکم، همان کفر به خداوند است.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن يَزِيدَ بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ السُّحْتِ فَقَالَ هُوَ الرَّشَا فِي الْحُكْمِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یزید بن فرقد روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره سحت پرسیدم.

فرمود: آن، رشوه در حکم است.

۷۲۱- کسی که در حکم ستم کند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: يَدُ اللَّهِ فَوْقَ رَأْسِ الْحَاكِمِ تُرْفَرُ بِالرَّحْمَةِ فَإِذَا حَافَ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: دست خداوند روی سر حاکم است و بال های رحمت بالای سر او قرار گرفته است. پس هنگامی که او در حکم ستم کند، خداوند او را به خودش واگذار می نماید.

ص: ۷۸۸

۱- الكافي ج ۷ ص ۴۰۹ ح ۲.

۲- الكافي ج ۷ ص ۴۰۹ ح ۳.

۳- الكافي ج ۷ ص ۴۱۰ ح ۱.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي حمزة الثمالي عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ قَاضٍ كَانَ يَقْضِي بِالْحَقِّ فِيهِمْ فَلَمَّا حَضَرَهُ الْمَوْتُ قَالَ لِامْرَأَتِهِ إِذَا أَنَا مِتُّ فَأَعْسِلِينِي وَكَفِّينِي وَضَعِينِي عَلَى سِرِيرِي وَغَطِّي وَجْهِي فَإِنَّكَ لَا تَرِينَ سُوءًا فَلَمَّا مَاتَ فَعَلَتْ ذَلِكَ ثُمَّ مَكَثَتْ بِعَدْلِكَ حِينًا ثُمَّ إِنَّهَا كَشَفَتْ عَنْ وَجْهِهِ لِتَنْظُرَ إِلَيْهِ فَإِذَا هِيَ بِدُودِهِ تَقْرُضُ مَنْخَرَهُ فَفَزِعَتْ مِنْ ذَلِكَ فَلَمَّا كَانَ اللَّيْلُ أَتَاهَا فِي مَنَامِهَا فَقَالَ لَهَا أَفْرَعُكَ مَا رَأَيْتِ قَالَتْ أَجَلٌ لَقَدْ فَرَعْتُ فَقَالَ لَهَا أَمَا لَيْتُ كُنْتُ فَرَعْتُ مَا كَانَ الَّذِي رَأَيْتِ إِلَّا فِي أَخِيكَ فَلَانَ أَتَانِي وَمَعَهُ خَصْمٌ لَهُ فَلَمَّا جَلَسَا إِلَيَّ قُلْتُ اللَّهُمَّ اجْعَلِ الْحَقَّ لَهُ وَوَجْهَ الْقَضَاءِ عَلَى صَاحِبِهِ فَلَمَّا اخْتَصَمَا إِلَيَّ كَمَا أَنَّ الْحَقَّ لَهُ وَرَأَيْتُ ذَلِكَ بَيْنَا فِي الْقَضَاءِ فَوَجَّهْتُ الْقَضَاءَ لَهُ عَلَى صَاحِبِهِ فَأَصَابَنِي مَا رَأَيْتُ لِمَوْضِعِ هَوَايَ كَانَ مَعَ مُوَافَقِهِ الْحَقِّ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو حمزه ثمالی روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: در بنی اسرائیل یک قاضی بود که در میان آنان به حق قضاوت می کرد، هنگامی که مرگش فرارسید به همسر خود گفت: آنگاه که من از دنیا رفتم، مرا غسل ده، کفن کن و روی تخت قرار ده و صورتم را بپوشان تا چیز ناپسند و زشتی مشاهده نکنی.

هنگامی که قاضی از دنیا رفت، زن به دستور او عمل کرد. سپس مدتی به همان صورت درنگ کرد. آن گاه صورتش را باز کرد تا او را ببیند. در این هنگام متوجه شد که کرمی سوراخ بینی او را می برید. زن ترسید. آن گاه که شب فرا رسید، شوهرش به خوابش آمد و به او گفت: آیا چیزی که مشاهده کردی تو را ترساند؟

گفت: آری، ترسیدم.

شوهرش گفت: آگاه باش! اگر از، آن چه که مشاهده کردی ترسیدی، فقط به خاطر برادرت، فلانی بود. او نزد من آمد، در حالی که دشمنش همراهش بود. هنگامی که نزد من نشستند، با خودم گفتم: خدایا! حق را به نفع او و حکم را به ضرر دشمنش قرار ده.

هنگامی که شکایت خود را نزد من بازگو کردند، حق با برادرت بود که آن را به طور آشکار در قضاوت دریافتم. اما به ضرر دشمن او حکم نمودم. پس به آن چه که دیدی دچار شدم. به خاطر هوای نفسم که همراه موافقت حق بود.

ص: ۷۸۹

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: مَرَّ بِي أَبُو جَعْفَرٍ وَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَ أَنَا جَالِسٌ عِنْدَ قَاضٍ بِالْمَدِينَةِ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ مِنَ الْغَدِ فَقَالَ لِي مَا مَجْلِسٌ رَأَيْتَكَ فِيهِ أَمْسَ قَالَ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ هَذَا الْقَاضِيَ لِي مُكْرِمٌ فَرَبَّمَا جَلَسْتُ إِلَيْهِ فَقَالَ لِي وَ مَا يُؤْمِنُكَ أَنْ تَنْزَلَ اللَّعْنَةُ فَتَنَعَمَ مَنْ فِي الْمَجْلِسِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: من در مدینه نزد یک قاضی نشسته بودم که حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه و حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه از کنار من گذشت. فردای آن روز به خدمت آن حضرت شرف یاب شدم، حضرت به من فرمود: آن مجلسی که دیروز تو را در آن دیدم، چه بود؟

عرض کردم: قربانت کردم! این قاضی، مرا گرامی می دارد. من نیز گاهی نزد او می نشینم.

حضرت به من فرمود: چه چیزی تو را اطمینان می دهد که لعنت الهی نازل گردد و همه حاضران در آن مجلس را فراگیرد؟!

۷۲۳- نهی از دادخواهی به قاضیان ستمگر

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ قَدَّمَ مُؤْمِنًا فِي خُصُومَةٍ إِلَيَّ قَاضٍ أَوْ سُلْطَانٍ جَائِرٍ فَقَضَى عَلَيْهِ بِغَيْرِ حُكْمٍ اللَّهِ فَقَدْ شَرِكُهُ فِي الْإِثْمِ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر مؤمنی از دست برادر دینی خود به قاضی و یا حاکم ستمگر شکایت کند و آنان بر خلاف حکم خدا قضاوت کنند، در گناه قاضی و حاکم، شریک و سهیم خواهد بود.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: أَيُّمَا رَجُلٍ كَانَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَخٍ لَهُ مُمَارَاةً فِي حَقِّ فِدَاعِهِ إِلَى رَجُلٍ مِنْ إِخْوَانِهِ لِيُحْكَمَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُ فَأَبَى إِلَّا أَنْ يُرَافِعَهُ إِلَى هَوْلَاءِ كَمَا كَانَ بِمَنْزِلَةِ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ

ص: ۷۹۰

۱- . الكافي ج ۷ ص ۴۱۰ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۴۱۱ ح ۱.

آمَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ الآيَةَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر کس با برادر دینی خود نزاع کند و او را دعوت نماید تا به داوری قضات برادران ایمانی خودش رضایت دهد، ولی برادرش به چنین قضاوتی رضایت ندهد، مگر آن که به حکام جور شکایت نماید، به منزله کسانی است که خداوند می فرماید: {آیا به کسانی نمی نگری که پندارند به آن چه بر تو و پیامبران پیشین نازل کردیم ایمان دارند و می خواهند از طاغوت دادخواهی نمایند، با آن که دستور دارند که به طاغوت کافر شوند - تا آخر آیه}. (سوره نساء آیه ۶۰)

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ» فَقَالَ يَا أَبَا بَصِيرٍ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ عَلِمَ أَنَّ فِي الْأُمَّةِ حُكَّامًا يَجُورُونَ أَمَا إِنَّهُ لَمْ يَعْزِمْ حُكَّامَ أَهْلِ الْعَدْلِ وَ لَكِنَّهُ عَنَى حُكَّامَ أَهْلِ الْجَوْرِ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّهُ لَوْ كَانَ لَكَ عَلَى رَجُلٍ حَقٌّ فَدَعَوْتَهُ إِلَى حُكَّامِ أَهْلِ الْعَدْلِ فَأَبَى عَلَيْكَ إِلَّا أَنْ يُرَافِعَ بِكَ إِلَى حُكَّامِ أَهْلِ الْجَوْرِ لِيَقْضُوا لَهُ لَكَ مِمَّنْ حَاكَمَ إِلَى الطَّاغُوتِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ». (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: در خدمت حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه این آیه قرآن را تلاوت کردم: {و اموال یک دیگر را به ناحق مخورید، که بخشی را به قاضیان بسپارید}. (سوره بقره آیه ۱۸۸)

فرمود: ای ابا بصیر! خداوند می دانست که در میان امت گروهی از راه جور و ستم به داوری و قضاوت می پردازند. هان که منظور خداوند قاضیان عادل نیست، بلکه مقصود قاضیان ستمگر است.

ای ابا محمد! اگر بر عهده کسی حقی داشته باشی و او را به قضاوت قاضیان عادل بخوانی و او نپذیرد، جز آن که تو را به قضاوت اهل ستم بکشاند تا به سود او قضاوت نمایند، چنان است که از طاغوت سرکش

ص: ۷۹۱

۱- . الکافی ج ۷ ص ۴۱۱ ح ۲.

۲- . الکافی ج ۷ ص ۴۱۱ ح ۳.

دادخواهی کرده باشد. و این است کلام خدا که می فرماید: {آیا به کسانی نمی نگری که می پندارند به آن چه بر تو و پیامبران پیشین نازل شده ایمان دارند و می خواهند از طاغوت دادخواهی کنند، با آن که دستور دارند که به طاغوت کافر شوند}. (سوره نساء آیه ۶۰)

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي خديجه قال قال لي أبو عبد الله صلوات الله عليه: إياكم أن يحاكم بعضكم بعضاً إلى أهل الجور و لكن أنظروا إلى رجل منكم يعلم شيئاً من قضائنا فاجعلوه بينكم فإني قد جعلته قاضياً فتحاكموا إليه. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو خدیجه روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه به من فرمود: بپرهیزید از این که برخی از شما، از برخی دیگر، به نزد اهل ستم به محاکمه بروید. اما یکی از خودتان را در نظر بگیرید که چیزی از احکام ما را بداند و او را میان خود، قاضی قرار دهید؛ زیرا من او را قاضی قرار داده ام. پس نزد او برای محاکمه بروید.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن عمر بن حنظله قال: سألت أبا عبد الله صلوات الله عليه عن رجلين من أصحابنا يكون بينهما منازعة في دين أو ميراث فتحاكما إلى السلطان أو إلى القضاة أو يحل ذلك فقال من تحاكم إلى الطاغوت فحكم له فإنما يأخذ سُخْتاً و إن كان حقه ثابتاً لأنه أخذ بحكم الطاغوت و قد أمر الله أن يكفر به قلت كيف يصنعان قال أنظروا إلى من كان منكم قد روى حديثنا و نظر في حلالنا و حرامنا و عرف أحكامنا فارضوا به حكماً فإني قد جعلته عليكم حاكماً فإذا حكم بحكمنا فلم يقبله منه فإنما بحكم الله قد استخف و علينا رد و الراد علينا الراد على الله و هو على حد الشرك بالله. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عمر بن حنظله روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه پرسیدم: بین دو نفر از یاران ما منازعه ای درباره بدهی یا میراث است. آنان نزد قاضیان محاکمه نمودند؛ آیا جایز است؟

ص: ۷۹۲

۱- . الكافي ج ۷ ص ۴۱۲ ح ۴.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۴۱۲ ح ۵.

فرمود: هر کس برای محاکمه نزد طاغوت برود و به نفعش حکم گردد، همانا از روی ظلم و ستم آن را گرفته است؛ گرچه حق او اثبات شده باشد؛ زیرا او، آن را با حکم طاغوت به دست آورده است، در حالی که خداوند فرمان داده که به آن کافر شوند.

عرض کردم: چگونه مسأله را حل کنند؟

فرمود: مردی از خودتان را در نظر بگیرید که حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما بنگرد و از احکام ما آگاه باشد. پس او را به حکمیت بپذیرید؛ زیرا من او را بر شما قاضی نمودم. پس هر گاه طبق حکم ما داوری نماید و یکی از دو طرف دعوی حکم را از او نپذیرد، همانا حکم خدا را سبک شمرده و بر ما رد نموده است و رد کننده بر ما، رد کننده بر خداوند است و این، در حد و اندازه شرک به خداوند است.

۷۲۴- آداب قضاوت

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سلمة بن كهيل قال: سمعت علياً صلوات الله عليه يقول لشریح أنظره إلى أهل المعك والمطل و دفع حقوق الناس من أهل المقدره و اليسار ممن يدلي بأموال المسلمين إلى الحكام فخذ للناس بحقوقهم منهم و بع فيها العقار و الديار فإني سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول مطلق المسلم الموسر ظلم للمسلم و من لم يكن له عقار و لا دار و لا مياال فلا سبيل عليه و اعلم أنه لا يحمل الناس على الحق إلا من ورعهم عن الباطل ثم واس بين المسلمين بوجهك و منطقتك و مجلسك حتى لا يطمع قريبيك في خيفك و لا يئاس عدوك من عدلك و رد اليمين على المدعى مع بينه فإن ذلك أجلى للعمى و أثبت في القضاء و اعلم أن المسلمين عدول بعضهم على بعض إلا مجلوداً في حد لم يثبت منه أو معروف بشهاده زور أو ظنين و إياك و التضرر و التأذي في مجلس القضاء الذي أوجب الله فيه الأجر و يحسن فيه الذخر لمن قضى بالحق و اعلم أن الصلح جائز بين المسلمين إلا صلحاً حراماً أو حلاً حراماً و اجعل لمن ادعى شهوداً غيباً أمداً بينهما فإن أخضرهم أخذت له بحقه و إن لم يخطه زهم أوجبته عليه القضيته فإياك أن تنفذ فيه قضيته في قضاياص أو حيداً من حيدود الله أو حيقاً من حقوق المسلمين حتى تعرض ذلك على إن شاء الله و لا تقعدن في مجلس القضاء حتى تطعم. (۱)

ص: ۷۹۳

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سلمه بن کهیل روایت کرده که گفت: از حضرت مولا علی صلوات الله علیه شنیدم که به شریح می فرمود: اهل درنگ و امروز و فردا کردن را بنگر و حقوق مردم را از توانگران و گشاده روزیان، که دارایی مسلمانان را به حکام می پردازند، بستان. پس حقوق مردم را از آنان بازستان و به خاطر ستاندن حق مردم، زمین و خانه های آنان را بفروش؛ زیرا از رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: امروز و فردا کردن مسلمانی که توانایی مالی دارد، ظلم به مسلمان صاحب حق است و هر کس که نه زمینی دارد و نه خانه ای و نه اموالی، سلطه ای بر او نیست.

و بدان! هیچ کس مردم را به سوی حق نمی برد، جز کسی که آنان را از باطل باز می دارد.

آن گاه با چهره، سخن گفتن و جایگاه نشستن خود، میان مسلمانان مساوات برقرار کن تا کسی که نزدیک توست، به ستم تو طمع نکند و کسی که از تو دور است، از عدل تو ناامید نشود و سوگند را همراه دلیل و شاهد، به مدعی برگردان؛ زیرا این کار، برای فرد ناآگاه، روشن گر و در قضاوت استوارتر است.

و بدان که برخی از مسلمانان، نسبت به برخی دیگر، عادل هستند؛ جز کسی که به خاطر حدی که از آن توبه نکرده، تازیانه خورده است، یا کسی که به شهادت دروغین دادن معروف باشد و یا کسی که مظنون است.

پرهیز از این که در مجلس قضاوتی که خداوند در آن پاداش قرار داده و نیکی را برای کسی که به حق داوری کند ذخیره کرده، بی قراری کنی و خود را آزار دهی.

و بدان که صلح، بین مسلمانان جایز است؛ جز صلحی که حلالی را حرام کند یا حرامی را حلال کند. و برای کسی که ادعا می کند شاهدانی دارد که غایب هستند، وقت معینی بین مدعی و منکر قرار ده. پس اگر شهود خود را حاضر نمود، حق او ستانده می شود و اگر آنان را حاضر نکرد، حکم بر او لازم می گردد.

پس پرهیز که در امر قضاوت، در خصوص قصاص یا حدی از حدود خدا و یا حقی از حقوق مسلمانان، حکمی را نافذ گردانی، تا این که آن را بر من عرضه کنی؛ ان شاء الله. و به هیچ وجه در جایگاه قضاوت ننشین، تا این که غذا بخوری.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ لِشَرِيحٍ لَا تُسَارَّ أَحَدًا فِي مَجْلِسِكَ وَإِنْ غَضِبْتَ فَقُمْ فَلَا تَقْضِينَ فَأَنْتَ غَضَبَانُ قَالَ

وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِسَانُ الْقَاضِي وَرَاءَ قَلْبِهِ فَإِنْ كَانَ لَهُ قَالَ وَ إِنْ كَانَ عَلَيْهِ أَمْسَكَ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از احمد بن ابی عبدالله به صورت مرفوع روایت کرده که گفت: راوی گوید: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه به شریح فرمود: در مجلس قضاوت خود با هیچ کس راز نگو و اگر خشمگین شدی برخیز و هرگز با حال خشم داوری نکن.

راوی گوید: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: زبان قاضی پشت قلب اوست. پس اگر قلبش در اختیار او باشد، حکم کند. و اگر قلبش علیه او باشد از قضاوت خودداری کند.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ دَاوُدَ بْنِ أَبِي يَزِيدَ عَمَّنْ سَمِعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِذَا كَانَ الْحَاكِمُ يَقُولُ لِمَنْ عَنْ يَمِينِهِ وَ لِمَنْ عَنْ يَسَارِهِ مَا تَرَى مَا تَقُولُ فَعَلَى ذَلِكَ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ إِلَّا يَقُومُ مِنْ مَجْلِسِهِ وَ تُجْلِسُ لَهُمْ مَكَانَهُ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از داود بن یزید از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه قاضی به افرادی که در دو طرف راست و چپ او نشسته اند بگوید: نظرت چیست؟ چه می گویی؟ پس بر او، لعنت خداوند و فرشتگان و مردم، همگی باد! مگر این که از جایگاه خود برخیزد و آن افراد را به جای خود قرار دهد.

۷۲۵- قضاوت با شاهد و سوگند

۱- الشيخ الصدوق، بإسناده عَنْ صُهَيْبِ بْنِ عَبَّادٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَضَى بِالْيَمِينِ مَعَ الشَّاهِدِ الْوَاحِدِ وَ أَنَّ عَلِيًّا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَضَى بِهِ بِالْعِرَاقِ. (۳)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از صهیب بن عباد از پدرش از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله با یک شاهد همراه با قسم حکم داد و علی صلوات الله علیه هم در عراق بدان حکم داد.

ص: ۷۹۵

۱- . الكافي ج ۷ ص ۴۱۳ ح ۵.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۴۱۴ ح ۶.

۳- . أمالي (للصدوق) ص ۳۶۳. بحارالانوار ج ۱۰۱ ص ۲۲۷ ح ۱.

۲- الشيخ عبد الله بن جعفر الحميري، بإسناده عن أحمد بن محمد بن أبي نصر البزنطي قال سمعت الرضا صلوات الله عليه يقول: قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَجْتَرُّونَ بِشَاهِدٍ وَاحِدٍ وَيَمِينٍ قَالَ نَعَمْ قَضَى بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ قَضَى بِهِ عَلِيُّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ بِشَاهِدٍ وَيَمِينٍ فَعَجِبَ أَبُو حَنِيفَةَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَعْجَبُ مِنْ هَذَا أَنْكُمْ تَقْضُونَ بِشَاهِدٍ وَاحِدٍ فِي مَائِهِ شَاهِدٍ وَ تَجْتَرُّونَ بِشَهَادَاتِهِمْ بِقَوْلِهِ فَقَالَ لَهُ لَا نَفْعَ لِي تَتَّبِعُونَ رَجُلًا وَاحِدًا فَيَسْأَلُ عَنْ مَائِهِ شَاهِدٍ فَتَجِيزُونَ شَهَادَاتِهِمْ بِقَوْلِهِ وَإِنَّمَا هُوَ رَجُلٌ وَاحِدٌ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ السُّنَّةَ لَا تُقَاسُ. (۱)

مرحوم شیخ عبدالله بن جعفر حمیری، با سند خویش از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: ابو حنیفه به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفت: چگونه با سوگند همراه با یک شاهد حکم می دهید؟

حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله بدان حکم کرد و حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه هم نزد شما به یک شاهد و سوگند حکم داد. ابوحنیفه تعجب کرد!

حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: شگفت آورتر این است که شما با شهادت یکی، حکم به شهادت صد نفر می دهید و شهادت آن صد نفر را مجزی می دانید؟

ابوحنیفه گفت: این کار را نمی کنیم.

حضرت فرمود: بلی می کنید. صد نفر شهادت می دهند، شما یک نفر را می فرستید و آن یک نفر درباره آنان تحقیق می کند. سپس شهادت آنان را به گفته این یک نفر، مجزی می دانید.

ابو حنیفه گفت: چه تفاوتی میان سائیان محرم و چادر وجود دارد؟

حضرت فرمود: به راستی که سنت قیاس نمی شود.

ص: ۷۹۶

۷۲۶- دلیل و شاهد بر عهده مدعی و سوگند به عهده منکر است

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن جميل و هشام عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أَلْبَيْتُهُ عَلَى مَنْ ادَّعَى وَ أَلْيَمِينُ عَلَى مَنْ ادَّعَى عَلَيْهِ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از جميل و هشام روایت کرده که گفتند: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: رسول الله صلى الله عليه وآله فرمود: دلیل و شاهد به عهده مدعی و سوگند به عهده منکر است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي بصير عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إِنَّ اللَّهَ حَكَمَ فِي دِمَائِكُمْ بِغَيْرِ مَا حَكَمَ بِهِ فِي أَمْوَالِكُمْ حَكَمَ فِي أَمْوَالِكُمْ أَنَّ الْبَيْتَ عَلَى الْمُدَّعَى وَ الْيَمِينَ عَلَى الْمُدَّعَى عَلَيْهِ وَ حَكَمَ فِي دِمَائِكُمْ أَنَّ الْبَيْتَ عَلَى مَنْ ادَّعَى عَلَيْهِ وَ الْيَمِينَ عَلَى مَنْ ادَّعَى لِكَيْلَا يَنْظَلَ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو بصير روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: خداوند در مورد خون های شما، به غیر آن چه که درباره اموال تان حکم نموده، حکم فرموده است. درباره اموال تان حکم نموده که دلیل و گواه به عهده مدعی و سوگند به عهده منکر است. اما درباره خون های شما حکم نموده که دلیل و گواه به عهده منکر و سوگند به عهده مدعی است، تا خون مرد مسلمانی به هدر نرود.

۷۲۷- باز گرداندن سوگند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا: فِي الرَّجُلِ يَدَّعَى وَ لَا بَيْتَ لَهُ قَالَ يَسْتَحْلِفُهُ فَإِنْ رَدَّ الْيَمِينَ عَلَى صَاحِبِ الْحَقِّ فَلَمْ يَخْلِفْ فَلَا حَقَّ لَهُ. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه درباره شخص مدعی که دو شاهد عادل نداشته باشد

ص: ۷۹۷

۱- الكافي ج ۷ ص ۴۱۵ ح ۱.

۲- الكافي ج ۷ ص ۴۱۵ ح ۲.

۳- الكافي ج ۷ ص ۴۱۶ ح ۱.

فرمود: او را سوگند می دهند. پس اگر سوگند را به صاحب حق برگرداند و خودش سوگند یاد نکند، حقی نخواهد داشت.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ يُونُسَ عَمَّنْ رَوَاهُ قَالَ: اسْتِخْرَاجُ الْحُقُوقِ بِأَرْبَعِهِ وَجُوهٍ بِشَهَادَةِ رَجُلَيْنِ عَدْلَيْنِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ رَجُلَيْنِ عَدْلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ امْرَأَتَانِ فَرَجُلٌ وَيَمِينُ الْمُدْعَى فَإِنْ لَمْ يَكُنْ شَاهِدًا فَالْيَمِينُ عَلَى الْمُدْعَى عَلَيْهِ فَإِنْ لَمْ يَخْلِفْ [وَأَرَادَ الْيَمِينُ عَلَى الْمُدْعَى فَهُوَ وَاجِبٌ عَلَيْهِ أَنْ يَخْلِفَ وَيَأْخُذَ حَقَّهُ فَإِنْ أَبَى أَنْ يَخْلِفَ فَلَا شَيْءَ لَهُ. (۱)]

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یونس از یکی از راویان روایت کرده که گفت: (معصوم صلوات الله علیه) فرمود: به دست آوردن حقوق از چهار طریق حاصل می شود: با شهادت دو مرد عادل. اگر دو مرد عادل نبود، یک مرد و دو زن. اگر دو زن نبود، یک مرد به همراه سوگند مدعی. اگر هیچ شاهی نبود، سوگند به عهده منکر است. اگر منکر سوگند نخورد و آن را به مدعی برگرداند، بر مدعی واجب است که سوگند یاد نموده و حق خود را بگیرد. پس اگر از سوگند یاد کردن خودداری کرد، حقی نخواهد داشت.

۷۲۸- کسی که دلیل و شاهی دارد سوگندی به عهده او نیست

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنِ الرَّجُلِ يُقِيمُ الْبَيْتَةَ عَلَى حَقِّهِ هَلْ عَلَيْهِ أَنْ يُسْتَحْلَفَ قَالَ لَا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه پرسیدم: مردی برای حق خود دلیل و شاهی اقامه می کند؛ آیا باید از او سوگند بخواهند؟

فرمود: نه.

۷۲۹- کسی که به سوگند یاد کردن راضی باشد و برای او سوگند یاد شود دیگر ادعایی ندارد

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِذَا رَضِيَ صَاحِبُ الْحَقِّ بِيَمِينِ الْمُنْكَرِ لِحَقِّهِ فَاسْتَحْلَفَهُ فَحَلَفَ أَنْ لَا حَقَّ لَهُ قَبْلَهُ ذَهَبَتِ الْيَمِينُ بِحَقِّ الْمُدْعَى فَلَا دَعْوَى لَهُ قُلْتُ لَهُ وَ إِنْ كَانَتْ عَلَيْهِ بَيْنَهُ عَادِلَةٌ قَالَ نَعَمْ وَ إِنْ أَقَامَ بَعْدَ مَا

ص: ۷۹۸

۱- . الكافي ج ۷ ص ۴۱۶ ح ۳.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۴۱۷ ح ۱.

اِسْتَحْلَفَهُ بِاللَّهِ خَمْسِينَ قَسَامَةً مَا كَانَ لَهُ وَكَانَتْ الْيَمِينُ قَدْ أُبْطِلَتْ كُلُّ مَا ادَّعَاهُ قَبْلَهُ مِمَّا قَدْ اِسْتَحْلَفَهُ عَلَيْهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابن ابی یعفور روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه مدعی رضایت دهد که منکر او سوگند یاد کند و منکر سوگند یاد کند که مدعی هیچ گونه حقی بر گردن من ندارد، این سوگند حق مدعی را سلب می کند و دیگر حق ندارد دعوی خود را مطرح کند.

گفتم: گرچه برای اثبات حق خود دو شاهد عادل داشته باشد؟

فرمود: آری، اگر بعد از سوگند منکر پنجاه نفر شاهد بیاورد، باز هم حق ندارد که ادعای خود را مطرح کند. سوگند منکر، هرگونه ادعایی را که برای آن سوگند یاد کرده است سلب خواهد کرد.

کتاب سوگندها، نذرها و كفاره ها

۷۳۰- کراهت سوگند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي أيوب الخزاز قال سَجَعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: لَا تَحْلِفُوا بِاللَّهِ صَادِقِينَ وَلَا كَاذِبِينَ فَإِنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ». (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو ایوب خزاز گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

به خدا سوگند یاد نکنید، چه راست و چه دروغ؛ چراکه خداوند متعال می فرماید: {و نام خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید}. (سوره بقره آیه ۲۲۴)

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن الحکم عن بعض أصحابنا عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إذا ادَّعَى عَلَيْكَ مَالٌ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ عَلَيْكَ فَأَرَادَ أَنْ يُحْلِفَكَ فَإِنْ بَلَغَ مِثْقَالَ ثَلَاثِينَ دِرْهَمًا فَأَعْطِهِ وَلَا تَحْلِفْ وَإِنْ كَانَ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَاحْلِفْ وَلَا تُعْطِهِ. (۳)

ص: ۷۹۹

۱- . الكافي ج ۷ ص ۴۱۷ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۴۳۴ ح ۱.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۴۳۵ ح ۶.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن حکم از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه علیه تو ادعای اموالی شد و مدعی در واقع حقی بر تو ندارد و می خواهد تو را سوگند دهد، پس اگر آن اموال به اندازه سی درهم برسد، آن را به او بده و قسم نخور و اگر بیشتر از سی درهم باشد، سوگند یاد کن و آن را به او نده.

۷۳۱- سوگند دروغ

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن يعقوب الأحمري قال قال أبو عبد الله صلوات الله عليه: مَنْ حَلَفَ عَلَى يَمِينٍ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ كَاذِبٌ فَقَدْ بَارَزَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یعقوب احمر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: کسی که بر صحت ادعای خود سوگند یاد می کند و می داند که ادعای او دروغ است، رودررو با خداوند عز و جل به جنگ برخاسته است.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي عبيدة الحذاء عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال إن في كتاب علي صلوات الله عليه: أن اليمين الكاذبة وقطيعة الرحم تذران الديار بلائع من أهلها وتغلل الرحم يعني إنقطاع النسل. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو عبیده حذاء روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: در کتاب علی صلوات الله علیه چنین آمده است: سوگند دروغ و قطع پیوند خویشاوندی، سرزمین ها را برای اهالی آن، خشک و بی آب و علف می کند و نسل را نابود می سازد.

۷۳۲- سوگند فقط به نام خدا

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي أيوب الخزاز عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: مَنْ حَلَفَ بِاللَّهِ فَلْيَصِدْقٌ وَ مَنْ لَمْ يَصِدْقْ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَ مَنْ حَلَفَ لَهُ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلْيَرِضْ وَ مَنْ لَمْ يَرْضَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (۳)

ص: ۸۰۰

۱- . الكافي ج ۷ ص ۴۳۵ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۴۳۶ ح ۹.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۴۳۸ ح ۲.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو ایوب خزاز روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: کسی که به نام خدا سوگند یاد می کند، باید راست بگوید. کسی که سوگند یاد کند و راستگو نباشد، از ولایت خداوند بیرون است. برای هر کس سوگند الهی یاد کنند، باید بپذیرد و هر کس به سوگند الهی راضی نگردد، از ولایت خدا بیرون است.

۷۳۳- انواع سوگند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن علي بن حديد عن بعض أصحابنا عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: الأيمان ثلاث يمين ليس فيها كفارة ويمين فيها كفارة ويمين غموس توجب النار فاليمين التي ليس فيها كفارة الرجل يحلف بالله على باب بر أن لا يفعل فكفارته أن يفعل واليمين التي تجب فيها الكفارة الرجل يحلف على باب معصية به أن لا يفعل فيفعله فتجب عليه الكفارة واليمين الغموس التي توجب النار الرجل يحلف على حق امرئ مسلم على حنس ماله. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از علی بن حدید از یکی از اصحاب ما روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: سوگندها سه نوع اند: سوگندی که کفاره ندارد، سوگندی که کفاره دارد و سوگند دروغی که موجب آتش دوزخ است.

اما سوگندی که کفاره ندارد: شخص سوگند یاد می کند که عمل خوبی را انجام ندهد. کفاره اش این است که آن را انجام دهد. و سوگندی که موجب کفاره می شود: شخص قسم می خورد که عمل معصیتی را انجام ندهد؛ اما انجامش می دهد. پس کفاره بر او لازم می گردد. و سوگند دروغی که موجب آتش دوزخ است: شخص بر حق مرد مسلمانی سوگند یاد می کند تا آن را به دست آورد.

ص: ۸۰۱

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا يَمِينُ لَوْلَدٍ مَعَ وَالِدِهِ وَلَا لِمَمْلُوكٍ مَعَ مَوْلَاهُ وَلَا لِلْمَرْأَةِ مَعَ زَوْجِهَا وَلَا نَذْرٌ فِي مَعْصِيَةٍ وَلَا يَمِينٌ فِي قَطِيعِهِ رَحِمًا. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از منصور بن حازم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: با وجود پدر، فرزند سوگندی ندارد. با وجود مولا، برده سوگندی ندارد. با وجود شوهر، زن سوگندی ندارد و هیچ نذری در مورد معصیت و هیچ سوگندی درباره قطع رحم، صحیح نیست.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: لَا يَجُوزُ يَمِينٌ فِي تَحْلِيلِ حَرَامٍ وَلَا تَحْرِيمِ حَلَالٍ وَلَا قَطِيعِهِ رَحِمًا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: در خصوص حلال کردن حرام، حرام کردن حلال و قطع رحم کردن، سوگند جایز نیست.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ سَعْدِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ حَلَفَ فِي قَطِيعِهِ رَحِمًا فَقَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: وَلَا يَمِينٌ فِي قَطِيعِهِ رَحِمًا قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَخْلَفَهُ السُّلْطَانُ بِالطَّلَاقِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ فَحَلَفَ قَالَ لَا جُنَاحَ عَلَيْهِ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يَخَافُ عَلَى مَالِهِ مِنَ السُّلْطَانِ فَيَحْلِفُ لِيُنْجُو بِهِ مِنْهُ قَالَ لَا جُنَاحَ عَلَيْهِ وَ سَأَلْتُهُ هَلْ يَحْلِفُ الرَّجُلُ عَلَى مَالِ أَخِيهِ كَمَا عَلَى مَالِهِ قَالَ نَعَمْ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسماعیل بن سعد اشعری روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله علیه پرسیدم: اگر انسان سوگند یاد کند که با برخی از خویشان خود قطع رابطه نماید (چه صورت دارد؟)

ص: ۸۰۲

۱- . الكافي ج ۷ ص ۴۴۰ ح ۶.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۴۳۹ ح ۲. الكافي ج ۷ ص ۴۳۹ ح ۲.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۴۴۰ ح ۴.

فرمود: رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرموده: هیچ نذری برای نافرمانی خدا منعقد نمی شود. و هیچ سوگندی برای قطع رابطه با خویشان، تعهد نمی آورد.

پرسیدم: اگر حاکم کسی را مجبور کند که برای طلاق و نظیر آن سوگند یاد کند و او سوگند یاد کند، (چه صورت دارد؟) فرمود: برای او گناهی ندارد.

پرسیدم: اگر انسان از حاکم بترسد که اموالش را مصادره کند، از این رو به نداشتن مالی سوگند یاد کند تا خود را نجات دهد، چه صورت دارد؟

فرمود: برای او گناهی ندارد.

پرسیدم: انسان می تواند برای حفظ اموال دیگران نیز سوگند یاد کند؟

فرمود: آری.

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي الحلبي عن أبي عبد الله صلوات الله عليه: فِي رَجُلٍ جَعَلَ لِلَّهِ عَلَيْهِ نَذْرًا وَ لَمْ يُسَمِّهِ قَالَ إِنْ سَمِيَ فَهُوَ الَّذِي سَمِيَ وَإِنْ لَمْ يُسَمَّ فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره مردی که برای خدا، نذری به عهده خود قرار داد و آن را اسم نبرد، فرمود: اگر اسم برده باشد، همان نذری است که اسم برده است و اگر اسم نبرده باشد، چیزی به عهده او نیست.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي الصباح قال وَ اللَّهُ لَقَدْ قَالَ لِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا: إِنَّ اللَّهَ عَلَّمَ نَبِيَّهُ التَّنْزِيلَ وَ التَّأْوِيلَ فَعَلَّمَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلِيًّا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ وَ عَلَّمَنَا وَ اللَّهُ تُمَّ قَالَ مَا صَنَعْتُمْ مِنْ شَيْءٍ أَوْ حَلَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ يَمِينٍ فِي تَقِيَّتِهِ فَأَنْتُمْ مِنْهُ فِي سَعَةٍ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو صباح روایت کرده که گفت: به خدا سوگند که حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه به من فرمود: خداوند عز و جل ظاهر و باطن قرآن را به پیامبرش آموخت و رسول

ص: ۸۰۳

۱- . الكافي ج ۷ ص ۴۴۱ ح ۱۰.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۴۴۲ ح ۱۵.

الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ رَأَى بِه حَضْرَتِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ صَلَوَاتِ اللهُ عَلَيْهِ أَمُوخت و ما نيز ظاهر و باطن قرآن را آموخته ايم.

سپس فرمود: هر عملی که به خاطر تقیه انجام دهید و یا هر سوگندی که یاد کنید، درباره به آن آزادی کامل دارید.

۶- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا يَمِينُ فِي غَضَبٍ وَلَا فِي قَطِيعَةٍ رَحِمٍ وَلَا فِي جَبْرٍ وَلَا فِي إِكْرَاهٍ قَالَ قُلْتُ أَضِلَّحَكَ اللَّهُ فَمَا فَرَّقَ بَيْنَ الْإِكْرَاهِ وَالْجَبْرِ قَالَ الْجَبْرُ مِنَ السُّلْطَانِ وَيَكُونُ الْإِكْرَاهُ مِنَ الزَّوْجَةِ وَالْأُمَّ وَالْأَبِ وَ لَيْسَ ذَلِكَ بِشَيْءٍ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از عبد الله بن سنان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه فرمود: سوگندی در حال خشم و درباره قطع رحم و در حال اجبار و در حال اکراه، صحیح نیست.

عرض کردم: خداوند کارهای شما را اصلاح کند! فرق بین اجبار و اکراه چیست؟

فرمود: اجبار از سوی پادشاه و اکراه از سوی همسر، مادر و پدر است و با وجود آن، سوگند و نذری منعقد نمی شود.

۷۳۵- سوگند بیهوده

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ» قَالَ اللَّغْوُ قَوْلُ الرَّجُلِ لَا وَاللَّهِ وَبَلَى وَاللَّهِ وَلَا يَعْقِدُ عَلَى شَيْءٍ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از مسعده بن صدقه روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله عليه شنیدم که درباره گفتار خداوند که می فرماید: {خداوند شما را درباره سوگندهای بیهوده خود بازخواست نخواهد کرد}. (سوره بقره آیه ۲۲۵) فرمود: منظور از سوگند بیهوده، سخن انسان است که می گوید: «نه، به خدا سوگند!» و «آری، به خدا سوگند!»، اما بر چیزی عقده جاری نمی سازد.

ص: ۸۰۴

۱- . الكافي ج ۷ ص ۴۴۲ ح ۱۶.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۴۴۳ ح ۱.

۱- الشيخ عبد الله بن جعفر الحميري، بإسناده عن مسعده بن صدقة قال: سئل جعفر بن محمد صلوات الله عليهما عما قد يجوز و عما لما يجوز من النية على الأضمار في اليمين فقال إن النيات قد تجوز في موضع و لا تجوز في آخر فأما ما تجوز فيه فإذا كان مظلوماً فحلف به و نوى اليمين فعلى نية و أما إذا كان ظالماً فاليمين على نية المظلوم ثم قال و لو كانت النيات من أهل الفسوق يؤخذ بها أهلها إذا أخذ كحل من نوى الزنا بالزنا و كل من نوى السرقة بالسرقة و كل من نوى القتل بالقتل و لكن الله عذل كريم حكيم ليس الجور من شأنه و لكنه يثيب على نيات الخير أهلها و إضمارهم عليها و لما يؤخذ أهل الفسوق حتى يفعلوا. (۱)

مرحوم شیخ عبد الله بن جعفر حمیری، با سند خویش از مسعده بن صدقه روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره نیتی که جایز است و نیتی که جایز نیست - در مورد نیت سوگند - سؤال شد. حضرت فرمود: نیت ها در موردی جایز است و در موردی جایز نیست، اما موردی که نیت در آن جایز است، پس آن زمان است که شخص مظلوم باشد، پس هر سوگندی بخورد و نیت سوگند بدان بکند، بر همان نیتش خواهد بود؛ ولی اگر ظالم باشد، پس سوگند بر پایه نیت مظلوم است. سپس حضرت صلوات الله علیه فرمود: اگر نیت گنهکاران موجب شود که صاحبان آن بدان مواخذه شوند، هر کس که نیت زنا می کرد باید به زنا مواخذه شود و هر کس که نیت دزدی می کرد به دلیل دزدی گرفته شود و هر کس که نیت قتل می کرد به دلیل قتل گرفته شود، ولی خداوند عادل و کریم است و ستم در شأن او نیست و او بر اساس نیت های خیر و در دل گرفتن خیر، به اهل آن پاداش می دهد و فاسقان را تا انجام ندهند، مواخذه نمی کند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن إسماعيل بن سعد الأشعري عن أبي الحسن الرضا صلوات الله عليه قال: سألت عن رجل حلف و ضميره على غير ما حلف قال اليمين على الضمير. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسماعیل بن سعد اشعری روایت کرده که گفت: از حضرت امام رضا صلوات الله علیه پرسیدم: اگر انسان سوگندی یاد کند، اما زبانش با دلش یکی نباشد، (چه صورت دارد؟)

فرمود: سوگند براساس نیت قلبی است.

ص: ۸۰۵

۱- . قرب الاسناد ص ۶. بحار الانوار ج ۱۰۱ ص ۲۸۷ ح ۲۲.

۲- . الکافی ج ۷ ص ۴۴۴ ح ۲.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَا يَحْلِفُ الرَّجُلُ إِلَّا عَلَى عِلْمِهِ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از هشام بن سالم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: انسان فقط باید بر اساس علم و آگاهی خود سوگند یاد کند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ يُونُسَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَا يُسْتَحْلَفُ الرَّجُلُ إِلَّا عَلَى عِلْمِهِ وَ لَا يَقَعُ الَّتَمِيمُ إِلَّا عَلَى الْعِلْمِ أَسْتَحْلَفَ أَوْ لَمْ يُسْتَحْلَفَ. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از یونس از یکی از یارانش روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: از کسی، طلب سوگند نمی کنند، مگر بر اساس علم و آگاهی او. و سوگند واقع نمی شود، مگر در خصوص علم و آگاهی؛ چه از او سوگند بخواهند و چه سوگند نخواهند.

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: كُلُّ يَمِينٍ حَلَفَ عَلَيْهَا أَنْ لَا يَفْعَلَهَا مِمَّا لَهُ فِيهِ مَنَفَعَةٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَا كَفَّارَةَ عَلَيْهِ وَ إِنَّمَا الْكُفَّارَةُ فِي أَنْ يَحْلِفَ الرَّجُلُ وَ اللَّهُ لَا أَرْزَى وَ اللَّهُ لَا أَشْرَبُ الْخَمْرَ وَ اللَّهُ لَا أَسْرِقُ وَ اللَّهُ لَا أَخُونُ وَ أَشْبَاهَ هَذَا وَ لَا أَعْصِي ثُمَّ فَعَلَ فَعَلَيْهِ الْكُفَّارَةُ فِيهِ. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه فرمود: هر سوگندی که منفعت دنیایی و آخرتی داشته باشد و انسان سوگند یاد کند که آن را انجام ندهد کفاره ندارد کفاره در موردی است که انسان سوگند یاد کند که «به خدا قسم! مرتکب زنا نخواهم شد»، «به خدا قسم! شراب نخواهم نوشید»، «به خدا قسم! دزدی نخواهم کرد»، «به خدا قسم! خیانت نخواهم نمود» و مانند این ها، و «معصیت نخواهم کرد»، سپس آن را انجام دهد، کفاره به عهده اوست.

ص: ۸۰۶

۱- . الكافي ج ۷ ص ۴۴۵ ح ۱.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۴۴۵ ح ۴.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۴۴۷ ح ۸.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَمَّا يُكْفَرُ مِنَ الْأَيْمَانِ فَقَالَ مَا كَانَ عَلَيْكَ أَنْ تَفْعَلَهُ فَحَلَفْتَ أَنْ لَا تَفْعَلَهُ ثُمَّ فَعَلْتَهُ فَلَيْسَ عَلَيْكَ شَيْءٌ وَمَا لَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ وَاجِبًا أَنْ تَفْعَلَهُ فَحَلَفْتَ أَنْ لَا تَفْعَلَهُ ثُمَّ فَعَلْتَهُ فَعَلَيْكَ الْكَفَّارَةُ. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه پرسیدم: کدام سوگندها کفاره دارند؟

فرمود: آن کاری که انجام آن بر تو لازم بود و تو سوگند یاد کردی که آن را انجام ندهی، اما آن را انجام دهی، کفاره ندارد و آن کاری که انجام آن بر تو واجب نباشد و تو سوگند یاد کردی که آن را انجام ندهی، اما آن را انجام دهی، باید کفاره پردازی.

۷۳۹- درخواست سوگند از اهل کتاب

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: لَا يُحْلَفُ الْيَهُودِيُّ وَلَا النَّصْرَانِيُّ وَلَا الْمَجُوسِيُّ بِغَيْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «فَاخُكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ». (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از سلیمان بن خالد روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: یهودی، نصرانی و مجوسی را جز به نام خدا نمی توانند سوگند دهند. خداوند عز و جل می فرماید: {در میان یهود و نصارا به حکم آن چه خداوند نازل فرموده داوری کن}. (سوره مائده آیه ۵۲)

۷۴۰- کفاره سوگند

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي كَفَّارَةِ الْيَمِينِ يُطْعَمُ عَشْرَةَ مَسَاكِينَ لِكُلِّ مِسْكِينٍ مُدٌّ مِنْ حِنْطِهِ أَوْ مُدٌّ مِنْ دَقِيقٍ وَحَفْنَةٌ أَوْ كِسْوَتُهُمْ لِكُلِّ إِنْسَانٍ ثَوْبَانِ أَوْ عِنُقُ رَقَبَةٍ وَهُوَ فِي ذَلِكَ بِالْخِيَارِ أَيُّ الثَّلَاثَةِ صَبَّحَ فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى وَاحِدَةٍ مِنَ الثَّلَاثَةِ فَالصِّيَامُ عَلَيْهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ. (۳)

ص: ۸۰۷

۱- . الكافي ج ۷ ص ۴۴۷ ح ۹.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۴۵۱ ح ۴.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۴۵۱ ح ۱.

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از حلبی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره کفاره سوگند فرمود: باید ده نفر مسکین و بی نوا را خوراک دهد؛ برای هر مسکینی یک مد گندم یا یک مد آرد و یا ده نفر مسکین و بی نوا را لباس بپوشاند؛ برای هر مسکینی دو قواره ازار و ردا. و یا یک برده آزاد کند. هر یک از این سه کفاره انتخاب شود، کفایت می کند و اگر نتواند هیچ کدام از این سه نوع کفاره را بپردازد، باید سه روز روزه بگیرد.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن إسحاق بن عمار عن أبي إبراهيم صلوات الله عليه قال: سألتُه عن كفارة اليمين في قول الله عزَّ وَّ جَلَّ: «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ» مَا جِدَّ مَنْ لَمْ يَجِدْ وَإِنَّ الرَّجُلَ يَسْأَلُ فِي كَفِّهِ وَهُوَ يَجِدُ فَقَالَ إِذَا لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ فَضْلٌ عَنْ قُوتِ عِيَالِهِ فَهُوَ مِمَّنْ لَا يَجِدُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه پرسیدم: خداوند درباره کفاره سوگند می فرماید: {پس هر کس هیچ کدام از این ها را نیابد، باید سه روز روزه بگیرد}. (سوره مائده آیه ۹۱) حد این نیافتن و نداشتن چیست؟ برخی هستند که گدایی می کنند، اما می توانند ده مسکین را اطعام کنند.

فرمود: در صورتی که از خوراک خانواده اش بیشتر نداشته باشد، می تواند روزه بگیرد.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي جميلة عن أبي عبيد الله صلوات الله عليه قال: في كفارة اليمين عتق رقبة أو إطعام عشرين مساكين «من أوسط ما تطعمون أهليكم أو كسوتهم» و الأوسط الخُلُّ و الزَّيْتُ و أَرْفَعَةُ الخُبْزِ و اللَّحْمُ و الصَّدَقَةُ مِئِدٌ مِئِدٌ مِنْ حِنْطِهِ لِكُلِّ مِسْكِينٍ و الكسوة ثوبان فمن لم يجد فعليه الصيام يقول الله عزَّ وَّ جَلَّ: «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ». (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو جمیله روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: کفاره سوگند، آزادی برده، یا اطعام ده فقیر در حد وسط غذایی که به خانواده خود می خورانید و یا پوشاندن آن هاست حد وسط، سرکه و روغن زیتون و بالاترین درجه آن، نان و گوشت است. صدقه، یک

ص: ۸۰۸

۱- . الکافی ج ۷ ص ۴۵۲ ح ۲.

۲- . الکافی ج ۷ ص ۴۵۲ ح ۵.

مدّ گندم برای هرقفیر و پوشاندن، دو لباس است. پس هر کس نتوانست، روزه به عهده او خواهد بود. خداوند عزّ و جل می فرماید: {پس هر کس هیچ کدام از این ها را نیابد، سه روز روزه بگیرد}. (سوره مائده آیه ۹۱)

۴- الشيخ الكليني، بإسناده عن السكوني عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه: إن لم يجد في الكفاره إلا الرجل والرجلين فليكرز عليهما حتى يستكمل العشرة يعطيهم اليوم ثم يعطيهم غداً. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از سکونی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود: اگر در کفاره فقط یک یا دو مرد فقیر یافت، پس باید اطعام را بر آن ها تکرار کند، تا این که ده اطعام، کامل گردد. به این صورت که امروز به آن ها غذا می دهد، سپس فردا نیز به آنان غذا می دهد.

۵- الشيخ الكليني، بإسناده عن غياث بن إبراهيم عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: لا يُجزئ إطعام الصغیر في كفاره اليمين و لكن صغیرین بکبیر. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از غیاث بن ابراهیم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: در مورد کفاره سوگند، اطعام به بچه خردسال کفایت نمی کند، اما دو بچه خردسال در عوض یک بزرگسال کفایت می کند.

۶- الشيخ الكليني، بإسناده عن أبي خالد القمّاط أنه سمع أبا عبد الله صلوات الله عليه يقول: من كان له ما يطعم فليس له أن يصوم عشرة مساکين مداً مداً فمن لم يجد فصيام ثلاثة أيام. (۳)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از ابو خالد قمّاط روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: هر کس که توانایی اطعام دارد، حق ندارد روزه بگیرد؛ ده فقیر را هر کدام یک مد اطعام می کند. پس هر کس نتوانست، سه روز، روزه بگیرد.

۷- الشيخ الكليني، بإسناده عن زرارة عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال: سألت عن شيء من كفاره اليمين فقال يصوم ثلاثة أيام قلت إنه ضعف عن الصوم وعجز قال يتصدق على

ص: ۸۰۹

۱- . الكافي ج ۷ ص ۴۵۳ ح ۱۰.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۴۵۴ ح ۱۲.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۴۵۴ ح ۱۳.

عَشْرَةَ مَسَاكِينَ قُلْتُ إِنَّهُ عَجَزَ عَنِ ذَلِكَ قَالَ فَلْيَسْتَغْفِرِ اللَّهَ وَلَا يَعُدَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْكُفَّارَةِ وَأَقْصَاهُ وَأَذْنَاهُ فَلْيَسْتَغْفِرْ رَبَّهُ وَ يُظْهِرْ تَوْبَهُ وَ نَدَامَهُ. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از زراره روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه در مورد بخشی از کفاره پرسیدم.

فرمود: سه روز، روزه می گیرد.

گفتم: او از روزه گرفتن عاجز و ناتوان است.

فرمود: به ده فقیر صدقه دهد.

گفتم: از این کار نیز عاجز است.

فرمود: پس باید از خداوند طلب آموزش کند و دیگر این کار را تکرار نکند؛ زیرا که با فضیلت ترین کفاره و بالاترین و پایین ترین درجه آن است. که باید از پروردگارش آموزش بطلبد و توبه و پشیمانی خود را آشکار سازد.

۷۴۱- نذرها

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن منصور بن حازم عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: إذا قال الرجل على المشي إلى بيت الله و هو مُحْرِمٌ بِحَجِّهِ أَوْ عَلَى هِدْيٍ كَذَا وَ كَذَا فَلَيْسَ بِشَيْءٍ حَتَّى يَقُولَ لِلَّهِ عَلَى الْمَشْيِ إِلَى بَيْتِهِ أَوْ يَقُولَ لِلَّهِ عَلَى أَنْ أُحْرِمَ بِحَجِّهِ أَوْ يَقُولَ لِلَّهِ عَلَى هِدْيٍ كَذَا وَ كَذَا إِنْ لَمْ أَفْعَلْ كَذَا وَ كَذَا. (۲)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از منصور بن حازم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: اگر کسی در حال احرام باشد و بگوید: بر عهده من است؛ که تا خانه خدا پیاده بروم یا چند قربانی تقدیم کنم، این تعهد بی اثر است، مگر که بگوید: اگر فلان کار را انجام ندهم، برای خدا تعهد می کنم که تا خانه کعبه پیاده بروم؛ یا احرام حج بپوشم، یا چند قربانی تقدیم کنم.

ص: ۸۱۰

۱- الكافي ج ۷ ص ۴۵۳ ح ۱۱.

۲- الكافي ج ۷ ص ۴۵۴ ح ۱.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ رَجُلٍ قَالَ عَلَيَّ نَذْرٌ قَالَ لَيْسَ النَّذْرُ بِشَيْءٍ حَتَّى يُسْمَى شَيْئًا لِلَّهِ صِيَامًا أَوْ صَدَقَةً أَوْ هَدِيًّا أَوْ حَجًّا. (۱)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو صباح کنانی روایت کرده که گفت: از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه درباره مردی که می گوید: نذری به عهده ام باشد پرسیدم.

فرمود: نذر، محقق نمی شود، تا این که چیزی را برای خداوند نام ببرد؛ روزه ای، یا صدقه ای، یا هدیه به کعبه ای، و یا انجام حجی.

۳- الشيخ الكليني، بإسناده عن جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ: كُلُّ مَنْ عَجَزَ عَنْ نَذْرِ نَذْرَهُ فَكَفَّارَتُهُ كَفَّارَةُ يَمِينٍ. (۲)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از جميل بن صالح روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه فرمود: هر کس نتواند نذری را که نموده انجام دهد، پس کفاره آن کفاره سوگند است.

۷۴۲- چند روایت نکته دار

۱- الشيخ الكليني، بإسناده عن أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: مَنْ عَجَزَ عَنِ الْكَفَّارَةِ الَّتِي تَجِبُ عَلَيْهِ صَوْمٍ أَوْ عَتَقٍ أَوْ صَدَقَةٍ فِي يَمِينٍ أَوْ نَذْرٍ أَوْ قَتْلٍ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ مِمَّا يَجِبُ عَلَى صَاحِبِهِ فِيهِ الْكَفَّارَةُ فَلَا يَسْتِغْفَرُ لَهُ كَفَّارَةٌ مَا خَلَا يَمِينَ الظَّهَارِ فَإِنَّهُ إِذَا لَمْ يَجِدْ مَا يُكْفِّرُ حَرَمَ عَلَيْهِ أَنْ يُجَامِعَهَا وَفُرْقَ بَيْنَهُمَا إِلَّا أَنْ تَرْضَى الْمَرْأَةُ أَنْ تَكُونَ مَعَهُ وَلَا يُجَامِعَهَا. (۳)

مرحوم شيخ كليني، با سند خویش از ابو بصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هر کس از کفاره ای که بر او واجب شده است مانند روزه گرفتن یا برده آزاد کردن یا صدقه دادن، درباره سوگند، یا نذری یا قتلی یا غیر این ها که بر صاحب خود کفاره لازم می کند عاجز و ناتوان شود کفاره او جز در سوگند ظهار استغفار خواهد بود. پس هر گاه چیزی نیافت که کفاره دهد، آمیزش با همسرش بر او

ص: ۸۱۱

۱- . الكافي ج ۷ ص ۴۵۴ ح ۲.

۲- . الكافي ج ۷ ص ۴۵۷ ح ۱۷.

۳- . الكافي ج ۷ ص ۴۶۱ ح ۵.

حرام می گردد و بین آن ها جدایی می اندازند مگر این که همسرش راضی شود که با او باشد، در حالی که با او آمیزش نکند.

۲- الشيخ الكليني، بإسناده عن إسماعيل بن عمار عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: الظهار إذا عجز صياحه عن الكفارة فليس تغفر ربه و ينوي أن لا يعود قبل أن يواقع ثم ليوافق وقد أجزأ ذلك عنه من الكفارة فإذا وجد السبيل إلى ما يكفر يوماً من الأيام فليكفر وإن تصدق و أطعم نفسه و عياله فإنه يجزئه إذا كان محتاجاً و إن لم يجد ذلك فليس تغفر ربه و ينوي أن لا يعود فحسبه ذلك و الله كفارة. (۱)

مرحوم شیخ کلینی، با سند خویش از اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: هرگاه شخصظهارکننده از پرداخت کفاره عاجز گردد، پس باید پیش از آمیزش از پروردگارش آمرزش بخواهد و نیت کند که دیگر مرتکبظهارنشود، سپس آمیزش کند. و همین، برای او از کفاره کافی خواهد بود پس هرگاه در روزی از روزها چاره ای پیدا کرد که کفاره دهد، باید کفاره دهد. و اگر صدقه دهد و به خود و خانواده اش اطعام کند، برایش کافی است؛ هنگامی که نیازمند باشد. و هرگاه چنین چیزی نیافت، از پروردگار خود بخواهد که او را بیامرزد و نیت کند که دیگر تکرار نکند. پس به خدا سوگند! همین عمل، از جهت کفاره برای او کافی است.

توضیح: وجه جمع بین این دو روایت در مسئله کفارهظهاراین خواهد بود که زمانی که مرد از پرداخت کفاره ناتوان بود و اگر همسرش بخواهد که در کنارش بماند و همچنین راضی به آمیزش باشد پس در چنین حال آن مرد توبه و استغفار کرده، حق آمیزش با همسرش را خواهد داشت البته با توجه به بقیه مفاد حدیث دوم.

۷۴۳- تسلیم احادیث و روایات ائمه معصومین صلوات الله علیهم باشیم

۱- الشيخ سعد بن عبد الله القمي، بإسناده عن الحسين بن المختار القلنسي، عن أبي عبد الله صلوات الله عليه قال: يهلك أصحاب الكلام، و ينجو المسلمون، إن المسلمین هم النجباء. (۲)

ص: ۸۱۲

۱- الكافي ج ۷ ص ۴۶۱ ح ۶.

۲- مختصر بصائر الدرجات ص ۲۲۲ ح ۵. بحارالانوار ج ۲ ص ۱۳۲ ح ۲۲

مرحوم سعد بن عبدالله قمی، با سند خویش از حسین بن مختار قلانسی روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: اصحاب کلام هلاک می شوند و تسلیم شوندگان نجات می یابند، به راستی که تسلیم شوندگان همان بزرگان والاتبارند.

۲- الشيخ محمد بن الحسن الصفار، بإسناده عن أبي عبيدة الحذاء عن أبي جعفر صلوات الله عليه قال سمعته يقول أما والله إن أحب أصحابي إلي أوزعهم وأفقههم وأكثهم لحديثنا وإن أسوأهم عندي حالاً وأمقتهم إلي الذي إذا سمع الحديث ينسب إلينا ويؤوي عنا فلم يعقله ولم يقبله قلبه أشمأز منه وجرده وكفر بمن دان به وهو لا يدري لعل الحديث من عندنا خرج وإلينا أسند فيكون بذلك خارجاً من ولايتنا. (۱)

مرحوم شیخ محمد بن حسن صفار، با سند خویش از ابو عبیده حذاء روایت کرده که گفت: از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه شنیدم که می فرمود: آری به خدا قسم همانا بهترین اصحاب من، باورع ترین و فقیه ترین و پوشاننده ترین ایشان بر حدیث ماست، همانا بدحال ترین من در نزد من و هلاک شده ترین آنان برای من کسی است که زمانی حدیثی را بشنود که به ما نسبت داده می شود و از ما روایت می گردد و آن را نمی فهمد و قبول نمی کند از آن نفرت کند و بدش بیاید و آن را انکار کند و کافر شود به آن که اعتقاد داشته است، در حالی که او نمی داند شاید این حدیث از طرف ما بیرون آمده است و به ما سند داده شده است، پس همین باعث می شود که از ولایت ما خارج شود.

۳- الشيخ سعد بن عبد الله القمي، بإسناده عن سدير، قال: قلت لأبي جعفر صلوات الله عليه: إنني تركت مواليك مختلفين يبرأ بعضهم من بعض، فقال: وما أنت وذاك، إنما كلف الله الناس ثلاثاً: معرفه الأئمة صلوات الله عليهم، والتسليم لهم فيما ورد عليهم، والرد إليهم فيما اختلفوا فيه. (۲)

مرحوم سعد بن عبدالله قمی، با سند خویش از سدید صیرفی روایت کرده که گفت: به حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه عرض کردم: من دوستان شما را در حالی ترک گفتم (و به سوی شما آمدم) که اختلاف داشتند و از یک دیگر بیزار می جستند.

ص: ۸۱۳

۱- بصائر الدرجات ص ۵۵۷ ح ۲. بحار الانوار ج ۲ ص ۱۸۶ ح ۱۲.

۲- مختصر بصائر الدرجات ص ۲۲۷ ح ۱۸. بحار الانوار ج ۲ ص ۲۰۲ ح ۷۴.

حضرت فرمود: تو را با وضع آن ها چه کار؟ همانا مردم سه تکلیف دارند: شناختن ائمه صلوات الله عليهم و تسلیم بودن در برابر آن ها و ارجاع اختلافات خود به ایشان.

۴- الشيخ محمد بن الحسن الصفار، بإسناده عن سفيان بن السمط قال: قلت لأبي عبد الله صلوات الله عليه جعلت فداك إن الرجل ليأتينا من قبلك فيخبرنا عنك بالعظيم من الأمر فيصيق بذلك صدورنا حتى نكذبه قال فقال أبو عبد الله صلوات الله عليه أليس عنى يحيدتكم قال قلت بلى قال فيقول للليل إنه نهار وللنهار إنه ليل قال فقلت له لا قال فقال رده إنا فإنك إن كذبت فإنا نكذبنا. (۱)

مرحوم شیخ محمد بن حسن صفار، با سند خویش از سفیان بن سمط روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه گفتم: فدایت شوم مردی از طرف شما به نزد ما می آید و از شما به ما امر بزرگی را خبر می دهد، سینه های ما از این خبر تنگ می شود تا جایی که آن خبر را تکذیب می کنیم، حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: آیا مگر از سوی من به شما حدیث نمی گوید؟ گفتم: بلی، فرمود: آیا به شب می گوید روز است و به روز می گوید شب است؟ گفتم: نه، فرمود: پس آن حدیث را به ما برگردانید، تو اگر آن را تکذیب کنی همانا که ما را تکذیب کرده اید.

۵- الشيخ محمد بن الحسن الصفار، بإسناده عن علي بن سويد السائي عن أبي الحسن صلوات الله عليه أنه كتب إليه في رساله و لا تقل لما بلغك عنا أو نسب إنا هذا باطل وإن كنت تعرف خلفه فإنك لا تدري لم قلنا و على أي وجه و صفه. (۲)

مرحوم شیخ محمد بن حسن صفار، با سند خویش از علی بن سويد سائی روایت کرده که گفت: حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه به او نامه ای نوشت: و بر چیزی که از ما به تو رسیده است و به ما نسبت داده شده است نگو: این باطل است، اگر چه خلاف آن را بدانی، تو نمی دانی برای چه ما آن را گفته ایم و برای چه جهت و صفتی گفته ایم!

ص: ۸۱۴

۱- بصائر الدرجات ص ۵۵۷ ح ۳. بحار الانوار ج ۲ ص ۱۸۷ ح ۱۴.

۲- بصائر الدرجات ص ۵۵۷ ح ۲. بحار الانوار ج ۲ ص ۱۸۶ ح ۱۱.

۶- الشيخ الصدوق، بإسناده عن أبي بصير عن أحدِهِمَا صلوات الله عليهما قال: لا تُكذِّبُوا بِحَدِيثِ آتَاكُمْ مُرَجِّئِي وَ لَا قَدْرِي وَ لَا خَارِجِي نَسَبَهُ إِلَيْنَا فَإِنَّكُمْ لَا تَدْرُونَ لَعَلَّهُ شَيْءٌ مِنَ الْحَقِّ فَتُكذِّبُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَوْقَ عَرْشِهِ. (۱)

مرحوم شیخ صدوق، با سند خویش از ابوبصیر روایت کرده که گفت: حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه یا حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: تکذیب نکنید حدیثی را که مرجئی و یا قدری و یا خارجی آورده است و به ما نسبت می دهد، شما نمی دانید شاید آن حدیث چیزی از حق باشد پس شما (اگر آن را حدیث را رد کنید) خدا را بر بالای عرش او تکذیب کرده اید.

۷- الشيخ سعد بن عبد الله القمي، بإسناده عن أبي أسامة زَيْدِ الشَّحَامِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله عليه قال: قُلْتُ لَهُ: إِنَّ عِنْدَنَا رَجُلًا يُسَمِّي كَلْبِيًّا لَا يَخْرُجُ عَنْكُمْ حَدِيثٌ وَ لَا شَيْءٌ إِلَّا قَالَ: أَنَا أُسَيْلِمٌ، فَسَمَّيْنَاهُ: كَلْبِيًّا يُسَلِّمٌ. قَالَ: فَتَرَحَّمْ عَلَيْهِ وَ قَالَ: أَ تَدْرُونَ مَا التَّسْلِيمُ؟ فَسَكَّنْتَنَا، فَقَالَ: هُوَ وَ اللَّهُ الْإِحْبَاتُ، قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَحْبَبُوا إِلَى رَبِّهِمْ». (۲)

مرحوم سعد بن عبدالله قمی، با سند خویش از زید شحام روایت کرده که گفت: به حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه عرض کردم: نزد ما مردی است که نامش کلبی است، او هر حدیثی که از شما می رسد، می گوید من تسلیمم، از این رو ما او را کلبی تسلیم نامیده ایم.

حضرت به او رحمت فرستاد و سپس فرمود: می دانید تسلیم چیست؟ - ما سکوت کردیم - (خود حضرت) فرمود: به خدا قسم تسلیم، فروتنی است خداوند می فرماید: {کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و در برابر پروردگارشان فروتنی و خشوع کردند}. (سوره هود آیه ۲۳)

۸- الشيخ سعد بن عبد الله القمي، بإسناده عن إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ، عَمَّنْ حَدَّثَهُ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صلوات الله عليه قال: قَالَ: مَا عَلَى أَحَدِكُمْ إِذَا بَلَغَهُ عَنَّا حَدِيثٌ لَمْ يُعْطَ مَعْرِفَتَهُ أَنْ يَقُولَ: الْقَوْلُ قَوْلُهُمْ، فَيَكُونَ قَدْ آمَنَ بِسِرِّنَا وَ عَلَانِيَتِنَا. (۳)

ص: ۸۱۵

۱- . علل الشرائع ص ۳۹۵ ح ۱۳. بحارالانوار ج ۲ ص ۱۸۷ ح ۱۶.

۲- . مختصر بصائر الدرجات ص ۲۳۰ ح ۲۵. بحارالانوار ج ۲ ص ۲۰۳ ح ۸۰.

۳- . مختصر بصائر الدرجات ص ۲۳۳ ح ۳۱. تفسیر البرهان ج ۵ ص ۸۶۳ ح ۲۱.

مرحوم سعد بن عبد الله قمی، با سند خویش از اسماعیل بن مهران از یکی از راویان روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: برای یکی از شما چه اشکالی دارد هنگامی که حدیثی از ما به او رسید و در مورد آن شناختی نداشت بگوید: کلام (من در این مورد) کلام اهل بیت صلوات الله علیهم است، پس به نهان و آشکار ما ایمان آورده است.

۹- الشيخ المفید، یاسناده عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: إِنَّا لَنَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ لَهَا سَبْعُونَ وَجْهًا لَنَا مِنْ كُلِّهَا الْمَخْرُجُ. (۱)

مرحوم شیخ مفید، با سند خویش از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه فرمود: من بر هفتاد صورت سخن می گویم، برای من از همه آنها راه خروج است.

۱۰- الشيخ سعد بن عبد الله القمی، یاسناده عن مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ، قَالَ: أَقْرَأَنِي دَاوُدُ بْنُ فَرْقَدٍ كِتَابَهُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَعْرَفَهُ بِخَطِّهِ، يَسْأَلُهُ عَنِ الْعِلْمِ الْمَنْقُولِ إِلَيْنَا عَنْ آبَائِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَ أَحَادِيثُ قَدْ اخْتَلَفُوا عَلَيْنَا فِيهَا، فَكَيْفَ الْعَمَلُ بِهَا عَلَى اخْتِلَافِهَا؟ وَ الرَّدُّ إِلَيْكَ وَ قَدْ اخْتَلَفُوا فِيهِ؟ فَكَتَبْتُ إِلَيْهِ - وَ قَرَأْتُهُ: مَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ قَوْلُنَا فَالْزُمُوهُ، وَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا بِهِ فَرُدُّوهُ إِلَيْنَا. (۲)

مرحوم سعد بن عبد الله قمی، با سند خویش از محمد بن عیسی بن عبید روایت کرده که گفت: داود بن فرقد نامه ای که به حضرت امام هادی صلوات الله علیه نوشته بود و جواب آن حضرت به خط خویش را برایم خواند. پرسیده بود: درباره علمی که از آبا و اجداد [بزرگوار] شما صلوات الله علیهم به اختلاف به ما می رسد چه کنیم که چون با اختلاف نقل شده، به شما برگردانیم؟ نوشته حضرت امام هادی صلوات الله علیه در پاسخ که من آن را خواندم این بود: آنچه را می دانید سخن ما است، به آن عمل کنید، و آنچه را نمی دانید به ما برگردانید (و رد نکنید).

۱۱- فِي الْأَرْبَعِيَّاتِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِذَا سَمِعْتُمْ مِنْ حَيْدِثِنَا مَا لَا تَعْرِفُونَ فَرُدُّوهُ إِلَيْنَا وَ قِفُوا عِنْدَهُ وَ سَأَلُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمْ الْحَقُّ وَ لَا تَكُونُوا مَذَائِيعَ عَجَلَى. (۳)

ص: ۸۱۶

۱- الإختصاص (للمفید) ص ۳۰۰. بحارالانوار ج ۲ ص ۱۹۸ ح ۵۳.

۲- مختصر بصائر الدرجات ص ۲۲۹ ح ۲۳. بحارالانوار ج ۲ ص ۲۴۱ ح ۳۳.

۳- بحارالانوار ج ۲ ص ۱۸۹ ح ۲۰.

در چهارصد حدیث که از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه روایت شده است آمده است فرمود: زمانی که شنیدید از احادیث ما چیزی را که نمی فهمید آن را به ما برگردانید و واگذارید، و در کنار آن توقف کنید، و تسلیم شوید تا حق برای شما آشکار و بیان شود، و با شتاب آن را ضایع و علنی نکنید.

۱۲- الشیخ سعد بن عبد الله القمی، بإسناده عن الفضیل بن یسار، قال: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَا وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ فَقُلْنَا: مَا لَنَا وَ لِلنَّاسِ، بِكُمْ وَ اللَّهُ تَأْتُمْ، وَ عَنْكُمْ نَأْخُذُ، وَ لَكُمْ وَ اللَّهُ يُسَلِّمُ، وَ مَنْ وَلَّيْتُمْ وَ اللَّهُ تَوَلَّيْنَا، وَ مَنْ بَرَّيْتُمْ مِنْهُ بَرَّيْنَا مِنْهُ، وَ مَنْ كَفَّيْتُمْ عَنْهُ كَفَفْنَا عَنْهُ.

فَرَفَعَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ: وَ اللَّهُ هَذَا هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ. (۱)

مرحوم سعد بن عبد الله قمی، با سند خویش از فضیل بن یسار روایت کرده که گفت: من و محمد بن مسلم بر حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه وارد شده و گفتیم: ما را به مردم چه کار، به خدا قسم ما از شما (اهل بیت صلوات الله علیهم) پیروی می کنیم و از شما (مسائل دین خود را) می گیریم، و به خدا قسم تسلیم و فرمانبردار شمایم، و هر کس شما را دوست بدارد به خدا قسم او را دوست داریم و هر کس از شما براءت جوید از او براءت جویم، و هر کس از شما دست کشد از او دست می کشیم.

حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه دست مبارک خویش را به آسمان بالا برده و فرمود: به خدا قسم این همان حق آشکار است.

این کتاب در روز جمعه به تاریخ ۲۸ ماه صفر سال ۱۴۴۲ هجری قمری که برابر است با ۲۵ ماه مهر (میزان) سال ۱۳۹۹ هجری شمسی به پایان رسید الحمد لله.

و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و لعنه الله علی اعدائهم اجمعین

ص: ۹۴۱

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

